

تفسیر مختصر قرآن کریم

ترجمه فارسی المختصر في التفسير

تالیف:

گروهی از مفسران

عنوان کتاب:	تفسیر مختصر قرآن کریم
عنوان اصلی:	المختصر في التفسير
تألیف:	گروهی از مفسران
موضوع:	تفسیر
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	مهر (میزان) ۱۳۹۷ هـ ش - محرم ۱۴۴۰ هـ ق
منبع:	کتابخانه قلم www.qalamlib.com



این کتاب از سایت کتابخانه قلم دانلود شده است.

www.qalamlib.com

book@qalamlib.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.qalamlib.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact.mowahedin.com

محتوای این کتاب لزوماً بیانگر دیدگاه سایت کتابخانه قلم نمی‌باشد؛ بلکه بیانگر دیدگاه نویسنده آن است.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

١	مقدمه‌ی چاپ سوم
٥	سوره الفاتحة
٨	سوره البقرة
١٣٧	سوره آل عمران
٢١٢	سوره النساء
٢٨٤	سوره المائدة
٣٣٨	سوره الأنعام
٤٠١	سوره الأعراف
٤٧٥	سوره الأنفال
٥٠٥	سوره التوبة
٥٥٩	سوره یونس
٥٩٨	سوره هود
٦٣٨	سوره یوسف
٦٧٥	سوره الرعد
٦٩٣	سوره ابراهیم

٧١٣	سوره الحجر
٧٢٩	سوره النحل
٧٧٣	سوره الإسراء
٨٠٧	سوره الكهف
٨٤٢	سوره مريم
٨٦٣	سوره طه
٨٩٣	سوره الأنبياء
٩٢٠	سوره الحج
٩٤٨	سوره المؤمنون
٩٧٢	سوره النور
٩٩٧	سوره الفرقان
١٠١٨	سوره الشعراء
١٠٤٩	سوره النمل
١٠٧١	سوره القصص
١١٠٠	سوره العنكبوت
١١١٩	سوره الروم
١١٣٨	سوره لقمان
١١٤٩	سوره السجدة
١١٥٧	سوره الأحزاب

۱۱۸۴	سوره سبأ.
۱۲۰۲	سوره فاطر.
۱۲۱۸	سوره یس.
۱۲۳۶	سوره الصافات.
۱۲۶۳	سوره ص.
۱۲۷۸	سوره الزمر.
۱۳۰۲	سوره غافر.
۱۳۲۸	سوره فصلت.
۱۳۴۵	سوره الشوری.
۱۳۶۱	سوره الزخرف.
۱۳۸۲	سوره الدخان.
۱۳۹۱	سوره الجاثية.
۱۴۰۱	سوره الأحقاف.
۱۴۱۴	سوره محمد.
۱۴۲۶	سوره الفتح.
۱۴۳۶	سوره الحُجرات.
۱۴۴۴	سوره ق.
۱۴۵۱	سوره الذاریات.
۱۴۶۱	سوره الطور.

١٤٦٩	سوره النَّجْمِ
١٤٧٨	سوره القمر
١٤٨٧	سوره الرحمن
١٤٩٩	سوره الواقعة
١٥١٠	سوره الحديد
١٥٢٢	سوره المجادلة
١٥٣٢	سوره الحَشْرِ
١٥٤٠	سوره الْمُتَحَنِّة
١٥٤٦	سوره الصَّفِّ
١٥٥١	سوره الْجُمُعَةِ
١٥٥٥	سوره المنافقون
١٥٥٩	سوره التغابن
١٥٦٤	سوره الطَّلَاقِ
١٥٦٩	سوره التَّحْرِيمِ
١٥٧٤	سوره المُكِّ
١٥٨١	سوره القلم
١٥٨٨	سوره الحَاقَّةِ
١٥٩٤	سوره المَعَارِجِ
١٦٠٠	سوره نوح

١٦٠٦	سوره الجن
١٦١٢	سوره المزمل
١٦١٥	سوره المدثر
١٦٢٣	سوره القيامة
١٦٢٨	سوره الإنسان
١٦٣٤	سوره المرسلات
١٦٤١	سوره النبأ
١٦٤٦	سوره النازعات
١٦٥٣	سوره عبس
١٦٥٨	سوره التكوير
١٦٦٢	سوره الانفطار
١٦٦٤	سوره المطففين
١٦٧٠	سوره الانشقاق
١٦٧٤	سوره البروج
١٦٧٨	سوره الطارق
١٦٨٠	سوره الأعلى
١٦٨٣	سوره الغاشية
١٦٨٦	سوره الفجر
١٦٩١	سوره البكدة

- سوره الشَّمْسُ ١٦٩٤
- سوره اللَّيْلِ ١٦٩٦
- سوره الضُّحَى ١٦٩٩
- سوره الشَّرْح ١٧٠١
- سوره التِّين ١٧٠٢
- سوره العَلَق ١٧٠٤
- سوره القَدْر ١٧٠٧
- سوره البَيِّنَة ١٧٠٨
- سوره الزَّلْزَلَة ١٧١٠
- سوره العَادِيَات ١٧١١
- سوره القَارِعَة ١٧١٣
- سوره النَّكَات ١٧١٥
- سوره العَصْرِ ١٧١٧
- سوره الهُمَزَة ١٧١٧
- سوره الفِيل ١٧١٩
- سوره قُرَيْش ١٧٢٠
- سوره المَاعُون ١٧٢٠
- سوره الكَوْثَر ١٧٢١
- سوره الكَافِرُون ١٧٢٣

۱۷۲۴	سوره النَّصْرِ
۱۷۲۴	سوره الْمَسَدِ
۱۷۲۶	سوره الْإِخْلَاصِ
۱۷۲۶	سوره الْفَلَقِ
۱۷۲۷	سوره النَّاسِ
۱۷۲۹	اصطلاحات ضبط [قواعد درست خوانی]
۱۷۳۵	نشانه‌های وقف
۱۷۳۶	مرکز پژوهش‌های قرآنی تفسیر

مقدمه‌ی چاپ سوم

تمام شکر و سپاس‌ها مخصوص پروردگار است که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد و هیچ نوع کجی و انحرافی در آن ننهاده. و درود و سلام بر پیامبرمان؛ محمد مصطفی ﷺ و بر خاندان و اصحابش و پیروان نیک‌شان تا روز قیامت باد.

با یاری و توفیق الله متعال، تلاش مفسران برای تفسیر و بیان معانی کلام الهی، در هر دوره‌ای رو به پیشرفت بوده و از همان قرون نخستین اسلامی، یکی از اهداف دانشمندان در نگارش تفاسیر، نزدیک ساختن مفاهیم آیات قرآن به ذهن عموم خوانندگان؛ با دوری از تفصیل و اطاله‌ای که مانع اتمام آن شود و نیز پرهیز از آوردن عبارات دشوار که مخاطبان را از رسیدن به معنا باز دارد، بوده است. این نیاز، پیوسته با تجدید زندگی مردم و تنوع سطوح فرهنگی، دستخوش تغییر و تجدید شده و هر مفسری در راستای تحقق این هدف، قصد داشته که تفسیرش را متناسب با شرایط مردم زمانه خویش بنگارد و نیازهای آنها را پاسخ گوید و نیز با زبان و معارف آنها هماهنگ باشد و تلاش نموده به اندازه اجتهاد و علم خویش، اشتباهات و کوتاهی‌های پیشینیان را در بیان یک عبارت یا ترجیح برخی معانی و یا توضیح نوعی ابهام، جبران و اصلاح کند. برخی از مفسران، چنان در اختصارنویسی مبالغه نموده‌اند، که تفاسیرشان نیاز به شروح و حواشی دارد و در مقابل، گروهی از آنها، در بیان مطالبی که هیچ ارتباطی با تفسیر نداشته، زیاده‌روی نموده و تفاسیری بسیار طولانی نوشته‌اند. هر یک از این تفاسیر، محاسن و رویکردهایی دارد که سبب روی آوردن مردم به آن شده است.

از دیدگاه «مرکز تفسیر للدراسات القرآنیة؛ مرکز پژوهش‌های قرآنی تفسیر»، امروزه نیز مردم به تفسیر مختصری با ویژگی‌های زیر نیاز دارند:

وضوح و سادگی عبارت؛

- اکتفا بر تفسیر و بیان معانی آیات بدون ورود در مسائل مربوط به قرائت‌ها، اعراب، فقه و امثال آنها؛
- شرح واژگان کمیاب و ناآشنای قرآنی در لابلای تفسیر و - در حدّ توان - مشخص نمودن این توضیحات با رنگی متمایز تا دسترسی بر آنها برای جویندگان، آسان باشد؛

- پیروی از روش سلف صالح در ارائه تفسیر - به‌ویژه در بیان معانی آیات مربوط به صفات الهی - بر اساس قرآن و سنت و دوری از تأویل و تحریف؛
- در صورت اختلاف، تحقیق و تعیین معنای ارجح با رعایت شروط تفسیر و قوانین ترجیح؛
- بیان برخی از فواید و آموزه‌های آیات با عنوان «برخی فواید آیات» در پایین هر صفحه؛ تا کمکی برای تدبیر بیشتر و استفاده کامل از آنها باشد؛
- آوردن مقدمه‌ای در ابتدای هر سوره برای بیان زمان نزول - مکی یا مدنی بودن - و نیز بیان مختصر مهم‌ترین اهداف و مقاصد سوره؛
- جمع‌آوری کل مطالب قبلی و نگارش آنها در حاشیه مصحف شریف؛ در این چاپ - سوم -، بر آخرین چاپ از مصحف مدینه نبوی که «انجمن ملک فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره»، آن را صادر کرده، تکیه داریم؛ تا خواننده قرآن بتواند با آسان‌ترین روش، کلام الهی را بفهمد.

«مرکز پژوهش‌های قرآنی تفسیر»، شیخ سید محمد بن محمد مختار شنقیطی را مسؤول نگارش متن اولیه تفسیر نمود؛ چنان‌که نگارش فواید و راهنمایی‌های آیات نیز به او و استاد دکتر زید بن عمر عیص - استاد سابق پژوهش‌های قرآنی در دانشگاه ملک سعود - سپرده شد و آن دو نفر مشترکاً در این زمینه شرکت داشتند. همچنین نوشتن مقاصد و اهداف سوره‌ها، به شیخ دکتر محمد بن عبدالله ربیع - دانشیار گروه علوم قرآنی در دانشگاه قصیم - سپرده شد.

سپس مرکز مذکور، گروهی از مفسران مورد اعتماد و شایسته در این زمینه را از کشورهای مختلف اسلامی، برای بازبینی، اصلاح تفسیر و تکمیل صحتش، در طول نگارش و مرحله به مرحله، انتخاب نمود و هر یک از آنها، اجزای جداگانه این تفسیر را بررسی و تأیید نمودند تا کامل گردید که شامل افراد زیر بودند:

۱. استاد دکتر احمد خالد شکری (دانشگاه اردن: اردن)؛
۲. استاد دکتر احمد سعد خطیب (دانشگاه الأزهر: مصر)؛
۳. استاد دکتر احمد بزوی ضاوی (دانشگاه شعیب دکالی: مغرب)؛
۴. دکتر حسین بن علی حربی (دانشگاه جازان: عربستان سعودی)؛
۵. دکتر خالد بن عثمان السبیت (دانشگاه دمّام: عربستان سعودی)؛
۶. استاد دکتر سعید فلاح (دانشگاه زیتونیّه: تونس)؛

۷. استاد دکتر صالح بن یحیی صواب (دانشگاه صنعاء: یمن)؛
۸. استاد دکتر غانم قدوری حمد (دانشگاه تکریت: عراق)؛
۹. دکتر محمد بن عبدالله قحطانی (دانشگاه ملک خالد: عربستان سعودی).
- وظیفه نظارت علمی بر این پروژه و پیگیری آن در تمامی مراحل، بر عهده کمیته‌ای علمی و متشکل از افراد زیر بود:**

۱. استاد دکتر مساعد بن سلیمان طیار؛ استاد دانشگاه ملک سعود؛
۲. استاد دکتر عبدالرحمان بن معاضه شهری؛ استاد دانشگاه ملک سعود؛
۳. دکتر احمد بن محمد بریدی؛ دانشیار دانشگاه قصیم؛
۴. دکتر ناصر بن محمد ماجد؛ دانشیار دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود.
- به‌علاوه، «مرکز پژوهش‌های قرآنی تفسیر» سه نفر از استادان متخصص در حوزه عقیده را مسؤول بازبینی این تفسیر از جنبه اعتقادی نمود تا اشتباهاتی در این زمینه، روی ندهد. این سه نفر عبارت بودند از: استاد دکتر سهل بن رفاع عتیبی؛ استاد رشته عقیده و فرقه‌های معاصر در دانشگاه ملک سعود، استاد دکتر عبدالعزیز بن محمد آل عبداللطیف؛ استاد رشته عقیده و فرقه‌های معاصر در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود و دکتر عبدالله بن عبدالعزیز عنقری؛ دانشیار رشته عقیده در دانشگاه ملک سعود.
- هر یک از این افراد، به صورت جداگانه، تمامی تفسیر حاضر را بررسی و بازبینی نمودند و یادداشت‌ها و اصلاحات ارزشمندی ارائه دادند. الله متعال به تمامی آنها جزای خیر دهد.
- مرکز مذکور، بازبینی نهایی و کامل مختصر حاضر را به استاد دکتر مساعد بن سلیمان بن ناصر طیار سپرد تا نظرها و پیشنهادهای رسیده از طرف خوانندگان چاپ اول و دوم تفسیر را بررسی نماید. وی با انتخاب و کمک گروهی از دانشجویان برجسته و ماهر خویش، تک‌تک صفحات را مطالعه نموده و تمامی نظرات را مشاهده و بررسی کردند و درجایی که نیاز به اصلاح بود، جملات و اسلوب بیان را اصلاح نمودند و در درجه اول، از سبک و روش امام ابن جریر طبری بهره بردند. در صورت نیاز، روش بیان مقاصد سوره‌ها و فواید نیز اصلاح شده و در اغلب موارد، به ذکر سه فایده در هر صفحه اکتفا شده است.
- در صورت اختلاف در تفسیر، کمیته مذکور بر تفسیر امام مفسران، ابن جریر طبری تکیه نموده است؛ زیرا روش صحیحی در پیش گرفته و بسیار بر تفسیر منقول از پیامبر ﷺ، صحابه ﷺ و تابعین و پیروان آنها تکیه داشته است.

در نگارش مختصر پیش‌رو، علاوه بر ویژگی‌های مذکور، این نکته رعایت شده که صلاحیت ترجمه به زبان‌های دیگر دنیا را داشته باشد و از اشتباهات و موانعی که در بسیاری از ترجمه‌های منتشرشده درباره معانی واژگان و عبارات قرآن کریم، وجود دارد نیز مصون و محفوظ بماند. تحقیق در مورد این طرح، صورت گرفته و گام‌های اولیه برداشته شده و امید است که این شاء الله خیلی زود، نتیجه دهد.

افرادی شریف و بزرگوار و خیر، این پروژه را حمایت کرده و هزینه‌های مادی آن را پرداخت نمودند که الله متعال مزد و پاداش بخشش و احسان‌شان را به آنها عطا فرماید.

در پایان، لازم به ذکر است که هدف مرکز از چاپ سوم این تفسیر، آسان‌سازی فهم قرآن کریم و جستجوی حقیقت به اندازه توان و تلاش برای رسیدن به کمال بوده است. درجایی که به حقیقت رسیده، فضل و توفیق الهی بوده و اگر اشتباهی روی داده، از طرف ما سر زده است و از الله تعالی درخواست داریم لغزش‌هایمان را ببخشاید و این مختصر را مفید و مقبول گرداند؛ زیرا او گرامی‌ترین کسی است که می‌توان از وی درخواست کرد و بزرگ‌ترین ذاتی است که می‌توان به او امید بست.

تعدادی از مطالب علمی و فنی موجود در چاپ اول و دوم را اصلاح نمودیم و بهترین نظرها و پیشنهادهای خوانندگان را اجرا کردیم و عنوانی جدید با عبارت «المختصر فی تفسیر القرآن الکریم» را به جای عنوان «المختصر فی التفسیر» بنا به پیشنهاد تعدادی از اندیشمندان، انتخاب نمودیم تا برای عموم خوانندگان، روشن و واضح گردد.

از تمامی کسانی که در اصلاح و تصحیح این مختصر تلاش نموده‌اند، تشکر می‌کنیم. امید است که نظرها و پیشنهادهای خود را از طریق پست الکترونیکی Almokhtasar@tafsir.net یا از طریق تلفن مخصوص این پروژه به شماره 0536365555 در میان بگذارید.

دکتر صالح بن عبدالله بن حمید

سرپرست هیئت مدیره مرکز پژوهش‌های قرآنی تفسیر

امام و خطیب مسجد الحرام و عضو شورای علمای عالی‌رتبه (هیئت کبار العلماء)

سوره الفاتحة

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بازگشت حقیقی و عملی به سوی الله، و بندگی خالص برای او تعالی.

تفسیر:

وجه تسمیه سوره فاتحه آن است که کتاب الله با آن آغاز می‌شود و چون تمام موضوعات قرآن مانند توحید، عبادت، اشاره به قصص و سایر موضوعات را دربردارد، أم القرآن نیز نامیده می‌شود. این سوره، ارزشمندترین سوره قرآن و سبع مثنوی است.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [الفاتحة: ۱].

۱ قرائت قرآن با نام الله آغاز می‌شود تا از او تعالی یاری و مدد تقاضا گردد و به ذکر نام او تبرک جسته شود. بسمله (گفتن یا نوشتن بسم الله الرحمن الرحيم)، سه مورد از اسماء نیکوی الله را دربردارد: ۱- «الله»؛ یعنی: معبود برحق. الله، برترین اسم او تعالی است و غیر ذات پاکش، هیچ کس دیگری به این اسم نامیده نمی‌شود. ۲- «الرحمن»؛ یعنی: دارای رحمت گسترده؛ زیرا او تعالی، در ذات خویش بخشنده و مهربان است. ۳- «الرحيم»؛ یعنی دارای رحمت پی‌درپی و همیشگی؛ زیرا او تعالی، بر اساس رحمت و مهربانی خویش، به هر یک از مخلوقاتش که بخواهد، از جمله بندگان مؤمنش، رحم می‌نماید.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الفاتحة: ۲].

۲ تمام مدح و ستایش‌ها و صفات جلال و کمال، تنها برای او تعالی است؛ زیرا فقط او، پروردگار، آفریدگار و تدبیرکننده همه چیز است. «العالمین» جمع «العالم»، تمام آنچه غیر الله تعالی باشد را شامل می‌شود.

﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [الفاتحة: ۳].

۳ در آیه قبلی، الله مورد مدح و ستایش قرار گرفت و در این آیه، ثنای او تعالی

گفته می شود.

﴿مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ﴾ [الفاتحة: ۴].

④ الله بلند مرتبه مالک همه چیز در روز قیامت است، روزی که هیچ کس نسبت به دیگری مالک ذره ای نیست. بنابراین «یوم الدین»: روز جزا و حسابرسی است.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ [الفاتحة: ۵].

⑤ تمام عبادت‌ها و طاعت‌ها را فقط به تو اختصاص می دهیم؛ یعنی دیگران را با تو شریک نمی گردانیم و در تمام کارها فقط از تو یاری می جوئیم؛ زیرا تمام خیر و خوبی‌ها به دست توست و یآوری جز تو نیست.

﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [الفاتحة: ۶].

⑥ ما را به راه راست راهنمایی بفرما، ما را در این راه قرار بده و در آن پایدار بدار و بر هدایت ما بیفزا. «الصراط المستقیم» راه روشنی است که هیچ کژی و انحرافی ندارد، یعنی همان اسلام که الله، محمد ﷺ را با آن فرستاد.

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ [الفاتحة: ۷].

⑦ راه کسانی از بندگان که با هدایت‌شان به آنها نعمت دادی؛ مانند پیامبران ﷺ، و صدیقان و شهدا و صالحان، و اینها چه نیکو رفیقانی هستند؛ نه راه کسانی که بر آنها خشم گرفته شده است، همان کسانی که حق را شناختند و هرگز از آن پیروی نکردند، مانند یهود؛ و نه راه گمراهان از حق، کسانی که به دلیل کوتاهی در جستجوی حق و هدایت جستن به آن، به سوی حق هدایت نشدند، مانند نصاری.

برخی فواید آیات:

- الله تعالی، کتابش را با بسمله آغاز کرد؛ تا بندگان را راهنمایی کند که اعمال و اقوال خویش را برای طلب یاری و توفیق او تعالی، با این کلمه شروع کنند.
- بندگان صالح الله، دعای خویش را با ستایش و بزرگ شمردن الله سبحانه آغاز می کنند، سپس خواسته خویش را می طلبند.
- هشدار به مسلمانان از اینکه مبدا مانند مسیحیان گمراه، در طلب حقیقت کوتاهی کنند، یا مانند یهودیان و کسانی که مورد خشم قرار گرفتند، پس از آنکه حق را شناختند بدان عمل نکنند.

-
-
- این سوره دلالت دارد بر اینکه ایمان کامل، با خالص گردانیدن عبادت برای الله متعال و طلب یاری از او به تنهایی و بدون مددخواهی از دیگران محقق می شود.

سوره البقرة

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تربیت امت برای آبادانی زمین و برپایی دین الله، بیان اقسام مردم، اصول ایمان و کلیات شریعت اسلامی.

تفسیر:

وجه تسمیه سوره بقره، ورود قصه گاو بنی اسرائیل در این سوره است که در آن به وجوب اجرای هرچه سریعتر و بی درنگ احکام الله، اشاره شده است؛ چنان که یهودیان حکم الله را با درنگ و تأخیر اجرا کردند.

﴿الم﴾ [البقرة: ۱].

﴿الم﴾ از جمله حروفی است که بعضی سوره‌های قرآن با آنها آغاز می‌شود. این حروف، از حروف هجائیه (الفبا) است که اگر به صورت دانه دانه (أ، ب، ت، ...) بیاید به خودی خود معنایی ندارد. این حروف، حکمت و مفهومی دارند؛ زیرا چیزی بدون حکمت در قرآن یافت نمی‌شود. از جمله مهمترین حکمت‌های این حروف، اشاره به تَحَدَى با قرآن است که از همین حروفی تشکیل یافته که مردم آنها را می‌شناسند و با آنها سخن می‌گویند؛ از این رو اغلب پس از این حروف، مانند همین سوره، از قرآن کریم سخن گفته شده است.

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲].

﴿﴾ هیچ تردیدی در این قرآن عظیم راه ندارد؛ نه از نظر وحی و نه از نظر لفظ و معنا. این کتاب، کلام الله است که پرهیزگاران را به راه رسیدن به او تعالی راهنمایی می‌کند.

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [البقرة: ۳].

﴿﴾ آن کسانی که به غیب ایمان می‌آورند. غیب شامل تمام مواردی است که با حواس درک نمی‌شود و از نظر ما پنهان است، مانند روز قیامت که الله یا

رسولش ﷺ از آنها خبر داده‌اند؛ و نماز را همان‌گونه که الله تشریح فرموده است با شروط، ارکان، واجبات و سنت‌های آن برپا می‌دارند و از آنچه الله به آنان روزی داده است، با پرداخت حقوق واجب مانند زکات یا غیر واجب مانند صدقهٔ نفلی، به امید کسب ثواب الله، انفاق می‌کنند؛

﴿وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [البقرة: ۴].

❶ و آن کسانی که به وحیی که الله بر تو - ای پیامبر - و وحیی که بر سایر پیامبران ﷺ قبل از تو نازل فرمود بدون تفکیک و استثناء، ایمان می‌آورند و به آخرت و ثواب و عقاب آن ایمان قطعی دارند.

﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [البقرة: ۵].

❷ کسانی که صفات مذکور را دارند، در راه هدایت قرار می‌گیرند و در دنیا و آخرت، با رسیدن به آنچه امید دارند و نجات از آنچه می‌ترسند، رستگار هستند.

برخی فواید آیات:

- نفی تردید با اعتماد کامل، دلیلی است بر اینکه قرآن از جانب الله است؛ زیرا هیچ مخلوقی نمی‌تواند در مورد کلام خویش چنین ادعایی مطرح کند.
- فقط کسانی که تقوای الهی را پیشه می‌کنند و او تعالی را بزرگ می‌شمارند، از راهنمایی‌های بسیار ارزشمند قرآن کریم بهره می‌برند.
- از بزرگترین مراتب ایمان، ایمان به غیب است؛ زیرا دربردارندهٔ پذیرش تمام امور غیبی است که الله متعال، علم آن را به خودش اختصاص داده است، و نیز پذیرش امور غیبی که رسولش ﷺ را از آنها آگاه کرده است.
- الله متعال، در موارد زیادی، نماز و زکات را در کنار یکدیگر آورده است؛ زیرا نماز، اخلاص برای معبود و زکات، نیکی به بندگان است و این دو، رمز رستگاری و نجات هستند.
- ایمان به الله متعال و اعمال صالح، هدایت و توفیق در دنیا، و پیروزی و کامیابی در آخرت را به ارمغان می‌آورند.

الله متعال پس از بیان صفات مؤمنان پرهیزگار که ظاهر و باطن نیکویی دارند، صفات کافران را بیان می‌فرماید که ظاهر و باطن فاسدی دارند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [البقرة: ۶].

❶ کسانی که کفر ورزیدند، پیوسته در گمراهی و دشمنی قرار دارند، و چه آنها را بترسانی یا نترسانی، برای‌شان یکسان است.

﴿حَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [البقرة: ۷].

❷ زیرا الله بر دل‌های آنها مهر زده است و دل‌های‌شان را بر باطل موجود در آن بسته است، و بر گوشه‌های‌شان مهر زده است به‌طوری‌که حق را آن‌گونه که باید بپذیرند و بدان گردن نهند نمی‌شنوند، و بر چشمان‌شان پوششی قرار داده است؛ چنانکه حق را با وجود وضوح نمی‌بینند و عذاب بزرگی در آخرت برای‌شان است.

الله پس از بیان صفات کافران که ظاهر و باطن فاسدی دارند، صفات منافقان را که باطن‌شان فاسد و ظاهرشان در نظر مردم نیکو است بیان می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۸].

❸ گروهی از مردم ادعا می‌کنند که مؤمن هستند، این سخن را از ترس نابودی خون‌ها و اموال‌شان بر زبان جاری می‌کنند، اما در باطن کافر هستند.

﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ [البقرة: ۹].

❹ منافقان - به گمان خودشان - با اظهار ایمان و پنهان کردن کفر، الله و مؤمنان را فریب می‌دهند. آنها در حقیقت فقط خودشان را می‌فریبند اما این را درک نمی‌کنند؛ زیرا الله متعال رازها و پنهان‌ترین امور را می‌داند و مؤمنان را از صفات و احوال منافقان آگاه فرموده است.

﴿فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ [البقرة: ۱۰].

❺ سبب این امر آن است که در دل‌های‌شان تردیدی وجود دارد و الله بر این تردیدشان افزوده است؛ زیرا جزا از جنس عمل است. به‌سبب دروغگویی بر الله و بر مردم و تکذیب آنچه محمد ﷺ آورد، عذاب دردناکی در طبقه زیرین جهنم برای منافقان است.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ [البقرة: ۱۱].

۱۱) منافقان وقتی از برپایی فساد در زمین با انجام اموری مانند کفر و گناهان و ... نهی می‌شوند، انکار می‌کنند و مدعی هستند که اصحاب صلاح و اصلاح هستند.

﴿أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۲].

۱۲) حقیقت این است که آنها اصحاب فساد هستند، اما این را نمی‌فهمند و در نمی‌یابند که کارشان، عین فساد است.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن لَّا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳].

۱۳) وقتی به آنها امر می‌شود که مانند اصحاب محمد ﷺ ایمان بیاورند، از روی اعتراض و استهزا چنین پاسخ می‌دهند: آیا ایمانی مانند سبک‌سرها بیاوریم؟! در واقع، خودشان نادان هستند اما این را نمی‌دانند.

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُونَ﴾ [البقرة: ۱۴].

۱۴) هنگام ملاقات با مؤمنان، می‌گویند: آنچه را شما به آن ایمان دارید پذیرفتیم، این سخن را از ترس مؤمنان می‌گویند، و زمانی که از نزد مؤمنان برمی‌گردند و با رؤسای خویش خلوت می‌کنند، برای تأکید بر پایداری در پیروی از آنها می‌گویند: ما همراه شما و در راه شما قرار داریم، اما برای تمسخر مؤمنان، در ظاهر با آنها موافقت می‌کنیم.

﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ [البقرة: ۱۵].

۱۵) الله در مقابله با منافقان که مؤمنان را مسخره می‌کنند، آنها را مسخره می‌کند تا جزایی از جنس عمل‌شان به آنها داده باشد؛ از این رو احکام مسلمانان در دنیا را بر آنها اجرا می‌کند، اما در آخرت آنها را به سبب کفر و نفاق‌شان مورد مجازات قرار می‌دهد. این چنین به آنها مهلت می‌دهد به گمراهی و ستم خویش ادامه دهند تا سرگشته و مضطرب بمانند.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [البقرة: ۱۶].

۱۶) منافقان نابخردانند که کفر را به ایمان تبدیل کردند و تجارت‌شان سودی نداشت؛ زیرا ایمان به الله را از دست دادند و به سوی حق هدایت نشدند.

برخی فواید آیات:

- کسانی که الله به سبب دشمنی و تکذیب آنها، بر دل‌های‌شان مُهر بزند، آیات با وجود بزرگی به آنها سودی نمی‌رساند.
- مهلت دادن الله متعال به ستمگران تکذیب‌کننده، هرگز به دلیل غفلت یا ناتوانی در برابر آنها نیست، بلکه به این هدف است تا بیشتر گناه کنند و در نتیجه، مجازات‌شان بیشتر شود.

﴿مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾ [البقرة: ۱۷].

①۷) الله برای این منافقان، دو مثال آورد: یک مثال آتشی و یک مثال آبی. مثال آتشی آنها به این قرار است: آنها مانند کسی هستند که آتشی برمی افروزد تا از آن روشنایی بگیرد، اما وقتی نور آتش بالا می آید و گمان می کند که از روشنایی آن بهره می برد، خاموش می شود؛ به این ترتیب، نورافشانی آتش از بین می رود و سوزاندنش باقی می ماند؛ در نتیجه اصحاب آتش در تاریکی هایی که هیچ چیز نمی بینند می مانند و هیچ راهی نمی یابند.

﴿صُمُّ بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۸].

①۸) بنابراین، منافقان کرانی هستند که حق را به نیت پذیرش نمی شنوند، گنگانی هستند که حق را به زبان نمی آورند، کورانی هستند که آن را نمی بینند؛ و از گمراهی خویش باز نمی گردند.

﴿أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۹].

①۹) اما مثال آبی منافقان چنین است: مثال شان مانند باران زیادی از ابری دارای تاریکی های مترکم و رعد و برق است که بر گروهی فرو می ریزد و ترس شدیدی بر آنها وارد می سازد. آنها از ترس مرگ به سبب شدت صدای صاعقه ها با سر انگشتان خویش گوش های شان را می بندند، درحالی که الله بر کافران احاطه دارد و نمی توانند از زیر قدرت او فرار کنند.

﴿يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۰].

②۰) نزدیک است که برق به خاطر تابش و پرتوافکنی زیاد، چشمان شان را برباید. هرگاه برق، اندکی برای شان بدرخشد و روشنایی بدهد پیش می روند و هرگاه نورافشانی نکند در تاریکی می مانند و نمی توانند حرکت کنند. به خاطر رویگردانی آنها از حق، اگر الله بخواهد با قدرت خویش که همه چیز را دربردارد، گوش ها و چشم های شان را از بین می برد و دیگر به آنها باز نمی گردد. بنابراین، باران، مثالی

برای قرآن، صدای صاعقه‌ها مثالی برای منع‌کننده‌های موجود در قرآن و درخشیدن برق، مثالی برای آشکار شدن حق است که گهگاهی بر آنها می‌تابد. بستن گوش‌ها از شدت صاعقه‌ها، مثالی برای رویگردانی آنها از حقیقت و ندادن پاسخ مثبت به آن است. وجه تشابه میان منافقان و اصحاب دو مثال مذکور، بهره نبردن است؛ چنان‌که در مثال آتشی، روشن کننده آتش بهره‌ای جز تاریکی و سوختن نمی‌برد و در مثال آبی، اصحاب باران جز ترسیدن و بی‌قراری از رعد و برق، نصیبی ندارند و به همین ترتیب، منافقان چیزی جز سختگیری و دشواری در اسلام نمی‌یابند.

وقتی الله دسته‌های مختلف مردم شامل مؤمنان، کافران و منافقان را نام برد، همه آنها را به عبادت خالص خویش فرا می‌خواند و می‌گوید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۲۱].

۱۱) ای مردم، با امتثال اوامر و ترک نواهی پروردگارتان، تنها او را عبادت کنید؛ زیرا اوست که شما و امت‌های قبل از شما را آفرید. امید است که این عبادت، سپری میان شما و عذاب او تعالی باشد.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۲].

۱۲) او ذاتی است که زمین را برای شما فرش می‌سازد و آسمان را به صورت بنیانی محکم قرار داد، او با فروفرستادن باران نعمت می‌بخشد، به‌گونه‌ای که بر اثر باران، میوه‌های مختلفی از زمین می‌روید تا رزق و روزی باشد، پس شریکان و همانندهایی برای الله قرار ندهید، درحالی‌که می‌دانید آفریننده‌ای جز الله متعال وجود ندارد.

﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۲۳].

۱۳) - ای مردم - اگر نسبت به قرآن نازل شده بر بنده ما محمد ﷺ تردید دارید، شما را به مبارزه می‌طلبیم که یک سوره همانند آن، حتی همانند کوچکترین سوره آن،

بیاورید و برای این کار هر تعداد از یاران تان را که می‌توانید فراخوانید، اگر در ادعای خویش راستگو هستید.

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۴].

☞ اگر این کار را نکردید - که هرگز قادر بر انجام آن نیستید - از آتشی بترسید که مردم سزاوار عذاب و انواع سنگ‌هایی که آن را عبادت می‌کردند و ... را می‌سوزاند. الله این آتش را برای کافران آماده و مهیا ساخته است.

برخی فواید آیات:

- الله متعال، منافقان را به جزای نفاق و رویگردانی از هدایت، در دشوارترین شرایط که بیشترین نیاز را به کمک دارند، تنها می‌گذارد و آنها را یاری نمی‌دهد.
- از بزرگترین دلایل بر وجوب یگانگی الله در عبادت، این است که او تعالی، تمام آنچه در جهان هستی وجود دارد را برای انسان‌ها آفریده و در تسخیر آنها قرار داده است.
- ناتوانی مردم از آوردن مانند یک سوره از قرآن کریم، بر این امر دلالت دارد که قرآن از جانب حکیمی بسیار دانا نازل شده است.

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۵].

﴿۲۵﴾ چون تهدید قبلی برای کافران بود؛ پس - ای پیامبر - برای شادمانی مؤمنان به الله که اعمال صالح انجام می‌دهند بهشت‌هایی را بشارت بده که از زیر کاخ‌ها و درخت‌های شان رودها جاری است و هرگاه از میوه‌های پاک آنها روزی داده می‌شوند، به دلیل شباهت زیاد به میوه‌های دنیا می‌گویند: این میوه‌ها، مانند میوه‌هایی است که قبلاً به ما روزی داده شده بود، و میوه‌های متشابهی از نظر شکل و نام به آنها تقدیم می‌شود که با شناخت قبلی، به آنها روی می‌آورند، اما طعم و مزه متفاوتی دارند. همچنین در بهشت همسرانی پاک و بری از هر آنچه نفس از آن بیزار است و سرشت آن را ناپسند می‌داند، از آنچه که در وجود اهل دنیا متصور است، برای‌شان است، و آنها در نعمت‌هایی همیشگی و پایان‌ناپذیر قرار دارند، برخلاف نعمت‌های دنیا که موقتی و گذراست.

﴿* إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَّا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ [البقرة: ۲۶].

﴿۲۶﴾ الله شرم نمی‌کند از اینکه به هر چه بخواهد مثال بزند، چنان‌که به پشه، یا بالاتر از آن از نظر بزرگی یا پایین‌تر از آن از نظر کوچکی، مثال می‌زند. مردم در برابر این امثال، دو نوع هستند: مؤمنان و کافران؛ مؤمنان می‌پذیرند و می‌دانند که در ورای مثل زدن به این موارد، حکمتی نهفته است، اما کافران از روی استهزاء، در مورد سبب مثال آوردن این مخلوقات کوچک مانند پشه‌ها، مگس‌ها، عنکبوت و... از جانب الله از یکدیگر می‌پرسند. الله این‌گونه پاسخ می‌دهد: این مثال‌ها، مایهٔ هدایت و راهنمایی و آزمایش مردم هستند؛ زیرا الله با این مثال‌ها، بسیاری از مردم را که از تدبیر در آنها خودداری می‌کنند، گمراه می‌کند، و فقط کسانی را که سزاوار گمراهی هستند گمراه می‌سازد. آنها کسانی هستند که از او تعالی فرمان‌برداری نمی‌کنند، مانند منافقان.

﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [البقرة: ۲۷].

﴿۲۷﴾ کسانی که پیمان الله را که بر اساس آن، از آنها عهد گرفت که فقط او را عبادت کنند و از رسولش ﷺ که رسولان پیش از او از آن خبر داده بودند، پیروی کنند، شکستند. اینان که پیمان‌های الله را انکار می‌کنند، این‌گونه توصیف می‌شوند که آنچه را الله به برقراری آن فرمان داده مانند برقراری رابطه خویشاوندی، قطع می‌کنند و با انجام گناهان، برای انتشار فساد بر روی زمین می‌کوشند، در نتیجه سهم ناقصی در دنیا و آخرت دارند.

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [البقرة: ۲۸].

﴿۲۸﴾ - ای کافران - کارتان بسیار شگفت است! چگونه به الله کفر می‌ورزید، درحالی که دلایل قدرت او را در وجود خودتان مشاهده می‌کنید؛ چنان که شما را از عدم، ایجاد و زنده گردانید، سپس برای بار دوم شما را می‌میراند، سپس برای بار دوم زنده می‌گرداند، سپس شما را به سوی خویش بازمی‌گرداند تا شما را بر اساس اعمال‌تان مورد محاسبه قرار دهد.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۹].

﴿۲۹﴾ الله یگانه، همان ذاتی است که تمام آنچه را در زمین است و قابل شمارش نیست مانند نهرها و درخت‌ها را به تنهایی آفرید و آنها را در تسخیر شما درآورد که از آن استفاده می‌کنید و بهره می‌برید، سپس به سوی آسمان متوجه شد و هفت آسمان بی‌عیب و آراسته آفرید، و علم او تعالی بر همه چیز احاطه دارد.

برخی فواید آیات:

یکی از وجوه کمال نعمت‌های بهشتی آن است که هیچ نوع تلخی‌ای، لذت‌هایش را ناگوار نمی‌کند و هیچ رنجش و پریشانی به همراه ندارد. فقط مؤمنان، از مثال‌هایی که الله متعال می‌زند بهره می‌برند؛ زیرا آنها واقعاً خواهان هدایت هستند و حقیقتاً، آن را جستجو می‌کنند.

از بارزترین صفات فاسقان، نقض پیمان در برابر الله و مردم، قطع کردن آنچه الله به برقراری آن فرمان داده و تلاش برای ایجاد فساد در زمین است.

- اصل در اشیاء، مباح بودن و طهارت است؛ زیرا الله متعال، تمام آنچه در زمین است را برای بندگانش آفریده و به آنها بخشیده است.

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾
[البقرة: ۳۰].

۳۰) الله متعال خبر می دهد که خطاب به فرشتگان فرمود: او تعالی در زمین بشری قرار خواهد داد که از پی یکدیگر خواهند آمد، تا با طاعت الله زمین را آباد کنند؛ آن گاه فرشتگان - برای کسب راهنمایی و آگاهی - در مورد حکمت قرار دادن فرزندان آدم به عنوان جانشینان در زمین، درحالی که در آن فساد خواهند کرد و از روی ستم، خون می ریزند، این گونه از پروردگارش پرسیدند: ما که از تو فرمان برداری می کنیم، با ستایش تو و بزرگداشت جلال و کمال، تو را پاک و منزه می شماریم و هرگز از این کار سست و ناتوان نمی شویم؟ الله چنین به فرشتگان پاسخ داد: همانا من از حکمت های شگفت آور آفرینش انسان ها و اهداف بزرگ جانشین قرار دادن آنها که شما نمی دانید آگاه هستم.

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۳۱].

۳۱) برای بیان منزلت آدم، الله متعال، الفاظ و معانی نام های تمام حیوانات و جمادات را به او آموخت؛ سپس آن نامیده شده ها را بر فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر در این گفته که می گوید شما از این مخلوق، گرامی تر و بهتر هستید، راستگو هستید، نام های اینها را به من خبر دهید.

﴿قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [البقرة: ۳۲].

۳۲) فرشتگان - با اعتراف به نقص خویش و بازگرداندن فضیلت به الله - گفتند: پروردگارا! تو را از اعتراض بر حکم و شرع تو مُنَزَّه و بزرگ می شماریم؛ زیرا ما فقط چیزی را می دانیم که علمش را به ما روزی داده ای؛ همانا تو دانایی هستی که هیچ چیز از تو پنهان نمی ماند، حکیمی هستی که با تقدیر و تشریح خویش، هر امری را در جای خودش قرار می دهی.

﴿قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ
غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ [البقرة: ۳۳].

﴿۳۳﴾ آن گاه الله متعال خطاب به آدم فرمود: آنها را از نام‌های این نامیده شده‌ها آگاه کن. وقتی که آدم، همان گونه که پروردگارش به او آموخته بود، فرشتگان را آگاه کرد، الله خطاب به فرشتگان فرمود: آیا به شما نگفتم که من از آنچه در آسمان‌ها و در زمین پنهان است آگاه هستم و آنچه از احوال‌تان را که آشکار می‌کنید و آنچه را که با خویش نجوا می‌کنید می‌دانم.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۳۴].

﴿۳۴﴾ الله متعال بیان می‌فرماید که به فرشتگان دستور داد سجده تقدیر و احترام در برابر آدم بگزارند. آنها نیز برای اجرای فرمان الله، به سرعت به سجده افتادند، جز ابلیس که از جن بود، و برای اعتراض به اینکه الله او را به این سجده فرمان داد و به منظور برتر دانستن خویش بر آدم، از این کار خودداری کرد و با این کار از کافران به الله متعال گردید.

﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و گفتیم: ای آدم تو و همسرت - حواء - در بهشت سکونت کن، و در همه‌جای آن [از نعمت‌های] گوارا و فراوان، بدون هیچ ممانعت و سختی‌ای بخورید و مبادا به این درخت که شما را از خوردن از آن نهی کردم نزدیک شوید که به سبب سرپیچی از فرمان من از ستمگران خواهید شد.

﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ [البقرة: ۳۶].

﴿۳۶﴾ اما شیطان پیوسته آدم و همسرش را وسوسه می‌کرد و این کار را برای‌شان می‌آراست؛ تا اینکه آن دو را در لغزش و گناه خوردن از آن درخت که الله آن دو را از خوردن از آن نهی کرده بود قرار داد؛ و جزای‌شان این بود که الله آنها را از بهشتی که در آن بودند اخراج کرد و خطاب به آن دو و شیطان فرمود: به زمین فرود آید درحالی که دشمن یکدیگر خواهید بود و در زمین برای شما، استقرار و بقا و بهره جستن از نعمت‌هایش است تا اینکه عمرهای‌تان سپری شود و قیامت برپا گردد.

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۳۷].

آن گاه آدم کلماتی را که الله به او القا کرد فراگرفت و الله بر او الهام کرد که با آنها دعا کند. این کلمات در آیه ۲۳ سوره اعراف آمده است: ﴿قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳]؛ «(آن دو) گفتند: «پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلماً از زیان کاران خواهیم بود.»». الله توبه آدم را پذیرفت و او را بخشید؛ زیرا او سبحانه نسبت به بندگان بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

برخی فواید آیات:

- بر مؤمن واجب است که اگر حکمت الله در بعضی مخلوقات و فرامینش را نمی‌داند، در مقابل آفرینش و امر الله تسلیم باشد.
- قرآن کریم، جایگاه والایی برای علم قائل شده و آن را یکی از اسباب برتری میان مردم قرار داده است.
- کبر و غرور، در رأس گناهان قرار دارد و اساس تمام بلایایی است که بر مردم نازل می‌شود و نخستین معصیتی است که الله با آن نافرمانی شد.

﴿قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۳۸].

۳۸ به آنها گفتیم: همگی از بهشت به سوی زمین فرود آید؛ پس اگر هدایتی توسط رسولانم ﷺ به شما رسید، کسانی که از آن پیروی کنند و به فرستادگانم ایمان بیاورند، هیچ بیمی در آخرت بر آنها نیست و بر هر آنچه که از دنیا از دست بدهند غمگین نخواهند شد.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۳۹].

۳۹ اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند؛ اهل آتش هستند و همواره در آن خواهند بود.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ وَآيَاتِي فَارْهَبُون﴾ [البقرة: ۴۰].

۴۰ ای فرزندان پیامبر الله، یعقوب عليه السلام، نعمت‌های پیاپی الله بر خودتان را به یاد آورید و شکرشان را به جای گزارید، و به پیمان من در قبال شما مبنی بر ایمان به من و رسولانم ﷺ و عمل به احکامم وفادار باشید، که اگر به این پیمان وفا کردید، من به پیمان خویش که زندگی پاک در دنیا و پاداش نیکو در آخرت است به نفع شما وفا می‌کنم. فقط از من بترسید و پیمانم را نقض نکنید.

﴿وَأْمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَٰئِكَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُون﴾ [البقرة: ۴۱].

۴۱ و به قرآن که آن را بر محمد صلى الله عليه وسلم نازل کردیم و در مورد توحید الله و نبوت محمد صلى الله عليه وسلم با تورات قبل از اینکه تحریف شود سازگار است، ایمان بیاورید و پرهیزید از اینکه اولین گروهی باشید که به قرآن کفر می‌ورزند، و آیاتم را که نازل کردم به بهای ناچیزی از مقام و ریاست مبادله نکنید و از خشم و عذاب من بترسید.

﴿وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۴۲].

۴۲ و حق را - که آن را بر رسولانم ﷺ نازل کردم - با اکاذیبی که می‌سازید درنیامیزید، و حقیقتی را که در کتاب‌های‌تان در توصیف محمد صلى الله عليه وسلم آمده است پنهان مکنید، درحالی‌که نسبت به آن علم و یقین دارید.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و نماز را به صورت کامل با ارکان و واجبات و سنت‌هایش ادا کنید، و زکات اموال تان را که الله آنها را در اختیار شما قرار داد بپردازید، و با امت محمد ﷺ که در برابر الله خضوع می‌کنند، در برابر الله خضوع کنید.

﴿* أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۴۴].

﴿۴۴﴾ بسیار ناپسند است که دیگران را به ایمان و کار نیک امر می‌کنید اما خودتان را فراموش کرده و از این کار روی می‌گردانید، درحالی‌که تورات را می‌خوانید و از فرمان پیروی از دین الله و تصدیق رسولانش ﷺ آگاه هستید، پس آیا از عقل و خرد خودتان بهره نمی‌برید؟!

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و در تمام احوال دینی و دنیوی خویش، از شکیبایی و نماز که شما را به الله نزدیک می‌کند و به او می‌رساند، یاری بجوید تا شما را یاری و محافظت کند و آسیب‌های تان را برطرف سازد، و به‌راستی که نماز دشوار و سنگین است مگر برای کسانی که در برابر پروردگارشان خضوع می‌کنند.

﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنْهُمْ إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾ [البقرة: ۴۶].

﴿۴۶﴾ زیرا آنها یقین دارند که در روز قیامت نزد پروردگارشان حاضر می‌شوند و با او دیدار می‌کنند، و به‌سوی او بازمی‌گردند تا آنها را بر اساس اعمال‌شان جزا دهد.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ۴۷].

﴿۴۷﴾ ای فرزندان پیامبر الله، یعقوب عليه السلام، نعمت‌های دینی و دنیوی مرا که بر شما بخشیدم یاد کنید و به یاد آورید که من شما را با پیامبری و پادشاهی، بر مردم زمانه و معاصران برتری دادم.

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [البقرة: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و با اجرای اوامر و ترک نواهی، سپری میان خود و عذاب روز قیامت قرار دهید، زیرا در آن روز، هیچ‌کس ذره‌ای دیگری را بی‌نیاز نمی‌سازد و در آن روز شفاعت

هیچ کس جهت دفع ضرر یا جلب منفعت پذیرفته نمی‌شود مگر به اجازه الله، و هیچ فدیهای گرفته نمی‌شود حتی اگر زمین از طلا پر شود، و در آن روز هیچ یاوری برای‌شان نیست؛ پس آن‌گاه که هیچ شفاعتگری نفعی نمی‌رساند و هیچ فدیهِ و یاوری وجود ندارد، گریزگاه کجاست!؟

برخی فواید آیات:

- بزرگترین ذلت و خواری، آن است که انسان دیگران را به نیکی فراخواند اما خودش را فراموش کند.
- شکیبایی و نماز از بزرگترین مواردی است که در تمام امور به بنده یاری می‌رسانند.
- در روز قیامت، نه شفیعان و نه فدیهِ، عذاب را از انسان دفع نمی‌کنند و فقط عمل صالح خودش به او نفع می‌رساند.

﴿وَإِذْ جَعَلْنَاكُم مِّن آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُم سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ [البقرة: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و ای بنی اسرائیل به یاد آورید آن گاه که شما را از پیروان فرعون نجات دادیم، کسانی که برای خوارساختن و تحقیر شما، انواع عذاب‌ها را به شما می‌چشانند؛ چنان که پسران‌تان را با سربریدن می‌کشتند تا بقایای نداشته باشید، و دختران‌تان را زنده نگه می‌داشتند تا هنگامی که زن شدند به آنها خدمت کنند. در رهانیدن شما از زیر شکنجه فرعون و پیروانش، آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان است؛ باشد که شکرگزار باشید.

﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُم مِّنَ الْغَرَقِ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ [البقرة: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و از نعمت‌های ما بر شما به یاد آورید که با شکافتن دریا برای شما، آن را راه خشکی قرار دادیم که در آن حرکت کنید و به این ترتیب، شما را نجات دادیم و دشمن‌تان، فرعون و پیروانش را در برابر دیدگان شما و درحالی که به آنها نگاه می‌کردید غرق ساختیم.

﴿وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعَجَلَ مِّن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾ [البقرة: ۵۱].

﴿۵۱﴾ و از جمله نعمت‌های ما به یاد آورید که چهل شب با موسی علیه السلام قرار گذاشتیم تا نزول تورات به عنوان نور و هدایت در این مدت کامل شود، اما شما در این مدت فقط گوساله را عبادت کردید و با این کارتان ستمکار بودید.

﴿ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۵۲].

﴿۵۲﴾ سپس، بعد از توبه‌تان از شما درگذشتیم و شما را مؤاخذه نکردیم تا شاید با عبادت و طاعت نیکوی الله، شکر او را به جای آورید.

﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و از جمله این نعمت‌ها به یاد آورید که تورات را به عنوان جداکننده میان حق و باطل و وسیله تشخیص بین هدایت و گمراهی به موسی علیه السلام عطا کردیم؛ شاید با آن به سوی حق رهنمون شوید.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِيَّاكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۵۴].

﴿۵۴﴾ و یکی دیگر از این نعمت‌ها را به یاد آورید که الله توفیق توبه از عبادت گوساله را به شما داد، آنجا که موسی علیه السلام به شما گفت: همانا شما با گرفتن گوساله به عنوان معبودی که آن را عبادت می‌کنید به خودتان ستم کردید، پس توبه کنید و به سوی خالق و آفریننده‌تان بازگردید، به‌گونه‌ای که یکدیگر را بکشید؛ و این توبه، از مداومت کردن بر کفر که به جاودانگی در آتش منجر می‌شود، برای‌تان بهتر است؛ آن‌گاه به توفیق و یاری الله چنین توبه‌ای کردید و او توبه شما را پذیرفت؛ زیرا نسبت به بندگان خویش بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ [البقرة: ۵۵].

﴿۵۵﴾ و به یاد آورید هنگامی را که پدران‌تان با گستاخی خطاب به موسی علیه السلام گفتند: هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد مگر زمانی که الله را آشکارا و بدون هیچ حایلی به ما بنمایانی، آن‌گاه آتش سوزاننده شما را فراگرفت و شما را کشت، درحالی که به یکدیگر نگاه می‌کردید.

﴿ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۵۶].

﴿۵۶﴾ سپس شما را پس از مرگ‌تان زنده گردانیدیم؛ شاید از الله به‌خاطر این نعمتی که بر شما ارزانی داشت شکرگزاری کنید.

﴿وَوَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۵۷].

﴿۵۷﴾ از دیگر نعمت‌های ما بر شما این است آن‌گاه که در زمین حیران بودید ابر را بر شما فرستادیم تا در برابر گرمای خورشید بر شما سایه بيفکند، و از نعمت‌های خویش، شرابی شیرین مانند عسل و پرنده‌ای کوچک با گوشتی گوارا و پاک شبیه سُمّانی [مرغ بلدرچین] بر شما نازل کردیم و به شما گفتیم: از غذاهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید. آنها با انکار و ناسپاسی این نعمت‌ها، ذره‌ای

نقصان بر ما وارد نکردند، بلکه با کاستن از ثواب خود و قراردادن خویش در معرض عذاب، به خودشان ستم روا داشتند.

برخی فواید آیات:

- نعمت‌های بزرگ و فراوان الله بر بنی اسرائیل، فقط بر تکبر و دشمنی آنها افزود.
- الله بردباری و بخشش و رحمت گسترده‌ای نسبت به بندگان دارد، هر چند گناهان‌شان بزرگ باشد.
- معیار داوری میان حق و باطل، وحی است.

﴿وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَلَکُمْ مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَّقُولُوا حِطَّةً تُعْفِرْ لَكُمْ حَطَايَاكُمْ وَسَتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و نیز از نعمت‌های الله بر خودتان به یاد آورید هنگامی که به شما گفتیم: به بیت المقدس وارد شوید، و از غذاهای پاکیزه آن از هر مکانی که می‌خواهید، گوارا و فراوان بخورید و در لحظه ورود به شهر، در حال رکوع و فروتن برای الله باشید و این‌گونه از الله تقاضا کنید: پرورگارا! گناهانمان را از ما بریز، تا دعایتان را اجابت کنیم، و کسانی که اعمال نیکو انجام دادند، بر ثواب نیکوکاری‌شان خواهیم افزود.

﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [البقرة: ۵۹].

﴿۵۹﴾ اما ستم‌کاران‌شان، کاری نکردند جز اینکه عمل را تبدیل و سخن را تحریف کردند، پس درحالی‌که بر نشیمنگاه‌های‌شان می‌خزیدند وارد شدند و برای تمسخر فرمان الهی گفتند: حَبَّةٌ فِی شَعْرَةٍ؛ دانه‌ای در جوی. بنابراین، جزای‌شان این بود که الله بر افراد ستمکارشان، به سبب خروج‌شان از حد شرع و مخالفت با فرمان، عذابی از آسمان فرو فرستاد.

﴿* وَإِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ [البقرة: ۶۰].

﴿۶۰﴾ و از نعمت‌های الله بر خودتان به یاد آورید آن‌گاه که سرگشته و حیران بودید و تشنگی شدیدی شما را فراگرفت تا اینکه موسی علیه السلام به درگاه پروردگارش تضرع و زاری کرد و از او تعالی برای شما تقاضای آب کرد؛ آن‌گاه به او فرمان دادیم که عصایش را به سنگ بزند؛ و هنگامی که موسی علیه السلام عصایش را به سنگ زد، به تعداد قبایل‌تان، دوازده چشمه از آن جوشید و آب از آنها برآمد، و مکان مخصوص نوشیدن هر قبیله را برایش مشخص کردیم تا نزاعی میان‌شان واقع نشود؛ و به شما گفتیم: از روزی الله که بدون هیچ تلاش و عملی از جانب‌تان به شما روانه کرد بخورید و بیاشامید و برای ایجاد فساد در زمین مکوشید.

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ
الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ
بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكَنَةُ
وَبَاوُؤًا بَعْضٌ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ
بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۶۱].

﴿۶۱﴾ همچنان به یاد آورید هنگامی که در برابر نعمت پروردگارتان ناسپاسی کردید و از خوردن مَن و سلوی که الله برایتان نازل فرمود، احساس دلتنگی و بیزاری کردید و گفتید: هرگز بر غذای واحد و تغییرناپذیری صبر نخواهیم کرد. آن گاه از موسی عَلَيْهِ السَّلَام خواستید که از الله بخواهد از گیاهان زمین، مانند محصولات کشاورزی و سبزی و قثاء [شبهه خیار اما بزرگتر از آن] و حبوبات و عدس و پیاز به عنوان غذا برایتان برویاند؛ آن گاه موسی عَلَيْهِ السَّلَام - برای ناپسند نشان دادن درخواست شما که مَن و سلوی را که بهتر و گرمی تر است و بدون رنج و سختی به شما رسیده بود به آنچه که کمتر و پست تر است تبدیل کردید - گفت: از این سرزمین به هر آبادی ای فرود آید و آنچه درخواست کردید در کشتزارها و بازارهای آن خواهید یافت. و به سبب پیروی آنها از شهوات و رویگردانی های مکرر از آنچه الله برایشان برگزیده بود، خواری و فقر و بدبختی، همنشین شان شد و به خشمی از جانب الله بازگشتند؛ زیرا از دین الله روی گرداندند، به آیاتش کفر ورزیدند و از روی ستم و دشمنی، پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام را به قتل رساندند؛ تمام این عذابها، به این سبب بود که آنها از الله نافرمانی و از حدودش تجاوز کردند.

برخی فواید آیات:

- هرکس در نصوص شرع دستکاری و آن را تحریف کند، همانند یهود است و مورد تهدید عذاب الله متعال قرار دارد.
- بزرگی فضل و بخشش الله متعال بر بنی اسرائیل، و در مقابل آن، انکار و دشمنی شدید و رویگردانی آنها از الله و شریعت او تعالی.
- از جمله آثار شوم گناهان و تجاوز از حدود الله، ذلت و خواری انسان و تسلط دشمنان بر اوست.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۶۲].

﴿۶۲﴾ همانا کسانی از این امت و نیز کسانی از امت‌های پیشین، قبل از بعثت محمد ﷺ از یهود و نصاری و صابئان - گروهی از پیروان برخی پیامبران علیهم‌السلام که ایمان به الله و روز آخرت در آنها تحقق یافت - که ایمان آوردند، پاداش آنها نزد پروردگارشان است، و نسبت به آنچه در آخرت پیش رو دارند هیچ بیمی بر آنها نیست و بر آنچه از دنیا از دست می‌دهند غمگین نمی‌شوند.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۶۳].

﴿۶۳﴾ و به یاد آورید پیمان محکمی را که در مورد ایمان به الله و رسولانش از شما گرفتیم، و برای ترساندن و برحذر داشتن شما از نقض این پیمان، کوه را بر بالای سرتان برافراشتیم، درحالی که به شما امر کردیم آنچه را در تورات نازل کردیم با جد و تلاش و بدون تنبلی و سستی بگیرید و محتوایش را حفظ کنید و در آن تدبر نمایید؛ شاید با انجام این کار، از عذاب الله متعال پرهیز کنید.

﴿ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [البقرة: ۶۴].

﴿۶۴﴾ اما پس از اینکه پیمان محکم از شما گرفتیم، رویگردان شدید و نافرمانی کردید و اگر الله به فضل خویش شما را نمی‌بخشید و به رحمت خویش توبه‌تان را نمی‌پذیرفت، به سبب این رویگردانی و نافرمانی، قطعاً از زیانکاران بودید.

﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ [البقرة: ۶۵].

﴿۶۵﴾ و در مورد پیشینیان‌تان از روی علم و بدون هیچ ابهامی باخبر شده‌اید؛ آنجا که با شکار در روز شنبه که شکار در این روز بر آنها حرام شده بود تجاوز کردند، چنان که با نصب تور قبل از روز شنبه و بیرون آوردن آن در روز یکشنبه، در این کار حيله به کار بردند؛ بنابراین، الله برای مجازات این مکاران به جرم حيله و مکرشان، آنها را بوزینگانی منفور و طردشده قرار داد.

﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۶۶].

به این ترتیب، ساکنان این شهر متجاوز را عبرتی برای ساکنان آبادی‌های مجاور و برای کسانی که پس از آنها می‌آیند قرار دادیم؛ تا مرتکب عملی مانند عمل آنها نشوند که مستحق عذاب آنها خواهند شد؛ و آن را اندرزی برای پرهیزگاران قرار دادیم، کسانی که از عذاب و انتقام الله در برابر کسانی که از حدودش تجاوز می‌کنند، می‌ترسند.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُؤًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [البقرة: ۶۷].

و از اخبار پیشینیان‌تان به یاد آورید آنچه را که میان آنها و موسی علیه السلام جاری شد؛ آنجا که آنها را از این فرمان الله آگاه کرد که یک ماده گاو از میان گاوها قربانی کنند، اما آنها به جای اجرای سریع این امر، جهت رساندن آزار و اذیت گفتند: آیا ما را مسخره و استهزا می‌کنی! آن‌گاه موسی علیه السلام در پاسخ گفت: به الله پناه می‌برم از اینکه از کسانی باشم که بر الله دروغ می‌بندند و مردم را مسخره می‌کنند.

﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِصٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ فافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ﴾ [البقرة: ۶۸].

به موسی علیه السلام گفتند: از پروردگارت بخواه تا صفت این ماده گاوی را که ما را به ذبحش فرمان داده، روشن سازد، موسی علیه السلام به آنها گفت: الله می‌فرماید: این ماده گاو، نه پیر است و نه خردسال، بلکه بین این دو [میانسالی] است، پس بر اجرای امر پروردگارتان مبادرت ورزید.

﴿قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْثُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاسَ﴾ [البقرة: ۶۹].

آنها با مداومت بر جدال و آزارسانی، به موسی علیه السلام گفتند: از پروردگارت بخواه برای ما مشخص کند این ماده گاو چه رنگی داشته باشد، موسی علیه السلام در پاسخ به آنها گفت: الله می‌فرماید: گاوی بسیار زردرنگ است، که هر بیننده‌ای را به وجد می‌آورد.

برخی فواید آیات:

- حکم مذکور در آیه اولی، برای قبل از بعثت پیامبر ﷺ است، اما پس از بعثت پیامبر ﷺ، دین موردپسند نزد الله، فقط اسلام است و غیر اسلام را نمی‌پذیرد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾ [آل عمران: ۸۵] «و هرکس، دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد».
- الله عذاب برخی گناهان را قبل از آخرت، در دنیا به تعجیل می‌اندازد؛ تا به مردم پند دهد تا از مخالفت با فرمان الله متعال پرهیزند.
- هرکس آنچه را که در شریعت گنجایش دارد، بر خود تنگ و سخت بگیرد، احتمال دارد با سخت گرفتن بر آن مجازات شود.

﴿قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۷۰].

﴿۷۰﴾ سپس با مداومت بر آزاررسانیدن، گفتند: از پروردگارت بخواه تا صفات بیشتری از این گاو برای ما روشن سازد؛ زیرا گاوهای زیادی صفات مذکور را دارند و ما نمی توانیم از میان آنها یکی را تعیین کنیم. درحالی که تأکید می کردند- اگر الله بخواهد- به ماده گاو که ذبحش مدّ نظر است هدایت خواهند شد.

﴿قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبِّحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ﴾ [البقرة: ۷۱].

﴿۷۱﴾ موسی عليه السلام به آنها گفت: الله می فرماید: صفت این ماده گاو، آن است که نه برای کشاورزی و نه برای آبیاری زمین رام است، بی عیب است و غیر از رنگ زرد هیچ نشانه ای از رنگی دیگر در آن نیست. آن گاه گفتند: اکنون توصیف دقیقی را که گاو را به صورت کامل مشخص می کند آوردی، و آن را ذبح کردند درحالی که نزدیک بود به سبب جدال و آزاررسانی، آن را ذبح نکنند.

﴿وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ﴾ [البقرة: ۷۲].

﴿۷۲﴾ و به یاد آورید آن گاه که یکی از خودتان را کشتید و هر یک از شما اتهام قتل را از خود دفع می کرد و دیگری را به آن متهم می ساخت تا اینکه با یکدیگر نزاع کردید، حال آن که الله قتل آن بی گناه را که پنهان می کردید آشکار ساخت.

﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۷۳].

﴿۷۳﴾ آن گاه به شما گفتیم: بخشی از آن ماده گاو را که به ذبحش امر شدید به مقتول بزنید؛ که الله او را زنده خواهد گردانید تا خبر دهد قاتل کیست! آنها نیز چنین کردند و مقتول آنها را از قاتل آگاه کرد. همانند زنده گردانیدن این میت، الله مردگان را در روز قیامت زنده می گرداند و دلایل آشکار قدرت خویش را به شما نشان می دهد تا شاید در آنها بیندیشید و به صورت واقعی به الله متعال ایمان بیاورید.

﴿ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۷۴].

﴿۷۴﴾ سپس، دل‌های تان پس از این پندهای رسا و معجزات روشن، سخت گردید تا اینکه مثل سنگ شد، بلکه سخت‌تر از سنگ؛ زیرا حال دل‌های تان هرگز تغییر نمی‌کند، اما سنگ‌ها دچار تغییر و تحول می‌شوند؛ چنان‌که از برخی سنگ‌ها جوی‌ها روان می‌شود و برخی از سنگ‌ها می‌شکافد و آب چشمه‌های جاری در زمین از آنها می‌جوشد، که انسان‌ها و حیوانات از آن استفاده می‌کنند، و برخی از سنگ‌ها از ترس و خشیت الهی از بالای کوه‌ها فرو می‌ریزد. اما دل‌های تان چنین نیست و الله از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست، بلکه از اعمال تان آگاه است و شما را بر اساس اعمال تان جزا خواهد داد.

﴿* أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۷۵].

﴿۷۵﴾ - ای مؤمنان - پس از اینکه از حقیقت حال یهود و دشمنی‌شان آگاه شدید، آیا باز هم امید دارید که ایمان بیاورند و به شما پاسخ مثبت دهند؟! درحالی‌که گروهی از علمای‌شان کلام الله را که در تورات بر آنها نازل شد می‌شنیدند، سپس الفاظ و معانی آن را بعد از آن‌که آن را می‌فهمیدند و می‌شناختند، تغییر می‌دادند، درحالی‌که به بزرگی گناه خویش آگاه بودند.

﴿وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۷۶].

﴿۷۶﴾ یکی از تناقضات و مکرهای یهودیان این است که وقتی برخی از آنها با مؤمنان روبرو می‌شوند، به راستی و صحت رسالت پیامبر محمد ﷺ و اینکه تورات به او گواهی می‌دهد اعتراف می‌کنند، اما وقتی با خودشان خلوت می‌کنند یکدیگر را به سبب این اعترافات سرزنش می‌کنند؛ زیرا مسلمانان اعتراف آنها به صدق نبوت را به عنوان دلیل علیه آنها اقامه می‌کنند.

برخی فواید آیات:

- دل‌های برخی بندگان، سخت‌تر از سنگ‌های سخت است؛ از این رو، با پند و اندرز، نرم و مهربان نمی‌شوند.
- تا زمانی که دل، در برابر الله تسلیم و فروتن نباشد، دلایل و بینات - هر چند بزرگ باشند - سودی نمی‌رسانند.
- آیات، حقیقت آنچه را در ذات یهودیان قرار دارد کشف کرده‌اند، از این جهت که نادانی و فریب و بازی کردن با دین را از یکدیگر به ارث می‌برند.

﴿أُولَٰئِكَ يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

﴿۷۷﴾ یهودیان این رفتار معیوب و رسوا کننده را ادامه می دهند و گویی غافلند از اینکه الله از اقوال و افعال پنهانی و آشکار آنها آگاه است و آن را بر بندگان آشکار خواهد کرد و آنها را رسوا می سازد.

﴿وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ [البقرة: ۱۷۸].

﴿۷۸﴾ گروهی از یهودیان هستند که از تورات چیزی جز تلاوت آن نمی دانند و مدلول آن را درک نمی کنند و چیزی جز دروغ‌هایی که از بزرگان‌شان گرفته‌اند ندارند و گمان می کنند که این دروغ‌ها، همان توراتی است که الله آن را نازل فرموده است.

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُؤَا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۹].

﴿۷۹﴾ پس نابودی و عذاب سختی در انتظار کسانی است که کتاب را با دست خود می نویسند، سپس - به دروغ - می گویند: این از جانب الله است؛ تا حق و پیروی از هدایت را با بهای بی‌ارزشی در دنیا مانند مال و ریاست تبدیل کنند، پس نابودی و عذاب شدیدی بر آنها است به سبب آنچه دست‌های‌شان نوشته و آنها را به دروغ به الله نسبت می دهند، و نابودی و عذاب شدیدی بر آنها است به سبب مال و ریاستی که از این طریق به دست می آورند.

﴿وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۸۰].

﴿۸۰﴾ - به دروغ و از روی غرور - گفتند: آتش جهنم به ما نخواهد رسید و وارد آن نمی شویم مگر روزهای اندکی؛ - ای پیامبر - به آنها بگو: آیا بر این امر، وعده محکمی از الله گرفته‌اید؟ که اگر چنین پیمانی گرفته باشید، الله پیمان‌ش را نقض نمی کند، یا اینکه - به دروغ و ناحق - آنچه را که نمی دانید به الله نسبت می دهید؟

﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۸۱].

﴿۸۱﴾ امر این گونه که آنها می پندارند نیست؛ زیرا الله هرکس را که مرتکب گناه کفر شود و گناهانش از هر طرف او را احاطه کنند، عذاب می دهد و آنها را با دخول در

آتش و جاودانه بودن در آن، به گونه‌ای که برای همیشه در آن خواهند ماند، مجازات می‌کند.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۸۲].

﴿۸۲﴾ کسانی که به الله و رسولش ﷺ ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، ثوابشان نزد الله، ورود به بهشت و جاودانگی در آن است، و برای همیشه در آن ماندگار خواهند ماند.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [البقرة: ۸۳].

﴿۸۳﴾ - ای بنی اسرائیل - همچنین به یاد آورید پیمان محکمی را که از شما گرفتیم مبنی بر اینکه الله را یگانه بدانید و دیگران را همراه او نپرستید، و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مساکین نیازمند نیکی کنید، و هنگام امر به معروف و نهی از منکر خشونت و شدت به کار نبرید و به نیکویی با مردم سخن بگویید، و نماز کامل را به نحوی که بدان امر شده‌اید ادا کنید، و زکات را با پرداخت آن به مستحقانش که خودتان را با آن پاکیزه می‌گردانید بپردازید، اما پس از این پیمان، تنها کاری که کردید این بود که با خودداری از وفا به مفاد پیمانی که از شما گرفته شد، روی گردانیدید.

برخی فواید آیات:

برخی از اهل کتاب مدعی هستند که به آنچه الله نازل فرموده است علم دارند، اما در حقیقت، هیچ علمی به آن ندارند و این ادعا، فقط توهم و نادانی است.

بزرگترین گناهکاران، کسانی هستند که بر الله متعال و رسولش ﷺ دروغ می‌بندند؛ یعنی آنچه را از جانب الله و رسولش ﷺ نیست به آن دو نسبت می‌دهند.

• با وجود پیمان‌های بزرگی که الله متعال با تأکید زیاد از یهودیان گرفت، جز بر رویگردانی و رهاکردن این پیمان‌ها توسط آنها نیفرود.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾ [البقرة: ۸۴].

﴿۸۴﴾ و به یاد آورید پیمان محکمی را که در تورات از شما گرفتیم مبنی بر تحریم اینکه خون یکدیگر را بریزید و تحریم اینکه یکدیگر را از سرزمین خود بیرون کنید، سپس به این پیمان که از شما گرفتیم اعتراف کردید و خودتان بر صحت این پیمان گواه هستید.

﴿ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتَوْمُنُونَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاء مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۸۵].

﴿۸۵﴾ اما شما با این پیمان مخالفت می کنید؛ چنانکه یکدیگر را می کشید و با همکاری دشمنان، از روی ستم و تجاوز، گروهی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می کنید. و هنگامیکه [بعضی از آنان در جنگ با هم پیمانان عرب شما اسیر شوند و به صورت] اسیر نزد شما بیایند، [برای این که آنها از بنی اسرائیل و هم دین شما هستند، در برابر آزادی شان] تلاش می کنید تا با پرداخت فدیة آنها را از اسارت درآوردید، حال آنکه آواره کردن شان بر شما حرام است. چگونه به بخشی از تورات در مورد وجوب رهاسازی اسرا ایمان می آورید و به بخشی از آن در مورد صیانت خون و منع آواره کردن یکدیگر از سرزمینشان کفر می ورزید؟! بنابراین، کسی که چنین عملی مرتکب شود، جزایی ندارد جز خواری و تحقیر در دنیا، و در آخرت نیز به شدیدترین عذاب بازگردانده می شود و الله از آنچه که انجام می دهید غافل نیست، بلکه از اعمال تان آگاه است و شما را در قبال آن مجازات خواهد کرد.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [البقرة: ۸۶].

﴿۸۶﴾ آنها کسانی هستند که با ترجیح فانی بر باقی، آخرت را با زندگی دنیا عوض کردند، پس عذاب شان در آخرت تخفیف داده نمی شود و در آن روز هیچ یابوری

ندارند که به آنها یاری برساند.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَفَقَّيْنَا مِنَ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ﴾ [البقرة: ۸۷].

﴿۸۷﴾ همانا به موسی تورات را دادیم و در پی او، رسولانی فرستادیم، و به عیسی پسر مریم آیات آشکار و روشنی مانند زنده گردانیدن مردگان و شفا بخشیدن کور مادرزاد و بیمار مبتلا به پیسی، برای [اثبات] راستگویی اش عطا کردیم و او را با فرشته جبرئیل تقویت کردیم، پس - ای بنی اسرائیل - چرا هرگاه رسولی چیزی را آورد که موافق خواهشات شما نبود، بر حق تکبر ورزیدید و بر رسولان الله برتری جستید، چنان که گروهی از آنها را تکذیب کردید و گروهی دیگر را به قتل رساندید؟!

﴿وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ﴾ [البقرة: ۸۸].

﴿۸۸﴾ در حقیقت، دلیل یهود بر پیروی نکردن از محمد ﷺ این بود که می گفتند: همانا دل هایمان در غلاف است و چیزی از سخنان تو به دل هایمان نمی رسد و آن را نمی فهمند، اما وضعیت چنینی که آنها ادعا کردند نبود، بلکه به سبب کفرشان، الله آنها را از خود راند و به همین سبب، جز به مقدار اندکی از آنچه الله نازل فرمود، ایمان نمی آورند.

برخی فواید آیات:

- از بزرگترین انواع کفر: ایمان آوردن به بخشی از آنچه الله نازل فرموده است و کفر ورزیدن به بخشی دیگر از آن است؛ زیرا کسی که مرتکب چنین کاری شود، هوای نفسش را معبود خویش قرار داده است.
- دشمنی زیاد و پیروی از هوای نفس و بازی کردن با آنچه الله متعال نازل فرموده است، توسط یهودیان.
- بخشش و رحمت الله متعال به مخلوقاتش، آن گاه که رسولان را پیاپی بر آنها فرستاد و کتابها را برای هدایتشان به راه راست و رستگاری نازل فرمود.
- الله کسانی را که از هدایت روی می گردانند و با اوامرش به ستیز می پردازند، با زدن مهر بر دل هایشان مجازات می کند و آنها را از رحمت خویش می راند؛ در نتیجه، به حق هدایت نمی شوند و به آن عمل نمی کنند.

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۸۹].

۸۹) قرآن کریم که در اصول عمومی صحیح، با تورات و انجیل موافق است، از جانب الله برای شان آمد. قبل از نزول آن می گفتند: هنگامی که پیامبری مبعوث شود، بر مشرکان پیروز خواهیم شد و برایمان گشایش حاصل خواهد شد، پس به او ایمان می آوریم و از او پیروی می کنیم. اما هنگامی که قرآن و محمد ﷺ طبق صفتی که آن را می شناختند و حقیقتی که آن را می دانستند، نزدشان آمد، به آن کفر ورزیدند؛ پس لعنت الله بر کافران به الله و رسولش ﷺ باد.

﴿بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [البقرة: ۹۰].

۹۰) سهم خویش از ایمان به الله و رسولش ﷺ را به بهای بدی عوض کردند؛ چون از روی ستم و حسادت به سبب نزول نبوت و قرآن بر محمد ﷺ، به آنچه الله نازل کرده بود کفر ورزیدند و رسولانش را تکذیب کردند، پس به سبب کفر به محمد ﷺ و تحریف تورات از قبل، به خشمی دوچندان از جانب الله متعال سزاوار شدند. و برای کافران به نبوت محمد ﷺ، عذاب خفت آوری در روز قیامت وجود دارد.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۹۱].

۹۱) و هنگامی که به این یهودیان گفته می شود: به حق و هدایتی که الله بر رسولش ﷺ نازل کرده ایمان بیاورید، می گویند: به آنچه که بر پیامبران خودمان نازل شده است ایمان می آوریم، و به غیر آن یعنی آنچه بر محمد ﷺ نازل شده است کفر می ورزند، درحالی که این قرآن، همان حقیقتی است که موافق چیزی است که از جانب الله همراه آنها است، و اگر به آنچه بر آنها نازل شده است، ایمان واقعی آورده بودند، قطعا به قرآن نیز ایمان می آوردند. - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: اگر واقعاً به حقی که برای تان آمد ایمان داشتید، پس چرا پیش از این، پیامبران الله را می کشتید؟!

﴿* وَالْقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ﴾
[البقرة: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و قطعاً رسول شما، موسیٰ علیه السلام، آیات آشکاری دال بر راستگویی خویش آورد، سپس، بعد از اینکه موسیٰ علیه السلام برای دیدار با پروردگارش رفت، آن گوساله را معبود قرار دادید و عبادت کردید، و با قراردادن شریک برای الله، ستمکار شدید، درحالی که الله، سزاوار است به یگانگی و بدون شریک عبادت شود.

﴿وَاذْأَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاَسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۹۳].

﴿۹۳﴾ و به یاد آورید هنگامی که پیمان محکمی مبنی بر پیروی از موسیٰ علیه السلام و پذیرش آنچه از نزد الله آورده بود از شما گرفتیم و برای ترساندن شما، کوه را بر فرازتان بالا بردیم، و به شما گفتیم: با تلاش و کوشش بسیار، آنچه را از تورات به شما دادیم برگزید و به نیت پذیرش و فرمانبرداری بشنوید و گرنه کوه را بر سر شما فرو می ریزیم، آن گاه گفتید: با گوش‌هایمان شنیدیم و با اعمالمان نافرمانی کردیم، و به سبب کفرشان، عبادت گوساله در دل‌هایشان جای گرفت. - ای پیامبر - بگو: چه بد است کفر به الله که این ایمان، شما را به آن امر می‌کند اگر مؤمن هستید؛ زیرا کفر همراه ایمان واقعی وجود ندارد.

برخی فواید آیات:

- یهودیان، حسودترین مردمان هستند؛ زیرا به سبب اینکه رسول صلی الله علیه و آله از آنها نبود، حسادت، آنها را به کفر به الله و نپذیرفتن آنچه نازل کرد، واداشت.
- ایمان واقعی به الله متعال، تصدیق تمام کتاب‌هایی را که الله نازل فرموده و تمام رسولانی را که فرستاده است می‌طلبد.
- از بزرگترین ستم‌ها، رویگردانی از حقیقت و هدایت، پس از شناخت آن و قیام ادله بر آن است.
- یکی از عادات‌های یهودیان، شکستن عهد و پیمان‌هاست و تا امروز دین‌شان این گونه بوده است.

﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتُّواْ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۹۴].

۹۴ - ای پیامبر - بگو: - ای یهود - اگر بهشت در سرای آخرت فقط برای شماست و مردم دیگر در آن وارد نمی‌شوند؛ پس مرگ را آرزو کنید و آن را بطلبید؛ تا به سرعت به این جایگاه دست یابید و از دشواری‌ها و غم و اندوه‌های زندگی دنیا راحت شوید، اگر در این ادعای خویش راستگو هستید.

﴿وَلَنْ يَّتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۹۵].

۹۵ - اما به سبب کفر به الله و تکذیب رسولانش ﷺ و تحریف کتاب‌هایش که در زندگی خویش آنها را مرتکب شده‌اند، هرگز مرگ را آرزو نخواهند کرد، و الله نسبت به ستمکاران یهود و غیر یهود آگاه هست و هرکس را به سبب عملش جزا خواهد داد.

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْحَزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۹۶].

۹۶ - ای پیامبر - به طور قطع، یهود را حریص‌ترین مردم به زندگی خواهی یافت، هر چند این زندگی پست و خوار باشد، بلکه آنها از مشرکان که به روز رستاخیز و حساب ایمان ندارند، حریص‌تر هستند، در حالی که آنها اهل کتاب هستند و به روز رستاخیز و حساب ایمان دارند؛ چنان‌که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر کند، در حالی که درازی عمرش به هر اندازه که برسد او را از عذاب الله دور نمی‌سازد و الله نسبت به اعمال آنها آگاه و بیناست و ذره‌ای از اعمال‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند و آنها را در قبال اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۹۷].

۹۷ - ای پیامبر - به هر یک از یهودیان که می‌گوید: «همانا از میان فرشتگان، جبرئیل علیه السلام دشمن ماست» بگو: هرکس دشمن جبرئیل علیه السلام است، (باید بداند که) جبرئیل علیه السلام همان کسی است که به اذن الله قرآن را بر قلبت نازل کرد، در حالی که قرآن مؤید کتاب‌های پیشین الهی مانند تورات و انجیل و راهنما به سوی خیر و

بشارت دهنده برای مؤمنان است به نعمت‌هایی که الله برای‌شان مهیا فرموده است، پس هرکس دشمن کسی با این صفت و عمل باشد، از گمراهان است.

﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾
[البقرة: ۹۸].

﴿۹۸﴾ هرکس دشمن الله و فرشتگانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و رسولانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و دشمن دو فرشته مقرب - جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَامُ و میکائیل عَلَيْهِ السَّلَامُ - باشد؛ (باید بداند که) الله دشمن کافران شما و غیر شماست و هرکس که الله دشمن او باشد، قطعاً به زیان آشکاری بازگشته است.

﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ﴾ [البقرة: ۹۹].

﴿۹۹﴾ و - ای پیامبر - نشانه‌های روشنی بر راستگویی تو در نبوت و وحیی که آوردی نازل کردیم، و با وجود وضوح و آشکاربودنشان، کسی جز برگشتگان از دین الله آنها را انکار نمی‌کند.

﴿أَوَلَمَّْا عَاهَدُوا عَهْدًا تَبَدَّهَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ یکی از صفات ناپسند یهودیان این است که هرگاه پیمانی از آنها گرفته شد - از جمله ایمان به نبوت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که تورات بر آن دلالت دارد - گروهی از آنها آن را شکستند، بلکه اکثر این یهودیان به آنچه الله متعال نازل فرموده است ایمان واقعی نمی‌آورند؛ زیرا ایمان، بر وفای به عهد حمل می‌شود.

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ و هنگامی که محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به عنوان رسولی از جانب الله نزدشان آمد درحالی که موافق صفت او در تورات بود، گروهی از آنها از آنچه که تورات بر آن دلالت می‌کرد روی گرداندند و بدون اعتنا به تورات، آن را پشت سر خویش افکندند، همانند حال جاهلی که حق و هدایت موجود در آن سودی به او نمی‌رساند، پس بدان اعتنا نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- مؤمن واقعی به نعمت‌های همیشگی الله امید دارد و به همین منظور، به دیدار الله مشتاق است و از مرگ نمی‌هراسد.
- حرص یهود بر زندگی دنیا، حتی اگر زندگی پست و خفت‌آوری باشد.
- هرکس با دوستان مقرب الله دشمنی کند، در واقع با الله متعال دشمنی کرده است.
- رویگردانی یهودیان از نبوت محمد ﷺ، پس از آن‌که درستی آن را بر اساس کتاب‌های خودشان شناختند.
- هرکس از علم خویش بهره نبرد، سزاوار است که به جهل و نادانی توصیف شود؛ زیرا جاهل در جهل خویش با او شبیه است.

﴿وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ و چون دین الله را رها کردند، به جای آن، آنچه را که شیاطین به دروغ به سلطنت سلیمان علیه السلام نسبت دادند پیروی کردند، آنجا که ادعا کردند سلیمان علیه السلام پادشاهی خویش را با سحر استوار کرده است، حال آن که سلیمان با اشتغال به سحر کفر نورزید - آن گونه که یهودیان ادعا کردند - بلکه شیاطین کفر ورزیدند که سحر را به مردم آموزش می دادند و سحری را که بر دو فرشته - هاروت و ماروت - در شهر بابل عراق برای امتحان و آزمایش مردم نازل شده بود به مردم می آموختند، و این دو فرشته، به هیچ کس سحر نمی آموختند جز اینکه او را بر حذر می داشتند و با این سخن امر را برایش روشن می کردند: به راستی که ما آزمایش و امتحانی برای مردم هستیم، پس با فرا گرفتن سحر کفر نورز؛ هر کس نصیحت این دو فرشته را نمی پذیرفت، از آن دو سحر می آموخت. یک نوع از آن سحر، با ایجاد نفرت بین مرد و همسرش، میان آن دو جدایی می اندازد. هر چند آن ساحران به هیچ کس آسیبی نمی رساندند مگر به اذن و اراده الله؛ و چیزی می آموختند که به آنها زیان می رساند و نفعی برای شان نداشت، و آن یهودیان دریافته بودند که هر کس سحر را جایگزین کتاب الله کند، در آخرت هیچ سهم و نصیبی ندارد و چه بد بود آنچه که به جان خریدند، آنجا که سحر را با وحی و شریعت الله جایگزین کردند، و اگر می دانستند که چه چیزی به آنها نفع می رساند، هرگز این عمل رسوا کننده و گمراهی آشکار را مرتکب نمی شدند.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ و اگر یهودیان ایمان واقعی به الله آورده بودند و با انجام طاعت و ترک معصیت الله، تقوای او را پیشه می کردند، به طور قطع، ثواب الله برای شان بهتر بود از آنچه که بر آن بودند، اگر می دانستند که چه چیزی به آنها نفع می رساند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾
[البقرة: ۱۰۴].

ﷻ الله برای متوجه ساختن مؤمنان به انتخاب الفاظ نیکو، به آنها چنین می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید کلمه ﴿رَاعِنَا﴾ یعنی «رعایت حال ما را بکن» را نگوئید؛ زیرا یهود آن را دست‌کاری کردند و پیامبر ﷺ را با آن مورد خطاب قرار دادند و معنای فاسدی که رعونه (کودنی و نادانی) است را از آن قصد کردند، پس الله برای بستن این باب، از گفتن این کلمه نهی فرمود و به بندگانش فرمان داد که به جای آن بگویند ﴿انظُرْنَا﴾؛ یعنی به ما مهلت بده تا بفهمیم چه می‌گویی، و این کلمه، معنا را بدون اشکال می‌رساند. و برای کافران به الله، عذاب دردناک و رنج‌آوری است.

﴿مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [البقرة: ۱۰۵].

ﷻ کفار - از هر نوع که باشند: چه اهل کتاب یا مشرکان - دوست ندارند که هیچ خیری - کم یا زیاد - از جانب پروردگارتان بر شما نازل شود، درحالی که الله نبوت و وحی و ایمان را به هر یک از بندگان که بخواهد اختصاص می‌دهد و الله صاحب فضل و بخشش بزرگی است؛ پس هیچ خیری به هیچ‌یک از مردم نمی‌رسد مگر اینکه از جانب الله است و فرستادن رسول و نزول کتاب از فضل و بخشش اوست.

برخی فواید آیات:

- بی‌ادبی یهودیان به پیامبران الله، آنجا که اشتغال به سحر را به سلیمان نسبت دادند، اما الله او را از این کار تبرئه و ادعای یهودیان را تکذیب کرد.
- سحر، حقیقت دارد و در عقل و بدن تأثیر می‌گذارد، ساحر کافر است و حکمش قتل است.
- در پادشاهی الله متعال، هیچ خیر و شری جز به اذن و علم او تعالی واقع نمی‌شود.
- سد ذرائع، از مقاصد شریعت است؛ پس باید از هر گفتار یا رفتاری که امور فاسدی از آن متصور است، پرهیز و دوری کرد.
- فضیلت به دست الله متعال است و او رحمت و حکمت خویش را به هر کس بخواهد اختصاص می‌دهد.

﴿ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّمَّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ [البقرة: ۱۰۶].

۱۰۶) الله متعال بیان می‌فرماید که هرگاه حکم یا لفظ آیه‌ای از قرآن را برمی‌دارد، مردم آن را فراموش می‌کنند و او سبحانه زود یا دیر سودمندتر از آن یا همانند آن را می‌آورد، و این امر به علم و حکمت الله است و تو - ای پیامبر - می‌دانی که الله بر هر چیزی تواناست، پس هرچه بخواید انجام می‌دهد و هر حکمی که بخواید صادر می‌فرماید.

﴿ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴾ [البقرة: ۱۰۷].

۱۰۷) - ای پیامبر - تو دانسته‌ای که الله، مالک آسمان‌ها و زمین است، به هرچه بخواید حکم می‌دهد، پس بندگانش را به هرچه بخواید فرمان می‌دهد و آنها را از هرچه بخواید نهی می‌کند، هرچه از احکام شرع بخواید مقرر می‌دارد و هرچه بخواید نسخ می‌کند، و پس از الله، هیچ کارسازی ندارید که امورتان را حمایت و پشتیبانی کند و هیچ یآوری ندارید که آسیب را از شما دفع کند، بلکه فقط الله، کارساز و حامی تمام این امور است و بر این کار تواناست.

﴿ أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ وَمَن يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴾ [البقرة: ۱۰۸].

۱۰۸) - ای مؤمنان - در شأن شما نیست که - از روی اعتراض و آزار رساندن - از رسول‌تان سوال کنید، چنان‌که قبلاً قوم موسی عليه السلام از پیامبرشان سوال کردند؛ مثل اینکه گفتند: ﴿ أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً ﴾ [النساء: ۱۵۳]؛ «الله را آشکارا به ما نشان بده». و هرکس ایمان را با کفر عوض کند، به‌طور قطع از راه میانه که همان صراط مستقیم است گمراه شده است.

﴿ وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْتَمُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ [البقرة: ۱۰۹].

﴿۱۹﴾ بسیاری از یهودیان و مسیحیان، پس از آن که برای شان مشخص شد که آنچه محمد ﷺ آورده، حقیقتی از جانب الله است، به سبب حسادتی که در وجودشان است، آرزو می کنند که شما را پس از ایمان تان به کفر بازگردانند، چنان که قبلاً بت ها را عبادت می کردید، پس - ای مؤمنان - کارهای آنها را ببخشید و از جهل و بدی ای که در وجودشان است درگذرید، تا اینکه حکم الله در مورد آنها بیاید - و این امر و حکم الله آمده است، چنان که کافر میان انتخاب اسلام یا پرداخت جزیه یا قتال مخیر است - همانا الله بر هر چیزی تواناست و نمی توانند از عذاب او فرار کنند. الله متعال، پس از اینکه مؤمنان را به شکیبایی در برابر آزار و اذیت ها امر فرمود، آنها را به ایستادگی در دین شان و تقویت ایمان شان فرمان داد و فرمود:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [البقرة: ۱۱۰].

﴿۲۰﴾ نماز را با ارکان و واجبات و سنن آن، به شکلی کامل برپا دارید، و زکات اموال تان را به مستحقانش بپردازید، و هر عمل صالحی را که در زندگی تان انجام دهید و آن را قبل از مرگ به عنوان ذخیره برای خودتان پیش فرستید، در روز قیامت ثوابش را نزد پروردگارتان می یابید و جزای آن را به شما می دهد؛ زیرا الله اعمال شما را می بیند و هرکس را بر اساس عملش جزا می دهد.

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [البقرة: ۱۱۱].

﴿۲۱﴾ هم یهود و هم نصارا گفتند: همانا بهشت مخصوص آنها است؛ چنان که یهودیان گفتند: هرگز به بهشت داخل نمی شود مگر کسی که یهودی باشد، و مسیحیان گفتند: هرگز کسی وارد بهشت نمی شود مگر اینکه نصرانی باشد؛ این سخنان، آرزوهای باطل و توهمات فاسد آنها است، - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: اگر راست می گوئید و در ادعای خویش صادق هستید، دلیل ادعای تان را بیاورید.

﴿بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۱۱۲].

﴿۲۲﴾ تنها کسی وارد بهشت می شود که با روی آوردن به سوی الله، خودش را برای

الله خالص گرداند و در کنار اخلاص - عبادت خویش را با پیروی از آنچه رسول ﷺ آورده است به نیکویی برپا دارد، چنین کسی وارد بهشت می شود از هر گروهی که باشد و ثواب او نزد پروردگارش است، و در آنچه از آخرت در پیش رو دارند بیمی بر آنها نیست و بر آنچه از دنیا از دست شان می رود غمگین نمی شوند. این اوصاف، پس از آمدن پیامبر محمد ﷺ، فقط در وجود مسلمانان محقق می گردد.

برخی فواید آیات:

- تمام امور برای الله است، پس هرچه از احکام و شرایعش را که بخواهد عوض می کند و هرچه از آن را که بخواهد باقی می گذارد، و تمام این امور، از روی علم و حکمت او انجام می شود.
- حسادت بسیاری از اهل کتاب با امت اسلام، بدین سبب است که الله، مسلمانان را به ایمان و پیروی رسول ﷺ خاص گردانید، به گونه ای که بازگشت مسلمانان به کفر را، چنان که قبلاً بر آن بودند، آرزو می کنند.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [البقرة: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ و یهودیان گفتند: مسیحیان بر دین صحیحی نیستند، و مسیحیان گفتند: یهودیان بر دین صحیحی نیستند، درحالی که همگی شان کتاب‌هایی را که الله بر آنها نازل کرده و امر به ایمان به تمام پیامبران علیهم‌السلام بدون گذاشتن تفاوت را که در این کتاب‌ها آمده است می‌خوانند، این کارشان، شبیه سخن مشرکانی است که نمی‌دانند؛ چون تمام رسولان و کتاب‌هایی را که بر آنها فرو فرستاده شده بود تکذیب کردند؛ از این رو، الله در روز قیامت میان اختلاف‌کنندگان داوری می‌کند، با حکم عادلانه خویش که بندگان را از آن آگاه فرموده است: به اینکه هیچ رستگاری‌ای جز با ایمان به تمام آنچه الله متعال نازل فرموده است، به دست نمی‌آید.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ هیچ کس ستمکارتر از کسی نیست که نگذارد نام الله در مساجدش برده شود، یعنی از نماز و ذکر و تلاوت قرآن در آن جلوگیری کند، و با تخریب مساجد یا منع از ادای نماز در آن، در ویرانی و فاسدکردن آن بکوشد و اقدام کند؛ برای آنها که در ویرانی مساجد می‌کوشند، سزاوار نیست که در مساجد الله وارد شوند مگر ترسان که دل‌های‌شان می‌لرزد؛ چون کفر ورزیدند و از مساجد الله جلوگیری کردند. برای آنها، در دنیا ذلت و خواری بر دستان مؤمنان و در آخرت، عذاب بزرگی است به این سبب که مردم را از مساجد الله بازداشتند.

﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ فرمانروایی مشرق و مغرب و آنچه میان آن دو است مخصوص الله است، بندگان را به هر چه بخواهد امر می‌کند، به هر سو که متوجه شوید، به سوی الله متعال روی آورده‌اید؛ پس اگر شما را به روی آوردن به سوی بیت‌المقدس یا کعبه امر کرد یا در تشخیص قبله اشتباه کردید یا روی آوردن به آن بر شما دشوار شد،

گناهی بر شما نیست؛ زیرا تمام جهات برای الله متعال است، همانا الله واسع است که رحمت و گشایش خویش را بر تمام مخلوقاتش می‌گستراند، و از نیات و افعال شان آگاه است.

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِثُونَ﴾
[البقرة: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ و یهودیان و مسیحیان و مشرکان گفتند: الله فرزندی برای خودش برگزیده است! او تعالی از این امر پاک و مقدس است؛ زیرا از مخلوقاتش بی‌نیاز است و کسی فرزندی برای خود انتخاب می‌کند که به او نیاز داشته باشد؛ حال آن که هرچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد از آن او تعالی است، تمام مخلوقات، بندگان او سبحانه و در برابر او فروتن هستند و به هر نحو که بخواهد در موردشان عمل می‌کند.

﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [البقرة: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ الله سبحانه، آسمان‌ها و زمین و هرچه در آن دو وجود دارد را بدون نمونه قبلی پدید آورد، و هرگاه چیزی را انتخاب و اراده کند، فقط به آن چیز می‌فرماید: ﴿كُنْ﴾؛ باش؛ به‌ناگاه همان‌گونه که الله اراده کرده بود موجود می‌شود و هیچ چیز نمی‌تواند فرمان او را بازگرداند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [البقرة: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ و افراد نادان از اهل کتاب و مشرکان برای ستیز با حق گفتند: چرا الله بدون واسطه با ما سخن نمی‌گوید، یا نشانه‌ای حسّی و مخصوص برای ما نمی‌فرستد؟ و همانند این سخن‌شان را قبلاً امت‌هایی که رسولان‌شان را تکذیب کردند نیز گفتند، هر چند زمان و مکان‌شان با یکدیگر متفاوت است. ما نشانه‌ها را بر گروهی که به حق یقین دارند آشکار کرده‌ایم، هنگامی که برای‌شان آشکار شد، هیچ تردیدی آنها را دربرنگرفت و هیچ ستیزی مانع‌شان نشد.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ [البقرة: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ - ای پیامبر - ما تو را با دین بر حقی که هیچ تردیدی در آن نیست فرستادیم؛ تا مؤمنان را به بهشت بشارت و کافران را از آتش انداز دهی، و جز ابلاغ واضح

چیزی بر عهده تو نیست، و الله هرگز تو را به خاطر جهنمیان که به تو ایمان نیاورده‌اند مورد بازخواست قرار نمی‌دهد.

برخی فواید آیات:

- تمام اقسام کفر، ملت واحدی است؛ هر چند نوع و اماکن پیروانش متفاوت باشد؛ زیرا آنها در کفر و نسبت دادن سخن بدون علم به الله همانند یکدیگر هستند.
- جنایتکارترین و گناهکارترین مردم کسانی هستند که از راه الله بازمی‌دارند و مانع کسانی می‌شوند که می‌خواهند کار خیر انجام دهند.
- منزه‌دانستن الله متعال از همنشین و فرزند؛ زیرا او سبحانه به مخلوقاتش نیازی ندارد.

﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودَ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [البقرة: ۱۲۰].

۱۲۰) الله متعال، برای آگاه‌سازی و تهدید پیامبرش این گونه او را مورد خطاب قرار می‌دهد: یهودیان و مسیحیان هرگز از تو راضی نخواهند شد مگر زمانی که اسلام را رها و از باورهای‌شان پیروی کنی، و اگر پس از حقیقت روشنی که نزد تو آمد، چنین عملی از تو یا یکی از پیروانت سرزند، هیچ کمکی از جانب الله نخواهی یافت. این امر، خطر بزرگ ترک حق و همراهی با پیروان باطل را می‌رساند.

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [البقرة: ۱۲۱].

۱۲۱) قرآن کریم در مورد گروهی از اهل کتاب سخن می‌گوید که به آنچه از کتاب‌های نازل شده که در دست‌شان قرار دارد عمل می‌کنند و چنان که باید از آن پیروی می‌کنند؛ این گروه، در این کتاب‌ها، نشانه‌های دلالت‌کننده بر راستگویی پیامبر محمد ﷺ را می‌یابند و به همین دلیل، سریع به او ایمان آوردند، و گروهی دیگر، بر کفر خویش اصرار ورزیدند و زیان کار شدند.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ۱۲۲].

۱۲۲) ای بنی‌اسرائیل، نعمت‌های دینی و دنیوی مرا که به شما ارزانی داشتم یاد کنید و نیز به یاد آورید که شما را با نبوت و پادشاهی، بر مردم زمان خودتان برتری دادم.

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [البقرة: ۱۲۳].

۱۲۳) و با پیروی از اوامر الله و پرهیز از نواهی او تعالی، میان خودتان و میان عذاب روز قیامت سپری قرار دهید؛ زیرا - در آن روز - هیچ کس، شخص دیگری را ذره‌ای بی‌نیاز نمی‌سازد، و هیچ فدیة‌ای هر چند بزرگ باشد از او پذیرفته نمی‌شود، و

شفاعت هیچ کس هر چند جایگاه بزرگی داشته باشد، در مورد او پذیرفته نمی شود و هیچ یآوری ندارد که به جای الله به او یاری رساند.

﴿وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۱۲۴].

﴿۱۲۴﴾ و به یادآور هنگامی که الله ابراهیم علیه السلام را با احکام و تکالیفی که به او امر کرد بیازمود، و ابراهیم علیه السلام به کامل ترین وجه آنها را انجام داد، الله به پیامبرش ابراهیم علیه السلام گفت: من تو را پیشوای مردم قرار دادم تا در افعال و اخلاقت به تو اقتدا شود، ابراهیم علیه السلام گفت: - پروردگارا - از نسلم نیز پیشوایانی قرار بده تا مردم به آنها اقتدا کنند؛ الله در پاسخ به او فرمود: پیمان من به تو در مورد امامت در دین، به افراد ستمکار از نسل تو نمی رسد.

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [البقرة: ۱۲۵].

﴿۱۲۵﴾ و به یادآور هنگامی که الله بیت الحرام را جای بازگشت مردم که دل های شان به آن وابسته است قرار داد، هرگاه از آنجا کوچ کنند، دوباره به آن بازمی گردند، و آن را محل امنی برای شان قرار داد که در آنجا بر آنها تجاوز نمی شود. و به مردم فرمود: از حجر - که ابراهیم علیه السلام هنگام ساخت کعبه بر روی آن می ایستاد - مکانی برای ادای نماز انتخاب کنید؛ و ابراهیم علیه السلام و پسرش اسماعیل علیه السلام را به پاکیزه ساختن بیت الحرام از پلیدی ها و بت ها و آماده ساختن آن برای کسانی که با طواف و اعتکاف و نماز و سایر مناسک قصد دارند در آن عبادت کنند، سفارش کردیم.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [البقرة: ۱۲۶].

﴿۱۲۶﴾ - ای پیامبر - همچنین به یادآور هنگامی که ابراهیم علیه السلام در حال خواندن پروردگارش گفت: پروردگارا مکه را شهری امن قرار بده که در آن آسیبی متوجه هیچ کس نشود و به مردمانش از انواع میوه ها روزی بده و آن را رزق و روزی ای

خاص، برای مؤمنان به خودت و روز آخرت قرار ده. الله متعال فرمود: هرکس از آنها که کفر ورزد، با متاع اندکی در دنیا که به او روزی می‌رسانم بهره‌مندش می‌سازم، سپس در آخرت او را به‌زور در عذاب آتش می‌افکنم و چه بازگشتگاه بدی است که در روز قیامت بدان بازگردانده می‌شود.

برخی فواید آیات:

- یهودیان و مسیحیان از هر کار خیری که مسلمانان برای‌شان انجام دهند، هرگز راضی نخواهند شد مگر زمانی که مسلمانان را از دین‌شان بیرون برانند و پیرو گمراهی خویش کنند.
- امامت در دین، جز با یقین صحیح و شکیبایی بر انجام فرمان الله متعال به دست نمی‌آید.
- برکت دعای ابراهیم علیه السلام بر مکه مکرمه، از این جهت که الله آنجا را مکانی امن برای مردم قرار داد و با انواع روزی‌ها، آن را برای ساکنانش برگزید.

﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۷].

﴿۱۲۷﴾ و به یادآور - ای پیامبر - هنگامی را که ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام پایه‌های کعبه را بالا می‌بردند و - با خضوع و فروتنی - می‌گفتند: پروردگارا اعمال‌مان - از جمله بنای این خانه - را از ما بپذیر که همانا تو دعای ما را اجابت می‌کنی و از نیات و اعمال ما آگاه هستی.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۸].

﴿۱۲۸﴾ پروردگارا ما را فرمان‌بردار امر خویش، فروتن در برابر خودت قرار بده، که احدی را با تو شریک قرار ندهیم و از نسل ما امتی فرمان‌بردار خودت برگزین، چگونگی عبادت خویش را برای ما نشان بده، و از گناهان و کوتاهی‌مان در طاعتت بگذر؛ که همانا تو نسبت به بندگان توبه‌کار، بسیار توبه‌پذیر و مهربان هستی.

﴿رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [البقرة: ۱۲۹].

﴿۱۲۹﴾ پروردگارا از میان آنها رسولی از خودشان از نسل اسماعیل برانگیز تا آیات نازل شده تو را بر آنها بخواند و قرآن و سنت به آنها بیاموزاند و آنها را از شرک و فرومایگی‌ها پاکیزه گرداند؛ زیرا تو توانا و چیره‌ای و در افعال و احکامت بسیار دانا هستی.

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [البقرة: ۱۳۰].

﴿۱۳۰﴾ هیچ‌کس از دین ابراهیم علیه السلام به‌سوی ادیان دیگر نمی‌گراید مگر کسی که با سبک سری و سوء تدبیرش در ترک حق و روی‌آوردن به گمراهی، به خودش ستم روا دارد و به ذلت خویش راضی شود. همانا ما او را در دنیا به‌عنوان رسول و خلیل برگزیدیم و در آخرت نیز از صالحان خواهد بود، همان کسانی که آنچه الله بر آنها واجب گردانده بود انجام دادند و بدین ترتیب به بالاترین درجات دست یافتند.

﴿إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْتُ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ۱۳۱].

﴿۳۳﴾ الله ابراهیم علیه السلام را برگزید، چون به سرعت به اسلام روی آورد، آن گاه که پروردگارش به او فرمود: عبادت را برای من خالص گردان و با طاعت در برابر من فروتن باش، پس ابراهیم علیه السلام در پاسخ پروردگارش گفت: تسلیم الله، آفریدگار، روزی دهنده و تدبیرکننده امور بندگان شدم.

﴿وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۲].

﴿۳۴﴾ و ابراهیم علیه السلام پسرانش را به این کلمه ﴿أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ سفارش کرد و یعقوب علیه السلام نیز پسرانش را به همین کلمه سفارش کرد؛ آن دو خطاب به پسران شان گفتند: همانا الله دین اسلام را برای تان برگزید، پس به آن چنگ بزنید تا زمانی که مرگ شما را فراگیرد، درحالی که در ظاهر و باطن تسلیم الله هستید.

﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۳].

﴿۳۵﴾ آیا شاهد خبر یعقوب علیه السلام هنگامی که مرگ او را فراگرفت بودید، آن گاه که از پسرانش پرسید: پس از مرگ من چه چیزی را عبادت می کنید؟ آنها در پاسخ به سوال او گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام را عبادت می کنیم، معبودی یگانه را که هیچ شریکی ندارد، و ما تنها تسلیم و فرمان بردار او هستیم.

﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۴].

﴿۳۶﴾ آن امت در میان امت هایی که قبل از شما بودند، درگذشتند، و به اعمالی که پیش فرستادند رسیدند، پس هر عمل نیک یا بدی که کردند برای خودشان است و آنچه شما کسب می کنید نیز برای خودتان است و در مورد اعمال آنها، شما بازخواست نمی شوید و در مورد اعمال شما از آنها سوال نمی شود، و هیچ کس به گناه دیگری مؤاخذه نمی شود؛ بلکه هرکس به خاطر آنچه پیش فرستاده است جزا

داده می‌شود، پس عمل پیشینیان‌تان، شما را از نظر در عمل خودتان باز ندارد؛ زیرا به هیچ کس پس از رحمت الله، مگر عمل صالح خودش سودی نمی‌رساند.

برخی فواید آیات:

- مؤمن پرهیزگار، به اعمال صالح خویش فریب نمی‌خورد، بلکه از اینکه این اعمال به خودش بازگردد و از او پذیرفته نشود، می‌ترسد؛ به همین دلیل، بسیار از الله می‌خواهد که اعمالش را بپذیرد.
- برکت دعای پدر پیامبران عليهم السلام، ابراهیم عليه السلام؛ آنجا که الله دعایش را اجابت کرد و خاتم پیامبران و برترین رسولانش را از اهالی مکه برگزید.
- دین ابراهیم عليه السلام، همان آیین پاک و سازگار با فطرت است؛ کسی آن را رها نمی‌کند و از آن کناره نمی‌گیرد مگر جاهل که مخالف فطرتش عمل می‌کند.
- مشروعیت سفارش فرزندان به پیروی از هدایت و گرفتن پیمان از آنها بر تمسک به حق و پایداری در آن.

﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [البقرة: ۱۳۵].

﴿۱۳۵﴾ یهودیان به مسلمانان گفتند: یهودی باشید تا راه هدایت را بیمایید، و نصاری گفتند: نصرانی باشید تا راه هدایت را بیمایید. - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: بلکه از دین ابراهیم علیه السلام پیروی می کنیم، همان کسی که از ادیان باطل به سوی دین حق روی آورد و هرگز از کسانی نبود که برای الله شریک قرار دادند.

﴿قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۶].

﴿۱۳۶﴾ - ای مؤمنان - به یهودیان و مسیحیانی که پیرو این ادعای باطل هستند بگویید: به الله و به قرآن که بر ما نازل شده ایمان آوردیم و به آنچه بر ابراهیم علیه السلام و پسرانش اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام نازل شده ایمان آوردیم و به آنچه بر پیامبران علیهم السلام از نسل یعقوب علیه السلام نازل شده ایمان آوردیم و به تورات که الله آن را به موسی علیه السلام و انجیل که الله آن را به عیسی علیه السلام عطا فرمود ایمان آوردیم و به کتاب‌هایی که الله به تمام پیامبران علیهم السلام داد ایمان آوردیم، میان هیچ یک از آنها تفاوت نمی گذاریم به این نحو که به برخی ایمان بیاوریم و برخی دیگر را انکار کنیم، بلکه به تمام آنها ایمان داریم و فقط تسلیم و فرمان بردار الله سبحانه هستیم.

﴿فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [البقرة: ۱۳۷].

﴿۱۳۷﴾ پس اگر یهود و مسیحیان و سایر کفار، ایمانی مانند ایمان شما بیاورند؛ به تحقیق به راه راستی که الله آن را پسندید ایمان آورده‌اند، و اگر از ایمان روی بگردانند به این ترتیب که تمام یا برخی از پیامبران علیهم السلام را تکذیب کنند، همانا در اختلاف و دشمنی هستند، پس - ای پیامبر - اندوه مدار، که الله در برابر آزارهای آنها برای تو کافی است و شرشان را از تو باز می‌دارد و در برابر آنان به تو یاری می‌رساند؛ زیرا او نسبت به اقوال‌شان شنواست و از نیات و افعال‌شان آگاه است.

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۸].

﴿۱۳۸﴾ به دین الله که شما را در ظاهر و باطن بر اساس آن آفرید پایبند باشید، که هیچ دینی نیکوتر از دین الله نیست؛ زیرا با فطرت شما سازگار است، مصالح را جلب می کند و مفسد را باز می دارد، و بگوئید: ما تنها الله را عبادت می کنیم و دیگران را با او شریک نمی گردانیم.

﴿قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ﴾ [البقرة: ۱۳۹].

﴿۱۳۹﴾ - ای پیامبر - بگو: - ای اهل کتاب - آیا با ما مجادله می کنید در اینکه شما نسبت به الله و دین او از ما برتر هستید؛ به این دلیل که دین و کتاب شما قدیمی تر است؟ این امر به شما سودی نمی رساند؛ زیرا الله پروردگار همه ما است و به شما اختصاص ندارد، و اعمال ما برای خود ماست و از شما در مورد آنها سوال نمی شود و اعمال شما برای خودتان است و از ما در مورد آنها سوال نمی شود، و هرکس در برابر عمل خودش مجازات می شود و ما در عبادت و طاعت به الله اخلاص می ورزیم و هیچ چیز را با او شریک نمی گردانیم.

﴿أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ أَلَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةَ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۰].

﴿۱۴۰﴾ یا - ای اهل کتاب - می گوئید: ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران نسل یعقوب علیهم السلام، بر آیین یهودیت یا نصرانیت بودند؟ - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: آیا شما بهتر می دانید یا الله؟! پس اگر ادعا می کنند که این پیامبران بر آیین آنها بودند، به تحقیق که دروغ می گویند؛ زیرا مبعث و مرگ پیامبران مذکور، قبل از نزول تورات و انجیل بود! و به این ترتیب دانسته می شود که سخنانشان، دروغ بر الله و رسولانش است؛ و حقیقتی را که بر آنها نازل شده است کتمان کردند، و هیچ کس ستمکارتر از کسی نیست که شهادتی را که از نزد الله آمده است کتمان کند، مانند عمل اهل کتاب؛ و الله از اعمال شما غافل نیست و شما را بر اساس اعمال تان مجازات خواهد کرد.

﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۱].

﴿۱۴۱﴾ آن امت قبل از شما درگذشتند، و به اعمالی که پیش فرستادند رسیدند، پس برای آنها اعمالی است که کسب کردند و برای شماست آنچه که کسب کردید و شما به خاطر اعمال آنها بازخواست نمی‌شوید و آنها نیز به خاطر اعمال شما بازخواست نمی‌شوند؛ زیرا هیچ‌کس به خاطر گناه دیگری مؤاخذه نمی‌شود و از عمل دیگری سود نمی‌برد، بلکه هرکس بر اساس چیزی که فرستاده است جزا داده می‌شود.

برخی فواید آیات:

- ادعای اهل کتاب مبنی بر اینکه آنها بر حق هستند، سودی به آنها نمی‌رساند، درحالی که به آنچه الله بر پیامبرش محمد ﷺ نازل فرمود کفر می‌ورزند.
- دین، صبغه (رنگ) نامیده شده است زیرا تأثیر و علامت آن بر مسلمان آشکار می‌شود؛ چنان که اثر رنگ در لباس آشکار می‌گردد.
- الله متعال، اقرار به ربوبیت و الوهیت خویش را در فطرت تمام مخلوقاتش تثبیت کرده است و شیطان و دستیارانش آنها را از این اقرار گمراه می‌کنند.

﴿* سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [البقرة: ۱۴۲].

﴿۱۴۲﴾ به زودی یهودیان نادان و کم خرد و منافقانی که همانند آنها هستند خواهند گفت: چه چیز مسلمانان را از قبلهٔ بیت المقدس که قبلاً قبله‌شان بود بازگرداند؟! - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: مالکیت مشرق و مغرب و سایر جهات فقط از آن الله است، صورت هر یک از بندگان را به هر جهتی که بخواهد می‌گرداند، او سبحانه هر یک از بندگان را که بخواهد به راه راستی که هیچ کجی و انحرافی در آن نیست هدایت می‌کند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۴۳].

﴿۱۴۳﴾ و همچنان که قبله‌ای برای شما قرار دادیم و آن را برای تان برگزیدیم؛ شما را امتی برگزیده و منصف، میانه در میان تمام امت‌ها، از نظر عقاید و عبادات و معاملات قرار دادیم؛ تا در روز قیامت گواهانی برای رسولان الله باشید که آنها آنچه را الله برای‌شان امر کرده بود به امت‌های‌شان تبلیغ کنند ابلاغ کردند، و رسول محمد ﷺ نیز گواه بر شما باشد که آنچه را با آن به‌سوی شما فرستاده شد به شما ابلاغ کرد. و تغییر قبله‌ای را که به آن روی می‌آوردی - یعنی بیت المقدس - را مقرر نکردیم مگر به این هدف که - به علم آشکارکننده‌ای که جزا بر آن مترتب می‌شود - مشخص کنیم چه کسی به آنچه الله تشریح کرده راضی است و در برابر آن فروتن و فرمان بردار است، در نتیجه از رسول پیروی می‌کند؛ و چه کسی از دینش بازمی‌گردد و از هوای نفسش پیروی می‌کند، در نتیجه در برابر آنچه الله تشریح کرده است فروتن و فرمان بردار نیست. فرمان تغییر قبلهٔ نخستین سخت و دشوار است مگر بر کسانی که الله آنها را به ایمان به خودش هدایت کرده است، و به این ترتیب که آنچه برای بندگان تشریح می‌کند، در واقع بر اساس حکمت‌های فراگیر تشریح می‌فرماید. و الله بر آن نبود که ایمان شما به الله، از جمله نمازهایی را که

قبل از تغییر قبله ادا کرده‌اید تباہ کند؛ زیرا الله نسبت به مردم بسیار مهربان است، پس بر آنها سخت نمی‌گیرد و ثواب اعمال‌شان را تباہ نمی‌سازد.

﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۴].

﴿۱۴۴﴾ - ای پیامبر - برآستی که ما بازگردانیدن صورت و نگاهت به سوی آسمان را می‌بینیم که در انتظار و جستجوی نزول وحی در مورد قبله و تغییر آن به‌سویی که دوست داری هستی، پس چهره‌ات را به جای بیت المقدس که اکنون به آن روی می‌آوری به‌سوی قبله‌ای که تو را خشنود می‌کند و آن را می‌پسندی - یعنی بیت الله الحرام - می‌گردانیم، پس رویت را به‌سوی بیت الله الحرام در مکه مکرمه بگردان، و - ای مؤمنان - هر جا باشید هنگام ادای نماز صورت‌های‌تان را به‌سوی بیت الله بگردانید. و همانا یهودیان و نصاری که به آنها کتاب داده شده است، نیک می‌دانند که تغییر قبله، حقیقتی فرورستاده‌شده از جانب آفریدگار و تدبیرکننده امرشان است؛ زیرا این امر در کتاب‌های‌شان با دلیل و برهان ثابت شده است، و الله از اعمال این رویگردانان از حق غافل نیست؛ بلکه الله سبحان، از اعمال‌شان آگاه است و آنها را بر اساس آن جزا خواهد داد.

﴿وَلَيْنَ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَيْنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۱۴۵].

﴿۱۴۵﴾ سوگند به الله! - ای پیامبر - اگر برای اهل کتاب، چه یهودیان و چه نصاری، معجزه‌ای با آیات و براهین کامل بیاوری که تغییر قبله حقیقت است، به‌خاطر دشمنی با آنچه آورده‌ای و تکبر بر پیروی از حق، به‌سوی قبله تو روی نمی‌آورند، و تو نیز پس از اینکه الله چهره تو را از قبله‌شان بازگرداند به‌سوی آن روی نمی‌آوری، و آنها نیز به قبله یکدیگر روی نمی‌آورند؛ زیرا هر گروه از آنها، دیگری را انکار می‌کند، و اگر پس از اینکه علم صحیح و بدون تردیدی نزد تو آمد، از خواهشات نفسانی آنها در مورد قبله و سایر شرایع و احکام پیروی کنی، در این صورت، با ترک هدایت و پیروی از هوای نفس، از ستمکاران خواهی بود. این خطاب به پیامبر، بر

زشتی پیروی از اهل کتاب دلالت دارد و گرنه، الله پیامبرش را از این امر پاک داشته است؛ پس این خطاب تحذیری برای امت پیامبر پس از مرگ ایشان است.

برخی فواید آیات:

- اعتراض بر احکام و شریعت الله و غفلت‌ورزیدن از مقاصد آن، بر نادانی و کم‌خردی دلالت دارد.
- فضیلت و برتری امت اسلام؛ چون الله این امت را ستوده و به امت میانه در میان سایر امت‌ها توصیف فرموده است.
- برحذر داشتن از پیروی خواهشات نفسانی اهل کتاب؛ زیرا آنها پس از اینکه حق را شناختند از آن روی گرداندند.
- جواز نسخ احکام شرعی در اسلام در زمان نزول وحی؛ زیرا روی آوردن به سوی بیت المقدس نسخ شد و روی آوردن به سوی مسجد الحرام به جای آن آمد.

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۶].

﴿۱۴۶﴾ برخی از علمای یهود و نصاری که کتاب به آنها داده شده است، امر تغییر قبله را که یکی از نشانه‌های نبوت محمد ﷺ نزدشان است می‌شناسند، همان‌گونه که فرزندان‌شان را می‌شناسند و آنها را از دیگران تشخیص می‌دهند؛ با این وجود، گروهی از آنها به خاطر حسادتی که دارند حقیقتی را که نزدشان آمد کتمان می‌کنند، درحالی که می‌دانند حقیقت است.

﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ [البقرة: ۱۴۷].

﴿۱۴۷﴾ این امر، حقیقتی از جانب پروردگارت است؛ پس - ای رسول - از تردیدکنندگان در صحت آن مباش.

﴿وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مَوْلِيهَا فَاسْتَبِقُوا الْحَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۱۴۸].

﴿۱۴۸﴾ و هر یک از امت‌ها خط مشی یا معنوی خود را دارد که به آن روی می‌آورد، از جمله اختلاف امت‌ها در قبله‌شان و احکامی که الله برای‌شان تشریح کرده است؛ پس تنوع روش آنها اگر بر اساس حکم و دستور الله باشد آسیبی نمی‌رساند؛ پس شما - ای مؤمنان - بر انجام نیکی‌هایی که بر انجام آن فرمان یافته‌اید از یکدیگر سبقت بگیرید، و الله از هر مکانی که در آن باشید شما را در روز قیامت یک جا می‌گرداند؛ تا شما را بر اساس اعمال‌تان جزا دهد، که الله بر هر چیزی تواناست؛ پس گردآوری و مجازات شما، خارج از توان او نیست.

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [البقرة: ۱۴۹].

﴿۱۴۹﴾ و - ای پیامبر - از هر مکانی که بیرون آمدی و هر جا تو و پیروانت بودید و قصد ادای نماز کردی، به سوی مسجدالحرام روی آور؛ زیرا حقیقتی است که از جانب پروردگارت بر تو وحی شده است، و الله از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست، بلکه از اعمال شما آگاه است و شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِإِنَّمَا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۰].

﴿۱۵۰﴾ و از هر مکانی که خارج شدی - ای پیامبر - و قصد نماز کردی، به سوی مسجدالحرام روی آور، و - ای مؤمنان - در هر مکانی که بودید هنگام اراده نماز صورت‌هایتان را به سوی آن بگردانید؛ تا حجتی بر مردم نباشد که با آن علیه شما استدلال کنند؛ مگر کسانی از آنها که ستم کردند؛ زیرا آنها بر دشمنی‌شان خواهند ماند و با واهی‌ترین دلایل علیه شما استدلال می‌کنند؛ پس از آنها نترسید و فقط از پروردگارتان با اجرای اوامر او و پرهیز از نواهی‌اش بترسید؛ زیرا الله، روی آوردن به کعبه را به این هدف تشریح فرمود تا با متمایز کردن شما از سایر امت‌ها و به هدف هدایت شما به برترین قبله مردم، نعمتش را بر شما کامل گرداند.

﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۱].

﴿۱۵۱﴾ همان‌گونه که نعمت دیگری برای شما ارزانی داشتیم؛ یعنی رسولی از میان خودتان به سوی شما فرستادیم که آیات ما را برای‌تان می‌خواند و شما را با امر به فضیلت‌ها و کارهای نیک و نهی از امور پست و ناپسند، پاک می‌گرداند و قرآن و سنت به شما می‌آموزاند، و آنچه از امور دین و دنیای‌تان را که نمی‌دانید به شما می‌آموزاند.

﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۲].

﴿۱۵۲﴾ پس با دل‌ها و تمام اعضای بدن‌تان مرا یاد کنید تا شما را با ستایش و محافظت یاد کنم؛ زیرا جزا از جنس عمل است، و شکر نعمت‌هایم را که بر شما ارزانی داشتیم به جای آورید و با انکار آنها و به‌کار بردن‌شان در آنچه بر شما حرام شده است مرا ناسپاسی نکنید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۳].

﴿۱۵۳﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر انجام طاعت و تسلیم در برابر فرمان من، از شکیبایی و نماز کمک بگیرید؛ زیرا الله همراه شکیبایان است و آنها را هدایت و یاری می‌کند.

برخی فواید آیات:

- موضوع تغییر قبله به صورت مفصل بحث شد؛ زیرا بر نبوت محمد ﷺ دلالت دارد.
- ترک جدال و پرداختن به طاعات و شتافتن به سوی الله، برای مؤمن نزد پروردگارش در روز قیامت سودمندتر است.
- اعمال صالح و نزدیک کننده به سوی الله، متعدد و گوناگون است و هیچ ایرادی ندارد که مؤمن هر کدام از این اعمال را که به آن تمایل دارد و مناسب حالش است برگزیند.
- مقام والای ذکر الله جَلَّ وَ عَلا، از این نظر که ثوابش، ذکر بنده در ملاً اعلی (گروه فرشتگان در عالم بالا) است.

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِن لَّا تَشْعُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۴].

⑤ - ای مؤمنان - در مورد کسانی که در جهاد در راه الله کشته می شوند نگویید: آنها مردگانی هستند همان گونه که دیگران می میرند، بلکه آنها نزد پروردگارش زنده هستند اما شما زندگی آنها را درک نمی کنید؛ زیرا زندگی ویژه ای است که برای شناخت آن، راهی جز وحی از جانب الله متعال وجود ندارد.

﴿وَلَتَبْلُوَنَكُمْ بِنِئَةٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۵۵].

⑥ و شما را با انواع مصیبت ها مانند ترس از دشمنان تان و گرسنگی به سبب کمبود غذا و نقص در اموال از طریق نابودی آن یا دشواری در کسب آن و نقص در جان های تان به سبب آفاتی که مردم را نابود می سازد یا با شهادت در راه الله و کاستن از میوه هایی که زمین آنها را می رویاند می آزمایشیم، و - ای پیامبر - شکیبایان در برابر این مصیبت ها را به نعمت هایی که در دنیا و آخرت برای شان فراهم می آید بشارت ده.

﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۶].

⑦ همان کسانی که وقتی یکی از این مصیبت ها به آنها می رسد از روی رضایت و تسلیم می گویند: همانا ما از آن الله هستیم که هرگونه بخواهد در ما تصرف می کند و در روز قیامت به سوی او باز می گردیم؛ زیرا او ما را آفرید و با نعمت های گوناگون بر ما نیکی کرد و بازگشت و سرانجام کار ما به سوی اوست.

﴿أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۷].

⑧ اینها، در گروه فرشتگان عالم بالا، ستایش و رحمتی از جانب الله دارند که بر آنها نازل می شود و آنها همان هدایت یافتگان به راه حق هستند.

﴿* إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۵۸].

⑨ همانا دو کوه معروف صفا و مروه در نزدیکی کعبه، از نشانه های ظاهری شریعت هستند؛ پس هرکس برای ادای مناسک حج یا مناسک عمره قصد این خانه را

داشته باشد؛ بر او گناهی نیست که سعی میان این دو را به جای آورد. نفی گناه در اینجا، آرامشی است برای مسلمانانی که با این باور که سعی بین صفا و مروه از کارهای جاهلیت است، از انجام این کار احساس دلتنگی و مضیقه می‌کردند؛ اما الله متعال بیان فرمود که این کار از مناسک حج است. و هرکس طاعات مستحبی را داوطلبانه و مخلصانه انجام دهد، همانا الله سپاسگزار اوست، از او می‌پذیرد و جزایش را به او می‌دهد، او تعالی می‌داند که چه کسانی کار خیر انجام می‌دهند و مستحق ثواب هستند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾ [البقرة: ۱۵۹].

﴿۱۵۹﴾ همانا یهودیان و مسیحیانی که نشانه‌هایی را که برای صدق پیامبر و رسالتش نازل کردیم، پس از آن که آنها را برای مردم در کتاب‌های‌شان آشکار کردیم پنهان می‌کنند، الله آنها را از رحمت خویش می‌راند و فرشتگان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و تمام مردم دعای دوری از رحمت الله علیه آنها می‌کنند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۶۰].

﴿۱۶۰﴾ مگر کسانی که با پشیمانی از کتمان آن آیات روشن، به سوی الله بازگشتند و اعمال ظاهری و باطنی خویش را اصلاح کردند و حق و هدایت را که کتمان کرده بودند آشکار گردانیدند؛ بازگشت آنها به طاعت خویش را می‌پذیرم و نسبت به بندگان توبه‌کار، بسیار توبه‌پذیر و مهربان هستم.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [البقرة: ۱۶۱].

﴿۱۶۱﴾ کسانی که کفر ورزیدند و در حالت کفر و قبل از اینکه از آن توبه کنند از دنیا رفتند، لعنت الله بر آنها است به این‌گونه که آنها را از رحمت خویش دور می‌کند و دعای تمام فرشتگان و مردم برای راندن و دوری از رحمت الله بر آنها است.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [البقرة: ۱۶۲].

﴿۱۶۳﴾ پیوسته با این لعنت هستند؛ عذاب آنها تخفیف نمی‌یابد، حتی یک روز، و در روز قیامت به آنها مهلت داده نمی‌شود.

﴿وَالَهُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ۱۶۳].

﴿۱۶۳﴾ - ای مردم - معبود حقیقی شما، در ذات و صفات خویش واحد و یگانه است، معبود برحقّی جز او نیست، و او بخشاینده دارای رحمت گسترده و نسبت به بندگانش مهربان است؛ چون نعمت‌هایی را بر آنها ارزانی داشته است که غیر قابل شمارش است.

برخی فواید آیات:

- آزمایش و ابتلا سنت الله متعال در میان بندگانش است؛ و به شکیبایان در برابر این آزمایش، بزرگترین پاداش‌ها و گرامی‌ترین جایگاه‌ها وعده داده شده است.
- مشروعیت سعی میان صفا و مروه برای کسانی که حج یا عمره بیت الله را به جای می‌آورند.
- از بزرگترین و شدیدترین گناهان از نظر مجازات، پنهان حقیقتی است که الله آن را نازل فرموده است، و تلبیس (بیان یا اظهار خلاف واقع) بر مردم، و گمراه ساختن آنها از هدایتی که رسولان آن را آوردند.

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۱۶۴].

﴿۱۶۴﴾ همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و شگفتی‌های آفرینش آن دو، و در پی هم در آمدن شب و روز، و در کشتی‌ها که بر روی آب دریاها روانند و طعام و لباس و کالاهای تجارتهای را که به مردم نفع می‌رسانند و سایر اقسام مورد نیاز آنها را جابه‌جا می‌کنند، و در آبی که الله از آسمان فرستاده و با آن زمین را با کشتزارها و گیاهان و علف‌هایی که در آن می‌روید زنده گردانیده، و در موجودات زنده‌ای که در زمین پراکنده ساخته است و در گردانیدن بادها از یک سو به سوی دیگر و در ابرهای مسخر بین آسمان و زمین، در تمام این موارد، دلایل آشکاری بر یگانگی او سبحانه وجود دارد برای کسانی که در حجت‌ها می‌اندیشند و دلایل و برهان‌ها را درک می‌کنند.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ﴾ [البقرة: ۱۶۵].

﴿۱۶۵﴾ با وجود این آیات روشن، برخی از مردم به جای الله، معبودانی برمی‌گزینند و آنها را همانندهایی برای الله متعال قرار می‌دهند و همان‌گونه که الله را دوست دارند آنها را نیز دوست دارند، و کسانی که ایمان آوردند الله را بیشتر دوست دارند از دوستی آنها نسبت به معبودان‌شان؛ زیرا مؤمنان هیچ‌کس را همراه الله شریک قرار نمی‌دهند و در آسایش و سختی او را دوست دارند؛ اما آنها فقط در حالت آسایش و راحتی، معبودان‌شان را دوست دارند و در سختی فقط الله را می‌خوانند. اگر کسانی که با شرک و ارتکاب گناهان ستم می‌کنند، از حال خویش در آخرت آن گاه که عذاب را مشاهده می‌کنند آگاه می‌شدند، می‌دانستند که یگانه در تمام قدرت‌ها، فقط الله است و هرکس را که از او نافرمانی کند به شدت عذاب می‌کند، اگر این امر را می‌دانستند، هیچ‌کس را همراه الله شریک قرار نمی‌دادند.

﴿إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾
[البقرة: ۱۶۶].

﴿۱۶۶﴾ و حال آن که وقتی پیشوایان فرمان برداری شده، مناظر هولناک و سختی‌های روز قیامت را مشاهده می‌کنند، از ضعیفان که از آنها پیروی کردند بیزاری می‌جویند، و تمام اسباب و وسایل نجات در میان‌شان بریده می‌شود.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۱۶۷].

﴿۱۶۷﴾ و ضعیفان و پیروان می‌گویند: کاش برایمان بازگشتی به سوی دنیا بود تا از رؤسای خویش بیزاری می‌جستیم همان‌گونه که آنها از ما بیزاری می‌جویند، و همان‌گونه که الله عذاب سخت در آخرت را به آنها نمایاند، سرانجام پیروی آنها از رئیس‌شان بر باطل را که مایه حسرت و اندوهشان است به آنها می‌نمایاند، و هرگز از آتش بیرون نمی‌آیند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [البقرة: ۱۶۸].

﴿۱۶۸﴾ ای مردم، از حیوانات و گیاهان و درختانی که در زمین است، از آنچه که به خودی خود کسبش حلال و پاکیزه است بخورید، و از راه‌های شیطان که با آن به تدریج شما را به سوی عذاب می‌کشاند پیروی نکنید؛ زیرا او دشمن آشکار شماست و عاقل نباید از دشمنی پیروی کند که بر آزار و گمراهی‌اش مشتاق است!

﴿إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۶۹].

﴿۱۶۹﴾ شیطان شما را به خطاهای بد و گناهان بزرگ امر می‌کند، و به اینکه در عقاید و شرایع، بدون علمی که از جانب الله یا رسولش نزدتان آمده است، چیزی به الله نسبت دهید.

برخی فواید آیات:

- مؤمنان واقعی به الله، بیش از دیگران الله را دوست دارند؛ زیرا آنها در هر حالتی، چه گشایش و چه سختی، از او اطاعت می‌کنند و هیچ‌کس را با او شریک نمی‌گردانند.

- در روز قیامت، تمام رابطه‌ها بریده می‌شود، هر دوستی از دوستش اعلام بیزاری می‌کند و فقط آن چیزی باقی می‌ماند که خالص برای الله متعال باشد.
- برحذر داشتن از نیرنگ شیطان به دلیل روش‌های متنوع و پنهانی و نزدیکی آن به خواهشات نفسانی.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۰].

﴿۱۷۰﴾ و هرگاه به این کفار گفته می‌شود: هدایت و نوری را که الله نازل فرموده پیروی کنید، از روی دشمنی و ستیز می‌گویند: بلکه باورها و اعتقادات موروثی و رایجی را که پدرانمان را بر آنها یافتیم پیروی می‌کنیم، آیا از پدران‌شان پیروی می‌کنند حتی اگر آنها ذره‌ای از هدایت و نور نمی‌دانسته‌اند و به حقیقتی که الله از آن راضی است هدایت نیافته باشند؟!

﴿وَمَثَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بُكُمْ عُمًى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۱].

﴿۱۷۱﴾ مثال کسانی که در پیروی از پدران‌شان کفر ورزیدند، مانند چوپانی است که بر چارپایانش بانگ می‌زند، که صدایش را می‌شنوند اما سخنش را نمی‌فهمند، پس آنها از شنیدن حق آن‌گونه که از آن بهره ببرند کردند، گنگانی هستند که زبان‌شان از گفتن حق عاجز است، کورانی هستند که حق را نمی‌بینند، و از این رو، هدایتی را که به‌سوی آن فرا خوانده می‌شوند در نمی‌یابند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۲].

﴿۱۷۲﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که الله برای‌تان روزی و مباح قرار داد بخورید و در ظاهر و باطن به‌خاطر نعمت‌هایی که الله بر شما ارزانی داشت شکر او تعالی را به‌جای آورید؛ یکی از موارد شکر الله این است که او امر او را اجرا کنید و از نافرمانی‌اش بپرهیزید، اگر واقعا فقط او را می‌پرستید و چیزی را با او شریک قرار نمی‌دهید.

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَيْزِرِ وَمَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۷۳].

﴿۱۷۳﴾ الله از میان خوردنی‌ها، فقط آنچه را که بدون ذبح شرعی مرده است، خون ریخته شده و جاری، گوشت خوک و آنچه که هنگام ذبحش نام غیر الله بر آن برده شده است حرام گردانیده است، اما اگر انسان به خوردن چیزی مضطر شد به این

شرطکه با خوردن از آن بدون نیاز، ستم نمی‌کند و از حد ضرورت نمی‌گذرد، گناه و مجازاتی بر او نیست؛ زیرا الله نسبت به بندگان توبه‌کارش، بسیار توبه‌پذیر و مهربان است و یکی از مصادیق رحمت او تعالی این است که از خوردن این محرّمات هنگام اضطراب درمی‌گذرد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۷۴].

﴿۱۷۴﴾ کسانی که کتاب‌هایی را که الله نازل کرده و مطالب دال بر حق بودن و نبوت محمد ﷺ در این کتاب‌ها را پنهان می‌کنند، چنان‌که یهودیان و نصاری این کار را می‌کنند، و عوض ناچیزی مانند ریاست یا مقام یا مال در برابر این کتمان می‌خرند، در واقع چیزی در شکم‌های‌شان وارد نمی‌کنند مگر اینکه سببی برای عذاب‌شان با آتش می‌شود، و الله در آخرت به آنچه که دوست دارند با آنها سخن نمی‌گوید، بلکه سخنی به آنها می‌گوید که غمگین‌شان می‌کند و آنها را پاکیزه نمی‌گرداند و ستایش نمی‌کند و عذاب درد آوری برای‌شان است.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ﴾ [البقرة: ۱۷۵].

﴿۱۷۵﴾ آنها که علم مورد نیاز مردم را کتمان می‌کنند، همان کسانی هستند که هدایت را در برابر گمراهی عوض کردند آن‌گاه که علم حقیقی را کتمان کردند و آمرزش الله را با عذاب او عوض کردند، پس بر انجام آنچه که سبب ورودشان به آتش است بسیار شکیبا هستند، گویی به عذابی که در آن هستند هیچ اهمیتی نمی‌دهند چون بر آن شکیبایی می‌کنند.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ﴾ [البقرة: ۱۷۶].

﴿۱۷۶﴾ این مجازات بر کتمان حق و هدایت، به این سبب است که الله کتاب‌های الهی را به حق نازل فرمود و این امر می‌طلبد که آشکار گردد و پنهان نشود. همانا کسانی که در کتاب‌های الهی اختلاف ورزیدند بدین نحو که به بخشی از آن ایمان

آوردند و بخشی از آن را پنهان کردند، در جانب دوری از حقیقت هستند.

برخی فواید آیات:

- بیشتر گمراهی مردم، به سبب فرو گذاشتن عقل و پیروی از پیشینیان در گمراهی و تقلید از آنها بدون آگاهی است.
- بهره نبردن انسان از نعمت عقل و شنوایی و بینایی که الله به او بخشیده است، او را مانند کسی قرار می‌دهد که از این نعمت‌ها محروم است.
- سخت‌ترین مجازات در روز قیامت برای مردمی است که علمی را که الله نازل فرموده و هدایتی را که رسولان او تعالی آورده‌اند پنهان می‌کند.
- یکی از نعمت‌های الله متعال بر بندگان مؤمنش این است که محرمات را اندک و محدود قرار داده است، درحالی که مباحات، بسیار و نامحدود هستند.

﴿* لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۷].

﴿۷۷﴾ نیکی مورد پسند الله، روی آوردن صرف به سوی مشرق یا مغرب و اختلاف در این مورد نیست، بلکه نیکی کامل در کسانی است که به الله به عنوان معبودی یگانه، روز قیامت، تمام فرشتگان و تمام کتاب‌های نازل شده و تمام پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بدون گذاشتن تفاوت میان آنها، ایمان آورند و مال را با وجود دوست‌داشتنش و علاقه زیاد به آن، به خویشاوندان و کسی که در کمتر از سن بلوغ پدرش را از دست داده است و نیازمندان و غریبی که در سفر از خانواده و وطنش جدا شده است، و کسانی که به سبب نیاز مجبور به گدایی از مردم می‌شوند انفاق کنند و مال را در راه آزادی بردگان و اسیران هزینه کنند، و نماز را به صورت کامل بر طبق آنچه الله فرمان داده است برپا دارند، و زکات واجب را بپردازند، و کسانی که چون عهد بندند به عهد خویش وفا کنند، و کسانی که در برابر فقر و سختی و بیماری شکیبایی کنند و در هنگام سختی کارزار نگرینند؛ اینان همان کسانی هستند که در ایمان و اعمال‌شان با الله صادق بودند و همان پرهیزگاران هستند که آنچه را الله به آن فرمان داده بود اجرا کردند و از آنچه که از آن نهی کرده بود پرهیز کردند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُتِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَاعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۷۸].

﴿۷۸﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، در مورد کسانی که دیگران را از روی عمد و دشمنی می‌کشند، مجازات قاتل مانند جنایتش، بر شما فرض شده است که آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده و زن در برابر زن کشته می‌شود؛ اما اگر مقتول قبل از مرگش گذشت کرد یا ولی مقتول در برابر

دیه - مقدار مالی که قاتل در برابر عفو خویش می‌پردازد - گذشت کرد، کسی که عفو می‌کند باید به نیکی دیه را از قاتل طلب کند نه با منت و آزار؛ قاتل نیز باید به نیکی و بدون سهل انگاری و امروز و فردا کردن، دیه را بپردازد؛ این عفو و گرفتن دیه، تخفیفی از جانب پروردگارتان برای شما و رحمتی برای این امت است؛ پس هرکس پس از عفو و قبول دیه، بر قاتل تجاوز نکند، عذاب دردناکی نزد الله متعال دارد.

﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۷۹].

﴿۱۷۹﴾ و در قصاص که الله تشریح فرمود، برای شما زندگانی است؛ زیرا از ریخته شدن خون شما جلوگیری می‌گردد و تجاوز از میان شما برداشته می‌شود؛ این امر را خردمندان که از الله با گردن نهادن به شریعتش و عمل به اوامرش می‌ترسند، درک می‌کنند.

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۱۸۰].

﴿۱۸۰﴾ بر شما فرض شده است که هرگاه نشانه‌ها و اسباب مرگ یکی از شما مشاهده شد، اگر مال زیادی به جای می‌گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان به آن مقدار که شریعت مشخص کرده، یعنی از یک سوم مال بیشتر نشود، وصیت کند و انجام این کار، حق مؤکدی بر کسانی است که از الله متعال می‌ترسند. این حکم، قبل از آیات میراث جاری بوده و با نزول آیات میراث، وارثان میت و سهم ارثشان مشخص شد.

﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۸۱].

﴿۱۸۱﴾ پس هرکس که وصیت را با زیاده یا نقصان یا منع تغییر دهد پس از اینکه از وصیت آگاه شد؛ گناه این تغییر و تبدیل، فقط بر عهده تغییر دهندگان است نه وصیت کننده؛ زیرا الله سخنان بندگان را می‌شنود، از اعمال آنها آگاه است و ذره ای از احوال آنها بر او تعالی پنهان نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- نیکی مورد پسند و محبت الله، با تحقق ایمان و عمل صالح به دست می‌آید، و تمسک به ظواهر به تنهایی، نزد الله متعال کافی نیست.
- از بزرگترین مواردی که سبب حفظ افراد و مانع تعدی و ستم می‌شود؛ اجرای بنیاد قصاص است که الله آن را در قتل نفس و کمتر از آن تشریح فرموده است.
- اهمیت زیاد وصیت، به خصوص کسی که ثروتی دارد تا بدان وصیت کند؛ و بزرگی گناه کسی که در وصیت میت تغییر ایجاد کند و مفاد آن را تغییر دهد.

﴿فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوسٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۸۲].

❶ اما کسی که از وقوع انحراف از حق یا ستم در وصیت از سوی وصیت کننده آگاه باشد؛ آن گاه از روی خیرخواهی، فساد وصیت کننده را اصلاح و میان اختلاف کنندگان بر وصیت سازش ایجاد کند، گناهی بر او نیست؛ بلکه به خاطر اصلاحش پاداش داده می شود؛ زیرا الله نسبت به بندگان توبه کارش، بسیار بخشنده و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۳].

❶ ای کسانی که به الله ایمان آورده اید و از رسولش پیروی کرده اید، روزه از جانب پروردگارتان بر شما فرض شده است همان گونه که بر امت های قبل از شما فرض شده بود؛ تا با انجام اعمال صالح که روزه از بزرگترین آنهاست، با قرار دادن سپری میان خود و عذاب الله، تقوای الهی را پیشه کنید.

﴿أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۴].

❶ روزه فرض شده بر شما این است که ایام اندکی از سال را روزه بگیرید، پس اگر کسی از شما چنان بیمار بود که روزه بر او دشوار می شد، یا مسافر بود؛ می تواند افطار کند، سپس بر اوست که به تعداد روزه هایی که خورده است روزه بدارد. و بر کسانی که نمی توانند روزه بگیرند، فدیة ای است اگر افطار کردند، و این فدیة، غذا دادن یک مسکین در ازای هر روزی است که افطار می کند. اگر فضیلت روزه را بدانید، روزه شما از افطار و پرداخت فدیة برای تان بهتر است. این نخستین حکمی است که الله در مورد روزه صادر فرمود، یعنی هرکس دوست دارد روزه بگیرد و هرکس دوست دارد افطار کند و طعام بدهد، پس از آن، الله روزه را بر هر انسان بالغ و توانا واجب و فرض گردانید.

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ
فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ
يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا
هَدَاكُمُ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۵].

① ماه رمضان، همان ماهی است که در شب قدر آن، نزول قرآن بر پیامبر ﷺ آغاز شد، الله قرآن را برای هدایت مردم نازل فرمود، و دلایل روشنی از هدایت و جدا کننده میان حق و باطل در آن وجود دارد، پس هرکس درحالی که مقیم و سالم است ماه رمضان را دریابد بر او واجب است که روزه بگیرد، و هرکس چنان مریض باشد که روزه گرفتن بر او دشوار باشد یا مسافر باشد، می تواند روزه را افطار کند، و اگر افطار کرد، باید به تعداد روزهایی که افطار کرده است روزه قضا بگیرد؛ الله با تشریح احکام بر شما می خواهد که شما را در راهی آسان و نه دشوار قرار دهد، و به این هدف که شما روزه تمام ماه را کامل کنید، و پس از پایان ماه رمضان و روز عید، الله را به بزرگی یاد کنید که به شما توفیق داد ماه رمضان را روزه بدارید و به شما یاری رساند که آن را تکمیل کنید؛ باشد که الله را به خاطر هدایت شما بر این دین که آن را برای تان برگزید شکرگزاری کنید.

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي
وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶].

② - ای پیامبر - هنگامی که بندگان من در مورد نزدیکی من و اجابت دعای شان از جانب من، از تو می پرسند؛ همانا من به آنها نزدیک هستم، به این صورت که از احوال شان آگاه هستم، دعای شان را می شنوم، پس به واسطه ها و بلند کردن صدای شان نیازی ندارند؛ دعای دعا کننده را هنگامی که مرا در دعای خویش خالصانه بخواند اجابت می کنم، پس باید فرمان بردار من و اوامر باشند و بر ایمان شان پایداری ورزند؛ زیرا این کار، سودمندترین وسیله برای اجابت من است؛ باشد که از این طریق، راه هدایت به امور دینی و دنیوی شان را بیمایند.

برخی فواید آیات:

- الله قرآن کریم را در ماه مبارک رمضان نازل فرمود، پس رمضان، ماه قرآن است؛ به همین منظور، پیامبر ﷺ در ماه رمضان قرآن را با جبرئیل می خواند و در این ماه بیش از ماه های دیگر عبادت می کرد.
- اصول و فروع شریعت اسلام، بر آسانی و رفع سختی استوار است؛ زیرا الله هیچ تنگنا و دشواری ای در دین برای ما قرار نداده است.
- نزدیکی الله متعال به بندگانش و احاطه او تعالی بر آنها و علم کامل او به احوال شان؛ بنابراین، دعای شان را می شنود و به درخواست آنها پاسخ می دهد.

﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۷].

🕞 در ابتدای امر، بر مرد حرام بود که اگر در شبِ روزه بخوابد و قبل از فجر بیدار شود، چیزی بخورد یا با همسرش نزدیکی کند، سپس الله این حکم را نسخ کرد و - ای مؤمنان - الله به شما اجازه داد که در شب‌های رمضان با زنان‌تان آمیزش کنید؛ زیرا آنها پوشش و سبب پاکدامنی شما هستند و شما پوشش و سبب پاکدامنی آنها هستید، و از یکدیگر بی‌نیاز نیستید، الله می‌دانست که شما با انجام کاری که از آن نهی شده بودید بر خودتان خیانت می‌کردید، از این رو بر شما رحم کرد و توبه شما را پذیرفت و بر شما آسان گرفت. پس اکنون با زنان‌تان آمیزش کنید و فرزندان را که الله برای شما مقدر فرموده است بطلبید و در تمام طول شب بخورید و بیاشامید تا با سپیدی صبح و جدایی آن از تاریکی شب، طلوع فجر صادق بر شما آشکار شود، سپس با خودداری از شکننده‌های روزه از طلوع فجر تا غروب خورشید روزه را کامل کنید، و درحالی‌که در مساجد به اعتکاف نشسته‌اید با زنان آمیزش نکنید؛ زیرا این کار، اعتکاف را باطل می‌کند. احکام مذکور، مرزهای الله میان حلال و حرام هستند پس هرگز به آنها نزدیک نشوید؛ زیرا هرکس به حدود الله نزدیک شود، نزدیک است که در حرام بیفتد، و همانند بیان واضح و آشکار این احکام، الله آیاتش را برای مردم بیان می‌کند باشد که با انجام اوامر و ترک نواهی، تقوای او تعالی را پیشه کنند.

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۸].

🕞 و مال یکدیگر را به روش غیر مشروع مانند دزدی و غصب و فریب نخورید، و در این مورد نزد حاکمان دادخواهی نکنید تا بخشی از اموال مردم را با ارتکاب گناه

بگیرید، درحالی که می‌دانید الله این کار را حرام کرده است؛ زیرا انجام گناه با وجود علم به تحریم آن، بیشترین قباحت و بزرگترین مجازات را دارد.

﴿* يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلَةِ فُلْ هِيَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا
الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۹].

﴿۱۸۹﴾ - ای رسول - در مورد ایجاد هلال‌های ماه و تغییر احوالش از تو می‌پرسند، در پاسخ به آنها در مورد حکمت این امر بگو: هلال‌ها، وعده‌گانهایی برای مردم هستند که زمان عبادت‌هایشان مانند ماه‌های حج، ماه رمضان و تکمیل سال برای پرداخت زکات و اوقات معاملاتشان مانند تعیین مدت‌های پرداخت دیه‌ها و دیون‌شان را می‌شناسند. و خیر و نیکی این نیست که هنگام احرام به حج یا عمره از پشت خانه‌ها وارد شوید - چنان که در جاهلیت گمان می‌کردید - بلکه نیکی واقعی، عمل کسی است که در ظاهر و باطن از الله بترسد، و ورود به خانه‌ها از درها، برای شما آسان‌تر است و مشقتی در آن نیست؛ زیرا الله شما را به آنچه که دشوار و مشقت‌آور باشد مکلف نکرده است، و میان خود و عذاب الله، سپری از اعمال صالح قرار دهید؛ باشد که با دستیابی به آنچه به آن تمایل دارید و نجات از آنچه می‌ترسید، رستگار گردید.

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۰].

﴿۱۹۰﴾ و - برای بالا بردن کلام الله - با کافرانی که با شما می‌جنگند تا شما را از دین الله باز دارند پیکار کنید، اما با کشتار کودکان و زنان و پیران یا مثله کردن کشتگان و مانند آن از حدود الله نگذرید؛ زیرا الله متجاوزان از حدود احکامش را دوست ندارد.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت اعتکاف، که به معنای ماندن در مسجد برای عبادت است؛ از این‌رو، از هرچه که با هدف اعتکاف مخالف باشد مانند نزدیکی با زن نهی می‌شود.
- نهی از خوردن اموال مردم به باطل و تحریم هر وسیله و روشی مانند رشوه که در این راه به کار گرفته شود.
- تحریم و نهی از تجاوز؛ زیرا دین اسلام بر عدالت و نیکوکاری استوار است.

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۱].

﴿۱۹۱﴾ و هر جا با آنها روبرو شدید آنها را بکشید و از مکانی که شما را بیرون راندند، یعنی مکه، آنها را بیرون برانید، و فتنه حاصل از بازداشتن مؤمن از دینش و بازگشت او به کفر، از قتل بدتر است. به خاطر بزرگداشت مسجدالحرام، در آنجا آغازگر جنگ با کافران مباشید مگر اینکه آنها در آنجا با شما جنگ را آغاز کنند، پس اگر در مسجدالحرام با شما جنگیدند، آنها را بکشید، و مانند این مجازات- یعنی کشتار آنها اگر در مسجدالحرام تجاوز کردند- مجازات کافران است.

﴿فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۹۲].

﴿۱۹۲﴾ اما اگر از جنگ با شما و کفرشان باز ایستادند، از آنها دست بکشید؛ زیرا الله نسبت به توبه‌کاران بخشنده است و آنها را به خاطر گناهان گذشته‌شان مؤاخذه نمی‌کند و با آنها مهربان است که در مجازات‌شان عجله نمی‌کند.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۳].

﴿۱۹۳﴾ و با کفار بجنگید تا شرک و باز داشتن مردم از راه الله و کفر از جانب آنها انجام نگیرد و دین آشکار، دین الله باشد، پس اگر از کفر و باز داشتن از راه الله باز ایستادند، از جنگ با آنها دست بکشید؛ زیرا تجاوز جز بر ستمکاران کافر و بازدارنده از راه الله نیست.

﴿الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۴].

﴿۱۹۴﴾ این ماه حرام در سال هفتم که الله در آن به شما این امکان را داد که به حرم درآیید و عمره بگذارید، در عوض آن ماه حرامی است که مشرکان، شما را در سال ششم از حرم بازداشتند، و در حرمت‌ها- مانند حرمت سرزمین حرام و ماه حرام و إجماع- قصاص متجاوزان جاری می‌شود؛ پس هرکس در این حرمت‌ها بر شما

تجاوز کرد با او مقابله به مثل کنید و بیش از مقدار تجاوز، قصاص نکنید؛ زیرا الله متجاوزان از حدودش را دوست ندارد، و در مقابله با تجاوز که به شما اذن داده شده است از الله بترسید و بدانید الله کسانی را که تقوای او تعالی را پیشه می‌کنند توفیق داده و تقویت می‌کند.

﴿وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [البقرة: ۱۹۵].

﴿۱۹۵﴾ و در طاعت الله مانند جهاد و سایر طاعت‌ها، مال انفاق کنید و خودتان را به دست خویش به نابودی نیندازید، به این نحو که جهاد و بخشش در راه آن را رها کنید، یا خودتان را در حالتی قرار دهید که سبب نابودی شماست، و عبادات و معاملات و اخلاق‌تان را نیکو گردانید؛ زیرا الله نیکوکاران در تمام امورشان را دوست دارد؛ چنان‌که ثواب زیادی به آنها می‌دهد و آنها را در یافتن راه راست موفق می‌گرداند.

﴿وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۶].

﴿۱۹۶﴾ و حج و عمره را در طلب خشنودی الله متعال به صورت کامل ادا کنید، پس اگر از اتمام این دو به سبب بیماری یا دشمن بازداشته شدید، باید هرچه از هدی - شتر یا گاو یا گوسفند - که برای‌تان میسر شد ذبح کنید تا از احرام درآیید. و موی سرتان را نتراشید یا کوتاه نکنید تا اینکه هدی به محلی که ذبحش در آنجا حلال می‌شود برسد، پس اگر از حرم بازداشته شده بود باید همان‌جا که بازداشته شده است ذبح کند، و اگر از حرم بازداشته نشده بود، باید در روز قربانی و بعد از آن در ایام تشریق هدی را در حرم ذبح کند. هر یک از شما که بیمار بود یا در موی سرش ناراحتی‌ای مانند شپش داشت، اگر به سبب این امر سرش را بتراشد، گناهی بر او

نیست و باید به خاطر این کار فدیة بدهد به این نحو که: یا سه روز روزه بگیرد یا شش تن از مساکین حرم را طعام بدهد یا گوسفندی ذبح و گوشت آن را در میان فقرای حرم توزیع کند؛ اما وقتی ترسی بر شما نبود، هرکس از شما که در ماه‌های حج از ادای عمره برخوردار شد و در همان سال از ممنوعات احرام که بر او حرام شده است خودداری کرد تا اینکه به حج مُحرم شد، باید آنچه بر او میسر می‌شود از گوسفند یا اینکه هفت نفر در ذبح شتر یا گاوی شریک شوند ذبح کند، اما اگر توان هدی را نیافت باید به جای آن، سه روز از ایام مناسک را روزه بگیرد و هفت روز نیز پس از بازگشت به خانه‌اش روزه بگیرد تا ده روز کامل شود؛ این تمتع با وجوب هدی یا روزه برای آن ناتوان از هدی است که از ساکنان حرم و مقیم نزدیک حرم نباشد؛ زیرا آنها نیازی به این تمتع ندارند، و به دلیل وجود در حرم، صرف طواف از میان اعمال تمتع با عمره تا فرارسیدن حج، برای‌شان کفایت می‌کند، و با پیروی احکامی که الله تشریح کرده و بزرگداشت حدودش، از او تعالی بترسید و بدانید که الله نسبت به کسانی که با اوامرش مخالفت می‌کنند، سخت کیفر است.

برخی فواید آیات:

هدف نهایی جهاد عبارت است از: حاکم نمودن قوانین الله متعال و برطرف ساختن آنچه که مردم را از شنیدن حق و درآمدن در آن باز می‌دارد. ترک جهاد و باز ماندن از آن، از اسباب نابودی امت است؛ زیرا به ضعف امت و طمع دشمن در آن منجر می‌شود.

- وجوب کامل کردن حج و عمره برای کسی که این دو را آغاز کرده است، و جواز حلال شدن از این دو با ذبح هدی برای کسی که از حرم بازداشته شده است.

﴿الْحَجَّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۱۹۷].

① زمان ادای حج، ماه‌های مشخصی است که از ماه شوال آغاز می‌شود و با دهم ماه ذوالحجه پایان می‌یابد، پس هرکس حج در این ماه‌ها را بر خود واجب گرداند و احرام حج ببندد، به سبب بزرگی زمان و مکان، هم‌بستری و مقدمات آن بر او حرام می‌شود، و حرمت خروج از طاعت الله با ارتکاب گناهان در حقش تشدید می‌گردد، و جدال منجر به خشم و دشمنی بر او حرام می‌شود؛ و هر خیری را که انجام می‌دهید الله آن را می‌داند و پاداش آن را به شما می‌دهد. برای ادای حج از اقلام مورد نیاز خوردنی و نوشیدنی کمک بگیرید و بدانید بهترین چیزی که در تمام امورتان از آن یاری می‌گیرید، تقوای الله متعال است؛ پس ای صاحبان عقل سلیم، با اجرای اوامر و ترک نواهی من، از من بترسید.

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ﴾ [البقرة: ۱۹۸].

② بر شما گناهی نیست که در اثنای حج، با تجارت و غیر آن روزی حلال بجوئید، پس هنگامی که در روز نهم، پس از وقوف در عرفات، از آنجا کوچ کردید و در شب دهم ماه ذوالحجه به سوی مزدلفه روی آوردید؛ با تسبیح و تهلیل و دعا نزد مشعرالحرام در مزدلفه الله را یاد کنید، و الله را یاد کنید که شما را به نشانه‌های دینش و مناسک حج خانه‌اش هدایت فرمود؛ در حالی که قبل از آن نسبت به شریعت الله از غافلان بوده‌اید.

﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [البقرة: ۱۹۹].

③ سپس از عرفات کوچ کنید همان‌گونه که مردم پیرو ابراهیم عليه السلام این کار را می‌کنند، نه مانند کسانی از اهل جاهلیت که در آن وقوف نمی‌کردند، و برای کوتاهی

در انجام آنچه الله تشریح کرده از او تعالی آمرزش بطلبید؛ زیرا الله نسبت به بندگان توبه کارش بسیار بخشنده و مهربان است.

﴿فَإِذَا قُضِيَتْكُمْ مَنَاسِكُكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾ [البقرة: ۲۰۰].

﴿۳۱﴾ پس هنگامی که اعمال حج را تمام کردید و از آن فارغ شدید، الله را یاد و او را بسیار ستایش کنید، چنان که به پدران تان فخر فروشی می کنید و آنها را می ستایید، یا الله را بیشتر از یاد پدران تان یاد کنید؛ زیرا تمام نعمت هایی که از آنها بهره می برید از جانب او تعالی است؛ و مردم مختلف هستند، برخی از آنها کافران مشرکی هستند که فقط به زندگی دنیا ایمان دارند؛ از این رو، فقط نعمت و زینت دنیا شامل سلامتی و مال و فرزند را از پروردگارشان می خواهند و به سبب تمایل به دنیا و رویگردانی از آخرت، در آنچه که الله برای بندگان مؤمنش در آخرت مهیا کرده است هیچ سهمی ندارند.

﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [البقرة: ۲۰۱].

﴿۳۲﴾ و گروهی از مردم به الله و آخرت ایمان دارند؛ پس نعمت های دنیا و عمل صالح در آن را از پروردگارشان می خواهند، همان گونه که دستیابی به بهشت و محافظت از عذاب آتش را از او می طلبند.

﴿أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [البقرة: ۲۰۲].

﴿۳۳﴾ برای کسانی که خیر دنیا و آخرت را می خواهند، سهمی از ثواب بزرگ به سبب اعمال صالحی که در دنیا انجام داده اند وجود دارد و الله اعمال را زود محاسبه می کند.

برخی فواید آیات:

- مؤمن باید برای سفر دنیا و سفر آخرت توشه بگیرد؛ به همین منظور، الله بیان فرمود که بهترین توشه، تقواست.
- مشروعیت یاد بسیار الله هنگام اتمام مناسک حج.
- اختلاف اهداف مردم؛ زیرا غم و اندوه برخی از مردم، دنیاست و غیر آن را از پروردگارشان نمی خواهند و برخی دیگر خیر دنیا و آخرت را می طلبند که همین گروه توفیق یافتگانند.

﴿* وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [البقرة: ۲۰۳].

﴿۲۰۳﴾ و الله را با تکبیر و تهلیل در روزهای اندکی که یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ماه ذوالحجه است یاد کنید؛ هرکس عجله کند و پس از رمی در روز دوازدهم از منا خارج شود این حق را دارد و گناهی بر او نیست؛ زیرا الله از او در گذشته است، و هرکس تا روز سیزدهم تأخیر کند تا رمی را انجام دهد او نیز می‌تواند چنین کند و ایرادی بر او نیست و کار کامل‌تر را انجام داده و از کار پیامبر ﷺ پیروی کرده است؛ هر دوی این امر برای کسی است که در حج خویش از الله بترسد و همان‌گونه که الله فرمان داده است حج بگذارد، و از الله با انجام اوامرش و ترک نواهی‌اش بترسید، و یقین داشته باشید که فقط به‌سوی او باز گردانیده و کشانیده می‌شوید و شما را در قبال اعمال‌تان جزا خواهد داد.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ﴾ [البقرة: ۲۰۴].

﴿۲۰۴﴾ - ای پیامبر - از میان مردم، منافقی است که سخنش در این دنیا تو را به شگفت می‌آورد، به‌گونه‌ای که او را تا جایی خوش گفتار می‌بینی که به راستی و خیرخواهی‌اش گمان می‌کنی، درحالی‌که هدف او، فقط حفظ جان و مالش است و - درحالی‌که دروغ می‌گوید - الله را بر ایمان و خیر قلبی‌اش گواه می‌گیرد، حال آن‌که دشمنی و عداوت شدیدی نسبت به مسلمانان دارد.

﴿وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ [البقرة: ۲۰۵].

﴿۲۰۵﴾ و هنگامی‌که به تو پشت کند و از تو جدا شود، در زمین بسیار می‌کوشد تا با انجام گناهان فساد برپا کند، و کشت را نابود سازد، و چارپایان را بکشد، و الله فساد در روی زمین و کسانی را که در زمین فساد برپا می‌کنند، دوست ندارد.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ جَهَنَّمَ وَلَبِئْسَ الْمِهَادِ﴾ [البقرة: ۲۰۶].

﴿۲۰۶﴾ و هنگامی‌که به این مفسد - از باب خیرخواهی - گفته می‌شود: با بزرگداشت حدود الهی و پرهیز از نواهی‌اش، تقوای الهی داشته باش، غرور و تکبر او را از

بازگشت به حق باز می‌دارد و به گناه ادامه می‌دهد، پس مجازات او ورود به جهنم است که برایش کافی است و جهنم مکان و جایگاه بسیار بدی برای ساکنانش است.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [البقرة: ۲۰۷].

﴿۲۷﴾ و از میان مردم، مؤمنی است که جان خودش را می‌فروشد و آن را در طاعت پروردگارش و جهاد در راه او و طلب خشنودیش به کار می‌گیرد، و الله نسبت به بندگانش دارای رحمت گسترده و بسیار مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [البقرة: ۲۰۸].

﴿۲۸﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، به‌طور کامل در اسلام درآیید و ذره‌ای از آن را رها نکنید، آن‌گونه که اهل کتاب به بخشی از کتاب ایمان آوردند و به بخشی دیگر از آن کفر ورزیدند، و راه‌های شیطان را دنبال نکنید؛ زیرا او دشمن واضحی برای شماست که دشمنی‌اش را آشکار کرده است.

﴿فَإِن زَلَلْتُمْ مِّن بَعْدِ مَا جَاءَكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۰۹].

﴿۲۹﴾ پس اگر بعد از اینکه دلایل آشکار که هیچ شبهه‌ای در آنها نیست نزد شما آمد، لغزش و انحرافی از شما سر بزند، بدانید که الله در قدرت و قهر خویش شکست ناپذیر است، و در تدبیر و تشریح خویش بسیار داناست؛ پس از او بترسید و او را بزرگ شمارید.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ [البقرة: ۲۱۰].

﴿۳۰﴾ اینان که راه‌های شیطان را دنبال می‌کنند و از راه حق منحرف هستند، در انتظار چیزی نیستند جز اینکه الله در روز قیامت چنان‌که سزاوار عظمت او سبحانه است در سایه‌هایی از ابر نزدشان بیاید تا میان آنها داوری کند و فرشتگان درحالی نزدشان بیایند که آنها را از هر سو احاطه کرده‌اند و در این هنگام، فرمان

الله در مورد آنها اجرا و تمام می‌شود، و امور و احوال مخلوقات، فقط به‌سوی الله سبحانه بازگردانیده می‌شود.

برخی فواید آیات:

- تقوای حقیقی، فقط به اعمال زیاد نیست؛ بلکه به پیروی از هدایت شریعت و پایبندی به آن است.
- داوری در مورد مردم، به صرف ظاهر و سخنان‌شان نیست، بلکه به باطن اعمال‌شان است که بر امور پنهان دل‌های‌شان دلالت دارد.
- برپا کردن فساد در زمین از هر نوعی که باشد، از صفات متکبران است که از آنها جدا نمی‌گردد و الله متعال فساد و فسادکاران را دوست ندارد.
- انسان، مسلمان حقیقی به الله متعال نمی‌شود مگر زمانی که به تمام دین اسلام گردن نهد و در ظاهر و باطن، آن را بپذیرد.

﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [البقرة: ۲۱۱].

﴿۲۱۱﴾ - ای پیامبر - برای توییخ بنی اسرائیل، از آنها بپرس: الله متعال چه تعداد نشانه های روشنی دال بر راستگویی رسولان برایتان بیان فرمود! اما شما آنها را تکذیب کردید و از آنها روی گردانیدید، و هرکس نعمت الله را پس از اینکه آن را شناخت و برایش آشکار شد، به کفر و تکذیب تبدیل کند؛ (باید بداند که) الله نسبت به کافران تکذیب کننده، سخت کیفر است.

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [البقرة: ۲۱۲].

﴿۲۱۲﴾ زندگی دنیا و کالاهای فانی و لذت‌های موقتی آن، برای کسانی که به الله کفر ورزیدند آراسته شده است، و مؤمنان به الله و روز آخرت را به تسمخر می‌گیرند، اما کسانی که با انجام اوامر الله و ترک نواهی‌اش، تقوای او را پیشه کردند، در آخرت بالاتر و برتر از این کافران هستند، چون الله آنها را در بهشت‌های جاویدان ساکن می‌کند و الله برای هر یک از مخلوقاتش که بخواهد، بدون شمارش و محاسبه روزی می‌دهد.

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [البقرة: ۲۱۳].

﴿۲۱۳﴾ مردم امتی یگانه و متحد بر هدایت، بر دین پدرشان آدم بودند، تا اینکه شیاطین آنها را گمراه ساختند، و برخی مؤمن و برخی دیگر کافر شدند؛ از این رو، الله رسولان را بشارت دهنده مؤمنان و فرمان‌برداران، به آنچه الله با رحمت خویش برای‌شان مهیا کرده است، و انذار دهنده کافران به عذاب شدیدی که الله به آنها وعده داده است برانگیخت، و همراه رسولانش، کتاب‌هایی نازل فرمود که شامل حقیقتی است که تردیدی در آن راه ندارد؛ تا در اختلافات میان مردم داوری کنند. و کسی در تورات اختلاف نکرد مگر یهودیانی که علم تورات به آنها داده شد پس از

آن که دلایل الله بر اینکه تورات، حقی از جانب او تعالی است نزدشان آمد، پس نباید در آن اختلاف کنند، این اختلاف از جانب آنها ستمکارانه روی داد؛ و الله به اذن و اراده خویش، مؤمنان را به شناخت هدایت از گمراهی توفیق داد، و الله هرکس را که بخواهد به راه راستی که هیچ انحرافی ندارد هدایت می کند و این راه راست، همان راه ایمان است.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ
الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَرَزِلْوْا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ
نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾ [البقرة: ۲۱۴].

① - ای مؤمنان - آیا گمان کردید که وارد بهشت می شوید درحالی که هنوز مانند مردمی که قبل از شما بودند آزمایش نشده اید، آن گاه که به فقر و بیماری شدید مبتلا شدند و ترس و دلهره ها آنها را لرزاند، آزمایش آنها به حدی رسید که خواستار تعجیل در یاری الله شدند، آن گاه که رسول و مؤمنان همراهش گفتند: یاری الله چه زمانی فرا می رسد؟ بدانید که یاری الله به مؤمنان و توکل کنندگان به او نزدیک است.

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى
وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۱۵].

② - ای پیامبر - یارانت از تو می پرسند: از اموال گوناگون خویش چه چیزی و در چه موردی انفاق کنند؟ در پاسخ به آنها بگو: آنچه از خیر - یعنی حلال پاکیزه - انفاق کنید باید برای پدر و مادر و خویشاوندان نزدیک شما بر اساس نیاز و یتیمان نیازمند و تنگدستانی که هیچ ثروتی ندارند و مسافری که سفر او را از خانواده و وطنش جدا کرده است هزینه شود، و - ای مؤمنان - الله از هر کار خیر کم یا زیادی که انجام می دهید آگاه است و ذره ای بر او تعالی پنهان نمی ماند و پاداش آن را به شما خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- عدم شکرگزاری الله متعال به خاطر نعمت‌هایش و به کار نبردن این نعمت‌ها در طاعت او تعالی، آنها را در معرض زوال و نابودی قرار می‌دهد و باعث تبدیل آن به مصیبت بر صاحب نعمت می‌شود.
- الله بندگانش را بر اساس فطرت توحید و ایمان آفرید، اما ابلیس و دستیارانش آنها را از این فطرت به‌سوی شرک به او تعالی برگردانیدند.
- بزرگترین خواری و درماندگی که منجر به شکست می‌شود این است که امت در کتاب و شریعت خویش اختلاف کنند، به این نحو که به تکفیر و لعنت یکدیگر بپردازند.
- هدایت به‌سوی حقی که مردم در آن اختلاف دارند و شناخت جانب صحیح، به دست الله است و ایمان و گردن نهادن به آن از او تعالی طلبیده می‌شود.
- ابتلا و آزمایش، سنت الله متعال در مورد دوستانش است؛ یعنی آنها را به اندازه ایمان و توکلی که در دل‌هایشان به او تعالی دارند مورد آزمایش قرار می‌دهد.
- از بزرگترین مواردی که بر شکیبایی هنگام نزول مصیبت یاری می‌رساند، اقتدا به نیکوکاران و الگوگیری از آنها است.

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۶].

① - ای مؤمنان - پیکار در راه الله بر شما فرض گردانیده شده است درحالی که طبیعت نفس آن را نمی‌پسندد؛ زیرا مال و جان در آن هزینه می‌شود، و شاید شما چیزی را دوست ندارید درحالی که آن چیز در واقع برای شما خیر و منفعت باشد؛ مانند پیکار در راه الله، که افزون بر ثواب زیادش، سبب پیروزی بر دشمنان و بالا بردن سخن الله است، و شاید شما چیزی را دوست دارید درحالی که شر و دارای پایان غم‌انگیزی برای شماست؛ مانند بازماندن از جهاد که سبب درماندگی و تسلط دشمنان است، و الله به خیر و شر تمام امور داناست و شما آن را نمی‌دانید، پس به فرمان او پاسخ مثبت دهید که خیر شما در آن است.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۷].

② - ای پیامبر - مردم در مورد حکم کارزار در ماه‌های حرام: ذوالقعدة، ذوالحجه، محرم و رجب از تو می‌پرسند، در پاسخ به آنها بگو: کارزار در این ماه‌ها، گناه بزرگ و ناپسندی نزد الله است، همان‌گونه که بازداشتن از راه الله که مشرکان انجام می‌دهند زشت است، و نزد الله، بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و بیرون راندن اهالی مسجد الحرام از آن، گناهی بزرگتر از پیکار در ماه حرام است، و شرکی که در آن قرار دارند، بزرگتر از قتل است. - ای مؤمنان - مشرکان پیوسته ستم‌کارانه با شما می‌جنگند که اگر راهی بیابند شما را از دین برحق‌تان به دین باطل‌شان بکشانند، و هر یک از شما که از دینش بازگردد و در حال کفر بر الله بمیرد، به‌طور قطع اعمال صالح خویش را باطل کرده است و سرانجام او در آخرت، ورود به آتش و جاودانه بودن در آن است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۱۸].

﴿۲۱۸﴾ همانا کسانی که به الله و رسولش ایمان آوردند و کسانی که سرزمین‌هایشان را برای هجرت به سوی الله و رسولش رها کردند و جنگیدند تا سخن الله، برتر باشد، آنها به رحمت و آمرزش الله امیدوارند و الله گناهان بندگان را می‌بخشد و نسبت به آنها مهربان است.

﴿* يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ
مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ
لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾ [البقرة: ۲۱۹].

﴿۲۱۹﴾ - ای پیامبر - اصحاب در مورد خمر (هرچه که عقل را بیوشاند و از بین ببرد)، از تو می‌پرسند که نوشیدن و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟ و در مورد حکم قمار (شرطبندی بر سر پول، یا هر چیز دارای ارزش اقتصادی از جانب دو طرف حاضر در مسابقه) از تو می‌پرسند؟ در پاسخ به آنها بگو: در این دو، زیان‌ها و مفسد دینی و دنیوی زیادی است، مانند نابودی عقل و مال و افتادن در دشمنی و کینه، و منافع اندکی مانند درآمدهای مالی در آنها وجود دارد، و ضرر و گناه حاصل از این دو، از سودشان بزرگتر است و عاقل باید از هرچه که ضررش بیشتر از سودش باشد بپرهیزد. این فرموده الله متعال، زمینه‌سازی برای تحریم شراب است. و - ای پیامبر - اصحاب از تو می‌پرسند که چه اندازه از اموال‌شان را به صورت داوطلبانه و به میل خویش انفاق کنند؟ در پاسخ به آنها بگو: از آن اموال‌تان که مازاد بر نیاز شماست انفاق کنید (این حکم در ابتدای امر بود، اما پس از آن، الله زکات واجب را در اموالی مخصوص و نصابی معین تشریح فرمود)، و الله مانند همین بیان واضح و بدون ابهام، احکام شرعی را برایتان بیان می‌فرماید باشد که بیندیشید.

برخی فواید آیات:

- گاهی جهل به سرانجام کارها، باعث می‌شود که انسان آنچه به نفعش است را نپسندد و آنچه به ضررش است را دوست بدارد، بنابراین انسان باید هدایت به راه راست را از الله تقاضا کند.

- اسلام، حرام‌ها را بسیار ناپسند شمرد و از تجاوز بر آن نهی فرمود و یکی از بزرگترین حرام‌ها، بازداشتن مردم از راه الله متعال است.
- کفار برای همیشه در حال جنگ علیه اسلام و پیروانش هستند تا آنها را از دین شان خارج کنند و الله نیرنگ کافران را باطل می‌سازد.
- ایمان به الله متعال، هجرت و جهاد در راه او تعالی؛ بزرگترین لوازمی است که شخص به وسیله آن به رحمت و مغفرت الله دست می‌یابد.
- شریعت برای رعایت مصلحت بندگان، تمام آنچه را که ضررش غالب است حرام قرار داده است هر چند برخی منافع در آن موجود باشد.

﴿فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْتَبْتُمْ إِنْ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۰].

﴿۳۳﴾ این حکم را تشریح فرمود تا به آنچه در دنیا و آخرت به شما سود می‌رساند بیندیشید. - ای پیامبر - اصحابت در مورد اجرای سرپرستی‌شان بر یتیمان از تو می‌پرسند که چگونه با آنها رفتار کنند؟ و آیا اموال‌شان را در نفقه و غذا خوردن و سکونت با آنها درآمیزند؟ در پاسخ به آنها بگو: بخشش شما به آنها با اصلاح اموال‌شان بدون عوض یا در آمیختن در اموال‌شان، نزد الله برای‌تان بهتر است و پاداش بیشتری دارد، و این کار برای آنها در اموال‌شان بهتر است؛ چون باعث حفظ اموال‌شان برای آنها می‌شود، و اگر با جمع کردن اموال‌شان با اموال‌تان در معاش و مسکن و مانند آن با آنها مشارکت کردید، ایرادی در این کار نیست؛ زیرا آنها برادران دینی شما هستند و برادران به یکدیگر یاری می‌رسانند و کارهای یکدیگر را انجام می‌دهند، و الله آن گروه از سرپرستان را که با مشارکت یتیمان در اموال‌شان قصد فساد دارند از آن گروه که از این کار قصد اصلاح دارند می‌شناسد، و اگر بخواهد در مورد یتیمان بر شما سخت بگیرد این کار را می‌کند، اما او تعالی در روش رفتار با یتیمان بر شما آسان گرفته است؛ زیرا شریعت او بر آسانی استوار است، و الله ذات شکست ناپذیری است که هیچ چیز بر او چیره نمی‌شود و در آفرینش و تدبیر و تشریح خویش بسیار داناست.

﴿وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةً مُّؤْمِنَةً حَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أَعْبَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحِجَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۱].

﴿۳۴﴾ - ای مؤمنان - با زنان مشرک به الله ازدواج نکنید تا اینکه فقط به الله ایمان بیاورند و در دین اسلام درآیند، و همانا کنیز مؤمن به الله و رسولش از زن آزاد بت پرست بهتر است هر چند آن زن آزاد با زیبایی و مالش مورد پسند شما واقع شود، و زنان مسلمان را به ازدواج مردان مشرک درنیاورید و برده مملوک مؤمن به الله و

رسولش، از مرد آزاد مشرک بهتر است، هر چند آن مرد آزاد مورد پسند شما واقع شود؛ آنها که متصف به شرک هستند - چه مرد و چه زن - با گفتار و رفتارشان به آنچه که سبب ورود به آتش می‌گردد فرامی‌خوانند، و الله شما را به سوی اعمال صالح که به اذن و بخشش او، به ورود به بهشت و آمرزش از گناهان می‌کشاند فرا می‌خواند، و آیاتش را برای مردم بیان می‌کند باشد که از راهنمایی‌های موجود در آیات پند بگیرند و بر اساس آنها عمل کنند.

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا مِنَ الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۲].

﴿۲۲۲﴾ و - ای پیامبر - در مورد حیض (خون طبیعی‌ای که از رحم زن در زمان‌های مخصوصی خارج می‌شود) از تو می‌پرسند؟ در پاسخ به آنها بگو: حیض سبب اذیت مرد و زن است، پس در زمان حیض با زنان درنیا میزید و با آنها نزدیکی نکنید تا اینکه خون آنها قطع شود و با انجام غسل از آن پاک شوند؛ پس هنگامی که خون قطع شد و خود را از آن پاکیزه کردند، به نحوی که به شما اجازه داده شده است - یعنی درحالی که قُبُل (اندام پیش) آنها پاک است - با آنها آمیزش کنید، همانا الله کسانی را که از گناهان، بسیار توبه می‌کنند و در پاکیزگی از پلیدی‌ها بسیار می‌کوشند دوست دارد.

﴿نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَلَىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لَأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۲۳].

﴿۲۲۳﴾ همسران تان کشتزار شما هستند که فرزندان را برای شما متولد می‌کنند؛ مانند زمین که میوه می‌دهد، پس به محل کشت تان - یعنی قُبُل (اندام پیش زن) - از هر جهتی که دوست دارید و به هر نحوی که می‌خواهید به شرط آن که از اندام پیش باشد درآیید، و با انجام نیکی‌ها، چیزی برای خود از پیش بفرستید، از جمله اینکه مرد به قصد تقرب به الله و آرزوی فرزندان صالح، با همسرش آمیزش کند، و با اجرای اوامر و ترک نواهی الله از جمله مواردی که در مورد زنان بر شما حکم کرد، تقوای او تعالی را پیشه کنید، و بدانید که در روز قیامت با الله دیدار می‌کنید، درحالی که در برابر او ایستاده هستید و جزای اعمال تان به شما داده می‌شود، و -

ای پیامبر - مؤمنان را به نعمت‌های همیشگی و نظر به چهره گرامی او تعالی که هنگام لقای پروردگارشان برای آنها فراهم آمده است، مژده بده.

﴿وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۴].

﴿۲۲﴾ و سوگند به الله را حجتی بازدارنده از انجام نیکی و تقوا و اصلاح میان مردم قرار ندهید، بلکه اگر بر ترک نیکی سوگند یاد کردید، نیکی را انجام دهید و کفاره سوگندتان را بپردازید، و الله سخنان شما را می‌شنود و نسبت به اعمال شما داناست و شما را در قبال آنها جزا می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- تحریم انعقاد عقد نکاح میان مسلمانان و مشرکان، چون فاصله زیادی میان شرک و ایمان وجود دارد.
- آیه بر شرط بودن وجود ولی هنگام عقد نکاح دلالت دارد؛ زیرا الله متعال، اولیا را با نهی از به ازدواج درآوردن زنان به عقد مشرکان نهی کرد.
- شریعت بر طهارت حسی از نجاست‌ها و پلیدی‌ها و طهارت معنوی از شرک و گناهان تشویق کرده است.
- ترغیب مؤمن در اینکه توجه وی در اعمالش - حتی لذت‌ها و خوشی‌ها - به سرای آخرت باشد، یعنی چیزی برای خودش از پیش بفرستد که در آخرت به او فایده برساند.

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۵].

﴿۲۲۵﴾ الله شما را به سبب سوگندهایی که بدون قصد بر زبان هایتان جاری می شود مورد محاسبه قرار نمی دهد؛ مانند اینکه یکی از شما می گوید: نه والله، بله والله، پس نه کفاره ای بر این گونه سوگندها مترتب می شود و نه مجازاتی، اما شما را به خاطر سوگندهایی که از روی قصد یاد می کنید مؤاخذه می کند، و الله نسبت به گناهان بندگانش آمرزنده و بردبار است به گونه ای که کیفرشان را به تعجیل نمی اندازد.

﴿لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَابِهِمْ تَرَبُّصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۶].

﴿۲۲۶﴾ برای کسانی که بر ترک آمیزش با زنان شان سوگند می خورند، از آغاز سوگندشان به مدتی که از چهار ماه تجاوز نمی کند انتظار است، که به نام ایلاء شناخته می شود، پس اگر بعد از سوگند بر ترک آمیزش، در مدت چهار ماه یا کمتر، به آمیزش زنان شان رجوع کردند؛ الله آمرزنده است و آنچه از آنها سرزده است را می بخشد، و نسبت به آنها مهربان است چون برای خروج از چنین سوگندی، کفاره برای شان تشریح کرده است.

﴿وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۷].

﴿۲۲۷﴾ و اگر با استمرار بر ترک آمیزش با زنان شان و عدم رجوع به آمیزش، طلاق را قصد کردند؛ همانا الله سخنان شان از جمله طلاق را می شنود و از احوال و اهداف شان آگاه است و آنها را به خاطر آن جزا خواهد داد.

﴿وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلِيهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۸].

﴿۲۲۸﴾ و زنان طلاق داده شده باید به مدت سه حیض انتظار بکشند و در این مدت ازدواج نکنند، و بر آنها جایز نیست حملی را که الله در رحم های شان آفریده است

پنهان کنند، اگر در ایمان به الله و روز آخرت صادق هستند، و شوهران شان که آنها را طلاق داده‌اند به بازگرداندن آنها در مدت عده از دیگران سزاوارترند، اگر قصد بازگشت با الفت و از بین بردن آنچه به سبب طلاق واقع شده است را دارند، و برای همسران حقوق و وظایفی است همان گونه که برای شوهران شان حقوقی بر عهده آنها است، بر اساس آنچه که میان مردم رایج است، و مردان درجه برتری از سرپرستی و امر طلاق بر آنها دارند، و الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ چیز او را مغلوب نمی‌سازد و در شرع و تدبیرش بسیار داناست.

﴿الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [البقرة: ۲۲۹].

﴿طَّلَاقُ﴾ که شوهر در آن حق رجوع دارد دو مرتبه است؛ به این نحو که طلاق دهد، سپس رجوع کند، سپس طلاق دهد، سپس رجوع کند، بعد از این دو طلاق یا باید زن را در عهده خود با روش نیکو نگه دارد، یا با نیکی بهزن و پرداخت حقوقش او را برای بار سوم طلاق دهد، و - ای شوهران - برای شما حلال نیست ذره‌ای از مهریه‌ای که برای همسران تان پرداخت کرده‌اید بگیرید، مگر اینکه زن شوهرش را به سبب اخلاق یا خلقتش دوست نداشته باشد و زوجین به سبب این ناخوشایندی، وفا نکردن به حقوقی که بر عهده آنها است را پیش‌بینی کنند، که در این صورت باید کار خویش را به کسی که با آنها پیوند خویشاوندی یا غیر آن دارد عرضه کنند، پس اگر اولیا، از انجام ندادن حقوق زناشویی میان آن دو ترسیدند، گناهی بر آن دو نیست که زن، خودش را در برابر مالی که به شوهر خویش در مقابل طلاقش می‌پردازد خلع کند. این احکام شرعی، فاصله میان حلال و حرام است، پس از آنها تجاوز نکنید و کسانی که از حدود الله در حلال و حرام تجاوز کنند، بر خودشان ستم کرده‌اند چون خود را در معرض نابودی و خشم و مجازات الله قرار داده‌اند.

﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۳۰].

﴿۳۳﴾ و اگر شوهر زن، او را برای بار سوم طلاق داد، بر شوهر حلال نیست که به نکاح جدید، او را به ازدواج خویش درآورد مگر اینکه مردی غیر از شوهر به صورت ازدواج صحیح و از روی رغبت، نه به قصد تحلیل با او ازدواج و در این نکاح با او آمیزش کند؛ پس اگر شوهر دوم او را طلاق داد یا در عقد او فوت کرد، گناهی بر زن و شوهر اولش نیست که به عقد و مهر جدید به یکدیگر بازگردند، اگر ظن غالب دارند بر اینکه احکام شرعی را که به آن ملزم هستند به پا می‌دارند، و الله این احکام شرعی را برای مردمی که احکام و حدودش را می‌دانند بیان می‌کند؛ چون آنها هستند که از آن بهره می‌برند.

برخی فواید آیات:

- الله متعال، احکام نکاح و طلاق را به صورت کامل بیان فرمود تا مردم حدود حلال و حرام را بشناسند و از آن تجاوز نکنند.
- الله، نکاح را بسیار مهم برشمرد و بازیچه قراردادن آن با الفاظ را حرام کرد، چون آن را الزام آور قرار داد و بازی با طلاق زیاد و رجوع را ملغی کرد به گونه ای که با دو طلاق رجعی حدی برایش قرار داد سپس آن را حرام گردانید مگر اینکه شوهری غیر از شوهر اول با زن ازدواج کند سپس او را طلاق دهد.
- معاشرت زناشویی به نیکویی است، پس اگر این امر ممکن نبود ایرادی در طلاق نیست و هر یک از زوجین می‌توانند درخواست طلاق دهند.

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُورًا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۳۱].

﴿۳۱﴾ و چون زنان تان را طلاق دادید و به پایان عده خویش نزدیک شدند، حق دارید که به آنها رجوع کنید یا به خوبی بدون رجوع، آنها را رها کنید تا عده‌شان سپری شود، و به آنها رجوع نکنید به این هدف که بخواهید به آنها تجاوز کنید و آزار برسانید چنان که این کار در جاهلیت انجام می‌شد، و هرکس این کار را به قصد آزار رساندن به آنها انجام دهد، به طور قطع با قرار دادن خویش در گناه و مجازات، بر خویشتن ستم کرده است، و آیات الله را با بازی و گستاخی بر آن، به سخره بگیرید، و نعمت‌های الله بر خویشتن را به یاد آورید که بزرگترین این نعمت‌ها، قرآن و سنت است که بر شما نازل فرمود و در آن با تشویق و ترساندن به شما تذکر می‌دهد. با فرمان برداری از اوامر الله و اجتناب از نواهی‌اش، خداترس باشید و بدانید که الله به هر چیزی داناست و هیچ چیز بر او پنهان نمی‌ماند و شما را در قبال اعمال تان جزا خواهد داد.

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَرْزَىٰ لَكُمْ وَأَظْهَرَ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۳۲].

﴿۳۲﴾ و هنگامی که زنان تان را کمتر از سه مرتبه، طلاق دادید و عده آنها سپری شد، - ای اولیا- در این هنگام آنها را از بازگشت به شوهران شان با عقد و نکاح جدید اگر تمایل داشتند و با شوهران شان بر این امر سازش کردند، بازندارید، هر یک از شما که به الله و روز آخرت ایمان دارد، به این حکم که در بردارنده نهی از بازداشتن زنان است پند داده می‌شود. این امر برای شما خیر بیشتری دارد و برای آبرو و اعمال شما بهتر از ناپاکی‌هاست، و الله حقایق و سرانجام کارها را می‌داند اما شما آن را نمی‌دانید.

﴿* وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَزِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾
[البقرة: ۲۳۳].

﴿۲۳۳﴾ و مادران دو سال کامل فرزندان‌شان را شیر دهند، این تعیین دو سال، برای کسی است که قصد دارد مدت شیرخوارگی را کامل کند، و نفقه و لباس مادران شیرده مطلقه بر اساس عرف مردم، به شرط آن که مخالف شریعت نباشد بر عهده پدر کودک است، الله هیچ کس را بیشتر از وسع و توانش مکلف نمی‌کند، و هیچ یک از پدر و مادر این حق را ندارد که فرزند را وسیله‌ای برای آزار رساندن به دیگری قرار دهد، و اگر کودک پدر نداشت و مالی هم نداشت، مانند همان حقوقی که بر عهده پدر است بر عهده وارث طفل است. پس اگر پدر و مادر خواستند قبل از دو سال کودک را از شیر بگیرند گناهی بر آن دو در این امر نیست، به شرط آن که پس از مشورت و تراضی دو طرف، مصلحت فرزند هم در آن باشد، و اگر خواستید زنان شیردهی غیر از مادران، برای فرزندان‌تان بجوید، گناهی بر شما نیست اگر مزدی را که با دایه بر آن توافق کرده‌اید بدون کاستی و امروز و فردا کردن به او بپردازید، و با اجرای اوامر و ترک نواهی الله، تقوای او تعالی را پیشه کنید، و بدانید که الله اعمال شما را می‌بیند به گونه‌ای که ذره‌ای از کارهایتان بر او پنهان نمی‌ماند و شما را در قبال اعمالی که انجام داده‌اید جزا خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- نهی مردان از ستم بر زنان، چه این ستم از طریق منع زن از ازدواج باشد یا اجبار او بر آنچه که دوست ندارد.
- شریعت، حق شیردادن را برای مادر محفوظ داشته است، هر چند شوهرش او را طلاق داده باشد، و شوهر باید نفقه زن را تا زمانی که فرزندش را شیر می‌دهد بپردازد.

- الله متعال زوجین را از این امر نهی فرمود که هر یک از آنها فرزندان را وسیله ای برای آزار رساندن به دیگری قرار دهد.
- تشویق بر اینکه تمام امور مربوط به زندگی زناشویی بر اساس مشورت و توافق زوجین باشد.

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۳۴].

﴿۳۴﴾ و کسانی که می‌میرند و پس از خویش همسرانی غیر باردار به جای می‌گذارند، بر این زنان واجب است که مدت چهار ماه و ده روز به انتظار بنشینند و در این مدت از خروج از خانه شوهر و آرایش و ازدواج خودداری کنند، و هرگاه این مدت سپری شد، - ای اولیا - گناهی بر شما نیست که آنچه را در این مدت بر آنها ممنوع بود، به صورت معروف شرعی و عرفی در مورد خویشتن انجام دهند، و الله نسبت به اعمال شما داناست و ذره‌ای از ظاهر و باطن شما بر او پنهان نمی‌ماند و شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۳۵].

﴿۳۵﴾ و گناهی بر شما نیست که به صورت کنایه و سربسته و بدون تصریح در خواستگاری زنی که در عده وفات یا طلاق بائن قرار دارد ابراز تمایل کنید؛ مثل اینکه گفته شود: هرگاه عده تو به پایان رسید به من خبر بده، و گناهی بر شما نیست که تمایل به نکاح زن معتده پس از سپری شدن عده‌اش را در دل پنهان دارید، الله می‌دانست که شما به خاطر تمایل زیاد به آنها، به یادشان خواهید افتاد، پس به شما اجازه کنایه و نه تصریح داد، و مبدا درحالی که آنها در زمان عده هستند، به صورت پنهانی با آنها وعده نکاح ببندید، مگر طبق سخن نیکو که همان کنایه است، و در زمان عده عقد نکاح نبندید، و بدانید که الله از آنچه که برای تان اجازه داد و بر شما حرام کرد و در دل‌های تان پنهان می‌دارید آگاه است، پس پرهیزید و با اوامر او مخالفت نکنید، و بدانید که الله بندگان توبه‌کار خویش را می‌بخشد و بردبار است و مجازات را به تعجیل نمی‌اندازد.

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرَهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾
[البقرة: ۲۳۶].

﴿۳۳﴾ و گناهی بر شما نیست اگر زنان تان را که با آنها عقد نکاح بسته‌اید پیش از آن که با آنها نزدیکی کنید و پیش از آن که مهر مشخصی برای شان قرار دهید طلاق دهید، پس اگر آنها را در این حالت طلاق دادید، مهریه‌ای برای آنها بر عهده شما نیست و فقط بر شما واجب است که بر اساس توانایی، چه شخص گشاده‌دست و دارای ثروت زیاد باشد یا تنگ‌دست و دارای ثروت اندک، با پرداخت چیزی آنها را بهره‌مند گردانید و دل‌شکستگی آنها را جبران کنید، این پرداخت، حق ثابتی بر نیکوکاران در افعال و رفتارشان است.

﴿وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفَوْا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۳۷].

﴿۳۴﴾ و اگر زنان تان را که قبل از نزدیکی با آنها عقد نکاح بسته‌اید و مهر مشخصی برای شان مقرر کرده‌اید، طلاق دادید بر شما واجب است که نصف مهرالمسمی را به آنها بپردازید، مگر اینکه بخشی از آن را بر شما ببخشند - اگر رشید بودند - یا شوهران مهریه کامل را به آنها ببخشند، و اگر در حقوق میان یکدیگر آسان بگیرید، به خشیت الله و فرمان برداری از او تعالی نزدیک‌تر است، و - ای مردم - برتری برخی از شما بر برخی دیگر، و آسانگیری در حقوق را رها نکنید؛ زیرا الله اعمال شما را می‌بیند، پس در انجام کار نیک بکوشید تا به ثواب الله دست یابید.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت عده برای زنی که شوهرش در عقد او وفات یافته است به این نحو که در مدت چهار ماه و ده روز از آرایش و ازدواج خودداری کند.
- وقتی مؤمن بداند الله از احوال او آگاه است، از الله متعال و باقی ماندن در مرزها و حدود الهی می‌ترسد.
- تشویق بر رفتار نیکو میان زنان و شوهران، و خویشاوندان، و اینکه عفو و آسانگیری، اساس رفتار آنها با یکدیگر باشد.

﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸].

﴿۳۳﴾ با ادای نمازها به صورت کامل آن گونه که الله فرمان داده است، بر آنها مراقبت کنید و بر نماز میانه بین نمازها که نماز عصر است مراقبت ورزید، و با فروتنی و فرمان برداری در نماز برای الله به پا خیزید.

﴿فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَدْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۳۹].

﴿۳۴﴾ اگر از دشمن و مانند آن ترسیدید و نتوانستید نماز را به صورت کامل ادا کنید، پیاده یا سواره بر شتر و اسب و یا به هر نحو دیگری که می توانید نماز بگذارید، و هرگاه ترس از شما برطرف شد، الله را آن گونه که به شما آموخته است یاد کنید، از جمله یاد او در نماز به صورت کامل و تمام، و نیز او را یاد کنید که نور و هدایتی را که نمی دانستید به شما آموخت.

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۴۰].

﴿۳۵﴾ و کسانی از شما که می میرند و پس از خود همسرانی به جای می گذارند باید به نفع همسران خود وصیت کنند که یک سال کامل آنها را با سکونت و نفقه بهره مند سازند و وارثان شما آنها را بیرون نرانند، تا تسکین دلی باشد برای مصیبت آنها و وفاداری به میت، اما اگر آنها خودشان قبل از پایان سال خارج شدند، گناهی بر شما نیست و گناهی بر آنها نیست که خود را آرایش و خوشبو کنند، و ذات الله قدرتمندی است که هیچ کس بر او چیره نمی شود و در تدبیر و شرع و تقدیرش بسیار داناست. جمهور مفسران برآنند که حکم این آیه با آیه ۲۳۴ سوره بقره نسخ شده است که می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا﴾ [البقرة: ۲۳۴]؛ «و کسانی از شما که می میرند و همسرانی باقی می گذارند؛ باید چهار ماه و ده روز انتظار بکشند (و عده نگه دارند)».

﴿وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۱].

﴿۲۴۱﴾ برای زنان طلاق داده شده، مقداری از لباس یا مال یا مانند آن است که از آن بهره‌مند شوند، تا تسکین و آرامشی باشد بر دل‌های‌شان که به‌سبب طلاق شکسته است، به روش معروف و مراعات حال شوهر از کمی یا زیادی. این حکم، حق ثابتی است بر کسانی که با اجرای اوامر و ترک نواهی الله، از او تعالی می‌ترسند.

﴿كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [البقرة: ۲۴۲].

﴿۲۴۲﴾ - ای مؤمنان - همانند بیان پیشین، الله آیاتش را که مشتمل بر حدود و احکامش است برای‌تان بیان می‌کند؛ باشد که در آنها بیندیشید و به آنها عمل کنید تا به خیر دنیا و آخرت دست یابید.

﴿* أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [البقرة: ۲۴۳].

﴿۲۴۳﴾ - ای پیامبر - آیا خبر گروهی از بنی‌اسرائیل که جمعیت زیادی بودند و از ترس مرگ به‌سبب بیماری وبا یا غیر آن از خانه‌های‌شان خارج شدند به تو نرسیده است که الله به آنها فرمود: بمیرید. پس مردند، سپس آنها را زنده گردانید تا برای‌شان روشن گرداند که تمام کارها به دست او سبحانه است و آنها مالک هیچ نفع و ضرری برای خویش نیستند؛ همانا الله مردم بخشنده است، اما بیشتر مردم شکر نعمت‌های الله را به‌جای نمی‌آورند.

﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۴۴].

﴿۲۴۴﴾ - ای مؤمنان - برای یاری دین الله و بالا بردن سخن او، با دشمنان الله بجنگید، و بدانید که الله سخنان شما را می‌شنود و از نیّات و افعال شما آگاه است و شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [البقرة: ۲۴۵].

﴿۲۴۵﴾ کیست که همانند وام‌دهنده‌ای نیکو عمل کند، یعنی با نیت نیک و دلی‌ خشنود، مالش را در راه الله هزینه کند تا چند برابر به او بازگرداند، و الله براساس

حکمت و عدالت خویش، در روزی و سلامتی و غیر آن، محدودیت و گشایش می آورد، و در آخرت فقط به سوی او بازگردانده می شوید تا شما را بر اساس اعمالتان جزا دهد.

برخی فواید آیات:

- تشویق بر مراقبت بر نماز و ادای آن با تمام ارکان و شروط، و اگر این امر بر انسان دشوار بود به هر حالتی که برایش میسر است نماز بگذارد.
- رحمت الله متعال نسبت به بندگانش آشکار است، زیرا آیاتش را به کاملترین نحو بیان فرموده تا از آن آگاه شوند.
- الله متعال برخی از بندگان را با تنگدستی در روزی و دیگران را با گشایش در روزی می آزماید، و در این امر، حکمت فراگیری دارد.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَانَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۶].

﴿۲۴۶﴾ - ای پیامبر - آیا از حال اشراف بنی اسرائیل پس از زمان موسی علیه السلام آگاه نشده ای آن گاه که به پیامبری از خودشان گفتند: پادشاهی برای ما قرار بده تا همراه او در راه الله بجنگیم، و پیامبرشان خطاب به آنها گفت: شاید اگر الله پیکار را بر شما فرض کند در راه الله پیکار نکنید! با انکار گمان پیامبر در مورد آنها، گفتند: درحالی که انگیزه جنگ وجود دارد چه مانعی ما را از پیکار در راه الله بازمی دارد؟ چون دشمنان ما را از سرزمین های مان بیرون رانده اند و پسران مان را به اسارت برده اند، پس برای بازگشت به سرزمین های خویش و آزادی اسیران مان باید بجنگیم. اما وقتی که الله پیکار را بر آنها فرض گردانید، روی برگرداندند و جز اندکی از آنها به وعده خویش وفا نکردند، و الله نسبت به ستمکارانی که از امرش روی می گردانند و پیمانش را نقض می کنند داناست و آنها را به این خاطر مجازات خواهد کرد.

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۴۷].

﴿۲۴۷﴾ پیامبرشان به آنها گفت: همانا الله طالوت را به عنوان پادشاه شما گماشته است تا زیر پرچم او پیکار کنید، اشراف آنها با انکار و اعتراض بر این انتخاب گفتند: چگونه او می تواند پادشاه ما باشد درحالی که ما برای پادشاهی از او سزاوارتر هستیم؛ زیرا او از فرزندان پادشاهان نبوده است و ثروت زیادی به او داده نشده تا برای پادشاهی از آن استفاده کند؟! پیامبرشان خطاب به آنها گفت: همانا الله او را بر شما برتری داده است و علم زیاد و نیروی بدنی بیشتری نسبت به شما به او بخشیده است، و الله براساس حکمت و رحمت خویش، پادشاهی خودش را به هرکس بخواهد می دهد و الله دارای فضل و بخشش گسترده است که آن را به هر کس بخواهد می دهد و می داند کدامیک از مخلوقاتش شایستگی آن را دارد.

﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۸].

پیامبرشان خطاب به آنها گفت: به راستی که نشانهٔ راستی پادشاهی او بر شما این است که الله تابوت - صندوقی که مورد احترام بنی اسرائیل بود و از آنها گرفته شده بود - را که در آن آرامش خاطری است در اختیار او می‌گذارد، و بقایای آنچه خاندان موسی علیه السلام و هارون علیه السلام به جا گذاشته بودند، مانند عصا و برخی از الواح در آن قرار دارد، به شما باز می‌گرداند، همانا در این رخداد، نشانهٔ آشکاری برای شماست اگر مؤمن واقعی هستید.

برخی فواید آیات:

- آگاه‌ساختن از مهم‌ترین صفات کسی است که به رهبری مردم گماشته می‌شود؛ یعنی علم و قدرت بر آنچه تحت رهبری اوست.
- راهنمایی کسی که عهده‌دار رهبری مردم می‌شود به اینکه فریب سخنان‌شان را نخورد مگر زمانی که آنها را بیازماید و پس از اقوال‌شان، رفتارشان را مورد بررسی قرار دهد.
- معیارهایی که گاهی در مورد ارزش دیگران و قضاوت در مورد آنها میان مردم مشهور می‌شود، گاهی معیارهای صحیح نزد الله متعال نیستند، بلکه او سبحانه از روی حکمت و علم خویش هر یک از مخلوقاتش را که بخواهد برمی‌گزیند.

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۴۹].

وقتی طالوت همراه لشکریان از شهر خارج شد به آنها گفت: همانا الله شما را با رودخانه‌ای می‌آزماید، پس هرکس از آن بنوشد پیرو من نیست و مرا در پیکار همراهی نخواهد کرد، و هرکس از آن ننوشد پیرو من است و مرا در پیکار همراهی می‌کند، مگر کسی که ناچار شود و به اندازه کف دستش از آن بنوشد که ایرادی بر او نیست، اما لشکریان از آن رودخانه نوشیدند جز اندکی از آنها که با وجود عطش شدید شکیبایی کردند و از آن ننوشیدند، هنگامی که طالوت و مؤمنان همراهش از رودخانه گذشتند، برخی از لشکریانش گفتند: امروزه توان پیکار با جالوت و لشکریانش را نداریم و در این هنگام، کسانی که به ملاقات پروردگار خویش در روز قیامت یقین داشتند گفتند: چه بسیار گروه‌های مؤمن اندکی از نظر تعداد افراد که به اذن و یاری الله که بر گروه‌های کافر بسیاری از نظر تعداد پیروز شدند، پس معیار پیروزی، ایمان است نه کثرت افراد، و الله همراه بندگان شکیبای خویش است، آنها را نیرومند می‌سازد و پیروز می‌گرداند.

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّثْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۵۰].

و هنگامی که با جالوت و لشکریانش روبرو شدند، روی به سوی الله آورده و این گونه دعا کردند: پروردگارا صبر زیادی بر دل‌های ما فرو ریز و گام‌هایمان را استوار ساز تا فرار نکنیم و در برابر دشمنان درهم نشکنیم، و با قدرت و تأیید خویش ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [البقرة: ۲۵۱].

﴿۴۱﴾ آن گاه به اذن الله آنها را شکست دادند و داود، رهبرشان جالوت را کشت و الله پادشاهی و نبوت را به او عطا کرد، و علوم گوناگون را که می خواست به او آموخت، پس اسباب رستگاری دنیا و آخرت را با هم به او داد. و اگر از سنت الله نباشد که به دست برخی از مردم فساد برخی دیگر را برطرف سازد، به طور قطع زمین با تسلط مفسدان در آن فاسد خواهد شد، اما الله بر تمام مخلوقات برتری دارد.

﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [البقرة: ۲۵۲].

﴿۴۲﴾ - ای پیامبر - این آیات آشکار و روشن را که اخباری راست و احکامی عادلانه دارند را بر تو می خوانیم و همانا تو از فرستادگان پروردگار جهانیان هستی.

برخی فواید آیات:

- رهبر فرزانه و خردمند، سربازانش را با انواع آزمایش‌هایی که لشکریانش با آن شناخته می‌شوند و ثابت‌قدمان از دیگران متمایز می‌گردند محک می‌زند.
- معیار پیروزی، فقط افراد و تجهیزات زیاد نیست، بلکه یاری و توفیق الله، سبب اصلی پیروزی و فتح است.
- هنگام وقوع فتنه‌ها و سختی‌ها فقط کسانی استوار می‌مانند که دل‌هایشان با یقین به الله آباد است، و چنین افرادی در هر مصیبت و بلایی شکیبایی می‌کنند و ثابت‌قدم می‌مانند.
- اظهار ناتوانی در برابر الله متعال با دلی صادق و وابسته به او تعالی، به خصوص در میدانی کارزار، از بزرگترین اسباب اجابت دعا است.
- یکی از سنت‌ها و حکمت‌های الله این است که شر و فساد برخی از مردم در روی زمین را به دست برخی دیگر برطرف می‌سازد.

﴿ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴾ [البقرة: ۲۵۳].

رسولانی را که برایت نام بردیم، برخی از آنها را بر برخی دیگر از نظر وحی و پیروان و درجات برتری دادیم، از میان آنها کسی بود که الله با او سخن گفت مانند موسی عليه السلام؛ و از آنها کسی بود که الله او را به درجات والایی رساند مانند محمد عليه السلام؛ که او را برای تمام مردم فرستاد و نبوت را با او به پایان رسانید و امتش را بر سایر امت‌ها برتری بخشید، و به عیسی عليه السلام پسر مریم معجزات واضحی دادیم که بر نبوت او دلالت داشتند؛ مانند زنده کردن مردگان و شفای کور مادرزاد و بیمار مبتلا به پیسی، و او را برای انجام امر الله متعال با جبرئیل عليه السلام تقویت کردیم. و اگر الله می خواست کسانی که پس از رسولان آمدند پس از اینکه معجزات واضح نزدشان آمد، یکدیگر را نمی کشتند، اما اختلاف کردند و به گروه‌های مختلفی تقسیم شدند؛ برخی از آنها به الله ایمان آوردند و برخی از آنها به الله کفر ورزیدند، و اگر الله می خواست که یکدیگر را نکشند یکدیگر را نمی کشتند، اما الله آنچه را بخواهد انجام می دهد، پس از روی رحمت و فضل خویش هرکس را بخواهد به سوی ایمان هدایت می کند و از روی عدالت و حکمت خویش هرکس را که بخواهد گمراه می سازد.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَّا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةً وَلَا شَفَاعَةً وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾ [البقرة: ۲۵۴].

ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، از اموال گوناگون حلالی که به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، قبل از اینکه روز آخرت فرا رسد که نه داد و ستدی در آن است تا انسان آنچه را به او سود می‌رساند کسب کند و نه دوستی‌ای است که در هنگام سختی به او فایده برساند و نه میانجیگری‌ای پذیرفته می‌شود که آسیبی را برطرف یا سودی را جلب کند مگر بعد از اینکه الله برای هرکس که بخواهد و راضی شود اذن دهد، و کافران به سبب کفر به الله متعال، ستمکاران واقعی هستند.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [البقرة: ۲۵۵].

ﷻ اله همان یگانه معبود برحق است که شریکی در عبادت ندارد، زنده‌ای است که حیاتی کامل و بدون مرگ و نقصی دارد، قائم به ذاتی است که به ذات خویش پابرجاست، پس از تمام مخلوقاتش بی‌نیاز است، و قوام تمام مخلوقات به او وابسته است، به‌گونه‌ای که در هیچ‌یک از احوال‌شان از او بی‌نیاز نیستند، به دلیل کمال حیاتش و قائم به ذات بودنش، هیچ‌گونه خواب سبک و سنگینی او را فرا نمی‌گیرد، پادشاهی هرچه در آسمان‌ها و زمین است برای اوست، هیچ کسی اختیار ندارد نزد او برای کسی شفاعت بکند مگر پس از اذن و رضایت او؛ تمام کارهای مخلوقاتش را که واقع شده است و در آینده واقع خواهد شد می‌داند، و به ذره‌ای از علم او تعالی احاطه پیدا نمی‌کنند مگر به آنچه بخواهد آنها را از آن آگاه کند، کرسی او تمام آسمان‌ها و زمین را با وجود گستردگی و بزرگی‌اش فرا گرفته است، و حفظ آسمان‌ها و زمین بر او سنگین یا دشوار نیست، و در ذات و بزرگی و غلبه‌ی خویش برتر است و در پادشاهی و قدرت خویش بزرگ است.

﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۵۶].

ﷻ اجباری برای هیچ‌کس برای ورود در دین اسلام نیست؛ زیرا اسلام، دین بر حق و آشکاری است که نیازی ندارد کسی بر آن مجبور گردد، هدایت از گمراهی آشکار شده است، پس هرکس به هرچه به جای الله عبادت می‌شود کفر ورزد و از آن بی‌بزاری جوید، و فقط به الله ایمان آورد، به مستحکم‌ترین سبب دینی که برای نجات در روز قیامت هرگز گسسته نمی‌شود چنگ زده است، و الله سخنان بندگانش را می‌شنود، از اعمال‌شان آگاه است و آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- الله براساس علم و حکمت خویش میان رسولان و پیامبرانش ﷺ برتری قرار داده است.
- اثبات صفت کلام الله متعال بر اساس آنچه سزاوار شکوه اوست، و اینکه او با برخی از رسولانش مانند موسی التلییة و محمد ﷺ سخن گفته است.
- ایمان و هدایت و کفر و گمراهی، تمام اینها به اراده و تقدیر الله است؛ زیرا حکمت فراگیر از آن اوست و اگر بخواهد تمام مخلوقات را هدایت می کند.
- آیه الکرسی، بزرگترین آیه در کتاب الله است، چون شامل ربوبیت و الوهیت و اوصاف الله متعال است.
- پیروی از اسلام و ورود به آن، باید با رضایت و پذیرش قلبی باشد، زیرا هیچ اجباری در دین الله متعال نیست.
- چنگ زدن به کتاب الله و سنت رسولش، بزرگترین وسیله برای سعادت در دنیا و رستگاری در آخرت است.

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ
الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۵۷].

🕞 الله حامی کسانی است که به او ایمان آورده‌اند یعنی آنها را موفق و پیروز می‌گرداند و از تاریکی‌های کفر و نادانی به سوی نور ایمان و علم بیرون می‌آورد، و کسانی که کفر ورزیدند، حامی‌شان همانندها(یی که برای الله قرار دادند) و بت‌هاست، همان‌ها که کفر را بر آنها آراستند و از نور ایمان و علم، به سوی تاریکی‌های کفر و نادانی بیرون آوردند، آنها ساکنان آتش هستند که برای همیشه در آن می‌مانند.

الله هنگام بیان این دو گروه، دو مثال نیز آورد و فرمود:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي
يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ
المَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ المَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾
[البقرة: ۲۵۸].

🕞 - ای پیامبر - آیا از چیزی شگفت‌آورتر از گستاخی آن طاغوت که در ربوبیت و توحید الله با ابراهیم علیه السلام مجادله کرد خبر یافته‌ای، این امر به این سبب از او سر زد که الله پادشاهی بر او بخشیده بود و سرکشی کرد، پس ابراهیم علیه السلام صفات پروردگارش را این‌گونه برای او بیان کرد: پروردگار من ذاتی است که مخلوقات را زنده می‌گرداند و می‌میراند. آن طاغوت از روی دشمنی گفت: من نیز زنده می‌گردانم و می‌میرانم چنان‌که هرکس را بخواهم می‌کشم و هرکس را بخواهم می‌بخشم؛ آن‌گاه ابراهیم علیه السلام دلیل بزرگتری برایش آورد و به او گفت: همانا پروردگار من که او را می‌پرستم خورشید را از سمت مشرق بیرون می‌آورد، پس تو آن را از جهت مغرب درآور، آن‌گاه از آن طاغوت کاری برنیامد جز اینکه متحیر شد و بُرید، و در برابر دلیل قوی مغلوب شد، و الله ستمکاران را به دلیل ستم و طغیان‌شان، بر حرکت در راه خویش موفق نمی‌گرداند.

﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِئَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِئَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَى جَمْرِكَ وَاجْعَلْكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۵۹].

﴿۲۵۹﴾ یا آیا خبر نیافتی از آن کسی که از شهری که سقف‌هایش ریخته بود و دیوارهایش ویران شده بود و ساکنانش نابود شده بودند و ترسناک و خرابه باقی مانده بود، گذشت. با تعجب گفت: الله چگونه ساکنان این شهر را پس از مرگشان زنده می‌گرداند؟! آن‌گاه الله او را به مدت صد سال میراند، سپس او را زنده گردانید و از او پرسید: چند سال به صورت مرده بودی؟ در پاسخ گفت: به مدت یک روز یا بخشی از یک روز. به او فرمود: بلکه به مدت صد سال کامل به صورت مرده بودی، پس به غذا و نوشیدنی‌ای که همراه تو بود بنگر، که بر حالت اول خویش و بدون تغییر باقی است، در حالی که غذا و نوشیدنی، سریعتر از هر چیز دیگری تغییر می‌کنند، و به درازگوش مرده‌ات بنگر، و تو را برای مردم نشانهٔ روشنی برای دلالت بر قدرت الله در برانگیختن آنها قرار می‌دهیم، پس به استخوان‌های درازگوش که از هم پراکنده و دور شده‌اند بنگر که چگونه آنها را بالا می‌آوریم و به یکدیگر می‌چسبانیم، سپس گوشت بر آن پیوند می‌زنیم، و زندگی را به آن بازمی‌گردانیم، چون این رخداد را دید، حقیقت امر برایش آشکار شد و به قدرت الله پی برد، آن‌گاه برای اعتراف این امر گفت: می‌دانم که الله بر انجام هر امری تواناست.

برخی فواید آیات:

- از بزرگترین وجوه تمایز مؤمنان این است که بر خلاف کافران، در تمام امور دینی و دنیوی‌شان بر هدایت و بصیرتی از جانب الله متعال قرار دارند.
- از بزرگترین اسباب ستمکاری، مغرور شدن به زور و قدرت است تا آنجا که انسان از حقیقت حالش غافل می‌شود.
- مشروعیت مناظره با پیروان باطل برای بیان حقیقت و کشف انحراف آنها از هدایت.
- بزرگی قدرت الله متعال، چنان‌که هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌گرداند، از جمله زنده کردن مردگان.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أُولِمَ تُوْمِنَ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۰].

③ و- ای پیامبر- به یاد آور آن گاه که ابراهیم علیه السلام گفت: پروردگارا چگونه زنده کردن مردگان را به چشم من نشان بده؟! الله خطاب به او فرمود: آیا به این موضوع ایمان نیاورده‌ای؟ ابراهیم علیه السلام گفت: چرا ایمان آورده‌ام، اما می‌خواهم آرامش دلم بیشتر شود، آن گاه الله به او فرمان داد و فرمود: چهار پرنده بگیر، و آنها را با یکدیگر مخلوط و ریز ریز کن، سپس مقداری از آنها را بر روی هر یک از کوه‌های اطرافت قرار بده، و آنها را صدا بزنی، آن گاه درحالی که زندگی به آنها بازگشته است به سرعت به سوی تو می‌آیند. و ای ابراهیم علیه السلام بدان که الله در فرمانروایی خویش شکست ناپذیر است و در امر و شرع و آفرینش خویش بسیار داناست.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّمَّهٗ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۱].

④ مثال ثواب مؤمنان که اموال‌شان را در راه الله هزینه می‌کنند، مانند دانه‌ای است که کشاورز آن را در زمین پاکی می‌نشاند، سپس هفت خوشه می‌رویانند که در هر خوشه صد دانه است، و الله ثواب را برای هرکس از بندگان که بخواهد چندبرابر می‌کند، یعنی بدون محاسبه پاداش آنها را می‌دهد، و الله دارای فضل و بخشش گسترده است و می‌داند که چه کسی سزاوار است تا ثوابش چندبرابر شود.

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَتًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۲۶۲].

⑤ کسانی که اموال‌شان را در فرمان‌برداری و خشنودی الله می‌بخشند سپس بخشش خویش را با منت گفتاری و رفتاری، که پاداش انفاق را باطل می‌کند دنبال نمی‌کنند، پاداش آنها نزد پروردگارشان است، و به دلیل آسایش و نعمت‌های فراوانی که دارند، در هر آنچه که در آینده انجام خواهند داد بیمی بر آنها نیست و بر آنچه که قبلاً انجام داده‌اند اندوهگین نیستند.

﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۳].

﴿۲۶۳﴾ سخنی پسندیده که شادمانی را بر دل مؤمن می‌نشانند و بخشیدن کسی که به تو بدی کرده است؛ بهتر از صدقه‌ای است که با منت‌نهادن بر کسی که به او صدقه داده شده است آزاری به همراه دارد، و الله از بندگان بی‌نیاز است و بسیار بردبار است و در عذاب آنها تعجیل نمی‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۶۴].

﴿۲۶۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، پاداش صدقات‌تان را با منت بر کسی که به او صدقه داده شده است و آزار رساندن به او، فاسد نکنید، زیرا مثال کسی که چنین کاری کند مانند کسی است که مالش را به این هدف که مردم او را ببینند و ستایش کنند می‌بخشد، درحالی که کافر است و به الله و روز آخرت و پاداش و مجازات آن روز ایمان ندارد، پس مثال چنین شخصی، مانند سنگ صافی است که روی آن خاکی نشسته است، آن‌گاه باران شدیدی بر روی آن سنگ می‌بارد و خاک را از سنگ دور می‌سازد و آن را صاف و بدون اینکه چیزی بر رویش باشد می‌گذارد، ثواب اعمال و نفقات این ریاکاران نیز از بین می‌رود و ذره‌ای از آن نزد الله باقی نمی‌ماند، و الله کافران را به‌سوی آنچه که او تعالی را خشنود می‌سازد و در اعمال و نفقات آنها فایده می‌رساند هدایت نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- مراتب ایمان به الله و منازل یقین، متفاوت هستند و مرز مشخصی ندارند. هرچه بنده در آیات شرعی و کونیه الله متعال بیشتر توجه کند، بر ایمان و یقین او افزوده می‌شود.
- برانگیختن مخلوقات پس از مرگ‌شان توسط الله متعال، دلیل آشکاری بر قدرت و بزرگی کامل او سبحانه است.

- فضیلت انفاق در راه الله و بزرگی ثوابش؛ به این شرط که با نیتی خالص انجام گیرد و آزار و منتهی که عمل را باطل نکند به آن ملحق نشود.
- از بهترین اعمال انسان در برابر دیگران، خوش اخلاقی و خوش رفتاری و گذشت از بدکردار است.

﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ
يَرْبُوْنَ فِيهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۶۵].

﴿۲۶۵﴾ و مثال مؤمنان که اموالشان را برای طلب خشنودی الله و آسوده خاطر کردن خودشان با وفا به وعده الله و با رضایت، انفاق می کنند، مانند باغی است بر مکانی مرتفع و پاک قرار دارد، که باران شدیدی به آن برسد، آن گاه چند برابر میوه بدهد، و اگر باران شدیدی به آن نرسد، باران سبکی هم به آن برسد به دلیل پاکی زمینش کافی است، و همچنین است نفقات مخلصان که الله آن را می پذیرد و ثوابش را چند برابر می گرداند هر چند اندک باشد، و الله نسبت به اعمال شما بیناست، پس ذره ای از احوال مخلصان و ریاکاران بر او پوشیده نمی ماند و هر کدام را به آنچه که سزاوار است جزا خواهد داد.

در ادامه الله متعال برای به تصویر کشاندن حال کسی که مالش را برای ریا انفاق می کند مثالی آورده و می فرماید:

﴿أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ
فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ
فَأَحْرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾ [البقرة: ۲۶۶].

﴿۲۶۶﴾ آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که آبهای گوارا در میان آن جاری باشد، و در آن باغ از انواع میوه های پاک برایش باشد، و صاحب باغ چنان پیر و سالخورده شود که توانایی کار و کسب نداشته باشد، و فرزندی خردسال و ضعیف داشته باشد که نتواند کار کنند، آن گاه باد بسیار تندی که آتش شدیدی در آن وجود دارد به آن اصابت کند و تمام باغ را بسوزاند، درحالی که آن شخص به دلیل سالخوردگی خودش و ضعف فرزندان، بیشترین نیاز را به آن باغ دارد؟! حال کسی که مالش را انفاق می کند تا مردم ببینند مانند این مرد است؛ که در روز قیامت بدون نیکی ها نزد الله وارد می شود، در زمانی که بیشترین نیاز را به نیکی ها دارد. همانند این موضوع، الله آنچه را که در دنیا و آخرت به شما نفع می رساند بیان می کند باشد که در آن بیندیشید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [البقرة: ۲۶۷].

⑥ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، از مال حلال و پاکیزه ای که به دست آورده‌اید، و از گیاهان زمین که برای تان روپانده‌ایم انفاق کنید، و به دنبال مال ناپاک نروید که از آن انفاق کنید، و اگر به دلیل کراهتی که از آن دارید، به خودتان داده می‌شد آن را نمی‌گرفتید مگر با بی‌میلی و چشم‌پوشی؛ پس چگونه آنچه برای خود نمی‌پسندید برای الله می‌پسندید؟! و بدانید که الله از نفقات شما بی‌نیاز است، و در ذات و افعالش ستوده‌شده است. الله پس از اینکه مؤمنان را به انفاق پاکیزه فرمان داد، آنها را از نیرنگ و وسوسه های شیطان برحذر داشت و فرمود:

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۸].

⑦ شیطان شما را از تنگدستی می‌ترساند و بر بخل تشویق می‌کند، و شما را به ارتکاب گناهان و معاصی فرا می‌خواند، ولی الله آمرزش بزرگی برای گناهان تان و رزقی گسترده وعده می‌دهد، و الله دارای فضل گسترده، و از احوال بندگانش آگاه است.

﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [البقرة: ۲۶۹].

⑧ گفتار راست و عمل صحیح را به هر یک از بندگانش که بخواهد ارزانی می‌دارد و به هرکس چنین چیزی داده شود به‌طور قطع خیر فراوانی به او داده شده است و فقط صاحبان عقل کامل که از نور آن روشنایی می‌گیرند و به هدایتش رهنمون می‌شوند، از آیات الله پند و اندرز می‌گیرند.

برخی فواید آیات:

- مؤمنان واقعی به وعده‌ها و ثواب الله اطمینان دارند، زیرا اموال‌شان را بدون ترس و اندوه و بدون توجه به وسوسه‌های شیطان مانند ترساندن از تنگدستی و نیازمندی انفاق و بخشش می‌کنند.
- اخلاص، از بزرگترین مواردی است که باعث برکت و رشد اعمال می‌شود.
- زیان‌کارترین مردم کسی است که عملش را به مردم نشان می‌دهد؛ زیرا جز مدح و ستایش مردم، ثواب دیگری بر عملش مترتب نمی‌شود.

﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذْرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾
[البقرة: ۲۷۰].

﴿۷۶﴾ هر انفاقی کم یا زیاد که برای طلب خشنودی الله کرده‌اید، یا هر طاعتی که بدان مکلف نشده‌اید داوطلبانه برای الله انجام داده‌اید، الله از تمام آنها آگاه است و ذره‌ای از او تعالی از بین نمی‌رود و بهترین پاداش را در قبال آن به شما خواهد داد، و ستمکاران که آنچه را بر آنها واجب است را ادا نمی‌کنند و از حدود الله می‌گذرند، یاورانی ندارند که عذاب روز قیامت را از آنها دفع کنند.

﴿إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُم مِّنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [البقرة: ۲۷۱].

﴿۷۷﴾ اگر صدقه‌های مالی‌تان را که می‌بخشید آشکارا انجام دهید، صدقه خوبی است، و اگر آن را پنهانی به فقرا بپردازید برای‌تان بهتر از این است که آن را آشکارا انجام دهید؛ زیرا به اخلاص نزدیک‌تر است. و در صدقات مخلصان، پوشش و مغفرتی برای گناهان‌شان است، و الله نسبت به اعمال‌تان داناست و ذره‌ای از احوال شما بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿* لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُّوفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۲].

﴿۷۸﴾ - ای پیامبر - هدایت آنها برای قبول حق و گردن‌نهادن و واداشتن آنها به حق، بر عهده تو نیست، بلکه فقط راهنمایی آنها به سوی حق و شناساندن حق به آنها وظیفه تو است؛ زیرا توفیق و هدایت به حق، به دست الله است و او هرکس را بخواهد هدایت می‌کند. و هر خیری که انفاق کنید، نفع آن به خودتان بازمی‌گردد؛ زیرا الله از آن بی‌نیاز است و انفاق شما باید خالص برای الله باشد؛ زیرا مؤمنان حقیقی فقط برای طلب خشنودی الله انفاق می‌کنند، و هر خیری که انفاق کنید، کم باشد یا زیاد، ثوابش کامل و بدون کاستی به شما داده خواهد شد؛ زیرا الله بر هیچ‌کس ستم روا نمی‌دارد.

الله هنگامی که انفاق در راه خویش و فراخواندن مؤمنان به آن را ذکر فرمود، مصارفی را که در آن انفاق می‌کنند نیز برای‌شان تعیین می‌فرماید:

﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۷۳].

﴿۷۲﴾ صدقات را به فقرایی بپردازید که جهاد در راه الله آنها را از سفر برای طلب روزی بازداشته است، کسی که به دلیل خویشتننداری‌شان از گدایی، از حال آنها آگاه نباشد، آنها را ثروتمند می‌پندارد و کسی که از حال آنها آگاهی دارد، آنها را از نشانه‌های‌شان می‌شناسد، به دلیل نیاز آشکاری که در بدن‌ها و لباس‌های‌شان است. و یکی از صفات این افراد آن است که مانند سایر فقرا با اصرار از مردم گدایی نمی‌کنند. و هر مال یا چیز دیگری که انفاق کنید، الله آن را می‌داند و بهترین پاداش را به خاطر آن به شما خواهد داد.

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۴].

﴿۷۳﴾ کسانی که اموال‌شان را برای طلب خشنودی الله در شب و روز، پنهانی و آشکارا، بدون ریا و طلب شهرت انفاق می‌کنند، ثواب آنها در روز قیامت نزد پروردگارشان است، و به فضل و نعمت الله، در کارهایی که در آینده انجام خواهند داد ترسی بر آنها نیست و بر آنچه که از سهام دنیا که از دست داده‌اند اندوهگین نیستند.

برخی فواید آیات:

- اگر مؤمن در نفقات و صدقات خویش خالصانه عمل کند، ایرادی بر او نیست که طبق مصلحت، آنها را آشکار یا پنهان کند؛ هر چند پنهان کاری از این جهت که به اخلاص نزدیکتر است، مزد و ثواب بیشتری دارد.
- دعوت مؤمنان به توجه و التفات به نیازمندی که خویشتننداری، آنها را از اظهار حال‌شان و درخواست از مردم بازمی‌دارد.
- مشروعیت و ثواب زیاد انفاق در راه الله متعال در هر وقت و زمانی؛ زیرا الله مزد زیاد در دنیا و آخرت را در قبال آن وعده داده است.

الله متعال پس از تشویق بر انفاق در راه خویش که همکاری و ضمانت متقابل میان مسلمانان را به همراه دارد؛ از ضد آن که ربا است بر حذر داشته و می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۵].

﴿۷۶﴾ کسانی که به ربا معامله می‌کنند و آن را می‌گیرند، در روز قیامت از قبرهای شان بر نمی‌خیزند مگر مانند کسی که شیطان او را مَس کرده است؛ آشفته و حیران از قبرش برمی‌خیزد مانند کسی که بیماری صرع دارد و در نشست و برخاستش دستپاچه و آشفته است؛ این امر به سبب آن است که خوردن ربا را حلال دانستند و میان ربا و درآمدهای داد و ستد که الله آنها را حلال گردانیده است تفاوتی قائل نشدند، پس گفتند: همانا بیع در حلال بودن همانند رباست، یعنی هر دو به افزایش و رشد مال منجر می‌شود، الله قیاس آنها را مردود و باطل و تکذیب کرد و بیان کرد که او تعالی بیع را به دلیل فایده‌عام و خاصی که در آن وجود دارد حلال گردانیده است و ربا را به خاطر ستم و خوردن اموال مردم به باطل و بدون عوض حرام قرار داده است، پس هرکس پندی از جانب پروردگارش آمد که در آن نهی و تحذیر از ربا وجود داشت، و از آن بازایستاد و به درگاه الله توبه کرد، ربایی که قبلاً گرفته از آن اوست و گناهی در آن بر او نیست، و پس از آن، در آنچه آینده انجام خواهد داد به الله واگذار می‌شود، و هرکس پس از آن که نهی از جانب الله به او رسید و حجت بر او اقامه شد، به گرفتن ربا بازگردد، در حقیقت سزاوار ورود به آتش و جاودانگی در آن است. منظور از این جاودانگی در آتش، ماندن طولانی است؛ زیرا ماندن همیشگی در آتش فقط برای کافران است، اما پیروان توحید برای همیشه در آتش نمی‌مانند.

الله پس از بیان انفاق در راه او تعالی و گرفتن ربا، برای بیان تفاوت جزای این دو می‌فرماید:

﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾ [البقرة: ۲۷۶].

﴿۷۷﴾ الله، مال ربوی را نابود کرده و از بین می‌برد، چه به صورت حسی که آن را تلف می‌کند یا به نحو دیگری از بین می‌برد، یا به صورت معنوی که برکت را از آن برمی

دارد، و صدقات را با افزودن ثوابش، می‌افزاید و رشد می‌دهد، چنان‌که نیکی را به ده برابر تا هفتصد برابر آن و حتی تا چندین برابر آن می‌افزاید، و در اموال صدقه دهندگان برکات می‌اندازد. و الله هیچ کافر ستیزه‌جویی را که حرام را حلال می‌گرداند و در انجام معاصی و گناهان اصرار می‌ورزد دوست ندارد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۷].

﴿۷۷﴾ همانا کسانی‌که ایمان آوردند و از رسولش پیروی کردند و اعمال صالح انجام دادند و نماز را به صورت کامل همان‌گونه که الله حکم کرده است انجام دادند و زکات اموال‌شان را به مستحق آن پرداختند، ثواب آنها نزد پروردگارشان است، و در کارهایی که در آینده انجام خواهند داد ترسی بر آنها نیست و بر دنیا و نعمت‌هایش که از دست داده‌اند اندوهگین نیستند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [البقرة: ۲۷۸].

﴿۷۸﴾ ای کسانی‌که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، از الله بترسید به این ترتیب که اوامرش را اجرا و نواهی‌اش را ترک کنید، و آنچه از اموال ربوی که نزد مردم برای‌تان باقی مانده است را طلب نکنید، اگر واقعاً به الله و به فرمانش که شما را از ربا نهی کرده است، ایمان دارید.

﴿فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۷۹].

﴿۷۹﴾ پس اگر کاری که به آن فرمان یافته‌اید انجام ندادید، به جنگ با الله و رسولش علم و یقین داشته باشید، و اگر به‌سوی الله توبه و ربا را رها کردید، به اندازه‌ای از سرمایه‌تان که وام داده‌اید برای‌تان است، که در این صورت، با گرفتن زیاده بر سرمایه‌تان بر هیچ‌کس ستم نمی‌کنید و با کاستن از آن بر شما ستم نمی‌شود.

﴿وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۲۸۰].

﴿۸۰﴾ و اگر کسی که طلب خود را از او مطالبه می‌کنید چنان تنگدست است که قادر بر پرداخت بدهی‌اش نیست، مطالبه از او را به تأخیر اندازید تا مالی به دست آورد و

بتواند بدهی خویش را بپردازد، و اگر با مطالبه نکردن وام یا بخشیدن مقداری از آن بر او ببخشید، این کار برای تان بهتر است اگر از فضیلت آن نزد پروردگارتان آگاه باشید.

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾
[البقرة: ۲۸۱].

⊗ و از عذاب روزی بترسید که در آن روز همگی به سوی الله بازگردانده می شوید و در برابر او تعالی می ایستید، آن گاه هرکس جزای خیر یا شری را که کسب کرده است می گیرد، به گونه ای که نه با کاستن ثواب نیکی های شان و نه با افزوده شدن مجازات بدی های شان بر آنها ستم نمی شود.

برخی فواید آیات:

- یکی از بزرگترین گناهان کبیره، رباخواری است؛ به همین منظور، الله متعال رباخوار را به جنگ و نابودی در دنیا و حیرانی در آخرت تهدید کرده است.
- پایبندی به احکام شریعت در معاملات مالی، باعث برکت و رشد در مال می شود.
- فضیلت صبر در برابر تنگدست و تخفیف بر او با بخشیدن تمام یا بخشی از بدهی اش.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِن كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِن لَّمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَن تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَن تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَن تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِن تَفَعَّلُوا فإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَبِعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۸۲].

✳ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، هرگاه به وامی معامله کردید، یعنی که یکی از شما تا مدت مشخصی به دیگری وام داد، آن وام را بنویسید، و باید نویسنده‌ای به حق و انصاف و موافق با شرع میان شما بنویسد، و کاتب نباید از نوشتن صحیح وام که الله به او آموخته است خودداری کند، یعنی باید آنچه را که بدهکار املا می‌کند بنویسد، تا این امر اقراری از جانب او باشد، و باید از الله که پروردگار اوست بترسد و ذره‌ای از اندازه یا نوع یا کیفیت وام نگاهد، اگر کسی که حق بر عهده اوست نتوانست به درستی عمل کند، یا به سبب خردسالی یا دیوانگی ضعیف بود، یا لال و ... بود، قیّم او که از جانب او مسؤول است باید به حق و انصاف املا کند. و گواهی دو مرد عاقل و عادل را بطلبید، اگر دو مرد را نیافتید، یک مرد و دو زن را که دین و امانت‌شان مورد پسند شماست به گواهی بگیرید، تا اگر یکی از آن دو زن فراموش کرد، دیگری به یاد او آورد، و گواهان نباید هنگامی که گواهی بر وام از آنها طلب می‌شود خودداری کنند، و باید هنگامی که برای ادای گواهی فراخوانده می‌شوند گواهی دهند، و از نوشتن وام، کم باشد یا زیاد تا مدت مشخص آن، تنبلی نکنید، زیرا نوشتن بدهی، در شریعت الله عادلانه‌تر و برای اقامه و ادای گواهی مفیدتر است و تردید در نوع و مقدار و مدت وام را بهتر برطرف می‌سازد، مگر اینکه تجارتي میان شما منعقد شود که کالا

و بهای آن حاضر است؛ که در این حالت به دلیل عدم نیاز به نوشتن، گناهی بر شما نیست که ننویسید، و گواه گرفتن برای جلوگیری از اسباب نزاع، برای شما تشریح شده است و ضرر رساندن به نویسندگان و شهود جایز نیست و بر آنها نیز جایز نیست به کسانی که نوشتن یا شهادت آنها را می طلبند ضرر برسانند، و اگر ضرر رسانیدید، این کار خروج از طاعت الله به نافرمانی او تعالی است. و - ای مؤمنان - از الله بترسید، یعنی آنچه شما را به آن فرمان داده است اجرا کنید و از آنچه که شما را از آن نهی کرده است دست بکشید. و الله آنچه را که صلاح دنیا و آخرت شما در آن است به شما می آموزاند و الله به هر چیزی داناست و هیچ چیز بر او پنهان نمی ماند.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت ثبت وام و سایر معاملات مالی برای دفع اختلاف و تنازع.
- وجوب بیان مدت در تمام معاملات نسبه و انواع اجاره ها.
- ثبوت ولایت بر کسانی که به سبب ناتوانی یا کم عقلی یا خردسالی، ضعیف هستند.
- مشروعیت گواه گرفتن بر اقرار به دیون و حقوق.
- یکی از شروط نوشتن عادلانه این است که نویسنده، موضوع و الفاظ معتبر در هر معامله ای را طبق همان معامله به درستی بنویسد.
- ضرر رسانیدن به هیچ کس به سبب ثبت و نوشتن حقوق جایز نیست، نه از سوی صاحبان حقوق و نه از سوی نویسنده و گواه.

﴿ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴾ [البقرة: ۲۸۳].

﴿۲۸۳﴾ و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید که سند وام را برای تان بنویسد، کافی است کسی که حق بر عهده اوست رهنی را به صاحب حق تحویل دهد که ضمانتی برای حقش باشد تا زمانی که بدهکار بدهی‌اش را پرداخت کند، اگر یکی از شما به دیگری اعتماد کرد و نه نوشته‌ای گرفت و نه گواه گرفت و نه رهن، و در این صورت، بدهی، در عهده بدهکار امانت بود، باید آن را به طلبکارش بپردازد، و در این امانت از الله بترسد یعنی ذره‌ای از آن را انکار نکند، پس اگر انکار کرد، کسی که شاهد معامله بوده است باید شهادت دهد، و جایز نیست آن را کتمان کند، و هرکس آن را کتمان کند، دلی گناهکار دارد و الله اعمال شما را می‌بیند، چنان که ذره‌ای بر او پنهان نمی‌ماند و شما را در قبال اعمال تان جزا خواهد داد.

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴾ [البقرة: ۲۸۴].

﴿۲۸۴﴾ آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین وجود دارد، چه مخلوقات و چه پادشاهی و تدبیر، فقط از آن الله است، و اگر آنچه را در دل‌های تان است آشکار کنید یا پنهان دارید، الله آن را می‌داند و شما را در قبال آن محاسبه خواهد کرد، سپس براساس بخشش و رحمت خویش برای هرکس بخواهد می‌بخشد و از عدالت و حکمت خویش، هرکس را بخواهد عذاب می‌کند و الله بر هر چیزی تواناست.

﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴾ [البقرة: ۲۸۵].

﴿۲۸۵﴾ محمد ﷺ، رسول الله، به تمام آنچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورد و مؤمنان نیز ایمان آوردند، تمام آنها به الله ایمان آوردند و به تمام فرشتگان ایمان آوردند و به تمام کتاب‌های الله که بر پیامبران ﷺ نازل کرده و به تمام رسولانی که فرستاده است، ایمان آوردند؛ و با ایمان به آنها، گفتند: میان هیچ‌یک از رسولان الله تفاوت نمی‌گذاریم، و گفتند: آنچه که ما را به آن امر فرمودی و آنچه

که ما را از آن نهی فرمودی شنیدیم، و با انجام آنچه به آن امر فرمودی و ترک آنچه از آن نهی فرمودی از تو فرمان برداری کردیم، و از تو تقاضا داریم که پروردگارا، ما را بیمارز؛ زیرا بازگشت تمام امور ما، فقط به سوی توست.

﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [البقرة: ۲۸۶].

ﷻ الله هیچ کس را جز به اعمالی که در توانش است مکلف نمی کند؛ زیرا دین الله بر آسانی استوار است و مشقتی در آن نیست، پس هرکس خیری کسب کرده باشد، ثواب عملش بدون اینکه ذره‌ای از آن کاسته شود برای اوست، و هرکس بدی‌ای کسب کرده باشد، مجازات گناهی که کسب کرده برایش است و دیگری بار گناه او را به دوش نمی کشد. و رسولان و مؤمنان گفتند: پروردگارا اگر بدون قصد، در رفتار یا گفتار فراموش یا اشتباه کردیم، ما را مجازات نکن، پروردگارا ما را به آنچه بر ما دشوار است و توانش را نداریم مکلف نفرما، چنان که کسانی را که پیش از ما بودند مانند یهودیان، برای مجازات ستم‌شان، مکلف کردی، و اوامر و نواهی‌ای را که بر ما دشوار است و توانش را نداریم بر ما تحمیل نکن، و از گناهان مان درگذر، و ما را بیمارز، و به فضل خویش بر ما رحم فرما، که تو سرپرست و یاور ما هستی، پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

برخی فواید آیات:

- جواز دریافت رهن برای ضمانت حقوق در صورت عدم توانایی بر ثبت حق، مگر اینکه طرفین معامله به یکدیگر اعتماد کنند.
- حرمت کتمان شهادت و گناه کسی که آن را پنهان کرده و ادا نکند.
- علم و آگاهی کامل الله متعال بر مخلوقاتش، و قدرت کامل او برای محاسبه آنها در قبال اعمالی که انجام داده‌اند.
- در آیه فوق، ارکان و اصول ایمان بیان شده است.
- دین اسلام بر آسانی و رفع حرج و مشقت از بندگان استوار است، یعنی الله بندگان را به آنچه از توان‌شان خارج است مکلف نمی گرداند و در قبال آنچه توانش را ندارند بازخواست نمی کند.

سوره آل عمران

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

مراقبت بر اسلام پس از تکمیل و تبیین آن، و پاسخ به شبهات اهل کتاب، به خصوص نصاری.

تفسیر:

این سوره مدنی است و وجه تسمیه آن، بیان آل عمران در آیه ۳۳ است.

﴿الم﴾ [آل عمران: ۱].

﴿الم﴾ مانند این حرف مقطعه در ابتدای سوره بقره آمد. در حروف مقطعه به ناتوانی عرب از آوردن مانندی برای قرآن اشاره شده است درحالی که قرآن از مانند همین حروف که این سوره با آن آغاز شده است تشکیل یافته و آنها نیز کلامشان را از همین حروف می سازند.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾ [آل عمران: ۲].

﴿اللَّهُ﴾ همان یگانه معبود برحق است که شریکی در عبادت ندارد، زنده‌ای است که حیات کامل و بدون مرگ و نقصی دارد. پابرجایی است که به ذات خویش استوار است و از تمام مخلوقاتش بی نیاز است، و تمام مخلوقات قائم به او هستند؛ یعنی در تمام احوالشان به او نیازمند هستند.

﴿نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ [آل عمران: ۳].

﴿۳﴾ - ای پیامبر - الله قرآن را با اخبار راست و احکام عادلانه بر تو نازل کرد که موافق کتاب‌های پیش از خود است و تعارضی میان آنها نیست، و تورات را بر موسی عليه السلام و انجیل را بر عیسی عليه السلام فرو فرستاد،

﴿مِن قَبْلِ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ [آل عمران: ۴].

⑤ پیش از نزول قرآن بر تو، و تمام این کتاب‌های الهی، مایه هدایت و راهنمایی مردم به آنچه که صلاح دین و دنیای‌شان است می‌باشند، و فرقان را که با آن حق از باطل و هدایت از گمراهی شناخته می‌شود فرو فرستاد. برای کسانی که به آیات الله که بر تو فرو فرستاد کفر ورزیدند، عذاب سختی است. الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ چیز بر او چیره نمی‌شود و از کسی که رسولانش را تکذیب کند و با فرمانش مخالفت ورزد، انتقام می‌گیرد.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ [آل عمران: ۵].

⑥ همانا هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر الله پوشیده نمی‌ماند، و علم او تعالی به ظاهر و باطن تمام اشیا احاطه دارد.

﴿هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۶].

⑦ او ذاتی است که شما را به صورت‌های گوناگونی در شکم‌های مادران‌تان به هرگونه که بخواهد، مذکر یا مؤنث، زیبا یا زشت، سفید یا سیاه می‌آفریند، معبود بر حقی جز او نیست، شکست‌ناپذیری است که مغلوب نمی‌شود، و در آفرینش و تدبیر و حکمش بسیار داناست.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۷].

⑧ - ای پیامبر - او ذاتی است که قرآن را بر تو فرو فرستاد، که بخشی از آیاتش دلالت واضحی دارند و هیچ ابهامی در آنها نیست، آنها اصل و بخش بزرگ کتاب و هنگام اختلاف، مرجع هستند، و بخشی از آن، آیات دیگری است که بیش از یک معنا دارند و معنایش بر اکثر مردم پوشیده است، اما کسانی که دل‌هایشان از حق منحرف است، آیات محکم را رها می‌کنند و آیات متشابه را که بیش از یک معنا

دارد می‌گیرند؛ آنها با این کار، به دنبال شبهه‌افکنی و گمراه‌ساختن مردم و آیات متشابه بر اساس خواهشات نفسانی مذاهب فاسدشان هستند، درحالی‌که معانی حقیقی و تأویل این آیات را کسی جز الله نمی‌داند. و ثابت‌قدمان در علم که توانایی علمی کسب کرده‌اند می‌گویند: به تمام قرآن ایمان آوردیم؛ زیرا تمام آن از جانب پروردگاران است، و متشابه قرآن را با محکمت آن تفسیر می‌کنند. و فقط صاحبان عقل سلیم پند می‌گیرند و متذکر می‌شوند.

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾
[آل عمران: ۸].

۸ این ثابت‌قدمان می‌گویند: پروردگارا پس از اینکه ما را به سوی حق هدایت فرمودی، دل‌هایمان را از حق بازنگردان، و ما را از آنچه که منحرفان از حق به آن گرفتار شدند محافظت فرما، و رحمتی گسترده از جانب خویش که با آن دل‌هایمان را هدایت کنی بر ما ببخش، و ما را از گمراهی محافظت بفرما، که - پروردگارا - بسیار بخشنده و عطاکننده هستی.

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ [آل عمران: ۹].

۹ پروردگارا تو همه مردم را در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست، برای محاسبه آنها به سوی خویش گرد خواهی آورد، آن روز بدون شک می‌آید، - پروردگارا - به درستی که تو خلاف وعده نمی‌کنی.

برخی فواید آیات:

- الله با فرستادن رسولان ﷺ و کتاب‌هایی که به سوی حق هدایت می‌کنند و از باطل بازمی‌دارند، حجت را بر مردم اقامه کرده و عذر را از آنها برطرف ساخته است.
- علم و احاطه کامل الله متعال به مخلوقاتش؛ چنان‌که هیچ چیز، چه آشکار و چه نهان، نه در زمین و نه در آسمان، بر او پوشیده نمی‌ماند.
- یکی از اصول مومنان ثابت‌قدم در علم این است که آیات متشابه را با آیات محکم تفسیر می‌کنند.
- مشروعیت دعا و تقاضای پایداری بر حق و هدایت در کار از الله متعال، بخصوص هنگام بروز فتنه‌ها و شهوات.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۰].

﴿۱۰﴾ همانا کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیدند، اموال و فرزندانشان، عذاب الله را، نه در دنیا و نه در آخرت از آنها باز نمی‌دارد، و اینان هیزم جهنمی هستند که در روز قیامت با آن افروخته می‌شود.

﴿كَذَّابٌ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [آل عمران: ۱۱].

﴿۱۱﴾ کار این کافران، مانند کار خاندان فرعون و مردمان پیش از آنها است که به الله کفر ورزیدند و آیاتش را تکذیب کردند، آن‌گاه الله آنها را به سبب گناهان‌شان عذاب کرد، و نه اموال‌شان به آنها نفعی رساند و نه فرزندان‌شان؛ و الله برای کسی که به او کفر ورزد و آیاتش را تکذیب کند، سخت کیفر است.

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُخْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادِ﴾ [آل عمران: ۱۲].

﴿۱۲﴾ - ای رسول - به کسانی که با وجود اختلاف ادیان‌شان، کفر ورزیدند بگو: مؤمنان بر شما چیره خواهند شد و در حال کفر می‌میرید، و الله شما را در آتش جهنم جمع می‌کند و جهنم بستر بدی برای شماست.

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ [آل عمران: ۱۳].

﴿۱۳﴾ در رویارویی دو گروه که در روز بدر برای پیکار با هم روبرو شدند، راهنمایی و پندی برای شماست، یک گروه مؤمن بود که رسول الله ﷺ و اصحابش بودند و در راه الله می‌جنگیدند تا سخن الله برتر باشد و سخن کافران خوار و حقیر شود. و دیگری گروه کافر یعنی کافران مکه بودند که از روی فخر فروشی و ریا و تعصب خارج شدند، که مؤمنان در حقیقت آنها را به چشم دو برابر خود می‌دیدند، آن‌گاه الله دوستانش را یاری کرد و او تعالی هرکس را بخواهد با یاری خویش تقویت می‌کند؛ در این رخداد، پند و اندرز است برای صاحبان بصیرت، تا بدانند که پیروزی از آن پیروان ایمان است هر چند تعدادشان اندک باشد و شکست برای پیروان باطل است هر چند تعدادشان زیاد باشد.

﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ التَّسَاءِ وَالْبَيْنِ وَالْفَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾ [آل عمران: ۱۴].

④ الله متعال خبر می‌دهد که - برای آزمایش مردم - دوستی شهوات دنیوی را مانند زنان و فرزندان و اموال زیاد گردآوری شده از طلا و نقره و اسبان تربیت شده بسیار زیبا و حیوانات، شامل شتر و گاو و گوسفند و محصولات زمین، برای آنها آراسته است، اینها کالای زندگی دنیاست که مدتی از آن بهره‌مند می‌شوند سپس از بین می‌رود، پس شایسته نیست که مؤمن به آنها دل بندد، و بازگشت نیکو فقط نزد الله است، یعنی همان بهشتی که پهنای آن به وسعت آسمان‌ها و زمین است. چون شهوات دنیا، موقتی است، الله متعال اذهان را متوجه نعمتی بهتر می‌سازد و می‌فرماید:

﴿* قُلْ أَوْبَيْتُكُمْ بِحَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ۱۵].

⑤ - ای رسول - به آنها بگو: آیا شما را به چیزی بهتر از این شهوات باخبر سازم؟ برای کسانی که با انجام طاعت و ترک معصیت الله، تقوای او تعالی را پیشه کردند، بهشت‌هایی است که از زیر کاخ‌ها و درختانش، رودهایی جاری است، بدون اینکه مرگ یا زوالی داشته باشند، برای همیشه در آنها می‌مانند، و همسرانی پاکیزه از هر نوع بدی در خلقت و اخلاق در آنها برای‌شان است، و افزون بر این موارد، رضایت الله بر آنها است به‌گونه‌ای که هرگز بر آنها خشم نمی‌گیرد، و الله به احوال بندگانش بیناست، ذره‌ای از اعمال آنها بر او پوشیده نمی‌ماند و جزای اعمال‌شان را به آنها خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- غرور کافران به اموال و فرزندان‌شان، آنها را در روز قیامت از عذاب الله متعال نجات نمی‌دهد.

- در حقیقت، پیروزی تنها با تعداد و تجهیزات حاصل نمی‌شود، بلکه فقط به تأیید و یاری الله متعال است.
- الله متعال، انواع شهوات دنیا را برای مردم آراسته است تا آنها را بیازماید، و کسانی را که در برابر حدودش بازمی‌ایستند از کسانی که از آن تجاوز می‌کنند، معلوم کند.
- تمام نعمت‌ها و لذت‌های دنیا، اندک و نابودشدنی هستند، و با نعمت‌های بزرگ و جاودان آخرت قابل مقایسه نیستند.

﴿الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا أَمَتٌ فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَوَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۶].

این بهشتیان، همان کسانی هستند که هنگام دعا به درگاه پروردگارشان می گویند: پروردگارا، همانا ما به تو و به آنچه که بر رسولانت فرو فرستادی ایمان آوردیم و از شریعت تو پیروی کردیم؛ پس گناهی را که مرتکب شده ایم بیامرز و ما را از عذاب آتش دور گردان.

﴿الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسَّحَرِ﴾ [آل عمران: ۱۷].

آنها بر انجام طاعات و ترک بدیها و در برابر مصیبت‌هایی که به آنها می‌رسد شکیب و در اقوال و اعمالشان راستگو هستند، و به‌صورت کامل از الله اطاعت و اموالشان را در راه الله انفاق می‌کنند، و در پایان شب آمرزش می‌طلبند؛ زیرا دعا در این هنگام به اجابت نزدیک‌تر است و دل در شب از مشغله‌ها خالی است.

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۱۸].

الله با اقامه آیات شرعیه و کونیه که بر الوهیت او دلالت دارند گواهی می‌دهد که فقط او معبود بر حق است و فرشتگان بر این امر گواهی می‌دهند و علما با بیان توحید و دعوت به آن بر این امر شاهد هستند و بر بزرگترین امر گواهی داده شده که همان توحید الله و قیام او تعالی با عدالت در آفرینش و قوانین شریعت است گواهی می‌دهند، هیچ معبود برحق جز او نیست، او ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود و در آفرینش و تدبیر و تشریحش بسیار داناست.

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹].

در حقیقت، دین پسندیده نزد الله، اسلام است که عبارت است از: تنها از الله فرمان‌برداری کردن با طاعت و تسلیم‌شدن در برابر او در عبودیت؛ ایمان به تمام رسولان صلوات الله علیهم تا خاتم آنها محمد صلوات الله علیهم؛ کسی که الله رسالت‌ها را به او پایان داد، پس شریعتی جز شریعت او پذیرفته نمی‌شود. و یهودیان و نصاری در دین‌شان اختلاف

نکردند و در گروه‌ها و دسته‌ها پراکنده نشدند مگر به سبب حسادت و طمعی که بر دنیا داشتند پس از اینکه با علمی که نزدشان آمد حجت بر آنها اقامه شد. و هر کس به آیات الله که بر رسولش فرو فرستاده است کفر ورزد؛ همانا الله برای کسی که به او کفر ورزد و رسولانش را تکذیب کند، حسابرسی، سریع است.

﴿فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ۲۰].

① - ای رسول - اگر در حقیقتی که بر تو نازل شده است با تو جدل کردند، در پاسخ به آنها بگو: من و مؤمنانی که از من پیروی کردند، خود را به الله تسلیم نمودیم، و - ای رسول - به اهل کتاب و مشرکان بگو: آیا مخلصانه و با پیروی از آنچه آورده‌ام، به الله متعال اسلام آورده‌اید؟ پس اگر به الله اسلام آوردند و از شریعت تو پیروی کردند، به طور قطع راه هدایت را پیموده‌اند، و اگر از اسلام روی برگرداندند، چیزی بر عهده تو نیست جز اینکه آنچه را به آن رسالت یافته‌ای به آنها برسانی و سروکارشان با الله است، و او تعالی نسبت به بندگانش بیناست و هر کسی را به خاطر عملش جزا خواهد داد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [آل عمران: ۲۱].

② همانا کسانی که به حجت‌های الله که بر آنها فرو فرستاده است کفر می‌ورزند و پیامبران را صَلِّوا عَلَيْهِمُ را به ناحق و فقط از روی ستم و دشمنی می‌کشند، و امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکر را که به عدالت امر می‌کنند به قتل می‌رسانند، این کافران قاتل را به عذابی دردآور بشارت ده.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ [آل عمران: ۲۲].

③ اینان اعمال‌شان باطل شده است، چنان‌که نه در دنیا از آن بهره‌مند می‌شوند و نه در آخرت؛ زیرا به الله ایمان نیاوردند و یاورانی ندارند که عذاب را از آنها دور سازد.

برخی فواید آیات:

- ایمان به الله متعال و پیروی از رسالت رسول، بزرگترین عامل پوشاندن گناهان و محافظت از عذاب آتش است.
- الوهیت الله متعال بزرگترین گواهی و حقیقت است و به همین دلیل است که الله آن را برای خویش گواهی می‌دهد و فرشتگان و صاحبان دانش از میان مخلوقات نیز به آن گواهی می‌دهند.
- ستم و حسادت، از بزرگترین اسباب نزاع و انحراف از حق است.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [آل عمران: ۲۳].

⑫ - ای پیامبر - آیا به حال یهودیان که الله بهره‌ای از علم تورات و آنچه که بر نبوت تو دلالت دارد به آنها داد ننگریسته‌ای، که به بازگشت به کتاب الله تورات دعوت می‌شوند تا میان آنها در آنچه اختلاف دارند داور شود، آن‌گاه گروهی از علما و رؤسای‌شان با اعراض از حکم تورات که موافق شهودات‌شان نیست، روی برمی‌گردانند، درحالی‌که آنها - که مدعی پیروی از تورات هستند - سزاوارتر بود که سریعتر از سایر مردم تورات را داور قرار می‌دادند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن نَّمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [آل عمران: ۲۴].

⑬ این رویگردانی و اعراض از حق بدین سبب است که آنها ادعا می‌کردند در قیامت، آتش جز روزهای اندکی به آنها نخواهد رسید، پس این گمان که آن را براساس سخنان دروغ و باطل ساخته بودند آنها را فریفت و بر الله و دینش گستاخی کردند.

﴿فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۲۵].

⑭ پس حال و پشیمانی آنها چگونه است؟! بی‌نهایت بد و ناگوار خواهد بود، آن‌گاه که آنها را در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست یعنی روز قیامت، برای حسابرسی گرد آوریم و به هرکس جزای عملش به همان اندازه که سزاوارش است، بدون ستم با کاستن نیکی‌ها یا افزودن بدی‌ها، داده شود.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۲۶].

⑮ - ای رسول - برای ستایش و بزرگداشت پروردگارت بگو: بارالها تو مالک تمام فرمانروایی‌ها در دنیا و آخرت هستی، فرمانروایی را برای هر یک از مخلوقات بخواهی می‌دهی، و آن را از هرکس بخواهی بازمی‌ستانی، و به هر یک از آنها که بخواهی عزت می‌بخشی و هر یک از آنها را که بخواهی خوار می‌گردانی، تمام این

امور به حکمت و عدالت توست، و تمام خوبی ها فقط به دست توست و تو بر همه چیز توانایی.

﴿تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [آل عمران: ۲۷].

﴿۸۷﴾ از مظاهر قدرت تو این است که شب را در روز درمی آوری و زمان روز را طولانی می گردانی و روز را در شب درمی آوری و شب را طولانی می کنی، و زنده را از مرده بیرون می آوری، همانند بازیابی مؤمن از کافر، و کشت از دانه؛ و مرده را از زنده بیرون می آوری، مانند بازیابی کافر از مؤمن و تخم از مرغ؛ و برای هرکس بخواهی بدون محاسبه و شمارش، روزی فراوان می دهی.

﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ [آل عمران: ۲۸].

﴿۸۸﴾ - ای مؤمنان - کافران را به دوستی نگیرید چنان که به جای مؤمنان آنها را دوست داشته باشید و یاری رسانید، و هرکس چنین کند، به طور قطع از الله بیزارى جسته و الله از او بیزارى جسته است، مگر اینکه بر شما قدرت داشته باشند که از آنها بر خودتان بترسید، که در این صورت گناهی بر شما نیست که با اظهار نرمی در گفتار و رفتار، جلوی آزار آنها را بگیرید، به شرط آن که دشمنی با آنها را در دل داشته باشید، و الله شما را از خویشتن می ترساند، پس از او بترسید و با انجام گناهان، خودتان را در برابر خشم او قرار ندهید، و بازگشت بندگان در روز قیامت، فقط به سوی الله است تا آنها را در برابر اعمال شان جزا دهد.

﴿قُلْ إِنْ تُحِبُّوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْذَرُوهُ يُعَلِّمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۲۹].

﴿۸۹﴾ - ای پیامبر - بگو: اگر دوستی کافران را که الله شما را از آن نهی کرده است، پنهان دارید یا آن را آشکار کنید، الله آن را می داند و ذره ای بر او پوشیده نیست، و آنچه در آسمان ها و زمین وجود دارد را می داند و الله بر هر چیزی تواناست و هیچ چیز خارج از توان او نیست.

برخی فواید آیات:

- توفیق و هدایت از جانب الله متعال است، و علم - هر چند زیاد باشد و شخص به بالاترین مراتب علمی دست یافته باشد - اگر توفیق الله همراه آن نباشد، بهره‌ای به انسان نمی‌رساند.
- فرمانروایی از آن الله متعال است، پس او اعطاکننده و بازدارنده، عزت‌بخشنده و خوارکننده است و تمام خیر به دست اوست و تمام امور به او بازمی‌گردد، از هیچ‌کس جز او تقاضا نمی‌شود.
- خطر زیاد دوستی با کافران؛ زیرا الله متعال فاعل این کار را به بیزاری الله از او و محاسبه در روز قیامت تهدید کرده است.

﴿يَوْمَ نَجِدُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا
وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾ [آل عمران: ۳۰].

﴿۳۰﴾ در روز قیامت، هرکس با عملش روبرو می‌شود، اگر خیری انجام داده باشد که بدون کاستی به او داده می‌شود یا عمل بدی انجام داده باشد که آرزو می‌کند میان او و عمل بدش زمانی طولانی باشد، اما این آرزو چه سودی برایش دارد! و الله شما را از خود می‌ترساند، پس با ارتکاب گناهان، خودتان را در معرض خشم او قرار ندهید و الله نسبت به بندگان بسیار مهربان است و به همین دلیل، آنها را برحذر می‌دارد و می‌ترساند.

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ
غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۱].

﴿۳۱﴾ - ای رسول - بگو: اگر واقعاً الله را دوست دارید، آنچه را آورده‌ام در ظاهر و باطن پیروی کنید، تا به محبت الله دست یابید و گناهان‌تان را ببامرزد، و الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار بخشنده و مهربان است.

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۳۲].

﴿۳۲﴾ - ای رسول - بگو: با اجرای اوامر و پرهیز از نواهی، از الله و رسولش پیروی کنید؛ پس اگر از این کار روی گردانند، همانا الله کافران را که با فرمان او و رسولش مخالفت می‌کنند دوست ندارد.

﴿* إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۳۳].

﴿۳۳﴾ همانا الله آدم علیه السلام را برگزید به این ترتیب که فرشتگانش را در برابر او به سجده فرود آورد، و نوح علیه السلام را برگزید این‌گونه که او را به عنوان اولین رسول به‌سوی اهل زمین قرار داد؛ و خاندان ابراهیم علیه السلام را این‌گونه برگزید که نبوت را در میان فرزندان باقی گذاشت، و آل عمران را برگزید؛ تمام اینان را برگزید و بر مردم زمان شان برتری داد.

﴿ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۳۴].

﴿۳۴﴾ این پیامبران مذکور و فرزندان‌شان که از راه آنها پیروی کردند، همان نسلی هستند که بعضی از آنها از پی بعضی دیگر در توحید الله و اعمال صالح آمدند و

فضایل را از آنها به ارث بردند، و الله سخنان بندگان را می‌شنود و از اعمال آنها آگاه است؛ به همین دلیل، هر کدام از آنها را بخواهد برمی‌گزیند و هر کدام از آنها را بخواهد برتری می‌بخشد.

﴿إِذْ قَالَتْ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [آل عمران: ۳۵].

۳۵- ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که زن عمران، مادر مریم گفت: پروردگارا من بر خود واجب کرده‌ام حملی را که در شکم من است خالص برای خشنودی تو قرار دهم، از هر چیزی آزاد باشد تا برای تو و خانه‌ات خدمت کند، پس آن را از من بپذیر، که تو نسبت به دعای من بسیار شنوا و نسبت به نیت من بسیار دانا هستی.

﴿فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيدُهَا بِنِكَ وَدُرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ [آل عمران: ۳۶].

۳۶- آن‌گاه که زمان بارداری‌اش تمام شد و آنچه را در شکم داشت زایید، و برای عذرخواهی - چون امیدوار بود که حمل پسر باشد - گفت: پروردگارا من دختر زاده‌ام، و الله به آنچه زادم داناتر است، و پسر که او به آن امید بسته بود مانند دختر که به او بخشیده شده بود، در توان و خلقت نیست. و من آن را مریم نامیدم، و او و فرزندان را از شیطان رانده‌شده از رحمت تو، به تو پناه دادم.

﴿فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لِكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [آل عمران: ۳۷].

۳۷- الله نذرش را به نیکویی پذیرفت، و او را به نیکویی رشد داد، و دل‌های بندگان صالح خویش را به‌سوی او متمایل کرد، و کفالت آن را برای زکریا علیه السلام قرار داد. هرگاه زکریا علیه السلام وارد مکان عبادت می‌شد، رزقی پاک و مهیا نزد مریم می‌یافت و خطاب به او می‌گفت: ای مریم، این رزق از کجا برای تو آمده است؟ مریم این‌گونه پاسخ می‌داد: این روزی از جانب الله است، همانا الله برای هرکس بخواهد روزی گسترده بی‌شمار می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- بزرگی مقام الله و سختی عذاب او، عاقل را از مخالفت با امر او تعالی برحذر می دارد.
- اثبات محبت حقیقی به الله و رسولش با پیروی از امر و نهی شریعت محقق می شود، اما ادعای محبت بدون پیروی، هیچ سودی به شخص نمی‌رساند.
- الله متعال براساس حکمت و رحمت خویش کسانی از بندگانش را که بخواهد برمی‌گزیند و آنها را با نبوت و عبادت برتری می‌بخشد، و گاهی نشانه‌های خارق العاده‌ای به آنها اختصاص می‌دهد.

﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾
[آل عمران: ۳۸].

﴿۳۸﴾ زکریا علیه السلام، وقتی رزق الله متعال بر مریم دختر عمران را غیر معمول و بر خلاف سنت‌های مرسوم الله متعال در فرستادن رزق و روزی دید، آرزو کرد که الله فرزندی به او روزی دهد، درحالی‌که خودش کهنسال و زنش نازا بود، از این رو گفت: پروردگارا، فرزندی پاکیزه برایم ببخش، که تو دعای هرکس که تو را بخواند می‌شنوی و اجابت می‌کنی.

﴿فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۳۹].

﴿۳۹﴾ درحالی‌که در عبادتگاهش نماز می‌گزارد، فرشتگان این‌گونه بر او ندا زدند: همانا الله تو را به فرزندی که برایت متولد می‌شود و نامش یحیی است مژده می‌دهد، این فرزند تصدیق‌کننده سخن الله، یعنی عیسی علیه السلام پسر مریم - زیرا به صورتی ویژه و با سخنی از جانب الله آفریده شد - است و سرور قومش در علم و عبادت است، به منظور فارغ‌شدن برای عبادت پروردگارش، نفس خویش را از شهوات، از جمله نزدیکی با زنان باز می‌دارد و - نیز - پیامبری از صالحان است.

﴿قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾ [آل عمران: ۴۰].

﴿۴۰﴾ زکریا علیه السلام آنگاه که فرشتگان بشارت یحیی علیه السلام را به او دادند گفت: پروردگارا، پس از اینکه پیر شدم و زخم نازاست و بچه نمی‌زاید، چگونه فرزندی برایم خواهد بود! الله در پاسخ به سخن او فرمود: مثال آفرینش یحیی با وجود کهنسالی تو و نازایی همسرت، همانند آن است که الله بخواد آنچه را که مخالف عادت مرسوم است بیافریند؛ زیرا الله بر هر چیزی تواناست و از روی حکمت و علم خویش هرچه که بخواد انجام می‌دهد.

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾ [آل عمران: ۴۱].

﴿۴۱﴾ زکریا علیه السلام گفت: پروردگارا، نشانه‌ای برای بارداری همسرم از من، برایم قرار بده،

الله فرمود: نشانه‌ای که می‌خواهی این است که: سه شبانه‌روز نمی‌توانی با مردم سخن بگویی جز با اشاره و مانند آن، بدون اینکه عیبی بر تو وارد شود، پس ذکر و تسبیح الله را در آغاز و پایان روز بسیار به جای آور.

﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و - ای رسول - به یادآور آن‌گاه که فرشتگان خطاب به مریم گفتند: الله تو را با صفات پسندیده برگزیده و از کاستی‌ها پاک گردانده است و تو را بر زنان جهانیان زمانت برتری بخشیده است.

﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ﴾ [آل عمران: ۴۳].

﴿۴۳﴾ ای مریم، قیام نماز را طولانی گردان، و برای پرورگارت سجده بگذار، و همراه رکوع‌کنندگان از بندگان صالح او تعالی، برای او رکوع بگذار.

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾ [آل عمران: ۴۴].

﴿۴۴﴾ - ای رسول - این قصه زکریا عليه السلام و مریم، از اخبار غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم و نزد آن علما و صالحان نبودی آن‌گاه که با یکدیگر نزاع کردند در اینکه کدامیک برای تربیت مریم شایسته‌تر است، تا اینکه به قرعه روی آوردند و قلم‌های شان را افکندند و قلم زکریا پیروز شد.

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ [آل عمران: ۴۵].

﴿۴۵﴾ - ای رسول - به یادآور هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم، همانا الله فرزندی را که بدون پدر آفریده می‌شود و با سخنی از جانب الله است، به این ترتیب که به او می‌گوید: «باش» آن‌گاه به اذن الله فرزندی موجود می‌شود، به تو مژده می‌دهد، و نام این فرزند، عیسی مسیح عليه السلام پسر مریم است، که مقام بزرگی در دنیا و آخرت دارد و از مقربان به او تعالی است.

برخی فواید آیات:

- عنایت الله متعال به دوستانش؛ چنان که آنها را از بدی دور می‌دارد و دعای‌شان را اجابت می‌کند.
- فضیلت مریم که الله او را بر زنان دنیا برتری بخشید و از کاستی‌ها پاک کرد و مبارک قرار داد.
- هر اندازه که نعمت الله بر بنده بیشتر شود، شکرگزاری از او تعالی با قنوت و رکوع و سجود و سایر عبادات نیز بیشتر واجب می‌گردد.
- مشروعیت قرعه در آن دسته از دعاوی که هیچ گواه و قرینه‌ای برای حل اختلاف وجود ندارد.

﴿وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۴۶].

﴿۶۱﴾ و قبل از دوران سخن گفتن، درحالی که طفل خردسالی است، با مردم سخن می گوید، و در کهنسالی که توان و مردانگی اش از بین رفته است با آنها سخن می گوید، و آنها را به آنچه که صلاح کار دین و دنیای شان در آن است مورد خطاب قرار می دهد، و در گفتار و رفتار از صالحان است.

﴿قَالَتْ رَبِّ أَلَيْسَ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [آل عمران: ۴۷].

﴿۶۷﴾ مریم با تعجب گفت: چگونه فرزندی خواهم داشت درحالی که هیچ انسانی نه از طریق حلال و نه از طریق حرام تاکنون با من نزدیکی نکرده است؟! فرشته به او گفت: همان گونه که الله فرزندی بدون پدر برایت می آفریند، اگر بخواهد، آنچه را که مخالف عادت و معمول است می آفریند، یعنی وقتی چیزی را اراده کند، به آن می گوید: «باش»، آن گاه آن چیز موجود می شود، پس هیچ چیز از توان او خارج نیست.

﴿وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ﴾ [آل عمران: ۴۸].

﴿۶۸﴾ و نوشتن و درستی و توفیق در گفتار و رفتار را به او می آموزاند، و تورات را که بر موسی علیه السلام نازل کرد و انجیل را که بر او نازل خواهد کرد به او می آموزاند.

﴿وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْرِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَتَّبِعُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۴۹].

﴿۶۹﴾ و - نیز - او را رسولی به سوی بنی اسرائیل قرار می دهد، که به آنها می گوید: من فرستاده الله به سوی شما هستم، نشانه ای دال بر راستی نبوت خویش برای تان آورده ام و آن این است که: من از گل مانند شکل پرنده برای تان می سازم، سپس در آن می دمم آن گاه به اذن الله پرنده ای زنده می شود، و کور مادرزاد را شفا می دهم و بینا می گردد، بیمار مبتلا به پیسی را شفا می دهم و پوست او سالم می شود، و مرده را زنده می گردانم، تمام این امور به اذن الله انجام می گیرد، و از غذایی که به صورت پنهانی در خانه های تان می خورید و ذخیره می کنید به شما خبر می دهم، همانا در این امور بزرگی که برای تان بیان کردم و انسان قادر بر انجامش نیست؛

نشانه‌ای آشکار وجود دارد بر اینکه من فرستاده‌ای از جانب الله به‌سوی شما هستم، اگر خواهان ایمان هستید و دلایل روشن را می‌پذیرید.

﴿وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [آل عمران: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و - همچنین - نزد شما آمده‌ام تا تورات را که قبل از من نازل شده است تصدیق کنم، و برای آسان‌گیری و تخفیف بر شما، بعضی از آنچه را که از قبل برای‌تان حرام گردانیده شده است، حلال کنم، و دلیلی روشن برای صحت سخن خود شما برای‌تان آورده‌ام، پس از الله با اجرای اوامر و ترک نواهی‌اش بترسید و در آنچه شما را به آن دعوت می‌دهم از من اطاعت کنید.

﴿إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ [آل عمران: ۵۱].

﴿۵۱﴾ این امر بدان سبب است که الله پروردگار من و شماست، زیرا تنها او شایسته است که اطاعت گردد و تقوای او پیشه شود، پس فقط او را عبادت کنید، که این عبادت و تقوای الله که شما را به آن فرمان می‌دهم، همان راه راستی است که هیچ کجی و انحرافی ندارد.

﴿* فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۵۲].

﴿۵۲﴾ اما هنگامی که عیسی علیه السلام از اصرار آنها بر کفر آگاه شد، خطاب به بنی اسرائیل گفت: چه کسی مرا در دعوت به‌سوی الله یاری می‌کند؟ پیروان برگزیده و مخلص او گفتند: ما یاران دین الله هستیم، به الله ایمان آوردیم و از تو پیروی کردیم، و - ای عیسی - گواه باش که ما با توحید و طاعت الله، فرمان‌بردار او هستیم.

برخی فواید آیات:

- عزت و جایگاه والای نوشتن و خط؛ زیرا الله تعالی این دو را قبل از سایر موارد بیان فرمود.
- یکی از سنت‌های الله متعال این است که رسولانش را با آیاتی که بر راستگویی آنها دلالت دارد و انسان قادر بر انجام آنها نیست تقویت می‌کند.
- عیسی علیه السلام، تخفیف بر بنی اسرائیل را در آنچه که بر اساس بعضی احکام تورات بر آنها سخت گرفته شده بود آورد، و این امر بر وقوع نسخ میان شرایع دلالت دارد.

﴿رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [آل عمران: ۵۳].

﴿۵۳﴾ حواریون همچنین گفتند: پروردگارا! به انجیل که آن را فرو فرستادی ایمان آوردیم و از عیسی علیه السلام پیروی کردیم، پس ما را در زمره گواهان به حق، همان کسانی که به تو و رسولانت ایمان آوردند قرار ده.

﴿وَمَكْرُؤًا وَّمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۵۴].

﴿۵۴﴾ و کافران بنی اسرائیل مکر ورزیدند آن گاه که برای کشتن عیسی علیه السلام کوشیدند، اما الله مکرشان را به خودشان بازگرداند و آنها را در گمراهی شان رها کرد، و و مرد دیگری را شبیه عیسی درآورد و الله بهترین مکرزندگان است، و او شدیدترین مکر را در قبال دشمنانش به کار می گیرد.

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِنِّي فَاعِكُ إِلَيْكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَخُكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ [آل عمران: ۵۵].

﴿۵۵﴾ و - همچنین - الله بر آنها مکر زد آن گاه که خطاب به عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی، همانا من تو را بدون مرگ برمی گیرم و بدن و روح تو را به سوی خودم بالا می برم، و تو را از پلیدی کسانی که به تو کفر ورزیدند پاک می گردانم و تو را از آنها دور می سازم، و تا روز قیامت، کسانی را که تو را بر دین حق - که از جمله آن، ایمان به محمد صلی الله علیه و آله است - پیروی کردند، از نظر دلیل و قدرت، بالاتر از کسانی که به تو کفر ورزیدند قرار می دهم، سپس بازگشت شما در روز قیامت، فقط به سوی من است، آن گاه میان شما بر اساس حقیقتی که در آن اختلاف می کردید داوری می کنم.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّبْنَاهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ﴾ [آل عمران: ۵۶].

﴿۵۶﴾ اما کسانی را که به تو و به حقیقتی که برای شان آوردی کفر ورزیدند، به عذاب سختی در دنیا با کشتن و اسارت و خواری و دیگر عذابها، و در آخرت با آتش عذاب می دهم، و یاورانی ندارند تا عذاب را از آنها دور کنند.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ [آل عمران: ۵۷].

❶ اما کسانی که به تو و به حقیقتی که برای شان آوردی، ایمان آوردند و اعمال صالح مانند نماز و زکات و روزه و صلۀ رحم و انجام دادند؛ الله ثواب اعمال شان را بدون ذره‌ای کاستی می‌دهد. این حکم در مورد پیروی از مسیح قبل از بعثت پیامبر محمد ﷺ است و خود مسیح به محمد بشارت داد. الله ستمکاران را دوست ندارد، و بزرگترین ستم، شرک به الله متعال و تکذیب رسولانش است.

﴿ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ﴾ [آل عمران: ۵۸].

❷ این قصه عیسی ﷺ را که برایت حکایت می‌کنیم، از نشانه‌های روشنی است که بر صحت آنچه بر تو نازل شده است دلالت دارد و اندرزی است برای پرهیزگاران، و حکم استواری است که باطل در آن راه ندارد.

﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [آل عمران: ۵۹].

❸ همانا مثال آفرینش عیسی ﷺ نزد الله، مانند آفرینش آدم از خاک و بدون پدر و مادر است، و الله فقط به او گفت: بشری باش، بلافاصله همان‌گونه که الله اراده کرده بود وجود یافت، پس چگونه ادعا می‌کنند که عیسی ﷺ به این دلیل که بدون پدر آفریده شده است، معبود است، درحالی که اقرار می‌کنند آدم، بشر است، حال آنکه که بدون پدر و بدون مادر آفریده شده است؟!

﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ [آل عمران: ۶۰].

❹ در مورد عیسی ﷺ، سخن حق و بدون تردید، آن است که پروردگارت بر تو نازل کرد، پس از تردیدکنندگان و دودلان نباش، بلکه باید بر حقی که بر آن هستی پایداری ورزی.

﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ [آل عمران: ۶۱].

❺ پس - ای رسول - اگر کسانی از نصارای نجران، پس از آن که علم صحیح در مورد

عیسی علیه السلام برایت آمد، در مورد امر عیسی علیه السلام با تو مجادله کردند با این ادعا که او یکی از بندگان الله نیست، خطاب به آنها بگو: بیایید پسران ما و پسران شما و زنان ما و زنان شما و خود ما و خود شما را به حضور فراخوانیم و همگی مان جمع شویم، سپس با تضرع به درگاه الله دعا کنیم که لعنت خویش را بر دروغگویان از میان ما و شما فرو فرستد.

برخی فواید آیات:

- یکی از مظاهر کمال قدرت الله متعال این است که هرکس به دین و دوستانش مکر ورزد، مکرشان را به خودشان بازمی گرداند.
- اعتقاد صحیح و واجب در مورد عیسی علیه السلام، و بیان سازگاری آن با عقل، چون امر تازه‌ای در آفرینش نیست و آدم که بدون پدر و بدون مادر آفریده شده، شگفت‌آورتر است و همگی به انسان بودن او ایمان دارند.
- مشروعیت مباحله میان طرفین منازعه به نحوی که در آیه کریمه آمده است.

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصُّ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [آل عمران: ۶۲].

﴿۶۲﴾ قطعاً این ماجرای مربوط به عیسی علیه السلام که آن را برایت بیان کردیم، همان خبر حقی است که هیچ دروغ و تردیدی در آن راه ندارد، و هیچ معبود یگانه و برحق جز الله نیست، و همانا الله در ملک خویش شکست‌ناپذیر و در تدبیر و امر و خلق خویش بسیار داناست.

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ﴾ [آل عمران: ۶۳].

﴿۶۳﴾ پس اگر از آنچه که آورده‌ای روی گردانند، و از تو پیروی نکردند، این امر به سبب فساد آنها است، و الله نسبت به کسانی که در روی زمین فساد برپا می‌کنند داناست و آنها را به‌خاطر این کار مجازات خواهد کرد.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۶۴].

﴿۶۴﴾ - ای رسول - بگو: ای اهل کتاب، چه یهودیان و چه نصاری، بیایید بر سخن عدلی که همگی ما در آن یکسان هستیم جمع شویم و آن اینکه: فقط الله را عبادت کنیم و هیچ‌کس غیر او را هر چند مقام و جایگاه بالایی داشته باشد همراه او عبادت نکنیم، و برخی از ما برخی دیگر را اربابانی نگیرند که آنها را به‌جای الله عبادت و طاعت کنند، پس اگر از این حقیقت و سخن عدلی که آنها را به‌سوی آن فرامی‌خوانی روی برگردانند، پس - ای مؤمنان - به آنها بگوئید: گواه باشید که ما با طاعت، تسلیم و فرمان بردار الله هستیم.

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتِ التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [آل عمران: ۶۵].

﴿۶۵﴾ ای اهل کتاب، چرا در مورد آیین ابراهیم علیه السلام مجادله می‌کنید؟! چنان‌که یهودیان ادعا می‌کنند ابراهیم علیه السلام یهودی بود و نصرانی‌ها ادعا می‌کنند نصرانی بود، درحالی‌که شما می‌دانید یهودیت و نصرانیت پس از مدتی طولانی از مرگ ابراهیم علیه السلام ظهور یافت، پس آیا با عقل خویش، به بطلان سخن و خطای پندارتان پی نمی‌برید؟!

﴿هَآأَنْتُمْ هُوَآءَ حَآجَجْتُمْ فِيمَآ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُونَ فِيمَآ لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۶۶].

۱۶۱ هان - ای اهل کتاب - شما در موردی از امور دین تان و آنچه بر شما فرو فرستاده شده است با پیامبر مجادله کردید که نسبت به آن دانشی داشتید، پس چرا در مورد امر و دین ابراهیم علیه السلام که نسبت به آن دانشی ندارید و در کتاب های تان نیست و پیامبران تان آن را نیاورده اند، مجادله می کنید؟! در حالی که الله حقایق و باطن امور را می داند و شما نمی دانید.

﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [آل عمران: ۶۷].

۱۶۲ ابراهیم علیه السلام نه بر آیین یهودیت بود و نه بر آیین نصرانیت، بلکه از ادیان باطل رویگردان و فقط تسلیم الله متعال بود، و چنان که مشرکان عرب ادعا می کنند که بر آیین ابراهیم علیه السلام هستند، از مشرکان نیز نبود.

﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۶۸].

۱۶۳ همانا سزاوارترین مردم برای انتساب به ابراهیم علیه السلام، همان کسانی هستند که از آنچه در زمانش آورد پیروی کردند، و نیز سزاوارترین مردم به آن، این پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله است و کسانی از این امت که ایمان آوردند، و الله یاور و محافظ کسانی است که به او ایمان آوردند.

﴿وَدَّتْ طَآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ [آل عمران: ۶۹].

۱۶۴ - ای مؤمنان - علمایی از اهل کتاب چه یهودی و چه نصرانی آرزو می کنند که شما را از حقی که الله شما را به آن هدایت فرمود گمراه می کردند، اما جز خودشان را گمراه نمی کنند؛ زیرا کوشش آنها در گمراه ساختن مؤمنان، بر گمراهی خودشان می افزاید و سرانجام کارهای شان را نمی دانند.

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ﴾ [آل عمران: ۷۰].

ای اهل کتاب، یهود و نصاری، چرا به آیات الله و دلالت آنها بر نبوت محمد ﷺ، که بر شما نازل فرمود کفر می‌ورزید، درحالی که گواهی می‌دهید حقیقتی است که کتاب‌های‌تان بر آن دلالت دارند؟!

برخی فواید آیات:

- تمام رسالت‌های الهی بر این کلمه عدل و واحدی اتفاق دارند: یگانگی الله متعال و نهی از شرک.
- اهمیت علم به تاریخ؛ زیرا یکی از دلایل قوی برای پاسخ به ادعای پیروان باطل است.
- سزاوارترین مردم به ابراهیم عليه السلام، کسانی هستند که بر آیین و عقیده او باشند، اما مجرد ادعای انتساب به او، هیچ سودی نمی‌رساند.
- آیات بر اشتیاق کافران اهل کتاب بر گمراه‌ساختن مؤمنان این امت به سبب حسادت، دلالت دارند.

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۷۱].

❶ ای اهل کتاب چرا حقیقتی را که در کتاب‌های‌تان نازل شده است با باطلی از نزد خودتان درمی‌آمیزید، و حق و هدایتی را که در کتاب‌های‌تان است، از جمله صحت نبوت محمد ﷺ، پنهان می‌کنید، درحالی‌که حق را از باطل و هدایت را از گمراهی بازمی‌شناسید!؟

﴿وَقَالَتْ طَاقِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [آل عمران: ۷۲].

❷ گروهی از علمای یهود گفتند: در ظاهر به قرآنی که بر مؤمنان نازل شده است در اول روز ایمان بیاورید و آخر روز به آن کفر ورزید، شاید آنها به سبب کفر شما به آن، پس از اینکه ایمان آوردید، در دین‌شان تردید کنند، آن‌گاه از آن بازگردند و بگویند: آنها که به کتاب‌های‌الله داناتر هستند از آن بازگشته‌اند.

﴿وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۷۳].

❸ همچنین گفتند: و ایمان بیاورید و پیروی نکنید مگر از کسانی که پیرو دین شما باشند، - ای رسول - بگو: به راستی که هدایت به سوی حق، فقط هدایت‌الله متعال است، نه تکذیب و دشمنی‌ای که شما بر آن هستید، از ترس اینکه مبدا مثل فضیلتی که به شما داده شده است به کسی داده شود، یا ترس از اینکه مبدا نزد پروردگارتان در برابر شما استدلال کنند که به آنچه بر آنها نازل شده است اقرار کردید، - ای رسول - بگو: همانا فضیلت به دست‌الله است و آن را به هر کس از بندگان خواهد می‌دهد، فضل او به یک امت محدود نمی‌شود، و الله دارای فضل گسترده است و می‌داند که چه کسانی به آن سزاوار هستند.

﴿يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [آل عمران: ۷۴].

❹ رحمت خویش را به هر یک از مخلوقاتش که بخواهد اختصاص می‌دهد، چنان‌که با هدایت و نبوت و انواع دهش‌ها او را فضیلت می‌دهد و الله دارای بخششی بزرگ و

بی اندازه است.

﴿* وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَأَ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِمَّا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و از اهل کتاب، کسی هست که اگر او را بر مال زیادی امین شماری، آنچه را که به او امانت داده شده است به تو باز می گرداند، و از آنها کسی است که اگر او را بر مال اندکی امین شماری، آنچه را به او امانت داده شده است به تو باز نمی گرداند، مگر اینکه پیوسته بر مطالبه و درخواست از او اصرار کنی. این امر به سبب سخن و گمان فاسدشان است که: در مورد عرب و خوردن اموالشان، گناهی بر ما نیست؛ چون الله این کار را به ما اجازه داده است، این دروغ را می گویند در حالی که می دانند بر الله دروغ می بندند.

﴿بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۷۶].

﴿۷۶﴾ امر آن گونه که آنها گمان کردند نیست، بلکه بر آنها گناه است، اما هر کس به پیمان خویش با الله مبنی بر ایمان به او و رسولانش وفا کند و به پیمان خویش با مردم وفا کند و امانت را بازگرداند، و با اجرای اوامر و ترک نواهی الله از او بترسد؛ همانا الله پرهیزگاران را دوست دارد و در قبال این کار، گرامی ترین پاداش را به آنها خواهد داد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۷۷].

﴿۷۷﴾ همانا کسانی که سفارش الله به آنها را مبنی بر پیروی از آنچه که در کتابش نازل فرموده و رسولانش را با آن فرستاده است تبدیل کردند، و سوگندهای شان مبنی بر وفا به پیمان الله را شکستند، و آن را به بهای ناچیزی از متاع دنیا عوض کردند، سهمی از ثواب آخرت ندارند، و در روز قیامت الله به آنچه که آنها را شاد کند با آنها سخن نمی گوید، و از روی رحمت به آنها نمی نگرند، و عذاب دردآوری برای شان است.

برخی فواید آیات:

- برخی علمای اهل کتاب، به پیروان دین‌شان نیرنگ می‌زنند و حقیقتی را که کتاب‌های‌شان بر آن دلالت می‌کند و رسولان‌شان آن را آورده‌اند به آنها نمی‌گویند.
- یکی از روش‌های کفار، ورود به دین و ایجاد شک در آن از داخل است.
- الله تعالی است که بخشنده و احسان‌کننده است، براساس فضل خویش به هرکس بخواهد می‌بخشد و براساس عدالت و حکمت خویش، هرکس را بخواهد محروم می‌کند، و فضل او جز با طاعتش به دست نمی‌آید.
- هر عوضی در دنیا در برابر ایمان به الله و وفای به پیمان او تعالی - هر چند که بزرگ باشد -، نسبت به ثواب و منازل آخرت، اندک و ناچیز است.

﴿وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۷۸].

⊕ و گروهی از یهود هستند که زبان‌های‌شان را با بیان آنچه که از تورات نازل شده از سوی الله نیست می‌چرخانند، تا شما گمان کنید که آنها تورات می‌خوانند، درحالی‌که از تورات نیست، بلکه به الله دروغ و افترا می‌بندند و می‌گویند: آنچه می‌خوانیم از جانب الله نازل شده است، درحالی‌که از جانب الله نیست، و بر الله دروغ می‌بندند درحالی‌که از دروغ‌شان بر الله و رسولانش آگاه هستند.

﴿مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ [آل عمران: ۷۹].

⊕ برای هیچ بشری سزاوار نیست که الله کتابی نازل شده از جانب خود به او بدهد و علم و فهم به او روزی دهد و او را به عنوان پیامبر برگزیند، سپس او به مردم بگوید: به جای الله، عبادت کنندگان من باشید، بلکه باید به آنها بگوید: به این سبب که کتاب نازل شده را به مردم تعلیم می‌دادید و براساس حفظ و فهم آن را به مردم درس می‌دادید، علمای عامل و تربیت‌کننده برای مردم و اصلاح‌کننده امورشان باشید.

﴿وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۸۰].

⊕ و - همچنین - او را نسزد که به شما امر کند فرشتگان وپیامبران و پیامبران وپیامبران را اربابانی بگیرید که به جای الله آنها را عبادت کنید، آیا برای او جایز است پس از اینکه به او گردن نهاده‌اید و تسلیم او شدید، شما را به کفر به الله فرمان دهد؟!

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ [آل عمران: ۸۱].

⊕ - ای رسول - به یادآور آن‌گاه که الله پیمان محکم از انبیا گرفت و به آنها فرمود: هرگاه کتابی که بر شما نازل می‌کنم و حکمتی که آن را به شما می‌آموزانم به شما دادم، و یکی از شما به مکانت و جایگاهی رسید، سپس رسولی از جانب من

- یعنی محمد ﷺ - نزدتان آمد که کتاب و حکمتی را که با شماست تصدیق کرد؛ حتماً به آنچه آورده است ایمان بیاورید، و حتماً با پیروی از او، به او یاری رسانید، پس - ای پیامبران - آیا بر این امر اقرار دارید، و پیمان محکم من در این مورد را پذیرفتید؟ آن گاه پیامبران ﷺ پاسخ دادند: به آن اقرار کردیم، الله فرمود: بر خودتان و امت‌های‌تان گواهی دهید، و من نیز همراه شما از گواهان بر شما و آنها هستم.

﴿فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [آل عمران: ۸۲].

﴿۸۲﴾ پس هرکس بعد از این پیمان که با گواهی الله و رسولانش محکم شده، روی گرداند، آنها از دین و طاعت الله خارج هستند.

﴿أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ

يُرْجَعُونَ﴾ [آل عمران: ۸۳].

﴿۸۳﴾ آیا این خارج‌شدگان از دین و طاعت الله، غیر از دین الله که آن را برای بندگانش برگزید - یعنی اسلام - را طلب می‌کنند؟! درحالی‌که تمام مخلوقات آسمان‌ها و زمین، به دلخواه مانند مؤمنان، یا به اجبار مانند کافران، بر او سبحانه گردن نهاده‌اند و تسلیم او شده‌اند، سپس در روز قیامت تمام مخلوقات برای محاسبه و جزا به سوی او تعالی بازمی‌گردند.

برخی فواید آیات:

- گمراهی و مکر علمای یهود در تحریم کلام الله، و دروغگویی آنها به مردم از این جهت که سخن الله متعال را تغییر دادند.
- هرکس ادعا می‌کند که بر دین یکی از پیامبران الله است، تا زمانی که به محمد ﷺ ایمان نیاورده است، پیمان خویش با الله متعال را شکسته است.
- بالاترین مردم از نظر منزلت، علمای ربانی هستند که هم علم دارند و هم عمل و مردم را بر این اساس تربیت می‌کنند.
- بزرگترین گمراهی، رویگردانی از دین الله تعالی است که تمام مخلوقات نیکوکار و بدکردار تسلیم او هستند.

﴿قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالتَّيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نَفَرَقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ
لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۸۴].

۸۱- ای رسول - بگو: به الله به عنوان معبود ایمان آوردیم، و در آنچه که ما را به آن فرمان داده از او اطاعت کردیم، و به وحیی که آن را بر ما نازل فرموده، و به آنچه بر ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام و به آنچه بر پیامبران علیهم السلام از فرزندان یعقوب علیه السلام، و به کتابها و آیاتی که به موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و تمام پیامبران علیهم السلام از جانب پروردگارشان داده شده است، ایمان آوردیم، میان آنها تفاوت نمی‌گذاریم به این نحو که به برخی ایمان بیاوریم و به برخی دیگر کفر ورزیم، و ما فقط فرمان بردار و تسلیم الله متعال هستیم.

﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۸۵].

۸۵ و هرکس دینی غیر از اسلام که الله آن را برگزیده است بجوید؛ الله هرگز از او نمی‌پذیرد، و آنها در آخرت با ورود به آتش به خودشان زیان رسانده اند.

﴿كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ
الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [آل عمران: ۸۶].

۸۶ گروهی که پس ایمان آوردن به الله و گواهی دادن به حقانیت آنچه رسول، محمد صلی الله علیه و آله آورد، و دلایل آشکار بر صحت این امر برای‌شان آمد، کفر ورزیدند، الله چگونه آنها را برای ایمان به خود و رسولش توفیق می‌دهد؟! الله گروه ستمکار را که گمراهی را به جای هدایت برگزیدند، به ایمان به خود توفیق نمی‌دهد.

﴿أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [آل عمران: ۸۷].

۸۷ همانا جزای آن ستمکاران که باطل را برگزیدند این است که لعنت الله و فرشتگان و تمام مردم بر آنها است، پس آنها از رحمت الله دور و رانده هستند.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [آل عمران: ۸۸].

۸۸ در آتش جاودان هستند و از آن خارج نمی‌شوند، و عذابش از آنها کاسته نمی‌شود، و به آنها مهلت داده نمی‌شود تا توبه کنند و عذر بیاورند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۸۹].

۸۹ مگر کسانی که پس از کفر و ستم‌شان به سوی الله بازگشتند و عمل صالح انجام دادند؛ زیرا الله برای بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ اِزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ﴾ [آل عمران: ۹۰].

۹۰ همانا کسانی که پس از ایمان‌شان کفر ورزیدند، و تا زمان مرگ بر کفر خویش ادامه دادند؛ هنگام فرارسیدن مرگ توبه از آنها پذیرفته نمی‌شود چون زمان توبه گذشته است، و آنها هستند که راه مستقیم متصل به الله متعال را گم کرده‌اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ [آل عمران: ۹۱].

۹۱ همانا کسانی که کفر ورزیدند و بر کفرشان مردند؛ از هیچ‌یک از آنها طلا به مقدار وزن زمین پذیرفته نخواهد شد هر چند آن را در برابر آزادی خویش از آتش ارائه کنند، برای آنها عذابی دردآور است، و در روز قیامت یاورانی ندارند تا عذاب را از آنها دور سازد.

برخی فواید آیات:

- ایمان به تمام پیامبرانی که الله متعال آنها را فرستاده است و تمام کتاب‌هایی که بر آنها نازل کرده است، بدون اینکه میان آنها تفاوت گذاشته شود، واجب است.
- پس از بعثت پیامبر، محمد ﷺ، الله جز اسلام که محمد ﷺ آن را آورده است، هیچ دینی را از هیچ‌کس نمی‌پذیرد.
- هرکس بر گمراهی اصرار کند و به آن ادامه دهد، الله او را با عدم توفیق به توبه و هدایت مجازات می‌کند.
- در توبه تا زمانی که مرگ فرا نرسیده است، یا خورشید از مغرب طلوع نکرده است، به روی بنده باز است، اما در زمان‌های مذکور توبه پذیرفته نمی‌شود.
- در روز قیامت، فقط عمل صالح انسان، او را از عذاب آتش نجات می‌دهد، اما مال حتی اگر چنان زیاد باشد که زمین را پر بکند، ذره‌ای به او فایده نمی‌رساند.

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۹۲].

۳۲ - ای مؤمنان - هرگز به ثواب و منزلت نیکوکاران دست نمی‌یابید مگر زمانی که از اموال‌تان که دوست دارید در راه الله انفاق کنید، و هر انفاقی که کنید، کم باشد یا زیاد، همانا الله از نیات و اعمال شما آگاه است و هرکس را بر اساس عملش جزا می‌دهد.

﴿* كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأَتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [آل عمران: ۹۳].

۳۳ تمام غذاهای پاکیزه برای بنی اسرائیل حلال بود، و چیزی از آن برای‌شان حرام نشده بود مگر آنچه را که یعقوب علیه السلام قبل از نزول تورات بر خودش حرام کرده بود، نه چنان که یهود ادعا می‌کنند که آن تحریم در تورات بوده است، - ای پیامبر - به آنها بگو: اگر در این ادعا راست می‌گویید، پس تورات را بیاورید و آن را بخوانید، آن گاه مبهوت ماندند و آن را نیاوردند. این مثال، بر دروغ بستن بر تورات و تحریف مضمون آن توسط یهودیان دلالت می‌کند.

﴿فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [آل عمران: ۹۴].

۳۴ پس هرکس بعد از ظهور حجت بر الله دروغ ببندد، به اینکه آنچه را یعقوب علیه السلام بر خود حرام کرده بود، بدون تحریم از جانب الله بود؛ آنها با رهاکردن حق پس از ظهور حجتش بر خود ستم روا داشته‌اند.

﴿قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [آل عمران: ۹۵].

۳۵ - ای پیامبر - بگو: الله در آنچه که در مورد یعقوب علیه السلام خبر داده، و تمام آنچه که نازل فرموده و تشریح کرده است، راست گفت. پس از دین ابراهیم علیه السلام پیروی کنید، که به راستی از تمام ادیان به‌سوی دین اسلام گرویده بود، و غیر الله را هرگز با او شریک قرار نداده بود.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۶].

۳۶ همانا اولین خانه‌ای که در زمین برای تمام مردم به‌خاطر عبادت الله ساخته شد، بیت الله الحرام در مکه است، که خانه مبارکی است، و منافع دینی و دنیوی زیادی دارد و در آن هدایتی برای تمام جهانیان است.

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۹۷].

در این خانه، نشانه‌های آشکاری مانند مناسک و مشاعر، بر عزت و فضیلت آن وجود دارد، از جمله این نشانه‌ها، سنگی است که ابراهیم عليه السلام آن گاه که خواست دیوار کعبه را بالا ببرد بر روی آن ایستاد، و یکی دیگر از این نشانه‌ها، این است که هرکس در آن وارد شود، ترس از او برداشته می‌شود و آسیبی به او نمی‌رسد. و الله قصد این خانه برای ادای مناسک حج را بر مردمی که توانایی رسیدن به آن را دارند واجب گردانیده است، و هرکس به فریضه حج کفر ورزد، همانا الله از این کافر و از تمام جهانیان بی‌نیاز است.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ﴾ [آل عمران: ۹۸].

﴿۹۸﴾ - ای پیامبر - بگو: ای اهل کتاب، چه یهود و چه نصاری، چرا دلایل راستگویی پیامبر از جمله دلایلی را که تورات و انجیل آورده‌اند انکار می‌کنید؟! و الله بر این عمل شما آگاه است و آن را می‌بیند و به‌خاطر آن شما را مجازات می‌کند.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عَوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [آل عمران: ۹۹].

﴿۹۹﴾ - ای پیامبر - بگو: ای اهل کتاب یهود و نصاری، چرا مردمانی را که به دین الله ایمان می‌آورند از دین الله باز می‌دارید، برای دین الله، انحراف از حق به باطل و برای پیروانش، گمراهی از هدایت را می‌جوئید، درحالی‌که شما گواه هستید این دین، همان حقیقتی است که در کتاب‌های‌تان تصدیق شده است؟! و الله از کفری که به او می‌ورزید و اینکه از راهش باز می‌دارید غافل نیست و شما را به‌خاطر آن مجازات خواهد کرد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ ای کسانی‌که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، اگر گروهی از اهل کتاب از یهود و نصاری را در آنچه که می‌گویند پیروی کنید، و نظر آنها را در

آنچه که ادعا می‌کنند بپذیرید، به سبب حسادت و گمراهی از هدایت که به آن مبتلا هستند، شما را پس از ایمان به کفر باز می‌گردانند.

برخی فواید آیات:

- یهودیان بر الله متعال و پیامبرانش ﷺ دروغ بستند، از جمله اینکه ادعا کردند تحریم برخی غذاها توسط یعقوب علیّه، در تورات نازل شده است.
- بزرگترین و گرامی‌ترین مکان برای عبادت، بیت‌الحرام است، زیرا اولین خانه‌ای است که برای عبادت الله قرار داده شده و خصوصیت‌هایی دارد که دیگر اماکن ندارند.
- الله متعال برای تأکید بر وجوب حج، این حکم را با مؤکدترین الفاظ بیان فرمود.

﴿وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [آل عمران: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ و چگونه پس از اینکه به الله ایمان آوردید، به او کفر می‌ورزید، درحالی که بزرگترین سبب برای پایداری بر ایمان همراه شماست! زیرا آیات الله بر شما خوانده می‌شود، و رسولش محمد ﷺ آن را برای شما توضیح می‌دهد، و هرکس به کتاب الله و سنت رسولش چنگ بزند، همانا الله او را به راه راستی که هیچ کجی و انحرافی ندارد توفیق داده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، آن گونه که سزاوار ترسیدن است از پروردگارتان بترسید، و این امر با پیروی از اوامر او و اجتناب از نواهی‌اش و شکرگزاری بر نعمت‌هایش حاصل می‌شود، و به دین‌تان چنگ بزنید تا زمانی که مرگ شما را فراگیرد و شما بر آن باشید.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ و - ای مؤمنان - به قرآن و سنت چنگ زنید، و آنچه را که باعث پراکندگی شما می‌شود مرتکب نشوید، و به یاد آورید که الله بر شما نعمت بخشید آن گاه که قبل از اسلام با یکدیگر دشمن بودید و به کوچک‌ترین سبب با یکدیگر می‌جنگیدید، پس با اسلام دل‌های شما را با یکدیگر جمع کرد، آن گاه به فضل او، برادران دینی یکدیگر شدید، نسبت به یکدیگر مهربان و خیرخواه شدید، و قبل از آن، به سبب کفرتان، در آستانه ورود به آتش قرار داشتند. آن گاه الله با اسلام شما را از آتش نجات داد و شما را به ایمان هدایت فرمود. و همان گونه که الله این امر را برای شما بیان فرمود، آنچه را که سبب اصلاح احوال‌تان در دنیا و آخرت می‌شود برای‌تان بیان می‌کند، تا به راه راست هدایت شوید و راه استقامت و پایداری را بیمایید.

﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴].

① و - ای مؤمنان - باید گروهی از شما باشند که به هر خیری که الله دوست دارد دعوت دهند، به معروف که شریعت بر آن راهنمایی می‌کند و عقل آن را نیکو می‌داند امر کنند، و از منکر که شریعت از آن نهی کرده و عقل آن را قبیح می‌داند نهی کنند، رستگاران کامل در دنیا و آخرت هستند.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۰۵].

② و - ای مؤمنان - مانند اهل کتاب نباشید که پراکنده شدند و به احزاب و گروه‌ها تقسیم شدند، و پس از اینکه آیات روشن از جانب الله متعال برای‌شان آمد، در دین‌شان اختلاف ورزیدند، و برای آنها عذاب بزرگی از جانب الله است.

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۶].

③ این عذاب بزرگ در روز قیامت بر آنها واقع می‌شود، آن‌گاه که چهره‌های پیروان ایمان از شادی و رستگاری سفید می‌شود و چهره‌های کافران از اندوه و غم سیاه می‌شود، اما برای توبیخ کسانی که در آن روز بزرگ چهره‌های‌شان سیاه شده است به آنها گفته می‌شود: آیا به توحید الله و پیمان او که از شما گرفت مبنی بر اینکه هیچ چیز را با او شریک نگردانید، پس از آن که آن را تصدیق و به آن اقرار کردید، کفر ورزیدید؟! پس عذاب الله را که به سبب کفرتان برای شما آماده ساخته است بچشید.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۷].

④ اما جایگاه کسانی که چهره‌های‌شان سفید شده است، بهشت‌های جاویدان است که برای همیشه در آن می‌مانند، در نعمت‌هایی که هرگز از بین نمی‌روند و تبدیل نمی‌شوند.

﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ﴾ [آل عمران: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ - ای پیامبر - این آیات را که وعده‌ها و وعیده‌های الله را در بردارد، با اخبار صحیح و احکام عادلانه بر تو می‌خوانیم، و الله هیچ ستمی را برای هیچ‌یک از جهانیان نمی‌خواهد، بلکه هیچ‌کس را جز به سبب آنچه که کسب کرده است عذاب نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- پیروی از شهوات اهل کتاب، انسان را به سوی گمراهی و دوری از دین الله متعال می‌کشاند.
- چنگ‌زدن به قرآن و سنت و تمسک‌جستن به دستورات آن دو، بزرگترین وسیله برای پایداری بر حق، و محافظت از گمراهی و پراکندگی است.
- جدایی و اختلاف واقع در امت اسلام در مسائل اعتقادی، شبیه اهل کتاب است که بیان شد.
- وجوب امر به معروف و نهی از منکر؛ زیرا رستگاری امت و سبب تمایز آن را به همراه دارد.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ [آل عمران: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ و مالکیت تمام مخلوقات و اموری که در آسمان‌ها و زمین هستند، فقط برای الله متعال است، و سرانجام کار تمام مخلوقاتش به سوی او تعالی است، آن‌گاه هر یک از آنها را به همان اندازه که استحقاقش را دارد جزا می‌دهد.

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ - ای امت محمد - شما در ایمان و عمل، بهترین امتی هستید که الله برای مردم پدیدار کرد، و سودمندترین مردم نسبت به مردم هستید، که آنها را به کار معروف که شریعت به آن راهنمایی می‌کند و عقل آن را نیکو می‌داند امر می‌کنید، و از منکر که شریعت از آن نهی می‌کند و عقل آن را ناپسند می‌داند نهی می‌کنید، و به الله ایمان قطعی که عمل آن را تصدیق می‌کند دارید. و اگر اهل کتاب، چه یهود و چه نصاری به محمد ﷺ ایمان آورده بودند، به‌طور قطع برای دنیا و آخرت‌شان بهتر بود. شمار اندکی از اهل کتاب به آنچه محمد ﷺ آورده است ایمان می‌آورند و اکثر آنها از دین و شریعت الله خارج هستند.

﴿لَنْ يَصُرُّوكُمْ إِلَّا أَذَىٰ وَإِنْ يَقَاتِلُوكُمْ يُولُوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ و - ای مؤمنان - هر اندازه که با شما دشمنی داشته باشند، جز آزار زبانی مانند اینکه از دین شما عیب‌جویی کنند و شما را به مسخره بگیرند، هیچ آسیبی نمی‌توانند به دین و جان شما وارد کنند، و اگر با شما بجنگند، شکست‌خورده از مقابل شما فرار می‌کنند و هرگز به آنها یاری نمی‌شود.

﴿ضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ أَيَّنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاؤُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ یهودیان هر جا یافت شوند، خواری و حقارت آنها را احاطه کرده و دربرمی‌گیرد، چنان‌که جز به پیمان یا پناهی از جانب الله متعال یا از جانب مردم امنیت نمی‌

یابند، و به خشمی از الله بازآمدند و نیاز و بینوایی آنها را به صورت کامل دربرگرفته است، این امر بدان سبب است که به آیات الله کفر ورزیدند و پیامبرانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را از روی ستم به قتل رساندند، و - نیز - به این سبب که نافرمانی کردند و از حدود الله گذشتند.

الله پس از بیان حال بیشتر اهل کتاب، حال گروهی از آنها را بیان می‌فرماید که بر حق قرار دارند و آن را برپا می‌دارند:

﴿لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ اهل کتاب حالت یکسانی ندارند، بلکه گروهی از آنها بر دین الله قرار دارند، امر و نهی او را برپا می‌دارند و در لحظاتی از شب آیات الله را در نماز قرائت می‌کنند، این گروه، قبل از بعثت پیامبر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند و هر یک از آنها که اسلام را دریافته، مسلمان شده است.

﴿يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ به الله و روز آخرت ایمان قاطع دارند، به معروف و نیکی امر می‌کنند، و از منکر و بدی نهی می‌کنند، به انجام کارهای خیر مبادرت می‌ورزند، و زمان‌های طاعات را غنیمت می‌شمارند، آن دسته از بندگان الله که این صفات را دارند، نیات و اعمال شان اصلاح شده است.

﴿وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ اینها هر خیری که انجام دهند، کم باشد یا زیاد، ثواب آن هرگز تباه نخواهد شد، و از مزدش کاسته نخواهد گشت، و الله نسبت به پرهیزگاران داناست، آنها که اوامرش را اجرا و نواهی‌اش را ترک می‌کنند، ذره‌ای از اعمال آنها بر او پوشیده نمی‌ماند، و جزای اعمال‌شان را به آنها می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- بزرگترین وجه تمایز و برتری امت اسلام - پس از ایمان به الله - امر به معروف و نهی از منکر است.

- الله متعال، به سبب گناه و رویگردانی اهل کتاب از دین الله و وفا نکردن به پیمانی که از آنها گرفت، به خواری آنها فرمان داده است.
- اهل کتاب حالت یکسانی ندارند؛ زیرا برخی از آنها فرمان الله را اجرا و از دین او تعالی پیروی می کنند و در برابر حدودش بازمی ایستند، و اینان بزرگترین مزد و ثواب را دارند. این حالت به زمان قبل از بعثت پیامبر محمد ﷺ برمی گردد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ کسانی که به الله و رسولانش کفر ورزیدند، اموال و فرزندان شان ذره‌ای از عذاب الله از آنها دفع نمی‌کنند؛ عذاب او تعالی را از آنها باز نخواهند گرداند و رحمتش را برای آنها جلب نخواهند کرد، بلکه بر عذاب و افسوس‌شان خواهند افزود، و آنها ساکنان آتش هستند که در آن جاودان خواهند بود.

﴿مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ مثال آنچه این کافران در راه‌های خیر انفاق می‌کنند، و ثوابش که در انتظار آن هستند، مانند بادی دارای سرمای شدید است که به کشتزار مردمی که با انجام گناهان و غیر آن بر خود ستم کرده‌اند بوزد و آن را نابود سازد، درحالی‌که خیر زیادی از آن انتظار داشته‌اند، پس همان‌گونه که چنین بادی کشتزار را از بین می‌برد و کشتزار هیچ سودی نمی‌رساند، کفر نیز ثواب اعمال آنها را که به آن امید بسته بودند، از بین می‌برد، و الله بر آنها ستم نکرده است - الله برتر از آن است که ستم کند - بلکه آنها خود به سبب کفر به الله و تکذیب رسولانش، بر خویشان ستم روا داشتند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وُدُّوْا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [آل عمران: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، از غیر مؤمنان دوست و همراز نگیرید، که آنها را بر اسرار و احوال خصوصی خویش آگاه سازید، زیرا آنها در جستجوی رساندن آسیب به شما و فاسد کردن حال تان کوتاهی نمی‌ورزند، آنچه که به شما ضرر می‌رساند و شما را به سختی می‌اندازد آرزو می‌کنند، کراهیت و دشمنی با عیب‌جویی در دین‌تان، و بدگویی میان شما، و افشای اسرار تان، بر زبان‌های شان آشکار شده است، و نفرتی که دل‌های شان پنهان می‌دارد

بزرگتر است، - ای مؤمنان - دلایل روشن بر آنچه که مصالح دنیا و آخرت شما را تأمین می کند برای تان بیان کردیم، اگر در آنچه که پروردگارتان بر شما فرو فرستاد بیندیشید.

﴿هَآأَنْتُمْ أَوْلَآءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كَلِمَةٍ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِعَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [آل عمران: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ هان شما - ای مؤمنان - آن مردمان را دوست می دارید، و آرزوی خیر برای شان دارید، درحالی که آنها شما را دوست ندارند و برای تان آرزوی خیر نمی کنند، بلکه از شما کینه دارند، و شما به تمام کتابها از جمله کتابهای آنها ایمان دارید، اما آنها به کتابی که الله بر پیامبر شما فرو فرستاد ایمان ندارند، و هرگاه با شما دیدار کنند به زبان می گویند: تصدیق کردیم، اما هرگاه با یکدیگر خلوت کنند، به سبب اندوه و خشم از اتحاد و اجتماع کلمه و عزت اسلام که شما بر آن هستید و خواری خودشان، سر انگشتان شان را می گزند. - ای پیامبر - به آن مردم بگو: بر آنچه که هستید بمانید تا به سبب غم و خشم بمیرید، به راستی که الله از ایمان و کفر، و خیر و شری که در سینه هاست وجود دارد.

﴿إِن تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِن تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضْرِبْكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ [آل عمران: ۱۲۰].

﴿۱۲۰﴾ - ای مؤمنان - اگر نعمت پیروزی بر دشمن یا افزایش مال و فرزند به شما برسد، آنها دچار غم و اندوه می شوند، و اگر مصیبتی بر اثر پیروزی دشمن یا کاهش در مال و فرزند به شما برسد، به آن خرسند می گردند و شما را سرزنش می کنند، و اگر بر اوامر و مقدرات الله شکیبایی کنید و از خشم او تعالی بر خویشتن بترسید، مکر و آزار آنها زبانی به شما نمی رساند؛ زیرا الله بر نیرنگهای آنها احاطه دارد و نیرنگ های شان را درحالی که ناکام هستند به خودشان باز خواهد گرداند.

﴿وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ - ای پیامبر - به یادآور وقتی که در آغاز روز از مدینه برای پیکار با مشرکان در اُحد خارج شدی، آن گاه که مؤمنان را در مواضع خود در میدان نبرد قرار دادی، و

موضع هر یک از آنها را برایش مشخص کردی، و الله سخنان شما را می شنود و به اعمال شما داناست.

برخی فواید آیات:

- نهی مؤمنان از دوستی با کافران و انتخاب آنها به عنوان دوست و همراز که باعث می شود از احوال و اسرار مؤمنان آگاه شوند.
- یکی از انواع دشمنی کافران با مؤمنان این است که اگر مصیبت و نقصانی بر مؤمنان وارد شود شاد می شوند و اگر خیری به آنها برسد به خشم می آیند.
- جلوگیری از مکر و نیرنگ کافران، با شکیبایی و اظهارنکردن ترس؛ سپس تقوای الهی و به کارگیری اسباب قدرت و پیروزی.

﴿إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾
[آل عمران: ۱۲۲].

۱۲۲- ای پیامبر - به یادآور آنچه را که برای دو گروه از مؤمنان بنی سلیمه و بنی حارثه رخ داد، آن گاه که سست شدند، و تصمیم گرفتند هنگام بازگشت منافقان، بازگردند، و الله اینها را با پایدارساختن بر پیکار و بازگرداندن از آنچه بر انجامش تصمیم گرفته بودند، یاری رساند و مؤمنان باید در تمام احوالشان فقط بر الله تکیه کنند.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۲۳].

۱۲۳- و به طور قطع الله در کارزار بدر شما را بر مشرکان پیروز گرداند، درحالی که به سبب کمبود افراد و ساز و برگ جنگی ضعیف بودید، پس از الله بترسید باشد که شکر نعمت‌هایی را که بر شما ارزانی داشت به جای آورید.

﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾ [آل عمران: ۱۲۴].

۱۲۴- ای پیامبر - به یادآور آن گاه که برای پایدارساختن مؤمنان در کارزار بدر پس از اینکه شنیدند نیروی کمکی برای مشرکان در راه است، به آنها گفتم: آیا برای شما کافی نخواهد بود اگر الله با سه هزار فرشته فرودآمده از جانب او سبحانه شما را برای تقویت در کارزار یاری کند؟!

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ [آل عمران: ۱۲۵].

۱۲۵- آری، همانا این امر برای‌تان بس است. و بشارتی برای یاری دیگری از جانب الله برای‌تان است: اگر در کارزار شکیبایی کنید، و از الله پروا دارید، درحالی که نیروی کمکی برای دشمن بیاید و بی‌درنگ بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته که خودشان و اسب‌های‌شان با علامت مشخص، نشانه‌دار هستند یاری خواهد رساند.

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [آل عمران: ۱۲۶].

۱۲۶- و الله این یاری و امداد با فرشتگان را فقط به عنوان خبری شادی آور برای‌تان قرار داد، تا دل‌های‌تان به آن آرام گیرد، وگرنه، پیروزی حقیقی فقط با این اسباب

ظاهری به دست نمی‌آید، بلکه پیروزی حقیقی از جانب الله شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در تقدیر و تشریح خویش بسیار داناست.

﴿لِيَقْطَعَ ظَرْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَبَتُهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ﴾ [آل عمران: ۱۲۷].

۱۲۷) الله با این پیروزی که در غزوه بدر برای تان به وقوع پیوست، خواست که گروهی از کافران را با قتل نابود کند، و گروهی دیگر را خوار گرداند و با شکست آنها را خشمگین سازد، تا اینکه با زبونی و خواری بازگردند.

﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۲۸].

۱۲۸) آن‌گاه که رسول ﷺ، دعا کرد رؤسای مشرکان نابود شوند پس از کاری که در اُحد انجام دادند، الله خطاب به او فرمود: ذره‌ای از کار آنها در اختیار تو نیست، بلکه امر در اختیار الله است، پس صبر کن تا اینکه الله میان شما داوری کند، که یا توفیق توبه به آنها دهد و اسلام آورند، یا بر کفر خویش ادامه دهند و الله آنها را عذاب کند؛ زیرا در این صورت، ستمکار و سزاوار عذاب هستند.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۲۹].

۱۲۹) تمام مخلوقات و تدابیری که در آسمان‌ها و در زمین وجود دارد از آن الله است، براساس رحمت خویش، گناهان هر یک از بندگان را بخواهد می‌آمرزد، و از روی عدل خویش، هر یک از آنها را بخواهد عذاب می‌کند، و الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۰].

۱۳۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، از گرفتن ربا به این نحو که چندین برابر سرمایه‌تان را که به قرض داده‌اید بگیرید، آن‌گونه که مردم جاهلیت انجام می‌دادند، بپرهیزید، و تقوای الهی را با اجرای اوامر و ترک نواهی‌اش پیشه کنید، باشد که به خیر دنیا و آخرت که آن را می‌جوئید برسید.

﴿وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۱].

﴿۱۳۱﴾ و با انجام اعمال صالح و ترک محرمات، میان خودتان و آتشی که الله آن را برای کافران آماده کرده است سپری قرار دهید.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۳۲].

﴿۱۳۲﴾ و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی، از الله و رسولش فرمان برداری کنید، باشد که به رحمت دنیا و آخرت دست یابید.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت یادآوری نعمتها و کیفیهای که بر مردم نازل می شود تا شخص از آنها پند و عبرت بگیرد.
- از بزرگترین اسباب نزول یاری و رحمت و لطف الله بر بندگانش: پایبندی به تقوی و شکیبایی بر سختی های کارزار است.
- تمام امور، از آن الله متعال است، به آنچه بخواهد حکم می کند و آنچه را اراده کند انجام می دهد. مؤمن حقیقی، به امر الله متعال گردن می نهد و از حکمش فرمان برداری می کند.
- گناهان - از جمله ربا- از بزرگترین اسباب خواری بنده، به خصوص در مواضع سخت و دشوار هستند.
- قرار گرفتن نهی از ربا در میان آیات غزوه احد، شمول و به هم پیوستگی احکام اسلام را می رساند، به گونه ای که در میان سخن از یک حکم به حکمی دیگر اشاره می کند.

﴿* وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴾ [آل عمران: ۱۳۳].

﴿۱۳۳﴾ و بر انجام کارهای خیر و تقرب به الله با انواع طاعات، مبادرت ورزید و پیشی بگیرید، تا به آمرزشی بزرگ از جانب الله دست یابید، و به بهشتی که پهنای آن به گستردگی آسمان‌ها و زمین است و الله آن را برای بندگان پرهیزگارش آماده ساخته است، وارد شوید.

﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾ [آل عمران: ۱۳۴].

﴿۱۳۴﴾ پرهیزگاران همان کسانی هستند که اموال‌شان را در گشایش و تنگدستی در راه الله می‌بخشند، و با وجود قدرت بر انتقام، خشم خویش را فرومی‌خورند، و از کسانی که بر آنها ستم روا دارند درمی‌گذرند، و الله نیکوکارانی را که دارای این اخلاق هستند دوست دارد.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ فَعَسَىٰ أَلَّا اللَّهُ وَلَمْ يَصِرُوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴾ [آل عمران: ۱۳۵].

﴿۱۳۵﴾ و آنها کسانی هستند که هرگاه گناه کبیره‌ای مرتکب شوند، یا بهره‌شان را با ارتکاب گناهان صغیره دچار نقصان کنند، الله متعال را یاد می‌کنند و تهدیدهای او تعالی به گناهکاران و وعده‌های او به مؤمنان را به یاد می‌آورند، آن‌گاه با پشیمانی، از پروردگارش تقاضا می‌کنند که گناهان‌شان را ببوشاند و آنها را به سبب گناهان مؤاخذه نکند؛ زیرا فقط الله است که گناهان را می‌بخشد، و بر گناهان‌شان اصرار نمی‌ورزند، درحالی که می‌دانند گناهکار هستند، و الله تمام گناهان را می‌بخشد.

﴿أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴾ [آل عمران: ۱۳۶].

﴿۱۳۶﴾ آنها که دارای این صفات نیکو و خصلت‌های بسیار خوب هستند، ثواب‌شان این است که الله گناهان‌شان را می‌بوشاند، و از آن درمی‌گذرد، و در آخرت، بهشت‌هایی برای آنها است که از زیر کاخ‌های رودها جاری است، و برای همیشه در آن می‌مانند، و چه پاداش نیکی است برای کسانی که طاعت الله را به جای می‌آورند.

﴿قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۷].

﴿۱۳۷﴾ آن گاه که مؤمنان در روز احد آسیب دیدند، الله برای تسلی بخشیدن به آنها فرمود: قبل از شما، سنت‌های الهی در نابودسازی کافران سپری شده و سرانجام را برای مؤمنان قرار داده است پس از اینکه آسیب دیدند، پس در زمین بگردید و با پند و عبرت‌گیری ببینید که سرانجام تکذیب‌کنندگان الله و رسولانش چه بوده است، که خانه‌های‌شان نابود شد و ملک‌شان از بین رفت.

﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۸].

﴿۱۳۸﴾ این قرآن کریم، برای تمام مردم، حق را بیان می‌کند و از باطل بازمی‌دارد، و به سوی هدایت راهنمایی می‌کند و مؤمنان را بازمی‌دارد؛ زیرا آنها از هدایت و راهنمایی موجود در قرآن بهره می‌برند.

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۹].

﴿۱۳۹﴾ - ای مؤمنان - به سبب آسیبی که در روز احد به شما رسید سست نشوید و اندوه ندارید؛ این کار برای شما شایسته نیست، زیرا به سبب ایمان‌تان، و به سبب یاری الله و امیدواری به پیروزی او، برتر هستید، اگر به الله و وعده‌های او برای بندگان پرهیزگارش ایمان دارید.

﴿إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۰].

﴿۱۴۰﴾ - ای مؤمنان - اگر در روز احد مجروح و کشته شدید، کافران نیز مانند جراحات و قتلی که به شما رسید گرفتار شده‌اند، و الله به سبب حکمت‌های فراگیرش، این روزها را میان مردم مؤمن و کافر به پیروزی و شکستی که بخواهد به نوبت می‌گرداند؛ از جمله حکمت‌های او تعالی این موارد است که: مؤمنان حقیقی را از منافقان متمایز سازد، و هرکس را می‌خواهد با شهادت در راه خویش گرامی دارد، و الله کسانی را که با ترک جهاد در راه او، بر خویش ستم کردند دوست ندارد.

برخی فواید آیات:

- تشویق بر انجام سریع اعمال صالح، به منظور غنیمت شمردن وقت، و مبادرت به طاعات قبل از اینکه از دست بروند.
- از صفات پرهیزگاران که سزاوار ورود به بهشت هستند: انفاق در تمام شرایط، فروخوردن خشم، گذشت از مردم و نیکی به آنها است.
- نظر در احوال امت‌های پیشین، از بزرگترین اسباب عبرت و پندگیری برای کسی است که بیندیشد.

﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۱].

﴿۱۴۱﴾ یکی از این حکمت‌ها، تزکیه مؤمنان از گناهان‌شان، و جداساختن صف آنها از صف منافقان است و به این هدف کافران را نابود کند و از بین ببرد.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۲].

﴿۱۴۲﴾ - ای مؤمنان - آیا گمان کردید که بدون آزمایش و صبری که مجاهدان حقیقی در راه الله و شکیبایان بر مصیبتی که بر آنها وارد شده است را متمایز می‌سازد، وارد بهشت می‌شوید؟!

﴿وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۴۳].

﴿۱۴۳﴾ - ای مؤمنان - شما رویارویی با کافران را آرزو می‌کردید تا به شهادت در راه الله دست یابید، همان‌گونه که برادران‌تان در روز بدر، قبل از اینکه با اسباب و دشواری مرگ روبرو شوند به آن رسیدند، پس هان در روز احد آنچه را که آرزو می‌کردید دیدید و آشکارا به آن می‌نگریستید.

آن‌گاه که در روز احد میان مردم شایع شد پیامبر به قتل رسیده است، الله برای سرزنش مؤمنانی که به سبب این شایعه از پیکار دست کشیده بودند آیه نازل کرد و فرمود:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۴].

﴿۱۴۴﴾ و محمد ﷺ جز رسولی از جنس رسولان الله که پیش از او بودند و مردند یا کشته شدند نیست، آیا اگر بمیرد یا کشته شود، از دین‌تان باز می‌گردید، و جهاد را رها می‌کنید؟! و هر یک از شما که از دینش برگردد، ذره‌ای به الله زیان نمی‌رساند؛ زیرا او تعالی توانا و شکست‌ناپذیر است، بلکه فقط به خودش زیان می‌رساند چون با این کار خودش را در زیان دنیا و آخرت انداخته است، و الله به کسانی که از او شکرگزاری کنند، بهترین پاداش را در برابر پایداری بر دینش و جهاد در راه حق می‌دهد.

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَجِّزَى الشَّاكِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۵].

﴿۱۴۵﴾ هیچ نفسی نمی‌میرد مگر به حکم الله، پس از اینکه مدتی را که الله برای او نوشته و آن مدت را طول عمر او قرار داده است، بدون هیچ زیاده و کاستی‌ای سپری کند. و هرکس در قبال عمل خویش ثواب دنیا را بخواهد، به همان اندازه که از دنیا برایش مقدر شده است می‌دهیم، و سهمی برای او در آخرت نیست، و هر کس در قبال عمل خویش، ثواب الله در آخرت را بخواهد، ثواب آخرت را به او می‌بخشیم، و به کسانی که از پروردگارشان شکرگزاری کنند پاداش بزرگی خواهیم داد.

﴿وَكَايِنٍ مِّن تَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۶].

﴿۱۴۶﴾ و چه بسیار پیامبران الله که گروه‌هایی از پیروان زیاد او در کنارش پیکار کردند، و هنگامی که قتل یا جراحت در راه الله بر آنها وارد شد، نترسیدند، و از جنگ با دشمن سست نشدند، و در برابر دشمن زانوی تسلیم به زمین نزدند، بلکه شکیبایی و پایداری ورزیدند، و الله کسانی را که در برابر دشواری‌ها و فریب‌دهنده‌های آن در راه او تعالی شکیبایی می‌کنند دوست دارد.

﴿وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۷].

﴿۱۴۷﴾ و وقتی این بلا بر آنها نازل شد پاسخ این شکیبایان جز این نبود که گفتند: پروردگارا! گناهان ما و تجاوز ما از حدود را ببامرز، و گام‌های ما را هنگام رویارویی با دشمنان استوار ساز و ما را بر گروهی که به تو کفر می‌ورزند پیروز گردان.

﴿فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسَنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۸].

﴿۱۴۸﴾ پس الله ثواب دنیا را با پیروزی و تسلط بر دیگران به آنها داد، و ثواب نیکوی آخرت را با رضایت از آنها، و نعمت‌های همیشگی در بهشت‌های پر نعمت به آنها

بخشید، و الله کسانی را که عبادات و رفتارهای شان را به نیکی انجام می دهند دوست دارد.

برخی فواید آیات:

- ابتلای سنت الهی، مجاهدان راستین و شکیبا را از دیگران متمایز می گرداند.
- واجب است که جهاد در راه الله و دعوت به سوی آن به هیچ بشری هر چند که دارای ارزش و مقام والایی باشد وابسته نباشد.
- عمر و اجل مردم نزد الله متعال ثابت است، حرص بر دنیا بر آن نمی افزاید و دلیری و شجاعت از آن نمی کاهد.
- اهداف و نیت های مردم با هم مختلف است، برخی از آنها ثواب الله را می جویند و برخی از آنها دنیا را می طلبند، و هرکس بر اساس نیت و عمل خویش جزا داده می شود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۴۹].

۱۴۹ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، اگر از یهودیان و مسیحیانی که کفر ورزیدند و مشرکان، در آنچه که شما را به گمراهی امر می‌کنند پیروی کنید، شما را پس از ایمان‌تان بر کفری که بر آن بودید باز می‌گردانند، آن‌گاه زیان دیده در دنیا و آخرت می‌شوید.

﴿بَلِ اللَّهِ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۰].

۱۵۰ این کافران اگر از آنها اطاعت کنید، هرگز شما را یاری نخواهند کرد، بلکه الله است که یاور شما در برابر دشمنان‌تان است، پس از او فرمان‌برداری کنید، و او سبحانه بهترین یاور است، زیرا بعد از او به هیچ‌کس نیازی ندارید.

﴿سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۱].

۱۵۱ به‌زودی در دل‌های کسانی که به الله کفر ورزیدند ترس شدیدی می‌افکنیم، تا نتوانند در پیکار با شما پایداری کنند، زیرا معبودانی را با الله شریک قرار دادند و به پیروی از هوای نفس‌شان آنها را عبادت نمودند، که الله هیچ دلیلی در این مورد بر آنها نازل نکرده است، و جایگاه آنها که در آخرت به آن بازمی‌گردند همان آتش است، و آتش جایگاه بسیار بدی برای ستمکاران است.

﴿وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۲].

۱۵۲ و در حقیقت، الله پیروزی شما بر دشمنان‌تان در روز احد را که به شما وعده داده بود محقق گرداند، آن‌گاه که به اذن او تعالی، آنها را به‌شدت می‌کشتید، تا اینکه ترسیدید و در پایداری بر آنچه که رسول ﷺ شما را به آن امر کرده بود سستی ورزیدید، و در میان ماندن در مواضع خویش یا ترک آن و جمع کردن غنیمت‌ها

اختلاف کردید، و از رسول ﷺ که به شما دستور داده بود در هر حالتی در مواضع خویش بمانید نافرمانی کردید، این امر بعد از آن از شما سر زد که الله پیروزی بر دشمنان تان را که دوست دارید به شما نشان داد، برخی از شما غنایم دنیا را می خواهند، و آنها کسانی هستند که مواضع خویش را رها کردند، و برخی از شما ثواب آخرت را می خواهند، و آنها کسانی هستند که با فرمان برداری از امر رسول ﷺ در مواضع خویش ماندند، سپس الله آنها را به سوی شما متوجه ساخت و آنها را بر شما مسلط کرد؛ تا شما را بیاماید و مؤمن شکیباً در برابر مصیبت از کسی که گامش می لغزد و نفس ضعیفی دارد متمایز گردد، و الله مخالفت شما با امر رسول ﷺ را بخشیده است و او تعالی نسبت به مؤمنان بسیار بخشنده است، زیرا آنها را به ایمان هدایت کرد، و از بدی های شان درگذشت و آنها را در برابر مصیبت ها پاداش داد.

﴿* إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَىٰ أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُحْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِّكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [آل عمران: ۱۵۳].

﴿۱۵۳﴾ - ای مؤمنان - به یاد آورید که در روز احد در زمین دور می شدید و می گریختید، آن گاه که به سبب مخالفت با امر رسول ﷺ شکست خوردید، و هیچ یک از شما به دیگری نمی نگریست، و رسول ﷺ از پشت سر شما درحالی که میان شما و مشرکان قرار داشت شما را این گونه فرامی خواند: بندگان الله به سوی من بشتابید، بندگان الله به سوی من بشتابید، پس الله به سزای این کار، با درد و دل تنگی از اینکه پیروزی و غنیمت را از دست داده بودید مجازات کرد، درد و دل تنگی دیگری به دنبال آن آورد، به سبب شایعه قتل پیامبر ﷺ که میان شما منتشر گشت، و این مصیبت را بر شما فرو فرستاد تا بر پیروزی و غنیمتی که از دست دادید و قتل و جراحتی که برداشتید اندوه مدارید. پس از اینکه دانستید پیامبر ﷺ کشته نشده است، هر مصیبت و دردی بر شما آسان گشت، و الله به آنچه انجام می دهید داناست، ذره ای از احوال قلبها و اعمال اعضای شما بر او پوشیده نمی ماند.

برخی فواید آیات:

- بر حذر داشتن از طاعت کفار و حرکت بر اساس خواسته های آنها؛ زیرا سرانجام این کار، زیان در دنیا و آخرت است.

- افکندن ترس در دل‌های دشمنان الله، یکی از انواع یاری‌رساندن الله بر دوستان مؤمن او تعالی است.
- از بزرگترین اسباب شکست در نبرد، دلبستگی به دنیا و طمع در غنیمت‌های آن، و مخالفت با دستورات فرمانده است.
- یکی از دلایل فضیلت صحابه، این است که الله پس از بیان خطای صحابه، آنها را آمرزیده است.

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِّنكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قَتَلْنَا هَاهُنَا قُل لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ الَّذِينَ كَتَبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [آل عمران: ۱۵۴].

﴿۱۵۴﴾ بعد از این درد و دلتنگی، آرامش و اطمینانی بر شما نازل فرمود، به این صورت که گروهی از شما را - که وعده‌الله را باور داشتند - را به سبب اطمینان و آرامشی که در دل‌های‌شان بود خواب سبکی در بر گرفت، و گروهی دیگر که نه اطمینانی به آنها رسید و نه خوابی سبک، همان منافقان هستند که هیچ اندوهی جز سلامتی خودشان ندارند، پس آنها در اضطراب و ترس به سر می‌برند، و به الله گمان بد دارند، این گمان که الله به رسولش یاری نمی‌رساند و بندگان را تقویت نمی‌کند، همانند ظن اهل جاهلیت که الله را آن‌گونه که شایسته است نشناختند، این منافقان به خاطر جهل به الله می‌گویند: خروج برای پیکار، هیچ حق انتخابی نداریم، و اگر اختیار داشتیم خارج نمی‌شدیم، - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: اختیار تمام امور به دست الله است، اوست که هر چه بخواهد مقدر می‌کند، و هر چه اراده کند حکم می‌گرداند، و او تعالی خروج شما را مقدر کرد. و این منافقان، از شک و بدگمانی‌ای که بر تو آشکار نمی‌کنند بر خویشان می‌ترسند، چنان‌که می‌گویند: اگر حق انتخابی در خروج داشتیم، در این مکان نمی‌جنگیدیم، - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: اگر دور از مواضع قتل و مرگ، در خانه‌های‌تان بودید، به‌طور قطع کسانی از شما که الله بر قتل آنها حکم کرده است به‌سوی قتل‌گاه خویش خارج می‌شدند. و الله این حکم راصدر نکرده است مگر به این هدف که نیات و اهداف قلبی شما را بیازماید، و ایمان و نفاق آن را متمایز سازد، و الله از آنچه در سینه‌های بندگان وجود دارد آگاه است و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا
وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۵۵].

①۵۵ - ای اصحاب محمد - همانا کسانی از شما که در روز رویارویی با گروه مشرکان و گروه مسلمانان در احد گریختند، شیطان آنها را به سبب بعضی از گناهایی که کسب کرده بودند لغزاند، و الله از آنها درگذشت و به سبب فضل و رحمتی از جانب خویش، آنها را مؤاخذه نکرد، زیرا الله نسبت به توبه کاران آمرزنده است، و ذات بردباری است که در نزول عذاب تعجیل نمی کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي
الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي
قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [آل عمران: ۱۵۶].

①۵۶ ای کسانی که به الله ایمان آورده اید و از رسولش پیروی کرده اید، مثل منافقان کافر نباشید، که به خویشاوندان خویش آن گاه که برای طلب روزی یا جهاد سفر می کنند و می میرند یا کشته می شوند می گویند: اگر در کنار ما بودید و خارج نمی شدید، و پیکار نمی کردید، نمی مردید و کشته نمی شدید، الله این اعتقاد را در دل های شان قرار داد تا بر پشیمانی و اندوه دل های شان بیفزاید. فقط الله است که به اراده خویش زنده می گرداند و می میراند، هیچ نشستنی جلوی تقدیر او را نمی گیرد و هیچ خروجی آن را به تعجیل نمی اندازد، و الله اعمال شما را می بیند. اعمال شما بر او پوشیده نمی ماند و جزای آن را به شما خواهد داد.

﴿وَلَيْنِ قَاتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتْتُمْ لِمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٍ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [آل عمران: ۱۵۷].

①۵۷ - ای مؤمنان - اگر در راه الله کشته شدید یا مردید، به طور قطع، الله با آمرزشی بزرگ شما را می آمرزد، و با رحمتی از جانب خویش بر شما رحم می نماید، این پاداش، از این دنیا و نعمت های نابودشدنی آن که پیروان دنیا جمع می کنند بهتر است.

برخی فواید آیات:

- جهل به الله متعال و صفات او، اعتقاد باطل و اعمال فاسد را به جای می گذارد.

- اجل‌های بندگان، مشخص و معین است، دلیری و شجاعت آن را به تعجیل نمی‌اندازد و ترس و حرص تأخیری در آن ایجاد نمی‌کند.
- یکی از سنت‌های الله متعال این است که بندگان را می‌آزماید؛ تا ناپاک را از پاک متمایز سازد.
- از بزرگترین و گرامی‌ترین منازل نزد الله متعال، منازل کسانی است که در راه او تعالی شهید می‌شوند.

﴿وَلَيْنَ مُتْمًا أَوْ قِنَاطًا لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۵۸].

﴿۱۵۸﴾ و اگر در هر حالتی مریدید، یا کشته شدید، همگی شما فقط به سوی الله بازمی گردید؛ تا جزای اعمال تان را به شما بدهد.

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾ [آل عمران: ۱۵۹].

﴿۱۵۹﴾ - ای پیامبر - به سبب رحمت بزرگی از جانب الله، با اصحابت نرم خو شدی و اگر سخن و عمل خشن داشتی و سنگدل بودی، به طور قطع از اطرافت پراکنده می شدند، پس از کوتاهی آنها در حق خویش درگذر، و برای شان طلب آمرزش کن، و در اموری که نیاز به مشورت دارد نظر آنها را جویا شو، پس اگر بعد از مشورت، تصمیم بر انجام کاری گرفتی، آن را انجام بده، و بر الله توکل کن، زیرا الله کسانی را که بر او توکل کنند دوست دارد، پس آنها را توفیق می دهد و تقویت می کند.

﴿إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَن ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُمْ مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۰].

﴿۱۶۰﴾ اگر الله با یاری و پیروزی از جانب خویش شما را تقویت کند، هیچ کس نمی تواند بر شما چیره شود، هر چند تمام مردم زمین علیه شما متحد شوند، و اگر الله شما را یاری نکند و شما را به خودتان واگذارد، بعد از او هیچ کس نمی تواند شما را پیروز گرداند، زیرا پیروزی فقط به دست اوست، و مؤمنان باید فقط به الله، نه هیچ کس دیگری غیر از او تکیه کنند.

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَلْ مِّنْ غَلْلٍ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۱].

﴿۱۶۱﴾ برای هیچ یک از پیامبران علیهم السلام نرسد که با گرفتن چیزی از غنیمت، غیر از آنچه الله به او اختصاص داده است، خیانت ورزد، و هر یک از شما با گرفتن چیزی از غنیمت خیانت کند، این گونه مجازات می شود که در روز قیامت رسوا می گردد، یعنی آنچه را گرفته است در روز قیامت در برابر مردم به دوش می کشد، سپس به

هرکس، جزای آنچه که کسب کرده است به صورت کامل و بدون کاستی داده می شود، و با افزودن بر بدی های شان و کاستن از نیکی های شان به آنها ستم نمی شود.

﴿أَقْمِنِ اتَّبِعِ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾
[آل عمران: ۱۶۲].

﴿۱۶۲﴾ نزد الله، کسی که ایمان و عمل صالح را که رضایت الله با آن به دست می آید دنبال می کند، یکسان نیست با کسی که به الله کفر ورزیده و کارهای بد انجام داده، آنگاه به خشم شدیدی از الله بازگشته، و جایگاهش جهنم است، و جهنم بازگشتگاه و جایگاه بسیار بدی است.

﴿هُم دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۳].

﴿۱۶۳﴾ آنها در دنیا و آخرت منازل متفاوتی دارند، و الله اعمال آنها را می بیند، ذره ای بر او پوشیده نمی ماند، و هرکس را به سبب عملش جزا خواهد داد.

﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [آل عمران: ۱۶۴].

﴿۱۶۴﴾ الله به مؤمنان نعمت بخشیده و به آنها نیکی کرده است، آن گاه که رسولی از جنس خودشان به میان آنها فرستاد، که قرآن را بر آنها می خواند، و آنها را از شرک و اخلاق های پست پاک می گرداند، و قرآن و سنت به آنها می آموزاند، درحالی که قبل از بعثت این رسول، در گمراهی آشکاری از هدایت و راه راست قرار داشتند.

﴿أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۱۶۵].

﴿۱۶۵﴾ - ای مؤمنان - آیا آن گاه که در احد مصیبتی بر شما رسید و درهم شکستید، و برخی از شما کشته شدند، درحالی که دو برابر آن از کشته شده ها و اسیران را در روز بدر بر دشمن تان وارد کردید، گفتید: این مصیبت از کجا بر ما وارد شد درحالی که مؤمن هستیم، و پیامبر الله در میان ما قرار دارد؟! - ای پیامبر - بگو: این مصیبت به سبب اعمال خودتان به شما رسید آن گاه که با یکدیگر به نزاع پرداختید، و از رسول ﷺ نافرمانی کردید، همانا الله بر انجام هر کاری تواناست؛ پس هرکس را بخواهد پیروز می گرداند و هرکس را بخواهد خوار می کند.

برخی فواید آیات:

- پیروزی حقیقی از جانب الله متعال است؛ زیرا او ذات قدرتمندی است که کسی را یارای جنگیدن با او نیست و ذات شکست‌ناپذیری است که هرگز مغلوب نمی‌شود.
- حال کسی که از هدایت الله پیروی و به آن عمل کند با حال کسی که روی گرداند و آن را تکذیب کند در دنیا یکسان نیست، چنان‌که در آخرت نیز جایگاه متفاوتی دارند.
- هر مصیبت و بلایی که بر بنده وارد می‌شود به‌سبب گناهانش، و گاهی برای آزمایش و بالابردن درجات اوست. این امر درحالی است که الله بسیاری از گناهان را می‌بخشد.

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۶۶].

﴿۱۶۶﴾ و قتل و جراحت و شکستی که در روز احد هنگام رویاری گروه شما و گروه مشرکان، بر شما وارد شد، بر اساس حکمتی فراگیر و به اذن و تقدیر الله متعال بود؛ تا مؤمنان راستین را آشکار گرداند.

﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمِيذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۷].

﴿۱۶۷﴾ و منافقانی را آشکار کند که وقتی به آنها گفته شد: در راه الله بیکار کنید، یا [حداقل] با افزودن بر تعداد مسلمانان دفاع کنید، گفتند: اگر می دانستیم که بیکاری وجود دارد از شما پیروی می کردیم، اما به نظر ما میان شما و میان آن گروه بیکاری واقع نمی شود. حال شان در آن هنگام، به آنچه که بر کفرشان دلالت می کند نزدیک تر بود تا آنچه که بر ایمان شان دلالت دارد. آنچه را که در دل های شان نیست بر زبان می رانند، در حالی که الله از آنچه در سینه های شان پنهان می کند آگاه است و آنها را به خاطر آن مجازات خواهد کرد.

﴿الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۶۸].

﴿۱۶۸﴾ آنها کسانی هستند که از بیکار تخلف کردند، و به خویشاوندان شان که در روز احد آسیب دیدند گفتند: اگر آنها از ما اطاعت می کردند و برای بیکار خارج نمی شدند، کشته نمی شدند. - ای پیامبر - در پاسخ به آنها بگو: اگر در این ادعا که می گویند اگر آنها از ما اطاعت می کردند کشته نمی شدند و اینکه سبب نجات شما از مرگ، نرفتن به جهاد در راه الله متعال است راستگو هستید، هرگاه مرگ شما را فراگرفت آن را از خودتان دور کنید.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ﴾ [آل عمران: ۱۶۹].

﴿۱۶۹﴾ و - ای پیامبر - گمان مبر کسانی که در جهاد در راه الله کشته شده اند مرده هستند، بلکه آنها زندگی ویژه ای نزد پروردگارشان در سرای گرامی او دارند، و از انواع نعمت هایی که جز الله کسی از آنها آگاهی ندارد روزی داده می شوند.

﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [آل عمران: ۱۷۰].

﴿۱۷۰﴾ سعادت، آنها را پوشانیده و شادی، آنها را به صورت کامل فرا گرفته است، به سبب آنچه که الله از فضل خویش بر آنها نعمت بخشیده است. آرزو می کنند و انتظار می کشند که برادران شان که در دنیا مانده اند به آنها بپیوندند، که اگر آنها در جهاد کشته شوند، به فضلی که به آنها داده شد دست می یابند، و در امر آخرت که در پیش رو دارند ترسی بر آنها نیست، و بر آنچه که از بهره دنیا از دست داده اند اندوهگین نیستند.

﴿* يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۱].

﴿۱۷۱﴾ و علاوه بر این، به پاداش بزرگی که از جانب الله انتظار می برند، و افزوده بزرگی بر این ثواب و اینکه او تعالی مزد مؤمنان به خویش را تباه نمی سازد، بلکه مزدهای شان را به صورت کامل به آنها می دهد و افزون بر آن نیز به آنها می بخشد، شادی می کنند.

﴿الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۲].

﴿۱۷۲﴾ کسانی که امر الله و رسولش را اجابت کردند آن گاه که به خروج برای پیکار در راه الله و رویارویی با مشرکان در غزوه «حمراء الأسد» که بعد از غزوه احد و پس از اینکه جراحت هایی در روز احد به آنها وارد شد، فراخوانده شدند، اما جراحت های شان آنها را از لیبیک گفتن به ندای الله و رسولش باز نداشت. کسانی از آنها که اعمال صالح انجام دادند و تقوای الله را با اجرای اوامر و پرهیز از نواهی اش پیشه کردند، مزد بزرگی نزد الله دارند که همان بهشت است.

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ [آل عمران: ۱۷۳].

﴿۱۷۳﴾ همان کسانی که برخی از مشرکان به آنها گفتند: همانا قریش با رهبری ابوسفیان گروه های زیادی برای جنگ با شما و نابودی تان گرد آورده اند، پس بترسید و از

رویاری با آنها بپرهیزید، اما این سخن و ترساندن، بر باور و ایمان آنها به الله و اعتماد به وعده‌اش افزود، آن‌گاه برای رویاری با قریش خارج شدند درحالی که می‌گفتند: الله متعال برای ما کافی است، و او بهترین کسی است که کارمان را به او واگذار می‌کنیم.

برخی فواید آیات:

- یکی از سنت‌های الله متعال این است که بندگان را می‌آزماید؛ تا مؤمن حقیقی را از منافق متمایز سازد و راستگو را از دروغگو مشخص گرداند.
- بزرگی جایگاه جهاد و شهادت در راه الله و ثواب اهل آن نزد الله متعال که آنها را در بالاترین منازل جای می‌دهد.
- فضیلت صحابه و بیان جایگاه والای آنها در دنیا و آخرت؛ به این سبب که جان و اموال‌شان را در راه الله متعال بخشیدند.

﴿فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلِ لَّمْ يَمَسَّسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ﴾ [آل عمران: ۱۷۴].

﴿۱۷۴﴾ پس از خروج به سوی «حمراء الأسد» با پاداش بزرگی از جانب الله، و افزودن در درجاتشان، و نجات از دشمنشان که قتل و جراحتی بر آنها وارد نشده بود بازگشتند، و پایبندی به طاعت الله و پرهیز از نافرمانی او که الله را از آنها راضی می گرداند پیروی کردند، و الله دارای فضل بزرگی بر بندگان مؤمن خویش است.

﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [آل عمران: ۱۷۵].

﴿۱۷۵﴾ همانا شیطان ترساننده شماست و شما را از یاران و دستیارانش می ترساند، پس از آنها نترسید؛ زیرا آنها هیچ قدرت و توانی بر شما ندارند، و با طاعتِ الله فقط از او بترسید، اگر واقعا به او ایمان دارید.

﴿وَلَا يَحْزَنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۶].

﴿۱۷۶﴾ - ای رسول - منافقانی که با بازگشت به پشت سرشان، در کفر می کوشند تو را اندوهگین نسازند؛ زیرا آنها هیچ زیانی به الله نخواهند رساند، بلکه با دوری خویش از ایمان به الله و طاعت او، فقط به خودشان زیان می رسانند، الله می خواهد که با باری نرساندن و عدم توفیق آنها، سهمی از نعمت های آخرت برای شان نباشد، و در آخرت برای آنها عذاب بزرگی در آتش است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۷].

﴿۱۷۷﴾ قطعاً کسانی که کفر را با ایمان عوض کردند، ذره ای به الله آسیب نمی رسانند، بلکه به خودشان آسیب می رسانند، و عذاب دردآوری در آخرت برای شان است.

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنََّّمَا نُمَلِّ لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۸].

﴿۱۷۸﴾ و کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند، و با حکم او دشمنی کردند، نباید گمان کنند که مهلت دادن به آنها و طولانی شدن عمرشان بر کفری که بر آن

هستند، برای شان خوب است. این امر آن گونه که آنها گمان می کنند نیست، بلکه به آنها مهلت می دهیم فقط برای اینکه با ارتکاب گناهان زیاد، بر گناهان خویش بیفزایند و عذاب خوارکننده ای برای شان است.

﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِعَكُمْ عَلَىٰ الْعَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِيٰ مِنْ رُسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۷۹].

﴿۱۷۹﴾ - ای مؤمنان - از حکمت الله نیست که شما را بر آنچه که بر آن هستید از اختلاط با منافقان و عدم تمایز شما و مشخص نکردن مؤمنان حقیقی رها کند، تا شما را با انواع تکالیف و آزمایش ها متمایز گرداند، تا مؤمن پاک از منافق ناپاک مشخص گردد. و از حکمت الله نیست که شما را از غیب آگاه گرداند تا مؤمن و منافق را از یکدیگر تشخیص دهید، بلکه الله هر یک از رسولانش را که بخواهد برمیگزیند، آن گاه او را بر بخشی از غیب آگاه می گرداند؛ چنان که پیامبرش محمد ﷺ را بر حال منافقان آگاه گرداند، پس ایمان تان به الله و رسولش را عملی کنید، و اگر ایمان حقیقی بیاورید و از الله با اجرای اوامرش و ترک نواهی اش بترسید، پاداش بزرگی نزد الله دارید.

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [آل عمران: ۱۸۰].

﴿۱۸۰﴾ و کسانی که در نعمتهایی که الله از فضل خویش بر آنها ارزانی داشته بخل می ورزند و حق الله در آن را باز می دارند، نباید گمان کنند که این امر برای شان خوب است، بلکه این کار برای شان بد است؛ زیرا آنچه که در آن بخل ورزیدند، طوقی خواهد شد که در روز قیامت در گردن های شان افکنده می شود و با آن عذاب می گردند، و آنچه در آسمان ها و زمین است فقط به سوی الله باز می گردد، و او تعالی پس از نابودی تمام مخلوقاتش زنده است، و الله از جزئیات اعمال شما آگاه است، و در قبال آن به شما جزا خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- سزاوار است که مؤمن به تهدید شیطان که او را از دستیاران و یاران کافرش می ترساند توجهی نکند؛ زیرا تمام امور در اختیار الله متعال است.
- سزاوار نیست بنده از اینکه الله به او مهلت می دهد فریب بخورد، بلکه باید تا زمانی که مهلت دارد و هنوز مهلتش سپری نشده است، به سرعت توبه کند.
- بخیلی که دیگران را از نعمت های که الله به او بخشیده است محروم می کند، در حقیقت به خودش ضرر رسانیده است چون خویشتن را از تجارت با الله بسیار گرامی و بخشنده محروم کرده و در برابر عذاب روز قیامت قرار داده است.

﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ [آل عمران: ۱۸۱].

به راستی که الله سخن یهود را شنید آن گاه که گفتند: «الله فقیر است که از ما قرض می‌خواهد، و ما به سبب اموالی که داریم، ثروتمند هستیم»، این بهتان بزرگ و افترا بر پروردگارشان و کشتن پیامبران‌شان به ناحق توسط آنها، را خواهیم نوشت، و به آنها خواهیم گفت: عذاب سوزان در آتش را بچشید.

﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [آل عمران: ۱۸۲].

ای یهود - این عذاب به سبب گناهان و رسوایی‌هایی است که از پیش فرستادید و به اینکه الله به هیچ‌یک از بندگان‌ش ستم نمی‌کند.

﴿الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عٰهَدَ إِلَيْنَا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۸۳].

آنها کسانی هستند که از روی دروغ و افترا گفتند: همانا الله در کتاب‌هایش و بر زبان پیامبرانش به ما سفارش کرده است که به هیچ رسولی ایمان نیاوریم تا اینکه چیزی که سخنش را تصدیق می‌کند بیاورد، و آن چیز این است که با صدقه‌ای به سوی الله تقرب جوید و آتشی که از آسمان فرود می‌آید آن را می‌سوزاند، پس در نسبت دادن این سفارش به الله، و در منحصر کردن دلایل راستگویی رسولان به آنچه بیان کردند، بر او تعالی دروغ بستند، و به همین دلیل، الله به پیامبرش محمد ﷺ امر کرد که به آنها بگوید: قبل از من، رسولانی با دلایل آشکار بر راستگویی‌شان، و با قربانی‌ای که بیان کردید که آتشی از آسمان آن را می‌سوزاند، آمده‌اند، پس چرا آنها را تکذیب کردید و به قتل رساندید، اگر در گفتارتان راستگو هستید؟!

﴿فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ﴾ [آل عمران: ۱۸۴].

ای پیامبر - اگر تو را تکذیب کردند، اندوه مدار؛ زیرا این کار عادت کافران است؛ رسولان زیادی قبل از تو که دلایل آشکار، و کتاب‌هایی شامل اندرزها و اسرار و رموز، و کتاب‌های هدایتگر به احکام و شرایع بود در آن، آورده بودند نیز تکذیب شدند.

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ﴾ [آل عمران: ۱۸۵].

هر نفسی هر اندازه که زندگی اش طولانی شود، به ناچار مرگ را می‌چشد، پس هیچ مخلوقی نباید فریب این دنیا را بخورد، و در روز قیامت مزدهای اعمال‌تان به صورت کامل و بدون کاستی به شما داده می‌شود، هرکس که الله او را از آتش دور گرداند و به بهشت درآورد، به تحقیق به خیری که امید دارد رسیده است و از شری که می‌ترسد نجات یافته است، و زندگانی دنیا جز کالایی نابودشدنی نیست، و جز شخص فریب‌خورده، کسی به آن دل نمی‌بندد.

﴿* لَتَبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [آل عمران: ۱۸۶].

ای مؤمنان - به طور قطع با ادای حقوق واجب در مال و با آسیبی که بر آن وارد می‌شود، آزموده خواهید شد، و در خودتان با انجام تکالیف شریعت و مصیبت‌های گوناگونی که بر شما فرو فرستاده می‌شود آزمایش خواهید شد، و به طور قطع از کسانی که قبل از شما به آنها کتاب‌ها داده شده است و از کسانی که شرک ورزیدند، سخنان زیادی خواهید شنید که با عیبجویی از شما و دین‌تان شما را آزار می‌رساند، و اگر در برابر مصیبت‌ها و آزمایش‌های مختلفی که به شما می‌رسد شکیبایی کنید، و با انجام اوامر و ترک نواهی الله، تقوای او تعالی را پیشه کنید، این کار از اموری است که به اتخاذ تصمیم جدی نیاز دارد و مسابقه‌دهندگان در آن کار مسابقه می‌دهند.

برخی فواید آیات:

- یکی از اعمال بد و اخلاق ناپسند یهودیان، دشمنی با پیامبران با تکذیب و قتل است.
- هر رستگاری‌ای در دنیا، ناقص است و رستگاری کامل فقط با نجات از آتش و ورود به بهشت در آخرت حاصل می‌گردد.
- یکی از انواع آزمایش‌ها، آسیبی است که در دین و جان مؤمنان از جانب اهل کتاب و مشرکان وارد می‌شود. و در چنین حالتی، شکیبایی و تقوای الله متعال واجب است.

﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَيَّسَ مَا يَشْتَرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۸۷].

و - ای پیامبر - به یاد آور آن گاه که الله پیمان محکم از علمای اهل کتاب یهود و نصاری گرفت، که حتماً باید کتاب الله را برای مردم توضیح دهند و هدایت موجود در آن و آنچه را که در آن بر نبوت محمد ﷺ دلالت می کند کتمان نکنند، اما آنها کاری نکردند جز اینکه این پیمان را به دور انداختند، و به آن توجهی نکردند، پس حق را کتمان و باطل را آشکار کردند، و پیمان الله را به بهای ناچیزی مانند مقام و مالی که گاهی به آن می رسند عوض کردند، این بهایی که آن را با پیمان الله عوض کردند بسیار بد است.

﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [آل عمران: ۱۸۸].

و - ای پیامبر - کسانی که به اعمال ناپسندشان شادمانند، و دوست دارند مردم آنها را به سبب خیری که انجام نمی دهند ستایش کنند، هرگز گمان مبر که آنها از عذاب نجات می یابند و سالم می مانند، بلکه مکان آنها جهنم است و در آنجا عذابی دردناک برای شان است.

﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [آل عمران: ۱۸۹].

و فرمانروایی آسمان ها و زمین و مخلوقات و تدبیری که در آن دو است، فقط از آن الله است، و الله بر هر چیزی تواناست.

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹۰].

همانا در ایجاد آسمان ها و زمین از عدم و بدون مثال قبلی، و در از پی یکدیگر آمدن شب و روز، و تفاوت آن دو از نظر طولانی و کوتاهی مدت؛ دلایل آشکاری برای صاحبان عقل سلیم است، که آنها را به آفریدگار هستی که سزاوار است به یگانگی عبادت شود راهنمایی می کند.

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل عمران: ۱۹۱].

﴿۱۹۱﴾ آنها کسانی هستند که در هر حالتی، ایستاده، نشسته و به پهلو آرمیده، الله را یاد می‌کنند، و فکرشان را در آفرینش آسمان‌ها و زمین به کار می‌گیرند؛ درحالی که می‌گویند: پروردگارا! این آفرینش بزرگ را بیهوده نیافریدی، از بیهودگی پاک هستی، پس ما را با توفیق بر انجام اعمال صالح و محافظت از بدی‌ها، از آتش دور گردان.

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [آل عمران: ۱۹۲].

﴿۱۹۲﴾ - پروردگارا- زیرا تو اگر هرکس از مخلوقات خویش را بر آتش درآوری، به راستی که او را خوار و رسوا ساخته‌ای، و ستمکاران در روز قیامت یاورانی ندارند که عذاب و مجازات الله را از آنها دفع کند.

﴿رَبَّنَا إِنَّنا سَمِعنا مُنَادِياً يُنادِى لِلإِيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَأَمَنَّا رَبَّنَا فَأَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرارِ﴾ [آل عمران: ۱۹۳].

﴿۱۹۳﴾ پروردگارا! همانا ما ندای دعوتگری به سوی ایمان - یعنی پیامبرت محمد ﷺ - را شنیدیم که این‌گونه دعوت می‌داد: به الله پروردگارتان به عنوان معبودی یگانه ایمان آورید، پس به آنچه به سوی آن دعوت می‌داد ایمان آوردیم، و از شریعت او پیروی کردیم، پس گناهانمان را بپوشان و ما را رسوا مگردان، و از بدی‌هایمان درگذر و ما را به آن مؤاخذه نکن، و ما را همراه صالحان با توفیق بر انجام کارهای نیک و ترک بدی‌ها، بمیران.

﴿رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ [آل عمران: ۱۹۴].

﴿۱۹۴﴾ پروردگارا، هدایت و پیروزی در دنیا را که بر زبان رسولانت به ما وعده داده بودی، به ما عطا کن، و در روز قیامت ما را با ورود در آتش رسوا مگردان، زیرا تو - پروردگارا- بخشنده‌ای هستی که در وعدهات خلاف نمی‌کنی.

برخی فواید آیات:

- از صفات علمای سوء اهل کتاب: کتمان علم، پیروی از هوای نفس، شادمانی به سبب ستایش مردم درحالی که نهان‌ها و افعال بدی دارند.
- اندیشیدن در مخلوقات الله متعال، در آسمان‌ها و زمین و از پی هم آمدن زمان‌ها، یقین به عظمت الله و خشوع کامل در برابر او را به جای می‌گذارد.
- دعا به درگاه الله متعال و فروتنی قلب در برابر او تعالی، از کامل‌ترین مظاهر بندگی است.

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتِي بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹۵].

﴿۱۹۵﴾ پس پروردگارشان این گونه به دعای شان پاسخ داد که: من پاداش اعمال تان را، کم باشد یا زیاد تباه نمی‌سازم، فرقی نمی‌کند که عامل مرد باشد یا زن؛ زیرا حکم شما در آیین یکی است، برای هیچ مردی افزوده نمی‌شود، و از هیچ زنی کاسته نمی‌شود، پس کسانی که در راه الله مهاجرت کردند، و کفار آنها را از خانه‌های شان بیرون راندند، و در راه طاعت پروردگارشان آسیب دیدند، و در راه الله جنگیدند و کشته شدند - تا سخن الله برتر باشد - به‌طور قطع در روز قیامت بدی‌های شان را می‌آمرزم، و از آنها درمی‌گذرم، و آنها را به بهشت‌هایی که از زیر کاخ‌های شان رودها جاری است درمی‌آورم، این پاداشی از جانب الله است، و الله جزای نیکو و بی‌همتایی دارد.

﴿لَا يَعْزُبُ عَنْكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ﴾ [آل عمران: ۱۹۶].

﴿۱۹۶﴾ - ای پیامبر - جابجایی و توانایی کافران در شهرها و تجارت‌ها و ثروت زیادشان، تو را نفریبند تا از حال آنها غمگین و اندوه‌زده شوی.

﴿مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [آل عمران: ۱۹۷].

﴿۱۹۷﴾ زیرا این دنیا، کالایی اندک است و دوام ندارد، سپس سرانجام آنها که در روز قیامت به آن بازمی‌گردند: جهنم است و آتش، بستر بسیار بدی برای شان است.

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ﴾ [آل عمران: ۱۹۸].

﴿۱۹۸﴾ اما کسانی که با اجرای اوامر و ترک نواهی پروردگارشان تقوای او را پیشه کردند، بهشت‌هایی برای شان است که از زیر کاخ‌های آنها رودها جاری است، برای همیشه در آن می‌مانند، جزای آماده‌ای نزد الله متعال دارند، و آنچه که الله برای بندگان نیکوکارش آماده کرده است، بهتر و برتر از لذت‌های دنیاست که کافران در آن به سر می‌برند.

﴿وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [آل عمران: ۱۹۹].

🕞 اهل کتاب یکسان نیستند؛ زیرا گروهی از آنها به الله و حق و هدایتی که بر شما فرو فرستاده شده است، و به آنچه در کتاب‌های‌شان بر آنها نازل شده است ایمان دارند، میان رسولان الله تفاوت نمی‌گذارند، درحالی‌که در برابر الله فروتن و متواضع هستند، با امید به آنچه نزد الله است، آیات الله را با بهای اندکی از کالای دنیا عوض نمی‌کنند، اینان ثواب بزرگی نزد پروردگارشان دارند؛ همانا الله اعمال را سریع مورد محاسبه قرار می‌دهد و زود جزای آنها را می‌دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۲۰۰].

🕞 ای کسانی‌که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، بر تکالیف شریعت، و مصیبت‌های دنیا که به شما می‌رسد شکیبایی کنید، و در شکیبایی، بر کفار غلبه کنید تا از شما شکیباتر نباشند، و برای جهاد در راه الله به پا خیزید، و با انجام اوامر و اجتناب از نواهی الله، تقوای او تعالی را پیشه کنید، باشد که به مطلوب خویش که رهایی از آتش و ورود به بهشت است دست یابید.

برخی فواید آیات:

- آسیبی که در راه الله بر مؤمن می‌رسد که او را به هجرت و خروج و جهاد وامی‌دارد، از بزرگترین اسباب پوشاندن گناهان و افزایش پاداش‌هاست.
- مال و کالایی که گاهی کافر در دنیا از آن بهره‌مند می‌شود معیار نیست، اگرچه که زیاد باشد؛ زیرا دنیا نابودشدنی است، بلکه معیار حقیقی، سرانجام او در سرای جاویدان آخرت است.
- برخی اهل کتاب، به حقیقتی که در کتاب‌های‌شان موجود است گواهی می‌دهند، آن‌گاه به آنچه بر آنها نازل شده و آنچه بر مؤمنان نازل شده است ایمان می‌آورند؛ اینان دوبار مزد می‌گیرند.
- شکیبایی بر حق، و جنگیدن با تکذیب‌کنندگان حق، و جهاد در راه آن، راه رستگاری در آخرت است.

سوره النساء

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

ساماندهی جامعه اسلامی از داخل، از طریق حفظ حقوق اجتماعی و مالی، برای برچیدن پس مانده‌های جاهلیت و تمرکز بر حقوق زنان و ضعیفان.

تفسیر:

وجه تسمیه سوره این است که واژه نساء (زنان) و بیان مفصل بسیاری از احکام آنها در آن آمده است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾ [النساء: ۱].

۱- ای مردم، از پروردگارتان بترسید، زیرا او ذاتی است که شما را از یک نفس که پدرتان آدم است آفرید، و از آدم، جفت او حوا مادر شما را آفرید، و از آن دو، در جهات چهارگانه زمین، مرد و زن‌های زیادی پراکنده ساخت، و از همان الله بترسید که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید به این نحو که می‌گویید: به نام الله از تو می‌خواهم که فلان کار را انجام دهی، و از قطع رابطه‌های خویشاوندی بترسید که پیوندهای میان شما را برقرار می‌کند، همانا الله بر شما نگهبان است، چنان‌که ذره‌ای از اعمال شما از دست او بیرون نمی‌رود، بلکه اعمال‌تان را برمی‌شمارد و جزای آنها را به شما می‌دهد.

﴿وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْظَلِيمِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾ [النساء: ۲].

۲- ای مجربان وصیت - وقتی که یتیمان (کسانی که قبل از سن بلوغ پدران‌شان را از دست داده‌اند) بالغ و رشید شدند، اموال‌شان را به صورت کامل به آنها بدهید، و

حرام را با حلال عوض نکنید؛ به اینکه از اموال خوب و گرانبهای یتیمان بگیرید، و به جای آن از اموال پست و کم‌ارزش خویش بپردازید، و اموال یتیمان را همراه با اموال خودتان مگیرید که این کار، گناه بزرگی نزد الله است.

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ الْبَنَاتِ مَثْنًا وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾ [النساء: ۳].

۳ و اگر ترسیدید که پس از ازدواج با دختران یتیمی که تحت سرپرستی شما هستند، به دلیل ترس از کاستن از مهریه‌های واجب آنها، یا بد رفتاری با آنها، عدالت را برقرار نکنید، پس آنها را رها کنید و با زنان پاک دیگر ازدواج کنید، اگر خواستید که با دو یا سه یا چهار زن ازدواج کنید؛ اما اگر ترسیدید که میان آنها عدالت برقرار نکنید به یک زن بسنده کنید، یا از کنیزانی که در ملکیت شما هستند بهره بگیرید؛ زیرا آنها حقوقی مانند حقوق همسران ندارند، این امر که در مورد یتیمان و اکتفا بر ازدواج با یک زن یا بهره‌گیری از کنیزان آمده، نزدیک‌تر است به اینکه ستم نکنید و منحرف نشوید.

﴿وَأَتُوا النَّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾ [النساء: ۴].

۴ و مهریه‌های زنان را به عنوان هدیه‌ای واجب به آنها بدهید، پس اگر خودشان با رضایت قلبی و بدون اجبار، مقداری از مهریه را بر شما بخشیدند، آن را گوارا و مباح بخورید.

﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ [النساء: ۵].

۵ و - ای اولیا - اموال را به کسانی که نمی‌توانند در آن به خوبی تصرف کنند ندهید، زیرا الله این اموال را سبب اقامهٔ مصالح و امور معاش بندگان قرار داده است، چنین افرادی صلاحیت تصرف در اموال و حفظ آن را ندارند، و از این اموال بر آنها انفاق کنید و آنها را بیوشانید، و سخنی پاکیزه به آنها بگویید، و به آنها وعدهٔ نیکو دهید که وقتی به رشد و تصرف نیکو دست یافتند اموال‌شان را به آنها تقدیم می‌کنید.

﴿وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِّنْهُمْ رُّشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا وَمَن كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾
[النساء: ۶].

⑥ - ای اولیا - یتیمان را وقتی به سن بلوغ رسیدند با دادن بخشی از اموالشان که در آن تصرف کنند، بیازمایید، اگر در آن به خوبی تصرف کردند و رشد آنها بر شما آشکار شد، پس اموالشان را به صورت کامل و بدون کاستی به آنها تحویل بدهید، و بیش از حدی که الله از اموال آنها هنگام نیاز برای شما اجازه داده است از اموالشان نخورید، و از ترس اینکه وقتی بالغ شدند اموالشان را از شما می‌گیرند در خوردن آن شتاب مکنید، هر یک از شما ثروتی دارد که او را بی‌نیاز می‌گرداند، باید از گرفتن از مال یتیم خودداری کند، و هر یک از شما که فقیر و بدون ثروت است، به مقدار نیازش باید از آن بخورد، و هرگاه پس از بلوغ و تشخیص رشد آنها، اموالشان را به آنها تحویل دادید، برای حفظ حقوق و جلوگیری از اسباب اختلاف، برای این تحویل گواه بگیرید، و الله به عنوان گواه بر این کار، و حسابگر بندگان در قبال اعمالشان، کافی است.

برخی فواید آیات:

- اساسی که تمام انسان‌ها به آن بازمی‌گردند یکی است، پس باید از پروردگارشان که آنها را آفرید بترسند، و به یکدیگر مهربانی کنند.
- الله به نیکوکاری با زنان و یتیمان ضعیف سفارش کرده است، یعنی باید با عدالت و بخشش با آنان رفتار کرد.
- جواز تعدد همسران تا چهار زن، به شرط برقراری عدالت میان آنها و توانایی بر انجام حقوق واجب آنها است.
- مشروعیت حجر بر سفیه (کم خرد) که نمی‌تواند به خوبی در اموالش تصرف کند، به خاطر مصلحت خود او و محافظت مال از نابودی است؛ زیرا مصالح دنیا به مال استوار است.

﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾ [النساء: ۷].

۷ برای مردان از آنچه که پدر و مادر و خویشاوندان مانند برادران و عموها پس از مرگشان به جای می‌گذارند، کم باشد یا زیاد، سهمی است، و برای زنان نیز از آنچه که این افراد به جای می‌گذارند سهمی است؛ برخلاف آنچه در زمان جاهلیت وجود داشت که زنان و کودکان از میراث محروم بودند، این سهم، حقی واجب از جانب الله متعال است که مقدار آن مشخص شده است.

﴿وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ [النساء: ۸].

۸ و اگر هنگام تقسیم ترکه، کسانی از خویشاوندان و یتیمان و فقرا که وارث نیستند حاضر بودند؛ - بنا بر استحباب - از این مال قبل از تقسیم، مقداری را که دل‌های‌تان به آن رضایت دارد به آنها بدهید؛ زیرا به میراث که بدون رنج به شما رسیده است چشم دارند، و با آنها به نیکویی و پسندیده سخن بگویید.

﴿وَلِيُخَشِ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ [النساء: ۹].

۹ کسانی که اگر بمیرند فرزندان خردسال و ضعیف از خود برجای می‌گذارند، بترسند از اینکه فرزندان‌شان تباه شوند، باید در مورد یتیمانی که تحت سرپرستی آنها هستند نیز از الله بترسند و به آنها ستم نکنند، تا الله پس از مرگ کسی را برای‌شان قرار دهد تا به فرزندان‌شان نیکی کند همان‌گونه که آنها نیکی کردند، و باید در حق فرزندان کسی که در وصیت او حاضر هستند نیکی کنند؛ یعنی سخنی درست به آنها بگویند به این ترتیب که در وصیت خود به حق ورثه‌اش پس از مرگ خویش ستم نکند، و خودش را با ترک وصیت از خیر محروم نگرداند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا﴾ [النساء: ۱۰].

۱۰ همانا کسانی که اموال یتیمان را می‌گیرند، و از روی ستم و تجاوز در آن تصرف می‌کنند، آتشی شعله‌ور در شکم‌های‌شان وارد می‌کنند، و در روز قیامت آنها را

خواهد سوزاند.

﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلَا يُورِثُهُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَتْهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۱].

ﷻ الله در مورد میراث فرزندان تان از شما پیمان می‌گیرد و به شما امر می‌کند؛ میراث چنین میان آنها تقسیم می‌شود که برای پسر مثل سهم دو دختر است، پس اگر میت دخترانی را بدون داشتن فرزند پسر به جای گذاشت، برای دو دختر یا بیشتر، دو سوم ماترک است، و اگر یک دختر باشد، نصف ماترک برای اوست، و در صورتی که میت فرزند پسر یا دختر داشته باشد، برای هر یک از پدر و مادر میت یک ششم ماترک است، و اگر میت فرزندی نداشته باشد و وارثان او فقط پدر و مادر باشند، برای مادر یک سوم و باقی‌مانده میراث برای پدرش است، اگر میت دو یا بیشتر از دو خواهر یا برادر شقیق (پدری و مادری) یا غیر شقیق داشته باشد، برای مادر او یک ششم از طریق فرض، و باقی میراث از طریق تعصیب برای پدر است (خویشاوندان پدر را عصبه گویند)، و خواهران و برادران سهمی ندارند؛ این نحوه تقسیم میراث، پس از اجرای وصیتی است که میت بدان وصیت کرده است به شرط آن که وصیت او از یک سوم مالش تجاوز نکند، و به شرط ادای دینی است که بر عهده میت بوده است، الله متعال تقسیم میراث را به این نحو قرار داده است، زیرا شما نمی‌دانید کدام یک از پدران و فرزندان در دنیا و آخرت برای تان سودمندتر است، زیرا امکان دارد میت یکی از وارثانش را خوب بیندارد، آن‌گاه تمام مال را به او بدهد، یا او را بد بداند آن‌گاه او را از میراث محروم کند، درحالی که احتمال خلاف این امر نیز می‌رود، کسی که از تمام این امور آگاهی دارد، همان الله است که هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند، و به همین دلیل، میراث را بنا بر نحوه مذکور تقسیم کرد، و آن را فریضه‌ای از جانب خودش بر بندگانش واجب گرداند، همانا الله ذات دانایی است که ذره‌ای از مصالح بندگانش بر او پوشیده نمی‌ماند و در شرع و تدبیرش حکیم است.

برخی فواید آیات:

- احکام میراث بر این امر دلالت دارند که شریعت، حقوق مردان و زنان را با در نظر گرفتن عدالت و اجرای مصلحت میان‌شان مقرر کرده است.
- سخت‌گیری شدید در حرمت اموال یتیمان، و نهی از تجاوز بر آن و نابودی اش به هر نحوی که باشد.
- از آنجا که مال بزرگترین سبب نزاع میان مردم است، الله متعال تقسیم آن را در احکام میراث بر عهده گرفته است.

﴿* وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثَّمَنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ نِصْفًا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثَّلَاثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوَصَّى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ [النساء: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و - ای شوهران - نصف ماترک همسران تان برای شماسست، اگر فرزندی - پسر یا دختر - از شما یا دیگران نداشته باشند، اما اگر فرزندی - پسر یا دختر - داشتند، یک چهارم مالی که بر جای می‌گذارند برای شماسست، که پس از اجرای وصیت آنها و پرداخت دینی که بر عهده آنها است، برای شما تقسیم می‌شود. و - ای شوهران - برای همسران تان، اگر فرزندی - پسر یا دختر - از آنها یا غیر آنها نداشتید، یک چهارم ماترک شماسست، اما اگر فرزندی - پسر یا دختر - داشتید، یک هشتم ماترک شما برای آنها است که این مقدار پس از اجرای وصیت شما، و پرداخت دینی که بر عهده شماسست به آنها تقسیم می‌شود. و اگر مردی بدون پدر و مادر و بدون فرزند، یا زنی بدون پدر و مادر و بدون فرزند بمیرد، و یک برادر مادری یا خواهر مادری داشته باشد، برای هر یک از برادر مادری یا خواهر مادری میت، یک ششم از طریق فرض است، اما اگر برادران مادری یا خواهران مادری بیش از یک نفر باشند، برای تمام آنها یک سوم از طریق فرض است که در آن با هم شریک می‌شوند، و مردان و زنان آنها به‌طور یکسان از آن سهم می‌برند، البته این سهم‌شان را پس از اجرای وصیت میت و پرداخت دیون او می‌گیرند، به شرط اینکه وصیت او به وارثان زیان نرساند؛ مثل اینکه میت به بیشتر از یک سوم مالش وصیت کرده باشد، این حکم که در آیه آمده است، پیمانی از جانب الله بر شماسست که آن را بر شما واجب گردانیده است، و الله از آنچه که بندگان را در دنیا و آخرت اصلاح می‌کند آگاه است، و ذات بردباری است که مجازات گناهکار را به تعجیل نمی‌اندازد.

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [النساء: ۱۳].

﴿۱۳﴾ احکام مذکور در مورد یتیمان و غیر آنها، احکام الله متعال است که برای بندگانش تشریح فرموده است تا به آنها عمل کنند، و کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی و رسولش فرمان برداری کنند، الله آنها را به بهشت هایی که رودها از زیر کاخهای شان جاری است درمی آورد، که همیشه در آن می مانند و زوالی آنها را در بر نمی گیرد، و این پاداش الهی، بزرگترین رستگاری است که همانندی ندارد.

﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ [النساء: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و هرکس با تعطیلی احکام الله و عمل نکردن به آنها، یا تردید در آنها، از الله و رسولش نافرمانی کند و از حدودی که تشریح کرده است بگذرد، الله او را در آتشی که جاودان در آن می ماند درمی آورد، و عذاب خوارکننده ای در آنجا دارد.

برخی فواید آیات:

- اموال میان وارثان تقسیم نمی شود مگر زمانی که بدهی های میت از آن پرداخت و وصیت میت که نباید از یک سوم مالش تجاوز کند از آن جدا گردد.
- برحذر داشتن از کوتاهی در تقسیم میراث، زیرا میراث پیمان و سفارش الله به بندگان مؤمن او تعالی است؛ پس رهاکردن یا سهل انگاری در آن جایز نیست.
- اجرای اوامر الله، بزرگ شمردن نواهی او و بازایستادن در برابر حدود او، از نشانه های ایمان است.
- از عدالت و حکمت الله متعال است که به هرکس از او فرمان برداری کند بزرگترین پاداش را وعده داده است و هرکس را که از او نافرمانی کند و از حدودش بگذرد به بزرگترین مجازات تهدید کرده است.

﴿وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ يَتَوَقَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا﴾
[النساء: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و از زنان محصن (زنان دارای همسر) و غیر محصن شما که مرتکب گناه زشت زنا می‌شوند، چهار مرد عادل را بر آنها گواه بگیرید، پس اگر علیه آنها گواهی دادند، آنها را به عنوان مجازات در خانه‌ها زندانی کنید، تا زندگی‌شان با مرگ پایان یابد، یا الهی راهی غیر از حبس برای‌شان قرار دهد. سپس الهی این راه را بیان فرمود، یعنی صد ضربه شلاق و یک سال تبعید را برای مجازات زن زناکار باکره و سنگسار را برای مجازات زن محصنه صادر فرمود.

﴿وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾ [النساء: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و آن دو تن از مردان - محصن یا غیر محصن - را که مرتکب عمل زشت زنا می‌شوند با زبان و دست به گونه‌ای که باعث تحقیر و بازداشتن می‌شود مجازات کنید، پس اگر از گناه‌شان دست کشیدند، و اعمال‌شان اصلاح شد، از آزار رساندن آنها خودداری کنید؛ زیرا کسی که از گناه توبه می‌کند، همانند کسی است که گناهی مرتکب نشده است؛ قطعاً الهی نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. این نوع مجازات، در ابتدای امر بود، سپس با شلاق‌زدن و تبعید مرد مجرد و سنگسار مرد محصن نسخ شد.

﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۷].

﴿۱۷﴾ قطعاً الهی توبه‌کنسانی را می‌پذیرد که از روی جهل به سرانجام و آثار بد گناهان و معاصی، آنها را مرتکب می‌شوند - این امر در مورد هر کسی است که از روی عمد یا غیر عمد مرتکب گناه می‌شود - سپس قبل از مشاهده مرگ به سوی پروردگارش بازمی‌گردد، آنها هستند که الهی توبه‌شان را می‌پذیرد و از بدی‌های‌شان درمی‌گذرد، و الهی از احوال مخلوقاتش آگاه است، و در تقدیر و تشریح خویش بسیار داناست.

﴿وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۸].

ﷻ الله توبه کسانی را نمی‌پذیرد که بر انجام گناهان اصرار می‌ورزند، و از آن توبه نمی‌کنند تا اینکه سختی‌های مردن را می‌بینند، آن‌گاه هر یک از آنها می‌گوید: اکنون از گناهایی که انجام داده‌ام توبه می‌کنم. و الله - همچنین - توبه کسانی را که با اصرار در کفر می‌میرند نمی‌پذیرد، آنها نافرمانانی هستند که بر انجام گناهان اصرار می‌ورزند، و کسانی که در حال کفرشان می‌میرند، عذابی دردآور برای‌شان آماده کرده‌ایم.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ [النساء: ۱۹].

ﷻ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، برای شما جایز نیست که زنان پدرهای‌تان را همانند مال به ارث ببرید، و با آنها ازدواج کنید، یا آنها را به ازدواج کسانی که دوست دارید درآورید، یا از ازدواج آنها جلوگیری کنید. و همچنان برای شما جایز نیست که همسران‌تان را که آنها را دوست ندارید نگه دارید تا به آنها آسیب برسانید، به این هدف که به نفع شما از بخشی از مهریه و غیر آن، که به آنها داده‌اید چشم‌پوشی کنند، مگر اینکه مرتکب گناه زشتی مانند زنا شده باشند، که اگر این چنین کردند، برای شما جایز است که آنها را نگه دارید و بر آنها سخت بگیرید تا آنچه را که به آنها داده‌اید به شما بدهند، و به روشی پاکیزه و خودداری از اذیت و آزار و تلاش در نیکوکاری با آنها رفتار کنید، پس اگر به خاطر یک امر دنیوی آنها را نمی‌پسندید در برابر آنها شکیبایی کنید؛ چه بسا الله در آنچه که آن را نمی‌پسندید، خیر فراوانی در زندگانی دنیا و آخرت قرار می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- ارتکاب عمل فاحشه‌زنا، از بزرگترین گناهایی است که فرد و جامعه را تهدید می‌کند؛ به همین دلیل، مجازات‌های سنگینی برایش مقرر شده است.

- لطف و رحمت الله بر بندگان که در توبه را بر روی هر گناهکاری گشود، و اسباب توبه را برایش فراهم کرد و او را بر حرکت در راه توبه یاری رساند.
- هرکس از روی عمد یا غیر عمد از الله متعال نافرمانی کند، نسبت به جایگاه کسی که از او نافرمانی کرده و نسبت به آثار و بدشومی گناهان بر خودش، جاهل است.
- از اسباب دوام زندگی زناشویی این است که شوهر دید متعادلی داشته باشد، یعنی دید خود را در آنچه که نمی‌پسندد محدود نکند، بلکه به خیری که در آن قرار دارد نیز بنگرد، چه بسا که الله در آن خیر فراوانی قرار داده است.

﴿وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۲۰].

۱۰ - ای شوهران - اگر خواستید زنی را طلاق دهید و دیگری را جایگزین او کنید، در این کار گناهی بر شما نیست؛ و اگر به زنی که قصد دارید از او جدا شوید، مال زیادی به عنوان مهریه داده بودید، برای شما جایز نیست که چیزی از آن بگیرید؛ زیرا گرفتن آنچه که به زنان تان داده‌اید، تهمت‌ی آشکار و گناهی واضح به شمار می‌رود!

﴿وَكَيفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [النساء: ۲۱].

۱۱ و چگونه مهریه‌ای را که به آنها داده‌اید بازمی‌ستانید با آن که میان تان علاقه و مودت و بهره‌جویی و اطلاع بر اسرار حاصل شده است، زیرا پس از این، طمع در مالی که در دست آنها است، بسیار بد و ناپسند است، درحالی که آنها پیمانی محکم و سخت از شما گرفته‌اند، که همان حلال کردن آنها با سخن و حکم الله متعال است.

﴿وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۲۲].

۱۲ و با زنانی که پدران تان آنها را به ازدواج خود درآورده‌اند ازدواج نکنید؛ زیرا این کار حرام است، مگر آنچه که قبل از اسلام گذشته است که مؤاخذهای بر آن نیست، این امر بدان سبب است که ازدواج پسران با همسران پدرهایشان، کاری بسیار ناپسند، و سبب خشم الله بر انجام‌دهنده آن، و راه بسیار بدی برای رونده در آن است.

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّاتِي فِي جُجُورِكُمْ مِمَّنْ نَسَأْتِكُمْ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۳].

۱۳ الله نکاح این زنان را بر شما حرام گردانیده است: مادران تان و هرچه بالاتر روند؛ یعنی مادر مادر و مادر بزرگ پدری یا مادری او، و دختران تان و هرچه پایین‌تر

روند؛ یعنی دخترِ دختر و دخترِ دخترِ دختر، همچنین دختران پسر و دختران دختر و هر چه پایین‌تر روند، خواهران شما از پدر و مادر یا از یکی از آن دو، و عمه هایتان، همچنین عمه‌های پدران‌تان و مادران‌تان و هرچه بالاتر روند، و خاله‌هایتان، و همچنین خاله‌های مادران و پدران‌تان و هرچه بالاتر روند، و دختران برادر و دختران خواهر، و فرزندان‌شان و هرچه پایین‌تر روند، و مادرهای‌تان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما، و مادران همسران‌تان چه با همسران‌تان آمیزش کرده باشید یا با آنها آمیزش نکرده باشید، و دختران همسران‌تان از شوهران دیگر که غالباً در خانه‌های شما رشد می‌کنند و پرورش می‌یابند، و همچنین اگر در خانه های شما پرورش نیافته‌اند، اگر با مادران‌شان آمیزش کرده‌اید، و اما اگر با آنها آمیزش نکرده‌اید، گناهی بر شما نیست که با دختران‌شان ازدواج کنید، و حرام گردانیده است بر شما، نکاح همسران پسران‌تان را که از پشت خودتان هستند، هر چند با آنها آمیزش نکرده باشند، و همسران پسران رضاعی شما نیز در این حکم داخل هستند، و جمع میان دو خواهر نسبی یا رضاعی را بر شما حرام گردانیده است مگر آنچه که در جاهلیت از این کار گذشته است که الله آن را بخشیده است، قطعاً الله نسبت به آن دسته از بندگانش که به‌سوی او توبه می‌کنند آمرزنده و مهربان است. تحریم جمع میان زن و عمه یا خاله او نیز از طریق سنت ثابت است.

برخی فواید آیات:

- هرگاه مردی با همسرش آمیزش کند، مهریه زن ثابت شده است، و برای مرد جایز نیست که در این مورد ستم کند یا در آن طمع ورزد، اگر جدایی و طلاق زن را بخواهد.
- الله نکاح با همسران پدران را حرام قرار داده است؛ زیرا عمل بسیار زشتی است که عقل صحیح و فطرت سالم از آن نفرت دارد.
- الله متعال به‌صورت مفصل بیان فرمود که ازدواج با چه زنانی حلال و با چه زنانی حرام است، چه به‌سبب نسب یا ازدواج یا شیرخوارگی، تا مقام زن را بزرگ دارد و او را از ستم محافظت کند.

﴿* وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و ازدواج با زنان شوهردار بر شما حرام شده است، مگر آن زنانی که با اسارت گرفتن در جهاد در راه الله مالک آنها می‌شوید، که پس از استبراء رحم آنها به یک حیض، آمیزش با آنها برای تان حلال است، الله این حکم را بر شما فرض گردانید، و الله غیر از این موارد، سایر زنان را بر شما حلال گردانید، که با اموال خود، احسان و پاکدامنی نفس‌های تان را از طریق حلال و بدون قصد زنا بجوید، پس به زنانی که از طریق نکاح از آنها بهره گرفته‌اید، مهریه‌های‌شان را که الله به عنوان فریضه ای بر شما واجب گردانیده است بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از تعیین مهریه واجب، با افزودن بر آن یا چشم‌پوشی از بخشی از آن توافق کنید، همانا الله از مخلوقاتش آگاه است و چیزی از آنها بر او پوشیده نمی‌ماند، و در تدبیر و تشریح خویش بسیار داناست.

﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [النساء: ۲۵].

﴿۲۵﴾ - ای مردان - هر یک از شما که به دلیل ثروت اندک نمی‌تواند با زنان آزاد ازدواج کند، برای او جایز است که با کنیزکان مملوک دیگران ازدواج کند، اگر در آنچه که بر شما آشکار است مؤمن باشند، و الله به حقیقت ایمان و باطن احوال شما داناتر است، و شما و آنها در دین و انسانیت یکسان هستید، پس، از ازدواج با آنها خودداری نکنید، آنها را با اذن مالکان‌شان به ازدواج خویش درآورید، و مهریه‌های‌شان را بدون کاستی یا بدون تأخیر به آنها بدهید. این جواز در صورتی است که

آنها پاکدامن باشند، نه اینکه آشکارا زناکار باشند، و نه اینکه دوستانی پنهانی برای زنا داشته باشند، اما اگر پس از ازدواج، مرتکب فاحشه زنا شدند، حد آنها نصف مجازات زنان آزاد است: پنجاه ضربه شلاق، و سنگسار نمی‌شوند، برخلاف زنان شوهردار آزاد در صورتی که زنا کنند. این جواز ازدواج با کنیزکان مؤمن و پاکدامن، تخفیفی است برای کسی که از وقوع خویش در زنا می‌ترسد، و قادر بر ازدواج با زنان آزاد نیست، زیرا شکیبایی از ازدواج با کنیزکان بهتر است؛ تا فرزندان از اینکه به بردگی درآیند محافظت شوند، و الله نسبت به بندگان توبه‌کارش آمرزنده و مهربان است، و به سبب رحمتش است که ازدواج با کنیزکان را در صورت ناتوانی از ازدواج با زنان آزاد، به شرط ترس از ارتکاب زنا تشریح کرده است.

﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [النساء: ۲۶].

ﷻ الله سبحانه می‌خواهد با تشریح این احکام برای شما، نشانه‌های شریعت و دینش و آنچه که مصالح شما در دنیا و آخرت در آن قرار دارد را برای‌تان بیان کند، و شما را به راه‌های پیامبران قبل از شما در تحلیل و تحریم، و اخلاق‌های گرمی آنها، و سنت‌های پسندیده‌شان راهنمایی کند تا از آنها پیروی کنید، و شما را از نافرمانی خویش به طاعتش بازگرداند، و الله می‌داند مصلحت بندگان در چه چیزی است پس همان را برای‌شان تشریح می‌کند. و الله در تشریح و تدبیر خویش در امور بندگان بسیار داناست.

برخی فواید آیات:

- حرمت ازدواج با زنان شوهردار: آزاد باشند یا کنیز تا اینکه عده آنها به هر سببی که باشد سپری شود.
- مهریه زن، پس از آمیزش با او لازم می‌شود، و جواز اینکه از بخشی از مهریه‌اش بگذرد به شرط آن است که با رضایت قلبی او باشد.
- جواز ازدواج با کنیزان مؤمن در صورت عدم قدرت بر ازدواج با زنان آزاد؛ به شرط آن است که شخص از وقوع خویش در زنا بترسد.
- یکی از مقاصد شریعت، بیان هدایت و گمراهی، و راهنمایی مردم به سوی سنت‌های هدایت است که آنها را به سوی الله متعال بازمی‌گرداند.

﴿وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۲۷].

۲۷ و الله می خواهد که شما را ببخشد، و از بدی های تان درگذرد، و کسانی که در پی شهوات شان هستند می خواهند که شما از راه استقامت، بسیار دور شوید.

﴿يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ۲۸].

۲۸ الله می خواهد در آنچه تشریح می کند بر شما آسان بگیرد، پس شما را به آنچه خارج از توان تان است مکلف نمی گرداند؛ زیرا به ضعف خلقتی و اخلاقی انسان آگاه است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: ۲۹].

۲۹ ای کسانی که ایمان آورده اید و از رسولش پیروی کرده اید، مال یکدیگر را به باطل، مانند غصب و دزدی و رشوه و غیر آن نخورید، مگر اینکه این اموال، اموالی تجارته باشد که با توافق طرفین معامله صادر می شود، که در این صورت خوردن و تصرف در آن برای تان حلال است، و یکدیگر را نکشید، و هیچ یک از شما خودش را نکشد، و خودش را در نابودی نیفکند، همانا الله نسبت به شما مهربان است و به سبب مهربانی خویش، خون ها و اموال و آبروی شما را حرام گردانیده است.

﴿وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ [النساء: ۳۰].

۳۰ و هرکس موارد مذکور را که شما را از آن نهی می کنیم انجام دهد، یعنی مال دیگری را بخورد یا از روی علم و عمد، نه از روی جهل و فراموشی، بر او با کشتن یا طریق دیگری تجاوز کند، الله به زودی در روز قیامت او را در آتش بزرگی که گرمایش رنج آور و عذابش شدید است می افکند، و این کار بر الله آسان است؛ زیرا او تعالی ذات توانایی است که هیچ چیز از تحت قدرت او خارج نیست.

﴿إِنْ تَجْتَبِئُوا كِبَارًا مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾ [النساء: ۳۱].

۳۱ - ای مؤمنان - اگر از انجام گناهان بزرگ مانند شرک به الله، نافرمانی از پدر و مادر، قتل نفس و رباخواری دوری کنید؛ با پوشاندن و محو گناهان صغیره تان از

آنها درمی‌گذریم، و شما را در مکان گرمی‌ای نزد الله که همان بهشت است درمی‌آوریم.

﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [النساء: ۳۲].

﴿۳۲﴾ - ای مؤمنان - آنچه را که الله با آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است آرزو نکنید؛ تا به خشم و حسد منجر نشود، پس برای زنان شایسته نیست آنچه را که الله برای مردان اختصاص داده است آرزو کنید؛ زیرا برای هر گروه، سهمی از عملی است که مناسب اوست، و از الله بخواهید که بر عطای خویش به شما بیفزاید؛ قطعاً الله از هر چیزی آگاه است؛ از این رو، به هر نوع، همان عملی را داده است که مناسب حال اوست.

﴿وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ فَأَتَوْهُم نَصِيبُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و برای هر یک از شما، عصبه‌ای قرار دادیم که از میراثی که پدر و مادر و خویشاوندان به جای می‌گذارند میراث می‌برند. و نصیب کسانی را که با آنها سوگندهایی محکم بر هم‌پیمانی و نصرت بسته‌اید بدهید، که الله بر هر چیزی گواه است، از جمله بر این سوگندها و پیمان‌های شما. اثربری به سبب هم‌پیمانی در صدر اسلام بود، سپس نسخ شد.

برخی فواید آیات:

- گستردگی رحمت الله بر بندگان؛ زیرا او سبحانه توبه‌بندگان و آسان‌گیری از آنها را دوست دارد، اما شهوت‌پرستان، فقط گمراهی از هدایت را برای خودشان می‌خواهند.
- شریعت حقوق مردم را حفظ کرده است؛ زیرا ستم بر جان‌ها و اموال و آبروی آنها را حرام گردانیده و بزرگترین مجازات‌ها را بر انجام این کار مقرر کرده است.
- دوری از گناهان کبیره، سبب ورود به بهشت و آمرزش گناهان صغیره است.
- رضایت به آنچه الله قسمت نموده، و چشم‌ندوختن به اموال مردم، انسان را از حسادت و ناخشنودی از تقدیر الله متعال دور می‌کند.

﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ [النساء: ۳۴].

③ مردان به سبب فضیلتی که الله به آنها اختصاص داده است، و به سبب نفقه و مراقبت بر کارهای زنان که بر آنها واجب است، از زنان سرپرستی می‌کنند، و زنان صالح، فرمان‌بردار پروردگارشان، و فرمان‌بردار شوهران‌شان هستند، به سبب توفیقی که الله به آنها داده است، در غیبت شوهران‌شان، نگهبانان آنها هستند، و - ای شوهران - زنانی را که از خودداری آنها از اطاعت شوهران‌شان در قول یا عمل می‌ترسید، ابتدا آنها را اندرز دهید و از الله بترساید، پس اگر اجابت نکردند در بستر از آنها دوری کنید، به این نحو که مرد با او آمیزش نکند، پس اگر اجابت نکردند، آنها را به گونه‌ای که آزاردهنده نباشد بزیند، پس اگر به فرمان‌برداری بازگشتند، با ستم یا سرزنش بر آنها ستم نکنید، همانا الله بر هر چیزی دارای برتری است، و در ذات و صفاتش بسیار بزرگ است، پس از او بترسید.

﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا﴾ [النساء: ۳۵].

④ و - ای اولیای زن و شوهر - اگر ترسیدید که اختلاف بین آن دو به دشمنی و جدایی منجر شود، پس یک مرد عادل از خانواده شوهر، و یک مرد عادل از خانواده زن بفرستید، تا به آنچه از جدایی یا سازش میان آن دو که در آن مصلحت است حکم کنند، و سازش، دوست‌داشتنی‌تر و بهتر است، که اگر دو داور آن را اراده کردند و روش بهتر را به سوی آن برداشتند، الله میان زوجین سازش ایجاد می‌کند، و اختلاف میان آن دو را برمی‌دارد، همانا چیزی از بندگان الله بر او پوشیده نمی‌ماند، و او به جزئیات آنچه در دل‌های‌شان پنهان است آگاهی دارد.

﴿* وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْحَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْحَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُحُورًا﴾ [النساء: ۳۶].

﴿۳۱﴾ و با تسلیم در برابر الله، فقط او را عبادت کنید، و دیگران را به همراه او عبادت نکنید، و با اکرام و نیکی به پدر و مادر به آن دو نیکی کنید، و به خویشاوندان و یتیمان و فقرا نیکی کنید، و به همسایهٔ خویشاوند و همسایه‌ای که خویشاوند نیست نیکی کنید، و به دوست هم‌نشین خود نیکی کنید، و به مسافر بیگانه که راه‌ها بر او قطع شده است نیکی کنید، و به بردگان خود نیکی کنید، همانا الله کسی را که خودبزرگ‌بین و متکبر بر بردگانش است و با فخرفروشی بر مردم خودش را می‌ستاید دوست ندارد.

﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ [النساء: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و الله دوست ندارد کسانی را که از روزی الله که به آنها ارزانی داشته است انفاق نمی‌کنند، و با سخن و عمل‌شان دیگران را به انفاق‌نکردن امر می‌کنند، و روزی و علم و غیر آن را که الله از روی فضل خویش به آنها داده است پنهان می‌دارند، چنان‌که حق را بر مردم آشکار نمی‌کنند، بلکه آن را می‌پوشانند، و باطل را آشکار می‌کنند، و این خصلت کافران است، و عذابی خوارکننده برای کافران آماده کرده‌ایم.

برخی فواید آیات:

- ثبوت سرپرستی مردان بر زنان، به سبب برتری‌ای است که الله با اختصاص صلاحیت‌ها به آنها داده است، و به سبب حقوقی که بر عهدهٔ آنها واجب است، و بارزترین این حقوق، نفقه بر همسر است.
- برحذرداشتن از سرکشی و ستم بر زن در تأدیب، با یادآوری قدرت و برتری الله بر بنده.
- برحذرداشتن از خصلت‌های اخلاقی ناپسند، مانند تکبر و فخرفروشی و بخل و کتمان علم و آشکارنکردنش برای مردم.

﴿وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا﴾ [النساء: ۳۸].

۳۸ و همچنین این عذاب را برای کسانی مهیا کرده‌ایم که اموالشان را انفاق می‌کنند تا مردم آنها را ببینند و ستایش کنند، درحالی‌که به الله و روز قیامت ایمان ندارند؛ این عذاب خوارکننده را برای‌شان آماده ساخته‌ام، و چیزی آنها را گمراه نکرد مگر اینکه از شیطان پیروی کردند، و هرکس شیطان دوست و همنشینش باشد، (باید بداند که) شیطان همنشین بسیار بدی است.

﴿وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا﴾ [النساء: ۳۹].

۳۹ و آنها اگر به الله و روز قیامت ایمان حقیقی می‌آوردند، و اموالشان را در راه الله و خالصانه برای او انفاق می‌کردند، چه زیانی به آنها می‌رسید؟! بلکه تمام خیر در این کار است، و الله از آنها آگاه است، به گونه‌ای که حال آنها بر او پوشیده نمی‌ماند، و هرکس را بر اساس عملش جزا می‌دهد.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۴۰].

۴۰ همانا الله متعال، ذات عادل است که ذره‌ای به بندگان ستم نمی‌کند، چنان که به اندازه مورچه کوچکی از نیکی‌های آنها نمی‌کاهد، و ذره‌ای بر بدی‌هایشان نمی‌افزاید، و اگر به وزن ذره‌ای نیکی باشد، به فضل خویش ثواب آن را دوچندان می‌کند، و علاوه بر آن از جانب خویش ثوابی بزرگ می‌بخشد.

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۴۱].

۴۱ پس امر در روز قیامت چگونه است آن‌گاه که پیامبر هر امتی را می‌آوریم که بر آنچه عمل کرده‌اند گواهی دهد، و - ای رسول - تو را به عنوان گواه بر امت می‌آوریم؟!

﴿يَوْمَئِذٍ يُوَدِّعُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا﴾ [النساء: ۴۲].

۴۲ در آن روز بزرگ، کسانی که به الله کفر ورزیده و از رسولش نافرمانی کرده‌اند، آرزو می‌کنند که ای کاش خاک بودند و با زمین یکسان می‌شدند، و ذره‌ای از

اعمال‌شان را نمی‌توانند از الله پنهان کنند؛ زیرا الله بر زبان‌های‌شان مُهر می‌زند تا نتواند صحبت کند، و به اعضای‌شان اذن می‌دهد تا به اعمال آنها گواهی دهند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَايِبِ أَوْ لَمْ تُسْتَمِ الْتَسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا﴾ [النساء: ۴۳].

۴۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، در حال مستی نماز نگزارید تا زمانی که از مستی درآیید و گفته‌های‌تان را تشخیص دهید - این حکم، قبل از تحریم خمر به صورت مطلق بود - و در حال جنابت نماز نگزارید، و در این حالت به مساجد وارد نشوید مگر اینکه بدون توقف از آن بگذرید، تا اینکه غسل کنید، و اگر بیماری‌ای به شما رسید که استعمال آب را غیرممکن می‌کرد، یا مسافر بودید، یا یکی از شما ادرار و یا مدفوع کرد، یا با زنان آمیزش کردید، آن‌گاه آب نیافتید - خاکی پاک بیابید، و صورت‌ها و دست‌های‌تان را با آن مسح کنید، همانا الله از تقصیر شما می‌گذرد و نسبت به شما آمرزنده است.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الصَّلَاةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضَلُّوا السَّبِيلَ﴾ [النساء: ۴۴].

۴۴ - ای رسول - آیا از حال یهودیان آگاه نشدی، کسانی که الله نصیبی از علم تورات به آنها داد اما آنها گمراهی را با هدایت عوض کردند، و - ای مؤمنان - آنها بر منحرف کردن شما از راه راستی که رسول ﷺ آورده است مشتاقند، تا راه کج‌شده آنها را ببیماید؟!

برخی فواید آیات:

- از عدالت کامل و رحمت تمام الله متعال این است که ذره‌ای هر چند اندک، بر بندگان ستم روا نمی‌دارد، و با افزودن نیکی‌های‌شان به آنها لطف می‌کند.
- از شدت ترس روز قیامت و بزرگی آنچه که در انتظار کافر است، آرزو می‌کند که خاک باشد.

-
- جنابت، از نماز و ماندن در مسجد بازمی‌دارد، و گذشتن از مسجد بدون توقف در آن ایرادی ندارد.
 - الله با مشروعیت تیمم هنگام نبود آب یا عدم قدرت بر استعمال آن، بر بندگانش آسان گرفته است.

﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۴۵].

و - ای مؤمنان - الله به حال دشمنان تان، از شما آگاه تر است، پس شما را از آنها باخبر کرد و دشمنی آنها را بر شما آشکار گرداند، و الله به عنوان پشتیبانی که شما را از آسیب آنها محافظت می کند کافی است، و الله به عنوان یاورى که نیرنگ و آزار آنها را از شما بازمی دارد و شما را بر آنها پیروز می گرداند کافی است.

﴿مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعُ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِاللِّسَانِ لِئَا يَأْتِيَهُمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعُ وَانظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۴۶].

۶۱ گروه بدی از یهودیان هستند که کلامی را که الله آن را فرو فرستاده است تغییر می دهند، چنان که آن را به غیر آنچه الله نازل فرموده است تأویل می کنند، و هنگامی که رسول ﷺ آنها را به امری فرمان می دهد به او می گویند: سخن تو را شنیدیم و با فرمانت مخالفت کردیم، و از روی تسمخر می گویند: بشنو ما چه می گوئیم که کاش نشنوی؛ و با گفتن «راعنا» این تصور را ایجاد می کنند که منظورشان چنین است: گوشت را به ما بسپار، اما در واقع رعونة «کودنی و نادانی» را اراده می کنند؛ زبان شان را به آن می پیچانند، با این کار قصد نفرین بر پیامبر و طعنه زدن در دین را دارند، و اگر به جای اینکه گفتند: سخت را شنیدیم، و با فرمانت مخالفت کردیم، می گفتند: سخت را شنیدیم، و از فرمانت اطاعت بردیم، به جای اینکه گفتند: بشنو که ناشنوا گردی، می گفتند: بشنو، و به جای اینکه گفتند: راعنا، می گفتند: به ما مهلت بده تا سخت را بفهمیم، به طور قطع برای شان بهتر و شایسته تر بود؛ زیرا دربردارنده حسن ادبی است که سزاوار جناب پیامبر ﷺ است، اما الله آنها را نفرین کرد، و به سبب کفرشان آنها را از رحمت خویش دور راند، پس ایمانی نمی آورند که برای شان سودمند باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آوْتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ [النساء: ۴۷].

۱۷) ای یهودیان و مسیحیانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه که بر محمد ﷺ فرو فرستادیم و تصدیق کننده تورات و انجیل که همراه شماست می باشد ایمان بیاورید، پیش از آن که حواس چهره‌ها را محو کنیم، و آنها را به پشت‌شان بازگردانیم، یا آنها را از رحمت الله برانیم، چنان که اصحاب سبت (روز شنبه) را که با شکار در این روز بعد از نهمی از آن تجاوز کردند از رحمت الله رانیدیم، پس الله آنها را به صورت بوزینه‌هایی مسخ کرد، و امر و تقدیر الله، ناگزیر تحقق می‌یابد.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۴۸].

۱۸) قطعاً الله نمی‌بخشد که چیزی از مخلوقاتش با او شریک قرار داده شود، و به فضل خویش از گناهان پایین‌تر از شرک و کفر برای هرکس بخواهد درمی‌گذرد، یا به عدالت خویش هرکس را بخواهد به اندازه گناهانش عذاب می‌کند، و هرکس که غیر الله را با او تعالی شریک گرداند، به‌طور قطع گناه بسیار بزرگی از او سرزده است که هرکس بر آن بمیرد بخشیده نمی‌شود.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ [النساء: ۴۹].

۱۹) - ای رسول - آیا آگاه نشدی از حال آن کسانی که برای پاک جلوه دادن خود و اعمال‌شان، خود را می‌ستایند؟ بلکه فقط الله است که هر یک از بندگان را که بخواهد می‌ستاید و پاک می‌گرداند؛ زیرا او از نهان دل‌ها آگاه است، و ذره‌ای از پاداش اعمال‌شان، هر چند به اندازه نخعی که در روی هسته خرما است، کاسته نخواهد شد.

﴿انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۵۰].

۲۰) ای رسول بنگر که چگونه با ستایش بر خویشتن، بر الله دروغ می‌بندند! و همین امر به عنوان گناهی بزرگ برای گمراهی آنها کافی است.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْحُبَّتِ وَالظَّاعُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا﴾ [النساء: ۵۱].

۲۱) - ای رسول - آیا آگاه نشدی و تعجب نکردی از حال یهودیان که الله سهمی از

علم را به آنها بخشید، به معبودهایی که به جای الله گرفته‌اند ایمان می‌آورند، و - از روی دوستی و مدارا با مشرکان - می‌گویند: آنها از اصحاب محمد ﷺ هدایت‌یافته ترند؟!

برخی فواید آیات:

- کافی بودن الله برای مؤمنان و یاری‌رساندن او تعالی به آنها، مؤمنان را از غیر الله بی‌نیاز می‌گرداند.
- بیان جرایم یهود، مانند تحریف کلام الله، و بی‌ادبی آنها به رسولش ﷺ، و دادخواهی کردن به غیر شریعت او سبحانه.
- بیان خطر شرک و کفر، و اینکه اگر شخص در این حالت بمیرد بخشیده نمی‌شود، و اما گناهان پایین‌تر از آن تحت اراده الله متعال قرار دارد.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ نَجِدَ لَهُ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۵۲].

اینان که این اعتقاد فاسد را دارند، همان کسانی هستند که الله آنها را از رحمت خویش رانده است، و هرکس که الله او را براند، هرگز یآوری برای او نخواهی یافت تا حمایتش کند.

﴿أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا﴾ [النساء: ۵۳].

آنها سهمی از حکومت ندارند، و اگر چنین سهمی داشته باشند ذره‌ای از آن به هیچ کس نمی‌دهند، هر چند به اندازه نقطه‌ای که در پشت هسته خرما قرار دارد باشد.

﴿أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۵۴].

بلکه به محمد ﷺ و اصحابش به خاطر نبوت و ایمان و قدرت و تسلط در زمین که الله به آنها بخشیده است حسادت می‌ورزند. پس چرا به آنها حسادت می‌ورزند درحالی که بیان شد که ما کتابی نازل شده به فرزندان ابراهیم بخشیدیم، و آنچه که افزون بر کتاب، بر ابراهیم ﷺ وحی کردیم، و به آنها حکومتی گسترده بر مردم بخشیدیم!؟

﴿فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا﴾ [النساء: ۵۵].

برخی از اهل کتاب، به آنچه که الله بر ابراهیم ﷺ و پیامبرانش از نسل ابراهیم ﷺ نازل فرموده است ایمان آوردند و برخی از آنها از ایمان به آن روی گرداندند، و همین موضع را در برابر آنچه که بر پیامبر محمد ﷺ نازل شده است دارند، و برای کسانی از آنها که کفر ورزیدند عذاب آتش کافی است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلًا لَهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۵۶].

همانا کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، در روز قیامت آنها را در آتشی که آنها را احاطه می‌کند خواهیم افکند، هرگاه پوست‌های‌شان بسوزد، پوستی دیگر جایگزین آن می‌گردانیم، تا عذاب بر آنها ادامه داشته باشد، همانا الله ذات شکست‌ناپذیری است که چیزی بر او چیره نمی‌گردد، و در تدبیر و حکم خویش بسیار داناست.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا﴾ [النساء: ۵۷].

﴿۵۷﴾ و کسانی را که به الله ایمان آوردند و از رسولانش پیروی کردند، و طاعات را به جا آوردند، در روز قیامت به بهشت‌هایی در خواهیم آورد که رودها از زیر کاخ‌های شان جاری است و برای همیشه در آن می‌مانند، در این بهشت‌ها همسرانی پاکیزه از هرگونه پلیدی برای‌شان است، و آنها را زیر سایه‌ای گسترده و انبوه که هیچ گرما و سرمای‌ی ندارد در خواهیم آورد.

﴿* إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ [النساء: ۵۸].

﴿۵۸﴾ قطعاً الله به شما دستور می‌دهد که تمام آنچه را که به شما امانت داده شده است به صاحبانش بازگردانید، و به شما فرمان می‌دهد که هرگاه میان مردم داوری کردید، عدالت برقرار کنید و در حکم منحرف نشوید و ستم نکنید، الله شما را به امر نیکویی پند می‌دهد و در تمام احوالاتان شما را به آن راهنمایی می‌کند، همانا الله سخنان شما را می‌شنود، و افعال شما را می‌بیند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹].

﴿۵۹﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، با اجرای آنچه بر آن امر شده و اجتناب از آنچه نهی شده است، از الله و از رسولش اطاعت کنید، و از والیان امورتان اطاعت کنید تا زمانی که به گناهی فرمان نداده‌اند، پس اگر در چیزی اختلاف کردید، در آن مورد به کتاب الله و سنت رسولش بازگردید، اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید، این بازگشت به کتاب و سنت، از ماندن در اختلاف و سخن به رأی برای‌تان بهتر است و سرانجام بهتری برای‌تان دارد.

برخی فواید آیات:

- از بزرگترین اسباب کفر اهل کتاب، حسادت آنها بر مؤمنان بود به سبب نبوت و قدرت یافتن در زمین که الله بر مؤمنان ارزانی داشته است.

-
- امر به اخلاق پسندیده حفظ امانات، و داوری عادلانه.
 - وجوب فرمان برداری از والیان امر تا زمانی که به معصیت امر نکرده‌اند، و بازگشت هنگام تنازع به حکم الله و رسولش برای عملی کردن مفهوم ایمان.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۶۰].

۱۰ - ای رسول - آیا تناقض منافقان یهود را ندیده‌ای که به دروغ ادعا می‌کنند به آنچه بر تو و آنچه بر رسولان قبل از تو نازل شده است ایمان آورده‌اند، اما می‌خواهند داوری در نزاع‌های خویش را به جای شریعت الله، به قوانین وضعی بشر ارجاع دهند، درحالی که فرمان یافته‌اند با این کار کافر می‌شوند. و شیطان می‌خواهد که آنها را چنان از حق دور گرداند که دیگر راه نیابند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا﴾ [النساء: ۶۱].

۱۱ و هنگامی که به این منافقان گفته می‌شود: به سوی حکمی که الله در کتابش فرو فرستاده، و به سوی رسول ﷺ بیایید تا در خصومت‌های میان شما داوری کند، - ای رسول - آنها را می‌بینی که به صورت کامل از دادخواهی به سوی تو روی می‌گردانند و به دیگران روی می‌آورند.

﴿فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا﴾ [النساء: ۶۲].

۱۲ پس این منافقان چه حالی خواهند داشت آن‌گاه که به سبب گناهی که مرتکب شدند، بلاها بر آنها وارد شود، آن‌گاه - ای رسول - برای معذرت‌خواهی از تو، نزدت می‌آیند و این‌گونه به الله سوگند یاد کنند: با دادخواهی به سوی غیر تو، هدفی جز نیکوکاری و ایجاد سازش میان طرفین نزاع نداشتیم؟! درحالی که دروغ می‌گویند؛ زیرا نیکوکاری فقط در حکم‌رانی شریعت الله بر بندگانست.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ [النساء: ۶۳].

۱۳ آنها کسانی هستند که الله به نفاق و هدف پستی که در دل‌هایشان پنهان می‌دارند آگاه است، پس - ای رسول - آنها را رها کن و از آنها روی گردان، و برای

ترغیب و ترهیب، حکم الله را برای شان بیان کن، و سخنی چنان پخته و رسا به آنها بگو که در جان شان نفوذ کند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنْتُمْ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ جَاؤُوكُمْ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۶۴].

ﷻ و هیچ رسولی را نفرستادیم مگر به این هدف که به مشیت و تقدیر الله، در آنچه به آن فرمان می‌دهد، اطاعت شود، و - ای رسول - اگر آنها آن‌گاه که با ارتکاب گناهان بر خویشتن ستم کردند، در زمان زندگانی تو نزدت می‌آمدند و از روی پشیمانی و توبه به آنچه مرتکب شده‌اند اقرار نموده، و از الله طلب آمرزش می‌کردند، و تو نیز برای شان طلب آمرزش می‌کردی، به‌طور قطع الله را نسبت به خویش بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

ﷻ اما امر چنان که این منافقان ادعا می‌کنند نیست. سپس الله به ذات خویش سوگند یاد می‌کند که آنها مؤمنان واقعی نیستند مگر اینکه در تمام اختلافاتی که میان آنها واقع می‌شود، نزد رسول ﷺ در زمان حیاتش و به شریعت او پس از وفاتش دادخواهی کنند، سپس به حکم رسول ﷺ خشنود باشند، و ناراحتی و تردیدی نسبت به حکم او در سینه‌های شان نباشد، و در ظاهر و باطن به‌طور کامل بر آن گردن نهند.

برخی فواید آیات:

- داوری به غیر شریعت الله و خشنودی به آن، از بین برنده ایمان به الله متعال است، و ایمان کامل محقق نمی‌شود مگر با حکم کردن به شریعت، همراه با رضایت قلبی و تسلیم ظاهری و باطنی به آنچه که شریعت به آن حکم می‌کند.
- از بارزترین صفات منافقان، ناخشنودی به شریعت الله، و مُقَدَّم نمودن حکم طاغوتیان بر حکم الله متعال است.
- فراخواندن به رویگردانی از جاهلان و گمراهان، در کنار نصیحت و ترساندن زیاد آنها از الله متعال.

﴿وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اخْرَجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَنْبِيئًا﴾ [النساء: ۶۶].

﴿۶۶﴾ و اگر بر آنها فرض می کردیم که یکدیگر را بکشند یا از خانه‌های‌شان درآیند، جز شمار اندکی امر ما را اجرا نمی کردند، پس باید الله را ستایش کنند که آنها را به کاری که برای‌شان دشوار است مکلف نکرده است، و اگر آنها طاعت الله را که به آن پند داده شدند به جای می آوردند، به‌طور قطع از مخالفت برای‌شان بهتر، و برای ایمان‌شان نافذتر بود،

﴿وَإِذَا لَا تَأْتِيَانَهُمْ مِّنْ لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۶۷].

﴿۶۷﴾ و پاداش بزرگی از نزد خود به آنها می دادیم،

﴿وَأَهْدِيَنَاهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا﴾ [النساء: ۶۸].

﴿۶۸﴾ و آنها را به راهی که به الله و بهشت او می رسد هدایت می کردیم.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾ [النساء: ۶۹].

﴿۶۹﴾ و هرکس از الله و رسول فرمان برداری کند، همراه کسانی است که الله با ورود به بهشت به آنها نعمت بخشیده است، یعنی همراه پیامبران، و راستگویانی که باورشان را به آنچه که رسولان آوردند کامل کرده و به آن عمل نمودند، و شهیدانی که در راه الله کشته شدند، و نیکوکارانی که به سبب اصلاح ظاهر و باطن آنها، اعمال‌شان نیز اصلاح شد، اینها در بهشت چه همنشینان نیکویی هستند!

﴿ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا﴾ [النساء: ۷۰].

﴿۷۰﴾ ثواب مذکور، لطفی از جانب الله بر بندگان‌ش است، و الله از احوال آنها بسیار آگاه است و هرکس را به سبب عملش جزا می دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا﴾ [النساء: ۷۱].

﴿۷۱﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، با به کارگیری اسباب کمک‌رسان بر جنگ با دشمنان، احتیاط و آمادگی خویش را در برابر آنها به دست آورید، آن گاه به صورت گروه‌های پیاپی یا به صورت جمعی به سوی آنها خارج شوید، هر یک از این انواع، بر اساس آن چیزی است که مصلحت شما در آن قرار دارد و سبب غلبه شما بر دشمن می گردد.

﴿وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُم مُّصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۷۲].

۷۲ و - ای مسلمانان - گروه‌هایی از شما هستند که به دلیل بزدلی، در خروج برای قتال با دشمنان تان تأخیر می‌کنند و دیگران را به تأخیر می‌اندازند، آنها منافقان و افراد دارای ایمان ضعیف هستند، پس اگر قتل یا شکستی به شما برسد، هر یک از آنها از روی شادی به سلامتی خویش می‌گویند: الله بر من لطف کرد که در قتال، همراه آنها حاضر نشدم تا همانند آن‌ها به مصیبت گرفتار شوم.

﴿وَلَيْنَ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةً يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۷۳].

۷۳ و - ای مسلمانان - اگر بخششی از جانب الله بر اثر پیروزی یا غنیمت به شما برسد، این بازمانده از جهاد، گویی از شما نیست و میان شما و او محبت و دوستی ای وجود ندارد، خواهد گفت: ای کاش در قتال‌شان همراه آنها بودم تا به پاداش بزرگی از آنچه که آنها به آن دست یافتند می‌رسیدم.

﴿* فَلْيَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۷۴].

۷۴ پس مؤمنان راستین که زندگانی دنیا را با رویگردانی از آن به زندگانی آخرت با رغبت در آن می‌فروشند، باید در راه الله بیکار کنند تا سخن الله برتر باشد، و هرکس در راه الله بجنگد تا سخن الله برتر باشد و شهید شود، یا بر دشمنش چیره گردد و بر او پیروز شود، الله به زودی پاداش بزرگی را که همان بهشت و خشنودی او تعالی است به او خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- انجام طاعات، از مهم‌ترین اسباب پایداری بر دین است.
- هوشیاری و احتیاط با به‌کارگیری تمام اسباب یاری‌رسان در جنگ با دشمن، نه با نشستن و دست از یاری کشیدن.
- پرهیز از سستی در جهاد و بازداشتن مردم از سستی در جهاد؛ زیرا جهاد از بزرگترین اسباب عزت مسلمانان و منع تسلط دشمن بر آنها است.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۷۵].

﴿و - ای مؤمنان - چه چیز شما را از جهاد در راه الله برای بالابردن سخن او تعالی، و نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف بازمی دارد که این گونه به درگاه الله دعا می کنند: پروردگارا، ما را از مکه به سبب ستم ساکنان آن با شرک به الله و ستم بر بندگانش بیرون ببر، و از جانب خود حمایت گری برای ما قرار بده تا به ما توجه و از ما محافظت کند، و یاوری قرار بده تا آسیب را از ما دور سازد.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ۷۶].

﴿۷۶ مؤمنان راستین برای بالابردن سخن الله، در راه او تعالی پیکار می کنند، و کافران در راه معبودهای شان پیکار می کنند، پس با دستیاران شیطان بجنگید، که اگر با آنها پیکار کنید بر آنها چیره می شوید؛ زیرا تدبیر شیطان چنان ضعیف است که به توکل کنندگان بر الله متعال آسیبی نمی رساند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ [النساء: ۷۷].

﴿۷۷ - ای رسول - آیا از حال برخی اصحاب آگاه نشدی، کسانی که خواستند جهاد بر آنها فرض شود، آن گاه به آنها گفته شد: دست از قتال بکشید، و نماز برپا دارید، و زکات بدهید - این فرمان قبل از فرض بودن جهاد بود -، سپس وقتی به مدینه مهاجرت کردند، و اسلام قدرت یافت، و قتال فرض شد، این امر بر برخی از آنها دشوار گردید، پس همانند ترس از الله یا بیشتر از آن، از مردم ترسیدند، و گفتند: پروردگارا، چرا قتال را بر ما فرض کردی؟ کاش آن را تا زمان نزدیکی به تأخیر می انداختی تا از دنیا بهره می بردیم، - ای رسول - به آنها بگو: متاع دنیا هر اندازه هم که باشد، اندک و نابودشدنی است، و آخرت به دلیل جاودانگی نعمت هایش، برای

کسی که تقوای الله متعال را پیشه کند بهتر است، و ذره‌ای از اعمال صالح شما کاسته نمی‌شود، هر چند به اندازه نخعی باشد که در روی هسته خرما قرار دارد.

﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكَكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ آلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا﴾ [النساء: ۷۸].

﴿۷۸﴾ هر جا باشید، وقتی اجل تان فرا رسد، مرگ شما را درمی‌یابد، هر چند در برج‌های مستحکم و دور از میدان کارزار باشید، و اگر فرزند و روزی زیاد به این منافقان برسد که آنها را شاد می‌کند، می‌گویند: این از جانب الله است، و اگر مصیبت در فرزند یا روزی به آنها برسد، به پیامبر ﷺ فال بد می‌زنند و می‌گویند: تو سبب این آسیب هستی، - ای رسول - در پاسخ به اینها بگو: تمام گشایش‌ها و سختی‌ها به قضا و قدر الله بستگی دارد، اینها را که سخن مذکور از آنها صادر می‌شود چه شده است که نمی‌خواهند سخن تو را بفهمند!؟

﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۷۹].

﴿۷۹﴾ - ای فرزند آدم - روزی و فرزندی که به تو می‌رسد و تو را شادمان می‌کند، از جانب الله است که بر تو لطف می‌کند، و مصیبتی که در روزی و فرزند بر تو وارد می‌شود و تو را ناراحت می‌کند، به سبب گناهایی که مرتکب شده‌ای از جانب خود توست. و - ای پیامبر - ما تو را به عنوان رسول از جانب الله برای تمام مردم فرستاده‌ایم تا رسالت پروردگارت را به آنها برسانی، و گواهی الله با ادله و برهان‌هایی که به تو می‌دهد بر راستگویی تو در آنچه از جانب او ابلاغ می‌کنی کافی است.

برخی فواید آیات:

- وجوب قتال برای بالابردن سخن الله و یاری‌رساندن به مستضعفان، و سرزنش ترس، بزدلی و اعتراض بر احکام الله.
- سرای آخرت از سرای دنیا و متاع و شهوات آن بهتر است برای کسی که از الله متعال می‌ترسد و از او فرمان‌برداری می‌کند.
- تمام خیر و شر به تقدیر الله است، و الله گاهی بندگان را به بعضی بلاها در دنیا به دلیل اسبابی مانند گناهان و نافرمانی‌هایشان مبتلا می‌کند.

﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ [النساء: ۸۰].

هرکس از رسول ﷺ با اجرای آنچه بدان امر کرده و پرهیز از آنچه از آن نهی کرده، اطاعت کند؛ به تحقیق فرمان الله را اجابت کرده است، و - ای رسول - هرکس از اطاعت تو روی گرداند، بر او اندوهگین مباش، زیرا ما تو را نگهبان بر او نفرستاده‌ایم تا مواظب اعمالش باشی، بلکه فقط ما هستیم که عملش را برمی‌شمیریم و او را مورد محاسبه قرار می‌دهیم.

﴿وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ

يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [النساء: ۸۱].

و منافقان با زبان‌های‌شان به تو می‌گویند: از فرمانت اطاعت کردیم و آن را اجرا نمودیم، اما چون از نزد تو بیرون می‌روند، گروهی از آنها به‌صورت پنهانی، طرخی خلاف آنچه بر تو آشکار کرده بودند می‌ریزند، و الله از طرح و تدبیر آنها آگاه است، و آنها را به خاطر این نیرنگ‌شان مجازات می‌کند، پس به آنها اهمیت نده؛ زیرا نخواهند توانست ذره‌ای به تو آسیب برسانند، و کارت را به الله واگذار کن و بر او اعتماد کن، و کافی است که به الله به عنوان کارساز اعتماد کنی.

﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾

[النساء: ۸۲].

چرا اینها در قرآن تأمل نمی‌کنند و آن را نمی‌خوانند تا برای‌شان ثابت شود که هیچ اختلاف و اضطرابی در آن یافت نمی‌شود؟! و تا راستی آنچه را که آورده است بدانند، و اگر از جانب غیر الله متعال بود، به‌طور قطع در احکامش آشفتگی و در معانی آن، اختلاف زیادی می‌یافتند.

﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّعَوْا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي

الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ

لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۸۳].

و هرگاه خبری مبنی بر امنیت و شادمانی مسلمانان، یا ترس و اندوه آنها به این منافقان برسد، آن را افشا و منتشر می‌کنند، و اگر تأمل و درنگ کنند و خبر را به رسول الله ﷺ و به صاحب‌نظران و علما و خیرخواهان بازگردانند؛ اهل رأی و

استنباط، آنچه را شایسته است که در این خصوص از نشردادن یا کتمان آن، عمل شود تشخیص می‌دهند، و - ای مؤمنان - اگر فضل الله با اسلام و رحمت او تعالی با قرآن بر شما نبود که شما را از آنچه این منافقان به آن مبتلا شدند معاف کرد، جز شمار اندکی از شما، از وسوسه‌های شیطان پیروی می‌کردید.

﴿فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا﴾ [النساء: ۸۴].

﴿۸۴﴾ - ای رسول - در راه الله پیکار کن تا سخن الله برتر باشد، در مورد دیگران از تو سؤال نمی‌شود و به آن ملزم نیستی؛ زیرا تو فقط به واداشتن خودت به قتل مکلف هستی، و مؤمنان را بر قتل ترغیب و تشویق کن، باشد که الله با قتل شما، نیروی کافران را دفع کند، و الله شدیدترین نیرو و سخت‌ترین مجازات را دارد.

﴿مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتِبًا﴾ [النساء: ۸۵].

﴿۸۵﴾ هرکس برای جلب خیر به دیگران بکوشد، سهمی از پاداش برای اوست، و هرکس برای جلب شر به دیگران بکوشد، سهمی از گناه برایش است، و الله تمام اعمال انسان را می‌بیند و او را در قبال آن جزا می‌دهد. پس هرکس از شما در رسیدن خیر نقشی داشته باشد، بهره و نصیبی از آن خیر برایش است، و هرکس در رسیدن شر نقشی داشته باشد، مقداری از آن شر به او می‌رسد.

﴿وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا﴾ [النساء: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و هرگاه کسی بر شما سلام کرد، سلام را بهتر از سلامی که به شما کرده است به او برگردانید، یا مثل آنچه گفته است به او بازگردانید، و پاسخ با سلام نیکوتر، بهتر است، قطعاً الله نگهبان اعمال شماست و هرکس را در قبال عملش جزا می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- تدبیر در قرآن کریم، این یقین را به جای می‌گذارد که از جانب الله فرو فرستاده شده است؛ چون از اضطراب و آشفتگی مصون است، و احکام بسیار زیادی که در آن وجود دارد آشکار می‌گردد.
- انتشار اخباری که سبب برهم‌زدن امنیت مؤمنان یا نفوذ ترس در میان صفوف شان می‌شود جایز نیست.
- سخن گفتن از مسایل مسلمانان و امور عمومی مربوط به آنها باید از جانب علما و والیان امورشان صورت گیرد.
- مشروعیت شفاعت نیکو که گناه و ستم بر حقوق مردم در آن نیست، و تحریم هر شفاعتی که در آن گناه یا ستمی وجود دارد.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا﴾ [النساء: ۸۷].

الله که معبود برحقى جز او نيست، اول و آخر (= همگى) شما را در روز قيامت که هيچ ترديدى در آن نيست جمع مى کند، تا شما را در قبال اعمال تان مجازات کند، و هيچ کس راستگوتر از الله نيست.

﴿* فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَةٍ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتْرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۸۸].

۸۸ - ای مؤمنان - شما را چه شده است که در نحوه رفتار با منافقان دو گروه مختلف شده اید: گروهى قائل به پیکار با آنها به سبب کفرشان است، و گروهى قائل به ترک پیکار با آنها به سبب ايمان شان است؟! سزاوار شما نيست که در مورد آنها اختلاف ورزید، درحالى که الله آنها را به سبب اعمال شان، به کفر و گمراهى بازگردانده است، آیا مى خواهيد کسى را که الله به او توفيق نداده است به حق هدايت کنيد؟! و هرکس را، الله گمراه سازد، راهى به سوى هدايت برايش نخواهى يافت.

﴿وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءَ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [النساء: ۸۹].

۸۹ منافقان آرزو مى کنند که شما نیز به آنچه بر پیامبر نازل شده است کفر ورزید، همان گونه که خودشان کفر ورزیدند، تا در کفر با آنها مساوى باشيد، پس به سبب دشمنى شان، از آنها دوستانى مگيريد تا اينکه در راه الله از سرزمين شرک به سرزمين اسلام که دلالت بر ايمان شان دارد مهاجرت کنند، پس اگر روى برگردانند و بر حال شان ادامه دادند، هر جا آنها را يافتيد بگيريد و بکشيد، و از آنها دوستى نگيريد تا در امورتان همراه شما باشد، و ياورى از آنها مگيريد که شما را در برابر دشمنان تان يارى رساند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلَوْكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ

اعْتَزِلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿۹۰﴾
[النساء: ۹۰].

﴿۹۰﴾ مگر کسانی از آنها که به گروهی که میان شما و آنها پیمان محکمی بر ترک قتال وجود دارد پیوندند، یا نزد شما بیایند درحالی که سینه‌های‌شان به تنگ آمده باشد و قصد قتال با شما و قوم‌شان را نداشته باشند، و اگر الله می‌خواست به‌طور قطع آنها را بر شما چیره می‌کرد و با شما می‌جنگیدند، پس سلامتی را از الله بپذیرید، و با کشتن و اسیرگرفتن بر آنها تعرض نکنید، پس اگر از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند، و با صلح و ترک قتال تسلیم شما شدند، آن‌گاه الله راهی برای قتل یا اسارت‌شان بر شما قرار نداده است.

﴿سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمْ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ [النساء: ۹۱].

﴿۹۱﴾ - ای مؤمنان - به زودی گروهی دیگر از منافقان را خواهید یافت که ایمان را بر شما آشکار می‌کنند تا از امنیت خویش مطمئن باشند، و وقتی به‌سوی کافران قوم خویش بازگردند، کفر را برای‌شان آشکار می‌کنند تا از آنها در ایمن باشند، هرگاه به کفر و شرک به الله فراخوانده شوند، به شدیدترین حالت در آن می‌افتند، پس اینان اگر از پیکار با شما دست نکشیدند، و با صلح نزد شما تسلیم نشدند، و دست‌های‌شان را از شما بازداشتند، هر جا آنها را یافتید، بگیرید و بکشید، و در مورد آنها به دلیل نیرنگ و مکرشان، دلیلی روشن برای گرفتن و کشتن آنها برای شما قرار داده‌ایم.

برخی فواید آیات:

- پنهان ماندن حال برخی منافقان، باعث اختلاف در حکم رفتار با آنها میان مؤمنان می‌شود.
- بیان چگونگی تعامل با منافقان براساس احوال‌شان و برطبق مصلحت رفتار با آنها.
- عدالت اسلام در دست‌کشیدن از منافقانی که آزاری ستمگرانه از جانب آنها واقع نمی‌شود.
- جهاد در راه الله، منافقان را به‌سبب بازماندن‌شان از جهاد و پوزش‌خواستن‌های‌شان آشکار می‌کند.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَاقُتَلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد مگر اینکه این کار از روی خطا از او سر زند، و هرکس مؤمنی را از روی خطا بکشد، بر او واجب است که یک برده مؤمن را برای کفاره کارش آزاد کند، و بر خویشاوندان قاتل که از او ارث می‌برند، دیه‌ای است که باید به وارثان مقتول بدهند، مگر اینکه دیه را ببخشند و ساقط شود، پس اگر مقتول از گروهی است که با شما در جنگ هستند و خود او مؤمن است، بر قاتل واجب است که یک برده مؤمن را آزاد کند و دیه‌ای بر او نیست، و اگر مقتول مؤمن نیست اما از گروهی است که میان شما و آنها، پیمانی برقرار است مانند اهل ذمه، خویشاوندان قاتل که از او ارث می‌برند باید دیه را به وارثان مقتول بپردازند، و قاتل باید یک برده مؤمن را به عنوان کفاره کارش آزاد کند، اما اگر برده‌ای نیافت که آن را آزاد کند یا توان پرداخت بهایش را نداشت، باید دو ماه متوالی و بدون فاصله روزه بگیرد، تا الله کار او را ببخشد، و الله از اعمال و نیت بندگانش آگاه، و در تشریح و تدبیرش بسیار دانا است.

﴿وَمَنْ يَاقُتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَعَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۹۳].

﴿۹۳﴾ و هرکس مؤمنی را از روی قصد و بناحق بکشد، مجازاتش ورود به جهنم است که جاویدان در آن می‌ماند، و الله بر او خشم می‌گیرد و او را از رحمت خویش می‌راند، و چون مرتکب این گناه بزرگ شده است، عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا صَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتُ مُؤْمِنًا تَبْتَعُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِّن قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۹۴].

۹۴ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، هرگاه برای جهاد در راه الله خارج شدید، دربارهٔ کسانی که با آنها می‌جنگید بررسی کنید، و برای کسی که آنچه را بر اسلام او دلالت می‌کند برای‌تان آشکار می‌کند نگوئید: مؤمن نیستی، و ترسی از خون و مالت، تو را به اظهار اسلام واداشته است، آن‌گاه او را بکشید و با قتل او متاع ناچیز دنیا مانند غنیمت را از او بجوئید، زیرا غنیمت‌های زیادی نزد الله است که بهتر و بزرگتر از این است، شما نیز قبلاً مانند همین کسی بودید که ایمان خویش را از قومش پنهان می‌دارد، آن‌گاه الله با اسلام بر شما منت نهاد، و خون‌های‌تان را محافظت کرد، پس بررسی کنید، زیرا ذره‌ای از اعمال شما هر چند کوچک باشد بر او پوشیده نمی‌ماند و جزای آن را به شما خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- قرآن کریم، حرمت جان مؤمن را بزرگ شمرده، از تجاوز به آن نهی فرموده و شدیدترین مجازات را برایش مقرر کرده است.
- اعتقاد اهل سنت و جماعت این است که مؤمن قاتل برای همیشه در آتش نمی‌ماند، بلکه مدتی طولانی در آن عذاب می‌بیند، سپس به رحمت الله متعال از آن خارج می‌شود.
- وجوب بررسی و شناسایی در جهاد، و عجله‌نکردن در داوری در این مورد، تا انسان بی‌گناه مورد تجاوز قرار نگیرد.

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾
[النساء: ۹۵].

﴿۹۵﴾ مؤمنان خانه‌نشین از جهاد در راه الله غیر از معذوران مانند بیماران و افراد نابینا، با مجاهدان در راه الله با بذل اموال و جان‌های‌شان، مساوی نیستند؛ الله مجاهدان با بذل اموال و جان‌های‌شان را به درجه‌ای بر خانه‌نشینان از جهاد برتری داده است، و برای هر یک از مجاهدان و خانه‌نشینان معذور از جهاد، مزدی است که سزاوارش است، و الله مجاهدان را با اعطای ثوابی بزرگ از جانب خویش، بر خانه‌نشینان برتری بخشیده است.

﴿دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [النساء: ۹۶].

﴿۹۶﴾ این ثواب، مقام‌هایی است که برخی بالاتر از برخی دیگر است، همراه آموزش گناهان‌شان و رحمت الله به آنها است، و الله نسبت به بندگان بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [النساء: ۹۷].

﴿۹۷﴾ کسانی که فرشتگان درحالی جان‌های‌شان را می‌گیرند که با هجرت نکردن از سرزمین کفر به سرزمین اسلام بر خویش ستم کرده‌اند، فرشتگان از روی توبیخ، هنگام قبض روح‌شان به آنها می‌گویند: بر چه حالی بودید؟ و با چه چیزی از مشرکان شناخته می‌شدید؟ این‌گونه پاسخی پوزش‌آمیز می‌دهند: ما ضعیفانی بودیم که توان و قدرتی نداشتیم که ستم را از خود دفع کنیم، آن‌گاه فرشتگان از روی توبیخ به آنها می‌گویند: آیا سرزمین‌های الله وسیع نبود که به‌سوی آن خارج شوید تا بر دین و جان‌های‌تان از خوارشدن و مقهورشدن در امان بمانید؟! پس آنها که مهاجرت نکردند، جایگاه‌شان که در آن مستقر می‌شوند، همان آتش است، و آتش بازگشتگاه و محل رجوع بسیاری بدی برای آنها است.

﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَّا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۹۸].

﴿۹۸﴾ مردان یا زنان یا کودکان ضعیف و دارای عذر، که توانی ندارند با آن ستم و شکست را از خود دور کنند، و راهی برای رهایی از اجباری که در آن هستند نمی یابند، از این تهدید مستثنی هستند،

﴿فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَعْمُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا﴾ [النساء: ۹۹].

﴿۹۹﴾ پس امید است که الله به رحمت و لطف خویش از آنها درگذرد، و الله نسبت به بندگان خویش بخشنده است و توبه کاران آنها را می آمرزد. پس از بیان تهدید بر ترک هجرت با وجود قدرت بر آن، به هجرت تشویق نموده می فرماید:

﴿* وَمَن يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَن يَخْرُجْ مِن بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ و هرکس در جستجوی خشنودی الله، از سرزمین کفر به سوی سرزمین اسلام مهاجرت کند، در سرزمینی که به سوی آن مهاجرت کرده است، دگرگونی و سرزمینی غیر از سرزمینش که آن را ترک کرده است خواهد یافت، در آنجا به عزت و روزی گسترده دست می یابد، و هرکس از خانه اش برای مهاجرت به سوی الله و رسولش خارج شود، و قبل از رسیدن به مقصد هجرت، مرگ او را فراگیرد، اجر او نزد الله ثبت شده است، و اینکه به مقصد هجرت خویش نرسیده باشد زیانی به او نمی رساند، و الله نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفْتُمْ أَن يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ و هرگاه در زمین سفر کردید، اگر ترسیدید که امر ناگواری از کافران به شما برسد، بر شما گناهی نیست که نمازهای چهاررکعتی را از چهار رکعت به دو رکعت قصر (شکسته خواندن نماز) کنید؛ همانا دشمنی کافران برای شما، آشکار و واضح است.

برخی فواید آیات:

- فضیلت جهاد در راه الله و اجر بزرگ آن، و اینکه الله مقام‌های والایی در بهشت که دیگران به آن دست نمی‌یابند به آنها وعده داده است.
- فریضه جهاد از افراد دارای عذر برداشته شده است، با وجود اینکه اگر نیت نیکویی داشته باشند، پاداش دارند.
- فضیلت هجرت به سوی سرزمین اسلام، و وجوب آن بر کسی که قادر بر این کار است به شرط آن که در سرزمین خویش، در مورد دینش بیمناک باشد.
- مشروعیت قصر نماز در مسافرت.

﴿وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَدَىٰ مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ [النساء: ۱۰۲].

④ و - ای رسول - هرگاه هنگام پیکار با دشمن در میان لشکر بودی، و خواستی برای شان نماز برپاداری، لشکر را به دو گروه تقسیم کن: یک گروه از آنها بایستند که همراه تو نماز بگذارند، و باید جنگ‌افزارهای خویش را همراه خود در نماز بگیرند، و گروه دیگر باید از شما نگهبانی دهند، وقتی گروه اول، یک رکعت را با امام گزاردند، خودشان نماز را کامل کنند، و پس از گزاردن نماز، باید در پشت شما در مقابل دشمن قرار بگیرند، و گروهی که در نگهبانی بودند و نماز نگزارده‌اند، بیایند و یک رکعت را همراه امام بگذارند، و پس از اینکه امام سلام داد، ادامه نمازشان را کامل کنند، و باید احتیاط خویش را در برابر دشمن‌شان داشته باشند، و جنگ‌افزارهای شان را حمل کنند؛ زیرا کافران آرزو می‌کنند که از جنگ‌افزارها و ابزارتان هنگام نماز غافل شوید، آن‌گاه یکباره بر شما هجوم آورند، و شما را در حالت غفلت به چنگ آورند، و گناهی بر شما نیست اگر آسیبی به سبب باران به شما رسید یا بیمار بودید و مانند آن، که جنگ‌افزارهای تان را به زمین بگذارید و حمل نکنید، و هر اندازه که می‌توانید در برابر دشمن‌تان مراقب باشید، همانا الله عذابی خوارکننده برای کافران مهیا کرده است.

﴿فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ [النساء: ۱۰۳].

⑤ - ای مؤمنان - هرگاه از نماز فارغ شدید، در هر حالتی که هستید، ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده، با تسبیح و تحمید و تهلیل، الله را یاد کنید، پس چون ترس از شما برطرف شد و احساس امنیت کردید، نماز را به صورت کامل با ارکان و واجبات و مستحباتش به گونه‌ای که به آن امر شده‌اید برپا دارید؛ زیرا نماز در زمان

های مشخص بر مؤمنان فرض شده است، و تأخیر از این زمان‌ها بدون عذر جایز نیست، این حکم در حالت اقامت است، اما در حالت سفر می‌توانید جمع و قصر کنید.

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ و - ای مؤمنان - در تعقیب دشمنان کافرتان سستی و تنبلی نکنید؛ اگر شما به سبب قتل و جراحی که به شما رسید رنج می‌بردید، آنها نیز همانند شما رنج می‌برند، و همانند شما آسیب می‌بینند، پس نباید صبر آنها از صبر شما بیشتر باشد؛ زیرا شما به پاداش و پیروزی و تقویتی از جانب الله امید دارید که آنها امید ندارند، و الله از احوال بندگانش آگاه است، و در تدبیر و تشریحش بسیار داناست.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ - ای رسول - به راستی که ما قرآن را که مشتمل بر حق است بر تو فرو فرستادیم، تا به موجب آنچه که الله به تو آموخته و الهام کرده است و نه براساس هوای نفس و نظر خودت، در تمام امور مردم میان آنها داوری کنی، و مدافع کسانی که به خودشان و امانت‌شان خیانت کردند مباش تا هرکس را که به حق از آنها مطالبه می‌کند، از آنها بازگردانی.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت نماز خوف و بیان احکام و چگونگی آن.
- امر بر به‌کارگیری اسباب در تمام حالت‌ها، و اینکه مؤمن در به‌کارنگرفتن اسباب معذور نیست حتی هنگام عبادت.
- مشروعیت دوام ذکر الله متعال در هر حالتی، زیرا دل‌ها را زنده و آرام می‌کند.
- نهی از سستی و تنبلی در هنگام جنگ با دشمن، و امر به صبر در پیکار با او.

﴿وَاسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۶].

۱۰۶ و از الله آمرزش و بخشایش بخواه؛ زیرا الله نسبت به بندگان که به سوی او توبه کنند بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا﴾ [النساء: ۱۰۷].

۱۰۷ و از هر شخصی که خیانت می کند و در پنهان کردن خیانتش می کوشد دفاع نکن، و الله این خیانتکاران دروغگو را دوست ندارد.

﴿يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا﴾ [النساء: ۱۰۸].

۱۰۸ هنگام ارتکاب گناه، آن را از روی ترس و حیا از مردم پنهان می کنند، ولی نمی توانند آن را از الله که همیشه با آنها است، پنهان کنند. او تعالی به آنها احاطه دارد، و هیچ چیز از امور آنها بر او پوشیده نیست، وقتی پنهانی سخنانی را که الله از آن خشنود نیست طرح می ریزند. مانند دفاع از گناهکار و متهم کردن بی گناه؛ و الله به آنچه پنهانی و آشکارا انجام می دهند علم فراگیر دارد، ذره ای بر او پوشیده نمی ماند، و آنها را به خاطر اعمال شان مجازات خواهد کرد.

﴿هَآئِنْتُمْ هُوَآءَ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَن يُجَادِلِ اللَّهَ عَنهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا﴾ [النساء: ۱۰۹].

۱۰۹ هان شما - ای کسانی که کار این مجرمان شما را آشفته می کند - در زندگی دنیا از آنها دفاع کردید تا بی گناهی شان را ثابت نموده و مجازات را از آنها دفع کنید، چه کسی در روز قیامت در برابر الله از آنها دفاع می کند در حالی که از حقیقت حال آنها آگاهی یافته است؟! و چه کسی کارساز آنها در آن روز خواهد بود؟! بدون تردید هیچ کس را یارای این کار نیست.

﴿وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهُ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۰].

۱۱۰ هر کس عمل بدی مرتکب شود یا با ارتکاب گناهان به خودش ستم کند، سپس با اقرار به گناه خویش و پشیمانی و بریدن از آن از الله آمرزش بخواهد، الله را همیشه برای گناهان خویش، بسیار آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

﴿وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۱].

و هرکس گناه صغیره و کبیره‌ای مرتکب شود، قطعاً مجازات آن فقط بر خودش خواهد بود، و به دیگران سرایت نمی‌کند، و الله از اعمال بندگان آگاه، و در تدبیر و تشریح خویش بسیار داناست.

﴿وَمَنْ يَكْسِبْ حَظِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۱۱۲].

و هرکس اشتباهی غیر عمدی، یا گناهی عمدی مرتکب شود، سپس انسانی پاک از این گناه را متهم سازد، با این کار، دروغی بزرگ و گناهی آشکار به دوش کشیده است.

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۳].

و - ای رسول - اگر الله به فضل خویش تو را محافظت نکرده بود، گروهی از آنها که به خودشان ستم می‌کنند تصمیم گرفته بودند که تو را از حق گمراه کنند تا به بی‌عدالتی داوری کنی، اما در حقیقت فقط خودشان را گمراه می‌سازند؛ زیرا سرانجام، تلاشی را که برای گمراه‌ساختن به کار گرفتند، به خودشان بازمی‌گردد، و الله قرآن و سنت را بر تو نازل کرد، و هدایت و نوری را به تو آموخت که قبل از آن نمی‌دانستی، و الله با نبوت و عصمت، فضل زیادی به تو بخشید.

برخی فواید آیات:

- نهی از دفاع‌کردن از دروغ‌پردازان و گرفتن جانب آنها؛ زیرا این کار نوعی همکاری بر گناه و ستم است.
- سزاوار است که ترس و حیای مؤمن حقیقی از الله متعال و بزرگ‌داشتن او، بیش از دیگران باشد.
- رحمت و آمرزش گسترده‌ی الله برای کسی که به خودش ستم کرده است، هر اندازه که ستم کرده باشد؛ به شرط اینکه توبه‌ی راستین بکند، و از گناهش بازگردد.
- برحذرداشتن از ایراد اتهام بر انسان بی‌گناه و بستن افترای دروغ بر او، و اینکه هرکس چنین کاری انجام دهد، شدیدترین دروغ و گناه را مرتکب شده است.

﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ در بسیاری از سخنانی که مردم آن را به صورت درگوشی می گویند هیچ خیری نیست، و هیچ سودی از آن به دست نمی آید، مگر اینکه سخن شان، امر به صدقه، یا کار نیکی باشد که شریعت آن را آورده باشد و عقل به آن راهنمایی کند، یا دعوتی برای اصلاح میان طرفین نزاع باشد، و هرکس این کار را برای جستجوی خشنودی الله انجام دهد، به زودی پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

﴿وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ و هرکس پس از آن که حق برایش روشن شد، با رسول ﷺ دشمنی کند و در آنچه که آورده است با او مخالفت ورزد، و راهی غیر از راه مؤمنان دنبال کند، او را با آنچه که برای خویشتن برگزیده است رها می کنیم، و چون به عمد از حق روی گردانده است، او را به سوی حق توفیق نمی دهیم، و او را به آتش جهنم که گرمای رنج آوری دارد درمی آوریم، و جهنم بازگشتگاه بسیاری بدی برای ساکنانش است.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ قطعاً الله نمی بخشد که به او شرک آورده شود، بلکه مشرک برای همیشه در آتش می ماند، و گناهان پایین تر از شرک را برای هرکس بخواد به رحمت و فضل خویش می بخشد، و هرکس احدی را با الله شریک قرار دهد به راستی که از حقیقت گمراه و بسیار دور شده است؛ زیرا خالق و مخلوق را با هم یکسان قرار داده است.

﴿إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا﴾ [النساء: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ این مشرکان فقط بت های مادینه ای را همراه الله عبادت می کنند و به فریاد می خوانند که به نام های زنان مانند لات و عزی نامیده شده اند، و هیچ نفع و زبانی ندارند، آنها در حقیقت فقط شیطان را که از طاعت الله خارج شد و هیچ خیری در آن نیست عبادت می کنند؛ زیرا اوست که آنها را به عبادت بت ها فرمان می دهد.

﴿لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا﴾ [النساء: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ و به همین منظور، الله او را از رحمتش راند، و این شیطان با ایراد سوگند به پروردگارش گفت: بخشی معلوم از میان بندگانت برای خودم قرار خواهم داد و آنها را از حق گمراه می‌سازم.

﴿وَلَا ضَلَّئَهُمْ وَلَا مَمِيئَتُهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلَيَبْتَئُنَّ آدَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلَيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ و آنها را از راه راست تو بازخواهم داشت، و آنها را به وعده‌های دروغینی که گمراهی آنها را برای‌شان زیبا جلوه می‌دهد گرفتار خواهم کرد، و به آنها فرمان خواهم داد تا برای تحریم دامهایی که الله برای‌شان حلال کرده است گوش‌های دام‌ها را ببرند، و به آنها فرمان خواهم داد تا در آفرینش و فطرت الله تغییر ایجاد کنند، و هرکس شیطان را به عنوان دوست بگیرد که با او دوستی و از او اطاعت کند، به سبب دوستی با شیطان رانده شده، زیان آشکاری دیده است.

﴿يَعِدُّهُمْ وَيَمَيِّبُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [النساء: ۱۲۰].

﴿۱۲۰﴾ شیطان وعده‌های دروغین و آرزوهای پوچ به آنها می‌دهد، و در حقیقت، آنها را جز به باطلی که هیچ حقیقتی ندارد وعده نمی‌دهد.

﴿أُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا﴾ [النساء: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ جایگاه اینها که گام‌های شیطان و آرزوهایی را که به آنها می‌دهد پیروی می‌کنند، آتش جهنم است که هیچ گریزگاهی از آن نمی‌یابند تا به آن پناه ببرند.

برخی فواید آیات:

- در بسیاری از رازگویی‌های مردم خیری نیست، بلکه چه بسا در آن گناه وجود دارد، و اندکی از سخنان آنها که میان‌شان رد و بدل می‌شود خیر و نیکو است.
- سرانجام دشمنی با رسول ﷺ و مخالفت با راه مؤمنان، دوری از الله و ورود به آتش است.
- تمام گناهان، تحت مشیت الله قرار دارند، که شاید برای صاحبش بخشیده شود، جز شرک که الله هرگز آن را نمی‌بخشاید.
- هدف شیطان، بازگرداندن مردم از عبادت الله متعال است، و از بزرگترین روش‌های او، آراستن باطل با آرزوهای فریبنده و وعده‌های دروغین است.

الله پس از بیان مجازات پیروان شیطان، پاداش پیروان رسولان را بیان کرده و می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا﴾ [النساء: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ و کسانی را که به الله ایمان آوردند و اعمال صالح نزدیک کننده به او تعالی انجام دادند به بهشت‌هایی در خواهیم آورد که رودها از زیر کاخ‌هایش جاری است و برای همیشه در آنها می‌مانند، این وعده‌ای از جانب الله است، و وعده او تعالی حقیقت است، زیرا او در وعده خلاف نمی‌کند، و هیچ‌کس راست‌گوتر از الله نیست.

﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۳].

﴿۱۲۳﴾ - ای مسلمانان - نجات و رستگاری تابع آرزوهای شما یا آرزوهای اهل کتاب نیست، بلکه این امر تابع عمل است، یعنی هرکس از شما که عمل بدی انجام دهد در روز قیامت مجازات آن را خواهد دید، و جز الله برای خود دوستی نمی‌یابد که به او نفع برساند، و هیچ یآوری برای خود نمی‌یابد که ضرر را از او دور سازد.

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظَلَّمُونَ تَقِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۴].

﴿۱۲۴﴾ و هرکس اعمال صالح انجام دهد چه مرد باشد یا زن، درحالی که ایمان حقیقی به الله متعال دارد، آنها که هم ایمان و هم عمل را یکجا داشته‌اند وارد بهشت می‌شوند، و ذره‌ای از پاداش اعمال‌شان کاسته نمی‌شود، هر چند مقدار ناچیزی به اندازه فرورفتگی پشت هسته خرما باشد.

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۲۵].

﴿۱۲۵﴾ و هیچ‌کس دین بهتری ندارد از آن کس که در ظاهر و باطن خودش را تسلیم الله کرده و نیت خویش را برای او تعالی خالص گردانیده است، و به نیکویی از احکام الله فرمان‌برداری کرده، و از دین ابراهیم علیه السلام که اساس دین محمد صلی الله علیه و آله است پیروی کرده است، درحالی که از شرک و کفر، به توحید و ایمان روی آورده است. و الله ابراهیم علیه السلام را با محبت کامل از میان سایر مخلوقاتش برگزید.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا﴾ [النساء: ۱۲۶].

﴿۱۳۶﴾ و فرمانروایی آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آنِ الله است، و الله به هر چیزی از مخلوقاتش، احاطه علمی و توانایی و تدبیری دارد.

﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْعَبُونَ أَن تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَن تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۲۷].

﴿۱۳۷﴾ و - ای رسول - از تو در مورد زنان و آنچه که برای آنها و بر عهده آنها واجب است می‌پرسند، بگو: الله آنچه را که در مورد آن پرسیدید به شما بیان می‌فرماید و نیز آنچه را که در قرآن بر شما تلاوت می‌شود، در مورد زنان یتیمی که قیّم‌شان هستید و مهریه یا میراث‌شان را که الله برای‌شان مقرر فرموده است نمی‌دهید، و در ازدواج با آنها تمایل ندارید، و از روی طمع در اموال‌شان، آنها را از ازدواج منع می‌کنید. و برای‌تان بیان می‌فرماید آنچه را که در مورد کودکان مستضعف واجب است، از پرداخت حق میراث‌شان به آنها، و اینکه با تسلط بر اموال‌شان بر آنها ستم نکنید، و وجوب انجام عادلانه آنچه باعث اصلاح امور یتیمان در دنیا و آخرت می‌شود را برای‌تان بیان می‌فرماید، و الله از هر کار خیری که برای یتیمان و دیگران انجام دهید، آگاه است و پاداش آن را به شما خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- پاداش نزد الله، به مجرد آرزو و ادعا به دست نمی‌آید، بلکه ایمان و عمل صالح ناگزیر باید وجود داشته باشد.
- جزا از جنس عمل است، یعنی هرکس عمل بدی مرتکب شود، در قبال آن مجازات می‌شود، و هرکس کار نیکی انجام دهد، پاداشی بهتر از آن به او داده می‌شود.
- اخلاص برای الله متعال و پیروی از پیامبر اکرم ﷺ، مقیاس پذیرش عمل نزد الله متعال هستند.
- اسلام، حقوق زنان و کودکان ضعیف را بزرگ شمرده است، چنان‌که ستم بر آنها را حرام گردانیده و رعایت مصالح‌شان را در پرتو احکامش واجب گردانده است.

﴿وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [النساء: ۱۲۸].

﴿۱۲۸﴾ و اگر زنی از شوهرش ترسید که خودش را از او برتر بیندارد و به او تمایل نشان ندهد، بر آن دو گناه نیست که با هم مصالحه کنند، چنان که زن از برخی حقوق واجب خودش مانند حق نفقه و میبت (شب گذرانی) کوتاه بیاید، و صلح در اینجا از طلاق برای آن دو بهتر است، درحالی که نفس‌ها بر حرص و بخل آفریده شده‌اند، یعنی در کوتاه آمدن از حقوق خویش کوتاه نمی‌آیند، پس شایسته است که زن و شوهر این اخلاق را با تربیت نفس بر گذشت و نیکوکاری درمان کنند. و اگر در تمام امورتان نیکی کنید، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله متعال تقوای او را پیشه کنید، قطعاً الله از اعمال شما آگاه است، ذره‌ای بر او پوشیده نمی‌ماند، و جزای آن را به شما خواهد داد.

﴿وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [النساء: ۱۲۹].

﴿۱۲۹﴾ و - ای شوهران - به سبب اموری که چه بسا خارج از اراده شما هستند، هرگز نخواهید توانست در تمایل قلبی میان همسران عدالت کامل برقرار کنید، هر چند بر این کار مشتاق باشید. پس به صورت کامل از همسری که او را دوست ندارید، متمایل نگردید به این ترتیب که او را رها کنید مانند زنی معلق که شوهری ندارد که حقش را برپا دارد و یا مانند زن بی‌شوهری که به ازدواج چشم دارد. و اگر میان خود را اصلاح کنید به این نحو که خودتان را به برپایی حق همسر که دوست ندارید آن را انجام دهید وادارید، و در مورد او از الله بترسید؛ به راستی که الله نسبت به شما بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۳۰].

﴿۱۳۰﴾ و اگر زن و شوهر با طلاق یا خلع از یکدیگر جدا شوند، الله به فضل گسترده خویش، هر یک از آن دو را بی‌نیاز می‌کند، چنان که مرد را با همسری بهتر از همسر سابق بی‌نیاز می‌سازد، و زن را با شوهری بهتر از شوهر قبلی بی‌نیاز می‌

سازد، و الله دارای فضل و رحمت گسترده است، و در تدبیر و تقدیرش بسیار داناست.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا﴾ [النساء: ۱۳۱].

﴿۱۳۱﴾ و آنچه در آسمان‌ها و زمین و میان این دو وجود دارد فقط از آن الله است. و از اهل کتاب، چه یهود و چه نصاری پیمان گرفتیم، و از شما پیمان گرفتیم که اوامر الله را اجرا کنید و از نواهی او بپرهیزید، و اگر این پیمان را انکار کنید، فقط به خودتان آسیب می‌رسانید؛ زیرا الله از طاعت شما بی‌نیاز است، و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست، و او از تمام مخلوقاتش بی‌نیاز است و تمام صفات و افعالش ستوده شده است.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [النساء: ۱۳۲].

﴿۱۳۲﴾ مالکیت آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین وجود دارد فقط برای الله است، اوست که سزاوار است از او فرمان‌برداری شود، و الله برای اداره و تدبیر تمام امور مخلوقاتش کافی است.

﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِالْآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا﴾ [النساء: ۱۳۳].

﴿۱۳۳﴾ - ای مردم - اگر الله بخواهد شما را نابود می‌سازد و دیگرانی غیر از شما می‌آورد که از او اطاعت کنند و نافرمانی نکنند، و الله بر این کار تواناست.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۳۴].

﴿۱۳۴﴾ - ای مردم - هرکس از شما فقط پاداش دنیا را در قبال کارش بخواهد، باید بداند که پاداش دنیا و آخرت نزد الله است، پس ثواب هر دو را از او بطلبید، و الله سخنان شما را می‌شنود، افعال شما را می‌بیند، و شما را در قبال آن جزا می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- مستحب بودن مصالحه میان زوجین هنگام اختلاف، و ترجیح دادن مصلحت با کوتاه آمدن از بعضی حقوق برای دوام پیمان زناشویی.
- الله متعال، عدالت میان همسران را به خصوص در امور مادی که در توان شوهران است واجب گرداند، و بر عدالت در امور معنوی، مانند دوست داشتن و تمایل قلبی که دشوار است آسان‌گیری کرده است.
- اگر هم‌نشینی زوجین ممکن نباشد، گناهی بر زوجین نیست که از یکدیگر جدا شوند.
- سفارش جامع برای تمام مردم از اولین تا آخرین‌شان، همان امر به تقوای الله متعال با اجرای اوامر و ترک نواهی است.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴾ [النساء: ۱۳۵].

﴿۱۳۵﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، در تمام احوالاتان عدالت را برپا دارید، با هرکسی به حقیقت گواهی دهید، هر چند این امر اقتضا کند که بر زیان خودتان یا پدر و مادران یا خویشاوندان‌تان به حقیقت اقرار کنید، و فقر یا ثروت هیچ‌کس شما را بر ادای شهادت یا ترک آن وا ندارد؛ زیرا الله به فقیر و ثروتمندان از شما سزاوارتر است و مصالح آن دو را می‌داند، پس در گواهی از شهوات پیروی نکنید تا از حق در آن منحرف نشوید، و اگر گواهی را اشتباه ادا کردید یا از ادای آن خودداری کردید؛ (بدانید) که الله نسبت به آنچه انجام می‌دهید بسیار داناست.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴾ [النساء: ۱۳۶].

﴿۱۳۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر ایمان‌تان به الله و رسولش، و به قرآن که آن را بر رسولش فرو فرستاد، و به کتاب‌هایی که قبل از او آنها را بر رسولانش نازل کرد استوار باشید، و هرکس به الله و فرشتگانش و کتاب‌هایش و رسولانش و روز قیامت کفر ورزد، در حقیقت به فاصله زیادی از راه راست دور شده است.

﴿ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ﴾ [النساء: ۱۳۷].

﴿۱۳۷﴾ قطعاً کسانی از شما که پس از ایمان، کفر را تکرار کردند، چنان‌که در ایمان وارد شدند سپس از آن بازگشتند، سپس در آن داخل شدند، سپس از آن بازگشتند، و بر کفر اصرار کردند و بر آن مردند، الله بر آن نیست که گناهان‌شان را ببخشد، و بر آن نیست که آنها را به راه راستی که به او تعالی می‌رسد توفیق دهد.

﴿ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴾ [النساء: ۱۳۸].

﴿۱۳۸﴾ - ای رسول - منافقان را که ایمان را آشکار، و کفر را پنهان می‌کنند، بشارت بده به اینکه برای‌شان نزد الله عذابی رنج‌آور در روز قیامت است.

﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۳۹].

این عذاب برای آن است که به جای مؤمنان، کافران را به عنوان یاران و یاوران خویش گرفتند، و بسیار شگفت است آن چیزی که باعث شده آنها را به دوستی بگیرند، آیا عزت و نیرومندی را نزد آنها می‌جویند تا با آن سربلند شوند؟! همانا تمام عزت و نیرومندی از آنِ الله است.

﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۴۰].

و- ای مؤمنان - الله در قرآن کریم بر شما فرو فرستاده است که هرگاه در مجلسی نشستید و در آن شنیدید که کسی آیات الله را مورد انکار و استهزا قرار می‌دهد، بر شما واجب است که نشستن با آنها را رها کرده و از مجالس‌شان برگردید، تا سخنی غیر از انکار و ریشخند آیات الله بزنند، زیرا اگر در حال انکار و ریشخند به آیات الله با آنها بنشینید پس از آن که آن را شنیدید، در مخالفت با فرمان الله، همانند آنها هستید؛ زیرا با نشستنتان، از الله نافرمانی کردید همان‌گونه که آنها با کفرشان نافرمانی کردند؛ به‌راستی که الله منافقان را که اظهار اسلام می‌کنند و در پنهان کفر می‌ورزند در روز قیامت با کافران در آتش جهنم یک‌جا جمع خواهد کرد.

برخی فواید آیات:

- وجوب برقراری عدالت در داوری میان مردم و هنگام ادای شهادت، هر چند حقیقت به زیان خود شخص یا یکی از خویشاوندانش باشد.
- مؤمن باید در انجام اعمال قلبی و بدنی که بر ایمان می‌افزاید بکوشد، و آن را در قلبش استوار سازد.
- بزرگی خطر منافقان علیه اسلام و پیروانش؛ به همین منظور، الله آنها را به شدیدترین عذاب در آخرت تهدید کرده است.
- اگر مؤمن نتواند بر کسی که به آیات و شریعت الله بی‌احترامی می‌کند اعتراض کند، جایز نیست که در این حالت با او بنشیند.

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۱].

﴿۱۴۱﴾ همان کسانی که انتظار می‌کشند خیر یا شری به شما برسد، پس اگر پیروزی‌ای از جانب الله به دست آورید و غنیمت بگیرید، به شما می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم، به آنچه گواهی می‌دهید گواهی می‌دهیم؟! تا به غنیمت دست یابند، و اگر کافران بهره‌ای ببرند به آنها می‌گویند: آیا ما امور شما را بر عهده نداشتیم و به‌طور کامل به شما توجه و یاری نرساندیم، و با کمک به شما و دست‌کشیدن از کمک مؤمنان، شما را در برابر مؤمنان پشتیبانی نکردیم؟! پس الله در روز قیامت میان همگی آنها داوری می‌کند، آن‌گاه مؤمنان را با ورود به بهشت و منافقان را با افکندن در پایین‌ترین طبقه جهنم جزا می‌دهد، و الله به فضل خویش هرگز برای کافران تسلطی بر مؤمنان قرار نداده است، بلکه سرانجام (نیکو) را برای مؤمنان قرار خواهد داد.

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۲].

﴿۱۴۲﴾ منافقان با اظهار اسلام و پنهان نمودن کفر، به الله نیرنگ می‌زنند، درحالی‌که الله بر آنها نیرنگ می‌زند؛ زیرا او تعالی خون‌های‌شان را محافظت می‌کند درحالی‌که به کفرشان آگاهی دارد، و شدیدترین مجازات را در آخرت برای‌شان آماده کرده است، و هنگامی‌که برای نماز می‌ایستند، با کسالت و اکراه برمی‌خیزند، و الله را جز اندکی یاد نمی‌کنند مگر وقتی مؤمنان آنها را می‌بینند.

﴿مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۴۳].

﴿۱۴۳﴾ این منافقان در دودلی سرگشته هستند، یعنی در ظاهر و باطن نه با مؤمنان و نه با کافران هستند بلکه در ظاهر با مؤمنان و در باطن با کافران هستند، و - ای رسول - هرکس که الله او را گمراه کند، راهی برای هدایتش از گمراهی برای او نخواهی یافت.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ
تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا﴾ [النساء: ۱۴۴].

۱۴۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، کافران به الله را به جای مؤمنان به عنوان دوستانی صمیمی که آنها را دوست دارید نگیرید، آیا با این کارتان می‌خواهید الله را حجتی آشکار بر استحقاقتان بر عذاب علیه خودتان قرار دهید؟!

﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۴۵].

۱۴۵ همانا الله منافقان را در پایین‌ترین طبقه جهنم در روز قیامت قرار خواهد داد، و یآوری برای‌شان نخواهی یافت که عذاب را از آنها دفع کند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ
الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۴۶].

۱۴۶ مگر کسانی که با توبه از نفاق‌شان به سوی الله بازگشتند، و باطن خویش را اصلاح کردند، و به پیمان الله چنگ زدند، و عمل‌شان را بدون ریا برای الله خالص گرداندند، کسانی که این صفات را دارند، در دنیا و آخرت همراه مؤمنان هستند، و الله به زودی پاداش بسیار زیادی به مؤمنان خواهد داد.

﴿مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۴۷].

۱۴۷ اگر شکر الله را بگذارید و به او ایمان آورید، او تعالی نیازی به عذاب‌دادن شما ندارد، زیرا او تعالی نیکوکار و مهربان است، بلکه شما را فقط به سبب گناهانتان عذاب می‌کند؛ پس اگر عمل صالح انجام دهید و شکر او را به خاطر نعمت‌هایش بگذارید، و در ظاهر و باطن به او ایمان آورید شما را عذاب نخواهد کرد، و الله نسبت به کسی که به نعمت‌هایش اعتراف کند شاکر است پس ثواب این کار را برای‌شان زیاد می‌کند، از ایمان مخلوقاتش آگاه است و هر یک را به سبب عملش جزا خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- بیان صفات منافقان؛ از جمله: اشتیاق آنها بر نصیب خودشان، چه همراه مؤمنان باشد یا همراه کافران.
- بزرگترین صفات منافقان دودلی و سرگستگی و آشفتگی است، زیرا در حقیقت نه با مؤمنان هستند و نه با کافران.
- نهی شدید از انتخاب کافران به عنوان دوست به جای مؤمنان.
- بزرگترین سپری که انسان در برابر عذاب الله متعال در آخرت برای خودش می سازد، ایمان و عمل صالح است.

﴿لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا﴾
[النساء: ۱۴۸].

①۴۸) الله بدزبانی با صدای بلند را دوست ندارد، بلکه از آن نفرت دارد و آن را مورد تهدید قرار داده است، اما کسی که بر او ستم رفته باشد می‌تواند برای شکایت از ستمکارش و نفرین و مجازات او با مقابله به مثل، با صدای بلند بدزبانی کند؛ اما صبر مظلوم از گفتن بدی با صدای بلند بهتر است، و الله سخنان شما را می‌شنود، از نیات شما آگاه است، پس از سخن یا قصد بد بپرهیزید.

﴿إِنْ تُبَدُّوْا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوْهُ أَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا﴾ [النساء: ۱۴۹].

①۴۹) اگر هر خیر گفتاری یا رفتاری را آشکار کنید، یا آن را بپوشانید، یا از کسانی که به شما بدی روا داشته‌اند درگذرید؛ همانا الله بخشنده و تواناست، پس باید، گذشت در اخلاق شما جای داشته باشد، باشد که الله از شما درگذرد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [النساء: ۱۵۰].

①۵۰) همانا کسانی که به الله و رسولانش کفر می‌ورزند، و می‌خواهند میان الله و رسولانش تفاوت بگذارند؛ این‌گونه که به الله ایمان می‌آورند، و رسولانش را تکذیب می‌کنند، و می‌گویند: به برخی از رسولان ایمان می‌آوریم، و به برخی دیگر کفر می‌ورزیم، و می‌خواهند که راهی میان کفر و ایمان برگزینند و تصور می‌کنند که این راه، نجات‌شان می‌دهد.

﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ [النساء: ۱۵۱].

①۵۱) کسانی که این روش را در پیش گرفته‌اند، در حقیقت کافر هستند؛ زیرا کسی که به رسولان یا برخی از آنها کفر ورزد، در حقیقت به الله و رسولش کفر ورزیده است، و عذابی خوارکننده در روز قیامت برای کافران آماده کرده‌ایم، تا به سبب سرکشی‌شان از ایمان به الله و رسولانش عذابی بر آنها باشد.

الله پس از بیان مجازات کافران، پاداش مؤمنان را بیان کرده و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [النساء: ۱۵۲].

﴿۱۵۲﴾ و کسانی که به الله ایمان آوردند و او را یگانه دانستند، و هیچ کس را با او شریک قرار ندادند، و تمام رسولانش را تصدیق کردند، و همانند کافران میان هیچ یک از رسولان تفاوت نگذاشتند، بلکه به همگی آنها ایمان آوردند، الله بزودی پاداش بزرگی در قبال ایمان و اعمال صالح آنها که از ایمان سرچشمه می گیرد به آنها خواهد داد، و الله نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَأَتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۱۵۳].

﴿۱۵۳﴾ - ای رسول - یهودیان از تو می خواهند که کتابی به یکباره از آسمان برای شان فرود آوری، تا نشانه ای بر راستگویی ات باشد، چنان که این درخواست را از موسی کردند. این درخواست از آنها را بزرگ شمار؛ زیرا پیشینیان آنها درخواستی فراتر از آنچه اینها از تو می خواهند از موسی خواستند، آنجا که از او خواستند الله را آشکارا به آنها بنمایاند، پس به مجازات گناهی که مرتکب شدند، صاعقه آنها را دربرگرفت، سپس الله آنها را زنده گردانید، آن گاه پس از اینکه آیات روشن و دلالت کننده بر یگانگی و وحدانیت الله در ربوبیت و الوهیت برای شان آمد، گوساله را عبادت کردند، سپس از آنها درگذشتیم، و برای موسی حتی آشکار در برابر قومش عطا کردیم.

﴿وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [النساء: ۱۵۴].

﴿۱۵۴﴾ و به سبب گرفتن پیمان محکم بر آنها، برای ترساندن، کوه را بالای سرشان برافراشتیم تا به مفاد آن عمل کنند، و پس از برافراشتن کوه به آنها گفتیم: سجده کنان با خم کردن سرهای تان از در بیت المقدس وارد شوید، پس درحالی که بر نشیمنگاه های شان می خزیدند وارد شدند، و به آنها گفتیم: با اقدام به شکار در روز

شنبه از حد نگذرید، اما کاری جز بی حرمتی نکردند و به شکار پرداختند، در حالی که پیمانی محکم و استوار در این مورد از آنها گرفته بودیم، اما این پیمان را شکستند.

برخی فواید آیات:

- برای مظلوم جایز است که ظلم و ظالم خود را برای کسی که امید دارد حقش را از ظالم بگیرد بازگو کند، هر چند سخنی بگوید که ظالم را ناراحت می کند.
- تشویق مظلوم بر گذشت - حتی زمانی که قدرت دارد - چنان که پروردگار - سبحانه - با وجود قدرت خویش، مجازات بندگان را می بخشد.
- تفاوت گذاشتن میان رسولان با ایمان به برخی از آنها بدون برخی دیگر جایز نیست، بلکه ایمان به همگی آنها واجب است.

﴿فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۱۵۵].

﴿۱۵۵﴾ پس آنها را از رحمت خویش رانديم به سبب اينکه پيمان محکمی را که از آنها گرفته شده بود شکستند، و به سبب کفرشان به آیات الله، و جسارتشان بر کشتن پیامبران، و این سخنشان که به محمد ﷺ گفتند: دل های ما در پوشش است، پس سخنان را در نمی یابد، درحالی که امر آن گونه که می گفتند نبود، بلکه الله بر دل های شان مهر زده بود به این سبب خیری به آن نمی رسید، پس جز ایمان کمی که نفعی برای شان ندارد ایمان نمی آورند.

﴿وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۵۶].

﴿۱۵۶﴾ و به سبب کفرشان و اتهام زنا که به ناحق و از روی بهتان به مریم زدند، آنها را از رحمت رانديم.

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا﴾ [النساء: ۱۵۷].

﴿۱۵۷﴾ و آنها را لعنت کردیم به سبب این سخن دروغشان که با افتخار گفتند: ما عیسی مسیح پسر مریم، رسول الله را کشتیم. اما آن گونه که ادعا کردند او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه مردی را کشتند و به دار کشیدند که الله او را شبیه عیسی درآورد، پس گمان کردند که مقتول همان عیسی است. و یهودیانی که مدعی قتل او بودند و مسیحیانی که عیسی را به آنها تسلیم کردند، هر دو گروه در مورد او در حیرت و تردید هستند، آنها هیچ علمی به آن ندارند، و فقط از گمان پیروی می کنند، درحالی که گمان ذره ای از حق بی نیاز نمی گرداند، و به طور قطع آنها عیسی را نکشتند و او را به دار نیاویختند.

﴿بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۵۸].

﴿۱۵۸﴾ بلکه الله او را از مکر آنها نجات داد، و جسم و روح او را به سوی خودش بالا برد، و الله در فرمانروایی خویش شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و در تدبیر و حکم و شریعتش بسیار داناست.

﴿وَإِن مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا﴾ [النساء: ۱۵۹].

﴿۱۵۹﴾ و از اهل کتاب هیچ کس نیست مگر اینکه پس از نزول عیسی در آخرالزمان و قبل از مرگش به او ایمان خواهد آورد، و عیسی در روز قیامت بر اعمال آنها، چه اعمالی که موافق شریعت و چه اعمالی که مخالف شریعت هستند، گواه است.

﴿فَيُظْلَمُ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا﴾ [النساء: ۱۶۰].

﴿۱۶۰﴾ پس به سبب ستم یهودیان، و به سبب بازداشتن خودشان و دیگران از راه الله، تا آنجا که بازداشتن از خیر، خصلت و عادت آنها شد، برخی از خوراکی‌های پاکیزه را که برای شان حلال بود بر آنها حرام کردیم، پس هر حیوان چنگال‌داری را، و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را به استثنای پیه‌هایی که بر پشت آن دو قرار دارد، بر آنها حرام کردیم.

﴿وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّ وَقَدْ نُفُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۱].

﴿۱۶۱﴾ و به سبب اینکه به ربا داد و ستد کردند پس از آن که الله آنها را از خوردن ربا نهی کرد، و به سبب گرفتن اموال مردم بدون حق شرعی، و لذا عذابی رنج‌آور برای کافران آنها آماده ساخته‌ایم. پس از بیان عیوب اهل کتاب، مؤمنان آنها را ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۶۲].

﴿۱۶۲﴾ اما یهودیان ثابت‌قدم و توانگر در علم و مؤمنان، به قرآن که الله بر تو - ای رسول - نازل کرده ایمان دارند، و به کتاب‌هایی مانند تورات و انجیل که برای رسولان پیش از تو فرورستاده است ایمان دارند، و نماز برپا می‌دارند، و زکات اموال شان را می‌پردازند، و به الله به عنوان معبودی یگانه که هیچ شریکی ندارد و به روز قیامت ایمان دارند، به زودی پاداشی بزرگ به این افراد خواهیم داد.

برخی فواید آیات:

- زدن مُهر بر دل‌ها، سبب محرومیت از فهمیدن است.
- بیان دشمنی یهودیان با پیامبر الله عیسی علیه السلام، که تا مرحله تلاش برای قتل او رسیدند.
- بیان جهل و سرگردانی مسیحیان در مسأله به دار آویختن عیسی علیه السلام، و برخورد آنها با این مسأله با گمان‌های فاسد.
- بیان فضیلت علم؛ زیرا برخی از اهل کتاب تا جایی در علم توانا هستند که سبب ایمان آنها به پیامبر محمد صلی الله علیه و آله می‌گردد.

﴿ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴾ [النساء: ۱۶۳].

﴿۱۶۳﴾ - ای رسول - قطعاً ما به تو وحی کردیم همان گونه که به پیامبران پیش از تو وحی کردیم، پس تو مورد تازه‌ای از میان رسولان نیستی، زیرا ما به نوح و پیامبرانی که پس از او آمدند وحی کردیم، و به ابراهیم و دو پسرش: اسماعیل و اسحاق، و به یعقوب پسر اسحاق، و به اسباط (پیامبران دوازده‌گانه از پسران یعقوب علیه السلام) در میان قبائل بنی اسرائیل) وحی کردیم، و به داود کتابی که همان زبور است عطا کردیم.

﴿ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا ﴾ [النساء: ۱۶۴].

﴿۱۶۴﴾ و رسولانی فرستادیم که قصه آنها را در قرآن برای بیان کردیم، و رسولانی فرستادیم که از روی حکمتی قصه آنها را در قرآن برای بیان نکردیم، و الله برای گرامی داشتن موسی، با او به نبوت - بدون واسطه - به صورت حقیقی صحبت کرد.

﴿ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴾ [النساء: ۱۶۵].

﴿۱۶۵﴾ آنها را بشارت‌دهنده به پاداش گرامی برای کسانی که به الله ایمان آورند، و ترساننده برای کسانی که کفر ورزند از عذاب دردآور فرستادیم، تا پس از ارسال رسولان، حجتی برای مردم در برابر الله نباشد که به آن عذر آورند، و الله در فرمانروایی خویش شکست‌ناپذیر و در حکم خویش بسیار داناست.

﴿ لَكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴾ [النساء: ۱۶۶].

﴿۱۶۶﴾ - ای رسول - اگر یهود به تو کفر می‌ورزند، همانا الله به صحت قرآن که بر تو فرو فرستاده است تو را تصدیق می‌کند. الله در قرآن (آن بخش از) علمش را که اراده کرده بندگان بر آن آگاهی یابند از جمله آنچه که بسیار دوست دارد و آنچه سبب رضایتش است یا آنچه نمی‌پسندد و آنچه از آن بیزار است را فرو فرستاده است. و با وجود گواهی الله، فرشته‌ها نیز به راستی آنچه آورده‌ای گواهی می‌دهند،

کافی است که الله گواه باشد، زیرا گواهی او تعالی از گواهی دیگران بی نیاز می گرداند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ [النساء: ۱۶۷].

﴿۱۶۷﴾ قطعاً کسانی که به نبوت تو کفر ورزیدند، و مردم را از اسلام بازداشتند از حق بسیار دور گشته اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْزِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا﴾ [النساء: ۱۶۸].

﴿۱۶۸﴾ قطعاً کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیدند، و با ماندن بر کفر بر خودشان ستم کردند، الله بر آن نیست که تا زمانی که بر کفر اصرار می ورزند آنها را ببخشد، و بر آن نیست که آنها را به راهی که از عذاب الله نجات می دهد راهنمایی کند.

﴿إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ [النساء: ۱۶۹].

﴿۱۶۹﴾ مگر راهی که به ورود به جهنم منجر می شود که برای همیشه در آن می ماند، و این کار برای الله آسان است، زیرا هیچ چیز نمی تواند او را ناتوان سازد.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [النساء: ۱۷۰].

﴿۱۷۰﴾ ای مردم، محمد رسول الله ﷺ هدایت و دین حق را از جانب الله متعال برای تان آورده است، پس به آنچه که آورده ایمان بیاورید که در دنیا و آخرت برای تان بهتر است، و اگر به الله کفر ورزید قطعاً الله از ایمان شما بی نیاز است، و کفر شما به او زیان نمی رساند، زیرا آنچه در آسمان ها، زمین و میان آن دو است، از آن او تعالی است، و الله می داند که چه کسی سزاوار هدایت است پس هدایت را برایش فراهم می سازد، و می داند چه کسی سزاوار هدایت نیست پس او را نسبت به هدایت کور می سازد، در اقوال و افعال و تشریح و تقدیرش بسیار داناست.

برخی فواید آیات:

- اثبات نبوت و رسالت در مورد نوح و ابراهیم و سایر پیامبران عليهم السلام از نسل آن دو که الله آنها را نام برد و پیامبرانی که به سبب حکمتی که الله می داند اخبارشان بیان نشده است.

- اثبات صفت کلام الله متعال به گونه‌ای که شایسته ذات و جلال اوست، چنان که الله متعال با پیامبرش موسی عليه السلام سخن گفته است.
- تسکین پیامبر محمد صلى الله عليه وآله با بیان اینکه الله متعال بر راستی ادعای پیامبری او گواهی می‌دهد، و همچنین فرشتگان بر این امر گواهی می‌دهند.

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلَّمْتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [النساء: ۱۷۱].

﴿۱۷۱﴾ - ای رسول - به نصارای پیرو انجیل بگو: در دین تان از حد مگذرید، و در مورد عیسی علیه السلام جز سخن حق بر الله مبنیدید، همانا عیسی مسیح پسر مریم، فرستاده الله است که به حق او را فرستاد، الله او را به کلمه‌ای که جبرئیل آن را نزد مریم آورد آفرید، و این کلمه این است: کُنْ: باش، آن گاه موجود شد، و آن یک بار دمیدن از جانب الله است که جبرئیل علیه السلام به امر الله آن را دمید، پس به الله و تمام رسولانش بدون گذاشتن تفاوت میان آنها ایمان بیاورید، و نگویید معبودان، سه گانه هستند، از این سخن دروغ و فاسد بازایستید که بازایستادن از آن در دنیا و آخرت برای تان بهتر است. همانا الله، معبودی یگانه است که از شریک و فرزند مُنَزَّه است؛ زیرا او بی نیازی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن اوست، و برای آنچه در آسمان‌ها و زمین است همین کافی است که الله سرپرست و تدبیرکننده آنها است.

﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا﴾ [النساء: ۱۷۲].

﴿۱۷۲﴾ عیسی پسر مریم ابا ندارد و امتناع نمی‌ورزد از اینکه بنده الله باشد، و فرشتگانی که الله آنها را مُقَرَّب خود قرار داده و جایگاه آنها را بالا برده است ابا و امتناع نمی‌ورزند از اینکه بندگان الله باشند، پس چگونه عیسی را به عنوان معبود می‌گیرید؟! و چگونه مشرکان فرشتگان را به عنوان معبودانی می‌گیرند؟! و هرکس از عبادت الله ابا ورزد، و از آن خودداری کند، همانا الله به زودی همگی را در روز قیامت به سوی خودش گرد خواهد آورد، و هرکس را به آنچه که مستحق است جزا می‌دهد. پس از اینکه فرمود الله همگی را به سوی خود گرد می‌آورد، جزای آنها را این گونه بیان می‌کند:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [النساء: ۱۷۳].

۱۷۳ اما کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و رسولانش را تصدیق کرده‌اند، و با اخلاص برای الله و طبق آنچه حکم کرده است اعمال صالح انجام دادند، پاداش اعمالشان را بدون کاستی خواهد داد، و از فضل و احسان خویش بر آن خواهد افزود، و اما کسانی که از عبادت و طاعت الله ابا ورزیده‌اند و از روی تکبر خودداری کرده‌اند، به زودی آنها را با عذابی رنج‌آور عذاب خواهد کرد، و کسی غیر از الله نمی‌یابند که پشتیبانی آنها را به عهده بگیرد تا برای‌شان جلب منفعت کند، و یآوری نمی‌یابند تا ضرر را از آنها دفع کند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾ [النساء: ۱۷۴].

۱۷۴ ای مردم، از جانب پروردگارتان حجتی آشکار برای‌تان آمده است که عذر را از بین می‌برد و شبهه را برطرف می‌سازد- این حجت محمد ﷺ است-، و نوری آشکار به سوی‌تان فرو فرستادیم، که همان قرآن است.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ [النساء: ۱۷۵].

۱۷۵ اما کسانی که به الله ایمان آوردند و به قرآن که بر پیامبرشان نازل شده چنگ زدند، الله به زودی با ورود به بهشت بر آنها رحم خواهد نمود، و بر پاداش و بالابردن درجاتشان می‌افزاید، و آنها را به پیمودن راه راستی که هیچ کجی و انحرافی ندارد توفیق می‌دهد، همان راهی که به بهشت‌های جاویدان منتهی می‌شود.

برخی فواید آیات:

- بیان اینکه مسیح و نیز مادرش انسان هستند، و اینکه مسیحیان گمراه در مورد آن دو تا جایی غلو کردند که آن دو را از حد انسان بودن بالا بردند.

- بیان بطلان شرک مسیحیانی که قائل به تثلیث (قائل بودن به اقنوم سه‌گانه: پدر، پسر و روح‌القدس) هستند، و منزّه شمردن الله متعال از اینکه شریک یا شبیه یا خویشاوند و نزدیکی داشته باشد، و بیان یگانگی او - سبحانه - به وحدانیت در ذات و اسما و صفات.
- اثبات اینکه عیسی علیه السلام و فرشتگان همگی بندگانی مخلوق هستند که از اعتراف به عبودیت خویش برای الله متعال و اجرای اوامرش خودداری نمی‌کنند، پس چگونه برای‌شان جایز است که به عنوان معبود گرفته شوند درحالی که بندگان الله متعال هستند؟!
- در دین، دلایل و حجت‌هایی عقلی وجود دارد که شبهات را برطرف می‌سازد، و نور و هدایتی وجود دارد که سرگردانی و شهوات را دفع می‌کند.

﴿يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ امْرُؤَهُ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [النساء: ۱۷۶].

﴿۱۷۶﴾ - ای رسول - از تو می‌خواهند که در مورد میراث کلاله فتوا دهی، کلاله کسی است که می‌میرد و پدر و فرزندى به جای نمی‌گذارد، بگو الله حکم کلاله را بیان می‌فرماید: اگر شخصی که پدر و فرزند ندارد بمیرد، و خواهری شقیق (پدری و مادری) یا خواهری پدری داشته باشد، نصف اموال ماترک از طریق فرض برای خواهر است، و برادران شقیق یا پدری، اموال ماترک را به تعصیب می‌برند اگر همراه او صاحب فرضی نباشد (خویشاوندان پدر را عصبه گویند)، اما اگر همراه او صاحب فرضی بود، باقی ماترک را پس از صاحب فرض، ارث می‌برد، اما اگر خواهران شقیق یا پدری متعدد بودند - یعنی دو خواهر یا بیشتر بودند - دو سوم را به فرض، ارث می‌برند، و اگر خواهران و برادران شقیق یا پدری با هم بودند، به تعصیب و طبق قاعده (لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ؛ سهم مرد، برابر سهم دو زن است) ارث می‌برند، یعنی سهم مرد آنها دو برابر سهم زن است. الله حکم کلاله و سایر احکام میراث را برای‌تان بیان می‌فرماید تا در مورد آن گمراه نشوید، و الله از هر چیزی آگاه است، و ذره‌ای بر او پوشیده نمی‌ماند.

سوره المائدة

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

وفا به قراردادهای و پایبندی به احکام و حدود و کامل کردن دین.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ﴾ [المائدة: ۱].

۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به تمام پیمان‌هایی که میان شما و آفریدگارتان و میان شما و مخلوقاتش بسته شده است وفا کنید، و الله - برای رحمت به شما - (گوشت) چهارپایان (شتر و گاو و گوسفند) را برای‌تان حلال گردانیده است مگر آنچه که تحریم آن بر شما خوانده می‌شود، و جز شکار بیابانی که در حال احرام به حج یا عمره بر شما حرام قرار داده شده است، همانا الله بر اساس حکمت خویش به آنچه از تحلیل و تحریم که بخواهد فرمان می‌دهد، پس هیچ اجبارکننده‌ای ندارد، و هیچ اعتراض‌کننده‌ای بر حکمش نیست.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهُدَىٰ وَلَا الْأَقْلَابِ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [المائدة:

.۱۲

۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید حرمت‌های الله را که شما را به بزرگ‌داشتن آنها فرمان داده است حلال شمارید، و از ممنوعات احرام دست بکشید؛ مانند: پوشیدن لباس دوخته، و از محرمت حرم مانند شکار، و در ماه‌های حرام (ذوالقعدة، ذوالحجه، محرم و رجب) قتل را حلال شمارید، حیواناتی که به حرم روانه می‌شوند تا در آنجا برای الله قربانی شوند، با غضب و مانند آن، یا جلوگیری از رسیدن آن به محلش حلال شمارید، و چهارپایانی را که برای اشعار (اعلام) به اینکه هدای هستند گردن‌بندی از پشم و غیر آن بر آنهاست حلال شمارید، و کسانی را که در جستجوی سود تجارت و رضایت الله آهنگ سفر به بیت الله الحرام را دارند حلال شمارید، و هرگاه از احرام به حج یا عمره درآمدید، و از حرم خارج شدید، اگر خواستید شکار کنید، و نباید کینه‌گروهی که شما را از مسجد الحرام بازداشتند، شما را به ستم و ترک عدالت در مورد آنها وادارد، و - ای مؤمنان - بر انجام آنچه به آن فرمان یافته‌اید، و ترک آنچه از آن نهی شده‌اید با یکدیگر همکاری کنید، و با پایبندی به طاعت الله و دوری از نافرمانی‌اش، از او تعالی بترسید، به راستی که الله نسبت به کسانی که از او نافرمانی کنند سخت کیفر است، پس از عذاب او برحذر باشید.

برخی فواید آیات:

- توجه الله به تمام احوال وارثان در تقسیم میراث میان آنها.
- اصل، حلال بودن تمام چهارپایان است، جز آنچه که دلیل خاصی بر تحریم آن وجود داشته باشد، یا شکاری باشد که برای مُحْرِم در حج یا عمره عرضه می شود.
- نهی از حلال شمردن محرّمات؛ از جمله: ممنوعات احرام، شکار در حرم، قتال در ماه‌های حرام، حلال شمردن هدی با غضب و مانند آن، یا جلوگیری از رسیدن هدی به محلش.

﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلِيَ لِعَیْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ
وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ
وَأَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكَمْ فِسْقُ الْيَوْمِ بَیْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا
تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ
لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ
رَّحِيمٌ﴾ [المائدة: ۳].

③ الله این موارد را بر شما حرام قرار داده است: حیواناتی را که بدون ذبح مرده باشند، خون ریخته شده، گوشت خوک، آنچه که نامی غیر از نام الله هنگام ذبح بر آن برده شده باشد، مُرده بر اثر خفگی، مُرده بر اثر ضربه، مرده بر اثر سقوط از مکانی مرتفع، مرده بر اثر شاخ زدن حیوانی دیگر، حیوانی که درندگان مانند شیر و پلنگ و گرگ دریده باشند، مگر اینکه موارد مذکور را زنده دریابید و ذبح کنید، که در این صورت برای تان حلال است. و برای شما حرام گردانیده است حیوانی را که برای بتان ذبح شده است، و اینکه چیزی را از طریق غیبی و پیشگویی با اقداح (تیرهای قمار) برای تان تقسیم شده است بجوید، اقداح، سنگ یا تیرهایی است که بر روی آن (افعل = انجام بده) (لاتفعل = انجام نده) نوشته شده است که بر اساس موردی که هنگام قرعه خارج می گردد عمل می شود. انجام این محرمات مذکور، خروج از طاعت الله است. امروزه کافران چون قدرت اسلام را دیده اند از بازگشت شما از دین اسلام نومید شده اند، پس از آنها نترسید و فقط از من بترسید، امروز دین شما را که همان اسلام است برای تان کامل کردم، و نعمت آشکار و پنهانم را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را به عنوان دین برای تان برگزیدم، پس دینی غیر از آن نمی پذیرم، اما هرکس به سبب گرسنگی، بدون اینکه رغبتی به گناه داشته باشد از مُردار بخورد، در این مورد گناهی بر او نیست؛ به راستی که الله بسیار آمرزنده و مهربان است.

الله تعالی پس از اینکه خوردنی های حرام را نام برد، برای بیان خوراکی های حلال

فرمود:

﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ
تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [المائدة: ۴].

④ - ای رسول - اصحابت از تو می پرسند که الله خوردن چه چیزی را برای شان حلال گردانیده است؟ - ای رسول - بگو: الله خوراکی های پاکیزه، و خوردن آنچه که شکارچیان آموزش دیده نیش دار مانند سگان و یوزپلنگان و چنگال دار مانند شاهین ها شکار کرده اند، که شما شکار را از علم به آداب شکار که الله بر شما ارزانی داشت به آنها آموزش داده اید، تا به حدی رسیده اند که وقتی به آنها فرمان داده شود فرمان می برند، و هرگاه بازداشته شوند باز می ایستند، پس از شکاری که آن را نمی خورند بخورید هر چند آن را کشته باشند، و اسم الله را هنگام فرستادن آنها ببرید، و با امتثال اوامر و خودداری از انجام نواهی الله، از او تعالی بترسید، که الله اعمال را سریع محاسبه می کند.

﴿الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ
لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ
إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ
بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [المائدة: ۵].

⑤ امروز الله خوردن خوراکی های لذیذ، و ذبیحه های اهل کتاب، چه یهودیان و چه مسیحیان را برای شما حلال قرار داده است، و ذبیحه های شما را برای اهل کتاب حلال قرار داده است، و ازدواج با زنان آزاد مؤمن پاکدامن، و زنان آزاد پاکدامن از یهودیان و مسیحیان که قبل از شما به آنها کتاب داده شده است را برای تان حلال گردانیده است به شرط آن که مهریه های آنها را بپردازید، و خودتان از ارتکاب فاحشه پاک باشید بدون اینکه معشوقه هایی برای زنا کردن بگیرید، و هرکس به احکامی که الله برای بندگانش تشریح کرده است کفر ورزد، به طور قطع عمل او به دلیل نبود شرط ایمان، باطل گشته است، و در روز قیامت از زیانکاران خواهد بود، چون وارد آتش جهنم می شود و برای همیشه در آن می ماند.

برخی فواید آیات:

- تحریم آنچه که بدون ذبح شرعی مرده باشد، خون ریخته شده، گوشت خوک، آنچه که هنگام ذبح، نامی غیر از نام الله بر آن برده شده باشد، هر مرداری که بر اثر خفگی، یا ضربه، یا سقوط از بلندی، یا شاخ زدن، یا دریده شدن به وسیله حیوان وحشی مرده باشد، مگر آنچه که زنده یافت شود و با ذبح شرعی قربانی گردد.
- حلال بودن آنچه که حیوانات نیش دار یا چنگال دار آموزش دیده، شکار کرده باشند.
- مباح بودن ذبیحه های اهل کتاب، و ازدواج با زنان آزاد پاکدامن آنها.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ
وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ
مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا
مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِّنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ
عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ﴾ [المائدة: ۶].

۶ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه خواستید برای ادای نماز برخیزید، و دچار
حَدَث اصغر (بی‌وضویی) بودید، وضو بگیرید به این نحو که صورت‌های تان را بشویید،
و دست‌های تان را تا آرنج و به همراه آرنج بشویید، و سرهای تان را مسح کنید، و
پاهای تان را به همراه قوزک‌ها که از مفصل ساق برآمده است بشویید، اما اگر به
حَدَث اکبر (بی‌غسلی) دچار بودید غسل کنید، و اگر چنان بیمار بودید که از تشدید
بیماری یا تأخیر در بهبودی آن می‌ترسیدید، یا در حال سلامتی مسافر بودید، یا به
حَدَث اصغر مانند قضای حاجت دچار بودید، یا به حَدَث اکبر مانند آمیزش با زنان
دچار بودید، و پس از جستجو آب نیافتید که با آن خود را پاک کنید، آهنگ روی
زمین کنید، و دستان تان را به آن بزنید، و صورت‌ها و دستان تان را به آن مسح
کنید، الله بر آن نیست که در احکامش شما را به سختی بیندازد و شما را به
استعمال آب وقتی به زیان شما منجر می‌شود ملزم سازد، بلکه برای اینکه نعمت
خویش را بر شما تمام گرداند، هنگام دشواری استفاده از آب به سبب بیماری یا
نبود آب، جایگزین آن را برای تان تشریح کرده است، باشد که شکر نعمت‌هایی را که
الله برای تان ارزانی داشته است به جای آورید و از آنها ناسپاسی نکنید.

﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [المائدة: ۷].

۷ و نعمت الله را به یاد آورید که شما را به اسلام هدایت کرد، و به یاد آورید عهد او
را که براساس آن از شما پیمان گرفت، آن‌گاه که پیامبر بر شنیدن و فرمان بردن در
خوشی و ناخوشی از شما بیعت گرفت و شما گفتید: سخت را شنیدیم و از فرمانت
اطاعت کردیم، و با امتثال اوامر الله - از جمله پیمان‌هایش - و اجتناب از نواهی

اش، از او تعالی بترسید، به راستی که الله از آنچه در دل هاست آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾
[المائدة: ۸].

۸ ای کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده‌اید، در جستجوی خشنودی الله حقوق او بر خودتان را به پا دارید، و به عدالت و نه به ستم گواهی دهید، و کینه گروهی شما را به ترک عدالت و اندارد، زیرا رعایت عدالت با دوست و دشمن مطلوب است، پس با هر دو عدالت را برقرار کنید، زیرا عدالت، به ترس از الله و ستم، به گستاخی بر الله نزدیک‌تر است، و با اجرای اوامر الله و اجتناب از نواهی‌اش از او تعالی بترسید، الله چنان از اعمال شما آگاه است که ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند و شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [المائدة: ۹].

۹ - الله - که هرگز خلف وعده نمی‌کند - به کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، آمرزش گناهان‌شان و پاداش بزرگ ورود به بهشت را وعده داده است.

برخی فواید آیات:

- اصل در طهارت، استعمال آب با وضو از حدّث اصغر، و غسل از حدّث اکبر است.
- در حال دشواری دسترسی به آب، یا دشواری بودن استعمال آن به دلیل بیماری بازدارنده یا سرمایی سخت، تیمم (با خاک) برای رفع حکم حدّث (اصغر یا اکبر) تشریح شده است.
- امر به اجرای عدالت و ترک ستم حتی در رفتار با مخالفان.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [المائدة: ۱۰].

و کسانی که به الله کفر ورزیدند و آیاتش را تکذیب کردند، همان‌ها ساکنان آتش هستند که به مجازات کفر و تکذیب‌شان در آن درمی‌آیند، و همیشه در آن می‌مانند چنان‌که دوست، همنشین دوستش است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [المائدة: ۱۱].

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با قلب و زبان به یاد آورید نعمت امنیت و افکندن ترس در دل‌های دشمنان‌تان را که بر شما ارزانی داشت آن‌گاه که قصد کردند دست‌های‌شان را برای مجازات شما دراز کنند و شما را از پای درآورند، اما الله آنها را از شما بازداشت و شما را در برابر آنها محافظت کرد، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، تقوای او تعالی را پیشه کنید، و مؤمنان در تحصیل مصالح دینی و دنیوی‌شان فقط باید به الله تکیه کنند.

﴿* وَ لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ [المائدة: ۱۲].

در حقیقت الله پیمان محکمی از بنی‌اسرائیل گرفته است که مفاد آن به زودی بیان می‌شود، و دوازده رئیس بر آنها قرار داد، که هر رئیسی ناظر بر افراد زیردستش بود، و الله به بنی‌اسرائیل فرمود: همانا من شما را یاری و تقویت می‌کنم تا زمانی که نماز را به کامل‌ترین وجه ادا کنید، و زکات اموال‌تان را بپردازید، و تمام رسولانم را بدون تفاوت گذاشتن تصدیق کنید، و به آنها احترام گذارید، و یاری‌شان کنید، و در راه‌های خیر انفاق کنید، پس هرگاه تمام این امور را انجام دادید، بدی‌هایی را که مرتکب شده‌اید خواهیم پوشاند، و شما را در روز قیامت به بهشت‌هایی که رودها از زیر کاخ‌های‌شان جاری است درخواهم آورد، اما هرکس بعد از گرفتن این پیمان محکم کفر ورزد، به‌طور قطع از روی علم و عمد از راه حق گمراه شده است.

﴿فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ
وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَاعْفُ
عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [المائدة: ۱۳].

﴿۱۳﴾ آن گاه به این سبب که پیمانی را که از آنها گرفته بودیم شکستند، آنها را از رحمت خویش راندیم، و دل‌های‌شان را سخت و سنگی قرار دادیم که خیری به آن نمی‌رسید، و پندی به آن نفع نمی‌رساند، کلمات را با تبدیل الفاظش، و با تأویل معانی‌اش براساس آنچه موافق شهوات‌شان است از مواضع خود تغییر می‌دهند، و به بعضی از آنچه که به آن اندرز داده شده بودند عمل نکردند، و - ای رسول - همواره خیانت به الله و بندگان مؤمن او از جانب آنها بر تو آشکار می‌گردد، مگر شمار اندکی از آنها که به پیمانی که از آنها گرفته شده است وفا کردند، پس آنها را ببخشای و مؤاخذه نکن، و از آنها چشم‌پوشی کن؛ زیرا این کار، نیکوکاری به شمار می‌رود، و الله نیکوکاران را دوست دارد.

برخی فواید آیات:

- از بزرگترین نعمت‌های الله بر پیامبر ﷺ و اصحابش این بود که آنها را حمایت کرد و آزار و اذیت‌های کافران را از آنها بازداشت.
- ایمان به رسولان و یاری‌رساندن به آنها، برپایی نماز و پرداخت زکات به وجه مطلوب، سببی بزرگ برای حصول همراهی الله متعال، و ایجاد اسباب پیروزی و قدرت‌یابی و آمرزش و ورود به بهشت است.
- شکستن پیمان‌های تعهدآور به طاعت رسولان، سبب خشونت و سختی دل‌هاست.
- سرزنش روش‌های یهودیان در تحریف کتاب‌های آسمانی که الله بر آنها فرو فرستاده بود.

﴿وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾
[المائدة: ۱۴].

﴿۱۴﴾ همان گونه که از یهودیان پیمانی محکم و موثق گرفتیم، از کسانی که خودشان را تزکیه می کردند به این ادعا که پیروان عیسی علیه السلام هستند نیز پیمان گرفتیم، اما به بخشی از آنچه که به آن اندرز داده شده بودند عمل نکردند، چنان که پیشینیان آنها از یهود چنین کاری انجام دادند، و دشمنی و نفرت شدید تا روز قیامت در میان شان افکندیم، پس با یکدیگر به پیکار و کشتار پرداختند و یکدیگر را تکفیر می کنند، و الله به زودی آنها را از آنچه می کرده اند خبر می دهد و آنها را در قبال آن مجازات می کند.

الله پس از بیان اهل کتاب و پیمان هایی که از آنها گرفت، و شکستن پیمان ها توسط آنها، آنها را به ایمان به محمد صلی الله علیه و آله امر کرد و فرمود:

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ [المائدة: ۱۵].

﴿۱۵﴾ ای اهل کتاب، چه یهودیان اصحاب تورات و چه مسیحیان اصحاب انجیل؛ رسول ما محمد صلی الله علیه و آله نزدتان آمده است که بسیاری از حقایق کتابی را که به شما فرو فرستاده شده است پنهان می کردید برای تان بیان می کند، و از بسیاری از آنچه که مصلحتی جز رسوایی شما ندارد درمی گذرد، قرآن به عنوان کتابی از جانب الله برای تان آمده است، این کتاب نوری است که از آن روشنایی گرفته می شود، و کتابی روشنگر برای تمام نیازهای دینی و اخروی مردم است.

﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [المائدة: ۱۶].

﴿۱۶﴾ الله با این کتاب، کسانی را که با ایمان و عمل صالح به دنبال رضایتش باشند، به راه های نجات از عذاب الله راهنمایی می کند، یعنی همان راه هایی که به بهشت می رسد، و به اذن خویش آنها را از تاریکی های کفر و نافرمانی، به نور ایمان و فرمان برداری درمی آورد، و آنها را به راه استوار و مستقیم اسلام توفیق می دهد.

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا
 إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [المائدة:
 ۱۷].

⑦ در حقیقت، مسیحیانی که گفتند الله همان عیسی مسیح پسر مریم است کفر ورزیدند، - ای رسول - به آنها بگو: اگر الله اراده کند که عیسی مسیح پسر مریم و مادرش، و تمام ساکنان زمین را نابود سازد، چه کسی می‌تواند او را از این کار بازدارد؟! حال که هیچکس قدرت ندارد که الله را از این کار بازدارد، مشخص می‌شود که هیچ معبودی جز الله نیست، و اینکه همگی، عیسی پسر مریم و مادرش و سایر مخلوقات، آفریده الله هستند، و آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن الله است، هرچه بخواهد می‌آفریند، و از جمله آن، عیسی علیه السلام است، که بنده و رسول او تعالی است، و الله بر هر چیزی تواناست.

برخی فواید آیات:

- عمل نکردن به میثاقها و پیمانهای الله، گاهی وقوع دشمنی و گسترش نفرت و بیزاری و پیکار را میان مخالفان امر الله متعال به وجود می‌آورد.
- پاسخ به مسیحیان که می‌گویند الله متعال در مسیح علیه السلام تجسم پیدا کرد، و بیان کفر و گمراهی سخن‌شان.
- یکی از دلایل بطلان الوهیت مسیح علیه السلام این است که اگر الله متعال بخواهد مسیح علیه السلام و مادرش و تمام ساکنان زمین را نابود کند، هیچ‌کس نخواهد توانست او را از این کار بازدارد، و این موضوع، یگانگی الله متعال در امر و اینکه معبودی غیر از او نیست را ثابت می‌کند.
- یکی دیگر از دلایل بطلان الوهیت مسیح این است که الله متعال در مورد خودش فرموده است که ﴿يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ﴾ [آل عمران: ۴۷]؛ «هرچه بخواهد می‌آفریند». چنان‌که از پدر و مادر می‌آفریند، و از مادر بدون پدر می‌آفریند مانند آفرینش عیسی علیه السلام، و از جمادات می‌آفریند همانند آفرینش مار موسی علیه السلام، و از مرد بدون زن می‌آفریند همان‌گونه که حوا را از آدم آفرید.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ [المائدة: ۱۸].

﴿۱۸﴾ هر یک از یهود و نصاری ادعا کردند که پسران و دوستان الله هستند، - ای رسول - در پاسخ به آنها بگو: چرا الله شما را به سبب گناہانی که مرتکب می‌شوید عذاب می‌کند؟! اگر چنان که ادعا می‌کنید دوستان او بودید، شما را با قتل و مسخ در دنیا و با آتش در آخرت عذاب نمی‌کرد؛ زیرا او تعالی کسی را که دوست دارد عذاب نمی‌کند، بلکه شما مانند سایر انسان‌ها، انسان هستید، که الله به هرکس از آنها که نیکی کند بهشت را جزا می‌دهد، و هرکس را که بدی کند با آتش مجازات می‌کند، پس الله هرکس را بخواهد به فضل خویش می‌بخشد، و هرکس را بخواهد به عدالت خویش عذاب می‌کند، و آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو است، فقط از آن الله است، و بازگشتگاه فقط به سوی اوست.

﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [المائدة: ۱۹].

﴿۱۹﴾ ای اهل کتاب، چه یهود و چه نصاری، رسول ما محمد ﷺ پس از انقطاع رسولان و نیاز شدید به ارسال او نزدتان آمده است؛ تا این‌گونه عذر نیاورید: رسولی نزد ما نیامد تا ما را به پاداش الله بشارت دهد، و از عذاب او بترساند، در حقیقت محمد ﷺ بشارت‌دهنده به ثواب الله و ترساننده از مجازات او تعالی نزدتان آمده است، و الله بر هر چیزی تواناست، هیچ چیز نمی‌تواند از زیر قدرت او خارج شود، و از جمله مظاهر قدرت او، فرستادن رسولان و خاتمه‌بخشیدن آنها با محمد ﷺ است.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلْ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾ [المائدة: ۲۰].

﴿۲۰﴾ - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که موسی به قومش بنی‌اسرائیل گفت: ای قوم من، با دل و زبان، نعمت الله بر خودتان را یاد کنید که پیامبرانی در میان شما قرار داد که شما را به هدایت فرامی‌خوانند، و پس از آن که مملوکانی بودید که به بردگی

گرفته شده بودید شما را پادشاهانی قرار داد که مالک امر خود هستید، و از نعمت هایش چیزهایی به شما بخشید که به هیچ‌یک از جهانیان در زمان شما نداده بود.

﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾ [المائدة: ۲۱].

﴿۲۱﴾ موسی گفت: ای قوم من، به این سرزمین پاک (بیت المقدس و پیرامون آن) که الله ورود به آنها و پیکار با کافرانی که در آن هستند را به شما وعده داده بود درآیید، و از مقابل ستمکاران نگریزید، که در این صورت سرانجام شما، زیان در دنیا و آخرت خواهد بود.

﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ﴾ [المائدة: ۲۲].

﴿۲۲﴾ قوم موسی به او گفتند: ای موسی، در این سرزمین مقدس، گروهی نیرومند و قوی هستند، و این امر مانع از ورود ما به آن می‌شود، پس تا زمانی که آنها در آنجا هستند وارد آن نمی‌شویم، زیرا نیرو و قدرتی برای پیکار با آنها نداریم؛ اما اگر آنها از آن خارج شدند، ما در آن وارد می‌شویم.

﴿قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۲۳].

﴿۲۳﴾ دو مرد از اصحاب موسی عليه السلام که خشیت الهی داشتند و از عذابش می‌ترسیدند، و الله توفیق طاعت خویش را به آنها بخشیده بود، این‌گونه قوم‌شان را بر اجرای فرمان موسی عليه السلام تشویق کردند - از دروازه شهر بر گردن‌گشان وارد شوید، که اگر از این دروازه هجوم برید و وارد شهر شوید - به اذن الله - با اعتماد به سنت الله مبنی بر مترتب‌ساختن پیروزی بر به‌کارگیری اسباب ایمان به الله و آماده‌ساختن وسائل مادی، بر آنها پیروز خواهید شد و اگر واقعاً مؤمن هستید فقط به الله اعتماد و تکیه کنید؛ زیرا ایمان، مستلزم توکل بر او سبحانه است.

برخی فواید آیات:

- عذاب دادن کافران بنی اسرائیل با مسخ و سایر عذاب‌ها توسط الله، ابطال ادعای آنها را بر اینکه پسران و دوستان صمیمی الله هستند می‌رساند.

- توکل و اعتماد بر الله متعال، سبب فرود آمدن پیروزی است.
- این آیات از اخلاق پستی که بنی اسرائیل بر آن بودند بر حذر می‌دارد.
- ترس از الله، سبب نزول نعمت‌ها بر بنده می‌شود، که از بزرگترین آنها، نعمت فرمان برداری از الله متعال است.

﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَّذْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾ [المائدة: ۲۴].

۴۱ بنی اسرائیل، قوم موسی با اصرار بر مخالفت با فرمان پیامبرشان موسی علیه السلام گفتند: تا زمانی که آن ستم‌پیشه‌ها در شهر هستند ما وارد شهر نخواهیم شد، پس - ای موسی - تو و پروردگارت بروید و با آن ستمکاران بجنگید، اما ما با تخلف از پیکار با شما، در مکان خویش ثابت خواهیم ماند.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي فَافْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ [المائدة: ۲۵].

۴۲ موسی خطاب به پروردگارش عرض کرد: پروردگارا بر هیچ‌کس جز خودم و برادرم قدرتی ندارم، پس میان ما و این قوم که از طاعت تو و طاعت رسالت مخالفت می‌کنند جدایی بینداز.

﴿قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ﴾ [المائدة: ۲۶].

۴۳ الله خطاب به پیامبرش موسی علیه السلام فرمود: همانا الله ورود به سرزمین مقدس را به مدت چهل سال بر بنی اسرائیل حرام کرد، که در این مدت به صورت سرگشته گانی که هدایت نمی‌شوند در این صحرا می‌مانند، پس - ای موسی - در مورد قوم نافرمان از طاعت الله غمگین مباش؛ زیرا غذایی که به آنها می‌رسد، به سبب نافرمانی‌ها و گناهان خودشان است.

﴿* وَائْتِلْ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبِلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ [المائدة: ۲۷].

۴۴ و - ای رسول - به این یهودیان حسود و ستمکار، خبر دو پسر آدم، قابیل و هابیل، را با سخن راستی که هیچ تردیدی در آن نیست، حکایت کن، آن‌گاه که قربانی پیش آوردند و هر یک از آن دو با قربانی خویش به سوی الله سبحانه تقرب جست، اما الله قربانی هابیل را پذیرفت؛ چون با تقوا بود، و قربانی قابیل را نپذیرفت؛ زیرا متقی نبود، آن‌گاه قابیل از روی حسد بر پذیرش قربانی هابیل اعتراض کرد، و گفت: ای هابیل تو را خواهم کشت، هابیل در پاسخ گفت: الله فقط

قربانی کسی را می‌پذیرد که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌اش از او تعالی بترسد.

﴿لَيْنَ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ [المائدة: ۲۸].

﴿اگر دستت را به‌سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من در برابر تو مقابله به مثل نمی‌کنم، نه به این سبب که ترسو هستم، بلکه از الله که پروردگار مخلوقات است می‌ترسم.﴾

﴿إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ﴾ [المائدة: ۲۹].

﴿آن‌گاه برای ترساندن هابیل به او گفت: همانا من می‌خواهم که تو با گناه قتل من از روی ستم و تجاوز به گناهان سابق خویش بازگردی، آن‌گاه در زمره ساکنان آتش قرار گیری که در روز قیامت وارد آن می‌شوند، این جزا، مجازات ستمکاران است، و من نمی‌خواهم که به گناه قتل تو بازگردم و از اصحاب آتش باشم.﴾

﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الخَاسِرِينَ﴾ [المائدة: ۳۰].

﴿نفس امرکننده به بدی قاییل، قتل ظالمانه برادرش هابیل را برایش آراست، پس او را کشت، و به این سبب از زیانکارانی شد که نصیب‌شان در دنیا و آخرت را خودشان کم می‌کنند.﴾

﴿فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُورِي سَوْءَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَا أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأُورِيَ سَوْءَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ﴾ [المائدة: ۳۱].

﴿آن‌گاه الله کلاغی را فرستاد که در برابر قاییل زمین را جستجو می‌کرد تا کلاغ مرده‌ای را در آن دفن کند؛ تا به او بیاموزد که چگونه جسد برادرش را بپوشاند، آن‌گاه از حسرت‌خوردگان شد.﴾

برخی فواید آیات:

- مخالفت با رسولان، عذاب را واجب می‌گرداند، چنان‌که الله بنی‌اسرائیل را به سبب مخالفت‌شان با رسولان با سرگردانی مجازات کرد.

- از قصه دو پسر آدم به نظر می‌رسد اولین گناهی که در زمین - بر اساس ظاهر قرآن - واقع شد، و به ستم و ریختن خون حرام که موجب زیان است منجر گردید، حسادت و گردنکشی است.
- عاقبت افراد نافرمان، پشیمانی است.
- هرکس سنتی قبیح ایجاد کند یا آن را گسترش دهد و بر آن تشویق کند؛ همانند گناه کسانی که در این مورد از او پیروی کنند برای او نیز نوشته می‌شود.

﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾ [المائدة: ۳۲].

﴿۳۲﴾ به این سبب که قایبل برادرش را کشت، بنی اسرائیل را آگاه کردیم که هرکس انسانی را جز برای قصاص یا بدون آنکه فساد در زمین با کفر یا راهزنی کرده باشد، بکشد، گویی تمام مردم را کشته است؛ زیرا او میان بی گناه و جنایتکار تفاوت نگذاشته است. و هرکس از قتل کسی که الله متعال آن را حرام قرار داده است با اعتقاد به حرمت قتل آن خودداری کند و او را نکشد، گویی تمام انسان‌ها را زنده گردانیده است؛ زیرا این کار، سبب نجات تمام مردم است، و رسولان ما دلایل روشن و برهان‌های آشکاری برای بنی اسرائیل آورده بودند، با این وجود بسیاری از آنها با ارتکاب گناهان و مخالفت با رسولان‌شان از حدود الله تجاوز می‌کنند.

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [المائدة: ۳۳].

﴿۳۳﴾ کسانی که با الله و رسولش می‌جنگند، و آن را با دشمنی و برپایی فساد در زمین با قتل و ربودن اموال و راهزنی آشکار می‌کنند، مجازات‌شان جز این نیست که بدون آویخته شدن یا با آویخته شدن بر چوب و مانند آن کشته شوند، یا دست راست هر یک از آنها با پای چپش بریده شود، و اگر دوباره تکرار کرد دست چپ او با پای راستش بریده شود، یا در شهرها تبعید شوند، این مجازات برای رسواسازی آنها در دنیا است، و در آخرت عذابی بزرگ برای‌شان است.

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [المائدة: ۳۴].

﴿۳۴﴾ مگر کسانی از این محاربان که - ای اولو الامر - قبل از قدرت‌یافتن شما بر آنها توبه کنند، پس بدانید که الله پس از توبه، نسبت به آنها آمرزنده و مهربان است، و الله به رحمت خویش عذاب را از آنها ساقط می‌گرداند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۳۵].

❶ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، تقوای او را پیشه کنید، و با ادای آنچه به آن فرمان یافته‌اید و دوری از آنچه از آن نهی شده‌اید نزدیکی به او را بجوئید، و در جستجوی رضایت الله با کفار بجنگید، باشد که با انجام این موارد، به آنچه که می‌طلبید دست یابید، و از آنچه که می‌ترسید نجات یابید.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۳۶].

❷ همانا کسانی که به الله و رسولانش کفر ورزیدند، اگر مالکیت تمام آنچه در زمین است و همانند آن، برای هر یک از آنها باشد، آن‌گاه آن را ارائه کنند تا خودشان را از عذاب الله در روز قیامت نجات دهند، این فدیة از آنها پذیرفته نمی‌شود، و عذابی رنج‌آور برای‌شان است.

برخی فواید آیات:

- حرمت نفس انسان، و اینکه هرکس آن را صیانت کند و زنده گرداند، گویی این کار را برای تمام انسان‌ها انجام داده است، و هرکس به ناحق نفس یک انسان را از بین ببرد یا اذیت کند، گویی این کار را با تمام مردم انجام داده است.
- مجازات کسانی که با الله و رسولش می‌جنگند؛ یعنی کسانی که با قتل و ربودن اموال و راهزنی، فساد برپا می‌کنند: قتل بدون آویخته‌شدن به دار، یا قتل همراه آویخته‌شدن به دار، یا قطع دست و پا به صورت مخالف، یا تبعید از شهر است، این مجازات بر اساس گناهی است که از آنها سر زده است.
- توبهٔ مفسدان محارب و راهزن قبل از یافتن قدرت بر آنها، موجب بخشش است.

﴿يُرِيدُونَ أَن يُخْرَجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ [المائدة: ۳۷].

﴿۳۷﴾ وقتی که وارد آتش شوند می‌خواهند از آن درآیند، اما این امر چه سودی برای شان دارد؟! هرگز از آتش خارج نخواهند شد، و عذابی همیشگی در آن دارند. الله پس از بیان حکم کسی که مال مردم را آشکارا می‌گیرد، حکم سارق را که مال مردم را به صورت پنهانی برمی‌گیرد بیان کرده و می‌فرماید:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [المائدة: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و - ای حاکمان - دست راست مرد دزد و زن دزد را به عنوان مجازات آن دو و کیفری از جانب الله بر اینکه مال مردم را به ناحق گرفته‌اند، و ترساندن آن دو و دیگران، ببرید، و الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ چیز بر او چیره نمی‌شود، و در تقدیر و تشریح بسیار داناست.

﴿فَمَن تَابَ مِن بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [المائدة: ۳۹].

﴿۳۹﴾ اما هرکس از دزدی به سوی الله توبه کند، و عملش را نیکو گرداند، همانا الله به لطف خویش، او را می‌بخشد؛ زیرا الله گناه بندگان توبه‌کارش را می‌بخشد و نسبت به آنها مهربان است، اما اگر آنها نزد حکام برده شده باشد، توبه، حد را از آنها ساقط نمی‌کند.

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [المائدة: ۴۰].

﴿۴۰﴾ - ای رسول - در حقیقت تو دانسته‌ای که آسمان‌ها و زمین از آن الله است و هرگونه بخواهد در آن دو تصرف می‌کند، و به عدالت خویش هرکس را بخواهد عذاب می‌کند، و به فضل خویش هرکس را بخواهد می‌آمرزد، به راستی که الله بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز نمی‌تواند از زیر قدرت او خارج شود.

﴿* يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ﴾

أَخْرَيْنَ لَمْ يَأْتُوكَ يُخْرِفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿المائدة: ۴۱﴾.

﴿۴۱﴾ ای رسول، کسانی که برای به خشم آوردن تو، در اظهار اعمال کفر شتاب می ورزند تو را غمگین نسازند، چه منافقان که اظهار ایمان می کنند و پنهانی کفر می ورزند، و چه یهودیان که دروغ بزرگان شان را می شنوند و آن را می پذیرند، و از پیشوایان شان که به خاطر رویگردانی از تو نزدت نیامدند تقلید می کنند، آنها سخن الله در تورات را موافق شهوات شان تغییر می دهند، و به پیروان شان می گویند: اگر حکم محمد ﷺ با شهوات شما موافق بود از آن پیروی کنید، و اگر مخالف شهوات تان بود از آن دوری کنید، و - ای رسول - هرکس از مردم را که الله گمراهی او را اراده کند، تو کسی را نخواهی یافت که گمراهی را از او دور سازد و او را به راه حق هدایت کند، یهودیان و منافقانی که این صفات را دارند، همان کسانی هستند که الله پاکیزه شدن دل های شان از کفر را اراده نکرده است، برای شان در دنیا خواری و ننگ است، و در آخرت عذابی بزرگ؛ که همان عذاب آتش است.

برخی فواید آیات:

- حکمت مشروعیت حد سرقت: برای بازداشتن دزد از تجاوز بر اموال مردم، و ترساندن دیگران از ارتکاب عملی که دزد مرتکب شده است.
- پذیرش توبه سارق تا زمانی که نزد حاکم برده نشده است و باید مال مسروقه را بازگرداند، اما وقتی که نزد حاکم برده شد حکم واجب می گردد و حد با توبه ساقط نمی شود.
- سزاوار است که دعوتگر به سوی الله، از کفر و نیرنگ و توطئه برخی مردم، دچار غم و اندوه نشود؛ زیرا الله متعال نیرنگ آنها را باطل می گرداند.
- اشتیاق منافقان بر خشمگین کردن مؤمنان با اظهار اعمال کفر، هر چند ادعای اسلام دارند.

﴿سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاؤُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ
وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [المائدة: ۴۲].

④ این یهودیان بسیار به دروغ گوش می دهند، و مال حرام مانند ربا را بسیار می خورند، پس - ای رسول - اگر برای دادخواهی نزد تو آمدند، اگر خواستی میان آنها داوری کن، یا اگر خواستی از داوری میان آنها خودداری کن، زیرا تو میان این دو کار مخیر هستی، و اگر میان آنها داوری نکنی نخواهند توانست هیچ زبانی به تو برسانند، و اگر میان شان داوری کردی، به عدالت میان آنها حکم کن، هر چند ستمکار و دشمن باشند؛ زیرا الله کسانی را که در حکم شان عدالت را رعایت می کنند هر چند طرفین دعوا دشمنان حاکم باشند، دوست دارد.

﴿وَكَيْفَ يُحْكُمْونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا
أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۴۳].

⑤ کار اینان بسیار شگفت است، چرا که به تو کفر می ورزند، اما برای طمع در حکم تو به آنچه که موافق شهوات شان است نزد تو دادخواهی می کنند، در حالی که تورات که ادعای ایمان به آن را دارند نزدشان است و حکم الله در آن وجود دارد، سپس اگر حکم تو موافق شهوات شان نباشد به آن پشت می کنند، پس هم به آنچه در کتاب شان آمده کفر می ورزند و هم به حکم تو پشت می کنند، و کار اینان به کار مؤمنان نمی ماند، یعنی به تو و آنچه که آورده ای مؤمن نیستند.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا
وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا
النَّاسَ وَاخْشَوْا اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [المائدة: ۴۴].

⑥ همانا ما تورات را بر موسی فرو فرستادیم که در آن راهنمایی و ارشاد بر خیر و نوری روشنایی بخش بود، و پیامبران بنی اسرائیل که با طاعت تسلیم الله بودند به موجب آن داوری می کردند، و هم چنین علما و فقها به موجب آن داوری می کنند، همان کسانی که به سبب اینکه الله آنها را محافظ و امین کتابش قرار داده بود که

آن را از تحریف و تبدیل محافظت کنند، و بر آن گواه هستند که حق است، و مردم در مورد آن به آنها رجوع می‌کنند، بزرگ مردم هستند، پس - ای یهود - از مردم نترسید و فقط از من بترسید، و به جای حکم به آنچه که الله نازل فرموده است، بهای اندکی از ریاست یا مقام یا مال نگیرید، و هرکس به وسیله احکامی که الله به صورت وحی نازل کرده است حکم نکند، چه این کار را حلال بداند، یا غیر آن را بر آن ترجیح یا مساویش قرار دهد، آنها در حقیقت کافر هستند.

﴿وَكُتِبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأَذْنَ بِالْأَذْنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهُ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [المائدة: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و در تورات بر یهود مقرر کردیم که هرکس کسی را از روی عمد و به ناحق بکشد در برابر او کشته می‌شود، و هرکس چشمی را به عمد درآورد چشمش درآورده می‌شود، و هرکس بینی‌ای را به عمد ببرد بینی‌اش بریده می‌شود، و هرکس گوشی را به عمد قطع کند گوشش قطع می‌شود، و هرکس دندانی را به عمد برکند دندانش کنده می‌شود، و بر آنها مقرر کردیم که در جراحات نیز جنایتکار به مانند جنایتش مجازات می‌شود، و هرکس داوطلبانه جنایتکار را بیخشد، گذشت او کفاره گناهانش خواهد بود، زیرا کسی را بخشیده که بر او ستم کرده است، و هرکس به موجب آنچه الله در مورد قصاص و سایر امور نازل فرموده است حکم نکند، متجاوز از حدود الله است.

برخی فواید آیات:

- برشمردن برخی صفات یهود، برای بیان گمراهی آنها و برحذر داشتن از آن؛ مانند دروغ، رباخواری و محبت دادخواهی به غیر شرع.
- بیان حکم عادلانه قصاص در نفس و جراحات، که الله متعال آن را بر کسانی که قبل از ما بودند فرض کرده بود.
- تشویق بر فضیلت گذشت از قصاص، و بیان اجر بزرگ آن که در پوشاندن گناهان تجسم می‌یابد.
- ترساندن از داوری به غیر آنچه که الله متعال در مورد قصاص و سایر امور نازل فرموده است.

﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [المائدة: ۴۶].

۵۶ و به دنبال پیامبران بنی اسرائیل، عیسی پسر مریم را فرستادیم که به آنچه در تورات بود ایمان داشت و به آن حکم می‌کرد، و انجیل را به او دادیم که هدایت به سوی حق، دلایل برطرف کننده شبهات و حل احکام مشکل را دربردارد، و موافق با تورات است که قبل از آن نازل شد مگر در موارد اندکی از احکامش که آنها را نسخ کرده است و انجیل را راهنمایی هدایتگر و بازدارنده‌ای از ارتکاب آنچه که بر آنها حرام شده است قرار دادیم.

﴿وَلِيَحْضُرْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۷].

۵۷ و نصاری باید به آنچه که الله در انجیل نازل فرموده ایمان بیاورند، و - در سخن راستی که قبل از بعثت محمد ﷺ برای‌شان آورده است - به آن داوری کنند، و کسانی که به موجب آنچه الله نازل کرده است داوری نکنند، خارج‌شدگان از طاعت الله، رهاکنندگان حق، و منحرفان به سوی باطل هستند.

الله پس از بیان تورات و انجیل و مدح آن دو، به بیان قرآن و مدح آن پرداخته و می‌فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ [المائدة: ۴۸].

۵۸ و - ای رسول - ما قرآن را با سخن راستی که هیچ شک و تردیدی در آن نیست که از جانب الله است بر تو نازل کردیم، که تصدیق‌کننده و مورد اعتماد کتاب‌هایی است که قبل از آن نازل شده است، و آنچه موافق با آن باشد حق، و هرچه مخالف با آن باشد باطل است، پس به موجب آنچه که الله در قرآن بر تو نازل کرده است میان مردم داوری کن، و از شهوات آنها که بر آن عمل می‌کنند، تا حقی را که الله

بر تو نازل کرده و هیچ تردیدی در آن نیست رها کنند، پیروی مکن. در حقیقت برای هر امتی، شریعتی از احکام عملی و راهی روشن که به آن هدایت می‌شوند قرار داده‌ایم، و اگر الله وحدت شرایع را می‌خواست به‌طور قطع آنها را یکی می‌کرد، اما برای هر امتی، یک شریعت قرار داد، تا همگان را بیازماید و فرمان‌بردار را از نافرمان آشکار گرداند، پس به انجام نیکی‌ها و ترک بدی‌ها بشتابید، زیرا بازگشت شما در روز قیامت فقط به‌سوی الله است، و به زودی شما را از آنچه که در آن اختلاف دارید آگاه می‌کند، و جزای اعمالی را که فرستاده‌اید به شما خواهد داد.

﴿وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و - ای رسول - به موجب آنچه که الله بر تو نازل کرده است میان آنها داوری کن، و نظرات آنها را که از هواپرستی سرچشمه می‌گیرد پیروی مکن، برحذر باش از اینکه تو را از بخشی از آنچه که الله بر تو نازل کرده است گمراه سازند، که در این کار هرگز کوتاهی نخواهند کرد، پس اگر از قبول داوری به موجب آنچه که الله بر تو نازل کرده است خودداری کردند، بدان که الله می‌خواهد آنها را به‌سبب برخی گناهان‌شان در دنیا مجازات کند، و در آخرت آنها را به خاطر تمام گناهان‌شان مجازات می‌کند، و به‌راستی که بسیاری از مردم از طاعت الله خارج هستند.

﴿أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [المائدة: ۵۰].

﴿۵۰﴾ آیا با روی‌گردانی از حکم تو، در جستجوی حکم پیروان جاهلیت، یعنی عبادت‌کنندگان بت‌ها هستند که با پیروی از هوای نفس‌شان داوری می‌کنند؟! همانا نزد اهل یقین که از الله آنچه را که بر رسولش نازل کرده است فهمیده‌اند، کسی برای داوری از الله بهتر نیست، برخلاف جاهلان و شهوت‌پرستان که فقط چیزی را می‌پذیرند که موافق هوای نفس‌شان است، هر چند باطل باشد.

برخی فواید آیات:

- پیامبران عليه‌السلام با وجود بعضی تفاوت‌ها میان شرایع آنها در فروع، در اصول دین با هم متفق هستند.
- وجوب داور قرار دادن شریعت الله و روی‌گردانی از غیرش (شهوات).
- نکوهش دادخواهی به احکام و عرف‌های پیروان جاهلیت.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴾ [المائدة: ۵۱].

﴿۵۱﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، یهود و نصاری را هم پیمان و دوست خود نگیرید که آنها را دوست داشته باشید، زیرا یهود فقط پیروان ملت خودشان را دوست دارند، و نصاری نیز فقط پیروان ملت خودشان را دوست دارند، و هر دو گروه در دشمنی با شما متحد هستند، و هرکس از شما که آنها را به دوستی بگیرد، از آنها به شمار می‌رود، به راستی که الله گروه ستمکاران را به سبب دوستی‌شان با کفار هدایت نمی‌کند.

﴿ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْتَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴾ [المائدة: ۵۲].

﴿۵۲﴾ پس - ای رسول - منافقان ضعیف‌الایمان را می‌بینی که به دوستی با یهود و نصاری مبادرت می‌ورزند و می‌گویند: می‌ترسیم که آنها پیروز شوند، و به قدرت برسند آن‌گاه امر ناگواری از جانب آنها به ما برسد، امید است که الله برای رسولش و مؤمنان پیروزی قرار دهد، یا امری از جانب خود بیاورد که با آن حمله یهودیان و کسانی که آنها را به دوستی گرفتند دفع کند، آن‌گاه کسانی که به دوستی با آنها مبادرت ورزیدند، به سبب بطلان اسباب واهی نفاق که در دل‌های‌شان پنهان می‌کردند، از آن پشیمان شوند.

﴿ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴾ [المائدة: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و مؤمنان با تعجب از حال این منافقان می‌گویند: آیا اینان بودند که سوگندهای محکم ایراد می‌کردند که: - ای مؤمنان - در ایمان و یاری و دوستی با شما هستیم؟! اعمال‌شان تباه شد، پس به سبب نابودی هدفشان و عذابی که برای‌شان آماده شده است زیانکار شدند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۵۴].

۵۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر یک از شما که از دین خود به‌سوی کفر بازگردد، به زودی الله به جای آنها، گروهی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز به سبب پایداری‌شان او را دوست دارند، نسبت به مؤمنان مهربان و در برابر کافران سخت‌گیر هستند؛ با اموال و جان‌های‌شان جهاد می‌کنند تا سخن الله برتر باشد، و از سرزنش کسی که آنها را سرزنش کند هراسی ندارند؛ چون رضایت الله را بر رضایت مخلوقات ترجیح داده‌اند، این بخشش الله است که آن را به هر یک از بندگان که بخواهد می‌دهد، و الله دارای فضل و احسان گسترده است، می‌داند که چه کسی سزاوار فضل اوست پس به او می‌بخشد، و چه کسی سزاوار آن نیست پس او را از فضل خویش محروم می‌گرداند.

الله پس از نهی دوستی با یهود و نصاری و سایر کافران، از کسانی خبر می‌دهد که دوستی با آنها برای مؤمنان مقرر شده است:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ [المائدة: ۵۵].

۵۵ یهود و نصاری و سایر کافران، دوستان شما نیستند، بلکه دوست و یاور شما، الله و رسولش، و مؤمنان هستند که نماز را به صورت کامل برپا می‌دارند، و زکات اموال‌شان را می‌پردازند و در برابر الله فروتن و خاضع هستند.

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ [المائدة: ۵۶].

۵۶ هرکس الله و رسولش و مؤمنان را با یاری کردن آنان دوست خود بگیرد، از حزب الله است، و حزب الله هستند که چیره می‌شوند؛ زیرا الله یاورشان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُم مِّنْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۵۷].

۵۷ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهودیان و نصاری را که قبل از شما به آنها کتاب داده شد و مشرکان که دین شما را به تمسخر و بازی می‌گیرند، هم‌پیمان و دوست

نگیرید، و با پرهیز از دوستی با آنها که الله شما را از آن نهی می‌کنند از الله بترسید، اگر به او تعالی، و آنچه که بر شما نازل کرده است ایمان دارید.

برخی فواید آیات:

- آگاه کردن از عقیدهٔ ولاء و براء که در موالات و محبت به الله و رسولش و مؤمنان، و انزجار از کافران و پرهیز از محبت آنها خلاصه می‌شود.
- دوستی با دشمنان الله متعال، از صفات منافقان است.
- یاری ندادن و کوتاهی در یاری دین، گاهی منجر به نابودی کوتاهی‌کننده و آوردن دیگران شده، و لیاقت یاری کردن دین، از او سلب می‌شود.
- برحذر داشتن از مسخره‌کنندگان دین الله متعال و دوستی با آنها؛ چه کافران و چه منافقان.

﴿وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾
[المائدة: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و هم چنین هنگامی که برای اعلام نماز که بزرگترین عبادتی است که سبب نزدیکی به الله می شود اذان می گویند، مسخره و شوخی می کنند، این به سبب آن است که آنها مردمی هستند که در مورد معانی عبادت الله و احکامش که برای مردم تشریح فرموده است نمی اندیشند.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۵۹].

﴿۵۹﴾ - ای رسول - به مسخره کنندگان از اهل کتاب بگو: آیا اینکه به ما ایراد می گیرید جز به این خاطر است که به الله و آنچه بر ما نازل فرموده، و آنچه بر افراد پیش از ما نازل فرموده ایمان داریم، و ایمان داریم به اینکه اکثر شما با ترک ایمان و اجرا نکردن اوامر، از طاعت الله خارج هستید؟! پس آنچه را که شما بر ما ایراد می گیرید، برای ما پسندیده است و مذموم نیست.

﴿قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَعَصْبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ [المائدة: ۶۰].

﴿۶۰﴾ - ای رسول - بگو: آیا شما را به کسانی که عیب دارتر و دارای عذابی شدیدتر از اینها هستند خبر دهم، آنها پیشینیان شان هستند که الله آنها را از رحمت خویش راند و بعد از مسخ به صورت بوزینه و خوک درآورد، و از آنها عبادت کنندگانی برای طاغوت قرار داد، طاغوت هرکسی است که از روی رضایت به جای الله عبادت می شود، اینها در روز قیامت بدترین منزلت را دارند و گمراه ترین افراد از راه راست هستند.

﴿وَإِذَا جَاؤُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ﴾ [المائدة: ۶۱].

﴿۶۱﴾ و - ای مؤمنان - هرگاه منافقان آنها نزدتان می آیند، از روی نفاق برای تان اظهار ایمان می کنند، اما در حقیقت با کفر که از آن جدا نمی شوند وارد می شوند و با کفر

خارج می‌شوند، و اگرچه برای‌تان اظهار ایمان می‌کنند، الله به کفری که آن را پنهان می‌دارند داناتر است و به زودی آنها را در قبال این کفر مجازات خواهد کرد.

﴿وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعمَلُونَ﴾ [المائدة: ۶۲].

﴿۶۲﴾ و - ای رسول - بسیاری از یهودیان و منافقان را می‌بینی که بر ارتکاب گناهان مانند دروغ و تجاوز بر دیگران با ستم بر آنها و خوردن اموال مردم به حرام، مبادرت می‌ورزند، و چه بد است آنچه را که انجام می‌دهند.

﴿لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ [المائدة: ۶۳].

﴿۶۳﴾ چرا پیشوایان و علمای‌شان آنها را از سخن دروغ و گواهی به ناحق و خوردن اموال مردم به باطل که در انجام آن می‌شتابند باز نمی‌دارند، به‌راستی که کار پیشوایان و علمای‌شان بسیار بد است که آنها را از منکر نهی نمی‌کنند.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَاتُ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ [المائدة: ۶۴].

﴿۶۴﴾ یهودیان وقتی به سختی و خشکسالی گرفتار شدند گفتند: دست الله از بخشش خیر و عطا بسته است، و آنچه را که دارد از ما باز می‌دارد، همانا دستان خودشان از کار خیر و بخشش بازداشته شده است، و به‌سبب این سخن‌شان از رحمت الله رانده شدند، بلکه دو دست الله به خیر و بخشش گشوده است، هرگونه بخواهد انفاق می‌کند، گشایش یا تنگی می‌آورد، و هیچ بازدارنده یا اجبار کننده‌ای ندارد، و - ای رسول - آنچه به‌سوی تو فرو فرستاده شده است، چیزی جز تجاوز از حد و انکار، بر یهود نمی‌افزاید، این به‌سبب حسادتی است که به آن گرفتارند، و دشمنی و کینه میان قبایل یهود انداختیم، هرگاه برای جنگ گرد هم آمدند، و ساز و برگ جنگی فراهم کردند، یا برای برافروختن جنگ دسیسه کردند، الله جمع آنها را پراکنده ساخت، و نیروی‌شان را از بین برد، و همیشه در ارتکاب تلاش برای ابطال

اسلام و نیرنگ علیه آن که فساد در زمین را به بار می‌آورد می‌کوشند، و الله فسادکاران را دوست ندارد.

برخی فواید آیات:

- سرزنش عالم به خاطر سکوت در برابر گناهان قومش و بیان نکردن منکرات آنها و برحذر نداشتن آنها از این منکرات.
- بی‌ادبی یهودیان در برابر الله متعال، زیرا او سبحانه را این‌گونه توصیف کردند که دستش بسته است و خیر را منع می‌کند.
- اثبات صفت دو دست (برای الله متعال)، به وجهی که سزاوار ذات و جلال و قدرت بزرگ او تعالی است.
- اشاره به اینکه مشاجره و اختلاف و دشمنی میان برخی قبایل یهود، نتیجه کفر و انحراف آنها از حق است.

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخَلْنَاهُمْ جَنَاتِ
التَّعِيمِ﴾ [المائدة: ۶۵].

۱۵ و اگر یهود و نصاری به آنچه که محمد ﷺ آورده است ایمان می‌آوردند، و با اجتناب از گناهان از الله می‌ترسیدند، به‌طور قطع گناهانی را که مرتکب شده بودند هر چند کبیره بودند می‌بخشیدیم، و در روز قیامت آنها را به بهشت‌هایی پرنعمت در می‌آوردیم، که از نعمت‌های همیشگی آن بهره می‌بردند.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْفُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ
تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾ [المائدة: ۶۶].

۱۶ و اگر یهود به آنچه در تورات آمده، و نصاری به آنچه در انجیل آمده عمل می‌کردند، و همگی به قرآن که بر آنها نازل شده است عمل می‌کردند، به‌طور قطع اسباب روزی، یعنی نزول باران و رویدن گیاهان را برای‌شان فراهم می‌ساختم، برخی از اهل کتاب، میانه‌رو و در راه حق ثابت هستند، اما بسیاری از آنها به دلیل عدم ایمان‌شان، رفتار بد مرتکب می‌شوند.

﴿* يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ
يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ [المائدة: ۶۷].

۱۷ ای رسول، آنچه را که از جانب پروردگارت بر تو فرو فرستاده شده است به صورت کامل اعلام کن، و ذره‌ای از آن را پوشیده مدار؛ که اگر ذره‌ای از آن را کتمان کنی رسالت پروردگارت را ابلاغ نکرده‌ای (رسول الله ﷺ تمام آنچه را که به تبلیغ آن امر شده بود ابلاغ کرده است، پس هرکس خلاف این امر را ادعا می‌کند به تحقیق که بزرگترین افترا را بر الله بسته است)، و از امروز به بعد الله تو را در برابر مردم حمایت می‌کند، و نمی‌تواند هیچ آسیبی به تو برساند، پس جز ابلاغ بر تو نیست، و الله کافران را که خواهان هدایت نیستند، به هدایت توفیق نمی‌دهد.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ
مِّنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [المائدة: ۶۸].

﴿۶۸﴾ - ای رسول - بگو: - ای یهودیان و مسیحیان - شما بر هیچ دین معتبری نخواهید بود تا اینکه به آنچه در تورات و انجیل آمده عمل کنید، و به قرآن که ایمان شما جز با ایمان به آن و عمل به مطالب آن صحیح نمی‌شود و بر شما فرو فرستاده شده است عمل کنید. به‌طور قطع به‌سبب حسدی که دارند، آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است بر طغیانی روی طغیان، و کفری روی کفر بسیاری از اهل کتاب خواهد افزود، پس بر حال این کافران افسوس مخور، زیرا در مؤمنانی که از تو پیروی کردند بی‌نیازی و کفایت وجود دارد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِرُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [المائدة: ۶۹].

﴿۶۹﴾ همانا مؤمنان و یهودیان و صابنان که گروهی از پیروان برخی پیامبران بودند و نصاری، هرکس از آنها به الله و روز آخرت ایمان آورد و اعمال صالح انجام دهد، در آنچه که در پیش رو دارند بیمی بر آنها نیست، و بر بهره‌ای از دنیا که از دست داده اند غمگین نیستند.

﴿لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ﴾ [المائدة: ۷۰].

﴿۷۰﴾ به‌راستی که پیمان‌های محکمی مبنی بر شنیدن و طاعت از بنی‌اسرائیل گرفتیم، اما پیمان‌ها را شکستند، و رویگردانی از آنچه که رسولان‌شان آورده بودند و تکذیب برخی و کشتن برخی دیگر از پیامبران را که هوای نفس‌شان به آن تمایل داشت پیروی کردند.

برخی فواید آیات:

- عمل به آنچه که الله متعال نازل کرده است، سبب پوشاندن بدی‌ها و ورود به بهشت و گشایش در روزی است.
- راهنمایی دعوتگران به اینکه آن تبلیغی معتبر به شمار می‌آید و ذمه را بری می‌کند، که کامل و بدون کاستی، و در پرتو وحی انجام شود.
- هیچ اعتقادی معتبر نیست و به حساب نمی‌آید مگر زمانی که صاحب آن دلیلی ارائه کند بر اینکه از جانب الله متعال است.

﴿وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ [المائدة: ۷۱].

﴿۷۱﴾ و گمان کردند که شکستن پیمان‌ها و میثاق‌ها، و تکذیب و کشتن پیامبران که مرتکب شدند، زبانی برای‌شان به همراه ندارد، اما آنچه را که گمان نمی‌کردند بر این کارشان مترتب شد، پس از دیدن حق کور شدند، و به آن هدایت نیافتند، و از شنیدن حق چنان‌که قبول افتد، گر گشتند، سپس الله از سر لطف به آنها، آنها را بخشید، سپس از دیدن حق کور، و از شنیدن آن کر گشتند، این امر برای بسیاری از آنها ایجاد شد، و الله اعمال آنها را می‌بیند، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند و به زودی آنها را در قبال اعمال‌شان مجازات خواهد کرد.

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ﴾ [المائدة: ۷۲].

﴿۷۲﴾ همانا مسیحیانی که گفتند الله همان عیسی مسیح پسر مریم است کفر ورزیدند، زیرا الوهیت را به غیر الله نسبت دادند، درحالی‌که خود مسیح پسر مریم به آنها گفت: ای بنی‌اسرائیل، فقط الله را عبادت کنید، که او پروردگار من و پروردگار شماست، پس در بندگی او یکسان هستیم، زیرا هرکس غیر الله را با او شریک گرداند، به‌طور قطع الله او را از ورود به بهشت برای همیشه محروم می‌کند، و جایگاهش آتش جهنم است، و هیچ یاور و مددکاری نزد الله ندارد، و هیچ نجاتگری ندارد که او را از عذابی که در انتظارش است نجات دهد.

﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۷۳].

﴿۷۳﴾ به‌راستی که کافر شدند مسیحیانی که گفتند: همانا الله از سه (شخص) یعنی پدر و پسر و روح‌القدس تشکیل شده است، الله از این سخن آنها بسیار برتر است، زیرا الله متعدد نیست، بلکه معبود یگانه‌ای است که شریکی ندارد، و اگر از این سخن زشت و ناپسند باز نایستند، به‌طور قطع عذابی رنج‌آور به آنها می‌رسانیم.

﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونََهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ۷۴].

آیا اینها از این سخن‌شان با توبه از شرکی که به الله مرتکب شدند باز نمی‌گردند؟! و الله توبه‌کار از هر گناهی که باشد، حتی گناه کفر به او، را می‌آمرزد و نسبت به مؤمنان مهربان است.

﴿مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ [المائدة: ۷۵].

عیسی مسیح پسر مریم فقط رسولی از میان رسولان است، که همانند آنها مرگ او را نیز فرا می‌گیرد، و مادرش مریم بسیار راستگو و تصدیق‌کننده بود، و هر دو غذا می‌خوردند چون به آن نیاز داشتند. حال با وجود نیاز به غذا چگونه می‌توانند معبود باشند؟! پس - ای رسول - به دقت بنگر که: چگونه آیات دال بر یگانگی و بطلان غلو آنها در نسبت الوهیت به غیر او سبحانه را برای‌شان روشن می‌گردانیم، اما باز هم این آیات را انکار می‌کنند، پس با دقت بنگر و بنگر که: با وجود این آیات روشن و دلالت‌کننده بر یگانگی الله، چگونه تا این حد از حق منحرف می‌شوند.

﴿قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [المائدة: ۷۶].

ای رسول - برای اعتراض بر آنها در اینکه غیر الله را عبادت می‌کنند بگو: آیا چیزی را عبادت می‌کنید که هیچ نفعی برای‌تان جلب نمی‌کند، و هیچ زیانی را از شما دور نمی‌سازد؟! زیرا او ناتوان است، اما الله از ناتوانی منزّه است، و فقط الله سخنان شما را می‌شنود، و ذره‌ای از آن بر او پنهان نمی‌ماند، از اعمال شما آگاه است، و ذره‌ای از آنها بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی در قبال آن به شما جزا می‌دهد.

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ [المائدة: ۷۷].

ای رسول - به نصاری بگو: در پیروی از حق که به آن فرمان یافته‌اید از حد مگذرید، و در بزرگداشت کسانی - مانند پیامبران عليهم‌السلام - که به بزرگداشت آنها امر شده‌اید غلو نکنید تا جایی که به الوهیت آنها اعتقاد داشته باشید، چنان‌که این کار

را به سبب پیروی از پیشینیان گمراه خود در مورد عیسی پسر مریم انجام دادید، همان کسانی که بسیاری از مردم را گمراه کردند، و از راه حق گمراه گشتند.

برخی فواید آیات:

- بیان کفر نصاری در ادعای آنها به الوهیت مسیح صلی الله علیه و آله، و بیان بطلان این ادعا، و دعوت به توبه از آن.
- یکی از دلایل انسان بودن مسیح صلی الله علیه و آله و مادرش عبارت است از: غذا خوردن آن دو، و انجام آنچه که بر این امر مترتب می شود.
- ناتوانی بر جلوگیری از ضرر و رساندن فایده، از دلایل آشکار بر عدم استحقاق معبودان غیر از الله، به الوهیت است؛ زیرا آنها ناتوان هستند.
- نهی از غلو و گذشتن از حد در برخورد با مخلوقات صالح الله متعال.

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ [المائدة: ۷۸].

۷۸) الله سبحانه خبر می‌دهد که کافران بنی اسرائیل را در کتابی که بر داود نازل کرده است یعنی زبور، و در کتابی که بر عیسی پسر مریم نازل کرده است یعنی انجیل، از رحمت خویش رانده است. این راندن از رحمت، به سبب گناهان و تجاوز بر محرمات الله است که مرتکب شدند.

﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ [المائدة: ۷۹].

۷۹) آنها یکدیگر را از ارتکاب گناه نهی نمی‌کردند، بلکه گناهکاران آنها، گناهان و منکرات را آشکارا مرتکب می‌شدند؛ زیرا کسی نبود که بر آنها اعتراض کند. به راستی بسیار بد بود که نهی از مُنْکَر را ترک می‌کردند.

﴿تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ [المائدة: ۸۰].

۸۰) ای رسول - بسیاری از کافران این یهودیان را می‌بینی که کافران را دوست دارند و به سوی آنها متمایل می‌شوند، و با تو و یکتاپرستان دشمنی می‌کنند، دوستی آنها با کافران بسیار بد است؛ زیرا سبب می‌شود که الله بر آنها خشم گیرد و آنها را در آتشی درآورد که همیشه در آن می‌مانند و هرگز از آن خارج نمی‌شوند.

﴿وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [المائدة: ۸۱].

۸۱) و اگر این یهودیان، واقعاً به الله و پیامبرش ایمان می‌آوردند، به جای مؤمنان، مشرکان را به عنوان دوستانی نمی‌گرفتند که آنها را دوست داشته باشند و به آنها متمایل شوند، زیرا نهی شده‌اند از اینکه کافران را به دوستی بگیرند، اما بسیاری از این یهودیان، از طاعت و دوستی الله و دوستی مؤمنان خارج هستند.

﴿* لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [المائدة: ۸۲].

۸۲ - ای رسول - همانا دشمن‌ترین مردم با مؤمنان به خودت و با آنچه که آورده‌ای را یهودیان می‌یابی؛ زیرا آنها به کینه و حسادت و غرور، و عبادت بت‌ها گرفتار هستند، و نیز سایر مشرکان به الله، و نزدیک‌ترین مردم از نظر دوستی به مؤمنان به خودت و آنچه که آورده‌ای را کسانی می‌یابی که در مورد خودشان می‌گویند: نصاری هستند، نزدیکی و محبت اینها به مؤمنان به این سبب است که برخی از آنها علما و بندگانی متواضع و غیرمتکبر هستند؛ زیرا خیر به قلب متکبر نمی‌رسد.

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [المائدة: ۸۳].

۸۳ و دل‌های اینها - مانند نجاشی و یارانش - نرم است، زیرا هنگام شنیدن قرآن که نازل شده است وقتی دانستند که حق است، از روی خشوع گریه می‌کنند، چون آنچه را عیسی علیه السلام آورده است می‌شناسند، و می‌گویند: پروردگارا، به آنچه که بر رسولت محمد صلی الله علیه و آله فروفرستادی ایمان آوردیم، پس - پروردگارا - ما را در زمره امت محمد صلی الله علیه و آله که در روز قیامت، بر مردم حجت هستند بنویس.

برخی فواید آیات:

- ترک امر به معروف و نهی از منکر، موجب لعنت و رانده‌شدن از رحمت الله متعال است.
- از نشانه‌های ایمان: دوستی به خاطر الله و دشمنی به خاطر او تعالی است.
- دوستی با دشمنان الله، موجب خشم او تعالی است.
- دشمنی زیاد یهود و مشرکان با مسلمانان؛ و در مقابل، وجود گروه‌هایی از نصاری که محبت با اسلام را برای خود برگزیده‌اند؛ چون می‌دانند که اسلام حق است.

﴿وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ﴾ [المائدة: ۸۴].

﴿۸۴﴾ و (می گویند) چه سببی مانع میان ما و ایمان به الله و حقیقتی که محمد ﷺ آورده است می شود؟! در حالی که به ورود به بهشت همراه پیامبران و پیروان شان که فرمان بردار الله و ترسان از عذاب او هستند، امید داریم.

﴿فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾ [المائدة: ۸۵].

﴿۸۵﴾ پس الله به سبب ایمان و اعتراف شان به حق، بهشت هایی به آنها پاداش داد که نهرها از زیر کاخ ها و درختان شان جاری است و برای همیشه در آن می ماندند، این پاداش نیکوکاران در پیروی آنها از حق و گردن نهادن به آن بدون هیچ قید و شرطی است.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [المائدة: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیدند، و آیات الله را که بر رسولش فرو فرستاد انکار کردند، ساکن آتش شعله ور هستند، و هرگز از آن خارج نمی شوند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [المائدة: ۸۷].

﴿۸۷﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید، لذت های مباح از خوردنی ها و نوشیدنی ها و ازدواج ها را از باب زهد و تعبد حرام نکنید، و در مورد آنچه الله بر شما حرام کرده است از حد مگذرید، زیرا الله متجاوزان از حدودش را دوست ندارد، بلکه از آنها بیزار است.

﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ [المائدة: ۸۸].

﴿۸۸﴾ و از روزی الله که برای تان فرستاده است حلال و پاکیزه آن را بخورید، نه حرام آن مانند مال گرفته شده با غصب یا نجس شده، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، از او تعالی بترسید، زیرا شما به او ایمان دارید، و ایمان شما به او، بر شما واجب می گرداند که از او بترسید.

﴿لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [المائدة: ۸۹].

۸۹ - ای مؤمنان - الله شما را به موجب سوگندهایی که بدون قصد بر زبان‌های‌تان جاری می‌شود مورد محاسبه قرار نمی‌دهد، بلکه شما را در قبال سوگندهایی که از روی تصمیم و اراده می‌خورید و می‌شکنید مؤاخذه می‌کند. انجام یکی از سه عمل زیر به‌طور اختیاری، گناه سوگندهایی را که از روی اراده به زبان می‌آورید و آنها را می‌شکنید، از بین می‌برد: غذا دادن به ده مسکین از غذای متوسط مردم شهرتان، برای هر مسکین نصف صاع، یا پوشاندن ده مسکین با لباسی که عرف است، یا آزاد کردن برده‌ای مؤمن؛ اما اگر برای کسی که می‌خواهد کفاره سوگندش را بپردازد هیچ‌یک از این سه مورد مقدور نبود، برای کفاره سوگند خویش سه روز روزه بگیرد، - ای مؤمنان - آنچه بیان شد، کفاره سوگندهای‌تان است آن‌گاه که به الله سوگند یاد می‌کنید و آنها را می‌شکنید، و سوگندهای‌تان را از قسم دروغ به الله، و قسم زیاد به الله و وفا نکردن به قسم زمانی که وفاکردن به آن خیر باشد محافظت کنید. اما کار خیر را انجام دهید، و کفاره سوگندهای‌تان را بپردازید، الله متعال همانند کفاره قسم، احکام روشن خویش بر حلال و حرام را نیز برای‌تان بیان می‌کند، باشد که شکر او را به جای آورید که آنچه را نمی‌دانستید به شما آموخت.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۹۰].

۹۰ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همانا مسکر (مست کننده) که عقل را از بین می‌برد، و قماری که دربردارنده عوض از طرفین است، و سنگ‌هایی که مشرکان برای تعظیم آنها در کنارشان قربانی می‌کنند یا آنها را برای عبادت نصب می‌کنند، و تیرهایی که با آنها غیبی را که برای‌شان تقسیم شده بود طلب می‌کردند، تمام این موارد، گناه است که شیطان آن را می‌آراید، پس از آن دوری کنید باشد که به زندگی گرامی در دنیا و نعمت‌های بهشت در آخرت دست یابید.

برخی فواید آیات:

- امر به جستجوی روزی‌های پاکیزه و ترک روزی‌های ناپاک.
- عدم مؤاخذه بر سوگند بدون تصمیم و اراده قلبی؛ و مؤاخذه بر سوگندهایی با تصمیم قلبی که شخص سوگند بخورد کاری انجام دهد یا انجام ندهد.
- بیان اینکه کفاره قسم: اطعام ده مسکین، یا پوشاندن آنها، یا آزاد کردن یک برده مؤمن است، و اگر کسی که می‌خواهد کفاره قسم خود را بپردازد توان انجام هیچ‌یک از امور مذکور را ندارد، برای کفاره سوگند خویش سه روز روزه بگیرد.
- (... إِنَّمَا الْخَمْرُ ...)، آخرین آیه‌ای است که در مورد خمر نازل شده و نص در تحریم آن است.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [المائدة: ۹۱].

﴿۹۱﴾ همانا هدف شیطان از آراستن مسکر و قمار این است که دشمنی و کینه در دل ها بیفکند، و از یاد الله و نماز باز دارد، پس آیا شما - ای مؤمنان - این منکرات را رها می کنید؟ بدون تردید این کار سزاوار شمامست، پس دست بکشید.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [المائدة: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و با اجرای آنچه شرع به آن فرمان داده و اجتناب از آنچه نهی کرده است، از الله و رسولش فرمان برداری کنید، و از مخالفت بپرهیزید، زیرا اگر از این کار خودداری کردید، بدانید که فقط تبلیغ آنچه الله به تبلیغ آن امر کرده، بر عهده رسول ما است، و به یقین، این تبلیغ را انجام داده است، پس اگر هدایت یافتید به نفع خود شمامست، و اگر بدی کردید به زیان خود شمامست.

پس از نزول تحریم خمر، برخی از مؤمنان آرزو کردند که از حال برادران شان که قبل از تحریم خمر بر اسلام مرده بودند آگاه شوند؛ آن گاه آیه زیر نازل شد:

﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [المائدة: ۹۳].

﴿۹۳﴾ کسانی که به الله ایمان آوردند، و برای تقرب به او اعمال صالح انجام دادند، گناهی بر آنها در خمری که قبل از تحریم آن خورده اند نیست، به شرط آن که از محرمات پرهیز کنند، از خشم الله بر خود بترسند، به او ایمان آورند، اعمال صالح انجام دهند، سپس بر ترس خویش از الله چنان بیفزایند که وقتی او را عبادت می کنند گویی او را می بینند، و الله کسانی را که چنین او را عبادت می کنند که گویی او را می بینند دوست دارد؛ زیرا در این نوع عبادت احساس ترس همیشگی از الله وجود دارد، و سبب می شود که مؤمن عمل خویش را به نیکی و کامل انجام دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَلَّاهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۹۴].

﴿۹۴﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید، الله شما را درحالی که مُحرم هستید با فرستادن چیزی از شکار بیابانی به سوی شما که کوچک آن در دسترس دستان تان و بزرگ

آن در دسترس نیزه‌های تان قرار دارد، خواهد آزمود، تا الله - به علم آشکار کننده ای که بندگان را بر اساس آن محاسبه می‌کند - معلوم دارد که چه کسی به سبب ایمان کامل به علم الله، در نهان از او می‌ترسد، و از ترس آفریدگارش که عملش بر او پوشیده نمی‌ماند شکار نمی‌کند، پس هرکس از حد بگذرد، و در حال احرام به حج یا عمره شکار کند، عذابی رنج‌آور در روز قیامت دارد؛ زیرا با آنچه الله از آن نهی فرموده، مخالفت ورزیده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لَّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾ [المائدة: ۹۵].

❁ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، درحالی که به حج یا عمره مُحرم هستید، شکار بیابانی را نکشید، و هر یک از شما که از روی عمد آن را بکشد همانند شکاری که کشته است، از شتر یا گاو یا گوسفند جزای اوست، که باید دو مرد عادل از میان مسلمانان به این همانندی حکم کنند، و آنچه به آن حکم شده است همانند هدی به مکه فرستاده شده و در آنجا ذبح می‌گردد، یا معادل قیمت آن، به فقرای حرم غذا داده می‌شود. برای هر فقیر نصف صاع، یا در ازای هر نصف صاع از غذا، یک روز روزه گرفتن است. تمام این مجازات‌ها برای آن است که قاتل شکار، عذاب قتل آن را بچشد. الله قتل شکار حرم و قتل شکار بیابانی توسط مُحرم، قبل از تحریم آن را بخشیده است، و هرکس پس از تحریم به آن بازگردد، الله با عذاب او بر این کار از او انتقام می‌گیرد، و الله نیرومند و شکست ناپذیر است، یکی از مظاهر قدرت او این است که اگر بخواهد از هرکس از او نافرمانی کند انتقام می‌گیرد، و هیچ چیز نمی‌تواند مانع او از این کار شود.

برخی فواید آیات:

- مؤاخذه نکردن شخص در قبال آنچه که حرام نگشته یا از تحریم آن آگاه نشده است.
- تحریم شکار بر کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، و بیان کفاره قتل آن.
- یکی از حکمت‌های الله در تحریم، آزمایش و خالص‌سازی بندگان، و در کفاره، بازداشتن و منع است.

﴿أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [المائدة: ۹۶].

﴿۹۶﴾ الله شکار حیوانات آبی، و آنچه را که دریا به صورت مرده یا زنده برای تان بیرون می‌دهد برای تان حلال قرار داده است تا برای هرکس از شما، چه مقیم و چه مسافر، که از آن توشه برمی‌گیرد، منفعتی باشد. و شکار بیابان را تا زمانی که به حج یا عمره مُحرم هستید بر شما حرام قرار داده است، و با امتثال اوامر و اجتناب از نواهی الله، تقوای او را پیشه کنید، زیرا در روز قیامت فقط به‌سوی او باز می‌گردید، آن‌گاه جزای اعمال تان را به شما می‌دهد.

﴿* جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۹۷].

﴿۹۷﴾ الله کعبه بیت الحرام را وسیلهٔ برپایی (مصلح) مردم قرار داده، که مصالح دینی آنها از نماز، حج و عمره، و مصالح دنیوی آنها با امنیت در حرم و گردآوری ثمرات هر چیزی به آنجا، بر آن استوار است. و ماه‌های حرام (ذوالقعدة، ذوالحجه، محرم و رجب) را با رهایی دادن مردم در این ماه‌ها از کشتار آنها توسط دیگران، و قربانی‌های بی‌نشان و نشانه‌دار را که به‌سوی حرم روانه می‌شوند با رهایی دادن صاحبان شان از افتادن در معرض خطر، به همین هدف مقرر داشته است. این نعمت‌ها که الله برای تان ارزانی داشته است برای این است که بدانید الله هرچه در آسمان‌ها و زمین است را می‌داند، و از هر چیزی آگاه است؛ زیرا تشریح این حکم از جانب او تعالی - برای جلب مصالح تان و دفع زیان‌ها از شما قبل از اینکه ایجاد شوند - بر علم او نسبت به مصالح بندگانش دلالت دارد.

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [المائدة: ۹۸].

﴿۹۸﴾ ای مردم - بدانید که الله نسبت به کسی که از او نافرمانی کند سخت‌کیفر است، و نسبت به توبه‌کار بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿مَّا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ [المائدة: ۹۹].

﴿۹۹﴾ بر عهدهٔ رسول جز تبلیغ آنچه الله به تبلیغ آن فرمان داده نیست، پس توفیق

مردم به هدایت بر عهده او نیست؛ زیرا این کار فقط به دست الله است، و الله آنچه از هدایت یا گمراهی که آشکار می گردانید یا پنهان می دارید آگاه است، و جزای آن را به شما خواهد داد.

﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْحَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْحَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [المائدة: ۱۰۰].

۱۰۰- ای رسول - بگو: ناپاک هر چیزی با پاکیزه آن یکسان نیست، هر چند کثرت ناپاک تو را به شگفت آورد؛ زیرا کثرت بر فضیلت دلالت نمی کند، پس - ای خردمندان - با ترک ناپاک و انجام پاکیزه از الله بترسید باشد که به بهشت دست یابید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [المائدة: ۱۰۱].

۱۰۱- ای کسانی که ایمان آورده اید، از رسول تان در مورد مسائلی که نیازی به آن ندارید و در امر دین تان به شما کمکی نمی کند، و اگر برای شما آشکار شود به سبب مشقتی که در آنهاست شما را غمگین می سازد نپرسید. و اگر در مورد این مسائل که از سوال در مورد آنها نهی شده اید، هنگامی که وحی بر رسول ﷺ نازل می شود پرسید، برای تان بیان می شود، و این کار بر الله آسان است؛ همانا الله از مسائلی که قرآن در مورد آنها سخنی نگفته است در گذشته است، پس در مورد آنها نپرسید؛ و اگر پرسیدید، تکلیف به حکم آن بر شما نازل می گردد.

﴿قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ﴾ [المائدة: ۱۰۲].

۱۰۲- گروهی قبل از شما در مورد چنین مسائلی می پرسیدند، اما وقتی به این مسائل مکلف شدند، به آن عمل نکردند، و به سبب این کار کافر شدند.

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [المائدة: ۱۰۳].

۱۰۳- الله چارپایان را حلال قرار داده است، یعنی چارپایانی را که مشرکان برای بت های شان بر خود حرام کرده اند حرام قرار نداده است، این چارپایان عبارتند از بحیره - شتری که وقتی شکم های مشخصی زائیده باشد، گوش هایش بریده می

شود-، سائبه- شتری که وقتی سن مشخصی را سپری کند، برای بت‌های‌شان رها می‌شود، وصیله- شتری که پشت سر هم دو شکم ماده می‌زاید- و حامی- شتر نری که چند بچه شتر از پشت او متولد شده باشند-، اما کافران از روی دروغ و بهتان ادعا کردند که الله موارد مذکور را حرام گردانیده است، و بیشتر کافران میان حق و باطل و میان حلال و حرام تمایز قائل نمی‌شوند.

برخی فواید آیات:

- اصل در شعائر الله متعال این است که برای تحقق مصالح دنیوی و اخروی بندگان، و دفع زیان‌ها از آنها آمده است.
- مغرور نشدن به کثرت؛ زیرا کثرت چیزی دلیل بر حلال بودن یا پاک بودن آن نیست، بلکه دلیل فقط در حکم شرعی نهفته است.
- لازمهٔ ادب پرسشگر، مقید کردن سوال با حدود مشخص است؛ یعنی در مورد آنچه که نیازی بر آن نیست و هیچ هدفی در آن وجود ندارد سوال نکند.
- سرزنش روش‌های مشرکان در آنچه بدعت گذاردند و حرمت برخی چارپایان را ادعا کردند، مانند: بحیره، سائبه، وصیله و حامی.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَأَن أَبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ [المائدة: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ وقتی به اینها که با تحریم بعضی چارپایان بر الله افترا بستند گفته می‌شود: به قرآن که الله نازل فرموده، و به سنت رسول ﷺ، روی آورید تا حلال را از حرام بازشناسید، می‌گویند: اعتقادات و اقوال و افعالی را که از پیشینیان خود گرفته و به ارث برده‌ایم برایمان کافی است، چگونه این امر برای‌شان کفایت می‌کند درحالی‌که پیشینیان آنها چیزی نمی‌دانستند، و به‌سوی حق هدایت نیافته بودند؟! پس کسی از آنها پیروی نمی‌کند مگر اینکه از خودشان نادان‌تر و گمراه‌تر باشد، زیرا آنها نادان و گمراه هستند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [المائدة: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به نفس خودتان بپردازید و آن را به برپایی آنچه به صلاح شماست وادارید، که اگر هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده و به شما پاسخ مثبت نداده است زبانی به شما نمی‌رساند، و لازمه هدایت یافتن شما این است که امر به معروف و نهی از منکر کنید، بازگشت شما در روز قیامت فقط به‌سوی الله است، آن‌گاه شما را از آنچه که در دنیا انجام می‌دادید با خبر می‌کند و جزای آن را به شما می‌دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِمَّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنتُمْ صَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُوهُمَا مِّن بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ارْتَبْتُمْ لَا نُشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّيَمِينِينَ﴾ [المائدة: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با ظهور یکی از نشانه‌های مرگ، مرگ یکی از شما نزدیک شد، باید برای وصیت خویش، دو مسلمان عادل را گواه بگیرید یا اگر در سفر بودید و مرگتان فرا رسید، در صورت نیاز و نبود گواهان مسلمان، دو مرد از کافران را گواه بگیرید، و اگر در گواهی آن دو تردیدی به وجود آمد، آن دو را پس از یکی از نمازها نگه دارید، آن‌گاه به الله سوگند خورند که: سهم خویش از الله را به

هیچ عوضی نمی‌فروشند، و آن را به هیچ خویشاوندی اختصاص نمی‌دهند، و گواهی‌الله نزد خویش را کتمان نمی‌کنند، و اگر چنین کاری کردند، گناهکار و نافرمان‌الله خواهند بود.

﴿فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّ إِثْمًا فَآخِرَانِ يُقِيمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [المائدة: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ اما اگر پس از سوگند، دروغ آن دو در شهادت یا سوگند روشن شد، یا خیانت‌شان آشکار گشت؛ باید به جای آن دو، دو تن از نزدیک‌ترین افراد به میت بر آنچه که حق است گواهی دهند و سوگند بخورند، یعنی باید به‌الله سوگند بخورند که شهادت ما بر دروغگویی و خیانت آن دو، از شهادت آن دو بر راستگویی و امانتداری‌شان راست‌تر است، و به ناحق سوگند نخورده‌ایم، که اگر به ناحق گواهی داده باشیم، از ستمکاران و تجاوزکنندگان از حدود‌الله خواهیم بود.

﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَانٌ بَعْدَ أَيْمَانِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاسْمَعُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ [المائدة: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ روش مذکور سوگند دادن دو شاهد بعد از نماز هنگام تردید در گواهی آنها، و برگرداندن گواهی آن دو، نزدیک‌تر است به اینکه به روش شرعی گواهی دهند، و شهادت را تحریف یا تبدیل یا در آن خیانت نکنند، و نزدیک‌تر است به اینکه بترسند از اینکه پس از سوگند آن دو، وارثان سوگند بخورند، و خلاف گواهی آنها گواهی دهند، آن‌گاه رسوا شوند، و با دست کشیدن از دروغ و خیانت در شهادت و سوگند از‌الله بترسید، و آنچه را به آن فرمان یافته‌اید به نیت قبول کردن گوش فرادهید، و‌الله خارج شدگان از طاعت خویش را توفیق نمی‌دهد.

برخی فواید آیات:

- هرگاه بنده به حسب توان خویش، خود را به طاعت‌الله، و امر به معروف و نهی از منکر پایبند کند، گمراهی هیچ‌کس به او زیان نمی‌رساند، و در مورد سایر مردم، به خصوص گمراهان، مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد.
- ترغیب در نوشتن وصیت، و حفاظت از آن با گرفتن گواهان عادل.
- بیان صورت شرعی پرسیدن از گواهان در مورد وصیت.

﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ [المائدة: ۱۰۹].

۱۰۹- ای مردم- روز قیامت را به یاد آورید که الله تمام رسولان را گرد می آورد، آن گاه به آنها می فرماید: امت های تان که شما را به سوی آنها فرستادم، چه پاسخی به شما دادند؟ رسولان با واگذاری پاسخ به الله می گویند: ما هیچ دانشی نداریم، و - پروردگارا- دانش فقط برای توست، به راستی که فقط تو امور غیب را می دانی.

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ادْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [المائدة: ۱۱۰].

۱۱۰ و به یاد آور آن گاه که الله خطاب به عیسی علیه السلام فرمود: ای عیسی پسر مریم، نعمت من بر خویش را به یاد آور آن گاه که تو را بدون پدر آفریدم، و نعمت من بر مادرت مریم را به یاد آور آن گاه که او را بر زنان زمانش برتری دادم، و از جمله نعمت های من بر خویش به یاد آور آن گاه که تو را با جبرئیل تقویت کردم، که - در حال شیرخوارگی - با دعوت به سوی الله با مردم سخن می گفتی، و در سالخوردگی به آنچه که تو را با آن به سوی مردم بفرستم با آنها سخن می گویی، و از نعمت های دیگری که به تو دادم این است که به تو خط آموختم و تورات را که بر موسی فرورستاده شده و انجیل را که بر تو نازل شده، به تو آموختم، و اسرار و فواید و حکمت های شریعت را به تو آموختم، و از جمله نعمت های من بر تو این است که از گِل، تصویری به شکل پرنده می ساختی، سپس در آن می دمیدی و پرنده ای می شد، و کور مادرزاد را شفا می دادی، و بیمار مبتلا به پیسی را شفا می دادی، آن گاه پوستش سالم می شد، و نزد الله دعا می کردی که مردگان را زنده گرداند و آنها را زنده می کردی، تمام این موارد به اذن من بود، و از دیگر نعمت هایی که به تو ارزانی داشتم این بود که آسیب بنی اسرائیل را از تو بازداشتیم آن گاه که تصمیم گرفتند تو را بکشند، زمانی که معجزات آشکار برای شان آوردی، و کاری نکردند جز اینکه به این معجزات کفر ورزیدند، و گفتند: آنچه که عیسی آورده است، چیزی جز سحر آشکار نیست.

﴿وَإِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾
[المائدة: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ و از جمله نعمت‌هایی که به تو ارزانی داشتم به یاد آور که یارانی برایت فراهم آوردم آن گاه که به حواریون الهام کردم به من و به تو ایمان آورند، پس آنها به این امر گردن نهادند و پاسخ دادند، و گفتند: ایمان آوردیم، و - پروردگارا - گواه باش که ما تسلیم و فرمان‌بردار تویم.

﴿إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [المائدة: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ و به یاد آور آن گاه که حواریون گفتند: اگر از پروردگارت بخواهی، آیا می‌تواند سفره‌ای از آسمان فرو فرستد؟ عیسی علیه السلام با امر آنها به تقوای الهی و طلب نکردن آنچه خواستند به آنها پاسخ داد، که شاید در این درخواست فتنه‌ای برای‌شان باشد، و به آنها گفت: اگر ایمان دارید، در طلب روزی به پروردگارتان توکل کنید.

﴿قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتُنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ [المائدة: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ حواریون به عیسی علیه السلام گفتند: می‌خواهیم که از این سفره بخوریم، و دل‌هایمان به کمال قدرت الله، و اینکه تو فرستاده او هستی، آرام گیرد، و به یقین بدانیم که تو در آنچه که از جانب الله آورده‌ای راستگو هستی، و برای مردمی که آن را ندیده‌اند، بر آن گواه باشیم.

برخی فواید آیات:

- اثبات گردآوری تمام مخلوقات؛ چه گرانقدر و چه حقیر در روز قیامت توسط الله متعال.
- اثبات انسان بودن مسیح و نشانه‌های حسی او مانند زنده گردانیدن مردگان، شفا دادن کور مادرزاد و پیس که الله آنها را بر دستان او اجرا کرد.
- بیان اینکه نشانه‌های پیامبران علیهم السلام، استوار سازی پیروان و خاموش گردانیدن مخالفان را با دلیل نشانه می‌گیرد، و اینکه از جانب خودشان نیست، بلکه به اذن الله متعال می‌آید.

﴿قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [المائدة: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ آن گاه عیسی علیه السلام به درخواست آنها پاسخ داد، و این گونه الله را فراخواند: پروردگارا، سفره غذایی برایمان بفرست تا روز نزول آن را عید بگیریم و به پاس شکرگزاری تو آن را گرامی بداریم، و نشانه و برهانی بر یگانگی تو، و راستی آنچه به آن مبعوث شده‌ام باشد، و روزی‌ای بر ما ارزانی دار که ما را در عبادت تو یاری رساند، و - پروردگارا - تو بهترین روزی‌دهندگان هستی.

﴿قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ [المائدة: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ الله دعای عیسی علیه السلام را اجابت کرد، و فرمود: قطعاً من این سفره‌ای که فرو فرستادن آن را خواسته‌اید می‌فرستم، اما هرکس پس از فرستادن این سفره، کفر ورزد، کسی جز خودش را سرزنش نکند، که او را چنان عذاب شدیدی کنم که هیچ کس را عذاب نکرده باشم؛ زیرا شاهد این نشانه واضح است، و کفر او، از روی ستیزه‌جویی است. و الله با فروفرستادن این سفره، وعده خویش را بر آنها محقق گردانید.

﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَلَمْ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمَّيَّ إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ [المائدة: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ و به یاد آور آن گاه که الله در روز قیامت خطاب به عیسی پسر مریم می‌گوید: ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را به عنوان دو معبود به جای الله قرار دهید؟ آن گاه عیسی علیه السلام با منزه‌شمردن پروردگارش چنین پاسخ می‌دهد: سزاوار من نیست که جز حق به آنها بگویم، و به فرض اگر این سخن را گفته باشم، به‌طور قطع آن را می‌دانستی زیرا چیزی بر تو پوشیده نمی‌ماند، آنچه را در نفسم پنهان کنم می‌دانی، و من آنچه را در ذات تو است نمی‌دانم، به‌راستی که فقط تو از هر غایب و هر نهان و هر آشکاری آگاه هستی.

﴿مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُمْ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُمْ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾
[المائدة: ۱۱۷].

عیسی علیه السلام به پروردگارش گفت: به مردم چیزی نگفتم جز آنچه مرا به گفتن آن فرمان دادی، که آنها را به یگانه دانستن تو در عبادت امر کنم، و در مدتی که در میان آنها بودم شاهد سخنانشان بودم، - ای پروردگار - وقتی با بالابردن من به صورت زنده به آسمان، زمان ماندنم در میان آنها به پایان رسید تو نگهبان اعمال شان بودی، و تو بر هر چیز گواهی، هیچ چیز بر تو پنهان نمی ماند، پس آنچه من به آنها گفتم، و آنچه آنها پس از من گفتند، بر تو پوشیده نیست.

﴿إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ وَإِنْ تُغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [المائدة: ۱۱۸].

پروردگارا - اگر آنها را عذاب کنی، آنها بندگان تو هستند که هر کاری بخواهی در مورد آنها انجام می دهی، و اگر بر کسانی از آنها که ایمان آورده اند منت بخشی و آنها را بیامری هیچ بازدارنده ای از این کار برای تو نیست، زیرا تو ذات شکست ناپذیری هستی که مغلوب نمی شود، و در تدبیر خویش بسیار دانایی.

﴿قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [المائدة: ۱۱۹].

الله به عیسی علیه السلام فرمود: این روزی است که راستی کسانی که نیت و اعمال و سخنان راستی دارند به آنها سود می رساند، برای آنها بهشت هایی است که رودها از زیر کاخ ها و درختان شان جاری است و همیشه در آن می مانند، مرگی آنها را فراموشی نمیشود، و الله از آنها راضی شده و هرگز بر آنها خشم نمی گیرد، و آنها نیز به سبب نعمت های پایداری که به آنها رسیده است از الله راضی شده اند، این پاداش و رضایت از آنها، بزرگترین رستگاری است، که هیچ رستگاری ای با آن برابری نمی کند.

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [المائدة: ۱۲۰].

فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط از آن الله است، زیرا او آفریدگار و تدبیرکننده آنهاست، و فرمانروایی تمام مخلوقات که در آسمان ها و زمین است برای اوست، و او بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز نمی تواند از دایره قدرت او خارج شود.

برخی فواید آیات:

- الله متعال تمام کسانی را که پس از اقامه دلیل واضح، بر کفر و دشمنی با او اصرار ورزند تهدید کرده است.
- تبرئه مسیح عليه السلام از این ادعای نصاری که مسیح عليه السلام به آنها ابلاغ کرده که الله یا پسر الله است یا اینکه مدعی ربوبیت یا الوهیت شده است.
- الله متعال در روز قیامت حتی رسولان عليهم السلام را که بزرگان و پیشوایان مردم هستند بازخواست می کند، پس کسانی که در درجات پایین تر از آنها قرار دارند چه حالی خواهند داشت؟
- جایگاه والای راستی، و ستایش راستگویان توسط الله، و بیان رسیدن فایده راستگویی به آنها در روز قیامت.

سوره الأنعام

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تثبیت کردن عقیده توحید با دلایل عقلی و نقض اعتقادات شرک آلود.

تفسیر:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ [الأنعام: ۱].

توصیف به کمال مطلق، و ستایش با برترین نیکی‌ها و محبت، برای الله ثابت شده است که آسمان‌ها و زمین را بدون نمونه قبلی آفرید. و شب و روز را که از پی یکدیگر می‌آیند، شب را برای تاریکی، و روز را برای روشنایی آفرید، با این وجود، کسانی که کفر ورزیدند، دیگران را با او تعالی یکسان و شریک قرار می‌دهند.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ﴾ [الأنعام: ۲].

۲- ای مردم - او سبحانه ذاتی است که شما را از گِل آفرید آن گاه که پدرتان آدم را از این ماده خلق کرد، سپس او سبحانه مدت اقامت شما در زندگی دنیا را تعیین کرد، و سررسیدی دیگر که کسی جز او تعالی نمی‌داند برای برانگیختن شما در روز قیامت مشخص نمود، با این وجود شما در قدرت او بر برانگیختن تردید می‌کنید.

﴿وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ﴾ [الأنعام: ۳].

۳- او سبحانه معبود برحق در آسمان‌ها و زمین است، هیچ‌چیز بر او پوشیده نمی‌ماند، زیرا او از نیات و اقوال و اعمالی که پنهان می‌دارید و آشکار می‌کنید آگاه است، و به‌زودی جزای آن را به شما خواهد داد.

﴿وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ﴾ [الأنعام: ۴].

و برای مشرکان هیچ دلیلی از جانب پروردگارشان نمی‌آمد مگر اینکه بدون اهمیت به آن، آن را رها می‌کردند. دلایل روشن و براهین آشکار و دلالت‌کننده بر توحید الله، و نشانه‌های دلالت‌کننده بر راستگویی رسولانش نزدشان آمده است، با این وجود، بدون اینکه به آنها اهمیتی قائل شوند، از آنها روی برگرداندند.

﴿فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الأنعام: ۵].

و اگر آنها از این دلایل روشن و براهین آشکار روی برگرداندند [جای تعجب نیست؛ زیرا] از دلایل و براهین روشن‌تر از آن نیز روی برگردانده‌اند، چون قرآن را که محمد ﷺ آورده تکذیب کرده‌اند، و به‌زودی خواهند دانست آنچه را که نزدشان آمد و به تمسخر می‌گرفتند، همان حق است، آن‌گاه که در روز قیامت عذاب را مشاهده می‌کنند.

﴿أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾ [الأنعام: ۶].

آیا این کافران از سنت الله در نابودی امت‌های ستمگر آگاه نشده‌اند؟! به‌راستی که الله قبل از آنها، امت‌های زیادی را نابود کرد که از اسباب قدرت و ماندن در زمین مواردی به آنها عطا کرده بود که هرگز به این کافران نداده است، و باران‌هایی بیابی برای‌شان فرو فرستاد، و رودهایی جاری زیر مسکن‌های‌شان برای آنها روان ساخت، آن‌گاه از الله نافرمانی کردند، پس الله آنها را به‌سبب گناهایی که مرتکب شدند نابود کرد، و امت‌های دیگری را پس از آنها آفرید.

﴿وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ﴾ [الأنعام: ۷].

ای رسول - اگر کتابی نوشته‌شده در ورق‌ها برایت نازل می‌کردیم، و آن را به چشم مشاهده می‌کردند، و از طریق لمس کردن دست به آن یقین پیدا می‌کردند، باز هم از روی لجاجت و سرسختی به آن ایمان نمی‌آوردند، و به‌طور قطع می‌گفتند: آنچه آورده‌ای چیزی جز سحری آشکار به شمار نمی‌رود، پس هرگز به آن ایمان نمی‌آوریم.

﴿وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ﴾ [الأنعام: ۸].

و این کافران گفتند: اگر الله فرشته‌ای همراه محمد ﷺ فرو می‌فرستاد که با ما سخن می‌گفت و گواهی می‌داد که محمد ﷺ رسول است، ایمان می‌آوردیم. و اگر فرشته‌ای با توصیفی که آنها خواستند فرو می‌فرستادیم و آنها ایمان نمی‌آوردند، به طور قطع آنها را نابود می‌کردیم، و هنگام نزول فرشته مهلتی برای توبه نمی‌یافتند.

برخی فواید آیات:

- لجاجت و خیره‌سری شدید کافران، و بیان پافشاری آنها بر کفر با وجود اقامه حجت بر آنها با دلایل حسی.
- اندیشیدن در سنت‌های الله متعال در مورد گذشتگان، برای شناخت اسباب نابودی آنها و پرهیز از این اسباب.
- یکی از رحمت‌های الله به بندگان این است که رسولی از فرشتگان بر آنها فرو نفرستاده است، زیرا در صورت نزول فرشته، مهلتی برای توبه نمی‌یافتند.

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلِيْسُونَ﴾ [الأنعام: ۹].

و اگر فرشته‌ای را به عنوان رسول نزدشان می‌فرستادیم، به‌طور قطع او را به صورت انسانی درمی‌آوردیم تا بتوانند سخنانش را بشنوند و از او فرابگیرند؛ زیرا از شنیدن و فراگرفتن از فرشته در شکل اصلی‌اش که الله او را بر آن شکل آفریده است ناتوان هستند، و اگر او را به شکل انسانی درمی‌آوردیم، امر بر آنها مشتبه می‌شد.

﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزِیْءَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِیْنَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوْا بِهِ یَسْتَهْزِئُوْنَ﴾ [الأنعام: ۱۰].

پس اگر اینها با درخواست نزول فرشته همراه تو، تمسخر می‌کنند، قبل از تو نیز امت‌هایی رسولان‌شان را به تمسخر و ریشخند گرفتند، آن‌گاه عذابی که آن را انکار می‌کردند و هرگاه از آن ترسانده می‌شدند به ریشخند می‌گرفتند، آنها را فراگرفت.

﴿قُلْ سِیْرُوْا فِی الْاَرْضِ ثُمَّ انظُرُوْا كَیْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِیْنَ﴾ [الأنعام: ۱۱].

۱۱ - ای رسول - به این تکذیب‌کنندگان استهزاکننده بگو: در زمین بگردید، سپس بیندیشید کسانی که رسولان الله را تکذیب کردند چه سرانجامی داشته‌اند، به راستی پس از آن که در عزت و نیرومندی بودند، عذاب الله به آنها رسیده است.

﴿قُلْ لِّمَن مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضِ قُلْ لِلّٰهِ كَتَبَ عَلٰی نَفْسِیْهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰی یَوْمِ الْقِیَامَةِ لَا رِیْبَ فِیْهِ الَّذِیْنَ حَسِرُوْا اَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ﴾ [الأنعام: ۱۲].

۱۲ - ای رسول - به آنها بگو: مالکیت آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو است از آن کیست؟ بگو: مالکیت تمام آنها از آن الله است. از روی لطف به بندگانش، رحمت را بر خویش واجب گردانیده است، چنان که در عذاب آنها تعجیل نمی‌کند، مگر اینکه توبه نکنند. همگی آنها را در روز قیامت گرد خواهد آورد، و هیچ تردیدی در این روز نیست. کسانی که با کفر به الله به خودشان زیان رساندند، ایمان نمی‌آورند تا خود را از زیان نجات دهند.

﴿* وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِی الْلَیْلِ وَالتَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ﴾ [الأنعام: ۱۳].

۱۳ و مالکیت هر چیزی که در شب و روز استقرار دارد فقط از آن الله است، و او تعالی سخنان‌شان را می‌شنود، از کارهای‌شان آگاه است، و جزای سخنان و کارهای‌شان را به آنها خواهد داد.

﴿قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَمَّا أَنَا فَأَتَّبِعُ آلِهَتِي وَإِنِّي مِنَ الْمُمِيقِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴].

۱۴ - ای رسول - به مشرکان که بت‌ها و غیر آن را همراه الله عبادت می‌کنند بگو: آیا عاقلانه است یآوری غیر از الله بگیرم تا کارم را به او بسپارم و از او یاری بخواهم؟! درحالی که او ذاتی است که آسمان‌ها و زمین را بدون نمونه قبلی آفرید، زیرا قبلاً بر آفرینش این دو اقدام نکرده بود، و او ذاتی است که هر یک از بندگانش را بخواهد روزی می‌دهد، و هیچ‌یک از بندگانش به او روزی نمی‌رساند، زیرا او از بندگانش بی‌نیاز است، و بندگانش به او محتاجند، - ای رسول - بگو: همانا پروردگارم سبحانه به من فرمان داده تا نخستین فرد از این امت باشم که از الله فرمان برداری می‌کند و در برابر او تسلیم و فروتن است، و مرا نهی فرموده از اینکه از کسانی باشم که دیگران را با او شریک می‌گردانند.

﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الأنعام: ۱۵].

۱۵ - ای رسول - بگو: من می‌ترسم از اینکه اگر با ارتکاب شرک و سایر گناهان که الله بر من حرام گردانیده است، یا ترک ایمان و سایر طاعات که مرا به آن فرمان داده است نافرمانی الله را بکنم، در روز قیامت مرا به عذاب بزرگی گرفتار سازد.

﴿مَنْ يُضَرْفُ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾ [الأنعام: ۱۶].

۱۶ هرکس که الله این عذاب روز قیامت را از او دور سازد، به‌راستی که به رحمتی از جانب الله دست یافته است، و این نجات از عذاب، همان رستگاری آشکاری است که نظیری ندارد.

﴿وَإِنْ يَمَسُّنَكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّنَكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الأنعام: ۱۷].

۱۷ - ای فرزند آدم - اگر آسیبی از جانب الله به تو برسد، جز الله هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از تو دفع کند، و اگر خیری از جانب او تعالی به تو برسد، هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از تو بازدارد، و هیچ بازگرداننده‌ای برای بخشش او وجود ندارد، زیرا او تعالی بر هر چیزی چیره است، و هیچ‌چیز نمی‌تواند او را ناتوان سازد.

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ۱۸].

و او تعالی بر بندگانش چیره است و بر آنها غلبه دارد، از هر جانب بر آنها برتر است، به گونه‌ای که نمی‌توانند او را ناتوان سازند، و هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، همگی در برابر او فروتن هستند، چنان‌که سزاوار او تعالی است بالاتر از بندگانش قرار دارد، و در آفرینش و تدبیر و شرعش بسیار داناست، و ذات دانایی است که هیچ‌چیز بر او پوشیده نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- بیان حکمت الله متعال در فرستادن هر رسولی از جنس کسانی که به‌سوی آنها فرستاده می‌شد، تا در شنیدن و یادگیری و پذیرفتن از او مؤثرتر باشد.
- دعوت به اندیشیدن در اینکه در مقابل تکرار سنت‌های نخستینیان در نافرمانی، تکرار سنت‌های الله تعالی در عذاب قرار دارد.
- وجوب ترس از گناه و نتایج گناه.
- هر آسیبی که به انسان می‌رسد، بازگرداننده‌ای جز الله ندارد، و هر خیری که به او می‌رسد جز الله هیچ بازدارنده‌ای برایش نیست، پس هیچ بازدارنده‌ای برای بخشش او تعالی، و هیچ مانعی برای نعمت او سبحانه وجود ندارد.

﴿قُلْ أَى شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللّٰهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْتُكُمْ لِتَشْهَدُونَ أَنْ مَعَ اللّٰهِ إِلَهَةٌ أُخْرَى قُلْ لَّا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۱۹].

①۹ - ای رسول - به مشرکان که تو را تکذیب می کنند بگو: چه چیزی بزرگترین و برترین گواهی بر راستگویی من است؟ بگو: گواهی الله بزرگترین و برترین دلیل راستگویی من است، او تعالی میان من و شما گواه است، از آنچه نزدتان آورده‌ام، و از آنچه به زودی به آن بازگردانده می شوید آگاه است، و الله این قرآن را بر من وحی کرده است تا با آن شما و هرکس از انسان‌ها و جن‌ها را که قرآن به او برسد بترسانم، - ای مشرکان - شما اعتقاد دارید که معبودهای دیگری همراه الله وجود دارند. - ای رسول - بگو: به آنچه شما بیان می کنید گواهی نمی دهم چون باطل است، همانا الله، معبودی یگانه است که هیچ شریکی ندارد، و من از تمام آنچه شریک او تعالی قرار می دهید بیزارم.

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَّا يُوْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۲۰].

②۰ یهودیان که تورات را به آنها داده‌ایم و نصاری که انجیل را به آنها داده‌ایم، پیامبر محمد ﷺ را به صورت کامل می شناسند، همان گونه که پسران خودشان را از پسران دیگران تشخیص می دهند، اما آنها کسانی هستند که با وارد ساختن خویش در آتش، بر خویشان زیان رساندند، پس ایمان نمی آورند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَّا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ [الأنعام: ۲۱].

②۱ هیچ کس ستمکارتر از آن کسی نیست که شریکی برای الله نسبت داده، و او را همراه الله متعال عبادت کرده است، یا آیات او تعالی را که بر رسولش فرو فرستاده تکذیب کرده است، همانا ستمکاران با نسبت دادن شریک برای الله و تکذیب آیاتش، اگر توبه نکنند، هرگز رستگار نخواهند شد.

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ [الأنعام: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و روز قیامت را به یاد آور آن گاه که همگی آنها را گرد می آوریم، و هیچ یک از آنها را به جای نمی گذاریم، سپس برای توبیخ کسانی که همراه الله دیگران را عبادت کردند به آنها می گوئیم: شریکان شما که به دروغ ادعا می کردید شریکان الله هستند، کجایند؟!

﴿ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ﴾ [الأنعام: ۲۳].

﴿۲۳﴾ عذرخواهی آنها پس از این آزمایش فقط این است که از معبودهای شان بیزاری می جویند، و به دروغ می گویند: به الله پروردگار ما سوگند، که در دنیا به تو مشرک نبودیم، بلکه به تو ایمان داشتیم، و تو را یگانه می دانستیم.

﴿انظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [الأنعام: ۲۴].

﴿۲۴﴾ - ای محمد - بنگر که اینها چگونه با نفی شرک از خودشان بر خویشتن دروغ می گویند، و شریکانی که در زندگی دنیایی خویش برای الله نسبت داده بودند از آنها پنهان ماندند و به آنها یاری نرسانند؟!

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الأنعام: ۲۵].

﴿۲۵﴾ - ای رسول - از مشرکان کسانی هستند که وقتی قرآن تلاوت می کنی به تو گوش می دهند، اما از آنچه که به آن گوش فرا می دهند بهره ای نمی برند؛ زیرا به سبب دشمنی و رویگردانی آنها، ما بر دل های شان پوشش هایی نهاده ایم که قرآن را درک نکنند، و گوش های شان را از شنیدن سودمند کر کرده ایم، و هر اندازه دلایل روشن و حجت های آشکار ببینند به آن ایمان نمی آورند، تا آنجا که وقتی نزدت می آیند و در مورد حق، به باطل با تو جدال می کنند، می گویند: آنچه آورده ای فقط از کتاب های نخستین گرفته و اقتباس شده است.

﴿وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْأَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ [الأنعام: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و آنها مردم را از ایمان به رسول ﷺ نهی می کنند، و از آن دوری می گزینند، پس نه می گذارند کسی از آن بهره ببرد، و نه خودشان از آن بهره می برند، اما با این کار

فقط خودشان را نابود می‌سازند، و نمی‌دانند آنچه را که انجام می‌دهند، به نابودی خودشان منجر می‌گردد.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقُفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنعام: ۲۷].

﴿۷﴾ و - ای رسول - اگر آن‌گاه که در روز قیامت بر آتش عرضه می‌شوند ببینی که از روی افسوس می‌گویند: کاش به زندگی دنیا بازگردیم، و آیات الله را تکذیب نکنیم، و از مؤمنان به الله باشیم - از بدحالی آنها شگفت‌زده خواهی شد.

برخی فواید آیات:

- بیان حکمت در ارسال پیامبر ﷺ با قرآن، برای ابلاغ و بیان، و اینکه بزرگترین حکمت آن، دعوت به توحید الله است.
- نفی شریک از الله تعالی، و بطلان بهتان‌های مشرکان در این خصوص.
- بیان شناخت یهود و نصاری از پیامبر ﷺ، با وجود انکار و کفرشان.

﴿بَلْ بَدَا لَهُمْ مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾
[الأنعام: ۲۸].

۲۸) امر، آن گونه که آنها می گویند اگر بازگردانده شوند ایمان می آورند نیست، بلکه این سخن شان که آن را پنهان می داشتند بر آنها آشکار شده است که: (به الله سوگند ما مشرک نبودیم)، آن گاه که اعضای شان علیه آنها گواهی می دهند، و به فرض اگر به دنیا بازگردند، به کفر و شرک، که از آن نهی شده اند برخوانند گشت، زیرا آنها در این وعده که در صورت بازگشت، ایمان می آورند دروغ می گویند.

﴿وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾ [الأنعام: ۲۹].

۲۹) و این مشرکان گفتند: زندگی ای جز همین زندگی که در آن هستیم وجود ندارد، و برای محاسبه برانگیخته نمی شویم.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [الأنعام: ۳۰].

۳۰) و ای رسول - اگر این منکران رستاخیز را وقتی در برابر پروردگارشان نگه داشته می شوند ببینی، از بدحالی شان شگفت زده می شوی. آنگاه که الله به آنها می فرماید: آیا این رستاخیز که آن را تکذیب می کردید، حقی ثابت که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد نیست؟! می گویند: به پروردگاران ما را آفرید سوگند می خوریم که همان حقیقت ثابتی است که شکی در آن راه ندارد، آن گاه الله خطاب به آنها می فرماید: پس به سبب اینکه به این روز کفر می ورزیدید عذاب را بچشید؛ زیرا در زندگی دنیا آن را تکذیب می کردید.

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أُوْرَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ إِلَّا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾ [الأنعام: ۳۱].

۳۱) کسانی که رستاخیز روز قیامت را تکذیب کردند و ایستادن در برابر الله را بعید پنداشتند، به طور قطع زیان کرده اند؛ تا آن گاه که وقتی قیامت، ناگهانی و بدون آگاهی قبلی آنها را فرا می گیرد با پشیمانی زیاد می گویند: دروغا بر ما و آرزوهای از دست رفته مان، به خاطر آنچه که در مورد الله کوتاهی کردیم که به او کفر ورزیدیم

و برای روز قیامت آماده نشدیم، درحالی که بدی‌های‌شان را بر پشت خویش حمل می‌کنند، چه بد است آن بدی‌هایی که به دوش می‌کشند.

﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾
[الأنعام: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و زندگی دنیا که به آن تکیه می‌کنند، چیزی نیست جز سرگرمی و مایه فریب برای کسی که در دنیا، آنچه الله را راضی می‌سازد انجام نمی‌دهد، و اما سرای آخرت بهتر است برای کسانی که با انجام ایمان و طاعت که به آن امر شده است، و ترک شرک و معصیت که از آن نهی صورت گرفته است، از الله می‌ترسند. - ای مشرکان - آیا در این امر نمی‌اندیشید؟! تا ایمان بیاورید و اعمال صالح انجام دهید.

﴿قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾ [الأنعام: ۳۳].

﴿۳۳﴾ - ای رسول - ما میدانیم که از اینکه مشرکان تو را در ظاهر تکذیب می‌کنند غمگین می‌شوی. بدان که آنها در دل تو را تکذیب نمی‌کنند؛ چون به راستگویی و امانت تو آگاه هستند، اما آنها گروه ستمکاری هستند که کار تو را در ظاهر انکار می‌کنند، حال آن که در نفس خویش به آن یقین دارند.

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَآوَدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِن نَّبِيِّ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الأنعام: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و گمان مبر که این تکذیب مخصوص رسالت تو است؛ زیرا رسولان پیش از تو نیز تکذیب شدند و اقوام‌شان به آنها آزار رساندند، اما آنها با صبر در راه دعوت و جهاد در راه الله با این مسأله برخورد کردند تا یاری الله آنها را فرا گرفت، و برای یاری‌ای که الله آن را فرض گردانیده و رسولانش را به آن وعده داده است هیچ تغییردهنده‌ای نیست، و - ای رسول - قصه‌های رسولان پیش از تو و آنچه از اقوام‌شان به آنها رسید و پیروزی‌ای که الله در مقابل دشمنان‌شان بر آنها بخشید و دشمنان‌شان را نابود کرد به تو رسیده است.

﴿وَإِنْ كَانَ كِبْرُ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [الأنعام: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و ای رسول - تکذیب و رویگردانی آنها از حقیقتی که برای شان آورده‌ای بر تو دشوار است، پس اگر می‌توانی سوراخی در زمین یا پلکانی به سوی آسمان بیابی تا دلیل و برهانی غیر از دلیلی که تو را با آن تقویت کرده‌ایم برای شان بیاوری این کار را انجام بده، و اگر الله گردآوری آنها را بر هدایتی که آن را آورده‌ای می‌خواست، به طور قطع آنان را جمع می‌کرد، اما از روی حکمتی فراگیر این امر را نمی‌خواهد، پس از جاهلان به این امر مباش، تا از حسرت اینکه ایمان نیاورده‌اند از بین نروی.

برخی فواید آیات:

- الله تعالی بر اساس عدالت خویش، عابد و معبود و تابع و متبوع را در میدان‌های قیامت گرد می‌آورد تا علیه یکدیگر گواهی دهند.
- چنین نیست که هرکس به قرآن گوش دهد از آن بهره بگیرد؛ شاید مانعی مانند مهر دل یا نشنیدن با نیت بهره‌بردن یا مانعی دیگر وجود داشته باشد.
- بیان اینکه مشرکان هر چند در ظاهر تکذیب می‌کنند اما در درون خویش به راستگویی پیامبر ﷺ یقین دارند.
- تسلی و دلداری دادن پیامبر ﷺ با آگاه نمودن او از اینکه این تکذیب فقط در مورد رسالت او واقع نشده است، بلکه این امر، روش مشرکان در برخورد با رسولان پیشین است.

﴿ إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴾ [الأنعام: ۳۶].

﴿۳۶﴾ قطعاً دعوت تو را کسانی اجابت می‌کنند و می‌پذیرند که کلام را می‌شنوند و می‌فهمند، و کافران، مردگان بی‌ارزشی هستند که دل‌های‌شان مرده است، و الله در روز قیامت مردگان را برمی‌انگیزاند، سپس فقط به‌سوی او بازمی‌گردند تا جزای آنچه را از پیش فرستاده‌اند به آنها بدهد.

﴿ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُزِيلَ آيَةَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ [الأنعام: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و مشرکان برای رساندن آزار و پشت گوش انداختن ایمان گفتند: چرا نشانه‌ای شگفت بر محمد نازل نمی‌شود تا دلیلی از جانب پروردگارش مبنی بر راستگویی او در آنچه که آورده است باشد؟ - ای رسول - بگو: همانا الله می‌تواند نشانه‌ای را بر اساس آنچه می‌خواهید فرو فرستد، اما بیشتر این کافران که نزول نشانه را درخواست می‌کنند نمی‌دانند که فروفرستادن نشانه‌ها طبق حکمت او تعالی است، نه طبق خواسته‌های آنها، زیرا اگر نشانه را بر اساس خواست آنها فرو فرستد آن‌گاه ایمان نیاورند، به‌طور قطع آنها را نابود خواهد ساخت.

﴿ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا ظَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ مُّثَالِكُمْ مَا فَطَرْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴾ [الأنعام: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و هیچ حیوانی در روی زمین حرکت نمی‌کند، و هیچ پرنده‌ای در آسمان پرواز نمی‌کند مگر اینکه - ای فرزندان آدم - گروه‌هایی مانند شما در آفرینش و روزی هستند، هیچ‌چیز را در لوح محفوظ رها نکردیم مگر اینکه آن را ثبت کرده‌ایم، و علم همگی آنها نزد الله است، سپس در روز قیامت فقط به‌سوی پروردگارتان جمع می‌شوید تا میان شما داوری کند، آن‌گاه هر یک را بر اساس آنچه که سزاوارش است جزا دهد.

﴿ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَاءِ اللَّهُ يُضِلِّهُ وَمَنْ يَشَاءُ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴾ [الأنعام: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، مانند کرانی هستند که نمی‌شنوند، و گنگانی که سخن نمی‌گویند، و افزون بر آن، در تاریکی‌ها هستند که نمی‌بینند، پس

کسی که چنین حالتی دارد چگونه هدایت می‌شود؟! الله گمراهی هر یک از مردم را بخواهد او را گمراه می‌سازد، و هدایت هرکس را بخواهد، او را با قرار دادن در راه مستقیمی که هیچ کجی و انحرافی ندارد هدایت می‌کند.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأنعام: ۴۰].

⑤ - ای رسول - به این مشرکان بگو: به من خبر دهید که اگر عذابی از جانب الله یا قیامت که به شما وعده داده شده که خواهد آمد، شما را فراگیرد، آیا در این هنگام غیر الله را می‌طلبید تا مصیبت و سختی‌ای را که بر شما نازل شده است برطرف سازد، اگر در این ادعا که معبودهای شما نفع می‌رسانند یا آسیب را برطرف می‌سازند راستگو هستید؟!

﴿بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۴۱].

⑥ حقیقت آن است که در این هنگام غیر از الله که شما را آفرید در دعا نمی‌خوانید، تا مصیبت را از شما بازگرداند، و آسیب را از شما دور سازد، زیرا او کارساز این امر است و بر آن تواناست، و اما معبودهای‌تان که آنها را شریک الله قرار داده‌اید رها می‌کنید، چون می‌دانید که آنها نفع و زیانی نمی‌رسانند.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ [الأنعام: ۴۲].

⑦ - ای رسول - به‌طور قطع به‌سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند رسولانی فرستادیم و آنها را تکذیب کردند، و از آنچه که آورده بودند روی گردانند، آن‌گاه آنها را با سختی‌هایی مانند فقر و آسیب‌های جسمی مانند بیماری مجازات کردیم تا در برابر پروردگارشان تواضع و فروتنی کنند.

﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۴۳].

⑧ اگر وقتی عذاب ما نزدشان آمد در برابر الله خواری و فروتنی می‌کردند تا عذاب را از آنها بردارد، به‌طور قطع به آنها رحم می‌کردیم اما آنها چنین نکردند، بلکه دل‌های‌شان سخت شد، پس عبرت و اندرز نگرفتند، و شیطان کفر و گناهی را که انجام می‌دادند برای‌شان آراست، پس آنچه را انجام می‌دادند ادامه دادند.

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾ [الأنعام: ۴۴].

﴿۴۴﴾ پس وقتی فقر و بیماری شدید که به وسیله آن اندرز داده شده بودند را نادیده انگاشتند، و به اوامر الله عمل نکردند، با گشودن درهای روزی بر رویشان، و ثروتمند کردن شان پس از فقر، آنها را به عذاب نزدیک کردیم، و بدن‌های شان را پس از بیماری سالم کردیم، تا اینکه ناسپاسی و گردنکشی کردند، و به آنچه از آن بهره‌مند شده بودند کاملاً شیفته شدند، عذاب ما ناگهان آنها را فراگرفت، آن‌گاه سرگشته شده و از آنچه آرزو می‌کردند ناامید شدند.

برخی فواید آیات:

- تشبیه کافران به مردگان؛ زیرا زندگی حقیقی، زنده بودن دل است، آن‌گاه که حق را بپذیرد و راه هدایت را پیروی کند.
- یکی از حکمت‌های الله متعال در آزمایش: فرورستاندن مصیبت بر مخالفان است تا دل‌های شان نرم شده و به‌سوی پروردگارشان بازگردند.
- وجود نعمت‌ها و اموال در دستان گمراهان، بر محبت الله به آنها دلالت ندارد؛ بلکه فقط سبب نزدیک کردن آنها به عذاب و آزمایش آنها و دیگران است.

﴿فَقَطِّعَ دَايِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۴۵].

﴿۴۵﴾ پس پایان کافران با ریشه کنی و نابودی همگی آنها و پیروزی رسولان الله بریده شد، و شکر و ستایش فقط برای الله، پروردگار جهانیان است که دشمنانش را نابود کرده و دوستانش را پیروز می گرداند.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَن إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذِفُونَ﴾ [الأنعام: ۴۶].

﴿۴۶﴾ - ای رسول - به این مشرکان بگو: به من خبر دهید که اگر الله شما را با گرفتن گوش‌های‌تان کر کند، و با گرفتن چشم‌های‌تان کور گرداند، و بر دل‌های‌تان مهر نهد، آن‌گاه هیچ چیز نفهمید؛ کدام معبود بر حق است که این موارد را که از دست داده‌اید به شما بازگرداند؟ - ای رسول - بیندیش که چگونه دلایل را برای‌شان بیان می‌کنیم، و براهین گوناگونی می‌آوریم، سپس آنها از این دلایل و براهین روی می‌گردانند!

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ﴾ [الأنعام: ۴۷].

﴿۴۷﴾ - ای رسول - به آنها بگو: به من خبر دهید که اگر عذاب الله ناگهانی و بدون اینکه آن را احساس کنید یا ظاهر و آشکارا شما را فراگیرد، کسی به این عذاب گرفتار نمی‌شود مگر کسانی که با کفر به الله و تکذیب رسولانش ستم کردند.

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الأنعام: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و رسولانی را فقط برای اطلاع اهل ایمان و اهل طاعت، از نعمت‌های ماندگاری که پایان نمی‌پذیرد و از بین نمی‌رود و آنها را شاد می‌کند، و ترساندن کافران و گناهکاران از عذاب شدید ما می‌فرستیم، پس هرکس به رسولان ایمان آورد، و عملش را اصلاح کند، در آنچه که در آخرت‌شان در پیش دارند ترسی بر آنها نیست، و بر آنچه از سهام دنیوی که از دست داده‌اند اندوهگین و حسرت‌زده نمی‌شوند.

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [الأنعام: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به سبب خروج از طاعت الله، آنها را عذاب فرا می‌گیرد.

﴿قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنِّي أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ [الأنعام: ۵۰].

۵۰ - ای رسول - به این مشرکان بگو: به شما نمی‌گویم: گنجینه‌های روزی که نزد من است که هرگونه بخواهم در آن تصرف کنم. و به شما نمی‌گویم: من غیب می‌دانم، جز آنچه که الله از طریق وحی مرا از آن آگاه می‌سازد. و به شما نمی‌گویم: من یکی از فرشتگان هستم، بلکه من فرستاده‌ای از جانب الله هستم، و جز آنچه را که بر من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم، آنچه را که ندارم ادعا نمی‌کنم، - ای رسول - به آنها بگو: آیا کافر که از دیدن حق کور است، و مؤمن که حق را می‌بیند و به آن ایمان می‌آورد یکسان هستند؟ - ای مشرکان - آیا با عقل‌های‌تان در نشانه‌هایی که پیرامون شما وجود دارد نمی‌اندیشید.

﴿وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: ۵۱].

۵۱ - ای رسول - با این قرآن کسانی را بترسان که می‌ترسند در روز قیامت به‌سوی پروردگارشان گرد آورده شوند. هیچ کارسازی غیر از الله برای‌شان نیست که برای‌شان سود برساند، و هیچ شفיעی ندارند که آسیب را از آنها برطرف کند، باشد که آنها با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسند، زیرا اینها هستند که از قرآن بهره می‌برند.

﴿وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۵۲].

۵۲ - ای رسول - برای متوجه ساختن بزرگان مشرکان به‌سوی خود، مسلمانان فقیر را که در آغاز و پایان روز همواره مشغول عبادت الله هستند و او تعالی را مخلصانه عبادت می‌کنند، از خود دور نکن، چیزی از حساب این فقرا بر عهده تو نیست؛ حساب آنها فقط نزد پروردگارشان است، و چیزی از حساب تو نیز بر عهده آنها نیست؛ اگر تو آنها را از مجلس خویش دور سازی، قطعاً از کسانی خواهی بود که از حدود الله گذشته‌اند.

برخی فواید آیات:

- پیامبران عليهم السلام انسان هستند، و به‌طور قطع ذره‌ای از خصوصیات ربوبیت را ندارند، و وظیفه آنها تبلیغ است؛ پس هیچ تصرفی در هستی ندارند، علم غیب نمی‌دانند، و مالک خزینه‌های روزی و غیر آن نیستند.
- اهتمام دعوتگر به پیروانش به‌خصوص پیروان ضعیفش که چیزی جز حق نمی‌جویند، پس باید به آنها نزدیک شود، و نباید برای راضی نمودن کافران، دوری از آنها را قبول کند.
- اشاره آیه به اهمیت عباداتی که در ابتدا و پایان روز انجام می‌شود.

﴿وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنِهِمْ مِّنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ [الأنعام: ۵۳].

۵۳ و این چنین برخی از آنها را به برخی دیگر آزمودیم، چنان که در بهره دنیوی شان آنها را متفاوت قرار دادیم، تا با این کار آنها را بیازماییم که کافران ثروتمند به مؤمنان فقیر بگویند: آیا الله از میان ما، هدایت را برای این فقرا بخشیده است؟! اگر ایمان خیر می بود آنها به آن از ما پیشی نمی گرفتند، زیرا ما اهل پیشی گرفتن هستیم. آیا الله نسبت به شکرگزاران نعمت هایش داناتر نیست، تا آنها را به ایمان توفیق دهد، و نسبت به کافران به خودش داناتر نیست تا دست از یاری شان بکشد تا ایمان نیاورند؟! آری الله در مورد آنها داناتر است.

﴿وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الأنعام: ۵۴].

۵۴ و ای رسول - وقتی مؤمنان به آیات ما که مدرک راستگویی آنچه آورده ای هستند نزد تو بیایند، برای گرمی داشتن شان، جواب سلام شان را بده، و آنها را به رحمت گسترده الله مژده بده، زیرا الله از روی بخشش، رحمت را بر خویشان واجب گردانیده است، پس هرکس از شما که در حالت جهالت و نادانی مرتکب گناهی شود، سپس بعد از ارتکاب گناه توبه کند، و عملش را اصلاح گرداند، الله گناهی را که مرتکب شده است برایش می آمرزد؛ زیرا الله نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَكَذَلِكَ نَفِصِلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأنعام: ۵۵].

۵۵ و همان گونه که موارد مذکور را برای بیان کردیم، دلایل و حجت هایمان را بر پیروان باطل، و برای روشن ساختن راه و روش مجرمان نیز بیان می کنیم، تا از آن اجتناب و پرهیز شود.

﴿قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعَ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ [الأنعام: ۵۶].

۵۶ - ای رسول - بگو: همانا الله مرا از عبادت کسانی که شما آنها را به جای الله عبادت می کنید نهی فرموده است، - ای رسول - بگو: از هوس های شما در عبادت

غیر الله پیروی نمی‌کنم، زیرا اگر در این مورد از هوس‌های شما پیروی کنم از راه حق گمراه خواهم بود، و به آن هدایت نخواهم شد، و این حالت، شأن هرکسی است که به جای برهانی از جانب الله، از هوس پیروی کند.

﴿قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ﴾ [الأنعام: ۵۷].

۵۷- ای رسول - به این مشرکان بگو: همانا من بر دلیل آشکاری از جانب پروردگارم هستم، نه بر هوس؛ و شما این برهان را تکذیب کردید، عذاب و آیات خارق‌العاده‌ای که خواستار تعجیل در آن هستید نزد من نیست، بلکه فقط به دست الله است، پس حکم - از جمله آنچه درخواست می‌کنید - فقط برای الله است، او تعالی حق را می‌گوید و به آن حکم می‌کند، و او سبحانه بهترین کسی است که حق‌دار و دروغ‌پرداز را از یکدیگر مشخص می‌کند.

﴿قُلْ لَوْ أَنَّنِ لَوَّانَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَفُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۵۸].

۵۸- ای رسول - به آنان بگو: اگر عذابی را که خواستار تعجیل آن هستید، پیش من و یا در دست من بود به‌طور قطع آن را بر شما فرو می‌فرستادم، و در این صورت کار میان من و شما به پایان می‌رسید، و الله نسبت به ستمکاران داناتر است که چقدر به آنها مهلت دهد و چه زمانی آنها را مجازات کند.

﴿* وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يُعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ [الأنعام: ۵۹].

۵۹ و گنجینه‌های غیب فقط نزد الله است، و دیگران آن را نمی‌دانند، و او تعالی از تمام مخلوقات خشکی اعم از حیوانات و گیاهان و جمادات، و از حیوانات و گیاهان موجود در دریاها آگاه است، و هیچ برگی در هیچ مکانی نمی‌افتد، و هیچ دانه پنهانی در زمین یافت نمی‌شود، و هیچ رطوبتی پیدا نمی‌شود، و هیچ خشکی‌ای یافت نمی‌گردد، مگر اینکه در کتاب واضحی که همان لوح محفوظ است ثبت شده است.

برخی فواید آیات:

- الله تعالى بعضی از بندگان را سبب آزمایش بعضی دیگر قرار می‌دهد، چنان‌که در روزی و کفر و ایمان به آنها درجات متفاوتی می‌دهد. و کفر و ایمان، مشروط به گستردگی و تنگی روزی نیست.
- یکی از خصوصیات اخلاقی دعوتگر، گشاده‌رویی و سلام‌دادن و خوشحالی و شادمانی با یارانش است.
- دعوتگر باید در عقیده و روش و رفتارش از هوس‌ها بپرهیزد.
- اثبات انحصار علم غیب به الله، به تنهایی و بدون شریک، و علم گسترده او تعالی در این مورد، و اینکه ذره‌ای بر او پوشیده نمی‌ماند و هیچ‌چیز از مخلوقاتش از او پنهان نمی‌ماند مگر اینکه با ریزترین جزئیات نزد او سبحانه ثبت و تدوین شده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۶۰].

﴿۶۰﴾ و الله همان ذاتی است که هنگام خواب ارواح شما را به صورت موقت می‌گیرد، و از کارهایی که در روز هنگام فعالیت انجام می‌دهید آگاه است، سپس بعد از اینکه ارواح شما را با خواب گرفت در روز شما را از نو زنده می‌گرداند تا کارهای تان را انجام دهد، تا آن‌گاه که مهلت از پیش تعیین شده زندگی تان نزد الله به پایان رسد، سپس بازگشت تان با برانگیخته شدن در روز قیامت فقط به سوی اوست، سپس شما را از آنچه که در زندگی دنیایی تان انجام می‌دادید با خبر می‌سازد و جزای آن را به شما می‌دهد.

﴿وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ﴾ [الأنعام: ۶۱].

﴿۶۱﴾ و الله بر بندگانش چیره و غالب است، از هر نظر بر آنها برتر است، ذاتی است که هر چیزی در برابر او فروتنی می‌کند، آن‌گونه که شایسته شکوه او سبحانه است بالاتر از بندگانش قرار دارد. و -ای مردم- فرشتگانی گرامی بر شما می‌فرستد که اعمال شما را تا زمانی که مدت عمر یکی از شما سپری می‌شود و فرشته مرگ و دستیاران وی روحش را قبض می‌کنند برمی‌شمرند، و این فرشتگان در آنچه که به آن فرمان یافته‌اند کوتاهی نمی‌کنند.

﴿ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾ [الأنعام: ۶۲].

﴿۶۲﴾ سپس تمام کسانی که ارواحشان قبض شده است به سوی الله که مالک حقیقی آنها است بازگردانیده می‌شوند تا آنها را در قبال اعمالشان جزا دهد، همان ذاتی که داوری ثمربخش و حکم عادلانه در مورد آنها از آن اوست، و او سریع‌ترین کسی است که شما را مورد محاسبه قرار می‌دهد و اعمال تان را برمی‌شمرد.

﴿قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُوْنَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّيْنٍ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ﴾ [الأنعام: ۶۳].

﴿۶۳﴾ -ای رسول- به این مشرکان بگو: چه کسی شما را از نابودکننده‌هایی که در تاریکی‌های خشکی و دریا با آن روبرو می‌شوید نجات می‌دهد و سالم نگه می‌دارد؟

درحالی که با فروتنی و درماندگی در نهان و آشکارا فقط او را در دعا می‌خوانید که: اگر پروردگاران ما را از این حوادث نابودکننده سالم نگه دارد، به‌طور قطع از شکرگزاران نعمت‌هایش خواهیم بود که به ما ارزانی داشته است، به این نحو که غیر او را عبادت نمی‌کنیم.

﴿قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكَ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۶۴].

۶۴- ای رسول - به آنها بگو: الله همان ذاتی است که شما را از این حوادث نابودکننده نجات می‌دهد، و شما را از هر اندوهی می‌رهاند، سپس شما بعد از این امر، در حالت گشایش، دیگران را همراه او شریک قرار می‌دهید، پس چه ستمی از آنچه که شما انجام می‌دهید بزرگتر است؟!

﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ﴾ [الأنعام: ۶۵].

۶۵- ای رسول - به آنها بگو: الله تواناست که عذابی از بالای سرتان مانند سنگ‌ها و صاعقه‌ها و طوفان، بر شما بفرستد، یا عذابی از زیر پای‌تان مانند زلزله‌ها و فروبردن در زمین بر شما بفرستد، یا میان دل‌های شما اختلاف بیندازد، آن‌گاه هر یک از شما از هوس خویش پیروی کند، تا اینکه یکدیگر را بکشید، - ای رسول - بنگر که چگونه دلایل و براهین گوناگون را می‌آوریم و برای‌شان بیان می‌کنیم شاید بفهمند که آنچه تو آورده‌ای حق است، و آنچه خودشان دارند باطل است.

﴿وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾ [الأنعام: ۶۶].

۶۶ و قوم تو این قرآن را تکذیب کردند، درحالی که حقی است که بدون تردید از جانب الله آمده است، - ای رسول - به آنها بگو: من بر نگرهبانی از شما گماشته نشده‌ام، بلکه فقط انذاردهنده شما در برابر عذابی سخت هستم.

﴿لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَفَرٍّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ۶۷].

۶۷ هر خبری زمانی دارد که در آن واقع می‌شود، و سرانجامی دارد که به آن پایان می‌یابد، از جمله خبر سرانجام و عاقبت شما، که به زودی، هنگامی که در روز قیامت برانگیخته می‌شوید از آن آگاه خواهید شد.

﴿وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ
وَإِمَّا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۶۸].

🔹 و ای رسول - هرگاه دیدی مشرکان با تمسخر و استهزا در مورد آیات ما سخن می‌گویند، از آنها دوری کن تا در سخنی بدون تمسخر و استهزا به آیات ما درآیند، و هرگاه شیطان تو را به فراموشی انداخت و با آنها نشست، سپس متوجه شدی مجلس آنها را ترک کن و با این متجاوزان منشین.

برخی فواید آیات:

- اثبات اینکه خواب نوعی مرگ است، و ارواح هنگام خواب قبض شده، سپس هنگام بیداری بازگردانده می‌شوند.
- استدلال با دلیل فطرت بر استحقاق الله تعالی به الوهیت؛ زیرا کافران به الله تعالی ایمان دارند و هنگام اضطرار و وقوع در حوادث نابودکننده، از روی فطرت، باز می‌گردند، و فقط از الله تعالی می‌طلبند.
- الزام مشرکان به مقتضای رفتار خودشان، و اقامه دلیل بر انقلاب فطرت‌شان؛ چون هنگام سختی در دریا فقط از الله طلب یاری می‌کنند، و آن‌گاه که الله آنها را می‌رهاند و به خشکی نجات می‌دهد شرک می‌ورزند.
- عدم جواز نشستن در مجالس پیروان باطل و لغو، و لزوم جدایی از آنها، و بازنگشتن نزدشان مگر در حالتی که از این کار دست بکشند.

﴿وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾
[الأنعام: ۶۹].

﴿۶۹﴾ و چیزی از حساب این ستمکاران بر عهده کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، تقوای او تعالی را پیشه می‌کنند نیست، بلکه فقط این امر به عهده آنهاست که ستمکاران را از کارهای منکری که مرتکب می‌شوند نهی کنند، باشد که از الله بترسند، آن‌گاه اوامرش را اجرا کنند و از نواهی او بپرهیزند.

﴿وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَنَهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ [الأنعام: ۷۰].

﴿۷۰﴾ - ای رسول - این مشرکان را که دین‌شان را مایه بازی و سرگرمی قرار داده‌اند و آن را به تمسخر و ریشخند می‌گیرند، و زندگی دنیا با کالاهای نابودشدنی خویش آنها را فریفته است رها کن. - ای پیامبر - مردم را با قرآن اندرز بده تا اینکه کسی به سبب گناهایی که انجام می‌دهد به نابودی نیفتد، درحالی که غیر از الله هیچ هم پیمانی ندارد که از او یاری بجوید، و هیچ واسطه‌ای ندارد که عذاب الله در روز قیامت را از او بازدارد، و اگر هر فدیهای در برابر عذاب الله بدهد از او پذیرفته نمی‌شود. اینها کسانی هستند که به سبب گناهایی که مرتکب شده‌اند به نابودی خودشان راضی شده‌اند، و به سبب کفرشان در روز قیامت نوشیدنی‌ای در نهایت حرارت و عذابی رنج‌آور دارند.

﴿قُلْ أُنذَعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى اسْتَبْتْنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأَمْرًا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۷۱].

﴿۷۱﴾ - ای رسول - به این مشرکان بگو: آیا به جای الله بت‌هایی را عبادت کنیم که مالک هیچ نفعی نیستند تا به ما نفع برسانند و مالک هیچ زیانی نیستند که به ما زیانی برسانند، و پس از اینکه الله ما را به ایمان توفیق داد از آن بازگردیم، آن‌گاه مثل کسی شویم که شیاطین او را گمراه و سرگشته رها کرده‌اند که هیچ راهی نمی‌

یابد، و یارانی بر راه راست دارد که او را به سوی حق می خوانند، اما او دعوت آنها را در آنچه او را به آن فرا می خوانند اجابت نمی کند؟ - ای رسول - به آنها بگو: به راستی هدایت الله، همان هدایت حق است، و الله به ما فرمان داده است که با پایبندی به توحید و عبادتش فقط تسلیم او باشیم، زیرا او پروردگار جهانیان است.

﴿وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنعام: ۷۲].

﴿۷۲﴾ و ما را به برپایی نماز به کامل ترین صورت امر کرده است، و ما را به تقوای الهی با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی امر کرده است؛ زیرا او ذاتی است که بندگان در روز قیامت فقط به سوی او گرد آورده می شوند تا جزای اعمال شان را به آنها بدهد.

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ۷۳].

﴿۷۳﴾ و او ذاتی است که آسمان ها و زمین را به حق آفرید، و روزی که الله به چیزی می فرماید: باش، ناگهان موجود می شود، آن گاه که در روز قیامت می فرماید، به پاخیزید، بی درنگ به پامی خیزند، سخن او تعالی، سخن راستی است که به طور قطع واقع خواهد شد، و فرمانروایی روز قیامت آن گاه که اسرافیل برای بار دوم در صور می دمدم فقط برای او تعالی است، هرچه را پنهان و آشکار است می داند، و در آفرینش و تدبیرش بسیار داناست، و چنان ذات آگاهی است که هیچ چیز بر او پنهان نمی ماند، زیرا امور نهانی نزد او همانند امور آشکار است.

برخی فواید آیات:

- دعوتگر به سوی الله تعالی، مسئول محاسبه هیچ کس نیست، بلکه مسئول تبلیغ و یادآوری است.
- اندرز دادن از بزرگترین وسایل بیداری غافلان و مستکبران است.
- یکی از دلایل توحید چنین است: کسی که مالک هیچ نفع و ضرر و تصرفی نیست، ناگزیر سزاوار نیست که إله و معبود باشد.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزرَ اتَّخِذْ أُنثَمًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الأنعام: ۷۴].

۷۴ و ای رسول - به یاد آور آن گاه که ابراهیم علیه السلام به پدر مشرک خویش آزر گفت: ای پدر من، آیا به جای الله، بت‌هایی را معبود می‌گیری و عبادت می‌کنی؟! به راستی که من، تو و قومت را که بت‌ها را عبادت می‌کنند، به سبب اینکه غیر الله را عبادت می‌کنید در گمراهی آشکار، و سرگشتگی از راه حق می‌بینم، زیرا او سبحانه معبود برحق است، و غیر او معبودان باطلی هستند.

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾ [الأنعام: ۷۵].

۷۵ و همان‌گونه که گمراهی پدر و قومش را به او نمایانندیم، فرمانروایی گسترده آسمان‌ها و زمین را نیز به او نمایانندیم، تا با این فرمانروایی گسترده، بر وحدانیت الله و استحقاق انحصاری او تعالی در عبادت استدلال کند؛ تا به یقین بداند که الله ذات واحدی است که هیچ شریکی ندارد، و بر هر چیزی تواناست.

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ﴾ [الأنعام: ۷۶].

۷۶ پس آن گاه که شب بر او تاریکی انداخت، ستاره‌ای دید، آن گاه گفت: این پروردگار من است، اما هنگامی که ستاره ناپدید شد گفت: کسی را که پنهان می‌شود دوست ندارم؛ زیرا معبود حقیقی، حاضری است که پنهان نمی‌شود.

﴿فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ﴾ [الأنعام: ۷۷].

۷۷ و هنگامی که ماه را در حال طلوع دید گفت: این پروردگار من است، اما هنگامی که پنهان شد گفت: اگر الله مرا به توحید و عبادت خویش به یگانگی، توفیق نداده بود، به طور قطع از گروهی بودم که از دین برحق او دور هستند.

﴿فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۷۸].

۷۸ و هنگامی که خورشید را در حال طلوع دید گفت: این طلوع‌کننده، پروردگار من است، این طلوع‌کننده از ستارگان و ماه بزرگتر است، اما هنگامی که پنهان شد گفت: ای قوم من، همانا من از آنچه با الله شریک قرار می‌دهید بیزارم.

و هنگامی که از آنچه که به جای الله عبادت می کردند بیزاری جست، گویی آنها از او پرسیدند، پس چه چیزی عبادت می کنی؟ آن گاه ابراهیم علیه السلام گفت:

﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾
[الأنعام: ۷۹].

﴿۸۰﴾ من با بازگشت از شرک به سوی توحید خالص، دینم را برای ذاتی که آسمانها و زمین را بدون نمونه قبلی ساخت خالص گردانیدم، و از مشرکان که دیگران را همراه او عبادت می کنند نیستم.

﴿وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ [الأنعام: ۸۰].

﴿۸۱﴾ و قوم مشرکش، در توحید الله سبحانه با او به جدال پرداختند، و او را از تمثال های شان ترساندند. آن گاه ابراهیم علیه السلام به آنها گفت: آیا در توحید و یگانگی الله در عبادت، با من جدال می کنید، در حالی که پروردگارم مرا به آن توفیق داده است، و از تمثال های شما نمی ترسم، زیرا آنها مالک هیچ ضرری نیستند که به من ضرر برسانند و مالک هیچ نفعی نیستند که به من نفع برسانند مگر اینکه الله بخواهد، زیرا هرچه الله بخواهد انجام می شود، و علم الله همراه همه چیز است. چنان که هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر او پوشیده نمی ماند، پس ای قوم من - آیا کفر و شرک به الله را که بر آن هستید به یاد نمی آورید تا فقط به الله ایمان آورید؟!

﴿وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ۸۱].

﴿۸۲﴾ و چگونه از بت هایی که به جای الله عبادت می کنید بترسم، در حالی که شما به دلیل شرکتان به الله، آنچه را الله آفریده است با او شریک قرار دادید بدون اینکه دلیلی برای این کار داشته باشید؟! پس کدامیک از این دو گروه به امنیت و سلامت سزاوارترند: گروه موحدان یا گروه مشرکان؟ اگر می دانید که کدامیک سزاوارتر هستند پس از آن پیروی کنید، و - بدون تردید - سزاوارترین این دو گروه، همان گروه مؤمنان مؤحد است.

برخی فواید آیات:

- استدلال بر ربوبیت با نظر در مخلوقات، روشی قرآنی است.
- دلایل عقلی صریح، ربوبیت الله را ثابت می کند.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ [الأنعام: ۸۲].

﴿۸۲﴾ کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و از احکام او پیروی کرده‌اند، و ایمان‌شان را با شرک درنیامیخته‌اند، ایمنی و سلامتی فقط برای آنها است، نه دیگران؛ و آنها توفیق یافتگانند. پروردگارشان آنها را به راه هدایت توفیق داده است.

﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ۸۳].

﴿۸۳﴾ و این حجت یعنی ﴿فَأَيُّ الْقَرِيبِينَ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ﴾ [الأنعام: ۸۱] که ابراهیم عليه السلام با آن بر قومش چیره شد تا اینکه حجت‌شان را قطع کرد، همان حجت ماست که او را به آن توفیق دادیم تا در برابر قومش با آن استدلال کند، و آن را به او عطا کردیم، مراتب هر یک از بندگانمان را که بخواهیم در دنیا و آخرت بالا می‌بریم، - ای رسول - همانا پروردگار تو در آفرینش و تدبیرش بسیار داناست و نسبت به بندگانش آگاهی کاملی دارد.

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأنعام: ۸۴].

﴿۸۴﴾ و به ابراهیم، پسرش اسحاق و نوه‌اش یعقوب عليه السلام را روزی دادیم، و هر یک از آن دو را به راه راست توفیق دادیم، و قبل از آنها نوح عليه السلام را توفیق دادیم، و از نسل نوح هر یک از داود و پسرش سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و برادرش هارون عليه السلام را به راه حق توفیق دادیم، و مانند این پاداش که به سبب نیکوکاری پیامبران عليهم السلام به آنها دادیم، به سایر نیکوکاران نیز به سبب نیکوکاری‌شان می‌دهیم.

﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الأنعام: ۸۵].

﴿۸۵﴾ و همچنین هر یک از زکریا و یحیی و عیسی پسر مریم و الیاس عليه السلام را توفیق دادیم، و تمام آنها پیامبرانی صالح بودند که الله آنها را به عنوان رسول برگزید.

﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و همچنین اسماعیل و یسع و یونس و لوط عليه السلام را توفیق دادیم، و تمام این پیامبران و در رأس آنها پیامبر محمد صلی الله علیه و آله را بر جهانیان برتری بخشیدیم.

﴿وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾
[الأنعام: ۸۷].

﴿۸۷﴾ و برخی از پدران شان و برخی از پسران شان و برخی از برادران شان را که خواستیم توفیق دادیم، و آنها را برگزیدیم، و آنها را به پیمودن راه مستقیم که همان راه توحید و طاعت الله است توفیق دادیم.

﴿ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحِطَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۸۸].

﴿۸۸﴾ این توفیقی که برای شان حاصل شد، همان توفیق الله است که هر یک از بندگانش را که بخواهد به آن هدایت می کند، و اگر غیر الله را همراه او تعالی شریک قرار داده بودند به طور قطع عمل شان تباه می شد؛ زیرا شرک عمل صالح را تباه می سازد.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءَ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيَسُوْا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ [الأنعام: ۸۹].

﴿۸۹﴾ پیامبران مذکور، کسانی هستند که به آنها کتابها، حکمت، و نبوت عطا کردیم، پس اگر قوم تو به این موارد سه گانه که به آنها داده ایم کفر ورزند، همانا ما گروهی را بر آن آماده و انتخاب کرده ایم که به آن کافر نیستند، بلکه مؤمن هستند و به آن چنگ می زنند، یعنی همان مهاجران و انصار و کسانی که تا روز قیامت به نیکی از آنها پیروی کنند.

﴿ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۹۰].

﴿۹۰﴾ این پیامبران و پدران و پسران و برادران شان که همراه آنها بیان شدند، همانها در حقیقت اهل هدایت هستند، پس از آنها پیروی و به آنها اقتدا کن، و ای رسول - به قومت بگو: در برابر ابلاغ این قرآن پاداشی از شما نمی طلبیم، زیرا قرآن چیزی نیست جز اندرزی برای جهانیان، چه انسانها و چه جنها؛ تا با آن به راه مستقیم، و راه صحیح راهنمایی بخواهند.

برخی فواید آیات:

- از فضایل توحید این است که امنیت را برای بنده تضمین می‌کند، به‌خصوص در آخرت که مردم بی‌قراری می‌کنند.
- آیات بیان می‌دارند که تمام پیامبران پیشین، دعوت‌شان را فقط به توفیق الله تعالی و نه به قدرت خودشان ابلاغ کرده‌اند.
- تمام پیامبران علیهم‌السلام، با وجود اختلاف احکام عبادی‌شان، در دعوت به‌سوی توحید الله تعالی مشترک هستند.
- اقتدا به پیامبران علیهم‌السلام، به‌خصوص در اصول توحید، سنتی پسندیده است.

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ مِّن شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾ [الأنعام: ۹۱].

﴿۹۱﴾ و مشرکان آن گونه که سزاوار بزرگی الله است او را بزرگ نشمردند آن گاه که به پیامبرش محمد ﷺ گفتند: الله چیزی از وحی بر هیچ انسانی فرو نفرستاده است، - ای رسول - به آنها بگو: چه کسی تورات را بر موسی ﷺ به عنوان نور و هدایت و ارشادی برای قومش فرو فرستاد؟ که یهود آن را در دفاتری قرار می‌دهند و از آن، آنچه را موافق هوس‌های‌شان است آشکار می‌کنند، و آنچه مانند توصیف محمد ﷺ که مخالف هوس‌های‌شان است پنهان می‌کنند. و - ای عرب - از قرآن چیزی به شما آموخته شد که نه شما و نه پیشینیان شما از قبل آن را نمی‌دانستید، - ای رسول - به آنها بگو: آن را الله نازل فرموده است، سپس آنها را در جهل و گمراهی‌شان رها کن تا به یقین برسند (مرگشان فرا رسد).

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ [الأنعام: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و - ای رسول - این قرآن کتابی است که بر تو فرو فرستادیم و کتابی مبارک است که کتاب‌های آسمانی پیش از خود را تصدیق می‌کند، تا مردم مکه و سایر مردم در مشارق و مغارب زمین را به آن انداز دهی تا هدایت شوند، و کسانی را که به زندگی آخرت و به این قرآن ایمان می‌آورند، و به مفاد آن عمل می‌کنند، و بر نمازهای‌شان با انجام ارکان و فرائض و مستحبات آن در اوقات مشخص شده شرعی آن، مراقبت می‌کنند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الأنعام: ۹۳].

﴿۹۳﴾ هیچ کس ستمکارتر از کسی نیست که دروغی بر الله بسازد به این نحو که بگوید: الله هیچ چیز بر انسانی فرو نفرستاده است، یا از روی دورغ بگوید: الله به او وحی

کرده، درحالی که هیچ چیز بر او وحی نکرده است، یا بگوید: به زودی مثل قرآن که الله آن را نازل کرده است نازل خواهم کرد، و ای رسول - اگر بینی آن گاه که سختی های جان کندن، این ستمکاران را فرا می گیرد، و فرشتگان با عذاب دادن و زدن، دست های شان را بر آنها می گشایند، و از روی سرزنش به آنها می گویند: جان های تان را بیرون دهید، زیرا ما آنها را قبض می کنیم، در این روز به سبب ادعای نبوت و وحی و فرورستاند مانند آنچه الله نازل کرده است بر الله دروغ می بستید، و به سبب تکبر در ایمان به آیات الله، به غذایی مجازات می شوید که شما را تحقیر و خوار می سازد، اگر این صحنه را بینی به راستی که امر هولناکی را دیده ای.

﴿وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَفْنَاكُمْ آوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ [الأنعام: ۹۴].

﴿۹۴﴾ و روز قیامت به آنها گفته می شود: همان گونه که برای بار اول شما را لخت و عریان و ختنه نشده آفریدیم، در این روز به تنهایی، و بدون مال و ریاست نزد ما آمده اید، و برخلاف میل آنچه را که از مال و ریاست به شما عطا کرده بودیم پشت سرتان در دنیا به جای گذاشته اید، و امروزه معبودهای تان را که گمان می کردید شفیعان شما هستند، و گمان می کردید در استحقاق عبادت، شریکان الله هستند، همراه شما نمی بینیم، همانا پیوند میان شما بریده شده، و آنچه در مورد شفاعت آنها گمان می کردید، و اینکه می پنداشتید که شریکان الله هستند از دست شما رفته است.

برخی فواید آیات:

- فرورستاند کتابها بر پیامبران ﷺ سنت الله در مورد رسولان ﷺ است، و پیامبر ﷺ یکی از آنها است.
- دروغ پردازترین مردم کسی است که بر الله تعالی دروغ می بندد، یعنی امری را که دلیل صحیحی بر آن وجود ندارد در حق الله تعالی نسبت می دهد یا نفی یا اثبات می کند.
- هرکسی در روز قیامت به تنهایی و عاری از مناصب و القاب، و با دستان خالی، برانگیخته می شود، و یکه و تنها مورد محاسبه قرار می گیرد.

﴿ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالْتَوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴾ [الأنعام: ۹۵].

﴿۹۵﴾ همانا الله، یگانه ذاتی است که دانه را می شکافد و از آن محصولات کشاورزی بیرون می آورد، و هسته را می شکافد و از آن درخت خرما می روپاند، و زنده را از مرده بیرون می آورد؛ چون انسان و سایر موجودات زنده را از نطفه بیرون می آورد، و مرده را از زنده بیرون می آورد؛ چنانکه نطفه را از انسان و تخم مرغ را از ماکیان درمی آورد، ذاتی که این کارها را انجام می دهد همان الله است که شما را آفرید، پس ای مشرکان - چگونه از حق منحرف می شوید در حالی که آفرینش شگفت آن را مشاهده می کنید؟!

﴿ فَالِقُ الإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴾ [الأنعام: ۹۶].

﴿۹۶﴾ و او تعالی ذاتی است که روشنایی صبح را از تاریکی شب می شکافد، و شب را برای آرامش مردم قرار داده است که از حرکت برای طلب معاش آرام می گیرند، تا از خستگی در طلب معاش در روز استراحت کنند، و ذاتی است که خورشید و ماه را قرار داده که به حساب اندازه گیری شده ای در جریان هستند، این آفرینش شگفت، تقدیر ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و نسبت به مخلوقاتش و آنچه به صلاحشان است بسیار داناست.

﴿ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ التُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴾ [الأنعام: ۹۷].

﴿۹۷﴾ و ای فرزندان آدم - او تعالی ذاتی است که ستارگان را در آسمان برای تان آفرید تا اگر در سفرهای تان، راه های خشکی و دریا بر شما مشتبه شد راه را با آنها بیابید. دلایل و براهین دلالت کننده بر قدرتمان را برای قومی که در این دلایل و براهین می اندیشند به روشنی بیان کرده ایم، تا از آن بهره مند شوند.

﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴾ [الأنعام: ۹۸].

﴿۹۸﴾ و او تعالی ذاتی است که شما را از نفس واحد یعنی نفس پدرتان آدم آفرید، زیرا آفرینش شما را با آفریدن پدرتان از گل آغاز کرده، سپس شما را از او آفریده است،

و قرارگاه‌هایی مانند رحم‌های مادران‌تان، و امانت‌نگهدارهایی که در آنها حفاظت می‌شوید مانند استخوان‌های کمرهای پدران‌تان آفرید، به‌راستی که ما آیات را برای مردمی که کلام الله را می‌فهمند به روشنی بیان کرده‌ایم.

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَاتَرَ كَبَابًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۹۹].

﴿۹۹﴾ و او تعالی ذاتی است که از آسمان آب باران را فرو فرستاد، که با آن تمام اصناف گیاهان را رویانیدیم، آن‌گاه از گیاهان، محصولات کشاورزی و درخت سبز بیرون آوردیم. از آنها دانه‌هایی درمی‌آوریم که بر روی هم انباشته هستند، و از شکوفه درخت خرما، خوشه‌های پایین آمده که به صورت ایستاده و نشسته به آن دسترسی دارند، و باغ‌هایی از انگور خارج کردیم، و باغ‌هایی از زیتون و انار که برگ‌های‌شان مانند هم است، اما میوه‌های مختلفی دارند، بیرون کردیم. - ای مردم - به میوه آن بنگرید ابتدا که آشکار می‌شود، و هنگامی که پخته می‌شود، - ای مردم - همانا در این امر، دلایل آشکاری بر قدرت الله وجود دارد برای قومی که به الله ایمان دارند، زیرا آنها هستند که از این دلایل و براهین بهره می‌برند.

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ﴾ [الأنعام: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ و جن‌های مشرک، شریکانی برای الله در عبادت قرار دادند آن‌گاه که اعتقاد داشتند که آنها نفع و ضرر می‌رسانند، درحالی‌که الله آنها را به وجود آورده است، و دیگران آنها را نیافریده‌اند، پس او تعالی برای عبادت شدن سزاوارتر است. و به دروغ پسرانی قرار دادند چنان‌که یهود به عزیر، و نصاری به عیسی این نسبت را دادند، و دخترانی به دروغ قرار دادند چنان‌که مشرکان این نسبت را به فرشتگان دادند، او تعالی از آنچه پیروان باطل، او را به آن توصیف می‌کنند منزّه و پاک است.

﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۰۱].

﴿۱۱﴾ و او تعالی آفریدگار آسمان‌ها و زمین بدون نمونه قبلی است، چگونه می‌تواند فرزندی داشته باشد درحالی‌که هرگز همسری نداشته است؟! حال آن‌که او همه چیز را آفریده و از هر چیزی آگاه است، به‌گونه‌ای که هیچ‌چیز بر او پوشیده نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- استدلال به برهان آفرینش و روزی (آفرینش و رشد و تغییر شکل و حجم گیاهان و نزول باران)، و استدلال به برهان حرکت (حرکت و تنظیم حرکت و نظم افلاک)؛ و هر دو مورد، مناظر آشکاری - بر یگانگی الله در ربوبیت و استحقاق الوهیت - هستند.
- بیان گمراهی و کم‌عقلی مشرکان در عبادت جن‌ها.

﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [الأنعام: ۱۰۲].

۱۰۲- ای مردم- ذات متصف به این صفات، پروردگار شماست، پروردگاری جز او ندارید، و هیچ معبود برحق جز او نیست، و او همه چیز را به وجود آورده است، پس فقط او را عبادت کنید، زیرا فقط او سزاوار عبادت است، و او تعالیٰ محافظ همه چیز است.

﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الأنعام: ۱۰۳].

۱۰۳- چشم‌ها بر او احاطه ندارند، و او سبحانه چشم‌ها را زیر نظر و بر آنها احاطه دارد، و نسبت به بندگان نیکوکارش بسیار مهربان و آگاه است.

﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَن عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾ [الأنعام: ۱۰۴].

۱۰۴- ای مردم- دلایل روشن و براهین آشکاری از جانب پروردگارتان نزد شما آمده است، پس هرکس در آنها بیندیشد و به آنها گردن نهد، نفع این کار به خودش بازمی‌گردد، و هرکس به آنها ننگرد، و در آنها نیندیشد، و به آنها گردن نهد، ضرر این کار فقط به خودش بازمی‌گردد، و من بر شما نگهبان نیستم، تا اعمال‌تان را برشمرم، بلکه من فقط رسولی از جانب پروردگارم هستم، و او تعالیٰ بر شما نگهبان است.

﴿وَكَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا دَرَسَتْ وَلِيُتَبَيَّنَ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۰۵].

۱۰۵- همان‌گونه که ادله و براهین گوناگون بر قدرت الله را بیان کردیم، در وعد و وعید و اندرز نیز آیات گوناگونی آورده‌ایم، و به‌زودی مشرکان خواهند گفت: این وحی نیست، بلکه آن را از اهل کتاب قبل از خودت آموخته‌ای. و برای اینکه با گوناگون ساختن این آیات، حق را برای مردم مؤمن امت محمد ﷺ روشن سازیم، زیرا آنها هستند که حق را می‌پذیرند، و از آن پیروی می‌کنند.

﴿اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الأنعام: ۱۰۶].

۱۰۶- ای رسول- از حقی که پروردگارت بر تو وحی می‌کند پیروی کن، زیرا معبود برحق جز او سبحانه وجود ندارد، و کافران و دشمنی آنها قلب تو را مشغول نسازد، زیرا کار آنها در اختیار الله است.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾
[الأنعام: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ و اگر الله می خواست که هیچ کس بر او شرک نوزد، هیچ کس بر او شرک نمی ورزید. و -ای رسول- ما تو را نگهبان قرار نداده ایم تا اعمال شان را بر آنها بشماری، و سرپرست آنها نیز نیستی، بلکه تو فقط فرستاده ای هستی، و جز رسانیدن پیام بر عهده تو نیست.

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ و -ای مؤمنان- بت هایی را که مشرکان آنها را همراه الله عبادت می کنند دشنام ندهید، هر چند پست ترین و سزاوارترین چیز به دشنام باشند؛ تا مشرکان برای بی احترامی به الله، و نادانی از آنچه سزاواری او سبحانه است، او تعالی را دشنام ندهند، همان گونه که گمراهی اینها برای شان آراسته شده است عمل هر امتی، چه خیر و چه شر، را برای شان آراستیم، هر عملی را که برای شان آراستیم انجام دادند، سپس بازگشت آنها در روز قیامت به سوی پروردگارشان است، آن گاه آنها را از آنچه در دنیا انجام می دادند آگاه می سازد و در قبال اعمال شان به آنها جزا می دهد.

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ و مشرکان با سخت ترین سوگندهایی که قادر بر ایرادش بودند سوگند خوردند که: اگر محمد ﷺ یکی از آیاتی که آنها پیشنهاد داده اند بیاورد به طور قطع به آن ایمان می آورند، - ای رسول- به آنها بگو: آیات از جانب من نیست تا آن را نازل کنم، بلکه فقط از جانب الله است و هرگاه بخواهد آنها را نازل می کند، و -ای مؤمنان- شما نمی دانید که اگر این آیات طبق پیشنهاد آنها بیاید، ایمان نمی آورند؟ بلکه بر دشمنی و انکارشان، پافشاری می کنند؛ زیرا خواهان هدایت نیستند.

﴿وَنَقَلِبٌ أُنقِدَتْهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَٰ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ [الأنعام: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ و دل ها و چشم های شان را با حایل شدن میان آن و هدایت شدن به حق می گردانیم، چنان که نخستین بار به سبب دشمنی شان، میان آنها و میان ایمان به

قرآن حایل شدیم، و آنها را در گمراهی و نافرمانی‌شان در برابر پروردگارشان، سرگشته رها می‌کنیم تا به بیراهه بروند.

برخی فواید آیات:

- منزه داشتن الله تعالی از ستمی که عقیده (جبر) آن را تثبیت می‌کند، و بیان اینکه کفر و شرک بندگان به اختیار خودشان ایجاد می‌شود.
- هیچیک از پیامبران علیهم‌السلام نمی‌تواند از جانب خودش، یا هر زمان که بخواهد، آیه ای بیاورد، بلکه این کار به الله بازمی‌گردد؛ زیرا فقط او قادر بر انجام این کار است، و او ذات دانایی است که نوع آیه و زمان آشکارشدن آن را مشخص می‌کند.
- نهی از دشنام‌دادن معبودهای مشرکان، برای پرهیز از مفسده بزرگ‌تر که همان تجاوز به دشنام بر پروردگار جهانیان است.
- گاهی الله برای مجازات اختیارکردن کفر توسط بنده، میان او و هدایت حایل قرار می‌دهد، و چشم و قلبش را به سوی غیر طاعت می‌گرداند.

﴿* وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ و اگر بنا بر درخواست آنها، فرشتگان را بر آنها فرو می‌فرستادیم و فرشتگان را می‌دیدند، و مردگان با آنها سخن می‌گفتند، و آنها را از راستی آنچه تو آورده‌ای آگاه می‌کردند، و تمام پیشنهادهای آنها را یکجا می‌آوردیم و آن را مشاهده می‌کردند، به آنچه آورده‌ای ایمان نمی‌آوردند، مگر کسانی از میان آنها که الله هدایت را برای‌شان می‌خواست، و اما بیشتر آنها نسبت به این امر جاهل هستند، پس به‌سوی الله پناه نمی‌برند تا آنها را به هدایت توفیق دهد.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ و همان‌گونه که تو را با دشمنی این مشرکان آزمودیم، تمام پیامبران پیش از تو را نیز آزموده‌ایم، چنان‌که برای هر یک از آنها، دشمنانی از انسان‌های سرکش، و دشمنانی از جن‌های سرکش قرار دادیم، که بعضی از آنها بعضی دیگر را وسوسه می‌کنند و باطل را برای‌شان می‌آیند تا آنها را بفریبند، و اگر الله می‌خواست که این کار را انجام ندهند چنین نمی‌کردند، اما او تعالی این آزمایش را برای‌شان خواست، پس آنها را با کفر و باطلی که به دروغ می‌بافند رها کن، و از آنها نرنج.

﴿وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفِيدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ﴾ [الأنعام: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ و برای اینکه دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، به‌سوی وسوسه‌هایی که بعضی از آنها بر بعضی دیگر وسوسه می‌کنند بگراید، و آن را برای خویش بپذیرند و به آن راضی شوند، و برای اینکه معاصی و گناہانی که انجام می‌دهند کسب کنند.

﴿أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتغَىٰ حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ [الأنعام: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ - ای رسول - به این مشرکان که غیر الله را همراه او تعالی عبادت می‌کنند بگو: آیا عاقلانه است که داوری غیر الله را میان خودم و شما بپذیرم؟ درحالی‌که الله

همان ذاتی است که قرآن را روشنگر و جامع همه چیز بر شما فرو فرستاده است، و یهودیان که تورات را به آنها دادیم، و نصاری که انجیل را به آنها دادیم، می دانند قرآن که بر تو نازل شده، مشتمل بر حق است، زیرا دلیل این امر را در کتابهای شان دیده اند، پس در آنچه که به تو وحی کردیم، از تردیدکنندگان مباش.

﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الأنعام: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ قرآن در اقوال و اخبار به نهایت راستی رسیده است، و هیچ تغییردهنده‌ای برای کلماتش نیست، و او تعالی سخنان بندگان را می شنود، و از آن آگاه است، چنان که ذره‌ای از سخنان شان بر او تعالی پوشیده نمی ماند، و به زودی هرکس را که در تبدیل کلماتش می کوشد مجازات خواهد کرد.

﴿وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ [الأنعام: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ و - ای رسول - اگر به فرض از بیشتر مردم روی زمین اطاعت کنی تو را از دین الله گمراه می سازند، زیرا سنت الله بر این امر جاری شده است که حق همراه اقلیت باشد، پس بیشتر مردم فقط از ظنی که هیچ مستندی ندارد پیروی می کنند؛ چون ادعا کردند که معبودهای شان آنها را هرچه بیشتر به الله نزدیک می کند، درحالی که در این مورد دروغ می گفتند.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [الأنعام: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ - ای رسول - همانا پروردگارت به حال مردمی که از راه او منحرف می شوند، و نیز به حال مردمی که به آن هدایت می یابند آگاه تر است، و ذره‌ای از این امر بر او پوشیده نمی ماند.

﴿فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ [الأنعام: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ پس - ای مردم - از آنچه که هنگام ذبح، نام الله بر آن برده شده است بخورید، اگر واقعاً به براهین آشکار او تعالی ایمان دارید.

برخی فواید آیات:

- بزرگترین هدف بنده، پیروی از حق است، که آن را از طریق روش‌هایی که الله روشن ساخته است می‌جوید، و به آن عمل می‌کند، و در پیروی از حق به یاری پروردگارش امیدوار است، و به نفس و نیرو و توان خویش تکیه نمی‌کند.
- از انصاف قرآن کریم در برابر اقلیت مؤمن دنیا این است که جهل و گمراهی را به اکثر مردم نسبت داد.
- یکی از سنت‌های الله تعالی در آفرینش، ظهور دشمنان انسانی و جنی برای پیامبران علیهم‌السلام و پیروان‌شان است؛ زیرا حق با ضد خود یعنی باطل شناخته می‌شود.
- اخبار قرآن کریم، راست و احکامش عادلانه است، چنانکه هیچ یک از اخبارش مخالف واقع نیست، و هیچ یک از احکامش با حقیقت مخالفت ندارد.

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَابِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ﴾ [الأنعام: ۱۱۹].

۱۱۹- ای مؤمنان - چه چیز مانع شما می‌شود از اینکه از آنچه نام الله بر آن برده شده است بخورید، درحالی که الله آنچه را برای شما حرام کرد برای تان روشن ساخته است، پس بر شما واجب است که از آنها دست بکشید، مگر اینکه ضرورت شما را به آن بکشاند، زیرا ضرورت ممنوع را مباح می‌گرداند. و همانا بسیاری از مشرکان به سبب آرای فاسد خویش، پیروان‌شان را از روی نادانی، از حق دور می‌سازند، چون مردار و و سایر چیزهای را که الله بر آنها حرام گردانیده است حلال می‌کنند، و بحیره و وصیله و حامی و چیزهای دیگری را که الله برای‌شان حلال گردانیده است حرام می‌کنند، - ای رسول - همانا پروردگار تو به حال متجاوزان از حدود الله آگاه تر است، و به زودی آنها را به خاطر تجاوز از حدودش مجازات خواهد کرد.

﴿وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۰].

۱۲۰- ای مردم - از ارتکاب گناهان در آشکار و نهان دست بکشید، همانا کسانی که در نهان یا آشکارا مرتکب گناهان می‌شوند، به زودی الله آنها را در قبال آنچه که کسب کرده‌اند مجازات خواهد کرد.

﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۱].

۱۲۱- ای مسلمانان - از آنچه که نام الله بر آن برده نشده است نخورید، چه اسم غیر او تعالی بر آن برده شده باشد یا نه، و به راستی که خوردن از آن، خروج از طاعت الله به سوی نافرمانی اوست، و همانا شیاطین با افکندن شبهات به سوی دوستان‌شان و سوسه می‌کنند تا در خوردن مردار با شما مجادله کنند، و ای مسلمانان - اگر در شبهاتی که - برای اباحه مردار - القا می‌کنند از آنها اطاعت کنید، با آنها در شرک یکسان خواهید بود.

﴿أَوْ مَن كَانَ مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ آیا کسی که قبل از اینکه الله او را هدایت کند - به سبب کفر و نادانی و گناهی که در آن قرار داشت - مرده بود، سپس او را با هدایت به ایمان و علم و طاعت زنده گردانیدیم - یکسان است با کسی که در تاریکی های کفر و نادانی و گناهان قرار دارد و نمی تواند از آنها خارج شود، و راهها بر او مشتبه شده، و مسیرها بر او تاریک گشته است؟! همان گونه که شرک و خوردن مردار و جدال به باطل این مشرکان بر آنها آراسته شده است، گناهی که کافران نیز انجام می دادند برای شان آراسته شده است تا به خاطر آن در روز قیامت با عذاب دردآوری مجازات شوند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا جُرْمِهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۳].

﴿۱۲۳﴾ و همانند کار مشرکان بزرگ مکه که از راه الله بازداشتند، در هر قریه ای رؤسا و بزرگانی گماشتیم که مکر و نیرنگ شان را در دعوت به راه شیطان و جنگ با رسولان و پیروان شان به کار می گیرند، و در واقع مکر و نیرنگ شان فقط به خودشان بازمی گردد، اما آنها به سبب نادانی و پیروی از هوس های شان این امر را احساس نمی کنند.

﴿وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سِصْبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۴].

﴿۱۲۴﴾ و هرگاه یکی از آیاتی که الله بر پیامبرش ﷺ نازل می کند نزد بزرگان کفار آمد، گفتند: هرگز ایمان نمی آوریم مگر زمانی که الله مثل نبوت و رسالتی که به پیامبران داده است به ما هم بدهد. اما الله این گونه به آنها پاسخ داد که او تعالی بهتر می داند چه کسی شایستگی رسالت و تحمل سختی های آن را دارد، پس نبوت و رسالت را به او اختصاص می دهد. به زودی این سرکشان به سبب گردنکشی بر حق، به ذلت و تحقیر، و به سبب مکرشان به عذاب سختی گرفتار می شوند.

برخی فواید آیات:

- اصل در اشیا و خوراکی‌ها اباحت است، و اینکه تا زمانی که شریعت به تحریم شیء یا طعامی حکم نداده است، آن چیز بر اباحت باقی است.
- هرکس در دین سخنی بگوید که نمی‌داند، یا مردم را به چیزی فراخواند که نمی‌داند آن چیز حق است یا باطل، تجاوزگر و ستمکار بر خویشان و مردم است، و چنین است حال کسی که بدون داشتن صلاحیت افتاء، فتوا می‌دهد.
- منفعت مؤمن، به خودش محدود نمی‌شود، بلکه به سایر مردم نیز سرایت می‌کند.

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۵].

﴿۱۲۵﴾ پس الله هرکس را که بخواهد به راه هدایت توفیق دهد، سینه‌اش را می‌گشاید و برای پذیرش اسلام آماده می‌سازد، و هرکس را بخواهد یاری نکند و به راه هدایت توفیق ندهد، سینه‌اش را در برابر پذیرش حق بسیار تنگ می‌گرداند، به گونه‌ای که ورود حق به قلب او، مانند دشواری بالارفتن او به آسمان و ناتوانی او از این کار، برای شخص دشوار می‌گردد، و همان‌گونه که الله، حال این گمراه را در این تنگنای شدید قرار داده است، این عذاب را بر کسانی که به او ایمان نمی‌آورند نیز قرار می‌دهد.

﴿وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۶].

﴿۱۲۶﴾ و -ای رسول- این دین که برای تو تشریح کردیم، همان راه مستقیم الله است که هیچ کجی و انحرافی در آن نیست، به راستی که آیات را برای کسی که بینش و درکی دارد که با آن پند و اندرزهای الله را می‌پذیرد، بیان کرده‌ایم.

﴿* لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۷].

﴿۱۲۷﴾ برای آنها سرایی است که در آن از هر امر ناگواری در سلامت هستند که آن سرا، بهشت است، و به پاداش اعمال صالحی که انجام می‌دادند، الله یاور و مؤید آنها است.

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَامَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۲۸].

﴿۱۲۸﴾ و -ای رسول- به یاد آور روزی را که الله دو گروه انسان‌ها و جن‌ها را گرد می‌آورد، سپس می‌فرماید: ای گروه جن‌ها، شما انسان‌ها را بسیار گمراه ساختید و از راه الله بازداشتید، و انسان‌های پیرو آنها در پاسخ پروردگارشان می‌گویند: پروردگارا، هر یک از ما از دیگری بهره‌برداری کرد، چنان‌که جنی با فرمان‌برداری انسی از او بهره‌برداری کرد، و انسی با رسیدن به شهواتش بهره‌برداری کرد، و به زمانی که برایمان معین کردی، یعنی روز قیامت، رسیدیم، الله می‌فرماید: آتش قرارگاه شماست که در آن برای همیشه می‌مانید مگر مدت‌زمانی را که الله میان برانگیخته‌شدن شما از قبرهای‌تان تا سرانجام شما به جهنم خواست، که الله این مدت را از جاودانگی شما

در آتش استثنا کرده است، - ای رسول - همانا پروردگار تو در تقدیر و تدبیرش بسیار دانا، و از بندگان آگاه است، و می‌داند چه کسانی از آنها سزاوار عذاب هستند.

﴿وَكَذَلِكَ نُؤْتِي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [الأنعام: ۱۲۹].

﴿۱۲۹﴾ و همان‌گونه که جنیان سرکش را بر برخی مردم گماردیم و مسلط کردیم تا آنها را گمراه سازند، برای هر ستمگری، ستمگری دیگر را می‌گماریم تا او را به‌سوی شر تشویق و تحریک کند، و از خیر متنفر سازد و بازدارد؛ این جزای گناهی است که انجام می‌دادند.

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُم آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَعَرَّثَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَاذِبِينَ﴾ [الأنعام: ۱۳۰].

﴿۱۳۰﴾ و روز قیامت به آنها می‌گوییم: ای گروه انسان‌ها و جن‌ها، آیا رسولانی از جنس خودتان - که انسان بودند - نزدتان نیامدند که آنچه را الله بر آنها نازل کرده است بر شما بخوانند، و از دیدار این روزتان که روز قیامت است شما را بترسانند؟ گفتند: آری، امروز به زیان خود اقرار کردیم که رسولان تو به ما ابلاغ کرده‌اند، و به دیدار این روز اقرار کردیم، اما رسولانت و دیدار این روز را تکذیب کردیم. و زندگی دنیا با زینت و زیورها و نعمت‌های فانی‌اش آنها را فریفت، و به زیان خویش اقرار کردند که در دنیا به الله و رسولانش کافر بودند، و این اقرار و ایمان به دلیل سپری‌شدن وقتش، هیچ سودی به آنها نخواهد رساند.

برخی فواید آیات:

- گمراهی و هدایت از جانب الله تعالی است، یعنی هدایت و گمراهی را ایجاد می‌کند، و پس از اراده‌الله، بنده است که آن را انتخاب می‌کند.
- دوستی الله با مؤمنان بر اساس اعمال صالح آنها است، یعنی هر اندازه که بر اعمال صالح آنها افزوده شود دوستی او تعالی با آنها نیز بیشتر می‌شود و عکس این قضیه نیز صادق است.
- یکی از سنت‌های الله تعالی این است که برای هر ستمگری، ستمگری مثل خودش می‌گمارد، که او را به‌سوی شر می‌کشاند و بر این کار تشویق می‌کند، و او را از خیر بازمی‌دارد و از آن متنفر می‌سازد.

﴿ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۱].

این اتمام حجت با فرستادن رسولان به سوی انسان‌ها و جن‌ها برای این است که هیچ‌کس به سبب جنایتی که مرتکب می‌شود، قبل از اینکه رسولی به سوی او فرستاده شود و دعوتی به او رسیده باشد مجازات نشود، زیرا هیچ‌یک از امت‌ها را عذاب نکرده‌ایم مگر پس از اینکه رسولان را به سوی آنها فرستادیم.

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِعَافٍ لِّ عَمَّا يَعْمَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۲].

و هر یک از آنها به حسب اعمال‌شان درجاتی دارند، پس کسی که شر زیادی انجام می‌دهد با کسی که شر کمی انجام می‌دهد، و همچنین تابع با متبوع یکسان نیستند، چنان‌که پاداش تمام کسانی که اعمال صالح انجام می‌دهند با هم یکسان نیست، و پروردگارت از آنچه که آنها انجام می‌دادند غافل نیست، بلکه از آن آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی آنها را در قبال اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخِرِينَ﴾ [الأنعام: ۱۳۳].

و ای رسول - پروردگارت همان ذات بی‌نیاز از بندگانش است، که نه به آنها نیاز دارد، و نه به عبادت‌شان؛ و کفر آنها به او زبانی نمی‌رساند، و با وجود اینکه از آنها بی‌نیاز است نسبت به آنها مهربان است. - ای **بندگان نافرمان** - اگر نابودی شما را بخواهد به غذایی از جانب خودش شما را از بین می‌برد، و پس از نابودی شما، هر یک از کسانی را که به او ایمان می‌آورند و از او فرمان‌برداری می‌کنند و بخواهد به وجود می‌آورد، همان‌گونه که شما را از نسل مردم دیگری که قبل از شما بودند آفرید.

﴿إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ [الأنعام: ۱۳۴].

- ای **کافران** - به‌طور قطع، برانگیختن و زنده‌شدن مردگان و حسابرسی و عذاب که به آن وعده داده می‌شوید آمدنی است، نمی‌توانید از چنگ پروردگارتان بگریزید، زیرا او موی جلوی سر شما را می‌گیرد و به عذابش گرفتار می‌سازد.

﴿قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَائِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۵].

۱۳۵- ای رسول - بگو: ای قوم من، بر راهتان و کفر و گمراهی‌ای که بر آن هستید استوار باشید؛ زیرا با ابلاغ آشکار، حجت را بر شما عرضه و تمام کردم، پس به کفر و گمراهی شما اهمیتی نمی‌دهم، بلکه بر حقی که هستم پایداری خواهم کرد، پس به‌زودی خواهید دانست که پیروزی در دنیا برای چه کسی است، و چه کسی زمین را به ارث می‌برد، و سرای آخرت برای چه کسی است، همانا مشرکان نه در دنیا رستگار می‌شوند و نه در آخرت، بلکه سرانجام آنها زیان است، هر چند به نعمت‌های دنیا بهره‌مند گردند.

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۶].

۱۳۶ و مشرکان امر تازه‌ای برای الله ساختند به این نحو که سهمی از کشت‌ها و دام‌هایی که او تعالی آفریده است برای الله قرار دادند، و ادعا کردند که برای الله است، و سهمی دیگر را برای بت‌ها و تمثال‌های‌شان قرار دادند، با این وجود، سهمی که برای شریکان‌شان اختصاص دادند به مصارفی که الله به هزینه در آنها حکم داده است مانند فقرا و مساکین نمی‌رسد، و سهمی را که برای الله اختصاص دادند به شریکان آنها، یعنی بت‌ها می‌رسد و در مصالح آنها هزینه می‌شود؛ چه بد است حکم و تقسیم آنها.

﴿وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۷].

۱۳۷ و شیطان همان‌گونه که این حکم ستمکارانه را برای‌شان آراست، برای بسیاری از مشرکان، شریکان شیاطین آنها برای‌شان آراستند که فرزندان‌شان را از ترس فقر بکشند؛ تا آنها را با انداختن در قتل نفس که الله قتل آن را جز به حق حرام کرده است نابود کنند، و دین‌شان را بر آنها مشتبه سازند تا ندانند چه چیزی مشروع و چه چیزی نامشروع است، و اگر الله می‌خواست آنها این کار را انجام ندهند چنین

نمی‌کردند، اما این کار را از روی حکمتی فراگیر خواسته است. پس **ای رسول** - این مشرکان را با افترای دروغ‌شان که به الله بستند واگذار؛ زیرا این کار زبانی به تو نمی‌رساند، و کارشان را به الله واگذار.

برخی فواید آیات:

- تفاوت مراتب مردم در عمل به گناهان و طاعات، موجب تفاوت مراتب آنها در درجات عذاب و ثواب می‌شود.
- الله مشرکان را به هفت صفت سرزنش فرموده است؛ این صفات بدین قرار است: خسران، سفاهت (کم‌عقلی)، عدم علم، تحریم روزی‌هایی که برایشان ارزانی داشته است، افترا بر الله، گمراهی و هدایت‌نیافتن. هر یک از این امور هفت‌گانه، برای سرزنش کافی است.
- پیروی از شیطان، موجب انحراف فطرت می‌شود تا آنجا که به نیکو شمردن کار زشت مانند کشتن فرزندان و برابر دانستن بت‌های‌شان با الله تعالی منجر می‌شود.

﴿وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بَزَغِمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۳۸].

﴿۱۳۸﴾ و مشرکان گفتند: این دامها و کشتزارها ممنوعه هستند که هیچ کس از آنها نباید بخورد مگر - به ادعا و افترای آنها - بعضی خادمان بتها و دیگر کسانی که آنها بخواهند، و گفتند: پشت این دامها حرام شده است؛ یعنی کسی سوار آنها نمی شود و باری بر پشت آنها حمل نمی شود. این دامها بحیره و سائبه و حامی بودند، و اینها حیواناتی هستند که هنگام ذبح آنها، نام الله را نمی بردند، بلکه آنها را فقط به نام بت‌هایشان ذبح می کردند؛ تمام این امور را با دروغ بر الله که این کارها از جانب اوست، مرتکب می شدند. به زودی الله به سبب آنچه که بر او تعالی افترا می بستند آنها را به عذابش مجازات خواهد کرد.

﴿وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مِّمَّنَّةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۳۹].

﴿۱۳۹﴾ و گفتند: در شکم‌های این سائبه‌ها و بحیره‌ها، حمل‌هایی هستند که اگر زنده متولد شوند بر مردان ما حلال، و بر زنان ما حرام هستند، و اگر مرده متولد شوند مردان و زنان ما در آنها شریک هستند. به زودی الله تعالی آنها را به خاطر این سخن‌شان به مجازاتی متناسب با جرمشان مجازات خواهد کرد، به راستی که او در تشریح و تدبیر خویش در امور مخلوقاتش بسیار دانا، و از آنها آگاه است.

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۰].

﴿۱۴۰﴾ کسانی که فرزندان‌شان را از روی سبک‌سری و نادانی کشتند، و دام‌هایی را که الله به آنها روزی داده بود حرام کردند و این کار را به دروغ به الله نسبت دادند به سختی نابود شده‌اند، آنها از راه مستقیم دور شده‌اند، و به آن هدایت نیافته‌اند.

﴿* وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۱].

﴿۱۴۱﴾ و الله سبحانه همان ذاتی است که باغ‌هایی گسترده بر روی زمین بدون ساقه، و برافراشته بر آن با ساقه آفرید، و او ذاتی است که درخت خرما را آفرید، و کشتزارها را که شکل و طعم میوه‌های‌شان مختلف است آفرید، و همان ذاتی است که زیتون و انار را که برگ‌هایی شبیه به هم اما طعمی متفاوت دارند آفرید، - ای مردم - از میوه آن وقتی به ثمر نشست بخورید، و در روز جمع‌آوری آن زکاتش را بدهید، و در خوردن و انفاق از حدود شرعی نگذرید، زیرا الله کسانی را که از حدود او تعالی در خوردن و انفاق و سایر موارد می‌گذرند دوست ندارد، بلکه بر آنها خشم می‌گیرد، همانا ذاتی که تمام این موارد را آفرید، همان ذاتی است که آنها را بر بندگانش مباح کرد، پس مشرکان نمی‌توانند آنها را حرام کنند.

﴿وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةٌ وَفَرَشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [الأنعام: ۱۴۲].

﴿۱۴۲﴾ و او ذاتی است که دام‌هایی برای‌تان آفرید که برخی از آنها مانند شتران بزرگ قابلیت باربری دارند و برخی از آنها مانند شتران کوچک و گوسفندان این قابلیت را ندارند، - ای مردم - از این اشیا که الله به شما روزی داده است و برای‌تان مباح کرده است بخورید، و همانند مشرکان در تحلیل حرام‌های الهی و تحریم حلال‌های الهی، از گام‌های شیطان پیروی نکنید، - ای مردم - همانا شیطان دشمن آشکاری برای شماست؛ چون از شما می‌خواهد که با این کار از الله نافرمانی کنید.

برخی فواید آیات:

- سبب تحریم آنچه الله حلال گردانیده، و تحلیل آنچه الله حرام گردانیده، هوا و هوس است.
- وجوب زکات در محصولات کشاورزی و میوه‌ها هنگام جمع‌آوری آنها، با جواز خوردن از آنها قبل از اخراج زکاتش، که این مقدار از زکات به شمار نمی‌رود.
- بهره‌بردن از خوراکی‌های پاکیزه و حلال بدون اسراف و تجاوز از حد در خوردن و انفاق.

﴿ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمَ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۳].

﴿۱۴۳﴾ و هشت صنف برای تان آفرید؛ از میش دو تا: نر و ماده، و از بز دو تا، - ای رسول - به مشرکان - بگو: آیا الله نرهای این دو صنف را به علت نر بودن حرام کرده است؟ پس اگر گفتند: بله، به آنها بگو: چرا شما ماده‌ها را حرام می‌کنید؟ آیا او تعالی ماده‌های این دو صنف را به علت ماده بودن حرام کرده است؟ اگر گفتند: بله، به آنها بگو: چرا نرها را حرام می‌کنید؟ یا او تعالی آنچه را که رحم‌های ماده‌های این دو صنف دربردارد به علت اینکه رحم، آنها را دربردارد حرام کرده است؟ اگر گفتند: بله، به آنها بگو: پس چرا گاهی با تحریم نرها و گاهی با تحریم ماده‌ها، میان حمل‌هایی که رحم‌ها دربردارند تفاوت می‌گذارید، - ای مشرکان - اگر در این ادعا که تحریم این موارد از جانب الله است راست می‌گویید، مرا از سند علم صحیحی که به آن استناد می‌کنید، آگاه سازید!؟

﴿وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمَ الْأُنثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَن أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۴].

﴿۱۴۴﴾ و سایر اصناف هشت‌گانه از این قرار است: دو تا شتر، دو تا گاو، - ای رسول - به مشرکان بگو: آیا الله مواردی از آنها را به خاطر نر بودن، یا ماده بودن یا اینکه رحم، آنها را دربردارد حرام کرده است؟ یا - ای مشرکان - به ادعای خودتان - هنگامی که الله به تحریم آنچه از این دام‌ها که حرام می‌دانید شما را سفارش کرد - حاضر بودید؟! پس هیچ کس ستمکارتر، و جنایتکارتر از کسی نیست که بر الله افترا می‌زند، یعنی تحریم آنچه را که حرام نکرده است به او نسبت می‌دهد؛ تا بدون هیچ دلیلی مردم را از راه راست گمراه سازد، همانا الله کسانی را که با افترای دروغ بر او تعالی ستم کردند، به هدایت توفیق نمی‌دهد.

﴿قُلْ لَا أُجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۴۵].

①۴۵ - ای رسول - بگو در آنچه الله بر من نازل کرده است، چیز حرامی نمی بینم مگر آنچه که بدون ذبح شرعی مرده باشد، یا خون ریخته شده ای باشد، یا گوشت خوک باشد که نجس و حرام است، یا از مواردی باشد که بر غیر نام الله ذبح شده باشد مانند حیواناتی که بر بت‌هایشان ذبح شده است، پس هرکس به سبب گرسنگی شدید، ضرورت او را به خوردن این محرمت بکشاند به شرط آن که نخواهد از خوردن آنها لذت ببرد، و از حد ضرورت نگذرد گناهی در این مورد بر او نیست، - ای رسول - همانا پروردگار تو نسبت به مضطری که اگر از این موارد بخورد بسیار آمرزنده و مهربان است.

الله تعالی پس از بیان مواردی که بر امت اسلام حرام کرده است، مواردی را که بر یهودیان حرام کرده بود بیان فرمود؛ تا روشن سازد مشرکان در مورد حیواناتی که آنها را حرام کردند بر وحی الهی استناد نکرده بودند، بلکه فقط دیکته کردن شیطان را در این مورد پیروی می کردند:

﴿وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُلْفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾ [الأنعام: ۱۴۶].

①۴۶ و بر یهودیان آنچه را که انگستانشان از هم جدا نیست مانند شتر و نعام (شترمرغ) را حرام گردانیدیم، و پیه‌های گاو و گوسفند را بر آنها حرام کردیم به استثنای پیه‌هایی که بر پشت آن دو چسبیده است، یا روده‌ها در بردارند، یا به استخوانی مانند دنبه و پهلوی درآمیخته است، و آنها را به سزای ستمشان با تحریم این چیزها مجازات کردیم، و همانا ما در تمام آنچه خبر می دهیم راستگو هستیم.

برخی فواید آیات:

- این آیات، بر اثبات مناظره در مسائل علمی و اثبات قول با نظر و قیاس دلالت دارد.

- وحی و آنچه از آن استنباط می‌شود، تنها راه شناخت حلال و حرام است.
- هر کس در یکی از مسایل دینی فتوا دهد بدون اینکه ظن غالب بر صحت قولش داشته باشد، در واقع مرتکب ستم شده است.
- یکی از رحمت‌الله به بندگانش، اجازه دادن به آنها در خوردن خوراکی‌های حرام هنگام اضطرار است.

﴿فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾
[الأنعام: ۱۴۷].

﴿۱۴۷﴾ پس - ای رسول - اگر تو را تکذیب کردند و آنچه از جانب پروردگارت آورده‌ای تصدیق نکردند، برای تشویق آنها بگو: پروردگارتان دارای رحمتی گسترده است، و از جمله رحمت او بر شما این است که به شما مهلت می‌دهد، و در عذاب شما تعجیل نمی‌کند، و برای تحذیرشان به آنها بگو: همانا عذاب او تعالی از مردمی که مرتکب معاصی و گناهان می‌شوند بازگردانده نمی‌شود.

﴿سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ﴾ [الأنعام: ۱۴۸].

﴿۱۴۸﴾ مشرکان به زودی با استدلال به اراده و تقدیر الله برای اثبات صحت شریک قرار دادن‌شان به الله خواهند گفت: اگر الله می‌خواست که ما و پدرانمان به الله شرک نورزیم به او شرک نمی‌ورزیدیم، و اگر الله می‌خواست که آنچه را بر خودمان حرام کرده‌ایم حرام نکنیم، آن را حرام نمی‌کردیم. و مانند این دلیل باطل‌شان، کسانی که قبل از شما بودند این‌گونه رسولان‌شان را تکذیب کردند که گفتند: اگر الله می‌خواست که آنها را تکذیب نکنیم، آنها را تکذیب نمی‌کردیم، و بر این تکذیب ادامه دادند تا عذابمان را که بر آنها فرو فرستادیم چشیدند. - ای رسول - به این مشرکان بگو: آیا دلیلی دارید که دلالت کند الله به شما رضایت داده است که به او شرک آورید و آنچه را حرام گردانیده است حلال کنید و آنچه را حلال گردانیده است حرام کنید؟ زیرا صرف وقوع این کار از جانب شما، دلیلی بر رضایت او تعالی از شما نیست، همانا شما در این مورد فقط از ظن پیروی می‌کنید، درحالی که ظن ذره‌ای از حق بی‌نیاز نمی‌سازد، و شما فقط دروغ می‌گویید.

﴿قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الأنعام: ۱۴۹].

﴿۱۴۹﴾ - ای رسول - به مشرکان بگو: اگر دلیلی جز این دلایل واهی ندارید، همانا الله دلیل قاطعی دارد که عذرها و شبهات شما را باطل می‌کند، پس - ای مشرکان - اگر الله توفیق همگی شما به حق را می‌خواست به‌طور قطع این توفیق را به شما می‌بخشید.

﴿قُلْ هَلَمْ شُهَدَاءُكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۰].

﴿۱۵۰﴾ - ای رسول - به این مشرکان که حلال‌های الله را حرام می‌کنند، و ادعا دارند که الله آنها را حرام کرده است، بگو: گواهان‌تان را که گواهی می‌دهند این اشیاء را که شما حرام کردید الله حرام گردانیده است، حاضر کنید، پس ای رسول - اگر بدون دانشی بر اینکه الله آنها را حرام گردانیده است گواهی دادند، شهادت‌شان را تصدیق نکن؛ زیرا گواهی به ناحق است، و از هوس‌های کسانی که هوس‌های‌شان را حاکم قرار دادند پیروی نکن، به‌راستی که آنها آیات ما را تکذیب کردند چون آنچه را که الله حلال گردانیده بود حرام کردند، و از کسانی که به آخرت ایمان ندارند و به پروردگارشان شرک می‌آورند و دیگران را با او یکسان قرار می‌دهند پیروی نکن، و کسی که چنین تعاملی با پروردگارش داشته باشد چگونه پیروی می‌شود؟!

﴿* قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ عَلَىٰ تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۱].

﴿۱۵۱﴾ - ای رسول - به مردم بگو: بیایید تا آنچه را الله حرام گردانیده است برای‌تان بخوانم، بر شما حرام گردانیده است که چیزی از مخلوقاتش را با او شریک قرار دهید، و اینکه از پدر و مادرهای‌تان نافرمانی کنید، بلکه نیکی به آنها بر شما واجب است، و اینکه فرزندان‌تان را به‌سبب فقر نکشید، آن‌گونه که مردم جاهلیت انجام می‌دادند، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم، و بر شما حرام گردانیده است که به کارهای زشت، چه آشکار باشد و چه پنهانی، نزدیک شوید، و نفسی را که الله حرام گردانیده است جز به حق مانند زنا بعد از ازدواج، و ارتداد پس از اسلام نکشید، شما را به این موارد سفارش کرده است باشد که در اوامر و نواهی الله بیندیشید.

برخی فواید آیات:

- پرهیز از جرایمی که منجر به عذاب الله می‌شود؛ زیرا عذاب او از قوم جنایتکار، آن‌گاه که اراده کند باز نمی‌گردد.
- اعتراض به قضا و قدر پس از اینکه الله تعالی به هر مخلوقی قدرت و اراده‌ای داد که با آن توان انجام آنچه را به آن مکلف شده است می‌یابد، ستم محض و دشمنی صرف است.
- آیات فوق بر این امر دلالت دارند که انجام اوامر الله توسط بنده، بر اساس عقل اوست.
- نهی از نزدیک شدن به کارهای زشت، از نهی از انجام آن کامل‌تر است؛ زیرا دربردارنده نهی از مقدمات و وسائل این امور است که به آن منجر می‌شود.

﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۲].

﴿۱۵۲﴾ بر شما حرام کرده است که به مال یتیم - کسی که قبل از بلوغ، پدرش را از دست داده است - تعرض کنید مگر به آنچه که صلاح و نفع او در آن باشد و باعث افزایش مالش شود تا به سن بلوغ برسد و رشد در او یافت شود. و کم پیمودن در پیمانانه و ترازو را بر شما حرام کرده است، بلکه عدالت در گرفتن و پرداخت در خرید و فروش بر شما واجب است، هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی کنیم، پس در افزایش یا کاهش در پیمانانه‌ها و غیر آن که پرهیز از آن ممکن نباشد مواخذه‌ای نیست، و بر شما حرام گردانیده است که در خبر یا گواهی برای یاری دادن خویشاوند یا دوست، غیر از حقیقت بگویید، و نقض پیمان الله را اگر با الله یا با سوگند به الله پیمان بستید بر شما حرام کرده است، بلکه بر شما واجب است که به آن وفا کنید، الله شما را به آنچه ذکر شد به تأکید امر کرده است، به امید آن که سرانجام کارتان را به یاد آورید.

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۳].

﴿۱۵۳﴾ و بر شما حرام گردانیده است که از راه‌ها و طرق گمراه‌کننده پیروی کنید، بلکه پیروی از راه مستقیم الله که هیچ انحرافی ندارد بر شما واجب است، و راه‌های گمراهی، شما را به پراکندگی و دوری از راه حق می‌رساند، این پیروی از راه مستقیم الله همان راهی است که الله شما را به آن سفارش کرده است، به این امید که با اجرای آنچه به آن امر کرده و اجتناب از آنچه نهی کرده است، تقوای او تعالی را پیشه کنید.

﴿ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۴].

﴿۱۵۴﴾ بعد از خبر دادن به موارد مذکور، خبر می‌دهیم که تورات را به موسی عليه السلام عطا کردیم تا به پاداش نیکوکاری او نعمت را کامل کنیم، و بیانی باشد برای هر چیزی که در دین به آن نیاز است، و دلالتی باشد بر حق، و رحمتی باشد به امید این که به دیدار پروردگارش در روز قیامت ایمان بیاورند و با عمل صالح برای آن آماده شوند.

﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۵].

﴿۱۵۵﴾ و این قرآن کتابی است که آن را مایهٔ برکت زیاد فرو فرستادیم، زیرا دربردارندهٔ منافع دینی و دنیوی است، پس از آنچه در آن نازل شده است پیروی کنید، و از مخالفت با آن بپرهیزید، باشد که مورد ترحم قرار گیرید.

﴿أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ﴾ [الأنعام: ۱۵۶].

﴿۱۵۶﴾ - ای مشرکان عرب - برای اینکه نگویید: همانا الله تورات و انجیل را قبل از ما بر یهود و نصارا فرو فرستاد، و کتابی برای ما نازل نکرده است، درحالی که ما نمی توانیم کتاب‌های آنها را بخوانیم چون به زبان آنها است، و به زبان ما نیست.

﴿أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۷].

﴿۱۵۷﴾ و برای اینکه نگویید: اگر الله همانند یهود و نصاری کتابی بر ما نازل می کرد به طور قطع از آنها استوارتر می بودیم، کتابی نزدتان آمده است که الله آن را به زبان خودتان بر پیامبرتان محمد ﷺ نازل کرده است، و حجتی آشکار و مایهٔ راهنمایی به سوی حق و رحمتی برای این امت است، پس عذرهای واهی و دلایل باطل نیاورید، و هیچ کس ستمکارتر از کسی نیست که آیات الله را تکذیب کند و از آنها روی بگرداند، به زودی کسانی را که از آیات ما روی می گردانند به جزای رویگردانی و اعراض‌شان از آیات ما با درآوردن‌شان در آتش جهنم، به عذاب سختی مجازات خواهیم کرد.

برخی فواید آیات:

- تصرف در مال یتیم جز در حدود مصلحتش جایز نیست، و اینکه مال یتیم فقط پس از رسیدنش به رشد به او تحویل داده می شود.
- راه‌های گمراهی زیاد است، و فقط راه الله است که به رهایی از عذاب منجر می شود.
- پیروی علمی و عملی از قرآن کریم، بزرگترین سبب رسیدن به رحمت الله است.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۸].

﴿۱۵۸﴾ - ای رسول - تکذیب‌کنندگان منتظر چیزی نیستند جز اینکه فرشته مرگ و دستیارانش برای قبض ارواحشان در دنیا نزدشان بیایند، یا پروردگارت در روز داوری در آخرت برای داوری نهایی بین آنها بیاید، یا برخی از نشانه‌های پروردگارت که بر قیامت دلالت دارند بیاید، اما در روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت - مانند طلوع خورشید از مغرب - بیاید، ایمان هیچ کافری به او سود نمی‌رساند، و عمل هیچ مؤمنی که قبل از آن کار خیری انجام نداده باشد به او سود نمی‌رساند، - ای رسول - به این مشرکان تکذیب‌کننده بگو: یکی از این امور را انتظار بکشید، ما هم منتظریم.

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ [الأنعام: ۱۵۹].

﴿۱۵۹﴾ همانا یهودیان و مسیحیانی که دین‌شان را پراکنده ساختند، یعنی بخشی از آن را گرفتند و بخشی دیگر از آن را رها کردند، و گروه‌های مختلفی شدند، - ای رسول - تو مسؤولیتی در مورد آنها نداری، زیرا از گمراهی‌ای که بر آن هستند بیزاری، و وظیفه‌ای جز انداز آنها نداری، زیرا کارشان به الله واگذار شده است، و او تعالی در روز قیامت آنها را از آنچه که در دنیا انجام می‌دادند باخبر می‌سازد و جزای اعمال‌شان را به آنها می‌دهد.

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الأنعام: ۱۶۰].

﴿۱۶۰﴾ هر مؤمنی که در روز قیامت کار نیکی بیاورد، الله آن را به ده نیکی افزایش می‌دهد، و هرکس کار بدی بیاورد فقط به مانند آن از نظر کوچکی و بزرگی مجازات می‌شود، نه بیشتر از آن، و در روز قیامت نه با کاستن از ثواب نیکی‌های‌شان، و نه با افزایش عذاب بدی‌های‌شان بر آنها ستم نمی‌شود.

﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَدِيمًا مِثْلَ دِينِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۱].

①۱۱ - ای رسول - به این مشرکان تکذیب کننده بگو: همانا پروردگارم مرا به راه راست که همان راه دینی است که مصالح دنیا و آخرت را برپا می‌دارد، یعنی آیین ابراهیم علیه السلام، طرفدار حق و کسی که هرگز از مشرکان نبود، هدایت کرده است.

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۲].

①۱۲ - ای رسول - بگو: همانا نماز و ذبح من، برای الله و به نام الله است، نه غیر او، و زندگی و مرگ من، تمام این موارد فقط برای پروردگار مخلوقات است، دیگران هیچ سهمی در آن ندارد.

﴿لَا شَرِيكَ لَهُ وَبَدَلِكَ أَمْرٌ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأنعام: ۱۶۳].

①۱۳ و او سبحانه هیچ شریکی ندارد، و هیچ معبود برحق جز او نیست، و الله مرا به این توحید خالص و پاک از شرک فرمان داده است، و من از میان این امت، نخستین تسلیم شده به او هستم.

﴿قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ بَنِي رَبِّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ [الأنعام: ۱۶۴].

①۱۴ - ای رسول - به این مشرکان بگو: آیا غیر از الله را به عنوان پروردگار بجویم درحالی که او تعالی پروردگار همه چیز است؟! و او پروردگار معبودهایی است که آنها را به جای او عبادت می‌کنید، و هیچ انسان پاکی، گناه شخص دیگری را به دوش نمی‌کشد، سپس بازگشت شما در روز قیامت فقط به سوی پروردگارتان است. آن گاه شما را از آن دسته امور دینی که در دنیا در مورد آن اختلاف داشتید، باخبر می‌سازد.

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنعام: ۱۶۵].

﴿۱۶﴾ و الله ذاتی است که برای آبادانی زمین شما را جانشین کسانی که قبل از شما در زمین بودند قرار داد؛ و در آفرینش و روزی و سایر موارد، برخی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد؛ تا شما را در آنچه که از این موارد به شما داده است بیازماید، - ای رسول - همانا پروردگار تو زودکیفر است، زیرا هرچه که او تعالی آورنده آن است نزدیک است، و بهراستی نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

برخی فواید آیات:

- دین به اجتماع و ائتلاف فرمان می‌دهد، و از پراکندگی و اختلاف نهی می‌کند.
- از مظاهر عدالت و احسان کامل او تعالی این است که بدی را با مثل آن مجازات می‌دهد، و نیکی را با ده برابرش، و این کمترین مقداری است که افزوده می‌شود.
- دین حق و استوار، می‌طلبد که تمام اعمال و تلاش‌های بنده برای الله به خدمت گرفته شود، یعنی بنده با نماز و عبادت و مناسک و ذبائح و تمام اعمالی که سبب نزدیکی به الله متعال می‌شود و اعمالش در زندگی و آنچه پس از وفاتش به آن وصیت می‌کند فقط به او تعالی توجه می‌کند.

سوره الأعراف

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان سنت مبارزه میان ایمان و کفر و سرانجام این نبرد از خلال ارائه سرگذشت پیامبران علیهم السلام با اقوامشان.

تفسیر:

﴿المص﴾ [الأعراف: ۱].

﴿المص﴾ در مورد حروف شبیه این حروف، در ابتدای سوره بقره صحبت شد.

﴿كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۲].

۲- ای رسول - قرآن کریم کتابی است که الله آن را بر تو فرو فرستاده، پس تنگی و شکی از آن در سینه تو نباشد، قرآن را به سوی تو نازل کرد تا مردم را با آن بترسانی، و حجت با آن اقامه شود، و برای اینکه مؤمنان با آن پند گیرند، زیرا آنها هستند که از پند بهره می‌برند.

﴿اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۳].

۳- ای مردم - از این کتاب که پروردگارتان بر شما فرو فرستاد، و از سنت پیامبرتان صلی الله علیه و آله پیروی کنید، و از هوس‌های کسانی که آنها را دوستان شیاطین یا علمای سوء می‌بینید، پیروی نکنید، تا به خاطر آنچه که هوس‌های شان بر شما املا می‌کند، آنچه را بر شما نازل شده است ترک کرده و آنها را به دوستی نگیرید. همانا شما کم پند می‌پذیرد؛ زیرا اگر پند بگیرید به‌طور قطع غیر حق را بر آن

ترجیح نخواهید داد، و از آنچه رسول‌تان ﷺ آورده پیروی و به آن عمل خواهید نمود، و غیر آن را ترک خواهید کرد.

﴿وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ﴾ [الأعراف: ۴].

① چه بسیار قریه‌هایی را که وقتی بر کفر و گمراهی خویش پافشاری کردند به عذاب‌مان نابود کردیم، چنان‌که عذاب سخت خویش را در حال غفلت آنها، در شب یا روز بر آنها فرو فرستادیم، پس نتوانستند عذاب را از خودشان برطرف سازند، و معبودهای ادعایی‌شان نیز عذاب را از آنها برطرف نساختند.

﴿فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بِأَسْنًا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۵].

② پس از نزول عذاب کاری نکردند جز اینکه به ستم خویش با کفر به الله علیه خودشان اقرار کردند.

﴿فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الأعراف: ۶].

③ به‌طور قطع در روز قیامت از امت‌هایی که رسولان‌مان را به‌سوی‌شان فرستادیم خواهیم پرسید که چه پاسخی به رسولان دادند، و از رسولان ﷺ در مورد تبلیغ آنچه به تبلیغش فرمان یافته بودند و از پاسخی که امت‌های‌شان به آنها دادند خواهیم پرسید.

﴿فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ﴾ [الأعراف: ۷].

④ به‌طور قطع به تمام مخلوقات، اعمال‌شان را که در دنیا انجام دادند از روی دانشی از جانب خویش بازگو خواهیم کرد، زیرا ما به تمام اعمال آنها آگاه هستیم، و ذره‌ای از آن بر ما پنهان نمی‌ماند، و در هیچ زمانی از آنها غایب نبوده‌ایم.

﴿وَالْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: ۸].

⑤ و سنجش اعمال در روز قیامت بر اساس عدالتی است که هیچ جور و ستمی به همراه ندارد، پس هرکس هنگام سنجش، کفه نیکی‌هایش از کفه بدی‌هایش سنگین‌تر باشد آنها همان کسانی هستند که به مطلوب دست یافته، و از هلاکت و وحشت نجات یافته‌اند.

﴿وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ﴾

[الأعراف: ۹].

﴿۹﴾ و هرکس هنگام سنجش، کفهٔ بدی‌هایش از کفهٔ نیکی‌هایش سنگین‌تر شود، آنها کسانی هستند که به سبب انکار آیات الله، با وارد نمودن نفس خویش در عذاب‌های مُهلکِ روز قیامت بر خویشتن زیان رسانده‌اند.

﴿وَلَقَدْ مَكَنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾
[الأعراف: ۱۰].

﴿۱۰﴾ و ای فرزندان آدم - در زمین به شما قدرت بخشیدیم و در آن اسباب زندگی برای‌تان قرار دادیم، پس شما باید به خاطر آن، از الله شکرگزاری کنید، اما بسیار کم شکرگزاری می‌کنید.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱].

﴿۱۱﴾ و ای مردم - پدرتان آدم علیه السلام را به وجود آوردیم، سپس او را در بهترین صورت و بهترین قالب آراستیم، سپس برای گرامی‌داشتن او فرشتگان را به سجده امر کردیم، آن‌گاه فرمان برداری کردند و به سجده درافتادند، مگر ابلیس که از روی تکبر و دشمنی سجده نکردی.

برخی فواید آیات:

- یکی از مقاصد نزول قرآن، انداز کافران و ستیزه‌جویان، و پنددادن مؤمنان است.
- الله قرآن را به سوی مؤمنان فرو فرستاد تا از آن پیروی و به آن عمل کنند، پس اگر این کار را انجام دادند تربیت‌شان کامل شده، و نعمت بر آنها تمام شده است، و به بهترین اعمال و اخلاق هدایت یافته‌اند.
- اعمال بندگان در روز قیامت بر اساس عدالت و انصاف و بدون هیچ جور و ستمی سنجیده می‌شود.
- الله زمین را برای بهره‌گیری انسان‌ها از آن آماده ساخته است، به گونه‌ای که می‌توانند در آن ساخت و ساز کنند و به کشاورزی بپردازند، و برای بهره‌برداری مواد معدنی آن را استخراج کنند.

﴿قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ [الأعراف: ۱۲].

۱۲) الله از روی توبیخ به ابلیس فرمود: چه چیز تو را از اجرای فرمان من برای سجده بر آدم بازداشت؟ ابلیس در پاسخ به پروردگارش گفت: این امر مرا بازداشت که از او برتر هستم، زیرا مرا از آتش و او را از گِل آفریدی، و آتش از گل برتر است.

﴿قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۳].

۱۳) الله به او فرمود: از بهشت فرو شو، که تو را نسزد در آن تکبر ورزی؛ زیرا بهشت سرای پاکیزگان و پاکان است، پس نمی‌توانی در آن باشی، - ای ابلیس - همانا تو از تحقیرشدگان و خوارشدگان هستی، هر چند خودت را برتر از آدم می‌دانی.

﴿قَالَ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ [الأعراف: ۱۴].

۱۴) ابلیس گفت: پروردگارا، تا روز قیامت به من مهلت ده تا مردمانی را که می‌توانم گمراه سازم.

﴿قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۵].

۱۵) الله خطاب به او فرمود: - ای ابلیس - تو از مهلت‌یافتگان هستی، همان کسانی که در روز دمیدن اول در صور، آن‌گاه که تمام مخلوقات می‌میرند، و تنها آفریدگارش باقی می‌ماند، مرگ را بر آنها مُقَدَّر ساختم.

﴿قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [الأعراف: ۱۶].

۱۶) ابلیس گفت: به سبب اینکه مرا گمراه کردی تا اینکه به فرمان تو برای سجده بر آدم عمل نکردم، بر راه راست تو در کمین فرزندان آدم خواهم نشست، تا آنها را از آن منحرف و گمراه سازم همان‌گونه که من از سجده در برابر پدرشان آدم گمراه شدم.

﴿ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۷].

۱۷) سپس از تمام جهات با بازداشتن از آخرت، و ترغیب به دنیا، و افکندن شبهات، و آراستن شهوات بر آنها هجوم خواهم برد، و - پروردگارا - به سبب اینکه کفر را بر آنها املا می‌کنم بیشتر آنها را شکرگزار خودت نخواهی یافت.

﴿قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُومًا مَّدْحُورًا لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الأعراف: ۱۸].

۱۸) الله به او فرمود: - ای ابلیس - نکوهیده و رانده شده از رحمت الله از بهشت بیرون شو، و در روز قیامت جهنم را از تو و تمام کسانی که از تو پیروی و اطاعت کنند و از فرمان پروردگارشان نافرمانی کنند پُرخواهم کرد.

﴿وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹].

۱۹) و الله خطاب به آدم عليه السلام فرمود: ای آدم، تو با جفت خویش حوا در بهشت ساکن شو، و هرچه می خواهی از پاکیزه‌هایی که در آن وجود دارد بخورید، و از این درخت (درختی که الله برای آن دو مشخص کرد) نخورید، پس اگر بعد از اینکه شما را از خوردن این درخت نهی کردم از آن خوردید، از متجاوزان از حدود الله خواهید بود.

﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ﴾ [الأعراف: ۲۰].

۲۰) پس ابلیس سخنی پنهانی بر آنها افکند؛ تا عورت‌های‌شان را که پوشیده بود آشکار سازد، و به آن دو گفت: الله شما را از خوردن این درخت نهی نکرده است مگر برای اینکه دوست ندارد شما دو فرشته شوید، و جز برای اینکه دوست ندارد شما از جاودانگان در بهشت باشید.

﴿وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ﴾ [الأعراف: ۲۱].

۲۱) و برای آن دو به الله سوگند یاد کرد: - ای آدم و حواء - همانا من در آنچه که شما را به آن توصیه می‌کنم از خیرخواهان برای شما هستم.

﴿فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [الأعراف: ۲۲].

۲۲) پس با نیرنگ و فریب خویش آن دو را از جایگاهی که در آن قرار داشتند پایین آورد، آن گاه از درختی که از خوردن از آن نهی شده بودند خوردند و عورت‌های‌شان

آشکار شد، آن گاه به چسبانیدن برگ‌های بهشت بر خویشتن آغاز کردند، تا عورت‌های‌شان را بیوشانند، و پروردگارشان این گونه بر آنها ندا زد: آیا شما را از خوردن از این درخت باز نداشته بودم، و برای برحذر داشتن‌تان به شما نگفته بودم که: شیطان دشمنی برای شماست که دشمنی‌اش آشکار شده است؟!!

برخی فواید آیات:

- آیات بر این امر دلالت دارند که هرکس از پروردگارش نافرمانی کند، ذلیل و خوار است.
- شیطان دشمنی‌اش را با فرزندان آدم آشکار کرده، و تهدید کرده است که با تمام وسایل و روش‌ها، آنها را از راه راست بازمی‌دارد.
- معصیت، خطر بسیار بزرگی دارد و سبب مجازات‌های دنیوی و اخروی الله است.

﴿قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾
[الأعراف: ۲۳].

﴿۳۳﴾ آدم و حوا گفتند: پروردگارا، با خوردن از درختی که ما را از آن نهی کرده بودی بر خویشتن ستم کردیم، و اگر گناهانمان را نیامرزی و به رحمت خویش بر ما رحم نکنی، به طور قطع با نابود کردن بهره خویش در دنیا و آخرت از زیانکاران خواهیم بود.

﴿قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾
[الأعراف: ۲۴].

﴿۳۴﴾ الله به آدم و حوا و ابلیس فرمود: از بهشت به سوی زمین فرود آید، و برخی از شما دشمن برخی دیگر خواهد بود، و تا زمان مشخص در زمین مستقر گشته و از آنچه در آن است لذت خواهید برد.

﴿قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ﴾ [الأعراف: ۲۵].

﴿۳۵﴾ الله خطاب به آدم عليه السلام و حوا و فرزندان شان فرمود: در این زمین مدتی که الله برای طول عمرتان مشخص کرده است زندگی می کنید، و در آن می میرید و دفن می شوید، و برای برانگیخته شدن از قبرهای تان خارج می شوید.

﴿يَابَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوَاتِيكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسَ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۲۶].

﴿۳۶﴾ ای فرزندان آدم، برای تان لباسی ضروری جهت پوشاندن عورت های تان قرار دادیم، و برای تان لباسی تشریفاتی و غیر ضروری که در میان مردم خود را با آن می آرایید قرار دادیم، و لباس تقوا - اجرای آنچه الله به آن فرمان داده و اجتناب از آنچه الله نهی کرده است - بهتر از این لباس حسی است، این لباس، از نشانه های الله است که بر قدرت او دلالت دارد. باشد که نعمت های او بر خودتان را به یاد آوردید و شکر آنها را بگزارید.

﴿يَابَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِيَهُمَا إِنَّهُ يَرََاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۲۷].

﴿۳۷﴾ ای فرزندان آدم، شیطان شما را با آراستن گناه از طریق ترک لباس حسی مخصوص پوشاندن عورت یا ترک لباس تقوا نفریبید، زیرا او پدر و مادرتان را با

آراستن خوردن از آن درخت فریفت تا سرانجام آن دو را از بهشت بیرون کرد، و عوراتشان را برایشان آشکار نمود، همانا شیطان و نسل او شما را می بینند و مشاهده می کنند درحالی که شما آنها را نمی بینید و مشاهده نمی کنید، پس بر شما لازم است که از او و نسلش بپرهیزید، همانا ما شیاطین را دوستان کسانی قرار داده ایم که به الله ایمان نمی آورند، و اما بر مؤمنان که اعمال صالح انجام می دهند هیچ تسلطی ندارند.

﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۲۸].

۳۸ و مشرکان هرگاه کار بسیار زشتی مانند شرک و طواف پیرامون خانه به صورت عربان و غیر آن را مرتکب شدند، چنین بهانه آوردند که پدرانشان را می دیدند که این کار را مرتکب می شدند، و اینکه الله آنها را به این کار فرمان داده است، - ای محمد- در پاسخ به آنها بگو: همانا الله به انجام گناهان فرمان نمی دهد، بلکه از انجام آنها نهی می کند، پس چگونه این امر را بر او ادعا می کنید؟ - ای مشرکان - آیا با دروغ و افترا چیزی را که نمی دانید به الله نسبت می دهید؟!

﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾ [الأعراف: ۲۹].

۲۹ - ای محمد- به این مشرکان بگو: همانا الله به عدالت امر کرده، و هرگز به فحشا و منکر امر نکرده است، و امر کرده که عبادت‌ها را به صورت عمومی، و به صورت مخصوص در مساجد برای او خالص گردانید، و امر کرده که با اخلاص طاعت برای او، تنها او را در دعا بخوانید، همان گونه که نخستین بار شما را از نیستی آفرید دوباره شما را زنده می گرداند؛ زیرا ذاتی که بر آفرینش شما از آغاز توانا بوده، بر بازگرداندن و برانگیختن شما نیز تواناست.

﴿فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنََّّهُم مُّهْتَدُونَ﴾ [الأعراف: ۳۰].

۳۰ و الله مردم را در دو گروه قرار داده است: گروهی از شما را هدایت کرده، و اسباب هدایت را برایشان فراهم آورده، و موانع هدایت را از آنها بازداشته است، و

بر گروهی دیگر گمراهی از راه حق واجب شده است؛ زیرا آنها شیاطین را دوستانی به جای الله گرفتند، تا آنجا که از روی نادانی از آنها فرمان برداری کردند، درحالی که گمان می‌کنند هدایت‌یافتگان به راه راست هستند.

برخی فواید آیات:

- هرکس - پس از ارتکاب گناه - مانند آدم عَلَيْهِ السَّلَام اعتراف و درخواست آمرزش و پشیمانی و بریدن از گناه پیشه کند، پروردگارش او را برگزیده و هدایت کرده است. و هرکس-وقتی با اصرار و دشمنی، گناه از او سرزند- مانند شیطان عمل کند از الله جز دوری برایش افزوده نمی‌شود.
- لباس دو نوع است: یکی لباس ظاهری که عورت را می‌پوشاند، و دیگری لباس باطنی یعنی تقوا است که همیشه با بنده وجود دارد، و زیبایی دل و روح است.
- بسیاری از دستیاران شیطان به درآوردن لباس ظاهر فرامی‌خوانند؛ تا عورت‌ها آشکار گردد، آن‌گاه انجام کارهای منکر و ارتکاب کارهای زشت بر مردم آسان شود.
- هدایت به فضل و نعمت الله است، و گمراهی به یاری نکردن الله به بنده است آن‌گاه که - از روی جهل و ستم - شیطان را به دوستی می‌گیرد، و سبب گمراهی برای خودش می‌شود.

﴿يَابْنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱].

۳۱ ای فرزندان آدم، آنچه را که عورات شما را می پوشاند، و لباس پاکیزه و طاهری که خودتان را با آن می آرایید هنگام نماز و طواف ببوشید، از پاکیزه‌هایی که الله برای تان حلال گردانیده است آنچه می خواهید بخورید و بنوشید، و در این مورد از حد اعتدال نگذردید، و از حلال به حرام تجاوز نکنید، همانا الله متجاوزان از حدود اعتدال را دوست ندارد.

﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۲].

۳۲ - ای رسول - در پاسخ به مشرکان که لباس و خوراکی‌های پاکیزه و غیر آن را که الله حلال گردانیده است حرام می کنند بگو: چه کسی لباس را که زینت شماست برای تان حرام کرده است؟ و چه کسی خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های پاکیزه و سایر آنچه را الله برای تان روزی داده، حرام کرده است؟ - ای رسول - بگو: این پاکیزه‌ها در زندگی دنیا برای مؤمنان است، و اگر دیگران در دنیا در آن با مؤمنان شریک هستند، اما در روز قیامت مخصوص مؤمنان است، و هیچ کفاری در آن با آنها شریک نیست؛ زیرا بهشت بر کافران حرام است. مانند این بیان، نشانه‌ها را برای مردمی که درک می کنند بیان می کنیم؛ چون آنها از این نشانه‌ها بهره می برند.

﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۳].

۳۳ - ای رسول - به این مشرکان که حلال‌های الله را حرام می کنند بگو: همانا الله فقط فواحش، یعنی گناهان زشت، چه آشکارا و چه پنهانی، را بر بندگانش حرام کرده است، و تمام معاصی، و تجاوز از روی ستم بر خون‌ها و اموال و آبروی مردم را حرام کرده است، و بر آنها حرام گردانیده است که غیر الله را از آنچه که حجتی در آن برای شان نیست با الله شریک قرار دهند، و گفتن سخن بدون علم در اسما و صفات و افعال و شرع خویش را بر آنها حرام کرده است.

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و برای هر نسل و قرنی، مدت و سررسید مشخصی برای طول عمرشان است، هرگاه سررسید مشخص آنها فرا رسد، زمانی هر چند اندک از آن عقب نمی‌افتند و بر آن پیشی نمی‌گیرند.

﴿يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الأعراف: ۳۵].

﴿۳۵﴾ ای فرزندان آدم، هرگاه رسولانی از جانب من از اقوامتان نزدتان آمدند که کتاب‌های من را که بر آنها نازل شده است برای‌تان بخوانند از آنها فرمان‌برداری کنید، و از آنچه که آوردند پیروی کنید، زیرا کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه می‌کنند و اعمال نیک انجام می‌دهند، در روز قیامت هیچ بیمی بر آنها نیست، و بر آنچه که از بهره دنیا که از دست داده‌اند غمگین نیستند.

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الأعراف: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و اما کافران که آیات ما را تکذیب کردند، و به آن ایمان نیاوردند، و از روی تکبر از عمل به آنچه رسولانمان آوردند سر باز زدند، آنها ساکنان همیشگی جهنم هستند که برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمُ نَصِيبُهُم مِّنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۳۷].

﴿۳۷﴾ هیچ‌کس ستمکارتر از کسی نیست که با نسبت‌دادن شریک به الله تعالی یا نسبت‌دادن نقص یا سخنی که آن را نفرموده است بر الله دروغ می‌بندد، یا آیات آشکار و هدایتگر او به راه مستقیم او تعالی را تکذیب می‌کند. کسانی که صفات مذکور را دارند بهره‌ای از خوشی‌های دنیا که در لوح محفوظ برای‌شان نوشته شده است به آنها می‌رسد، تا آن‌گاه که فرشته مرگ و فرشتگان دستیار او برای قبض

ارواح‌شان نزد آنها بیایند و از روی توبیخ به آنها بگویند: کجا ایند معبودانی که آنها را به جای الله عبادت می‌کردید؟! آنها را به دعا بخوانید تا به شما نفع برسانند، آن‌گاه مشرکان به فرشتگان می‌گویند: همانا معبودانی که عبادت می‌کردیم از دید ما ناپدید و غایب شدند، پس نمی‌دانیم کجا هستند، و بر ضرر خودشان اقرار می‌کنند که کافر بودند، اما اقرارشان در این زمان، حجتی علیه آنها است، و هرگز سودی برای‌شان نمی‌رساند.

برخی فواید آیات:

- مؤمن به بزرگداشت شعائر الله از طریق پوشاندن عورت و آراستگی در اثنای نماز و به‌خصوص هنگام رفتن به مسجد امر شده است.
- هرکس قرآن را بدون علم تفسیر کند یا بدون علم فتوا یا حکم صادر کند به‌طور قطع بدون علم سخنی را به الله نسبت داده است و این امر از بزرگترین امور حرام است.
- این آیات دلالت بر اینکه مؤمنان در روز قیامت نمی‌ترسند و اندوهگین نمی‌شوند، و وحشت و بی‌قراری آنها را دربر نمی‌گیرد، و اگر وحشت و بی‌قراری آنها را دربرگرفت، سرانجام‌شان امنیت است.
- ستمکارترین مردم کسی است که مراد الله تعالی را از دو جهت انکار کند: اول ابطال آنچه بر مراد او تعالی دلالت می‌کند، و دوم انداختن مردم در این شبهه که الله چیزی را از آنها خواسته که در واقع الله آن را نمی‌خواهد.

﴿قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا آدَارُكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أَخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۳۸].

۳۸ فرشتگان به آنها می‌گویند: - ای مشرکان - در زمرة امت‌هایی از جن و انس که قبل از شما بر کفر و گمراهی گذشتند در آتش درآیید، هرگاه یکی از این امت‌ها وارد آتش شود امت هم‌کیش خود را که زودتر از او وارد آتش شده است لعنت می‌کند، تا در جهنم به هم بیبوندند، و همگی اجتماع کنند؛ آن‌گاه گروهی که آخر وارد می‌شوند که همان فرومایگان و پیروان هستند، به کسانی که ابتدا داخل شده‌اند که همان بزرگان و سران هستند می‌گویند: پروردگارا، این بزرگان هستند که ما را از راه هدایت گمراه کردند، پس به سبب اینکه گمراهی را بر ما آراستند آنها را با عذابی دوچندان عذاب کن. الله در پاسخ به آنها می‌فرماید: برای هر گروه از شما عذابی دوچندان است، اما شما این موضوع را نمی‌دانید و درک نمی‌کنید.

﴿وَقَالَتْ أَوْلَاهُمْ لِأَخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِن فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ [الأعراف: ۳۹].

۳۹ سران پیشوا به پیروان‌شان می‌گویند: - ای پیروان - شما بر ما برتری ندارید تا به سبب آن سزاوار تخفیف عذاب باشید، زیرا اعمالی که کسب کردید مورد سنجش قرار می‌گیرد، و در پیروی از باطل عذری برای‌تان وجود ندارد، پس - ای پیروان - به سبب کفر و گناهانی که انجام می‌دادید این عذاب را بچشید همانگونه که ما آن را چشیدیم.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفْتُحُ لَهُمُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأعراف: ۴۰].

۴۰ همانا کسانی که نشانه‌های روشن ما را تکذیب کردند، و از فرمان‌برداری و اذعان به آن تکبر ورزیدند از هر خیری ناامید هستند، زیرا به سبب کفرشان درهای آسمان به روی اعمال‌شان گشوده نمی‌شود، و هرگز به بهشت وارد نمی‌شوند مگر اینکه شتر - که از بزرگترین حیوانات است - در سوراخ سوزن که از تنگ‌ترین منافذ است

وارد شود، و این امر محال است، پس آنچه که بر آن معلق شده است یعنی ورود آنها به بهشت نیز محال است، و مانند همین جزا، الله هرکس را که گناهان بزرگی داشته باشد مجازات می کند.

﴿لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۴۱].

④۱ برای این تکذیب‌کنندگان متکبر فرش‌هایی از جهنم است که آنها را پهن می کنند، و بر فرازشان پوشش‌هایی از آتش برای‌شان است، و مانند این مجازات، کسانی را که با کفر به الله و رویگردانی از او تعالی، از حدود الله بگذرند مجازات می کنیم.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الأعراف: ۴۲].

④۲ و کسانی که به پروردگارشان ایمان آورده‌اند و در حد توان اعمال صالح انجام داده‌اند- زیرا الله هیچ نفسی را بیشتر از حد توانش مکلف نمی کند- ساکنان بهشت هستند، در آن وارد می شوند و برای همیشه در آن می مانند.

﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رَسُولٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَتُودُوا أَنْ تِلْكُمْ الْجَنَّةَ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۴۳].

④۳ و از مظاهر کامل کردن نعمت بر آنها در بهشت این است که الله نفرت و کینه‌ای را که در دل‌های‌شان وجود داشته است، برکنده، و از زیر پاهای‌شان رودها جاری ساخته، و با اعتراف به اینکه الله به آنها نعمت بخشیده است می گویند: تمام ستایش‌ها از آن الله است که ما را به این عمل صالح که ما را به این جایگاه رسانده است توفیق داد، و اگر الله ما را به آن توفیق نداده بود، هرگز از جانب خودمان به آن توفیق نمی یافتیم. رسولان پروردگار ما حقیقتی را که هیچ تردیدی در آن نیست و راستی در وعد و وعید را برایمان آورده‌اند، و ندا دهنده‌ای در میان آنها چنین ندا می دهد: این همان بهشتی است که رسولان ما در دنیا از آن به شما خبر دادند و الله آن را در قبال اعمال صالحی که به قصد خشنودی او تعالی انجام می دادید، به شما پاداش داد.

برخی فواید آیات:

- مودت موجود میان تکذیب‌کنندگان در دنیا، در روز قیامت به دشمنی و لعنت کردن یکدیگر تبدیل می‌شود.
- درهای آسمان به روی ارواح مؤمنان گشوده می‌شود تا به سوی الله صعود کنند، و با نزدیکی به پروردگارشان و بهره‌مندی از رضایت او تعالی شادمان گردند.
- درهای آسمان به روی ارواح تکذیب‌کنندگان رویگردان گشوده نمی‌شود، و وقتی که مُردند و بالا رفتند اجازه می‌گیرند اما به آنها اجازه داده نمی‌شود، و همان‌گونه که در دنیا به ایمان به الله و شناخت و محبت او بالا نمی‌رود، پس از مرگ نیز بالا نمی‌رود؛ زیرا جزا از جنس عمل است.
- بهشتیان با عفو الله از جهنم نجات یافته، و با رحمت الله به بهشت وارد شده اند، و با اعمال صالح این منازل را که از رحمت الله و بلکه از برترین انواع رحمت او تعالی است برای خود برداشته‌اند و به میراث برده‌اند.

﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۴۴].

﴿۴۴﴾ و بهشتیان که در آن مستقر شدند خطاب به جهنمیان که در آن مستقر هستند پس از ورود هر یک از این دو گروه به جایگاهی که برایش آماده شده است این گونه ندا می دهند: همانا بهشت که پروردگاران به ما وعده داده بود به صورت واقعی و راست و صحیح به ما رسید، و ما را در آن درآورده است، - ای کافران - آیا جهنمی را که الله شما را از آن ترسانده بود به صورت واقعی و راست و صحیح به شما رسید؟ کفار می گویند: آتشی را که از آن ترسانده شده بودیم به صورت حقیقی یافتیم. آن گاه منادی ای برای دعا به درگاه الله ندا می زند که ستمکاران از رحمت او تعالی رانده هستند، زیرا درهای رحمتش را به روی آنها گشوده است اما آنها در زندگی دنیا از آن روی گردانند.

﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ [الأعراف: ۴۵].

﴿۴۵﴾ این ستمکاران همان کسانی هستند که خودشان از راه الله روی می گردانند، و دیگران را نیز به رویگردانی از آن وامی داشتند، و آرزو می کردند تا راه حق، پیچیده و سخت باشد تا مردم آن را نپیمایند، و آنها به آخرت کافرنند و خودشان را برای آن آماده نکرده اند.

﴿وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادُوا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ﴾ [الأعراف: ۴۶].

﴿۴۶﴾ و میان این دو گروه: یعنی بهشتیان و جهنمیان، مانعی مرتفع به نام اعراف وجود دارد، و روی این مانع مرتفع مردانی هستند که نیکی ها و بدی های شان یکسان است، و آنها بهشتیان را با نشانه های شان مانند سفیدی چهره، و جهنمیان را با نشانه های شان مانند سیاهی چهره می شناسند، و این مردان برای تکریم بهشتیان به آنها این گونه ندا می دهند: سلام بر شما. درحالی که بهشتیان هنوز وارد بهشت نشده اند، و آرزو دارند به رحمتی از جانب الله در آن درآیند.

﴿وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و هنگامی که دیدگان اعرافیان به سوی جهنمیان گردانده می‌شود، و عذاب سختی را که جهنمیان در آن هستند مشاهده می‌کنند، اینگونه به درگاه الله دعا می‌کنند: پروردگارا، ما را همراه کسانی که با کفر و شرک به تو ستمکارند قرار مده.

﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رَجُلًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الأعراف: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و اعرافیان خطاب به افرادی از کافران جهنمی که آنها را با نشانه‌های‌شان مانند چهره‌های سیاه و چشمان کبودشان می‌شناسند این‌گونه ندا می‌دهند: زیاد نمودن مال و افراد توسط شما هیچ نفعی به شما نرسانده است، و رویگردانی شما از حق از روی تکبر و گردنکشی سودی به شما نرساند.

﴿أَهْوَاءَ الَّذِينَ أَفْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ [الأعراف: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و الله برای توبیخ کافران می‌فرماید: آیا اینها هستند که سوگند یاد می‌کردند الله رحمتی از جانب خودش به آنها نمی‌رساند؟! و خطاب به مؤمنان می‌فرماید: - ای مؤمنان - به بهشت درآید که در آنچه پیش رو دارید هیچ بیمی بر شما نیست، و وقتی نعمت‌های پایدار به شما رسید بر بهره‌دنیایی که از دست داده‌اید اندوهگین نیستید.

﴿وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و جهنمیان با التماس این‌گونه به بهشتیان ندا می‌دهند: - ای بهشتیان - با پاشیدن آب بر ما، یا از طعامی که الله به شما روزی داده است ما را بی‌نیاز گردانید، بهشتیان می‌گویند: الله این دو را به سبب کفر کافران بر آنها حرام گردانیده است، و نیاز شما را با آنچه که الله بر شما حرام کرده است برآورده نمی‌کنیم.

﴿الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ [الأعراف: ۵۱].

این کافران همان کسانی هستند که دین‌شان را مایه ریشخند و شوخی قرار دادند، و زندگی دنیا با زیور و زینتش آنها را فریفت، پس همان‌گونه که آنها دیدار روز قیامت را از یاد بردند و برایش تلاش نکردند، و آماده نشدند، و به سبب اینکه دلایل و براهین الله را درحالی که می‌دانستند حقیقت است انکار کردند، الله نیز آنها را به فراموشی می‌سپارد، و آنها را رها می‌کند تا عذاب سختی بکشند.

برخی فواید آیات:

- ایمان نداشتن به رستاخیز، سبب مستقیم روی آوردن به شهوات است.
- مردم در روز قیامت تحقق وعده الله به فرمان بردارانش، و تحقق وعید او تعالی به کافران را به تحقیق می‌دانند.
- مردم در روز قیامت دو گروه هستند: گروهی در بهشت و گروهی در جهنم، و گروهی به سبب تساوی نیکی‌ها و بدی‌های‌شان در مکانی میان این دو گروه قرار دارند، که سرانجام‌شان به سوی بهشت است.
- کسانی که صاحب مال و مقام و پیروان زیاد هستند باید بدانند که تمام این موارد آنها را ذره‌ای از الله بی‌نیاز نمی‌گرداند، و آنها را از عذاب الله نجات نخواهد داد.

﴿وَلَقَدْ جِئْتَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۵۲].

﴿۵۲﴾ و به تحقیق این قرآن را که کتابی نازل شده بر محمد ﷺ است، ما برای آنها آوردیم، و آن را بر اساس علم و آگاهی کامل خویش، توضیح داده و روشن ساختیم، و آن راهنمایی برای مؤمنان به راه هدایت و حق است، و به سبب اینکه به سوی خیر دنیا و آخرت راهنمایی می کند رحمتی برای شان است.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [الأعراف: ۵۳].

﴿۵۳﴾ کافران در انتظار چیزی نیستند جز وقوع عذاب دردآوری که وقوعش به آنها خبر داده شد و کارشان در آخرت به آن برگردانیده می شود، روزی که این عذاب که به آن خبر داده شده بودند، و پاداشی که مؤمنان از آن خبر داده شده بودند آورده می شود، کسانی که در دنیا قرآن را از یاد بردند، و به آنچه در آن آمده عمل نکردند می گویند: به تحقیق که رسولان پروردگار ما حقی را که هیچ تردیدی در آن نیست و هیچ شکی وجود ندارد که از جانب الله است، آوردند. پس ای کاش شفاعت گرانی داشتیم که نزد الله شفاعت مان را می کردند تا ما را از عذاب معاف کند، یا کاش به زندگی دنیا بازمی گشتیم تا به جای بدی هایی که انجام می دادیم عمل صالح که با آن نجات می یابیم انجام دهیم، این کافران به سبب کفرشان، با قراردادن خودشان در ورودی های نابودی زیان دیده اند، و کسانی که آنها را به جای الله عبادت می کردند از نظرشان ناپدید شد، و سودی به آنها نرساند.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسْحَرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۵۴].

﴿۵۴﴾ - ای مردم - همانا پروردگار شما همان الله است که آسمان ها و زمین را بدون نمونه قبلی در شش روز آفرید، سپس او سبحانه به گونه ای که سزاوار شگوه اوست و ما کیفیت آن را درک نمی کنیم بر عرش استوا نمود و قرار گرفت. تاریکی شب را

با روشنایی روز، و روشنایی روز را با تاریکی شب از بین می‌برد، و هر یک از این دو دیگری را به سرعت می‌جوید به‌گونه‌ای که از آن عقب نمی‌ماند، یعنی هرگاه یکی رفت دیگری وارد می‌شود، و او سبانه خورشید و ماه و ستارگان را رام و درخشان آفرید، همانا تمام آفرینش از آن الله است، پس چه کسی غیر از او آفریدگار است؟! و تمام امور فقط از آن اوست، و خیر او زیاد و احسانش بسیار است، پس او متصف به صفات جلال و کمال، و پروردگار جهانیان است.

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ [الأعراف: ۵۵].

۵۵ - ای مؤمنان - با فروتنی و تواضع تمام به صورت سری و پنهانی، و با اخلاص در دعا بدون ریا و بدون شریک‌قرار دادن دیگران با او سبانه در دعا، از پروردگارتان بخواهید؛ زیرا او کسانی را که در دعا از حدودش می‌گذرند دوست ندارد، و از بزرگترین تجاوز از حدود او تعالی در دعا، خواندن غیر او تعالی همراه اوست چنان که مشرکان این کار را انجام می‌دهند.

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأعراف: ۵۶].

۵۶ و پس از اینکه الله زمین را با فرستادن رسولان، و آبادانی آن با عبادت خویش به یگانگی، اصلاح کرد، با ارتکاب گناهان در آن فساد برپا نکنید، و با احساس ترس از عذاب او تعالی، و انتظار حصول ثوابش، الله را در دعا به وحدانیت بخوانید، به راستی که رحمت الله به نیکوکاران نزدیک است، پس از نیکوکاران باشید.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۵۷].

۵۷ و الله سبانه همان ذاتی است که باده را مژده‌رسان به باران می‌فرستد، تا اینکه بادهای ابرهای گران‌بار به آب را حمل کنند ابر را به‌سوی سرزمین خشک و بی‌گیاه برانیم. آن‌گاه آب را بر آن زمین فرو فرستیم، سپس به‌وسیله آب، انواع میوه‌ها را خارج می‌سازیم، همانند بیرون آوردن میوه به این نحو، مردگان را نیز از قبرهای شان زنده بیرون می‌آوریم، پس ای مردم - امید است که با این کار قدرت و آفرینش شگفت الله و اینکه او تعالی بر زنده‌گردانیدن مردگان توانا است را به یاد آورید.

برخی فواید آیات:

- قرآن کریم کتاب هدایت است که تمام موارد نیاز بشریت در آن بیان شده است، رحمتی از جانب الله است و راهنمایی است برای کسی که با قلبی راستین به آن روی آورد.
- الله آسمانها و زمین را از روی حکمتی که او سبحانه اراده کرده بود در شش روز آفرید، و اگر میخواست به آنها میفرمود: باش، بی درنگ موجود می شدند.
- این امر بر مؤمنان لازم شده است که با فروتنی و تضرع کامل الله تعالی را در دعا بخوانند تا به فضل خویش دعایشان را اجابت کند.
- انجام تمام انواع و اشکال فساد در روی زمین نهی شده است.

﴿وَالْبَدُّ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾ [الأعراف: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و زمین پاک به اذن الله گیاهش را به نیکی و کامل بیرون می آورد، و به همین ترتیب مؤمن پند را می شنود و از آن بهره می برد، آن گاه عمل صالح به بار می آورد، و زمین شوره زار گیاهش را جز به سختی که خیری در آن نیست بیرون نمی آورد، و به همین ترتیب کافر از پند و اندرزها بهره نمی برد، پس عملی صالح از او صادر نمی شود تا از آن بهره ببرد. مانند این گوناگونی بی نظیر، براهین و دلایل اثبات حق را برای مردمی که شکر نعمت های الله را می گزارند گوناگون بیان می کنیم، تا به آنها کفر نوزند، و از پروردگارشان فرمان برداری کنند.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الأعراف: ۵۹].

﴿۵۹﴾ نوح علیه السلام را به عنوان رسولی به سوی قومش فرستادیم تا آنها را به توحید الله، و ترک عبادت غیر او دعوت دهد، پس به آنها گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، زیرا معبود برحقى جز او ندارید، - ای قوم من - به راستی که در حال پافشاری شما بر کفر، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم.

﴿قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الأعراف: ۶۰].

﴿۶۰﴾ بزرگان و سران قومش به او گفتند: - ای نوح - همانا ما آشکارا تو را دور از راستی می بینیم.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۶۱].

﴿۶۱﴾ نوح علیه السلام به بزرگان قومش گفت: من چنان که ادعا می کنید، گمراه نیستم، بلکه فقط بر هدایتی از جانب پروردگارم قرار دارم، زیرا فرستاده ای از جانب الله که پروردگار من و پروردگار شما و تمام جهانیان است به سوی شما هستم.

﴿أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۶۲].

﴿۶۲﴾ آنچه را الله مرا با آن فرستاده است و به من وحی می شود به شما می رسانم، و با ترغیب شما به اجرای امر الله و پاداشی که بر آن مُتَرَتَّب می گردد، و بیم دادن شما از ارتکاب نواهی او تعالی و عذابی که بر آن مُتَرَتَّب می شود، خیرتان را می خواهم، و از الله سبحانه آنچه را از طریق وحی به من آموخته است چیزی را می دانم که شما نمی دانید.

﴿أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا
وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الأعراف: ۶۳].

۱۳ آیا این امر باعث تعجب و شگفتی شما شد که وحی و اندرزی از جانب پروردگارتان بر زبان مردی از خودتان که او را می‌شناسید نزدتان آمد؟! درحالی‌که میان شما رشد کرده، و دروغگو و گمراه نبوده است، و از جنسی دیگر نیست. و نزدتان آمده که اگر او را تکذیب و نافرمانی کردید شما را از عذاب الله بترساند، و برای اینکه با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید، و برای امید به اینکه اگر به او ایمان آورید مورد رحم قرار گیرید.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا
قَوْمًا عَمِينَ﴾ [الأعراف: ۶۴].

۱۴ اما قومش او را تکذیب کردند، و به او ایمان نیاوردند، بلکه بر کفرشان ادامه دادند، آن‌گاه علیه آنها دعا کرد که الله آنها را نابود سازد. پس او و مؤمنان همراهش در کشتی را از غرق شدن نجات دادیم، و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و بر تکذیب خویش ادامه دادند با طوفانی که برای عذابشان نازل شده بود غرق و نابود کردیم، زیرا دل‌های آنها از دیدن حق کور بود.

﴿* وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا
تَتَّقُونَ﴾ [الأعراف: ۶۵].

۱۵ و به سوی قبیله عاد رسولی از خودشان، یعنی هود عليه السلام، را فرستادیم، گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، زیرا معبود برحق جز او ندارید، آیا با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی تقوای او را پیشه نمی‌کنید تا از عذابش نجات یابید؟!

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾
[الأعراف: ۶۶].

۱۶ بزرگان و سران قوم او که به الله کفر ورزیدند و رسولش را تکذیب کردند گفتند: - ای هود - همانا ما می‌دانیم که در کم‌خردی و نادانی قرار داری؛ چون ما را به عبادت الله به یگانگی و ترک عبادت معبودها فرامی‌خوانی. و در این ادعا که فرستاده‌شده‌ای هستی یقین داریم که از دروغگویانی.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۶۷].

ﷺ در پاسخ قومش گفت: ای قوم من، من کم‌خرد و نادان نیستم، بلکه فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیان هستم.

برخی فواید آیات:

- زمین پاک مثالی برای دل‌های پاک است آن‌گاه که وحی که مادهٔ حیات است بر آن نازل می‌شود، چنان‌که باران مادهٔ حیات است، زیرا وقتی وحی بر دل‌های پاک فرو فرستاده می‌شود، آن را می‌پذیرند و فرامی‌گیرند و بر اساس پاکی اصل خویش رشد می‌کنند، و فضای‌شان زیبا می‌شود. عکس این قضیه نیز صادق است.
- پیامبران و فرستاده‌شدگان، از پدران و مادران مردم برای‌شان دلسوزتر هستند.
- یکی از سنت‌های ارسال تمام رسولان از میان قوم خودشان و به زبان‌شان؛ نزدیک کردن دل‌های کسانی است که فطرت‌شان فاسد نشده است، و نیز آسان گرفتن بر انسان‌هاست.
- از بزرگترین نادان‌ها کسی است که حق را رد و انکار کند، و از فرمان‌برداری از علما و خیرخواهان سر باز زند، و قلب و کالبد خویش را برای هر شیطان سرکشی تسلیم کند.

﴿أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ﴾ [الأعراف: ۶۸].

آنچه را که الله از توحید و شرع خویش مرا به تبلیغ آن به شما فرمان داده است به شما می‌رسانم، و در این مورد خیرخواه شما و امانتدار هستم، به‌گونه‌ای که نه در آن می‌افزایم و نه از آن می‌کاهم.

﴿أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾ [الأعراف: ۶۹].

آیا این امر باعث تعجب و شگفتی شما شد که اندرزی از جانب پروردگارتان بر زبان مردی از جنس خودتان و نه از جنس فرشتگان یا جن‌ها نزد شما آمده است، تا شما را انذار دهد؟! سپاس و شکرگزاری پروردگارتان را به جای آورید که در زمین به شما قدرت داد، و شما را جانشینان قوم نوح عليه السلام قرار داد که الله آنها را به سبب کفرشان نابود کرد، شکر الله را بگزارید که بدن‌های بزرگ و قدرت و نیرومندی زیاد را به شما اختصاص داد، و نعمت‌های گسترده‌ی الله بر خودتان را به یاد آورید به امید آن که به مطلوب دست یابید، و از ترس و وحشت نجات پیدا کنید.

﴿قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الأعراف: ۷۰].

قومش به او گفتند: - ای هود- آیا نزدمان آمده‌ای که ما را به عبادت الله به یگانگی امر کنی، و آنچه را که پدرانمان عبادت می‌کردند رها کنیم؟! پس اگر در ادعای خویش راستگو هستی عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور.

﴿قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَعَصَبٌ أَتْجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ [الأعراف: ۷۱].

هود عليه السلام این‌گونه به آنها پاسخ داد: به تحقیق که عذاب و خشم الله بر شما واجب شده است پس بدون تردید بر شما واقع می‌شود، آیا در مورد بت‌هایی با من مجادله می‌کنید که شما و پدران‌تان آنها را معبودها نامیده‌اید، درحالی‌که این امر حقیقت ندارد؟! والله هیچ دلیلی نازل نفرموده که بر الوهیت آنها که ادعا می‌کنید به آن استدلال کنید، پس منتظر عذابی که خواستار تعجیل در آن برای خودتان هستید بمانید، و من نیز همراه شما انتظار می‌کشم، زیرا واقع‌شدنی است.

﴿فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۷۲].

﴿۷۲﴾ پس به رحمتی از جانب خود، هود عليه السلام و مؤمنانی را که همراه او بودند نجات دادیم، و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند از ریشه نابود کردیم، و آنها مؤمن نبودند، بلکه تکذیب کننده بودند، پس سزاوار عذاب شدند.

﴿وَالِئِنَّ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِن إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ﴾ [الأعراف: ۷۳].

﴿۷۳﴾ و به تحقیق که به سوی قبیله ثمود، برادرشان صالح عليه السلام را فرستادیم که آنها را به توحید و عبادت الله فراخواند، صالح عليه السلام به آنها گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، زیرا غیر او معبود برحق که سزاوار عبادت باشد ندارید، بر راستگویی آنچه که برای تان آورده‌ام نشانه‌ای روشن از جانب الله نزدتان آمده است، که این نشانه در ماده‌ستری که از سنگ بیرون می‌آید تجسم پیدا می‌کند، که زمانی برای نوشیدن دارد، و برای شما نیز روز مشخصی برای نوشیدن است، پس آن را رها کنید تا در زمین الله بچرد، زیرا چیزی از مخارج او بر عهده شما نیست، و به او آزار نرسانید، وگرنه به عذابی رنج‌آور گرفتار می‌شوید.

برخی فواید آیات:

- آراسته شدن به صبر در دعوت به سوی الله، پیروی از پیامبران عليهم السلام شایسته است.
- یکی از اولویت‌های دعوت به سوی الله، دعوت به عبادت الله به یگانگی که هیچ شریکی ندارد، و ترک و دست کشیدن از شرک آوردن به او تعالی است.
- غرور به نیروی مادی و بدنی، انسان را از پذیرش اوامر و نواهی الله باز می‌دارد.
- پیامبر از جنس قومش است، اما از نظر نسبی شریف‌ترین، از نظر جایگاه برترین، از نظر خانوادگی گرمی‌ترین، و از نظر اخلاقی والاترین آنها است.
- پیامبران عليهم السلام و وارثان آنها، با بردباری در برابر نابخردان مقابله می‌کنند، و با عفو و گذشت و بخشش از گرفتار بد چشم می‌پوشند.

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَخَذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتُنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ [الأعراف: ۷۴].

﴿۷۴﴾ نعمت الله بر خودتان را به یاد آورید آن گاه که جانشین قوم عاد شدید، و شما را در زمین تان که از آن بهره می‌برید، و خواسته‌های تان را به دست می‌آوردید فرود آورد، این امر پس از نابودی عاد به دنبال اصرارشان بر کفر و تکذیب بود، در زمین های مسطح کاخ‌ها می‌سازید، و کوه‌ها را می‌تراشید تا خانه‌هایی برای خودتان بسازید، پس نعمت‌های الله بر خودتان را به یاد آورید تا شکر الله را به خاطر آنها بگزارید، و با ترک کفر به الله و گناهان، از تلاش برای فساد در زمین دست بکشید.

﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۷۵].

﴿۷۵﴾ بزرگان و سران از میان کسانی از قوم او که تکبر ورزیدند به مؤمنان قوم او که آنها را ناتوان می‌شمردند گفتند: - ای مؤمنان - آیا به نظر شما واقعاً صالح فرستاده ای از جانب الله است؟ مؤمنان مستضعف به آنها پاسخ دادند: ما در برابر آنچه که صالح با آن فرستاده شده است تصدیق‌کننده و اقرارکننده و تسلیم هستیم، و به شریعت او عمل می‌کنیم.

﴿قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ [الأعراف: ۷۶].

﴿۷۶﴾ مستکبران قوم او گفتند: - ای مؤمنان - ما به آنچه که شما آن را تصدیق می‌کنید کافر هستیم، پس هرگز به آن ایمان نمی‌آوریم، و هرگز به شریعت او عمل نمی‌کنیم.

﴿فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الأعراف: ۷۷].

﴿۷۷﴾ پس با سرکشی از اجرای امر الله، ماده‌شتر را که از رساندن آزار به او نهی شده بودند پی کردند، و با تمسخر و بعید پنداشتن تحقق تهدید صالح عليه السلام گفتند: ای صالح، اگر واقعاً از رسولان الله هستی عذاب دردآوری را که به ما وعده می‌دهی بر ایمان بیاور.

﴿فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ﴾ [الأعراف: ۷۸].

آن گاه عذابی را که کافران خواستار تعجیل در آن بودند آنها را فراگرفت، به طوری که زلزله شدیدی آنها را دربرگرفت، و درحالی که صورتها و زانوهای شان به زمین چسبیده بود بیهوش شدند، و هیچ یک از آنها از نابودی رهایی نیافت.

﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَأَنْجِبُونَ النَّاصِحِينَ﴾ [الأعراف: ۷۹].

آن گاه صالح علیه السلام پس از ناامیدی از استجاب قومش از آنها روی برگرداند، و به آنها گفت: ای قوم من، به راستی که من آنچه را که الله مرا به تبلیغ آن به شما فرمان داد به شما رساندم، و با ترغیب و ترهیب شما خیرتان را خواستم، اما شما کسانی را که خیرخواه و مشتاق بر راهنمایی شما بر خیر و دورکردن شما از شر هستند دوست ندارید.

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۸۰].

لوط علیه السلام را به یاد آور آن گاه که برای اعتراض بر قومش به آنها گفت: آیا کار زشت و قبیحی را که نزدیکی با مردان است انجام می دهید؟! این کاری را که شما ابداع کردید، هیچ کس قبل از شما مرتکب نشده بود!

﴿إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾ [الأعراف: ۸۱].

همانا شما برای برآورده کردن شهوت، به جای زنان که برای این کار آفریده شده اند، با مردان نزدیکی می کنید، و در این کار هیچ دلیل عقلی و نقلی و فطری را پیروی نمی کنید، بلکه شما با خروج از حد اعتدال بشری و انحراف از اقتضای عقل سلیم و فطرت پاک، از حدود الله گذشته اید.

برخی فواید آیات:

- تکبر و خودبزرگ بینی، غالباً از مال زیاد و مقام به دست می آید، و مال و مقام اندک، غالباً به ایمان و تصدیق و گردن نهادن وامی دارد.
- جواز ساختن کاخ های مرتفع و مانند آن؛ زیرا یکی از آثار نعمت: بنای نیک همراه با شکرگزاری از نعمت دهنده است.

- امر غالب در دعوت پیامبران عليه السلام این است که ضعیفان و فقرا به دعوت پیامبران عليه السلام تمایل نشان می دهند، اما سران و بزرگان در برابر آن سرکشی می کنند و تکبر می ورزند.
- گاهی الله تمام جامعه را به سبب گناهان زیاد و عدم اعتراض بر گناهان عذاب می کند.

﴿وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ﴾
[الأعراف: ۸۲].

۸۲ و پاسخ قوم لوط علیهم السلام که این عمل زشت را مرتکب می‌شدند در برابر اعتراض لوط علیهم السلام به آنها چیزی نبود جز اینکه با رویگردانی از حق گفتند: لوط علیهم السلام و خانواده‌اش را از شهرتان بیرون کنید؛ زیرا آنها مردمی هستند که از این کار شما پاکی می‌جویند، پس شایسته ما نیست که آنها در میان ما باقی بمانند.

﴿فَأَنجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ [الأعراف: ۸۳].

۸۳ پس او و خانواده‌اش را نجات دادیم آن‌گاه که آنها را به خروج شبانه از شهر که عذاب بر آن واقع خواهد شد فرمان دادیم، جز زن او را که همراه قومش از بازماندگان شد، و عذابی که به آنها رسید او را نیز دربرگرفت.

﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأعراف: ۸۴].

۸۴ و باران زیادی بر آنها فرو ریختیم، آن‌گاه که با سنگ‌هایی از گل بر سرشان افکندیم، و شهر را زیر و رو کردیم، پس - ای رسول - بیندیش که سرانجام قوم ستمکار لوط علیهم السلام چگونه بود؟ به راستی که سرانجام آنها نابودی و ذلت همیشگی بود.

﴿وَالِی مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۸۵].

۸۵ و به سوی قبیله مدین برادرشان شعیب علیهم السلام را فرستادیم، پس به آنها گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، زیرا جز او معبودی سزاوار عبادت ندارید، برهانی واضح و دلیلی روشن بر راستگویی آنچه از جانب پروردگرم برای‌تان آورده‌ام از جانب الله نزدتان آمده است، حقوق مردم را با کامل کردن پیمان و ترازو بپردازید، و با عیب‌جویی در کالاهای مردم، و بازداشتن از آن، یا فریفتن صاحبانش، حق مردم را کم ندهید، و پس از اصلاح زمین با بعثت پیامبران علیهم السلام از قبل، با کفر و ارتکاب گناهان در زمین فساد برپا نکنید، این موارد برای شما بهتر و سودمندتر است اگر ایمان دارید؛ زیرا با این کار گناهان که الله از انجام آنها نهی فرموده است ترک می‌شوند، و نزدیکی جستن به الله با انجام اوامر او تعالی حاصل می‌گردد.

﴿وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَتَرْتُمْ وَاَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾
[الأعراف: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و بر سر هر راهی منشینید که مردمی را که از آن می‌گذرند بترسانید تا اموال شان را بربایید، و هرکس بخواهد به دین الله راه یابد از آن بازدارید. با این کار می‌خواهید که راه الله دشوار باشد تا مردم آن را نپیمایند. نعمت‌های الله بر خودتان را به یاد آورید تا در قبال آنها از الله شکرگزاری کنید، آن‌گاه که شمارتان اندک بود و شما را زیاد گردانید، و بیندیشید که سرانجام فسادکاران در زمین قبل از شما چگونه بود، به‌راستی که سرانجام آنها نابودی و تباهی بوده است.

﴿وَإِن كَانَ ظَافِقَهُ مِنكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَظَافِقَهُ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَخُذَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ [الأعراف: ۸۷].

﴿۸۷﴾ و ای تکذیب‌کنندگان - اگر گروهی از شما به آنچه من از جانب پروردگارم آورده‌ام ایمان آورده، و گروهی دیگر به آن ایمان نیاورده است، منتظر بمانید تا الله میان شما داوری کند و او بهترین داور و عادل‌ترین قاضی است.

برخی فواید آیات:

- لواط، کار زشتی است که بر وارونگی فطرت دلالت دارد، و مناسب است مجازات لواط‌کاران از جنس عمل‌شان باشد، از این رو الله شهرهای‌شان را بر سرشان فرو ریخت.
- دعوت پیامبران صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - از جمله شعیب رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - بر دو اصل استوار است: اصل اول بزرگداشت امر الله، که اقرار به توحید و تصدیق نبوت را دربردارد، و اصل دیگر دلسوزی به مخلوقات الله است، که شامل دست‌کشیدن از ستم و فساد و تمام انواع آزارهاست.
- برپایی فساد بر روی زمین پس از اصلاح، جنایتی اجتماعی در حق انسانیت است؛ زیرا صلاح زمین با عقیده و اخلاق والا برای همگی خیر است، و برپایی فساد در زمین تجاوز بر مردم است.
- از بزرگترین و سخت‌ترین و زشت‌ترین گناهان، گرفتن مقرری‌های مالی که گرفتن آن از نظر شرعی حق نیست، به زور و اجبار است؛ زیرا غصب و جور و ستم بر مردم و انتشار منکر و عمل و استمرار به آن و تأیید این کار است.

﴿ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شَعِيبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴾ [الأعراف: ۸۸].

﴿ ۸۸ ﴾ بزرگان و سران قوم شعیب علیه السلام که تکبر ورزیدند، به او گفتند: - ای شعیب - یا به دین ما بازگردید یا تو و همراهانت را که تو را تصدیق کردند از این شهرمان بیرون خواهیم کرد. شعیب علیه السلام با تفکر و تعجب به آنها گفت: آیا شما را در دین و آیین تان پیروی کنیم، حتی اگر کراحت داشته باشیم؟! چون از بطلان آنچه که شما بر آن هستید آگاهیم.

﴿ قَدْ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُوذَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبُّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴾ [الأعراف: ۸۹].

﴿ ۸۹ ﴾ اگر به شرک و کفری که شما بر آن هستید پس از اینکه الله ما را به فضل خویش از آن نجات داد ایمان بیاوریم، به راستی که بر الله دروغ بسته ایم. سزاوار و شایسته ما نیست که به سوی آیین باطل شما بازگردیم مگر اینکه الله پروردگاران بخواهد، زیرا همگی در برابر اراده الله سبحانه مغلوب هستند، علم پروردگار ما بر هر چیزی احاطه دارد، و ذره ای از آن بر او پوشیده نمی ماند، فقط بر الله تکیه کردیم تا ما را بر راه راست پایدار بدارد، و از راه های جهنم محافظت گرداند. پروردگارا، میان ما و میان قوم کافر ما، به حق داوری کن، پس صاحب حق مظلوم را بر ظالم منحرف پیروز گردان، که - پروردگارا - تو بهترین داوران هستی.

﴿ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنِ اتَّبَعْتُمْ شَعِيبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ ﴾ [الأعراف: ۹۰].

﴿ ۹۰ ﴾ و بزرگان و سران کافر قوم او که دعوت توحید را رها کرده بودند برای برحذر داشتن از شعیب علیه السلام و دینش گفتند: - ای قوم ما - اگر در دین شعیب وارد شوید، و دین خودتان و دین پدران تان را رها کنید، با این کار نابود می شوید.

﴿ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴾ [الأعراف: ۹۱].

﴿ ۹۱ ﴾ پس زلزله شدیدی آنها را فرا گرفت، آن گاه در خانه های شان از پا درآمدند، در حالی که بر زانو ها و صورت های شان افتاده بودند، و در دیار شان مرده و نابود شده بودند.

﴿الَّذِينَ كَذَّبُوا شَعِيبًا كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شَعِيبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ﴾
[الأعراف: ۹۲].

﴿۹۲﴾ تمام کسانی که شعیب علیه السلام را تکذیب کردند از بین رفتند، و چنان نابود شدند که گویی هرگز در دیارشان سکونت نداشته بودند و در آن بهره نبرده بودند، کسانی که شعیب علیه السلام را تکذیب کردند آنها زیانکاران بودند؛ زیرا آنها بر خودشان و آنچه که مالک بودند زیان رساندند، و آن گونه که این کافران تکذیب کننده ادعا کردند مؤمنان قوم او هرگز زیانکار نبودند.

﴿فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۹۳].

﴿۹۳﴾ و چون نابود شدند پیامبرشان شعیب علیه السلام از آنها روی گرداند، و خطاب به آنها گفت: ای قوم من، آنچه را که پروردگارم مرا به ابلاغ آن به شما امر کرد به شما رساندم، و شما را نصیحت کردم اما شما نصیحت مرا نپذیرفتید، و از راهنمایی من اطاعت نکردید، پس چگونه بر قومی که به الله کافر هستند و بر کفرشان اصرار دارند اندوهگین باشم!؟

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ﴾
[الأعراف: ۹۴].

﴿۹۴﴾ و در هیچ شهری پیامبری نفرستادیم، و ساکنانش تکذیب نکردند و کفر نورزیدند، مگر اینکه آنها را به سختی و فقر و بیماری دچار کردیم به این امید که برای الله فروتنی کنند و از کفر و استکبار دست بردارند. و این هشدار برای قریش و برای هرکسی است که کفر ورزد و خبر سنت الله در امت‌های تکذیب کننده را تکذیب کند.

﴿ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [الأعراف: ۹۵].

﴿۹۵﴾ سپس بعد از گرفتاری به سختی و بیماری، خیری فراوان و امنیت به آنها دادیم تا اینکه افرادشان زیاد شد، و اموالشان رشد کرد، و گفتند: شر و خیری که به ما رسید، همان عادت منظمی است که از قبل به پیشینیان ما رسیده است، و درک

نکردند که منظور از کیفرهایی که به آنها می‌رسد عبرت گرفتن است، و نعمت‌هایی که به آنها می‌رسد استدراج (نزدیک کردن تدریجی به عذاب) است، پس ناگهان و درحالی که عذاب را احساس نمی‌کردند و منتظر آن نبودند آنها را به عذاب گرفتیم.

برخی فواید آیات:

- یکی از مظاهر اکرام الله به بندگان صالحش این است که درهای علم را برای روشن نمودن حق از باطل، و نجات مؤمنان، و عذاب کافران برای‌شان گشوده است.
- یکی از سنت‌های الله در مورد بندگانش اعطای مهلت است؛ تا از وقایع عبرت بگیرند، و از گناهان و جنایت‌هایی که مرتکب می‌شوند دست بکشند.
- شاید افراد زیادی در برابر آزمایش با بلا و مصیبت شکیبایی و تحمل کنند، اما شمار اندکی در برابر آزمایش با ناز و نعمت شکیبا هستند.

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [الأعراف: ۹۶].

﴿۹۶﴾ و اگر ساکنان این شهرهایی که رسولان مان را به سوی آنها فرستادیم دعوت رسولان را تصدیق کرده بودند، و با ترک کفر و گناهان و اجرای اوامر الله تعالی تقوای او را پیشه کرده بودند، به طور قطع از هر جهتی درهای خیر را بر روی آنها می‌گشودیم، اما آنها تصدیق نکردند و تقوا برنگزیدند، بلکه آنچه را رسولان شان آورده بودند تکذیب کردند، پس به سبب گناهان و جرایمی که انجام می‌دادند به صورت ناگهانی آنها را به عذاب گرفتیم.

﴿أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ﴾ [الأعراف: ۹۷].

﴿۹۷﴾ آیا ساکنان تکذیب‌کننده این شهرها خود را ایمن دانسته‌اند از اینکه عذاب ما شبانه و درحالی که غرق در راحتی و آرامش در خواب هستند به آنها برسد؟
﴿وَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ﴾ [الأعراف: ۹۸].

﴿۹۸﴾ آیا خود را ایمن دانسته‌اند از اینکه عذاب ما در ابتدای روز درحالی که به دنیا سرگرم و غافل هستند آنها را فرا گیرد؟

﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [الأعراف: ۹۹].

﴿۹۹﴾ بنگرید به مهلتی که الله در اختیار آنها گذاشت، و نیرو و روزی زیادی به آنها ارزانی داشت تا به تدریج آنها را به سوی عذاب بکشاند؛ آیا این تکذیب‌کنندگان ساکن آن شهرها از تدبیر پنهانی الله خود را ایمن دانسته‌اند؟ کسی جز قوم نابودشده خود را از مکر الله ایمن نمی‌داند، اما هدایت‌یافتگان همان کسانی هستند که از مکر او تعالی می‌ترسند، پس به آنچه که الله بر آنها نعمت بخشیده است فریب نمی‌خورند، بلکه بخشش و احسان او تعالی بر خودشان را می‌بینند، و شکر او را به جای می‌آورند.

﴿أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ
وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ [الأعراف: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ آیا برای کسانی که پس از نابودی امت‌های قبل از خود به سبب گناهان شان، در روی زمین جانشین شدند روشن نشده است، و از عذابی که به آنها رسیده است عبرت نگرفته‌اند، بلکه اعمال آنها را انجام دادند، آیا برای اینها روشن نشده است که

اگر الله می خواست آنها را به سبب گناهان شان عذاب کند به طور قطع این کار را می کرد چنان که این کار سنت او تعالی است؟! و بر دل های شان مُهر می زد تا هیچ پندی نگیرند، و هیچ اندرزی به آنها سود نرساند.

﴿تِلْكَ الْقَرْيُ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الْكَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۰۱].

۱۰۱ - ای رسول - آن شهرهای سابق - یعنی شهرهای اقوام نوح و هود و صالح و لوط و شعیب علیهم السلام - اخبار و تکذیب و دشمنی و عذاب آنها را بر تو می خوانیم و تو را از آن باخبر می سازیم؛ تا عبرتی باشد برای هرکس که عبرت می گیرد، و اندرزی باشد برای هرکس که اندرز می پذیرد، و رسولان علیهم السلام برای ساکنان این شهرها براهین آشکاری بر راستگویی خویش آوردند، اما آنها کسانی نبودند که هنگام آمدن رسولان علیهم السلام ایمان بیاورند چون الله از قبل می دانست که آن را تکذیب می کنند. و همان گونه که الله بر دل های ساکنان این شهرها که رسولان شان را تکذیب کردند مُهر نهاد، بر دل های کافران به محمد صلی الله علیه و آله نیز مُهر می نهد، تا به ایمان هدایت نشوند.

﴿وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۰۲].

۱۰۲ و در بیشتر امت هایی که رسولان به سوی آنها فرستاده شد، وفا و پایبندی آنها را به اوامر الله ندیدیم، بلکه بیشتر آنان را نافرمان و گناهکار یافتیم.

﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾ [الأعراف: ۱۰۳].

۱۰۳ سپس بعد از آن رسولان، موسی صلی الله علیه و آله را با دلایل و حجت های آشکار و دلالت کننده بر راستگویی او به سوی فرعون و قومش فرستادیم، اما آنها کاری نکردند جز اینکه این آیات را انکار کردند و به آن کفر ورزیدند، پس - ای رسول - بنگر که سرانجام فرعون و قومش چگونه بود، که الله آنها را غرق و نابود کرد، و در دنیا و آخرت به آنها لعنت رسانید.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۰۴].

۱۰۴ و موسی صلی الله علیه و آله آن گاه که الله او را به سوی فرعون فرستاد و نزد او رفت گفت: ای فرعون، همانا من فرستاده ای از جانب پروردگار هستم که مالک و تدبیرکننده امور تمام مخلوقات است.

برخی فواید آیات:

- ایمان و عمل صالح سبب سرازیری خیرات و برکات از آسمان و زمین می‌شود.
- بیان رابطه محکم میان گشایش روزی و تقوا؛ و اگر الله بر کافران نعمت می‌بخشد برای نزدیک کردن تدریجی آنها به عذاب و نیرنگ زدن بر آنها است.
- بنده نباید خود را از عذاب ناگهانی الله که شاید در هر لحظه از شب یا روز بیاید ایمن بداند.
- قرآن اخبار امت‌های پیشین را برای استواری مؤمنان و ترساندن کافران حکایت می‌فرماید.

﴿حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَىٰ اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [الأعراف: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ موسیٰ علیه السلام گفت: چون فرستاده‌ای از جانب الله هستم، بر من شایسته است که بر او تعالی سخنی جز حق نگویم، همانا حجتی آشکار که بر راستگویی من و اینکه فرستاده‌شده‌ای از جانب پروردگرم به‌سوی شما هستم نزدتان آورده‌ام، پس فرزندان اسرائیل را از اسارت و جبری که در آن قرار دارند همراه من بفرست.

﴿قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ فرعون به موسیٰ علیه السلام گفت: اگر در این ادعا که می‌گویی نشانه‌ای آورده‌ای صادق هستی آن را بیاور.

﴿فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾ [الأعراف: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ آن‌گاه موسیٰ علیه السلام عصایش را افکند که به‌ناگاه در نظر بیننده به ماری بزرگ و آشکار تبدیل شد.

﴿وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ و دستش را خارج کرد و آن را از گریبان یا از زیر بغلش، سفید بدون پیسی درآورد، که از شدت سفیدی برای بینندگان می‌درخشید.

﴿قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ﴾ [الأعراف: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ و بزرگان و سران وقتی تبدیل عصای موسیٰ علیه السلام به مار و سفید شدن دستش بدون پیسی را مشاهده کردند گفتند: موسیٰ نیست مگر ساحری که در علم سحر تواناست.

﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ با آنچه که انجام می‌دهد قصد دارد شما را از این سرزمین‌تان، یعنی مصر، بیرون کند. سپس فرعون در مورد موسیٰ علیه السلام از آنها مشورت خواست و گفت: در مورد او چه نظری به من پیشنهاد می‌کنید؟

﴿قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ به فرعون گفتند: کار موسی و برادرش هارون را به تأخیر بینداز، و افرادی را در شهرهای مصر بفرست تا ساحران را گرد آورند.

﴿يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ﴾ [الأعراف: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ تا این افرادی که آنها را برای گردآوری ساحران در شهرها می‌فرستی تمام ساحران ماهر و زبردستی را نزدت بیاورند.

﴿وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ پس فرعون افرادی را برای گردآوری ساحران فرستاد، وقتی ساحران نزد فرعون آمدند از او پرسیدند: آیا اگر با سحرشان بر موسی غلبه کردند و بر او پیروز شدند پاداشی دارند؟

﴿قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ فرعون این گونه به آنها پاسخ داد: بله، همانا پاداش و مزدی برای تان است، و از نظر مقام از مقربان خواهید بود.

﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ ساحران از روی تکبر و خودبزرگ‌بینی و با اعتماد بر پیروزی‌شان بر موسی علیه السلام گفتند: - ای موسی - هر کدام را که می‌خواهی انتخاب کن که یا تو ابتدا بیفکنی یا ما بیفکنیم.

﴿قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ﴾ [الأعراف: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ موسی علیه السلام بدون اهمیت به آنها و با اعتماد به اینکه پروردگارش به او یاری می‌رساند به آنها پاسخ داد: ریسمان‌ها و عصاهای تان را بیفکنید، چون افکندند مردم را چشم بندی و سحر کردند، و آنها را ترساندند، و در چشم بینندگان سحری قوی آوردند.

﴿* وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ﴾ [الأعراف: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ و الله به پیامبر و کلیم خویش موسی علیه السلام چنین وحی کرد: - ای موسی - عصایت را بیفکن، پس موسی علیه السلام آن را افکند، ناگهان به ماری زنده تبدیل شد که ریسمان‌ها و عصاهای‌شان را که در تبدیل حقایق و به اشتباه انداختن مردم به کار می‌بردند و مردم آن‌ها را مارهایی جنبیده می‌دیدند، بلعید.

﴿فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ پس حق آشکار گشت و راستی دعوت موسی عليه السلام روشن شد، و بطلان سحر ساحران مشخص گشت.

﴿فَعَلْبُوهَا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ آن گاه مغلوب شدند و در هم شکستند، و موسی عليه السلام در آن صحنه بر آنها پیروز شد، و آنها خوار و شکست خورده شدند.

﴿وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ﴾ [الأعراف: ۱۲۰].

﴿۱۲۰﴾ ساحران وقتی عظمت قدرتِ الله را مشاهده کردند، و آیات آشکار را دیدند، کاری نکردند جز اینکه برای الله به سجده درافتادند.

برخی فواید آیات:

- از مظاهر حکمت و رحمت الله است که نشانه هر پیامبری را از مواردی قرار می دهد که قوم او آن را درک می کنند، و گاهی از جنس چیزی است که در آن مهارت دارند.
- فرعون بنده ای خوار و پست و ناتوان بود، و گرنه برای دفع موسی عليه السلام به یاری گرفتن از ساحران نیازی نداشت.
- طلب مزد و مقام نزد فرعون از سوی ساحران - درحالی که به شیاطین متصل هستند که خواسته های شان را پاسخ می دهند-، بر ضعف ساحران دلالت دارد.

﴿قَالُوا أَمَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ ساحران گفتند: به پروردگار تمام مخلوقات ایمان آوردیم.

﴿رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ﴾ [الأعراف: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ پروردگار موسی و هارون؛ زیرا تنها او سزاوار عبادت شدن است، نه معبودهای ادعایی غیر او.

﴿قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آدَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۲۳].

﴿۱۲۳﴾ فرعون پس از ایمان آوردن ساحران به یگانگی الله، برای تهدید آنها گفت: قبل از اینکه به شما اجازه دهم موسی را تصدیق کردید؟ به راستی که ایمان شما به موسی و تصدیق آنچه که او آورده است از طرف شما، به سبب فریب و نیرنگی است که شما و موسی برای اخراج ساکنان این شهر از آن اندیشیده‌اید، پس - ای ساحران - به زودی از عقوبت و عذابی که به شما می‌رسد آگاه خواهید شد.

﴿لَا قُطْعَانَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ نَّمَّ لِأَصْلِبِنَكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الأعراف: ۱۲۴].

﴿۱۲۴﴾ از هر یک از شما دست راست و پای چپش یا دست چپ و پای راستش را قطع خواهم کرد، سپس همگی شما را بر تنه‌های درخت خرما برای عذاب شما و ترساندن هرکسی که شما را در این حالت مشاهده می‌کند خواهم آویخت.

﴿قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ﴾ [الأعراف: ۱۲۵].

﴿۱۲۵﴾ ساحران در پاسخ به تهدید فرعون گفتند: به راستی که ما فقط به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم، پس به آنچه که تهدید می‌کنی اهمیتی نمی‌دهیم.

﴿وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۲۶].

﴿۱۲۶﴾ و - ای فرعون - تو ما را عذاب نمی‌کنی و بر ما سخت نمی‌گیری جز برای اینکه آیات پروردگارمان را که به دست موسی نزد ما آمده است تصدیق کردیم، پس اگر این کار گناهی مورد ایراد است پس گناه ماست، سپس با دعا به سوی الله متوجه

شدند و با فروتنی گفتند: پروردگارا، بر ما شکیبایی فرو ریز تا بر حق پایداری ورزیم، و ما را درحالی بمیران که تسلیم تو و فرمان بردار امرت و پیرو رسولت هستیم.

﴿وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَآلِهَتِكَ قَالَ سَتَقْتُلُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَتَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۲۷].

﴿۱۲۷﴾ و سران و بزرگان قوم فرعون، برای تحریک فرعون علیه موسی و مؤمنان همراهش، به او گفتند: - ای فرعون - آیا موسی و قومش را رها می کنی تا در زمین فساد پخش کنند، و تو و معبودهایت را رها کنند، و به سوی عبادت الله به یگانگی فراخوانند؟! فرعون گفت: پسران بنی اسرائیل را خواهیم کشت، و زنان شان را برای خدمت نگه می داریم، و با زور و غلبه و قدرت بر آنها چیره هستیم.

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۲۸].

﴿۱۲۸﴾ موسی عليه السلام اینگونه قومش را نصیحت کرد: ای قوم من، در دفع ضرر از خود و جلب فایده به خودتان فقط از الله یاری بخواهید، و در آزمایشی که قرار دارید شکیبایی ورزید، زیرا زمین فقط از آن الله است، و نه برای فرعون است و نه کسی دیگر تا در آن حکومت کند، و الله بر اساس اراده خویش آن را میان مردم دست به دست می گرداند، و اما سرانجام نیکو در زمین برای مؤمنان است که اوامر پروردگارش را اجرا می کنند و از نواهی او تعالی اجتناب می ورزند، هر چند به امتحان ها و آزمایش هایی مبتلا شوند.

﴿قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۲۹].

﴿۱۲۹﴾ قوم موسی عليه السلام که از بنی اسرائیل بودند به موسی عليه السلام گفتند: ای موسی قبل از آمدن تو، توسط فرعون با کشتن پسران مان و باقی گذاشتن زنان مان مبتلا بودیم و بعد از آمدن تو نیز مبتلا هستیم. موسی عليه السلام برای نصیحت و بشارت به گشایش به آنها گفت: امید است که پروردگار شما دشمنان فرعون و قومش را نابود کند، و پس از آنها شما را در زمین قدرت دهد، آن گاه پس از این بنگرد شکر می گزارید یا کفر می ورزید.

﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۰].

﴿۱۳﴾ و خاندان فرعون را با خشک‌سالی و قحطی عذاب کردیم، و آنها را با کاهش میوه‌ها و غلات زمین آزمودیم، به این امید که متذکر شوند و پند گیرند که آنچه بر سرشان آمده است غذایی بر آنها به سبب کفرشان است، آن‌گاه به سوی الله توبه کنند.

برخی فواید آیات:

- موضع ساحران و اعلام ایمان‌شان با جرأت و صراحت بر این امر دلالت دارد که اگر انسان از هوس خویش خالی شود، و از عقل و فکر سلیم فرمان‌برداری کند، هنگام ظهور دلایل ایمان، به سرعت ایمان می‌آورد.
- مؤمنان به الله و روز آخرت، در میادین بحران و آزمایش و جنگ، استوارترین و شجاع‌ترین و شکیباترین مردم هستند.
- کسانی که از سلطه بهره می‌برند سلطان را برای مواجهه با مؤمنان تحریک و تهییج می‌کنند؛ زیرا بقای مصالح آنها در بقای سلطان است.
- یکی از اسباب قطع باران و کمبود کالا و افزایش قیمت‌ها، ستم و فساد است.

﴿فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۱].

﴿۱۳۱﴾ پس هرگاه سال خوش و میوه‌های نیکو و محصول فراوان به خاندان فرعون رسید گفتند: اینها به خاطر شایستگی و برتری ما به آنهاست، و اگر مصیبتی از خشکسالی و قحطی و بیماری‌های فراوان و سایر پیش‌آمدهای ناگوار به آنها می‌رسید به موسی علیه السلام و کسانی از بنی‌اسرائیل که همراه او بودند شگون بد می‌زدند، اما در حقیقت تمام این مصیبت‌ها که به آنها می‌رسید فقط به تقدیر الله سبحانه بود، و این کار هیچ ربطی نه به آنها داشت نه به موسی علیه السلام مگر اینکه موسی علیه السلام علیه آنها دعا می‌کرد، اما بیشتر آنها نمی‌دانند، از این رو آن را به غیر الله نسبت می‌دهند.

﴿وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۱۳۲].

﴿۱۳۲﴾ و قوم موسی از روی دشمنی با حق به موسی علیه السلام گفتند: هر نشانه و راهنمایی را که برایمان بیاوری، و هر حجتی را بر بطلان آنچه نزد ماست و برای اثبات راستی آنچه آورده‌ای اقامه کنی تا از آن بازگردیم؛ هرگز تو را تصدیق نخواهیم کرد.

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۳۳].

﴿۱۳۳﴾ پس برای عذاب آنها به خاطر تکذیب و لجابت‌شان آبی فراوان را بر آنها فرو فرستادیم، که کشتزارها و میوه‌های‌شان را غرق ساخت، و ملخ‌ها را بر آنها فرستادیم که محصولات‌شان را خوردند، و جانور کوچکی به نام شپش بر آنها فرستادیم که به کشت آسیب می‌رساند یا انسان را در مویش اذیت می‌کرد، و بر آنها قورباغه‌ها را فرو فرستادیم که ظرف‌های‌شان را پر کرد، و غذاهای‌شان را فاسد کرد، و آرامش را از آنها گرفت، و خون را بر آنها فرو فرستادیم که آب‌های چاه‌ها و رودهای‌شان را به خون تبدیل کرد. تمام این موارد را آیاتی آشکار و پراکنده و در پی یکدیگر فرستادیم، اما با وجود تمام کیفرهایی که به آنها رسید از ایمان به الله و تصدیق آنچه موسی علیه السلام آورده بود سر باز زدند، و مردمی بودند که مرتکب گناهان می‌شدند، و از باطل دست نمی‌کشیدند، و به‌سوی حق هدایت نمی‌شدند.

﴿وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [الأعراف: ۱۳۴].

﴿۱۳۴﴾ و وقتی با این امور به عذاب گرفتار شدند، به موسی علیه السلام روی آورده، و به او گفتند: ای موسی، از پروردگارت به نبوتی که آن را به تو اختصاص داده است، و به عهدی که برای برداشتن عذاب با توبه نزد تو دارد برای ما بخواه که عذابی را که بر ما وارد شده است از ما بردارد، پس اگر این عذاب را از ما بردارد به طور قطع به تو ایمان می آوریم، و بنی اسرائیل را همراه تو می فرستیم، و آنها را آزاد می سازیم.

﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِالْعُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۵].

﴿۱۳۵﴾ اما هنگامی که عذاب را تا مدتی مشخص؛ قبل از غرق و نابود کردن شان، از آنها برداشتیم، ناگهان ایمان و فرستادن بنی اسرائیل را که بر خود عهد بسته بودند شکستند، و بر کفرشان ادامه دادند، و از فرستادن بنی اسرائیل همراه موسی علیه السلام خودداری کردند.

﴿فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي الِئِمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۳۶].

﴿۱۳۶﴾ پس وقتی سررسید مشخص نابودی آنها فرا رسید، به سبب تکذیب آیات الله توسط آنها و رویگردانی شان از حقیقتی که بر آن دلالت می کرد و هیچ تردیدی در آن راه ندارد، خشم خویش را با غرق ساختن شان در دریا بر آنها فرو فرستادیم.

﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۷].

﴿۱۳۷﴾ و به بنی اسرائیل که فرعون و قومش آنها را خوار می کردند مشارق و مغارب زمین را به میراث عطا کردیم، که منظور از آن سرزمین شام است، این سرزمینی است که الله با بیرون آوردن کشتزارها و میوه ها به کامل ترین شکل، در آن برکت نهاده، و - ای رسول - سخن نیکوی پروردگارت که در آیه: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ [القصص: ۵]. «و می خواهیم بر کسانی که در زمین به استضعاف کشیده شده اند، منت گذاریم و آنها را

پیشوایان سازیم، و آنها را وارثان (زمین) قرار دهیم». آمده است تحقق یافت، چنان که الله به سبب صبر آنها در برابر آزارهای فرعون و قومش که به آنها رسید آنها را در زمین قدرت داد، و مزارع و مسکن‌هایی که فرعون می‌ساخت، و کاخ‌هایی را که بنا می‌کردند نابود کردیم.

برخی فواید آیات:

- تمام خیر و شر و نیکی و بدی به قضا و قَدَر الله است، و ذره‌ای از این موارد از قضا و قدر او تعالی خارج نیست.
- حالت مردم هنگام محنت و مصائب، پناه‌آوردن به الله با محرک ندای ایمان فطری است.
- مؤمن باید در آیات و سنت‌های الله در مخلوقات بیندیشد، و در اسباب و آثار آن تدبیر کند.
- نیروی افراد و حکومت‌ها در برابر نیروی عظیم الله متلاشی می‌شود، و ایمان به الله، مصدر تمام نیروهاست.
- الله تعالی برای پاداش بندگان مؤمن خویش آنها را پس از اینکه ضعیف شمرده شدند در زمین قدرت می‌دهد.

﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامِهِمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۸].

﴿۱۳۸﴾ و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم آن گاه که موسی علیه السلام عصایش را به دریا زد و دریا از هم شکافت، تا اینکه بر قومی گذشتند که بر عبادت بت‌هایی که داشتند مشغول بودند و آنها را به جای الله عبادت می‌کردند. آن گاه بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند: ای موسی، برای ما بتی قرار بده تا آن را عبادت کنیم همان گونه که اینها بت‌هایی دارند و آنها را به جای الله عبادت می‌کنند. موسی علیه السلام به آنها گفت: ای قوم من، همانا شما گروهی هستید که از تعظیم و توحیدی که برای الله واجب است و شرک و عبادت غیر او تعالی که سزاوار الله نیست جاهل هستید.

﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۳۹].

﴿۱۳۹﴾ همانا اینها که بر عبادت بت‌هایشان مشغول هستند، این مشغولیت در عبادت غیر او تعالی نابودشدنی است، و تمام طاعتی را که انجام می‌دهند به سبب اینکه همراه الله، غیر او را در عبادت شریک قرار می‌دهند باطل است.

﴿قَالَ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۰].

﴿۱۴۰﴾ موسی علیه السلام به قومش گفت: ای قوم من، چگونه معبودی غیر از الله برای‌تان بجویم که آن را عبادت کنید، درحالی که آیات بزرگ او تعالی را مشاهده کرده‌اید، و او سبحانه شما را با نابودی دشمن‌تان، و جانشین‌ساختن و قدرت‌دادن شما در زمین، بر تمام جهانیان زمان خودتان برتری داده است؟!

﴿وَإِذْ أُنجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتَلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ [الأعراف: ۱۴۱].

﴿۱۴۱﴾ و -ای بنی اسرائیل- به یاد آورید آن گاه که شما را با رهایی از خوارساختن شما توسط فرعون و قومش نجات دادیم که با کشتن پسران‌تان، و باقی گذاشتن زنان‌تان برای خدمت، انواع ذلت‌ها را به شما می‌چشانند، و در نجات شما از فرعون و قومش آزمایش بزرگی است از جانب پروردگارتان که سپاسگزاری از جانب شما را می‌طلبد.

﴿* وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأْتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۲].

ﷻ و الله با رسولش موسی عليه السلام سی شب را برای مناجات با او تعالی وعده گذاشت، سپس آن را با افزودن ده شب تکمیل کرد، تا چهل شب کامل شد، و موسی عليه السلام هنگامی که قصد داشت برای مناجات با پروردگارش برود به برادرش هارون عليه السلام گفت: ای هارون، جانشین من در میان قومم باش، و با سیاست نیکو و دلسوزی به آنها کارشان را اصلاح کن، و با ارتکاب گناهان راه فسادکاران را نپیما، و یاور گناهکاران مباش.

﴿وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَكِنِ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۳].

ﷻ و هنگامی که موسی عليه السلام در موعدی که برایش مشخص شده بود یعنی چهل شب کامل، برای مناجات پروردگارش آمد، و پروردگارش با او امر و نواهی اش که لازم بود با او سخن گفت، نفسش شیفته دیدن پروردگارش شد، آن گاه تقاضا کرد که به او تعالی بنگرد، پس الله این گونه به او پاسخ داد: در زندگی دنیا هرگز مرا نخواهی دید، زیرا توان این کار را نداری، اما به کوه بنگر آن گاه که خود را بر او متجلی می کنم پس اگر در مکان خویش بدون اینکه اثر بپذیرد قرار گرفت تو مرا خواهی دید، و اگر با زمین یکسان شد تو هرگز مرا در دنیا نخواهی دید. پس وقتی الله بر کوه تجلی نمود آن را با خاک یکسان کرد، و موسی عليه السلام بیهوش افتاد، و هنگامی که به هوش آمد گفت: - پروردگارا- تو را از هرچه سزاوار تو نیست منزه می دانم، من از دیدن تو در دنیا که از تو درخواست کردم به سوی تو توبه کردم، و من نخستین مؤمن از میان قومم هستم.

برخی فواید آیات:

- رویدادها تأکید دارد بر اینکه بنی اسرائیل با وجود اینکه پیامبر الله موسی عليه السلام در میان‌شان بود از یک گمراهی به گمراهی دیگر منتقل می‌شدند.
- از مظاهر خواری امت این است که به مجرد نظر و هوس، زشت نیکو شمرده شود، و نیکو زشت به حساب آید.
- اصلاح امت و بستن درهای فساد، هدف والای پیامبران عليهم السلام و دعوتگران است.
- الله تعالی حکم کرده که هیچ‌یک از مخلوقاتش او تعالی را در دنیا نبیند، و هر یک از بندگان را که دوست دارد با رؤیت خویش در آخرت گرامی خواهد داشت.

﴿قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۴].

ﷻ الله به موسی علیه السلام فرمود: ای موسی، من تو را با ابلاغیه‌هایم برگزیدم و بر مردم برتری دادم آن‌گاه که تو را به‌سوی آنها فرستادم، و تو را با سخن‌گفتن بدون هیچ واسطه‌ای برتری دادم، پس این شرف را که به تو عطا کردم بگیر، و بر این عطای بزرگ از شکرگزاران الله باش.

﴿وَكُتِبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُر قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۵].

ﷻ و برای موسی علیه السلام در الواحی از چوب یا یا ماده‌ای دیگر، از تمام امور دینی و دنیوی بنی‌اسرائیل که به آن نیاز داشتند پندی نوشتیم برای کسانی از آنها که پند بگیرند، و تفصیلی بیان کردیم برای احکامی که به تفصیل آنها نیاز بود، پس -ای موسی- این تورات را به جد و جهد بگیر، و به قومت بنی‌اسرائیل فرمان بده بهترین آن را که اجرش بزرگتر است مانند انجام اوامر به کامل‌ترین وجه، و مانند شکیبایی و گذشت، بگیرند، به‌زودی سرانجام کسی را که با فرمان من مخالفت کند، و از طاعت من خارج شود، و نابودی و هلاکتی که به آن می‌رسد به شما می‌نمایانم.

﴿سَأَصْرِفُ عَن آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَّا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْعِغْيِ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلاً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۴۶].

ﷻ به زودی کسانی را که به ناحق بر بندگان الله و بر حق برتری می‌جویند از عبرت‌گیری به نشانه‌هایم در آفاق و جان‌ها و از فهم آیات کتابم رویگردان می‌سازم، و اگر هر آیه‌ای را ببینند آن را تصدیق نمی‌کنند؛ زیرا بر آن اعتراض می‌کنند و از آن روی می‌گردانند، چون با الله و رسولش دشمنی دارند، و اگر راه حق را که به رضایت الله ختم می‌شود ببینند نمی‌پیمایند، و به آن رغبت نمی‌کنند، و اگر راه فریب و گمراهی را که به خشم الله منجر می‌شود ببینند آن را می‌پیمایند، این مصیبت به آن سبب به آنها رسید که آیات بزرگ الله را که بر راستگویی دعوت رسولان دلالت دارد تکذیب کردند، و از اندیشیدن در آنها غفلت ورزیدند.

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الاعراف: ۱۴۷].

و کسانی که آیات ما را که بر راستگویی رسولان مان دلالت دارد تکذیب کردند، و دیدار الله در روز قیامت را تکذیب کردند، طاعات شان تباه شده است، زیرا به دلیل نبود شرط طاعت، که ایمان است پاداش آن را نمی گیرند، و در روز قیامت فقط جزای کفر و شرک به الله را که انجام می دادند می گیرند، و جزای این کار، جاودانگی در آتش است.

﴿وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلْمٌ يَرَوُا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ﴾ [الاعراف: ۱۴۸].

و قوم موسی علیه السلام پس از رفتن او برای مناجات با پروردگارش، از زیورهای شان تمثال گوساله ای بدون روح و دارای صدا ساختند، آیا آنها ندانستند که این گوساله با آنها سخن نمی گوید، و آنها را به هیچ راه خیری، چه حسی و چه معنوی راهنمایی نمی کند، و نفعی برای شان جلب نمی کند یا زینانی از آنها نمی زداید؟ آن را به عنوان معبودی برای خویش گرفتند و با این کار بر خودشان ستم کردند.

﴿وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الاعراف: ۱۴۹].

و هنگامی که پشیمان و سرگشته شدند و دانستند که با گرفتن گوساله به عنوان معبودی به همراه الله، از راه راست گمراه شده اند، به سوی الله زاری کردند و گفتند: اگر پروردگارمان با توفیق به طاعتش بر ما رحم نکند، و عبادت گوساله را که مرتکب شدیم بر ما نیامرزد، به طور قطع از کسانی خواهیم بود که در دنیا و آخرت شان زیانکار شده اند.

برخی فواید آیات:

- بنده باید احسان و بخشش الله بر خود را آشکار کند، زیرا شکر با افزونی همراه است.
- بنده باید بهترین قول و فعل را برگزیند.
- پذیرفتن شریعت باید با استواری و تلاش و جدیت و عزم بر طاعت و اجرای صلاح و اصلاح، و منع فساد که در آن آمده است باشد.
- بنده باید هرگاه در حق پروردگارش خطا یا کوتاهی کرد به بزرگی گناهی که مرتکب شده، و اینکه برای بخشش لغزش او هیچ پناهگاهی در برابر الله جز به درگاه او تعالی وجود ندارد اعتراف کند.

﴿وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بَنِي الْأَعْدَاءِ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۵۰].

﴿۱۵۰﴾ و هنگامی که موسی علیه السلام از مناجات با پروردگارش، به سوی قومش که گوساله را عبادت کردند، سرشار از خشم و اندوه بازگشت و گفت: - ای قوم من - پس از رفتن من از نزد شما، چه بد جانشینی مرا انجام دادید؛ چون به نابودی و بدبختی منجر می‌شود، آیا از انتظار من خسته شدید، که به عبادت گوساله اقدام کردید؟! و از شدت خشم و اندوهی که او را گرفته بود الواح را افکند، و موی سر و ریش برادرش هارون علیه السلام را گرفت و به سوی خود کشید چون با آنها مانده بود و عبادت گوساله را که آنها را بر آن دیده بود تغییر نداده بود، هارون علیه السلام برای عذرخواهی و دلجویی از موسی علیه السلام به او گفت: ای پسر مادرم، همانا این قوم، مرا ضعیف به شمار آوردند و مرا تحقیر کردند، و نزدیک بود که مرا بکشند، پس مرا با کیفری که دشمنانم را شادمان می‌کند مجازات نکن، و به سبب خشمی که بر من داری مرا در شمار ستمکاران قوم به سبب اینکه غیر الله را عبادت کردند قرار مده.

﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلَا خِي وَلَا تُدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ [الأعراف: ۱۵۱].

﴿۱۵۱﴾ آن گاه موسی علیه السلام این گونه به درگاه پروردگارش دعا کرد: پروردگارا من و برادرم هارون را بیامرز، و ما را در رحمت خویش در آور و آن را از هر سو بر ما فرو ریز، و - پروردگارا - تو نسبت به ما مهربان‌ترین مهربانان هستی.

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۵۲].

﴿۱۵۲﴾ همانا کسانی که گوساله را برای عبادت به عنوان معبود گرفتند، به زودی آنها را خشمی شدید از جانب پروردگارشان، و ذلت‌هایی در زندگی دنیا به دلیل اینکه پروردگارشان بر آنها خشم گرفته و آنها را خوار ساخته، فرا خواهد گرفت، و مانند این جزا، کسانی را که بر الله دروغ می‌بندند مجازات می‌کنیم.

﴿وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأعراف: ۱۵۳].

﴿۱۵۳﴾ و کسانی که بدی‌ها، چه شرک به الله و چه گناهان را انجام دادند، سپس به‌سوی الله توبه کردند و به او ایمان آوردند، و از گناهانی که انجام می‌دادند دست کشیدند، - ای رسول - همانا پروردگار تو پس از این توبه و بازگشت از شرک به‌سوی ایمان، و بازگشت از گناهان به طاعت، با عفو و گذشت، نسبت به آنها بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَابِحَ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۴].

﴿۱۵۴﴾ و هنگامی که خشم موسی علیه السلام فروکش کرد و آرام گرفت، الواحی را که به‌سبب خشم آنها را افکنده بود گرفت، و این الواح هدایت از گمراهی و بیان حق، و رحمت برای کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند، و از عذابش بیم دارند، در برداشت.

﴿وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلِ وَإِيَّايَ أَتَهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۵۵].

﴿۱۵۵﴾ و موسی علیه السلام هفتاد مرد از میان بهترین افراد قومش برگزید تا از عبادت گوساله توسط کم‌خردان‌شان از پروردگارش پوزش بطلبند، و الله زمان مشخصی برای آنها وعده داد تا در آن حاضر شوند، اما وقتی حاضر شدند بر الله گستاخی کردند، و از موسی علیه السلام خواستند الله را آشکارا به آنها نشان دهد، پس زلزله آنها را فراگرفت و از ترس آن مدهوش و هلاک شدند، آن‌گاه موسی علیه السلام به‌سوی پروردگارش با تضرع دعا کرد و گفت: پروردگارا، اگر نابودی آنها و نابودی من همراه آنها را قبل از آمدن شان می‌خواستی به‌طور قطع آنها را نابود می‌کردی، آیا به‌سبب آنچه که سبک سران ما مرتکب شدند ما را نابود می‌کنی؟ عبادت گوساله که قوم من آن را مرتکب شدند چیزی نیست جز ابتلا و آزمایشی که با آن هرکس را بخواهی گمراه می‌سازی و هرکس را بخواهی هدایت می‌کنی، تو متولی کار ما هستی پس گناهان‌مان را

بیامرز، و با رحمت گسترده خود بر ما رحم کن، و تو بهترین کسی هستی که گناه را می‌آمزد، و از گناه در می‌گذرد.

برخی فواید آیات:

- این آیات دلالت دارد بر اینکه در صورت آشکار بودن دلایل، خطا در اجتهاد، صاحبش را هنگام اجرای احکام بر او معاف نمی‌کند، و فقها این امر را تأویل بعید می‌نامند.
- از آداب دعا این است که دعا کننده ابتدا برای خودش دعا کند، چنان‌که موسی علیه السلام دعای خویش را این‌گونه آغاز کرد و برای ادب در برابر الله در خشمی که از او آشکار شده بود برای خودش طلب آمرزش کرد، سپس برای برادرش در اینکه شاید تفریط یا سهل انگاری‌ای در بازداشتن از عبادت گوساله از او سر زده باشد طلب آمرزش کرد.
- بر حذر داشتن از خشم و تسلط آن بر عقل، و به همین منظور الله آن را به فعل سکوت توصیف کرد، گویی امرکننده و نهی کننده است.
- ضرورت محافظت خویش از خشم الله، و ترس از مجازات او. در این مورد به مقام موسی علیه السلام نزد پروردگارش، و ترس او از خشم پروردگارش بنگر.

﴿وَكَتُبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَذَابِي أَصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءَ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الاعراف: ۱۵۶].

﴿۱۵۶﴾ و ما را از کسانی قرار بده که در این دنیا آنها را با نعمت‌ها و سلامتی گرامی داشتی و بر انجام اعمال صالح موفق گرداندی، و کسانی از بندگان صالح تو که بهشت را در آخرت برای‌شان آماده ساخته‌ای، ما با اقرار به تقصیرمان به‌سوی تو توبه کردیم و بازگشتیم، الله تعالی فرمود: عذاب خود را به هرکس از کسانی که اسباب بدبختی را پدید آورد می‌رسانم، و رحمتم همه چیز را در دنیا فرا گرفته است؛ پس هیچ مخلوقی نیست مگر اینکه رحمت الله به او رسیده است، و بخشش و احسان الله او را پوشانده است، پس رحمتم در آخرت را برای کسانی خواهم نوشت که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی می‌ترسند، و زکات اموال‌شان را به مستحقانش می‌دهند، و آنها که به آیات ما ایمان دارند.

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الاعراف: ۱۵۷].

﴿۱۵۷﴾ همان کسانی که از محمد ﷺ پیروی می‌کنند، همان پیامبر امی که خواندن و نوشتن بلد نیست، و فقط پروردگارش به او وحی می‌کند، و او همان کسی است که اسم و صفاتش و آنچه را که به او وحی شده است در تورات نازل شده بر موسی عليه السلام، و انجیل نازل شده بر عیسی عليه السلام می‌یابند. آنها را به اموری که خوبی و صلاحش شناخته شده است فرمان می‌دهد، و از اموری که زشتی‌اش در عقل‌های سالم و فطرت‌های صحیح شناخته شده است باز می‌دارد، و لذت‌های بی‌ضرر مثل غذاها و نوشیدنی‌ها و ازدواج‌ها را برای‌شان مباح می‌گرداند، و تبه‌کاری‌های آنها را برای‌شان حرام می‌کند، و تکالیف شاق مانند وجوب قتل قاتل، چه قتل عمدی و چه خطایی، را که به آن مکلف شده بودند از آنها برطرف می‌سازد، پس کسانی از

بنی اسرائیل و دیگران که به او ایمان آوردند، و او را گرمی و بزرگ داشتند، و او را در برابر کفاری که با او دشمنی می‌کنند یاری رساندند، و از قرآن که مانند نوری هدایتگر بر او نازل شده است پیروی کردند؛ آنها همان رستگاران هستند که به آنچه می‌طلبند می‌رسند، و از آنچه که می‌ترسند دور نگه داشته می‌شوند.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۸].

﴿۱۵۸﴾ - ای رسول - بگو: ای مردم، همانا من فرستاده‌ی الله به‌سوی همه‌ی شما، چه عرب و چه عجم، هستم. همان ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن اوست، معبودی به‌حق، جز او سبحانه وجود ندارد، مردگان را زنده می‌گرداند، و زندگان را می‌میراند، پس - ای مردم - به الله ایمان آورید، و به محمد ﷺ رسولش و پیامبری که خواندن و نوشتن بلد نیست ایمان بیاورید، و به‌راستی که وحیی را آورده است که پروردگارش به او وحی می‌کند، او کسی است که به الله ایمان دارد، و به آنچه به او نازل شده، و آنچه به پیامبران قبل از او نازل شده بدون گذاشتن تفاوت ایمان دارد. در آنچه از جانب پروردگارش آورده از او پیروی کنید؛ امید است که به آنچه مصلحت شما در دنیا و آخرت در آن است هدایت شوید.

الله سبحانه پس از بیان عبادت گوساله توسط بنی‌اسرائیل بیان کرد که از میان آنها گروهی مخالف کار کسانی که گوساله را عبادت کردند هستند، و فرمود:

﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۵۹].

﴿۱۵۹﴾ و از قوم موسی ﷺ از میان بنی‌اسرائیل، گروهی درستکار بر دین صحیح هستند، که مردم را بر آن راهنمایی و به عدالت حکم می‌کنند و ستم روا نمی‌دارند.

برخی فواید آیات:

- تورات و انجیل دلایل آشکاری بر بعثت و راستگویی محمد ﷺ دارند.
- رحمت الله همه چیز را فرا گرفته است، اما رحمت او تعالی برای بندگانیش دارای مراتب متفاوتی است، که به حسب ایمان و عمل صالح متفاوت است.

- دعا حسب احوال گاهی مجمل و گاهی مفصل است، و موسی علیه السلام در این مقام دعایش را به صورت اجمال بیان کرد.
- یکی از صورت‌های عدالت الله، انصاف او تعالی برای اقلیت مؤمن است، چنان‌که صفات بنی‌اسرائیل را که منافی کمال و مناقض هدایت است بیان کرد، شاید کسی برداشت کند که این امر تمام آنها را دربرمی‌گیرد، از این رو الله تعالی فرمود گروهی از آنها به راه راست و هدایتگر و هدایت شده هستند.

﴿وَقَطَعْنَا لَهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ
 اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ
 وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْعَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
 وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۰].

﴿۱۶۰﴾ و بنی اسرائیل را به دوازده قبیله تقسیم کردیم، و هنگامی که قوم موسی علیه السلام از او خواستند که از الله بخواهد به آنها آب بدهد وحی کردیم که: - ای موسی - عصایت را به سنگ بزن، پس موسی علیه السلام آن را زد، آن گاه دوازده چشمه به تعداد قبایل دوازده گانه آنها از سنگ جوشید، به گونه ای که هر قبیله از بنی اسرائیل آبخوری مخصوص خودش را می شناخت، و قبیله ای دیگر در آن آبخور، با آن قبیله شریک نبود، و ابر را بر فرازشان سایبان کردیم که با حرکت آنها حرکت می کرد، و با توقف آنها می ایستاد، و از نعمت هایمان نوشیدنی شیرینی مانند عسل و پرنده ای کوچک و با گوشتی لذیذ شبیه مرغ بلدرچین بر آنها نازل کردیم، و به آنها گفتیم: از پاکیزه هایی که به شما روزی دادیم بخورید، و ما ذره ای از این نعمت ها را به سبب ستم و کفران و ندانستن قدر نعمت ها که از آنها سر زد نکاستیم، بلکه آنها خودشان با کاستن بهره خودشان بر خویشتن ستم می کردند آن گاه که به سبب مخالفت با امر الله و انکار نعمت های او تعالی، لوازم نابودی شان را فراهم آوردند.

﴿وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا
 الْبَابَ سُجَّدًا نَّعْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الأعراف: ۱۶۱].

﴿۱۶۱﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن گاه که الله به بنی اسرائیل فرمود: به بیت المقدس وارد شوید، و از میوه هایش از هر مکانی از آن و در هر زمانی که خواستید بخورید، و بگویید: پروردگارا، گناهانمان را از ما فرو ریز، و با رکوع و فروتنی در برابر پروردگارتان از در وارد شوید؛ که اگر چنین کردید از گناهان تان درمی گذریم، و از خیر دنیا و آخرت بر نیکوکاران می افزاییم.

﴿فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ
 بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۲].

﴿۱۶۲﴾ اما ستمکاران آنها سخنی را که به آن فرمان یافته بودند تغییر دادند و به جای طلب آمرزش که به گفتن آن فرمان یافته بودند گفتند: حبه فی شعیره: دانه ای در

جویی؛ و کاری را که بر انجام آن فرمان یافته بودند تغییر دادند، چنان که به جای ورود با فروتنی برای الله و پایین آوردن سرهایشان، درحالی که بر نشیمنگاههای خویش می‌خزیدند وارد شدند، پس به سبب ستم‌شان عذابی از آسمان بر آنها فرو فرستادیم.

﴿وَأَسْأَلُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۳].

﴿و ای رسول - برای یاد آوری آنچه الله با آن، پیشینیان یهود را عذاب داد از آنها در مورد قریه‌ای که نزدیک دریا بود بپرس آن گاه که با شکار در روز شنبه پس از اینکه از این کار نهی شدند از حدود الله می‌گذشتند، چنان که ماهی‌ها در روز شنبه آشکارا بر روی دریا نزدشان می‌آمدند، و در سایر روزها نزدشان نمی‌آمدند، الله آنها را به سبب خروج‌شان از طاعت و ارتکاب گناهان با این امر آزمایش کرد، پس برای شکار آن فرود آمدند به این نحو که تورهای‌شان را نصب، و گودال‌های‌شان را حفر کردند، پس ماهی‌ها در روز شنبه در آنها می‌افتادند، و در روز یکشنبه آنها را می‌گرفتند و می‌خوردند.﴾

برخی فواید آیات:

- انکار و کفران، سبب محرومیت از نعمت‌هاست.
- یکی از اسباب فرا رسیدن کیفر و نزول عذاب، حيله زدن بر شریعت است؛ زیرا ستم و گذشتن از حدود الله است.
- الله خواری و بیچارگی را بر بنی اسرائیل نوشت، و اعلام کرد که به سبب ستم و انحراف‌شان هر مدتی کسی را بر آنها می‌فرستد که عذاب را بر آنها می‌چشاند.

﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعَذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۴].

۱۶۴ و -ای رسول - به یاد آور آن گاه که گروهی از خودشان، آنها را از این منکر نهی می‌کردند و برحذر می‌داشتند، و گروهی دیگر به آنها گفتند: چرا گروهی را نصیحت می‌کنید که به سبب گناهایی که مرتکب شده‌اند الله آنها را در دنیا نابود می‌کند، یا در روز قیامت به عذابی سخت آنها را کیفر می‌دهد؟ نصیحت‌کنندگان گفتند: نصیحت ما برای آنها، آوردن عذری نزد الله بر انجام امر به معروف و نهی از منکر است که به آن فرمان داده تا ما را به ترک آن مؤاخذه نکنند، و امید است که از اندرز بهره بگیرند، و از گناهی که در آن هستند دست بردارند.

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَجْحَيْتْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَّيْسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۵].

۱۶۵ پس هنگامی که نافرمانان از آنچه که اندرز دهندگان به آنها یاد آوری کردند روی گرداندند، و دست نکشیدند، کسانی را که از منکر نهی کردند از عذاب نجات دادیم، و کسانی را که با شکار روز شنبه بی‌حرمتی کردند به سبب خروج‌شان از طاعت الله و اصرارشان بر معصیت به عذابی سخت گرفتیم.

﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ [الأعراف: ۱۶۶].

۱۶۶ پس هنگامی که از روی تکبر و لجاجت در نافرمانی الله از حد گذشتند، و پند نگرفتند، به آنها گفتیم: ای نافرمانان، بوزینگانی ذلیل و خوار باشید، به ناگاه آن گونه که اراده کردیم شدند، همانا امر ما به چیزی هنگامی که آن را اراده کنیم چنین است که به او می‌گوییم: باش، به ناگاه موجود می‌شود.

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الأعراف: ۱۶۷].

۱۶۷ و -ای رسول - به یاد آور آن گاه که الله به‌طور صریح و بدون هیچ ابهامی اعلام کرد که به‌طور قطع کسانی را بر یهود مسلط می‌سازد که آنها را در زندگی دنیایی آنها تا روز قیامت خوار و ذلیل می‌گرداند، - ای رسول - همانا پروردگارت برای کسی که از او نافرمانی کند زود کیفر است، حتی گاهی عذابش را در دنیا به تعجیل می‌اندازد و همانا او تعالی نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَقَطَعْنَا لَهُمُ فِي الْأَرْضِ أُمَّامًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۸].

۱۶۸ و آنها را در زمین پراکنده ساختیم، و پس از اینکه مجتمع بودند آنها را در زمین به طایفه‌های پراکنده قرار دادیم، برخی از آنها نیکوکار و برپادارنده حقوق الله و حقوق بندگانش هستند، و برخی از آنها میانه‌رو هستند، و برخی از آنها با گناهان بر خویشتن زیاده روی می‌کنند، و آنها را با گشایش و سختی آزمودیم به این امید که از گناهان بازگردند.

﴿فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُ الَّذِي أَخَذُوا أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِم مِّيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَّا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّارِ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۶۹].

۱۶۹ آن‌گاه پس از اینها، بدکارانی آمدند و جانشین آنها شدند، تورات را از پیشینیان شان گرفتند، آن را می‌خوانند و به آنچه در آن است عمل نمی‌کنند. کالای پست دنیا را به عنوان رشوه می‌گیرند تا کتاب الله را تحریف کنند، و به غیر آنچه در آن نازل شده است حکم دهند، و به خودشان امید می‌دهند که الله گناهان‌شان را بر آنها خواهد بخشید، و اگر متاع ناچیز دنیوی نزدشان بیاید آن را پیوسته می‌گیرند، آیا الله عهد و پیمان‌ها از اینها نگرفته است که جز حق بدون تحریف یا تبدیل چیزی بر الله نگویند؟! و عمل نکردن آنها به کتاب از روی جهل نبود، بلکه از روی علم بود، زیرا آنچه در آن است را خواندند و دانستند، پس گناه‌شان شدیدتر است. و سرای آخرت و نعمت‌های همیشگی در سرای آخرت برای کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تعالی از او می‌ترسند از آن کالای نابودشدنی بهتر است. آیا اینها که این کالای ناچیز را می‌گیرند نمی‌اندیشند که آنچه الله در آخرت برای پرهیزگاران آماده ساخته است بهتر و ماندگارتر است؟!

﴿وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَأَنْضِيعَ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ﴾ [الأعراف: ۱۷۰].

۱۷۰ و کسانی که به کتاب چنگ می‌زنند، و به آنچه در آن است عمل می‌کنند و نماز را با محافظت بر اوقات و شروط و واجبات و سنن آن برپا می‌دارند، به‌زودی الله

جزای اعمال شان را به آنها می‌دهد، زیرا الله مزد کسی را که عملش صالح باشد تباه نمی‌سازد.

برخی فواید آیات:

- هنگامی که عذاب الله بر مردمی به سبب گناهان شان نازل شود، کسانی از میان آنها که امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند از این عذاب نجات می‌یابند.
- ترسیدن از عذاب الله واجب است؛ زیرا گاهی مایهٔ ترس در دنیا است، چنان که الله سبحانه طائفه‌ای از بنی اسرائیل را به سبب سرکشی شان به صورت بوزینه‌هایی درآورد.
- نعمت‌های دنیا هر چند بزرگ به نظر رسد اما در برابر نعمت‌های همیشگی آخرت بسیار اندک و ناچیز است.
- برترین اعمال بنده پس از ایمان، برپایی نماز است؛ زیرا نماز ستون دین است.

﴿وَإِذْ تَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ
وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۱].

﴿۱۷۱﴾ و -ای محمد- به یاد آور آن گاه که کوه را برکنديم و بر فراز بنی اسرائیل برآفراشتيم. آن گاه که از قبول آنچه در تورات آمده خودداری کردند، پس کوه مانند ابری شد که بر روی سرشان سایه می انداخت و یقین پیدا کردند که بر آنها سقوط می کند، و به آنها گفته شد: آنچه را به شما داديم با جد و جهد و اراده برگیرید، و احکامش را که الله بر شما تشریح کرده است به یاد آورید و فراموش نکنید، امید است که با این کار از الله بترسید.

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ
بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۷۲].

﴿۱۷۲﴾ و -ای محمد- به یاد آور آن گاه که پروردگارت از پشت فرزندان آدم نسل آنها را در آورد، و از آنها به اثبات ربوبیت او تعالی به آنچه که در فطرت شان به ودیعه گذاشته است اقرار گرفت که او تعالی آفریدگار و پروردگار آنها است و فرمود: آیا پروردگارتان نیستیم؟ همگی گفتند: آری تو پروردگار ما هستی، فرمود: فقط برای این شما را آزموديم و از شما پیمان گرفتيم تا در روز قیامت حجت الله بر خودتان را انکار نکنید، و نگویید که به آن علم ندارید.

﴿أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ
الْمُبْطِلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۳].

﴿۱۷۳﴾ یا چنین اعتراض کنید که پدران تان بودند که پیمان را شکستند و به الله شرک آوردند، و شما مقلد پدران تان بودید در شرکی که از آنها دیدید، آن گاه بگویید: - پروردگارا- آیا به سبب کار پدرانمان که اعمال شان را با شرک باطل کردند ما را مؤاخذه و عذاب می کنی؟ ما که گناهی نداريم؛ چون جاهل بوديم و از پدرانمان تقلید می کرديم.

﴿وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۴].

﴿۱۷۴﴾ و همان گونه که آیات را در سرانجام امت های تکذیب کننده بیان کرديم، آنها را برای اينها نیز بیان می کنيم؛ به این امید که از شرک که در آن هستند به توحید و

عبادت الله به یگانگی بازگردند؛ چنان که در عهدی که در برابر الله به آن تعهد نمودند آمده است.

﴿وَأْتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ [الأعراف: ۱۷۵].

﴿۱۷۵﴾ و -ای رسول- بر بنی اسرائیل خبر مردی از آنها را بخوان که آیاتمان را به او عطا کردیم پس آنها را دانست و حقی را که بر آن دلالت می کرد درک کرد، اما به آن عمل نکرد، بلکه آن را رها کرد و از آن درآمد، آن گاه شیطان به او پیوست، و همنشینش شد، پس بعد از اینکه از هدایت یافتگان نجات یابنده بود از گمراهان نابود شده قرار گرفت.

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۶].

﴿۱۷۶﴾ و اگر نفع او با این آیات را می خواستیم به طور قطع او را با آنها بالا می بردیم به این نحو که او را به عمل به آنها توفیق می دادیم و در دنیا و آخرت بالا می رفت، اما آنچه را که به درماندگی اش منجر می شد انتخاب کرد آن گاه که با ترجیح دنیای خویش بر آخرتش به سوی شهوات دنیا گرایید، و باطلی را که نفسش به آن گرایش داشت پیروی کرد، پس مثال او در حرص زیاد بر دنیا مانند سگ است که همیشه و در هر حالی زبانش را در می آورد، چه به بند کشیده شده باشد و چه رها شود، این مثل مذکور مثل قومی است که به سبب تکذیب آیات ما گمراه شدند، پس -ای رسول- این قصه را بر آنها حکایت کن؛ امید است که بیندیشند آن گاه از تکذیب و گمراهی ای که در آن هستند دست بکشند.

﴿سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۷].

﴿۱۷۷﴾ بدتر از قومی که دلایل و براهین ما را تکذیب کردند و هرگز آن را تصدیق نکردند وجود ندارد، و آنها با این کار با فراهم آوردن لوازم نابودی به خویشتن ستم می کنند.

﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۸].

❶ کسی که الله او را به هدایت بر راه راست خویش توفیق داد، هدایت یافته واقعی، اوست، و هرکس که الله او را از راه راست دور کند، در واقع آنها کسانی هستند که از بهره خویش می‌کاهند، همان کسانی که در روز قیامت به خودشان و پیروان‌شان زیان می‌رسانند، بدانید که این امر همان زیان آشکار است.

برخی فواید آیات:

- هدف از فرو فرستادن کتاب‌های آسمانی، عمل به مقتضای آنهاست نه فقط تلاوت و ترتیل آنها با زبان؛ زیرا این کار ترک آن کتاب‌ها به شمار می‌رود.
- الله هنگام آفرینش انسان، قدرت درک دلایل وحدانیت را در او آفریده است، پس اگر فطرت سالم باشد، و چیزی که آن را فاسد می‌کند در آن وارد نشده باشد این دلایل را درک می‌کند، و به مقتضای آنها عمل می‌کند.
- در این آیات، پندی است برای کسانی که به عمل بر آیات قرآن توفیق یافته‌اند، تا از بخشش الله بر خودشان که آنها را بر عمل به آن توفیق داد آگاه شوند، و خودشان را تزکیه کنند.
- در این آیات، آموزشی است بر مسلمانان برای روی آوردن به سوی الله تعالی با طلب هدایت از او و مصون ماندن از لغزش‌گاه‌های گمراهی.

﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَلَّا لَتَنعَمَ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۹].

﴿۱۷۹﴾ و بسیاری از جن‌ها و انسان‌ها را برای جهنم آفریده‌ایم؛ زیرا می‌دانیم که آنها عمل جهنمیان را انجام خواهند داد، آنها دل‌هایی دارند که با آنها نه آنچه را به آنها نفع می‌رساند درک می‌کنند و نه آنچه به آنها ضرر می‌رساند، و چشم‌هایی دارند که با آنها آیات الله در جان‌ها و آفاق را نمی‌بینند تا از آنها پند و اندرز بگیرند، و گوش‌هایی دارند که آیات الله را با آن نمی‌شنوند تا در آنچه در آن است بیندیشند، آنها که این صفات را دارند در نداشتن عقل مانند چهارپایان هستند، بلکه از چهارپایان هم گمراه‌ترند، آنها همان غافلان از ایمان به الله و روز آخرت هستند.

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۰].

﴿۱۸۰﴾ و الله - سبحانه - اسم‌های نیکویی دارد که بر جلال و کمال او تعالی دلالت می‌کنند، پس در طلب آنچه می‌خواهید، با آنها به الله متوسل شوید، و او تعالی را با آنها بستانید، و کسانی را که در مورد این اسم‌ها از حق منحرف می‌شوند به این نحو که آنها را برای غیر الله قرار می‌دهند، یا آنها را از او تعالی نفی می‌کنند، یا معنای این اسم‌ها را تحریف می‌کنند یا با این اسامی غیر الله را با او تعالی همانند می‌کنند رها کنید، به زودی آنها را که به جای حق به این کارها روی می‌آورند، به سبب کارهایی که انجام می‌دادند با عذابی رنج‌آور مجازات خواهیم کرد.

﴿وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۱].

﴿۱۸۱﴾ و از میان کسانی که آفریدیم گروهی هستند که خودشان به حق هدایت می‌شوند، و دیگران را نیز به حق دعوت می‌کنند و آنها نیز هدایت می‌شوند، و با عدالت به حق حکم می‌کنند و ستم روا نمی‌دارند.

﴿وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۲].

﴿۱۸۲﴾ و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و به آنها ایمان نیاوردند، بلکه آنها را انکار کردند، به زودی درهای روزی را نه از باب گرامی داشتن‌شان، بلکه برای نزدیک

کردن تدریجی آنها به سوی عذاب بر روی شان می‌گشاییم تا در گمراهی خویش بمانند، سپس عذاب ما به صورت ناگهانی آنها را فرا می‌گیرد و غافلگیر می‌کند.

﴿وَأْمُرِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ [الأعراف: ۱۸۳].

﴿۱۸۳﴾ و کیفر آنها را به تأخیر می‌اندازم تا گمان کنند مجازات نمی‌شوند، آن‌گاه به تکذیب و کفرشان ادامه دهند تا عذابشان دو چندان شود، همانا تدبیر من قوی است، چنان‌که احسان را برای شان آشکار می‌کنم، درحالی‌که اراده من یاری نکردن آنها است.

﴿أُولَٰئِكَ يَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ حِنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الأعراف: ۱۸۴].

﴿۱۸۴﴾ آیا این تکذیب کنندگان آیات الله و رسولش نیندیشیده‌اند، تا عقل‌های شان به کار بیفتد و برای شان روشن شود که محمد ﷺ مجنون نیست، بلکه فقط فرستاده ای از جانب الله است که او را برای ترساندنی آشکار از عذاب الله برانگیخته است.

﴿أُولَٰئِكَ يَنْظُرُونَ فِي مَلَكَوَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ افْتَرَبَ أَجْلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۵].

﴿۱۸۵﴾ آیا آنها برای اندرزگیری به فرمانروایی الله در آسمان‌ها و زمین، و حیوانات و گیاهان و سایر مخلوقات که الله در آسمان‌ها و زمین آفریده است ننگریسته‌اند، و آیا در مدت عمرهای شان توجه نکرده‌اند که شاید پایانش نزدیک باشد آن‌گاه قبل از آن‌که فرصت از دست برود توبه کنند. اگر به قرآن و وعد و وعیدهایی که در آن است ایمان نمی‌آورند، پس به کدام کتاب دیگری ایمان می‌آورند؟!

﴿مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۶].

﴿۱۸۶﴾ هرکس که الله او را در هدایت به حق یاری نکند، و او را از راه راست گمراه سازد، هیچ هدایتگری برایش نیست که او را به حق هدایت کند، و الله آنها را چنان سرگشته در گمراهی و کفرشان رها می‌کند که به هیچ چیزی هدایت نمی‌شوند.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأعراف: ۱۸۷].

این تکذیب کنندگان لجوج، از تو در مورد قیامت می پرسند: چه موقع رخ می دهد و علم به آن کامل می شود؟ - ای محمد - بگو: علم آن نه نزد من است و نه نزد دیگری، بلکه علم آن فقط نزد الله است، و جز الله هیچ کس آن را برای وقتی که برایش معین شده است آشکار نمی گرداند، امر ظهور قیامت بر ساکنان آسمانها و زمین پوشیده است، و فقط به صورت ناگهانی نزدشان می آید، از تو در مورد قیامت می پرسند گویی تو بر علم به آن حریص هستی، و نمی دانند که تو به سبب کمال علمی که به پروردگارت داری در این مورد از او تعالی نمی پرسی، - ای محمد - به آنها بگو: همانا علم قیامت فقط نزد الله است، اما بیشتر مردم از این امر آگاه نیستند.

برخی فواید آیات:

- الله ابزار ادراک و علم قلبها، چشمها و گوشها - را برای کسب منافع و دفع ضررها آفرید.
- دعا با اسمهای نیکوی الله یکی از اسباب اجابت دعاست، پس در هر خواسته ای نامی را که مناسب آن خواسته است می طلبد، مانند: «اللهم تب عَلَيَّ يا تواب»؛ بارالها ای بسیار توبه پذیر، توبه ام را بپذیر.
- تفکر در بزرگی آسمانها و زمین، و منجر شدن این تفکر به اینکه فقط الله تعالی مستحق الوهیت است نه دیگران، زیرا او، تنها آفریننده است.

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾
[الأعراف: ۱۸۸].

① - ای محمد - بگو: جز آنچه الله بخواهد نمی توانم هیچ خیری برای خودم جلب کنم، و هیچ شری را از خودم دفع کنم، و این کار فقط به الله باز می گردد، و جز آنچه که الله به من آموخته است چیزی نمی دانم، پس غیب نمی دانم، و اگر غیب می دانستم، اسبابی را فراهم می آوردم که می دانم برای من جلب مصالح می کند، و مفسد را از من دور می سازد؛ زیرا به اشیا قبل از اینکه ایجاد شوند و به سرانجام آنها آگاهی داشتم. من جز فرستاده ای از جانب الله نیستم، از عذاب دردآور او می ترسم، و مردمی را که ایمان دارند که من رسولی از جانب او تعالی هستم و آنچه را آورده ام تصدیق می کنند به پاداش گرامی او تعالی بشارت می دهم.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [الأعراف: ۱۸۹].

② - ای مردان و زنان - او ذاتی است که شما را از یک شخص یعنی آدم عَلَيْهِ السَّلَام آفرید، و از آدم عَلَيْهِ السَّلَام همسرش حوا را آفرید، حوا را از دنده آدم عَلَيْهِ السَّلَام آفرید تا به آن انس گیرد، و با آن آرام یابد، پس وقتی شوهری با همسرش آمیزش کند به حملی سبک که آن را احساس نمی کند بارداری می شود، چون در آغاز کارش است، و با این حملش به انجام نیازهایش ادامه می دهد و احساس سنگینی نمی کند، اما هنگامی که حمل در شکم مادر، بزرگ شد و مادر به آن سنگین بار گشت، زن و شوهر این گونه نزد پروردگارشان دعا می کنند: - پروردگارا - اگر فرزندی صالح و با خلقت کامل به ما عطا کنی به طور قطع از شکرگزاران نعمت تو خواهیم بود.

﴿فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَ لَهُ شُرَكَاءَ فِيهَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾
[الأعراف: ۱۹۰].

③ اما وقتی الله دعای آن دو را اجابت کرد، و همان گونه که دعا کرده بودند فرزندی صالح به آنها عطا فرمود در آنچه که الله برای شان بخشیده بود شریکانی برای الله قرار دادند و فرزندشان را بنده غیر او تعالی کردند، و او را عبدالحارث نامیدند، اما الله از هر شریکی برتر و منزه است، زیرا او در ربوبیت و الوهیت یگانه است.

﴿أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلِقُونَ﴾ [الأعراف: ۱۹۱].

﴿۱۹۱﴾ آیا این بت‌ها و غیر آنها را شریکانی برای الله در عبادت قرار می‌دهند، درحالی‌که می‌دانند آنها چیزی را نمی‌آفرینند تا سزاوار عبادت باشند، بلکه خودشان مخلوق هستند، پس چگونه آنها را شریکانی برای الله قرار می‌دهند؟!

﴿وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۹۲].

﴿۱۹۲﴾ و این معبودها نمی‌توانند عبادتگزاران‌شان را یاری کنند، و قادر بر یاری خودشان نیز نیستند، پس چگونه آنها را عبادت می‌کنند؟!

﴿وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُكُمْ سَوَاءَ عَلَيَكُمْ أَدْعَاؤُهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَامِتُونَ﴾ [الأعراف: ۱۹۳].

﴿۱۹۳﴾ و -ای مشرکان- اگر این بت‌ها را که معبودهایی به جای الله گرفته‌اید در دعا به سوی هدایت فراخوانید در آنچه که آنها را در دعا به سوی آن می‌خوانید به شما پاسخ نمی‌دهند و از شما پیروی نمی‌کنند، پس چه آنها را در دعای‌تان فراخوانید و چه سکوت کنید نزد آنها یکسان است؛ زیرا آنها جمادات خالصی هستند، که نه می‌اندیشند، نه می‌شنوند، و نه سخن می‌گویند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۴].

﴿۱۹۴﴾ -ای مشرکان- همانا کسانی که شما آنها را به جای الله عبادت می‌کنید مخلوق‌ها و مملوک‌های الله هستند، پس آنها در این امر مانند شما هستند، به‌علاوه حال شما از آنها بهتر است؛ زیرا شما زندگانی هستید که سخن می‌گویید و راه می‌روید و می‌شنوید و می‌بینید، اما بت‌های شما این‌گونه نیستند، پس آنها را در دعا بخوانید و آنها باید پاسخ شما را بازگردانند اگر در آنچه که برای آنها ادعا می‌کنید راست می‌گویید.

﴿أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظَرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۹۵].

﴿۱۹۵﴾ آیا این بت‌ها که آنها را به عنوان معبودهایی گرفته‌اید: پاهایی دارند که با آن راه روند تا در برآورده ساختن حوائج شما بکوشند؟ آیا دستانی دارند تا با آنها با قدرت از شما دفاع کنند؟ آیا چشمانی دارند که با آنها آنچه را از شما پنهان است ببینند و

شما را با خبر سازند؟ آیا گوشه‌هایی دارند که با آنها آنچه را بر شما پوشیده است بشنوند و شما را از آن آگاه سازند؟ اگر فاقد تمام این اعضا هستند پس چگونه آنها را به امید جلب منفعت یا دفع ضرر عبادت می‌کنید؟! -ای رسول- به این مشرکان بگو: کسانی را که با الله برابر می‌دانید در دعا فراخوانید، آن‌گاه برای رساندن آسیب بر من بکوشید، و به من مهلت ندهید.

برخی فواید آیات:

- در این آیات، جهل کسی که به‌سوی پیامبر ﷺ روی می‌آورد و او را برای کسب منفعت یا دفع ضرر در دعا می‌خواند بیان شده است؛ زیرا منفعت فقط از جهت بشارت یا اندازی که با آن فرستاده شده است کسب می‌شود.
- الله به احسان و بخشش خویش، جفت مرد را از نوع خودش قرار داد؛ تا با آن انس و آرام گیرد و از آن رویگردان نشود؛ تا حکمت الهی در زاد و ولد محقق گردد.
- برای برترین و کامل‌ترین و شریف‌ترین مخلوق یعنی انسان سزاوار نیست که به عبادت پست‌ترین و حقیرترین معبودهای دروغین مانند سنگ و چوب و غیر آن مشغول شود.
- تکلیف عاقل، عبادت الله تعالی است؛ زیرا او تعالی ذاتی است که منافع دین را با فرو فرستادن کتابی که مشتمل بر علوم گران‌بهای دینی است برایش محقق می‌سازد، و منافع دنیا را با حمایت از بندگان صالحش و محافظت و یاری کردن آنها به‌گونه‌ای که دشمنی کسی که با آنها دشمنی کند آسیبی به آنها نمی‌رساند محقق می‌سازد.

﴿إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۶].

﴿۱۹۶﴾ همانا یار و یاور من الله است که مرا محافظت می کند، پس به غیر او تعالی امید ندارم، و ذره‌ای از بت‌های شما نمی‌ترسم، زیرا الله ذاتی است که قرآن را مایهٔ هدایت مردم بر من نازل کرد، و کار بندگان صالح خویش را بر عهده گرفته است، پس آنها را محافظت می کند و یاری می‌رساند.

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۹۷].

﴿۱۹۷﴾ و -ای مشرکان- این بت‌ها که آنها را در دعا می‌خوانید قادر بر یاری شما نیستند، و خودشان را نیز نمی‌توانند یاری کنند، زیرا آنها ناتوان هستند، پس چگونه آنها را به جای الله در دعا می‌خوانید؟!

﴿وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾ [الأعراف: ۱۹۸].

﴿۱۹۸﴾ و -ای مشرکان- اگر بت‌های تان را که آنها را به جای الله عبادت می‌کنید، در دعا به سوی استقامت فراخوانید دعای شما را نمی‌شنوند، و آنها را می‌بینی که با چشمانی نقاشی شده به تو می‌نگرند، درحالی که جماداتی هستند که نمی‌بینند، در حقیقت تمثال‌هایی به شکل بنی‌آدم یا حیوانات می‌ساختند، و دست‌ها و پاها و چشم‌هایی داشتند، اما بی‌جان و بدون روح و بدون حرکت بودند.

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۹].

﴿۱۹۹﴾ - ای رسول - از مردم اعمال و اخلاقی را که نفس‌شان به آنها اجازه می‌دهد، و بر آنها آسان است بپذیر، و آنها را به آنچه که طبیعت‌شان اجازه نمی‌دهد مکلف نکن؛ زیرا این کار آنها را رویگردان می‌کند، و به هر سخن زیبا و کار نیکویی امر کن، و از جاهلان روی گردان، و در برابر جهل آنها مقابله به مثل نکن، پس هرکس تو را اذیت کرد او را اذیت نکن، و هرکس تو را محروم ساخت او را محروم نکن.

﴿وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأعراف: ۲۰۰].

﴿۲۰۰﴾ و -ای رسول- هرگاه احساس کردی شیطان وسوسه‌ای به تو رساند یا تو را از انجام کار خیر بازداشت به سوی الله پناه ببر، و به او مُتَمَسِّک شو؛ زیرا او تمام

سخنان تو را می‌شنود، از پناه آوردن تو آگاه است، پس تو را در برابر شیطان حمایت خواهد کرد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَآئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۱].

﴿۲۰۱﴾ همانا کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه کردند، هرگاه وسوسه‌ای از جانب شیطان به آنها برسد و مرتکب گناه شوند؛ بزرگی الله و کيفر او برای نافرمانان و ثوابش برای فرمان‌برداران را به یاد می‌آورند، آن‌گاه از گناه‌شان توبه می‌کنند، و به‌سوی پروردگارشان باز می‌گردند، به‌ناگاه بر حق استقامت می‌ورزند، و از گناهانی که مرتکب می‌شدند به هوش می‌آیند، و دست می‌کشند.

﴿وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۲].

﴿۲۰۲﴾ و برادران شیاطین، چه بدکاران و چه کافران؛ همواره شیاطین با گناهان بیایی بر گمراهی آنها می‌افزایند، و نه شیاطین از فریب دادن و گمراه ساختن باز می‌ایستند، و نه انسان‌های بدکار از فرمان‌برداری و انجام شر.

﴿وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَآيَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَآئِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۳].

﴿۲۰۳﴾ و -ای رسول- اگر آیه‌ای بیاوری تو را تکذیب می‌کنند و از آن روی می‌گردانند، و اگر آیه‌ای برای‌شان بیاوری می‌گویند: چرا آیه‌ای از جانب خودت اختراع نمی‌کنی و نمی‌سازی، -ای رسول- به آنها بگو: من نمی‌توانم آیه‌ای از نزد خودم بیاورم، و جز از آنچه که الله به من وحی می‌کند پیروی نمی‌کنم، این قرآن که آن را برای‌تان می‌خوانم حجت‌ها و دلایلی است از جانب الله پروردگار و تدبیر کننده امورتان، و مایه راهنمایی و رحمتی برای بندگان مؤمن او تعالی است، و اما بندگان غیر مؤمن گمراهان و بدبختان هستند.

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۴].

﴿۲۰۴﴾ و هنگامی که قرآن خوانده شود به قرائت آن گوش فرا دهید، و سخن نگوئید، و به غیر آن مشغول نشوید؛ امید است که الله بر شما رحم کند.

﴿وَأَذْكُر رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ﴾ [الأعراف: ۲۰۵].

﴿۲۰۵﴾ و - ای رسول -، الله، پروردگارت را با خشوع و فروتنی و ترسان یاد کن، و میان صدای بلند و آهسته در آغاز و پایان روز به دلیل فضیلت این دو وقت دعا کن، و از غافلان از یاد الله تعالی نباش.

﴿إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ﴾ [الأعراف: ۲۰۶].

﴿۲۰۶﴾ - ای رسول - همانا فرشتگان نزد پروردگارت از عبادت او سبحانه تکبر نمی ورزند، بلکه بدون اینکه سستی ورزند با فروتنی به عبادت او تعالی گردن می‌نهند، و آنها شب و روز الله را از آنچه که شایسته او نیست منزّه می‌دانند، و فقط برای او سبحانه سجده می‌گزارند.

برخی فواید آیات:

- در این آیات بشارتی است برای مسلمانان درستکاری که بر راه پیامبرشان ﷺ قرار دارند به اینکه الله همان‌گونه که پیامبران و دوستانش را یاری کرد به آنها نیز یاری می‌رساند.
- در این آیات خصلت‌های اخلاقی یک‌جا آمده است، یعنی بنده باید کسی را که بر او ستم کرده است ببخشد، به کسی که او را محروم کرده عطا کند، و با کسی که از او بریده ارتباط برقرار کند.
- بنده باید هرگاه شری از شیطان به او برسد - اگر کار حرامی انجام دهد، یا واجبی را ترک کند - از الله تعالی طلب آمرزش کند، و با توبه نصوح و نیکی‌های محو‌کننده، آنچه را که از دستش رفته جبران کند.

سوره الأنفال

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

بیان احکام جهاد و عوامل پیروزی و شکست از خلال غزوه بدر.

تفسیر:

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۱].

○ - ای رسول - اصحابت در مورد غنیمت‌ها از تو می‌پرسند، که چگونه تقسیم می‌شود؟ و میان چه کسانی تقسیم می‌شود؟ - ای رسول - در پاسخ به سؤال آنها بگو: غنیمت‌ها به الله و رسولش اختصاص دارد، و حکم آن در تصرف و توزیع، از آن الله و رسولش است، پس شما وظیفه‌ای جز فرمان‌برداری و تسلیم شدن ندارید، پس - ای مؤمنان - با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، تقوای او تعالی را پیشه کنید، و دشمنی‌ها و جدایی‌های میان یکدیگر را با محبت و پیوستگی و خوش اخلاقی و گذشت اصلاح کنید، و به فرمان‌برداری از الله و فرمان‌برداری از رسولش پایبند باشید اگر واقعا مؤمن هستید؛ زیرا ایمان، شخص را بر طاعت و دوری از معصیت برمی‌انگیزاند. این سؤال پس از رخداد بدر واقع شد.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الأنفال: ۲].

○ همانا مؤمنان واقعی کسانی هستند که وقتی الله یاد شود دل‌های‌شان بترسد؛ آن‌گاه دل‌ها و بدن‌های‌شان به انجام طاعت جهت‌دهی می‌شود، و هرگاه آیات الله بر آنها خوانده شود در آن می‌اندیشند، آن‌گاه ایمانی بر ایمان‌شان افزوده می‌شود، و برای جلب مصالح و دفع مفاسدشان فقط به پروردگارشان اعتماد می‌کنند.

﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [الأنفال: ۳].

همان کسانی که بر ادای نماز با صفت کامل آن در اوقاتش مداومت می‌کنند، و از آنچه که به آنها روزی داده‌ایم نفقات واجب و مستحب را پرداخت می‌کنند.

﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۴].

آنها که این صفات را دارند، همان مؤمنان واقعی هستند؛ زیرا ویژگی‌های ایمان و اسلام آشکار را با هم دارند، و پاداش آنها منازلی عالی نزد پروردگارشان، و آمرزشی برای گناهان‌شان و روزی‌ای گرامی، و نعمت‌هایی است که الله برای‌شان آماده ساخته است.

﴿كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنَ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَاٰرِهُونَ﴾ [الأنفال: ۵].

همان‌گونه که الله پس از آن که در تقسیم غنائم با یکدیگر اختلاف و تنازع کردید تقسیم غنائم را از شما گرفت، و آن را به الله و رسولش اختصاص داد، - ای رسول - پروردگارت با وحیی که بر تو نازل کرده است به خروج از مدینه برای رویارویی با مشرکان به تو فرمان داد، درحالی که گروهی از مؤمنان از این کار خوش‌شان نمی‌آمد.

﴿يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ﴾ [الأنفال: ۶].

ای رسول - این گروه از مؤمنان در مورد قتال با مشرکان پس از اینکه به روشنی دانستند واقع می‌شود با تو مجادله می‌کنند، گویی به‌سوی مرگ کشانده می‌شوند و واقعا دارند آن را می‌بینند. این امر به‌سبب آن است که برای خروج به هدف قتال، به شدت ناخشنود هستند؛ زیرا آنها برای قتال آماده نشده‌اند، و خودشان را تجهیز نکرده‌اند.

﴿وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشُّوْكَةِ تَكُونُ

لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾ [الأنفال: ۷].

ای مؤمنان مجادله‌کننده - به یاد آورید آن‌گاه که الله به شما وعده داد که به یکی از دو گروه مشرکان دست خواهید یافت، یعنی کاروان تجاری و اموالی که حمل می‌کند تا آنها را به عنوان غنیمت بگیرید، یا گروه جنگی که با آنها بجنگید و بر آنها پیروز شوید، و شما دوست داشتید که کاروان تجاری به‌سبب سهولت و آسانی تسلط به آن بدون قتال، از شما باشد، اما الله می‌خواست که با فرمان دادن

به شما به قتال، حق را محقق گردانند؛ تا بزرگان مشرکان را بکشید، و بسیاری از آنها را به اسارت بگیرید تا قدرت اسلام آشکار شود.

﴿لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾ [الأنفال: ۸].

تا الله حق را با پیروزی اسلام و پیروانش محقق گرداند، و این امر با شواهدی بر صدق آن محقق می‌گردد، و به این هدف که او سبحانه باطل را با دلایلی که بطلانش را آشکار می‌سازد باطل گرداند، هر چند مشرکان این امر را نپسندند، اما الله آن را آشکار می‌سازد.

برخی فواید آیات:

- بنده باید بر ایمان خود مواظبت کند و آن را رشد دهد؛ زیرا ایمان کم و زیاد می‌شود، یعنی با انجام طاعت زیاد و با ضد آن کم می‌شود.
- محل و فایده جدل هنگام مشتبه شدن حق و التباس امر است، اما وقتی حق آشکار و واضح شد، راهی جز فرمان برداری و تسلیم شدن وجود ندارد.
- امر تقسیم غنیمت‌ها به رسول و اگذار شده است، و مرجع احکام به سوی الله تعالی و رسولش است نه غیر آن دو.
- اراده تحقق پیروزی الهی برای مؤمنان؛ برای احقاق حق و ابطال باطل.

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِئَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ﴾ [الأنفال: ۹].

① و روز بدر را به یاد آوردید آن گاه که برای پیروزی بر دشمنان از الله یاری می طلبیدید، پس الله درخواست شما را اجابت کرد به این ترتیب که (فرمود): - ای مؤمنان - من با هزار فرشته پیاپی که از پی یکدیگر می آیند یاور و مددکار شما هستم.

﴿وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۱۰].

② و - ای مؤمنان - الله یاری دادن با فرشتگان را قرار نداده است جز بشارتی برای شما به اینکه او تعالی یاور شما در برابر دشمنان است، و برای اینکه دل‌هایتان با یقین بر پیروزی آرام یابد. و پیروزی به افراد زیاد و تجهیزات فراوان نیست، بلکه پیروزی فقط از جانب الله سبحانه است. همانا الله در فرمانروایی خویش شکست ناپذیر است، هیچ کس بر او چیره نمی شود، و در شرع و تقدیرش بسیار داناست.

﴿إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُنَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾ [الأنفال: ۱۱].

③ - ای مؤمنان - به یاد آورید آن گاه که الله خواب سبکی بر شما افکند تا ترسی را که از دشمن بر شما حاصل شده بود به آرامش تبدیل کند، و بارانی از آسمان بر شما بارید؛ تا شما را از حدت‌ها پاک گرداند، و وسوسه‌های شیطان را از شما برطرف کند، و با آن، دل‌هایتان را استوار سازد تا بدن‌هایتان هنگام رویارویی استوار گردند، و با آن، گام‌ها را با سفت شدن زمین ماسه‌ای استوار سازد تا گام‌ها در آن فرو نرود.

﴿إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرِّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ [الأنفال: ۱۲].

④ - ای پیامبر - آن گاه که پروردگارت به فرشتگانی که الله با آنها مؤمنان را در بدر یاری رساند وحی می کرد: - ای فرشتگان - همانا من با نصر و تأیید با شما هستم،

پس اراده‌های مؤمنان را بر قتل با دشمن‌شان تقویت کنید، در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند ترس شدید فراهم افکند؛ پس -ای مؤمنان- گردن‌های کافران را بزیند تا بمیرند، و مفاصل و اعضای‌شان را بزیند تا از پیکار با شما بازایستند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾
[الأنفال: ۱۳].

﴿۱۳﴾ سبب این قتل و زدن اعضای کافران که بر آنها واقع شد آن است که آنها با الله و رسولش مخالفت کردند و از آنچه به آن فرمان یافته بودند فرمان‌برداری نکردند، و از آنچه نهی شده بودند دست نکشیدند، و هرکس در این مورد با الله و رسولش مخالفت کند همانا الله او را در دنیا با قتل و اسارت و در آخرت با آتش، سخت کیفر می‌کند.

﴿ذَلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ﴾ [الأنفال: ۱۴].

﴿۱۴﴾ - ای مخالفان الله و رسولش - عذاب مذکور برای شماست پس آن را که در دنیا برای‌تان به تعجیل افتاده است بچشید، و اگر بر کفر و دشمنی‌تان بمیرید در آخرت عذاب آتش برای‌تان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ﴾ [الأنفال: ۱۵].

﴿۱۵﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، هرگاه مشرکان در قتل به شما روی آوردند و نزدیک شدند از آنها نگریزید، و برای فرار به آنها پشت نکنید، بلکه در برابر آنها پایداری ورزید، و در رویارویی با آنها شکیبایی کنید، زیرا الله با نصر و تأیید خویش با شماست، [و شما را یاری و تقویت می‌کند].

﴿وَمَنْ يُولِهِمْ يُؤَمِّدِ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَفَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [الأنفال: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و هرکس برای فرار از آنها به آنها پشت کند به خشمی از الله بازگشته است، و استحقاق این عذاب را دارد، و جایگاه او در آخرت، جهنم است، و چه سرانجام و بازگشته‌گاه بدی دارد؛ مگر اینکه به هدف بازگشتن به قتل با آنها باشد؛ یعنی برای فریب دادن‌شان تظاهر کند که فرار می‌کند، اما در واقع می‌خواهد دوباره به آنها هجوم آورد، یا مگر اینکه برای پیوستن به گروهی از مسلمانان که آنجا حضور دارند، باشد تا از آنها کمک بگیرد.

برخی فواید آیات:

- از این آیات، توجه زیاد الله به حال بندگان مؤمنش، و فراهم سازی اسبابی که با آن ایمان‌شان ثابت می‌شود، و گام‌های‌شان استوار می‌گردد، و شر و وسوسه های شیطانی از آنها برطرف می‌گردد، به دست می‌آید.
- همانا پیروزی به دست الله و از جانب او سبحانه است، و نه به فراوانی افراد و تجهیزات؛ هر چند این آماده سازی اهمیت دارد.
- فرار از دشمن بدون عذر، از بزرگترین گناهان کبیره است.
- در این آیات قواعد قتال جنگی مانند فرمان برداری از الله و رسول ﷺ، و پایداری در برابر دشمنان، و شکیبایی هنگام رویارویی با دشمنان، و یاد و ذکر زیاد الله به مؤمنان آموزش داده می‌شود.

﴿فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتُمْ إِذْ رَمَيْتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: ۱۷].

①۷ - ای مؤمنان - در روز بدر شما با قدرت و نیروی خودتان مشرکان را نکشتید، بلکه الله شما را در این کار یاری کرد، و - ای پیامبر - آن گاه که به سوی مشرکان [مشتی خاک] افکندی تو نیفکندی، بلکه الله همان ذاتی است که به سوی آنها افکند آن گاه که [مشتی خاکی را] که تو افکندی را به آنها رساند، و تا اینکه مؤمنان با پیروزی بر دشمنان که الله بر آنها بخشید درحالی که افراد و تجهیزات کمی داشتند آزمایش شوند تا شکر او تعالی را به جای آورند. همانا الله دعا و سخنان شما را می شنود، و از اعمال تان و مصالح شما آگاه است.

﴿ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ الْكَافِرِينَ﴾ [الأنفال: ۱۸].

①۸ این قتل مشرکان و افکندن به سوی آنها تا اینکه شکست خوردند و فرار کردند، و نعمت پیروزی بر دشمنان به مؤمنان، از جانب الله است، و الله نیرنگ کافران را آن گاه که علیه اسلام نیرنگ می زنند ناتوان می سازد.

﴿إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِنْ تَعُدُّوا نَعْدًا وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۱۹].

①۹ - ای مشرکان - اگر می خواهید که الله عذاب و خشمش را بر ستمکاران تجاوزکار واقع سازد الله آنچه را که خواستید بر شما واقع کرده است، یعنی آنچه را که عذابی برای شما و عبرتی برای پرهیزکاران است بر شما فرو فرستاده است، و اگر از درخواست آن دست بردارید برای تان بهتر است، پس چه بسا به شما مهلت دهد و انتقام خویش از شما را به تعجیل نیندازد، اما اگر دوباره آن را بخواهید و به قتال با مؤمنان باز گردید ما هم با افکندن عذاب بر شما و پیروزی مؤمنان باز می گردیم، و نه گروه شما و نه یاران تان شما را بی نیاز نمی سازند هر چند با وجود کم بودن مؤمنان، افراد و تجهیزات زیادی داشته باشید، و همانا الله با نصر و تأیید با مؤمنان است، و هرکس که الله با او باشد هیچ کس بر او چیره نمی گردد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتَّبَعْتُمْ تَلْفِيزًا﴾ [الأنفال: ۲۰].

②۰ ای کسانی که به الله ایمان آورده اید و از رسولش پیروی کرده اید با اجرای فرمان

و اجتناب از نهی الله از او تعالی و رسولش فرمان برداری کنید، و با مخالفت امر و انجام نهی الله از او تعالی روی نگردانید، درحالی که آیات الله را که بر شما خوانده می شود می شنوید.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ [الأنفال: ۲۱].

۲۱ و -ای مؤمنان- مانند منافقان و مشرکان نباشید که وقتی آیات الله بر آنها خوانده شد گفتند: آنچه را از قرآن بر ما تلاوت می شود با گوش هایمان شنیدیم، درحالی که آن گونه که بیندیشند و پند بگیرند تا از آنچه می شنوند بهره بگیرند گوش نمی کنند.

﴿* إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [الأنفال: ۲۲].

۲۲ همانا نزد الله بدترین مخلوقاتی که بر روی زمین می جنبند همان کرانی هستند که حق را به نیت قبول کردن نمی شنوند، گنگانی هستند که سخن نمی گویند، پس آنها کسانی هستند که اوامر و نواهی الله را درک نمی کنند.

﴿وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ [الأنفال: ۲۳].

۲۳ و اگر الله در این مشرکان تکذیب کننده خیری می یافت به طور قطع آنها را آن گونه که از شنیدن بهره مند شوند و هنگام شنیدن در دلایل و برهان ها بیندیشند شنوا می ساخت، اما او تعالی می دانست که خیری در آنها نیست، و اگر - بنابر فرض و تقدیر- او سبحانه آنها را شنوا می ساخت به طور قطع از روی دشمنی به ایمان پشت می کردند، درحالی که رویگردان بودند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الأنفال: ۲۴].

۲۴ ای کسانی که ایمان آورده اید و از رسولش پیروی کرده اید، هرگاه الله و رسولش شما را به حقی که زندگی شما در آن است فراخوانند با انجام آنچه به آن امر کرده اند و پرهیز از آنچه نهی کرده اند، اجابت کنید، و به یقین بدانید که الله بر هر چیزی تواناست؛ زیرا او قادر است که میان شما و گردن نهادن به حق حایل ایجاد کند، آن گاه که پس از رها نمودن و نپذیرفتن حق، دوباره آن را اراده کردید و به سوی آن

شتافتید. و به یقین بدانید که در روز قیامت فقط به سوی الله گرد آورده می‌شوید، آن‌گاه شما را با اعمالی که در دنیا انجام دادید جزا می‌دهد.

﴿وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الأنفال: ۲۵].

☺ و -ای مؤمنان- از عذابی که فقط به گناهکاران شما نمی‌رسد، بلکه گناهکار و غیر گناهکار را با هم دربرمی‌گیرد بترسید، و این امر زمانی است که ستم آشکار گردد اما تغییر داده نشود، و به یقین بدانید که الله در برابر کسی که از او نافرمانی کند سخت کیفر است؛ پس از نافرمانی او تعالی بترسید.

برخی فواید آیات:

- هرکس که الله با او باشد پیروز است هر چند ضعیف و دارای افراد کمی باشد، و این همراهی، بستگی به اعمال ایمانی دارد که مؤمنان انجام می‌دهند.
- از مؤمن خواسته شده است که اسباب مادی را به کار گیرد، و تکلیفی را که الله او را به آن مکلف کرده است انجام دهد، آن‌گاه بر الله توکل کند، و کارش را به او تعالی واگذارد، اما تحقق نتایج و اهداف به الله واگذار شده است.
- در این آیات دلایلی وجود دارد بر اینکه الله تعالی ایمان و خیر را از کسی منع نمی‌کند مگر از کسی که خیری در او نیست، و ایمان نزد چنین شخصی رشد نمی‌کند و ثمر نمی‌بخشد.
- بنده باید این دعا را زیاد تکرار کند: یا مُقَلَّبَ القلوب ثبت قلبی علی دینک، و یا مُصَرِّفَ القلوب اصرف قلبی إلی طاعتک؛ ای زیر و رو کننده دل‌ها، دلم را بر دینت استوار ساز، و ای گرداننده دل‌ها، دلم را به سوی طاعت خویش بگردان.
- الله به مؤمنان فرمان داده که در برابر منکری که در میان آنها انجام می‌شود سکوت نکنند که اگر چنین کردند عذاب همه آنها را دربرمی‌گیرد.

﴿وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَصَرِهِ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الأنفال: ۲۶].

۶۱ و -ای مؤمنان - به یاد آورید آن گاه که در مکه کم تعداد بودید، و ساکنان آن شما را ناتوان می‌شمردند و بر شما چیره می‌شدند. می‌ترسیدید که دشمنان تان شما را به سرعت بربایند، آن گاه الله شما را به پناهگاهی که به آن پناه می‌برید یعنی مدینه کشاند، و شما را با پیروزی بر دشمنان تان در میادین جنگ از جمله بدر نیرومند گردانید، و از خوراکی‌های پاکیزه‌ها مانند غنیمت‌هایی که از دشمنان تان گرفتید به شما روزی داد، باشد که نعمت‌های الله را شکرگزاری کنید، تا بر شما بیفزاید، و از نعمت‌های او تعالی ناسپاسی نکنید که اگر چنین کردید آن را از شما می‌گیرد، و شما را عذاب می‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الأنفال: ۲۷].

۶۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، با اجرا نکردن اوامر و پرهیز نکردن از نواهی، به الله و رسولش خیانت نکنید، و بر وام و سایر امانت‌هایی که نزد شما به امانت گذارده شده است خیانت نکنید، درحالی که می‌دانید کاری که انجام می‌دهید خیانت است؛ که در این صورت از خیانتکاران خواهید بود. چون محبت اموال و فرزندان، بنده را به خیانت می‌کشاند الله خبر داده که این دو فتنه هستند و می‌فرماید:

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [الأنفال: ۲۸].

۶۳ و -ای مؤمنان - بدانید که اموال تان و فرزندان تان فقط آزمایش و امتحانی از جانب الله برای شما هستند، که شما را از عمل برای آخرت باز می‌دارند، و به خیانت می‌کشاند، و بدانید که پاداش بزرگ نزد الله است، پس این پاداش را به سبب رعایت حال اموال و فرزندان تان و خیانت به خاطر آنها، از دست ندهید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَفَوُّوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الأنفال: ۲۹].

۶۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، بدانید که اگر با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه کنید، نیروی تشخیص

تفاوت میان حق و باطل را برای شما قرار می‌دهد، و این دو بر شما مشتبه نمی‌شود، و گناہانی را که کسب کرده‌اید از شما می‌زداید، و گناہان تان را برای تان می‌آمرزد، و الله دارای بخششی بزرگ است، و از جمله بخشش بزرگ او بهشتش است که آن را برای بندگان پرهیزکارش آماده ساخته است.

﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ [الأنفال: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و -ای رسول- به یاد آور آن‌گاه که مشرکان علیه تو به یکدیگر کمک کردند که برای زندانی کردن یا کشتن یا تبعید از سرزمین خودت به سرزمینی دیگر برایت نیرنگ زدند، و این کار را کردند و الله نیرنگ‌شان را به خودشان بازگرداند، و الله بهترین تدبیر کنندگان است.

﴿وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الأنفال: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و هنگامی که آیات ما برای‌شان خوانده شود از روی دشمنی و تکبر بر حق می‌گویند: قبلاً مانند این را شنیده‌ایم، و اگر بخواهیم مانند این قرآن بگوییم به‌طور قطع خواهیم گفت، این قرآن را که شنیدیم چیزی جز دروغ‌های پیشینیان نیست؛ پس به آن ایمان نمی‌آوریم.

﴿وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْبِتْنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [الأنفال: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و -ای رسول- به یاد آور آن‌گاه که مشرکان گفتند: بارالها اگر آنچه که محمد ﷺ آورده حق است پس سنگ‌هایی از آسمان بر ایمان فرو ریز تا ما را نابود کند، یا عذابی سخت بر ما فرود آور. این سخن را از روی زیاده‌روی در انکار و اعتراض گفتند.

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و -ای محمد- تا زمانی که تو در میان امت هستی، الله بر آن نیست که آنها را -چه کسانی از آنها که از امت استجابت هستند یا از امت دعوت- به عذابی که آنها را

ریشه‌کن کند عذاب گرداند، زیرا وجود تو در میان آنها، امانی از عذاب برای‌شان است، و تا زمانی‌که از گناهانِ خویش از الله طلب آمرزش می‌کنند، الله عذاب کننده آنها نیست.

برخی فواید آیات:

- شکر، نعمتی بزرگ است که بر بخشش الله تعالی می‌افزاید، و ناسپاسی، از نعمت های الله می‌کاهد.
- امانتداری اهمیت زیادی در استقامت احوال مسلمانان دارد، تا زمانی‌که بر آن پایداری کنند و به آن آراسته باشند، و نیز دلیل پاکی نفس و اعتدال اعمال نفس است.
- پاداشی که برای بازداشتن نفس از امور نهی شده نزد الله وجود دارد، بهتر از منافی است که از ارتکاب امور ممنوعه به خاطر اموال و فرزندان کسب می‌شود.
- در آیات فوق، کم‌عقلی رویگردانان بیان شده است؛ زیرا آنها نمی‌گفتند: بارالها اگر این امر حق از جانب توست ما را به آن هدایت کن.
- این آیات بر فضیلت و برکت استغفار و اینکه یکی از موانع وقوع عذاب است، دلالت دارند.

﴿وَمَا لَهُمْ آلًا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الأنفال: ۳۴].

③۲ و چه چیزی جلوی عذاب آنها را می‌گیرد درحالی‌که آنچه موجب عذاب‌شان می‌شود یعنی بازداشتن مردم از مسجدالحرام که پیرامون آن طواف کنند یا در آن نماز گزارند، مرتکب شده‌اند؟ و مشرکان دوستان الله نبودند، زیرا دوستان الله فقط پرهیزکاران هستند که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، از او تعالی می‌ترسند، اما بیشتر مشرکان درحالی‌که نمی‌دانستند که دوستان او تعالی نیستند، ادعا کردند که دوستان الله هستند.

﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۵].

③۳ و نماز مشرکان در مسجدالحرام جز سوت کشیدن و کف زدن نبود، پس -ای مشرکان- عذاب با قتل و اسارت در روز بدر را به سبب اینکه به الله کفر ورزیدید و رسولش را تکذیب کردید بچشید.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۶].

③۴ همانا کسانی‌که به الله کفر ورزیدند اموال‌شان را برای بازداشتن مردم از دین الله انفاق می‌کنند، پس اموال‌شان را انفاق خواهند کرد و آنچه را اراده کردند هرگز برای‌شان محقق نخواهد شد، سپس سرانجام انفاق اموال‌شان توسط آنها پشیمانی است؛ زیرا هم اموال‌شان از دست می‌رود و هم هدفی‌که از انفاق اموال دنبال می‌کنند، سپس با پیروزی مؤمنان بر آنها، مغلوب می‌شوند، و کسانی‌که به الله کفر ورزیدند در روز قیامت به سوی جهنم کشانده می‌شوند، آن‌گاه برای همیشه در جهنم داخل می‌شوند و جاویدان در آن می‌مانند.

﴿لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [الأنفال: ۳۷].

③۵ این کافران که اموال‌شان را برای بازداشتن از راه الله انفاق می‌کنند به سوی آتش جهنم کشانده می‌شوند تا الله گروه پلید کفار را از گروه پاک مؤمنان جدا کند،

و به این هدف که اشخاص و اعمال و اموال پلید را به صورت متراکم و انباشته روی هم قرار دهد، آن گاه آنها را در آتش جهنم قرار دهد، اینها همان زیانکاران هستند؛ زیرا در روز قیامت به خودشان و اهلشان زیان وارد کردند.

﴿قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُعْفَرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُهُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الأَنْفَال: ۳۸].

۳۸ - ای رسول - به کسانی از قومت که به الله و رسولش کفر ورزیدند بگو: اگر از کفرشان به الله و رسولش، و نیز از بازداشتن مؤمنان از راه الله، دست بکشند، الله گناهان گذشته آنها را می‌آمرزد؛ زیرا اسلام آوردن، گناهان گذشته را از بین می‌برد، و اگر به کفرشان بازگردند به‌راستی که سنت الله در مورد پیشینیان ذکر شد که وقتی تکذیب کردند و بر کفرشان ادامه دادند کیفرشان را به تعجیل انداخت.

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ انْتِهَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الأَنْفَال: ۳۹].

۳۹ و - ای مؤمنان - با دشمنان کافرتان بجهنگید تا شرک و بازداشتن مسلمانان از دین الله از بین برود، و دین و طاعت فقط برای الله و بدون هیچ شریکی برای او باشد، پس اگر کافران از شرک و بازداشتن از راه الله دست کشیدند آنها را رها کنید، زیرا الله بر اعمالشان آگاه است، و هیچ امر پنهانی بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا فاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الأَنْفَال: ۴۰].

۴۰ و اگر از پایان دادن به کفر و بازداشتن از راه الله که به آن فرمان یافته‌اند روی برگردانند، پس - ای مؤمنان - بدانید که الله یاور شما در برابر آنها است، او تعالی چه دوست نیکویی است برای کسی که او را دوست بدارد، و نیکو یآوری است برای کسی که به او یاری کند، زیرا هرکس که الله تعالی او را دوست بدارد رستگار شده است، و هرکس که الله تعالی او را حمایت کند به پیروزی دست یافته است.

برخی فواید آیات:

- بازداشتن از مسجدالحرام جرم بزرگی است که انجام دهنده آن سزاوار عذاب دنیا قبل از عذاب آخرت است.

- آبادانی و نگهداری مسجدالحرام شرفی است که فقط دوستان پرهیزکار الله شایستگی کسب آن را دارند.
- در این آیات کافران انذار شده‌اند از اینکه از انفاق اموالشان در راه باطل هیچ نفعی کسب نمی‌کنند، و به‌زودی گرفتار حسرت و پشیمانی بزرگی می‌شوند.
- دعوت کافران از سوی الله تعالی به توبه و ایمان، برخلاف استمرار دشمنی آنها، دعوتی است که بر روی آنها باز است.
- هرکس الله دوستدار و یاورش باشد بیمی بر او نیست، و هرکس الله دشمنش باشد هیچ عزتی ندارد.

﴿* وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُصَّهٗ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجُمُعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الأنفال: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و - ای مؤمنان - بدانید هر چیزی که در جهاد در راه الله به زور از کفار گرفتید به پنج قسمت تقسیم می‌شود، که چهار پنجم آن میان مجاهدان تقسیم می‌شود، و یک پنجم باقی‌مانده نیز به پنج قسمت تقسیم می‌گردد: یک قسمت آن برای الله و رسولش است که در راه مصارف عمومی مسلمانان هزینه می‌شود، یک قسمت برای نزدیکان پیامبر، چه بنی‌هاشم و چه بنی‌المطلب است، یک قسمت برای یتیمان، یک قسمت برای فقرا و مساکین، و یک قسمت برای مسافرانی است که راه‌ها بر آنها قطع شده است، اگر به الله، و به آنچه بر بنده‌مان محمد ﷺ در روز بدر نازل کردیم که الله میان حق و باطل جدایی انداخت آن‌گاه که شما را بر دشمنان‌تان پیروز گرداند ایمان دارید. و الله که شما را پیروز گرداند بر هر چیزی تواناست.

﴿إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و به یاد آورید آن‌گاه که شما در سمت نزدیک‌تر دره به طرف مدینه، و مشرکان در سمت دورتر دره به طرف مکه بودند، و کاروان تجاری در مکانی پایین‌تر از شما به سمت ساحل دریای سرخ بود، و اگر شما و مشرکان با یکدیگر وعده می‌گذاشتید که در بدر با یکدیگر روبرو شوید به‌طور قطع از وعده‌تان با یکدیگر سربلندی می‌کردید، اما او سبحانه شما و مشرکان را بدون اینکه میان‌تان وعده‌ای باشد در بدر گرد آورد؛ تا پیروزی مؤمنان و خواری مشرکان و سرافرازی دینش و خوارساختن شرک را که انجام شدنی بود کامل گرداند؛ تا با پیروزی مؤمنان بر مشرکان با وجود کمی افراد و تجهیزات اندکش، هرکس از مشرکان که بمیرد پس از اقامه حجت بر او بمیرد؛ و هرکس از آنها که زنده بماند با بی‌ینه و حجتی که الله برایش آشکار ساخته است زنده بماند. آن‌گاه برای هیچ‌یک از آنها حجتی در برابر الله نباشد که از کفار اعتراض کند، و الله سخنان همگی را می‌شنود، و از اعمال‌شان آگاه است، ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، و آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿إِذْ يُرِيكُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَاشَلْتُمْ وَوَلَتْنَا رَعَثُكُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الأنفال: ۴۳].

⑬ - ای رسول - از جمله نعمت‌های الله بر خودت و بر مؤمنان به یاد آور آن‌گاه که الله مشرکان را در خوابت کم تعداد به تو نشان داد، آن‌گاه مؤمنان را از این امر آگاه کردی تا بر این کار فال نیک زنند، و اراده‌های‌شان برای رویارویی و پیکار با دشمن‌شان تقویت شود، و اگر او سبحانه مشرکان را در خوابت، به تو زیاد نشان داده بود به‌طور قطع اراده‌های اصحابت سست می‌شد، و از پیکار می‌ترسیدند، اما او تعالی آنها را از این کار به سلامت داشت، و از شکست محافظت کرد، پس مشرکان را در چشم رسولش ﷺ اندک نشان داد، همانا او به آنچه قلب‌ها دربردارند و به آنچه جان‌ها پنهان می‌کنند آگاه است.

﴿وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّفَاقُتِمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ [الأنفال: ۴۴].

⑭ و - ای مؤمنان - به یاد آورید که الله مشرکان را آن‌گاه که با آنها روبه‌رو شدید به شما اندک نشان داد، پس بر اقدام بر پیکار با آنها جرأت پیدا کردید، و شما را در چشمان آنها اندک نشان داد تا بر پیکار با شما پیش آیند بدون اینکه به بازگشت فکر کنند، تا الله کاری را که انجام شدنی بود با انتقام از مشرکان با قتل و اسارت، و نعمت‌بخشیدن به مؤمنان با یاری و پیروزی بر دشمنان تحقق بخشد، و امور فقط به‌سوی الله بازگردانده می‌شود. آن‌گاه گناهکار را به خاطر گنااهش، و نیکوکار را به خاطر نیکوکاری‌اش جزا می‌دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الأنفال: ۴۵].

⑮ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی کرده‌اید، هرگاه با گروهی از کافران روبه‌رو شدید، در رویارویی با آنها پایداری ورزید و نترسید، الله را زیاد یاد کنید و در دعا بخوانید، زیرا او بر پیروزی شما در برابر آنها تواناست، امید است که آنچه را می‌طلبید به شما برسد، و آنچه که از آن می‌ترسید از شما دور شود.

برخی فواید آیات:

- غنیمت‌ها از آنِ الله است که هر جا و به هر نحوی که بخواهد آن را قرار می‌دهد، و به هیچ کس ربطی ندارد.
- از اسباب پیروزی؛ آماده کردن مؤمنان توسط الله به اموری است آنها را بر پیروزی یاری می‌کند، و صبر و پایداری و افزودن بر یاد الله.
- حکم الله نافذ و حکمت او تعالی فراگیر است، و این امر برای بندگان الله و تمام امت خیر است.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: ۴۶].

۶۱ و در سخنان و رفتار و تمام احوالات بر طاعت الله و طاعت رسولش پایبند باشید، و در رأی اختلاف نکنید؛ زیرا اختلاف سبب سستی و ترس شما، و از بین رفتن نیروی تان است، و هنگام رویارویی با دشمن شکیبایی کنید، همانا الله با پیروزی و تأیید و کمک، همراه شکیبایان است، و هرکس که الله همراه او باشد، بدون تردید چیره و پیروز است.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِثَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُخِيطٌ﴾ [الأنفال: ۴۷].

۶۲ و مانند مشرکان نباشید که از روی غرور و نمایش به مردم از مکه خارج شدند، و مردم را از دین الله باز می دارند، و آنها را از ورود به دین الله منع می کنند، و الله به آنچه انجام می دهند احاطه دارد، و ذره ای از اعمال شان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی آنها را در قبال اعمال شان مجازات خواهد کرد.

﴿وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الأنفال: ۴۸].

۶۳ و -ای مؤمنان- از نعمت های الله بر خودتان به یاد آورید که شیطان اعمال مشرکان را برای شان آراست، آن گاه آنها را برای رویارویی و پیکار با مسلمانان تشویق کرد و به آنها گفت: امروز هیچ کس بر شما پیروز نخواهد شد، و من یاورتان، و پناهگاه شما در برابر دشمن تان هستم، اما هنگامی که دو گروه با هم روبرو شدند: یعنی گروه مؤمنان که فرشتگان همراه شان بودند و آنها را یاری می کردند، و گروه مشرکان که شیطان همراه شان بود که دست از یاری آنها کشید؛ شیطان برای فرار پشت کرد، و به مشرکان گفت: همانا من از شما بیزارم، همانا فرشتگانی را می بینم که برای یاری مؤمنان آمده اند، می ترسم که الله مرا نابود کند، و الله سخت کیفر است، پس هیچ کس نمی تواند کیفر او را تحمل کند.

﴿إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هَوَاهُ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأَنْفَال: ۴۹].

۱۹ و به یاد آورید آن گاه که منافقان و افراد دارای ایمان ضعیف گفتند: این مسلمانان را دین‌شان فریفته است که آنها را به پیروزی بر دشمنان‌شان با وجود افراد اندک و تجهیزات ضعیف، و افراد زیاد و تجهیزات قوی دشمنان‌شان، وعده می‌دهد. و اینها درک نکردند که هرکس فقط بر الله اعتماد کند و به پیروزی‌ای که به او وعده داده است مطمئن باشد الله یاور اوست، و هر چند ضعیف باشد او را خوار نمی‌سازد، و الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او پیروز نمی‌شود، و در تقدیر و شرعش بسیار داناست.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَقَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةَ يَصْرُبُونَ وُجُوهُهُمْ وَأَذْبَارَهُمْ وَذُقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ [الأَنْفَال: ۵۰].

۲۰ و -ای رسول- اگر کسانی را که به الله و رسولش کفر ورزیدند ببینی، آن گاه که فرشتگان ارواح‌شان را قبض نموده و برمی‌کنند درحالی که وقتی روی می‌آورند بر صورت‌های‌شان می‌زنند، و وقتی در حال فرار پشت می‌کنند بر پشت آنها می‌زنند، و به آنها می‌گویند: -ای کافران- عذاب سوزاننده را بچشید. اگر این امر را ببینی، به طور قطع امری بزرگ دیده‌ای.

﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [الأَنْفَال: ۵۱].

۲۱ -ای کافران- سبب این عذاب دردآور هنگام قبض ارواحتان، و عذاب سوزاننده در قبرهای‌تان و در آخرت، گناهایی است که در دنیا کسب کرده‌اید، زیرا الله بر مردم ستم نمی‌کند، بلکه فقط به عدالت میان آنها داوری می‌کند زیرا او داوری عادل است.

﴿كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الأَنْفَال: ۵۲].

۲۲ و این عذاب نازل شده به این کافران مخصوص آنها نیست، بلکه سنت الله است که در هر زمان و مکانی بر کافران گذشته است، چنان‌که به خاندان فرعون و امت‌های قبل از آنها رسیده است، آن گاه که به آیات الله سبحانه کفر ورزیدند. پس الله

آنها را به سبب گناهان شان، به شیوه‌ای مقتدرانه و شکست‌ناپذیر گرفت، و عذابش را بر آنها فرو فرستاد. همانا الله ذات توانایی است که کسی بر او پیروز و چیره نمی‌شود، و نسبت به کسانی که از او نافرمانی کنند سخت کیفر است.

برخی فواید آیات:

- ناسپاسی، بیماری خطرناکی است که بافت شخصیت انسان را می‌پوساند، و متلاشی‌شدن هویت او را به تعجیل می‌اندازد.
- شکیبایی بر تحمل رنج‌ها و سختی‌ها کمک می‌کند، و منفعتی الهی دارد که عبارت است از یاری الله برای کسی که برای اجرای امر او تعالی شکیبایی کند. این امر در رفتارهای زندگی قابل مشاهده است.
- تنازع و اختلاف از اسباب پراکندگی امت است، و خطر شکست و عقب‌نشینی، و از بین رفتن نیرو و یاری و دولت را در پی دارد.
- ایمان موجب می‌شود که مؤمن بر انجام امور ترسناکی که لشکرهای بزرگ بر انجام آن پیش نمی‌روند اقدام کند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُعَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: ۵۳].

این کیفر سخت به سبب آن است که هرگاه الله نعمتی از جانب خودش به قومی ارزانی دارد آن نعمت را از آنها نمی‌گیرد مگر آن که نفس‌شان را از حال پاکش، یعنی از ایمان و استقامت و شکر نعمت‌ها به حال بدش، یعنی کفر به الله و نافرمانی او و کفران نعمت او تعالی تغییر دهند، و الله سخنان بندگان را می‌شنود، و از افعال‌شان آگاه است، چنان‌که هیچ چیز از امور آنها بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاذِبٍ ظَالِمٍ﴾ [الأنفال: ۵۴].

حال این کافران همانند حال دیگرانی است که به الله کفر ورزیدند مانند خاندان فرعون و امت‌های تکذیب‌کننده قبل از آنها، که آیات پروردگارش را تکذیب کردند، پس الله آنها را به سبب گناهایی که مرتکب شده بودند نابود کرد، و هم خاندان فرعون و هم امت‌های قبل از آنها به سبب کفر و شرکشان به الله ستمکار بودند، پس به این سبب، کیفر او سبحانه بر آنها واجب شد، آن‌گاه کیفرش را بر آنها واقع ساخت.

﴿إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنفال: ۵۵].

همانا بدترین جنبنندگان روی زمین کسانی هستند که به الله و رسولانش کفر ورزیدند، زیرا آنها به سبب پافشاری بر کفر ایمان نمی‌آورند هر چند تمام آیات نزدشان بیاید؛ همانا وسایل هدایت، چه عقل و چه گوش و چه چشم در آنها از کار افتاده است.

﴿الَّذِينَ عَاهَدتْ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾ [الأنفال: ۵۶].

همان کسانی - مانند بنی قریظه - که از آنها پیمان‌ها و میثاق‌ها گرفتی، سپس این پیمان‌ها را هربار شکستند، و آنها از الله نمی‌ترسند، پس به پیمان‌های‌شان وفا نمی‌کنند، و به میثاق‌هایی که از آنها گرفته می‌شود پایبند نیستند.

﴿فَإِذَا تَثَقَفَتْنَهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدْ بِهِنَّ مَن خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ﴾ [الأنفال: ۵۷].

ای رسول - اگر با اینها که پیمان‌های‌شان را شکستند در جنگ روبه‌رو شدی شدیدترین بلا را بر آنها وارد آور تا دیگران آن را بشنوند، شاید از حال آنها عبرت بگیرند، آن‌گاه از پیکار با تو و یاری دشمنانت علیه تو بترسند.

﴿وَأَمَّا نَحَفَانٌ مِّن قَوْمٍ خِيَانَتَهُ فَاَنْبَذُوا إِلَيْهِمْ عَلَي سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾
[الأنفال: ۵۸].

۵۸ و -ای رسول- اگر از قومی که با آنها پیمان بسته‌ای از روی نشانه‌ای که بر تو آشکار می‌شود ترسیدی که خیانت و نقض پیمان بکنند، دور انداختن پیمان‌شان را بر آنها اعلام کن تا در آگاهی از این امر با تو یکسان باشند، و قبل از اینکه بر آنها اعلام کنی ناگهان بر آنها وارد نشو، زیرا غافلگیر کردن آنها قبل از اینکه به آنها اعلام شود خیانت است، و الله خیانتکاران را دوست ندارد، بلکه بر آنها خشم می‌گیرد، پس تو هم از خیانت برحذر باش.

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ﴾ [الأنفال: ۵۹].

۵۹ و کسانی که کفر ورزیدند گمان نکنند که از عذاب الله فرار کرده و رهایی پیدا کرده‌اند، همانا آنها نمی‌توانند از چنگ او تعالی فرار کنند و نمی‌توانند از کيفرش رهایی پیدا کنند، بلکه او تعالی مراقب آنها است و به آنها دست می‌یابد.

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ [الأنفال: ۶۰].

۶۰ و -ای مؤمنان- آنچه برای آماده سازی، چه افراد و چه تجهیزات؛ مانند تیراندازی در توان دارید آماده سازید، و آنچه از اسب‌هایی که در راه الله نگه داشته اید آماده سازید، تا دشمنان الله و دشمنان خودتان از کافران را که منتظر رسیدن بلاها بر شما هستند بترسانید، و با آن قومی دیگر را که شما آنها را نمی‌شناسید، و از دشمنی‌ای که برای تان پنهان می‌کنند آگاهی ندارید بترسانید، بلکه فقط الله آنها را می‌شناسد، و از آنچه در نفس‌های‌شان پنهان می‌کنند آگاه است. و هر مالی، چه کم و چه زیاد، که انفاق کنید الله مانند آن را در دنیا به شما می‌دهد، و پاداش آن را به صورت کامل و بدون هیچ کاستی در آخرت برای تان عطا می‌کند، پس بر انفاق در راه او تعالی اقدام کنید.

﴿* وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الأنفال: ۶۱].

۶۱ و اگر به صلح و ترک قتال تمایل نشان دادند، پس -ای رسول- تو نیز به صلح

روی بیاور، و با آنها پیمان ببند، و بر الله توکل و اعتماد کن، زیرا او هرگز تو را خوار نمی‌سازد، همانا او سخنان‌شان را می‌شنود، و از نیت و افعال‌شان آگاه است.

برخی فواید آیات:

- یکی از فواید کیفرها و حدود مترتب بر گناهان این است که سبب بازداشتن مرتکب آن می‌شود؛ چنان‌که دیگران را نیز از ارتکاب گناه باز می‌دارد.
- از اخلاق مؤمنان، وفای به پیمان با معاهدان است، مگر اینکه اثبات شود خیانتی از آنها سرزده است.
- بر مسلمانان واجب است که تمام اصناف اسلحه و رأی و سیاست را که سبب ترساندن دشمن می‌شود آماده کنند.
- جواز صلح با دشمن در صورتی که صلح مصلحتی برای مسلمانان داشته باشد.

﴿وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ﴾
[الأنفال: ۶۲].

۳۱ و -ای رسول- اگر با گرایش به صلح و ترک قتال قصد داشتند با این کار به تو نیرنگ بزنند تا برای قتال با تو آماده شوند، همانا الله در مقابل مکر و نیرنگ آنها برایت کافی است، او ذاتی است که با یاری‌اش تو را نیرومند ساخت، و با یاری مؤمنان به تو، چه مهاجران و چه انصار، تو را قدرت داد.

﴿وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۳].

۳۲ و میان دل‌های مؤمنانی که تو را با آنها یاری کرد پس از آن که پراکنده بودند الفت ایجاد کرد. اگر تمام اموال روی زمین را خرج می‌کردی تا میان دل‌های پراکنده آنها الفت ایجاد کنی نمی‌توانستی میان دل‌های‌شان الفت ایجاد کنی، اما الله به تنهایی میان دل‌های‌شان الفت ایجاد کرد، همانا او در فرمانروایی خویش ذات شکست ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در تقدیر و تدبیر و شرعش بسیار داناست.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنفال: ۶۴].

۳۳ ای پیامبر همانا الله در برابر شر دشمنان برای تو و مؤمنانی که همراه تو هستند کافی است، پس بر الله اعتماد و تکیه کن.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [الأنفال: ۶۵].

۳۴ ای پیامبر مؤمنان را بر قتال تشویق کن، و آنها را با آنچه که اراده‌های‌شان را قوی می‌گرداند و همت‌های‌شان را فعال می‌کند بر قتال برانگیز، - ای مؤمنان - اگر از شما بیست نفر شکیباً بر پیکار با کفار باشند بر دویست نفر از کفار پیروز می‌شوند، و اگر از شما صد نفر شکیباً باشند بر هزار نفر از کافران پیروز می‌شوند؛ زیرا کافران مردمی هستند که سنت الله در پیروزی دوستانش، و سرکوب دشمنانش را نمی‌فهند، و هدف از قتال را درک نمی‌کنند، زیرا آنها برای برتری در دنیا می‌جنگند.

﴿الآن حَقَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِثَّةٌ صَابِرَةٌ
يَغْلِبُوا مِثَّتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾
[الأنفال: ۶۶].

۱۶۱ - ای مؤمنان - اکنون الله به سبب ضعفی که از شما معلوم داشته، به لطفی از جانب خویش، بر شما تخفیف داده، پس بر یک نفر از شما واجب گردانیده که به جای ده نفر از کافران، در برابر دو تن از آنها پایداری کند. پس اگر صد نفر شکیباز شما برای قتال با کافران باشند بر دویست نفر پیروز می‌شوند، و اگر هزار نفر شکیباز شما باشند بر دو هزار نفر از کفار به اذن الله پیروز می‌شوند، و الله با تأیید و یاری و پیروزی، همراه مؤمنان شکیباز است.

﴿مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا
وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۷].

۱۶۲ برای هیچ پیامبری شایسته نیست که (در ابتدای امر) از کافرانی که با او می‌جنگند اسیر بگیرد تا اینکه از آنها بسیار بکشد؛ تا وحشت را در دل‌های‌شان بیفکند که به قتال با او بازنگردند، - ای مؤمنان - شما با گرفتن اسیران بدر، دریافت فدیة را می‌خواهید، حال آن‌که الله آخرت را که با یاری و گرمی داشتن دینش به دست می‌آید می‌خواهد، و الله در ذات و صفات و غلبه خویش شکست ناپذیر است، که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در تقدیر و شرعش بسیار داناست.

﴿لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۸].

۱۶۳ اگر نوشته‌ای از جانب الله نبود که قضا و قدرش بر آن رفته است که او تعالی غنیمت‌ها را بر شما حلال، و فدیة گرفتن از اسیران را برای‌تان مباح کرده است، به طور قطع به سبب گرفتن غنیمت و فدیة از اسیران قبل از اینکه وحیی از جانب الله مبنی بر اباحت این کار نازل شده باشد، عذابی سخت از جانب الله به شما می‌رسید.

﴿فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنفال: ۶۹].

۱۶۴ پس - ای مؤمنان - غنیمتی را که از کفار گرفته‌اید بخورید که بر شما حلال است، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید، همانا الله نسبت به بندگان مؤمن خویش بسیار آمرزنده و مهربان است.

برخی فواید آیات:

- در این آیات، الله برای بندگان مؤمنش یاری و پیروزی بر دشمنان را وعده داده است.
- پایداری در مقابل دشمن، فریضه‌ای بر مسلمانان است که در آن اختیاری ندارند، تا زمانی که چیزی رخ ندهد که خلاف آن را برای‌شان اجازه دهد.
- الله امور والا را برای بندگان می‌خواهد، و امور پست را از آنها نمی‌پسندد، از این رو آنها را به طلب پاداش ماندگار و همیشگی آخرت تشویق می‌فرماید.
- آزاد کردن اسیران در برابر فدیة یا منت گذاشتن و آزاد کردن آنها، فقط پس از غلبه گسترده و تسلط بر دشمنان، و آشکار شدن شکوه و عظمت دولت در نظر دیگران است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَنْ فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنَّ يَعْلَمَ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِيكُمْ خَيْرًا مِمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۰].

﴿۷۰﴾ ای پیامبر، به اسیران مشرک که در روز بدر آنها را به اسارت گرفتید بگو: اگر الله قصد خیر و صلاح نیت را در دل‌های تان سراغ داشته باشد، بهتر از فدیهای که از شما گرفته شده است به شما می‌دهد، پس بر فدیهای که از شما گرفته شده است غمگین نباشید، و گناهان تان را می‌آمرزد، و الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است، و وعده‌الله برای عباس عموی پیامبر ﷺ و سایر کسانی که اسلام آوردند تحقق یافته است.

﴿وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۱].

﴿۷۱﴾ و -ای محمد- اگر بخواهند با سخنانی که برایت آشکار می‌کنند به تو خیانت کنند، پیش از این نیز بر الله خیانت کرده‌اند، و الله تو را بر آنها پیروز گردانده است، پس کسانی از آنها که باید کشته می‌شدند کشته شدند و کسانی از آنها که باید اسیر می‌شدند اسیر شدند، پس اگر بازگشتند مانند همین امر را باید انتظار بکشند، و الله نسبت به مخلوقاتش و آنچه که آنها را اصلاح می‌کند آگاه است، و در تدبیرش بسیار داناست.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أَوْلِيَّكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنَ وَلَا يَتَّبِعُهُمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الأنفال: ۷۲].

﴿۷۲﴾ همانا کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و رسولش را تصدیق کرده‌اند و به شریعت او تعالی عمل کرده‌اند، و از سرزمین کفر به سرزمین اسلام، یا به مکانی که در آنجا با امنیت، الله را عبادت کنند مهاجرت کرده‌اند، و با بخشش اموال و جان‌های‌شان برای بالا بردن سخن الله جهاد کرده‌اند، و کسانی که آنها را در منازل‌شان ساکن کرده‌اند، و آنها را یاری رسانده‌اند - آن مهاجران و کسانی از اهل مدینه که آنها را یاری رساندند در یاری و همکاری دوستان یکدیگر هستند، و -ای مؤمنان- کسانی

که به الله ایمان آورده‌اند اما از سرزمین کفر به سرزمین اسلام مهاجرت نکرده‌اند برعهده شما نیست که به آنها یاری رسانید و آنها را حمایت کنید مگر اینکه در راه الله مهاجرت کنند، و اگر کفار بر آنها ستم کردند آن‌گاه از شما درخواست یاری نمودند آنها را در برابر دشمن‌شان یاری کنید، مگر اینکه میان شما و دشمن آنها، پیمانی باشد که آن را نقض نکرده باشند، و الله آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند، و ذره‌ای از اعمال شما بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی جزای آن را به شما خواهد داد.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ [الأنفال: ۷۳].

﴿۷۳﴾ و کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند کفر آنها را گرد می‌آورد، پس به یکدیگر یاری می‌رسانند، پس مؤمن با آنها دوستی نمی‌کند، که اگر مؤمنان با یکدیگر دوستی نکنند و کافران را به دشمنی نگیرند، فتنه‌ای برای مؤمنان پدید خواهد آمد که هیچ کس از برادران دینی‌شان را نخواهند یافت که به آنها یاری رساند، و فساد بزرگ با بازداشتن از راه الله در زمین به پا خواهد شد.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۴].

﴿۷۴﴾ و کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و در راهش مهاجرت کرده‌اند، و کسانی که مهاجران را در راه الله پناه داده‌اند و به آنها یاری رسانده‌اند، اینها همان مُتَّصِفَانِ به صفت ایمان حقیقی هستند، و پاداش آنها از جانب الله، آموزش گناهانشان و روزی ای‌گرامی از جانب او تعالی یعنی همان بهشت است.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَمَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الأنفال: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و کسانی که پس از ایمان پیشی گیرندگان به اسلام، یعنی مهاجران و انصار، ایمان آورده‌اند، و از سرزمین کفر به سرزمین اسلام مهاجرت کرده‌اند، و در راه الله جنگیده‌اند تا سخن الله برتر باشد و سخن کسانی که کفر ورزیدند پایین‌تر باشد، - ای مؤمنان - اینها از شما هستند، حقوقی را که شما دارید آنها نیز دارند، و وظایفی

که برعهده شماست برعهده آنها نیز است، و در حکم الله، خویشاوندان برای ارث بردن از یکدیگر سزاوارترند از ارث بردن به ایمان و هجرت که قبلاً موجود بود. همانا الله به هر چیزی داناست، و هیچ چیز بر او پوشیده نمی ماند، پس او می داند که چه چیزی به صلاح بندگان است، و همان را برای شان تشریح می فرماید.

برخی فواید آیات:

- بر مؤمنان واجب است که اسیران را به ایمان تشویق کنند.
- آیات فوق، بشارت مؤمنان به استمرار پیروزی بر مشرکان را دربردارد تا زمانی که اسباب مادی و معنوی پیروزی را به کار گیرند.
- اگر مسلمانان ید واحدی در برابر کافران نباشند، شوکت شان آشکار نمی شود و فساد بزرگی به پا می شود.
- فضیلت وفا به عهد و پیمانها در شریعت اسلام؛ هر چند این کار با مصلحت برخی مسلمانان در تعارض باشد.

سوره التوبة

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

کشف احوال گروه‌های مردم، با جداسازی کافران، و رسواسازی منافقان، و مشخص کردن مؤمنان.

تفسیر:

﴿بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [التوبة: ۱].

① این آیات اعلام بیزاری از جانب الله و رسولش، و اعلان پایان پیمان‌هایی است که -ای مسلمانان- با مشرکان جزیره العرب بسته‌اید.

﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الكَافِرِينَ﴾ [التوبة: ۲].

② پس -ای مشرکان- مدت چهار ماه با امنیت در زمین بگردید، و پس از آن هیچ پیمان و امانی برای شما نیست، و بدانید که اگر بر کفر به الله ادامه دهید هرگز نخواهید توانست از عذاب و کیفر الله رهایی پیدا کنید، و بدانید که الله خوارکننده کافران با قتل و اسارت در دنیا، و با ورود به آتش در روز قیامت است. این حکم شامل کسانی می‌شود که پیمان‌شان را شکستند، و کسانی که پیمان‌شان مطلق و همیشگی است، اما کسی که پیمان موقتی دارد هر چند بیشتر از چهار ماه باشد پیمان او تا پایان مدت آن برایش کامل می‌شود.

﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَكَثِيرٍ مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ بَرَاءَتِهِمْ﴾ [التوبة: ۳].

③ و اعلامی است از جانب الله، و اعلامی است از جانب رسولش ﷺ به تمام مردم در روز عید قربان که الله سبحانه از مشرکان بیزار است، و رسولش ﷺ نیز از آنها

بیزار است، پس - ای مشرکان - اگر از شرک‌تان توبه کنید توبه شما برای‌تان بهتر است، و اگر از توبه روی گردانید بدانید که هرگز نمی‌توانید از الله پیشی بگیرید، و هرگز نمی‌توانید از کیفرش رهایی پیدا کنید، و - ای رسول - کسانی را که به الله کفر ورزیدند به آنچه که آنها را به ستوه می‌آورد، یعنی عذاب رنج آوری که منتظرشان است خبر بده.

﴿إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۴].

❶ مگر مشرکانی که با شما پیمان بستند، و به پیمان‌شان وفا کردند، و ذره‌ای از آن را نقض نکردند، که آنها از حکم سابق استثنا هستند، پس وفا به پیمان‌شان را برای آنها کامل کنید تا وقتی که مدتش سپری شود، همانا الله کسانی که با اجرای اوامرش از جمله وفا به پیمان و اجتناب از نواهی‌اش از جمله خیانت، تقوا پیشه می‌کنند را دوست دارد.

﴿فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۵].

❷ پس وقتی ماه‌های حرام که در آنها دشمنان‌تان را در امان قرار دادید سپری شد، مشرکان را در هر جا که با آنها روبه‌رو شدید بکشید، و آنها را در پایگاه‌های‌شان محاصره کنید، و در راه‌های‌شان به کمین آنها بنشینید، پس اگر از شرک به‌سوی الله توبه کردند، و نماز را برپا داشتند، و زکات اموال‌شان را پرداختند؛ برادران اسلامی شما شده‌اند، پس از قتال با آنها دست بکشید، همانا الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَإِن أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: ۶].

❸ و - ای رسول - اگر یکی از مشرکان که خون و مالش مباح است وارد شد و از تو درخواست پناهندگی کرد درخواست او را اجابت کن تا قرآن را بشنود، آن‌گاه او را به مکانی که برایش امن باشد برسان، زیرا کافران مردمی هستند که حقایق این

دین را نمی‌دانند، پس وقتی حقایق را از طریق شنیدن قرائت قرآن دانستند شاید هدایت یافتند.

برخی فواید آیات:

- آیات فوق دلالت آشکاری دارند بر اشتیاق اسلام بر یکسان‌سازی روابط خارجی با دشمنان براساس صلح و امنیت و تفاهم.
- اسلام بهای زیادی به پیمان‌ها می‌دهد، و وفا به آنها را واجب می‌داند، و حفظ آن را برخاسته از ایمان و پشتوانه تقوای الله تعالی قرار می‌دهد.
- برپایی نماز و پرداخت زکات دلیلی بر اسلام است، و خون و مال را حفظ می‌کنند، و برای کسی که این دو را ادا کند حقوق مسلمانان را از حفظ خون و مالش جز به حق اسلام مانند ارتکاب قتل شخص بی‌گناه که موجب قتل است، و زنا و زناکار دارای همسر، و بازگشتن به کفر پس از ایمان، موجب می‌گرداند.
- مشروعیت امان؛ یعنی: جواز در امان قرار دادن کافر حربی، آن‌گاه که آن را از مسلمانان درخواست کند؛ تا آنچه را که بر صحت اسلام دلالت دارد بشنود، و در این امر، عفو و گرامی داشتن در رفتار با کفار، و نیز دلیلی بر ترجیح دادن صلح است.

﴿كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: 17].

❶ - ای مسلمانان - صحیح نیست که برای مشرکان به الله، پیمان و امانی نزد الله و نزد رسولش باشد مگر پیمان آن مشرکانی که کنار مسجد الحرام در صلح حدیبیه با آنها پیمان بستید، پس تا زمانی که بر این پیمان که میان شما و آنها است پایدار ماندند و آن را نقض نکردند، شما هم بر آن پایدار بمانید و آن را نقض نکنید، همانا الله بندگان پرهیزکارش را که اوامرش را اجرا می کنند، و از نواهی او تعالی اجتناب می کنند دوست دارد.

﴿كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [التوبة: 8].

❷ چگونه برای شان عهد و امانی است درحالی که دشمنان شما هستند، و اگر بر شما دست یابند در مورد شما نه مراعات الله را می کنند و نه مراعات خویشاوندی، و نه رعایت پیمانی را؛ بلکه شما را به بدترین عذاب شکنجه می کنند؟! با سخن نیکی که زبان های شان جاری می سازند شما را خشنود می کنند، اما دل های شان از زبان های شان فرمان نمی برد، پس به آنچه می گویند وفا نمی کنند، و بیشتر آنها به خاطر نقض پیمان شان، از فرمان برداری الله خارج هستند.

﴿اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: 9].

❸ پیروی از آیات الله از جمله وفا به پیمان ها را با بهایی ناچیز از بهره دنیا که با آن به شهوات و هوس های شان می رسند عوض و تبدیل کردند، پس خودشان را از پیروی از حق بازداشتند، و از آن روی گردانند، و دیگران را نیز از حق بازداشتند، به راستی که عمل بسیاری بدی انجام می دادند.

﴿لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ﴾ [التوبة: 10].

❹ به سبب دشمنی ای که دارند، در مورد هیچ مؤمنی نه مراعات الله را می کنند و نه مراعات خویشاوندی و نه پیمانی را؛ پس آنها به سبب ظلم و عداوتی که مرتکب می شوند، تجاوزکاران از حدود الله هستند.

﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُقِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: ۱۱].

﴿۱۱﴾ پس اگر از کفرشان به سوی الله توبه کنند، و شهادتین را بر زبان جاری سازند، و نماز را برپا دارند، و زکات اموالشان را بپردازند- به تحقیق که مسلمان شده‌اند، و برادران دینی شما هستند، و حقوق و تکالیفی که شما دارید آنها نیز دارند، و پیکار با آنها برای شما حلال نیست؛ زیرا اسلام آنها، از خون‌ها و اموال و نوامیس‌شان محافظت می‌کند، و این آیات را برای مردمی که به دنبال علم و دانش هستند بیان می‌کنیم و توضیح می‌دهیم، زیرا آنها هستند که از این آیات بهره می‌برند و به دیگران نیز بهره می‌رسانند.

﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّن بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾ [التوبة: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و اگر این مشرکانی که بر ترک قتال برای مدت مشخصی با آنها پیمان دارید، عهد و پیمان‌هایشان را شکستند، و بر دین شما ایراد گرفتند و از منزلت آن کاستند پس با آنها بجنگید، که آنها پیشوایان و رهبران کفر هستند، و عهد و پیمان‌هایی ندارند که خون‌شان را حفظ کند، با آنها بجنگید. امید است که از کفر و شکستن پیمان‌ها و کاستن از منزلت دین دست بکشند.

﴿أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ۱۳].

﴿۱۳﴾ - ای مؤمنان - چرا با قومی نمی‌جنگید که عهد و پیمان‌هایشان را شکستند، و در اجتماع خویش در دارالندوه، به اخراج رسول ﷺ از مکه تلاش نمودند. آنها بودند که نخستین بار جنگ را با شما آغاز کردند آن گاه که هم‌پیمان قریش یعنی (طایفه) بکر را در برابر هم‌پیمان رسول، یعنی (طایفه) خزاعه یاری کردند. آیا از آنها می‌ترسید، که برای پیکار با آنها پیش نمی‌آید؟! همانا الله سبحانه سزاوارتر است که از او بترسید اگر واقعاً مؤمن هستید.

برخی فواید آیات:

- آیات بر این امر دلالت دارند که اسباب قتال با مشرکان پیمان شکن زیاد بود که مهم‌ترین این اسباب: شکستن پیمان توسط آنها است.
- در این آیات دلیلی است بر اینکه هرکس از ادای نماز یا زکات خودداری کند با او جنگیده می‌شود تا اینکه این دو را ادا کند، آن‌گونه که ابوبکر رضی الله عنه چنین کرد.
- برخی از علما با استناد به این فرموده الله تعالی ﴿وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ﴾ بر وجوب قتل هرکس که از روی عمد و برای استهزاء، در دین طعنه بزند استدلال کرده‌اند.
- در این آیات دلالتی است بر اینکه مؤمن که فقط از الله می‌ترسد باید شجاع‌ترین و جسورترین مردم بر قتال باشد.

﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ۱۴].

۱۴ - ای مؤمنان - با این مشرکان بجنگید، زیرا اگر با آنها بجنگید الله آنها را به دستان شما عذاب می کند، و این کار با کشتن آنها توسط شما صورت می گیرد، و آنها را با شکست و اسارت خوار می سازد، و با قراردادن پیروزی برایتان، شما را در برابر آنها یاری می رساند، و درد سینه های گروه مؤمنانی را که در پیکار حاضر نبوده اند با قتل و اسارت و شکست که برای دشمن شان حاصل شد و پیروزی مؤمنان بر آنها شفا می دهد.

﴿وَيَذِهُبُ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيَّ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۵].

۱۵ و خشم را از دل های بندگان مؤمنش به سبب پیروزی ای که به آنها رسید می زداید، و الله توبه هر یک از این معاندان را که بخواهد، اگر توبه کنند می پذیرد. چنان که برخی ساکنان مکه در روز فتح توبه کردند، و الله به راستی نسبت به توبه کار آنها آگاه است، و در آفرینش و تدبیر و تشریحش بسیار داناست.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ۱۶].

۱۶ - ای مؤمنان - آیا گمان کردید که الله شما را بدون آزمایش رها می کند؟! آزمایش یکی از سنت های او تعالی است، الله به زودی شما را آزمایش خواهد کرد تا با علمی عیان و آشکار، بندگان مجاهد از میان شما را که با اخلاص برای الله می جنگند معلوم کند، همان کسانی که به جای الله و رسولش و مؤمنان هیچ دوست پنهانی از کفار نگرفته اند که آنها را دوست بدارند، و هیچ دوست باوفایی از میان آنها نگرفته اند که با آنها مهرورزی کنند، و الله به آنچه انجام می دهید داناست، ذره ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی ماند، و به زودی شما را در قبال اعمال تان جزا خواهد داد.

﴿مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ﴾ [التوبة: ۱۷].

۱۷ مشرکان را نسزد که مساجد الله را با عبادت و انواع طاعت آباد کنند، درحالی که به کفر خویش با اموری که از آن آشکار می کنند اقرار دارند. اعمال مشرکان به

دلیل نبود شرط قبول آن که ایمان است تباه شده است، و در روز قیامت وارد آتش جهنم خواهند شد و برای همیشه در آن می‌مانند مگر اینکه قبل از مرگ از شرک توبه کنند.

﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ [التوبة: ۱۸].

﴿۱۸﴾ فقط کسی شایستگی آبادانی مساجد را دارد و حق آن را برپا می‌دارد که فقط به الله ایمان آورده، و هیچ‌کس را با او شریک نگردانیده، و به روز قیامت ایمان آورده، و نماز برپا داشته، و زکات مالش را داده است، و از هیچ‌کس جز الله سبحانه نترسیده است، پس اینها همان کسانی هستند که امید است از هدایت یافتگان به راه راست باشند، و اما مشرکان دورترین اشخاص، از راه راست هستند.

﴿* أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [التوبة: ۱۹].

﴿۱۹﴾ - ای مشرکان - آیا کسانی را که آب دادن حاجیان و آبادانی مسجدالحرام را انجام می‌دهند مانند کسی قرار دادید که به الله ایمان آورده، و هیچ‌کس را با او شریک نگردانیده، و به روز قیامت ایمان آورده، و با جان و مالش جهاد کرده تا سخن الله برتر باشد و سخن کسانی که کفر ورزیدند پایین‌تر باشد؛ آیا آنها را در فضل از جانب الله یکسان قرار داده‌اید؟! هرگز نزد الله یکسان نیستند، و الله ستمکاران به سبب شرک را توفیق نمی‌دهد، هر چند اعمال خیری مانند آب دادن حاجیان انجام می‌دادند.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [التوبة: ۲۰].

﴿۲۰﴾ کسانی که ایمان به الله و هجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام، و جهاد در راه الله با اموال و جان‌ها را با هم داشتند، رتبه بالاتری از دیگران نزد الله دارند، و اینها همان دست‌یافتگان به بهشت هستند.

برخی فواید آیات:

- این آیات دلالت دارد بر محبت الله نسبت به بندگان مؤمنش و توجه او تعالی به احوالشان، تا جایی که او تعالی درمان آنچه در سینه‌هایشان است و از بین بردن خشمشان را از جمله مقاصد شرعی قرار داده است.
- الله جهاد را تشریح فرمود تا این هدف برتر با آن به دست آید، یعنی راستان که فقط از دین الله حمایت می‌کنند از دروغگویان که ادعای ایمان می‌کنند باز شناخته شوند.
- آبادگران حقیقی مساجد همان کسانی هستند که به ایمان صادق، و انجام اعمال صالح که ریشه آنها نماز و زکات است، و ترس از الله که اصل تمام خیرهاست، توصیف شده‌اند.
- جهاد و ایمان به الله از آب دادن حاجیان و آبادانی مسجد الحرام به درجات زیادی برتر است؛ زیرا ایمان اصل دین است، اما جهاد در راه الله قلۀ کوه دین است.

﴿يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتِ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ﴾ [التوبة: ۲۱].

۳۱ پروردگارشان الله، آنها را مژده می‌دهد به رحمت خویش که آنها را شادمان می‌سازد، و واجب گردانیدن خشنودی‌اش از آنها، به‌گونه‌ای که هرگز بر آنها خشم نمی‌گیرد، و ورود به بهشت‌هایی که در آنها برای‌شان نعمت‌هایی همیشگی است که هرگز قطع نمی‌شود.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [التوبة: ۲۲].

۳۲ در این بهشت‌ها، جاودانه و برای همیشه می‌مانند. این پاداش آنها است در قبال اعمال صالحی که در دنیا انجام می‌دادند. همانا الله ذاتی است که نزد او پاداش بزرگی وجود دارد برای کسی که برای خالص گردانیدن دین برای او تعالی، اوامرش را اجرا کند و از نواهی‌اش بپرهیزد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [التوبة: ۲۳].

۳۳ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و از آنچه که رسولش آورده پیروی کرده‌اید، اگر پدران و برادران نسبی‌تان و سایر خویشاوندان‌تان، کفر را بر ایمان به یگانگی الله ترجیح دهند، آنها را به عنوان دوستان برگزیده نگیرید که برای افشای اسرار مؤمنان به‌سوی آنها، و مشورت کردن با آنها، با آنها دوستی کنید، و هرکس با آنها با وجود ماندن‌شان بر کفر دوستی کند، و مودت به آنها را آشکار نماید به تحقیق از الله نافرمانی کرده است، و با قراردادان خویش در معرض نابودی به‌سبب معصیت، بر خود ستم کرده است.

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ [التوبة: ۲۴].

۳۴ - ای رسول - بگو: - ای مؤمنان - اگر پدران‌تان، و پسران‌تان و برادران‌تان و همسران‌تان و خویشاوندان‌تان، و اموال‌تان که کسب کرده‌اید، و تجارت‌تان که رواج آن را دوست دارید، و از کسادش می‌ترسید، و خانه‌های‌تان که به اقامت در آن

دلخوش هستید- اگر تمام این موارد نزد شما از الله و رسولش، و جهاد در راه الله دوست داشتنی تر است پس منتظر کیفر و عذابی بمانید که الله بر شما نازل می کند، و الله کسانی را که از طاعت او تعالی و عمل به آنچه او را راضی می سازد خارج می شوند توفیق نمی دهد.

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ﴾ [التوبة: ۲۵].

﴿۲۵﴾ - ای مؤمنان - الله در غزوه های زیادی شما را با وجود تعداد اندک تان و ضعف تجهیزات تان آن گاه که بر الله توکل کردید و اسباب را به کار گرفتید، و از کثرت تان به شگفت نیامدید، بر دشمنان مشرک تان پیروز گردانده است، پس کثرت سبب پیروزی شما بر آنها نبوده است، اما در روز حنین آن گاه که کثرت تان شما را به شگفت آورد، و گفتید: امروزه از هیچ گروه اندکی مغلوب نخواهیم شد، اما کثرت تان که شما را به شگفت آورد ذره ای به شما نفع نرساند، آن گاه دشمن تان بر شما پیروز شد، و زمین با تمام گستردگی اش بر شما تنگ آمد، سپس فراری و شکست خورده از دشمنان تان روی گردانید.

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ [التوبة: ۲۶].

﴿۲۶﴾ سپس الله بعد از فرارتان از دشمن تان، بر رسولش و بر مؤمنان آرامش فرو فرستاد، آن گاه بر قتال پایداری کردید، و فرشتگانی که آنها را نمی دیدید فرو فرستاد، و کسانی را که کفر ورزیدند با قتل و اسارت و گرفتن اموال و به اسارت درآوردن فرزندان عذاب کرد. و این مجازات که با آن جزا داده شدند همان مجازات کافرانی است که رسول شان را تکذیب کنند و از آنچه آورده است روی گردانند.

برخی فواید آیات:

- مراتب فضل مجاهدان زیاد است، زیرا آنها بزرگترین درجه را از هر صاحب درجه ای نزد الله دارند. آنها مزیت و مرتبه والایی دارند، رستگاران و فاتحان و نجات یافتگانند، و هم آنها هستند که پروردگارشان آنها را به نعمت ها بشارت می دهد.

- در این آیات بزرگترین دلیل بر وجوب محبت الله و رسولش، و مُقَدِّم نمودن این محبت بر محبت هر چیز دیگری است.
- بیان روز حنین به‌طور خاص از میان روزهای جنگ‌ها؛ به‌سبب عبرتی است که با حصول پیروزی هنگام اجرای امر الله و رسولش و حصول شکست هنگام ترجیح بهره دنیا بر اطاعت به دست می‌آید.
- فضیلت نزول سکینه و آرامش؛ زیرا آرامش رسول ﷺ، آرامش اطمینان‌بخشی بر مسلمانان همراهش و اعتماد بر پیروزی است، و آرامش مؤمنان، آرامش پایداری و شجاعت پس از بی‌قراری و ترس است.

﴿ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التوبة: ۲۷].

﴿۲۷﴾ سپس بعد از این عذاب اگر کسی از کفر و گمراهی‌اش توبه کند همانا الله او را می‌بخشد، و توبه‌اش را می‌پذیرد، و الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است، چون توبه آنها را پس از کفر و ارتکاب گناهان می‌پذیرد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۲۸].

﴿۲۸﴾ ای کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده‌اید و از احکامی که برای‌تان تشریح کرده است پیروی کرده‌اید، همانا مشرکان به سبب کفر و ستم و اخلاق ناشایست و عادت‌های بدی که دارند نجس هستند، پس نباید پس از این سال یعنی سال نهم هجری به حرم مکی - از جمله آن مسجدالحرام - وارد شوند، حتی اگر حاجی یا عمره‌گذار باشند، و - ای مؤمنان - اگر از قطع شدن طعام‌ها و تجارت‌های مختلفی که به سوی شما می‌کشاندند ترسیدید پس بدانید که الله اگر بخواهد شما را به فضل خویش بی‌نیاز خواهد گرداند، همانا الله به حال شما آگاه است، و در آنچه که برای شما تدبیر می‌کند بسیار داناست.

﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ [التوبة: ۲۹].

﴿۲۹﴾ - ای مؤمنان - با کافران، چه یهود و چه نصاری، که به الله به عنوان معبودی که هیچ شریکی ندارد و به روز قیامت، ایمان نمی‌آورند، و از مردار و گوشت خوک و خمر و ربا که الله و رسولش بر آنها حرام گردانیده است پرهیز نمی‌کنند، و در برابر آنچه الله تشریح کرده است فروتنی نمی‌کنند، بجنگید تا جزیه را درحالی که خوار و شکست خورده هستند با دستان‌شان بپردازند.

﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ﴾ [التوبة: ۳۰].

﴿۳۰﴾ همانا هم یهود و هم نصاری مشرک هستند، زیرا یهود به الله شرک ورزیدند آن گاه که ادعا کردند عُزیر پسر الله است، و نصاری به الله شرک ورزیدند آن گاه که

ادعا کردند عیسی پسر الله است، این سخن که آن را افترا بستند بدون اثبات، بر زبان جاری نمودند، و این سخن آنها به سخن مشرکان قبل از آنها شباهت دارد که گفتند: فرشتگان دختران الله هستند، الله از این سخن بسیار برتر است، الله آنها را نابود سازد، چگونه از حق آشکار به باطل برمی گردند؟!

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ۳۱].

③ یهودیان علمای شان و نصاری راهبان شان را اربابانی به جای الله گرفتند، که حرام های الهی را برای شان حلال می کنند، و حلال های الهی را برای شان حرام می کنند، و نصاری عیسی مسیح پسر مریم را معبودی همراه الله گرفتند، درحالی که الله به علمای یهود و راهبان مسیحی و عزیز و عیسی پسر مریم فرمان نداده بود جز اینکه تنها او تعالی را عبادت کنند، و هیچ چیز را با او شریک نگردانند، زیرا او سبحانه معبود یگانه است، و هیچ معبود برحقى جز او نیست، او سبحانه پاک و منزّه است از اینکه شریکی داشته باشد آن گونه که این مشرکان و دیگر مشرکان می گویند.

برخی فواید آیات:

- این آیات دلالت دارند بر اینکه تعلق قلب به اسباب روزی جایز است، و با توکل منافات ندارد.
- در این آیات دلیلی است بر اینکه روزی به تلاش زیاد نیست، بلکه فقط بخششی است از جانب الله تعالی که تقسیم آن را به عهده گرفته است.
- جزیه، یکی از اختیارات سه گانه ای است که اسلام آن را بر دشمنان ارائه می کند، و این هدف را از آن دنبال می کند که با برکندن شوکت کافران، تمام امور برای مسلمانان باشد.
- یهودیان چنان پلید و شر هستند که آنها را به آنجا کشاند که بر الله گستاخی کنند، و عظمت او سبحانه را کم جلوه دهند.

﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [التوبة: ۳۲].

۳۲ این کافران و دیگران از کسانی که بر یکی از ملت‌های کفر هستند با این افترای‌شان و تکذیب آنچه محمد ﷺ آورده است می‌خواهند که اسلام را از بین ببرند، و دلایل آشکار و براهین روشن بر توحید الله را که در آن آمده است تباه کنند، درحالی که آنچه رسولش آورده حق است، اما الله نمی‌خواهد جز اینکه دینش را کامل کند و آشکار سازد، و آن را بر سایر دین‌ها برتری دهد، هر چند کافران کامل کردن و اظهار و برتری دین او تعالی را نخواهند، همانا الله کامل کننده و آشکار کننده و برتری دهنده دینش است، و هرگاه الله امری را اراده کرد اراده دیگران بی نتیجه ماند.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [التوبة: ۳۳].

۳۳ و الله سبحانه همان ذاتی است که رسولش محمد ﷺ را با قرآن که مایه هدایت مردم است، و دین حقی که همان دین اسلام است فرستاد تا آن را با حجت‌ها و دلایل و احکامی که دارد بر سایر ادیان برتری دهد، هر چند مشرکان این امر را نپسندند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [التوبة: ۳۴].

۳۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، و به احکامی که الله برای‌تان تشریح کرده است عمل کرده‌اید، همانا بسیاری از علمای یهود، و بسیاری از راهبان مسیحی، اموال مردم را به غیر حق شرعی می‌گیرند، آنها این اموال را با رشوه و غیر آن می‌گیرند، و مردم را از ورود به دین الله باز می‌دارند. و - ای رسول - کسانی که طلا و نقره جمع می‌کنند، و زکاتش را که بر آنها واجب است نمی‌پردازند، آنها را به عذابی رنج آور در روز قیامت خبر ده.

﴿يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ فَدَوْقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾ [التوبة: ۳۵].

۳۵ روز قیامت آنچه را که جمع کردند و حشش را نپرداختند در آتش جهنم می‌سوزد، آن‌گاه وقتی که حرارتش شدت یافت بر پیشانی و پهلو و پشت‌شان قرار داده

می‌شود، و از روی توبیخ به آنها گفته می‌شود: این همان اموال تان است که جمع کردید و حقوق واجب در آن را نپرداختید، پس پایان غم‌انگیز و سرانجام بد آنچه را که جمع می‌کردید و حقوقش را نمی‌پرداختید بچشید.

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۳۶].

﴿۳۶﴾ در حقیقت تعداد ماه‌های سال در حکم و قضای الله، که الله در آغاز آفرینش آسمان‌ها و زمین در لوح محفوظ ثبت کرده دوازده ماه است، در این دوازده ماه، چهار ماه است که الله قتال در آنها را حرام کرده است، که عبارتند از سه ماه پیاپی: (ذوالقعدة، ذوالحجه، و محرم) و یک ماه جدا (رجب). این تعداد ماه‌های سال، و تحریم چهار ماه از آنها، که بیان شد، همان دین درست است، پس در این ماه‌های حرام با قتال و هتک حرمت آنها، به خودتان ستم نکنید، و همگی، با مشرکان بجنگید چنان‌که آنها همگی با شما می‌جنگند، و بدانید که الله با یاری و پایداری، همراه کسانی است که با اجرای آنچه به آن فرمان داده و اجتناب از آنچه نهی کرده از او می‌ترسند، و هرکس الله همراهش باشد هیچ‌کس بر او پیروز نخواهد شد.

برخی فواید آیات:

- دین الله آشکار و پیروز است هرچند دشمنانش از روی حساست برای ضربه زدن به آن بکوشند.
- تحریم خوردن اموال مردم به باطل، و بازداشتن از راه الله تعالی.
- تحریم گردآوردن مال بدون انفاق آن در راه الله.
- اشتیاق بر تقوای الله در نهان و آشکارا، به خصوص هنگام قتال با کافران؛ زیرا مؤمن در تمام احوالش از الله می‌ترسد.

﴿إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيَرْطِطُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ [التوبة: ۳۷].

۳۷) به راستی که به تأخیر انداختن حرمت ماهی حرام به ماهی غیر حرام و قراردادن آن در مکانش - آن گونه که عرب در جاهلیت انجام می داد - افزودن در کفرشان به الله است؛ چون به حکم او تعالی در مورد ماه های حرام کفر ورزیدند، شیطان با این کار، کسانی را که به الله کفر ورزیدند گمراه می سازد آن گاه که این سنت بد را برای شان قرار داد، که یک سال ماه حرام را با تبدیل کردن آن به یکی از ماه های حلال، حلال می کنند، و یک سال آن را بر تحریمش باقی می گذارند تا با تعداد ماه هایی که الله حرام کرده است موافقت کنند هر چند با عین آن ماهها مخالفت ورزند. پس ماهی را حلال نمی کنند مگر اینکه یک ماه را به جای آن حرام گردانند، با این کار آنچه را الله از ماه های حرام، حرام قرار داده است حلال می کنند، و با حکم او مخالفت می ورزند، شیطان این اعمال بد از جمله به تأخیر انداختن را که ابداع کردند برای شان آراست پس آن را انجام دادند، و الله کافران را که بر کفرشان اصرار می ورزند توفیق نمی دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْتَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ [التوبة: ۳۸].

۳۸) ای کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده اید و به احکامش عمل کرده اید، چرا وقتی به جهاد در راه الله برای قتال با دشمنان فراخوانده می شوید سستی می کنید، و به ماندن در مسکن های تان روی می آورید؟! آیا به جای نعمت های همیشگی آخرت که الله برای مجاهدان در راه خویش آماده ساخته است به کالای نابودشدنی زندگی دنیا و خوشی های موقتی آن راضی شده اید؟! در حالی که کالای زندگی دنیا در کنار آخرت، جز چیزی خوار و کوچک نیست. پس عاقل چگونه فانی را بر باقی، و خوار و کوچک را بر بزرگ ترجیح می دهد؟!

﴿إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التوبة: ۳۹].

۳۹) - ای مؤمنان - اگر برای جهاد در راه الله جهت قتال با دشمنان خارج نشوید الله شما را با به زانو درآوردن و خوارساختن و سایر کیفرها عذاب می دهد، و به

جای شما مردمی فرمان بردار می آورد که وقتی به جهاد فراخوانده شوند به سوی آن بشتابند، و شما با مخالفت با امر او تعالی، ذره‌ای به او آسیب نمی‌رسانید، زیرا او از شما بی‌نیاز است، و شما به او نیازمند هستید، و الله بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد، زیرا او تعالی بدون شما بر پیروزی دین و پیامبرش تواناست.

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾
[التوبة: ۴۰].

﴿۴۰﴾ - ای مؤمنان - اگر رسول الله ﷺ را یاری نکنید، و دعوت او برای جهاد در راه الله را اجابت نکنید، در حقیقت الله او را بدون اینکه شما با او باشید یاری کرده است. آن‌گاه که مشرکان، او ﷺ و ابوبکر ﷺ را بیرون کردند، بدون اینکه نفر سومی با آنها باشد و در غار ثور از کافرانی که در جستجوی آن دو بودند پنهان بودند، رسول الله ﷺ به یارش ابوبکر صدیق ﷺ که نگران رسول الله ﷺ بود که مشرکان بر او دست یابند گفت: اندوهگین نباش که الله با تأیید و یاری خویش با ماست. آن‌گاه الله بر دل رسولش ﷺ آرامش افکند، و لشکریانی بر او فرو فرستاد که شما آنها را نمی‌بینید و آن فرشتگان او را تقویت می‌کردند. و سخن مشرکان را پست‌تر گرداند، و سخن الله همان سخن برتر است آن‌گاه که اسلام را برتر قرار داد، و الله در ذات و قهر و فرمانروایی خویش ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در تدبیر و تقدیر و شرعش بسیار داناست.

برخی فواید آیات:

- عادت‌های مخالف شریعت با استمرار بر آن بدون اینکه مورد اعتراض قرار گیرند، قُبْح آن را از وجود انسان‌ها برمی‌دارد، و چه بسا به نظر، عادت‌هایی نیکو بیابند.
- نرفتن به جهاد هنگام بسیج عمومی، از گناهان کبیره‌ای است که موجب سخت‌ترین عذاب می‌شود، چون ضرر و زیان شدیدی دارد.

- فضیلت سکینه و آرامش؛ و اینکه سکینه، کمالِ نعمتِ الله بر بنده در اوقات سختی و هولناکی است که دل‌ها در آن می‌لرزد. سکینه براساس شناخت بنده از پروردگارش، و اعتماد بنده به وعدهٔ راستین او تعالی، و براساس ایمان و شجاعت بنده نازل می‌شود.
- حُزن و اندوه گاهی بر بندگان خاص و دوست الله، به‌خصوص هنگام بیم بر از دست‌رفتن مصلحت عمومی عارض می‌شود.

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: ۴۱].

۴۱ - ای مؤمنان - برای جهاد در راه الله در سختی و گشایش، در جوانی و پیری سفر کنید، و با اموال و جان‌های‌تان جهاد کنید، زیرا این خروج و جهاد با اموال و جان‌ها از نشستن و دلبستگی به سلامت اموال و جان‌ها، نفع بیشتری در زندگی دنیا و آخرت دارد. اگر به این امر آگاه هستید پس بر آن اشتیاق ورزید.

﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ [التوبة: ۴۲].

۴۲ - ای پیامبر - منافقانی که از تو اجازهٔ تخلف از جهاد را می‌خواهند اگر آنچه که به آن فراخوانده می‌شوند غنیمتی آسان و سفری بدون مشقت بود، به‌طور قطع از تو پیروی می‌کردند، اما مسافتی که آنها را برای پیمودن آن به‌سوی دشمن فراخواندی برای‌شان دور می‌نماید، پس تخلف ورزیدند. و آن‌گاه که به‌سوی‌شان بازگردی، به‌زودی این منافقان اجازه‌گیرنده در تخلف، به‌الله سوگند خواهند خورد که: اگر توانایی خروج به جهاد همراه شما را داشتیم به‌طور قطع خارج می‌شدیم، جان‌های‌شان را با قراردادن آن در برابر کیفر الله به‌سبب تخلف‌شان و به‌سبب این سوگندهای دروغین نابود می‌کنند، و الله می‌داند که آنها در ادعای خویش و این سوگندهای‌شان دروغ می‌گویند.

﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ﴾ [التوبة: ۴۳].

۴۳ - ای رسول - الله تو را در این اجتهادات که اجازه تخلف را به آنها دادی ببخشد، چرا این اجازه را به آنها دادی؟ پیش از آن که راستگويان در عذرهای‌شان که پیش می‌کنند، و دروغگويان آنها برایت آشکار شوند، آن‌گاه به راستگويان آنها، نه دروغگويان اجازه دهی.

﴿لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۴۴].

۴۴ - ای رسول - در شأن مؤمنان راستین به الله و روز قیامت نیست که اجازه تخلف از جهاد در راه الله با اموال و جان‌هایشان را از تو بخواهند، بلکه سزاوار است که هرگاه برای جهاد فراخوانده شدند شتابان به سوی آن بروند، و با اموال و جان‌هایشان جهاد کنند. و الله از بندگان پرهیزکارش که از تو اجازه نمی‌خواهند جز به سبب عذرهایی که مانع خروج آنها همراه تو می‌شود، آگاه است.

﴿إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ﴾ [التوبة: ۴۵].

۴۵ - ای رسول - همانا کسانی که از تو در تخلف از جهاد در راه الله اجازه می‌خواهند همان منافقانی هستند که به الله و روز آخرت ایمان ندارند، و شک در دین الله بر دل‌هایشان اصابت کرده است، پس آنها در شک خویش سرگشته و دو دل هستند و به حق هدایت نمی‌شوند.

﴿* وَ لَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاتَهُمْ فَتَبَطَّحَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ [التوبة: ۴۶].

۴۶ و اگر در این ادعا که خروج همراه تو برای جهاد در راه الله را می‌خواهند راستگو بودند به‌طور قطع با آماده کردن تجهیزات، برای پیکار آماده می‌شدند، اما الله خروج آنها همراه تو را نپسندید. پس خروج بر آنها سنگینی کرد تا اینکه نشستن در خانه‌هایشان را ترجیح دادند.

و چون شاید بازماندن اینها مؤمنان را اندوهگین سازد، الله به مؤمنان اطمینان داد که خروج این منافقان ضرر بیشتری از تخلفشان دارد:

﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ [التوبة: ۴۷].

۴۷ بهتر است که این منافقان همراه شما خارج نشوند، زیرا اگر همراه شما خارج شوند به سبب سستی و نجنگیدن و افکندن شبهات، جز فساد برای تان نمی‌افزایند، و برای پراکندگی شما به نشر خبرچینی در میان صف‌های تان خواهند کوشید، و - ای مؤمنان - در میان شما کسانی هستند که به دروغی که آنها ترویج می‌دهند گوش می‌دهند، آن‌گاه آن را می‌پذیرند و منتشر می‌کنند، پس اختلاف میان شما

ایجاد می‌شود، و الله از حال منافقان ستمکار که دسیسه‌ها و تردیدها را میان مؤمنان می‌افکنند آگاه است.

برخی فواید آیات:

- وجوب جهاد با جان و مال هرگاه که نیاز ایجاب کند.
- سوگندهای دروغین موجب هلاکت است.
- وجوب پرهیز از عجله، و وجوب استواری و تأمل، و فریب‌نخوردن از ظواهر امور، و ترک مبالغه در تفحص و تنبلی کردن در حرکت.
- از عنایت الله به مؤمنان، بازداشتن منافقان از خروج همراه بندگان مؤمنش است، از روی رحمتی به مؤمنان و لطفی از اینکه کسی را وارد آنها کند که به آنها نفع نمی‌رساند بلکه به آنها ضرر می‌رساند.

﴿لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ﴾ [التوبة: ۴۸].

این منافقان بر ایجاد فساد از طریق اختلاف در دیدگاه مؤمنان، و پراکنده کردن جمع آنها قبل از غزوه تبوک حریص بودند، و -ای رسول- امور گوناگونی را برای تدبیر حيله‌ها برایت به کار گرفتند، که شاید حيله‌های‌شان در عزم تو بر جهاد مؤثر افتد، تا اینکه یاری و تأیید الله برایت آمد، و الله دینش را نیرو بخشید و دشمنانش را مغلوب کرد، درحالی که از این کار اکراه داشتند؛ چون آنها در پیروزی ساختن باطل بر حق می کوشیدند.

﴿وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ امْنُنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ [التوبة: ۴۹].

از منافقان کسی است که عذرهای مختلفی می آورد و می گوید: ای رسول الله، در تخلف از جهاد به من اجازه بده، و مرا بر خروج همراه خود وادار نکن تا به سبب فتنه زنان دشمن - روم - وقتی آنها را ببینم گناهی بر من وارد نشود. بدانید در فتنه‌ای بزرگ‌تر از آنچه که گمان کردند افتاده‌اند، که همان فتنه نفاق، و فتنه تخلف است، همانا جهنم در روز قیامت به کافران احاطه دارد، و هیچ‌یک از آنها از جهنم رهایی نمی‌یابد، و گریزگاهی از آن نمی‌یابند.

﴿إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ فَسُؤُهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ﴾ [التوبة: ۵۰].

ای رسول الله - اگر نعمت پیروزی یا غنیمتی از جانب الله به تو برسد که تو را خشنود می‌سازد، آنها آن را نمی‌پسندد، و به خاطر آن اندوهگین می‌شوند، و اگر مصیبت حمله یا پیروزی دشمن به تو برسد این منافقان می‌گویند: ما به نفع خویش احتیاط و دوراندیشی کرده‌ایم و آن‌گونه که مؤمنان خارج شدند برای قتال خارج نشدیم، به این ترتیب مؤمنان کشته و اسیر شدند. سپس این منافقان با خوشحالی از سلامت به سوی خانواده‌های‌شان باز می‌گردند.

﴿قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [التوبة: ۵۱].

ای رسول - به این منافقان بگو: هیچ‌چیز به ما نمی‌رسد مگر آنچه که الله برایمان نوشته است؛ زیرا او سبحانه سرور و پناهگاه ماست که به او پناه می‌بریم، و

در کارهای مان به او توکل می‌کنیم، و مؤمنان کارهای‌شان را فقط به او واگذار می‌کنند، زیرا او تعالی برای‌شان کافی، و نیکو نگهبانی است.

﴿قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ﴾ [التوبة: ۵۲].

⑤۲ - ای رسول - به آنها بگو: آیا منتظر هستید که چیزی جز پیروزی یا شهادت بر ما واقع شود؟! درحالی‌که ما منتظر هستیم الله عذابی از جانب خودش بر شما نازل کند که شما را به دست ما با قتل یا اسیرکردن‌تان نابود یا عذاب کند، آن‌گاه که به ما اجازه قتال با شما را بدهد. پس منتظر سرانجام ما باشید، که ما منتظر سرانجام شما هستیم.

﴿قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنَّا نَكُنُّمُ قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ [التوبة: ۵۳].

⑤۳ - ای رسول - به آنها بگو: آنچه از اموال‌تان را که میخواهید چه به رغبت و چه به اکراه انفاق کنید، به‌سبب کفر و خروجتان از طاعت الله هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود.

﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقَبَّلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ﴾ [التوبة: ۵۴].

⑤۴ و چیزی مانع پذیرش انفاق‌شان نشد مگر سه امر: کفرشان به الله و رسولش، کسالت و سنگینی‌شان هنگامی‌که نماز می‌خوانند، و اینکه اموال‌شان را به رغبت انفاق نمی‌کنند، بلکه فقط از روی اکراه آن را انفاق می‌کنند؛ زیرا نه در نمازشان، و نه در انفاقشان امید ثواب ندارند.

برخی فواید آیات:

- عادت منافقان، تلاش برای آزار رساندن به مسلمان‌ها از راه دسیسه‌چینی و جاسوسی است.
- تخلف از جهاد، مفسده و فتنه‌ای بزرگ و قطعی، و نافرمانی الله و رسولش است.
- در این آیات آموزشی است به مسلمان‌ها که به مصیبت‌هایی که به آنها می‌رسد اندوه نخورند؛ تا سست نشوند و نیروی‌شان از بین نرود، و به آنچه الله برای‌شان مُقَدَّر کرده است راضی شوند، و به رضایت پروردگارشان امیدوار گردند؛ زیرا اطمینان دارند به اینکه الله یاری دینش را می‌خواهد.
- از نشانه‌های ضعف ایمان و کمی تقوا، کسالت در ادای نماز و انفاق بدون رضایت و امید به ثواب است.

﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ [التوبة: ۵۵].

۵۵ - ای رسول - نه اموال منافقان تو را به شگفت آورد و نه فرزندانشان، و آنها را نیکو مشمار، زیرا سرانجام اموال و فرزندانشان بد است، چون الله این دو را با تلاش و زحمتی که برای حصول آنها متحمل می‌شوند، و مصیبت‌هایی که در آنها نازل می‌کند عذابی بر آنها قرار می‌دهد تا اینکه الله ارواحشان را در حال کفرشان بیرون می‌آورد، آن‌گاه با جاودانگی در پایین‌ترین طبقه جهنم عذاب می‌شوند.

﴿وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْهُمْ لِمَنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرُقُونَ﴾ [التوبة: ۵۶].

۵۶ و - ای مؤمنان - منافقان به دروغ به شما سوگند یاد می‌کنند که: آنها در زمرة شما هستند، درحالی‌که در باطن‌شان از شما نیستند، هر چند تظاهر کنند که از شما هستند، اما آنها مردمی هستند که می‌ترسند همانند مشرکان گرفتار قتل و اسارت شوند، به این سبب از روی تقیه، اظهار اسلام می‌کنند.

﴿لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا أَوْ مَعَارَاتٍ أَوْ مَدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ﴾ [التوبة: ۵۷].

۵۷ اگر این منافقان پناهگاهی از دژها بیابند خود را در آن محافظت می‌کنند، یا غارهایی در کوه‌ها بیابند در آنها پنهان می‌شوند، یا سوراخی بیابند که در آن داخل شوند به‌طور قطع به آن پناه می‌برند، و به شتاب در آن وارد می‌شوند.

﴿وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزَكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْحَطُونَ﴾ [التوبة: ۵۸].

۵۸ و - ای رسول - از منافقان کسانی هستند که وقتی در تقسیم صدقات، آنچه از آن می‌خواهند به آنها نرسد به تو عیب می‌گیرند، پس اگر از صدقات آنچه را که می‌خواهند به آنها بدهی از تو راضی می‌شوند، اما اگر آنچه را می‌خواهند به آنها ندهی خشم‌شان را آشکار می‌کنند.

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ﴾ [التوبة: ۵۹].

۵۹ و اگر این منافقانی که در تقسیم صدقات به تو ایراد می‌گیرند به آنچه الله برای شان فرض گردانده بود، و آنچه رسولش از صدقات به آنها داده بود راضی می‌شدند،

و می گفتند: الله برای ما کافی است، الله به زودی آنچه را بخواهد از فضل خویش به ما عطا می کند، و رسولش به زودی از آنچه که الله برایش عطا کرده است به ما می دهد، همانا ما فقط به الله مشتاقیم که از فضل خویش به ما عطا کند، اگر آنها این کار را کرده بودند به طور قطع برای شان بهتر بود از اینکه به تو ایراد بگیرند. و چون در تقسیم صدقات به رسول الله ﷺ ایراد گرفتند الله برای تبرئه رسولش، مصارف و مستحقان زکات را برای شان بیان کرد و فرمود:

﴿ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْعَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾
[التوبة: ۶۰].

﴿۶۰﴾ همانا زکات واجب باید پرداخت شود برای فقرا، یعنی نیازمندیانی که مالی از راه پیشه یا شغل دارند، اما برای شان کافی نیست و کفاف امورشان را نمی کند، و برای مساکین، کسانی که تقریباً مالک چیزی نیستند و به سبب اوضاع و احوال یا سخن شان بر مردم پنهان نیستند، و برای مأمورانی که امام، آنها را برای جمع آوری زکات می فرستد، و برای کافران که دل شان به دست آید تا اسلام بیاورند، یا برای کسانی که ایمان ضعیف دارند تا ایمان شان تقویت شود، یا برای کسانی که شرشان با آن دفع شود، و هزینه برای بردگان تا با آن آزاد شوند، و برای کسانی که بدون اسراف و گناه بدهکار شدند اگر نمی توانند بدهی شان را پرداخت کنند، و هزینه برای تجهیز مجاهدان در راه الله، و برای مسافری که توشه اش تمام شده است. انحصار مصرف زکاتها بر این اصناف، فریضه ای از جانب الله است، و الله از مصالح بندگان آگاه است و در تدبیر و تشریح بسیار داناست.

﴿ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤَدُّونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُّ أَدْنَىٰ خَيْرٍ لَّكُمْ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُونَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴾
[التوبة: ۶۱].

﴿۶۱﴾ و از منافقان کسانی هستند که با گفتارشان به رسول الله ﷺ آزار می رسانند، پس آن گاه که بردباری ایشان را ببینند می گویند: همانا او سخن هر کسی را می شنود و باور می کند، و میان حق و باطل تشخیص نمی دهد. - ای رسول - به آنها بگو: همانا رسول چیزی جز خیر نمی شنود، و سخن الله را باور می کند، و آنچه را که مؤمنان

راستین به او خبر دهند باور می‌کند و با آنها مهربان است، زیرا بعثت او رحمتی است برای هرکس که به او ایمان بیاورد، و کسانی که به هر نوع آزاری به او ﷺ می‌رسانند عذابی رنج‌آور دارند.

برخی فواید آیات:

- اموال و فرزندان گاهی سبب عذاب در دنیا، و گاهی سبب عذاب در آخرت هستند، پس بنده باید به گونه‌ای با این دو رفتار کند که مولایش را راضی سازد، آن‌گاه با این دو، نجات مُحَقَّق می‌شود.
- توزیع زکات، به اجتهاد والیان امور موکول است که آن را براساس نیاز اصناف و گستردگی اموال قرار می‌دهند.
- آزاررساندن به رسول ﷺ در اموری که به رسالت او بستگی دارد کفر است و کیفری سخت بر آن مترتب می‌شود.
- سزاوار است که بنده شنوای خیر باشد نه شنوای شر؛ آنچه را که در آن صلاح و خیر است بشنود، و با امتناع و مخالفت، از شنیدن شر و فساد روی بگرداند.

﴿يَخِيفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ﴾
[التوبة: ۶۲].

۶۲ - ای مؤمنان - برای اینکه منافقان شما را از خودشان راضی کنند به الله برای تان سوگند می‌خورند که آنها چیزی نگفته‌اند که پیامبر ﷺ را اذیت کند، درحالی که اگر واقعاً مؤمن هستند، الله و رسولش سزاوارتر هستند که با ایمان و عمل صالح راضی شوند.

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مِنَ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۶۳].

۶۳ آیا این منافقان ندانسته‌اند که آنها با این کارشان با الله و رسولش دشمنی می‌کنند، و هرکس با آن دو دشمنی کند در روز قیامت وارد آتش جهنم می‌شود و برای همیشه در آن می‌ماند؟! این امر خواری و ذلت بزرگی است.

﴿يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تَنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: ۶۴].

۶۴ منافقان می‌ترسند از اینکه الله سوره‌ای بر رسولش فرو فرستد که مؤمنان را از کفری که آنها پنهان می‌کنند آگاه سازد، - ای رسول - بگو: - ای منافقان - بر تمسخر و ریشخند خودتان به دین ادامه دهید، زیرا الله آنچه را پنهان می‌دارید با نزول سوره‌ای یا خیردادن به رسولش از آن، برملا خواهد ساخت.

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ﴾ [التوبة: ۶۵].

۶۵ و - ای رسول - اگر پس از آن که الله تو را از آن آگاه ساخت از منافقان در مورد طعن و دشنامی که به مؤمنان گفتند پیرسی به طور قطع خواهند گفت: ما به مزاح سخن می‌گفتیم و جدی نبودیم، - ای رسول - بگو: آیا الله و آیات او و رسولش را مسخره می‌کردید؟!

﴿لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ [التوبة: ۶۶].

۶۶ این عذرهای دروغین را نیاورید، زیرا کفر را که پنهان می‌کردید با تمسخرکردن

آشکار کرده‌اید، اگر از گروهی از شما به خاطر ترک نفاق و توبه از جانب او و اخلاصش برای الله بگذریم، گروهی از شما را به سبب اصرارشان بر نفاق و توبه نکردنشان از نفاق عذاب می‌کنیم.

﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [التوبة: ۶۷].

﴿۱۷﴾ منافقان، چه مردان و چه زنان، در احوال نفاق یکسان هستند، و آنها برخلاف مؤمنان هستند، زیرا امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند، و در اموالشان بخل می‌ورزند پس آن را در راه الله انفاق نمی‌کنند، و الله را در اطاعت از او رها می‌کنند، پس الله نیز آنها را از توفیق خویش رها کرد، به‌راستی که منافقان از طاعت الله و راه حق به‌سوی معصیت و گمراهی خارج هستند.

﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ [التوبة: ۶۸].

﴿۱۸﴾ الله به منافقان و کافرانی که توبه نکرده‌اند وعده داده است که آنها را وارد جهنمی می‌کند که برای همیشه در آن می‌مانند، این امر برای عذابشان کافی است، و الله آنها را از رحمت خویش رانده است، و عذابی همیشگی دارند.

برخی فواید آیات:

- منافقان کارهای بد و زشت زیادی دارند، از جمله ایراد سوگندهای دروغین، دشمنی با الله و رسولش، ریخشدکردن قرآن و پیامبر ﷺ و مؤمنان، ترسیدن از نزول سوره‌ای در قرآن که حالشان را برملا کند، و عذرآوردنشان به اینکه شوخی و بازی می‌کنند، که این امر اقرار به گناه و بلکه عذری بدتر و قبیح‌تر از گناه است.
- شوخی در دین و احکامش پذیرفتنی نیست، و سرگرمی به سخن باطل در مورد الله متعال و صفاتش و قرآن و رسول کفر به شمار می‌رود.
- نفاق: بیماری‌ای نابودکننده و ریشه‌دار در انسان‌هاست، و افراد مبتلا به این بیماری در هر عصر و زمانی در امر به منکر و نهی از معروف، و خساست و خودداری آنها از انفاق در راه الله برای جهاد، و در حقی که بر آنها واجب است، شبیه یکدیگر هستند.

- جزا از جنس عمل است، پس کسی که اوامر الله را ترک کند و نواهی او تعالی را به جا آورد از رحمت او تعالی رها می شود.

﴿كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالاً وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاصُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [التوبة: ۶۹].

①۹ - ای گروه منافقان - شما در کفر و مسخره کردن همانند امت های تکذیب کننده پیش از خودتان هستید، آنها از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتری بودند، پس از سهم خویش از خوشی ها و شهوات دنیا که برای شان نوشته شده بود بهره مند شدند، پس - ای منافقان - شما نیز از نصیب تان که برای تان مقدر شده بود بهره مند شدید، چنان که امت های تکذیب کننده گذشته از نصیب شان بهره بردند، و در تکذیب حق و طعنه زدن به رسول ﷺ فرو رفتید همان گونه که آنها در تکذیب حق و طعنه زدن به رسولان شان فرو رفتند، اینها که صفات ناپسند مذکور را دارند، همان کسانی هستند که اعمال شان به سبب کفر، نزد الله تباه شد، و آنها زیان کاران هستند که با قراردادن خویش در معرض نابودی، بر خویشان ستم کردند.

﴿أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُظْلَمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [التوبة: ۷۰].

⑦۰ آیا خبر آنچه که امت های تکذیب کننده انجام دادند، و کفری که در مورد آنها اجرا شد به این منافقان نرسیده است: قوم نوح، قوم هود، قوم صالح، قوم ابراهیم، و اصحاب مدین، و قریه های قوم لوط؛ که رسولان شان دلایل آشکار و حجت های واضح برای شان آوردند، پس الله ذاتی نیست که بر آنها ستم کند؛ زیرا رسولان شان به آنها انذار دادند، اما آنها خودشان بودند که به سبب کفر به الله و تکذیب رسولانش که انجام می دادند بر خویشان ستم می کردند.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۱].

﴿۷۱﴾ مردان و زنان مؤمن یاران و مددکاران یکدیگر هستند؛ و ایمان، آنها را متحد کرده است، امر به معروف می‌کنند؛ -معروف هر طاعتی است که نزد الله تعالی محبوب است، مانند توحید و نماز-، و از منکر نهی می‌کنند؛ -منکر هر گناهی است که الله تعالی آن را نمی‌پسندد مانند کفر و ربا-، و نماز را به صورت کامل به بهترین وجه ادا می‌کنند، و از الله، و از رسولش فرمان برداری می‌کنند، اینها که این صفات نیکو را دارند الله به زودی آنها را در رحمت خویش وارد می‌سازد، همانا الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و او تعالی در آفرینش و تدبیر و شرعش بسیار داناست.

﴿وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾
[التوبة: ۷۲].

﴿۷۲﴾ الله به مردان و زنان مؤمن به خویش وعده داده است که روز قیامت آنها را وارد بهشت‌هایی می‌کند که رودها از زیر کاخ‌هایشان جاری است و برای همیشه در آنجا می‌مانند، در آنجا نمی‌میرند و نعمت‌هایشان تمام نمی‌شود، و به آنها وعده داده است که آنها را برای اقامت وارد مسکن‌هایی نیکو در بهشت‌ها می‌کند، و رضایتی که الله بر آنها نازل می‌کند از تمام این موارد بزرگ‌تر است، این پاداش بزرگترین رستگاری است که هیچ رستگاری دیگری با آن برابری نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- سبب عذاب کافران و منافقان در تمام دوران‌ها یک سبب است، و آن ترجیح دنیا بر آخرت و بهره‌جستن از آن، و تکذیب پیامبران ﷺ و مکر و نیرنگ و خیانت به آنها است.
- هلاکت امت‌ها و اقوام نابودشده به سبب کفرشان و تکذیب پیامبران ﷺ توسط آنها، پند و اندرزی برای خردمندان عبرت‌گیرنده است.
- مؤمنان، چه مرد و چه زن، امتی واحد و یکپارچه هستند که به یکدیگر همکاری و یاری می‌رسانند، و دل‌هایشان در محبت و دوستی و مهرورزی به یکدیگر متحد است.

-
- رضایت پروردگار زمین و آسمان‌ها از نعمت‌های بهشتی فراتر است؛ زیرا سعادت روحانی از سعادت جسمانی برتر است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيَبْسُ
الْمَصِيرَ﴾ [التوبة: ۷۳].

۷۳ ای رسول، در برابر کافران با شمشیر، و در برابر منافقان با زبان و استدلال جهاد کن، و بر هر دو گروه سخت بگیر؛ زیرا آنها سزاوار سخت‌گیری هستند، و جایگاهشان در روز قیامت جهنم است، و سرانجام بسیار بدی دارند.

﴿يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكْ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعَذَّبْهُمْ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [التوبة: ۷۴].

۷۴ منافقان سوگند دروغ به الله یاد می‌کنند که: سخنی که از جانب آنها، به تو رسیده است مبنی بر ناسزاگویی به تو و عیبجویی در دینت نگفته‌اند؛ در حقیقت سخنی که از آنها به تو رسیده است و آنها را کافر می‌کند گفته‌اند، و پس از اظهار ایمان، آشکارا کفر نموده‌اند، و به‌طور قطع به ترور پیامبر ﷺ که در آن موفق نشدند تصمیم گرفته‌اند، و تا توانستند بر هر چیزی اعتراض کرده‌اند، درحالی که الله با بی‌نیاز ساختن آنها از غنیمت‌هایی که بر پیامبرش ارزانی بخشید بر آنها لطف کرد، پس اگر از نفاق‌شان به‌سوی الله توبه کنند توبه آنها از ماندن بر نفاق برای‌شان بهتر است، و اگر از توبه به‌سوی الله روی بگردانند، او تعالی آنها را به عذابی دردآور در دنیا با قتل و اسارت، و عذابی رنج‌آور در آخرت با آتش عذاب می‌کند، و یآوری ندارند که آنها را یاری نموده و از عذاب نجات بخشد، و نه هیچ پشتیبانی دارند که عذاب را از آنها دور کند.

﴿* وَمِنْهُمْ مَن عَاهَدَ اللَّهُ لَيْنِ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [التوبة: ۷۵].

۷۵ و از میان منافقان کسانی هستند که با الله پیمان بسته و می‌گویند: اگر الله از فضل خویش به ما ببخشد به‌طور قطع به نیازمندان صدقه می‌دهیم، و از صالحان خواهیم بود.

﴿فَلَمَّا آتَاهُمْ مِّن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [التوبة: ۷۶].

۷۶ اما وقتی الله سبحانه از فضل خویش به آنها بخشید به کاری که در مورد آن با الله عهد بسته بودند وفا نکردند، بلکه اموالشان را بازداشتند و چیزی صدقه ندادند، و با رویگردانی از ایمان پشت کردند.

﴿فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ [التوبة: ۷۷].

۷۷ پس او تعالی به کیفر خلاف کردن آنها با وعده الله، و دروغشان، سرانجام آنها را تا روز قیامت، نفاق ثابت در دل‌هایشان قرار داد.

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ [التوبة: ۷۸].

۷۸ آیا منافقان ندانسته‌اند که الله از کید و مکرری که در مجالسشان پنهان می‌کنند آگاه است، و او سبحانه دانای امور نپنهان است؟ پس ذره‌ای از اعمالشان بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به زودی آنها را در قبال اعمالشان جزا خواهد داد.

﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۷۹].

۷۹ کسانی که به مؤمنانی که داوطلبانه صدقات اندک می‌بخشند ایراد می‌گیرند، همان مؤمنانی که جز چیزی اندک که حاصل تلاششان است نمی‌یابند، و این‌گونه آنها را مسخره می‌کنند که: چه چیزی از صدقه آنها حاصل می‌شود؟! الله به سزای اینکه مؤمنان را به استهزا می‌گیرند آنها را به استهزا می‌گیرد، و عذابی رنج‌آور برای‌شان است.

برخی فواید آیات:

- وجوب جهاد با کافران و منافقان؛ جهاد با کافران با دست و سایر انواع سلاح های جنگی، و جهاد با منافقان با حجت و زبان است.
- منافقان بدترین مردم هستند؛ زیرا خیانتکارانی هستند که نیکی را با بدی پاسخ می‌دهند.
- این آیات دلالت دارند بر اینکه شکستن پیمان و خُلف وعده، موجب نفاق می‌شود، پس بر مسلمان واجب است در خودداری از این کار، نهایت تلاشش را به کار گیرد.
- در آیات فوق، ستایشی است بر توان بدنی و کار، و اینکه جایگزین مال است. این امر، وسیلهٔ سنجش ثروت عمومی و بالا بردن مقام کارگر به شمار می‌رود.

﴿سْتَغْفِرُ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ [التوبة: ۸۰].

۸۰ - ای رسول - برای شان آمرزش طلب کنی یا طلب آمرزش نکنی، اگر هفتاد بار هم برای شان آمرزش بخواهی، با وجود فراوانی طلب آمرزش، الله هرگز آنها را نخواهد بخشید؛ زیرا آنها به الله و رسولش کافر هستند، و الله کسانی را که به عمد و قصد از شریعت خارج شدند به حق توفیق نمی دهد.

﴿فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ﴾ [التوبة: ۸۱].

۸۱ منافقان متخلف از غزوه تبوک، از برنخاستن خویش برای جهاد در راه الله که با رسول الله ﷺ مخالفت کردند خوشحال شدند، و از اینکه همانند مؤمنان با اموال و جان های شان در راه الله جهاد کنند ناخشنود بودند، و چون غزوه تبوک در زمان گرما بود برای بازداشتن برادران منافق خویش گفتند: در گرما سفر نکنید، - ای رسول - به آنها بگو: اگر دانا بودند می فهمیدند که آتش جهنم که منتظر منافقان است از این گرما که از آن فرار کردند سوزان تر است.

﴿فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [التوبة: ۸۲].

۸۲ پس این منافقان متخلف از جهاد، به سبب کفر و معاصی و گناهی که در دنیا کسب می کردند باید در زندگی فانی دنیای شان کم بختند، و در زندگی باقی آخرت شان زیاد بگریند.

﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذِنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْفُجُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ﴾ [التوبة: ۸۳].

۸۳ پس - ای پیامبر - اگر الله تو را به گروهی از این منافقان که بر نفاق شان ثابت ماندند بازگرداند، آن گاه از تو اجازه خروج به همراه تو در غزوه ای دیگر را خواستند، به آنها بگو: - ای منافقان - به خاطر مجازات تان و پرهیز از مفسد ناشی از همراهی شما، هرگز به همراه من، برای جهاد در راه الله خارج نخواهید شد، زیرا به نشستن

و تخلف از غزوه تبوک راضی شده‌اید، پس بنشینید و همراه بازماندگان، از جمله بیماران و زنان و کودکان، بمانید.

﴿وَلَا تَصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [التوبة: ۸۴].

۸۴) و -ای رسول- هرگز بر هیچ‌یک از مردگان منافقان نماز نگزار، و برای دعای طلب آمرزش برای او بر سر قبرش نیست، زیرا آنها به الله و رسولش کفر ورزیدند، و در حال نافرمانی از الله مُردند، و هرکس که چنین باشد نه بر او نماز گزارده می‌شود و نه برایش دعا می‌شود.

﴿وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ [التوبة: ۸۵].

۸۵) و -ای رسول- نه اموال این منافقان تو را به شگفت آورد و نه فرزندان‌شان، همانا الله می‌خواهد آنان را به وسیلهٔ اموال و فرزندان‌شان در زندگی دنیا عذاب کند، و این عذاب با رنج و مصیبت‌هایی است که در راه اموال و فرزندان متحمل می‌شوند، و می‌خواهد که در حالی ارواح‌شان را از بدن‌های‌شان درآورد که بر کفرشان قرار دارند.

﴿وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الصَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ﴾ [التوبة: ۸۶].

۸۶) و هرگاه الله سوره‌ای بر پیامبرش محمد ﷺ نازل کند که امر به ایمان به الله و جهاد در راه او تعالی را دربرداشته باشد، ثروتمندان و توانگران‌شان برای نرفتن به جهاد از تو اجازه می‌خواهند، و می‌گویند: ما را رها کن تا همراه معذوران همانند ضعیفان و زمین‌گیران بنشینیم.

برخی فواید آیات:

- کافر تا زمانی که کافر است نه استغفار به او نفع می‌رساند و نه عمل.
- این آیات بر کوتاه‌نظری انسان دلالت دارند، زیرا انسان اغلب به حال و واقعیتی که در آن قرار دارد می‌نگرد، و به آینده و حوادثی که از واقعیت موجود به دست می‌آید توجهی ندارد.

- سستی در طاعت آن گاه که وقتش برسد، سبب کیفر الله و بازداشتن بنده از انجام طاعت و محرومیت از فضل آن توسط او تعالی است.
- این آیات، بر مشروعیت نماز بر مؤمنان، و زیارت قبرهایشان و دعا برای آنها پس از مرگشان به همان روشی که پیامبر ﷺ این کار را در مورد مؤمنان انجام داد، دلالت دارد.

﴿رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [التوبة: ۸۷].

﴿۸۷﴾ وقتی این منافقان راضی شدند همراه معذورها تخلف کنند، (در واقع) به ذلت و خواری خویش راضی شدند و به سبب کفر و نفاقشان الله بر دل‌هایشان مهر زد، پس آنها نمی‌دانند که مصلحتشان در چه چیزی است.

﴿لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيكَ لَهُمُ الْحَيَاتِ وَأَوْلِيكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [التوبة: ۸۸].

﴿۸۸﴾ اما رسول ﷺ و مؤمنان همراهش مانند اینها از جهاد در راه الله تخلف نورزیدند، بلکه با اموال و جان‌هایشان در راه الله جهاد کردند، و جزای‌شان نزد الله کسب منافع دنیوی برای‌شان مانند پیروزی و غنیمت‌ها، و کسب منافع اخروی از جمله ورود به بهشت، و دستیابی به مطلوب و نجات از ترس و هلاکت است.

﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۸۹].

﴿۸۹﴾ الله برای آنها بهشت‌هایی را آماده ساخته است که از زیر کاخ‌هایش نهرها جاری است و همیشه در آن می‌مانند، و مرگ به آنها نمی‌رسد، این پاداش، بزرگترین رستگاری است که هیچ رستگاری‌ای با آن برابری نمی‌کند.

﴿وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۹۰].

﴿۹۰﴾ و گروهی از بادیه‌نشینان مدینه و پیرامون آن برای عذرخواهی نزد رسول الله ﷺ آمدند؛ تا به آنها اجازه ترک خروج و جهاد در راه الله دهد، و گروهی دیگر که به سبب عدم تصدیق پیامبر ﷺ و عدم ایمان به وعده‌های الله، هرگز برای تخلف از خروج عذرخواهی نمودند؛ به زودی به اینها به سبب این کفرشان عذابی رنج‌آور و دردآور خواهد رسید.

﴿لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التوبة: ۹۱].

﴿۹۱﴾ زنان و کودکان و بیماران و ناتوانان و کوران و فقیرانی که مالی برای هزینه کردن نمی‌یابند که با آن خودشان را تجهیز کنند، بر تمامی این گروه‌ها گناهی در تخلف از خروج نیست؛ زیرا عذرهایشان موجه است، اگر برای الله و رسولش

اخلاص ورزند، و به شریعت او تعالی عمل کنند، راهی برای مجازات نیکوکاران این معذورین نیست، و الله گناهان نیکوکاران را می‌آمرزد، و نسبت به آنها مهربان است.

﴿وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾ [التوبة: ۹۲].

۹۲ و - ای رسول - نیز گناهی نیست بر آن بازماندگانی که وقتی برای طلب سواری ها نزد تو آمدند که آنها را بر آن سوار کنی، به آنها گفتی: سواری ای نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم؛ به تو پشت کردند درحالی که از افسوس بر اینکه نزد خودشان یا نزد تو چیزی برای هزینه نیافته‌اند از چشمانشان سیل اشک روان بود.

﴿* إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [التوبة: ۹۳].

۹۳ پس از معافیّت معذوران، کسانی را که سزاوار مجازات و مؤاخذه هستند بیان نمود و فرمود: - ای رسول - همانا راه کیفر و مؤاخذه بر کسانی باز است که از تو در حالی برای ترک جهاد اجازه می‌خواهند که به علت دارابودن آنچه با آن تجهیز شوند قادر به جهادکردن هستند، و خواری و ذلت را برای خودشان راضی شدند به این ترتیب که همراه بازماندگان در خانه‌ها بمانند، و الله بر دل‌هایشان مهر زد. پس هیچ اندرزی بر دل‌هایشان اثر نمی‌گذارد، و آنها به سبب این مهر، نمی‌دانند که مصلحت‌شان در چه چیزی است تا آن را انتخاب کنند، و تباهی‌شان در چه چیزی است تا از آن پرهیزند.

برخی فواید آیات:

- مجاهدان در دنیا خیرها را کسب خواهند کرد، و اگر این امر را به دست نیاورند با بهشت و نجات از عذاب در آخرت رستگار می‌شوند.
- اساساً اگر کسی از روی لطف به مردم نیکی کند در صورتی که کوتاهی از جانب او سر بزند مؤاخذه نمی‌شود.
- هرکس خیر را نیت کند، و تلاشی را که در توان دارد با نیت جازم خویش همراه گرداند، سپس قادر (به انجام آن) نگردد، در جایگاه انجام‌دهنده آن کاری که قصد کرده، قرار می‌گیرد.
- اسلام، دین عدالت و منطقی است؛ از این رو مجازات و گناه را بر منافقان اجازه گیرنده که ثروتمند بودند و توان جهاد با مال و جان را داشتند واجب گرداند.

﴿يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ
مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ۹۴].

﴿۹۴﴾ هنگام بازگشت مسلمانان از جهاد، منافقان متخلف از جهاد عذرهایی واهی برای شان عرضه می‌کنند، و الله به پیامبرش و مؤمنان سفارش می‌کند که این‌گونه به آنها پاسخ دهند: عذرهای دروغین نیاورید، هرگز در آنچه به ما خبر می‌دهید شما را تصدیق نخواهیم کرد، زیرا الله ما را از آنچه در نفس‌های‌تان وجود دارد، آگاه ساخته است، و الله و رسولش به زودی خواهند دید که: آیا توبه می‌کنید، تا الله توبه شما را بپذیرد، یا بر نفاق‌تان ادامه می‌دهید؟ سپس به سوی الله که از هر چیزی آگاه است بازگردانده می‌شوید، آن‌گاه شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد، و شما را در قبال آن مجازات می‌کند، پس به توبه و عمل صالح اقدام کنید.

﴿سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِنُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ
رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [التوبة: ۹۵].

﴿۹۵﴾ - ای مؤمنان - این متخلفان آن‌گاه که نزدشان بازگردید برای تقویت عذرهای باطل‌شان به الله سوگند خواهند خورد، تا از سرزنش و توبیخ آنها خودداری کنید، پس مانند شخص خشمگین آنها را رها کنید و از آنها دوری گزینید، زیرا آنها نجس‌هایی هستند که باطن‌پلیدی دارند، و به سزای نفاق و گناهایی که کسب می‌کنند جایگاه‌شان که به آن پناه می‌برند جهنم است.

﴿يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ
الْفَاسِقِينَ﴾ [التوبة: ۹۶].

﴿۹۶﴾ - ای مؤمنان - این متخلفان از جهاد برای‌تان سوگند یاد می‌کنند تا از آنها راضی شوید، و عذرهای‌شان را بپذیرید، اما از آنها راضی نشوید، زیرا اگر از آنها راضی شوید با پروردگارتان مخالفت کرده‌اید، چون او تعالی از گروهی که با کفر و نفاق از طاعت او تعالی خارج شده‌اند راضی نمی‌شود؛ پس - ای مسلمانان - برحذر باشید از اینکه از کسی که الله از او راضی نمی‌شود راضی شوید.

﴿الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۹۷].

④۷ بادیه‌نشینان اگر کفر یا نفاق ورزند، کفر و نفاق‌شان سخت‌تر از کفر و نفاق شهرنشینان است، و آنها سزاوارترند که به دین جهل داشته باشند، و مستحق‌تر هستند از اینکه فرایض و سنن و ضوابط احکام را که الله بر رسولش نازل فرموده است ندانند؛ زیرا سخت و خشن هستند و معاشرت کمی دارند، و الله از احوال‌شان آگاه است، به گونه‌ای که ذره‌ای از احوال‌شان بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و او تعالی در تدبیر و شرعش بسیار داناست.

﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمُ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۹۸].

④۸ و از منافقان بادیه‌نشین کسانی هستند که اعتقاد دارند مالی را که در راه الله انفاق می‌کنند زیان و غرامت است؛ زیرا می‌پندارند که اگر انفاق کنند پاداش داده نمی‌شوند، و اگر از انفاق خودداری کنند الله آنها را کیفر نمی‌کند، اما با این وجود گاهی از روی ریا و تقیه انفاق می‌کنند، و -ای مؤمنان- منتظر هستند که پیشامد ناگواری بر شما نازل شود تا از شما رهایی یابند. اما الله پیشامدهای ناگوار و چرخش روزگار به آنچه که سرانجام نیکویی ندارد را که آنها آرزو می‌کنند بر مؤمنان واقع شود، بر خود آنها واقع ساخته است نه بر مؤمنان؛ و الله سخنان آنها را می‌شنود، و از آنچه که پنهان می‌کنند آگاه است.

﴿وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التوبة: ۹۹].

④۹ و از بادیه‌نشینان کسی است که به الله و روز قیامت ایمان دارد، و مالی را که در راه الله انفاق می‌کند به عنوان عبادتی انجام می‌دهد که به وسیله آنها به الله نزدیکی صورت می‌گیرد، و آن را وسیله‌ای برای دستیابی به دعا و طلب آمرزش رسول ﷺ برای خودش قرار می‌دهد، همانا انفاق او در راه الله و دعای رسول ﷺ برایش، عباداتی برای او نزد الله است، که به زودی ثوابش را نزد او تعالی خواهد

یافت به این ترتیب که الله او را در رحمت گسترده خویش که شامل مغفرت و بهشت او تعالی است وارد می‌سازد. همانا الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

برخی فواید آیات:

- میدان عمل و تکالیف، بهترین گواه بر تشخیص راستگویی و دروغگویی منافقان است.
- به سبب تأثیر محیط، اگر بادیه‌نشینان کفر ورزند کفر و نفاق‌شان سخت‌تر از شهرنشینان است.
- تشویق بر انفاق در راه الله همراه با اخلاص نیت، و بزرگی مزد کسی که این کار را انجام دهد.
- فضیلت علم، و اینکه کسی که علم ندارد به خطا نزدیک‌تر است.

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ کسانی که نخستین بار به ایمان پیشی گرفتند، چه مهاجران که از خانه و سرزمین‌شان به سوی الله مهاجرت کردند، و چه انصار که پیامبرش را یاری رساندند، و کسانی که در اعتقاد و اقوال و افعال از مهاجران و انصار پیشگام به ایمان، به نیکی پیروی کردند - الله از آنها راضی شد پس طاعت‌شان را قبول کرد، و آنها از او تعالی راضی شدند چون پاداش بزرگش را به آنها اعطا کرده است، و بهشت‌هایی را که در زیر کاخ‌هایش نهرها جاری است، و جاودانه در آن می‌مانند، برای‌شان آماده کرده است، این پاداش همان رستگاری بزرگ است.

﴿وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَىٰ التِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَهُمْ سُنَّعَدْبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾ [التوبة: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ و برخی از بادیه‌نشینان نزدیک مدینه منافق هستند و از ساکنان مدینه منافقانی هستند که بر نفاق خویش ادامه داده و بر آن پایدار مانده‌اند، - ای رسول - تو آنها را نمی‌شناسی الله همان ذاتی است که آنها را می‌شناسد، و به زودی دو بار آنها را مجازات خواهد کرد: یک بار در دنیا با برملا ساختن نفاق و قتل و اسارت‌شان، و بار دیگر در آخرت با عذاب قبر، سپس در روز قیامت به عذابی بزرگ در پایین‌ترین طبقه جهنم بازگردانده می‌شوند.

﴿وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ و از ساکنان مدینه گروهی هستند که بدون عذر از جهاد تخلف ورزیدند، پس علیه خویش اقرار کردند که عذری نداشته‌اند، و عذرهایی دروغین نیاوردند، و اعمال صالح گذشته خودشان از انجام طاعت الله، و تمسک به احکام او تعالی، و جهاد در راه الله را با عمل بد درآمیخته‌اند، آنها به الله امید دارند که توبه‌شان را بپذیرد و از آنها درگذرد، همانا الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۰۳].

۱۳- ای رسول - از اموال آنها زکاتی بگیر تا آنها را با آن از پلیدی‌های معاصی و گناهان پاکیزه سازی، و نیکی‌های‌شان را رشد دهی، و پس از گرفتن زکات از آنها برای‌شان دعا کن، زیرا دعای تو رحمت و آرامشی برای‌شان است، و الله دعای تو را می‌شنود، و از اعمال و نیت‌های آنها آگاه است.

﴿أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [التوبة: ۱۰۴].

۱۴- تا این متخلفان از جهاد و توبه‌کنندگان بدانند که الله توبه آن بندگان را که به سوی او توبه کنند می‌پذیرد، و اینکه صدقات را می‌پذیرد هر چند از آنها بی‌نیاز است، و پاداش صدقه را به صدقه‌دهنده می‌دهد، و اینکه او سبحانه توبه بندگان توبه‌کارش را می‌پذیرد، و نسبت به آنها بسیار مهربان است.

﴿وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ۱۰۵].

۱۵- و ای رسول - به این متخلفان از جهاد و توبه‌کنندگان از گناهان‌شان بگو: زیان آنچه را که از دست دادید جبران کنید، و اعمال‌تان را برای الله خالص گردانید، و اعمالی را که سبب رضایت او تعالی است انجام دهید، زیرا الله و رسولش و مؤمنان، اعمال شما را خواهند دید، و در روز قیامت به‌سوی پروردگارتان که از هر چیزی آگاه است، و آنچه را پنهان یا آشکار می‌کنید می‌داند، و شما را از آنچه که در دنیا انجام می‌دادید باخبر خواهد کرد، و جزای آن را به شما خواهد داد، بازگردانده می‌شوید.

﴿وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۰۶].

۱۶- و از متخلفان از غزوه تبوک، گروهی دیگر هستند که عذری نداشته‌اند، که قضا و حکم الله در مورد آنها به تأخیر افتاده است، و هر حکمی که بخواهد در مورد آنها صادر می‌کند: یا آنها را عذاب می‌کند در صورتی که به‌سوی او تعالی توبه نکنند، و

یا توبه‌شان را می‌پذیرد اگر توبه کنند، و الله می‌داند چه کسی سزاوار کیفرش و چه کسی سزاوار بخشش اوست، و در شرع و تدبیرش بسیار داناست. افراد مورد نظر، مُرَاةَ بن رَبِیع، کعب بن مالک و هلال بن اُمیّه هستند.

برخی فواید آیات:

- فضیلت شتافتن به سوی ایمان، و هجرت در راه الله، و یاری کردن دین، و پیروی از راه سلف صالح.
- اختصاص علم غیب فقط برای الله؛ زیرا فقط الله است که از آنچه در دل هاست آگاهی دارد.
- امیدواری مؤمنان گناهکار به اینکه اگر توبه کنند و عمل‌شان را اصلاح نمایند الله توبه‌شان را می‌پذیرد و گناهان‌شان را می‌آمرزد.
- وجوب زکات و بیان فضیلت آن و تأثیرش در رشد مال و پاک کردن نفوس از بخل و سایر آفات.

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾
[التوبة: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ و از منافقان کسانی دیگر هستند که مسجدی را برای غیر طاعت الله، بلکه برای ضرر رساندن به مسلمانان، و یاری رساندن کفر با تقویت اهل نفاق، و پراکندگی میان مؤمنان، و آماده کردن و چشم به راه بودن کسی که قبل از ساختن مسجد با الله و رسولش به جنگ برخاسته بود بنا کردند، و این منافقان به شما سوگند یاد می‌کنند که: قصدی جز سود رساندن به مسلمانان نداشتیم، و الله گواهی می‌دهد که آنها در این ادعای‌شان دروغگو هستند.

﴿لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ - ای پیامبر - مسجدی که چنین صفتی دارد، دعوت منافقان را برای اینکه در آن نماز بگزاری اجابت نکن، زیرا مسجد قبا که از ابتدا بر تقوا بنا شده است از این مسجد که بر کفر بنا شده سزاوارتر است که در آن نماز بگزاری، در مسجد قبا مردانی هستند که دوست دارند از احداث (بی‌وضویی و بی‌غسلی) و اخبث (ناپاکی‌ها) با آب، و از گناهان با توبه و استغفار پاک شوند، و الله پاکیزه‌شدگان از احداث و اخبث و گناهان را دوست دارد.

﴿أَقَمْنَا أُسُسَ بُنْيَانِهِ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أُسَسَ بُنْيَانُهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [التوبة: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ آیا کسی که بنیانش را بر تقوای الهی با اجرای اوامر، و اجتناب از نواهی او، و رضایت الله با گسترش در اعمال نیکو بنا نهاده است یکسان است با کسی که مسجدی برای ضرر رساندن به مسلمانان و تقویت کفر، و پراکندگی میان مؤمنان بنا نهاده است؟! این دو هرگز یکسان نیستند، زیرا بنیان اولی قوی و منسجم است که از سقوط آن نمی‌ترسد، و مثال دومی مانند مثال کسی است که بنیانش را بر لبه پرتگاهی بنا نهاده که منهدم شده و سقوط می‌کند، آن‌گاه بنیانش او را در قعر جهنم فرو می‌برد، و الله قوم ستمکار را به سبب کفر و نفاق و غیر آن، توفیق نمی‌دهد.

﴿لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۰].

﴿۱۱﴾ مسجدشان که آن را برای ضرر رساندن بنا کردند همیشه در دل‌های‌شان مایهٔ شک و نفاق است تا اینکه دل‌های‌شان با مرگ یا قتل با شمشیر پاره پاره شود، و الله از اعمال بندگانش آگاه است، و در آنچه که حکم می‌کند، چه جزا به خیر یا شر، بسیار داناست. الله پس از آشکار کردن بدی‌های منافقان متخلف از جهاد، پاداش مجاهدان در راه خویش را ذکر فرموده است:

﴿* إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبة: ۱۱۱].

﴿۱۱﴾ همانا الله از مؤمنان جان‌های‌شان را - از روی لطف خویش؛ با وجود اینکه آنها ملک خود او تعالی هستند - به بهایی گران یعنی بهشت خریده است، چون با کفار می‌جنگند تا سخن الله برتر باشد، سپس کفار را می‌کشند، و کفار آنها را می‌کشند، الله این پاداش را به وعدهٔ حقی در تورات، کتاب موسی عليه السلام؛ و انجیل، کتاب عیسی عليه السلام؛ و کتاب محمد ص وعده داده است، و هیچ‌کس از الله سبحانه وفادارتر به عهد خویش نیست؛ پس - ای مؤمنان - به معامله‌ای که با الله کرده‌اید شاد و خوشحال باشید، زیرا سود زیادی در آن برده‌اید، و این معامله همان رستگاری بزرگ است.

برخی فواید آیات:

- محبت الله برای پاک شدگان از نجاست‌های بدنی و روحی ثابت است.
- کسی که عملی را به هدف رضایت الله انجام دهد، با کسی که عملش را به هدف یاری کفر و جنگ با مسلمانان انجام دهد یکسان نیست؛ زیرا عمل اولی است که می‌ماند و صاحبش را به سعادت می‌رساند، اما عمل دومی نابود می‌شود و صاحبش را بدبخت می‌کند.
- مشروعیت جهاد و تشویق بر آن در ادیان پیش از اسلام نیز وجود داشته است.
- هر حالتی که به پراکندگی مؤمنان منجر شود، از گناहانی است که ترک آن واجب است، چنان‌که هر حالتی که منجر به اجتماع و ائتلاف مؤمنان شود، پیروی از آن و امر و تشویق بر آن واجب است.

﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ اینها که این پاداش را به دست آورده‌اند همان کسانی هستند که از آنچه الله نمی‌پسندد و از آن به خشم می‌آید به آنچه او تعالی دوست دارد و از آن راضی می‌شود برمی‌گردند، همان کسانی که از خشیت الله و از روی تواضع فروتنی کردند پس در طاعت او تعالی کوشیدند. ستایش‌گران پروردگارش در همه حال، روزه داران، نمازگزاران، امرکنندگان به آنچه الله یا رسولش به آن فرمان داده‌اند، نهی‌کنندگان از آنچه الله و رسولش از آن نهی کرده‌اند، پاسداران اوامر الله با انجام آنها، و پاسداران نواهی او تعالی با ترک آنها، - ای رسول - مؤمنان متصف به این صفات را به آنچه آنها را در دنیا و آخرت راضی می‌سازد، خبر بده.

﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا
تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ نه برای پیامبر ﷺ سزاوار است و نه برای مؤمنان که از الله برای مشرکان آمرزش بخواهند، هر چند نزدیکان‌شان باشند، پس از آن‌که برای‌شان مشخص شد آنها به سبب مرگ‌شان در حال شرک جهنمی هستند.

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ
لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ و طلب آمرزش از سوی ابراهیم برای پدرش نبود جز به سبب وعده‌ای که به او داده بود تا آمرزش را برایش بخواهد؛ به این امید که اسلام بیاورد، اما وقتی به دلیل فایده نداشتن نصیحت برای پدرش، یا به دلیل آگاهی ابراهیم از طریق وحی به اینکه پدرش در حال کفر می‌میرد و مشخص شد که پدرش دشمن الله است، از او بیزاری جست، و آمرزش خواستن ابراهیم عليه السلام برای پدرش اجتهادی از جانب او بود، نه مخالفتی با حکمی که الله به سوی او وحی کرده بود، به راستی که ابراهیم بسیار نیایش‌کننده به سوی الله، و بسیار بخشنده و گذشت‌کننده از قوم ستمکارش بود.

﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۵].

و الله نمی خواهد برای قومی به گمراهی حکم کند پس از اینکه آنها را به هدایت توفیق داد مگر اینکه محرماتی را که باید از آن اجتناب کنند برای شان بیان کرده باشد. پس اگر پس از بیان تحریم آنچه که برای شان حرام کرده است آنها را مرتکب شدند به گمراهی آنها حکم کرده است. همانا الله از هر چیزی آگاه است، و ذره‌ای بر او پوشیده نمی ماند، و شما را از آنچه که نمی دانستید آگاه کرده است.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [التوبة: ۱۱۶].

همانا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است، و در آن دو هیچ شریکی ندارد، در آن دو هیچ امر پنهانی بر او پوشیده نمی ماند، هرکس را که زنده کردنش را بخواهد زنده می گرداند، و هرکس را که مردنش را بخواهد می میراند، و -ای مردم- غیر از الله هیچ دوست و کارسازی ندارید که کارهای تان را به عهده بگیرد، و هیچ یآوری جز او تعالی ندارید که آسیب را از شما دفع کند، و شما را بر دشمن تان پیروز گرداند.

﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۷].

همانا الله پیامبرش محمد ﷺ را بخشیده است آن گاه که به منافقان در تخلف از غزوه تبوک اجازه داد. و مهاجران و انصار را نیز بخشیده است؛ زیرا از او تخلف نورزیدند، بلکه با وجود گرمای زیاد، و کمی مال، و با وجود نیروی زیاد دشمنان، او را در غزوه تبوک پیروی کردند. پس از آن که نزدیک بود به سبب سختی بزرگی که در آن بودند دل‌های گروهی از آنها منحرف شود و به ترک پیکار تصمیم گرفتند، سپس الله آنها را به پایداری و خروج برای پیکار توفیق داد، و آنها را بخشید، همانا او سبحانه نسبت به آنها بسیار بخشنده و مهربان است، و از جمله رحمت او تعالی این است که به آنها توفیق توبه داد و توبه‌شان را پذیرفت.

برخی فواید آیات:

- بطلان استدلال به جواز طلب آموزش برای مشرکان با کار ابراهیم علیه السلام.
- گناهان و معاصی، سبب مصیبت‌ها و خواری و عدم توفیق است.
- الله مالک الملک و دوست و کارساز ماست، و هیچ دوست و یآوری جز او تعالی نداریم.
- بیان برتری اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بر سایر مردم.

﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [التوبة: ۱۱۸].

۱۱۸ و به راستی که الله آن سه نفر یعنی کعب بن مالک، مُرَازَة بن رَبِيع و هِلَال بن أُمِيَّة را بخشیده است؛ همان سه نفری که پس از تخلف آنها از خروج همراه رسول الله ﷺ به سوی تبوک، از پذیرش توبه جا مانده بودند و قبول توبه‌شان به تأخیر افتاد، آن‌گاه پیامبر ﷺ به مردم دستور داد تا با آنها قطع رابطه کنند، و به سبب این امر غم و اندوهی به آنها رسید تا جایی که زمین با وجود گستردگی‌اش برای‌شان تنگ شد، و به سبب وحشتی که برای‌شان حاصل گشت سینه‌های‌شان تنگ گردید، و دانستند که جز به سوی الله یگانه، پناهگاهی برای پناه بردن به آن ندارند، پس الله بر آنها رحم کرد که توفیق توبه به آنها داد. سپس توبه‌شان را پذیرفت. همانا او نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ [التوبة: ۱۱۹].

۱۱۹ ای کسانی که ایمان آورده‌اید و از رسولش پیروی نموده و به شریعتش عمل کرده‌اید، با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید، و با راستان در ایمان و اقوال و اعمال‌شان باشید، زیرا هیچ وسیله نجات و رهایی‌ای جز راستی برای‌تان نیست.

﴿مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [التوبة: ۱۲۰].

۱۲۰ ساکنان مدینه و بادیه نشینان پیرامون آن را نسزد که از رسول الله ﷺ هنگامی که خودش برای جهاد خارج شود تخلف ورزند، و آنها را نسزد که نسبت به جان خویش بخل ورزند، و جان خودشان را در برابر جان رسول الله ﷺ محافظت کنند، بلکه بر آنها واجب است که جان‌شان را به جای جان او ببخشند؛ زیرا هیچ عطش، و سختی و رنجی در راه الله بر آنها نمی‌رسد، و در هیچ مکانی که وجودشان در آنجا

خشم کفار را به جوش می آورد فرود نمی آیند، و از جانب دشمن هیچ قتل یا اسارت یا غنیمت یا شکستی به آنها نمی رسد - مگر اینکه الله به سبب آن، برای شان پاداش عملی صالح و پذیرفته شده می نویسد، همانا الله مزد نیکوکاران را تباه نمی سازد، بلکه آن را به صورت کامل به آنها می دهد، و بر مزدشان می افزاید.

﴿وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ و هیچ مالی، چه کم چه زیاد، نمی بخشند، و از هیچ دره ای نمی گذرند مگر اینکه هر بخشش و سفری که انجام می دهند برای شان نوشته می شود تا الله پاداش آن را برای شان بدهد، پس در آخرت پاداش نیکوترین عملی را که انجام می دادند برای شان عطا می کند (یعنی پاداششان برحسب نیکوترین اعمالشان سنجیده می شود).

﴿* وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ و برای مؤمنان شایسته نیست که همگی برای قتال خارج شوند تا اگر دشمن شان بر آنها پیروز شد از ریشه کنده نشوند، پس چرا گروهی از آنها برای جهاد خارج نمی شوند، و گروهی باقی نمی ماندند تا با رسول الله ﷺ همراهی کنند، و به سبب آنچه از قرآن و احکام شرع که از او می شنوند در دین آگاهی پیدا کنند، و قوم شان را هنگامی که به سوی شان بازگشتند با آنچه که آموخته اند انذار کنند، امید است که از عذاب و کیفر الله بترسند، آن گاه اوامرش را اجرا، و از نواهی اش اجتناب کنند. این امر در مورد سریه هایی بود که رسول الله ﷺ به سوی نواحی می فرستاد، و گروهی از اصحابش را برای این کار انتخاب می کرد.

برخی فواید آیات:

- وجوب تقوای الله و راستگویی؛ و اینکه این دو، سبب نجات از نابودی هستند.
- بزرگی فضیلت انفاق در راه الله.
- مثل وجوب تفقه در دین مانند جهاد است، و اینکه جز با این دو همراه هم، دین برپا نمی شود.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ [التوبة: ۱۲۳].

۱۲۳) الله تعالی به مؤمنان فرمان داده است تا با کافران مجاور خویش قتال کنند؛ زیرا به سبب نزدیکی شان موجب خطر برای مؤمنان می شوند، و هم چنین به مؤمنان فرمان داده است تا برای ترساندن و دفع شر آنها از خودشان قدرت و خشونت نشان دهند، و الله تعالی با یاری و تأیید خویش همراه مؤمنان پرهیزکار است.

﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هِذِهِ إِيْمَانًا فَآمَّا الَّذِينَ آمَنُوا
فَزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۴].

۱۲۴) و هرگاه الله سوره ای بر رسولش نازل کند از میان منافقان کسی است که از روی تمسخر و ریشخند می پرسد: این سوره نازل شده، بر ایمان کدام یک از شما به آنچه محمد ﷺ آورده است افزود؟ اما کسانی که به الله ایمان آورده اند و رسولش را تصدیق کرده اند نزول سوره، ایمانی بر ایمان سابق شان افزوده است، و آنها از آنچه از وحی نازل شده است شادمانند، زیرا منافع دنیوی و اخروی شان در آن وجود دارد.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ﴾
[التوبة: ۱۲۵].

۱۲۵) و اما منافقان به سبب تکذیب شان بر آنچه نازل می شود، نزول قرآن با احکام و قصصی که در آن وجود دارد، بر بیماری و پلیدی شان می افزاید. پس بیماری دل های شان با افزایش نزول قرآن افزوده می شود؛ زیرا هرگاه چیزی نازل شود به آنچه در آن است تردید می کنند و در حال کفر می میرند.

﴿أُولَٰئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ
يَذَكَّرُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۶].

۱۲۶) آیا منافقان برای عبرت گیری نمی بینند که الله سالی یک یا دو بار آنها را با کشف حال شان و رسوا ساختن نفاق شان می آزماید؟! سپس با وجود اینکه می دانند الله تعالی این کار را در مورد آنها انجام می دهد از کفرشان به سوی او توبه نمی کنند، و از نفاق شان دست نمی کشند، و از آنچه که به آنها می رسد و اینکه از جانب الله است پند نمی گیرند!

﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [التوبة: ۱۲۷].

﴿۱۲۷﴾ و هرگاه الله سوره‌ای بر رسولش نازل کند که در آن احوال منافقان بیان شده باشد منافقان به یکدیگر می‌نگرند و می‌گویند: آیا کسی شما را می‌بیند؟ پس اگر کسی آنها را نبیند از مجلس بازمی‌گردند، بدانید الله دل‌های‌شان را از هدایت و خیر بازگرداند، و آنها را یاری نکرد، چون گروهی هستند که نمی‌فهمند.

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۲۸].

﴿۱۲۸﴾ - ای گروه عرب - رسولی از جنس خودتان نزد شما آمده است، یعنی مانند شما عربی است، و آنچه برای شما مشقت‌آور باشد بر او دشوار است، و برای هدایت و توجه به شما تمایل زیادی دارد، و او به‌خصوص نسبت به مؤمنان بسیار مهربان و دلسوز است.

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [التوبة: ۱۲۹].

﴿۱۲۹﴾ پس اگر از تو روی گردانند، و به آنچه آورده‌ای ایمان نیاورند، - ای رسول - به آنها بگو: الله برایم کافی است همان ذاتی که معبود برحقى جز او نیست، فقط بر او اعتماد کرده‌ام، و او سبحانه پروردگار عرش بزرگ است.

برخی فواید آیات:

- وجوب آغاز قتال با کافران نزدیک‌تر آن‌گاه که ریشهٔ اسلام جا بگیرد، و نیاز به این کار احساس شود.
- بیان حالت انتظار و اضطراب منافقان هنگام نزول قرآن بر آنها.
- بیان مهربانی پیامبر ﷺ به مؤمنان و تقلاى شدید برای (رستگاری) آنها.
- آیات فوق دلالت دارند بر اینکه ایمان زیاد و کم می‌شود، و اینکه مؤمن باید بر ایمان خودش سرکشی و مواظبت نماید تا آن را تجدید کند و رشد دهد، تا همیشه در حال صعود باشد.

سوره یونس

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

مبارزه با تکذیب کنندگان وحی با دلایل و برهان‌ها، و دعوت آنها به ایمان با ترغیب و ترهیب.

تفسیر:

﴿الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ [یونس: ۱].

﴿الر﴾ سخن در مورد حروف مقطعه، در ابتدای سوره بقره بیان شد. این آیات تلاوت شده در سوره حاضر، آیات محکم و مُتَقَنِّ قرآن است که مشتمل بر حکمت و احکام هستند.

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَكَثِيرٍ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ﴾ [یونس: ۲].

﴿۲﴾ آیا باعث شگفتی مردم است که برای امر کردن آنها به اینکه از عذاب الله بترسند، وحی را بر مردی از جنس خودشان نازل کردیم؛ و -ای رسول- کسانی را که به الله ایمان آورده‌اند به خبری خوش مزده بده، که به سبب پاداش عمل صالحی که از پیش فرستادند، جایگاهی والا نزد پروردگارشان دارند. کافران گفتند: به طور قطع این مرد که این آیات را آورده، ساحری آشکار است.

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [یونس: ۳].

﴿۳﴾ -ای شگفت زدگان- همانا پروردگارتان همان الله است که آسمان‌ها را با وجود بزرگی‌اش، و زمین را با وجود گستردگی‌اش در شش روز آفرید، سپس [آن گونه که

شایسته جلال و عظمت اوست] بر عرش استوا نمود و قرار گرفت، پس چگونه تعجب می‌کنید که مردی از جنس خودتان بفرستد؟! و او ذاتی یگانه است که در فرمانروایی گسترده خویش حکم و سرنوشت را معین می‌کند، و هیچ‌کس نمی‌تواند نزد او در چیزی شفاعت کند مگر پس از اجازه و رضایت او تعالی از شفاعتگر، آن ذاتِ مُتَّصِفَ به این صفات، همان الله پروردگارتان است، پس عبادت را خالص و فقط برای او انجام دهید، آیا از تمام این دلایل و برهان‌ها مبنی بر وحدانیت او تعالی پند نمی‌گیرید؟ زیرا هرکس کوچک‌ترین قابلیت پندگیری داشته باشد این موضوع را درمی‌یابد، و به آن ایمان می‌آورد.

﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْفُسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ [یونس: ۴].

① بازگشت شما در روز قیامت فقط به سوی اوست؛ تا شما را در قبال اعمال‌تان جزا دهد، الله در مورد این موضوع وعده‌ای راستین به مردم داده است و خلاف آن عمل نمی‌کند، همانا او بر این کار تواناست. مخلوق را بدون مثال قبلی می‌آفریند، سپس آن را پس از مرگش بازمی‌گرداند؛ تا او سبحانه به کسانی که به الله ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به عدالت پاداش دهد. به گونه‌ای که از نیکی‌های شان نمی‌کاهد، و بر بدی‌های‌شان نمی‌افزاید. و برای کسانی که به الله و رسولانش کفر ورزیده‌اند به سبب کفرشان به الله و رسولانش، شربتی از آب بسیار جوشان است که روده‌های‌شان را پاره پاره می‌کند، و عذابی رنج‌آور دارند.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [یونس: ۵].

② او ذاتی است که خورشید را قرار داد که روشنایی را پراکنده و منتشر می‌کند، و ماه را به عنوان نوری قرار داد که از آن روشنایی گرفته می‌شود، و حرکت آن را به تعداد منازل بیست و هشت‌گانه‌اش اندازه کرد، -منظور از منزل، مسافتی است که ماه در هر شبانه روز می‌پیماید-؛ تا -ای مردم- شما به وسیله خورشید تعداد روزها، و به وسیله ماه تعداد ماه‌ها و سال‌ها را بدانید. الله آسمان‌ها و زمین و آنچه در این دو است را جز به حق نیافریده است؛ تا قدرت و بزرگی‌اش را بر مردم آشکار

کند، الله این دلایل آشکار و برهان‌های واضح بر وحدانیت خویش را برای مردمی که استدلال به آنها را برای وحدانیت او تعالی می‌دانند بیان می‌کند.

﴿إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۶].

همانا در پشت سر هم آمدن شب و روز بر بندگان، و تاریکی و روشنایی‌ای که به همراه دارد، و کوتاه و بلند شدن هر یک از آنها، و مخلوقاتی که در آسمان‌ها و زمین هستند، نشانه‌ای دلالت‌کننده بر قدرت الله است برای قومی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی می‌ترسند.

برخی فواید آیات:

- اثبات نبوت پیامبر ﷺ و اینکه ارسال او امری معقول بدون هیچ‌گونه شگفتی است.
- آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تمام مخلوقاتی که در این دو است، و تدبیر امر، و اندازه کردن زمان‌ها و اختلاف شب و روز، تمام آنها، آیات بزرگی هستند که بر الوهیت الله سبحانه دلالت دارند.
- شفاعت در روز قیامت فقط برای کسی است که الله به او اجازه دهد، و از قول و فعلش راضی باشد.
- الله حرکت خورشید و منازل ماه را مُقَدَّر نموده، و این امر به ثبت تاریخ و روزها و سال‌ها کمک می‌کند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾ [یونس: ۷].

﴿۷﴾ همانا کافران به دیدار الله امید ندارند تا از او بترسند یا به او امیدوار باشند، و به جای زندگی جاویدان اخروی به زندگی گذرای دنیا راضی شده‌اند، و نفس‌هایشان با خوشحالی، به دنیا انس گرفته است، و از آیات الله و دلایل آن رویگردان و غافل هستند.

﴿أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [یونس: ۸].

﴿۸﴾ اینها که دارای صفات مذکور هستند، به سبب کفر و تکذیب روز قیامت که کسب کرده‌اند، جایگاه‌شان که به آن پناه می‌برند آتش جهنم است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ﴾ [یونس: ۹].

﴿۹﴾ همانا کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند الله به سبب ایمان‌شان، هدایت به عمل صالح منجر به رضایت خویش را به آنها روزی می‌دهد، سپس در روز قیامت آنها را در بهشت‌های پر نعمت همیشگی، که نهرها از زیرشان جاری است داخل می‌نماید.

﴿دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَأَخْرَجَ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [یونس: ۱۰].

﴿۱۰﴾ دعای آنها در بهشت، منزه و مقدس دانستن الله است. و درود الله و فرشتگان بر آنها و درود آنها به یکدیگر چنین است: سلام؛ و پایان دعای‌شان چنین است که تمام ستایش‌ها بر الله پروردگار تمام مخلوقات.

﴿* وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَفَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَدَّرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ [یونس: ۱۱].

﴿۱۱﴾ و اگر الله سبحانه به همان شتاب که دعای خیر مردم را برایشان اجابت می‌کند، در استجابت دعای بدشان هنگام خشم علیه خودشان و فرزندانشان و اموالشان، شتاب نماید، به طور قطع هلاک می‌شدند، اما الله به آنها مهلت می‌دهد، پس کسانی را که انتظار دیدار با او تعالی را نمی‌کشند - چون از هیچ کیفری نمی‌ترسند و به

هیچ پاداشی امید ندارند - رها می‌کند تا در مورد روز حساب متردد و سرگشته و دو دل بمانند.

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زِينٌ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [یونس: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و هرگاه به انسان اسراف‌کار بر نفس خویش، بیماری یا مصیبتی برسد، بر پهلو آرمیده یا نشسته یا ایستاده با فروتنی و تضرع ما را در دعا می‌خواند؛ به این امید که آسیبی که به او رسیده است برطرف شود، اما وقتی دعایش را اجابت کنیم، و آسیبی را که به او رسیده است برطرف سازیم بر عملی که بوده است همچنان ادامه می‌دهد، گویی برای برطرف شدن آسیبی که به او رسیده بود هرگز ما را در دعا نخوانده است. همان‌گونه که برای این رویگردان، استمرار در گمراهی‌اش آراسته شده است، برای کسانی که با کفرشان از حدود گذشته‌اند، کفر و گناهی که انجام می‌دادند آراسته شده است، پس آن را رها نمی‌کنند.

﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رَسُولُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ﴾ [یونس: ۱۳].

﴿۱۳﴾ - ای مشرکان - همانا امت‌های قبل از شما را به سبب اینکه رسولان الله را تکذیب کردند و گناهان را مرتکب شدند نابود کرده‌ایم، و رسولان‌شان که آنها را به سوی‌شان فرستادیم دلایل آشکار و دلالت‌کننده بر راستگویی‌شان در آنچه که از جانب پروردگارشان آورده بودند، برای‌شان آوردند، اما چون به ایمان تمایل نداشتند برای‌شان استوار و مناسب نشد که ایمان بیاورند، پس الله دست از یاری‌شان برداشت، و آنها را به ایمان توفیق نداد. همان‌گونه که آن امت‌های ستمگر را مجازات کردیم، امثال آنها را در هر زمان و مکانی مجازات می‌کنیم.

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾ [یونس: ۱۴].

﴿۱۴﴾ - ای مردم - سپس شما را جانشین آن امت‌های تکذیب‌کننده که آنها را نابود کردیم قرار دادیم؛ تا بنگریم که چگونه عمل می‌کنید، آیا کار نیک انجام می‌دهید تا در قبال آن پاداش داده شوید، یا کار بد انجام می‌دهید تا در قبال آن مجازات شوید؟

برخی فواید آیات:

- لطف الله به بندگان در عدم اجابت دعای بد آنها علیه خودشان و فرزندان شان.
- بیان حال انسان که در سختی دعا و هنگام آسایش رویگردانی می‌کند؛ و ترساندن از کسب این صفت.
- سبب نابودی امت‌های پیشین، ارتکاب گناهان و ستم توسط آنها بوده است.

﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنِّي بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا
أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي
أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [یونس: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و هرگاه آیات واضح قرآن که بر توحید الله دلالت دارند بر آنها خوانده شود، منکران رستاخیز که امید به ثوابی ندارند و از عذاب نمی ترسند می گویند: - ای محمد - قرآنی غیر از این قرآنی که مشتمل بر بدگویی از عبادت بتها است، بیاور یا اینکه بعضی از آن را یا تمام آن را به آیاتی دیگر که موافق هوا و هوسهای ما باشد، تغییر ده!! - ای رسول - به آنها بگو: درست نیست که خودم آن را تغییر دهم، و - به طریق اولی - نمی توانم غیر آن را بیاورم، بلکه الله، تنها ذاتی است که آنچه از آن را که بخواهد تبدیل می کند. من فقط از چیزی که بر من وحی می شود، پیروی می کنم، همانا من از عذاب روزی بزرگ، یعنی روز قیامت می ترسم که با اجابت آنچه شما می خواهید از الله نافرمانی کنم.

﴿قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [یونس: ۱۶].

﴿۱۶﴾ - ای رسول - بگو: اگر الله می خواست که قرآن را بر شما نخوانم آن را برای تان نمی خواندم، و آن را برای تان ابلاغ نمی کردم، و اگر الله می خواست بر زبان من شما را از قرآن آگاه نمی کرد. زمانی طولانی - چهل سال - بدون اینکه بخوانم و بنویسم، و بدون اینکه در طلب و جستجوی این کار باشم در میان شما سپری کرده ام. آیا با عقلهای تان درک نمی کنید که آنچه برای تان آورده ام از جانب الله است، و من در این امر دخالتی ندارم!؟

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ﴾ [یونس: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پس هیچ کس ستمکارتر نیست از آن کس که بر الله دروغ بندد، پس من چگونه می توانم که با افترا بستن به او تعالی قرآن را تبدیل کنم، به طور قطع کسانی که با افترا بستن بر الله از حدود او تعالی می گذرند به مطلوبشان دست نمی یابند.

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [يونس: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و مشرکان به جای الله معبودانی خیالی عبادت می کنند که نفع و ضرر نمی رسانند، و معبود برحق هرگاه بخواهد نفع یا ضرر می رساند، و در مورد معبودهای شان می گویند: اینها واسطه هایی هستند که نزد الله برایمان شفاعت می کنند پس ما را به سبب گناهان مان عذاب نمی کند، - ای رسول - به آنها بگو: آیا الله دانا را باخبر می سازید از اینکه شریکی دارد، و او نمی داند که شریکی در آسمان ها و زمین دارد. او تعالی از باطل و دروغی که مشرکان در مورد او می گویند پاک و منزّه است.

﴿وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [يونس: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و مردم جز امتی واحد و مؤمن و یکتاپرست نبودند پس اختلاف کردند، چنان که برخی از آنها مؤمن باقی ماندند، و برخی از آنها کفر ورزیدند. و اگر حکمی از جانب الله نگذشته بود که او تعالی میان آنها در آنچه که اختلاف دارند در دنیا داوری نمی کند، و فقط در قیامت در موارد اختلافی میان آنها داوری می کند، اگر این حکم نگذشته بود، به طور قطع در آنچه که اختلاف می کنند میان آنها در دنیا داوری می کرد، آن گاه هدایت شده از گمراه مشخص می شد.

﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْعَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ [يونس: ۲۰].

﴿۲۰﴾ مشرکان می گویند: چرا برای محمد ﷺ نشانه ای از جانب پروردگارش که بر راست گویی او دلالت کند نازل نمی شود؟ - ای رسول - به آنها بگو: نزول نشانه ها امری غیبی است که آگاهی از آن به الله اختصاص دارد، پس منتظر نشانه های حسّی که پیشنهاد داده اید باشید، من نیز همراه شما از منتظران این امر هستم.

برخی فواید آیات:

- بزرگی گناه افترا و دروغ بر الله و تحریف کلامش آن گونه که یهودیان با تورات انجام دادند.
- نفع و ضرر فقط به دست الله است.
- بطلان قول مشرکان به اینکه معبودهایشان نزد الله برایشان شفاعت می کنند.
- پیروی از هوس و اختلاف در دین، سبب پراکندگی است.

﴿وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ﴾ [یونس: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و هرگاه پس از خشک‌سالی و سختی‌ای که به مشرکان برسد، نعمت باران و گیاه و خیر و برکت به آنها بچشانیم، به‌ناگاه آیات ما را ریشخند و تکذیب کنند، - ای رسول - به این مشرکان بگو: الله سریع‌ترین مکر زنده، و سریع‌ترین نزدیک کننده به عذاب برای شما و سریع‌ترین کیفر دهنده است. همانا فرشتگان نگهبان، مکرهایی را که می‌اندیشید می‌نویسند، و ذره‌ای از آن از دست‌شان نمی‌رود، پس چگونه از دست پروردگارشان می‌رود؟! الله به‌زودی آنها را در قبال مکرشان جزا می‌دهد.

﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أُخِيتْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [یونس: ۲۲].

﴿۲۲﴾ - ای مردم - الله همان ذاتی است که شما را در خشکی بر روی پاهای‌تان و حیوانات سواری‌تان حرکت می‌دهد، و او ذاتی است که شما را در دریا داخل کشتی‌ها حرکت می‌دهد، تا آن‌گاه که در کشتی‌ها در دریا باشید، و بادی خوش کشتی‌ها را ببرد، سواران از آن باد خوش، شادمان شوند، پس درحالی‌که آنها در شادی خویش هستند بادی بسیار تند بر آنها بوزد، و موج دریا آنها را به هر جهتی ببرد، و بر ظن‌شان غالب شود که نابود شده هستند؛ آن‌گاه فقط الله را در دعا بخوانند، و غیر او را همراهش شریک قرار ندهند و بگویند: اگر از این مصیبت نابود کننده‌هایی یابیم به‌طور قطع از شکرگزاران نعمت تو خواهیم بود.

﴿فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْكُمُ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [یونس: ۲۳].

﴿۲۳﴾ پس وقتی دعای‌شان را اجابت کند، و آنها را از آن مصیبت برهاند، آن‌گاه با ارتکاب کفر و معاصی و گناهان در زمین فساد برپا می‌کنند. - ای مردم - به خود

آیید که سرانجام سرکشی بد شما به ضرر خودتان است، و هیچ زبانی به الله نمی رساند، در زندگی فانی دنیا از آن بهره مند می شوید، سپس بازگشت شما در روز قیامت به سوی ماست، آن گاه شما را از گناهایی که انجام می دادید باخبر می سازیم، و شما را در قبال آن مجازات می کنیم.

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [یونس: ۲۴].

﴿۴۱﴾ همانا مثل زندگی دنیا که در آن بهره مند می شوید، از نظر سرعت فنا شدن، مانند بارانی است که با گیاهان زمین درآمیخت؛ از جمله حبوبات و میوه‌هایی که مردم می خورند، و گیاه خشک و غیر آن که چهارپایان می خورند. تا آن گاه که زمین رنگ درخشانش را گرفت، و با انواع گیاهانی که رویاند زیبا شد، و ساکنانش گمان بردند که دیگر قادر بر جمع‌آوری گیاهان و چیدن میوه‌هایش هستند، حکم ما به نابودی آن آمد، آن گاه آن را چنان درو شده قرار دادیم گویی هرگز در زمانی نزدیک با درختان و گیاهان آباد نبوده است، همان گونه که حالت دنیا و سرعت سپری شدن آن را برای‌تان بیان کردیم دلایل و برهان‌ها را برای کسانی که می‌اندیشند و عبرت می‌گیرند بیان می‌کنیم.

﴿وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [یونس: ۲۵].

﴿۴۵﴾ و الله تمام مردم را به سوی بهشت خویش که همان سرای سلامتی است فرا می خواند، مردم در آن از مصیبت‌ها و اندوه‌ها و مرگ در سلامت هستند، و الله هر یک از بندگان را که بخواهد به دین اسلام که به این سرای سلامت می‌رساند هدایت می فرماید.

برخی فواید آیات:

- الله در برابر هرکس که به بندگان مؤمنش مکر بزند سریع‌ترین تدبیر کننده است.
- ستم انسان به خودش باز می‌گردد و فقط به خودش زیان می‌رساند.
- بیان حقیقت دنیا در فنا و زوال سریع آن؛ و نعمت‌هایی فانی آن.
- بهشت، به سبب نعمت‌هایش و سلامتی از مصیبت‌ها و اندوه‌ها، قرارگاه مؤمن است.

﴿لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [یونس: ۲۶].

۳۶ برای کسانی که با برپایی طاعاتی که الله آنها را برای شان واجب گردانیده، و ترک گناهانی که الله برای شان حرام کرده است، کار نیکو انجام داده‌اند، پاداشی نیکو، یعنی بهشت است، و افزون بر آن، یعنی نظر به چهره الله کریم، برای شان است، و صورت‌های شان را غبار و خواری و ذلتی نمی‌پوشاند، این نیکوکاران، ساکنان بهشت می‌باشند که برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [یونس: ۲۷].

۳۷ و برای کسانی که بدی‌ها، یعنی کفر و گناهان را انجام داده‌اند، به قدر همان اعمال زشتی که انجام داده‌اند، الله آنها را در آخرت مجازات می‌کند، و چهره‌شان را ذلت و خواری می‌پوشاند، هیچ مانعی برای شان نیست که آنها را از عذاب الله آن‌گاه که بر آنها فرو فرستد باز دارد، و به سبب دود و تاریکی زیاد آتش جهنم که صورت‌های شان را پوشانده است گویی تاریکی شب سیاه و تیره صورت‌های شان را پوشانده است، اینها که به این صفات متصف هستند ساکنان جهنم می‌باشند که برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائِكُمْ فَزَيْلَانَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ﴾ [یونس: ۲۸].

۳۸ و - ای رسول - روز قیامت را به یاد آور. آن‌گاه که تمام مخلوقات را گرد می‌آوریم، سپس به کسانی که در دنیا به الله شرک ورزیده‌اند می‌گوییم: - ای مشرکان - شما و معبودهای تان که آنها را به جای الله عبادت می‌کردید سر جای تان بمانید. آن‌گاه میان معبودها و عبادتگزاران جدایی اندازیم، و معبودها با این سخن از عبادت گزاران بیزاری جویند: شما ما را در دنیا عبادت نمی‌کردید.

﴿فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ﴾ [یونس: ۲۹].

۳۹ در اینجا معبودهای شان که آنها را به جای الله عبادت کرده‌اند از آنها بیزاری جسته و می‌گویند: پس الله گواه است - و برای این کار کافی است - که ما راضی

نبوده‌ایم شما ما را عبادت کنید، و شما را به آن امر نکرده‌ایم، و اصلاً ما متوجه نشده‌ایم که شما ما را عبادت می‌کنید.

﴿هُنَالِكَ تَبْلُو كُلَّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [یونس: ۳۰].

﴿۳۰﴾ در آن جایگاه بزرگ، هرکس از عملی که در زندگی دنیایی خویش انجام داده است باخبر می‌شود، و مشرکان به‌سوی پروردگار برحقشان، همان ذاتی که الله است و حسابرسی‌شان را بر عهده دارد بازگردانیده می‌شوند، و شفاعت بت‌های‌شان که آن را افترا می‌بستند از دست‌شان می‌رود.

﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۳۱].

﴿۳۱﴾ - ای رسول - به این مشرکان به الله بگو: کیست که شما را از سمت آسمان با فرود آوردن باران بر شما روزی می‌دهد؟ و چه کسی شما را از زمین با گیاهانی که در آن می‌رویند، و با معادنی که در زمین قرار می‌دهد روزی می‌دهد؟ و کیست که زنده را از مرده مانند انسان از نطفه، و پرنده از تخم درمی‌آورد، و کیست که مرده را از زنده مانند نطفه از حیوان، و تخم از پرنده درمی‌آورد؟ و کیست که کار آسمان ها و زمین و مخلوقات را که در آنهاست اداره می‌کند؟ آن‌گاه پاسخ خواهند داد که انجام دهنده این کارها همان الله است. به آنها بگو: پس آیا این امر را می‌دانید، و تقوای الله را با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌اش پیشه نمی‌کنید؟!

﴿فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾ [یونس: ۳۲].

﴿۳۲﴾ پس - ای مردم - آن ذاتی که تمام این کارها را انجام می‌دهد همان الله است. ذاتی که به حق آفریدگار و تدبیر کننده امر شماسست، پس بعد از شناخت حق، (اصرار بر گمراهی) جز دوری از حق و نابودی چه چیزی است؟! پس عقل‌های‌تان از این حق آشکار به کجا می‌رود؟!

﴿كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [یونس: ۳۳].

۳۳ - ای رسول - همان گونه که ربوبیت حقیقی برای الله ثابت شد، سخنی که در تقدیر پروردگارت بر کسانی که از روی دشمنی از حق خارج شدند واجب شده است که آنها ایمان نمی آورند.

برخی فواید آیات:

- بزرگترین نعمتی که مؤمن، آرزومند آن است دیدن چهره الله تعالی است.
- بیان قدرت الله، و اینکه او تعالی بر هر چیزی تواناست.
- توحید در ربوبیت به همراه شرک ورزیدن در الوهیت باطل است، زیرا باید این دو نوع توحید با هم باشند.
- هرگاه الله به سبب گناهان قومی به عدم ایمان گروهی حکم کند، آنها ایمان نمی آورند.

﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنْتَى تُوَفِّكُونَ﴾ [یونس: ۳۴].

۳۴ - ای رسول - به این مشرکان بگو: آیا از میان شریکان شما که آنها را به جای الله عبادت می‌کنید کسی هست که آفرینش را بدون مثال قبلی آغاز کند، سپس آن را بعد از مرگش برانگیزاند؟ به آنها بگو: الله آفرینش را بدون مثال قبلی آغاز می‌کند، سپس آن را بعد از مرگش برمی‌انگیزاند، پس -ای مشرکان - چگونه از حق به‌سوی باطل روگردان می‌شوید!؟

﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ [یونس: ۳۵].

۳۵ - ای رسول - به آنها بگو: آیا از میان شریکان شما که آنها را به جای الله عبادت می‌کنید کسی هست که به‌سوی حق راهنمایی کند؟ به آنها بگو: فقط الله به‌سوی حق راهنمایی می‌کند، پس آیا کسی که مردم را به‌سوی حق راهنمایی می‌کند، و آنها را به آن فرا می‌خواند سزاوارتر است که پیروی شود یا معبودهای تان که خودشان هدایت نمی‌شوند مگر اینکه دیگران آنها را هدایت کنند؟! پس شما را چه شده است چگونه به باطل حکم می‌کنید که ادعا دارید آنها شریکان الله هستند؟! الله از این سخن شما بسیار برتر است.

﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ [یونس: ۳۶].

۳۶ و بیشتر مشرکان جز از چیزی که به آن علمی ندارند پیروی نمی‌کنند، یعنی فقط از وهم و شک پیروی می‌کنند، همانا شک جانشین علم نمی‌شود، و از آن بی‌نیاز نمی‌سازد. به‌راستی که الله از آنچه انجام می‌دهند آگاه است، و ذره‌ای از کارهای‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی آنها را در قبال کارهای‌شان جزا خواهد داد.

﴿وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [یونس: ۳۷].

۳۷ سزاوار این قرآن نیست که جعلی و ساختگی باشد، و به غیر الله نسبت داده شود، زیرا به‌طور قطع، مردم از آوردن مانند آن ناتوان هستند، بلکه تصدیق‌کننده کتاب‌هایی

است که قبل از آن نازل شده است، و تبیین کننده احکام مجمل آنهاست، پس هیچ تردیدی وجود ندارد که آن، از جانب پروردگار مخلوقات نازل شده است.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [یونس: ۳۸].

﴿۳۸﴾ بلکه آیا این مشرکان می گویند: محمد ﷺ این قرآن را از خودش ساخته، و آن را به الله نسبت داده است، - ای رسول - در رد آنها بگو: اگر آن را از نزد خودم آورده ام درحالی که من انسانی مانند خودتان هستم پس شما هم سوره ای مانند آن بیاورید، و هرکس را که می توانید برای کمک به خویش فرا خوانید اگر در این ادعا که قرآن ساخته شده و دروغ است راستگو هستید، و هرگز نخواهید توانست این کار را انجام دهید، و عدم قدرت شما - درحالی که سُخَنُور هستید و به عربی فصیح سخن می گویند - بر این امر دلالت دارد که قرآن از جانب الله نازل شده است.

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَّبَ الَّذِينَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۳۹].

﴿۳۹﴾ پس پاسخ ندادند، بلکه قبل از آن که قرآن را بفهمند و در آن بیندیشند، و قبل از نزول عذابی که از آن انذار داده شدند، درحالی که آمدن آن نزدیک شده است به تکذیب قرآن شتافتند. امت های پیشین نیز این گونه تکذیب کردند، آن گاه عذاب بر آنها نازل گشت. پس - ای رسول - بیندیش که سرانجام امت های تکذیب کننده چگونه است، به راستی که الله آنها را نابود کرده است.

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ﴾ [یونس: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و از مشرکان کسی هست که قبل از مرگش به قرآن ایمان خواهد آورد، و از آنها کسی هست که از روی ستیز و تکبر ایمان نمی آورد تا اینکه بمیرد، و - ای رسول - پروردگارت از کسانی که بر کفرشان پافشاری می کنند آگاه تر است، و به زودی آنها را به خاطر کفرشان مجازات خواهد کرد.

﴿وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [یونس: ۴۱].

﴿۴۱﴾ - ای رسول - اگر قومت تو را تکذیب کردند به آنها بگو: پاداش عمل من برای خودم است و پیامد عملم را خودم تحمل می کنم، و پاداش و کیفر عمل شما نیز

برای خودتان است، شما از کیفر آنچه من انجام می‌دهم بری هستید، و من از کیفر آنچه شما انجام می‌دهید بری هستم.

﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصَّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ﴾ [یونس: ۴۲].

④ - ای رسول - از مشرکان کسی است که وقتی قرآن را بخوانی به تو گوش فرا می‌دهد بدون اینکه آن را بپذیرد و به آن اذعان کند. آیا تو می‌توانی سخن را به گوش کسی که شنیدن از او گرفته شده است برسانی؟! هم‌چنین هرگز بر هدایت اینها که از شنیدن حق کر شده‌اند و در آن نمی‌اندیشند قادر نخواهی بود.

برخی فواید آیات:

- هدایتگر به‌سوی حق آن‌گونه که توفیق هدایت حاصل شود فقط الله است؛ و نه دیگران.
- تشویق به خواستن دلایل و برهان‌ها و هدایت‌ها برای رسیدن به علم و حق و رهاکردن وهم و گمان.
- تا روز قیامت هیچ‌کس نمی‌تواند حتی یک آیه مانند قرآن کریم بیاورد.
- نادانی مشرکان و اینکه آنچه را نفهمند و درنیابند تکذیب می‌کنند.

﴿وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ﴾ [یونس: ۴۳].

۴۳ و -ای رسول- از مشرکان کسی است که با چشم ظاهر و نه با چشم بصیرت به تو می‌نگرد، پس آیا می‌توانی کسانی را که چشمانشان گرفته شده است بینا سازی؟! همانا تو نمی‌توانی این کار را انجام دهی، و هم‌چنین نمی‌توانی کسی را که بصیرت ندارد هدایت کنی.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [یونس: ۴۴].

۴۴ به‌راستی که الله از ستم بر بندگان پاک است، زیرا او تعالی به اندازه ذره‌ای بر آنها ستم نمی‌کند، بلکه آنها خودشان هستند که به‌سبب تعصب به باطل و خود برتر بینی و دشمنی، با قراردادن خودشان در معرض نابودی، بر خویشان ستم روا می‌دارند.

﴿وَيَوْمَ يُحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ [یونس: ۴۵].

۴۵ و روز قیامت که الله مردم را برای حسابرسی آنها گرد می‌آورد گویی در زندگی دنیا و برزخ‌شان جز ساعتی از روز نه بیشتر درنگ نکرده‌اند. در آن روز یکدیگر را می‌شناسند، سپس به‌سبب دیدن مصیبت‌های وحشتناک قیامت، آشنایی آنها از بین می‌رود. در حقیقت کسانی که دیدار پروردگارشان در روز قیامت را تکذیب می‌کنند زیان کرده‌اند، و در دنیا به روز رستاخیز ایمان نداشتند تا اینکه به خسران راضی شدند.

﴿وَأَمَّا نُرِّيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ﴾ [یونس: ۴۶].

۴۶ و -ای رسول- اگر بخشی از عذابی را که به آنها وعده داده‌ایم قبل از مرگت به تو بنمایانیم، یا تو را قبل از نزول آن بمیرانیم، در هر دو حالت بازگشت آنها در روز قیامت به‌سوی ماست. به‌علاوه الله از آنچه انجام می‌دادند آگاه است، و ذره‌ای از اعمال‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی آنها را در قبال اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [یونس: ۴۷].

۴۷ و برای هر یک از امت‌های پیشین، رسولی بود که به‌سوی‌شان فرستاده می‌شد، و وقتی آنچه که به تبلیغ آن فرمان یافته به آنها ابلاغ می‌کرد، و او را تکذیب می‌

کردند میان آنها و رسول‌شان به عدالت حکم می‌شد، آن‌گاه الله رسول را به فضل خویش نجات می‌داد، و آنها را به عدالت خویش نابود می‌ساخت، و آنها در جزای اعمال‌شان ذره‌ای مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [یونس: ۴۸].

۱۸ و این کافران مخالفت کننده و ستیزه‌جو می‌گویند: اگر در ادعای‌تان راستگو هستید عذابی که به ما وعده داده‌اید چه زمانی نازل می‌شود؟!

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [یونس: ۴۹].

۱۹ - ای رسول - به آنها بگو: من برای خودم مالک هیچ زیانی نیستم که با آن به خودم زیان برسانم یا آن را از خودم دفع کنم، و برای خودم مالک هیچ نفعی هم نیستم تا به خودم نفع برسانم، پس چگونه می‌توانم به دیگران نفع یا زیان برسانم؟ مگر نفع و زیانی که الله بخواهد، پس چگونه می‌توانم غیب او را بدانم؟ برای نابودی هر یک از امت‌هایی که الله آنها را به نابودی تهدید کرده است زمانی مشخص است، که فقط الله آن را می‌داند، و هرگاه زمان نابودی‌اش فرا رسد لحظه‌ای از آن نه به تاخیر می‌افتد و نه پیشی می‌گیرد.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ﴾ [یونس: ۵۰].

۲۰ - ای رسول - به اینها که خواستار تعجیل در عذاب هستند بگو: به من خبر دهید اگر عذاب الله در هر زمان از شب یا روز شما را فرا گیرد، چه چیزی را از این عذاب به تعجیل می‌خواهید؟!

﴿أَنْتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلَاَنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾ [یونس: ۵۱].

۲۱ آیا پس از اینکه عذابی که بر شما وعده داده شده است شما را فرا گرفت ایمان می‌آورید؟ آن‌گاه که ایمان هیچ‌کس که قبل از آن ایمان نیاورده باشد به او فایده نمی‌رساند! (و به آنها گفته خواهد شد:) آیا اکنون ایمان می‌آورید، درحالی که قبلاً از روی تکذیب عذاب، خواستار تعجیل در نزول آن بودید؟!

﴿ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾
[یونس: ۵۲].

﴿۵۲﴾ بعد از آن که در عذاب داخل شدند و خروج از آن را خواستند به آنها گفته می شود: عذاب همیشگی در آخرت را بچشید، پس آیا جز به کفر و گناهایی که انجام می دادید جزا داده می شوید؟!

﴿* وَیَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قَوْلٌ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ [یونس: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و - ای رسول - مشرکان از تو می پرسند: آیا این عذابی که به آن تهدید شده ایم حقیقت است؟ به آنها بگو: بله، - به الله سوگند - حق است، و شما نمی توانید از آن رهایی یابید.

برخی فواید آیات:

- انسان خودش است که خویشتن را در معرض نابودی قرار می دهد، زیرا الله از ستم پاک است.
- وظیفه رسول همان تبلیغ است، و الله است که حسابرسی و کیفر مردم را که از روی حکمتش آن را در زندگی رسول به تعجیل می اندازد یا آن را پس از وفات رسول به تأخیر می اندازد به عهده دارد.
- نفع و ضرر به دست الله است، پس هیچیک از مخلوقات، مالک هیچ ضرر یا نفعی برای خودش یا برای دیگران نیست.
- هنگام مشاهده مرگ، ایمان فایده نمی رساند.

﴿وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ وَأَسْرُوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [یونس: ۵۴].

۵۴ و اگر برای هر مشرک به الله، تمام اموال گران بهایی که در زمین است می بود به طور قطع آن را در مقابل آزادی خود از عذاب الله می داد اگر به او اجازه داده می شد که با آن خود را آزاد کند، و مشرکان وقتی که عذاب روز قیامت را مشاهده کنند، پشیمانی بر کفرشان را پنهان می دارند، و الله میان آنها به عدالت داوری می کند، درحالی که مورد ستم قرار نمی گیرند، و فقط در قبال اعمال شان مجازات می شوند.

﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یونس: ۵۵].

۵۵ بدانید که فرمانروایی آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است فقط از آن الله است، بدانید که وعده الله مبنی بر کیفر کافران بدون تردید واقع شدنی است، و اما بیشتر آنها این امر را نمی دانند و در آن شک می کنند.

﴿هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [یونس: ۵۶].

۵۶ او سبحانه مردگان را برمی انگیزاند، و زندگان را می میراند، و در روز قیامت فقط به سوی او بازگردانیده می شوید، آن گاه شما را در قبال اعمال تان مجازات می کند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشَفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۵۷].

۵۷ ای مردم، قرآن نزدتان آمده است که در آن یادآوری و ترغیب و ترهیب است، و درمانی است برای بیماری شک و دو دلی که در دل های تان وجود دارد، و راهنمایی است به سوی راه حق، و در آن رحمتی است برای مؤمنان، زیرا از آن بهره مند می شوند.

﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [یونس: ۵۸].

۵۸ - ای رسول - به مردم بگو: قرآن را که محمد ﷺ برای تان آورده است، بخشش و رحمتی از جانب الله بر شماست، پس به فضل الله بر شما و رحمت او تعالی به شما با فرو فرستادن این قرآن شادمان باشید نه به غیر از آن دو؛ پس آنچه محمد ﷺ از جانب پروردگارش برای تان آورده است بهتر است از بهره نابود شدنی دنیا که جمع می کنید.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ اللَّهُ أُذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾ [یونس: ۵۹].

۵۹ - ای رسول - به این مشرکان بگو: به من از فرو فرستادن روزی‌ای که الله بر شما ارزانی داشته است خبر دهید که بر اساس هوس‌های‌تان در آن عمل کردید، آن‌گاه بخشی از آن را حرام قرار دادید، و بخشی از آن را حلال کردید، به آنها بگو: آیا الله در تحلیل آنچه حلال کرده‌اید، و تحریم آنچه حرام کرده‌اید به شما اجازه داده است، یا اینکه بر او تعالی دروغ می‌بندید؟!

﴿وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [یونس: ۶۰].

۶۰ و کسانی که بر الله دروغ بستند گمان می‌برند که در روز قیامت چه چیزی بر آنها واقع شود؟! آیا گمان می‌برند که آمرزیده می‌شوند؟! دریغ، همانا الله دارای بخشش زیادی بر مردم است که به آنها مهلت می‌دهد و کیفرشان را به تعجیل نمی‌اندازد، و اما بیشتر آنها نعمت‌های الله بر خودشان را انکار می‌کنند و شکر آن را به جای نمی‌آورند.

﴿وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُو مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ [یونس: ۶۱].

۶۱ و - ای رسول - در هیچ‌یک از امور مشغول نمی‌باشی، و چیزی از قرآن نمی‌خوانی، و - ای مؤمنان - هیچ عملی انجام نمی‌دهید مگر اینکه شما را می‌بینیم و از شما آگاه هستیم، و سخن‌تان را می‌شنویم آن‌گاه که بی‌پروا عملی را آغاز می‌کنید، و به وزن ذره‌ای و نه کوچک‌تر و نه بزرگ‌تر از وزن آن، در آسمان یا در زمین، از علم پروردگارت پنهان نمی‌ماند، مگر اینکه در کتابی روشن که هیچ کوچک و بزرگی را به جای نمی‌گذارد مگر آن را برمی‌شمارد، ثبت شده است.

برخی فواید آیات:

- بزرگی عذابی که در انتظار مشرکان به الله است؛ تا جایی که دفع آن را با تمام آنچه در زمین است آرزو می‌کنند، و هرگز از آنها پذیرفته نمی‌شود.

- قرآن، به سبب هدایت‌ها و دلایل عقلی و نقلی‌ای که دارد، شفای مؤمنان از بیماری‌های شهوات و شبهات است.
- مؤمن، از میان نعمت‌های دنیوی فقط باید به دو نعمت اسلام و ایمان دلخوش باشد.
- مراقبت دقیق الله از بندگانش و اعمال و اندیشه‌ها و نیت‌های‌شان.

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [یونس: ۶۲].

۳۱ بدانید که بر دوستان الله هیچ ترسی از صحنه‌های هولناک قیامت که در پیش رو دارند، نیست، و به خاطر نعمت‌های دنیوی که از دست داده‌اند اندوهگین نیستند.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ [یونس: ۶۳].

۳۲ این دوستان الله، همان کسانی هستند که به ایمان به الله و رسولش متصف بودند، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی می‌ترسیدند.

﴿لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْقَوْلُ الْعَظِيمُ﴾ [یونس: ۶۴].

۳۳ از جانب پروردگارش در دنیا برای آنها مژده است به وسیله رؤیای صالحه یا ستایش آنها توسط مردم، و از جانب فرشتگان هنگام قبض ارواحشان، و پس از مرگ و در حشر، برای‌شان مژده است. و در آنچه که الله به آنها وعده داده است تغییری نیست. این پاداش همان رستگاری بزرگ است؛ زیرا در بردارندهٔ دستیابی به مطلوب، و نجات از ترس و هلاکت است.

﴿وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [یونس: ۶۵].

۳۴ و -ای رسول- به سبب طعن و عیب‌جویی در دینت که اینها می‌گویند اندوه مدار، زیرا تمام پیروزی و چیرگی برای الله است، و هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌سازد، او تعالی سخنان‌شان را می‌شنود، از اعمال‌شان آگاه است، و به‌زودی آنها را در قبال سخنان و اعمال‌شان مجازات خواهد کرد.

﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ [یونس: ۶۶].

۳۵ بدانید که مالکیت و فرمانروایی تمام ساکنان آسمان‌ها و زمین فقط از آن الله است. و مشرکان که شریکان را به جای الله عبادت می‌کنند از چه چیزی پیروی می‌کنند؟! آنها در حقیقت جز از شک پیروی نمی‌کنند، و در اینکه شریکان را به الله نسبت می‌دهند جز دروغ نمی‌گویند، الله از سخن آنها بسیار برتر است.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ [یونس: ۶۷].

⑦ - ای مردم - او تعالی، تنها ذاتی است که شب را برای تان قرار داد تا در آن از حرکت و خستگی آرام بگیرید، و روز را به عنوان روشنایی دهنده‌ای قرار داد تا در آن برای تحصیل معاش تان بکوشید. همانا در این امر دلایل واضحی است برای مردمی که به قصد عبرت‌گیری و پذیرش می‌شنوند.

﴿قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْعَزِيزُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [یونس: ۶۸].

⑧ گروهی از مشرکان گفتند: الله فرشتگان را دخترانی برای خود برگزیده است، الله از این سخن‌شان پاک است، زیرا او سبحانه از تمام مخلوقاتش بی‌نیاز است، فرمانروایی آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست. - ای مشرکان - شما دلیلی بر این سخن‌تان ندارید. آیا بدون دلیل سخن بزرگی را بر الله به دروغ می‌بندید - آن‌گاه که به او فرزند نسبت می‌دهید - که حقیقتش را نمی‌دانید؟!

﴿قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ [یونس: ۶۹].

⑨ - ای رسول - به آنها بگو: همانا کسانی که با نسبت دادن فرزند به الله بر او تعالی دروغ می‌بندند به آنچه می‌خواهند دست نمی‌یابند، و از آنچه می‌ترسند رهایی نمی‌یابند.

﴿مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾ [یونس: ۷۰].

⑩ پس نباید به آنچه از خوشی‌ها و نعمت‌های دنیا که از آن بهره‌مند می‌شوند فریب بخورند، زیرا متاعی اندک و نابود شدنی است، سپس بازگشت آنها در روز قیامت به سوی ماست، آن‌گاه به سبب کفرشان به الله و تکذیب رسولش توسط آنها، عذابی سخت را بر آنها می‌چشانیم.

برخی فواید آیات:

- دوستی الله برای کسی است که به او ایمان آورد، اوامرش را اجرا کند، از نواهی اش اجتناب و از رسولش پیروی کند، و دوستان الله همان ایمان آورندگان به

روز قیامت هستند، و بشارت در دنیا یا با رؤیای صالحه یا هنگام مرگ برای شان است.

- تمام عزت فقط از آنِ الله است، زیرا او مالک الملک است، و آنچه به جای الله عبادت شود حقیقتی ندارد.
- تشویق بر تفکر در آفرینش الله؛ زیرا این کار به ایمان به او تعالی و توحیدش منجر می‌شود.
- حرمت دروغ بر الله، و اینکه صاحبش هرگز رستگار نمی‌شود، و بزرگ‌ترین دروغ، نسبت دادن فرزند به او سبحانه است.

﴿* وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرَكُمْ عَلَيْكُمْ غَمَةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُون﴾ [یونس: ۷۱].

﴿۷۱﴾ و -ای رسول- بر این مشرکان تکذیب کننده، قصه نوح علیه السلام را حکایت کن آن گاه که به قومش گفت: ای قوم من، اگر ماندن من در میان شما برای تان دشوار شده است، و یادآوری آیات الله توسط من و اندرزم بر شما مشقت آور گشته است، و بر قتل من تصمیم گرفته‌اید، در از بین بردن نیرنگ‌تان، فقط بر الله توکل کرده‌ام، پس کارتان را استوار گردانید، و بر نابودی من تصمیم قاطع بگیرید، و معبودهای تان را در دعا بخوانید تا در این کار به شما کمک کنند، تا نیرنگ‌تان پنهان و مبهم نباشد، سپس بعد از اینکه بر کشتن من برنامه‌ریزی کردید آنچه را که پنهان می‌دارید اجرا کنید، و یک لحظه کارم را به تأخیر نیندازید.

﴿فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَامِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [یونس: ۷۲].

﴿۷۲﴾ پس اگر از دعوت من روی گردانید بدانید که من در قبال تبلیغ رسالت پروردگارم به شما پاداشی از شما درخواست نکرده‌ام، پاداش من جز بر الله نیست، چه به من ایمان آورید، یا کفر ورزید، و الله به من فرمان داده است تا با طاعت و عمل صالح از گردن نهندگان به او باشم.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَتَبَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ﴾ [یونس: ۷۳].

﴿۷۳﴾ پس قومش او را تکذیب کردند، و او را تصدیق نکردند، آن گاه او و همراهان مؤمنش را در کشتی نجات دادیم، و آنها را جانشین کسانی که قبل از آنها بودند گردانیدیم، و کسانی را که آیات و دلایلی را که آورده بود تکذیب کردند با طوفان نابود کردیم، پس -ای رسول- بنگر که سرانجام قومی که نوح علیه السلام آنها را انذار داد، و ایمان نیاوردند چگونه بود.

﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ﴾ [یونس: ۷۴].

﴿۷۴﴾ سپس بعد از مدت زمانی، پس از نوح رسولانی به سوی اقوامشان فرستادیم، آن گاه رسولان آیات و دلایل را برای امت‌هایشان آوردند، اما آنها به سبب اصرار قبلی‌شان بر تکذیب رسولان، اراده‌ای برای ایمان آوردن نداشتند، پس الله بر دل‌های‌شان مَهر نهاد. مانند این مَهر که بر دل‌های پیروان رسولان گذشته نهادیم، در هر زمان و مکانی بر دل‌های کافرانی که با کفر از حدود الله می‌گذرند مَهر می‌نهمیم.

﴿ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ﴾ [یونس: ۷۵].

﴿۷۵﴾ سپس بعد از گذشت مدت زمانی پس از این رسولان، موسی و برادرش هارون را به سوی فرعون پادشاه مصر و بزرگان قومش فرستادیم، آن دو را با آیات دلالت‌کننده بر راستگویی‌شان فرستادیم، اما از ایمان به آنچه که این دو آورده بودند سر باز زدند، و مردمی جنایتکار بودند؛ چون به الله کفر ورزیدند و رسولانش را تکذیب کردند.

﴿فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [یونس: ۷۶].

﴿۷۶﴾ آن گاه چون دینی که موسی و هارون آوردند نزد فرعون و بزرگان قومش آمد، در مورد نشانه‌هایش که بر راستگویی آنچه موسی آورده بود دلالت می‌کرد گفتند: همانا سحری آشکار است، و حقیقت ندارد.

﴿قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ﴾ [یونس: ۷۷].

﴿۷۷﴾ موسی برای اعتراض سخت بر آنها گفت: آیا در مورد حق، آن گاه که نزدتان آمد می‌گویید: سحر است؟! هرگز، سحر نیست، و همانا من می‌دانم که ساحر هرگز رستگار نمی‌شود، پس چگونه می‌توانم آن را انجام دهم؟!.

﴿قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتْنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَتَكُونَ لَكُمُ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا خُنُّ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۷۸].

﴿۷۸﴾ قوم فرعون این گونه به موسی عليه السلام پاسخ دادند: آیا این سحر را برایمان آورده‌ای تا ما را از دینی که پدرانمان را بر آن یافتیم بازدارد، و فرمانروایی برای تو و برادرت باشد؟ و -ای موسی و هارون- ما به نفع شما اقرار نمی‌کنیم که شما دو تن، رسولانی هستید که به سوی ما فرستاده شده‌اید.

برخی فواید آیات:

- سلاح مؤمن در رویارویی با دشمنانش، توکل بر الله است.
- اصرار بر کفر و تکذیب رسولان ﷺ موجب زدن مُهر بر دل‌ها می‌شود آن‌گاه هرگز ایمان نمی‌آورند.
- دشمنان رسولان ﷺ حالت یکسانی دارند، زیرا آنها همیشه هدایت را به سحر یا دروغ توصیف می‌کنند.
- ساحر هرگز رستگار نمی‌شود.

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ﴾ [یونس: ۷۹].

﴿۸۰﴾ و فرعون به قومش گفت: هر ساحر دانا و استاد به سحر را نزد من بیاورید.

﴿فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى اَلْقُوا مَا اَنْتُمْ مُلْقُونَ﴾ [یونس: ۸۰].

﴿۸۱﴾ پس چون ساحران را نزد فرعون آوردند موسی علیه السلام با اطمینان به پیروزی خویش بر آنها به ایشان گفت: - ای ساحران - سحرتان را بیندازید.

﴿فَلَمَّا اَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِيَ السِّحْرِ اِنَّ اللهَ سَيُبْطِلُهُ اِنَّ اللهَ لَاصْلِحُ عَمَلٍ

الْمُفْسِدِينَ﴾ [یونس: ۸۱].

﴿۸۱﴾ پس وقتی سحرشان را انداختند موسی علیه السلام به آنها گفت: آنچه را که شما آشکار ساختید همان سحر است، در حقیقت الله به زودی آنچه را که انجام دادید باطل و بدون اثر می گرداند، همانا شما با سحرتان در زمین فساد برپا می کنید، و الله عمل کسی را که فسادکار باشد اصلاح نمی گرداند.

﴿وَيُحِقُّ اللهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾ [یونس: ۸۲].

﴿۸۲﴾ و الله حق را ثابت می گرداند، و آن را با کلمات قدری خویش، و با دلایلی و براهینی که در کلمات شرعی او تعالی است قدرت می دهد، هر چند کافران مجرم خاندان فرعون این کار را نپسندند.

﴿فَمَا اَمَّنْ لِمُوسَى اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلِيْهِمْ اَنْ يَّفْتِنَهُمْ وَاِنَّ

فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْاَرْضِ وَاِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ﴾ [یونس: ۸۳].

﴿۸۳﴾ آن قوم بر رویگردانی تصمیم گرفتند، و - با وجود آیات آشکار و دلایل روشنی که موسی علیه السلام آورده بود - به او ایمان نیاوردند، مگر جوانانی از قومش بنی اسرائیل، با وجود اینکه از فرعون و بزرگان قومش می ترسیدند که در صورت آشکار شدن کارشان، آنها را با شکنجه و عذاب از ایمان شان برگردانند، و همانا فرعون بر مصر و ساکنانش گردنکش و مستبد بود، و در کفر و کشتن و شکنجه کردن بنی اسرائیل از متجاوزان از حد بود.

﴿وَقَالَ مُوسَى يَا قَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوْا اِنْ كُنْتُمْ مُّسْلِمِيْنَ﴾ [یونس: ۸۴].

﴿۸۴﴾ و موسی علیه السلام به قومش گفت: ای قوم من، اگر واقعا به الله ایمان آورده اید، پس

فقط بر الله توکل کنید اگر مسلمان هستید، زیرا توکل بر الله آسیب را از شما دفع می‌کند، و خیر را برای تان فراهم می‌آورد.

﴿فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۸۵].

﴿۸۵﴾ پس سخن موسی علیه السلام را پذیرفتند، آن‌گاه گفتند: فقط بر الله توکل کردیم، پروردگارا ستمکاران را بر ما مسلط نگردان، تا با شکنجه و قتل و فریب ما را در دینمان به فتنه بیندازند.

﴿وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ [یونس: ۸۶].

﴿۸۶﴾ - پروردگارا - ما را به رحمت خویش از دستان قوم کافر فرعون نجات بده، که ما را به بردگی کشانده‌اند و با شکنجه و قتل به ما آزار رسانده‌اند.

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۸۷].

﴿۸۷﴾ و به موسی و برادرش هارون وحی کردیم که برای قوم‌تان خانه‌هایی برای عبادت الله به یگانگی، انتخاب کنید و برگزید، و خانه‌های تان را رو به جهت قبله (بیت‌المقدس) بگردانید، و نماز را به صورت کامل برپا دارید، و -ای موسی - مؤمنان را به یاری و تأیید آنها توسط الله، و نابودی دشمنان‌شان، و جانشین گرداندن‌شان در زمین خیر بده.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ [یونس: ۸۸].

﴿۸۸﴾ و موسی علیه السلام گفت: پروردگارا، تو به فرعون و سران قومش از زینت‌ها و زرق و برق‌های دنیا داده‌ای، و اموالی در این زندگی دنیا به آنها داده‌ای، آن‌گاه در قبال آنچه که به آنها داده‌ای از تو سپاس‌گزاری نکردند، بلکه آن‌ها را برای گمراه کردن از راه تو به کار گرفتند، پروردگارا، اموال‌شان را محو و نابود کن، و دل‌های‌شان را سخت گردان، تا ایمان نیاورند مگر وقتی عذاب رنج‌آور را مشاهده می‌کنند که آن‌گاه ایمان‌شان نفعی به آنها نمی‌رساند.

برخی فواید آیات:

- سزاوار است که مؤمن قوی، بر الله و یاری اش اعتماد و بر او تعالی توکل کند.
- بیان اهمیت دعا، و اینکه از صفات توکل کنندگان است.
- تأکید بر اهمیت نماز و وجوب برپایی آن در تمام ادیان آسمانی و در تمام احوال.
- مشروعیت دعا علیه ستمگر.

﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یونس: ۸۹].

۸۸) الله فرمود: - ای موسی و هارون - دعای شما علیه فرعون و سران قومش را اجابت کردم، پس بر دین تان استوار باشید، و از آن به سوی پیروی راه گمراهانی که راه حق را نمی دانند منحرف نشوید.

﴿* وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعَرْقُ قَالَ أَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [یونس: ۹۰].

۹۰) و عبور از دریا را پس از شکافتن آن بر بنی اسرائیل فراهم ساختیم تا اینکه سالم از آن گذشتند، پس فرعون و لشکریانش از روی ستم و تجاوز به آنها ملحق شدند، تا اینکه دریا بر او به هم بسته شد، و غرق او را فرا گرفت، و از نجات ناامید شد. در آن هنگام گفت: ایمان آوردم به اینکه معبود برحقى جز ذاتى که بنى اسرائیل به او ایمان آوردند نیست، و من با طاعت از گردن نهندگان به الله هستم. و چون مشاهده مرگ، مانع پذیرش توبه بود، الله تعالى فرمود:

﴿الآن وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ [یونس: ۹۱].

۹۱) آیا اکنون و پس از ناامیدی از زندگی ایمان می آوری؟! درحالی که -ای فرعون - قبل از نزول عذاب با کفر به الله، و بازداشتن از راهش، از او تعالی نافرمانی کردی، و به سبب اینکه خودت و دیگران را گمراه ساختی از فسادکاران بودی.

﴿فَالْيَوْمَ نُنَجِّكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾ [یونس: ۹۲].

۹۲) پس -ای فرعون - امروز تو را از دریا بیرون می آوریم، و تو را در زمین مرتفعی قرار می دهیم؛ تا کسانی که پس از تو می آیند از تو عبرت بگیرند، و همانا بسیاری از مردم از حجت ها و دلایل قدرت ما غافل هستند، و در آن تفکر نمی کنند.

﴿وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [یونس: ۹۳].

﴿۳۳﴾ و به راستی که بنی اسرائیل را در منزلی پسندیده و مکانی راضی کننده در سرزمین مبارک شام فرود آوردیم، و از رزق حلال و پاک به آنها روزی دادیم، پس در امر دین شان اختلاف نکردند تا اینکه قرآن که تصدیق کننده صفات نیکوی محمد ﷺ است که در تورات خوانده اند نزدشان آمد، پس وقتی که آن را انکار کردند سرزمین شان به زور از آنها گرفته شد. - ای رسول - همانا پروردگار تو در آنچه که اختلاف می کردند در روز قیامت میان آنها داوری می کند، آن گاه به هر یک از حق دار و دروغ پرداز آنها جزایی را که مستحق آن است می دهد.

﴿فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ [یونس: ۹۴].

﴿۳۴﴾ پس - ای رسول - اگر از حقیقت قرآن که به سوی تو نازل کرده ایم در شک و تردید هستی، از یهودیانی که ایمان آورده اند و تورات را می خواندند، و از مسیحیانی که انجیل را می خواندند بپرس، آن گاه به تو خبر خواهند داد که آنچه بر تو نازل شده است حق است؛ چون توصیف آن را در کتاب های شان می یابند، به راستی حقی که هیچ تردیدی در آن نیست از جانب پروردگار تو برایت آمده است، پس از تردید کنندگان نباش.

﴿وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونُوا مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [یونس: ۹۵].

﴿۳۵﴾ و از کسانی نباش که دلایل و برهان های الله را تکذیب کردند که در این صورت از زیانکارانی خواهی بود که به سبب کفرشان با قراردادن خودشان در معرض نابودی به خویشان ضرر رساندند، و تمام این ترساندن برای بیان خطر زیاد شک و تکذیب است، و گرنه پیامبر ﷺ معصوم است از اینکه ذره ای از این امر از او سر بزند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [یونس: ۹۶].

﴿۳۶﴾ همانا کسانی که حکم الله در مورد آنها ثابت شده است که به سبب اصرارشان بر کفر در حال کفر می میرند هرگز ایمان نمی آورند.

﴿وَلَوْ جَاءَهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ [یونس: ۹۷].

﴿۳۷﴾ هر چند هر آیه شرعی یا کونیه برای شان بیاید تا اینکه عذاب رنج آور را مشاهده کنند، پس هنگامی که ایمان نفعی به آنها نمی رساند ایمان می آورند.

برخی فواید آیات:

- وجوب پایداری در دین، و پیروی نکردن از راه مجرمان.
- توبه کسی که روحش در حال گرفته شدن باشد، یا عذاب را مشاهده کند پذیرفته نمی‌شود.
- یهودیان و نصاری از صفات پیامبر ﷺ آگاه بودند، اما تکبر و دشمنی، آنها را از ایمان بازداشت.

﴿فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَّةٌ أَمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ
عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ﴾ [یونس: ۹۸].

۹۸ واقع نشده است که یکی از قریه‌هایی که به‌سوی آنها رسولان مان را فرستاده‌ایم قبل از مشاهده عذاب، ایمانی معتبر بیاورد، آن‌گاه ایمان‌شان به‌سبب اینکه قبل از مشاهده عذاب ایمان آورده باشند، به آنها فایده برساند مگر قوم یونس علیه السلام آن‌گاه که ایمانی راستین آوردند که عذاب ذلت و خواری در زندگی دنیا را از آنها برداشتیم، و آنها را تا زمان سپری شدن طول عمرهای‌شان بهره‌مند ساختیم.

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا
مُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۹۹].

۹۹ و - ای رسول - اگر پروردگارت ایمان تمام ساکنان زمین را می‌خواست به‌طور قطع همگی ایمان می‌آوردند، اما او تعالی از روی حکمتی این امر را نخواست است، پس به عدالت خویش هرکس را که بخواهد گمراه می‌سازد، و به فضل خویش هرکس را که بخواهد هدایت می‌کند، در نتیجه از توان تو خارج است که مردم را مجبور سازی ایمان بیاورند، زیرا توفیق آنها به ایمان فقط به دست الله است.

﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [یونس: ۱۰۰].

۱۰۰ پس برای هیچ‌کس سزاوار نیست که از نزد خودش بدون اینکه الله به او اجازه دهد ایمان بیاورد، زیرا ایمان جز به اراده او تعالی واقع نمی‌شود، پس از روی افسوس بر آنها خودت را نابود نکن، و الله عذاب و خواری را بر کسانی که حجت‌ها و اوامر و نواهی او تعالی را درک نمی‌کنند قرار می‌دهد.

﴿قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنِ قَوْمٍ لَّا
يُؤْمِنُونَ﴾ [یونس: ۱۰۱].

۱۰۱ - ای رسول - به مشرکانی که از تو نشانه‌هایی می‌خواهند بگو: بنگرید که در آسمان‌ها و زمین چه چیزی است از نشانه‌های دلالت‌کننده بر وحدانیت و قدرت او، و فرو فرستادن آیات و حجت‌ها و رسولان به قومی که به دلیل اصرارشان بر کفر، تمایل و آمادگی ایمان آوردن را ندارند نفعی نمی‌رساند.

﴿فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ [یونس: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ پس آیا این تکذیب کنندگان جز مانند وقایعی که الله بر امت‌های تکذیب کننده پیشین واقع کرده است انتظار می‌برند؟! - ای رسول - به آنها بگو: عذاب الله را انتظار بکشید، همانا من همراه شما از منتظران وعدهٔ پروردگارم هستم.

﴿ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ سپس عذاب را بر آنها نازل می‌کنیم، و رسولان را نجات می‌دهیم، و کسانی را که ایمان آورده‌اند همراه آنها نجات می‌دهیم، پس مصیبتی که به قوم‌شان رسید به آنها نمی‌رسانیم، چنان‌که این رسولان و مؤمنان همراه آنها را نجات دادیم، رسول الله ﷺ و مؤمنان همراهش را نجات می‌دهیم چون نجات آنها حقی ثابت برعهدهٔ ما است.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ - ای رسول - بگو: ای مردم، اگر از دین من که شما را به‌سوی آن دعوت می‌کنم و همان دین توحید است در تردید هستید، بدانید که من بر فساد دین شما یقین دارم پس از آن پیروی نمی‌کنم، و کسانی را که شما غیر از الله عبادت می‌کنید عبادت نمی‌کنم، و اما من، الله را عبادت می‌کنم، یعنی همان ذاتی که شما را می‌میراند و به من فرمان داده که از مؤمنانی باشم که دین را برای او خالص می‌گردانند.

﴿وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یونس: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ و همچنین به من دستور داده که بر دین حق مراقبت کنم، و با رویگردانی از تمام ادیان به‌سوی دین اسلام، بر آن ایستادگی و مقاومت کنم، و مرا نهی کرده از اینکه از مشرکان به او باشم.

﴿وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مَنَّ الظَّالِمِينَ﴾ [یونس: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ و - ای رسول - به جای الله، تندیس‌ها و بت‌ها و غیر آنها را که مالک هیچ نفع و زبانی نیستند در دعا نخوان تا به تو نفع یا زیان برسانند، پس اگر آنها را عبادت کنی به‌طور قطع از ستمکارانی خواهی بود که از حق الله و حق خودشان می‌گذرند.

برخی فواید آیات:

- ایمان، سبب بالا بردن صاحبش به درجات بالا و بهره‌مندی در زندگی دنیا است.
- هیچ‌کس نمی‌تواند کسی را به ایمان آوردن وادار کند؛ زیرا این کار فقط به اراده‌ی الله بازمی‌گردد.
- کسی که بر کفر اصرار ورزد و بر آن مداومت کند، آیات و انذارها به او نفع نمی‌رسانند.
- وجوب استقامت بر دین حق، و دوری هرچه تمام‌تر از شرک و ادیان باطل.

﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [یونس: ۱۰۷].

①۷ و - ای رسول - اگر الله مصیبتی به تو برساند، و خواهی آن را از خودت دفع کنی، برای این امر هیچ بازدارنده‌ای جز او سبحانه نیست، و اگر گشایشی برای تو بخواهد هیچ کس نیست که بخشش او را بازگرداند، بخشش خویش را به هر یک از بندگانش که بخواهد می‌رساند، و هیچ اجبار کننده‌ای برای او نیست، و او تعالی نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّٰ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾ [یونس: ۱۰۸].

①۸ - ای رسول - بگو: ای مردم، قرآن که از جانب پروردگار شما نازل شده برای‌تان آمده است، پس هرکس هدایت یابد و به آن ایمان آورد نفع آن به خودش بازمی‌گردد؛ زیرا الله از طاعت بندگانش بی‌نیاز است، و هرکس گمراه گردد به‌طور قطع اثر گمراهی‌اش فقط به خودش می‌رسد، زیرا نافرمانی بندگان الله، به او تعالی زبانی نمی‌رساند، و من محافظت کننده شما نیستم که اعمال‌تان را حفظ کنم، و شما را در قبال آن محاسبه گردانم.

﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتَّىٰ يَخُضِّمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ [یونس: ۱۰۹].

①۹ و - ای رسول - آنچه را که پروردگارت به تو وحی می‌کند پیروی و به آن عمل کن، و در برابر آزار کسانی از قومت که با تو مخالفت کنند، و بر تبلیغ آنچه به تبلیغ آن فرمان یافته‌ای شکیبایی کن، و بر آن ادامه بده تا الله در مورد آنها به حکم خویش مبنی بر پیروزی تو بر آنها در دنیا و عذاب آنها در آخرت اگر بر کفرشان بمیرند، داوری کند.

سوره هود

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان راه روشن رسولان علیهم السلام در رویارویی با اقوام تکذیب کننده‌شان.

تفسیر:

﴿الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾ [هود: ۱].

﴿الر﴾ سخن در مورد حروف مشابه این حروف در آغاز سوره بقره بیان شد. قرآن کتابی است که آیاتش از نظر نظم و معنا استحکام یافته است، چنان که هیچ خلل و نقصانی در آن مشاهده نمی‌کند، سپس از جانب ذاتی که در تدبیر و تشریحش بسیار داناست، و از احوال و مصالح بندگان بسیار آگاه است، با ذکر حلال و حرام و امر و نهی و وعده و وعید و قصص و مانند آن بیان شده است.

﴿أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ﴾ [هود: ۲].

﴿ا﴾ آیات نازل شده بر محمد صلی الله علیه و آله این مضامین را دربردارد: نهی بندگان از اینکه غیر الله را همراه او تعالی عبادت کنند، - ای مردم - همانا من ترساننده شما از عذاب الله هستم اگر به او کفر ورزید و از او نافرمانی کنید، و مژده دهنده شما به پاداش او تعالی هستم اگر به او ایمان آورید و به شریعتش عمل کنید.

﴿وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ

كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ﴾ [هود: ۳].

﴿ا﴾ و - ای مردم - آموزش گناهان تان را از پروردگارتان بخواهید، و با پشیمانی از آنچه در راه او کوتاهی کرده‌اید به سوی او بازگردید، که شما را در زندگی دنیایی تان تا پایان عمرتان که سررسیدی مشخص دارد از کالایی نیکو بهره‌مند سازد، و به هرکس که دارای افزوده‌ای در طاعت و عمل باشد جزای افزوده‌اش را به صورت کامل و بدون کاستی بدهد، و اگر از ایمان به آنچه از جانب پروردگرم آورده‌ام روی بگردانید همانا من از عذاب روزی که صحنه‌های هولناک سختی دارد یعنی روز قیامت بر شما می‌ترسم.

﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [هود: ۴].

🕒 - ای مردم - بازگشت شما در روز قیامت فقط به سوی الله است، و او سبحانه بر هر چیزی تواناست، هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد، پس زنده گردانیدن و حسابرسی شما پس از مرگ و برانگیختن تان او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينٍ يَسْتَعْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا

يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [هود: ۵].

🕒 بدانید که این مشرکان به سبب جهلی که به الله دارند سینه‌های‌شان را می‌گردانند تا شک و تردید موجود در آن را از او تعالی پنهان دارند، بدانید آن‌گاه که سرهای‌شان را با لباس‌های‌شان می‌پوشانند، الله از آنچه که پنهان و آنچه که آشکار می‌کنند آگاه است، به‌راستی که او به آنچه سینه‌ها پنهان می‌دارند بسیار داناست.

برخی فواید آیات:

- خیر و شر و نفع و ضرر فقط به دست الله است؛ نه غیر او.
- وجوب پیروی از قرآن و سنت و شکیبایی در برابر آزارها و انتظار گشایش از جانب الله.
- آیات قرآن محکم هستند و هیچ خلل و باطلی در آنها یافت نمی‌شود، و احکام در آنها به صورت کاملاً مفصل بیان شده است.
- وجوب شتافتن به توبه و پشیمانی بر گناهان برای رسیدن به مطلوب و نجات از ترس و هلاکت.

﴿ وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴾ [هود: ۶].

۶ و هیچ مخلوقی نیست که بر روی زمین بجنبد هر اندازه که باشد مگر اینکه الله از روی لطف به او روزی اش را تضمین کرده است، و او سبحانه محل استقرار او در زمین را می‌داند، و از محل مرگش که در آنجا می‌میرد آگاه است، پس تمام جنبندگان و روزی‌شان و مواضع استقرار و مواضع مرگشان، در کتابی آشکار یعنی لوح محفوظ است.

﴿ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴾ [هود: ۷].

۷ و او سبحانه ذاتی است که آسمان‌ها و زمین را با وجود گستردگی اش، و تمام آنچه را در این دو وجود دارد در شش روز آفرید، و قبل از آفرینش آسمان‌ها و زمین، عرش او تعالی بر آب بود؛ تا -ای مردم- شما را بیازماید که کدامیک از شما با انجام آنچه که الله را راضی می‌سازد نیکوکارترید، و کدامیک از شما با انجام آنچه که او تعالی را خشمگین می‌سازد بدکارترید، آن‌گاه هر یک را به آنچه که استحقاق دارد جزا دهد. و -ای رسول- اگر بگویی: -ای مردم- همانا شما پس از مرگ برانگیخته می‌شوید تا مورد محاسبه قرار گیرید به‌طور قطع کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند و رستاخیز را انکار کرده‌اند خواهند گفت: این قرآن که آن را تلاوت می‌کنی جز سحری آشکار نیست، و باطلی است که بطلانش آشکار است.

﴿ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَجْحِسُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسٌ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴾ [هود: ۸].

۸ و اگر عذاب در زندگی دنیا را از مشرکان که سزاوارش هستند تا روزهای معدودی به تأخیر اندازیم به‌طور قطع از روی مسخره این‌گونه خواستار تعجیل در آن خواهند شد: چه چیزی عذاب را از ما باز می‌دارد؟ بدانید عذابی که سزاوارش هستند سررسید مشخصی نزد الله دارد، و روزی که آنها را فراگیرد هیچ بازدارنده‌ای نخواهند یافت تا عذاب را از آنها بازدارد، بلکه بر آنها واقع می‌شود، و عذابی را که از روی مسخره و ریشخند خواهان تعجیل در آن بودند آنها را احاطه خواهد کرد.

﴿وَلَيْنَ أَدْفَنَّا الْإِنْسَانَ مِمَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ﴾ [هود: ۹].

۹ و اگر از جانب خود نعمتی مانند نعمت سلامتی و ثروت به انسان عطا کنیم، سپس آن نعمت را از او بگیریم به راستی که او از رحمت الله بسیار نومید، و در برابر نعمت او تعالی بسیار ناسپاس است، و هرگاه الله نعمت را از او بگیرد آن را فراموش می کند.

﴿وَلَيْنَ أَدْفَنَاهُ نَعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسْتَهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ﴾ [هود: ۱۰].

۱۰ و اگر گشایش در روزی و سلامتی پس از فقر و بیماری ای که به او رسیده است به او بچشانیم به طور قطع خواهد گفت: آسیب از من برطرف شد، و زیان از بین رفت، و در قبال این کار شکر الله را به جای نمی آورد، همانا او از روی ناسپاسی بسیار سرخوش است، و به آنچه الله بر او ارزانی داشته است در برابر مردم فخر فروشی و مباهات می کند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ [هود: ۱۱].

۱۱ مگر کسانی که در برابر سختی ها و طاعات و گناهان شکیبایی ورزیده، و اعمال صالح انجام داده اند، که حال دیگری دارند، چون نه ناامیدی آنها را فرامی گیرد، و نه ناسپاسی در برابر نعمت های الله، و نه فخر فروشی بر مردم؛ برای اینها که دارای صفات مذکور هستند آمرزشی از جانب پروردگارشان برای گناهان شان، و پاداشی بزرگ در آخرت است.

﴿فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [هود: ۱۲].

۱۲ - ای رسول - به سبب رویارویی با کفر و سرسختی و پیشنهاد آیات از سوی آنها - مبدا تبلیغ برخی از آنچه را که الله تو را به تبلیغ آن فرمان داده است و عمل به آن برای شان دشوار است رها کنی، و مبدا سینهات به سبب تبلیغ آن تنگ گردد به خاطر اینکه نگویند: چرا گنجی بر او فرو فرستاده نمی شود تا او را بی نیاز سازد، یا چرا فرشته ای همراهش نمی آید تا او را تصدیق کند، پس به خاطر این کار بخشی از آنچه را که به تو وحی می شود رها نکنی، زیرا تو فقط انذار دهنده هستی، آنچه الله تو را به تبلیغ آن فرمان داده است ابلاغ کن، و آوردن آیاتی که به تو پیشنهاد می دهند برعهده تو نیست، و الله بر همه چیز نگهبان است.

برخی فواید آیات:

- گستردگی علم الله تعالی و عهده‌دار شدن روزی‌های مخلوقات توسط او تعالی؛ چه انسان، چه حیوان و چه سایر مخلوقات.
- بیان علت آفرینش؛ که همان آزمایش بندگان با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تعالی است.
- سزاوار نیست که گناهکاران از اینکه الله تعالی به آنها مهلت می‌دهد فریب بخورند، زیرا او تعالی شاید آنها را درحالی که نمی‌دانند بگیرد.
- بیان حالت انسان در دو حالت گشایش و سختی، و ستودن موضع مؤمن فرمان بردار در شکیبایی و شکر.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَضَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [هود: ۱۳].

﴿۱۳﴾ بلکه آیا مشرکان می‌گویند: محمد قرآن را ساخته، و از جانب الله وحی نشده است، - ای رسول - برای طلبیدن آنها به مبارزه بگو: پس ده سوره ساختگی مانند این قرآن، که ادعا کردید ساختگی است بیاورید و در این کار ملزم به راستگویی نیستید، و هرکس را که می‌توانید فراخوانید، تا در این کار به شما یاری رسانند، اگر در این ادعا که قرآن ساختگی است راستگو هستید.

﴿فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [هود: ۱۴].

﴿۱۴﴾ پس اگر به سبب ناتوانی نتوانستند آنچه را که از آنها طلب می‌کنید بیاورند، - ای مؤمنان - به یقین بدانید که قرآن را فقط الله با علم خویش بر رسولش فرو فرستاده است، و ساختگی نیست، و بدانید که معبود برحقى جز الله نیست، پس آیا شما بعد از این دلایل قاطع در برابر او گردن می‌نهدید؟

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ﴾ [هود: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و هرکس به عمل خویش زندگی دنیا و کالاهای فانی آن را بخواهد، و آخرت را نجوید، پاداش اعمال‌شان را در دنیا برای‌شان می‌دهیم: سلامتی، و امنیت، و گشایش در روزی، و ذره‌ای از پاداش عمل‌شان کاسته نمی‌شود.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [هود: ۱۶].

﴿۱۶﴾ اینها که به این هدف نکوهیده متصف هستند، روز قیامت پاداشی جز جهنم که در آن داخل می‌شوند ندارند، و ثواب اعمال‌شان از دست‌شان رفته است، و اعمال‌شان باطل است؛ زیرا پیش از انجام آن، ایمان و هدفی صحیح نداشته‌اند، و با آن رضایت الله و سرای آخرت را نخواستند.

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابٌ مُّوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [هود: ۱۷].

پیامبر محمد ﷺ که برهانی از جانب پروردگار متعالش همراه دارد و گواهی از جانب پروردگارش، یعنی جبریل علیّه السلام نیز همراه اوست، و پیش از این، تورات که برای رهبری مردم و رحمت بر آنها بر موسی علیّه السلام نازل شده است به نبوت او گواهی می‌دهد. او و کسانی که همراهش ایمان آورده‌اند با این کافران غرق در گمراهی، یکسان نیستند. آنها به قرآن و به محمد ﷺ که قرآن بر او نازل شده است ایمان می‌آورند، و هر یک از پیروان آیین‌ها که به او کفر می‌ورزد وعده‌گاهش در روز قیامت جهنم است، پس -ای رسول- در مورد قرآن و وعده‌گاه آنها تردید نکن، زیرا حقیقتی است که تردیدی در آن راه ندارد، و اما بیشتر مردم با وجود انبوه دلایل آشکار و براهین روشن ایمان نمی‌آورند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَّبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ آلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ [هود: ۱۸].

و هیچ‌کس ستمکارتر از کسی نیست که با نسبت دادن شریک یا فرزند به الله دروغی بر او تعالی بسازد، اینها که بر الله دروغ می‌بندند در روز قیامت در برابر پروردگارشان عرضه می‌شوند تا در مورد اعمال‌شان از آنها بپرسد، و فرشتگان و فرستادگان که علیه آنها گواهی می‌دهند می‌گویند: اینها همان کسانی هستند که با نسبت دادن شریک و فرزند به الله بر او تعالی دروغ بستند. بدانید که الله کسانی را که با بستن دروغ بر او تعالی بر خودشان ستم کردند از خود رانده است.

﴿الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ [هود: ۱۹].

کسانی که مردم را از راه راست الله بازمی‌دارند، و خواهان انحراف از راستی در راه او تعالی هستند تا هیچ‌کس آن را نپیماید، همان‌ها به رستاخیز پس از مرگ کفر می‌ورزند و آن را انکار می‌کنند.

برخی فواید آیات:

- دعوت مشرکان از سوی الله برای مبارزه؛ در آوردن ده سوره مانند قرآن، و بیان ناتوانی آنها در این کار.
- اگر خواسته کافر در دنیا به او داده شود، در آخرت، نصیبی جز جهنم ندارد.
- بزرگی ستم کسی که بر الله دروغ ببندد و بزرگی کیفر او در روز قیامت.

﴿أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ﴾ [هود: ۲۰].

③۰ اینها که این صفات را دارند نمی‌توانند از عذاب الله آن‌گاه که بر آنها نازل شود در زمین فرار کنند، و هم‌پیمانان و یاورانی غیر از الله ندارند که کیفر الله را از آنها دفع کنند؛ به سبب اینکه خودشان و دیگران را از راه الله بازداشتند عذاب روز قیامت بر آنها افزوده می‌شود. آنها در دنیا توان شنیدن حق و هدایت به قصد پذیرش را نداشتند، و آیات الله در هستی را آن‌گونه که برای‌شان فایده برساند نمی‌دیدند؛ زیرا رویگردانی زیادی از حق داشتند.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [هود: ۲۱].

③۱ اینها همان کسانی هستند که با قرار دادن خودشان در معرض نابودی با انتخاب شریکانی همراه الله به خودشان زیان رساندند، و شریکان و شفیعیانی را که ساخته بودند از دست‌شان رفته است.

﴿لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ﴾ [هود: ۲۲].

③۲ به درستی آنها در روز قیامت زیانکارترین معامله‌کنندگان هستند، چون کفر را جایگزین ایمان، دنیا را جایگزین آخرت، و عذاب را جایگزین رحمت کرده‌اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [هود: ۲۳].

③۳ همانا کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند، و اعمال صالح انجام داده‌اند، و برای الله خضوع و فروتنی کرده‌اند، همان‌ها ساکنان بهشت هستند، که برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [هود: ۲۴].

③۴ مثل دو گروه کافر و مؤمن مانند کوری است که نمی‌بیند، و کری که نمی‌شنود، و این مثال گروه کافران است که حق را به قصد قبول کردن نمی‌شنوند، و آن را به گونه‌ای که به آنها فایده برساند نمی‌بینند، و مثل شنوا و بیناست، که مثل گروه

مؤمنان است که هم می شنوند و هم می بینند، آیا این دو گروه حال و صفت یکسانی دارند؟! یکسان نیستند، آیا از یکسان نبودن این دو پند نمی گیرند؟! و چون رویگردانی مشرکان از ایمان آشکار شد، الله با بیان قصص پیامبران به پیامبرش آرامش داد که او نخستین کسی نیست که تکذیب شده است، پس او سبحانه فرمود:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [هود: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و نوح را به عنوان رسولی به سوی قومش فرستادیم، آن گاه به آنها گفت: ای قوم من، همانا من انذار دهنده‌ای برای شما از عذاب الله، و بیانگر چیزی هستم که با آن به سوی شما فرستاده شده‌ام.

﴿أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ﴾ [هود: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و شما را فرامی‌خوانم که تنها الله را عبادت کنید، پس جز او را عبادت نکنید، همانا من از عذاب روزی درد آور بر شما می‌ترسم.

﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشْرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّى الرَّأْيِ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ﴾ [هود: ۲۷].

﴿۲۷﴾ آن گاه بزرگان و سران قومش که کافر بودند گفتند: هرگز فراخوان تو را نمی‌پذیریم؛ زیرا تو امتیازی بر ما نداری، چون انسانی مانند ما هستی. آن گونه که برایمان آشکار است، نمی‌بینیم کسی جز افراد پست ما از تو پیروی کرده باشد. و شرف و مال و جایگاه بیشتری هم ندارید که شما را شایسته گرداند تا از شما پیروی کنیم، بلکه گمان می‌کنیم که شما در ادعای خویش دروغگو هستید.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّي وَأَتَانِي رَحْمَةٌ مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أُنزِلْ مِنْكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ﴾ [هود: ۲۸].

﴿۲۸﴾ نوح علیه السلام به آنها گفت: ای قوم من، به من خبر دهید اگر بر برهانی از جانب پروردگارم باشم که به راستگویی من گواهی می‌دهد، و ایمان آوردن به من را بر شما واجب می‌گرداند، و رحمتی از جانب او تعالی که همان نبوت و رسالت است به من عطا شده باشد، و به سبب جهل شما به آن بر شما پوشیده مانده باشد؛ آیا به زور

شما را بر ایمان به آن مجبور می‌سازیم و آن را در دل‌های‌تان وارد می‌کنیم؟! توان این کار را نداریم، زیرا ذاتی که به ایمان هدایت می‌کند همان الله است.

برخی فواید آیات:

- کافر از شنیدن و دیدنش بهره‌ای که منجر به ایمان شود نمی‌برد، زیرا برخلاف مؤمن، مانند کسی است که گوش شنوا و چشم بینا از او گرفته شده باشد.
- سنت الله در پیروان رسولان ﷺ آن است که آنها به خاطر خالی بودن از کبر، و خصومت اشراف و سران با آنها، فقیران و ضعیفان هستند.
- تکبر اشراف و بزرگان و تحقیر دیگران در اغلب اوقات توسط آنها.

﴿وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِظَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ [هود: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و ای قوم من، در قبال تبلیغ رسالت مالی از شما درخواست نمی‌کنم، زیرا پاداش من جز بر الله نیست، و مؤمنان فقیری را که خواستار راندن آنها هستید از مجلس خویش دور نمی‌کنم، آنها در روز قیامت پروردگارشان را ملاقات می‌کنند، و او تعالی پاداش ایمانشان را به آنها می‌دهد، و اما من شما را قومی می‌بینم که حقیقت این دعوت را نمی‌فهمند چون راندن مؤمنان ضعیف را طلب می‌کنید.

﴿وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [هود: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و ای قوم من، اگر این مؤمنان را از روی ستم و بدون گناه برانم چه کسی عذاب الله را از من دفع می‌کند؟ آیا پند نمی‌گیرید، و برای آنچه که برای تان مناسب‌تر و سودمندتر است نمی‌کوشید؟!

﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [هود: ۳۱].

﴿۳۱﴾ - و ای قوم من - به شما نمی‌گویم: گنجینه‌های رزق الله نزد من است، که اگر ایمان بیاورید از آن بر شما انفاق کنم، و به شما نمی‌گویم: من غیب می‌دانم، و به شما نمی‌گویم: من از فرشتگان هستم، بلکه من انسانی مانند خودتان هستم، و در مورد فقیرانی که در نظر شما خوار و کوچک به نظر می‌رسند نمی‌گویم: الله توفیق و هدایت به آنها عطا نمی‌کند، الله به نیت و احوال‌شان آگاه‌تر است، به‌راستی که اگر من این موارد را ادعا کنم از ستمکارانی خواهم بود که سزاوار عذاب الله هستند.

﴿قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [هود: ۳۲].

﴿۳۲﴾ آنها از روی آزار و تکبر گفتند: ای نوح، همانا با ما جدال و مناظره کردی، و بسیار هم جدال و مناظره کردی، پس عذابی را که به ما وعده می‌دهی برایمان بیاور اگر در ادعای خویش از راستگویان هستی.

﴿قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ [هود: ۳۳].

﴿۳۳﴾ نوح علیه السلام به آنها گفت: من عذاب را بر شما نمی‌آورم، بلکه فقط الله است که اگر بخواهد آن را بر شما می‌آورد، و اگر الله عذاب خویش را بر شما بخواهد نمی‌توانید از عذابش فرار کنید.

﴿وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [هود: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و اگر الله به سبب سرسختی شما بخواهد شما را از راه راست گمراه سازد، و در هدایت یاری نرساند، اندرز و یادآوری من به شما سودی برای تان نمی‌رساند. او پروردگار شماست، و اوست که مالک کارتان است، پس اگر بخواهد شما را گمراه می‌سازد، و روز قیامت فقط به سوی او بازگردانیده می‌شود، آن‌گاه شما را در قبال اعمال تان مجازات می‌کند.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرَمُونَ﴾ [هود: ۳۵].

﴿۳۵﴾ سبب کفر قوم نوح علیه السلام این بود که آنها ادعا می‌کردند نوح علیه السلام این دین را که آورده است بر الله دروغ بسته است، - ای رسول - به آنها بگو: اگر آن را ساخته باشم، کیفر گناهم فقط به دوش خودم است، و ذره‌ای از گناه تکذیب شما نیز به دوش نمی‌کشم، چون از آن بیزارم.

﴿وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ [هود: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و الله این‌گونه به نوح علیه السلام وحی کرد: - ای نوح - جز کسانی که پیش از این ایمان آورده‌اند کسی از قوم تو ایمان نخواهد آورد، پس - ای نوح - به سبب تکذیب و ریشخندی که در خلال این مدت طولانی مرتکب می‌شدند اندوه مدار.

﴿وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ﴾ [هود: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و کشتی را زیر نظر ما و تحت حفاظت ما، و به وحی ما که به تو آموزش می‌دهیم آن را چگونه بسازی، بساز، و از من نخواه به کسانی که به سبب کفر بر خودشان ستم کرده‌اند مهلت بدهم، زیرا آنها - بدون تردید - به کیفر اصرارشان بر کفر با طوفان غرق می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- پرهیزکاری دعوتگر به سوی الله و اینکه فقط از او تعالی امید پاداش دارد.
- حرمت راندن مؤمنان فقیر، و وجوب گرامی داشتن و احترام آنها.
- الله تعالی علم غیب را فقط برای خودش برگزیده است.
- مشروعیت جدال و مناظره با کافران.

﴿وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ﴾ [هود: ۳۸].

﴿۳۸﴾ آن گاه نوح علیه السلام از فرمان پروردگارش اطاعت، و شروع به ساختن کشتی کرد، و هرگاه بزرگان و سران قومش بر او می گذشتند او را مسخره می کردند؛ چون در حالی کشتی را می ساخت که در سرزمینش نه آبی بود و نه هیچ رودی، پس چون بارها او را مسخره کردند؛ به آنها گفت: - ای سران - اگر امروزه که کشتی را می سازیم ما را مسخره می کنید، همانا ما شما را به خاطر جهل تان به سرانجام کارتان که غرق شدن است مسخره خواهیم کرد.

﴿فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ [هود: ۳۹].

﴿۳۹﴾ پس به زودی خواهید دانست که چه کسی را عذابی خوار کننده و تحقیر کننده در دنیا فرا خواهد گرفت، و در روز قیامت عذابی همیشگی و جاویدان بر او فرو فرستاده می شود.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ﴾ [هود: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و نوح علیه السلام ساختن کشتی ای را که الله او را به ساختن آن فرمان داده بود به پایان رساند، تا اینکه فرمان ما بر نابودی شان آمد، و آب از تنوری که در آن نان می پختند فوران کرد؛ تا اعلامی باشد بر آغاز طوفان؛ به نوح گفتیم: در این کشتی از هر صنف حیوان روی زمین یک جفت سوار کن: نر و ماده، و خانوادهات را سوار کن جز کسی که بر غرق شدن او حکم رفته است؛ به این سبب که ایمان نیاورد، و کسانی از قومت را که همراه تو ایمان آورده اند سوار کن، و با وجود طولانی بودن مدتی که در میان آنها ماند و آنها را به سوی ایمان به الله دعوت می کرد جز شمار اندکی کسی از قومش ایمان نیاورده بود.

﴿* وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ حَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [هود: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و نوح علیه السلام به کسانی از خانواده و قومش که ایمان آورده بودند گفت: در کشتی سوار شوید، حرکت کردن کشتی با نام الله است، و لنگر انداختنش نیز با نام الله است، همانا پروردگرم نسبت به گناهان بندگان توبه کارش آمرزنده، و نسبت به آنها

بسیار مهربان است، و از جمله رحمت او تعالی بر مؤمنان این است که آنها را از نابودی نجات داده است.

﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ [هود: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و کشتی با مردم و سایر مسافران در موجی بزرگ مانند کوه حرکت می کرد، و نوح علیه السلام از روی مهر پدری به پسر کافرش، که در مکانی جدا از پدر و قومش قرار داشت، این گونه ندا زد: ای پسر من همراه ما در کشتی سوار شو؛ تا از غرق شدن نجات یابی، و همراه کافران مباش، که در این صورت نابودی با غرق که به آنها رسد تو را نیز فرا می گیرد.

﴿قَالَ سَاوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَْعُصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُهْرَقِينَ﴾ [هود: ۴۳].

﴿۴۳﴾ پسر نوح علیه السلام به او گفت: به زودی به کوهی مرتفع پناه می برم؛ تا از رسیدن آب به من مرا محافظت کند، نوح علیه السلام به پسرش گفت: امروز هیچ بازدارنده ای از عذاب الله با غرق شدن به وسیله طوفان نیست مگر الله مهربان و منزّه، به رحمت خویش هرکس را بخواهد، از غرق شدن نجات می دهد، موج میان نوح علیه السلام و پسر کافرش جدایی انداخت، آن گاه پسرش به سبب کفر خویش از غرق شدگان به وسیله طوفان بود.

﴿وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [هود: ۴۴].

﴿۴۴﴾ و الله پس از پایان طوفان به زمین فرمود: ای زمین، آنچه از آب طوفان که بر روی توست فرو بر، و به آسمان فرمود: ای آسمان، خودداری کن و باران نفرست، و آب کاهش یافت تا اینکه زمین خشک شد، و الله کافران را نابود کرد، و کشتی بر کوه جودی ایستاد، و گفته شد: به سبب کفر، بر قوم متجاوز از حدود الله، دوری و نابودی باد.

﴿وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ﴾ [هود: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و نوح علیه السلام برای طلب یاری از پروردگارش به او تعالی ندا داد، و گفت: پروردگارا، همانا پسر من از خانواده ام است که نجات آنها را به من وعده داده ای، و به راستی که

وعدۀ تو سخن راستی است که هیچ خلافتی در آن راه ندارد، و تو عادل‌ترین و داناترین حاکمان هستی.

برخی فواید آیات:

- بیان عادت مشرکان در تمسخر و ریشخند زدن به پیامبران علیهم‌السلام و پیروان‌شان.
- بیان سنت الله در مورد مردم و اینکه بیشتر آنها ایمان نمی‌آورند.
- پناهگاهی از جانب الله جز به‌سوی او تعالی نیست، و هیچ نگهدارنده‌ای از امرش جز او سبحانه وجود ندارد.

﴿قَالَ يَأْنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [هود: ۴۶].

﴿۴۶﴾ نوح علیه السلام گفت: ای نوح، همانا پسرت که نجاتش را از من خواستی از خانواده‌ات که نجات‌شان را به تو وعده داده‌ام نیست؛ زیرا او کافر است، ای نوح همانا سزاوار تو نیست که چنین درخواستی کنی، و سزاوار کسی که در جایگاه تو قرار دارد نیز نیست، پس آنچه که به آن علم نداری از من نخواه، همانا من تو را برحذر می‌دارم از اینکه از جاهلان باشی، و چیزی از من بخواهی که مخالف علم و حکمت من است.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [هود: ۴۷].

﴿۴۷﴾ نوح علیه السلام گفت: پروردگارا، همانا به تو پناه می‌برم و متوسل می‌شوم از اینکه چیزی را که علمی به آن ندارم از تو بخواهم، و اگر گناهم را نبخشایی، و به رحمت خویش بر من رحم نکنی، از زیانکارانی خواهم بود که به بهره‌شان در آخرت زیان وارد کرده‌اند.

﴿قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ وَأُمَّمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [هود: ۴۸].

﴿۴۸﴾ نوح علیه السلام فرمود: ای نوح، به سلامتی و امنیت، و با نعمت‌های زیادی از جانب الله بر تو، و بر فرزندان مؤمنانی که همراه تو در کشتی بودند که پس از تو می‌آیند بر روی زمین فرود آی، و امت‌های دیگری از فرزندان‌شان خواهند بود که به‌زودی آنها را در این زندگی دنیا بهره‌مند خواهیم کرد، و آنچه که با آن زندگی می‌کنند به آنها خواهیم داد، سپس در آخرت عذابی رنج‌آور از جانب ما به آنها می‌رسد.

﴿تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [هود: ۴۹].

﴿۴۹﴾ - ای رسول - این قصه نوح علیه السلام از اخبار غیبی است، که پیش از این وحی که بر تو فرو فرستادیم نه تو آن را می‌دانستی، و نه قومت آن را می‌دانستند، پس در برابر

آزار و تکذیب قومت شکیبایی پیشه کن، همان گونه که نوح شکیبایی کرد، زیرا پیروزی و غلبه برای کسانی است که از اوامر الله فرمان برداری می کنند، و نواهی اش را ترک می کنند.

﴿وَالِیٰ عَادِ اٰخَاهُمْ هُوْدًا قَالَ یٰاَقَوْمِ اعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَکُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَیْرُهٗ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ﴾ [هود: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و به سوی عاد برادرشان هود را فرستادیم، به آنها گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، و هیچ کس را همراه او شریک نگردانید، معبود برحقى جز او سبحانه ندارید، و در این ادعای تان که شریکی دارد به جز افرادی دروغگو نیستید.

﴿یٰاَقَوْمِ لَا اَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِنْ اَجْرِیْ اِلَّا عَلٰی الَّذِیْ فَطَرَنِیْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ﴾ [هود: ۵۱].

﴿۵۱﴾ ای قوم من، در قبال آنچه از جانب پروردگارم به شما ابلاغ می کنم و شما را به آن فرامی خوانم، پاداشی از شما نمی خواهم، پاداش من جز بر الله، ذاتی که مرا آفریده نیست. آیا در این امر نمی اندیشید، و آنچه را که شما را به آن فرامی خوانم نمی پذیرید؟!

﴿وِیٰاَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوْا اِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْکُمْ مِّدْرَارًا وَیَزِدْکُمْ قُوَّةً اِلٰی قُوَّتِکُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِیْنَ﴾ [هود: ۵۲].

﴿۵۲﴾ و ای قوم من، از الله آمرزش بخواهید، سپس از گناهان تان - که بزرگترین آن شرک است - به سوی او تعالی توبه کنید تا به پاس پاداش این کار باران زیادی بر شما فرو فرستد، و با زیاد کردن فرزندان و اموال نیرویی بر نیروی تان بیفزاید، و از آنچه شما را به آن فرا می خوانم روی نگردانید، که به سبب رویگردانی از دعوت من، و کفرتان به الله و تکذیب آنچه آورده ام از جنایتکاران خواهید بود.

﴿قَالُوْا یٰاَهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَیِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِکِیْ اٰلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِکَ وَمَا نَحْنُ لَکَ بِمُؤْمِنِیْنَ﴾ [هود: ۵۳].

﴿۵۳﴾ قومش گفتند: ای هود حجتی روشن برایمان نیاوردی که ما را وا دارد به تو ایمان بیاوریم، و به خاطر سخن تو که خالی از حجت است از پرستش معبودهای مان دست بر نمی داریم، و در اینکه ادعا می کنی رسولى هستی، از مؤمنان به تو نیستیم.

برخی فواید آیات:

- پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مالک شفاعت برای کسانی که کفر ورزند حتی اگر فرزندان شان باشند نیستند.
- خویشنداری و احساس بی‌نیازی دعوتگر از ثروت مردم، برای قبول دعوتش مؤثرتر است.
- فضیلت استغفار و توبه، و اینکه این دو، سبب نزول باران و افزایش اولاد و اموال هستند.

﴿إِن نَّقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ [هود: ۵۴].

﴿۵۴﴾ چیزی نمی‌گوییم جز اینکه بعضی معبودهای ما به سبب اینکه ما را از عبادت آنها نهی می‌کردی به تو جنون رسانده‌اند، هود علیه السلام گفت: همانا من الله را گواه می‌گیرم، و شما هم گواه باشید که من از عبادت معبودهای تان که آنها را به جای الله عبادت می‌کنید بیزارم،

﴿مِن دُونِهِ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ﴾ [هود: ۵۵].

﴿۵۵﴾ پس شما و معبودهای تان که ادعا می‌کنید به من جنون رسانده‌اند به من مکر بزیند، آن‌گاه به من مهلت ندهید.

﴿إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِن دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [هود: ۵۶].

﴿۵۶﴾ همانا من فقط بر الله توکل کردم، و در کارم بر او اعتماد کردم؛ زیرا او پروردگار من و پروردگار شماست. هیچ چیزی بر روی زمین نمی‌جنبد مگر اینکه تحت فرمانروایی و قدرت الله، در برابر او تعالی فروتن است، هرگونه که بخواهد آن را می‌گرداند، همانا پروردگار من بر حق و عدالت است، پس شما را بر من مسلط نمی‌کند؛ زیرا من برحق و شما بر باطل قرار دارید.

﴿فَإِن تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَعْتُكُمْ مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾ [هود: ۵۷].

﴿۵۷﴾ پس اگر از آنچه که من آورده‌ام روی بگردانید و به آن پشت کنید جز ابلاغ به شما برعهده من نیست، و من تمام آنچه را که الله مرا با آن فرستاده است، و به ابلاغ آن فرمان داده است به شما ابلاغ کرده‌ام، و حجت بر شما اقامه شده است، و به زودی پروردگارم شما را نابود می‌کند، و قومی غیر از شما می‌آورد که آنها را جانشین شما قرار می‌دهد، و با تکذیب و رویگردانی تان ضرری نه بزرگ و نه کوچک به الله نمی‌رسانید؛ زیرا او تعالی از بندگانش بی‌نیاز است. همانا پروردگارم بر هر چیزی نگهبان است، پس او ذاتی است که مرا از آسیبی که با آن به من نیرنگ می‌زنید محافظت می‌کند.

﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَا هُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾ [هود: ۵۸].

و آن گاه که فرمان ما به نابودی شان فرا رسید هود و کسانی را که همراهش ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خویش که به آنها رسید نجات دادیم، و آنها را از عذاب سختی که قوم کافرش را با آن عذاب کردیم رها نمودیم.

﴿وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ﴾ [هود: ۵۹].

و این قوم عاد بود که به آیات الله، پروردگارشان کفر ورزیدند، و از رسول شان هود علیه السلام نافرمانی کردند، و فرمان هر گردن کش علیه حق، و طاغوتی که حق را نمی پذیرد و به آن اذعان نمی کند اطاعت کردند.

﴿وَأَتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ﴾ [هود: ۶۰].

و در این دنیا به خواری و رانده شدن از رحمت الله گرفتار شدند، و در روز قیامت نیز از رحمت الله به دور هستند، و این امر به سبب کفرشان به الله تعالی است. بدانید که الله آنها را از هر خیری دور ساخته است، و به هر شری نزدیک گردانیده است.

﴿* وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ﴾ [هود: ۶۱].

و به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم، گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، معبودی جز او ندارید که سزاوار عبادت باشد، او شما را از خاک زمین با آفرینش پدرتان آدم علیه السلام از آن آفریده است، و شما را آبادگران زمین قرار داده است، پس از او آموزش بخواهید سپس با انجام طاعات و ترک گناهان به سوی او بازگردید. همانا پروردگار من به کسی که عبادت را برای او خالص گرداند نزدیک است، و دعایش را اجابت می کند.

﴿قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ﴾ [هود: ۶۲].

﴿۱۲﴾ قومش به او گفتند: ای صالح، قبل از این دعوت خویش، در میان ما صاحب جایگاهی بلند بودی، پس امیدوار بودیم که خردمندی صاحب خیرخواهی و مشورت باشی. - ای صالح - آیا ما را از عبادت آنچه که پدرانمان آن را عبادت می کردند نهی می کنی؟ و همانا ما در عبادت الله به یگانگی که ما را به آن فرامی خوانی در تردیدی هستیم، که ما را وا می دارد تو را به نسبت دادن دروغ بر الله متهم کنیم.

برخی فواید آیات:

- یکی از روش های مشرکان در متنفر کردن از رسولان، اتهام سبک عقلی و جنون است.
- ضعف مشرکان در نیرنگ و دشمنی؛ زیرا آنها تحت فرمان و قدرت الله فروتن و مغلوب هستند.
- دلایل ربوبیت در آفرینش و پدید آوردن، مقتضی توحید الوهیت و ترک غیر الله است.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنِنَا مِنْ رَبِّي وَأَتَانِي مِنْهُ رَحْمَةٌ فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ﴾ [هود: ۶۳].

۱۳) صالح علیه السلام در پاسخ قومش گفت: ای قوم من، به من خبر دهید که اگر بر حجتی روشن از جانب پروردگارم باشم، و رحمتی از جانب خویش که همان نبوت است به من عطا کرده باشد، پس اگر من با ترک تبلیغ آنچه که مرا به تبلیغ آن فرمان داده است از او نافرمانی کنم چه کسی مرا در برابر عذاب او محافظت می‌کند؟ آن‌گاه غیر از گمراهی و دوری از رضایت او تعالی چیزی بر من نمی‌افزاید.

﴿وَيَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ﴾ [هود: ۶۴].

۱۴) و ای قوم من، این ماده شترِ الله برای شما نشانه‌ای بر راستگویی من است، پس او را رها کنید تا در زمین الله بچرد، و هیچ آزاری به او نرسانید که عذابی نزدیک از لحظه‌ای که آن را پی کنید شما را فرا می‌گیرد.

﴿فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْدُوبٍ﴾ [هود: ۶۵].

۱۵) پس با زیاده‌روی در تکذیب، ماده شتر را پی کردند، آن‌گاه صالح علیه السلام به آنها گفت: به زندگی در این سرزمین‌تان به مدت سه روز از زمانی که او را پی کردید بهره‌مند شوید، سپس عذاب الله شما را فرا می‌گیرد، همانا عذاب او تعالی پس از این مدت، وعده‌ای محقق، بدون تردید و غیر دروغ، بلکه وعده‌ای راست است.

﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾ [هود: ۶۶].

۱۶) پس وقتی فرمان ما مبنی بر نابودی‌شان آمد صالح علیه السلام و کسانی را که همراهش ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خویش نجات دادیم، و آنها را از خواری و ذلت آن روز رهانیدیم، - ای رسول - همانا پروردگار تو ذات نیرومند و شکست ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و از این رو امت‌های تکذیب‌کننده را نابود کرده است.

﴿وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ [هود: ۶۷].

۱۷) و بانگی شدید و مرگبار ثمود را فرا گرفت که از شدت آن مردند، و بر صورت‌های‌شان سرنگون شدند، و صورت‌های‌شان به خاک چسبید.

﴿كَانَ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِمُودٍ﴾ [هود: ۶۸].

﴿۶۸﴾ گویی هرگز در سرزمین‌شان در نعمت و زندگی مُرْفَه اقامت نداشته‌اند، بدانید که ثمود به الله پروردگارشان کفر ورزیدند، و همیشه از رحمت الله به دور هستند.

﴿وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ﴾ [هود: ۶۹].

﴿۶۹﴾ و فرشتگان در شکل مردانی به ابراهیم عليه السلام و همسرش، مژده اسحاق و از پی آن یعقوب را دادند، آن‌گاه فرشتگان گفتند: سلام، ابراهیم عليه السلام این‌گونه به آنها پاسخ داد: سلام، و سریع رفت، سپس گوساله‌ای بریان برای‌شان آورد؛ تا از آن بخورند چون گمان می‌کرد که آنها مهمان هستند.

﴿فَلَمَّا رَأَى أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ لُوطٍ﴾ [هود: ۷۰].

﴿۷۰﴾ اما وقتی دید دست‌های‌شان به‌سوی گوساله دراز نمی‌شود، و از آن نمی‌خورند این کار آنها را نپسندید، و ترس از آنها را در خودش پنهان کرد، پس وقتی فرشتگان ترس او را دیدند گفتند: از ما نترس، الله ما را به‌سوی قوم لوط فرستاده است تا آنها را عذاب کنیم.

﴿وَأَمْرًا لَهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَقَ يَعْقُوبَ﴾ [هود: ۷۱].

﴿۷۱﴾ و زن ابراهیم عليه السلام «ساره» ایستاده بود، [توسط همان فرشتگان] برایش خبری خوش مژده دادیم، و آن اینکه اسحاق را وضع حمل می‌کند، و برای اسحاق فرزندی یعنی یعقوب است، پس خندید و از آنچه که شنید خوشحال شد.

برخی فواید آیات:

- سرسختی و گردن‌کشی مشرکان؛ آن‌گاه که به نشانه‌ی صالح عليه السلام که از بزرگترین نشانه‌هاست ایمان نیاوردند.
- استحباب مژده دادن مؤمن به آنچه که برایش خیر است.
- مشروعیت سلام برای کسی که نزد دیگری وارد شود، و وجوب پاسخ‌دادن سلام.
- وجوب اکرام مهمان.

﴿قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ [هود: ۷۲].

ساره پس از اینکه فرشتگان آن بشارت شگفت آور را برایش دادند گفت: چگونه فرزند می آورم درحالی که سالخورده و ناامید از فرزند هستم، و این شوهرم به سن کهولت رسیده است؟! همانا تولد فرزند در این حالت امر شگفتی است، و امری عادی نیست.

﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ تَّحِيْدٌ﴾ [هود: ۷۳].

فرشتگان به ساره که از این بشارت تعجب کرده بود گفتند: آیا از قضا و قدر الله تعجب می کنی؟ زیرا بر مانند تو پوشیده نیست که الله برای انجام چنین کاری تواناست، - ای اهل بیت ابراهیم - رحمت و برکات الله بر شما باد، همانا الله در صفات و افعالش پسندیده، و بزرگوار و بلند مرتبه است.

﴿فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ﴾ [هود: ۷۴].

پس وقتی ترسی که به ابراهیم علیه السلام از مهمانانش که طعامش را نخوردند، پس از اینکه دانست آنها فرشتگانی هستند برطرف شد، و خبر خوشحال کننده به او رسید که اسحاق علیه السلام، و از پی آن یعقوب علیه السلام برایش متولد می شود، در مورد قوم لوط علیه السلام با فرستادگان ما شروع به مجادله کرد، به این امید که عذاب را از آنها به تأخیر اندازند، و به این امید که لوط علیه السلام و اهلس را نجات دهند.

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾ [هود: ۷۵].

همانا ابراهیم علیه السلام بسیار بردبار بود، که تأخیر کیفر را می خواست، بسیار زاری کننده به سوی پروردگارش، بسیار دعاگو، و بازگشت کننده به سوی او تعالی بود.

﴿يَا إِبْرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ﴾ [هود: ۷۶].

فرشتگان گفتند: ای ابراهیم، از این جدال در مورد قوم لوط خودداری کن، زیرا فرمان پروردگارت بر وقوع عذابی که برای شان مقدر کرده آمده است، و به طور قطع عذابی بزرگ قوم لوط را فرا می گیرد، و نه جدالی آن را باز می گرداند؛ و نه دعایی.

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ﴾ [هود: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و هنگامی که فرشتگان در شکل مردانی نزد لوط علیه السلام آمدند از آمدن آنها اندوهگین شد، و به سبب ترس بر آنها از قومش که از روی شهوت به جای زنان با مردان نزدیکی می کردند سینه اش تنگ گردید، و لوط علیه السلام گفت: این روزی سخت است؛ زیرا گمان می کرد قومش در مورد مهمانانش بر او چیره خواهند شد.

﴿وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَظْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ﴾ [هود: ۷۸].

﴿۷۸﴾ و قوم لوط به سرعت و به قصد انجام فاحشه با مهمانان لوط نزدش آمدند، درحالی که قبل از آن عادتشان نزدیکی با مردان از روی شهوت به جای زنان بود. لوط برای بازداشتن قومش و معذور داشتن خود در برابر مهمانانش گفت: اینها دختران من از جمله زنان تان هستند پس با آنها ازدواج کنید؛ زیرا آنها از انجام فاحشه برای تان پاکیزه تر هستند، پس از الله بترسید، و در مورد مهمانانم به من ننگ وارد نسازید، - ای قوم من - آیا مردی عاقل و فهمیده در میان تان نیست که شما را از انجام این کار زشت نهی کند؟!

﴿قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكِ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ﴾ [هود: ۷۹].

﴿۷۹﴾ قومش به او گفتند: - ای لوط - خوب می دانی که ما نه به دخترانت و نه به زنان قومت، نیاز و شهوتی نداریم، و به راستی که به خوبی می دانی ما چه می خواهیم، پس جز مردان نمی خواهیم.

﴿قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ﴾ [هود: ۸۰].

﴿۸۰﴾ لوط علیه السلام گفت: کاش نیرویی داشتم که شما را با آن دفع می کردم، یا قبیله ای که مرا محافظت می کردند، آن گاه میان شما و میان مهمانانم مانع می شدم.

﴿قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾ [هود: ۸۱].

﴿۸۱﴾ فرشتگان به لوط علیه السلام گفتند: ای لوط، همانا ما فرستادگانی از جانب الله هستیم، قوم تو هرگز آسیبی به تو نمی رسانند، پس شبانه در ساعتی تاریک خانوادهات را از

این شهر بیرون ببر، و هیچ‌یک از شما نباید به پشت سرش بنگرد، جز زنت که از روی مخالفت به پشت سرش خواهد نگریست؛ زیرا غذایی که به قومت می‌رسد او را نیز فرا می‌گیرد، همانا وعده‌گاه نابودی آنها صبح است، که وعده‌گاهی نزدیک است.

برخی فواید آیات:

- بیان فضیلت و جایگاه خلیل الله ابراهیم علیه السلام، و اهل بیت او.
- مشروعیت مجادله به نفع کسانی که امید ایمان آوردنشان وجود دارد؛ قبل از ارجاع کارشان به حاکم.
- بیان زشتی و پلیدی زیاد عمل قوم لوط علیهم السلام.

﴿فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ﴾
[هود: ۸۲].

⊙ پس چون فرمان ما بر نابودی قوم لوط فرا رسید، بالاترین سرزمین شان را فروترینش نمودیم و بر روی سرشان زیرو و رو کردیم، و سنگ‌هایی از گل سخت و به صورت لایه لایه و بیای بر روی یکدیگر بر آنها فرو ریختیم.

﴿مُسَوَّمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَعِيدٍ﴾ [هود: ۸۳].

⊙ این سنگ‌ها با علامت مخصوصی نزد الله مشخص شده هستند، و این سنگ‌ها از ستمکاران قریش و غیر آنها دور نیست، بلکه نزدیک است و هرگاه الله فرو فرستادن آنها را مقدر کند بر آنها فرو فرستاده می‌شود.

﴿* وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾ [هود: ۸۴].

⊙ و به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، معبودی جز او ندارید که سزاوار عبادت باشد، و پیمان‌ه و ترازو را آن گاه که برای مردم پیمان‌ه یا وزن می‌کنید کم نکنید. همانا من شما را در روزی و نعمت گسترده می‌بینم، پس نعمت الله بر خودتان را با گناهان تغییر ندهید، و همانا من از عذاب روزی فراگیر که هر یک از شما را احاطه می‌کند، و هیچ گریزگاه و پناهگاهی از آن نمی‌یابید بر شما می‌ترسم.

﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ [هود: ۸۵].

⊙ و ای قوم من، اگر برای دیگران پیمان‌ه یا وزن کردید پیمان‌ه و ترازو را با عدالت کامل کنید، و ذره‌ای از حقوق مردم را با کم فروشی و خیانت و فریب نگاهید، و با قتل و سایر گناهان در زمین فساد برپا مکنید.

﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾ [هود: ۸۶].

⊙ باقی‌مانده حلال الله که آن را بعد از ایفای حقوق مردم به عدالت، برای تان باقی می‌گذارد، برای تان سودمندتر و با برکت‌تر است از افزوده‌ای که از راه کم فروشی و

برپا کردن فساد بر روی زمین به دست می‌آید، اگر واقعاً مؤمن هستیید به این باقی مانده راضی باشید. و من نگهبان بر شما نیستم که اعمال تان را برشمارم، و شما را در قبال آن محاسبه کنم. نگهبان بر این کار فقط همان ذاتی است که از راز و سخن‌های درگوشی آگاه است.

﴿قَالُوا يَا شَعِيبُ أَصْلَافُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ﴾ [هود: ۸۷].

﴿۸۷﴾ قوم شعیب به او گفتند: ای شعیب، آیا نمازت که آن را برای الله می‌گزاری به تو امر می‌کند که پرستش بت‌هایی را که پدران مان می‌پرستیدند رها کنیم، و به تو امر می‌کند که تصرف در اموال مان را به آنچه که می‌خواهیم آن را رشد دهیم رها کنیم؟! همانا تو بردبار و عاقل هستی، زیرا تو چنان که پیش از این دعوت تو را می‌شناختیم عاقل و دانا هستی، پس چه چیزی به تو رسیده است؟!

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْلِكَ لَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَآكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتِطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ [هود: ۸۸].

﴿۸۸﴾ شعیب عليه السلام به قومش گفت: ای قوم من، از حال تان به من خبر دهید اگر من بر برهانی آشکار و بصیرتی از جانب پروردگارم باشم، و از جانب خویش رزقی حلال، از جمله نبوت به من روزی داده باشد، و نمی‌خواهم که شما را از چیزی نهی کنم که خودم با انجام آن با شما مخالفت کنم. با دعوت شما به سوی توحید و طاعت پروردگارتان به اندازه توانم، فقط اصلاح شما را می‌خواهم، و توفیق من برای رسیدن به این امر جز بر الله سبحانه نیست، در تمام امورم فقط بر او توکل کردم، و به سوی او بازمی‌گردم.

برخی فواید آیات:

- یکی از سنت‌های الله، نابودی ستمکاران با شدیدترین و رسواکننده‌ترین کیفرهاست.
- حرمت کم کردن پیمان‌ها و وزن و کاستن از حقوق مردم.
- وجوب رضایت به حلال هر چند اندک باشد.
- فضیلت امر به معروف و نهی از منکر، و وجوب عمل به آنچه الله به آن فرمان می‌دهد، و پایان دادن به آنچه از آن نهی می‌کند.

﴿وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنْكُمْ بِبَعِيدٍ﴾ [هود: ۸۹].

﴿۸۹﴾ و ای قوم من، دشمنی با من شما را بر تکذیب آنچه آورده‌ام نکشاند؛ از ترس اینکه مثل عذابی که به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید شما را نیز فرا گیرد، و قوم لوط از شما دور نیستند، نه از نظر زمانی و نه از نظر مکانی؛ و از عذابی که به آنها رسید آگاه شده‌اید، پس عبرت بگیرید.

﴿وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾ [هود: ۹۰].

﴿۹۰﴾ و از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس از گناهانتان به‌سوی او توبه کنید، همانا پروردگارم نسبت به توبه‌کاران بسیار مهربان است، و کسانی از آنها را که توبه کنند بسیار دوست دارد.

﴿قَالُوا يَا شَعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزِينَ﴾ [هود: ۹۱].

﴿۹۱﴾ قوم شعیب به او گفتند: ای شعیب، بسیاری از آنچه را که آورده‌ای نمی‌فهمیم، و همانا ما تو را در میان خود به‌سبب ضعف یا نایبایی که به چشمانت رسیده است ضعیف می‌بینیم، و اگر طایفه تو بر آیین ما نبودند به‌طور قطع تو را با سنگسار می‌کشتیم، و تو بر ما نیرومند نیستی تا از قتل تو بترسیم، و تو را فقط برای احترام به طایفه‌ات نکشتیم.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ [هود: ۹۲].

﴿۹۲﴾ شعیب علیه السلام به قومش گفت: ای قوم من، آیا طایفه من نزد شما از الله پروردگارتان گرمی‌تر و عزیزتر است؟! و الله را برکنار شده پشت سرتان رها کردید که به پیامبرش که او را به‌سوی شما فرستاد ایمان نیاوردید. همانا پروردگارم به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد. ذره‌ای از اعمال شما بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی در قبال آن شما را در دنیا با نابودی، و در آخرت با عذاب مجازات خواهد کرد.

﴿وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُجْزِيهِ
وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ﴾ [هود: ۹۳].

۹۳ و ای قوم من، هر چه می‌توانید بر راهتان که آن را برگزیده‌اید عمل کنید، به راستی که من بر راهم که آن را برگزیده‌ام در حدّ توانم عمل می‌کنم. به زودی خواهید دانست کدام یک از ما را برای کیفرش غذایی خوار کننده فرا می‌گیرد، و کدام یک از ما در ادعای خویش دروغ‌گوست. پس منتظر حکم الله باشید، من هم همراه شما انتظار می‌کشم.

﴿وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا حَاجِبًا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا
الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ [هود: ۹۴].

۹۴ و وقتی فرمان ما بر نابودی قوم شعیب فرا رسید شعیب و کسانی را که همراهش ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خویش نجات دادیم، و کسانی از قومش را که ستم کرده بودند بانگی شدید و مرگبار فرا گرفت که بر اثر آن مردند، و بر روی صورت‌هایشان سرنگون شدند، و صورت‌هایشان به خاک چسبید.

﴿كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا إِلَّا بُعْدًا لِّمَدِينٍ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ﴾ [هود: ۹۵].

۹۵ گویی از قبل در آنجا اقامت نداشته بودند، بدانید مدین با رسیدن خشم الله بر آنها از رحمت او تعالی رانده شد، همان‌گونه که ثمود با فرو فرستادن خشم الله بر آنها از رحمت او تعالی رانده شد.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ [هود: ۹۶].

۹۶ و به تحقیق که موسی را با آیات دلالت‌کننده خویش بر توحید الله، و با حجت‌های آشکار و دلالت‌کننده‌مان، بر راستی آنچه که آورده بود فرستادیم.

﴿إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ﴾ [هود: ۹۷].

۹۷ او را به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم، اما این سران، فرمان فرعون بر آنها مبنی بر کفر به الله را پیروی کردند، و فرمان فرعون فرمانی در راستای حق نیست که پیروی شود.

برخی فواید آیات:

- سرزنش جاهلانی که آیاتی را که پیامبران علیهم السلام آورده‌اند درک نمی‌کنند.
- سرزنش و نسبت دادن نادانی به کسی که به او امر مردم مشغول شود، و از او امر الله روی گرداند.
- بیان نقش طایفه در پیروزی دعوت و دعوتگران.
- رانده شدن مشرکان از رحمت الله تعالی.

﴿يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ﴾ [هود: ۹۸].

۹۸) فوعون روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود تا آنها و خودش را وارد جهنم می‌کند، و چه ورودی بدی است که آنها را به آن وارد می‌کند.

﴿وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ﴾ [هود: ۹۹].

۹۹) و الله در زندگی دنیا لعنت و راندن و دور کردن از رحمت خویش را همراه با نابودی به وسیله غرق شدن که آنها را فرا گرفت به آنها می‌رساند، و در روز قیامت راندن و دور شدن از رحمتش را به آنها می‌رساند. چه بد است از پی یکدیگر در آمدن دو لعنت و عذاب در دنیا و آخرت که برای‌شان حاصل شده است.

﴿ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ﴾ [هود: ۱۰۰].

۱۰۰) - ای رسول - اخبار مذکور در این سوره از سرگذشت آن شهرهاست که برایت حکایت می‌کنیم. آثار و بقایای بعضی از این شهرها پابرجاست، و بقایای بعضی از آنها از بین رفته است، و هیچ اثری از آن به جای نمانده است.

﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتَّيِبٌ﴾ [هود: ۱۰۱].

۱۰۱) و با نابودی‌ای که به آنها رساندیم، ما به آنها ستم نکردیم، بلکه آنها به سبب کفر به الله با قرار دادن خویش در معرض نابودی به خودشان ستم کردند، پس - ای رسول - آن‌گاه که امر پروردگارت بر نابودی‌شان آمد معبودهای‌شان که آنها را به جای الله عبادت می‌کردند، عذابی را که بر آنها نازل شد از آنها دفع نکردند، و جز زیان و نابودی بر آنها نیفزودند.

﴿وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ﴾ [هود: ۱۰۲].

۱۰۲) و چنین بود گرفتن و ریشه کنی‌ای که الله شهرهای تکذیب کننده در هر زمان و مکانی را گرفت. همانا گرفتن شهرهای ستمگر توسط او تعالی، گرفتنی دردآور و قوی است.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ﴾ [هود: ۱۰۳].

۱۰۳) همانا در گرفتن شدید آن شهرهای ستمگر از جانب الله، عبرت و پندی است برای کسی که از عذاب روز قیامت بترسد، آن روزی که الله مردم را برای حسابرسی

گرد می‌آورد، و اهل محشر در آن روز حاضر می‌شوند.

﴿وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ﴾ [هود: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ و روز قیامت را جز تا زمان مشخصی به تأخیر نمی‌اندازیم.

﴿يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلِّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ﴾ [هود: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ وقتی که آن روز فرا رسد هیچ کس جز به اذن او تعالی به حجت یا شفاعتی سخن نگوید، و مردم در آن روز دو نوع هستند: بدبخت که وارد جهنم می‌شود، و خوشبخت که وارد بهشت می‌شود.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ شَفَعُوا فِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ﴾ [هود: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ اما بدبختان که به سبب کفر و اعمال فاسدشان وارد جهنم می‌شوند، صداها و نفس‌های‌شان در اثر شدت سوزش آتش جهنم که رنج می‌برند در جهنم بالا می‌رود.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا

يُرِيدُ﴾ [هود: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ برای همیشه در آن می‌مانند، و تا زمانی که آسمان‌ها و زمین پابرجاست از آن خارج نمی‌شوند، مگر کسی از گناهکاران یکتاپرست که الله خروجش را بخواهد، - ای رسول - همانا پروردگارت آنچه را که بخواهد انجام می‌دهد، زیرا هیچ اجبار کننده‌ای برای او سبحانه نیست.

﴿* وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا

شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَّجْدُودٌ﴾ [هود: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ و اما خوشبختان که به سبب ایمان و اعمال صالح‌شان خوشبختی از جانب الله بر آنها داده شده است، برای همیشه تا زمانی که آسمان‌ها و زمین باقی است در بهشت می‌مانند، مگر کسی از مؤمنان گناهکار که الله وارد کردن او به آتش را قبل از بهشت بخواهد، همانا نعمت‌های الله بر ساکنان بهشت همیشگی است.

برخی فواید آیات:

- ترساندن از پیروی سران شر و فساد، و بیان بدشومی پیروی از آنها در هر دو سرا.
- الله تعالی از روا داشتن ستم در نابودی مشرکان و گناهکاران منزه است.
- روز قیامت معبودهای مشرکان به عبادتگزاران شان نفع نمی‌رسانند، و عذاب را از آنها دفع نمی‌کنند.
- تقسیم کردن مردم در روز قیامت به: خوشبخت جاویدان در بهشت‌ها، و بدبخت جاویدان در جهنم.

﴿فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَاؤُهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوقُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ﴾ [هود: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ پس - ای رسول - از فساد آنچه این مشرکان عبادت می کنند در تردید و شک نباش، زیرا نه برهانی عقلی بر صحت آن دارند و نه برهانی شرعی؛ و تنها مُشَوِّق آنها برای عبادت غیر الله، تقلید آنها از پدران شان است، و همانا ما سهم آنها از عذاب را بدون کاستی، کامل می کنیم.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ﴾ [هود: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ و تورات را به موسی عليه السلام دادیم، آن گاه مردم در آن اختلاف کردند. برخی از آنها به آن ایمان آوردند، و برخی دیگر کفر ورزیدند، و اگر حکمی از جانب الله نگذشته بود که عذاب را به تعجیل نیندازد، بلکه به حکمتی آن را تا روز قیامت به تأخیر اندازد، به طور قطع عذابی را که سزاوارش هستند در دنیا بر آنها نازل می شد، و همانا کافران، چه یهودیان و چه مشرکان، در شکی از قرآن هستند که به بدگمانی می اندازد.

﴿وَإِنَّ كُلاً لَّمَّا لِيُوقِنْتَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [هود: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ و - ای رسول - همانا پروردگارت جزای اعمال تمام اختلاف کنندگان مذکور را به طور کامل می دهد، پس هر عملی که خیر باشد جزایش خیر است، و هر عملی که شر باشد جزایش شر است، به راستی که الله از جزئیات آنچه که انجام می دهند آگاه است، و ذره ای از اعمال شان بر او تعالی پوشیده نمی ماند.

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [هود: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ - ای رسول - بر پایبندی به راه راست آن گونه که الله به تو فرمان داده است مداومت کن؛ یعنی اوامرش را اجرا، و نواهی اش را ترک کن، و مؤمنانی که با تو توبه کرده اند باید ایستادگی کنند، و با ارتکاب گناهان از حد تجاوز نکنید، همانا او تعالی آنچه را که انجام می دهید می بیند، و ذره ای از اعمال شما بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی شما را در قبال اعمال تان جزا خواهد داد.

﴿وَلَا تَرْكُؤُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ﴾ [هود: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ و با چالپوسی یا مودت به سوی کفار ستمگر متمایل نشوید، که به سبب این تمایل، جهنمی می شوید، و دوستانی غیر از الله ندارید که شما را از آن نجات دهند، سپس کسی را نمی یابید که شما را یاری رساند.

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ﴾ [هود: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ و - ای رسول - نماز را به بهترین وجه در دو طرف روز یعنی اول و آخر روز برپا دار، و در ساعاتی از شب آن را برپا دار، همانا اعمال صالح گناهان صغیره را محو می کنند. این مورد پندی برای پندگیران، و عبرتی برای عبرت گیران است.

﴿وَاصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [هود: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ و بر انجام آنچه به آن فرمان یافته ای از استقامت و غیر آن و بر ترک آنچه از آن نهی شده ای از طغیان و تمایل به ستمگران شکیبایی کن، به راستی که الله پاداش نیکوکاران را تباه نمی سازد، بلکه بهترین کاری را که انجام داده اند از آنها می پذیرد، و پاداش آنها را برحسب نیکوترین کاری که انجام می دادند به آنها جزا می دهد.

﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ [هود: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ پس چرا از میان امتهای عذاب شده قبل از شما بازماندگانی از اهل فضل و صلاح نبودند که آن امتهای را از کفر و از فساد در روی زمین توسط ارتکاب گناهان نهی کنند، این بازماندگان در میان آنها نبودند، جز اندکی از آنها که از فساد نهی می کردند، پس هنگامی که قوم ستمکارشان را نابود کردیم آنها را نجات دادیم، و ستمکاران اقوامشان به دنبال نعمتهایی که در آن بودند رفتند، و با رفتن به دنبال این نعمتها ستمکار بودند.

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ﴾ [هود: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ و - ای رسول - همانا پروردگارت نمی خواهد یکی از این شهرها را نابود کند آن گاه که ساکنانش در زمین اصلاحگر باشند، بلکه فقط در صورتی آن را نابود می کند که ساکنانش با کفر و ستم و گناهان فسادکار باشند.

برخی فواید آیات:

- وجوب پایداری بر دین الله تعالی.
- ترساندن از تمایل به سوی کفار ستمکار با چاپلوسی یا مودت.
- بیان سنت الله تعالی در اینکه نیکی بدی را محو می کند.
- تشویق بر ایجاد گروهی از صاحبان فضل که به معروف فرمان دهند، و از فساد و شر نهی کنند، و اینکه آنها از عذاب الله محافظت می شوند.

﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ﴾ [هود: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ و -ای رسول - اگر پروردگارت می خواست که مردم را امتی واحد برحق قرار دهد به طور قطع این کار را انجام می داد، اما او تعالی این امر را نخواست، پس به سبب پیروی از هوس و سرکشی، همیشه با حق اختلاف دارند.

﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [هود: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ مگر کسانی که الله با توفیق به هدایت بر آنها رحم کرده، که آنها در توحید او سبحانه اختلاف نمی کنند، و برای همین آزمایش کردن به وسیله اختلاف، او سبحانه آنها را آفریده است، پس برخی از آنها بدبخت و برخی از آنها خوشبخت هستند، و -ای رسول - سخن پروردگارت که آن را در ازل بر پُر کردن جهنم از پیروان شیطان، چه جن ها و چه انسان ها، حکم کرده تحقق یافته است.

﴿وَكَلَّا تَقْصُ عَلَيْنِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [هود: ۱۲۰].

﴿۱۲۰﴾ و -ای رسول - تمام خبرهایی از سرگذشت رسولان پیش از تو را که برایت حکایت می کنیم به این هدف است که قلبت را برحق استوار سازیم و تقویت کنیم، و در این سوره حقیقتی آمده است که شکی در آن راه ندارد، و در آن اندرزی برای کافران، و تذکری برای مؤمنان که از تذکر بهره می برند برایت آمده است.

﴿وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَامِلُونَ﴾ [هود: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ و -ای رسول - به کسانی که به الله ایمان نمی آورند، و او را یکتا قرار نمی دهند بگو: بر راهتان در رویگردانی و بازداشتن از حق عمل کنید، ما نیز بر راهمان در استواری برحق، و دعوت به آن، و شکیبایی بر آن عمل می کنیم.

﴿وَأَنْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ﴾ [هود: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ و انتظار بکشید که چه چیزی بر ما نازل می شود، ما نیز انتظار می کشیم که چه چیزی بر شما نازل می شود.

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [هود: ۱۲۳].

﴿۳۳﴾ علم آنچه در آسمان‌ها، و آنچه در زمین نهان است فقط از آنِ الله است، و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و تمام امور در روز قیامت فقط به سوی او بازگردانیده می‌شود، پس -ای رسول- تنها او را عبادت کن، و در تمام کارهایت بر او توکل کن، و پروردگارت از آنچه که انجام می‌دهید غافل نیست، بلکه از آن آگاه است، و به زودی هرکس را بر اساس آنچه عمل کرده است جزا می‌دهد.

سوره یوسف

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

وعده به قدرت بخشیدن پس از آزمایش آشکار، به هدف استوار سازی و وعده‌ای برای پیامبر ﷺ و مؤمنان.

تفسیر:

﴿الر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [یوسف: ۱].

﴿الر﴾ سخن در مورد این حرف و حروف شبیه آن در آغاز سوره بقره بیان شد. آیات نازل شده در این سوره، در مضامین خویش از آیات روشن قرآن هستند.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [یوسف: ۲].

﴿ما﴾ قرآن را به زبان عربی نازل کردیم باشد که شما -ای عرب- معانی آن را بفهمید.

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ

قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ﴾ [یوسف: ۳].

﴿ای رسول- با نزول این قرآن بر تو، نیکوترین قصص را به دلیل راستی و سلامت الفاظ و بلاغتش بر تو حکایت می‌کنیم، و به راستی که تو پیش از نزول قرآن از این قصه‌ها از بی‌خبران بودی، و از آن آگاهی نداشتی.

﴿إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ [یوسف: ۴].

❗ - ای رسول - تو را باخبر می کنیم از آن هنگام که یوسف علیه السلام به پدرش یعقوب علیه السلام گفت: ای پدرم، در خواب یازده ستاره، و خورشید و ماه را دیدم. دیدم که تمام اینها در برابر من سجده می کنند، این خواب، مژده ای عاجل برای یوسف علیه السلام بود.

برخی فواید آیات:

- بیان حکمت قصص قرآنی، که عبارت است از: همان استوار سازی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و اندرز دادن مؤمنان.
- یگانگی الله تعالی در دانستن غیب؛ به گونه ای که هیچ کس در این امر با او مشارکت ندارد.
- حکمت نزول قرآن به زبان عربی این است که عرب آن را بفهمند، تا آن را به دیگران ابلاغ کنند.
- مشتمل بودن قرآن بر نیکوترین قصص.

﴿قَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَقْضُوا رُؤْيَاكُمْ عَلَىٰ إِخْوَتِكُمْ فَيَكِيدُوا لَكُمْ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [یوسف: ۵].

۵ یعقوب به پسرش یوسف گفت: ای پسر، خوابت را برای برادرانت بازگو نکن، که آن را می‌فهمند، و به تو حسادت می‌ورزند، آن‌گاه از روی حسد نیرنگی برایت می‌اندیشند. همانا شیطان دشمنی آشکار برای انسان است.

﴿وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِن قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [یوسف: ۶].

۶ و -ای یوسف- همان‌گونه که این خواب را دیدی پروردگارت تو را برمی‌گزیند، و تعبیر خواب را به تو می‌آموزاند، و نعمتش را بر تو با نبوت کامل می‌کند همان‌گونه که پیش از تو نعمتش را بر اجدادت: ابراهیم و اسحاق کامل کرد، به‌راستی که پروردگارت از آفرینش خویش آگاه، و در تدبیر خویش بسیار داناست.

﴿* لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّالِفِينَ﴾ [یوسف: ۷].

۷ همانا در خبر یوسف عليه السلام و برادرانش پند و اندرزهایی است برای کسانی که از اخبار آنها می‌پرسند.

﴿إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ غُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [یوسف: ۸].

۸ آن‌گاه که برادران یوسف در میان خودشان گفتند: همانا یوسف و برادر تنی او نزد پدرمان از ما دوست داشتنی‌تر هستند درحالی‌که ما گروهی نیرومند هستیم، پس چگونه آن دو را بر ما برتری داده است؟ همانا ما او را در خطایی آشکار می‌بینیم که بدون سببی که برای ما آشکار باشد آن دو را بر ما برتری داده است.

﴿اقتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ﴾ [یوسف: ۹].

۹ یوسف را بکشید، یا او را در زمین دور، پنهان کنید، تا توجه پدرتان فقط برای شما باشد آن‌گاه به صورت کامل شما را دوست داشته باشد، و پس از اینکه یوسف را کشتید یا پنهان کردید قومی صالح باشید، و از گناه‌تان توبه می‌کنید.

﴿قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ﴾ [یوسف: ۱۰].

❶ یکی از برادرانش گفت: یوسف را نکشید، بلکه او را در ته چاه بیندازید تا یکی از مسافرانی که از آنجا عبور می‌کند او را برگیرد، زیرا این کار ضرر کمتری از کشتنش دارد، اگر بر انجام کاری که در مورد او گفتید قصد دارید.

﴿قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ﴾ [یوسف: ۱۱].

❷ و چون بر دور کردن یوسف اتفاق کردند به پدرشان یعقوب گفتند: ای پدر ما، چرا ما را در مورد یوسف امین نمی‌دانی؟ درحالی‌که ما دلسوز او هستیم و از آنچه که به او آسیب برساند از او محافظت می‌کنیم، و ما با محافظت و توجه به او خیرخواه او هستیم تا سالم به‌سوی تو بازگردد، پس چه چیزی تو را از فرستادن او همراه ما باز می‌دارد؟

﴿أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [یوسف: ۱۲].

❸ به ما اجازه بده که فردا او را با خودمان ببریم که از خوراکی‌ها لذت ببرد و بازی کند، و به‌راستی که ما او را از هر زبانی که به او برسد محافظت می‌کنیم.

﴿قَالَ إِنِّي لَيَحْزَنُنِي أَن تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾ [یوسف: ۱۳].

❹ یعقوب عليه السلام به پسرانش گفت: همانا بردن او توسط شما مرا اندوهگین می‌سازد؛ زیرا بر فراق او شکیبایی نمی‌کنم، و بر او می‌ترسم درحالی‌که شما به چراهی و بازی سرگرم هستید گرگ او را بخورد.

﴿قَالُوا لَئِن أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ﴾ [یوسف: ۱۴].

❺ آنها به پدرشان گفتند: اگر گرگ یوسف را بخورد درحالی‌که ما گروهی نیرومند هستیم به یقین در این حالت خیری در ما نیست، زیرا اگر او را در برابر گرگ محافظت نکنیم زیانکار هستیم.

برخی فواید آیات:

- ثبوت خواب از نظر شرعی، و جواز تعبیر آن.
- مشروعیت کتمان بعضی حقایق اگر اظهار آن آسیبی را به دنبال داشته باشد.
- بیان فضیلت نسل خاندان ابراهیم عليه السلام و برتری آنها بر مردم با نبوت.
- تمایل به یکی از فرزندان، دشمنی و حسادت میان آنها را به جای می‌گذارد.

﴿فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَآجَمَعُوا أَن يُجْعَلُوهُ فِي غِيَابَةِ الْحُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [یوسف: ۱۵].

۱۵) آن گاه یعقوب او را همراه آنها فرستاد، پس وقتی او را دور بردند، و بر افکندن او در ته چاه تصمیم گرفتند، در این حال به یوسف وحی کردیم که: به طور قطع آنها را درحالی که نمی دانند از این کارشان باخبر خواهی کرد.

﴿وَجَاؤُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ﴾ [یوسف: ۱۶].

۱۶) و برادران یوسف شامگاه در حالی نزد پدرشان آمدند که به دروغ گریه می کردند تا مکرشان را آب و تاب دهند.

﴿قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ﴾ [یوسف: ۱۷].

۱۷) گفتند: ای پدر ما، ما برای مسابقه دو و تیراندازی رفتیم، و یوسف را کنار لباس ها و توشه هایمان گذاشتیم تا از آنها محافظت کند، آن گاه گرگ او را خورد، و تو سخن ما را باور نمی کنی، هر چند واقعا در آنچه که به تو خبر دادیم راستگو باشیم.

﴿وَجَاؤُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾ [یوسف: ۱۸].

۱۸) و خبرشان را با حيله تقویت کردند، چنان که پیراهن یوسف عليه السلام را آغشته به خونی غیر از خون او آوردند، تا این گمان را ایجاد کنند که اثر خوردن یوسف توسط گرگ است، اما یعقوب عليه السلام - با قرینه اینکه پیراهن پاره نشده بود - به دروغ آنها پی برد، آن گاه به آنها گفت: امر آن گونه که شما خبر دادید نیست، بلکه نفس های تان کار بدی را که انجام داده اید برای تان آراسته است، پس کار من صبری نیکو و بدون ناشکیبایی است، و بر آنچه از امر یوسف بیان می کنید یاری از الله خواسته می شود.

﴿وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ [یوسف: ۱۹].

۱۹) و کاروانی رهگذر آمد، آن گاه کسی را فرستادند که برای شان آب بکشد، پس دلوش را در چاه انداخت، که یوسف خود را به ریسمان آویخت، پس وقتی آب آور

یوسف را دید با شادمانی گفت: مژده این پسرکی است، و آب‌آور آنها و برخی از یارانش او را از دنباله کاروان با این ادعا که کالایی است که آن را برای خود گرفته اند پنهان کردند، و الله از بی‌رغبتی و معامله‌ای که در مورد یوسف انجام می‌دادند آگاه است، و ذره‌ای از عمل آنها بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ﴾ [یوسف: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و آب‌آور و یارانش او را در مصر با بهای ناچیزی، یعنی درهم‌هایی که به دلیل اندک بودن، شمارش آنها آسان بود، فروختند، و برای اشتیاق بر اینکه به سرعت از او رهایی یابند در او بی‌رغبت بودند، زیرا از وضعیت او دانسته بودند که مملوک نیست، و در مورد خودشان از خانواده او ترسیدند، و این از رحمت کامل الله به یوسف علیه السلام است تا زمانی طولانی با آنها نماند.

﴿وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و مردی از مصر که او را خرید به همسرش گفت: به او نیکی کن و جایگاهش را نزد ما گرامی دار، شاید در انجام بخشی از آنچه که به آن نیاز داریم به ما فایده برساند، یا با فرزند خواندگی او را به فرزندی بگیریم، و همان‌گونه که یوسف را از قتل نجات دادیم، و او را از چاه در آوردیم، و دل عزیز را بر او مهربان کردیم؛ در مصر به او قدرت بخشیدیم، و تأویل خواب را برایش آموختیم. و الله بر امر خویش چیره است، یعنی امرش نافذ است، زیرا او سبحانه هیچ اجبار کننده‌ای ندارد، اما بیشتر مردم - یعنی کافران - این را نمی‌دانند.

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و چون یوسف علیه السلام به سنی رسید که بدن در آن سخت و استوار می‌شود فهم و علم به او عطا کردیم، و مانند این پاداش که به او بخشیدیم به کسانی که عبادت را به نیکی برای الله به‌پا دارند پاداش می‌دهیم.

برخی فواید آیات:

- بیان خطر بزرگ حسادتی که برادران یوسف علیه السلام را به نیرنگ زدن بر او و مشورت کردن بر قتلش واداشت.
- مشروعیت عمل به قرینه در احکام.
- از تدبیر و لطف الله بر یوسف این است که پس از اینکه شیطان جایگاه برادری را بر برادران یوسف علیه السلام پوشانید، جایگاه پدری را در قلب عزیز مصر افکند.

﴿وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَعَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ [یوسف: ۲۳].

۳۳ و زن عزیز با مهربانی و حيله انجام فاحشه را از یوسف علیه السلام درخواست کرد، و برای خلوت بهتر درها را بست، و به یوسف گفت: زود باش به سوی من بیا. آن گاه یوسف گفت: از آنچه مرا به آن فرا می خوانی به الله پناه می برم. همانا سرورم در جایگاه من نزد خویش به من نیکی کرده است پس هرگز بر او خیانت نخواهم کرد، زیرا اگر بر او خیانت کنم ستمکار خواهم بود. همانا ستمکاران رستگار نمی شوند.

﴿وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ﴾ [یوسف: ۲۴].

۳۴ و نفس همسر عزیز مشتاق انجام فاحشه شد، و این کار بر نفس یوسف علیه السلام نیز خطور کرد، اگر نشانه های الله را که او را از این کار باز می داشت ندیده بود، و آن را برایش نمایانندیم تا آسیب را از او بزداييم، و او را از زنا و خیانت دور کنیم، زیرا یوسف از بندگان برگزیده ما با رسالت و نبوت بود.

﴿وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصُهُ مِنْ دُبُرٍ وَالْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [یوسف: ۲۵].

۳۵ و به سوی در با یکدیگر به سبقت پرداختند: یوسف برای اینکه نفسش را نجات دهد، و زن عزیز برای اینکه مانع یوسف از خروج شود، پس پیراهن یوسف را گرفت تا نگذارد خارج شود، آن گاه آن را از پشت پاره کرد، و شوهر آن زن را کنار در دیدند، زن عزیز با حيله گری به عزیز گفت: - ای عزیز - مجازات کسی که قصد انجام فاحشه با همسرت را بکند به جز زندان نیست، یا اینکه با عذابی رنج آور مجازات می شود.

﴿قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ [یوسف: ۲۶].

۳۶ یوسف علیه السلام گفت: اوست که انجام فاحشه را از من خواست، و من چنین درخواستی از او نکردم، و الله کودکی از خانواده آن زن را بر آن داشت که در گهواره سخن بگوید، آن گاه چنین گواهی داد: اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد قرینه ای است بر راستگویی زن؛ زیرا او یوسف را از خودش باز می داشته است، پس یوسف دروغگو است.

﴿وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [یوسف: ۲۷].

﴿۳۷﴾ و اگر پیراهن یوسف از پشت پاره شده باشد، قرینه‌ای است بر راستگویی یوسف؛ زیرا زن او را به‌سوی خود می‌خوانده و یوسف از او فرار می‌کرده است، پس زن دروغ‌گوست.

﴿فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ قُدًّا مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ﴾ [یوسف: ۲۸].

﴿۳۸﴾ وقتی عزیز دید که پیراهن یوسف از پشت پاره شده است راستگویی یوسف علیه السلام ثابت شد، و گفت: همانا این تهمت‌ی که به یوسف زده‌اید - ای گروه زنان - از جمله نیرنگ‌های شماست. همانا نیرنگ شما نیرنگی قوی است.

﴿يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ﴾ [یوسف: ۲۹].

﴿۳۹﴾ و به یوسف گفت: ای یوسف، از این کار درگذر، و آن را برای هیچ‌کس بیان نکن، و تو (ای زن) برای گناهت آمرزش بخواه، زیرا به‌سبب اینکه خواستی از یوسف کام‌گیری از گناهکاران بوده‌ای.

﴿* وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [یوسف: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و خبر زن در شهر منتشر شد، و گروهی از زنان از روی ایراد گفتند: همسر عزیز برده‌اش را به‌سوی خود فراخوانده، و محبت او به غلاف قلبش رسیده است، همانا ما به‌سبب اینکه از یوسف کام‌خواسته و دوستی‌اش به یوسف - درحالی‌که برده‌اش است - او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.

برخی فواید آیات:

- زشتی خیانت در خانواده و مال‌نیکوکار؛ کاری که یوسف علیه السلام آن را از جمله اسباب ترک فاحشه بیان کرد.
- بیان عصمت و حفاظت پیامبران علیهم السلام توسط الله از وقوع در بدی و فحشاء.
- وجوب دفع فاحشه و فرار و رهایی از آن.
- مشروعیت عمل به قراین در احکام.

﴿فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ﴾ [یوسف: ۳۱].

﴿۳۱﴾ پس وقتی زن عزیز ایراد آن زنان بر خودش و غیبت آنها از خویش را شنید به‌سوی آنها فرستاد تا آنها را دعوت کند که یوسف را به آنها نشان دهد تا او را معذور بدانند، برای آنها محلی با فرش‌ها و بالش‌ها فراهم آورد، و به هر یک از زنان دعوت شده چاقویی داد تا غذا را با آن ببرد، و به یوسف گفت: بر آنها درآی، پس وقتی یوسف علیه السلام را دیدند او را بزرگ شماردند، و از نیکویی او انگشت به دهان ماندند، و از زیبایی‌اش شگفت زده شدند، و از شدت شگفتی دست‌های‌شان را با چاقوهایی که برای بریدن غذا آماده شده بود بریدند، و گفتند: الله منزه است، این پسرک انسانی نیست، زیرا زیبایی او در انسان سابقه ندارد، او یکی از فرشتگان گرامی است.

﴿قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا أَمَرُهُ لَيُصْجَبَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ﴾ [یوسف: ۳۲].

﴿۳۲﴾ زن عزیز وقتی این حالت زنان را دید، به آنان گفت: این همان غلامی است که مرا به‌سبب دوست داشتن او سرزنش می‌کردید، و من از او کام خواسته‌ام، و برای اغوای او چاره اندیشیدم، اما خودداری کرد، و اگر آنچه را که از او می‌خواهم در آینده انجام ندهد به‌طور قطع زندانی خواهد شد، و از خوارشدگان خواهد بود.

﴿قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ﴾ [یوسف: ۳۳].

﴿۳۳﴾ یوسف علیه السلام در دعا این‌گونه پروردگارش را خواند: پروردگارا، زندان که مرا با آن تهدید کردند برایم دوست داشتنی‌تر است از انجام فاحشه که مرا به آن فرا می‌خوانند، و اگر نیرنگ آنها را از من برنگردانی به‌سوی آنها خواهم گرایید، و اگر به‌سوی آنها بگرایم و در آنچه که از من می‌خواهند از آنها فرمان‌برداری کنم از جاهلان خواهم بود.

﴿فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [یوسف: ۳۴].

﴿۳۴﴾ پس الله درخواستش را اجابت کرد، و مکر زن عزیز و مکر زنان شهر را از او

برداشت، همانا او تعالی دعای یوسف، و دعای هر دعا کننده‌ای را می‌شنود، و از حال او و دیگران باخبر است.

﴿ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِن بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيْسَ جُنُنَهُ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ [یوسف: ۳۵].

﴿۳۵﴾ سپس نظر عزیز و قومش وقتی دلایل برائت یوسف را دیدند این بود که او را برای مدت نامشخصی زندانی کنند- تا این رسوایی آشکار نگردد-.

﴿وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٌ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [یوسف: ۳۶].

﴿۳۶﴾ پس او را زندانی کردند، و همراه او دو جوان در زندان وارد شدند، یکی از آن دو جوان به یوسف علیه السلام گفت: در خواب دیدم که انگور را برای تولید شراب می‌فشرم، و دومی گفت: در خواب دیدم که روی سرم نانی حمل می‌کنم که پرندگان از آن می‌خورند، - ای یوسف - ما را از تأویل آنچه دیدیم آگاه کن، زیرا ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.

﴿قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكَمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ [یوسف: ۳۷].

﴿۳۷﴾ یوسف گفت: قبل از آوردن غذایی که از جانب پادشاه یا غیر او برای تان می‌آید حقیقت و چگونگی آنچه را دیدید برای تان آشکار می‌سازم. این تعبیر خواب از مواردی است که پروردگارم به من آموخته است، نه از کهانت و نه از ستاره شناسی؛ همانا من دین قومی را که به الله ایمان نمی‌آورند و به آخرت کافر هستند رها کرده‌ام.

برخی فواید آیات:

- بیان زیبایی یوسف علیه السلام که سبب دلباختن زنان به او شد.
- ترجیح دادن زندان بر نافرمانی الله توسط یوسف علیه السلام.
- از مصادیق تدبیر و لطف الله به یوسف علیه السلام این است که به او علم تعبیر خواب آموخت و آن را سبب خروج یوسف از زندان قرار داد.

﴿وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [یوسف: ۳۸].

۳۸ و دین پدرانم: ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که دین توحید الله است پیروی کرده‌ام، سزاوار ما نیست که دیگران را با الله شریک بگردانیم، درحالی که او تعالی در وحدانیت یگانه است، این توحید و ایمان که من و پدرانم بر آن هستیم، بخشش الله بر ماست که ما را به آن هدایت کرده است، و بخشش او تعالی بر تمام مردم است چون پیامبرانش را با آن به‌سوی آنها فرستاد، اما بیشتر مردم شکر الله را به خاطر نعمت‌هایش نمی‌گزارند، بلکه به او کفر می‌ورزند.

﴿يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَرَأَيْتَ إِنْ كُنَّ نَجْمًا كَآسِفَاتٍ مُتَبَرِّجَاتٍ ثُمَّ كُنَّ سُجُودًا ذَلِيلًا فَسُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [یوسف: ۳۹].

۳۹ سپس یوسف آن دو جوان زندانی را این‌گونه مورد خطاب قرار داد: آیا عبادت معبودهای گوناگون بهتر است، یا عبادت الله یگانه که شریکی ندارد، و بر دیگران چیره است، همان ذاتی که مغلوب نمی‌شود؟

﴿مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْخُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۴۰].

۴۰ به جای الله نام‌هایی بدون مسمی، که شما و پدران‌تان آنها را اله نامیده‌اید عبادت می‌کنید، درحالی که سهمی در الوهیت ندارند، و الله دلیلی که بر صحت نامگذاری شما بر آنها دلالت کند فرو نفرستاده است. حکم در تمام مخلوقات، تنها برای الله است، نه برای این نام‌ها که شما و پدران‌تان آنها را نامیده‌اید، فرمان الله سبحانه این است که او را به یگانگی عبادت کنید، و نهی کرده از اینکه دیگران را همراه او شریک قرار دهید. این توحید همان دین استواری است که هیچ کجی و انحرافی در آن وجود ندارد، اما بیشتر مردم این را نمی‌دانند، و به همین سبب به الله شرک می‌ورزند، و بعضی مخلوقات او را عبادت می‌کنند.

﴿يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الظُّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ فَذِي الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ﴾ [یوسف: ۴۱].

۴۱ ای دو دوست زندانی من، اما کسی که برای تبدیل شراب انگور می‌فشرد از زندان خارج می‌شود، و به کارش باز می‌گردد، آن‌گاه ساقی پادشاه می‌شود، و اما

کسی که دیده روی سرش نانی است که پرندگان از آن می‌خورند، کشته و به دار آویخته می‌شود، آن گاه پرندگان از گوشت سرش می‌خورند، کاری که شما پاسخ آن را خواستید پایان یافت و تمام شد، و بدون تردید واقع می‌شود.

﴿وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ﴾ [یوسف: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و یوسف به کسی از آن دو که گمان کرد نجات می‌یابد - یعنی ساقی پادشاه - گفت: قصه و امر مرا نزد پادشاه بیان کن، شاید مرا از زندان خارج کند، اما شیطان یاد یوسف نزد پادشاه را از یاد ساقی برد، پس یوسف چندین سال پس از آن در زندان باقی ماند.

﴿وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعَ عِجَافٍ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ﴾ [یوسف: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و پادشاه گفت: همانا در خواب هفت گاو فربه را دیدم که هفت گاو لاغر را می‌خورند، و هفت خوشه سبز و هفت خوشه خشکیده را دیدم، ای سران و بزرگان، اگر به تعبیر خواب آگاه هستید مرا از تعبیر این خوابم باخبر سازید.

برخی فواید آیات:

- وجوب پیروی از آیین ابراهیم علیه السلام، و بیزاری جستن از شرک و پیروانش.
- این فرموده الله متعال: ﴿أَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ...﴾ دلالت دارد بر اینکه آن مصری‌ها اصحاب دیانت آسمانی بودند اما شرک می‌ورزیدند.
- تمام معبودهایی که به جای الله عبادت می‌شوند چیزی جز اسم‌هایی بدون مسمی نیستند، و هیچ سهمی در الوهیت ندارند.
- بهره‌برداری از پیشامدها برای دعوت به سوی الله، همان‌گونه که یوسف علیه السلام در زندان از این امر بهره‌برداری کرد.

﴿قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ﴾ [یوسف: ۴۴].

﴿۴۴﴾ گفتند: خواب تو از خیال‌های آشفته و درهم و برهم است، و چنین خواب‌هایی تعبیر ندارد، و ما تعبیر خواب‌های آشفته را نمی‌دانیم.

﴿وَقَالَ الَّذِي نَجَّا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ﴾ [یوسف: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و ساقی‌ای که از آن دو جوان زندانی نجات یافته بود، و یوسف علیه السلام و علم تعبیر خواب او را پس از مدتی به یاد آورده بود گفت: من شما را از تعبیر خواب پادشاه پس از سوال از کسی که این علم را دارد آگاه می‌سازم، پس -ای پادشاه- مرا به سوی یوسف بفرست تا خوابت را تعبیر کند.

﴿يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خَضِرٍ وَأَخْرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۴۶].

﴿۴۶﴾ پس وقتی این نجات یافته نزد یوسف علیه السلام رسید به او گفت: ای یوسف، ای راستگو، ما را از تعبیر خواب کسی که هفت گاو فربه دیده که هفت گاو نحیف را می‌خورند، و هفت خوشهٔ سبز، و هفت خوشهٔ خشکیده دیده، خبر بده؛ تا به سوی پادشاه و کسانی که نزد او هستند بازگردم شاید آنها از تعبیر خواب پادشاه، و فضل و جایگاه تو آگاه شوند.

﴿قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ﴾ [یوسف: ۴۷].

﴿۴۷﴾ یوسف علیه السلام برای تعبیر این خواب گفت: هفت سال، بیابایی و با جدیت بکارید، پس آنچه را در تمام این هفت سال درو کردید برای جلوگیری از کرم زدگی در خوشه هایش نگه دارید، مگر مقدار دانه‌های اندکی که برای خوردن به آن نیاز دارید.

﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ﴾ [یوسف: ۴۸].

﴿۴۸﴾ سپس بعد از این هفت سال حاصل‌خیز که در آن کشت کرده‌اید، هفت سال خشک می‌آید که مردم در آن سال‌ها تمام آنچه را که در سال‌های حاصل‌خیز درو کرده‌اند می‌خورند مگر مقدار اندکی که برای بذر نگه می‌دارند.

﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُعَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ﴾ [یوسف: ۴۹].

سپس بعد از این سال‌های خشک، سالی می‌آید که در آن باران‌ها نازل می‌گردد، و کشتزارها می‌روید، و مردم در آن سال هر اندازه از آب میوه مانند انگور و زیتون و نی را که نیاز دارند می‌فروشند.

﴿وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالِ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ﴾ [یوسف: ۵۰].

و وقتی تعبیر خواب پادشاه توسط یوسف علیه السلام به پادشاه رسید به دستیارانش گفت: او را از زندان خارج کنید، و نزد من آورید، پس وقتی فرستاده پادشاه نزد یوسف علیه السلام آمد یوسف برای اینکه برائتش قبل از خروج از زندان آشکار شود به او گفت: به سوی سرورت پادشاه بازگرد و در مورد قصه زنانی که دستهایشان را بریدند از او بپرس، به راستی که پروردگرم به کام خواهی‌ای که آنها از من خواستند آگاه است، و ذره‌ای از این کار بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتَنِّي يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ فُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [یوسف: ۵۱].

پادشاه خطاب به زنان گفت: چه منظوری داشتید آن‌گاه که با حيله از یوسف خواستید، فاحشه را با شما انجام دهد؟ همسر عزیز با اقرار بر آنچه انجام داده بود گفت: اکنون حق آشکار شد، من بودم که برای اغوای او کوشیدم، و او بر اغوای من نکوشید، و به راستی که او در این ادعایش برای برائت خویش از آنچه من به او نسبت دادم از راستگویان است.

﴿ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ﴾ [یوسف: ۵۲].

همسر عزیز گفت: وقتی اقرار کردم که من بودم که از او کام خواستم و او راستگوست، برای این است که یوسف بداند من در غیابش بر او افترا نبسته‌ام، زیرا از آنچه که حاصل شد برایم آشکار شده است که الله کسی را که دروغ می‌گوید و نیرنگ می‌زند موفق نمی‌گرداند.

برخی فواید آیات:

- از کمال ادب یوسف علیه السلام این بود که به گناه زنان اشاره کرد؛ نه به گناه همسر عزیز.
- کمال علم یوسف علیه السلام در حسن تعبیر خواب.
- مشروعیت تبرئه نفس از اتهامی که به ناحق به انسان نسبت داده شده است، و طلب شناسایی حقایق برای اثبات حق.
- فضیلت سخن راست و حق هر چند به ضرر گوینده اش باشد.

﴿ وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾ [یوسف: ۵۳].

۵۳ و همسر عزیز سخنش را این گونه ادامه داد: و خودم را از قصد بد تبرئه نمی‌کنم، و با این امر تزکیهٔ نفسم را اراده نکردم؛ زیرا شأن نفس بشری این است که به سبب تمایل به آنچه که آن را می‌خواهد و دشواری بازداشتنش از آن، زیاد به بدی امر می‌کند، مگر نفس‌هایی که الله به آنها رحم کند، و آنها را از امر به بدی محافظت گرداند، همانا پروردگار من نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مِكِينٌ أَمِينٌ ﴾ [یوسف: ۵۴].

۵۴ و هنگامی که برائت و علم یوسف علیه السلام برای پادشاه آشکار گشت به دستیارانش گفت: او را نزد من بیاورید تا او را خالص برای خودم قرار دهم، پس او را نزد پادشاه آوردند، و وقتی با او سخن گفت، و علم و عقل او برایش آشکار گشت به او گفت: - ای یوسف - همانا امروز نزد ما امین و صاحب منزلت و مقام شدی.

﴿ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴾ [یوسف: ۵۵].

۵۵ یوسف علیه السلام به پادشاه گفت: مرا بر نگهداری گنجینه‌های اموال و خوراکی‌های سرزمین مصر بگمار، زیرا من خزانه داری امانت دار، و صاحب علم و بصیرت به آنچه به آن گمارده می‌شوم هستم.

﴿ وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴾ [یوسف: ۵۶].

۵۶ و همان گونه که با برائت و رهایی از زندان بر یوسف علیه السلام نعمت بخشیدیم با قدرت بخشیدن او در مصر نیز برایش نعمت بخشیدیم، چنان که در هر مکانی که می‌خواست فرود می‌آمد و اقامت می‌کرد. از رحمت خویش در دنیا به هر یک از بندگانمان که خواهیم عطا می‌کنیم، و پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازیم، بلکه آن را به صورت کامل و بدون کاستی به آنها می‌دهیم.

﴿ وَلَا جُزْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴾ [یوسف: ۵۷].

۵۷ و به طور قطع پاداش الله که در آخرت آماده کرده است از پاداش دنیا بهتر است برای کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و با اجرای اوامر و نواهی الله از او تعالی می‌ترسیدند.

﴿وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ [یوسف: ۵۸].

۵۸ و برادران یوسف با کالای خویش به سرزمین مصر رسیدند، و بر او وارد شدند، آن گاه آنها را شناخت که برادرانش هستند، و آنها او را نشناختند که برادرشان است؛ چون مدت زیادی گذشته بود و شکل یوسف علیه السلام تغییر کرده بود؛ و وقتی که او را در چاه افکندند کودکی بود.

﴿وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ﴾ [یوسف: ۵۹].

۵۹ و وقتی آذوقه و توشه‌ای را که خواستند به آنها داد، پس از اینکه به او خبر دادند که برادری از پدرشان دارند که او را نزد پدرش گذاشته‌اند به آنها گفت: برادر پدری تان را نزدم بیاورید تا بار یک شتر برای تان بیفزایم، آیا نمی‌بینید که من پیمانہ را کامل می‌کنم و از آن نمی‌کاهم، و من بهترین میزبان هستم.

﴿فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُون﴾ [یوسف: ۶۰].

۶۰ اما اگر او را نزدم نیاورید دروغ شما در این ادعای تان که برادری از پدرتان دارید آشکار می‌گردد، آن گاه طعامی را برای تان پیمانہ نخواهم کرد، و به سرزمین من نزدیک نشوید.

﴿قَالُوا سَرَّأَوْدُ عَنهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ﴾ [یوسف: ۶۱].

۶۱ آن گاه برادرانش به او پاسخ دادند: او را از پدرش طلب می‌کنیم، و در این کار تلاش خواهیم کرد، و به راستی آنچه را که به ما فرمان دادی بدون کوتاهی انجام می‌دهیم.

﴿وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [یوسف: ۶۲].

۶۲ یوسف علیه السلام به کارگزارانش گفت: کالای اینها را بازگردانید تا هنگام بازگشت بدانند که ما آن را از آنها نخریده‌ایم، و این امر آنها را بر آن دارد که برای بار دوم درحالی که برادرشان همراه آنها است بازگردند؛ تا راستگویی‌شان را به یوسف علیه السلام ثابت کنند، و کالای‌شان را از آنها بپذیرد.

﴿فَلَمَّا رَجِعُوا إِلَىٰ آبَائِهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَكْتُلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [یوسف: ۶۳].

پس وقتی نزد پدرشان بازگشتند و اکرام یوسف علیه السلام به خودشان را برای پدر حکایت کردند گفتند: ای پدر ما پیمانہ از ما بازداشته شد اگر برادرمان را با خود نبریم، پس او را با ما بفرست، زیرا اگر او را همراه ما بفرستی طعام را پیمانہ می کنیم، و حفظ او را به تو تعهد می کنیم تا سالم به سوی تو بازگردد.

برخی فواید آیات:

- یکی از دشمنان مؤمن: نفس اوست که در باطنش قرار دارد؛ پس مؤمن باید از نفسش مراقبت کند و کجی اش را راست گرداند.
- شرط بودن علم و امانت در کسی که عهده دار منصبی می شود که امر عموم به آن اصلاح می گردد.
- بیان اینکه بخشش الله در آخرت، به طور قطع برای مؤمنان بهتر و ماندگارتر و برتر است.
- جواز درخواست منصب توسط شخص و ستودن آن برای خودش اگر نیاز اقتضا کند، و خواهان خیر و صلاح باشد.

﴿قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا آمَنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ [یوسف: ۶۴].

﴿۱۰﴾ آیا شما را بر او امین گردانم همان گونه که شما را قبل از آن بر برادر تنی‌اش یوسف امین گردانیدم؟! همانا شما را بر یوسف هم امین گردانیدم، و شما به حفظ او تعهد دادید، اما به آن تعهد تان وفا نکردید، پس اعتمادی به تعهد شما مبنی بر حفظ او ندارم، و فقط بر الله اعتماد دارم، زیرا او بهترین نگهبان است برای کسانی که نگهبانی از آنها را بخواهد، و مهربان‌ترین مهربانان است برای کسی که برایش رحمت بخواهد.

﴿وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلُ يَسِيرٍ﴾ [یوسف: ۶۵].

﴿۱۱﴾ و وقتی بارهای طعام‌شان را که گرفته بودند گشودند بهایش را دیدند که به آنها بازگردانیده شده است، آن گاه به پدرشان گفتند: پس از این اکرام چه چیزی از این عزیز طلب می‌کنیم؟ و این بهای غذای ماست که عزیز مصر از روی لطف به ما آن را بازگردانیده است. غذا را برای خانواده‌مان جلب می‌کنیم، و برادرمان را از آنچه که بر او می‌ترسی محافظت می‌کنیم، و به سبب همراهی او بار یک شتر می‌افزاییم، زیرا بار یک شتر نزد عزیز کاری آسان است.

﴿قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ﴾ [یوسف: ۶۶].

﴿۱۲﴾ پدرشان به آنها گفت: او را با شما نخواهم فرستاد تا اینکه پیمان استواری به الله ببندید که او را نزد من باز می‌گردانید مگر اینکه نابودی تمام شما را فرا گیرد، و هیچ‌یک از شما باقی نماند، و نه بر دفع آن توانا باشید و نه به بازگشت، پس وقتی پیمان استوار الله را بر این کار به او دادند، گفت: الله بر آنچه می‌گوییم گواه است، پس گواهی او برایمان کافی است.

﴿وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [یوسف: ۶۷].

🕒 و پدرشان اینگونه به آنها توصیه کرد: به صورت دسته‌جمعی از یک در وارد مصر نشوید، بلکه از درهای پراکنده‌ای وارد شوید، زیرا این کار نگهدارنده‌تر است از اینکه کسی به تمام شما آسیبی برساند اگر این کار را بر شما خواسته باشد، و نمی‌گویم این کار به‌طور قطع آسیبی را که الله برای‌تان اراده کرده است از شما دفع می‌کند، و نه اینکه به‌طور قطع نفعی را که الله نخواسته باشد برای‌تان جلب می‌کند، زیرا حکم جز حکم الله نیست، و فرمان جز فرمان او تعالی نیست. در تمام کارهایم فقط بر او توکل کردم، و توکل کنندگان در کارهای‌شان فقط باید بر او توکل کنند.

﴿وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسٍ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۶۸].

🕒 پس درحالی که برادر تنی یوسف علیه السلام با آنها بود به راه افتادند، و وقتی همان‌گونه که پدرشان به آنها فرمان داده بود از درهای مختلف وارد شدند ورودشان از درهای مختلف ذره‌ای از آنچه که الله بر آنها مقدر کرده بود از آنها دفع نمی‌کرد، بلکه این کار فقط مهر یعقوب علیه السلام بر فرزندان‌ش بود، که آن را آشکار کرد، و آنها را بر این کار سفارش نمود، درحالی که می‌دانست حکمی جز حکم الله نیست، زیرا از ایمان به تقدیر و به‌کارگیری اسباب که به او آموختیم آگاه بود، اما بیشتر مردم از این امر آگاه نیستند.

﴿وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [یوسف: ۶۹].

🕒 و چون برادران یوسف علیه السلام نزدش وارد شدند، درحالی که برادر تنی او همراه‌شان بود، برادر تنی‌اش را به‌سوی خود کشاند، و پنهانی به او گفت: به‌راستی که من برادر تنی تو یوسف هستم، پس از کارهای نسنجیده‌ای که برادرانت انجام می‌دادند، چه آزار رساندن و کینه بر ما، و چه افکندن من در چاه، اندوه مدار.

برخی فواید آیات:

- امر به احتیاط و پرهیز از کسی که خیانتی از او سر زده است (لَا يُلَدِّغُ مُؤْمِنٌ مِّنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَّرَّتَيْنِ؛ مؤمن از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود).
- یکی از وجوه احتیاط، حصول اطمینان با گرفتن پیمان‌های تقویت شده با سوگند است؛ و جواز سوگند دادن کسی که بر حفظ ودیعه‌ها و امانت‌ها از او بیم می‌رود.
- برای خواهان سوگند جایز است که بعضی اموری را که می‌داند در توان کسی که سوگند یاد می‌کند نیست استثنا کند.
- احتیاط از آسیب‌ها و خسارت‌ها، نوعی به‌کارگیری اسباب است.

﴿فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ
إِنِّكُمْ لَسَارِقُونَ﴾ [یوسف: ۷۰].

﴿۷۰﴾ پس وقتی یوسف علیه السلام به خدمتکارانش دستور داد که شتر برادرش را از طعام بازگیری کنند پیمانۀ پادشاه را که با آن آذوقه برای کسانی که برای گرفتن آذوقه می آمدند پیمانۀ می کرد بدون علم برادرانش در بار برادر تنی خویش قرار داد تا از این طریق او را کنار خویش نگه دارد. پس وقتی که برای بازگشت به سوی خانواده شان به راه افتادند منادی ای از پشت سرشان ندا زد: ای صاحبان شترهای بازگیری شده با آذوقه، همانا شما دزد هستید.

﴿قَالُوا وَقَبِلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ﴾ [یوسف: ۷۱].

﴿۷۱﴾ برادران یوسف درحالی که به ندا دهنده پست سرشان و یاران همراهش روی آوردند گفتند: چه چیزی از شما گم شده است که ما را به دزدی متهم می کنید؟

﴿قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ﴾ [یوسف: ۷۲].

﴿۷۲﴾ منادی و یاران همراهش به برادران یوسف گفتند: پیمانۀ پادشاه که با آن پیمانۀ می کند از ما گم شده است، و هرکس پیمانۀ پادشاه را قبل از بازرسی بیاورد یک «جُعل» یعنی بار یک شتر جایزه دارد، و من این جایزه را برایش ضمانت می کنم.

﴿قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ﴾ [یوسف: ۷۳].

﴿۷۳﴾ برادران یوسف به آنها گفتند: به الله سوگند شما با مشاهده احوالمان از پاکی و برائت ما آگاه شده اید، و همانا ما به سرزمین مصر نیامده ایم تا در آن فساد به پا کنیم، و در زندگی خویش نیز دزد نبوده ایم.

﴿قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ﴾ [یوسف: ۷۴].

﴿۷۴﴾ منادی و یارانش گفتند: اگر در ادعای تان مبنی بر برائت از دزدی دروغگو بودید، مجازات کسی که آن را دزدی کرده است نزد شما چیست؟

﴿قَالُوا جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾ [یوسف: ۷۵].

﴿۷۵﴾ برادران یوسف به آنها گفتند: مجازات سارق نزد ما این است که هرکس مال مسروقه در بارش پیدا شود گردنش به مسروق عنه تسلیم می شود تا او را به بردگی بگیرد، مانند این مجازات به بردگی گرفتن، دزدان را مجازات می کنیم.

﴿فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ﴾ [يوسف: ۷۶].

﴿۷۶﴾ پس آنها را برای بازرسی بارهایشان نزد یوسف عليه السلام بازگرداندند، آن گاه برای پنهان حيله، قبل از بازرسی بار برادر تنی‌اش بازرسی بارهای برادران غیر تنی‌اش را شروع کرد، سپس بار برادر تنی خویش را بازرسی کرد، و پیمانۀ پادشاه را از آن در آورد. همان گونه که تدبیر قرار دادن پیمان در بار برادر یوسف را برایش آموختیم، امر دیگری برای او آموختیم و آن اینکه برادرش را به کیفر سرزمین خودشان مبنی بر برده کردن دزد بگیرد، و اگر به کیفر پادشاه برای سارق که شلاق زدن و جبران خسارت بود عمل می‌کرد این امر محقق نمی‌شد، بلکه الله تدبیری دیگر را می‌خواست زیرا بر این کار تواناست. مراتب هر یک از بندگانمان را که بخواهیم به مرتبۀ یوسف عليه السلام بالا می‌بریم، و بالای هر صاحب علمی کسی است که از او عالم‌تر است، و بالای علم همگی، علم الله قرار دارد که از همه چیز آگاه است.

﴿* قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ﴾ [يوسف: ۷۷].

﴿۷۷﴾ برادران یوسف گفتند: اگر دزدی کرده جای شگفتی نیست، زیرا پیش از اینکه او دزدی کند برادر تنی‌اش دزدی کرده است، منظورشان یوسف عليه السلام بود، آن گاه یوسف آزار دیدن از این سخن آنها را پنهان کرد، و آن را برای‌شان آشکار نکرد، و در نفس خویش به آنها گفت: حسادت شما و کار بدی که قبلاً انجام داده‌اید، در این موقعیت، دقیقاً خودِ شرارت است و الله تعالی به این افترا که از شما صادر می‌شود داناتر است.

﴿قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [يوسف: ۷۸].

﴿۷۸﴾ برادران یوسف به او گفتند: ای عزیز همانا او پدری پیر و سالخورده دارد که او را بسیار دوست دارد، پس به جای او یکی از ما را بگیر، به‌راستی که تو را در معامله با ما و دیگران از نیکوکاران می‌بینیم، پس با این کار به ما نیکی کن.

برخی فواید آیات:

- جواز حیل‌های که با آن احقاق حق حاصل می‌شود؛ به شرط زیان نرساندن به دیگران.
- برای صاحب حیوان یا اثاث گم شده جایز است که جُعَل «پاداشی» همراه با تعیین اندازه و صفت برای کسی که بر رد گمشده‌اش به او یاری رساند قرار دهد.
- به فراموشی سپردن و پنهان کردن آزارها در نفس، از اخلاق نیکوست.

﴿قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ﴾ [یوسف: ۷۹].

﴿۷۹﴾ یوسف علیه السلام گفت: پناه بر الله که به جرم ستمکاری بر بی گناهی ستم کنیم، یعنی غیر از کسی که پیمانۀ پادشاه را در بارش یافتیم نگه داریم، همانا اگر این کار را انجام دهیم ستمکار خواهیم بود، چون بی گناهی را مجازات کرده ایم، و جنایتکاری را رها نیده ایم.

﴿فَلَمَّا اسْتِئْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْتِيَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ [یوسف: ۸۰].

﴿۸۰﴾ پس وقتی از پذیرفتن درخواستشان توسط یوسف علیه السلام ناامید شدند برای مشورت با یکدیگر از مردم کناره گرفتند، برادر بزرگشان گفت: آیا به یاد دارید که پدرتان عهد مؤکد الله از شما گرفته است که پسرش را به او بازگردانید مگر اینکه چیزی که توان دفعش را ندارید شما را احاطه کند، و پیش از این در مورد یوسف کوتاهی کرده اید، و به عهد خویش با پدرتان در مورد او وفا نکردید، پس سرزمین مصر را ترک نمی کنم مگر اینکه پدرم اجازه بازگشت به سوی خویش را به من بدهد، یا الله به گرفتن برادرم در مورد من داوری کند، و الله بهترین داوران است، زیرا به حق و عدالت داوری می کند.

﴿ارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ﴾ [یوسف: ۸۱].

﴿۸۱﴾ و برادر بزرگ گفت: نزد پدرتان بازگردید، و به او بگویید: همانا پسر دزدی کرد، پس عزیز مصر او را به کیفر دزدی اش به بردگی گرفت، و ما خبر نمی دهیم جز به آنچه علم داریم از آنجا که پیمانۀ را دیدیم که از بارش خارج کرد، و ما آگاهی نداشتیم که او دزدی می کند، و اگر از این موضوع آگاه بودیم برای بازگرداندن او با تو پیمان نمی بستیم.

﴿وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَيْرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾ [یوسف: ۸۲].

﴿۸۲﴾ و -ای پدر ما- برای اینکه راستگویی مان برایت ثابت شود از اهل مصر که در آن بودیم بپرس، و از افراد کاروانی که با آن آمدیم بپرس که آنچه را ما به تو خبر دادیم

به تو خبر می دهند، و به راستی که ما در دزدی او که به تو خبر دادیم واقعاً راستگو هستیم.

﴿قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [یوسف: ۸۳].

﴿۸۳﴾ پدرشان به آنها گفت: امر آن گونه که شما بیان می کنید که او دزدی کرده نیست، بلکه نفس های تان برای تان آراسته است که به او مکر بزیند همان گونه که پیش از این به برادرش یوسف مکر زدید، پس صبر من صبری نیکوست، و در آن شکایتی جز به سوی الله نیست، امید است که الله همگی آنها را به سوی من بازگرداند: یوسف و برادر تنی اش، و برادر بزرگ آن دو، به راستی که او سبحانه از حال من آگاه است، و در تدبیر خویش برای کارم بسیار داناست.

﴿وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسَفَى عَلَى يُوسُفَ وَابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾ [یوسف: ۸۴].

﴿۸۴﴾ و برای رویگردانی از آنها دور شد، و گفت: ای اندوه زیاد من بر یوسف! و سیاهی دو چشمش از بس که بر او گریه کرد سفید شد، زیرا سرشار از غم و اندوه بود، و اندوهش را از مردم پنهان می کرد.

﴿قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ﴾ [یوسف: ۸۵].

﴿۸۵﴾ برادران یوسف عليه السلام به پدرشان گفتند: - ای پدر ما - به الله سوگند پیوسته یوسف را یاد می کنی، و بر او اندوه می داری تا اینکه بیماری تو سخت شود، یا عملاً نابود شوی.

﴿قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۸۶].

﴿۸۶﴾ پدرشان به آنها گفت: از غم و اندوهی که به من رسیده است تنها به سوی الله شکایت می کنم، و از لطف و احسان الله و اجابت دعای درمانده توسط او تعالی و جزای او به مصیبت زده چیزی می دانم که شما نمی دانید.

برخی فواید آیات:

- مؤاخذه شخص پاک به گناه دیگری جایز نیست، یعنی به جای مجرم شخص دیگری مؤاخذه نمی‌شود.
- منظور از صبر جمیل آن است که شکایت فقط نزد الله تعالی برده شود.
- مؤمن باید یقین کامل داشته باشد بر اینکه الله اندوهش را برطرف می‌سازد.

﴿يَابِنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ [يوسف: ۸۷].

🕞 پدرشان به آنها گفت: ای پسرانم، بروید و از اخبار یوسف و برادرش جستجو کنید، و از گشایش و اندوه زدایی الله از بندگانش نومید نشوید، زیرا جز گروه کافران از گشایش و اندوه زدایی او نومید نمی‌شوند؛ زیرا آنها از بزرگی قدرت الله و سرازیرکردن نعمت‌های او تعالی بر بندگان آگاه نیستند.

﴿فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللّٰهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾ [يوسف: ۸۸].

🕞 آن‌گاه فرمان پدرشان را اجرا کردند، و برای جستجو از یوسف عليه السلام و برادرش رفتند، پس وقتی بر یوسف عليه السلام وارد شدند به او گفتند: سختی و فقر به ما رسیده است، و کالایی کم ارزش و ناچیز آورده‌ایم، پس چنان‌که پیش از این بر ما پیمان می‌کردی پیمان‌های کافی برای ما پیمان کن، و با افزودن بر آن یا با چشم‌پوشی از کالای کم ارزش ما بر ما صدقه بده، زیرا الله صدقه دهندگان را به نیکوترین پاداش جزا می‌دهد.

﴿قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ﴾ [يوسف: ۸۹].

🕞 پس وقتی سخن‌شان را شنید از روی مهربانی بر آنها دلسوزی کرد، و خودش را به آنها معرفی نمود و به آنها گفت: آیا دانستید که با یوسف و برادر تئ‌اش چه کردید آن‌گاه که از سرانجام کاری که با آنها انجام دادید بی‌خبر بودید؟!

﴿قَالُوا اِنَّكَ لَآَنْتَ يُوسُفَ قَالَ اَنَا يُوسُفُ وَهٰذَا اَخِي قَدْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا اِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [يوسف: ۹۰].

🕞 آن‌گاه شوکه شدند، و گفتند: آیا تو خود یوسف هستی؟! یوسف عليه السلام به آنها گفت: بله من یوسف هستم، و این را که همراه من می‌بینید: برادر تئ‌ی من است، الله با رهایی از وضعیتی که در آن بودیم، و با بالا بردن منزلت بر ما منت بخشیده است، زیرا هرکس که با اجرای اوامر و ترک نواهی الله از او تعالی بترسد، و در برابر مصیبت‌شکیبایی کند؛ این کارش نوعی نیکوکاری است، و الله مزد نیکوکاران را تباہ نمی‌سازد، بلکه آن را برای‌شان حفظ می‌کند.

﴿قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِبِينَ﴾ [یوسف: ۹۱].

۹۱) برادرانش با پوزش خواهی از کاری که با او انجام داده بودند به او گفتند: به الله سوگند که الله با صفات کمال که به تو عطا کرده تو را بر ما برتری بخشیده است، و به راستی که در کاری که با تو انجام دادیم خطاکار و ستمکار بوده ایم.

﴿قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ﴾ [یوسف: ۹۲].

۹۲) پس یوسف علیه السلام عذرخواهی شان را پذیرفت، و گفت: امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست که کیفر یا توبیخ شما را ایجاب کند، از الله می خواهم که شما را ببخشد، و او سبحانه مهربان ترین مهربانان است.

﴿أذْهَبُوا بِقَمِیْصِیْ هَذَا فَالْقُوْهُ عَلٰی وَجْهِ اَبِیْ یَاتِیْ بَصِیْرًا وَّاْتُوْنِیْ بِاَهْلِیْكُمْ اَجْمَعِیْنَ﴾

[یوسف: ۹۳].

۹۳) آن گاه چون او را از آنچه که چشمان پدرش به آن دچار شده بود آگاه کردند پیراهنش را به آنها داد، و گفت: این پیراهنم را ببرید، و آن را بر صورت پدرم بیندازید تا بینایی اش بازگردد، و تمام خانواده تان را نزد من بیاورید.

﴿وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِیْرُ قَالَ اَبُوْهُمْ اِنِّیْ لَاجِدُ رِیْحِ یُوْسُفَ لَوْلَا اَنْ تُفَنِّدُوْنَ﴾ [یوسف:

۹۴].

۹۴) و چون کاروان برای حرکت از مصر خارج شد، و از آبادی آن جدا گشت یعقوب علیه السلام به پسرانش و کسانی که در سرزمین او نزدش بودند گفت: به راستی که من بوی یوسف را استشمام می کنم، اگر شما مرا نادان ندانید و این گونه به خرفتی و کودنی نسبت ندهید که: این پیری است که عقلش تباه شده است، و چیزی می گوید که نمی داند.

﴿قَالُوا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِیْ ضَلٰلٰتٍ اَلْقَدِیْمِ﴾ [یوسف: ۹۵].

۹۵) کسانی از فرزندان او که کنارش بودند گفتند: به الله سوگند که تو پیوسته در گمان سابق خویش در مورد جایگاه یوسف نزد خود و امکان دیدن دوباره او هستی.

برخی فواید آیات:

- بزرگی شناخت یعقوب علیه السلام از الله، چون با وجود مصیبت های پیاپی و گذشت سال ها، گمان نیکش تغییر نکرد.

- از اخلاق و صفات پوزش خواه راستین این است که از الله بخشش می‌طلبد، و علیه خودش اعتراف می‌کند و از کسی که از او زیان دیده است درخواست گذشت دارد.
- با تقوا و شکیبایی، بالاترین درجات در دنیا و آخرت به دست می‌آید.
- قبول پوزش خواهی خطاکار و ترک انتقام، به خصوص در صورت توان بر انتقام، و سرزنش نکردن او بر خطایی که از او سر زده است.

﴿فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّدَ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [یوسف: ۹۶].

﴿۹۶﴾ پس وقتی خبر رسان به خبری که یعقوب علیه السلام را شاد می کرد آمد، پیراهن یوسف علیه السلام را بر صورتش افکند آن گاه بینا شد، در این هنگام به پسرانش گفت: آیا به شما نگفتم که من از لطف و احسان الله چیزی می دانم که شما نمی دانید؟
﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾ [یوسف: ۹۷].

﴿۹۷﴾ پسرانش با پوزش خواهی از پدرشان یعقوب علیه السلام در مورد کاری که با یوسف و برادرش انجام داده بودند گفتند: ای پدر ما، از الله برای گناهان گذشته ما طلب آمرزش کن، به راستی که ما در کاری که با یوسف و برادر تنی اش انجام دادیم گناه کار و بدکار بوده ایم.

﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [یوسف: ۹۸].

﴿۹۸﴾ پدرشان به آنها گفت: به زودی از پروردگرم برای تان آمرزش می طلبم، زیرا او گناهان بندگان توبه کارش را می آمرزد، و نسبت به آنها بسیار مهربان است.

﴿فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ﴾ [یوسف: ۹۹].

﴿۹۹﴾ و یعقوب علیه السلام و خانواده اش به قصد یوسف علیه السلام در مصر از سرزمین شان خارج شدند، پس وقتی نزد او وارد شدند پدر و مادرش را به کنار خودش کشید، و به برادران و خانواده اش گفت: به اراده الله با امنیت در مصر وارد شوید که در آن آزاری به شما نمی رسد.

﴿وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ [یوسف: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ و پدر و مادرش را بر تختی که خودش می نشست نشاند، و پدر و مادرش و یازده برادرش با سجده بر او احترام کردند، و این سجده سجدۀ احترام بود نه عبادت، تا

فرمان الله همان گونه که در خواب آمده بود محقق شود، از این رو یوسف علیه السلام به پدرش گفت: این احترام با سجده برای من توسط شما همان تعبیر خوابم است که پیش از این دیدم و آن را برایت حکایت کردم، که پروردگرم آن را محقق گردانید، و پروردگرم به من نیکی کرده است آن گاه که مرا از زندان خارج کرد، و آن گاه که شما را از بیابان آورد بعد از اینکه شیطان میان من و برادرانم را فاسد کرد، همانا پروردگرم در تدبیر خویش به آنچه که بخواهد بسیار دقیق است، و به راستی که او از احوال بندگانش آگاه، و در تدبیرش بسیار داناست.

﴿ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَفْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴾ [یوسف: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ سپس یوسف علیه السلام در دعا پروردگارش را خواند، و گفت: پروردگارا، پادشاهی مصر را به من عطا کردی، و تعبیر خواب را به من آموختی، ای آفریننده و پدید آورنده آسمانها و زمین بدون نمونه قبلی، تو عهده دار تمام کارهایم در زندگی دنیا، و عهده دار تمام کارهایم در آخرت هستی، هنگام پایان اجلم مرا مسلمان قبض کن، و مرا با پیامبران صالح از پدرانم و دیگران در فردوس اعلی از بهشت ملحق کن.

﴿ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴾ [یوسف: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ - ای رسول - از این قصه یوسف و برادرانش که به تو وحی می کنیم آگاهی نداشتی، زیرا نزد برادران یوسف حاضر نبودی آن گاه که بر افکندن او در ته چاه تصمیم گرفتند، و آن حيله را اندیشیدند، بلکه ما آن را بر تو وحی کردیم.

﴿ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴾ [یوسف: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ و - ای رسول - بیشتر مردم ایمان نمی آورند هر چند که تمام کوشش خویش را به خرج دهی تا ایمان بیاورند، پس خودت را به خاطر افسوس بر آنها نابود نکن.

برخی فواید آیات:

- نیکی به پدر و مادر و بزرگداشت و تکریم آن دو واجب است، و از جمله آن، شتاب در رساندن خبر خوشی که آنان را شادمان می گرداند.

-
- ترساندن از وسوسهٔ شیطان، و از کسی که برای ایجاد شکاف میان دوستان می کوشد؛ تا میان آنها جدایی اندازد.
 - هرچه بنده در دین یا دنیایش بالا رود، تمام آن به لطف و نعمت بخشیدن الله تعالی بر او بازمی گردد.
 - درخواست سرانجام نیک و سلامتی و رستگاری در روز قیامت و پیوستن به دوستان صالح در بهشت از الله.

﴿وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۴].

و اگر ببیندیشند به طور قطع به تو ایمان می‌آورند؛ زیرا - ای رسول - تو بر قرآن و بر آنچه که آنها را به آن فرا می‌خوانی پاداشی از آنها طلب نکرده‌ای، پس قرآن چیزی جز یاد آوری برای تمام مردم نیست.

﴿وَكَايِنٍ مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۵].

و چه بسیار است نشانه‌های دلالت کننده بر توحید او سبحانه که در آسمان‌ها و زمین پراکنده است، که از کنار آنها می‌گذرند اما از تأمل در آنها و پندگیری به آنها رویگردان هستند، و به آنها توجهی نمی‌کنند.

﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۶].

و بیشتر مردم به الله به اینکه او تعالی آفریدگار و روزی دهنده و زنده کننده و میراننده است ایمان نمی‌آورند جز اینکه تندیس‌ها و بت‌هایی را با او عبادت می‌کنند، و ادعا می‌کنند که فرزندی دارد، سبحانه.

﴿أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۷].

آیا این مشرکان در امان هستند از اینکه کیفری در دنیا آنها را فراگیرد که آنها را بپوشاند و بر آنها سایه افکند، و نتوانند آن را دفع کنند، یا قیامت به صورت ناگهانی آنها را فراگیرد، درحالی که آمدن آن را احساس نمی‌کنند تا برایش آماده شوند، پس به این خاطر ایمان نیاورده‌اند؟!

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [یوسف: ۱۰۸].

ای رسول - به هرکس که چنین ادعا می‌کند بگو: این است راه من که مردم را به آن فرا می‌خوانم، من و کسانی که از من پیروی کرده‌اند و به هدایت من هدایت یافته‌اند، و به سنت من عمل کرده‌اند، بر حجتی آشکار به سوی آن فرا می‌خوانیم، و من از مشرکان به الله نیستم، بلکه از مؤخدان و یکتاپرستان او سبحانه هستم.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [یوسف: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ و - ای رسول - ما پیش از تو نفرستاده‌ایم مگر مردانی از انسان‌ها نه فرشتگان، که به آنها وحی می‌کردیم همان‌گونه که به تو وحی کردیم، از شهرنشینان نه از بادیه‌نشینان، آن‌گاه امت‌های‌شان آنها را تکذیب کردند پس آنها را نابود کرده‌ایم. آیا این کسانی که تو را تکذیب می‌کنند در زمین نگشته‌اند تا ببیندیشند که سرانجام تکذیب‌کنندگان قبل از آنها چگونه بوده است تا از آنها عبرت بگیرند؟! و برای کسانی که در دنیا از الله ترسیده‌اند نعمت‌های سرای آخرت بهتر است. پس آیا نمی‌اندیشید که آن بهتر است تا با اجرای اوامر الله - که بزرگترین آن ایمان است - و ترک نواهی او - که بزرگترین آنها شرک به الله است - از او تعالی‌ترسید.

﴿حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ﴾ [یوسف: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ این رسولان که آنها را می‌فرستیم به دشمنان‌شان مهلت می‌دهیم، و برای نزدیک کردن تدریجی آنها به عذاب در کیفر آنها عجله نمی‌کنیم، تا اینکه نابودی آنها به تاخیر افتاد و رسولان از نابودی آنها ناامید شدند و کفار گمان کردند که رسولان‌شان در کیفر تکذیب‌کنندگان و رهایی مؤمنان که به آنها وعده داده بودند به آنها دروغ گفته بودند؛ یاری ما به رسولان‌مان فرا رسید، و رسولان و مؤمنان را از نابودی واقع شده بر تکذیب‌کنندگان نجات دادیم، و عذاب ما از قوم جنایتکار آن‌گاه که عذاب را بر آنها فرو فرستیم بازگردانیده نمی‌شود.

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [یوسف: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ به‌طور قطع در قصص رسولان و قصص امت‌هایشان، و در قصه یوسف علیه السلام و برادرانش پندی است که صاحبان عقل سلیم از آن عبرت می‌گیرند، قرآن که مشتمل بر این قصص است کلامی ساختگی و به دروغ نسبت داده شده بر الله نیست، بلکه تصدیقی است بر کتاب‌های آسمانی نازل شده از جانب الله، و تفصیلی

است برای تمام احکام و شرایعی که به تفصیل نیاز دارند، و راهنمایی است به سوی هر خیری، و رحمتی است برای مردمی که به آن ایمان می‌آورند؛ زیرا آنها هستند که از مضامین قرآن فایده می‌برند.

برخی فواید آیات:

- الله تعالی از روی لطف و بخشش خویش و به سبب اهداف و حکمت‌هایی، پیامبرانش را بر بعضی امور غیبی آگاه می‌سازد.
- دعوتگر مالک بازگرداندن دل‌های بندگان و وادار کردن آن بر طاعات نیست، و بیشتر مردم اهل هدایت نیستند.
- سرزنش افراد رویگردان از نشانه‌های دلالت‌کننده بر وجود الله و دلایل توحید او تعالی که در صفحات هستی پراکنده است.
- آیه ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي...﴾ بیان برخی ارکان دعوت را دربردارد، از جمله: أ- وجود منهج: ﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ﴾. ب- منهج بر علم استوار می‌گردد: ﴿عَلَى بَصِيرَةٍ﴾. ج- وجود دعوتگر: ﴿ادْعُوا﴾ ﴿أَنَا﴾. د- وجود مدعوین: ﴿وَمَنْ اتَّبَعَنِي﴾.

سوره الرعد

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

بیان حقیقت نیرو و قدرت الهی و مظاهر آن، و اثبات وعد و وعید و سنت الله در تغییر و تحولات.

تفسیر:

﴿المر تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الرعد: ۱].

﴿المر﴾ سخن در مورد شبیه این حروف در آغاز سوره بقره گذشت. -ای رسول- این آیات والا در این سوره، و قرآن که الله آن را بر تو نازل کرده است، حقیقتی است که هیچ شکی در آن راه ندارد، و بدون تردید از جانب الله آمده است، اما بیشتر مردم از روی سرسختی و تکبر ایمان نمی آورند.

﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ﴾ [الرعد: ۲].

﴿اللَّهُ﴾ همان ذاتی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشته آفرید، سپس آن گونه که شایسته جلال و عظمت او تعالی است، بر عرش استوا نمود و قرار گرفت، بدون تکلیف (بیان چگونگی) و تمثیل (بیان مثال)، و خورشید و ماه را برای منافع مخلوقاتش رام کرد. هر یک از خورشید و ماه برای مدت مشخصی در علم الله در جریان است، و او سبحانه هرگونه که بخواهد در آسمانها و زمین عمل می کند، و آیات دلالت کننده بر قدرتش را بیان می دارد؛ امید است که به دیدار پروردگارتان در روز قیامت یقین پیدا کنید، آن گاه با انجام عمل صالح برای قیامت آماده شوید.

﴿وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رَوْحِينَ اشْنِينَ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الرعد: ۳].

④ و او سبحانه ذاتی است که زمین را گسترانید، و کوه‌هایی ثابت در آن ایجاد کرد تا مردم را نلرزاند، و در آن از تمام انواع میوه‌ها دو صنف مانند نر و ماده در حیوان قرار داد. روز را با شب می‌پوشاند، چنان‌که پس از روشنایی تاریک می‌شود. همانا در موارد مذکور، دلایل و برهان‌هایی است برای مردمی که در آفرینش الله می‌اندیشند، و در آن تأمل می‌کنند، زیرا آنها هستند که از این دلایل و برهان‌ها بهره می‌برند.

﴿وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَعَيْرٌ صِنْوَانٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِضَلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الرعد: ۴].

⑤ و در زمین قطعاتی نزدیک به هم، و باغ‌هایی از انگور، و کشتزارها، و درختان خرمایی از یک ریشه، و درختان خرمایی با ریشه‌هایی جدا از یکدیگر وجود دارد، این باغ‌ها و کشتزارها با یک آب سیراب می‌شوند، و با وجود اینکه در کنار یکدیگر قرار دارند و از یک آب سیراب می‌گردند بعضی از آنها را بر بعضی دیگر در طعم و سایر فواید برتری می‌دهیم، به‌راستی که در این موارد دلایل و برهان‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند؛ چون آنها هستند که از آن پند می‌گیرند.

﴿وَإِنْ تَعْجَبَ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَيُّدَا كُنَّا تُرَابًا أَيُّنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الرعد: ۵].

⑥ و -ای رسول- اگر از چیزی تعجب می‌کنی، سزاوارترین مورد برای اینکه از آن تعجب کنی تکذیب رستاخیز از سوی آنها، و این سخن‌شان برای استدلال بر انکار رستاخیز است که می‌گویند: آیا وقتی که مردیم و خاک و استخوان‌هایی مرده و پوسیده شدیم، دوباره برانگیخته می‌شویم و زنده بازمی‌گردیم؟! اینها که منکر رستاخیز پس از مرگ هستند، کسانی هستند که به پروردگارش کفر ورزیده‌اند پس قدرت او تعالی بر برانگیختن مردگان را انکار کرده‌اند، و اینها هستند که در روز

قیامت زنجیرهایی از آتش در گردن‌های‌شان قرار می‌گیرد، و اینها ساکنان جهنم هستند، که برای همیشه در آن می‌مانند، به‌گونه‌ای که فنا نمی‌شوند، و عذاب‌شان قطع نمی‌گردد.

برخی فواید آیات:

- اثبات قدرت الله و شگفتی از آفرینش او تعالی که آسمان‌ها را با وجود بزرگی و وسعتش بدون ستون‌هایی که آنها را به دوش بگیرند آفرید.
- اثبات قدرت و کمال ربوبیت الله با برهان آفرینش، آن‌گاه که گیاه بزرگ و تنومند را می‌رویاند، و دانه‌ای کوچک از آن بیرون می‌آورد، سپس آن را از یک آب سیراب می‌کند، و با این وجود، حجم و رنگ و طعم میوه‌هایش مختلف است.
- بیرون آوردن درختان تنومند از دانه‌های کوچک، پس از اینکه معدوم بودند توسط الله تعالی، ردی است بر انکار رستاخیز از سوی مشرکان؛ زیرا بازگرداندن تمام اجزای پوسیده پراکنده و محلول در زمین، و برانگیختن دوباره آن، پس از اینکه موجود بود، آسان‌تر است از درآوردن معدوم از دانه.

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الرعد: ۶].

⑥ و - ای رسول - مشرکان پیش از آن که نعمت‌هایی را که الله برای‌شان مقدر کرده است برای‌شان کامل شود خواستار تعجیل کیفر هستند، و نزول عذاب بر خودشان را کُند می‌دانند، درحالی که قبل از آنها کیفرهای امت‌های تکذیب‌کننده شبیه آنها سپری شده است، پس چرا از آنها عبرت نمی‌گیرند؟ و - ای رسول - همانا پروردگارت با وجود ستم مردم از آنها می‌گذرد، و کیفر آنها را به تعجیل نمی‌اندازد تا به‌سوی الله توبه کنند، و به‌راستی که او نسبت به کسانی که از کفرشان توبه نکنند سخت کیفر است.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ [الرعد: ۷].

⑦ و کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند - با اصرار در انکار و لجajt - می‌گویند: چرا آیه‌ای مانند آنچه بر موسی و عیسی نازل شده بر محمد از جانب پروردگارش نازل نشده است. - ای رسول - تو فقط انذار دهنده‌ای هستی که مردم را از عذاب الله می‌ترسانی، و آیاتی نداری جز آنچه که الله به تو بخشیده است، و برای هر قومی پیامبری است که آنها را به راه حق راهنمایی، و بر آن رهبری می‌کند.

﴿اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ﴾ [الرعد: ۸].

⑧ الله از آنچه که هر ماده‌ای در شکم خویش به آن آبتن می‌شود، و از هر چیزی در مورد آن آگاه است، و از کم و زیاد شدن و سلامتی و معلولیتی که در رحم‌ها حاصل می‌شود آگاه است، و هر چیزی نزد او سبحانه به مقداری که نه بر آن افزوده می‌شود و نه از آن کاسته می‌گردد اندازه‌گیری شده است.

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ﴾ [الرعد: ۹].

⑨ زیرا او سبحانه از تمام آنچه که از حواس مخلوقاتش پنهان است آگاهی کامل دارد، و به تمام آنچه که حواس‌شان درک می‌کند نیز آگاه است، و در صفات و اسم‌ها و افعالش بسیار بزرگ است، و به ذات و صفات خویش بر هر یک از مخلوقاتش چیره است.

﴿سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ﴾ [الرعد: ۱۰].

﴿۱۰﴾ راز و پنهان را می‌داند، و -ای مردم- در علم او یکسان است کسی از شما که سخن را پنهان دارد، و کسی که آن را آشکار کند، و نیز در علم او یکسان است کسی که خود را در تاریکی شب از چشم مردم پنهان کند، و کسی که اعمالش را در روشنایی روز آشکار گرداند.

﴿لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾ [الرعد: ۱۱].

﴿۱۱﴾ او تعالی فرشتگانی دارد که از پی یکدیگر بر انسان فرود می‌آیند، یعنی برخی از آنها شب، و برخی از آنها روز می‌آیند، و به فرمان الله، انسان‌ها را با بازداشتن از تمام تقدیراتی که الله برای‌شان مصونیت از آن را نوشته است محافظت می‌کنند، همانا الله حال خوش مردمی را به حالی دیگر که آنها را شاد نمی‌گرداند تغییر نمی‌دهد مگر اینکه خودشان حال شکر را که بر آن هستند تغییر دهند، و هرگاه الله نابودی قومی را اراده کند هیچ کس و هیچ چیزی نمی‌تواند آنچه را که او تعالی اراده کرده، برگرداند.

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ﴾ [الرعد: ۱۲].

﴿۱۲﴾ - ای مردم - او ذاتی است که برق را به شما نمایاند، و در آن، ترس از صاعقه‌ها، و طمع در باران را یکجا برای‌تان قرار داده است، و او ذاتی است که ابر گرانبار به آب باران زیاد را برای‌تان پدید می‌آورد.

﴿وَيَسِّحُ الرِّعْدَ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيْفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾ [الرعد: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و رعد همراه با حمد پروردگارش تسبیح او سبحانه را می‌گوید، و فرشتگان به خاطر ترس از پروردگارشان و برای بزرگداشت و تعظیم او تعالی تسبیحش را می‌گویند، و صاعقه‌های آتش‌زا را برای هر یک از مخلوقاتش که بخواهد می‌فرستد و آنها را نابود می‌سازد، و کافران در وحدانیت الله با یکدیگر مجادله می‌کنند، و الله برای کسانی که از او نافرمانی کنند دارای نیرو و قدرتی سخت است.

برخی فواید آیات:

- بزرگی آمرزش و بردباری الله در برابر گناهان فرزندان آدم، زیرا با وجود اینکه در برابر رسولان و پیامبرانش گردن‌کشی و مبارزه می‌کنند، آنها را روزی می‌دهد، و گناهان‌شان را می‌بخشد، و در برابر آنها بسیار بردبار است.
- بزرگی علم الله تعالی نسبت به آنچه در تاریکی رحمها قرار دارد؛ و او تعالی از امر نطفه قرار گرفته در رحم، و تبدیل آن به مخلوق نر یا ماده، و سلامتی و معلول بودنش، و روزی و اجلش، و بدبخت یا سعادت‌مند بودنش، آگاه است؛ زیرا علم او تعالی بر این موارد عام و فراگیر است.
- توجه زیاد الله بر فرزندان آدم عليه السلام، و اثبات وجود فرشتگانی که انسان را محافظت و نگهداری می‌کنند و سایر فرشتگان مانند فرشتگانی که مأمور نوشتن خوبی‌ها و بدی‌های مردم هستند.
- اینکه الله تعالی هرگاه پیروی از اسباب هدایت را در بنده ببیند حال او را به بهترین حال تغییر می‌دهد، زیرا توفیق به هدایت، به پیروی از راهنمایی گفتاری (کلام الله) بستگی دارد.

﴿لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾ [الرعد: ۱۴].

﴿۱۴﴾ دعای توحیدی فقط از آن الله است و هیچ کس در آن با او مشارکت نمی کند، و بت‌هایی که مشرکان آنها را به جای الله در دعا می خوانند در هیچ مسأله‌ای دعای کسی که آنها را می خوانند اجابت نمی کنند، و خواندن این بت‌ها در دعا توسط مشرکان چیزی نیست جز مانند تشنه‌ای که دستش را به سوی آب می گشاید تا آب به دهانش برسد و از آن بنوشد، درحالی که آب به دهانش نمی رسد، و دعای کافران برای بت‌های شان چیزی جز تباهی و دوری از حق نیست؛ زیرا نه مالک جلب منفعت برای شان هستند، و نه مالک دفع ضرر.

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالًا لَهُمْ بِالْعُدْوَةِ وَالْأَصَالِ *﴾ [الرعد: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و بامدادان و شامگاهان، تمام کسانی که در آسمان‌ها و در زمین هستند، فرقی نمی کند که مؤمن باشند یا کافر، فقط در برابر الله با سجده فروتنی می کنند، جز اینکه مؤمن به رغبت در برابر او تعالی فروتنی و سجده می کند، اما کافر به اجبار در برابر او تعالی فروتنی می کند، درحالی که فطرتش بر او املا می کند که به رغبت در برابر الله فروتنی کند، و سایه هر مخلوقی که سایه دارد برای او گردن می نهند.

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [الرعد: ۱۶].

﴿۱۶﴾ - ای رسول - به کفار که همراه الله غیر او را عبادت می کنند بگو: چه کسی آفریدگار آسمان‌ها و زمین و اداره کننده کار آن دو است؟ - ای رسول - بگو: الله است که آفریدگار و تدبیر کننده کار آسمان‌ها و زمین است، و شما بر این امر اعتراف می کنید، - ای رسول - به آنها بگو: پس آیا به جای او دوستانی ناتوان برای خودتان گرفته‌اید، که نمی توانند به خودشان فایده برسانند، و زیان را از خودشان برطرف کنند، پس چگونه می توانند این کار را برای دیگران انجام دهند؟ - ای

رسول - به آنها بگو: آیا کافر که بصیرتش کور است، و مؤمن که بصیرتش بیناست یکسان هستند؟ آیا کفر که تاریکی هاست، و ایمان که خود نور است یکسان هستند؟ آیا برای الله سبحانه شریکانی در آفرینش همراه او قرار داده‌اند که مانند آفرینش الله آفریده‌اند، آن‌گاه آفرینش الله با آفرینش شریکان‌شان درآمیخته شده است؟ - ای رسول - به آنها بگو: الله به تنهایی ذاتی است که آفریدگار هر چیزی است، و در آفرینش هیچ شریکی ندارد، و او در الوهیت یگانه است، ذاتی که سزاوار است به وحدانیت عبادت شود، و چیره است.

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُۥ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾ [الرعد: ۱۷].

⑦ الله برای متلاشی کردن باطل و ماندن حق مثالی زده است به آب باران نازل شده از آسمان تا رودهایی با آن، هر کدام حسب حجمش، کوچک و بزرگ، روان شدند، آن‌گاه سیل، کفی برآمده بر روی آب حمل نمود، و مثالی دیگر برای این دو زد به بعضی از مواد فلزی نفیسی که مردم برای ذوب کردن آن و ساختن زینتی‌های‌شان، بر آن آتش می‌دمند، به مانند این دو مثال الله مثال حق و باطل را می‌زند، پس باطل مانند کفی بر روی آب، و مانند زنگ و چرکی است که از ذوب شدن مواد معدنی به جای می‌ماند، اما حق مانند آب صافی است که از آن می‌نوشند، و میوه‌ها و گیاهان و سبزه از آن می‌روید، و مانند زینتی است که بعد از ذوب شدن مواد معدنی از آن باقی می‌ماند و مردم از آن بهره می‌برند، الله همان‌گونه که این دو مثال را زده است مثال‌ها را برای مردم بیان می‌کند؛ تا حق از باطل مشخص شود.

﴿لِّلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَىٰ وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُم مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [الرعد: ۱۸].

⑧ برای مؤمنان که پروردگارشان را وقتی آنها را به توحید و طاعت خویش فراخواند اجابت کردند پاداشی بسیار نیکو یعنی بهشت است، و کافران که دعوت او

تعالی به توحید و طاعتش را نپذیرفتند اگر تمام اموال روی زمین برای شان یکجا شود، و افزون بر آن مانند آن داشته باشند؛ تا تمام آنها را برای نجات خودشان از عذاب ببخشند، اینها که دعوت او تعالی را نپذیرفته‌اند در برابر تمام بدی‌های شان مورد محاسبه قرار می‌گیرند، و مسکن‌شان که به آن پناه می‌برند جهنم است، و جهنم بستر و جایگاه بسیار بردی برای شان است.

برخی فواید آیات:

- بیان گمراهی مشرکان در دعا و طلب یاری از غیر الله تعالی، و تشبیه حال شان به حال کسی که به قصد نوشیدن، دستش را به سوی آب می‌گشاید بدون اینکه از آن تناول کند، و با این حالت نمی‌تواند بنوشد؛ چون راه صحیحی برای این کار انتخاب نکرده است.
- از وسایل توضیح در قرآن: بیان مَثَل‌ها، یعنی نزدیک کردن امر معقول به امر حسی و قابل درک، و ارایهٔ تصویری ذهنی است که بر فهم مراد کمک می‌کند.
- اثبات سجدهٔ تمام کائنات در برابر الله تعالی به میل، یا به اجبار برای فروتنی در برابر او سبحانه که فطرت به آن تمایل دارد.

﴿* أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [الرعد: ۱۹].

۱۹ - ای رسول - یکسان نیست کسی که می‌داند آنچه الله بر تو نازل کرده است، از جانب پروردگارت بر تو نازل شده و حقیقتی است که تردیدی در آن راه ندارد، یعنی مؤمن که دعوت الله را اجابت کرده است، با کسی که کور است، یعنی کافر که دعوت الله را اجابت نکرده است. فقط صاحبان عقل سلیم از این امر عبرت و پند می‌گیرند.

﴿الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْفُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ [الرعد: ۲۰].

۲۰ کسانی که دعوت الله را اجابت کرده‌اند همان کسانی هستند که به آنچه با الله پیمان بستند یا با بندگانش پیمان بستند وفا می‌کنند، و پیمان‌های استوار با الله، یا با غیر او را نمی‌شکنند.

﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ﴾ [الرعد: ۲۱].

۲۱ و آنها هستند که تمام پیوندهای خویشاوندی را که الله به پیوستن آن فرمان داده است برقرار می‌کنند، و چنان از پروردگارشان می‌ترسند که آنها را به اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی وامی‌دارد، و می‌ترسند که الله آنها را بر تمام گناهانی که کسب کرده‌اند مورد محاسبه قرار دهد، زیرا هرکس به دقت مورد حسابرسی قرار گیرد هلاک خواهد شد.

﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ﴾ [الرعد: ۲۲].

۲۲ و آنها هستند که بر طاعت الله، و بر تقدیر الله بر آنچه که باعث شادی یا ناراحتی است شکیبایی کردند، و در نافرمانی نکردن از او تعالی برای طلب رضایت الله شکیبایی کردند، و نماز را به کامل‌ترین وجه برپا داشتند، و از اموالی که به آنها بخشیده‌ایم حقوق واجب را بخشیدند، و از آن اموال به صورت اختیاری و پنهانی برای دوری از ریا و نیز آشکارا برای اینکه دیگران به آنها اقتدا کنند بخشیدند، و بدی کسی را که به آنها بدی روا دارد با نیکی پاسخ می‌دهند، اینها که صفات مذکور را دارند سرانجام خوشی روز قیامت برای‌شان است.

﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ﴾ [الرعد: ۲۳].

۴۳ این سرانجام خوش همان بهشت‌هایی است که برای همیشه در آن در رفاه و آسایش اقامت می‌کنند، و از نشانه‌های تکمیل نعمت‌های‌شان در این بهشت‌ها آن است که هر یک از پدران‌شان و مادران‌شان و همسران‌شان و فرزندان‌شان که پایداری ورزیده‌اند همراه آنها وارد این بهشت‌ها می‌شوند تا با دیدار آنها به صورت کامل آرام بگیرند، و فرشتگان تبریک‌گویان از تمام درهای منازل‌شان در بهشت بر آنها وارد می‌شوند.

﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ [الرعد: ۲۴].

۴۴ و تهنیت فرشتگان برای آنها هرگاه که بر آنها وارد شوند این سخن است: سلام علیکم؛ یعنی به سبب صبرتان بر طاعت الله، و بر گذشت تقدیراتش، و صبرتان بر نافرمانی نکردن از او، از آفات نجات یافتید، پس چه نیکوست عاقبت‌سرای که سرانجام شماست.

الله پس از ذکر صفات مومنین، صفات کفار مخالف را ذکر می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ [الرعد: ۲۵].

۴۵ و کسانی که پیمان الله را پس از انعقاد آن می‌شکنند، و پیوندهای خویشاوندی را که الله به برقراری آن فرمان داده است قطع می‌کنند، اینها جدا شدگان و بدبختان هستند که از رحمت الله رانده شده‌اند، و سرانجام بدی که جهنم است دارند.

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾ [الرعد: ۲۶].

۴۶ الله رزق و روزی را برای هر یک از بندگان که بخواهد می‌گشاید، و برای هر یک از آنها که بخواهد تنگ می‌گرداند، و گشایش روزی نه نشانهٔ سعادت است و نه نشانهٔ محبت الله، و تنگی روزی نیز نشانهٔ شقاوت نیست، و کافران به زندگی دنیا راضی شده‌اند که به آن روی آورده و آرام گرفته‌اند، اما زندگی دنیا در برابر آخرت چیزی جز کالایی اندک و نابود شدنی نیست.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ﴾ [الرعد: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و کسانی که به الله و آیاتش کفر ورزیده‌اند می‌گویند: چرا آیه‌ای حسی بر محمد از جانب پروردگارش نازل نشده است که بر راستگویی او دلالت کند، تا به آن ایمان آوریم، - ای رسول - به این پیشنهاد دهندگان بگو: به راستی که الله هرکس را که بخواهد به عدالت خویش گمراه می‌سازد، و هرکس را که با توبه به سوی او تعالی بازگردد به فضل خود او را به سوی خویش هدایت می‌کند، و هدایت در دست آنها نیست که آن را به فرو فرستادن آیات مرتبط می‌کنند.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: ۲۸].

﴿۲۸﴾ اینها که الله آنها را هدایت می‌کند همان کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان با ذکر الله به تسبیح و تحمید او، و به تلاوت و شنیدن کتابش آرام می‌گیرد، بدانید که دل‌ها فقط با ذکر الله آرام می‌گیرند، و سزاوار است که چنین باشند.

برخی فواید آیات:

- ترغیب به اخلاق والا که موجب ورود به بهشت می‌شوند، مانند: پیوند نیکو، خشیت الله تعالی، وفا به پیمان‌ها، صبر و انفاق، مقابلهٔ بدی با نیکی و پرهیز از ضد آن.
- کلیدهای روزی به دست الله است، و سزاوار نیست که گشایش یا تنگی روزی بنده توسط الله تعالی موجب شادی یا اندوه شود، زیرا این امر بر رضایت یا خشم الله بر بنده دلالت ندارد.
- هدایت لزوماً با فرو فرستادن نشانه‌ها و معجزاتی که مشرکان اظهار آن را پیشنهاد می‌دادند به دست نمی‌آید.
- از آثار قرآن بر بندهٔ مؤمن این است که آرامش را در دلش به جای می‌گذارد.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ﴾ [الرعد: ۲۹].

و اینها کسانی هستند که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالحی که آنها را به الله نزدیک می‌سازد انجام داده‌اند، زندگی پاکی در آخرت برای‌شان است، و سرانجام نیکویی دارند که همان بهشت است.

﴿كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ﴾ [الرعد: ۳۰].

مانند این فرستادن که رسولان پیشین را به سوی امت‌های‌شان فرستاده‌ایم؛ - ای محمد - تو را نیز به سوی امتت فرستاده‌ایم؛ تا قرآن را که به تو وحی کردیم بر آنها تلاوت کنی، زیرا قرآن در دلالت بر راستگویی تو کافی است، اما حال قومت این است که این نشانه را انکار می‌کنند؛ چون به رحمان کفر می‌ورزند آن‌گاه که دیگران را همراه او شریک قرار می‌دهند، - ای رسول - به آنها بگو: رحمان که دیگران را با او شریک می‌گردانید همان پروردگار من است که معبود برحق جز او نیست، در تمام کارهایم بر او توکل کردم، و توبه من به سوی اوست.

﴿وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سِيرَتِ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَنبَأِ الَّذِينَ آمَنُوا أَن لَّو يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ﴾ [الرعد: ۳۱].

و اگر یکی از کتاب‌های الهی چنین بود که به وسیله آن، کوه‌ها از جای خویش روان شوند، یا زمین بشکافد و به رودها و چشمه‌هایی تبدیل شود، یا بر مردگان خوانده شود آن‌گاه زنده گردند - ای رسول - به‌طور قطع همین قرآن نازل شده بر تو می‌بود - زیرا برهان واضحی است، و تأثیر بزرگی دارد اگر دل‌های‌شان باتقوا بود، اما آنها انکار می‌کنند. بلکه تمام امور، از جمله فرستادن معجزات از آن‌الله است، آیا مؤمنان به الله ندانسته‌اند که اگر الله هدایت تمام مردم را بدون فرو فرستادن آیات بخواهد به‌طور قطع همگی آنها را بدون فرستادن معجزات هدایت می‌کند؟ اما او تعالی این کار را نمی‌خواهد، و کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند به‌سبب کفر و گناهانی که انجام داده‌اند پیوسته مصیبتی سخت آنها را می‌زند، یا این مصیبت

نزدیک خانه‌های‌شان فرود می‌آید، تا اینکه وعده‌الله بر نزول عذابی بی‌وقفه فرا رسد، به‌راستی که الله اجرای آنچه را که به آن وعده داده است آن‌گاه که زمان تعیین شده‌اش فرا رسد رها نمی‌کند.

﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْءَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ [الرعد: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و تو نخستین رسولی نیستی که قومش او را تکذیب و مسخره کردند، به‌راستی که -ای رسول- امت‌های پیش از تو رسولان‌شان را مسخره و تکذیب کرده‌اند، آن‌گاه به کسانی که به رسولان‌شان کفر ورزیدند مهلت دادم تا اینکه گمان کردند آنها را نابود نمی‌کنم، سپس آنها را پس از مهلت دادن به انواع عذاب گرفتم، به نظر تو عذاب من بر آنها چگونه بود؟ به‌طور قطع عذابی سخت بوده است.

﴿أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُل سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصَدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ﴾ [الرعد: ۳۳].

﴿۳۳﴾ پس آیا ذاتی که بر روزی تمام مخلوقات نگهبان و بر هرکسی به عملی که کسب کرده است مراقب است، آن‌گاه او را در قبال اعمالش جزا می‌دهد، سزاوارتر است که عبادت شود، یا این بت‌ها که هیچ حقی برای عبادت شدن ندارند؟ و کافران به ستم و ناحق شریکانی برای الله قرار داده‌اند، -ای رسول- به آنها بگو: نام شریکانی که آنها را همراه الله عبادت کرده‌اید برایمان بیاورید اگر در ادعای‌تان صادق هستید، یا الله را از شریکانی که در زمین است و او تعالی نمی‌داند باخبر می‌سازید، یا او را به سخنی سطحی که هیچ حقیقتی ندارد خبر می‌دهید؟ بلکه شیطان برای کسانی که کافر شده‌اند تدبیر بدشان را آراسته است، پس به الله کفر ورزیده‌اند، و آنها را از راه راست و هدایت منحرف کرده است، و هرکس را که الله از راه راست گمراه سازد هیچ هدایتگری ندارد که او را به راه راست هدایت کند.

﴿لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَعَذَابٌ آخِرٌ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ﴾ [الرعد: ۳۴].

﴿۳۴﴾ در زندگی دنیا عذابی از قتل و اسارت بر دستان مؤمنان برای‌شان است، و به‌طور قطع عذاب آخرت که در انتظارشان است بر آنها دشوارتر و سنگین‌تر از عذاب

دنیاست؛ زیرا سختی و دوامی همیشگی دارد، و هیچ حمایتگری ندارند که در برابر عذاب الله در روز قیامت از آنها حمایت کند.

برخی فواید آیات:

- اصل در هر یک از کتاب‌های آسمانی این است که برای هدایت آمده است، نه برای فرو فرستادن آیات، زیرا امر الله تعالی است که هر وقت و به هرگونه که بخواهد آن را مقدر می‌سازد.
- آرامش بخشیدن الله تعالی به پیامبرش، و مطلع نمودن او به اینکه راه‌های تکذیبی که مشرکان در برابر او دنبال می‌کنند، پیامبران پیشین نیز با آنها روبه رو شده‌اند.
- شیطان برخی بندگان را تا جایی گمراه می‌سازد که گناهان و فسادهایی را که مرتکب می‌شوند برای‌شان می‌آراید.

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ﴾ [الرعد: ۳۵].

توصیف بهشت که الله آن را به کسانی وعده داده که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او را پیشه کرده‌اند چنین است که از زیر کاخ‌ها و درخت‌های رودها جاری است، و میوه‌هایش برخلاف میوه‌های دنیا جاویدان و همیشگی است، و سایه‌ای پایدار دارد که پایان نمی‌یابد، و کوتاه نمی‌شود، این همان سرانجام کسانی است که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه کرده‌اند، و سرانجام کافران جهنم است که در آن داخل می‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبٌ﴾ [الرعد: ۳۶].

و - ای رسول - یهودیانی که تورات را به آنها داده‌ایم، و مسیحیانی که انجیل را به آنها داده‌ایم، به آنچه که بر تو نازل شده است به سبب موافقت آن با بخشی از آنچه که بر آنها نازل شده است شادمانند، و از گروه‌های یهود و نصاری کسانی هستند که بخشی از آنچه را که بر تو نازل شده است و با هوس‌هایشان یا با آنچه که با تبدیل و تحریف آن را توصیف می‌کنند سازگاری ندارد انکار می‌کنند. - ای رسول - به آنها بگو: همانا الله به من فرمان داده که فقط او را عبادت کنم، و دیگران را با او شریک نگردانم، فقط او را در دعا می‌خوانم و غیر او را نمی‌خوانم، بازگشت من فقط به سوی اوست، و تورات و انجیل نیز به همین هدف آمده است.

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ﴾ [الرعد: ۳۷].

و همان گونه که کتاب‌های پیشین را به زبان اقوام‌شان فرستادیم، - ای رسول - قرآن را با گفتاری درست و آشکار کننده حق به زبان عربی بر تو نازل کردیم، و - ای رسول - اگر پس از اینکه علمی که الله آن را به تو آموخت نزدت آمد، برای سازش با اهل کتاب با حذف آنچه که با هوس‌هایشان سازگار نیست از هوس‌هایشان پیروی کنی، در برابر الله هیچ کارسازی نداری که کارت را به عهده بگیرد، و تو را در برابر دشمنانت یاری رساند، و هیچ بازدارنده‌ای نداری که تو را از عذاب او تعالی محافظت کند.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ
بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ﴾ [الرعد: ۳۸].

③۸ و -ای رسول - به تحقیق که پیش از تو رسولانی از جنس بشر فرستاده‌ایم، پس تو نوآمده‌ای از پیامبران و نخستین فرد ایشان نیستی، و مانند سایر انسان‌ها همسران و فرزندان برای‌شان قرار دادیم، و آنها را فرشتگانی که ازدواج نمی‌کنند و فرزند نمی‌آورند قرار ندادیم، و تو از این رسولان هستی که انسان‌هایی هستند که ازدواج می‌کنند و فرزند می‌آورند، پس چرا مشرکان از اینکه چنین هستی تعجب می‌کنند؟ و هیچ رسولی را نسزد آیه‌ای از جانب خویش بیاورد مگر اینکه الله به آوردن آن آیه به او اجازه دهد. برای هر کاری که الله حکم کرده است کتابی است که در آن ذکر شده است، و مهلتی است که از آن نه پیش می‌افتد و نه به تأخیر.

﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّثُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ [الرعد: ۳۹].

③۹ الله هر چه را بخواهد، خیر یا شر، سعادت یا شقاوت و سایر امور، از بین می‌برد، و هر چه از این موارد را که بخواهد تثبیت می‌گرداند، و لوح محفوظ نزد اوست، که مرجع تمام این موارد است، و هر براندازی یا تثبیتی که آشکار می‌گردد مطابق چیزی است که در لوح محفوظ وجود دارد.

﴿وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَقَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا
الْحِسَابُ﴾ [الرعد: ۴۰].

④۰ و -ای پیامبر - اگر بخشی از عذابی که به آنها وعده می‌دهیم را قبل از مرگت به تو بنمایانیم یا اگر تو را قبل از اینکه آن را برایت نشان دهیم بمیرانیم این کار به ما بازمی‌گردد؛ زیرا چیزی بر عهده تو نیست مگر تبلیغ آنچه که تو را به تبلیغ آن فرمان داده‌ایم، و مجازات و محاسبه آنها بر تو نیست، زیرا این کار بر عهده ماست.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ
سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [الرعد: ۴۱].

④۱ آیا این کافران ندیده‌اند که ما بر زمین کفر می‌آییم و با انتشار اسلام، و فتح آن توسط مسلمانان، آن را از اطراف می‌کاهیم، و الله میان بندگان به آنچه که بخواهد حکم و داوری می‌کند، و هیچ کس نمی‌تواند حکم او تعالی را با نقض یا

تغییر یا تبدیلی تعقیب کند، و او سبحانه زود شمار است، و اولی‌ها و آخری‌ها را در یک روز محاسبه می‌کند.

﴿وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ﴾ [الرعد: ۴۲].

﴿۱۳۴﴾ و امت‌های پیشین بر پیامبران‌شان مکر و نیرنگ زدند، و رسالت‌شان را تکذیب کردند، پس با نیرنگ زدن بر پیامبران‌شان چه کاری انجام دادند؟ هیچ‌چیز؛ زیرا تدبیر عملی فقط تدبیر الله است نه دیگران. چنان‌که او سبحانه ذاتی است که از آنچه که نفس‌ها کسب می‌کنند آگاه است و آنها را در قبال آن جزا می‌دهد، و در این هنگام خواهند دانست که چقدر در عدم ایمان به الله خطاکار بوده‌اند، و مؤمنان چقدر بر حق بوده‌اند، که با آن به بهشت و سرانجام خوش دست یافته‌اند.

برخی فواید آیات:

- ترغیب به بهشت با بیان صفت آن؛ از جمله جریان رودها و پایدگی روزی و سایه گسترده.
- خطر زیاد پیروی از هوا و هوس بعد از تحصیل علم و اینکه این امر از اسباب عذاب الله است.
- بیان اینکه رسولان ﷺ انسان هستند، و همسران و فرزندان دارند، و پیامبر ما نوبر پیغمبران و نخستین فرد ایشان نیست، زیرا در این امر مانند آنها بوده است.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ [الرعد: ۴۳].

۱۳ و کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: - ای محمد - از جانب الله فرستاده نشده ای، - ای رسول - به آنها بگو: کافی است که الله همان ذاتی که علم کتاب‌های آسمانی که توصیف من در آنها آمده است نزد اوست، میان من و شما گواه باشد بر اینکه من فرستاده شده‌ای از جانب پروردگرم به‌سوی شما هستم، و هرکس که الله گواه راستگویی‌اش باشد، تکذیب هیچ تکذیب‌کننده‌ای به او زیان نمی‌رساند.

سوره ابراهیم

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان وظیفه و اشتیاق رسولان بر بیرون راندن مردم از تاریکی‌های شرک به‌سوی نور توحید، در مقابل رویگردانی اقوام‌شان، به هدف استوار سازی پیامبر، و تهدید ستمگران.

تفسیر:

﴿الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ [ابراهیم: ۱].

۱ ﴿الر﴾ سخن در مورد شبیه این حروف در آغاز سوره بقره بیان شد. - ای رسول - این قرآن کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از کفر و جهل و گمراهی به‌سوی ایمان و آگاهی و هدایت به‌سوی دین اسلام یعنی راه الله، همان ذات شکست‌ناپذیری که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در هر چیزی ستوده شده است، بیرون آوری.

﴿اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ [ابراهیم: ۲].

۲ الله که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آن اوست، پس سزاوار است که به یگانگی و وحدانیت عبادت شود، و هیچ‌چیز از مخلوقاتش با او شریک گردانیده نشود، و به‌زودی کسانی را که کفر ورزیده‌اند عذابی سخت فرا خواهد گرفت.

﴿الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ [ابراهیم: ۳].

❶ کسانی که کفر ورزیده‌اند زندگی دنیا و نعمت‌های نابود شدنی آن را بر آخرت و نعمت‌های جاویدانش ترجیح می‌دهند و مردم را از راه الله باز می‌دارند، و برای راه الله تخریب و انحراف از حق و بازگشت از راستی می‌خواهند تا هیچ‌کس آن را نیپیماید، و اینها که صفات مذکور را دارند در گمراهی دوری از حق و راستی قرار دارند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُم فَيُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [ابراهیم: ۴].

❷ و رسولی را جز سخنگو به زبان قومش نفرستادیم؛ تا فهم آنچه را که از جانب الله آورده است برای‌شان آسان باشد، و هرگز او را برای اجبار آنها بر ایمان به الله نفرستاده‌ایم، زیرا الله هرکس را که بخواهد به عدالت خویش گمراه می‌سازد، و هرکس را بخواهد به فضل خویش به هدایت توفیق می‌دهد، و او تعالی ذات شکست ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تدبیرش بسیار داناست.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [ابراهیم: ۵].

❸ و به تحقیق موسی را فرستادیم و او را با آیات دلالت‌کننده بر راستگویی‌اش تقویت کردیم، و به‌راستی که او فرستاده شده‌ای از جانب پروردگارش است، و به او فرمان دادیم که قومش را از کفر و جهل به سوی ایمان و آگاهی بیرون آورد، و به او فرمان دادیم که ایام الله را که در آن ایام به آنها نعمت بخشیده است به یادشان آورد، زیرا در این روزها دلالت‌های آشکاری بر توحید و بزرگی قدرت الله، و نعمت بخشی او به مؤمنان وجود دارد، و شکیبایان بر طاعت الله که بر شکر نعمت‌ها و برکات او تعالی مداومت می‌کنند از این امر بهره می‌برند.

برخی فواید آیات:

- هدف از نزول قرآن هدایت با بیرون بردن مردم از تاریکی‌های باطل به سوی نور حق است.
- فرستادن رسولان به زبان اقوام‌شان است؛ زیرا این امر در فهمیدن آنها مؤثرتر، و در نتیجه برای قبول و فرمان برداری بهتر است.
- وظیفه رسولان ﷺ، در راهنمایی مردم و رهبری آنها برای خروج از تاریکی‌ها به سوی نور خلاصه می‌شود.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُدَجِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ [ابراهيم: ۶].

⑥ و -ای رسول - به یاد آور آن گاه که موسی فرمان پروردگارش را اطاعت کرد و با یادآوری نعمت‌های الله برای قومش بنی‌اسرائیل، به آنها گفت: ای قوم من، نعمت الله بر خودتان را به یاد آورید آن گاه که شما را از خاندان فرعون نجات داد، و شما را از عذاب او رهانید، که بدترین عذاب را به شما می‌چشانیدند، چون پسران‌تان را می‌کشتند تا در میان آنها کسی متولد نشود که بر پادشاهی فرعون مسلط گردد، و زنان‌تان را برای تحقیر آنها در قید حیات نگه می‌داشتند، و در این کارهای‌شان، برای‌تان آزمایشی بزرگ بر صبر بود، پس الله شما را به پاداش صبرتان در برابر این آزمایش از عذاب خاندان فرعون رهانید.

﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ [ابراهيم: ۷].

⑦ و موسی به آنها گفت: به یاد آورید آن گاه که پروردگارتان به‌طور رسا به شما اعلام کرد: اگر الله را در قبال این نعمت‌ها که بر شما بخشیده است سپاسگزاری کنید به‌طور قطع از نعمت بخشی و فضل خویش بر این نعمت‌ها برای شما خواهد افزود، و اگر از نعمت‌های او تعالی بر خودتان ناسپاسی کنید و شکر آن را به جای نیاورید، به‌راستی که عذاب او برای کسی که نعمت‌هایش را انکار کند و شکر آنها را به جای نیاورد بسیار سخت است.

﴿وَقَالَ مُوسَى إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَعَنِي حَمِيدٌ﴾ [ابراهيم: ۸].

⑧ و موسی به قومش گفت: ای قوم من، اگر شما کفر ورزید و همراه شما تمام کسانی که بر روی زمین هستند کفر ورزند، زیان کفر شما به خودتان بازمی‌گردد؛ زیرا الله بنفسه بی‌نیاز، و به ذات خویش مستوجب ستایش است، و ایمان مؤمنان نفعی به او نمی‌رساند، و کفر کافران زیانی به او نمی‌رساند.

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا

كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ﴿۹﴾ [إبراهیم: ۹].

❁ ای کافران - آیا خبر نابودی امت‌های تکذیب کننده که پیش از شما بودند برای تان نیامده است: قوم نوح، و عاد قوم هود، و ثمود قوم صالح، و امت‌هایی که پس از آنها آمدند، و چنان زیاد هستند که تعدادشان را کسی جز الله نمی‌تواند برشمارد؟ رسولان‌شان دلایل آشکاری برای‌شان آوردند، ولی آنها به سبب خشم بر رسولان دست‌های‌شان را در دهان‌های‌شان قرار دادند و انگشتان‌شان را گزیدند، و به رسولان‌شان گفتند: همانا ما به آنچه شما آورده‌اید کفر ورزیده‌ایم، و به راستی که ما در شکی هستیم که از آنچه ما را به سوی آن فرا می‌خوانید به تردید می‌اندازد.

﴿* قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَنَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأَثُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ [إبراهیم: ۱۰].

❁ رسولان‌شان در رد سخنان برای‌شان گفتند: آیا در توحید و یگانگی الله در عبادت شکی وجود دارد، درحالی که او تعالی آفریدگار و پدید آورنده آسمان‌ها و زمین بدون نمونه قبلی است؟! شما را به ایمان به خویش فرامی‌خواند تا گناهان گذشته‌تان را از شما محو کند، و به شما مهلت می‌دهد تا آن‌گاه که پایان مشخص زندگی دنیایی شما فرا رسد. اقوام‌شان به آنها گفتند: شما جز انسانی مانند ما نیستید، و هیچ امتیازی بر ما ندارید، و می‌خواهید که ما را از عبادت آنچه پدرانمان عبادت می‌کردند برگردانید، پس حجتی آشکار برایمان بیاورید که بر راستگویی شما در اینکه ادعا می‌کنید رسولانی از جانب الله به سوی ما هستی دلالت کند.

برخی فواید آیات:

- یکی از روش‌های دعوت، یادآوری نعمت‌های الله تعالی بر مدعویین است، به خصوص اگر با نعمتی بزرگ مانند پیروزی بر دشمن یا نجات از او در ارتباط باشد.
- الله تعالی به فضل خویش در برابر شکر بندگانش نعمت بیشتر را به آنها وعده داده است، و در مقابل، تهدید الله برای کسی که به او تعالی کفر می‌ورزد شدید است.
- کفر بندگان به طور قطع زبانی به الله نمی‌رساند، چنان‌که ایمان‌شان ذره‌ای بر او نمی‌افزاید، زیرا او تعالی به ذات خویش بی‌نیاز و ستوده است.

﴿قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾
[ابراهیم: ۱۱].

﴿۱۱﴾ رسولان‌شان در رد آنها گفتند: ما جز انسانی مانند شما نیستیم، پس همانندی خویش با شما را در این مورد انکار نمی‌کنیم، اما از همانندی در این مورد، همانندی در همه چیز لازم نمی‌آید، زیرا الله با نعمت بخشی خاص بر هر یک از بندگانش که بخواهد لطف می‌کند، و آنها را رسولانی به‌سوی مردم برمی‌گزیند، و سزاوار ما نیست حجتی را که می‌طلبید جز به اراده‌ی الله برای‌تان بیاوریم، زیرا آوردن آن در توان ما نیست، بلکه فقط الله بر این کار تواناست، و مؤمنان در تمام امورشان فقط بر الله توکل می‌کنند.

﴿وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنْصِيرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [ابراهیم: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و چه مانع و چه عذری میان ما و توکل بر او حایل می‌شود؟ درحالی‌که ما را به راست‌ترین و آشکارترین راه‌ها راهنمایی کرده است، و باید در برابر تکذیب و مسخره ای که شما با آن به ما آزار می‌رسانید شکیبایی کنیم، و توکل‌کنندگان در تمام کارهای‌شان فقط بر الله توکل می‌کنند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ﴾ [ابراهیم: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و کسانی از اقوام رسولان که کفر ورزیدند وقتی از استدلال با رسولان‌شان ناتوان ماندند گفتند: شما را از شهرمان خارج می‌کنیم، یا اینکه از دین‌تان به‌سوی دین ما باز می‌گردید، آن‌گاه الله برای استوار سازی رسولان به آنها وحی کرد: به تحقیق ستمکارانی را که به الله و رسولش کفر ورزیده‌اند نابود می‌کنیم.

﴿وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ﴾ [ابراهیم: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و -ای رسولان و کسانی که از شما پیروی می‌کنند- به‌طور قطع پس از نابودی آنها شما را در زمین ساکن خواهیم گرداند، این نابودی کافران تکذیب‌کننده، و

اسکان رسولان‌شان و مؤمنان در زمین پس از نابودی آنها، برای کسی است که عظمت و مراقبت من بر خودش را به یاد داشته باشد، و از انذار من از عذاب بترسد.

﴿وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ﴾ [ابراهیم: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و رسولان از پروردگارشان خواستند که آنها را بر دشمنان‌شان پیروز گرداند، و هر متکبر ستیزه‌جو در برابر حق که با وجود آشکار شدن حق برایش از آن پیروی نمی‌کرد زیان دید.

﴿مَنْ وَرَايَهُ جَهَنَّمَ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ﴾ [ابراهیم: ۱۶].

﴿۱۶﴾ روز قیامت در برابر این متکبر جهنم قرار دارد، پس جهنم در کمین اوست، و در آنجا از چرک جهنمیان که از آنها روانه می‌شود نوشانیده می‌شود، که تشنگی‌اش را برطرف نمی‌سازد، آن‌گاه پیوسته با تشنگی و سایر مجازات‌ها عذاب می‌شود.

﴿يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ﴾ [ابراهیم: ۱۷].

﴿۱۷﴾ به سبب تلخی زیاد و حرارت و بدبویی‌اش پیایی آن را به رنج می‌نوشد، و نمی‌تواند آن را بلعد، و از سختی عذابی که به مشقت آن را تحمل می‌کند مرگ از هر جهتی او را فرامی‌گیرد، اما نمی‌میرد تا راحت شود، بلکه زنده می‌ماند تا عذاب را تحمل کند، و در روبروی او عذاب سخت دیگری در انتظارش است.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ﴾ [ابراهیم: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و مثال اعمال نیک مانند صدقه و احسان و رحم بر ضعیف که کافران، پیش می‌فرستند، مانند خاکستری است که بادها در روزی طوفانی بر آن بوزد، و آن را با قدرت بردارد، و در هر مکانی پراکنده سازد تا اینکه هیچ اثری از آن باقی نماند، و هم‌چنین است اعمال کافران که کفر بر آنها بوزد، و در روز قیامت به صاحبانش نفع نمی‌رسانند، این عملی که بر ایمان بنا نشود همان گمراهی دور از راه حق است.

برخی فواید آیات:

- پیامبران و رسولان عليهم السلام انسان هستند؛ جز اینکه الله آنها را با حمل رسالت برتری داده و از میان فرزندان آدم عليه السلام آنها را با رسالت برگزیده است.

- دعوتگری که خواهان تغییر است باید در انتظار دشواری‌های بسیاری باشد که در برابر او قرار خواهند گرفت، مانند رانده شدن، تبعید و آزار قوی و عملی.
- دعوتگران و صالحان به پیروزی و جانشین شدن در زمین وعده داده شده‌اند.
- بیان ابطال و عدم اعتبار اعمال صالح کافران، به سبب کفرشان.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَاشَأُ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ [ابراهیم: ۱۹].

۱۸ - ای انسان - آیا درک نکرده‌ای که الله آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده، و بیهوده نیافریده است. - ای مردم - اگر بردن شما و آوردن خلقی دیگر را به جای شما بخواهد که او را عبادت و از او فرمان‌برداری می‌کنند به‌طور قطع شما را خواهد برد، و خلقی دیگر که او را عبادت می‌کنند و از او اطاعت می‌کنند خواهد آورد؛ زیرا این کار بر او آسان و سبک است.

﴿وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ﴾ [ابراهیم: ۲۰].

۱۹ نابودی شما و آوردن انسان‌های دیگر، او تعالی را ناتوان نمی‌سازد، زیرا او تعالی بر هر چیزی تواناست، و هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُعْتَنُونَ عَلَيْنَا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءَ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ﴾ [ابراهیم: ۲۱].

۲۰ و مخلوقات در روز میعاد از قبرهای‌شان به‌سوی الله خارج می‌شوند، آن‌گاه پیروان ضعیف به سران رئیس می‌گویند: - ای سران - همانا ما پیرو شما بودیم، که به فرمان شما عمل می‌کردیم، و با نهی شما، دست می‌کشیدیم، پس آیا شما چیزی از عذاب الله را از ما دفع می‌کنید؟ سران رئیس می‌گویند: اگر الله ما را به هدایت توفیق داده بود به‌طور قطع شما را به‌سوی آن راهنمایی می‌کردیم، تا همگی‌مان را از عذابش نجات دهیم، اما ما را گمراه ساخت پس شما را گمراه کردیم، بر ما و شما یکسان است که در تحمل عذاب ناتوان باشیم یا شکیبایی به خرج دهیم، هیچ راه فراری از عذاب نداریم.

﴿وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تُلْمُونِي وَلَوْمُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [ابراهیم: ۲۲].

۲۱ و ابلیس آن‌گاه که بهشتیان وارد بهشت، و جهنمیان وارد جهنم شوند می‌گوید: به تحقیق که الله به شما وعده‌ حق داد، و آنچه را به شما وعده داده بود

محقق گرداند، و من به شما وعده باطل دادم و به آنچه به شما وعده داده‌ام وفا نکردم، و من نیرویی نداشتم که با آن شما را در دنیا بر کفر و گمراهی مجبور کرده باشم، بلکه شما را به کفر فراخواندم، و گناهان را برای تان آراستم، آن‌گاه شما به شتاب از من پیروی کردید، پس به سبب اینکه گمراه شدید مرا سرزنش نکنید، و خودتان را سرزنش کنید که برای این کار سزاوارترید. من یاور شما برای دفع عذاب از شما نیستم، و شما یاور من برای دفع عذاب از من نیستید. من به سبب اینکه مرا شریکی برای الله در عبادت قرار دادید کفر ورزیده‌ام، به راستی که ستمکاران - به سبب شرک و کفر به الله در دنیا - عذابی رنج‌آور در روز قیامت در انتظارشان است.

الله پس از بیان سرانجام کافران در روز قیامت برای ترساندن از آن، سرانجام مؤمنان را برای ترغیب در آن بیان کرده و می‌فرماید:

﴿وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ حَيْثُ شَاءُوا فِيهَا سَلَامٌ﴾ [ابراهیم: ۲۳].

﴿۳۳﴾ برخلاف سرانجام کافران، کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند به بهشت‌هایی وارد می‌شوند که نه‌رها از زیر کاخ‌ها و درختان‌شان جاری است، و به اذن و اراده پروردگارشان همیشه در آن می‌مانند، و پروردگارشان سبحانه و نیز فرشتگان با سلام به آنها درود می‌فرستند؛ و همچنین خودشان به یکدیگر.

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ [ابراهیم: ۲۴].

﴿۳۴﴾ - ای رسول - آیا ندانسته‌ای که الله مثالی برای کلمه توحید یعنی لا إله إلا الله زده است، آن‌گاه که آن را به درختی پاک یعنی نخل تشبیه کرد، که ریشه‌اش در زمین استوار دوانیده شده با رگ‌های پاکش آب می‌نوشد، و شاخه‌اش به سوی آسمان بالا رفته از شبنم سیراب می‌شود، و از هوای پاکیزه استنشاق می‌کند.

برخی فواید آیات:

- بیان سرانجام بد تابع و متبوع آن‌گاه که بر باطل اجتماع کنند.

- بیان اینکه شیطان بزرگترین دشمن بنی آدم، و دروغگویی خوار شده و ضعیف است، و در روز قیامت ذره‌ای نه برای خودش مالک است؛ و نه برای پیروانش.
- اعتراف ابلیس به اینکه وعده الله تعالی حق است، و اینکه وعده شیطان فقط دروغی محض است.
- تشبیه کلمه توحید به درختی با میوه‌هایی پاکیزه، شاخه‌هایی بلند، و ریشه‌هایی استوار.

﴿تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾
[ابراهیم: ۲۵].

۵۰ این درخت پاکیزه به فرمان پروردگار خویش میوه پاکش را در هر زمان می‌دهد، و الله مثال‌ها را برای مردم می‌زند امید است که پند بگیرند.

﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾
[ابراهیم: ۲۶].

۶۱ و مثل کلمه ناپاک شرک مانند درختی ناپاک، یعنی درخت حنظل است، که از ریشه‌اش بریده شده، و نه قراری بر روی زمین دارد، و نه ارتفاعی به سوی آسمان؛ پس می‌میرد و بادها آن را به هر سو پراکنده می‌کنند، در نتیجه، سرانجام کلمه کفر نابودی است، و عمل پاکی را برای صاحبش به سوی الله بالا نمی‌برد.

﴿يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ [ابراهیم: ۲۷].

۷۷ الله مؤمنان را با کلمه ثابت توحید بر ایمانی کامل در زندگی دنیا استوار می‌سازد تا اینکه در حال ایمان بمیرند، و در برزخ در قبرهای‌شان هنگام سوال، و روز قیامت آنها را استوار می‌سازد، و الله ستمکاران به سبب شرک و کفر به الله را از صواب و راه راست گمراه می‌سازد، و هر چه بخواهد انجام می‌دهد، چه گمراه کردن کسی که گمراه کردن او را به عدالت خویش بخواهد، و چه هدایت کسی که به فضل خویش هدایتش را بخواهد، زیرا هیچ اجبار کننده‌ای برای او سبحانه نیست.

* ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْجَوَارِ﴾ [ابراهیم: ۲۸].

۷۸ آیا ندیده‌ای حال کسانی از قریش را که به الله و رسولش کفر ورزیدند؛ چون نعمت بخشی الله بر خودشان یعنی امنیت در حرم، و بعثت محمد ﷺ در میان آنها را با کفر به نعمت او تعویض کردند، آن‌گاه که آنچه را از جانب پروردگارش آورده بود تکذیب کردند، و کسانی از اقوام‌شان را که در کفر از آنها پیروی کردند در سرای نابودی فرود آورند.

﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ﴾ [ابراهیم: ۲۹].

۷۹ و سرای نابودی همان جهنم است که در آن وارد می‌شوند، و گرمایش را به سختی تحمل می‌کنند، و چه قرارگاه بدی دارند.

﴿وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ﴾ [ابراهیم: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و مشرکان امثال و ماندهایی برای الله قرار دادند تا کسانی را که از آنها پیروی کرده‌اند از راه الله پس از اینکه خودشان از آن گمراه شدند گمراه سازند. - ای رسول - به آنها بگو: از شهواتی که در آن قرار دارید، و انتشار شبهات در این زندگی دنیا بهره‌مند شوید، زیرا بازگشت شما در روز قیامت به سوی جهنم است، و بازگشتگاه دیگری جز آن ندارید.

﴿قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَاجِلِيَّةً مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ﴾ [ابراهیم: ۳۱].

﴿۳۱﴾ - ای رسول - به مؤمنان بگو: ای مؤمنان، نماز را به کامل‌ترین صورت برپا دارید، و از آنچه که الله به شما روزی داده است نفقات واجب و مستحبی را، پنهانی از ترس ریا، و آشکارا برای اینکه دیگران به شما اقتدا کنند، بپردازید پیش از اینکه روزی بیاید که نه معامله‌ای در آن است و نه فدیهای تا از عذاب الله رهایی حاصل کنید، و نه دوستی‌ای، تا دوستی برای دوستش شفاعت کند.

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ﴾ [ابراهیم: ۳۲].

﴿۳۲﴾ الله ذاتی است که آسمان‌ها و زمین را بدون نمونه قبلی آفرید، و آب باران را از آسمان فرو فرستاد، سپس با آن آب، انواع میوه‌ها را برای روزی شما - ای مردم - بیرون آورد و کشتی‌ها که بر روی آب حرکت می‌کنند را بر اساس تقدیرش رام شما کرد، و رودها را برای شما رام کرد تا از آن بنوشید، و چارپایان و کشتزارهای‌تان را آبیاری کنید.

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ [ابراهیم: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و خورشید و ماه را که به استمرار در جریان هستند برای شما رام کرد، و شب و روز را که از پی یکدیگر می‌آیند رام شما ساخت، شب برای خواب و راحتی‌تان، و روز برای فعالیت و تلاش‌تان.

برخی فواید آیات:

- تشبیه کلمه کفر به درخت پست حنظل، که ارتفاع نمی‌گیرد، و میوه پاکیزه‌ای نمی‌دهد، و دوام نمی‌یابد.
- پیوند زدن میان فرمان به نماز و زکات با ذکر آخرت؛ آگاهی می‌دهد به اینکه نماز و زکات از مواردی است که در روز آخرت موجب نجات هستند.
- برشمردن برخی نعمت‌های بزرگ بر بزرگی کفر برخی فرزندان آدم علیهم‌السلام و انکار نعمت‌های او سبحانه از سوی آنها اشاره دارد.

﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ [ابراهیم: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و از تمام آنچه که طلب کردید، و یا طلب نکردید به شما عطا کرد، و اگر نعمت های الله را برشمارید به دلیل زیادی و گوناگونی شان قادر بر شمارش آنها نیستید، پس آنچه که برای تان بیان کرد مثال هایی از نعمت هایش است، به راستی که انسان بر خودش بسیار ستمکار است، و نعمت های الله را بسیار ناسپاسی می کند.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾ [ابراهیم: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و -ای رسول- به یاد آور آن گاه که ابراهیم پس از اینکه پسرش اسماعیل و مادر او هاجر را در تنگه مکه ساکن کرد گفت: پروردگارا، این سرزمین که خانواده ام را در آن ساکن کردم - یعنی مکه - را سرزمینی ایمن قرار بده، که خونی در آن ریخته نشود، و هیچ کس در آن ستم نکند، و من و فرزندانم را از عبادت بتها دور گردان.

﴿رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [ابراهیم: ۳۶].

﴿۳۶﴾ پروردگارا، بتها بسیاری از مردم را گمراه ساخته اند، چون گمان کردند که برای شان شفاعت می کنند، پس با آنها به فتنه افتادند، و آنها را به جای الله عبادت کردند، پس هر یک از مردم که در توحید و طاعت الله از من پیروی کند او پیرو و تابع من است، و هر کس از من نافرمانی کند و در توحید و طاعت او تعالی از من پیروی نکند، - پروردگارا - به راستی که تو برای هر کس بخواهی گناهانش را ببخشی آمرزنده، و نسبت به آنها بسیار مهربان هستی.

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ [ابراهیم: ۳۷].

﴿۳۷﴾ پروردگارا، من یکی از پسرانم، یعنی اسماعیل عليه السلام و پسرانش را در تنگه ای (یعنی مکه) بدون گیاه و بدون آب در کنار خانه محترم تو ساکن کردم، پروردگارا، آنها را در کنار خانه محترم تو ساکن کردم تا نماز را در آن برپا دارند، پس - پروردگارا -

دل‌های مردم را به‌سوی آنها، و این سرزمین بگردان، و آنها را از میوه‌ها روزی ده. امید است که از تو در قبال نعمت‌هایی که برای‌شان می‌بخشی سپاسگزاری کنند.

﴿رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعَلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ﴾ [ابراهیم: ۳۸].

﴿۳۸﴾ پروردگارا، به‌راستی که تو از تمام آنچه که پنهان می‌کنیم، و از تمام آنچه که آشکار می‌سازیم آگاه هستی، و ذره‌ای نه در زمین و نه در آسمان بر الله پوشیده نمی‌ماند، بلکه آن را می‌داند، پس احتیاج‌ها و نیاز ما به الله بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [ابراهیم: ۳۹].

﴿۳۹﴾ تمام شکر و ستایش از آن‌الله سبحانه است که دعایم را اجابت کرد که از صالحان به من هدیه داد، چون با وجود کهنسالی من، اسماعیل را از هاجر، و اسحاق را از ساره به من عطا فرمود، به‌راستی که پروردگارم سبحانه دعای هرکس که او را بخواند می‌شنود.

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ [ابراهیم: ۴۰].

﴿۴۰﴾ پروردگارا، مرا برپا دارنده‌ی نماز به کامل‌ترین صورت قرار بده، و فرزندانم را نیز از کسانی قرار بده که نماز را برپا می‌دارند، پروردگارا، و دعایم را اجابت کن و آن را نزد خودت مقبول گردان.

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ [ابراهیم: ۴۱].

﴿۴۱﴾ پروردگارا، گناهانم را ببخشای، و گناهان پدرم را ببخشای (ابراهیم علیه السلام) این دعا را قبل از اینکه بداند پدرش دشمن الله است گفت، اما وقتی که برایش مشخص شد پدرش دشمن الله است از او بی‌زاری جست، و گناهان مؤمنان را برای‌شان بیامرزد در روزی که مردم برای حسابرسی‌شان در برابر پروردگار خویش می‌ایستند.

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ [ابراهیم: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و - ای رسول - مپندار که چون الله عذاب ستمکاران را به تأخیر می‌اندازد از تکذیب و بازداشتن از راه الله و سایر کارهایی که ستمکاران انجام می‌دهند غافل

است، بلکه از این کارها آگاه است، و ذره‌ای از آنها بر او پوشیده نمی‌ماند. جز این نیست که عذاب‌شان را تا روز قیامت به تأخیر می‌اندازد، همان روزی که در آن چشم‌ها از ترس مناظر وحشتناک خیره می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- بیان فضیلت مکه که پیامبر الله ابراهیم علیه السلام برایش دعا کرد.
- انسان هر چند جایگاه بالایی در مراتب طاعت و عبودیت داشته باشد سزاوار است که از خطر زیاد و پیچیدگی شرک بر خودش و فرزندانش بترسد.
- دعای ابراهیم علیه السلام بر این امر دلالت دارد که بنده هر چند جایگاه بالایی داشته باشد همیشه به الله تعالی محتاج و نیازمند است.
- از روش‌های تربیت: دعا برای پسران به صلاح و عقیده نیک و توفیق در برپایی شعائر دین است.

﴿مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ﴾ [ابراهیم: ۴۳].

۴۳ آن گاه که مردم شتابان از قبرهای شان به سوی داعی برمی خیزند، و درحالی که سرهای شان را بالا گرفته اند از روی بی قراری به آسمان می نگرند، و چشمهای شان به حالت طبیعی باز نمی گردد، بلکه از وحشت آنچه که مشاهده می کنند خیره می ماند، و دل های شان از وحشت منظره، خالی و بدون عقل و فهم می شود.

﴿وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّحِبُّ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ أَوْلَمَ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلِ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ﴾ [ابراهیم: ۴۴].

۴۴ و -ای رسول - امت خویش را از عذاب الله در روز قیامت بترسان، که در آن هنگام کسانی که به سبب کفر و شرک به الله بر خودشان ستم روا داشته اند می گویند: پروردگارا، به ما مهلت بده، و عذاب ما را به تأخیر بینداز، و ما را برای زمان اندکی به دنیا بازگردان تا به تو ایمان آوریم، و از رسولانی که آنها را به سوی ما فرستادی پیروی کنیم. آن گاه از روی توبیخ این گونه پاسخ می شنوند: آیا در زندگی دنیا با انکار رستخیز پس از مرگ سوگند یاد نمی کردید که از زندگی دنیا به سوی آخرت منتقل نمی شوید؟!

﴿وَسَكَنتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ﴾ [ابراهیم: ۴۵].

۴۵ و در محل سکونت امت های ستمگر پیشین که پیش از شما به سبب کفر به الله بر خودشان ستم روا داشتند، مانند قوم هود و قوم صالح سکونت می کردید، و عذابی را که بر آنها واقع ساخته بودیم برای تان روشن گردید، و در کتاب الله برای تان مثل ها زدیم تا پند بگیرید، اما شما از آنها پند نگرفتید.

﴿وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾ [ابراهیم: ۴۶].

۴۶ و به تحقیق که این فرود آمدگان در مساکن امت های ستمگر، برای قتل پیامبر محمد ﷺ و ریشه کن کردن دعوتش نیرنگ ها اندیشیده اند، و الله از نیرنگ اندیشی آنها آگاه است و ذره ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی ماند، و نیرنگ اینها ضعیف است، زیرا به سبب ضعفش نه کوه ها و نه هیچ چیز دیگر را از بین نمی برد؛ برخلاف تدبیر الله در مورد آنها.

﴿فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ رُسُلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ [ابراهیم: ۴۷].

﴿۴۷﴾ پس -ای رسول- مپندار الله که پیروزی و غلبهٔ دین را به رسولانش وعده داده، در وعده‌ای که به رسولانش داده است خلاف می‌کند، به‌راستی که الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ چیزی او را مغلوب نمی‌کند، و به‌زودی دوستانش را نیرومند می‌سازد، و برای دشمنانش و دشمنان رسولانش انتقام سختی دارد.

﴿يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾ [ابراهیم: ۴۸].

﴿۴۸﴾ این انتقام از کفار در روزی حاصل می‌شود که قیامت برپا می‌گردد، روزی که این زمین به زمینی دیگر و سفید و پاک تبدیل شود، و آسمان‌ها به آسمان‌هایی دیگر تبدیل شوند، و مردم از قبرهای‌شان با بدن‌ها و اعمال‌شان ظاهر شوند تا در برابر الله که در ملک و عظمتش یگانه است، و قهاری چیره است و کسی بر او چیره نمی‌گردد، و غالب می‌شود و کسی بر او غالب نمی‌گردد بایستند.

﴿وَوَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾ [ابراهیم: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و -ای رسول- در روزی که زمین به غیر زمین مبدل شود، و آسمان‌ها تغییر یابند، کافران و مشرکان را می‌بینید که در زنجیرها به یکدیگر بسته شده‌اند، و دست‌ها و پا‌های‌شان با زنجیرها به گردن‌های‌شان بسته شده است،

﴿سَرَابِئِلُھُمْ مِّنْ قَطْرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوھَهُمُ النَّارُ﴾ [ابراهیم: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و لباس‌شان که آن را به تن می‌کنند از قطران (ماده‌ای به شدت اشتعال‌زا) است، و آتش بر چهره‌های رنگ و رو رفته‌شان بالا می‌آید و چیره می‌گردد.

﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [ابراهیم: ۵۱].

﴿۵۱﴾ تا الله هرکس را به خیر یا شری که انجام داده است جزا دهد، به‌راستی که الله، اعمال را سریع حسابرسی می‌کند.

﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو

الْأَلْبَابِ﴾ [ابراهیم: ۵۲].

﴿۵۲﴾ این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ، اعلامی است از جانب الله به‌سوی مردم، و به این هدف تا از تهدید سختی که در آن وجود دارد بترسند، و تا بدانند که معبود

برحق، فقط الله است تا او را عبادت کنند و هیچ کس را با او شریک نگردانند، و تا اینکه صاحبان عقل سلیم با آن پند و عبرت بگیرند؛ زیرا آنها هستند که از پندها و عبرتها بهره می‌برند.

برخی فواید آیات:

- تصویر مناظر روز قیامت و بی‌قراری و ترس و ناتوانی و وحشت مخلوقات، و تبدیل زمین و آسمان‌ها.
- توصیف سختی عذاب و ذلتی که به گناهکاران و کافران در روز قیامت می‌رسد.
- کار بنده در زندگی دنیایی دارای ظرفیت زیادی است، پس باید در طاعت بکوشد، زیرا وقتی که الله تعالی او را در روز قیامت برانگیزاند فرصتی دوباره به او نمی‌دهد.

سوره الحِجْر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

انذار تکذیب کنندگان به عذاب از خلال ارایه مناظر هولناک، برای ترساندن مخاطبان و استوار سازی مؤمنان.

تفسیر:

﴿الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ﴾ [الحجر: ۱].

① ﴿الرَّ﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در آغاز سوره بقره بیان شد. این آیات بلند مرتبه و دلالت کننده بر اینکه از جانب الله نازل شده، آیات قرآنی است که توحید و شرائع را آشکار می‌سازد.

﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ [الحجر: ۲].

② کفار در روز قیامت آن گاه که امر برای‌شان آشکار می‌گردد، و بطلان کفری که در دنیا بر آن بودند برای‌شان مشخص می‌شود آرزو خواهند کرد که کاش مسلمان بودند.

﴿ذَرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهَهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ [الحجر: ۳].

③ - ای رسول - این تکذیب کنندگان را واگذار که همانند چارپایان بخورند، و از خوشی‌های موقت دنیا بهره‌مند شوند، و آرزوهای طولانی آنها را از ایمان و عمل صالح بازدارد، پس به‌زودی از زبانی که در آن هستند آگاه خواهند شد آن گاه که در روز قیامت نزد الله وارد شوند.

﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ﴾ [الحجر: ۴].

④ و نابودی را بر هیچ‌یک از شهرهای ستمگر فرو نفرستادیم مگر اینکه سررسید مشخصی در علم الله برایش بود، که نه بر آن پیشی می‌گیرد و نه از آن به تأخیر می‌افتد.

﴿مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ﴾ [الحجر: ۵].

۵ نابودی هیچ‌یک از امت‌ها قبل از اینکه اجلش بیاید فرا نمی‌رسد، و آن‌گاه که اجل آن فرا رسد نابودی‌اش به تأخیر نمی‌افتد، پس ستمکاران نباید از اینکه الله به آنها مهلت می‌دهد فریب بخورند.

﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ﴾ [الحجر: ۶].

۶ و کافران ساکن مکه به رسول ﷺ گفتند: ای کسی که قرآن بر او نازل شده است - آن‌گونه که ادعا می‌کند - به‌راستی که تو با این دعوت خویش دیوانه‌ای هستی که همانند دیوانگان رفتار می‌کند.

﴿لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَايِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الحجر: ۷].

۷ چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آوری تا برایت گواهی دهند، یا نابودی ما را به‌سبب کفرمان نمی‌خواهی!

﴿مَا نُنَزِّلُ الْمَلَايِكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ﴾ [الحجر: ۸].

۸ الله در رد پیشنهاد آنها مبنی بر آمدن فرشتگان فرمود: فرشتگان را جز بر اساس آنچه که حکمت اقتضا می‌کند آن‌گاه که زمان نابودی‌شان با عذاب فرا می‌رسد نازل نمی‌کنیم، و - اگر فرشتگان در حالی بیایند که هنوز ایمان نیاورده‌اند - به آنها مهلت داده نمی‌شود، بلکه به‌زودی عذاب خواهند شد.

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ [الحجر: ۹].

۹ به‌راستی که ما قرآن را بر قلب محمد ﷺ برای یادآوری مردم فرو فرستادیم، و همانا ما نگهبان قرآن از افزودن و کاستن و تبدیل و تحریف هستیم.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ﴾ [الحجر: ۱۰].

۱۰ و - ای رسول - پیش از تو رسولانی در گروه‌های پیشین کافر فرستاده‌ایم و آنها را تکذیب کردند، پس تو نوبر پیغمبران و نخستین فرد ایشان نیستی که امت تو را تکذیب می‌کنند.

﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الحجر: ۱۱].

۱۱ و برای گروه‌های پیشین کافر رسولی نیامد مگر اینکه او را تکذیب کردند و به ریشخند گرفتند.

﴿كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الحجر: ۱۲].

﴿۱۲﴾ همان گونه که تکذیب را در دل آن امت‌ها وارد کرده‌ایم آن را در دل مشرکان مکه به سبب رویگردانی و سرسختی‌شان وارد می‌افکنیم.

﴿لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الحجر: ۱۳].

﴿۱۳﴾ بر این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ ایمان نمی‌آورند، و سنت الله در نابودی تکذیب کنندگان آنچه رسولان‌شان آورده‌اند سپری شده است، پس کسانی که تو را تکذیب می‌کنند باید عبرت بگیرند.

﴿وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ﴾ [الحجر: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و این تکذیب کنندگان سرسختی می‌کنند حتی اگر حق با دلایل روشن بر آنها آشکار گردد، پس اگر دری از آسمان به رویشان می‌گشودیم که پیوسته بالا می‌رفتند.

﴿لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ﴾ [الحجر: ۱۵].

﴿۱۵﴾ باز هم تصدیق نمی‌کردند، و به‌طور قطع می‌گفتند: جز این نیست که چشم بندی شده‌ایم، بلکه آنچه می‌بینیم تحت تأثیر سحر است، زیرا ما سحر شده‌ایم.

برخی فواید آیات:

- قرآن کریم از هر نظر، کامل و واضح و روشن است.
- کافران از روی عادت به امور مادی اهتمام می‌ورزند، چنان‌که مشاهده می‌شود در شهوات و هوس‌ها فرو می‌روند، به آرزوهای پوچ فریب می‌خورند، و به جای آخرت به دنیا مشغول هستند.
- نابودی امت‌ها تاریخی معین، و سررسیدی مشخص دارد، که تأخیر و تقدیمی در آن نیست، و الله به خاطر عجله هیچ‌کس تعجیل نمی‌کند.
- الله تعالی محافظت قرآن کریم از تغییر و تبدیل، و افزودن و کاستن، را تا روز قیامت بر عهده گرفته است.

﴿وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَرَازِبَاتٍ لِّلنَّازِرِينَ﴾ [الحجر: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و در آسمان ستارگانی بزرگ قرار دادیم که مردم در سفرهای شان در تاریکی های خشکی و دریا با آنها راه می یابند، و آنها را برای کسی که در آنها بنگرد و بیندیشد آراستیم، تا با آن بر قدرت الله سبحانه استدلال کنند.

﴿وَحَفِظْنَاَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ﴾ [الحجر: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و آسمان را از هر شیطانی که از رحمت الله رانده شده است محافظت کردیم.

﴿إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ﴾ [الحجر: ۱۸].

﴿۱۸﴾ مگر کسی که پنهانی به ملاً اعلی گوش دهد که جسمی درخشنده به او می رسد، و او را می سوزاند.

﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ﴾ [الحجر: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و زمین را گستراندیم تا مردم بر روی آن استقرار یابند، و کوه های استوار در آن قرار دادیم تا مردم را نجنباند، و در آن از انواع گیاهان به اقتضای حکمت، اندازه گیری شده و مشخص رویاندیم.

﴿وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ﴾ [الحجر: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و -ای مردم- در زمین برای شما خوردنی ها و نوشیدنی هایی که وسایل زندگی شماست تا زمانی که در زندگی دنیا هستید قرار دادیم، و برای سایر مردم و حیوانات که شما روزی آنها را نمی دهید وسایل زندگی شان را قرار دادیم.

﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ [الحجر: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و هیچ چیز نیست که مردم و حیوانات از آن بهره می برند مگر اینکه ما بر ایجادش و فایده رساندن به مردم با آن توانا هستیم، و هیچ چیز را جز به اندازه های مشخص که حکمت و اراده ما ایجاب می کند پدید نمی آوریم.

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَافِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ﴾ [الحجر: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و بادهای را فرستادیم که ابرها را بارور می سازند، سپس از ابرهای باردار شده با بادهای بارانی فرو فرستادیم، سپس شما را از آب باران سیراب کردیم، و -ای مردم-

شما خزانه داران این آب در زمین نیستید تا به چشمه‌ها و چاه‌ها تبدیل شوند، و فقط الله، ذاتی است که آن را در زمین ذخیره می‌سازد.

﴿وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ﴾ [الحجر: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و به تحقیق که ما مردگان را با آفریدنشان از عدم و نیز برانگیختنشان پس از مرگ زنده می‌گردانیم، و زندگان را آن‌گاه که اجل‌هایشان فرا رسد می‌میرانیم، و جاودانگان ما هستیم که زمین و تمام ساکنانش را به میراث می‌بریم.

﴿وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ﴾ [الحجر: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و به‌راستی که ولادت و مرگ پیشینیان و آیندگان شما را دانسته‌ایم، و ذره‌ای از این امر بر ما پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ [الحجر: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و -ای رسول- به‌راستی که پروردگار تو همگی آنها را در روز قیامت گرد می‌آورد، تا نیکوکار را به نیکوکاری‌اش، و بدکار را به بدکاری‌اش جزا دهد، به تحقیق که او در تدبیرش بسیار داناست، و ذات آگاهی است که هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ﴾ [الحجر: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و به تحقیق که آدم را از گلی خشک که اگر در آن دمیده شود صدا می‌دهد آفریدیم، و این گلی که آدم از آن آفریده شد به‌سبب ماندن زیادش سیاه و بدبو بود.

﴿وَالْجَبَّانُ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ﴾ [الحجر: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و پیش از آفرینش آدم، پدر جن را از آتشی بسیار سوزان آفریدیم.

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ﴾ [الحجر: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و -ای رسول- به یاد آور آن‌گاه که پروردگارت به فرشتگان و ابلیس - که با آنها بود - فرمود: همانا من انسانی از گلی سیاه و بدبو و خشک که اگر دمیده شود صدا می‌دهد خواهم آفرید.

﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ [الحجر: ۲۹].

﴿۲۹﴾ پس وقتی صورتش را درست کردم، و او را کامل آفریدم برای اطاعت از فرمان من و احترام به او بر او سجده کنید.

﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ [الحجر: ۳۰].

﴿۳۰﴾ پس فرشتگان اطاعت کردند، و همگی همان گونه که پروردگارشان به آنها فرمان داده بود به سجده افتادند.

﴿إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ [الحجر: ۳۱].

﴿۳۱﴾ اما ابلیس - که با فرشتگان بود، اما از جنس آنها نبود - خودداری کرد از اینکه همراه فرشتگان بر آدم سجده کند.

برخی فواید آیات:

- سزاوار است که بنده در آسمان و زیبایی آن تأمل و نظر کند و از این طریق بر وجود و قدرت آفریدگارش راهنمایی شود.
- هیچ کس مالک تمام ارزاق و اصناف مقدر شده نیست مگر الله، زیرا خزینه‌های آن به دست اوست که به سبب حکم و رحمت خویش به هر کس بخواهد می بخشد، و از هر کس بخواهد باز می دارد.
- زمین، نرم و هموار و گسترده آفریده شده است که با امکان زندگی بشری بر روی آن متناسب است، و با کوه‌های استوار ثابت است؛ تا ساکنانش را نلرزاند، و در آن گیاهان مختلف به مقدار مشخصی بر اساس حکمت و مصلحت وجود دارد.
- در فرمان به فرشتگان برای سجده بر آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ، بشریت مورد تکریم قرار گرفته است.

﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ﴾ [الحجر: ۳۲].

۳۲) الله پس از اینکه ابلیس از سجده بر آدم خودداری کرد به او فرمود: چه چیزی تو را واداشت و منع کرد از اینکه برای اطاعت از فرمان من همراه فرشتگان که سجده کردند سجده کنی؟

﴿قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ﴾ [الحجر: ۳۳].

۳۳) ابلیس متکبرانه گفت: سزاوار من نیست که بر انسانی که او را از گلی خشک که سیاه و تغییر یافته بود سجده کنم.

﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ [الحجر: ۳۴].

۳۴) الله به ابلیس فرمود: از بهشت بیرون شو که تو رانده شده هستی.

﴿وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الحجر: ۳۵].

۳۵) و به تحقیق لعنت و دوری از رحمت من تا روز قیامت بر توست.

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ [الحجر: ۳۶].

۳۶) ابلیس گفت: پروردگارا، به من مهلت بده و مرا تا روزی که مردم را برمی‌انگیزی نمیران.

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ﴾ [الحجر: ۳۷].

۳۷) الله به او فرمود: به‌راستی که تو از مهلت داده شدگانی هستی که اجل‌شان به تاخیر افتاده است.

﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ [الحجر: ۳۸].

۳۸) تا زمانی که تمام مخلوقات هنگام دمیدن اول می‌میرند.

﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الحجر: ۳۹].

۳۹) ابلیس گفت: پروردگارا، به‌سبب اینکه مرا گمراه ساختی به‌طور قطع گناهان را در زمین برای‌شان خواهم آراست، و تمام آنها را از راه راست گمراه خواهم کرد.

﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ﴾ [الحجر: ۴۰].

۴۰) مگر آن بندگانت را که برای عبادت خویش برگزیده‌ای.

﴿قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ﴾ [الحجر: ۴۱].

۴۱) الله فرمود: این راه راستِ رساننده به من است.

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ﴾ [الحجر: ۴۲].

۴۲) همانا بر بندگان مخلص من قدرتی نداری و بر اغوای آنها مسلط نیستی مگر کسانی از گمراهان که از تو پیروی کنند.

﴿وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الحجر: ۴۳].

۴۳) و به تحقیق که جهنم وعده‌گاه ابلیس و گمراهانی است که از او پیروی کنند.

﴿لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ﴾ [الحجر: ۴۴].

۴۴) جهنم هفت در دارد که از آنها وارد می‌شوند، و برای هر یک از درها تعداد مشخصی از پیروان ابلیس است که از آن وارد می‌شوند.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الحجر: ۴۵].

۴۵) همانا کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او را پیشه کرده‌اند در بهشت‌ها و چشمه‌ها هستند.

﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِينَ﴾ [الحجر: ۴۶].

۴۶) هنگام ورود به آنها گفته می‌شود: با سلامتی از آفات، و ایمنی از تهدیدها در آن وارد شوید.

﴿وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾ [الحجر: ۴۷].

۴۷) و کینه و دشمنی موجود در سینه‌های‌شان را از بین می‌بریم، برادرانه و دوستدار یکدیگر بر تخت‌هایی می‌نشینند و به یکدیگر می‌نگرند.

﴿لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ﴾ [الحجر: ۴۸].

۴۸) نه رنجی در آنجا به آنها می‌رسد، و نه از آنجا خارج می‌گردند، بلکه جاودانه در آنجا می‌مانند.

﴿* تَبٰىءُ عِبَادِي اَنتِىْ اَنَا الْعَفُوْرُ الرَّحِيْمُ﴾ [الحجر: ۴۹].

۴۹) - ای رسول - بندگانم را آگاه کن که من توبه‌کاران آنها را می‌آمرزم، و نسبت به آنها بسیار مهربان هستم.

﴿وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ﴾ [الحجر: ۵۰].

و آنها را آگاه کن از اینکه عذاب من همان عذاب رنج‌آور است، پس باید توبه کنند تا به آموزش من دست یابند، و از عذابم ایمن بمانند.

﴿وَنَبِّئُهُمْ عَنِ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ﴾ [الحجر: ۵۱].

و آنها را از مهمانان ابراهیم علیه السلام آگاه کن همان فرشتگانی که با مژده دادن به فرزند، و نابودی قوم لوط نزدش آمدند.

برخی فواید آیات:

- در آیات فوق، دلیلی است بر دیدار و اجتماع و حسن ادب پرهیزگاران در میان خودشان، درحالی که هر یک از آنها در برابر دیگری است نه پشت به او.
- سزاوار است که قلب بنده همیشه میان ترس و امید، و آرزو و نگرانی باشد.
- همگی فرشتگان برای احترام و تکریم در برابر آدم علیه السلام به سجده افتادند مگر ابلیس که سجده نکرد و سر باز زد.
- ابلیس بر کسانی که الله آنها را هدایت کرده و برگزیده و برتری داده هیچ تسلطی ندارد بر اینکه آنها را در گناهی بیفکند که سبب محرومیت از بخشش الله است.

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ﴾ [الحجر: ۵۲].

آن‌گاه که بر او وارد شدند، و به او گفتند: سلام، و او به نیکوتر از درودشان به آنها پاسخ داد، و گوساله‌ای بریان برای‌شان پیش آورد تا از آن بخورند، زیرا گمان کرده بود که انسان هستند، اما وقتی از آن نخوردند، گفت: همانا ما از شما می‌ترسیم.

﴿قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ﴾ [الحجر: ۵۳].

فرشتگان فرستاده شده گفتند: نترس، به‌راستی که ما تو را به چیزی که شاد می‌گرداند خبر می‌دهیم، اینکه پسری بسیار دانا برایت خواهد بود.

﴿قَالَ أَبَشِّرْهُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ نُبَشِّرُونَ﴾ [الحجر: ۵۴].

ابراهیم علیه السلام - با تعجب از اینکه فرزندی به او مژده دادند - به آنها گفت: آیا با وجود پیری و سالخوردگی‌ام، فرزندی به من مژده می‌دهید، به چه دلیلی این مژده را به من می‌دهید؟

﴿قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ﴾ [الحجر: ۵۵].

فرشتگان فرستاده شده به ابراهیم گفتند: تو را به حقیقتی که تردیدی در آن نیست مژده می‌دهیم، پس از آنچه که به تو بشارت می‌دهیم نومید نباش.

﴿قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾ [الحجر: ۵۶].

ابراهیم علیه السلام گفت: و آیا مگر جز گمراهان از راه راست، کسی از رحمت پروردگارش ناامید است؟!

﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ﴾ [الحجر: ۵۷].

ابراهیم علیه السلام گفت: ای فرستادگان الله چه مأموریتی دارید؟

﴿قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ﴾ [الحجر: ۵۸].

فرشتگان فرستاده شده گفتند: به‌راستی که الله ما را برای نابودی قومی که فساد و شر بزرگی دارند، یعنی قوم لوط فرستاده است.

﴿إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمَنَجُّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الحجر: ۵۹].

مگر خانواده لوط و مؤمنان پیرو او که نابودی، آنها را در بر نمی‌گیرد، زیرا ما همگی‌شان را از نابودی نجات می‌دهیم.

﴿إِلَّا أَمْرَاتُهُ قَدَرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ﴾ [الحجر: ۶۰].

﴿۶۰﴾ مگر همسرش، زیرا حکم کرده‌ایم که او از بازماندگانی است که نابودی آنها را فرامی‌گیرد.

﴿فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ﴾ [الحجر: ۶۱].

﴿۶۱﴾ پس وقتی فرشتگان فرستاده شده در صورت مردانی نزد خاندان لوط وارد شدند.

﴿قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾ [الحجر: ۶۲].

﴿۶۲﴾ لوط علیه السلام به آنها گفت: مردمی ناشناس هستید.

﴿قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾ [الحجر: ۶۳].

﴿۶۳﴾ فرشتگان فرستاده شده به لوط علیه السلام گفتند: -ای لوط - نترس، عذاب نابود کننده قومت را که در آن شک دارند برایت آورده‌ایم.

﴿وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾ [الحجر: ۶۴].

﴿۶۴﴾ و حقیقتی را که هیچ شوخی‌ای در آن نیست برایت آورده‌ایم، و به راستی که ما در آنچه به تو خبر دادیم راستگو هستیم.

﴿فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أذْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُأ حَيْثُ تُؤْمَرُونَ﴾ [الحجر: ۶۵].

﴿۶۵﴾ پس بعد از گذشت پاره‌ای از شب خانواده‌ات را حرکت بده، و خودت به دنبال آنها برو، و هیچ‌یک از شما نباید به عقب خویش بنگرد تا ببینید چه چیزی به آنها رسیده است، و به هر جا که الله شما را برای رفتن به آنجا فرمان داده است بروید.

﴿وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَوْلَاءَ مَقْطُوعٌ مُّصْبِحِينَ﴾ [الحجر: ۶۶].

﴿۶۶﴾ و لوط علیه السلام را از طریق وحی از امری که مقدر کردیم آگاه ساختیم، و آن اینکه این قوم صبحگاهان با نابودی همه آنها، ریشه‌کن خواهند شد.

﴿وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [الحجر: ۶۷].

﴿۶۷﴾ و اهل سدوم به قصد انجام فاحشه با مهمانان لوط خوشحال و شادمان آمدند.

﴿قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءَ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُون﴾ [الحجر: ۶۸].

﴿۶۸﴾ لوط به آنها گفت: همانا این افراد، مهمانانم هستند، پس مرا با کاری که در مورد آنها می‌خواهید رسوا نسازید.

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُون﴾ [الحجر: ۶۹].

و با ترک این فاحشه از الله بترسید، و با کار زشت خویش مرا خوار نسازید.

﴿قَالُوا أَوْلَمْ نُنْهَكْ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [الحجر: ۷۰].

قوم لوط علیه السلام به او گفتند: آیا تو را از مهمان کردن هر یک از مردم نهی نکردیم؟

برخی فواید آیات:

- آموزش ادب مهمان با تهنیت و سلام هنگام ورود بر دیگران.
- هرکس که الله هدایت و علم زیاد بر او بخشیده باشد ممکن نیست از رحمت الله نومید شود.
- الله تعالی لوط علیه السلام و پیروانش را از اینکه هنگام نزول عذاب بر قوم لوط علیه السلام، به عقب بنگرند نهی کرد تا مبادا به آنها دل بسوزانند.
- تصمیم قوم لوط علیه السلام بر ارتکاب فاحشه با مهمانان، بر سرنگونی فطرت و بدکرداری زیاد آنها دلالت دارد.

﴿قَالَ هُوَ لَاءَ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ﴾ [الحجر: ۷۱].

﴿۷۱﴾ لوط عليه السلام برای معذور دانستن خودش در برابر مهمانان خویش به آنها گفت: اینها دختران من از جمله زنان تان هستند، پس با آنها ازدواج کنید اگر قصد برآورده ساختن نیازتان را دارید.

﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ [الحجر: ۷۲].

﴿۷۲﴾ و -ای رسول- به جان تو سوگند که قوم لوط در طغیان شهوتشان سرگردان بودند.

﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ﴾ [الحجر: ۷۳].

﴿۷۳﴾ پس بانگی شدید و مرگبار هنگام طلوع خورشید آنها را فراگرفت.

﴿فَجَعَلْنَا غَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ﴾ [الحجر: ۷۴].

﴿۷۴﴾ آن گاه شهرهایشان را زیر و رو کردیم، و سنگ‌هایی از گل سخت بر آنها بارانیدیم.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلمُتَوَسِّمِينَ﴾ [الحجر: ۷۵].

﴿۷۵﴾ به تحقیق که در نابودی قوم لوط، نشانه‌هایی برای تأمل کنندگان است.

﴿وَإِنَّهَا لَيْسَ لِيَلٍ مَُّقِيمٍ﴾ [الحجر: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و به راستی که شهرهای قوم لوط بر سر راه ثابتی قرار دارد، که هر یک از مسافران که از آن راه بگذرد شهرهایشان را می‌بیند.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّلمُؤْمِنِينَ﴾ [الحجر: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و به راستی که در این رخداد دلالتی است برای مؤمنان که از آن پند بگیرند.

﴿وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الأَيْكَةِ لظَالِمِينَ﴾ [الحجر: ۷۸].

﴿۷۸﴾ و همانا قوم شعیب ساکنان شهر درختان انبوه، به سبب کفر به الله و تکذیب رسولش شعیب عليه السلام ستمکار بودند.

﴿فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لِيَآمَامٍ مَّبِينٍ﴾ [الحجر: ۷۹].

﴿۷۹﴾ پس از آنها انتقام گرفتیم آن گاه که عذاب، آنها را دربرگرفت، و به تحقیق که شهرهای قوم لوط عليه السلام و وطن‌های اصحاب شعیب عليه السلام بر سر راه آشکاری است برای کسی که از آن بگذرد.

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسِلِينَ﴾ [الحجر: ۸۰].

﴿۸۰﴾ و به تحقیق که ثمود، ساکنان حجر (مکانی میان حجاز و شام) تمام رسولان را تکذیب کردند آن گاه که پیامبرشان صالح را تکذیب کردند.

﴿وَأَتَيْنَاهُمُ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ﴾ [الحجر: ۸۱].

﴿۸۱﴾ و حجت‌ها و دلایل راستگویی صالح عليه السلام را در آنچه که از جانب پروردگارش آورده بود به آنها دادیم، از جمله ماده شتر، اما از این دلایل پند نگرفتند، و به آنها اهمیتی ندادند.

﴿وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ﴾ [الحجر: ۸۲].

﴿۸۲﴾ و برای ساختن خانه‌هایی برای خود کوه‌ها را می‌تراشیدند تا با امنیت از آنچه می‌ترسیدند در آنها سکونت کنند.

﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ﴾ [الحجر: ۸۳].

﴿۸۳﴾ پس صبحگاهان صاعقه عذاب، آنها را فرا گرفت.

﴿فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [الحجر: ۸۴].

﴿۸۴﴾ آن گاه اموال و مسکن‌هایی را که کسب می‌کردند عذاب الله را از آنها دفع نکرد.

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلِ﴾ [الحجر: ۸۵].

﴿۸۵﴾ و آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است به باطل و بدون حکمت نیافریده ایم، تمام اینها را جز به حق نیافریده‌ایم، و به‌راستی که قیامت بدون تردید آمدنی است، پس - ای رسول - از کسانی که تو را تکذیب می‌کنند روی بگردان، و به نیکویی از آنها درگذر.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ [الحجر: ۸۶].

﴿۸۶﴾ - ای رسول - به‌راستی که پروردگار تو آفریننده همه چیز است، و به هر چیزی داناست.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾ [الحجر: ۸۷].

﴿۸۷﴾ و به راستی که سوره الفاتحه که هفت آیه، و همان قرآن عظیم است را به تو عطا کردیم.

﴿لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الحجر: ۸۸].

﴿۸۸﴾ و به انواع کالاهاى نابود شدنى که کفار را از آنها بهره‌مند کردیم چشم مدوز، و به خاطر تکذیب آنها اندوه مدار، و با مؤمنان فروتنى کن.

﴿وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ﴾ [الحجر: ۸۹].

﴿۸۹﴾ و -ای رسول- به آنها بگو: همانا من انذار دهنده‌ای آشکار از عذاب هستم.

﴿كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ﴾ [الحجر: ۹۰].

﴿۹۰﴾ شما را انذار می‌دهم از اینکه مانند عذابی که الله بر کسانی فرستاد که کتاب‌های او تعالی را بخش‌بخش کردند آن‌گاه به بخشی ایمان آوردند و به بخشی دیگر کفر ورزیدند شما را فراگیرد.

برخی فواید آیات:

- الله تعالی هرگاه بخواهد آبادی‌ای را نابود کند شر و طغیان‌شان را زیاد می‌کند، پس وقتی به انتها رسیدند کیف‌هایی را که سزاوارش هستند بر آنها واقع می‌سازد.
- کراهت ورود به مواضع عذاب، مانند ورود به قبرستان‌های کافران، پس اگر انسان بر این مواضع و قبرستان‌ها وارد شد باید به سرعت از آنجا عبور کند.
- مؤمن به سبب آگاهی از معارف الهی، به زرق و برق دنیا چشم نمی‌دوزد.
- مؤمن باید از مشرکان دور باشد، و اگر ایمان نیاوردند اندوهگین نشود، و به مؤمنان نزدیک و در برابر آنها فروتن و دوستدارشان باشد حتی اگر فقیر باشند.

﴿الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ﴾ [الحجر: ۹۱].

۹۱) همان کسانی که قرآن را بخش‌بخش کردند، و گفتند: سحر، یا کهانت، یا شعر است.

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَسَأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الحجر: ۹۲].

۹۲) - ای رسول - به پروردگارت سوگند که روز قیامت از تمام کسانی که قرآن را بخش‌بخش کردند خواهیم پرسید.

﴿عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الحجر: ۹۳].

۹۳) در مورد کفر و گناهی که در دنیا انجام می‌دادند از آنها خواهیم پرسید.

﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الحجر: ۹۴].

۹۴) پس - ای رسول - دعوت به سوی الله را که او تعالی به تو فرمان داده است اعلام کن، و به گفتار و کردار مشرکان توجه نکن.

﴿إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ﴾ [الحجر: ۹۵].

۹۵) و از آنها نترس، زیرا نیرنگ مسخره‌کنندگان از پیشوایان کفر قریش را از تو برطرف خواهیم کرد.

﴿الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْمَلُونَ﴾ [الحجر: ۹۶].

۹۶) کسانی که همراه الله معبودی غیر او می‌گیرند، پس به‌زودی از سرانجام بد شرکشان آگاه خواهند شد.

﴿وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ [الحجر: ۹۷].

۹۷) و - ای رسول - به‌راستی که ما می‌دانیم از اینکه تو را تکذیب می‌کنند و به ریشخند می‌گیرند سینهات تنگ می‌گردد.

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ﴾ [الحجر: ۹۸].

۹۸) پس با منزله دانستن الله از آنچه که سزاوارش نیست، و ستایش او با صفات کمالش، به او تعالی پناه ببر، و از عبادت‌گزاران و نمازگزاران الله باش، زیرا تنگی سینهات را درمان می‌کند.

﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ [الحجر: ۹۹].

۹۹) و بر عبادت پروردگارت پایداری کن، و تا زمانی که زنده هستی بر آن ادامه بده تا در حالی مرگ تو را فراگیرد که بر این کار هستی.

سوره النحل

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

یادآوری نعمت‌های راهنمایی کننده به ذات نعمت دهنده، تا الزامی باشد بر عبادت و بندگی او تعالی و هشداری باشد بر ناسپاسی نعمت‌های او سبحانه.

تفسیر:

﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النحل: ۱].

① - ای کافران - عذابتان که الله به آن حکم داده است نزدیک شده، پس قبل از اینکه فرا رسد خواستار تعجیل در آن نباشید، الله از شریکانی که مشرکان برایش قرار می‌دهند منزّه و برتر است.

﴿يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُون﴾ [النحل: ۲].

② الله فرشتگان را با وحی حکم خویش بر هر یک از رسولانش که بخواهد نازل می‌کند، که - ای رسولان - مردم را از شرک به الله بترسانید، زیرا معبود برحقى جز من نیست، پس - ای مردم - با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌ام از من بترسید.

﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النحل: ۳].

③ الله آسمان‌ها و زمین را بدون نمونه قبلی به حق پدید آورد، و این دو را به باطل نیافریده است، بلکه آسمان‌ها و زمین را پدید آورده تا با آن دو بر عظمت او تعالی راهنمایی گرفته شود، الله از اینکه دیگران را با او شریک می‌گردانند منزّه است.

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِين﴾ [النحل: ۴].

④ انسان را از نطفه‌ای پست آفرید، سپس آن را با آفرینشی پس از آفرینش دیگر رشد داد، آن گاه او به شدت به وسیله باطل جدال می‌کند تا حق را با آن سرنگون سازد، و آشکارا با آن جدال می‌کند.

﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ [النحل: ۵].

⑤ و - ای مردم - چارپایان شتر و گاو و گوسفند را برای مصالح شما از جمله گرم

شدن با پشم‌ها و کرک‌هایشان، و مصالحی دیگر در شیرها و پوست‌ها و پشت‌شان آفرید، و از آنها می‌خورید.

﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾ [النحل: ۶].

و در آنها برای تان زینتی است آن‌گاه که شامگاهان آنها را از چرا برمی‌گردانید، و آن‌گاه که صبحگاهان آنها را برای چرا می‌برید.

برخی فواید آیات:

- حمایت و پشتیبانی از پیامبر ﷺ توسط الله با محافظت از آزارهای مشرکان.
- تسبیح و تحمید و نماز، درمانِ غم و اندوه‌هاست، و راهی است برای خروج از بحران‌ها و تنگناها و مصیبت‌ها.
- از مسلمان خواسته شده است که بر نماز به صورت یک عبادتِ قَرَضِ مراقبت کند تا اینکه مرگش فرا رسد، مگر آن‌گاه که بی‌هوشی بر او غلبه کند یا عقلش را از دست بدهد.
- الله وحی را روح نامید؛ زیرا نفس‌ها با آن زنده می‌گردند.
- الله به رحمتی از جانب خویش بر ما، چارپایان و حیوانات را در اختیارمان قرار داده و آنها را برایمان رام کرده، و به ما اجازه داده است که آنها را به تسخیر خویش درآوریم و از آنها بهره ببریم.

﴿وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا يَشِقُّ الْأَنْفُسَ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَوُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [النحل: ۷].

۷ و بر پشت این چارپایان که آنها را برای شما آفریدیم کالاهای سنگین‌تان را در سفر به‌سوی سرزمینی که جز با مشقتی سنگین به آن نمی‌رسیدید بارگیری می‌کنید، - ای مردم - به‌راستی که پروردگارتان نسبت به شما بسیار مهربان و بخشنده است که این چارپایان را در تسخیر شما قرار داده است.

﴿وَالْحَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۸].

۸ و الله شتران و استران و خران را برای‌تان آفرید تا بر آنها سوار شوید، و کالاهای‌تان را بر پشت آنها بارگیری کنید، و تا اینکه زینتی برای شما باشد که خودتان را با آنها در میان مردم زینت می‌دهید، و آنچه را که نمی‌دانید و آفرینش آن را اراده کرده است می‌آفریند.

﴿وَعَلَىٰ اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [النحل: ۹].

۹ و بیان راه راست رساننده به رضایت الله یعنی اسلام بر عهده الله است، و یکی از راه‌ها راه شیطان است که از حق منحرف است، و هر راهی غیر از راه اسلام منحرف است، و اگر الله می‌خواست که همگی شما را به ایمان توفیق دهد، به‌طور قطع این کار را انجام می‌داد.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ﴾ [النحل: ۱۰].

۱۰ او سبحانه ذاتی است که از ابر برای‌تان آبی فرو فرستاد، که شما و چارپایان‌تان از آن می‌نوشید، و درختی که چارپایان‌تان را در آن می‌چرانید از این آب می‌روید.

﴿يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالتَّخَيْلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۱۱].

۱۱ الله با آن آب کشتزارهایی که از آن می‌خورید، و زیتون و نخل و درختان انگور، و تمام میوه‌ها را برای‌تان می‌رویاند، به‌راستی که در آن آب و آنچه از آن به وجود می‌آید راهنمایی است بر قدرت الله برای مردمی که در آفرینش او تعالی می‌اندیشند، سپس بر عظمت او سبحانه راهنمایی می‌شوند.

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالشُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [النحل: ۱۲].

۱۲ و الله شب را برای تان رام کرد که در آن آرام می‌گیرید و استراحت می‌کنید، و روز را رام شما کرد که وسایل زندگی تان را در آن کسب می‌کنید، خورشید را در تسخیرتان درآورد، و آن را روشنایی‌ای قرار داد، و ماه را در تسخیر شما درآورد و آن را نوری قرار داد، و ستارگان به فرمان قدری او رام شما هستند، که در تاریکی‌های خشکی و دریا راه را به وسیله آنها می‌یابید، و اوقات و غیر آن را می‌دانید، به راستی که در تسخیر تمام این موارد دلالت‌های آشکاری بر قدرت الله است برای مردمی که عقل‌های‌شان را به کار می‌اندازند، زیرا آنها هستند که حکمت این کار را درک می‌کنند.

﴿وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَدَّبُّرُونَ﴾ [النحل: ۱۳].

۱۳ و نیز او سبحانه معادن و حیوانات و گیاهان و کشتزارها را که به رنگ‌های مختلف در زمین آفرید در تسخیر شما قرار داد، به راستی که در این آفرینش و تسخیر، دلالت روشنی است بر قدرت الله سبحانه برای مردمی که از آن پند می‌گیرند، و درک می‌کنند که الله توانا و نعمت بخشنده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [النحل: ۱۴].

۱۴ و او سبحانه ذاتی است که دریا را رام شما کرد، پس شما را بر سوار شدن بر آن و استخراج آنچه در آن است قدرت بخشید؛ تا از ماهی آن که شکار می‌کنید گوشتی نرم و تازه بخورید، و از آن زینتی مانند مروارید که آن را می‌پوشید و زنان تان آن را می‌پوشند استخراج کنید، و کشتی‌ها را می‌بینی که موج دریا را می‌شکنند، و در جستجوی بخشش الله که از سود تجارت به دست می‌آید بر این کشتی‌ها سوار می‌شوید، و به این امید که شکر الله را در قبال نعمت‌هایی که بر شما بخشیده است به جای آورید، و تنها او را عبادت کنید.

برخی فواید آیات:

- یکی از مظاهر بزرگی الله این است که آنچه را تمام انسان‌ها نمی‌دانند هر وقت که اراده کند می‌آفریند.
- الله ستارگان را زینتی برای آسمان، راه‌یابی در تاریکی‌های خشکی و دریا، و شناخت اوقات و محاسبهٔ زمان‌ها آفرید.
- ستایش و شکر بر الله به خاطر نعمت‌هایی که به ما بخشیده که زندگی‌مان را بهبود می‌بخشد و برای دستیابی به بهترین زندگی ما را یاری می‌کند.
- الله سبحانه با تسخیر دریا برای خوردن گوشت‌ها (ماهی‌ها)، و استخراج مروارید و مرجان، و برای سوار شدن، و تجارت، و دفاع از سرزمین در برابر آزار اشغالگر و تجاوز استعمارگر بر ما نعمت بخشیده است.

﴿وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [النحل: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و برای استوار سازی زمین کوههایی در آن قرار داد تا شما را تکان ندهد و نجنباند، و رودهایی در آن جاری ساخت تا از آنها بنوشید، و چارپایان و کشتزارهای تان را آبیاری کنید، و راههایی در آن باز کرد تا برای رسیدن به مقاصدتان بدون اینکه گم شوید آنها را ببینید.

﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ [النحل: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و در زمین نشانه‌های آشکاری برای تان قرار داد که برای حرکت در روز از آنها راه می‌یابید، و ستارگان را در آسمان برای تان قرار داد تا شب هنگام راه را با آنها بیابید.

﴿أَقَمْنِ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۱۷].

﴿۱۷﴾ آیا کسی که این موارد و سایر اشیا را می‌آفریند مانند کسی است که هیچ چیز نمی‌آفریند؟! آیا از عظمت الله که هر چیزی را می‌آفریند پند نمی‌گیرید، تا تنها او را عبادت کنید، و چیزی را که هیچ چیز نمی‌آفریند با او شریک نگردانید؟

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَعَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النحل: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و -ای مردم- اگر تلاش کنید که نعمت‌های زیاد الله را که بر شما ارزانی داشته است برشمارید به دلیل کثرت و تنوع آنها قادر بر انجام این کار نخواهید بود. در حقیقت الله بسیار بخشنده است که در قبال غفلت از سپاسگزاری نعمت هایش شما را مؤاخذه نکرده است، و بسیار مهربان است که به سبب گناهان و کوتاهی در سپاسگزاری اش نعمت‌های خویش را از شما نبریده است.

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ﴾ [النحل: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و -ای بندگان- الله آنچه از اعمال تان را که پنهان می‌کنید، و آنچه از اعمال تان را که آشکار می‌گردانید می‌داند، و ذره‌ای از اعمال تان بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ [النحل: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و کسانی که مشرکان به جای الله آنها را عبادت می‌کنند، هیچ چیز هر چند اندک باشد را نمی‌آفرینند، و خود کسانی که آنها را به جای الله عبادت کرده‌اند آنها را می‌سازند، پس چگونه به جای الله بت‌هایی که به دست خویش ساخته‌اند عبادت می‌کنند؟!

﴿أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ [النحل: ۲۱].

❶ و افزون بر اینکه خود عبادتگزاران‌شان به دست خویش آنها را ساخته‌اند، جماداتی بدون روح و بدون علم هستند، چنان‌که نمی‌دانند چه زمانی همراه عبادتگزاران‌شان در روز قیامت برانگیخته می‌شوند؛ تا همراه آنها در آتش جهنم افکنده شوند.

﴿إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾ [النحل: ۲۲].

❷ معبود حقیقی شما همان معبود یگانه‌ای است که هیچ شریکی ندارد و همان الله است، و کسانی‌که به رستاخیز برای جزا ایمان ندارند یگانگی الله را به خاطر ترس از آن انکار می‌کنند، پس دل‌های‌شان نه به حساب ایمان دارند و نه به کیفر، و خودشان سرکشانی هستند که حق را نمی‌پذیرند، و در برابر آن فروتنی نمی‌کنند.

﴿لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾ [النحل: ۲۳].

❸ به تحقیق الله از اعمالی که اینها پنهان و اعمالی که آشکار می‌کنند آگاه است، و ذره‌ای بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی در قبال اعمال‌شان به آنها جزا خواهد داد، به‌راستی که او سبحانه تکبر کنندگان از عبادت و فروتنی برای الله را دوست ندارد، بلکه شدیدترین خشم را بر آنها می‌گیرد.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَآذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [النحل: ۲۴].

❹ و هرگاه به اینها که وحدانیت آفریدگار را انکار، و رستاخیز را تکذیب می‌کنند گفته شود: الله چه چیزی بر محمد ﷺ نازل کرده است؟ می‌گویند: هیچ‌چیز بر او نازل نکرده است، و او فقط از جانب خودش قصه‌ها و دروغ‌های نخستینیان را آورده است.

﴿لِيُحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ﴾ [النحل: ۲۵].

❺ به این هدف که سرانجام گناهان‌شان را بدون کاستی به دوش بکشند، و نیز گناهان کسانی را که از روی نادانی و تقلید از اسلام گمراه کرده‌اند به دوش کشند، پس چه زشت است گناهان خودشان و گناهان پیروان‌شان که به دوش می‌کشند.

﴿قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [النحل: ۲۶].

﴿۳۶﴾ پیش از اینها نیز کافران بر رسولان شان نیرنگ‌ها زده‌اند، اما الله ساختمان‌های شان را از اساس ویران کرد، آن‌گاه سقف‌های آنها از فرازشان بر سر آنها فرو ریخت، و عذاب از جایی که انتظار نداشتند آنها را فراگرفت؛ زیرا انتظار می‌بردند که ساختمان‌های شان از آنها محافظت می‌کند، اما با همان‌ها نابود شدند.

برخی فواید آیات:

- در آیات فوق موارد بزرگی از انواع نعمت‌های الله بر بندگان به صورت مجمل و مفصل آمده است، که الله با آنها بندگان را بر انجام شکر و ذکر و خواندن او تعالی دعوت می‌کند.
- طبیعت انسان، ستم و جسارت بر انجام گناهان و کوتاهی در حقوق پروردگارش، و ناسپاسی نعمت‌های الله است که نه شکر آنها را به جای می‌آورد، و نه به آن اعتراف می‌کند مگر کسی که الله او را هدایت کرده باشد.
- یکسان بودن گمراه کننده و گمراه شده در جرم گمراهی؛ زیرا اگر اولی دومی را گمراه نکرده بود به طور قطع با تفکر و سوال از خیرخواهان هدایت می‌یافت.
- الله مجرمان را ناگهانی به سخت‌ترین کیفر می‌گیرد؛ زیرا وحشت زیادی به همراه دارد، برخلاف چیزی که به صورت تدریجی وارد می‌شود.

﴿ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُجْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [النحل: ۲۷].

﴿۲۷﴾ سپس در روز قیامت الله آنها را با عذاب تحقیر و خوار می گرداند، و به آنها می گوید: شریکان من که آنها را شریک من در عبادت قرار می دادید، و به سبب آنها با پیامبرانم و مؤمنان دشمنی می کردید کجایند؟ علمای ربانی می گویند: به راستی که خواری و عذاب روز قیامت بر کافران واقع می شود.

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۲۸].

﴿۲۸﴾ همان کسانی که فرشته مرگ و فرشتگان دستیارش در حالی ارواحشان را قبض می کنند که با کفر به الله به خودشان ستم می کنند، پس وقتی که مرگ بر آنها نازل می شود از در تسلیم گردن می نهند، و کفر و گناهی را که بر آن بودند انکار می کنند؛ به این گمان که انکار به آنها نفع می رساند. آن گاه به آنها گفته می شود: دروغ گفتید، به راستی کافرانی بودید که گناهان را مرتکب می شدید، همانا الله از آنچه در دنیا انجام می دادید آگاه است، و ذره ای از اعمالتان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْئَسَ مَنُومَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ [النحل: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و به آنها گفته می شود: بر اساس اعمالتان از درهای جهنم وارد شوید و برای همیشه در آن بمانید، پس متکبران از ایمان به الله و عبادت او به یگانگی و وحدانیت، چه جایگاه بدی دارند.

﴿* وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ﴾ [النحل: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و به کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای پروردگارش را پیشه کرده اند گفته می شود: پروردگارتان چه چیزی بر پیامبران محمد ﷺ نازل کرده است؟ پاسخ می دهند: الله خیر بزرگی بر او نازل کرده است، برای کسانی که در این زندگی دنیا به نیکی الله را عبادت کرده اند و با مخلوقاتش به نیکی رفتار کرده اند ثوابی نیکوست، از جمله پیروزی و روزی گسترده، و پاداشی که الله در

آخرت برای‌شان آماده کرده بهتر است از آنچه که در دنیا برای‌شان به تعجیل انداخته است، و سرای آخرت چه سرای نیکویی است برای کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او تعالی را پیشه کرده‌اند.

﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ﴾ [النحل: ۳۱].

﴿۳۱﴾ بهشت‌های جاویدان و آرامی که از زیر کاخ‌ها و درختان‌شان رودها جاری است که در آنها وارد می‌شوند، و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و سایر چیزهایی که می‌خواهند در این بهشت‌ها برای‌شان مهیا است، مانند این پاداش که پرهیزگاران امت محمد ﷺ به آن پاداش داده می‌شوند، پرهیزگاران امت‌های پیشین نیز جزا داده می‌شوند.

﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۳۲].

﴿۳۲﴾ همان کسانی که فرشته مرگ و فرشتگان دستیارش در حالی ارواح‌شان را قبض می‌کنند که دل‌هایشان از کفر پاک است، و فرشتگان با این سخن آنها را مورد خطاب قرار می‌دهند: سلام علیکم، از هر آفتی نجات یافتید، به سبب اعتقاد صحیح و عمل صالح که در دنیا انجام می‌دادید وارد بهشت شوید.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [النحل: ۳۳].

﴿۳۳﴾ آیا این مشرکان تکذیب کننده منتظر چیزی جز این هستند که فرشته مرگ و فرشتگان دستیار او برای قبض ارواح‌شان و زدن بر صورت و پشت‌شان نزدشان بیایند، یا امر الله به ریشه‌کن کردن آنها با عذاب در دنیا بیاید؟ مانند این کاری که مشرکان مکه انجام می‌دهند مشرکان پیش از آنها هم مرتکب می‌شدند که الله آنها را نابود کرد، و با این کار بر آنها ستم نکرد، بلکه آنها خودشان به سبب کفر به الله با قرار دادن خویش در معرض نابودی بر خودشان ستم روا داشتند.

﴿فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [النحل: ۳۴].

﴿۳۱﴾ آن‌گاه کیف‌های اعمالی که انجام می‌دادند بر آنها نازل شد، و عذابی که وقتی به آن پند داده می‌شدند آن را مسخره می‌کردند آنها را احاطه کرد.

برخی فواید آیات:

- فضیلت علما، و اینکه آنها در دنیا و نیز در روزی که گواهان به‌پا می‌خیزند حق را می‌گویند، و سخن‌شان نزد الله و نزد مخلوقاتش معتبر است.
- از ادب فرشتگان در برابر الله این است که علم را به الله نسبت دادند به جای اینکه بگویند: آنچه را که شما می‌دانید ما نیز می‌دانیم، و اعلام نمودند که علم را جز به آموزش از جانب الله تعالی نیاموخته‌اند.
- یکی از مظاهر کرم و بخشش الله این است که آنچه را بهشتیان آرزو کنند به آنها می‌دهد، حتی او تعالی نعمت‌هایی را به یادشان می‌آورد که هرگز به ذهن شان خطور نکرده است.
- سبب و اساس ورود به بهشت و نجات از جهنم عمل است، و این امر به رحمت و نعمت بخشی الله بر مؤمنان به دست می‌آید نه به نیرو و قدرت خودشان.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا
حَرَمَنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ
الْمُبِينُ﴾ [النحل: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و کسانی که دیگران را همراه الله در عبادت‌شان شریک قرار دادند گفتند: اگر الله می‌خواست که تنها او را عبادت کنیم، و به او شرک نوزیم به‌طور قطع نه ما و نه پیش از این پدران مان هیچ‌کس را غیر او عبادت نمی‌کردیم، و اگر می‌خواست که چیزی را حرام نگردانیم آن را حرام نمی‌کردیم. کافران پیشین نیز چنین استدلال باطلی آوردند، پس رسولان وظیفه‌ای جز تبلیغ آشکار آنچه که به ابلاغ آن فرمان یافته‌اند، و ابلاغ کرده‌اند، ندارند، و کافران هیچ دلیلی بر استدلال به تقدیر پس از اینکه الله برای‌شان اراده و اختیار قرار داد، و رسولان را به‌سوی‌شان فرستاد ندارند.

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ
الْمُكَذِّبِينَ﴾ [النحل: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و به تحقیق که در هر یک از امت‌های پیشین رسولی فرستادیم که به امتش فرمان دهد که فقط الله را عبادت کنند، و عبادت غیر او از بت‌ها و شیاطین و غیر آنها را رها کنند. آن‌گاه از آنها کسی بود که الله او را هدایت کرد پس به او تعالی ایمان آورد، و از آنچه رسولش آورده بود پیروی کرد، و از آنها کسی بود که به الله کفر ورزید و از رسولش نافرمانی کرد پس الله او را هدایت نکرد، و گمراهی بر او واجب شد، پس در زمین بگردید تا با چشمان‌تان ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان پس از عذاب و نابودی‌ای که به آنها رسید چگونه بوده است.

﴿إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ [النحل: ۳۷].

﴿۳۷﴾ - ای رسول - اگر تمام توانت را برای دعوت اینها به خرج دهی، و بر هدایت‌شان حرص ورزی، و اسباب هدایت را به‌کار گیری؛ الله کسی را که گمراه ساخته است به هدایت توفیق نمی‌دهد، و غیر از الله هیچ‌کس را ندارند که با دفع عذاب به آنها یاری رساند.

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَن يَمُوتُ بَلَىٰ وَعَدًّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۳۸].

۳۸ و این تکذیب کنندگان رستاخیز با اغراق در سوگندهای شان و انکار رستاخیز سوگند استوار به الله یاد کردند که: الله کسی را که می‌میرد دوباره زنده نمی‌کند؛ بدون اینکه دلیلی بر این سوگند داشته باشند، آری، الله هرکس را که می‌میرد دوباره زنده می‌کند، این وعده بر او حق است، اما بیشتر مردم نمی‌دانند که الله مردگان را دوباره زنده می‌کند، پس رستاخیز را انکار می‌کنند.

﴿لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ﴾ [النحل: ۳۹].

۳۹ الله در روز قیامت همگی آنها را دوباره زنده می‌کند تا حقیقت توحید و رستاخیز و نبوت را که در آن اختلاف می‌کردند برای شان آشکار گرداند، و تا کفار بدانند در ادعای شان که شریکانی همراه الله قرار دادند و رستاخیز را انکار کردند دروغگو بودند.

﴿إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَن نَّقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [النحل: ۴۰].

۴۰ به‌راستی هرگاه زنده گردانیدن و برانگیختن مردگان را اراده کنیم هیچ بازدارنده‌ای نیست که ما را از این کار بازگرداند. به چیزی که آن را اراده کنیم فقط به او می‌گوییم: (کن) باش، آن‌گاه بدون تردید موجود می‌شود.

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جُزْءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۱].

۴۱ و کسانی که پس از آن که کفار آنها را شکنجه کردند و بر آنها تنگ گرفتند خانه ها و خانواده‌ها و اموال شان را برای هجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام به قصد رضایت الله رها کردند به‌طور قطع آنها را در دنیا به خانه‌ای فرود می‌آوریم که در آن گرامی هستند، و به تحقیق که پاداش آخرت بزرگتر است زیرا بهشت یکی از پاداش‌های آخرت است، اگر بازماندگان از هجرت از پاداش مهاجران آگاه بودند هرگز از هجرت باز نمی‌ماندند.

﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [النحل: ۴۲].

۴۲ این مهاجران در راه الله همان کسانی هستند که در برابر آزار و اذیت‌های اقوام شان و جدایی از خانواده و سرزمین شان شکیبایی کردند، و بر طاعت الله شکیبایی

ورزیدند، و آنها در تمام امورشان فقط بر الله توکل می‌کنند، و الله این پاداش بزرگ را به آنها بخشیده است.

برخی فواید آیات:

- عاقل کسی است که از آنچه به گمراهان تکذیب کننده رسیده است پند و عبرت می‌گیرد که چگونه کارشان به ویرانی و نابودی و عذاب و هلاکت منجر شد.
- حکمت رستاخیز و معاد، اظهار حق از جانب الله است در مورد رستاخیز و هر چیزی که مردم در آن اختلاف دارند.
- فضیلت صبر و توکل: صبر به این دلیل که سبب مغلوب شدن نفس می‌شود، و توکل به این دلیل که سبب بی‌رغبتی به مخلوقات و روی آوردن به حق است.
- پاداش مهاجران که خانه‌ها و اموال‌شان را رها کردند و در برابر آزارها شکیبایی به خرج دادند و بر پروردگارشان توکل کردند، همان سرزمین برتر و منزل نیکو، و زندگی گوارا، و روزی پاکیزه و فراوان، و پیروزی بر دشمنان، و سروری بر سرزمین‌ها و بندگان است.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۴۳].

۱۳ و -ای رسول- پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی از جنس بشر که به آنها وحی می‌کردیم، پس رسولانی از فرشتگان نفرستاده‌ایم، و این سنت همیشگی ماست، و اگر این امر را انکار می‌کنید از پیروان کتاب‌های پیشین بپرسید به شما خبر می‌دهند که رسولان انسان بودند، و فرشته نبوده‌اند، اگر نمی‌دانید که آنها بشر بوده‌اند.

﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴].

۱۴ این رسولان از جنس بشر را با دلایل آشکار، و با کتاب‌های نازل شده فرستادیم، و -ای رسول- قرآن را بر تو نازل کردیم تا هر آنچه را که نیاز به توضیح دارد به مردم توضیح دهی، و امید است که آنها افکارشان را به کار اندازند، آن‌گاه از آنچه که قرآن در بردارد پند بگیرند.

﴿أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [النحل: ۴۵].

۱۵ آیا کسانی که برای بازداشتن از راه الله نیرنگ‌ها اندیشیده‌اند ایمن شده‌اند از اینکه الله آنها را در زمین فرو برد همان‌گونه که قارون را در زمین فرو برد، یا عذاب از جایی که انتظار آمدنش را ندارند آنها را فرا گیرد.

﴿أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ [النحل: ۴۶].

۱۶ یا عذاب در حالی به آنها برسد که در سفرهای‌شان در گردش هستند و برای کسب درآمدهای‌شان تلاش می‌کنند، پس نه عذاب‌شان از دست می‌رود و نه می‌توانند جلوی عذاب را بگیرند.

﴿أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرْؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [النحل: ۴۷].

۱۷ آیا ایمن شده‌اند از اینکه عذاب الله درحالی که از آن می‌ترسند آنها را فراگیرد، زیرا الله در هر حالی بر عذاب کردن آنها تواناست، همانا پروردگارتان بسیار رؤوف و مهربان است و کیفر را به تعجیل نمی‌اندازد تا شاید بندگان‌ش به‌سوی او توبه کنند.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّأُ ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ﴾ [النحل: ۴۸].

۱۸ آیا این تکذیب کنندگان از روی تأمل به مخلوقاتش ننگریسته‌اند، که سایه‌های شان به پیروی از حرکت و سیر خورشید در روز و ماه در شب به راست و چپ متمایل می‌شوند، و با تواضع در برابر پروردگارشان فروتن هستند و در برابر او به صورت واقعی سجده می‌کنند.

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [النحل: ۴۹].

۱۹ و تمام جنبندگانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، و نیز فرشتگان فقط بر الله سجده می‌کنند، و آنها از عبادت و طاعت الله تکبر نمی‌ورزند.

﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [النحل: ۵۰].

۲۰ و - آنها - با وجود اینکه در عبادت و طاعت همیشگی هستند - از پروردگارشان که به ذات و غلبه و قدرت خویش بالای آنها است می‌ترسند، و طاعتی را که پروردگارشان به آنها فرمان می‌دهد انجام می‌دهند.

﴿* وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِيَّايَ فَارْهَبُونَ﴾ [النحل: ۵۱].

۲۱ و الله سبحانه به تمام بندگانش فرمود: دو معبود نگیرید، همانا او مبعود برحق یگانه‌ای است که دومی و شریکی ندارد، پس از من بترسید و از غیر من نترسید.

﴿وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ﴾ [النحل: ۵۲].

۲۲ و مخلوقات و فرمانروایی و تدبیری که در آسمان‌ها و زمین است فقط از آن اوست، و طاعت و خضوع و اخلاص ثابت فقط برای اوست، پس آیا از غیر الله می‌ترسید؟! خیر، بلکه فقط از او بترسید.

﴿وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ﴾ [النحل: ۵۳].

۲۳ و - ای مردم - هر نعمت دینی یا دنیایی که دارید از جانب الله سبحانه است نه از جانب دیگران، سپس چون آسیب یا بیماری یا فقری به شما رسد فقط به سوی او با دعا تضرع می‌کنید؛ تا آنچه به شما رسیده است را از شما بزداید، پس کسی که

نعمت‌ها را بر شما می‌بخشد، و مصیبت‌ها را از شما برطرف می‌سازد، همان ذاتی است که باید به یگانگی و وحدانیت عبادت شود.

﴿ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضَّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ﴾ [النحل: ۵۴].

☞ سپس وقتی دعای تان را اجابت کند و آسیبی را که به شما رسیده است از شما برطرف سازد گروهی از شما به پروردگارش شرک می‌ورزند، چون غیر او تعالی را همراهش عبادت می‌کنند، پس این چه ذلتی است!؟

برخی فواید آیات:

- مجرم باید از پروردگارش حیا کند که نعمت‌های الله در هر لحظه بر او نازل می‌شود اما گناهانش در هر وقت به‌سوی پروردگارش بالا می‌رود.
- برای کافران و تکذیب‌کنندگان و سایر گناهکاران سزاوار است که از الله تعالی بترسند از اینکه آنها را ناگهانی و درحالی که نمی‌دانند بگیرد.
- تمام نعمت‌ها از جانب الله تعالی است، چه مادی مانند سلامتی و بهبودی، چه معنوی مانند امنیت و مقام و منصب و غیر آن.
- انسان هیچ پناهگاهی برای برطرف کردن آسیب از خویش در زمان سختی‌ها جز الله تعالی نمی‌یابد، آن‌گاه با دعای به‌سوی او تعالی ناله و زاری می‌کند؛ زیرا می‌داند که کسی جز او تعالی نمی‌تواند اندوه را برطرف سازد.

﴿لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۵۵].

﴿۵۵﴾ شرکشان به الله آنها را واداشت تا نعمت‌های الله بر خویش، از جمله برطرف کردن آسیب را ناسپاسی کنند، و به همین منظور به آنها گفته شد: از نعمت‌هایی که در آن قرار دارید بهره‌مند شوید تا عذاب دنیا و آخرتِ الله شما را فراگیرد.

﴿وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتَسَأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ﴾ [النحل: ۵۶].

﴿۵۶﴾ و مشرکان بخشی از اموال‌شان را که به آنها روزی دادیم برای بت‌های‌شان که هیچ چیز نمی‌دانند - چون جماداتی هستند که نه نفع می‌رسانند نه آسیب - قرار می‌دهند، و با این کار به آنها نزدیکی می‌جویند، و به الله سوگند که - ای مشرکان - در روز قیامت در مورد آنچه ادعا می‌کردید از اینکه این بت‌ها معبودانی هستند، و سهمی از اموال‌تان برای‌شان است از شما سوال خواهد شد.

﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ﴾ [النحل: ۵۷].

﴿۵۷﴾ و مشرکان دختران را به الله نسبت می‌دهند، و اعتقاد دارند که آنها فرشتگان هستند، پس فرزند خواندگی را به او تعالی نسبت می‌دهند، و آنچه را که برای خودشان نمی‌پسندند برای او تعالی می‌پسندند، او سبحانه از آنچه که برایش قرار می‌دهند منزّه و پاک است، و پسران را که می‌خواهند برای خودشان قرار می‌دهند، پس این چه جرم بزرگی است؟!

﴿وَإِذَا بُئِرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ [النحل: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و هرگاه تولد دختر به یکی از این مشرکان خبر داده شود از شدت ناخوشایندی از آنچه که خبردار شده صورتش سیاه می‌گردد، و قلبش از غم و اندوه پُر می‌شود، سپس آنچه را که برای خودش نمی‌پسندد به الله نسبت می‌دهد.

﴿يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُئِيَتْ بِهِ أَيَّمَسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ [النحل: ۵۹].

﴿۵۹﴾ از بدی تولد دختر که به او خبر داده شده است از قومش مخفی و پنهان می‌شود، و این‌گونه با خودش سخن می‌گوید که: آیا این دختر را با خواری و ذلت نگه دارد یا او را زنده به گور کند، و در زیر خاک پنهان گرداند؟ چه زشت است آنچه که

این مشرکان به آن حکم می‌کنند، چون آنچه را برای خود نمی‌پسندند برای پروردگارشان حکم کردند.

﴿لِّلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾
[النحل: ۶۰].

﴿۶۰﴾ صفت بد نیاز به فرزند و جهل و کفر برای کافران است که به آخرت ایمان نمی‌آورند، و صفات نیکوی والای جلال و کمال و ثروت و علم از آن‌الله است، و او سبحانه در فرمانروایی خویش ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌گردد، و در آفرینش و تدبیر و تشریحش بسیار داناست.

﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ﴾ [النحل: ۶۱].

﴿۶۱﴾ و اگر الله مردم را به سبب ستم و کفرشان به او تعالی مجازات کند هیچ انسان و حیوانی که بر روی زمین می‌جنبند بر روی زمین نخواهد ماند، اما او سبحانه عذابشان را تا مدت مشخصی در علمش به تأخیر می‌اندازد، پس وقتی آن مدت مشخص در علم او تعالی فرا رسد کيفرشان حتی زمانی اندک از آن لحظه پیش و پس نمی‌افتد.

﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْفُرُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ﴾ [النحل: ۶۲].

﴿۶۲﴾ و دختران را که انتساب آنها به خودشان را نمی‌پسندند برای الله سبحانه قرار می‌دهند. مشرکان بر زبان‌شان این سخن دروغ را می‌گویند که مقام نیکویی نزد الله دارند. اگر راست باشد که باید به‌زودی چنان‌که می‌گویند برانگیخته شوند، اما در حقیقت جهنم برای‌شان است، و در آن رها می‌شوند، و هرگز از آن خارج نمی‌گردند.

﴿تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النحل: ۶۳].

﴿۶۳﴾ - ای رسول - به الله سوگند که به‌سوی امت‌های پیش از تو رسولانی را فرستادیم پس شیطان اعمال زشت‌شان از شرک و کفر و گناهان را برای‌شان

آراست، پس همو در روز قیامت یاور واهی‌شان است پس باید از او یاری بجویند، و در روز قیامت غذایی رنج‌آور دارند.

﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [النحل: ۶۴].

ﷺ و -ای رسول- قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر اینکه برای تمام مردم توحید و رستاخیز و احکام شرع را که در آن اختلاف دارند توضیح دهی، و قرآن برای مؤمنان به الله و رسولش و به آنچه قرآن آورده است هدایت و رحمتی است، زیرا آنها هستند که از حق منتفع می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- برخی نادانی‌های مشرکان از این قرار است: نسبت دادن دختران به الله تعالی، نسبت دادن پسران به خودشان، و عار داشتن از دختران، تغییر رنگ صورت‌های‌شان بر اثر غم و اندوه به خاطر دختر، و پنهان شدن و غایب شدن هر یک از آنها از رویارویی با قوم از شدت اندوه و خواری و ننگ و حیایی که به سبب دختر به او رسیده است.
- یکی از سنت‌های الله این است که به کافران مهلت می‌دهد و کیفر آنها را به تعجیل نمی‌اندازد تا فرصت ایمان و توبه را از آنها بگیرد.
- بزرگترین وظیفه پیامبر ﷺ، توضیح چیزی است که در قرآن آمده است، و بیان دین و احکامی که دین‌داران و شهوت‌رانان در آن اختلاف دارند، تا با توضیح این موارد حجت بر آنها تمام شود.

﴿وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ [النحل: ۶۵].

۶۵ و الله بارانی از سوی آسمان فرود آورد، پس با آن زمین را با رویانیدن گیاهان پس از اینکه خشک و لم‌بزرع بود زنده گردانید، به‌راستی که در فرو فرستادن باران از سوی آسمان، و رویانیدن گیاهان با آن راهنمایی آشکار است بر قدرت الله برای مردمی که کلام الله را می‌شنوند و در آن می‌اندیشند.

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّتُسْفِيَكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ﴾ [النحل: ۶۶].

۶۶ و -ای مردم- به‌راستی که در شتر و گاو و گوسفند برای‌تان اندرزی است که از آن پند بگیرید، چون با شیری که از پستان‌شان خارج می‌شود شما را می‌نوشانیم، و با وجود اینکه از میان فضولات شکم و خون بدن آنها خارج می‌شود شیری خالص و ناب و لذید است که برای نوشندگان گواراست.

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [النحل: ۶۷].

۶۷ و در میوه‌های نخل و انگور که به شما روزی می‌دهیم پندی است، پس از آن مست‌کننده‌ای می‌گیرید که عقل را از بین می‌برد، و این کاری غیر نیکوست، و از آن روزی‌ای نیکو مانند خرما و کشمش و سرکه و شیره که از آنها نفع می‌برید می‌گیرید، همانا در این مورد راهنمایی است بر قدرت و نعمت بخشی الله بر بندگانش برای مردمی که می‌اندیشند، زیرا آنها هستند که پند می‌گیرند.

﴿وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾ [النحل: ۶۸].

۶۸ و -ای رسول- پروردگارت به زنبور عسل الهام و او را راهنمایی کرد به اینکه: از کوه‌ها، و در درخت، و در آنچه که مردم می‌سازند و مسقف می‌کنند خانه‌هایی برای خودت برگزین.

﴿ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۶۹].

﴿۶۹﴾ سپس از تمام میوه‌هایی که می‌خواهی بخور، و راه‌هایی را که پروردگارت بر تو الهام کرده است فروتانه بیما، از شکم این زنبور، عسلی با رنگ‌های گوناگون، سفید و زرد و سایر رنگ‌ها، خارج می‌شود، و در آن برای مردم درمانی است، که بیماری‌ها را با آن درمان می‌کنند، به‌راستی که در این الهام به زنبور عسل و در عسلی که از شکمش خارج می‌شود دلالتی است بر قدرت و تدبیر الله در امور مخلوقاتش برای مردمی که می‌اندیشند، چون آنها هستند که پند می‌گیرند.

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمْرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ [النحل: ۷۰].

﴿۷۰﴾ و الله شما را بدون نمونه قبلی آفرید، سپس هنگام سپری شدن اجل‌های‌تان شما را می‌میراند، و از شما کسی است که عمرش تا بدترین مراحل عمر یعنی فرتوتی ادامه می‌یابد، چنان‌که هیچ‌چیز از آنچه که قبلا می‌دانست نمی‌داند، به راستی که الله ذات بسیار دانایی است که ذره‌ای از اعمال بندگانش بر او پوشیده نمی‌ماند، و ذات توانایی است که هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾ [النحل: ۷۱].

﴿۷۱﴾ و الله در روزی‌ای که به شما بخشیده برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است، چنان‌که برخی از شما را ثروتمند و برخی دیگر از شما را فقیر، و برخی را سرور و برخی را رعیت قرار داده است، اما کسانی که الله آنها را در روزی برتری داده است آنچه را که الله بر آنها عطا کرده است به بردگان‌شان نمی‌پردازند تا شریکانی مساوی با آنها در ملکیت باشند، پس چگونه برای الله قرار دادن شریکانی از بندگانش می‌پسندند، اما برای خودشان نمی‌پسندند که شریکانی از بردگان‌شان که با آنها یکسان باشند داشته باشند؟ پس این چه ستمی است، و چه ناسپاسی‌ای برای نعمت‌های الله از این بزرگتر است؟!

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ أَفَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ﴾ [النحل: ۷۲].

﴿۷۲﴾ و -ای مردم- الله از جنس خودتان همسرانی برای‌تان قرار داده است که با آنها آرام می‌گیرید، و از همسران‌تان فرزندان و نوه‌هایی برای‌تان قرار داده است، و از

خوردنی‌های پاکیزه - مانند گوشت و حبوبات و میوه‌ها- به شما روزی داده است، پس آیا به بت‌ها و تندیس‌های باطل ایمان می‌آورید، و نعمت‌های زیاد الله را که نمی‌توانید آنها را برشمارید کفران می‌کنید و شکر الله را به جای نمی‌آورید به این صورت که فقط به الله ایمان آورید؟!

برخی فواید آیات:

- الله تعالی از میوه‌های درختان خرما و انگور منافی برای بندگان، و مصالحی از انواع روزی نیکو که بندگان آنها را به صورت تازه و رسیده و حاضر و ذخیره شده و خوراکی و نوشیدنی می‌خورند قرار داده است.
- در آفرینش زنبور عسل کوچک و عسل لذیذی که از شکمش با رنگ‌های مختلف به سبب اختلاف زمین و چراگاهش بیرون می‌آورد، دلیلی است بر توجه و لطف کامل الله تعالی به بندگان، و اینکه سزاوار نیست غیر الله مورد دوست داشتن قرار گیرد و خوانده شود.
- از نعمت‌های بزرگ الله بر بندگان این است که برای‌شان همسرانی قرار داده است تا با آنها آرام گیرند، و از همسران‌شان فرزندان برای آنها قرار داده است که مایهٔ خنکی چشم‌شان است، و به آنها خدمت می‌کنند و نیازهای‌شان را برآورده می‌سازند، و از وجوه زیادی از آنها بهره‌مند می‌شوند.

﴿وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ [النحل: ۱۷۳].

۱۷۳ و این مشرکان به جای الله بت‌هایی را عبادت می‌کنند، که هیچ روزی‌ای نه در آسمان‌ها و نه در زمین مالک نیستند که به آنها روزی دهند، و نسزد که مالک آن باشند؛ زیرا جماداتی بدون روح و بدون علم هستند.

﴿فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۱۷۴].

۱۷۴ پس -ای مردم- برای الله همانندهایی از این بت‌ها که نه نفع می‌رسانند و نه ضرر قرار ندهید؛ زیرا الله هیچ مانندی ندارد تا او را همراه الله در عبادت شریک گردانید. به راستی که الله از صفات جلال و کمالی که دارد آگاه است، و شما این را نمی‌دانید، پس در شرک به او، و ادعای همانند کردن او با بت‌های‌شان قرار می‌گیرید.

﴿* ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَن رَّرَفْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۱۷۵].

۱۷۵ الله سبحانه برای پاسخ مشرکان مثالی زده است: برده‌ای مملوک و ناتوان از تصرف، که چیزی ندارد تا انفاق کند، و نیز شخص آزادی که از جانب خویش مالی حلال به او عطا کرده‌ایم، که هرگونه بخواهد در آن تصرف می‌کند، چنان که در نهان و آشکارا آنچه که می‌خواهد از آن مال بذل می‌کند. پس چگونه الله را که هر طوری که بخواهد مالک متصرف در ملکش است را با بت‌های ناتوان‌تان یکسان قرار می‌دهید؟! ستایش از آن الله است که سزاوار ستایش است، بلکه اکثر مشرکان از یگانگی الله در الوهیت و استحقاق اینکه به وحدانیت عبادت شود آگاه نیستند.

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [النحل: ۱۷۶].

۱۷۶ و الله سبحانه برای رد آنها مثال دیگری آورده است که مثال دو مرد است: یکی از آن دو لالی است که نه می‌شنود و نه سخن می‌گوید و نه می‌فهمد؛ چون کر و لال است، و برای نفع رساندن به خودش و دیگران ناتوان است، و بر کسی که او را سرپرستی کند، و کارش را به عهده بگیرد بار سنگینی است، او را به هر جهتی می

فرستد خیری به همراه نمی‌آورد، و به مطلوب دست نمی‌یابد. آیا یکسان است کسی که چنین حالی دارد با کسی که شنوا و گویاست، و نفعش به دیگران می‌رسد، زیرا مردم را به عدالت امر می‌کند، و انسان درستکاری است، و بر راه آشکاری که هیچ ابهام و انحرافی در آن نیست قرار دارد؟! پس -ای مشرکان- چگونه الله را که دارای صفات جلال و کمال است با بت‌های تان که نه می‌شنوند و نه سخن می‌گویند، و نه نفعی جلب می‌کنند و نه آسیبی بر طرف می‌سازند یکسان می‌دانید؟!

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أُمِرَ السَّاعَةَ إِلَّا كَلِمَةٍ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [النحل: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و علم آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین نهان است فقط از آن الله است، زیرا فقط او، بدون هیچ شریکی از مخلوقاتش، شایسته علم به آن است. برپایی قیامت که از امور غیبی مختص به او تعالی است در سرعت آمدنش هنگامی که آن را اراده کند چیزی جز همانند باز و بسته کردن پلک چشمی نیست، بلکه سریعتر از آن است. به‌راستی که الله بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد، و هرگاه امری را اراده کند به آن می‌گوید: ﴿كُنْ﴾، به‌ناگاه موجود می‌شود.

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [النحل: ۷۸].

﴿۷۸﴾ و -ای مردم- الله شما را از شکم‌های مادران تان پس از گذشت زمان حمل، به صورت کودکانی که چیزی را درک نمی‌کنید درآورد، و برای تان گوش قرار داد تا با آن بشنوید، و برای تان چشم قرار داد تا با آن بینید، و دل قرار داد تا با آن بیندیشید؛ امید است که شکر او تعالی را به خاطر این نعمت‌ها که به شما بخشیده است به جای آورید.

﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [النحل: ۷۹].

﴿۷۹﴾ آیا مشرکان به پرندگان رام و آماده برای پرواز در فضا ننگریسته‌اند که الله بال‌هایی که فضا را می‌شکافد به آنها بخشیده است، و باز و بسته کردن بال‌هایشان را به آنها الهام کرده است، و هیچ کس جز الله توانا آنها را از سقوط در فضا نگه نمی‌

دارد، به‌راستی که در رام ساختن و نگهداری از سقوط، نشانه‌هایی است برای مردمی که به الله ایمان دارند؛ زیرا آنها همان کسانی هستند که از دلالت و پندها نفع می‌برند.

برخی فواید آیات:

- حکمت برتر در تقسیم روزی میان بندگان از آنِ الله است، چون ثروتمند و فقیر و متوسط را در میان آنها قرار داده است؛ تا هستی تکامل یابد، و مردم با یکدیگر معاشرت و برخی از آنها به برخی دیگر خدمت کنند.
- دو مثال مذکور در آیات فوق، بر گمراهی مشرکان و بطلان عبادت بت‌ها دلالت دارد؛ زیرا اله معبود باید بر تصرف در اشیا، و بر رساندن نفع به کسانی که او را عبادت می‌کنند، و بر امر به خیر و عدالت مالک و توانا باشد.
- یکی از نعمت‌ها و مظاهر قدرت الله تعالی، آفرینش مردم از شکم‌های مادران شان است که هیچ دانشی به هیچ‌چیز ندارند، سپس وسایل شناخت و علم، یعنی گوش و چشم و دل را بر آنها می‌افزاید، که با آنها یاد می‌گیرند و درک می‌کنند.

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ﴾ [النحل: ۸۰].

۸۰ و الله سبحانه خانه‌هایی که از سنگ و غیر آن می‌سازید برای آرامش و راحتی برای تان پدید آورده است، و از پوست شتر و گاو و گوسفند خیمه‌ها و چادرهایی در بیابان مانند خانه‌های شهر برای تان قرار داده است، که حمل آن در کوچ به مکانی دیگر برای تان سبک است، و نصب آن هنگام اُتراق نمودن برای تان آسان است، و از پشم‌های گوسفندان و کرک‌های شتران، و موهای بزها اثاثیه خانه‌های تان و لباس‌ها و پوشش‌هایی قرار داده است که تا زمانی مشخص از آن بهره‌مند می‌شوید.

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ﴾ [النحل: ۸۱].

۸۱ و الله از درختان و بناها سایه‌ای برای تان قرار داده است که در برابر گرما با آن سایه می‌گیرید، و برای شما از کوه‌ها راه‌ها و غارها و پناهگاه‌هایی قرار داده است که در برابر سرما و گرما و دشمن در آن پناه می‌گیرید، و از پشم و غیر آن لباس‌ها و پیراهن‌هایی قرار داده است که گرما و سرما را از شما دفع می‌کند، و زره‌هایی برای تان قرار داده است که شما را از آسیب در جنگ محافظت می‌کند، و سلاح به بدن‌های تان نفوذ نمی‌کند، الله همان‌گونه که نعمت‌های مذکور را برای تان ارزانی داشته است نعمت‌هایش را بر شما کامل می‌کند امید است که فقط تسلیم الله باشید، و هیچ چیز را با او شریک قرار ندهید.

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ [النحل: ۸۲].

۸۲ پس -ای رسول- اگر از ایمان و تصدیق آنچه که آورده‌ای روی گردانند هیچ وظیفه‌ای نداری جز تبلیغ آنچه به تبلیغ واضح آن فرمان یافته‌ای، و وادار کردن آنها بر هدایت، و وظیفه تو نیست.

﴿يَعْرِفُونَ نِعْمَةَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [النحل: ۸۳].

۸۳ مشرکان نعمت‌های الله مانند فرستادن پیامبر ﷺ به سوی آنها را که برای شان ارزانی داشته است می‌دانند، با این وجود نعمت‌های او تعالی را با به جا نیاوردن

شکر آنها و تکذیب رسولانش ناسپاسی می‌کنند، و بیشتر آنها شکر نعمت‌های او سبحانه را به جای نمی‌آورند.

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾
[النحل: ۸۴].

۸۴ و ای رسول - به یاد آور روزی که الله از هر امتی رسولش را که به سوی آنها فرستاده است برمی‌انگیزد تا بر ایمان مؤمنان و کفر کافران شان گواهی دهد، و آنگاه به کفار اجازه نمی‌دهد از کفری که بر آن بوده‌اند پوزش بخواهند، و به دنیا نیز بازگردانیده نمی‌شوند تا اعمالی را که پروردگارشان را راضی می‌سازد انجام دهند؛ زیرا آخرت سرای حساب است نه سرای عمل.

﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [النحل: ۸۵].

۸۵ و آن‌گاه که ستمکاران مشرک عذاب را مشاهده کنند عذاب‌شان تخفیف داده نمی‌شود، و برای دادن مهلت به آنها عذاب‌شان به تأخیر نمی‌افتد، بلکه جاویدان در آن وارد می‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ [النحل: ۸۶].

۸۶ و آن‌گاه که مشرکان در آخرت معبودهای‌شان را که آنها را به جای الله عبادت می‌کردند ببینند می‌گویند: پروردگارا، اینها همان شریکان ما هستند که آنها را به جای تو عبادت می‌کردیم، این سخن را می‌گویند تا گناهان خویش را بر دوش آنها قرار دهند، آن‌گاه الله معبودهای‌شان را به سخن می‌آورد، و در پاسخ مشرکان می‌گویند: - ای مشرکان - همانا شما در اینکه شریکی همراه الله عبادت کردید دروغ‌گویید، زیرا او تعالی شریکی ندارد که عبادت شود.

﴿وَأَلْقُوا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [النحل: ۸۷].

۸۷ و مشرکان تسلیم می‌شوند، و فقط در برابر الله گردن می‌نهند، و این ادعای آنها که به دروغ می‌گفتند بت‌های‌شان نزد الله برای‌شان شفاعت می‌کند بر باد می‌رود.

برخی فواید آیات:

- این آیات بر جواز استفاده از پشم و کرک و موی حیوانات در هر حالتی، از جمله به کارگیری آنها در ساختن خانه‌ها و اثاثیه دلالت دارند.
- نعمت‌های زیاد از اسبابی است که باعث می‌شود بندگان بیشتر شکر به جای آورند و الله تعالی را ستایش کنند.
- گواهانی که بر هر یک از امت‌ها گواهی می‌دهند بهترین و عادل‌ترین گواهان هستند، و آنها همان رسولان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هستند که وقتی گواهی دهند حکم بر امت‌ها نهایی می‌شود.
- این فرموده الله تعالی **﴿وَسَرَّابِيلٌ تَقِيكُم بِأَسْكُمُ﴾** بر به کارگیری تجهیزات جهاد توسط بندگان دلالت دارد؛ تا در پیکار با دشمنان از آنها کمک بگیرند.

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾ [النحل: ۸۸].

﴿۸۸﴾ کسانی که به الله کفر ورزیدند، و دیگران را از راه الله بازداشتند - به سبب فساد خودشان و اینکه با گمراه کردن دیگران فساد برپا کردند، بر عذابی که به خاطر کفرشان سزاوار شدند عذابی را بر آنها می افزاییم.

﴿وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ [النحل: ۸۹].

﴿۸۹﴾ و -ای رسول- به یاد آور روزی را که در هر امتی رسولی برمی انگیزیم که به کفر یا ایمانی که امتشان بر آن بودند بر آنها گواهی می دهد، این رسول از جنس خودشان است، و به زبان خودشان سخن می گوید. و -ای رسول- تو را گواهی بر تمام امتها آوردیم، و قرآن را بر تو نازل کردیم تا حلال و حرام و پاداش و کیفر و تمام آنچه را که به توضیح نیاز دارد توضیح دهی، و آن را مایه هدایت مردم به سوی حق، و مایه رحمت برای کسانی که به آن ایمان آورند و به آنچه در آن آمده است عمل کنند فرو فرستادیم تا مزدهای باشد برای مؤمنان به الله به نعمتهای جاویدانی که در انتظارش هستند.

﴿* إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۹۰].

﴿۹۰﴾ به راستی که الله بندگان را به عدالت فرمان می دهد به اینکه بنده حقوق الله و حقوق بندگان را ادا کند، و در داوری، هیچ کس را بر هیچ کس برتری ندهد مگر به حقی که موجب برتری است، و به احسان فرمان می دهد به اینکه آنچه بر بنده واجب نیست مانند انفاق خودخواسته و عفو ظالم را از روی نیکی به پا دارد، و به بخشش برای خویشاوندان در مواردی که به آن نیاز دارند فرمان می دهد، و از هر زشتی ای نهی می کند، چه گفتاری مانند فحاشی، یا کرداری مانند زنا، و از هر آنچه که شرع نمی پسندد یعنی از تمام گناهان نهی می کند، و از ظلم و تکبر بر مردم باز می دارد. الله با اوامر و نواهی موجود در این آیه به شما پند می دهد امید است از آن عبرت گیرید.

﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [النحل: ۹۱].

۹۱ و به تمام پیمان‌هایی که با الله یا با مردم بسته‌اید وفا کنید، و سوگندها را پس از اینکه با سوگند به الله محکم کردید نشکنید، درحالی که الله را به وفا به آنچه که بر آن سوگند خورده‌اید بر خود گواه گرفته‌اید. به راستی که الله از آنچه که انجام می‌دهید آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال اعمال‌تان جزا می‌دهد.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزَلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَخَذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ [النحل: ۹۲].

۹۲ و با شکستن پیمان‌ها نادان و سبک عقل نباشید، مانند زن نادانی که در بافتن پشم یا پنبه‌اش زحمت زیادی کشیده، و رشته‌اش را محکم کرده است، سپس آن را همانند قبل از بافتن می‌گسلد و باز می‌کند، پس در بافتن و گسستن خسته می‌شود، اما به مطلوب دست نمی‌یابد. شما نیز سوگندهای‌تان را وسیله فریب قرار می‌دهید و به یکدیگر فریب می‌زنید؛ تا امت شما از امت دشمنان‌تان بیشتر و قوی‌تر باشد، به راستی که الله با وفا به پیمان‌ها شما را می‌آزماید، که آیا به پیمان‌ها وفا می‌کنید یا آنها را می‌شکنید؟ و به تحقیق که الله در روز قیامت آنچه را در دنیا در آن اختلاف می‌کردید برای‌تان آشکار می‌گرداند، آن‌گاه حق‌گو را از یاوه‌گو، و راستگو را از دروغگو جدا می‌سازد.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَسَأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۳].

۹۳ و اگر الله می‌خواست به‌طور قطع شما را امتی واحد و متحد بر حق قرار می‌داد، اما او سبحانه به عدل خویش هرکس را که بخواهد با یاری نکردن او در راه حق و وفا به پیمان‌ها گمراه می‌سازد، و به فضل خویش هرکس را که بخواهد بر این کار توفیق می‌دهد، و به‌طور قطع روز قیامت در مورد اعمالی که در دنیا انجام می‌دادید سوال خواهید شد.

برخی فواید آیات:

- کفار که از راه الله بازمی‌دارند به سبب برپا کردن فساد توسط آنها در دنیا با کفر و معصیت، عذابی دو چندان برای‌شان است.
- زمین از صالحان و علما خالی نمی‌شود، و آنها پیشوایان هدایت و جانشینان پیامبران علیهم‌السلام هستند، و علما نگهبانان شریعت‌های پیامبران علیهم‌السلام هستند.
- آیات فوق، ارکان جامعه اسلامی در زندگی فردی و عمومی را برای فرد و گروه و حکومت مشخص کرده است.
- نهی از رشوه و گرفتن اموال برای شکستن پیمان.

﴿وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النحل: ۹۴].

۹۴ و سوگندهای تان را وسیله نیرنگ قرار ندهید که یکدیگر را با آن بفریبید تا هوس های تان را پیروی کنید، و هرگاه خواستید آنها را بشکنید، و هرگاه خواستید به آنها وفا کنید، زیرا اگر این کار را انجام دهید گام های تان را از راه راست پس از اینکه بر آن ثابت بوده است لغزنده اید، و به سبب گمراهی خودتان، و نیز گمراه ساختن دیگران از راه الله عذاب را بچشید و عذابی دو چندان برای تان باشد.

﴿وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۹۵].

۹۵ و پیمان الله را به بهای ناچیزی با شکستن پیمان و وفا نکردن به آن عوض نکنید، به راستی که پیروزی و غنیمت ها در دنیا، و نعمت های جاویدان در آخرت که نزد الله است برای تان بهتر است از عوض ناچیزی بر شکستن پیمان اگر این امر را درمی یابید.

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۶].

۹۶ - ای مردم - مال و خوشی ها و نعمتی هایی که نزدتان است هر چند زیاد باشد پایان می یابد، و پاداشی که نزد الله وجود دارد باقی است، پس چگونه فانی را بر باقی ترجیح می دهید؟ و به یقین پاداش کسانی را که بر پیمان های شان شکیبایی کردند و آنها را نشکستند به بهتر از طاعاتی که انجام می دادند جزا خواهیم داد، چنان که نیکی را به ده تا هفتصد برابر آن، تا چندین برابر جزا خواهیم داد.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النحل: ۹۷].

۹۷ هر مرد و زنی که عمل صالحی موافق شریعت انجام دهد، و به الله ایمان داشته باشد؛ به طور قطع در زندگی دنیا او را حیاتی خوش با رضایت به حکم الله و قناعت و توفیق به طاعات می بخشیم، و در آخرت پاداش آنها را به بهتر از اعمال صالحی که در دنیا انجام می دادند جزا می دهیم.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾ [النحل: ۹۸].

۱۸۸ پس - ای مؤمن - هرگاه خواستی قرآن بخوانی از الله بخواه که تو را از وسوسه های شیطان رانده شده از رحمت الله، پناه دهد.

﴿إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [النحل: ۹۹].

۹۹ به راستی که شیطان بر کسانی که به الله ایمان آورده اند، و در تمام کارهای شان فقط بر پروردگارشان توکل کرده اند تسلطی ندارد.

﴿إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ﴾ [النحل: ۱۰۰].

۱۰۰ شیطان با وسوسه هایش فقط بر کسانی تسلط دارد که او را به دوستی می گیرند، و در فریبش از او فرمان برداری می کنند، همان کسانی که به سبب فریب شیطان به الله مشرک هستند و دیگران را همراه او عبادت می کنند.

﴿وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا

يَعْلَمُونَ﴾ [النحل: ۱۰۱].

۱۰۱ و چون حکم آیه ای از قرآن را با آیه ای دیگر نسخ کنیم - و الله داناتر است به آنچه که از قرآن به سبب حکمتی نسخ می شود، و به آنچه که از قرآن نسخ نمی شود بسیار داناست - می گویند: - ای محمد - تو فقط دروغگویی هستی که بر الله دروغ می بندی، بلکه بیشتر آنها نمی دانند که نسخ فقط به سبب حکمتی الهی و فراگیر است.

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى

لِلْمُسْلِمِينَ﴾ [النحل: ۱۰۲].

۱۰۲ - ای رسول - به آنها بگو: این قرآن را جبریل از جانب الله سبحانه با حقیقتی که هیچ خطا و تبدیل و تحریفی در آن وجود ندارد آورده است، تا کسانی را که به الله ایمان آورده اند هرگاه حکم جدیدی از آن نازل شود، و بخشی از آن نسخ شود بر ایمان شان استوار گرداند، و برای اینکه هدایتی برای آنها به سوی حق، و بشارتی برای مسلمانان باشد به پاداشی گرامی که به دست می آورند.

برخی فواید آیات:

- عمل صالحِ إقرار کنندگان ایمان، زندگی را خوش می‌گرداند.
- راه نجات از شر شیطان، روی آوردن به الله و پناه جستن به او تعالی از شر شیطان است.
- مؤمنان باید قرآن را پیشوای خویش قرار دهند، یعنی به علومش پرورش یابند، به اخلاقش آراسته گردند، و از نورش روشنایی بگیرند، که با این کار امور دینی و دنیایی‌شان اصلاح می‌گردد.
- نسخ احکام واقع شده در قرآن در زمان وحی به سبب حکمتی است که عبارت است از مراعات مصالح و رویدادها، و تغییر احوال بشری.

﴿وَلَقَدْ نَعَلُمْ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ﴾ [النحل: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ و ما می دانیم که مشرکان می گویند: همانا انسانی این قرآن را به محمد می آموزد، و آنها در این ادعای شان دروغگویند، چون زبان کسی که ادعا می کنند به رسول می آموزد عَجَم است، و این قرآن بر زبان عربی روشن و با بلاغت عالی نازل شده است، پس چگونه ادعا می کنند که از یک عَجَم فرامی گیرد؟!

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النحل: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ همانا کسانی که ایمان ندارند آیات الله از جانب او سبحانه است تا زمانی که بر این امر اصرار ورزند الله آنها را به هدایت توفیق نمی دهد، و به سبب اینکه به الله کفر می ورزند، و آیاتش را تکذیب می کنند عذابی رنج آور دارند.

﴿إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ﴾ [النحل: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ محمد ﷺ در آنچه از جانب پروردگارش آورده دروغگو نیست، بلکه کسانی دروغ می سازند که آیات الله را تصدیق نمی کنند؛ زیرا آنها از عذاب نمی ترسند، و به پاداش امید ندارند، و این مُتَصِفَان به کفر همان دروغگویانند؛ زیرا دروغ عادتشان است که به آن خو گرفته اند.

﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ عَذَابٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النحل: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ جز کسی که به کفر مجبور شده است و سخن کفر را با زبانش بگوید اما قلبش به ایمان اطمینان داشته باشد و به حقیقت آن یقین داشته باشد، هرکس پس از ایمانش به الله کفر ورزد و سینه اش را بر کفر گشوده باشد و کفر را بر ایمان برگزیند، و کفر را با رغبت به زبان آورد از اسلام بازگشته و مُرْتَد است؛ پس خشمی از جانب الله بر آنها است، و عذاب بزرگی دارند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ [النحل: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ این ارتداد و بازگشت از اسلام به سبب این است که آنها با مراقبت بر کفرشان بهره دنیایی را که به آن رسیدند بر آخرت برتری دادند، و الله قوم کافران را به ایمان توفیق نمی دهد، بلکه دست از یاری شان می کشد.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾
[النحل: ۱۰۸].

این مرتدان، کسانی هستند که الله بر دل‌های‌شان مُهر نهاده است پس پندها را نمی‌فهمند، و بر گوش‌های‌شان مُهر نهاده است پس آن‌گونه که نفع ببرند پندها را گوش نمی‌کنند، و بر چشم‌های‌شان مُهر نهاده است چنان‌که آیات دلالت‌کننده بر ایمان را نمی‌بینند، و همان‌ها هستند که از اسباب سعادت و شقاوت، و از عذابی که الله برای‌شان فراهم آورده است بی‌خبرند.

﴿لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [النحل: ۱۰۹].

بدون تردید آنها در روز قیامت همان زیانکارانی هستند که به‌سبب کفر پس از ایمان که اگر بر آن مراقبت می‌کردند به‌طور قطع وارد بهشت می‌شدند به خودشان زیان رسانده‌اند.

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النحل: ۱۱۰].

ای رسول - با این وجود نیز پروردگارت نسبت به مؤمنان مستضعف بسیار آمرزنده و مهربان است پس از آن‌که مشرکان آنها را عذاب کردند و در دین‌شان به فتنه انداختند تا اینکه سخن کفر را به زبان آوردند، درحالی‌که دل‌های‌شان به ایمان اطمینان داشت از مکه به مدینه مهاجرت کردند، سپس در راه الله جهاد کردند تا سخن الله برتر باشد، و سخن کافران پایین‌تر باشد، و بر دشواری‌های این راه شکیبایی ورزیدند. به‌راستی که پروردگارت پس از این فتنه که با آن در معرض آزمایش قرار گرفتند، و شکنجه‌ای که با آن عذاب شدند تا اینکه سخن کفر را به زبان آوردند؛ نسبت به آنها بسیار آمرزنده و مهربان است؛ زیرا آنها فقط در حال اجبار، سخن کفر را به زبان آوردند.

برخی فواید آیات:

- اجازه بیان کفر به صورت آشکارا برای کسی که بر این کار مجبور شده است به شرط اینکه قلبش به ایمان اطمینان داشته باشد.
- مرتدان سزاوار خشم و عذاب الله شده‌اند؛ چون زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند، و از هدایت الله محروم مانده‌اند، و الله بر دل‌ها و گوش‌ها و چشم‌های

شان مُهر نهاده است، و آنها را از بی خبرانی قرار داده است که عذاب سخت روز قیامت را برای شان می خواهد.

- الله آمرزش و رحمت را برای کسانی نوشته است که ایمان آورده اند، و پس از اینکه به فتنه افتادند مهاجرت کردند، و بر جهاد شکیبایی کردند.

﴿* يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَّجَادِلُ عَنِ نَفْسِهَا وَتُوْفَىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [النحل: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ و -ای رسول- به یاد آور روزی را که هر انسانی در حالی می‌آید که به سبب موقعیت دشوار، فقط از خودش دفاع می‌کند، و از دیگران دفاع نمی‌کند، و هر شخصی پاداش خیر و شری را که انجام داده است دریافت می‌کند، و نه با کاستن از نیکی‌های‌شان به آنها ستم می‌شود، و نه با افزودن بر بدی‌های‌شان.

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ [النحل: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ و الله مثال شهری - یعنی مکه- را زده است که ایمن بود و ساکنانش نمی‌ترسیدند، و آرام بود درحالی‌که مردم پیرامونش ربوده می‌شدند، و رزق آن گوارا و آسان از هر مکانی به سوی‌شان سرازیر می‌شد، اما ساکنانش به نعمت‌هایی که الله بر آنها ارزانی داشته بود کفر ورزیدند و شکرش را به جای نیاموردند، پس الله آنها را به سبب کفر و تکذیبی که مرتکب می‌شدند با گرسنگی و ترس شدیدی که بدن‌های‌شان را بی‌قرار و ضعیف ساخت مجازات کرد، به حدی که گرسنگی و ترس برای‌شان مانند لباس شد (همیشه با آنها بود).

﴿وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ [النحل: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ و به سوی اهالی مکه رسولی از خودشان که او را به امانتداری و راستگویی می‌شناسند، یعنی محمد ﷺ آمد، اما او را در آنچه که پروردگارش بر او نازل کرده بود تکذیب کردند، آن‌گاه عذاب الله با گرسنگی و ترس بر آنها نازل شد، درحالی‌که چون به الله شرک ورزیده بودند، و رسولش را تکذیب کرده بودند با قرار دادن خودشان در معرض نابودی بر خویشان ستم روا داشتند.

﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ لِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [النحل: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ پس -ای بندگان- از آنچه الله سبحانه به شما روزی داده است آنچه را که حلال است و خوردنش برای‌تان لذت‌بخش است بخورید، و شکر نعمت‌های الله را که بر

شما ارزانی داشته است با اقرار به این نعمت‌ها برای الله و صرف کردن آن در راه رضایت او تعالی به جای آورید، اگر فقط او را عبادت می‌کنید و به او شرک نمی‌ورزید.

﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النحل: ۱۱۵].

①۱۵) الله از میان خوردنی‌ها، این موارد را بر شما حرام گردانیده است: از میان ذبح شدنی‌ها آنچه بدون ذبح مرده است؛ و خون ریخته شده؛ و خوک را با تمام اجزایش؛ و آنچه را که ذبح کننده‌اش آن را برای غیر الله قربانی کرده است. این تحریم فقط در حال اختیار است، اما کسی که ضرورت او را به خوردن این موارد بکشاند، و بدون رغبت در حرام از آن بخورد، و از حد نیاز نگذرد، گناهی بر او نیست. به‌راستی که الله آمرزنده است، و آنچه را که بخورد برایش می‌آمرزد، و نسبت به او مهربان است چون خوردن از موارد مذکور را در هنگام ضرورت برایش اجازه داده است.

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ﴾ [النحل: ۱۱۶].

①۱۶) و -ای مشرکان- آنچه را که زبان‌های‌تان به دروغ بر الله نسبت می‌دهد نگویند که: این چیز حلال، و این چیز حرام است؛ به این هدف که با تحریم آنچه که الله حرام نکرده است، یا حلال کردن آنچه که الله حلال نکرده است بر او تعالی دروغ ببندید. به‌راستی کسانی که بر الله دروغ می‌بندند به مطلوب دست نمی‌یابند، و از ترس و هلاکت رهایی پیدا نمی‌کنند.

﴿مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النحل: ۱۱۷].

①۱۷) به‌سبب اینکه از هوس‌های‌شان پیروی کردند در دنیا کالای اندک و ناچیزی برای‌شان است، و روز قیامت غذایی رنج‌آور دارند.

الله پس از بیان خوردنی‌هایی که بر امت اسلام حرام گردانیده است خوردنی‌هایی را که بر یهودیان حرام گردانیده بود بیان کرده است:

﴿وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [النحل: ۱۱۸].

و فقط بر یهودیان آنچه را که برایت حکایت کردیم حرام گردانیدیم (چنان که در آیه ۱۴۶ سوره الأنعام آمده است)، و ما با تحریم این موارد به آنها ستم نکردیم، بلکه آنها خودشان بر خویشان ستم کردند هنگامی که اسباب عذاب را مرتکب شدند. آن گاه آنها را به خاطر سرکشی‌شان جزا دادیم. پس این موارد را برای مجازات‌شان بر آنها حرام گردانیدیم.

برخی فواید آیات:

- جزا از جنس عمل است؛ زیرا اهالی مکه وقتی نعمت را ناسپاسی کردند، نقیض نعمت، یعنی نابودی و گرفتن نعمت، آنها را فرا گرفت، و پس از سیری در گرسنگی شدید افتادند، و پس از امنیت و اطمینان در ترس و بی‌قراری، و پس از بی‌نیازی در وسایل زندگی به کمبود گرفتار آمدند.
- وجوب ایمان به الله و رسولان ﷺ، و عبادت الله به یگانگی، و شکر او به خاطر نعمت‌ها و برکات زیادش، و اینکه هرکس به الله کفر ورزد و از او نافرمانی کند، و نعمت الله بر خویش را انکار کند عذاب الهی او را فرا می‌گیرد.
- الله تعالی از روی لطف و احسان و برای محافظت از فساد، به جز پلیدی‌ها چیزی را بر ما حرام نکرده است.

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمَلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النحل: ۱۱۹].

۱۱۹ - ای رسول - با این وجود پروردگارت برای کسانی که گناهان را از روی نادانی به سرانجام‌شان هر چند از روی عمد مرتکب شدند، سپس بعد از انجام گناهان به سوی الله توبه کردند، و اعمال فاسدشان را اصلاح کردند، همانا پروردگارت پس از توبه گناهان‌شان را می‌آمزد، و نسبت به آنها مهربان است. چون مشرکان ادعا می‌کردند که بر آیین ابراهیم علیه السلام هستند، الله پاسخ این ادعای شان را داد و فرمود:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [النحل: ۱۲۰].

۱۲۰ همانا ابراهیم علیه السلام گرد آورندهٔ خصلت‌های نیکو، پایدار بر طاعت پروردگارش، مایل از تمام ادیان به‌سوی دین اسلام بود، و هرگز از مشرکان نبوده است.

﴿شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [النحل: ۱۲۱].

۱۲۱ و شکرگزار نعمت‌های الله که بر او ارزانی داشت بود، و الله او را برای نبوت برگزید، و به‌سوی دین استوار اسلام هدایت کرد.

﴿وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [النحل: ۱۲۲].

۱۲۲ و در دنیا نبوت و یاد نیک و فرزند صالح برایش عطا کردیم، و به تحقیق که در آخرت از صالحانی است که الله درجات والایی از بهشت برای‌شان فراهم آورده است.

﴿ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [النحل: ۱۲۳].

۱۲۳ - ای رسول - سپس به تو وحی کردیم که با تمایل از تمام ادیان به دین اسلام، از آیین ابراهیم در توحید و بی‌زاری از مشرکان و دعوت به‌سوی الله و عمل به شریعت او تعالی، پیروی کن، و چنان‌که مشرکان ادعا می‌کنند ابراهیم هرگز از مشرکان نبود، بلکه برای الله یک مؤحد و یکتاپرست بود.

﴿إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [النحل: ۱۲۴].

۱۲۴ به‌راستی که بزرگداشت روز شنبه بر یهودیانی که در آن اختلاف کردند فرض قرار داده شد؛ تا در این روز از کارهای‌شان برای عبادت دست بکشند پس از اینکه

در مورد روز جمعه که به دست کشیدن از کار در آن فرمان یافته بودند گمراه شدند. و -ای رسول- به راستی که پروردگارت در روز قیامت میان این اختلاف کنندگان در آنچه اختلاف می‌ورزیدند داوری خواهد کرد، و هرکس را به آنچه سزاوارش است جزا خواهد داد.

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [النحل: ۱۲۵].

۱۲۵ - ای رسول- تو و مؤمنانی که از تو پیروی کردند به مقتضای حال و فهم و گردن نهادن شخصی که دعوت می‌دهد، و با اندرز مشتمل بر ترغیب و ترهیب به سوی دین اسلام فراخوانید، و به روشی که از نظر گفتار و فکر و اخلاق نیکوتر است با آنها مجادله کن، زیرا هدایت مردم بر عهده تو نیست، و فقط ابلاغ به آنها وظیفه توست، به راستی که پروردگارت به کسانی که از دین اسلام گمراه شوند، و به کسانی که به آن هدایت یابند آگاه‌تر است، پس خودت را به خاطر اندوه بر آنها نابود نکن.

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ [النحل: ۱۲۶].

۱۲۶ و اگر خواستید دشمن‌تان را مجازات کنید او را به مانند آنچه بر شما روا داشته است بدون زیاده‌روی مجازات کنید، و اگر با وجود قدرت بر این کار از مجازات او شکیبایی کنید این کار برای شکیبایان شما بهتر است از اینکه به تساوی قصاص کنند.

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾ [النحل: ۱۲۷].

۱۲۷ و -ای رسول- در برابر آزارهایی که از آنها به تو می‌رسد شکیبایی کن، و توفیق تو به شکیبایی جز با توفیق الله نیست، و به سبب اینکه کافران از تو روی می‌گردانند اندوه مدار، و به سبب مکر و نیرنگی که انجام می‌دهند سینهات تنگ نگردد.

﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ [النحل: ۱۲۸].

۱۲۸ به راستی الله با کسانی است که با ترک گناهان تقوای او تعالی را پیشه کردند، و با کسانی است که با برپایی طاعات و اجرای آنچه به آن فرمان یافته‌اند نیکوکارند، زیرا نصر و تأیید الهی همراهشان است.

برخی فواید آیات:

- مقتضای رحمت الله چنین است که توبه آن دسته از بندگان که کفر و سایر گناهان را انجام می دهند، سپس توبه می کنند و اعمالشان را اصلاح می گردانند می پذیرد، و آنها را می آمرزد.
- مسلمان باید ابراهیم علیه السلام را الگوی خویش قرار دهد.
- دعوتگران به سوی دین الله باید از این سه راه پیروی کنند: حکمت، اندرز نیکو، و مجادله با روشی که نیکوتر است.
- کیفر به مثل و بدون زیاده روی است، یعنی مظلوم از افزودن بر کیفر ظالم نهی شده است.

سوره الإسراء

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان کامل شدن رسالت محمدی، و نیز ذکر اشاره‌ها و مزده‌هایی در خصوص ماهیت و آینده رسالت.

تفسیر:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الإسراء: ۱].

① منزه و بزرگ است الله سبحانه، به خاطر قدرتش بر انجام آنچه هیچ‌کس جز او قادر بر انجامش نیست، زیرا او تعالی ذاتی است که پاره‌ای از شب روح و بدن بنده اش محمد ﷺ را در بیداری از مسجد الحرام به مسجد بیت المقدس که پیرامون آن را با میوه‌ها و کشت‌زارها و منازل پیامبران ﷺ برکت داده‌ایم سیر داد؛ تا برخی آیات ما را که بر قدرت الله سبحانه دلالت دارند ببینند، به‌راستی که او تعالی ذات شنوایی است که هیچ صدایی بر او پوشیده نمی‌ماند، و ذات بینایی است که هیچ چیزی بر او پنهان نمی‌ماند.

﴿وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكَيْلًا﴾ [الإسراء: ۲].

② و تورات را به موسی ﷺ دادیم و آن را هدایتگر و راهنمای بنی‌اسرائیل گردانیدیم، و به بنی‌اسرائیل گفتیم: کارسازی جز من نگیرید که امورتان را به او واگذار کنید، بلکه فقط بر من توکل کنید.

﴿ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا﴾ [الإسراء: ۳].

③ شما از نسل کسانی هستید که آنها را همراه نوح ﷺ از غرق شدن در طوفان نجات دادیم و به آنها نعمت بخشیدیم، پس این نعمت را به یاد آورید، و از الله تعالی

با عبادت و طاعت او به یگانگی سپاسگزاری کنید، و در این کار به نوح علیه السلام اقتدا کنید، زیرا او بسیار شکر الله تعالی را به جای می آورد.

﴿وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۴].

۴ و در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم که به طور قطع با انجام گناهان و ناسپاسی دوباره در زمین فساد برپا خواهند کرد، و به طور قطع با ستم و سرکشی بر مردم برتری خواهند طلبید در حالی که در این کار از حد می گذرند.

﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا﴾ [الإسراء: ۵].

۵ پس هنگامی که برای بار اول فساد برپا کردند عده‌ای از بندگان خویش را که نیرومند و بسیار سخت گیر بودند بر آنها مسلط کردیم که آنها را می کشتند و آواره می کردند، و در میان خانه‌های شان گشتند و بر هر چه می گذشتند آن را تباہ می کردند، و وعده الله بر این کار بدون تردید تحقق یافتنی است.

﴿ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا﴾ [الإسراء: ۶].

۶ - ای بنی اسرائیل - سپس وقتی به سوی الله توبه کردید، شما را بر کسانی که بر شما مسلط شده بودند حاکم کردیم و شما را با اموال، پس از چپاول آن؛ و فرزندان، پس از اسارت شان یاری رساندیم، و گروه شما را از دشمنان تان بیشتر گردانیدیم.

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا﴾ [الإسراء: ۷].

۷ - ای بنی اسرائیل - اگر اعمال تان را اصلاح کنید، و به نحو مطلوب انجام دهید، پاداش آن به خودتان بازمی گردد، زیرا الله از اعمال شما بی نیاز است، و اگر اعمال بدی مرتکب شوید عاقبت آن نیز به ضرر خود شماست، زیرا نه نیکی افعال شما به الله فایده می رساند، و نه بدی اعمال تان به او تعالی ضرری می رساند، پس اگر دوباره مرتکب فساد شدید دشمنان تان را بر شما مسلط می کنیم تا شما را با

شکنجه‌های گوناگون خوار گردانند، و اندوه را در چهره‌های‌تان آشکار سازند، و به طور قطع وارد بیت‌المقدس خواهند شد و همانند بار اول آن را تخریب خواهند کرد، و بر هر سرزمینی که چیره شوند آن را به‌طور کامل نابود خواهند کرد.

برخی فواید آیات:

- در این فرموده ﴿الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا﴾: به دخول مسجد الاقصی در حکم اسلام اشاره شده؛ زیرا مسجد محل عبادت مسلمانان است.
- بیان فضیلت شکر، و اقتدا به پیامبران و رسولان شکرگزار.
- یکی از حکمت‌ها و سنت‌های الله این است که کسانی را بر فسادکاران می‌فرستد که آنها را از فساد باز می‌دارند؛ تا حکمت الله در اصلاح محقق گردد.
- ترساندن امت اسلامی از انجام گناهان؛ تا مبدا مصیبتی که به بنی‌اسرائیل رسید آنها را نیز فراگیرد، زیرا سنت الله یکی است و هرگز تبدیل و تغییر نمی‌پذیرد.

﴿عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمُ وَإِنْ عُذْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا﴾
[الإسراء: ۸].

❶ - ای بنی اسرائیل - امید است که اگر به سوی پروردگارتان توبه کنید، و اعمالتان را نیک گردانید، پس از این انتقام شدید بر شما رحم کند، و اگر برای بار سوم یا بیشتر به فسادکاری بازگردید ما هم برای انتقام از شما بازمی گردیم، و جهنم را برای کافران به الله بستر و گهواره‌ای قرار داده‌ایم که از آن رهایی نمی‌یابند.

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۹].

❷ به راستی که این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ بر نیکوترین راه‌ها که همان راه اسلام است راهنمایی می‌کند، و مؤمنان به الله را که اعمال صالح انجام می‌دهند به آنچه خشنودشان می‌سازد، یعنی به اینکه پاداش بزرگی از جانب الله دارند خبر می‌دهد.

﴿وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الإسراء: ۱۰].

❸ و کسانی را که به روز قیامت ایمان ندارند به آنچه آنها را اندوهگین می‌سازد خبر می‌دهد، یعنی به اینکه عذابی رنج‌آور در روز قیامت برای‌شان آماده ساخته‌ایم.

﴿وَيَذُوعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا﴾ [الإسراء: ۱۱].

❹ و انسان همان‌گونه که خیر را برای خودش فرامی‌خواند، از روی جهلی که دارد هنگام خشم، بدی‌ها را برای خود و فرزند و مالش فرا می‌خواند، پس اگر دعایش به بدی را اجابت کنیم به‌طور قطع خودش، و مالش و فرزندش نابود خواهند شد، و انسان بر عجله آفریده شده است؛ از این رو، گاهی در آنچه به ضررش است شتاب می‌کند.

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصْلَانَهُ تَفْصِيلًا﴾
[الإسراء: ۱۲].

❺ و شب و روز را دو نشانه دلالت‌کننده بر یگانگی و قدرت الله آفریدیم؛ چون در طولانی‌بودن و کوتاهی و گرما و سرما با هم اختلاف دارند، یعنی شب را تاریک

برای استراحت و خواب، و روز را روشن قرار دادیم که مردم در آن می‌بینند و برای معاش خویش تلاش می‌کنند، به این امید که با از پی یکدیگر آمدن شب و روز، شمار سال‌ها، و حساب ماه‌ها و روزها و ساعت‌ها را که به آن نیاز دارید یاد بگیرید، و برای تشخیص اشیا، هر چیزی را واضح بیان کردیم، تا حق‌گو از یاهوگو آشکار گردد.

﴿وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا﴾
[الإسراء: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و اعمال هر انسانی را مانند گردن‌بند، پیوسته او قرار داده‌ایم، که از او جدا نمی‌شود تا بر آن مورد محاسبه قرار گیرد، و در روز قیامت نامه‌ای برایش درمی‌آوریم که تمام اعمال خیر و شری را که انجام داده است، گشوده و مبسوط در برابر خویش می‌بیند.

﴿أَفْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ [الإسراء: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و در آن روز به او می‌گوییم: - ای انسان - نامه‌ات را بخوان، و حساب خود بر اعمال خویش را به عهده بگیر، که در روز قیامت خودت حسابرس خویش باشی.

﴿مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۱۵].

﴿۱۵﴾ هرکس به ایمان راه یافته، پاداش هدایتش برای خودش است، و هرکس گمراه شده کیفر گمراهی‌اش بر خودش است، و هیچ‌کس گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد، و ما هیچ قومی را تا اینکه با فرستادن رسولان ﷺ به‌سویشان، حجت را بر آنها اقامه نکنیم عذاب نمی‌کنیم.

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و چون نابودی قریه‌ای را به خاطر ظلمش اراده کنیم کسانی از آنها را که بر اثر نعمت سرمست شده‌اند به طاعت فرمان دهیم اما آنها اطاعت نمی‌کنند، بلکه نافرمانی می‌کنند و از طاعت خارج می‌شوند، آن‌گاه وعده عذاب ریشه‌کن کننده بر آنها واقع شده، و آنها را از بیخ برمی‌کنیم.

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾
[الإسراء: ۱۷].

و چه بسیار امت‌های تکذیب‌کننده‌ای مانند عاد و ثمود که پس از نوح علیه السلام آنها را نابود کردیم! و - ای رسول - پروردگارت به گناهان بندگانش دانا و بیناست، و ذره‌ای از گناهان‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی آنها را در قبال گناهان‌شان مجازات خواهد کرد.

برخی فواید آیات:

- هرکس به هدایت قرآن راه یابد، در تمام امورش کامل‌ترین و استوارترین و هدایت‌یافته‌ترین مردم است.
- ترساندن از دعای بد بر خویشان و فرزندان.
- اختلاف شب و روز با افزایش و کاهش و از پی یکدیگر آمدن این دو، و روشنایی روز و تاریکی شب، تمام این موارد بر یگانگی و وجود و کمال علم و قدرت الله دلالت دارند.
- آیات فوق، مبدأ مسؤولیت شخصی را بر اساس عدالت و رحمت الله به بندگان بیان می‌کند.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَذْحُورًا﴾ [الإسراء: ۱۸].

۱۸) هرکس اعمال صالح را، به قصد کسب زندگی دنیا انجام دهد، و به آخرت ایمان نیاورد و اهمیت ندهد، به زودی نعمتی را که ما بخواهیم نه نعمتی را که خودش بخواهد در دنیا به او می‌دهیم، سپس جهنم را برایش قرار می‌دهیم و در روز قیامت در آن درمی‌آید که از گرمایش رنج می‌برد، و به خاطر انتخاب دنیا و کفر به آخرت مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد، و از رحمت الله رانده می‌شود.

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾ [الإسراء: ۱۹].

۱۹) و هرکس با انجام اعمال نیک، پاداش آخرت را بخواهد، و بدون ریا و طلب شهرت برای پاداش آخرت بکوشد، درحالی‌که به آنچه الله ایمان به آن را واجب گردانیده است ایمان دارد، تلاش اینها که صفات مذکور را دارند نزد الله پذیرفته شده است، و به زودی جزای تلاششان را به آنها خواهد داد.

﴿كُلًّا نَّمُدُّهُ هَوْلًا وَهَوْلًا مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا﴾ [الإسراء: ۲۰].

۲۰) - ای رسول - از عطای پروردگارت بدون وقفه برای هر دوی این گروه بدکار و نیکوکار می‌افزاییم، و عطای او تعالی در دنیا از هیچ کس بازداشته شده نیست، چه نیکوکار باشد و چه بدکار.

﴿انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۲۱].

۲۱) - ای رسول - بیندیش که چگونه در دنیا بعضی از آنها را بر بعضی دیگر از نظر روزی و مراتب، برتری دادیم، و به‌طور قطع درجات نعمت‌ها در آخرت از زندگی دنیا بزرگتر و بهتر است، پس مؤمن باید بر آن اشتیاق ورزد.

﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا﴾ [الإسراء: ۲۲].

۲۲) - ای بنده - همراه الله معبودی دیگر قرار نده تا او را عبادت کنی، که در این صورت نزد الله مورد مؤاخذه قرار می‌گیری، و نزد بندگان صالح او تعالی هیچ ستایشگری نخواهی داشت، و از یاری الله محروم می‌مانی و هیچ یآوری نخواهی داشت.

﴿* وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾ [الإسراء: ۲۳].

②۳ و - ای بنده - پروردگارت فرمان داده و واجب گردانیده که غیر او عبادت نشود، و به نیکی به پدر و مادر به خصوص هنگام رسیدن به سالخوردگی فرمان داده، که اگر یکی از پدر و مادر یا هر دو نزدت به سالخوردگی رسیدند، با گفتن سخنی که بر خستگی دلالت دارد از آن دو خسته و زده نشو، و بر آن دو پرخاش نکن، و سخن درشت بر آنها نگو، و سخنی نیکو همراه با نرمی و مهربانی به آنها بگو.

﴿وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۴].

②۴ و از روی فروتنی و مهربانی به آن دو در برابرشان فروتنی کن، و بگو: پروردگارا، چون مرا در کودکی تربیت کردند بر آنها رحمت بفرست.

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا﴾ [الإسراء: ۲۵].

②۵ - ای مردم - پروردگارتان به اخلاص برای او در عبادت و اعمال نیک، و نیکی به پدر و مادر که در نهان شماست آگاه‌تر است، پس اگر نیات شما در عبادت و رفتار با پدر و مادر و دیگران صالح باشد همانا او سبحانه برای کسانی که با توبه به سوی او بازمی‌گردند آمرزنده است، پس هرکس از کوتاهی گذشته خویش در فرمان‌برداری از پروردگارش یا پدر و مادرش توبه کند الله او را می‌بخشد.

﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا﴾ [الإسراء: ۲۶].

②۶ و - ای مؤمن - حق خویشاوند در برقراری رابطه خویشاوندی را به او بده، و به فقیر نیازمند عطا کن، و به مسافری که توشه‌اش تمام شده عطا کن، و مالت را در گناهی، یا اسرافکارانه انفاق نکن.

﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾ [الإسراء: ۲۷].

②۷ به‌راستی کسانی که اموال‌شان را در گناهان خرج می‌کنند، و در خرج کردن، اسراف می‌کنند برادران شیاطین هستند، که در ولخرجی و اسراف که شیاطین به آنها فرمان می‌دهند از آنها اطاعت می‌کنند، و شیطان ناسپاس پروردگارش است،

پس جز به گناه عمل نمی‌کند، و جز به آنچه که پروردگارش را خشمگین می‌سازد امر نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- سزاوار است که انسان هر خیری را که می‌تواند انجام دهد و انجام هر خیری را که توانایی انجام آن را ندارد نیت کند؛ تا پاداش آن را ببرد.
- نباید نعمت‌های دنیایی ملاک رضایت الله تعالی قرار گیرند؛ زیرا گاهی نعمت‌های دنیا حاصل می‌شود اما سرانجام آن، عذاب الله است.
- نیکی به پدر و مادر فرض و لازم و واجب است، و الله به دلیل لطف و محبت زیاد پدر و مادر، سپاسگزاری از آن دو را در کنار سپاسگزاری از خویش آورده است.
- اسلام اسراف را که عبارت است از انفاق مال در غیر حقش، حرام کرده است.

﴿وَأِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا﴾ [الإسراء: ۲۸].

۳۸ و اگر به دلیل فقر و تنگدستی از عطا کردن به آنهاى [که به پرداخت حقشان سفارت شدی] خودداری کنی و در انتظار رزق و روزی بودی که الله بر تو بگشاید، سخنی نرم و ملایم به آنها بگو، مثلاً روزی گسترده را برایشان دعا کن، یا به آنها وعده بده که اگر الله مالی به تو روزی داد به آنها عطا کنی.

﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ [الإسراء: ۲۹].

۳۹ و دستت را از انفاق بازندار، و در انفاق زیاده‌روی نکن، که اگر دستت را از انفاق بازداری مورد سرزنش قرار می‌گیری و مردم تو را به خاطر بخلی که داری سرزنش می‌کنند، و اگر زیاده‌روی کنی از انفاق بازمی‌مانی، آن‌گاه چیزی برای انفاق نمی‌یابی.

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ [الإسراء: ۳۰].

۳۰ به تحقیق پروردگارت از روی حکمتی برتر، روزی را بر هرکس بخواهد می‌گشاید، و آن را برای هرکس بخواهد تنگ می‌گرداند، زیرا او تعالی نسبت به بندگانش دانا و بیناست، و چیزی از آنها بر او پوشیده نمی‌ماند، پس امرش را در میان آنها به گونه‌ای که بخواهد به انجام می‌رساند.

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ لَّحْنٌ نَّرَزْنَاهُمْ وَوِثَاقُكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۳۱].

۳۱ و فرزندان‌تان را از ترس فقر در آینده که بر آنها انفاق کنید نکشید، ما هستیم که روزی آنها، و روزی خود شما را برعهده می‌گیریم، به‌راستی که قتل آنها گناهی بزرگ است؛ چون نه گناهی دارند و نه سببی وجود داد که موجب قتل‌شان شود.

﴿وَلَا تَقْرُبُوا الزَّوْجَ الَّذِي هُوَ لِحْنٍ لِّأَبَائِكُمْ فَكَانَ حَبْشَةَ وَوَسَاءَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۲].

۳۲ و از زنا بپرهیزید، و از اسباب و مقدمات آن دوری کنید؛ زیرا بی‌نهایت زشت است، و به دلیل اینکه به در هم آمیخته شدن نَسَب‌ها و عذاب الله منجر می‌شود راه بسیار بدی است.

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُضْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾ [الإسراء: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و نفسی را که الله خونش را با ایمان یا امان محفوظ داشته است نکشید مگر اینکه به سبب ارتداد، یا زنا به شرط تأهل، یا قصاص سزاوار کشته شدن باشد. و هرکس مظلومی را بدون سببی که قتلش را اجازه دهد بکشد کسی از وارثانش را که سرپرست امورش است بر قاتلش مسلط گردانیده‌ایم، یعنی می‌تواند از طریق قصاص، کشتن قاتل را بخواهد، و می‌تواند بدون عوض عفو کند، و می‌تواند در برابر دریافت دیه عفو کند، پس نباید با مثله کردن قاتل، یا کشتن او به غیر آنچه که با آن مرتکب قتل شده است، یا قتل غیر قاتل، از حدی که الله برایش اجازه داده است بگذرد؛ بی‌تردید، او [ولیی دم] تحت حمایت الله و شرع مقدس قرار دارد.

﴿وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و در مال طفلی که پدرش مرده است تصرف نکنید مگر آن گونه که برای رشد و نگهداری مالش بهتر باشد تا اینکه به عقل و رشد کامل خویش برسد، و به پیمان هایی که میان شما و پروردگارتان، و پیمان‌هایی که میان شما و بندگانش وجود دارد، به صورت کامل وفا کنید، زیرا الله در روز قیامت از پیمان دهنده می‌پرسد: آیا به عهدش وفا کرده است تا به او پاداش دهد یا وفا نکرده است تا او را مجازات کند.

﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [الإسراء: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و وقتی برای دیگران پیمان می‌کنید پیمانه را کامل کنید و زیان نرسانید، و با ترازوی درستی که ذره‌ای نمی‌کاهد وزن کنید، این پیمان‌ها و وزن کردن برای‌تان در دنیا و آخرت بهتر است، و سرانجام بهتری از کم‌فروشی و کاستن از پیمان‌ها و ترازو دارد.

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و - ای فرزند آدم - از آنچه به آن علم نداری پیروی نکن، تا گمان‌ها و حدس را پیروی کنی، زیرا انسان در هر خیر یا شری که گوش و چشم و دلش را به کار می

گیرد مورد سوال قرار می‌گیرد، پس در برابر خیر پاداش می‌گیرد، و در برابر شر کیفر می‌شود.

﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾
[الإسراء: ۳۷].

﴿۴۷﴾ و در روی زمین با غرور و تکبر راه نرو، زیرا اگر با تکبر راه روی هرگز نخواهی توانست با راه رفتن زمین را بییمایی، و هرگز قامتت به طول و ارتفاعی که کوهها رسیده‌اند نخواهد رسید، پس در این صورت چرا تکبر؟!

﴿كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا﴾ [الإسراء: ۳۸].

﴿۳۸﴾ - ای انسان - تمام موارد بدی که بیان شد نزد پروردگارت ممنوع است، و الله از مرتکب آنها راضی نمی‌شود، بلکه بر او خشم می‌گیرد.

برخی فواید آیات:

- ادب والا عبارت است از: انفاق به خویشاوندان با مهربانی، و وعده نیکو به بخشش و انفاق هنگام گشایش، و پوزش‌خواهی از آنها آن‌گونه که مورد پذیرش واقع شود.
- الله از پدر و مادر فرزندان هم به آنها مهربان‌تر است؛ زیرا پدر و مادر را نهی کرده است از اینکه فرزندان‌شان را از ترس فقر و تهیدستی بکشند، و روزی همگی را برعهده گرفته است.
- آیات فوق دلالت دارد بر اینکه حق در قتل برای ولی است، یعنی قصاص صورت نمی‌گیرد مگر به اذن او، و با عفو او نیز قصاص ساقط می‌شود.
- الله از روی لطف و مهربانی به یتیم به اولیایش فرمان داده از او و مالش نگهداری کنند و ثروتش را رشد و گسترش دهند تا به سن بلوغ برسد.

﴿ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا﴾ [الإسراء: ۳۹].

۳۹) این اوامر و نواهی و احکام که توضیح دادیم از مواردی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و - ای انسان - همراه الله معبودی دیگر نگیر، تا روز قیامت ملامت شده درحالی که نفست و مردم تو را سرزنش می کنند، و از هر خیری رانده شده هستی در جهنم افکنده شوی.

﴿أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ [الإسراء: ۴۰].

۴۰) ای کسانی که ادعا می کنید فرشتگان دختران الله هستند، - ای مشرکان - آیا پروردگارتان فرزندان پسر را برای شما اختصاص داده، و فرشتگان را دخترانی برای خودش انتخاب کرده است؟ الله از آنچه که می گوئید برتر است، به تحقیق که شما سخنی بسیار زشت در مورد الله سبحانه می گوئید چون به او تعالی فرزند نسبت می دهید، و برای زیاده روی در کفر به او ادعا می کنید که دختران از آن او هستند.

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا﴾ [الإسراء: ۴۱].

۴۱) و به تحقیق که در این قرآن احکام و اندرزها و مثل ها را توضیح داده ایم تا مردم از آنها پند بگیرند، آن گاه راهی که به آنها نفع می رساند بیمایند، و آنچه را به آنها زیان می رساند ترک کنند، حال آن که این موارد برای بعضی از آنها که فطرت شان سرنگون شده است جز بر دوری و کراهیت از حق نمی افزاید.

﴿قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَأَبْتَعُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۴۲].

۴۲) - ای رسول - به این مشرکان بگو: اگر چنان که به دروغ و افترا می گوئید همراه الله تعالی معبودهایی می بود، آن گاه این معبودهای ادعایی، راهی به سوی الله صاحب عرش می جستند تا او را بر فرمانروایی اش مغلوب کنند و در مورد آن با او تنازع کنند.

﴿سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۴۳].

۴۳) الله سبحانه از صفاتی که مشرکان او تعالی را با آنها توصیف می کنند منزّه و پاک است، و از آنچه در مورد او می گویند بسیار برتر است.

﴿تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ [الإسراء: ۴۴].

۱۱) آسمان‌ها و زمین و تمام مخلوقاتی که در آسمان‌ها و زمین وجود دارد، تسبیح الله را می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه الله را می‌ستاید و او را منزه می‌شمرد، اما شما چگونگی تسبیح آنها را نمی‌فهمید، زیرا شما فقط تسبیح کسی را که به زبان خودتان تسبیح بگوید می‌فهمید، به‌راستی که او تعالی ذات بردباری است که کیفر را به تعجیل نمی‌اندازد، و هرکس را که به‌سوی او توبه کند می‌آمرزد.

﴿وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا﴾ [الإسراء: ۴۵].

۱۲) و - ای رسول - هر وقت قرآن بخوانی و بازدارنده‌ها و اندرزهایی را که در آن است بشنوند برای مجازات کسانی که به روز قیامت ایمان نمی‌آورند میان تو و میان آنها به خاطر رویگردانی‌شان حجابی پوشاننده قرار می‌دهیم که آنها را از فهم قرآن محروم می‌سازد.

﴿وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوَّا عَلَى أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا﴾ [الإسراء: ۴۶].

۱۳) و بر دل‌های‌شان پوشش‌هایی قرار می‌دهیم تا قرآن را نفهمند، و در گوش‌های‌شان سنگینی قرار می‌دهیم تا آن‌گونه که نفع برساند آن را نشنوند، و هرگاه پروردگارت را در قرآن به یگانگی یاد کنی، و معبودهای ادعایی آنها را یاد نکنی درحالی‌که از اخلاص توحید برای الله دور می‌شوند پشت می‌کنند.

﴿تَخُنُّ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا﴾ [الإسراء: ۴۷].

۱۴) ما به روش گوش‌دادن رؤسای‌شان به قرآن داناتر هستیم، آنها راهیابی با آن را نمی‌خواهند، بلکه خوارشمردن و حرف‌های بیپوده را هنگام خواندن تو می‌خواهند، و ما به نجوایی که برای تکذیب و بازداشتن از آن می‌کنند داناتر هستیم، آن‌گاه که این ستمکاران به خودشان به‌سبب کفر می‌گویند: - ای مردم - شما جز مردی سحرشده را که عقلش تباه شده است پیروی نمی‌کنید.

﴿انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۴۸].

۱۸۸ - ای رسول - بیندیش تا تعجب کنی از صفات ناپسند مختلفی که تو را با آن توصیف کردند، و از حق منحرف شدند، و سرگردان ماندند پس به راه حق هدایت نشدند.

﴿وَقَالُوا آيِدًا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَلَيْسَ لِمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾ [الإسراء: ۴۹].

۱۸۹ و مشرکان برای انکار رستاخیز گفتند: آیا وقتی مُردیم و استخوان شدیم، و بدن هایمان پوسید، آیا از نو برانگیخته می شویم؟ به راستی که این امر محال است.

برخی فواید آیات:

- این ادعا که فرشتگان دختران الله هستند گناه و بهتانی بسیار بزرگ است.
- آیات الله بر بیشتر مردم جز رمیدن نمی افزاید؛ چون از حق کینه دارند و بر باطلی که هستند محبت می ورزند.
- هیچ مخلوقی در آسمان ها و زمین نیست مگر اینکه به ستایش الله تسبیح می گوید پس برای بنده سزاوار است که مخلوقات در تسبیح از او پیشی نگیرند.
- الله به سبب بردباری در برابر بندگان خویش کیفرشان را به خاطر غفلت و اعمال بدشان به تعجیل نمی اندازد، زیرا رحمت الله بر خشم او تعالی پیشی گرفته است.

﴿* قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا﴾ [الإسراء: ۵۰].

⑤۰ - ای رسول - به آنها بگو: - ای مشرکان - اگر می‌توانید به سختی سنگ باشید، یا به قدرت آهن باشید، و هرگز چنین نخواهید توانست.

﴿أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا﴾ [الإسراء: ۵۱].

⑤۱ یا آفریده‌ای بزرگ‌تر از این دو باشید که در نظرتان بزرگ است، الله شما را بازمی‌گرداند همان‌گونه که ابتدا پدید آورد، و شما را زنده می‌گرداند همان‌گونه که بار نخست شما را آفرید. پس این ستیزه‌جویان خواهند گفت: چه کسی ما را پس از مرگمان زنده بازمی‌گرداند؟ به آنها بگو: همان ذاتی شما را بازمی‌گرداند که بار نخست بدون نمونه قبلی شما را آفرید، آن‌گاه سرهای‌شان را در حال تمسخر پاسخ تو تکان خواهند داد، و شگفت‌زده خواهند گفت: این بازگرداندن چه زمانی است؟! به آنها بگو: شاید نزدیک باشد، زیرا هر چه او تعالی آوردنده آن است نزدیک است.

﴿يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الإسراء: ۵۲].

⑤۲ الله روزی شما را بازمی‌گرداند که شما را به سوی صحرای محشر فرا می‌خواند، آن‌گاه با تسلیم به فرمانش، و درحالی‌که او را ستایش می‌کنید دعوتش را اجابت می‌کنید، و گمان می‌کنید که جز زمان اندکی در زمین نمانده‌اید.

﴿وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا﴾ [الإسراء: ۵۳].

⑤۳ و - ای رسول - به بندگان مؤمن من بگو: هنگام گفتگو سخن پاکیزه بگویند، و از سخن بد و ناپسند پرهیزند؛ زیرا شیطان از آن بهره‌بردار می‌کند آن‌گاه میان آنها با آنچه که زندگی دنیوی و اخروی‌شان را تباه می‌سازد می‌کوشد، زیرا شیطان دشمنی آشکار بر انسان است، پس انسان باید از او پرهیزد.

﴿رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يُرْحَمَكُم أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبِكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا﴾ [الإسراء: ۵۴].

⑤۴ - ای مردم - پروردگارتان به شما داناتر است، پس هیچ‌چیز از شما بر او پوشیده نمی‌ماند، اگر بخواهد بر شما رحم کند بر شما رحم می‌کند؛ یعنی شما را به ایمان و

عمل صالح توفیق می‌دهد، و اگر بخواهد شما را عذاب کند شما را عذاب می‌کند؛ یعنی شما را از ایمان محروم می‌سازد و بر کفر می‌میراند، و - ای رسول - تو را نگهبان آنها مبعوث نکرده‌ایم تا آنها را بر ایمان مجبور سازی، و از کفر بازداری، و اعمال‌شان را بر آنها برشماری. تو فقط ابلاغ‌کننده‌ای از جانب الله هستی که آنچه تو را به تبلیغ آن فرمان داده ابلاغ می‌کنی.

﴿وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زُبُورًا﴾ [الإسراء: ۵۵].

﴿۵۵﴾ و - ای رسول - پروردگار تو به تمام کسانی که در آسمان و زمین هستند و به احوال و شایستگی آنها داناتر است، و برخی از پیامبران را بر برخی دیگر با پیروان زیاد و نزول کتاب‌ها برتری داده‌ایم، و کتابی یعنی زبور به داود عطا کردیم.

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا﴾ [الإسراء: ۵۶].

﴿۵۶﴾ - ای رسول - به این مشرکان بگو: - ای مشرکان - اگر آسیبی به شما نازل شده است کسانی را که ادعا می‌کنید معبودانی غیر از الله هستند، به سبب ناتوانی‌شان مالک دفع آسیب از شما نیستند، و مالک انتقال آسیب به غیر شما نیز نیستند، و هرکس که ناتوان باشد معبود نیست.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا﴾ [الإسراء: ۵۷].

﴿۵۷﴾ خود فرشتگان و مانند آنها که مشرکان آنها را می‌خوانند اعمال صالحی را که آنها را به الله نزدیک می‌سازند می‌جویند، و مسابقه می‌دهند تا هر یک از آنها با طاعت به او نزدیکتر باشند، و امیدوارند که بر آنها رحم کند، و می‌ترسند از اینکه آنها را عذاب کند، - ای رسول - همانا عذاب پروردگارت سزاوار ترسیدن است.

﴿وَإِنْ مِّنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ [الإسراء: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و هیچ قریه یا شهری نیست جز اینکه به سبب کفرش عذاب و نابودی را در زندگی دنیا بر آن نازل می‌کنیم، یا آن را به سبب کفرش به کیفری سخت؛ یعنی

قتل یا غیر آن مبتلا می‌گردانیم، این نابودی و عذاب، حکمی الهی است که در لوح محفوظ نوشته شده است.

برخی فواید آیات:

- سخن نیکو، سبب ان تمام اخلاق نیکو و اعمال صالح است؛ زیرا هرکس مالک زبانش باشد مالک تمام امورش است.
- الله به علم و حکمت خویش برخی از پیامبران را بر برخی دیگر برتری می‌بخشد.
- الله جز خیر برای بندگانش نمی‌خواهد، و آنها را جز بر آنچه به صلاحشان است امر نمی‌کند.
- نشانهٔ محبت الله این است که بنده در هر کاری که او را به الله نزدیک می‌سازد بکوشد، و با اخلاص و خیرخواهی در تمام اعمال برای الله در نزدیک شدن به او تعالی مسابقه دهد.

﴿وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ وَآتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا﴾ [الإسراء: ۵۹].

﴿۵۹﴾ و فرورستاندن نشانه‌های حسی دلالت‌کننده بر راستی رسول مانند زنده گردانیدن مردگان و مانند آن را که مشرکان طلب می‌کنند رها نکردیم، جز به این دلیل که این نشانه‌ها را بر امت‌های نخستین نازل کردیم اما آنها تکذیب کردند. چنان که نشانه‌ای بزرگ و آشکار، یعنی ماده‌شتر، را به ثمود دادیم، اما آن را تکذیب کردند آن‌گاه عذاب‌شان را به تعجیل انداختیم، و آیات را بر دستان رسولان نمی‌فرستیم مگر برای بیم‌دادن امت‌هایشان، تا شاید اسلام بیاورند.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ مَا يَرِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۶۰].

﴿۶۰﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که به تو گفتیم: به راستی که قدرت پروردگارت بر مردم احاطه دارد، و آنها در قبضه او تعالی هستند، و الله تو را در برابر آنها محافظت می‌کند، پس آنچه را به تبلیغش فرمان یافته‌ای ابلاغ کن، و آنچه را در شب اسراء آشکارا به تو نمایانیم جز امتحانی برای مردم قرار ندادیم، که آیا آن را تصدیق می‌کنند، یا به تکذیب آن می‌پردازند؟ و درخت زقوم مذکور در قرآن را که از ته جهنم می‌روید جز آزمایشی برای‌شان قرار ندادیم، پس وقتی به این دو نشانه ایمان نیاوردند به سایر نشانه‌ها نیز ایمان نخواهند آورد، و ما با فرورستاندن آیات آنها را بیم می‌دهیم اما این کار جز بر کفر و طغیان بیشتر شان نمی‌افزاید.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتُ طِينًا﴾ [الإسراء: ۶۱].

﴿۶۱﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که به فرشتگان گفتیم: برای احترام و نه برای عبادت در برابر آدم به سجده افتید، آن‌گاه اطاعت امر کردند و همگی در برابر آدم به سجده افتادند، اما ابلیس از اینکه در برابر او سجده کند از روی تکبر سرباز زد و گفت: آیا برای کسی سجده کنم که او را از گل آفریدی، درحالی که مرا از آتش آفریده‌ای؟! پس من از او شریف‌تر هستم.

﴿قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الإسراء: ۶۲].

﴿۶۲﴾ ابلیس به پروردگارش گفت: به من بگو این مخلوقی را که با فرمانت برای من که در برابر او سجده کنم او را بر من برتری دادی؟ اگر مرا تا آخر زندگی دنیا زنده نگه داری به‌طور قطع فرزندانم را جذب خواهم کرد و آنها را از راه راست تو گمراه خواهم ساخت جز اندکی از آنها را که تو محفوظ داشته‌ای، یعنی بندگان مخلص را.

﴿قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا﴾ [الإسراء: ۶۳].

﴿۶۳﴾ پروردگارش به او گفت: تو و هرکس که از تو اطاعت کند بروید، که جهنم جزای تو و جزای آنها است، جزایی کامل و کافی در برابر اعمالتان.

﴿وَاسْتَفْزِرُ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [الإسراء: ۶۴].

﴿۶۴﴾ و از میان آنها هرکس را که توانستی با صدای دعوتگر خویش به‌سوی گناه از راه حق منحرف کنی منحرف کن، و با سواران و پیادگان دعوتگر که به فرمانبرداری از تو دعوت می‌دهند بر آنها بانگ بزن، و با آراستن هر کاری که مخالف شریعت است در اموالشان با آنها شریک شو، و در فرزندانشان با مدعی بودن دروغین آنها، و جمع کردن آنها به زنا، و بنده‌ساختنشان برای غیر الله هنگام نام‌نهادن با آنها شریک شو، و وعده‌های دروغین و آرزوهای پوچ را برای‌شان بیارای، و شیطان جز وعده‌های دروغین و فریبکارانه به آنها وعده نمی‌دهد.

﴿إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا﴾ [الإسراء: ۶۵].

﴿۶۵﴾ - ای ابلیس - به‌راستی که بر بندگان مؤمن من که از من فرمان می‌برند هیچ تسلطی نداری؛ زیرا الله شر تو را از آنها دفع می‌کند، و الله به‌عنوان نگهبان برای کسی که در امورش بر او توکل کند کافی است.

﴿رَبُّكُمْ الَّذِي يُرِيكُمْ لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [الإسراء: ۶۶].

﴿۶۶﴾ - ای مردم - پروردگار شما همان ذاتی است که شما را در دریا سوار بر کشتی‌ها به حرکت درمی‌آورد به این نیت که با سودهای تجاری و غیر آن رزق او را بجویید،

به راستی او نسبت به شما بسیار مهربان است که این وسایل را برای تان فراهم می آورد.

برخی فواید آیات:

- الله از روی رحمت بر مردم، آن گاه که آیات را تکذیب می کنند، نشانه‌هایی را که تکذیب کنندگان می طلبند فرو نمی فرستد تا کیفرشان را به تعجیل نیندازد.
- الله بندگان را با شیطان که با اقوال و افعالش آنها را به نافرمانی الله فرا می خواند آزموده است.
- از صورتهای مشارکت شیطان با انسان در اموال و فرزندان عبارت است از: نگفتن بسم الله الرحمن الرحیم هنگام خوردن غذا و نوشیدن و جماع، و کوتاهی در تربیت فرزندان.

﴿وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهَهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا﴾ [الإسراء: ۶۷].

۷۷ و - ای مشرکان - هرگاه مصیبت و امر ناگواری در دریا به شما برسد و ترس از مرگ بر شما عارض گردد، آنچه را که به جای الله عبادت می‌کردید از خاطرتان پاک می‌شود، و فقط الله را به یاد می‌آورید و از او یاری می‌جوید، اما وقتی شما را در برابر آنچه از آن می‌ترسید یاری رساند و نجات دهد، و شما را به خشکی برساند از توحید و خواندن او در دعا به یگانگی، روی می‌گردانید، و به بت‌های تان رجوع می‌کنید، و انسان همیشه ناسپاس نعمت‌های الله است.

﴿أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْصِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَاكِيلًا﴾ [الإسراء: ۶۸].

۷۸ - ای مشرکان - آیا آن‌گاه که شما را به سوی خشکی رها کنید ایمن شدید از اینکه الله شما را در زمین فرو برد؟ یا ایمن شدید از اینکه سنگ‌هایی از آسمان بر شما فرو فرستد و مانند کاری که با قوم لوط انجام داد بر سرتان ببارد، آن‌گاه هیچ حفاظت کننده‌ای نیاید که از شما حفاظت کند، و هیچ یآوری نیاید که مانع هلاکت تان شود.

﴿أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلِيًّا بِهِ تَبِيعًا﴾ [الإسراء: ۶۹].

۶۹ آیا ایمن شدید از اینکه دوباره شما را به دریا بازگرداند، سپس بادی شدید بر شما بفرستد، و شما را به سبب کفرتان به نعمت الله که شما را برای بار نخست نجات داد غرق گرداند، آن‌گاه هیچ کس را نمی‌باید تا برای یاری تان در قبال کاری که با شما انجام داده‌ایم ما را مواخذه کند.

﴿* وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰].

۷۰ و به تحقیق که ما فرزندان آدم را با عقل و سجده کردن فرشتگان در برابر پدرشان و سایر موارد گرامی داشتیم، و چارپایان و مرکب‌هایی که در خشکی آنها را حمل می‌کنند، و کشتی‌هایی که در دریا آنها را حمل می‌کنند در تسخیر آنها قرار دادیم، و از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و ازدواج‌های مشروع و سایر نعمت‌های پاک و

حلال به آنها روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری بزرگی دادیم، پس آنها باید شکر نعمت‌های الله را به جای آورند.

﴿يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۱].

﴿۷۱﴾ و - ای رسول - به یاد آور روزی را که هر گروهی را با پیشوای‌شان که در دنیا به او اقتدا می‌کردند ندا می‌دهیم، پس هرکس نامه عمل او به دست راستش قرار داده شود همان‌ها هستند که با خوشحالی نامه‌های‌شان را می‌خوانند، و ذره‌ای از مزدهای‌شان کاسته نمی‌شود، هر چند از نظر کوچکی به اندازه رشته‌ای باشد که در شکاف هسته (خرما) قرار دارد.

﴿وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۲].

﴿۷۲﴾ و هرکس در زندگی دنیا قلبش از پذیرش حق و اذعان به آن کور باشد، در روز قیامت کورترین است، پس به راه بهشت هدایت نمی‌شود، و گمراه‌ترین راه‌یافته از هدایت است، و مجازات از جنس عمل است.

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ حَلِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۳].

﴿۷۳﴾ و - ای رسول - نزدیک بود که مشرکان تو را از آیات قرآن که برایت وحی کردیم منحرف کنند؛ تا آنچه را که موافق هوس‌های‌شان است بر ما ببندی، و اگر این کار را انجام می‌دادی به‌طور قطع تو را به عنوان دوست برمی‌گزیدند.

﴿وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدَّتْ تَرُكُنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۴].

﴿۷۴﴾ و اگر تو را بر حق ثابت قدم نکرده بودیم به‌طور قطع نزدیک بود کمی به‌سوی آنها متمایل شوی، آن‌گاه با پیشنهاد آنها موافقت کنی؛ چون نیرنگ‌بازانی قوی و فریبکارانی نیرومند هستند و تو نیز بر ایمان آوردن آنها زیاد مشتاق بودی، اما تو را از تمایل به‌سوی آنها نگه داشتیم.

﴿إِذَا لَأَدْخُفْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا﴾ [الإسراء: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و اگر به پیشنهاد آنها روی می‌آوردی به‌طور قطع عذابی دوچندان در زندگی دنیا و در آخرت برایت می‌چشانندیم، آن‌گاه هیچ یآوری نمی‌یافتی که تو را در برابر ما یاری رساند، و عذاب را از تو دفع کند.

برخی فواید آیات:

- انسان‌ها ناسپاس نعمت‌ها هستند مگر کسانی که الله آنها را هدایت کند.
- هر امتی به دین و کتابش فراخوانده می‌شود، که آیا به آن عمل کرده است یا نه؟ و الله هیچ‌کس را عذاب نمی‌کند مگر پس از اقامه حجت برایش و مخالفت او با حجت.
- دشمنی آشکار جنایتکاران و تکذیب‌کنندگان رسولان ﷺ و وارثان آنها به سبب حقیقتی است که آن را حمل می‌کنند؛ نه به خاطر خودشان.
- الله تعالی پیامبر ﷺ را از اسباب شر و از انسان‌ها محافظت، و به راه راست استوار و هدایت کرده است، و این امر برای وارثان پیامبر ﷺ بر اساس پیروی آنها از او نیز وجود دارد.

﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبُثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و نزدیک بود کافران از روی دشمنی، تو را از میان خویش برانند و از مکه اخراج کنند، اما الله آنها را از اخراج تو بازداشت تا آن گاه که به فرمان پروردگارت هجرت کردی، و اگر تو را اخراج می کردند پس از اخراج تو جز زمان اندکی باقی نمی ماندند.

﴿سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا نَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۷].

﴿۷۷﴾ این حکم که پس از تو جز زمان اندکی باقی نمی ماندند، سنت جاری شده الله در رسولان پیش از توست، یعنی هر رسولی که قومش او را از میان خویش اخراج کردند الله عذاب را بر آنها فرو فرستاد، و - ای رسول - هیچ تغییری برای سنت ما نخواهی یافت، بلکه آن را ثابت و جاری خواهی یافت.

﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ [الإسراء: ۷۸].

﴿۷۸﴾ نماز را با برپایی آن به کامل ترین وجه در اوقاتش از زوال خورشید در میان آسمان، که نماز ظهر و عصر را شامل می شود، تا تاریکی شب، که نماز مغرب و عشاء را دربردارد، برپادار، و نماز فجر را برپادار و قرائت را در آن طولانی کن، زیرا فرشتگان شب و فرشتگان روز در نماز صبح حاضر می شوند.

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا﴾ [الإسراء: ۷۹].

﴿۷۹﴾ و - ای رسول - شب برخیز و پاسی از آن نماز بگزار تا نماز تو باعث بالا بردن درجات باشد، در طلب اینکه پروردگارت در روز قیامت تو را شفاعتگری برای مردم از مناظر هولناک روز قیامت برانگیزد، و شفاعت عظمی را که نخستینیان و پسینیان آن را می ستایند داشته باشی.

﴿وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا﴾ [الإسراء: ۸۰].

﴿۸۰﴾ و - ای رسول - بگو: پروردگارا، تمام ورود و خروج های مرا در طاعت و بر رضایت خودت قرار بده، و از جانب خویش حجتی آشکار برابم قرار بده که با آن مرا در برابر دشمنم یاری رسانی.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾ [الإسراء: ۸۱].

۸۱) و - ای رسول - به این مشرکان بگو: اسلام آمد، و پیروزی الله که آن را وعده داده بود تحقق یافت، و شرک و کفر از بین رفت، به راستی که باطل از بین رفتنی و نابودشدنی است و در برابر حق دوام نمی آورد.

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [الإسراء: ۸۲].

۸۲) و از قرآن آنچه را که مایه درمان جهل و کفر و تردید دل هاست، و آنچه را که مایه درمان بدن هاست آن گاه که با آن دعا شود، و آنچه را که مایه رحمت برای مؤمنان عامل به آن است فرو می فرستیم، اما این قرآن برای کافران جز نابودی نمی افزاید؛ زیرا شنیدن قرآن آنها را خشمگین می سازد، و بر تکذیب و رویگردانی آنها از قرآن می افزاید.

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا﴾ [الإسراء: ۸۳].

۸۳) و چون به انسان نعمتی مانند سلامتی و ثروت ارزانی داریم از شکر و طاعت الله روی می گرداند، و بسیار دور می گردد، و چون آسیبی مانند بیماری یا فقر به او برسانیم از رحمت الله بسیار نومید و مأیوس می گردد.

﴿قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۸۴].

۸۴) ای رسول - بگو: هر انسانی بر روش خویش که به حال او در هدایت و گمراهی شباهت دارد عمل می کند، و پروردگارتان بهتر می داند که چه کسی به سوی حق هدایت یافته تر است.

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الإسراء: ۸۵].

۸۵) و - ای رسول - کفار اهل کتاب در مورد حقیقت روح از تو می پرسند، به آنها بگو: حقیقت روح را کسی جز الله نمی داند، و به شما و تمام مخلوقات جز اندکی از علم در مقایسه با علم الله سبحانه داده نشده است.

﴿وَلَئِن شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا﴾ [الإسراء: ۸۶].

۸۶) و - ای رسول - اگر بردن آنچه را که از وحی بر تو نازل کرده ایم با محو آن از سینه ها و کتابها بخواهیم به طور قطع آن را می بریم، آن گاه هیچ کس را نمی یابی که تو را یاری رساند و بازگرداندن آن را برعهده بگیرد.

برخی فواید آیات:

- آیات فوق دلالت دارد بر نیاز شدید بنده به اینکه الله او را ثابت قدم کند، و اینکه سزاوار است همیشه در برابر پروردگارش اظهار فروتنی کند تا او را بر ایمن استوار گرداند.
- با ظهور حق باطل از بین می‌رود، و باطل فقط در زمان‌ها و مکان‌هایی برتری می‌یابد که پیروان حق تنبلی می‌کنند.
- شفایی که قرآن دربردارد اعم است از شفای دل‌ها از شبهات، جهالت، نظرات فاسد، زشتی انحراف، و اهداف پلید.
- آیات فوق، دلالت دارد بر اینکه اگر از کسی در مورد امری که مصلحت پرسشگر در آن نیست سوال شود بهتر است که از دادن پاسخ خودداری کند، و پرسشگر را به امور مورد نیاز و سودمند راهنمایی و هدایت کند.

﴿إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا﴾ [الإسراء: ۸۷].

۸۷) اما به سبب رحمتی از جانب پروردگارت آن را نبردیم و محفوظ نگه داشتیم، همانا لطف پروردگارت بر تو بسیار بزرگ بود که تو را رسول و خاتم پیامبران قرار داد و قرآن را بر تو فرو فرستاد.

چون مشرکان ادعا می کردند که این قرآن از جنس سخن بشر است، و تبدیل آن را پیشنهاد می دادند الله آنها را با آوردن مانند قرآن به مبارزه طلبید، و فرمود:

﴿قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِجْنُ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾ [الإسراء: ۸۸].

۸۸) - ای رسول - بگو: اگر تمام انسان ها و جن ها جمع شوند تا مانند این قرآن نازل شده بر تو را از نظر بلاغت، و حسن نظم، و فصاحت سخنش بیاورند، هرگز نمی توانند مانند آن را بیاورند، هر چند یاور و پشتیبان یکدیگر باشند.

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾ [الإسراء: ۸۹].

۸۹) و در این قرآن هرگونه اندرز و عبرت و امر و نهی و قصص پندآمیز را برای مردم بیان کردیم به این هدف که ایمان بیاورند، اما بیشتر مردم فقط قرآن را انکار و بر آن اعتراض می کنند.

مشرکان چون در این مبارزه ناتوان ماندند پیشنهاداتی به قرار ذیل برای ناتوان کردن رسول الله ارائه دادند:

﴿وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا﴾ [الإسراء: ۹۰].

۹۰) مشرکان گفتند: هرگز به تو ایمان نمی آوریم تا اینکه چشمه ای جاری که نخشکد از سرزمین مکه برایمان بیرون آوری.

﴿أَوْ تَكُونْ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّجِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا﴾ [الإسراء: ۹۱].

۹۱) یا باغی با درختان زیاد داشته باشی، و ورودهای فراوانی در آن جاری باشند.

﴿أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۹۲].

۹۲) یا - چنان که بیان کردی - از آسمان پاره ای از عذاب بر ما فرود آید، یا الله و فرشتگان را آشکارا بیاوری تا به صحت ادعای تو گواهی دهند.

﴿أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرِفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ لِرُؤْيَاكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۹۳].

۹۳ یا خانه‌ای آراسته به طلا و سایر لوازم زینتی داشته باشی، یا در آسمان بالا روی، و حتی اگر به آسمان بالا روی هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم که فرستاده‌ای هستی مگر اینکه کتابی نوشته شده از جانب الله فرود آوری که در آن بخوانیم تو فرستاده الله هستی. - ای رسول - به آنها بگو: پروردگارم منزّه است! آیا من جز انسانی فرستاده شده مانند سایر رسولان هستم، که مالک هیچ چیز نیستم، پس چگونه می‌توانم موارد پیشنهادی شما را بیاورم؟!

﴿وَمَا مَعَ النَّاسِ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۹۴].

۹۴ و هیچ چیز کافران را از ایمان به الله و رسولش، و عمل به آنچه رسول آورده است باز نداشت مگر اعتراض آنها به اینکه رسول از جنس بشر است، آن‌گاه که برای اعتراض گفتند: آیا الله رسولی از جنس بشر به سوی ما برانگیخته است؟!

﴿قُلْ لَوْ كَانِ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا﴾ [الإسراء: ۹۵].

۹۵ - ای رسول - در پاسخ به آنها بگو: اگر فرشتگانی بر روی زمین بودند که همانند شما در آن سکونت می‌کردند و آرام و مطمئن راه می‌رفتند به‌طور قطع رسولی فرشته از جنس خودشان به سوی آنها می‌فرستادیم؛ زیرا او می‌توانست رسالت خود را برای‌شان بفهماند، چون خردمندانه نیست که رسولی از جنس بشر به سوی فرشتگان فرستاده شود، و حال شما نیز چنین است.

﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾ [الإسراء: ۹۶].

۹۶ - ای رسول - بگو: الله برای گواهی میان من و شما در اینکه من فرستاده‌ای به سوی شما هستم، و اینکه آنچه را با آن به سوی شما فرستاده شده‌ام برای‌تان رساندم، کافی است؛ زیرا او تعالی به احوال بندگانش احاطه دارد، و ذره‌ای از احوال‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و تمام امور نهان در نفس‌های‌تان را می‌بیند.

برخی فواید آیات:

- الله به هدف اینکه مردم ایمان بیاورند از هر پند و عبرت و امر و نهی و قصه‌ای پندآمیز در قرآن بیان فرموده است.
- قرآن کریم کلام الله و معجزه جاویدان پیامبر ﷺ است، و هیچ کس نمی‌تواند مانند آن را بیاورد.
- از مظاهر رحمت الله بر بندگانش این است که انسانی از میان خودشان به‌سوی آنها می‌فرستد، زیرا انسان‌ها توان فراگیری از فرشتگان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را ندارند.
- یکی از موارد گواهی الله بر رسولش، آیاتی است که او را با آنها تقویت می‌کند، و در برابر دشمنان به او یاری می‌رساند.

﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِّيًّا وَبُكْمًا وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا﴾
[الإسراء: ۹۷].

﴿۹۷﴾ و هرکس که الله به او توفیق هدایت دهد او هدایت یافته واقعی است، و کسانی را که از هدایت محروم گرداند و گمراه سازد - ای رسول - هرگز برای شان کارسازانی نخواهی یافت که آنها را به حق هدایت کنند، و آسیب را از آنها برطرف سازند، و منفعتی برای شان جلب کنند، و در روز قیامت آنها را افتاده بر روی چهره های شان درحالی که نمی بینند و سخن نمی گویند و نمی شنوند گرد می آوریم. جایگاهشان که به آن پناه می برند جهنم است، و هرگاه شعله اش آرام گیرد آن را شعله ورت می سازیم.

﴿ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرِفَاتًا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾ [الإسراء: ۹۸].

﴿۹۸﴾ این عذاب که با آن مواجه می شوند مجازات آنهاست به سبب کفرشان به آیات نازل شده ما بر رسولمان، و به سبب این سخن آنها برای بعیدپنداشتن رستاخیز که گفتند: آیا وقتی مُردیم و استخوان هایی پوسیده، و اجزایی ریز ریز شدیم آیا پس از این دوباره آفریده می شویم؟
چون آنچه را برای انکار رستاخیز به آن استناد می کردند بیان کردند الله این گونه به آنها پاسخ داد:

﴿* أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا﴾ [الإسراء: ۹۹].

﴿۹۹﴾ آیا این منکران رستاخیز ندانسته اند الله که آسمان ها و زمین را با وجود بزرگی شان آفرید می تواند مانند آنها را بیافریند، زیرا کسی که می تواند مخلوق بزرگ را بیافریند بر آفریدن کوچکتر، قطعاً تواناست، و الله در دنیا زمانی مشخص برای شان قرار داده است که زندگی شان در آن پایان می یابد، و سر رسیدی برای برانگیختن شان تعیین کرده که هیچ تردیدی در آن نیست، اما با وجود ظهور و روشن شدن دلایل رستاخیز، مشرکان جز سر انکار رستاخیز را ندارند.

﴿قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَنُورًا﴾ [الإسراء: ۱۰۰].

۱۰۰ - ای رسول - به این مشرکان بگو: اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم که تمام نمی‌شود و پایان نمی‌یابد می‌بودید، به‌طور قطع از ترس اینکه مبادا تمام شود و شما فقیر شوید از انفاق آن خودداری می‌کردید، و انسان به صورت طبیعی بخیل است مگر اینکه مؤمن باشد، که به امید پاداش الله انفاق می‌کند.

چون پیامبر با تکذیب مشرکان مواجه شد برای دادن آرامش به او، قصه موسی عليه السلام با فرعون و قومش برایش آمد، و فرمود:

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَاسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا﴾ [الإسراء: ۱۰۱].

۱۰۱ و به تحقیق برای موسی نه دلیل آشکار که به صدق رسالتش گواهی می‌داد عطا کردیم، یعنی عصا و دست و خشکسالی، و کمبود در میوه‌ها و طوفان و ملخ و کنه و قورباغه‌ها و خون؛ پس - ای رسول - از یهود بپرس آن‌گاه که موسی عليه السلام این آیات را برای پیشینیان آنها آورد، و فرعون به او گفت: - ای موسی - به تحقیق که تو را مردی سحرشده می‌پندارم، زیرا امور شگفتی آورده‌ای.

﴿قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُ مَا أُنزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا﴾ [الإسراء: ۱۰۲].

۱۰۲ موسی در پاسخ گفت: - ای فرعون - به یقین می‌دانی که این آیات را جز الله پروردگار آسمان‌ها و زمین فرو نفرستاده است، که آنها را برای دلالت بر قدرت خویش و بر راستگویی رسولش فرو فرستاده است، اما تو انکار کردی، و - ای فرعون - به یقین می‌دانم که تو نابودشده و زیان‌کار هستی.

﴿فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَعْرِفْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا﴾ [الإسراء: ۱۰۳].

۱۰۳ آن‌گاه فرعون خواست که موسی عليه السلام و قومش را با اخراج از مصر مجازات کند، پس او و لشکریان همراهش، همگی را غرق و نابود کردیم.

﴿وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا﴾ [الإسراء: ۱۰۴].

﴿۱۱۴﴾ و پس از نابودی فرعون و لشکریانش، به بنی اسرائیل گفتیم: در سرزمین شام ساکن شوید، و چون روز قیامت فرا رسد همگی شما را برای حسابرسی به سوی محشر گرد می آوریم.

برخی فواید آیات:

- فقط الله هدایت و گمراه می سازد، پس هرکس را که هدایت گرداند واقعا هدایت یافته است، و هرکس که الله او را گمراه سازد و دست از یاری اش بکشد هیچ هدایتگری ندارد.
- پناهگاه و جایگاه و مقام کافران جهنم است، و هرگاه آتش جهنم آرام گیرد الله بر آتش آن می افزاید آن گاه شعله ور می شود.
- وجوب متوسل شدن به الله هنگام تهدید ستمکاران و زورگویان.
- ستمکاران و زورگویان هنگام رویارویی با پیروان حق به استفاده از زور و قدرت پناه می برند؛ زیرا نمی توانند با دلیل و بیان با آنها روبرو شوند.

﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ و این قرآن را به حق بر محمد ﷺ نازل کردیم، و به حق و بدون تبدیل و بدون تحریف بر او نازل شد، و - ای رسول - تو را جز بشارت‌دهنده‌ای به بهشت برای پرهیزکاران، و بیم‌دهنده‌ای از جهنم برای کافران و گناهکاران نفرستادیم.

﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾ [الإسراء: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ و آن را قرآنی همراه با تفصیل و توضیح فرو فرستادیم تا آن را به‌طور واضح و با ثانی بر مردم بخوانی؛ زیرا این کار برای فهمیدن و اندیشیدن بهتر است، و آن را بر اساس حوادث و احوال به تدریج و بخش‌بخش نازل کردیم.

﴿قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ يَجِرُونَ لِالَّذِقَانِ سَجْدًا﴾ [الإسراء: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ - ای رسول - بگو: اگر به قرآن ایمان بیاورید، ایمان شما ذره‌ای بر آن نمی‌افزاید، یا اگر به آن ایمان نیاورید، کفر شما ذره‌ای از آن نمی‌کاهد، همانا کسانی که کتاب‌های آسمانی پیشین را خوانده‌اند، و وحی و نبوت را شناخته‌اند وقتی قرآن بر آنها خوانده شود از روی شکر در برابر الله بر روی چهره به سجده می‌افتند.

﴿وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا﴾ [الإسراء: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ و در سجده‌های‌شان می‌گویند: پروردگار ما، از خُلفِ وعده منزه است، پس بعثت محمد ﷺ را که وعده داده است واقع شد، به‌راستی که وعدهٔ پروردگار ما بر این امر و سایر موارد بدون تردید واقع‌شدنی است.

﴿وَيَخِرُونَ لِالَّذِقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ [الإسراء: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ و بر صورت‌های‌شان در برابر الله به سجده می‌افتند درحالی‌که از ترس او می‌گریند، و شنیدن قرآن و تدبیر در معانی آن بر فروتنی آنها در برابر الله و ترسیدن آنها از او می‌افزاید.

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا﴾ [الإسراء: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ - ای رسول - به هرکس که بر این دعای تو که می‌گویی: (یا الله، یا رحمن) اعتراض می‌کند بگو: الله و رحمن، دو نام از نام‌های نیکوی او سبحانه هستند پس با

هر یک از این دو یا سایر نام‌های نیکویش او را بخوانید، زیرا او - سبحانه - اسم‌های نیکی دارد، و این دو از جمله آنهاست، پس با این دو نام یا سایر اسم‌های نیکویش او را بخوانید، و قرائت در نماز را با صدای بلند بخوان تا مشرکان آن را بشنوند، و آن را پنهانی نیز بخوان تا مؤمنان آن را نشنوند، و راهی میانه، بین این دو بجوی.

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَاوِيٌّ مِنَ الذَّلَّةِ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا﴾ [الإسراء: ۱۱۱].

ﷻ و - ای رسول - بگو: ستایش مخصوص الله است که سزاوار تمام ستایش‌هاست، از فرزند، و از شریک منزله است، پس هیچ شریکی در فرمانروایی خویش ندارد، و هیچ خواری و ذلتی به او نمی‌رسد، پس به کسی نیازی ندارد که او را یاری رساند و تقویت کند، و او را بسیار بزرگ شمار، یعنی نه فرزندی و نه شریکی در فرمانروایی و نه یآوری مدد رسان به او نسبت نده.

سوره الکهف

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان روش تعامل در مواجهه با فتنه‌ها، و ذکر نمونه‌هایی از آن.

تفسیر:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾ [الکهف: ۱].

ﷻ ستایش با صفات کمال و جلال، و با نعمت‌های آشکار و نهان، فقط از آن الله است که قرآن را بر بنده و رسولش محمد ﷺ فرو فرستاد، و هیچ کجی و انحرافی از حق برای این قرآن قرار نداد.

﴿قَيِّمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِمَّنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا﴾ [الکهف: ۲].

ﷻ بلکه آن را مستقیم و بدون تناقض و اختلاف قرار داد؛ تا کافران را از عذابی سخت از جانب الله که در انتظارشان است بترساند، و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند مزده دهد که پاداشی نیکو و بی‌همتا برای‌شان است.

﴿مَا كَثِيرٌ فِيهِ أَيْدًا﴾ [الكهف: ۳].

❗ که همیشه در این پاداش می‌مانند، و هرگز از آنها جدا نمی‌شود.

﴿وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا﴾ [الكهف: ۴].

❗ و به این هدف که یهود و نصاری و برخی مشرکان را که گفتند: الله فرزندی گرفته است، بترساند.

برخی فواید آیات:

- الله قرآن را دربردارنده حق و عدالت و شریعت و حکم برتر فرو فرستاده است.
- جواز گریه از ترس الله تعالی در نماز.
- دعا یا قرائت در نماز باید متوسط، و میان جهر و خفیه انجام شود.
- قرآن کریم هر عمل صالحی را که منجر به شادی نفس و شادابی روح می‌شود، دربردارد.

﴿مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا﴾ [الکھف: ۵].

⑤ نه خود این افترا زندگان هیچ دانش یا دلیلی برای نسبت دادن فرزند به الله که ادعا می کنند دارند، و نه پدران شان که از آنها تقلید کردند در این مورد هیچ دانشی داشتند، این کلمه که بدون تفکر از دهان های شان خارج می شود بسیار زشت است، و جز سخن دروغی که هیچ اساس و مستندی ندارد نمی گویند.

﴿فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾ [الکھف: ۶].

⑥ و - ای رسول - شاید از اندوه و افسوس اینکه به این قرآن ایمان نیاورند خودت را نابود کنی، پس چنین نکن، زیرا هدایت آنها بر عهده تو نیست، و وظیفه تو فقط ابلاغ است.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [الکھف: ۷].

⑦ به راستی که ما مخلوقات روی زمین را مایه زیبایی آن قرار دادیم تا آنها را بیازماییم که کدامیک از آنها نیکوترین عملی که الله را راضی می سازد، و کدامیک از آنها بدترین عمل را انجام می دهد، تا هر یک را به آنچه که سزاوارش است جزا دهیم.

﴿وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا﴾ [الکھف: ۸].

⑧ و در حقیقت ما مخلوقاتی را که بر روی زمین است به خاکی بدون گیاه تبدیل خواهیم نمود، این امر پس از پایان زندگی مخلوقات روی زمین صورت می گیرد، پس باید از آن عبرت بگیرند.

﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا﴾ [الکھف: ۹].

⑨ - ای رسول - گمان مکن که قصه اصحاب کهف، و لوح آنها که نام های شان در آن نوشته شده است از آیات شگفت ما هستند، بلکه سایر آیات ما مانند آفرینش آسمان ها و زمین شگفت تر هستند.

﴿إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ [الکھف: ۱۰].

⑩ - ای رسول - به یاد آور آن گاه که جوانان مؤمن در حال فرار به خاطر دین شان پناه جستند، و در دعای شان به پروردگار خویش گفتند: پروردگارا، از جانب خود

رحمتی به ما عطا کن، یعنی گناهانمان را بیامرز، و ما را از دشمنانمان نجات بده، و از هجرت از کفار و ایمان، هدایتی به راه حق و راستی بر ایمان قرار بده.

﴿فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا﴾ [الکھف: ۱۱].

﴿۱۱﴾ بعد از حرکت و پناه آوردن آنها به غار بر گوش‌هایشان پرده‌ای از شنیدن صداها زدیم، و سال‌های زیادی خواب را بر آنها افکندیم.

﴿ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا﴾ [الکھف: ۱۲].

﴿۱۲﴾ سپس بعد از خواب طولانی‌شان آنها را بیدار ساختیم تا - آشکارا - بدانند کدامیک از دو گروه متنازع درباره مدت ماندن‌شان در غار، به مقدار آن مدت آگاه‌تر است.

﴿مَنْ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ [الکھف: ۱۳].

﴿۱۳﴾ - ای رسول - ما تو را بر سرگذشت آنها با سخن راستی که هیچ تردیدی به همراه ندارد آگاه می‌سازیم، آنها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند، و به طاعت او تعالی عمل کردند، و بر هدایت و استواری آنها بر حق افزودیم.

﴿وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا﴾ [الکھف: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و دل‌های‌شان را با ایمان و ثبات بر آن، و شکیبایی بر هجرت وطن، تقویت کردیم آن‌گاه که در مقابل پادشاه کافر ایستادند و ایمان‌شان را به یگانگی الله اعلام کردند، و به او گفتند: پروردگار ما که به او ایمان آوردیم و او را عبادت می‌کنیم همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است، و هرگز غیر او معبودهای ادعایی دروغین را عبادت نخواهیم کرد، که - اگر غیر او را عبادت کنیم - به تحقیق که سخنی ستمکارانه و دور از حق گفته‌ایم.

﴿هُؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِم بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ [الکھف: ۱۵].

﴿۱۵﴾ سپس به یکدیگر روی آوردند و گفتند: این قوم ما به جای الله معبودهایی گرفته اند که آنها را عبادت می‌کنند، درحالی‌که بر عبادت‌شان برهان آشکاری ندارند، پس هیچ‌کس ستمکارتر از کسی نیست که با نسبت دادن شریک به الله بر او تعالی دروغ بزند.

برخی فواید آیات:

- وظیفه دعوتگر به سوی الله، تبلیغ و تلاش با نهایت توان و توکل بر الله است، پس اگر هدایت یافتند که بسیار خوب، و گرنه دعوتگر نباید اندوهگین شود و افسوس بخورد.
- آگاهی از مدت ماندن اصحاب کهف، سبب دقت در حساب، و شناخت قدرت و حکمت و رحمت کامل الله تعالی است.
- آیات فوق، بر فرار به خاطر دین و هجرت از خانواده و فرزندان و خویشاوندان و دوستان و سرزمین و اموال به خاطر ترس از فتنه، دلالت صریحی دارند.
- ضرورت اهتمام به تربیت جوانان؛ زیرا آنها دل پاک‌تر و شجاع‌تر هستند، و قیام مردم بر آنها استوار است.

﴿وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا﴾ [الكهف: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و چون از قوم‌تان کناره گرفتید، و آنچه را که به جای الله عبادت می‌کنند رها کردید، جز الله یگانه را عبادت نکنید، پس برای فرار به خاطر دین‌تان به غار پناه برید تا پروردگارتان از رحمت خویش بر شما بگستراند که شما را از دشمنان‌تان محافظت و حمایت کند، و در عوض زندگی میان قوم‌تان، در کارهای‌تان سهولت و گشایشی فراهم آورد که برایتان مفید و سودمند باشد.

﴿* وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَن يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا﴾ [الكهف: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پس آنچه را به آن فرمان یافته بودند اجرا کردند، و الله آنها را به خواب بُرد، و آنها را از دشمن‌شان محافظت کرد، و - ای بیننده - خورشید را می‌بینی که وقتی از محل طلوع خویش برمی‌آید از سمت راست داخل غارشان مایل است، و چون هنگام غروبش فرود آید از سمت چپ آن عقب می‌نشیند یعنی به آن اصابت نمی‌کند، در نتیجه آنها در سایه‌ای همیشگی هستند که گرمای خورشید آنها را اذیت نمی‌کند، و در محل فراخی از غار قرار دارند که هوای مورد نیاز به آنها می‌رسد، این پناه‌بردن‌شان به غار، و افکندن خواب بر آنها، و انحراف خورشید از آنها، و فراخی مکان‌شان و نجات‌یافتن آنها از قوم‌شان که برای‌شان حاصل شد: از شگفتی‌های کار الله است که بر قدرت او تعالی دلالت دارد، هرکس را که الله به راه هدایت توفیق دهد هدایت‌یافته واقعی است، و هرکس را که الله از راه هدایت محروم گرداند و او را گمراه سازد هرگز برای او یابوری نخواهی یافت تا او را به هدایت توفیق دهد، و به آن راهنمایی کند؛ زیرا هدایت به دست الله است، و به دست شخص نیست.

﴿وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا﴾ [الكهف: ۱۸].

﴿۱۸﴾ - ای بیننده - به خاطر بازبودن چشمان‌شان گمان می‌کنی که بیدار هستند، اما در واقع در خوابند، و آنها را در خواب گاهی به راست و گاهی به چپ می‌گردانیم

تا زمین بدن‌های‌شان را نخورد، و سگشان که همراهشان است دو دستش را در آستانه غار گشوده است، اگر بر آنها اطلاع می‌یافتی و آنها را مشاهده می‌کردی به طور قطع از ترس در حال فرار از آنها پشت می‌کردی، و نفست از وحشت از آنها لبریز می‌شد.

﴿وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا﴾
[الکھف: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و به مانند آنچه از عجایب قدرتمان که بر آنها انجام دادیم و بیان کردیم پس از مدتی طولانی آنها را بیدار کردیم تا در مورد مدتی که در غار در حال خواب ماندند از یکدیگر بپرسند، آن‌گاه یکی از آنها پاسخ داد: یک روز یا بخشی از یک روز را در حال خواب مانده‌ایم، و یکی از آنها که مدت ماندن‌شان در حال خواب برایش آشکار نشده بود پاسخ داد: پروردگارتان به مدت ماندن‌تان در حال خواب آگاه‌تر است، پس علم آن را به او واگذارید، و به سر و سامان‌تان مشغول شوید، یعنی یکی از میان خودتان را با پول‌های نقره‌ای‌تان به شهر شناخته‌شده‌تان بفرستید، تا بنگرد کدام یک از ساکنانش غذا و محل کسب پاکیزه‌تری دارد، و در ورود و خروج و هنگام معامله دقت به خرج دهد، و هوشیار باشد، و مراقب باشد که هیچ‌کس از مکان شما آگاه نشود؛ زیرا این کار زیان بزرگی در پی دارد.

﴿إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا﴾
[الکھف: ۲۰].

﴿۲۰﴾ زیرا اگر قوم‌تان بر شما اطلاع یابند و مکان‌تان را بدانند با سنگسار شما را می‌کشند، یا شما را به آیین منحرفشان که قبل از اینکه الله با هدایت به دین حق بر شما منت نهد بر آن بودید بازمی‌گردانند، و اگر به آن بازگردید هرگز رستگار نخواهید شد، نه در زندگی دنیا و نه در آخرت؛ بلکه به سبب اینکه دین حق را که الله شما را به آن هدایت کرد ترک کنید، و به آن آیین منحرف بازگردید، در دنیا و آخرت زیان بزرگی خواهید کرد.

برخی فواید آیات:

- الله تعالی به حکمت و قدرت خویش، اصحاب کهف را به آن اندازه که زمین بدن های شان را فاسد نکند بر پهلوهای شان به راست و چپ می گرداند. این امر آموزشی از جانب الله برای بندگانش است.
- جواز بکارگیری سگ برای شکار، پاسبانی و سایر موارد ضروری.
- بهره برداری انسان از همنشینی با نیکان و درآمیختن با صالحان حتی اگر جایگاه پایین تری از آنها داشته باشد، چنان که یاد سگ به این دلیل که همنشین اهل فضل بود ماندگار شد.
- آیات فوق بر مشروعیت وکالت، و رفتار خوب و نرم با مردم دلالت دارند.

﴿وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا﴾ [الکھف: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و همان گونه که این کارهای شگفت دالت کننده بر قدرتمان، یعنی به خواب فروبردن آنها در سال‌هایی طولانی، و بیدارکردن‌شان پس از خواب طولانی را با آنها انجام دادیم، ساکنان شهرشان را از حال‌شان آگاه کردیم تا بدانند وعدهٔ الله به پیروزی مؤمنان و رستاخیز حقیقت است، و قیامت بدون تردید آمدنی است، پس آن‌گاه که کار اصحاب کهف بر آنها آشکار شد و اصحاب کهف مُردند کسانی که از حال‌شان آگاهی یافته بودند گفتند: در مورد آنها چه کاری انجام دهند؟ گروهی از آنها گفتند: بر آستانهٔ غارشان دیواری بنا کنید تا آنها را ببوشاند و محافظت کند، پروردگارشان به حال آنها آگاه‌تر است؛ زیرا حال و سرگذشت آنها اقتضا می‌کند که خصوصیتی نزد او تعالی داشته باشند. و افراد بانفوذی که هیچ دانش و دعوت صحیحی نداشتند گفتند: به‌طور قطع برای گرامی داشتن آنها و یادآوری جایگاه‌شان بر این مکان مسجدی برای عبادت خواهیم ساخت.

﴿سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءَ ظَاهِرٍ وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الکھف: ۲۲].

﴿۲۲﴾ به زودی برخی از کسانی که دربارهٔ قصهٔ اصحاب کهف به گفتگو می‌پردازند در مورد تعداد آنها خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمی آنها سگشان بود، و برخی می‌گویند: پنج تن بودند که ششمی آنها سگشان بود، و هرچه هر دو گروه گفته‌اند فقط به پیروی از گمان و بدون دلیل است، و برخی از آنها می‌گویند: هفت تن بودند که هشتمی آنها سگشان بود، - ای رسول - بگو: پروردگارم به تعداد آنها آگاه‌تر است، شمارشان را جز اندکی از کسانی که الله آنها را از آن آگاه کرده است نمی‌داند، پس نه در مورد تعدادشان و نه در مورد سایر احوال‌شان با اهل کتاب و غیر آنها جز به جدالی ظاهری و بدون عمق نپرداز. یعنی به آنچه در مورد آنها بر تو وحی شده است اکتفا کن، و در مورد جزئیات کارشان از هیچ‌یک از آنها نپرس، زیرا به این امر آگاه نیستند.

﴿وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا﴾ [الکھف: ۲۳].

۳۱ و - ای پیامبر - هرگز برای چیزی که می‌خواهی فردا انجام دهی نگو: من این کار را فردا انجام می‌دهم؛ زیرا نمی‌دانی که آن را انجام می‌دهی یا اینکه بین تو و بین آن کار حایل ایجاد می‌شود؟ این راهنمایی برای همه مسلمانان است.

﴿إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنَّ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا﴾ [الکھف: ۲۴].

۳۲ مگر انجام کار آن را بر اراده‌ی الله معلق کنی به این نحو که بگویی: - ان شاء الله - فردا آن را انجام خواهم داد، و این‌گونه پروردگارت را یاد کن: ان شاء الله - اگر فراموش کردی که این عبارت را بگویی - بگو: امیدوارم که پروردگارم مرا به کاری که از این کار به هدایت و توفیق نزدیکتر است راهنمایی کند.

﴿وَلْيَبُتُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا﴾ [الکھف: ۲۵].

۳۳ و اصحاب کهف سیصد و نه سال در غارشان ماندند.

﴿قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرُ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾ [الکھف: ۲۶].

۳۴ - ای رسول - بگو: الله به آنچه در غارشان ماندند آگاه‌تر است، و ما را از مدت ماندنشان در آن باخبر ساخته است، پس برای هیچ‌کس پس از قول او سبحانه قولی نمی‌ماند، آفرینش و علم آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین نهان است فقط از آن او سبحانه است، چه بیناست او سبحانه! که همه چیز را می‌بیند، و چه شنواست! که هر چیزی را می‌شنود، غیر از او هیچ دوستی ندارند که کارشان را برعهده بگیرد، و هیچ‌کس را در حکم خویش شریک نمی‌گرداند، زیرا فقط او در حکم کردن یگانه است.

وقتی الله سبحانه بیان کرد که حکم فقط برای اوست به رسولش فرمان داد تا احکام پروردگارش را که بر او وحی شده است تلاوت و پیروی کند، آن‌گاه فرمود:

﴿وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ [الکھف: ۲۷].

۳۵ و - ای رسول - آنچه را الله از قرآن برایت وحی کرده است بخوان و به آن عمل کن، که کلماتش را تغییردهنده‌ای نیست؛ زیرا تمام آن راست، و تمام آن عدل

است، و غیر از او سبحانه هیچ پناهگاهی نمی‌یابی که به آن پناه ببری، و غیر از او هیچ موضع مستحکمی نیست که به آن روی آوری.

برخی فواید آیات:

- ساختن مساجد بر روی قبور، نماز خواندن در آنها، و ساختن بنا بر روی قبرها؛ در شریعت اسلام جایز نیست.
- در این قصه اقامه حجت بر قدرت الله بر حشر و برانگیختن بدن‌ها از قبرها و حسابرسی صورت گرفته است.
- آیات فوق بر این امر دلالت دارند که جدال پسندیده، جدال با نیکوترین روش است.
- سنت و ادب شرعی می‌طلبد که امور آینده به اراده‌ی الله تعالی معلق شود.

﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾ [الكهف: ۲۸].

﴿۲۸﴾ همنشینی با کسانی که پروردگارش را در آغاز و پایان روز مخلصانه به عبادت و مسألت می‌خوانند بر خودت لازم گردان، و دیدگانت را از آنها نگردان، که همنشینی با ثروتمندان و اشراف را بخواهی، و از کسی که قلبش را مهر زده‌ایم و از یادمان غافل گردانیده‌ایم، که تو را به راندن فقرا از مجلست امر می‌کند، و پیروی از هوای نفسش را بر طاعت پروردگارش مُقَدَّم می‌کند، و اعمالش تباه شده است اطاعت نکن.

﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُعَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾ [الكهف: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و - ای رسول - به این غافلان از یاد الله بگو: آنچه برای‌تان آورده‌ام حق، و از جانب الله است نه از جانب خودم، و من اجابت‌کننده درخواست‌تان نیستم که مؤمنان را برانم، پس هر یک از شما که ایمان به این حق را بخواهد به آن ایمان آورد، و به‌زودی به پاداش آن شاد خواهد شد، و هر یک از شما که کفر به آن را بخواهد کفر ورزد، و به‌زودی به کیفری که در انتظارش است رنجیده خواهد شد، به‌راستی برای کسانی که با انتخاب کفر، بر خودشان ستم کرده‌اند آتشی بزرگ آماده کرده‌ایم که شعله‌هایش مانند دیواری آنها را احاطه می‌کند، پس نمی‌توانند از آن فرار کنند، و اگر از شدت عطشی که با آن روبرو می‌شوند آب بخواهند با آبی مانند روغن چرکی و سوزان یاری می‌شوند، که از شدت گرما صورت‌هایشان را بریان می‌کند، چه نوشیدنی بدی است این نوشیدنی که به آن یاری می‌جویند، چون نه تنها از عطش بی‌نیاز نمی‌سازد بلکه بر آن می‌افزاید، و شعله‌ای را که پوست‌هایشان را می‌سوزاند خاموش نمی‌سازد، و جهنم منزلگاه بدی است که در آن، منزل می‌گزینند، و جایگاه بدی است که در آن اقامت می‌کنند.

الله پس از بیان عذابی که برای ستمکاران آماده کرده است، پاداشی گرامی را که برای مؤمنان آماده ساخته است، بیان فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ [الکھف: ۳۰].

﴿۳۰﴾ همانا کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند و عمل‌شان را نیکو کرده‌اند پاداش بزرگی دارند، به تحقیق که ما پاداش کسی را که کار نیکویی انجام داده است تباه نمی‌کنیم، بلکه مزدهای‌شان را به صورت کامل و بدون کاستی به آنها می‌دهیم.

﴿أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا﴾ [الکھف: ۳۱].

﴿۳۱﴾ اینها که به ایمان و انجام اعمال صالح توصیف شده‌اند، برای اقامت بهشت‌هایی دارند که برای همیشه در آن می‌مانند، و رودهای گوارای بهشت از زیر منازل‌شان جاری است، و با دستبندهایی طلایی در آنجا آراسته می‌شوند، و لباسی سبز از ابریشم نازک و کلفت می‌پوشند. بر تخت‌هایی آراسته با پرده‌هایی زیبا تکیه می‌زنند. پاداش آنها چه پاداش نیکویی است، و بهشت چه منزل و مقام نیکویی است که در آن اقامت می‌کنند.

الله سبحانه پس از بیان جزای ستمکاران و جزای مؤمنان، مثالی برای آن دو جزا آورد، و فرمود:

﴿* وَاصْرَبْ لَهُمْ مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا﴾ [الکھف: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و - ای رسول - دو مرد را مثال بزن: یکی کافر و دیگری مؤمن، که برای کافر دو باغ قرار دادیم، و این دو باغ را با درخت خرما احاطه کردیم، و در فضای خالی این دو باغ کشتزارهایی رویانیدیم.

﴿كَلَّا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْهُمُ أُكُلُهُنَّ وَالْمُتَطَلِّمِ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا﴾ [الکھف: ۳۳].

﴿۳۳﴾ هر یک از این دو باغ میوه‌اش شامل خرما و انگور و کشت را کافی و کامل می‌داد، و چیزی از آن نمی‌کاست، و میان این دو باغ رودی جاری ساختیم تا به آسانی آبیاری شوند.

﴿وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا﴾ [الكهف: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و صاحب دو باغ اموال و میوه‌های دیگری نیز داشت، پس به همنشین مؤمن خویش درحالی که با غرور او را مورد خطاب قرار می‌داد تا در او تاثیر گذارد گفت: من از تو اموال بیشتر، و حامیان نیرومندتر، و قبیله قوی‌تری دارم.

برخی فواید آیات:

- فضیلت همنشینی با نیکان، و مجاهده نفس بر همنشینی و معاشرت با آنها هر چند فقیر باشند؛ زیرا همنشینی با نیکان فواید غیر قابل شمارشی دارد.
- ذکر زیاد همراه با حضور قلب سبب برکت در عمر و زمان است.
- سبب اصلی پاداش و نجات: ایمان و عمل صالح است؛ زیرا الله پاداش دنیا و آخرت را بر این دو امر مترتب کرده است.

﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا﴾ [الکهف: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و کافر همراه مؤمن وارد باغش شد تا آن را به او نشان دهد درحالی که با کفر و خودپسندی به خودش ستم می کرد. کافر گفت: گمان نمی کنم که این باغی که مشاهده می کنی نابود شود؛ چون اسباب بقا را برایش به کار گرفته ام.

﴿وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا﴾ [الکهف: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و گمان نمی کنم که قیامت برپا شود، بلکه فقط زندگی ای مستمر است، و به فرض وقوع قیامت، وقتی برانگیخته شوم و به سوی پروردگارم بازگردم به طور قطع آنچه پس از رستاخیز به آن باز می گردم بهتر از این باغم است، چون ثروتمندی من در دنیا می طلبد که پس از رستاخیز نیز ثروتمند باشم.

﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا﴾ [الکهف: ۳۷].

﴿۳۷﴾ دوست مؤمنش در پاسخ سخن او گفت: آیا به ذاتی که پدرت آدم عليه السلام را از خاک، سپس تو را از منی آفرید، سپس تو را مردی گرداند، و اعضایت را برابر ساخت و تو را کامل کرد کفر ورزیدی، پس ذاتی که بر تمام این امور تواناست بر دوباره زنده ساختن تو نیز قطعاً توانایی دارد.

﴿لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا﴾ [الکهف: ۳۸].

﴿۳۸﴾ اما من مانند این سخن تو نمی گویم، بلکه فقط می گویم: او الله سبحانه پروردگار من است که با نعمت هایش بر ما لطف کرده است، و هیچ کس را در عبادت شریک او نمی گردانم.

﴿وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرِنِ أَنَا قَلَّ مِنكَ مَالًا وَوَلَدًا﴾ [الکهف: ۳۹].

﴿۳۹﴾ چرا وقتی وارد باغت شدی نگفتی: ماشاء الله، هیچ قدرتی برای هیچ کس جز از ناحیه الله نیست؛ زیرا او ذاتی است که آنچه بخواهد انجام می دهد و او تواناست، پس اگر می بینی من از تو فقیرتر و دارای فرزندان کمتری هستم.

﴿فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا﴾ [الكهف: ۴۰].

﴿۴۰﴾ انتظار دارم الله بهتر از باغت به من عطا کند، و عذابی از آسمان بر باغت فرو فرستد، آن گاه آن را به زمینی بدون گیاه و لغزنده تبدیل کند.

﴿أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا﴾ [الكهف: ۴۱].

﴿۴۱﴾ یا آتش را در زمین فرو ببرد آن گاه نتوانی با هیچ وسیله‌ای به آن دست یابی، و اگر آتش از بین برود دیگر بقایی ندارد.

﴿وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا﴾ [الكهف: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و آنچه را مؤمن انتظار می‌کشید واقع شد. چنان که نابودی، میوه‌های باغ کافر را فراگرفت. آن گاه کافر از شدت حسرت و پشیمانی بر اموالی که در آبادانی و اصلاح باغ هزینه کرده بود دستانش را بر هم می‌زد، درحالی که باغ بر ستون‌هایش که شاخه‌های درختان انگور بر آن گسترده شده بود فرو ریخته بود، و می‌گفت: کاش به یگانگی پروردگارم ایمان آورده بودم، و هیچ‌کس را در عبادت با او شریک قرار نداده بودم.

﴿وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا﴾ [الكهف: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و این کافر گروهی نداشت تا کیفری را که به او رسیده بود از او بازدارد، درحالی که به گروهش افتخار می‌کرد، و خودش نیز نمی‌توانست نابودی باغش توسط الله را از خود بازدارد.

﴿هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا﴾ [الكهف: ۴۴].

﴿۴۴﴾ و در این موقعیت، یاری فقط از آن الله است، او سبحانه بهترین پاداش برای دوستان مؤمنش است، زیرا پاداش را برای‌شان دوچندان می‌کند، و بهترین سرانجام برای‌شان است.

﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا﴾ [الكهف: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و - ای رسول - برای فریب‌خوردگان به دنیا مثالی بزن، مثال آن از نظر زوال و سپری‌شدن سریع، مانند آب بارانی است که از آسمان فرو فرستیم، آن گاه با این آب

گیاه زمین بروید و برسد، آن گاه این گیاه خشک و شکسته شود، و باد اجزایش را به نواحی دیگر ببرد، و زمین به همان صورت قبلی بازگردد، و الله بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد، پس آنچه بخواهد زنده می‌گرداند، و آنچه بخواهد از بین می‌برد.

برخی فواید آیات:

- مؤمن نباید در برابر شکوه ثروت کافر سست شود، بلکه باید او را به ایمان به الله، و اقرار به یگانگی او، و شکر نعمت‌ها و بخشش‌های الله نصیحت و راهنمایی کند.
- هر کسی که از مال یا فرزند خویش به شگفت آید سزاوار است که نعمت را به بخشنده و افزون‌کننده آن نسبت دهد این‌گونه که بگوید: ماشاءالله، لا قوة إلا بالله (هرچه الله بخواهد، هیچ قدرتی برای هیچ‌کس جز از ناحیه الله نیست).
- هرگاه الله خیری برای بنده بخواهد کیفر او در دنیا را به تعجیل می‌اندازد.
- جواز دعا به تلف شدن مال کسی که مال او سبب طغیان و کفر و زیانش شده است.

﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا﴾ [الكهف: ۴۶].

﴿۶۱﴾ مال و فرزندان از جمله زینت‌های زندگی دنیا هستند، مال در آخرت هیچ نفعی ندارد مگر اینکه در راهی انفاق شود که الله را راضی می‌سازد، و اعمال و سخنان پسندیده نزد الله از تمام زیورهای دنیایی پاداش بهتری دارند، و بهترین چیزی است که انسان آرزو می‌کند؛ زیرا زینت دنیا فانی و پاداش اعمال و سخنان پسندیده، نزد الله جاویدان است.

﴿وَيَوْمَ نُسِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۴۷].

﴿۶۷﴾ و به یاد آور روزی که کوه‌ها را از جای خودشان محو و نابود می‌کنیم، و زمین را به خاطر از بین رفتن کوه‌ها و درختان و بناهایش آشکار می‌بینی، و تمام مخلوقات را گرد می‌آوریم، به گونه‌ای که هیچ‌یک از آنها را جا نمی‌گذاریم مگر اینکه او را دوباره زنده می‌کنیم.

﴿وَعَرِّضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا﴾ [الكهف: ۴۸].

﴿۶۸﴾ و مردم در صف‌هایی بر پروردگارت عرضه می‌شوند آن‌گاه آنها را مورد محاسبه قرار می‌دهد، و به آنها گفته می‌شود: به راستی همان‌گونه که برای بار نخست شما را آفریدیم یکی پس از دیگری و پابرهنه و لخت و ختنه‌نشدۀ نزد ما آمدید، بلکه پنداشتید که هرگز دوباره زنده نخواهید شد و ما زمان و مکانی برای‌تان قرار نخواهیم داد تا شما را در قبال اعمال‌تان در آن زمان و مکان جزا دهیم.

﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ [الكهف: ۴۹].

﴿۶۹﴾ و نامه‌ی اعمال فراهم آورده می‌شود، آن‌گاه برخی نامه‌شان را به دست راست، و برخی آن را به دست چپشان می‌گیرند، و - ای انسان - کافران را می‌بینی که از آنچه در در نامه‌ی اعمالشان وجود دارد بیمناک هستند؛ زیرا از کفر و گناهانی که در آن پیش فرستاده‌اند آگاهند، و می‌گویند: وای که نابود و بدبخت شدیم! این چه کتابی است که

هیچ کوچک و بزرگی از اعمال ما را جا نگذاشته مگر اینکه آن را حفظ کرده و برشمرده است، و گناہانی را که در زندگی دنیایی مرتکب شده‌اند نوشته‌شده و ثبت‌شده می‌یابند، و - ای رسول - پروردگارت بر هیچ کس ستم روا نمی‌دارد، یعنی هیچ کس را بی گناه مجازات نمی‌کند، و ذره‌ای از مزد طاعت فرمان بردار نمی‌کاهد.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾
[الکھف: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن گاه که به فرشتگان گفتیم: برای احترام در برابر آدم سجده کنید. آن گاه همگی برای اجرای فرمان پروردگارشان به سجده افتادند مگر ابلیس که از جن بود و از فرشتگان نبود، پس خودداری کرد و از سجده سر باز زد، و از طاعت پروردگارش خارج شد، - ای مردم - آیا او و فرزندانش را دوستانی انتخاب می‌کنید که آنها را به جای من دوست می‌دارید در حالی که آنها دشمنان شما هستند، پس چگونه دشمنان‌تان را دوستان خود می‌گیرید؟! چه بد و زشت است کار ستمکارانی که به جای دوستی با الله تعالی شیطان را دوستی برای خویش قرار داده‌اند.

﴿* مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ تُتَّخَذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا﴾ [الکھف: ۵۱].

﴿۵۱﴾ اینها که شما آنها را دوستانی به جای من گرفته‌اید بندگانی مثل خودتان هستند، که من آنها را نه در آفرینش آسمان‌ها و نه در آفرینش زمین آن گاه که این دو را آفریدم حاضر نکرده‌ام، بلکه اساساً موجود نبودند، و برخی از آنها را در آفرینش برخی دیگر نیز حاضر نکرده‌ام، زیرا من در آفرینش و تدبیر یگانه هستم، و بر آن نیستم که شیاطین گمراه انس و جن را یاورانی برای خودم قرار دهم، زیرا من از یاوران بی‌نیازم.

﴿وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا﴾ [الکھف: ۵۲].

﴿۵۲﴾ و - ای رسول - روز قیامت را برای‌شان یاد کن آن گاه که الله برای کسانی که در دنیا به او شرک ورزیده‌اند می‌گوید: شریکانم را که ادعا می‌کردید شریکان من

هستند فراخوانید تا به شما یاری رسانند، پس آنها را بخوانند اما به دعای شان پاسخ ندهند و به آنها یاری نرسانند، و میان عبادتگزاران و معبودها نابودکننده‌ای قرار دهیم که در آن مشترک هستند، و آن آتش جهنم است.

﴿وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا﴾ [الکهف: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و مشرکان جهنم را ببینند، آن‌گاه کاملاً یقین پیدا کنند که در آن می‌افتند، و برای فرار از آن، مکانی نیابند که به‌سوی آن بگریزند.

برخی فواید آیات:

- بنده باید نیکی‌هایی که آثار ماندگار دارد زیاد انجام دهد، یعنی هر گفتار یا رفتار نیکی که تا قیامت باقی است.
- بنده باید مناظر هولناک قیامت را به یاد آورد، و برای این روز عمل کند تا از مناظر هولناک آن نجات یابد، و از بهشت و رضایت الله بهره‌مند گردد.
- الله تعالی پدرمان آدم عَلَيْهِ السَّلَام و همهٔ جنس بشری را این‌گونه گرامی داشت که به فرشتگان فرمان داد در آغاز آفرینش آدم در برابر او سجدهٔ احترام و تکریم بگذارند.
- در آیات فوق، بر دشمنی با شیطان تأکید شده است.

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا﴾ [الکهف: ۵۴].

۵۱ و بسیاری از مثالهای گوناگون را در این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ توضیح داده ایم تا عبرت و پند بگیرند، اما از انسان - به خصوص کافر - بیش از هر چیزی، مجادله به ناحق آشکار می‌گردد.

﴿وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأُولَىٰ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا﴾ [الکهف: ۵۵].

۵۲ و میان کافران ستیزه‌جو و ایمان به آنچه محمد ﷺ از جانب پروردگارش آورد، و میان آنها و میان طلب آموزش از الله به خاطر گناهانشان، نقص بیان مانع نشد، زیرا مثال‌ها در قرآن برای‌شان بیان شده است، و دلایل آشکار نزدشان آمده است، بلکه فقط این امر مانع آنها از این امر شد که - با طعنه‌زدن - خواستند عذاب امت‌های پیشین بر آنها واقع شود، و عذابی را که به آنها وعده داده شده بود ببینند.

﴿وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا﴾ [الکهف: ۵۶].

۵۳ و رسولانمان را جز مژده‌دهنده به اهل ایمان و طاعت، و هشداردهنده به اهل کفر و گناه نمی‌فرستیم، و آنها تسلطی بر دل‌ها ندارند که آنها را بر هدایت وادارند، و کسانی که به الله کفر ورزیدند با وجود آشکار بودن دلیل بر آنها با رسولان مجادله می‌کنند؛ تا با باطل خویش حقیقت نازل شده بر محمد ﷺ را از بین ببرند، و قرآن و آنچه را که با آن ترسانده شده‌اند اسباب خنده و استهزا قرار دهند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا﴾ [الکهف: ۵۷].

۵۴ و هیچ‌کس ستمکارتر از آن کسی نیست که به آیات پروردگارش پند داده شود، اما به تهدید با عذابی که در آن است اهمیتی ندهد، و از پندگیری به آن روی گرداند، و کفر و گناهی را که در زندگی دنیایی خویش مرتکب شده فراموش کند و از آنها توبه نکند، به‌راستی ما بر دل‌های کسانی که دارای این صفت هستند

پوشش‌هایی نهاده‌ایم که آنها را از فهم قرآن بازمی‌دارد، و در گوش‌های‌شان کری ای از فهم قرآن قرار داده‌ایم، که آن‌گونه که قبول افتد آن را نمی‌شنوند، و تا زمانی که بر این حالت هستند اگر آنها را به ایمان فراخوانی هرگز نخواهند پذیرفت.

﴿وَرَبُّكَ الْعَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَّ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا﴾ [الکھف: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و به این هدف که پیامبر ﷺ به تعجیل در عذاب کسانی که او را تکذیب می‌کردند چشم نداشته باشد، الله به او فرمود: و - ای رسول - پروردگارت گناهان بندگان توبه‌کارش را می‌آمرزد، و دارای رحمتی است که همه‌چیز را فراگرفته است، و از جمله مظاهر رحمت او این است که به گناهکاران مهلت می‌دهد تا به‌سوی او توبه کنند، پس اگر الله تعالی این رویگردانان را مجازات کند به‌طور قطع عذاب‌شان در زندگی دنیا به تعجیل خواهد افتاد، اما او تعالی بردبار و مهربان است، و عذاب‌شان را به تأخیر می‌اندازد تا توبه کنند، بلکه مکان و زمانی مشخص برای‌شان است که اگر توبه نکنند در آن زمان و مکان در قبال کفر و رویگردانی مجازات می‌شوند، و جز او هیچ پناهگاهی نخواهند یافت که به آن پناه برند.

﴿وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا﴾ [الکھف: ۵۹].

﴿۵۹﴾ و این شهرهای کافر نزدیک به شما مانند شهرهای قوم هود و صالح و شعیب را آن‌گاه که با کفر و گناهان بر خودشان ستم روا داشتند نابود کردیم، و زمان مشخصی برای نابودی‌شان قرار دادیم.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا﴾ [الکھف: ۶۰].

﴿۶۰﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که موسی علیہ السلام به خادم خویش یوشع بن نون گفت: پیوسته حرکت می‌کنم تا به محل تلاقی دو دریا برسم، یا زمانی طولانی حرکت می‌کنم تا با بنده صالح دیدار کنم، و از او علم بیاموزم.

﴿فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا﴾ [الکھف: ۶۱].

﴿۶۱﴾ پس آن دو به راه افتادند، و وقتی به محل تلاقی دو دریا رسیدند ماهی‌شان را که برای توشه خویش برداشته بودند فراموش کردند، آنگاه الله ماهی را زنده گرداند، و ماهی در دریا راه خود را در پیش گرفت و رفت.

برخی فواید آیات:

- عظمت و شکوه و جامع بودن قرآن؛ زیرا تمام راه‌های رساننده به علوم نافع، و سعادت ابدی، و هر راهی که از شر محافظت می‌کند در آن وجود دارد.
- از حکمت و رحمت الله این است که آوردن باطل‌کاران مجادله‌کننده حق با باطل توسط او تعالی، از بزرگترین اسباب برای آشکار کردن حق، و روشن ساختن باطل و فسادش است.
- در آیات فوق، هشدار می‌دهد برای کسانی که حق را رها می‌کنند با وجود اینکه می‌دانند اگر میان آنها و حقیقت مانعی ایجاد شود، دیگر بر دستیابی به حق موفق نخواهند شد، و هشدار و بازدارنده‌ای شدیدتر از این نیست.
- فضیلت علم و سفر در طلب علم، و غنیمت شمردن دیدار با فضلا و علما هر چند در سرزمین دوری باشد.
- حوت بر سَمَك (ماهی) کوچک و بزرگ اطلاق می‌شود. در قرآن لفظ سَمَك نیامده، بلکه فقط «حوت» و «نون» و «لَحْم طَرِي» آمده است.

﴿فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِقَتَاهُ آتَيْنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا﴾ [الكهف: ۶۲].

﴿۶۲﴾ پس وقتی از آن مکان گذشتند، موسی علیه السلام به خادمش گفت: صبحانه‌مان را بیاور، به‌راستی که از این سفر بسیار رنج دیده‌ایم.

﴿قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا﴾ [الكهف: ۶۳].

﴿۶۳﴾ آن جوان گفت: دیدی وقتی به آن صخره پناه بردیم چه اتفاقی افتاد؟! همانا من فراموش کردم که موضوع ماهی را به تو بگویم، و جز شیطان کسی از یادم نبرد که آن را برایت بگویم، که ماهی زنده شد، و راهی شگفت در دریا در پیش گرفت.

﴿قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصًا﴾ [الكهف: ۶۴].

﴿۶۴﴾ موسی علیه السلام به خادمش گفت: این همان چیزی است که در پی آنیم، چون نشانه‌ی مکان بنده صالح است، پس با پیگیری آثار گام‌های‌شان بازگشتند؛ تا از راه منحرف نشوند تا اینکه به صخره، و از آنجا به ورودی ماهی برسند.

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ [الكهف: ۶۵].

﴿۶۵﴾ وقتی به مکان ناپدید شدن ماهی رسیدند در آنجا بنده‌ای از بندگان صالح ما (یعنی خضر علیه السلام) را دیدند، که رحمتی از جانب خویش به او عطا کرده بودیم، و از جانب خویش علمی را که مردم از آن آگاهی ندارند به او آموخته بودیم، یعنی علمی که این قصه آن را دربردارد.

﴿قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَ مِنَّمَا عَلَّمْتَ رُشْدًا﴾ [الكهف: ۶۶].

﴿۶۶﴾ موسی علیه السلام با تواضع و فروتنی به او گفت: آیا از تو پیروی کنم به شرط اینکه از دانشی که الله به تو آموخته و به‌سوی حق راهنمایی می‌کند، به من بیاموزی؟

﴿قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾ [الكهف: ۶۷].

﴿۶۷﴾ خضر علیه السلام گفت: تو در برابر آنچه از علم من بینی نمی‌توانی صبر کنی؛ زیرا با علمی که نزد توست تفاوت دارد.

﴿وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا﴾ [الكهف: ۶۸].

﴿۶۸﴾ و چگونه می‌توانی در برابر دیدن اعمالی که دلیل درستی آنها را نمی‌دانی صبر کنی؛ زیرا تو بر اساس دانش خودت حکم می‌کنی؟!

﴿قَالَ سَتَجِدُنِي إِِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا﴾ [الکهِف: ۶۹].

﴿۶۹﴾ موسی گفت: ان شاء الله مرا در برابر افعالی که از تو می بینم شکیبیا، و پایبند به فرمان برداری از خویش خواهی یافت، و در هیچ کاری مخالفت فرمان تو نخواهم کرد.

﴿قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا﴾ [الکهِف: ۷۰].

﴿۷۰﴾ خضر به موسی گفت: اگر از من پیروی کردی، پس از چیزی که می بینی انجام می دهم سوال نکن تا من خودم دلیل آن را برایت بازگو کنم.

﴿فَانظُرْنَا حَتَّىٰ إِذَا رَكَبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ

شَيْئًا إِمْرًا﴾ [الکهِف: ۷۱].

﴿۷۱﴾ وقتی بر این امر توافق کردند به سوی ساحل دریا به راه افتادند تا با یک کشتی روبه رو شدند، آن گاه به احترام خضر بدون اجرت در آن سوار شدند، پس خضر آن کشتی را با در آوردن یکی از الواحش سوراخ کرد، آن گاه موسی به او گفت: آیا کشتی را که ساکنانش ما را بدون اجرت در آن سوار کردند سوراخ کردی تا ساکنانش را غرق کنی؟! به تحقیق که کار بسیار بدی انجام دادی.

﴿قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾ [الکهِف: ۷۲].

﴿۷۲﴾ خضر به موسی گفت: آیا به تو نگفتم: هرگز نمی توانی همراه من در برابر آنچه که از من می بینی صبر کنی؟!

﴿قَالَ لَا تَأْخُذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا﴾ [الکهِف: ۷۳].

﴿۷۳﴾ موسی به خضر گفت: مرا به سبب اینکه از روی فراموشی پیمان خویش با تو را شکستم مؤاخذه نکن، و در همراهی با خودت بر من تنگ و سخت نگیر.

﴿فَانظُرْنَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي بَعِيرًا نَفْسًا بَعِيرًا نَفْسًا لَقَدْ جِئْتَ

شَيْئًا نُّكْرًا﴾ [الکهِف: ۷۴].

﴿۷۴﴾ آن گاه پس از پایین آمدن از کشتی درحالی که بر ساحل راه می رفتند به راه افتادند، تا اینکه پسری را که به سن بلوغ نرسیده بود دیدند که با پسرکان بازی می کرد، پس خضر علیه السلام او را کشت، آن گاه موسی علیه السلام به او گفت: آیا کسی را که هنوز به سن بلوغ نرسیده است بدون هیچ گناهی کشتی؟! به تحقیق که کار بسیار ناپسندی انجام دادی!

برخی فواید آیات:

- مستحب است که خادم انسان، شخصی زرنگ و باهوش باشد تا کاری را که انسان می‌خواهد به صورت کامل انجام دهد.
- یاری الله بر اساس عمل بنده به فرامین الهی نازل می‌شود، و کسی که موافق فرمان الله عمل کند به گونه‌ای کمک می‌شود که دیگران کمک نمی‌شوند.
- مؤدب بودن در کنار معلم، و خطاب معلم توسط شاگرد با نیکوترین روش.
- فراموشی موجب مؤاخذة نیست، و تحت تکلیف داخل نمی‌شود، و حکمی نیز به آن تعلق نمی‌گیرد.
- عالم فاضل باید علمی را که در آن مهارت ندارد از کسی که در آن علم مهارت دارد، بیاموزد، هر چند (تعلیم دهنده) از نظر علمی بسیار پایین‌تر باشد.
- نسبت دادن علم و سایر فضیلت‌ها به الله تعالی، و اقرار بر این کار، و شکرگزاری الله به خاطر آن.

﴿ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴾ [الکهف: ۷۵].

﴿۷۵﴾ خَضِرُ الرَّحْمَٰنُ به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: من به تو گفته بودم که: - ای موسی - تو هرگز نمی‌توانی در قبال کاری که من انجام می‌دهم صبر کنی.

﴿ قَالَ إِنْ سَأَلْتَهُ عَن شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَاحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَدُنِّي عُذْرًا ﴾ [الکهف: ۷۶].

﴿۷۶﴾ موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: اگر پس از این بار در مورد چیزی از تو سوال کردم از من جدا شو، به تحقیق که به نهایتی که در آن بر ترک همراهی با من معذور هستی رسیده‌ای؛ زیرا در آن صورت، من سه مرتبه با تو مخالفت کرده‌ام.

﴿ فَانظُرْنَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَىٰ أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴾ [الکهف: ۷۷].

﴿۷۷﴾ پس به راه افتادند تا اینکه نزد ساکنان شهری رسیدند و از ساکنانش غذا طلب کردند، اما ساکنان شهر از دادن غذا به آنها خودداری کردند، سپس در آن شهر دیواری کج دیدند که نزدیک بود فرو ریزد و ویران شود، خَضِرُ الرَّحْمَٰنُ آن دیوار را تعمیر کرد تا اینکه راست گردید، آن‌گاه موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ به خَضِرُ الرَّحْمَٰنُ گفت: اگر می‌خواستی می‌توانستی در برابر تعمیر دیوار از آنها مزدی بگیری؛ چون پس از اینکه از مهمان کردن ما خودداری کردند، به آن نیازمندیم.

﴿ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴾ [الکهف: ۷۸].

﴿۷۸﴾ خَضِرُ الرَّحْمَٰنُ به موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ گفت: این اعتراض بر نگرفتن مزدی توسط من در برابر تعمیر دیوار، محل جدایی من و توست، به‌زودی تو را از تأویل کارهایی که از من مشاهده کردی و نتوانستی در برابر آنها صبر کنی باخبر خواهم ساخت.

﴿ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴾ [الکهف: ۷۹].

﴿۷۹﴾ اما کشتی که به خاطر سوراخ کردن آن بر من اعتراض کردی؛ از ضعیفانی بود که در دریا بر آن کار می‌کردند و توان دفاع از آن را نداشتند، پس با کاری که با آن انجام دادم خواستم آن را معیوب کنم؛ تا پادشاهی که در برابر آنها قرار داشت و هر کشتی درستی را به زور از صاحبانش می‌گرفت و هر کشتی معیوبی را رها می‌کرد بر آن مسلط نشود.

﴿وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾ [الکھف: ۸۰].

اما پسری که به خاطر قتلش بر من اعتراض کردی پدر و مادرش مؤمن بودند، او در علم الله کافر بود، پس ترسیدیم که اگر بالغ شود آن دو را به سبب محبت زیاد آنها به او یا به سبب نیاز شدید آنها به او بر کفر به الله و طغیان بکشاند.

﴿فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا﴾ [الکھف: ۸۱].

پس خواستیم که الله به جای او، فرزندی دیندارتر و صالح تر و پاک تر از گناهان، و مهربان تر به پدر و مادرش بدهد.

﴿وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾ [الکھف: ۸۲].

اما دیواری که آن را تعمیر کردم و تو به خاطر تعمیر آن بر من اعتراض کردی برای دو بچه در شهری که ما به آنجا رفتیم بود که پدرشان فوت کرده بود، و زیر آن دیوار مالی برای شان دفن شده بود، و پدر این دو صغیر صالح بود، پس - ای موسی - پروردگارت خواست تا آن دو به سن رشد برسند و بزرگ شوند، و مال دفن شده خویشت را از زیر آن دیوار درآورند؛ زیرا اگر اکنون دیوار فرو می ریخت مال شان آشکار می شد و در معرض نابودی قرار می گرفت، و این تدبیر، رحمتی از جانب پروردگارت به آن دو بود، و آن را به اجتهاد خودم انجام ندادم؛ این بود توضیح آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی.

الله پس از بیان قصه حَضِرِ التَّمِيمِ قِصَّةُ ذَوَالْقَرْنَيْنِ را به سبب ارتباطی که بین این دو قصه است ذکر کرد؛ زیرا هر یک از این دو برای حمایت ضعیفان کوشیدند، پس فرمود:

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا﴾ [الکھف: ۸۳].

و - ای رسول - مشرکان و یهود به هدف امتحان در مورد قصه ذوالقرنین از تو می پرسند، بگو: به زودی بخشی از قصه او را که به آن عبرت و پند می گیرید برای تان می خوانم.

برخی فواید آیات:

- وجوب تأنّی و محکم کاری و شتاب نکردن بر حکم به چیزی.
- احکام امور بر ظاهرشان جاری می‌شود، و احکام دنیایی در اموال و خون‌ها و سایر موارد به آن بستگی دارد.
- شر بزرگ با ارتکاب شر کوچک دفع می‌شود، و مصلحت بزرگتر با رها کردن مصلحت کوچکتر حفظ می‌شود.
- سزاوار است که دوست از دوستش جدا نشود و او را رها نکند تا مورد سرزنش قرار بگیرد و از او پوزش بخواهد.
- به‌کارگیری ادب در برابر الله تعالی در الفاظ، با انتساب خیر به او تعالی و عدم انتساب شر به او تعالی.
- الله از بنده صالح و فرزندانش محافظت می‌کند.

﴿إِنَّا مَكْنَنًا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا﴾ [الکھف: ۸۴].

﴿۸۴﴾ به تحقیق که ما در زمین بر او قدرت بخشیدیم، و از هر چیزی که خواسته‌اش به آن بستگی داشت راهی که با آن به مرادش می‌رسید برایش عطا کردیم.

﴿فَاتَّبَعَ سَبَبًا﴾ [الکھف: ۸۵].

﴿۸۵﴾ پس وسایل و راه‌هایی را که برای رسیدن به مطلوبش به او عطا کردیم به کار گرفت، آن‌گاه به جانب غرب رفت.

﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَاذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْتَ مُعَذِّبٌ وَإِنَّا أَنْتَ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا﴾ [الکھف: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و در زمین حرکت کرد تا اینکه به پایان زمین از سمت غروبگاه خورشید رسید که آن را دید گویی در چشمه‌ای داغ و دارای گل سیاه غروب می‌کند، و نزدیک غروبگاه خورشید مردمی کافر را دید، آن‌گاه به او اختیار دادیم و گفتیم: ای ذوالقرنین، یا اینها را با قتل یا غیر آن عذاب می‌کنی، یا به آنها نیکی می‌کنی.

﴿قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا﴾ [الکھف: ۸۷].

﴿۸۷﴾ ذوالقرنین گفت: اما کسی که پس از اینکه او را به‌سوی عبادت الله دعوت کردیم به الله شرک ورزد و بر این کار پافشاری کند به‌زودی او را با قتل در دنیا مجازات خواهیم کرد، سپس در روز قیامت به‌سوی پروردگارش بازمی‌گردد که در آنجا به عذابی سهمگین او را عذاب می‌کند.

﴿وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا﴾ [الکھف: ۸۸].

﴿۸۸﴾ اما هرکس از آنها که به الله ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد به پاس ایمان و عمل صالح او بهشت از جانب پروردگارش برای اوست؛ و به‌زودی فرمانی نرم و آسان در حق او صادر خواهیم کرد.

﴿ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا﴾ [الکھف: ۸۹].

﴿۸۹﴾ سپس راهی غیر از راه اول به‌سوی محل برآمدن خورشید در پیش گرفت.

﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا﴾ [الکھف: ۹۰].

﴿۹۰﴾ و رفت تا اینکه به محلی که خورشید از آنجا برمی‌آید رسید، و در آنجا خورشید را دید که بر اقوامی طلوع می‌کند که برای‌شان خانه‌ها و سایه‌های درختان را قرار

نداده بودیم که آنها را در برابر خورشید بپوشاند.

﴿كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا﴾ [الکهف: ۹۱].

۹۱) کار ذوالقرنین چنین بود، و به طور قطع علم ما به جزئیات توان و قدرت او احاطه داشت.

﴿ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا﴾ [الکهف: ۹۲].

۹۲) سپس راهی غیر از دو راه اول و مخالف مشرق و مغرب پیمود.

﴿حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا﴾ [الکهف: ۹۳].

۹۳) و رفت تا اینکه به دره‌ای میان دو کوه رسید و در برابر آن دو مردمی را دید که هیچ زبانی غیر از زبان خودشان را نمی فهمیدند.

﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا﴾ [الکهف: ۹۴].

۹۴) گفتند: ای ذوالقرنین، به راستی که یا جوج و مأجوج (منظورشان دو امت بزرگ از بنی آدم بود) با قتل و سایر کارهایی که انجام می دهند در زمین فساد برپا می کنند، پس آیا مالی برایت بدهیم تا میان ما و آنها مانعی ایجاد کنی؟

﴿قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا﴾ [الکهف: ۹۵].

۹۵) ذوالقرنین گفت: فرمانروایی و قدرتی که پروردگرم بر من ارزانی داشته است از مالی که شما به من می دهید برایم بهتر است، پس با مردان و ابزار به من یاری رسانید تا میان شما و آنها مانعی قرار دهم.

﴿آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قَطْرًا﴾ [الکهف: ۹۶].

۹۶) قطعات آهن را بیاورید، پس آنها را آوردند آن گاه شروع به ساختن مانع میان آن دو کوه کرد، تا اینکه بنایش را برابر با دو کوه کرد. به کارگران گفت: آتش بر این قطعات بدمید، تا اینکه قطعات آهن سرخ شد گفت: مس بیاورید تا روی آن بریزم.

﴿فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا﴾ [الکھف: ۹۷].

﴿۱۷﴾ پس یاجوج و ماجوج نتوانستند به خاطر ارتفاع مانع از آن بالا روند، و به خاطر سختی آن نتوانستند آن را از پایین سوراخ کنند.

برخی فواید آیات:

- ذوالقرنین یکی از پادشاهان مؤمنی است که در دنیا پادشاهی کردند و بر ساکنانش تسلط داشتند، زیرا الله پادشاهی گسترده‌ای به او عطا کرده بود، و حکمت و هیبت و علمی نافع به او بخشیده بود.
- یکی از وظایف پادشاه یا حاکم این است که حمایت مردم از اموال‌شان را در حفظ سرزمین‌شان و اصلاح مرزهای آنها برپا دارد.
- صالحان و مخلصان بر اجرای اعمال، در طلب رضایت الله مشتاق هستند.

﴿قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاء وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا﴾ [الکهِف: ۹۸].

﴿۹۸﴾ ذوالقرنین گفت: این سد رحمتی از جانب پروردگرم است که میان یاجوج و ماجوج و فساد نمودن در روی زمین مانع می‌شود و آنها را از این کار باز می‌دارد، پس هرگاه زمانی که الله برای خروج آنها قبل از برپایی قیامت مشخص کرده است فرا رسد آن را با زمین یکسان می‌گرداند، و وعده الله به یکسان کردن آن با زمین و خروج یاجوج و ماجوج ثابت است و هیچ خلافتی در آن نیست.

﴿* وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا﴾ [الکهِف: ۹۹].

﴿۹۹﴾ و در آخر الزمان مخلوقات را رها می‌کنیم تا با یکدیگر زد و خورد کنند و درآمیزند، و در صور دمیده شود آن‌گاه تمام مخلوقات را برای حسابرسی و جزا گرد خواهیم آورد.

﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا﴾ [الکهِف: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ و جهنم را برای کافران بدون هیچ ابهامی نشان خواهیم داد تا آشکارا آن را مشاهده کنند.

﴿الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا﴾ [الکهِف: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ آن را برای کافران که در دنیا از یاد الله کور بودند آشکار کنیم؛ چون پوششی بر چشمانشان بود که مانع از این کار می‌شد، و آیات الله را آن‌گونه که قبول کنند نمی‌توانستند بشنوند.

﴿أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نُزُلًا﴾ [الکهِف: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ آیا کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند پنداشته‌اند که بندگانم از فرشتگان و رسولان و شیاطین را معبودانی به جای من بگیرند؟! به‌راستی که ما جهنم را منزلی برای اقامت کافران آماده کرده‌ایم.

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ [الکهِف: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ - ای رسول - بگو: - ای مردم - آیا شما را از زیانکارترین مردم باخبر سازم؟

﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ [الكهف: ۱۰۴].

همان کسانی که روز قیامت می بینند تلاش آنها که در دنیا آن را به خرج می دادند تباه شده است، درحالی که گمان می کردند تلاش نیکی انجام می دهند و به زودی از اعمالشان نفع خواهند برد؛ اما واقعیت، برخلاف آن بود.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا﴾ [الكهف: ۱۰۵].

اینها همان کسانی هستند که به آیات پروردگارشان که بر توحیدش دلالت می کنند کفر ورزیده اند، و به دیدار او کافر شده اند، پس به خاطر این کفرشان، اعمالشان تباه شده است، و در روز قیامت ارزشی نزد الله ندارند.

﴿ذَلِكَ جَزَاءُهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَتَلَّوْا آيَاتِ وَرُسُلِي هُزُوًا﴾ [الكهف: ۱۰۶].

این مجازات آماده شده برای آنها همان جهنم است؛ به سبب اینکه به الله کفر ورزیدند، و آیات نازل شده و رسولانم را به ریشخند گرفتند. الله پس از بیان جزای کافران، جزای مؤمنان را بیان کرده و می فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا﴾ [الكهف: ۱۰۷].

همانا برای گرامی داشتن کسانی که به الله ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، بالاترین مراتب بهشت جایگاهشان است.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا﴾ [الكهف: ۱۰۸].

که برای همیشه در آنها می مانند، و هرگز درخواست انتقال از آنجا را نمی کنند؛ چون هیچ پاداشی با آن برابری نمی کند.

﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾ [الكهف: ۱۰۹].

ای رسول - بگو: همانا کلمات پروردگارم بسیار است، چنان که اگر دریا برای نوشتن آن جوهر شود به طور قطع قبل از اینکه کلمات او سبخانه پایان یابد آب دریا پایان خواهد یافت، و حتی اگر دریاهای دیگری نیز بیاوریم به طور قطع پایان خواهند یافت.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکهف: ۱۱۰].

🕞 - ای رسول - بگو: من فقط انسانی مثل خودتان هستم، که به من وحی می شود. معبود برحق شما معبودی یگانه است که هیچ شریکی ندارد، و همان الله است، پس هرکس از دیدار پروردگارش می ترسد باید عملی موافق با شریعت او تعالی را خالصانه برای پروردگارش انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نگرداند.

برخی فواید آیات:

- اثبات رستاخیز و حشر و جمع آوری جن ها و انسان ها در میادین قیامت با دمیدن دوم در صور.
- زیانکارترین مردم در روز قیامت همان کسانی هستند که تلاش آنها در دنیا تباه شده است، درحالی که گمان می کردند در عبادت غیر الله کار خوبی انجام می دهند.
- شمارش کلمات و علم و حکمت و اسرار الله تعالی امکان ندارد، هر چند دریاها و اقیانوس ها و مانند آنها بدون حد و مرز برای نوشتن جوهر شوند.

سوره مریم

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان مظاهر رحمت الله به دوستانش؛ مانند بخشیدن فرزند صالح، و منزه دانستن او تعالی از فرزند و یاور، برای رد بر افترا زندگان.

تفسیر:

﴿کَهِيعَص﴾ [مریم: ۱].

① ﴿کَهِيعَص﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در آغاز سوره بقره بیان شد.

﴿ذِكْرُ رَحْمَةِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكْرِياً﴾ [مریم: ۲].

② این یاد رحمت پروردگارت به بنده‌اش زکریا است، که آن را به هدف پند گرفتن از آن برایت حکایت می‌کنیم.

﴿إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا﴾ [مریم: ۳].

③ آن‌گاه که پروردگاش سبحانه را آهسته خواند تا بهتر اجابت شود.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا﴾ [مریم: ۴].

④ گفت: پروردگارا، استخوانم سست گردیده، و سفیدی موی سرم زیاد شده، و در دعای خویش به تو هرگز ناامید نبوده‌ام، زیرا هرگاه تو را خواندم دعایم را اجابت کردی.

﴿وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا﴾ [مریم: ۵].

⑤ و من می‌ترسم که پس از مرگم خویشاوندان من به سبب مشغول شدن به دنیا حق دین را ادا نکنند، و زخم نازا است و بچه نمی‌آورد، پس از جانب خویش فرزندی یاری‌رسان برایم عطا کن.

﴿يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا﴾ [مریم: ۶].

۶) که نبوت را از من، و از خاندان یعقوب علیه السلام به ارث ببرد، و - پروردگارا - او را در دین و اخلاق و علم پسندیده گردان.

﴿يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا﴾ [مریم: ۷].

۷) پس الله دعایش را اجابت کرد، و بر او ندا داد: ای زکریا، خبری خوش به تو مژده می دهیم؛ یعنی دعایت را اجابت کردیم، و پسری که نامش یحیی است، و قبل از او این نام را برای هیچ کس قرار نداده ایم برای عطا کردیم.

﴿قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا﴾ [مریم: ۸].

۸) زکریا علیه السلام با تعجب از قدرت الله گفت: چگونه فرزندی برایم متولد می شود در حالی که همسرم نازا است و بچه نمی آورد، و خودم نیز بر اثر سالخوردگی و سستی استخوان ها، به پایان عمر رسیده ام؟!

﴿قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا﴾ [مریم: ۹].

۹) فرشته گفت: این امر چنان که گفتم در حالتی رخ می دهد که زنت نازاست و خودت بر اثر سالخوردگی و سستی استخوان ها به پایان عمر رسیده ای، اما پروردگارت فرمود: آفرینش یحیی از مادری نازا و از پدری که به پایان عمر رسیده توسط پروردگارت آسان است، و - ای زکریا - قبلاً تو را در حالی که چیزی قابل بیان نبود آفریده است؛ زیرا هیچ بودی.

﴿قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا﴾ [مریم: ۱۰].

۱۰) زکریا علیه السلام گفت: پروردگارا، نشانه ای برایم قرار بده تا با آن اطمینان یابم و بر تحقق این بشارت دلالت کند، فرمود: نشانه تو بر تحقق این بشارت این است که سه روز بدون عیب و در حالی که صحیح و سالم هستی نمی توانی با مردم سخن بگویی.

﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ [مریم: ۱۱].

۱۱) آن گاه زکریا علیه السلام از مصلايش بر قوم خویش درآمد، و بدون کلام به آنها اشاره کرد که: الله سبحانه را در آغاز و پایان روز بستايد.

برخی فواید آیات:

- اظهار ضعف و ناتوانی، از مؤثرترین وسایل توسل به سوی الله است؛ زیرا بر عدم قدرت و تواناییِ شخص، و وابستگی قلبی به قدرت و توانایی الله دلالت دارد.
- مستحب است که شخص در دعای خویش نعمت‌های الله را به یاد آورد و در اوج تواضع و فروتنی قرار گیرد.
- اشتیاق بر مصلحت دین و مُقَدَّم کردن آن بر سایر مصالح.
- برگزیدن نام‌هایی دارای معانی نیکو مستحب است.

﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾ [مریم: ۱۲].

﴿۱۲﴾ پس یحیی علیه السلام برایش متولد شد، و چون به سنی که در آن سن مناسب رسید به او گفتیم: ای یحیی، تورات را به جد و جهد بگیر. و در کودکی به او فهم و علم و جد و عزم عطا کردیم.

﴿وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا﴾ [مریم: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و به رحمتی از جانب خویش به او مهربانی کردیم، و او را از گناهان پاک نمودیم، و او پرهیزکاری بود که اوامر الله را به جای می آورد، و نواهی او تعالی را ترک می کرد.

﴿وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا﴾ [مریم: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و نسبت به پدر و مادرش مهربان، خوش برخورد و نیکوکار بود، و در طاعت پروردگارش و طاعت آن دو متکبر نبود، و نافرمان پروردگارش یا پدر و مادرش نیز نبود.

﴿وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا﴾ [مریم: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و سلام و امنیت از جانب الله بر اوست روزی که متولد شد، و روزی که می میرد و از این دنیا خارج می شود، و آن گاه که روز قیامت زنده برانگیخته می شود؛ این موارد سه گانه مذکور، وحشتناک ترین مواضعی است که انسان از آنها می گذرد، و اگر در این مواضع ایمن باشد در سایر مواضع ترسی بر او نیست.

﴿وَإِذْ كُرِّي فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا﴾ [مریم: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و - ای رسول - در قرآن نازل شده بر خودت قصه مریم را یاد کن آن گاه که از اهل خویش کناره گرفت، و در مکانی به سمت شرق از آنها خلوت گزید.

﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ [مریم: ۱۷].

﴿۱۷﴾ آن گاه در برابر آنها پرده ای برای خود گرفت تا او را در حالت عبادت پروردگارش نبینند، پس جبریل علیه السلام را به سوی او فرستادیم، که در صورت انسانی خوش اندام بر او نمایان شد، و مریم ترسید که قصد بدی به او داشته باشد.

﴿قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا﴾ [مریم: ۱۸].

﴿۱۸﴾ وقتی مریم جبریل علیه السلام را دید که در شکل انسانی خوش اندام به سوی او می رود

گفت: - ای مرد - به راستی که من از تو به رحمان پناه می‌برم از اینکه آسیبی به من برسانی اگر پرهیزکاری هستی که از الله می‌ترسی.

﴿قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا﴾ [مریم: ۱۹].

﴿۱۹﴾ جبریل علیه السلام گفت: من انسانی نیستم، بلکه فرستاده‌ای از جانب پروردگارت هستم که مرا به‌سویت فرستاده تا برایت فرزندی گرامی و پاکیزه ببخشم.

﴿قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا﴾ [مریم: ۲۰].

﴿۲۰﴾ مریم با تعجب گفت: چگونه می‌توانم فرزندی داشته باشم حال آن که نه شوهری داشته‌ام و نه هیچ‌کس دیگری با من نزدیکی نکرده است، و زناکار نیز نبوده‌ام تا فرزندی داشته باشم؟!

﴿قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا

مَفْضِيًّا﴾ [مریم: ۲۱].

﴿۲۱﴾ جبریل علیه السلام به او گفت: امر چنان است که گفتم که هر چند شوهری و هیچ‌مرد دیگری با تو نزدیکی نکرده است و زناکار نیز نبوده‌ای، اما پروردگارت سبحانه فرموده: آفرینش فرزند بدون پدر بر من آسان است، و به این هدف که فرزند بخشیده‌شده به تو، نشانه‌ای برای مردم بر قدرت الله، و رحمتی از جانب ما برای تو و برای کسانی که به او ایمان آورند باشد، و آفرینش این فرزند تو حکمی از جانب الله است که مقدر شده، و در لوح محفوظ نوشته شده است.

﴿* فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَدَّتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا﴾ [مریم: ۲۲].

﴿۲۲﴾ مریم پس از دمیدن فرشته به فرزند باردار شد، آن‌گاه با او به مکانی دور از مردم کناره گرفت.

﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا

مَنْسِيًّا﴾ [مریم: ۲۳].

﴿۲۳﴾ پس درد زایمان او را فراگرفت، و به‌سوی ساقه درخت خرمایی کشاند، مریم گفت: کاش قبل از این روز مرده بودم، و چیزی بی‌ارزش بودم تا گمان بد به من نمی‌شد.

﴿فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا﴾ [مریم: ۲۴].

﴿۱۶﴾ پس عیسیٰ علیه السلام از زیر پاهایش بر او ندا داد: اندوه مدار، که پروردگارت زیر پای تو جوی آبی قرار داده است تا از آن بنوشی.

﴿وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا﴾ [مریم: ۲۵].

﴿۱۷﴾ و تنهٔ درخت خرما را بگیر و بتکان، خرمایی تازه و نارس برایت می‌ریزد.

برخی فواید آیات:

- لزوم صبر بر انجام تکالیف شرعی.
- منزلت و جایگاه بالای نیکی به پدر و مادر نزد الله، زیرا او تعالی این کار را در کنار شکر خویش قرار داده است.
- با وجود قدرت کامل الله در آیات آشکارش که برای مریم ظاهر کرد، مریم را واداشت که برای رسیدن به میوهٔ درخت خرما اسباب را به کار گیرد.

﴿فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا﴾ [مریم: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و از خرما بخور، و از آب بنوش، و به نوزدات شاد باشد و اندوه مدار، و اگر از مردم کسی را دیدی که در مورد خبر نوزاد از تو سوال کرد به او بگو: من سکوت از سخن را برای پروردگارم بر خودم واجب کرده‌ام، پس امروز با هیچ‌یک از مردم سخن نخواهم گفت.

﴿فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا﴾ [مریم: ۲۷].

﴿۲۷﴾ پس مریم پسرش را که در بغل داشت نزد قومش آورد، قومش با اعتراضی سخت به او گفتند: ای مریم، به تحقیق که کار بسیار ناپسندی را مرتکب شده‌ای، چون فرزندی بدون پدر آورده‌ای.

﴿يَأْخُذْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا﴾ [مریم: ۲۸].

﴿۲۸﴾ ای شبیه هارون در عبادت (هارون مرد صالحی بود) پدرت زناکار نبود، و مادرت نیز زنی زناکار نبود، یعنی تو از خانواده‌ای پاک و معروف به صلاح هستی، پس چگونه فرزندی بدون پدر آوردی؟!

﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾ [مریم: ۲۹].

﴿۲۹﴾ آن‌گاه به سوی پسرش عیسی علیه السلام که در گهواره بود اشاره کرد، پس قومش با تعجب به او گفتند: چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوییم؟!

﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا﴾ [مریم: ۳۰].

﴿۳۰﴾ عیسی علیه السلام گفت: همانا من بنده الله هستم، که انجیل را به من عطا کرده، و مرا یکی از پیامبرانش قرار داده است.

﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ [مریم: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و مرا هر جا که باشم بسیار فایده‌رسان به بندگان قرار داده، و مرا به ادای نماز و پرداخت زکات در طول زندگی‌ام فرمان داده است.

﴿وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا﴾ [مریم: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده، و مرا متکبر از طاعت پروردگارم، و نیز نافرمان او قرار نداده است.

﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾ [مریم: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و امنیت از شیطان و دستیارانش برای من است روز تولدم و روز مرگم و روز برانگیختنم به صورت زنده در روز قیامت، یعنی شیطان در این مواضع وحشتناک سه گانه مرا آزاده نمی‌سازد.

﴿ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾ [مریم: ۳۴].

﴿۳۴﴾ این موصوف به صفات مذکور همان عیسی علیه السلام پسر مریم است، و این کلام همان سخن حق در مورد اوست، نه سخن گمراهانی که در مورد او تردید دارند و جدال می‌کنند.

﴿مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [مریم: ۳۵].

﴿۳۵﴾ سزاوار الله نیست که فرزندی بگیرد، از این کار پاک و منزه است، هرگاه کاری را اراده کند، فقط کافی است که او سبحانه به آن کار بگوید: (کن، موجود باش)، به ناگاه و بدون تردید واقع می‌شود، پس ذاتی که چنین باشد از فرزند منزه است.

﴿وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ [مریم: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و همانا الله سبحانه پروردگار من و پروردگار همگی شماست، پس عبادت را فقط برای او خالص بگردانید، آنچه برای تان بیان کردم همان راه مستقیمی است که منجر به رضایت الله می‌شود.

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [مریم: ۳۷].

﴿۳۷﴾ پس اختلاف‌کنندگان در مورد عیسی علیه السلام اختلاف کردند و به گروه‌هایی پراکنده از میان قومش تبدیل شدند، آن‌گاه برخی از آنها به او ایمان آوردند و گفتند: او رسولی است، و دیگران مانند یهودیان به او کافر شدند، چنان‌که گروه‌هایی در مورد او غلو کردند و برخی از آنها گفتند: او الله است، و دیگران گفتند: او پسر الله است، الله از این امر بسیار برتر است، پس وای بر اختلاف‌کنندگان در مورد عیسی علیه السلام از مشاهده روز بزرگ قیامت به سبب مناظر و حسابرسی و کیفی که در آن روز وجود دارد.

﴿أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ [مریم: ۳۸].

﴿۳۸﴾ در آن روز چه خوب می‌شنوند و چه خوب می‌بینند. زمانی می‌شنوند که شنیدن هرگز به آنها نفع نمی‌رساند، و زمانی می‌بینند که دیدن هرگز نفعی برای‌شان نمی‌

رساند، اما ستمکاران در زندگی دنیا در گمراهی آشکاری از راه راست هستند، از این رو برای آخرت آماده نمی‌شوند تا اینکه ناگهان و درحالی که بر ستمشان هستند آنها را فراگیرد.

برخی فواید آیات:

- امر کردن مریم به سکوت، بر فضیلت خاموشی در برخی مواضع دلالت دارد.
- نذر سکوت در شریعت اسلام جایز نیست.
- آنچه قرآن در چگونگی آفرینش عیسی علیه السلام خبر داده است، حقیقت قاطعی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، و غیر از آن، سایر سخنان باطل، سزاوار رسولان علیهم السلام نیست.
- کافر در دنیا از شنیدن و دیدن حق کر و کور است، اما در آخرت، آن‌گاه که عذاب را ببیند حق را خواهد دید و خواهد شنید، و این امر هرگز سودی برایش نخواهد داشت.

﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [مریم: ۳۹].

و - ای رسول - مردم را از روز پشیمانی بترسان، روزی که گناهکار از گناهکاری اش، و نیکوکار از اینکه طاعت بیشتری انجام نداده است پشیمان می‌شود، آن‌گاه که طومار بندگان در هم پیچیده می‌شود، و حسابرسی‌شان پایان می‌یابد، و هرکس به آنچه که از پیش فرستاده است می‌رسد، آنها در زندگی دنیای‌شان به آن فریب خورده‌اند، و از آخرت غافلند، و به روز قیامت ایمان نمی‌آورند.

﴿إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجَعُونَ﴾ [مریم: ۴۰].

به تحقیق که ما پس از نابودی مخلوقات باقی هستیم، و زمین و هرکس را که بر روی زمین است به سبب نابودی آنها و بقای ما پس از آنها به ارث می‌بریم، و بر آنها فرمانروایی می‌کنیم، و هر کاری که در مورد آنها بخواهیم انجام می‌دهیم، و روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی ما بازگردانیده می‌شوند.

﴿وَإِذْ كُرِّ فِي الْكِتَابِ لِإِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾ [مریم: ۴۱].

و - ای رسول - در قرآن نازل شده بر خودت قصهٔ ابراهیم علیه السلام را به یاد آور، به راستی که او بسیار راستگو و تصدیق‌کنندهٔ آیات الله، و پیامبری از جانب الله بود.

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا﴾ [مریم: ۴۲].

آن‌گاه که به پدرش آذر گفت: ای پدرم، چرا به جای الله بتی را عبادت می‌کنی که اگر او را بخوانی دعایت را نمی‌شنود، و آن‌گاه که او را عبادت کنی عبادتت را نمی‌بیند، و نه آسیبی از تو برطرف می‌سازد، و نه نفعی برایت جلب می‌کند؟!

﴿يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا﴾ [مریم: ۴۳].

ای پدرم، همانا علمی از طریق وحی برایم آمده است که برای تو نیامده است، پس از من پیروی کن تا تو را به راه راست راهنمایی کنم.

﴿يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا﴾ [مریم: ۴۴].

ای پدرم، شیطان را با فرمان‌برداری از او عبادت نکن، زیرا شیطان نافرمان رحمان است، آنجا که او را به سجده در برابر آدم علیه السلام فرمان داد اما او سجده نکرد.

﴿يَأْتِيَنِي إِني أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾ [مریم: ۴۵].

۱۵۱ ای پدرم، من می ترسم از اینکه اگر در حال کفر بمیری عذابی از جانب رحمان به تو برسد، آن گاه به سبب دوست داشتن شیطان توسط تو همنشین او در عذاب باشی.

﴿قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَن آلهِتي يَا إِبْرَاهِيمُ لَينَ لَمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾ [مریم: ۴۶].

۱۵۲ آزر به پسرش ابراهیم علیه السلام گفت: ای ابراهیم آیا تو از معبودهایم که آنها را عبادت می کنم روی می گردانی؟! اگر از دشنام معبودهای من دست نکشی به طور قطع تو را سنگسار خواهم کرد، و زمانی طولانی از من دور شو و با من سخن مگویی، و با من یکجا نشو.

﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا﴾ [مریم: ۴۷].

۱۵۳ ابراهیم علیه السلام به پدرش گفت: از جانب من سلامتی بر توست، و آنچه که نمی پسندی از جانب من به تو نمی رسد، به زودی از جانب پروردگرم مغفرت و هدایت برایت می خواهم، او سبحانه به من لطف زیادی دارد.

﴿وَأَعْتَرَلَكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾ [مریم: ۴۸].

۱۵۴ شما و معبودهایتان را که به جای الله عبادت می کنید ترک می کنم و فقط پروردگرم را در دعایم می خوانم و کسی را شریک با او نمی گردانم. امید است مرا هنگامی که او را در دعا بخوانم محروم نسازد، که با عدم پذیرش دعایم توسط او از سیئه روزان و بیچاره ها می شوم.

﴿فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا﴾ [مریم: ۴۹].

۱۵۵ پس چون آنها و معبودهایشان را که به جای الله عبادت می کردند رها کرد، در عوض نبود اهلش، پسرش اسحاق را به او بخشیدیم، و نوه اش یعقوب را برایش بخشیدیم، و هر یک از این دو را پیامبر قرار دادیم.

﴿وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا﴾ [مریم: ۵۰].

و از رحمت خویش افزون بر نبوت، خیر زیادی به آنها عطا کردیم، و یادی نیک و همیشگی بر زبان‌های بندگان برای‌شان قرار دادیم.

﴿وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾ [مریم: ۵۱].

و - ای رسول - در قرآن نازل شده بر تو قصهٔ موسی علیه السلام را به یاد آور، به راستی که او انتخاب شده و برگزیده، و رسولی پیامبر بود.

برخی فواید آیات:

- چون ساره در کناره‌گیری ابراهیم علیه السلام از قومش با او همراه بود، مناسب بود که هدیهٔ مشترک و نوهٔ آن دو ذکر شود، سپس یاد اسماعیل علیه السلام به صورت مستقل بیاید درحالی‌که الله اسماعیل علیه السلام را قبل از اسحاق علیه السلام به ابراهیم علیه السلام بخشید.
- وجوب باادب بودن و نرمی و مهربانی در گفتگو با پدر و مادر و انتخاب بهترین نام‌ها در صدا زدن آن دو.
- گناهان، بنده را از رحمت الله محروم می‌سازند، و ابواب رحمت را به رویش می‌بندند، چنان‌که طاعت، بزرگ‌ترین سبب برای رسیدن به رحمت او تعالی است.
- الله به هر نیکوکاری وعده داده است که بر اساس نیکوکاری او، ستایشی راستین برایش منتشر می‌کند، و ابراهیم علیه السلام و فرزندان پیشوای نیکوکاران هستند.

﴿وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾ [مریم: ۵۲].

۵۲ و او را از جانب راست کوه نسبت به موقعیت موسی علیه السلام ندا دادیم، و درحالی که با او راز گفتیم او را به خود نزدیک ساختیم، چون الله کلامش را به او شنوید.

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَحَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا﴾ [مریم: ۵۳].

۵۳ و - از رحمت و نعمت بخشی خویش بر او - با استجابت دعای او برادرش هارون علیه السلام را مقام پیامبری عطا کردیم؛ آن گاه که این امر را از پروردگارش خواست.

﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا﴾ [مریم: ۵۴].

۵۴ و - ای رسول - در قرآن نازل شده بر خودت قصه اسماعیل علیه السلام را یاد کن، به راستی که او درست وعده بود، و هیچ وعده ای نمی داد مگر به آن وفا می کرد، و رسولی پیامبر بود.

﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾ [مریم: ۵۵].

۵۵ و خانواده اش را به برپایی نماز، و پرداخت زکات امر می کرد، و نزد پروردگارش پسندیده بود.

﴿وَأذْكَرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾ [مریم: ۵۶].

۵۶ و - ای رسول - در قرآن نازل شده بر خود قصه ادريس علیه السلام را به یاد آور، به راستی که او بسیار راستگو و تصدیق کننده آیات پروردگارش بود، و یکی از پیامبران الله بود.

﴿وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا﴾ [مریم: ۵۷].

۵۷ و با نبوتی که به او بخشیدیم یادش را بالا بردیم، پس و الامقام بود.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا *﴾ [مریم: ۵۸].

۵۸ افراد مذکور در این سوره که با زکریا علیه السلام آغاز و با ادريس علیه السلام پایان یافت، از میان پسران آدم علیه السلام، و از پسران کسانی که همراه نوح علیه السلام در کشتی سوار کردیم، و از پسران ابراهیم علیه السلام و پسران یعقوب علیه السلام هستند که الله نبوت را به آنها ارزانی

داشت، و از کسانی بودند که آنها را بر هدایت به اسلام توفیق دادیم، و آنها را برگزیدیم و پیامبرانی قرار دادیم، و هرگاه آیات الله را که خوانده می‌شد می‌شنیدند در برابر الله گریه‌کنان از ترس او به سجده می‌افتادند.

﴿ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا ﴾ [مریم: ۵۹].

﴿۵۹﴾ پس از این پیامبران برگزیده، گناهکاران و گمراهانی آمدند، که نماز را تباه ساختند، یعنی آن را به وجه مطلوب ادا نکردند، و گناهای مانند زنا را به پیروی از هوای نفس شان مرتکب شدند، پس به زودی با زیان و نومیدی در جهنم روبرو خواهند شد.

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ [مریم: ۶۰].

﴿۶۰﴾ مگر کسانی که از تقصیر و کوتاهی خویش توبه کرده، و به الله ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند که افراد موصوف به این صفات، وارد بهشت می‌شوند، و ذره‌ای هر چند اندک از مزد اعمال شان کاسته نمی‌شود.

﴿جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا﴾ [مریم: ۶۱].

﴿۶۱﴾ بهشت‌هایی آرام و جاویدان که رحمان به بندگان نیکوکارش به غیب وعده داده که آنها را در آن بهشت‌ها درمی‌آورد، و آنها درحالی که این بهشت‌ها را ندیده‌اند به آن ایمان آوردند، زیرا وعده الله به بهشت - هر چند غیب است - بدون تردید آمدنی است.

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا﴾ [مریم: ۶۲].

﴿۶۲﴾ در آنجا نه سخن بی‌جایی می‌شنوند، و نه سخن زشتی، بلکه سلام خودشان بر یکدیگر، و سلام فرشتگان بر آنها را می‌شنوند، و در آنجا صبح و شام هر غذایی که خواسته باشند برای شان آورده می‌شود.

﴿تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا﴾ [مریم: ۶۳].

﴿۶۳﴾ این بهشت موصوف به صفات مذکور همان بهشتی است که آن را کسانی از بندگان ما به ارث می‌برند که اجرا کننده اوامر، و اجتناب کننده از نواهی باشند.

الله سبحانه پس از بیان پاداش تقوایبندگان بیان کرد که تقوا به معنای ایستادگی و پایداری بر امر او تعالی است، پس فرمود:

﴿وَمَا تَنْزِيلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾ [مریم: ۶۴].

و - ای جبریل - به محمد ﷺ بگو: فرشتگان از جانب خودشان فرود نمی‌آیند، بلکه فقط به فرمان الله فرود می‌آیند، امر آخرت که پیش رو داریم، و امر دنیا که پشت سر گذاشته‌ایم، و آنچه میان دنیا و آخرت است از آن الله است، و - ای رسول - پروردگارت هیچ چیزی را فراموش نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- نیاز همیشگی دعوتگر به یارانی که او را در دعوتش یاری می‌رسانند.
- اثبات صفت کلام الله تعالی.
- وفاداری به وعده، پسندیده و از اخلاق پیامبران و رسولان است، و ضد آن یعنی خلف وعده، نکوهیده و مذموم است.
- فرشتگان فرستادگان الله برای نزول وحی هستند که جز به فرمان الله بر هیچ یک از پیامبران و رسولان نازل نمی‌شوند.

﴿رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾
[مریم: ۶۵].

۶۵) آفریدگار و مالک آسمان‌ها و زمین و تدبیرکننده کار آن دو، و نیز آفریدگار و مالک و تدبیرکننده آنچه بین این دو وجود دارد است، پس تنها او را عبادت کن، زیرا او سزاوار عبادت است، و بر عبادتش استوار باش، زیرا او تعالی هیچ مانند و نظیری ندارد تا در عبادت با او شریک شود.

﴿وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِثُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا﴾ [مریم: ۶۶].

۶۶) و کافر منکر رستاخیز، از روی استهزا می‌گوید: آیا وقتی بمیرم دوباره از قبرم زنده بیرون آورده می‌شوم؟! به راستی که این امر بعید است.

﴿أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا﴾ [مریم: ۶۷].

۶۷) آیا این منکر رستاخیز به یاد نمی‌آورد که ما او را قبل از اینکه هیچ چیز نبود آفریدیم؟! تا بر آفرینش اول برای آفرینش دوم راهنمایی بگیرد، با وجود اینکه آفرینش دوم آسان‌تر و ساده‌تر است.

﴿فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا﴾ [مریم: ۶۸].

۶۸) پس - ای رسول - به پروردگارت سوگند آنها را همراه با شیاطین‌شان که آنها را گمراه ساختند از قبرهای‌شان به سوی محشر در خواهیم آورد، سپس درحالی که بر زانوهای‌شان درآمده‌اند آنها را خوار و ذلیل به سوی درهای جهنم خواهیم کشاند.

﴿ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا﴾ [مریم: ۶۹].

۶۹) سپس به شدت و زور از هر یک از طایفه‌های گمراه کسانی را که سرکش‌تر بوده اند، یعنی سردمداران آنها را بیرون خواهیم کشید.

﴿ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا﴾ [مریم: ۷۰].

۷۰) آن‌گاه خود ما به کسانی که به ورود به جهنم و تحمل و رنج بردن از گرمایش سزاوارترند دانائیم.

﴿وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا﴾ [مریم: ۷۱].

۷۱) و - ای مردم - هیچ کس از شما نیست مگر اینکه از بالای صراط که روی جهنم نصب شده عبور خواهد کرد، این عبور حکمی قطعی است که الله آن را صادر کرده است، و حکم او تعالی هیچ بازگرداننده‌ای ندارد.

﴿ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا﴾ [مریم: ۷۲].

﴿۷۲﴾ سپس بعد از عبور روی صراط کسانی را که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او تعالی را پیشه کردند نجات می‌دهیم، و ستمکاران را درحالی که بر زانوهایشان درآمده‌اند رها می‌کنیم، و نمی‌توانند از آن فرار کنند.

﴿وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا﴾ [مریم: ۷۳].

﴿۷۳﴾ و چون آیات آشکار نازل شده ما بر رسول‌مان بر مردم خوانده شود کافران به مؤمنان می‌گویند: کدام‌یک از ما دو گروه، جایگاه و مسکن بهتر، و مجلس و اجتماع نیکوتری دارد: گروه ما یا گروه شما؟!

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَانًا وَرِئِيًّا﴾ [مریم: ۷۴].

﴿۷۴﴾ و چه بسیار امت‌هایی را قبل از این کافران که به برتری مادی خویش افتخار می‌کنند گمراه ساختیم، درحالی که اموالی نیکوتر، و به خاطر گرانی لباس‌هایشان و در رفاه بودن بدن‌هایشان، ظاهری زیباتر از اینها داشتند.

﴿قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا﴾ [مریم: ۷۵].

﴿۷۵﴾ - ای رسول - بگو: هرکس در گمراهی خویش بماند رحمان به او مهلت خواهد داد تا بر گمراهی بیفزاید، تا آن‌گاه که عذاب به تعجیل افتاده در دنیا یا عذاب مدت دار در قیامت را که به آن وعده داده می‌شدند ببینند. آن‌گاه خواهند دانست که چه کسی جایگاه بدتر و یاوران کمتری دارد، آنها یا مؤمنان؟

﴿وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا﴾ [مریم: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و در برابر مهلت دادن به اینها که بر گمراهی بیفزایند، الله بر ایمان و طاعت کسانی که هدایت یافته‌اند می‌افزاید، و - ای رسول - اعمال صالح که به سعادت ابدی نزد پروردگارت منجر می‌شود پاداشی سودمندتر، و سرانجام بهتری دارد.

برخی فواید آیات:

- مؤمنان باید به آنچه به آن فرمان یافته‌اند مشغول شوند و در حد توان بر آن ایستادگی کنند.
- ورود تمام مخلوقات بر جهنم - یعنی: عبور بر صراط، نه ورود در جهنم - امری قطعی و غیرقابل تردید است.
- معیارها و مفاهیم صحیح دین با تصورات جاهلان و عوام متفاوت است.
- هرکس که غرق در گمراهی و ریشه‌دار در کفر باشد الله او را در طغیان جهل و کفرش رها می‌کند، تا بیشتر فریب بخورد، و به این ترتیب کیفرش سخت‌تر شود.
- الله به پاداش مؤمنان آنها را بر هدایت استوار می‌سازد، و بر توفیق و یاری آنها می‌افزاید، و آیاتی را فرو می‌فرستد که بر یقین‌شان می‌افزاید.

﴿أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا﴾ [مریم: ۷۷].

۷۷ - ای رسول - آیا دیدی کسی را که به حجت‌های ما کفر ورزید، و تهدید ما را انکار کرد، و گفت: اگر بمیرم، و برانگیخته شوم به‌طور قطع مال و فرزندان زیادی به من داده خواهد شد.

﴿أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ [مریم: ۷۸].

۷۸ آیا از غیب آگاه شده و این سخن را از روی دلیل زد؟! یا نزد پروردگارش عهده‌ی بسته که او را وارد بهشت خواهد کرد، و مال و اولادی به او خواهد داد؟!

﴿كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا﴾ [مریم: ۷۹].

۷۹ امر چنان که ادعا می‌کند نیست، به‌زودی سخن و عمل او را می‌نویسیم، و به سبب ادعای دروغینش عذابی بر عذابش خواهیم افزود.

﴿وَوَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا﴾ [مریم: ۸۰].

۸۰ و پس از اینکه او را نابود ساختیم مال و فرزندی را که به جا می‌گذارد به ارث خواهیم برد، و در روز قیامت تنها و در حالی نزد ما می‌آید که مال و جایگاهی که از آن بهره‌مند بود از او گرفته شده است.

﴿وَاتَّخِذُوا مِنَ اللَّهِ إِلَهًا لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا﴾ [مریم: ۸۱].

۸۱ و مشرکان به جای الله معبودهایی برای خودشان گرفتند؛ تا پشتیبان و یاورشان باشند و از آنها یاری بگیرند.

﴿كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا﴾ [مریم: ۸۲].

۸۲ امر چنان که ادعا کردند نیست، زیرا این معبودهای که آنها را به جای الله عبادت می‌کنند، عبادت مشرکان برای خودشان را در روز قیامت انکار خواهند کرد، و از آنها بیزاری خواهند جست، و دشمنان آنها خواهند شد.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَوْرَهُمْ آزًا﴾ [مریم: ۸۳].

۸۳ - ای رسول - آیا ندیده‌ای که ما شیاطین را برانگیختیم، و آنها را بر کفار مسلط گردانیم تا آنها را بر انجام گناهان و بازداشتن از دین الله به شدت تحریک کنند؟

﴿فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا﴾ [مریم: ۸۴].

﴿۸۴﴾ پس - ای رسول - به شتاب از الله نخواه که نابودی‌شان را به تعجیل اندازد، همانا ما عمرهای‌شان را به دقت برمی‌شماریم، تا وقتی که مهلت‌شان پایان یافت آنها را به آنچه سزاوارش هستند مجازات کنیم.

﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا﴾ [مریم: ۸۵].

﴿۸۵﴾ و - ای رسول - روز قیامت را به یاد آور. روزی که افرادی را که تقوای پروردگارشان را - با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی - رعایت می‌کردند به سوی پروردگارشان، به صورت محترمانه و گرامی، گروه گروه گرد می‌آوریم.

﴿وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِذَا﴾ [مریم: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و کافران را تشنه به سوی جهنم می‌رانیم.

﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ [مریم: ۸۷].

﴿۸۷﴾ این کافران، مالک شفاعتی برای یکدیگر نیستند مگر کسی که با ایمان به الله و رسولانش در دنیا پیمانی نزد الله گرفته باشد.

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا﴾ [مریم: ۸۸].

﴿۸۸﴾ و یهود و نصاری و برخی مشرکان گفتند: رحمان فرزندی گرفته است.

﴿لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا﴾ [مریم: ۸۹].

﴿۸۹﴾ - ای گویندگان این سخن - به تحقیق که امر بسیار زشتی آورده‌اید.

﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾ [مریم: ۹۰].

﴿۹۰﴾ نزدیک است که بر اثر این سخن زشت، آسمان‌ها بشکافد، و زمین دو قسمت شود، و کوه‌ها ویران شده فرو ریزند.

﴿أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا﴾ [مریم: ۹۱].

﴿۹۱﴾ تمام این امور به خاطر این است که فرزندی برای رحمان نسبت دادند، الله از این امر بسیار برتر است.

﴿وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا﴾ [مریم: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و سزاوار نیست که رحمان فرزندی برگزیند زیرا از این کار منزّه است.

﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا﴾ [مریم: ۹۳].

﴿۹۳﴾ جز این نیست که تمام فرشتگان و انسان‌ها و جن‌های آسمان در روز قیامت با فروتنی نزد پروردگارشان می‌آیند.

﴿لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا﴾ [مریم: ۹۴].

﴿۹۴﴾ و به تحقیق که علم او تعالی بر آنها احاطه یافته، و آنها را به دقت برشمرده است، پس هیچ‌چیز از آنها بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا﴾ [مریم: ۹۵].

﴿۹۵﴾ و هر یک از آنها در روز قیامت تنها و درحالی که هیچ یاور و مالی ندارد نزد او تعالی می‌آید.

برخی فواید آیات:

- آیات فوق، بر کم‌خردی و تفکر بچه‌گانه، و آرزوهای پوچ کافر، درحالی که نقیض آنها را به صورت کامل در روز آخرت خواهد دید دلالت دارند.
- الله شیاطین را بر کافران با فریفتن و وسوسه انگیزی با شر، و اخراج از طاعت به‌سوی معصیت مسلط کرده است.
- اشخاص فاضل و علما و صالحان در روز قیامت به اذن الله شفاعت می‌کنند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾ [مریم: ۹۶].

﴿۳۶﴾ همانا کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح و پسندیده نزد الله انجام داده‌اند، به زودی الله محبتی برای‌شان قرار می‌دهد به اینکه خودش آنها را دوست می‌دارد، و آنها را نزد بندگانش نیز محبوب می‌گرداند.

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِهِ لِبَلْسَانِكَ لِيُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا﴾ [مریم: ۹۷].

﴿۳۷﴾ - ای رسول - به تحقیق که ما این قرآن را با فرو فرستادن آن بر زبانت به این خاطر آسان ساختیم تا با آن، پرهیزکاران را که اوامر من را اجرا و از نواهی من پرهیز می‌کنند مزده دهی، و با آن مردمی را که در خصومت و لجبازی در اذعان حق سرسخت هستند بترسانی.

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هَلْ نُحِيسُ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْوًا﴾ [مریم: ۹۸].

﴿۳۸﴾ و چه بسیار امت‌هایی را که قبل از قوم تو نابود کردیم، آیا امروزه یکی از آن امت‌ها را احساس می‌کنی؟! و آیا صدایی آهسته از آنها می‌شنوی؟! پس مصیبتی که به آنها رسید شاید آن‌گاه که الله اذن می‌دهد به دیگران نیز برسد.

سوره طه

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تقویت پیامبر برای حمل رسالت و صبر در انجام این ماموریت.

تفسیر:

﴿طه﴾ [طه: ۱].

﴿۱﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ [طه: ۲].

﴿۲﴾ - ای رسول - این قرآن را به این هدف بر تو نازل نکردیم که به خاطر افسوس بر اینکه قومت از ایمان به تو روی می‌گردانند نفست را از پای در آورد.

﴿إِلَّا تَذِكْرَةً لِّمَن يَخْشَى﴾ [طه: ۳].

۳) آن را نازل نکردیم جز به این هدف که یادآوری باشد برای کسی که الله او را بر ترس خویش توفیق داده است.

﴿تَنْزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى﴾ [طه: ۴].

۴) الله که زمین، و آسمان‌های مرتفع را آفریده، قرآن را نازل کرده است، پس قرآنی بزرگ است؛ چون از جانب ذات بزرگی نازل شده است.

﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ [طه: ۵].

۵) الله رحمان آن گونه که سزاوار جلال اوست بر عرش استوا نمود و قرار گرفت.

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى﴾ [طه: ۶].

۶) آفرینش و فرمانروایی و تدبیر تمام مخلوقات که در آسمان‌ها و در زمین و زیر زمین هستند فقط از آن او سبحانه است.

﴿وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى﴾ [طه: ۷].

۷) و - ای رسول - اگر سخن را آشکار کنی، یا آن را مخفی داری او سبحانه تمام آن را می‌داند، زیرا راز و آنچه را از راز مخفی‌تر است مانند آنچه به دل می‌افتد می‌داند، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾ [طه: ۸].

۸) الله که هیچ معبود برحق جز او نیست، و نام‌های کاملاً نیکو فقط از آن اوست. چون پیامبر ﷺ از رویگردانی قوم رنج می‌برد، با قصه موسی عليه السلام تسکین داده شد، و او سبحانه فرمود:

﴿وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ [طه: ۹].

۹) و - ای رسول - به تحقیق که قصه موسی پسر عمران به تو رسیده است.

﴿إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُم مِّنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى﴾ [طه: ۱۰].

۱۰) آن‌گاه که در سفرش آتشی دید، و به خانواده‌اش گفت: در جایی که هستید بمانید، به‌راستی من آتشی دیدم، امید است که از این آتش شعله‌ای برای‌تان بیاورم، یا کسی را بیابم که مرا به راه راهنمایی کند.

﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى﴾ [طه: ۱۱].

﴿۱۱﴾ پس آن گاه که کنار آتش آمد الله سبحانه این گونه به او ندا داد: ای موسی.

﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ [طه: ۱۲].

﴿۱۲﴾ همانا این منم پروردگارت. پس برای آماده شدن برای مناجات من کفشت را درآر؛ چون تو در وادی پاک (طُوًی) هستی.

برخی فواید آیات:

- نزول قرآن برای به زحمت انداختن نفس در عبادت، و چشاندن مشقت به نفس نیست، بلکه فقط کتابی یادآور است که کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند از آن بهره می‌برند.
- الله آفرینش و امر را یک جا قرار داد، زیرا چنان که آفرینش از حکمت خارج نمی‌شود، الله متعال امر و نهی نیز نمی‌کند مگر به آنچه که عین عدل و حکمت است.
- انفاق غذا و پوشاک و مسکن و وسایل گرمایشی هنگام سرما برای همسر برعهده شوهر واجب است.

﴿وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى﴾ [طه: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و - ای موسی - من تو را برای تبلیغ رسالتم برگزیده‌ام، پس به آنچه به تو وحی می‌کنم گوش فرا ده.

﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ۱۴].

﴿۱۴﴾ همانا من الله هستم که معبود برحقى جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کن، و برای یاد من نماز را به کامل‌ترین وجه برپادار.

﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ﴾ [طه: ۱۵].

﴿۱۵﴾ به تحقیق و بدون تردید که قیامت آمدنی و تحقق یافتنی است، می‌خواهم آن را مخفی دارم تا هیچ مخلوقی وقتش را نداند، اما نشانه‌های قیامت را با خبر دادن پیامبر به آنها می‌شناسند؛ تا هر نفسی به آنچه که عمل می‌کند، خیر باشد یا شر، جزا داده شود.

﴿فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ﴾ [طه: ۱۶].

﴿۱۶﴾ پس هرگز نباید کسی از کافران که به آن ایمان نمی‌آورد، و محرماتی را که نفسش می‌خواهد پیروی کرده است تو را از تصدیق به قیامت و آمادگی برای آن با انجام عمل صالح بازدارد، که به سبب این کار نابود می‌شوی.

﴿وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ﴾ [طه: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و ای موسی در دست راست تو چیست؟

﴿قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ﴾ [طه: ۱۸].

﴿۱۸﴾ موسی عليه السلام گفت: این عصای من است؛ که هنگام راه رفتن بر آن تکیه می‌کنم، و با آن درخت را می‌تکانم تا برگ‌هایش برای گوسفندانم بریزد، و منافع دیگری غیر از موارد مذکور برایم دارد.

﴿قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَىٰ﴾ [طه: ۱۹].

﴿۱۹﴾ الله فرمود: ای موسی آن را بیفکن.

﴿فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ﴾ [طه: ۲۰].

﴿۲۰﴾ پس موسی عليه السلام عصایش را افکند، ناگهان ماری شد که تیز و سریع راه می‌رفت.

﴿قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَتُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى﴾ [طه: ۲۱].

۱۱) الله به موسی فرمود: عصا را بگیر، و از تبدیل آن به مار نترس، وقتی آن را بگیری آن را به حالت اولش باز خواهیم گرداند.

﴿وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى﴾ [طه: ۲۲].

۱۲) و دست خویش را بر پهلویت قرار بده تا سفید بدون پیسی درآید، این نشانه دوم توست.

﴿لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى﴾ [طه: ۲۳].

۱۳) - ای موسی - این دو نشانه را برایت نشان دادیم تا از آیات بزرگ و دلالت کننده ما بر قدرت خویش و بر اینکه رسولی از جانب الله هستی برایت بنمایانیم.

﴿أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى﴾ [طه: ۲۴].

۱۴) - ای موسی - به سوی فرعون برو، که در کفر و سرکشی در برابر الله از حد گذشته است.

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ [طه: ۲۵].

۱۵) موسی عليه السلام گفت: پروردگارا، سینه‌ام را برایم بگشای تا آزار را تحمل کنم.

﴿وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾ [طه: ۲۶].

۱۶) و کارم را بر من آسان گردان.

﴿وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي﴾ [طه: ۲۷].

۱۷) و مرا بر گفتن کلام فصیح توانا گردان.

﴿يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ [طه: ۲۸].

۱۸) تا آن گاه که رسالت تو را برای شان می‌رسانم سخنم را بفهمند.

﴿وَاجْعَلْ لِي وَاوِيلًا مِنْ أَهْلِي﴾ [طه: ۲۹].

۱۹) و از خانواده‌ام یآوری برایم قرار بده تا در امورم به من یاری رساند.

﴿هَارُونَ أَخِي﴾ [طه: ۳۰].

۲۰) برادرم هارون پسر عمران را.

- ﴿أَشْدُّ بِهِ أُزْرِي﴾ [طه: ۳۱].
 ﴿پشتم را با او قوی گردان.﴾
- ﴿وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي﴾ [طه: ۳۲].
 ﴿و او را شریک من در رسالت قرار بده.﴾
- ﴿كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا﴾ [طه: ۳۳].
 ﴿تا بسیار تسبیح تو را بگوییم.﴾
- ﴿وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا﴾ [طه: ۳۴].
 ﴿و تو را فراوان یاد کنیم.﴾
- ﴿إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا﴾ [طه: ۳۵].
 ﴿به راستی که تو نسبت به ما بینا هستی، و ذره‌ای از کار ما بر تو پوشیده نمی‌ماند.﴾
- ﴿قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى﴾ [طه: ۳۶].
 ﴿الله فرمود: ای موسی آنچه خواستی به تو دادیم.﴾
- ﴿وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى﴾ [طه: ۳۷].
 ﴿و به تحقیق که بار دیگر بر تو نعمت بخشیدیم.﴾

برخی فواید آیات:

- وجوب درست شنیدن در امور مهم، که مهم‌ترین آنها وحی نازل شده از جانب الله است.
- آغاز وحی به موسی عليه السلام مشتمل بر دو اصل در عقیده، یعنی: اقرار به توحید الله، و ایمان به قیامت بود، و مهم‌ترین فریضه پس از ایمان، یعنی نماز را در برداشت.
- همکاری میان دعوتگران برای دستیابی به هدف ضروری است؛ چنان‌که الله برای موسی عليه السلام برادرش هارون عليه السلام را پیامبری قرار داد تا او را در ادای رسالت یاری رساند.
- اهمیت مهارت دعوتگر برای فهماندن به مدعویین.

﴿إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ﴾ [طه: ۳۸].

آن گاه که آنچه را باید به مادرت الهام می شد الهام کردیم، و الله اینگونه تو را از مکر فرعون حفظ کرد.

﴿أَنِ افْذَيْبِهِ فِي التَّابُوتِ فَأَفْذِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي﴾ [طه: ۳۹].

به تحقیق هنگام الهام به مادرت، بر او امر کردیم که: نوزادت را پس از ولادت در صندوق بگذار، و صندوق را در دریا بینداز، که دریا به فرمان ما او را به ساحل خواهد انداخت، آن گاه دشمن من و دشمن او، یعنی فرعون او را می گیرد، و محبتی از جانب خودم بر تو قرار دادم، تا مردم تو را دوست بدانند، و تا اینکه در برابر دیده و در حفظ و توجه من پرورش یابی.

﴿إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ﴾ [طه: ۴۰].

آن گاه که خواهرت خارج شد و حرکت می کرد و هر جا که تابوت می رفت آن را دنبال می کرد، پس به کسانی که آن را گرفتند گفت: آیا شما را به کسی که از او محافظت کند و او را شیر و پرورش دهد راهنمایی کنم؟ آن گاه با بازگردان تو به سوی مادرت بر تو نعمت ارزانی داشتیم تا با بازگشت تو به سوی خویش شاد گردد، و به خاطر تو اندوه نخورد؛ و قبطی ای را که بر او مشت زدی گشتی، آن گاه با نجات دادن تو از کیفر بر تو نعمت ارزانی داشتیم، و بارها تو را از هر امتحانی که با آن روبه رو شدی رهایی دادیم، پس خارج شدی و چند سال در میان اهل مدین ماندی، سپس ای موسی در زمانی که برایت مقدر شده بود که در آن وقت برای سخن گفتنت با من می آیی آمدی.

﴿وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي﴾ [طه: ۴۱].

و تو را برگزیدم که رسولی از جانب من باشی تا آنچه را به تو وحی می کنم به مردم ابلاغ کنی.

﴿اَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي﴾ [طه: ۴۲].

۴۲ - ای موسی - تو و برادرت هارون آیات دلالت کننده ما بر قدرت و یگانگی الله را ببرید، و از یاد من و از دعوت به سوی من سستی نکنید.

﴿اَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ﴾ [طه: ۴۳].

۴۳ - به سوی فرعون بروید، که او در کفر و نافرمانی الله از حد گذشته است.

﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾ [طه: ۴۴].

۴۴ - پس سخنی نرم و ملایم به او بگویید؛ امید است که پند پذیرد، و از الله بترسد آن گاه توبه کند.

﴿قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ﴾ [طه: ۴۵].

۴۵ - موسی و هارون گفتند: به راستی ما می ترسیم از اینکه قبل از اتمام دعوتش در کيفر عجله کند، یا با قتل یا غیر آن در ستم به ما از حد بگذرد.

﴿قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ﴾ [طه: ۴۶].

۴۶ - الله به آن دو فرمود: نترسید؛ من با شما هستم [و شما را یاری و تقویت میکنم]، و آنچه را که میان شما و او رخ می دهد می شنوم و می بینم.

﴿فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ

بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ﴾ [طه: ۴۷].

۴۷ - پس به سویش بروید، و به او بگویید: - ای فرعون - در حقیقت ما دو رسول پروردگارت هستیم پس بنی اسرائیل را همراه ما بفرست، و آنها را با کشتن پسران شان، و زنده نگه داشتن زنان شان شکنجه نکن، به راستی که ما برهانی از جانب پروردگارت بر راستگویی خویش آورده ایم، و نجات از عذاب الله برای کسی است که ایمان آورد، و از هدایت الله پیروی کند.

﴿إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ﴾ [طه: ۴۸].

۴۸ - به راستی که الله بر ما وحی کرده که عذاب در دنیا و آخرت برای کسی است که آیات الله را تکذیب کند، و از آنچه رسولان صَلَّىٰ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ آورده اند روی بگرداند.

﴿قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى﴾ [طه: ۴۹].

﴿۴۹﴾ فرعون با انکار دعوت موسی و هارون گفت: ای موسی پروردگار شما دو نفر که ادعا می‌کنید او شما را به سوی من فرستاده است کیست؟

﴿قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ [طه: ۵۰].

﴿۵۰﴾ موسی علیه السلام گفت: پروردگار ما همان ذاتی است که به هر چیزی صورت و شکل مناسب خودش را داد، سپس مخلوقات را در راستای آنچه برایش آفریده شده‌اند هدایت کرد.

﴿قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى﴾ [طه: ۵۱].

﴿۵۱﴾ فرعون گفت: پس امت‌های پیشین که بر کفر بودند چه وضعیتی دارند؟

برخی فواید آیات:

- توجه کامل الله به کلیمِ خویش موسی علیه السلام و پیامبران و رسولان علیهم السلام . و وارثان پیامبران نیز بر اساس درجه‌شان در برابر الله سهمی از این توجه دارند.
- از موارد هدایت عمومی مخلوقات این است که هر مخلوقی برای کسب منفعت و دفع زیان از خودش می‌کوشد.
- بیان فضیلت امر به معروف و نهی از منکر، و اینکه این کار با سخن نرم در برابر کسی که صاحب قدرت است، و محافظت را در برابر او تضمین می‌کند صورت گیرد.
- علم غیب گذشته و حال و آینده، فقط به الله اختصاص دارد.

﴿قَالَ عَلِمْتُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَّا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى﴾ [طه: ۵۲].

﴿۵۲﴾ موسی علیه السلام به فرعون گفت: علم تمام موارد مربوط به آن امتهای نزد پروردگارم، در لوح محفوظ ثبت شده است. پروردگارم در آگاهی از آنها مرتکب اشتباه نمی شود و آنچه را از آنها می داند فراموش نمی کند.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّى﴾ [طه: ۵۳].

﴿۵۳﴾ نزد همان پروردگارم که زمین را برای تان آماده زندگی ساخت، و برای تان راه های مناسب برای حرکت در آن قرار داد، و آب باران را از آسمان فرو فرستاد، سپس با آن آب انواع گیاهان مختلف را خارج کردیم.

﴿كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى﴾ [طه: ۵۴].

﴿۵۴﴾ - ای مردم - از خوراکی های پاکیزه ای که برای تان خارج کردیم بخورید، و دام های تان را بچرانید، به راستی که در این نعمت ها دلایلی بر قدرت و یگانگی الله برای خردمندان وجود دارد.

﴿* مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾ [طه: ۵۵].

﴿۵۵﴾ از خاک زمین، پدرتان آدم علیه السلام را آفریدیم، و وقتی که بمیرید شما را به آن بازمی گردانیم، و بار دیگر برای برانگیختن در روز قیامت شما را از آن درمی آوریم.

﴿وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى﴾ [طه: ۵۶].

﴿۵۶﴾ و به تحقیق که ما تمام آیات نه گانه خویش را بر فرعون آشکار کردیم، و آیات مذکور را دید اما آنها را تکذیب کرد، و از ایمان به الله خودداری کرد.

﴿قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى﴾ [طه: ۵۷].

﴿۵۷﴾ فرعون گفت: - ای موسی - آیا نزد من آمده ای تا با سحری خود، ما را از مصر خارج کنی و فرمانروایی آن برای خودت بماند؟

﴿فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَّا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى﴾ [طه: ۵۸].

﴿۵۸﴾ پس - ای موسی - سحری مانند سحر خودت برایت خواهیم آورد، پس میان ما و میان خودت موعدی در زمان معین و مکان مشخصی قرار بده، که نه ما از آن

تخلف کنیم و نه تو از آن تخلف ورزی، و باید مکانی هموار و مساوی میان هر دو گروه باشد.

﴿قَالَ مَوْعِدْكُمْ يَوْمَ الزَّيْتَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى﴾ [طه: ۵۹].

﴿۵۹﴾ موسی علیه السلام به فرعون گفت: موعد میان ما و شما روز عید است که مردم هنگام برآمدن آفتاب برای جشن گرفتن عید خویش اجتماع می کنند.

﴿فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى﴾ [طه: ۶۰].

﴿۶۰﴾ آن گاه فرعون پشت کرد و رفت، و مکر و حيله‌هایش را گرد آورد، سپس در زمان و مکان مشخص برای زورآزمایی آمد.

﴿قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى﴾ [طه: ۶۱].

﴿۶۱﴾ موسی علیه السلام درحالی که ساحران فرعون را اندرز می داد گفت: بترسید، و با سحری که مردم را با آن فریب می دهید بر الله دروغ نبندید که شما را به عذابی از جانب خویش ریشه کن می کند، و به تحقیق هرکس که بر الله دروغ بندد زیان دیده است.

﴿فَتَنَّا زَعْوًا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَى﴾ [طه: ۶۲].

﴿۶۲﴾ آن گاه ساحران چون کلام موسی علیه السلام را شنیدند با یکدیگر به جَرّ و بحث پرداختند، و پنهانی میان یکدیگر نجوا کردند.

﴿قَالُوا إِنْ هَذَا لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَّى﴾ [طه: ۶۳].

﴿۶۳﴾ ساحران پنهانی به یکدیگر گفتند: به راستی که موسی و هارون دو ساحر هستند، و با سحری که آورده اند می خواهند شما را از مصر برانند، و سنت برتر شما در زندگی، و عقیده والاتر شما را از بین ببرند.

﴿فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى﴾ [طه: ۶۴].

﴿۶۴﴾ پس کارتان را محکم کنید، و در آن اختلاف نوزید، سپس به صف پیش آید، و هر چه دارید یکباره بیفکنید، و به تحقیق هرکس امروز بر دشمن خویش چیره شود به مطلوب دست یافته است.

برخی فواید آیات:

- رویانیدن اصناف گیاهان با انواع و رنگ‌های مختلف از زمین دلالت آشکاری بر قدرت الله تعالی و وجود آفریدگار دارد.
- آیات فوق دو دلیل آشکار عقلی بر بازگشت را بیان کرده‌اند: یکی درآوردن گیاه از زمین پس از مرگش، دومی درآوردن و ایجاد افراد مکلف از زمین.
- کفر فرعون از روی عناد بود؛ زیرا او نشانه‌ها را آشکارا و نه بر اساس خبر، مشاهده نمود، و در اعماق نفسش به آنها قانع شد.
- موسی عليه السلام روز عید را برگزید؛ تا در برابر تمام مردم در اجتماع سالانه، کلمه الله برتری یابد، و دینش آشکار شود، و کفر سرنگون گردد تا خبر شایع شود.

﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى﴾ [طه: ۶۵].

﴿۱۵﴾ ساحران به موسی علیه السلام گفتند: ای موسی، یکی از این دو امر را انتخاب کن: اینکه تو با افکندن سحری که داری آغازگر باشی، یا ما آغاز کنیم.

﴿قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى﴾ [طه: ۶۶].

﴿۱۶﴾ موسی علیه السلام گفت: بلکه ابتدا شما آنچه را که دارید بیفکنید، پس آنچه داشتند افکندند، به ناگاه ریسمان‌ها و عصاهای‌شان بر اثر سحرشان در خیال موسی علیه السلام مارهایی تصور می‌شدند که به سرعت حرکت می‌کردند.

﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى﴾ [طه: ۶۷].

﴿۱۷﴾ آن‌گاه موسی علیه السلام بر اثر سحر آنان ترسی در نفس خویش پنهان کرد.

﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾ [طه: ۶۸].

﴿۱۸﴾ الله برای تسکین موسی علیه السلام به او گفت: از آنچه که به خیالت آمده نترس، - ای موسی - به راستی که تو با غلبه و پیروزی بر آنها برتری.

﴿وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى﴾ [طه: ۶۹].

﴿۱۹﴾ و عصایی را که در دست راستت است بیفکن تبدیل به ماری می‌شود و سحری را که آنها ساختند می‌بلعد، زیرا آنچه آنها ساختند چیزی جز نیرنگی سحری نیست، و ساحر هر جا که باشد به مطلوب دست نمی‌یابد.

﴿فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى﴾ [طه: ۷۰].

﴿۲۰﴾ پس موسی علیه السلام عصایش را افکند. به ناگاه تبدیل به ماری شد، و آنچه را که ساحران ساخته بودند بلعید، پس ساحران چون دانستند که آنچه موسی علیه السلام دارد سحر نیست و فقط از جانب الله است برای الله به سجده افتادند، و گفتند: به پروردگار موسی و هارون، و پروردگار تمام مخلوقات ایمان آوردیم.

﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ أَدْنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا تُقِصَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَا صَلِّبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَيْنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى﴾ [طه: ۷۱].

﴿۷۱﴾ فرعون برای اعتراض و تهدید ساحران به خاطر ایمان‌شان به آنها گفت: آیا به موسی ایمان آوردید پیش از اینکه اجازه این کار را به شما بدهم؟! - ای ساحران - همانا موسی رئیس شماست که سحر را به شما آموخته است، بدون تردید از هر یک از شما یک پا و یک دست را به صورت مخالف قطع می‌کنم، و بدن‌های‌تان را بر تنه های درختان خرما به دار می‌آویزم تا بمیرید، و عبرتی برای دیگران باشید، و آن‌گاه بدانید کدام‌یک از ما عذابی سخت‌تر و بادوام‌تر دارد: من یا پروردگار موسی؟!

﴿قَالُوا لَنْ نُؤْتِيَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ [طه: ۷۲].

﴿۷۲﴾ ساحران به فرعون گفتند: - ای فرعون - هرگز پیروی از تو را بر پیروی از نشانه‌های آشکاری که نزدمان آمده است ترجیح نخواهیم داد، و هرگز تو را بر الله که ما را آفریده برتری نخواهیم داد، پس هر کاری که می‌توانی در مورد ما انجام بدهی انجام ده، تو قدرتی جز در این دنیای فانی بر ما نداری، و به‌زودی قدرتت از بین خواهد رفت.

﴿إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيُعْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ [طه: ۷۳].

﴿۷۳﴾ همانا ما به پروردگارمان ایمان آوردیم امید است که گناهان پیشین ما از کفر و غیر آن را از ما محو گرداند، و گناه سحری را که ما را بر آموختن و تمرین آن و شکست موسی عليه السلام با آن مجبور ساختی از ما پاک کند، و الله از آنچه که تو به ما وعده دادی پاداش بهتری می‌دهد، و از عذابی که تو ما را به آن تهدید می‌کنی عذابی بادوام‌تر می‌دهد.

﴿إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى﴾ [طه: ۷۴].

﴿۷۴﴾ به‌راستی که مسأله و نتیجه این است که هرکس در روز قیامت در حالی نزد پروردگارش برود که به او کافر است آتش جهنم برایش است که در آن وارد می‌شود و برای همیشه در آن می‌ماند، و نه در آن می‌میرد تا از عذابش راحت شود، و نه زنده گشته و به زندگی پاکی برمی‌گردد.

﴿وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى﴾ [طه: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و هرکس در روز قیامت در حالی نزد پروردگارش رود که به او مؤمن است و

اعمال صالح انجام داده است اینها که صفات بزرگ مذکور را دارند منازل رفیع و درجاتی والا برای شان است.

﴿جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى﴾ [طه: ۷۶].

این درجات همان بهشت‌های جاویدانی است که نهرها از زیر کاخ‌های شان جاری است و برای همیشه در آن می‌مانند، و پاداش مذکور، پاداش هرکسی است که از کفر و گناهان پاک شود.

برخی فواید آیات:

- ساحر هر جایی از زمین برود و هر چاره‌جویی‌ای که به خرج دهد رستگار نمی‌شود و نجات نمی‌یابد، و هدفش چه خیر باشد و چه شر با سحر به دست نمی‌آید.
- ایمان معجزات را می‌سازد؛ چنان‌که ایمان ساحران استوارتر از کوه‌ها بود، که عذاب دنیا بر آنها آسان شد، و به تهدید فرعون اهمیت ندادند.
- عادت ستمکاران، تهدید به عذاب سخت برای پیروان حق و زیاده‌روی در این کار برای تحقیر و خوار ساختن است.

﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَىٰ﴾ [طه: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و در حقیقت به موسی علیه السلام وحی کردیم: بندگانم را شبانه از مصر حرکت بده تا هیچ کس متوجه آنها نشود، و پس از زدن عصا به دریا راهی خشک و ایمن در دریا برای شان قرار بده، که نه از رسیدن فرعون و اشراف او به خودت بترسی، و نه از غرق شدن در دریا بیم داشته باشی.

﴿فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَبِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ اللَّيْلِ مَا عَشَيْتَهُمْ﴾ [طه: ۷۸].

﴿۷۸﴾ پس فرعون همراه لشکریانش آنها را دنبال کرد، و دریا او و لشکریانش را آن گونه که باید فرا می گرفت و حقیقت آن را جز الله نمی داند پوشانید، آن گاه همگی غرق و نابود شدند، و موسی علیه السلام و همراهیانش نجات یافتند.

﴿وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ﴾ [طه: ۷۹].

﴿۷۹﴾ و فرعون قومش را با کفری که برای شان آراست، و با باطلی که آنها را با آن فریفت گمراه کرد، و هرگز آنها را به راه هدایت راهنمایی نکرد.

﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ﴾ [طه: ۸۰].

﴿۸۰﴾ و پس از اینکه بنی اسرائیل را از فرعون و لشکریانش رهانیدیم به آنها گفتیم: ای بنی اسرائیل، به تحقیق که شما را از دشمنان نجات دادیم، و به شما وعده دادیم که در سمت راست دره واقع در کنار کوه طور با موسی علیه السلام سخن بگوییم، و در بیابان تیه که سرگردان بودید از نعمت خویش شرابی شیرین مانند عسل و پرنده ای کوچک با گوشت لذیذ شبیه بلدرچین برای تان فرو فرستادیم.

﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ﴾ [طه: ۸۱].

﴿۸۱﴾ از غذاهای حلال و لذیذی که به شما روزی دادیم بخورید، و از آنچه که برای تان مباح کرده ایم به آنچه که برای تان حرام گردانیدیم تجاوز نکنید، که در این صورت خشم من بر شما نازل می شود، و هرکس که خشم من بر او نازل شود به تحقیق که نابود شده و در دنیا و آخرت بدبخت گشته است.

﴿وَأَنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ [طه: ۸۲].

﴿۸۲﴾ و به راستی که من برای کسی که به سوی من توبه کند و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس بر حق استقامت ورزد بسیار آمرزنده و بخشنده هستم.

﴿* وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ يَا مُوسَى﴾ [طه: ۸۳].

﴿۸۳﴾ و - ای موسی - چه چیزی تو را به شتاب واداشت که از قومت پیشی گرفتی و آنها را پشت سرت رها کردی؟

﴿قَالَ هُمْ أَوْلَاءُ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى﴾ [طه: ۸۴].

﴿۸۴﴾ موسی علیه السلام گفت: البته آنها در پی من هستند و به زودی به من می پیوندند، و از قومم به سوی تو پیشی گرفتم تا به خاطر شتافتنم به سوی تو از من راضی گردی.

﴿قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ﴾ [طه: ۸۵].

﴿۸۵﴾ الله فرمود: به راستی ما قومت را که را پشت سرت گذاشتی با عبادت گوساله آزمودیم، و سامری آنها را به عبادت گوساله فراخواند، و با آن گمراه ساخت.

﴿فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَن يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي﴾ [طه: ۸۶].

﴿۸۶﴾ آن گاه موسی علیه السلام خشمگین به خاطر عبادت گوساله توسط قومش و اندوهگین به خاطر آنها نزدشان بازگشت، موسی علیه السلام گفت: ای قوم من، آیا الله وعده ای نیکو به شما نداد که تورات را بر شما فرو می فرستد، و شما را به بهشت درمی آورد، پس آیا زمانی طولانی بر شما گذشت که فراموش کردید؟ یا با این کارتان خواستید خشمی از جانب پروردگارتان بر شما نازل شود، و عذابش بر شما واقع گردد، و به این منظور با وعده من مبنی بر اینکه تا وقتی نزدتان باز گردم بر طاعت ثابت قدم باشید، مخالفت کردید؟!

﴿قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أُوزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَدَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ﴾ [طه: ۸۷].

﴿۸۷﴾ قوم موسی علیه السلام گفتند: - ای موسی - به اختیار خویش با وعده تو مخالفت نکردیم، بلکه به اضطرار این کار را کردیم، بارهای سنگینی از زیورات قوم فرعون

به دوش کشیده بودیم، پس آنها را در گودالی افکندیم تا از آنها رهایی یابیم، و همان گونه که ما آنها را در گودال افکندیم سامری نیز خاک سم اسب جبریل علیه السلام را که همراهش بود افکند.

برخی فواید آیات:

- یکی از سنت‌های الله انتقام او تعالی از مجرمان است. این انتقام، سینه‌های مؤمنان را شفا می‌بخشد، و چشمان‌شان را خنک می‌گرداند، و خشم دل‌های‌شان را از بین می‌برد.
- ستمگر هم بر خودش و هم بر قومش شوم است؛ زیرا آنها را از راه راست گمراه می‌سازد، و آنها را نه به خیر هدایت می‌کند و نه به رستگاری.
- نعمت‌ها، نگهداری و شکر زیاد را ایجاب می‌کنند و انکار آنها موجب رسیدن و نزول خشم الله می‌گردد.
- الله همیشه برای کسی که از شکر و کفر و گناه توبه کند، و به او تعالی ایمان آورد و اعمال صالح انجام دهد، سپس تا زمان مرگ بر این کار استقامت ورزد، آمرزنده است.
- شتاب هر چند به طور کلی مذموم است اما در انجام امور دینی پسندیده است.

﴿فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ﴾ [طه: ۸۸].

﴿۸۸﴾ پس سامری از آن زیورها پیکر گوساله‌ای بدون روح، که صدایی مانند صدای گاو داشت برای بنی‌اسرائیل درآورد، آن‌گاه کسانی از آنها که به کار سامری فریب خوردند گفتند: این همان معبود شما و معبود موسی علیه السلام است که آن را فراموش کرد و آن را اینجا، جا گذاشت.

﴿أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا﴾ [طه: ۸۹].

﴿۸۹﴾ آیا اینها که به گوساله فریب خوردند و آن را عبادت کردند نمی‌بینند که گوساله با آنها سخن نمی‌گوید و پاسخشان را نمی‌دهد، و نه بر دفع ضرر از آنها و نه از دیگرها، و نه بر جلب منفعت برای خودش و نه برای دیگران توانا نیست.

﴿وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي﴾ [طه: ۹۰].

﴿۹۰﴾ و به تحقیق که هارون علیه السلام قبل از بازگشت موسی علیه السلام به آنها گفته بود: در ساختن گوساله از طلا و صدای آن جز آزمایشی برای تان نیست تا مؤمن از کافر آشکار گردد، و - ای قوم من - همانا پروردگارتان همان ذاتی است که مالک رحمت است؛ نه کسی که مالک هیچ زیان و نفعی برای تان نیست چه رسد به اینکه بر شما رحم کند. پس در عبادت او تعالی به یگانگی از من پیروی کنید، و از فرمانم مبنی بر ترک عبادت غیر او اطاعت کنید.

﴿قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ﴾ [طه: ۹۱].

﴿۹۱﴾ فریب خوردگان به عبادت گوساله گفتند: پیوسته در عبادت آن برقرار می‌مانیم تا اینکه موسی علیه السلام به سوی ما بازگردد.

﴿قَالَ يَا هَارُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا﴾ [طه: ۹۲].

﴿۹۲﴾ موسی علیه السلام به برادرش هارون علیه السلام گفت: چه چیزی تو را بازداشت وقتی آنها را دیدی با عبادت گوساله به جای الله گمراه شدند.

﴿أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي﴾ [طه: ۹۳].

﴿۹۳﴾ که آنها را رها کنی و به من بیبندی؟! آیا از امر من نافرمانی کردی آن‌گاه که تو را بر آنها جانشین قرار دادم!؟

﴿قَالَ يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي﴾ [طه: ۹۴].

۹۴) و چون موسی علیه السلام با اعتراض بر کار برادرش ریش و موی سر او را گرفت و به سوی خود کشید هارون علیه السلام با دل جوویی از برادرش به او گفت: نه ریشم را بگیر و نه موی سرم را، زیرا من برای ماندن همراه آنها معذور هستم، چون ترسیدم که اگر آنها را تنها رها کنم پراکنده شوند، آن گاه بگویی: همانا من بین آنها تفرقه انداختم، و از سفارش تو در مورد آنها محافظت نکردم.

﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ﴾ [طه: ۹۵].

۹۵) موسی علیه السلام به سامری گفت: ای سامری قضیه چیست؟ و چه چیزی تو را واداشت که این کار را انجام دهی؟

﴿قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي﴾ [طه: ۹۶].

۹۶) سامری به موسی علیه السلام گفت: چیزی را که آنها ندیدند دیدم، جبریل علیه السلام را سوار بر اسبی دیدم، آن گاه مشتکی خاک از رد پای اسبش گرفتم، و آن را بر زیورهای قالب شده بر شکل گوساله انداختم، آن گاه پیکر گوساله‌ای صدا دار ساخته شد، و نیز نفس من کاری را که انجام دادم برایم آراست.

﴿قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ يُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا﴾ [طه: ۹۷].

۹۷) موسی علیه السلام به سامری گفت: پس برو که برایت این باشد که تا وقتی زنده هستی بگویی: به کسی دست نمی‌زنم و کسی به من دست نزند، و کنار گذاشته شده زندگی کنی، و اینکه روز قیامت موعدی برایت باشد که در آن مورد محاسبه قرار می‌گیری و مجازات می‌شوی، الله هرگز این موعد را برایت تخلف نخواهد کرد، و به گوساله‌ها که آن را معبود خویش قرار داده بودی، و به جای الله او را عبادت می‌کردی بنگر، که آتشی بر آن خواهیم افروخت تا آن را ذوب کند، آن گاه او را در دریا خواهیم افکند تا اثری از او باقی نماند.

﴿إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [طه: ۹۸].

① - ای مردم - تنها معبود برحق شما الله است که معبود برحقى جز او نيست، و علمش بر همه چیز احاطه دارد، پس علم هیچ چیز از یاد او سبحانه نمی‌رود.

برخی فواید آیات:

- فریفتن مردم با جعل واقعیت‌ها، روش گمراهان است.
- خشم پسندیده، هنگام دست اندازی به محارم الله ایجاد می‌شود.
- آیات فوق، بر نفی بدعت‌گزاران و گناهکاران و عدم معاشرت با آنها دلالت دارد.
- همچنان وجوب تفکر در شناخت الله از خلال تأثیرات او تعالی در هستی، از این آیات به دست می‌آید.

﴿كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا﴾ [طه: ۹۹].

۱۰۸ - ای رسول - همان گونه که قصه موسی علیه السلام و فرعون، و قصه قوم آن دو را برایت حکایت کردیم، قصص پیامبران علیهم السلام و امت‌های پیش از تو را برایت حکایت می‌کنیم تا آرامشی برایت باشد، و از جانب خویش قرآن برایت بخشیده‌ایم که هرکس پندپذیر باشد از آن پند می‌پذیرد.

﴿مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا﴾ [طه: ۱۰۰].

۱۰۹ هرکس از این قرآن که بر تو نازل شده، روی گرداند؛ یعنی به آن ایمان نیاورد، و به آنچه در آن آمده عمل نکند؛ به تحقیق که روز قیامت در حالی می‌آید که گناه بزرگی به دوش می‌کشد، و سزاوار عذابی دردآور است.

﴿خَالِدِينَ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا﴾ [طه: ۱۰۱].

۱۱۰ که برای همیشه در آن عذاب می‌ماند، و چه بد است باری که آن را در روز قیامت به دوش می‌کشند.

﴿يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا﴾ [طه: ۱۰۲].

۱۱۱ روزی که فرشته، بار دوم برای برانگیختن در صور می‌دمد، و در آن روز کافران را بر اثر تغییر رنگ (پوست) و چشمان‌شان از سختی مناظر هولناک قیامت که با آن روبه‌رو شده‌اند کبود شده گرد می‌آوریم.

﴿يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا﴾ [طه: ۱۰۳].

۱۱۲ محرمانه با هم این گونه راز می‌گویند: پس از مرگ جز ده شب در برزخ نماندیم.

﴿حَنْ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا﴾ [طه: ۱۰۴].

۱۱۳ ما به سخنانی که آنها پنهانی به هم می‌گویند آگاه‌تر هستیم، و ذره‌ای از آن از دست ما نمی‌رود، آن گاه که خردمندترین آنها می‌گویند: در برزخ جز یک روز و نه بیشتر نماندیم.

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا﴾ [طه: ۱۰۵].

۱۱۴ و - ای رسول - از تو در مورد وضعیت کوه‌ها در روز قیامت می‌پرسند، به آنها بگو: پروردگارم کوه‌ها را از ریشه برمی‌کند و ریز ریز می‌سازد، آن گاه به گرد و خاک تبدیل می‌شوند.

﴿فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا﴾ [طه: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ آن گاه زمین که کوهها را حمل می کرد مسطح و بدون بنا و بدون گیاه می گذارد.

﴿لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا﴾ [طه: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ - ای بیننده آن - به سبب مسطح بودن کامل زمین، هیچ انحراف و ارتفاع و پستی‌ای در آن نمی‌بینی.

﴿يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا﴾ [طه: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ در آن روز مردم صدای دعوتگر به سوی محشر را پیروی می‌کنند، و هیچ بازگرداننده‌ای از پیروی او برای‌شان نیست، و صداها از ترس برای رحمان خاموش می‌شوند، پس در آن روز جز صدایی آهسته نمی‌شنوی.

﴿يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا﴾ [طه: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ در آن روز بزرگ شفاعت هیچ شفاعت‌گری نفع نمی‌رساند مگر شفاعت‌گری که الله به او اجازه شفاعت دهد، و سخن او در شفاعت را بپسندد.

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ الله سبحانه آنچه از کار قیامت که مردم آن را پیش رو دارند، و آنچه که در دنیای‌شان پشت سر گذاشته‌اند می‌داند، درحالی‌که علم تمام بندگان به ذات و صفات الله احاطه ندارد.

﴿* وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا﴾ [طه: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ و چهره‌های بندگان خوار گردد، و برای ذات زنده‌ای که نمی‌میرد و امور بندگان را مدیریت و اداره می‌کند فروتنی کنند، و هرکس که با قرار دادن خویش در معرض نابودی، گناه به دوش کشد زیان دیده است.

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا﴾ [طه: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ و هرکس اعمال صالح انجام دهد درحالی‌که به الله و رسولانش ایمان دارد پاداشی کامل دارد، و از هیچ ستمی نمی‌ترسد که به گناهی که نکرده است عذاب شود، و از هیچ کاستنی برای پاداش عمل صالحش نمی‌ترسد.

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا﴾ [طه: ۱۱۳].

و همان گونه که قصص پیشینیان را برای تو فرستادیم این قرآن را به زبان عربی روشن نازل کردیم، و انواع وعید و تهدیدها را در آن بیان کردیم؛ امید است که از الله بترسند، یا قرآن مایهٔ پند و اندرز آنها شود.

برخی فواید آیات:

- تمام قرآن کریم یادآوری و اندرز برای امتها و ملتها و افراد، و مایهٔ شرف و افتخار برای انسانیت است.
- شفاعت هیچ کس سودی نمی‌رساند مگر شفاعت کسی که ذات رحمان به او اجازه دهد، و سخنش در شفاعت را بپسندد.
- قرآن دربردارندهٔ نیکوترین احکامی است که خردها و فطرتها به نیکی و کمال آنها گواهی می‌دهند.
- یکی از آداب تعامل با قرآن پذیرش و تسلیم و تعظیم در برابر آن، و هدایت یافتن توسط نورش به سوی راه مستقیم، و آموختن و آموزش دادن آن است.
- مجرمان در روز قیامت از اینکه با رویگردانی از آنچه به آنها نفع می‌رساند، و روی آوردن به آنچه به آنها ضرر می‌رساند اوقات زیادی تباه کرده‌اند، و به غفلت و فراموشی گذرانده‌اند پشیمان می‌شوند.

﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ [طه: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ پس الله، بلند مرتبه و پاک و باشکوه است، فرمانروایی که پادشاهی همه چیز از آن اوست، ذاتی که خودش حق و سخنش حق است، برتر از آن چیزی است که مشرکان او را توصیف می‌کنند. و - ای رسول - با قرائت قرآن همراه جبریل علیه السلام قبل از اینکه ابلاغش به تو تمام شود شتاب نکن، و بگو: پروردگارا در پرتو آنچه به من آموختی بر دانشم بیفزای.

الله پس از بیان قصه موسی علیه السلام و رویگردانی فرعون و غفلت بنی اسرائیل که این قصه دربردارد، قصه آدم علیه السلام را برای تنبیه و تشویق غافلان، به بازگشت به طاعت الله بیان کرد و فرمود:

﴿وَلَقَدْ عَاهَدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَلَمْ نُجِدْ لَهُ عَزْمًا﴾ [طه: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ و به راستی که پیش از این، آدم علیه السلام را به نخوردن از درخت ممنوع سفارش و از این کار نهی کردیم، و سرانجام این کار را برایش توضیح دادیم، اما سفارش را فراموش کرد و از درخت خورد، و در برابر آن صبر نکرد، و برای حفظ سفارش ما عزمی راسخ برایش نیافتیم.

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ﴾ [طه: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن گاه که به فرشتگان گفتیم: برای احترام در برابر آدم علیه السلام سجده کنید، آن گاه همگی به سجده افتادند جز ابلیس - که همراهشان بود اما از آنها نبود - از روی تکبر از سجده سر باز زد.

﴿فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ﴾ [طه: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ پس گفتیم: ای آدم، همانا ابلیس دشمن تو و دشمن همسرت است، پس تو و همسرت را با فرمان برداری از وسوسه هایش، از بهشت بیرون نکند، تا به سختی و دشواری افتی.

﴿إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ﴾ [طه: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ همانا برای تو برعهده الله است که در بهشت به تو طعام دهد تا گرسنه نمانی، و تو را بپوشاند تا عریان نمانی.

﴿وَأَنْتَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى﴾ [طه: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ و اینکه تو را سیراب گرداند تا تشنه نشوی، و تو را سایه اندازد تا گرمای خورشید به تو نرسد.

﴿فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى﴾ [طه: ۱۲۰].

﴿۱۲۰﴾ پس شیطان آدم علیه السلام را وسوسه کرد، و به او گفت: آیا تو را به درختی راهنمایی کنم که هرکس از آن بخورد هرگز نمی‌میرد، بلکه همیشه زنده باقی می‌ماند، و ملکی همیشگی که قطع نمی‌گردد و پایان نمی‌یابد به دست می‌آورد؟!

﴿فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾ [طه: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، آن‌گاه عورت‌های‌شان پس از اینکه پوشیده بود برای‌شان آشکار گشت، و به کندن برگ‌های درختان بهشت، و پوشاندن عورت‌های‌شان با آنها آغاز کردند، و آدم علیه السلام با فرمان پروردگارش مخالفت کرد چون از فرمان او تعالی مبنی بر پرهیز از خوردن از آن درخت اطاعت نکرد، و به آنچه که برایش جایز نبود تجاوز کرد.

﴿ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى﴾ [طه: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ سپس الله او را برگزید و توبه‌اش را پذیرفت، و او را به راه راست هدایت کرد.

﴿قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ [طه: ۱۲۳].

﴿۱۲۳﴾ الله به آدم علیه السلام و حوا فرمود: شما دو تن و ابلیس از بهشت فرود آید، که او دشمن شما و شما دشمن او هستید، پس اگر رهنمودی برای راه من از جانب من نزدتان آمد: که هرکس از شما از رهنمودهای من پیروی و به آن عمل کند و از آن منحرف نشود، نه از حق گمراه می‌گردد، و نه در آخرت با عذاب به سختی می‌افتد، بلکه الله او را به بهشت درمی‌آورد.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ [طه: ۱۲۴].

﴿۱۲۴﴾ و هرکس از یاد من روی بگرداند و آن را نپذیرد، و آن را اجابت نکند، به‌راستی که زندگی تنگی در دنیا و در برزخ خواهد داشت، و روز قیامت او را بدون چشم و حجت به‌سوی محشر می‌رانیم.

﴿قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا﴾ [طه: ۱۲۵].

این روگردان از یاد الله می گوید: پروردگارا، چرا مرا کور محشور کردی، درحالی که در دنیا بینا بودم.

برخی فواید آیات:

- ادب در رویارویی با علم، و اینکه برای مستمع علم سزاوار است آرامش به خرج دهد و صبر کند تا اینکه املاکنده و معلم کلامش را به پایان رساند.
- آدم علیه السلام فراموش کرد پس فرزندانش نیز فراموش می کنند، و بر عزم استوار باقی نماند، و آنها نیز چنین هستند، و سریع توبه کرد پس الله او را آمرزید، و هرکس شبیه پدرش باشد ستم نمی بیند.
- فضیلت توبه؛ زیرا آدم علیه السلام پس از توبه بهتر از قبل توبه بود.
- زندگی سخت در سرای دنیا، و در سرای برزخ، و در سرای آخرت برای کافران و گمراهان است.

﴿قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾ [طه: ۱۲۶].

۱۲۶) الله در پاسخ به او می‌گوید: مانند کاری است که در دنیا انجام دادی، که آیات ما در دنیا برایت آمد اما از آنها روی گرداندی و رها کردی، و همین‌گونه امروز در عذاب رها می‌شوی.

﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنِ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾ [طه: ۱۲۷].

۱۲۷) و مانند این مجازات هرکس را که در شهوات حرام بکوشد، و از ایمان به دلایل آشکار پروردگار روی گرداند مجازات می‌کنیم، و به‌طور قطع عذاب الله در آخرت رسوا کننده‌تر و سخت‌تر و بادوام‌تر از زندگی تنگ در دنیا و برزخ است.

﴿أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى﴾ [طه: ۱۲۸].

۱۲۸) آیا برای این مشرکان، امت‌های زیادی که پیش از اینها نابود کردیم، و در مسکن‌های آن امت‌های نابود شده راه می‌روند، و آثار نابودی آنها را می‌بینند آشکار نشده‌است؟ به راستی که در نابودی و ویرانی این امت‌های فراوان، عبرتی برای خردمندان است.

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى﴾ [طه: ۱۲۹].

۱۲۹) و - ای رسول - اگر فرمانی پیش از این از جانب پروردگارت صادر نشده بود که او تعالی هیچ‌کس را قبل از اقامه حجت عذاب نکند، و اگر اجلی مُقَدَّر نزد او برای‌شان نبود به‌طور قطع عذاب‌شان را به تعجیل می‌انداخت؛ چون استحقاق آن را دارند.

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى﴾ [طه: ۱۳۰].

۱۳۰) پس - ای رسول - بر اوصاف باطلی که این تکذیب‌کنندگان تو می‌گویند شکیبایی کن، و به ستایش پروردگارت در نماز صبح قبل از طلوع خورشید، و در نماز عصر قبل از غروب خورشید، و در نماز مغرب و عشا از ساعات شب، و در نماز ظهر هنگام زوال پس از پایان طرف اول روز و در نماز مغرب پس از پایان طرف دوم روز تسبیح گوی؛ امید است که نزد الله به پاداشی که به آن خوشحال و راضی می‌گرددی برسی.

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ [طه: ۱۳۱].

﴿۱۳۱﴾ و به کالاهای گوناگونی از زیور زندگی دنیا که برای این تکذیب کنندگان قرار دادیم تا آنها را بیازماییم منگر، زیرا این کالاها نابود شدنی است، و پاداش پروردگارت که آن را به تو وعده داده است تا راضی شوی از کالاهایی که آنها را در این دنیا بهره‌مند ساختیم بهتر و بادوام‌تر است؛ چون هرگز پایان نمی‌یابد.

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾ [طه: ۱۳۲].

﴿۱۳۲﴾ و - ای رسول - خانواده‌ات را به ادای نماز امر کن، و خودت بر ادای آن شکیبایی کن، ما نه روزی خودت و نه روزی دیگران را از تو نمی‌جوییم، بلکه ما هستیم که روزی تو را برعهده داریم، و سرانجام نیکو در دنیا و آخرت برای تقواییشان است که از الله می‌ترسند، و اوامرش را اجرا، و نواهی‌اش را ترک می‌کنند.

﴿وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ أَوْلَمَ تَأْتِيهِمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ﴾ [طه: ۱۳۳].

﴿۱۳۳﴾ و این کافران تکذیب کننده پیامبر ﷺ گفتند: چرا محمد نشانه‌ای از جانب پروردگارش نمی‌آورد تا بر راستگویی او و رسالتش دلالت کند، آیا قرآن که تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیش از خود است برای این تکذیب کنندگان نیامده است؟!

﴿وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَىٰ﴾ [طه: ۱۳۴].

﴿۱۳۴﴾ و اگر ما این تکذیب کنندگان پیامبر ﷺ را به سبب کفر و دشمنی آنها قبل از اینکه رسولی به سوی‌شان بفرستیم، و کتابی بر آنها نازل کنیم با نزول عذاب بر آنها نبود می‌ساختیم به‌طور قطع در روز قیامت با دفاع از کفرشان می‌گفتند: - پروردگارا - چرا پیش از اینکه خواری و ذلت به سبب عذابت به ما برسد در دنیا رسولی به سوی ما نفرستادی، تا به او ایمان آوریم و از آیاتی که آورده است پیروی کنیم؟!

﴿قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى﴾
[طه: ۱۳۵].

⑬ - ای رسول - به این تکذیب کنندگان بگو: هر یک از ما و شما منتظر چیزی است که الله در مورد او اجرا می کند، پس - به یقین - به زودی خواهید دانست که چه کسانی پیرو راه راست، و چه کسانی هدایت یافتگانند: ما یا شما؟

برخی فواید آیات:

- یکی از اسباب یاری رسان بر تحمل آزارهای افراد نافرمان، بهره گیری از اوقات بافضیلت در تسبیح و ستایش الله است.
- سزاوار است که بنده هرگاه نفسش به زینت دنیا متمایل شد، میان زیور نابود شدنی دنیا و نعمت های همیشگی آخرت به طور دقیق بسنجد تا ببیند کدامیک با ارزش تر است.
- بنده باید نماز را آن گونه که حق برپایی اش است برپا دارد، و هرگاه کاری او را اندوهگین ساخت به پیروی از رسول ﷺ نماز بگذارد و خانواده اش را به نماز فرمان دهد، و خودش نیز در این کار شکیبایی پیشه کند.
- سرانجام زیبا و پسندیده، همان بهشت پرهیزکاران است.

سوره الانبياء

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان وحدت رسالت رسولان از خلال یاد آوری وضعیت رسولان و دعوت واحد آنها بر عبادت الله به یگانگی.

تفسیر:

﴿اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ﴾ [الأنبياء: ۱].

① حسابرسی بر اعمال مردم در روز قیامت برای شان نزدیک شده است، درحالی که آنها با مشغول شدن به دنیا در بی خبری از آخرت رویگردانند.

﴿مَا يَأْتِيهِمْ مِّن ذِكْرِ مَن رَّبِّهِمْ يُحَدِّثُ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ﴾ [الأنبياء: ۲].

② و هیچ نزول تازه‌ای از قرآن از جانب پروردگارشان برای آنها نیامد مگر اینکه بی فایده و بلکه به بازی و بدون اینکه اهمیتی برایش قائل شوند آن را شنیدند.

﴿لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ التَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ﴾ [الأنبياء: ۳].

③ آن را شنیدند درحالی که دل‌های شان از آن بی خبر بود، و ستمکاران کفر جدیدی را که در مورد آن این گونه نجوا می کردند مخفی داشتند: آیا این کسی که ادعا می کند رسولی است جز بشری مانند خودتان است، که هیچ امتیازی بر شما ندارد؟! و آنچه آورده سحر است، آیا از او پیروی می کنید درحالی که می دانید او انسانی مثل خودتان است، و آنچه آورده سحر است!؟

﴿قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الأنبياء: ۴].

④ رسول ﷺ گفت: پروردگارم سخنی را که پنهان کردید می داند، زیرا او تعالی هر سخنی را که در آسمان‌ها و زمین از هرکسی سر بزند می شنود، و او نسبت به سخنان بندگانش شنوا، و نسبت به اعمال شان آگاه است، و به زودی آنها را در قبال سخنان و اعمال شان جزا خواهد داد.

﴿بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ﴾
[الأنبياء: ۵].

⑤ بلکه در مورد آنچه محمد ﷺ آورد تردید کردند، چنان که گاهی گفتند: خواب هایی در هم آمیخته است که هیچ تعبیری ندارد، و گاهی گفتند: نه، بلکه آن را بدون دلیل ساخته است، و گاهی گفتند: او شاعر است، و اگر در ادعایش صادق است باید معجزه‌های مانند رسولان پیشین که معجزات آوردند بیاورد، مانند عصای موسی عليه السلام، و ماده شتر صالح عليه السلام.

﴿مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنبياء: ۶].

⑥ پیش از این، اهالی هیچ شهری که نزول معجزات را پیشنهاد دادند و طبق پیشنهادشان به آنها معجزات داده شد ایمان نیاوردند، بلکه معجزات را تکذیب کردند آن‌گاه آنها را نابود کردیم، آیا اینها ایمان می‌آورند؟!

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾
[الأنبياء: ۷].

⑦ و - ای رسول - پیش از تو جز مردانی از جنس بشر که به آنها وحی می‌کردیم نفرستادیم، و آنها را به صورت فرشتگان نفرستادیم، پس اگر این امر را نمی‌دانید از اهل کتاب پیش از خودتان بپرسید.

﴿وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۸].

⑧ و به رسولانی که می‌فرستیم بدن‌هایی ندادیم که نیازی به غذا نداشته باشند، بلکه همانند دیگران می‌خورند، و در دنیا جاویدان نیز نبودند که نمیرند.

﴿ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأنبياء: ۹].

⑨ سپس آنچه را که به رسولانمان عليه السلام وعده دادیم برای‌شان تحقق پیدا کرد چون آنها و کسانی از مؤمنان را که می‌خواستیم از نابودی نجات دادیم، و کسانی را که با کفر به الله و ارتکاب گناهان از حد گذشتند نابود ساختیم.

﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰].

⑩ به تحقیق قرآن را به سوی شما فرو فرستادیم که شرف و افتخارتان در آن است اگر آن را تصدیق کنید، و به دستوراتش عمل کنید، پس آیا در این امر نمی‌اندیشید، تا شتابان به آن ایمان آورید و به آنچه دربردارد عمل کنید؟!

برخی فواید آیات:

- نزدیکی قیامت، آمادگی برای آن را ایجاب می کند.
- مشغول شدن به سرگرمی ها دل ها را از حق باز می دارد.
- احاطه علم الله به گفتار و رفتار بندگان
- اختلاف موضع مشرکان در برابر پیامبر ﷺ بر خطا و اضطراب آنها دلالت دارد.
- الله رسولانش و مؤمنان را در برابر دشمنانشان یاری و تقویت می کند.
- قرآن شرف و افتخاری است برای کسی که به آن ایمان آورد و بر اساس آن عمل کند.

﴿وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۱].

﴿۱۱﴾ و چه بسیار شهرهایی که آنها را به سبب ستم و کفرشان نابود ساختیم، و پس از آنها مردمی دیگر را آفریدیم!

﴿فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۲].

﴿۱۲﴾ پس وقتی نابود شدگان عذاب ریشه کن کننده ما را دیدند، بی درنگ برای فرار از نابودی از شهرشان می گریختند.

﴿لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۳].

﴿۱۳﴾ آن گاه از روی مسخره ندا زده می شدند که: نگریزید، و به رفاهی که در آن قرار داشتید، و به مساکن تان بازگردید؛ شاید در مورد امور دنیایی کمکی از شما خواسته شود.

﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۴].

﴿۱۴﴾ این ستمکاران با اعتراف به گناهان شان گفتند: وای که نابود شدیم و زیان کردیم، به راستی که به سبب کفر به الله ستمکار بودیم.

﴿فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۵].

﴿۱۵﴾ پیوسته به گناهان شان اعتراف می کنند و به تکرار خواستار نابودی خویش بودند تا اینکه آنها را مانند کشت درو شده، و مردگانی که هیچ حرکتی ندارند قرار دادیم.

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و آسمان ها و زمین و آنچه را میان آن دو وجود دارد، بازیچه و بیهوده نیافریدیم، بلکه برای دلالت بر قدرتمان آفریدیم.

﴿لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ آلَاءَ لَتَخَذْنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۷].

﴿۱۷﴾ اگر می خواستیم همسر یا فرزندی انتخاب کنیم به طور قطع او را از آنچه نزد خودمان است انتخاب می کردیم، اما چون از این امر منزه هستیم، همسر یا فرزندی انتخاب نکردیم.

﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ﴾

[الأنبياء: ۱۸].

﴿۱۸﴾ بلکه حقی که آن را به رسول مان ﷺ وحی می کنیم بر باطل کافران می افکنیم و آن را بی اعتبار می کند، و به ناگاه باطل شان از بین می رود و فنا می شود، و - ای

کسانی که بر گرفتن همسر و فرزند برای الله قائل هستید - به سبب اینکه او تعالی را به آنچه سزاوارش نیست توصیف کردید نابودی برای تان است. و چون انتخاب زن و فرزند از نیازمندی نشأت می گیرد، او سبحانه بیان فرمود که مالک تمام هستی است، پس فرمود:

﴿وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يُسْتَحْسِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و فرمانروایی آسمان ها و زمین، تنها از آن او سبحانه است، و فرشتگانی که نزدش هستند نه از عبادت او تکبر می ورزند، و نه از این کار خسته می شوند.

﴿يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۰].

﴿۲۰﴾ همیشه بر تسبیح الله مواظبت می کنند، و از این کار خسته نمی شوند.

﴿أَمْ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنشِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۱].

﴿۲۱﴾ بلکه مشرکان معبودهایی به جای الله گرفتند، که مردگان را زنده نمی کنند، پس چگونه کسی را که از این کار ناتوان است عبادت می کنند؟!

﴿لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۲].

﴿۲۲﴾ اگر در آسمان ها و زمین معبودهای متعددی بود به طور قطع به سبب کشمکش و درگیری معبودها در فرمانروایی، آسمان ها و زمین تباه می شد، اما واقعیت خلاف این امر است، پس الله صاحب عرش از داشتن شریک که مشرکان به دروغ او را توصیف می کنند منزه است.

﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و الله در فرمانروایی و حکم خویش یگانه است، و هیچ کس در مورد تقدیر و حکمش، از او نمی پرسد، بلکه او از بندگان در مورد اعمال شان می پرسد، و آنها را در قبال اعمال شان جزا می دهد.

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ مِنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۴].

﴿۲۴﴾ بلکه به جای الله معبودهایی گرفتند، - ای رسول - به این مشرکان بگو: دلیل تان را برای استحقاق این معبودها برای عبادت بیاورید، زیرا در این کتاب نازل شده بر

من، و کتاب‌های نازل شده بر رسولان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هیچ دلیلی برای تان نیست، بلکه بیشتر مشرکان فقط به جهل و تقلید استناد می‌کنند، و از قبول حق رویگردانند.

برخی فواید آیات:

- ظلم، سبب نابودی سازش و نظام افراد و گروه‌ها است.
- الله هیچ چیز را بیهوده نیافریده است؛ زیرا او سبحانه از بیهودگی منزّه است.
- چیرگی حق و سرکوب باطل، سنتی الهی است.
- ابطال عقیده شرک به دلیل ناممکن بودن (و محال بودن وجود شریک برای الله متعال).

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُون﴾
[الأنبياء: ۲۵].

۵۵ و - ای رسول - پیش از تو رسولی را نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که معبود برحقى جز من نیست پس تنها مرا عبادت کنید، و هیچ چیز را با من شریک نگردانید.

﴿وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۶].

۶۱ و مشرکان گفتند: الله فرشتگان را دخترانى گرفته است، او سبحانه از دروغى که مى گویند منزّه و پاک است، بلکه فرشتگان بندگانى برای الله هستند، که از جانب او گرامى مى باشند، و مقرب او هستند.

﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۷].

۶۷ در سخن بر پروردگارشان پیشى نمى گیرند، يعنى سخنى نمى گویند تا اینکه به آنها فرمان دهد، و آنها به فرمان او کار مى کنند، و با فرمان او مخالفت نمى ورزند.

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۲۸].

۸۸ اعمال گذشته و آینده آنها را مى داند، و شفاعت را جز به اذن او برای کسی که شفاعت را برایش برگزیند نمى خواهند، و آنها از ترس او سبحانه در هراسند، پس در هیچ امر و نهیى از او مخالفت نمى کنند.

﴿* وَمَنْ يُقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكِ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ﴾
[الأنبياء: ۲۹].

۲۹ و به فرض اینکه هر یک از فرشتگان بگوید: من معبودى به جای الله هستم، به تحقیق که او را در قبال سخنش به عذاب جهنم در روز قیامت که همیشه در آن مى ماند مجازات مى کنیم، و به مانند همین مجازات، کسانی را که با کفر و شرک به الله ظلم مى کنند مجازات مى کنیم.

﴿أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۰].

۳۰ آیا کسانی که به الله کفر ورزیده اند ندانسته اند که آسمان ها و زمین به هم چسبیده بودند، و هیچ فاصله ای میان آن دو نبود، تا باران از آن نازل شود، سپس

آن دو را از هم جدا ساختیم، و از آب نازل شده از آسمان به سوی زمین هر حیوان یا گیاهی را قرار دادیم، پس آیا از این امر پند نمی گیرند، و به یگانگیِ الله ایمان نمی آورند؟!

﴿وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و کوه‌هایی استوار در زمین پدید آوردیم تا کسانی را که بر روی آن هستند نجنباند، و مسیرها و راه‌های وسیع در آن قرار دادیم تا در سفرهای‌شان به سوی مقاصدشان راه یابند.

﴿وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْكًَا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و آسمان را سقفی بدون ستون قرار دادیم که از سقوط و استراق سمع محفوظ است، و مشرکان از آیاتی که در آسمان است - مانند خورشید و ماه - رویگردان هستند و پند نمی گیرند.

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و الله یگانه همان ذاتی است که شب را برای استراحت، و روز را برای کسب معاش آفرید، و خورشید را نشانه‌ای بر روز، و ماه را نشانه‌ای بر شب آفرید، هر یک از خورشید و ماه در مدار مخصوص به خودش در جریان است، و از آن منحرف و مایل نمی شوند.

﴿وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَفَإِن مَّتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و - ای رسول - پیش از تو هیچ بشری را در این دنیا، جاویدان قرار ندادیم. پس آیا اگر اجل تو در این دنیا سپری شود و بمیری اینها پس از تو باقی می ماندند؟! خیر. ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۵].

﴿۳۵﴾ هر نفسی مؤمن باشد یا کافر؛ مرگ را در دنیا می چشد، و - ای مردم - در این دنیا شما را با تکالیف و نعمت‌ها و مصیبت‌ها می آزماییم، سپس پس از مرگ‌تان فقط به سوی ما، نه به سوی غیر ما بازگردانیده می شوید، تا شما را در قبال اعمال‌تان جزا دهیم.

برخی فواید آیات:

- منزّه دانستن الله از فرزند.
- جایگاه فرشتگان نزد الله این است که آنها بندگانی هستند که آنها را برای طاعت خویش آفریده است، و به مرد بودن یا زن بودن توصیف نمی‌شوند، بلکه بندگانی گرامی هستند.
- آسمان‌ها و زمین براساس سنت تدریجی آفریده شده‌اند، چنان‌که چسبیده به هم آفریده شدند، سپس از هم جدا گشتند.
- همان‌گونه که آزمایش به شر صورت می‌گیرد به خیر نیز صورت می‌گیرد.

﴿وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ يَذْكُرِ الرَّحْمَنَ هُمْ كَافِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۶].

۳۶ و - ای رسول - چون این مشرکان تو را ببینند برای دور ساختن پیروان شان جز تو را با این سخن به مسخره نمی گیرند: آیا این همان کسی است که معبودهای تان که آنها را عبادت می کنید دشنام می دهد؟! درحالی که خودشان با وجود اینکه تو را مسخره می کنند به قرآن که الله بر آنها نازل کرده و به نعمتهایی که به آنها بخشیده است کافرند؛ پس آنها خود به سبب اینکه تمام بدی ها را یک جا دارند به عیب سزاوارترند.

﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُون﴾ [الأنبياء: ۳۷].

۳۷ انسان بر عجله آفریده شده است، یعنی قبل از وقوع اشیا، آنها را به شتاب می خواهد؛ از جمله به شتاب خواستن عذاب توسط مشرکان. - ای کسانی که خواستار تعجیل در عذاب من هستید - به زودی آنچه را که در آن عجله می کنید به شما نشان می دهم، پس خواستار تعجیل آن نباشید.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأنبياء: ۳۸].

۳۸ و کافران منکر رستاخیز با درخواست تعجیل در کار می گویند: - ای مسلمانان - رستاخیز که آن را به ما وعده می دهید چه زمانی است اگر در ادعای وقوع آن راستگو هستید؟!

﴿لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [الأنبياء: ۳۹].

۳۹ اگر این کافران منکر رستاخیز بدانند آن گاه که نه چهره های شان و نه پشت شان از آتش بازگردانده نمی شود، و نه یآوری دارند که با دفع عذاب شان به آنها یاری رساند، اگر بر این امر یقین داشتند عذاب را به شتاب نمی خواستند.

﴿بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۰].

۴۰ این آتش که با آن عذاب می شوند درحالی که از آن آگاه هستند بر آنها وارد نمی شود، بلکه ناگهانی آنها را فرا می گیرد، پس نمی توانند آن را از خودشان بازگردانند، و به آنها مهلت نیز داده نمی شود تا توبه کنند و رحمت به آنها برسد.

چون رسول الله ﷺ از استهزا و تکذیب قومش به او رنج دید، الله این گونه او را تسلی داد:

﴿وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۱].

۴۱) و اگر قومت تو را مسخره کنند، تو اولین مسخره شونده نیستی؛ زیرا - ای رسول - رسولان پیش از تو مورد تمسخر قرار گرفتند. پس کافران را که پیامبران ﷺ را مسخره می کردند عذابی فراگرفت که آن را در دنیا وقتی که رسولان نشان آنها را به آن می ترساندند مسخره می کردند.

﴿قُلْ مَنْ يَكْلُؤْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۲].

۴۲) - ای رسول - به اینها که خواستار تعجیل در عذاب هستند بگو: چه کسی شما را شب و روز در برابر نزول عذاب و نابودی تان که رحمان برای تان می خواهد محافظت می کند؟ بلکه آنها به سبب جهل و نادانی، از ذکر پندها و دلایل پروردگارشان رویگردان هستند، و ذره ای در آنها نمی اندیشند.

﴿أَمْ لَهُم آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۳].

۴۳) آیا معبودهایی دارند که آنها را در برابر عذاب ما محافظت کنند؟ آنها نمی توانند نه با دفع ضرر از خویش و نا به جلب منفعت برای خویش به خودشان یاری رسانند، و کسی که به خودش نتواند یاری رساند چگونه به دیگران یاری می رساند؟! و خود آنها از عذاب ما نجات نمی یابند.

﴿بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءَ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۴].

۴۴) بلکه این کافران و پدران شان را برای نزدیک کردن تدریجی به عذاب، با نعمت هایمان که بر آنها گستراندیم بهره مند ساختیم، تا اینکه زمانی طولانی بر آنها گذشت پس به آن فریب خوردند، و بر کفرشان ماندند، آیا این فریب خوردگان به نعمت های ما که خواستار تعجیل در عذاب ما هستند نمی بینند که به زمین می

آییم و آن را با قهر و غلبه بر ساکنانش، از کناره‌هایش می‌کاهیم، که از آن پند گیرند تا آنچه بر دیگران واقع شد بر آنها واقع نشود؟! پس آنها پیروز نیستند، بلکه خود، مغلوب هستند.

برخی فواید آیات:

- بیان کفر کسی که رسولی را مسخره می‌کند؛ چه از طریق سخن یا عمل یا اشاره.
- عجله، از طبیعت انسان و شکیبایی اخلاقی برگزیده است.
- جز الله از عذاب او تعالی محافظت نمی‌کند.
- سرانجام باطل، زوال و سرانجام حق، بقا است.

﴿قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءُ إِذَا مَا يُنذِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۵].

۱۵۰ - ای رسول - بگو: - ای مردم - همانا من به وسیله آنچه پروردگارم بر من وحی می کند شما را از عذاب الله می ترسانم، و کران از حق، آن گاه که از عذاب الله بیم داده شوند آنچه را که به آن فراخوانده می شوند به نیت قبول کردن نمی شنوند.

﴿وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَتَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۴۶].

۱۵۱ و - ای رسول - اگر قسمتی از عذاب پروردگارت به اینها که خواستار تعجیل در عذاب هستند برسد آن گاه به طور قطع خواهند گفت: وای که نابود شدیم و زیان کردیم، به راستی که ما با شرک به الله و تکذیب آنچه محمد ﷺ آورده بود ستمکار بودیم.

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ

مِنْ حَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ [الأنبياء: ۴۷].

۱۵۲ و ترازوهای درست را برای اهل قیامت نصب می کنیم تا اعمال شان با آنها سنجیده شود، پس در آن روز هیچ کس با کاستن از نیکی هایش یا افزودن بر بدی هایش مورد ستم قرار نمی گیرد، حتی اگر چیز قابل سنجش بسیار کوچکی به وزن دانه خردلی باشد آن را می آوریم، و ما برای حساب کافی هستیم تا اعمال بندگانمان را مورد حسابرسی قرار دهیم.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [الأنبياء: ۴۸].

۱۵۳ و به تحقیق که تورات را جدا کننده حق و باطل و حلال و حرام به موسی و هارون علیهما السلام دادیم، و هدایتی برای کسانی که به آن ایمان آوردند، و یاد آوری برای کسانی که به خاطر پروردگارشان پرهیزکاری می کنند.

﴿الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِمَّن السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۴۹].

۱۵۴ همان کسانی که از کیفر پروردگارشان که به آن ایمان دارند می ترسند هر چند آن را ندیده باشند، و همانها که از قیامت بیمناک هستند.

﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ [الأنبياء: ۵۰].

۱۵۵ و این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ، تذکری است برای کسی که بخواهد از آن پند و اندرز گیرد، و منفعت و خیر زیادی دارد، پس آیا باز هم آن را انکار می کنید؟! و به آنچه در آن آمده اقرار ندارید، و به آن عمل نمی کنید؟!

﴿وَأَقْدَأْتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۵۱].

۵۱) و به راستی که در کودکی ابراهیم علیه السلام، حتی در برابر قومش به او دادیم و ما به او دانا بودیم، و حتی بر قومش که در علم ما شایستگی آن را داشت به او دادیم.

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ﴾ [الأنبياء: ۵۲].

۵۲) آن گاه که به پدرش آزر و قومش گفت: این بت‌ها که با دستان‌تان ساخته‌اید، و آنها را عبادت می‌کنید چه هستند؟

﴿قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۵۳].

۵۳) قومش به او گفتند: پدرانمان را دیدیم که آنها را عبادت می‌کنند، پس به پیروی از پدرانمان آنها را عبادت می‌کنیم.

﴿قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ [الأنبياء: ۵۴].

۵۴) ابراهیم علیه السلام به آنها گفت: - ای پیروان - به تحقیق که شما و پدران پیشوای‌تان در گمراهی از راه آشکار حق هستید.

﴿قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِينَ﴾ [الأنبياء: ۵۵].

۵۵) آیا این سخنی را که به ما می‌گوئی جدی برایمان آوردی، یا شوخی می‌کنی؟

﴿قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۵۶].

۵۶) ابراهیم علیه السلام گفت: بلکه جدی و نه به شوخی برای‌تان آوردم، زیرا پروردگار شما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است که آنها را بدون نمونه قبلی آفرید، و من بر اینکه او پروردگار شما و پروردگار آسمان‌ها و زمین است از گواهانم، و بت‌های شما هیچ سهمی در آن ندارند.

﴿وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ﴾ [الأنبياء: ۵۷].

۵۷) و ابراهیم علیه السلام به گونه‌ای که قومش نشنوند گفت: به الله سوگند پس از اینکه برای برگزاری عیدتان از نزد بت‌های‌تان رفتید کاری را که نمی‌پسندید برای بت‌های‌تان خواهیم اندیشید.

برخی فواید آیات:

- سود اقرار به گناه مشروط است به وجود توبه قبل از اینکه دیر شود.
- اثبات عدالت برای الله، و نفی ظلم از او تعالی.
- اهمیت نیروی استدلال در دعوت به سوی الله.
- ضرر تقلید کورکورانه.
- تدریجی بودن تغییر منکر، و شروع به ترتیب آسانی، چنان که ابراهیم عليه السلام تغییر منکر قومش را با قول و آشکار ساختن با دلیل آغاز کرد، سپس به تغییر عملی روی آورد.

﴿فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ﴾ [الأنبياء: ۵۸].

۵۸) پس ابراهیم علیه السلام بت‌های‌شان را در هم شکست تا ریز ریز شدند، و بزرگ‌ترشان را باقی گذاشت به این نیت که به‌سوی‌ش بازگردند و در مورد کسی که آنها را خرد کرده است پرسند.

﴿قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۵۹].

۵۹) پس چون برگشتند و بت‌های‌شان را دیدند که در هم شکسته شده است از یکدیگر پرسیدند: چه کسی معبودهایمان را درهم شکسته است؟ در حقیقت هرکس آنها را در هم شکسته از ستمکاران است، چون چیزی را که سزاوار تعظیم و تقدیس است خوار و زبون کرده است.

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبرَاهِيمُ﴾ [الأنبياء: ۶۰].

۶۰) برخی از آنها گفتند: شنیدیم جوانی، از آنها به بدی یاد می‌کرد و بر آنها عیب وارد می‌ساخت که ابراهیم نامیده می‌شود، شاید او همان کسی باشد که آنها را درهم شکسته است.

﴿قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۶۱].

۶۱) سران‌شان گفتند: ابراهیم را در برابر دیدگان و منظر مردم بیاورید؛ باشد که آنها بر اقرار او به کاری که انجام داده گواهی دهند، و اقرارش حجتی برای آنها علیه او باشد.

﴿قَالُوا أَأنتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبرَاهِيمُ﴾ [الأنبياء: ۶۲].

۶۲) پس ابراهیم علیه السلام را آوردند و از او پرسیدند: ای ابراهیم آیا تو این کار زشت را با بت‌های ما انجام دادی؟!

﴿قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۶۳].

۶۳) ابراهیم علیه السلام - برای عیب‌جویی بر آنها، و آشکار ساختن ناتوانی بت‌های‌شان در برابر دیدگان مردم - گفت: من این کار را انجام ندادم، بلکه بت بزرگ این کار را انجام داد، پس از بت‌های‌تان بپرسید اگر سخن می‌گویند.

﴿فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الأنبياء: ۶۴].

۶۴) آن‌گاه با تفکر و تأمل به خودشان بازگشتند، و برای‌شان مشخص شد که بت‌های‌شان نه نفع می‌رسانند و نه زیان، بنابر این آنها ستمکار هستند که بت‌ها را به جای الله عبادت کردند.

﴿ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُؤُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ﴾ [الأنبياء: ۶۵].

﴿۶۵﴾ سپس به ستیز و انکار بازگشتند، و گفتند: - ای ابراهیم - به تحقیق که تو یقین داری این بت‌ها سخن نمی‌گویند، پس چگونه به ما امر می‌کنی از آنها بپرسیم؟ خواستند که این امر دلیلی به نفع‌شان باشد، اما دلیلی به ضررشان شد.

﴿قَالَ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ﴾ [الأنبياء: ۶۶].

﴿۶۶﴾ ابراهیم علیه السلام - با اعتراض بر آنها - گفت: پس آیا به جای الله بت‌هایی را عبادت می‌کنید که نه هیچ نفعی به شما می‌رسانند و نه هیچ زیانی به شما وارد می‌کند، زیرا آنها حتی از دفع ضرر از خودشان، یا جلب منفعت برای خودشان ناتوانند.

﴿أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [الأنبياء: ۶۷].

﴿۶۷﴾ زشتی بر شما، و زشتی بر این بت‌هایی باد که آنها را به جای الله عبادت می‌کنید درحالی که نه نفع می‌رسانند و نه زیان، آیا در این امر نمی‌اندیشید، و از عبادت آنها دست نمی‌کشید؟!

﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِن كُنْتُمْ فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۶۸].

﴿۶۸﴾ پس چون از رویارویی با دلیل در برابر ابراهیم علیه السلام ناتوان شدند به زور پناه بردند، و گفتند: برای یاری رساندن به بت‌های‌تان که ابراهیم آنها را ویران کرد و در هم شکست او را در آتش بسوزانید اگر می‌خواهید کیفری بازدارنده در مورد او اجرا کنید.

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ [الأنبياء: ۶۹].

﴿۶۹﴾ آن گاه آتشی برافروختند و ابراهیم علیه السلام را در آن افکندند، پس گفتیم: ای آتش، برای ابراهیم خنک و ایمن باش. پس چنین شد، و آسیبی به او نرساند.

﴿وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۰].

﴿۷۰﴾ و قوم ابراهیم خواستند نیرنگی به او بزنند که او را بسوزانند، اما نیرنگشان را باطل کردیم، و آنها را از نابود شدگان شکست خورده قرار دادیم.

﴿وَوَحَّيْنَاهُ وُلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۱].

﴿۷۱﴾ و او و لوط نجات را دادیم، و آن دو را به سوی سرزمین شام بیرون آوردیم؛ همان سرزمینی که با ارسال رسولان و دادن نعمت‌های فراوان برای مردمان آن، در آن برکت نهادیم.

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۚ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۲].

و وقتی پروردگارش را خواند تا فرزندی به او ارزانی دارد؛ اسحاق را به او بخشیدیم، و افزون بر آن، یعقوب را به او بخشیدیم، و هر یک از ابراهیم و دو پسرش اسحاق و یعقوب را از صالحان و فرمان‌برداران الله قرار دادیم.

برخی فواید آیات:

- جواز به کارگیری حيله برای آشکار ساختن حق و ابطال باطل.
- وابستگی پیروان باطل به دلایلی که گمان می‌کنند به نفع‌شان است، حال آن‌که به ضررشان است.
- سخن خشن، یکی از وسایل تغییر منکر است به شرط اینکه ضرری بزرگتر بر آن مترتب نگردد.
- استفاده از قدرت، بر ناتوانی در مواجهه با حجت دلالت دارد.
- یاری الله برای بندگان مؤمنش، و نجات دادن آنها توسط او تعالی از مصیبت‌ها از جایی که گمان نمی‌کنند.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۳].

﴿۷۳﴾ و آنها را پیشوایانی قرار دادیم که مردم توسط آنها به خیر هدایت می شدند، و مردم را به توحید در عبادت الله، با فرمانی از جانب او تعالی دعوت می کردند و به آنها وحی کردیم که کارهای نیک انجام دهید، و نماز را به کامل ترین وجه برپا دارید، و زکات را بپردازید، و در برابر ما تسلیم بودند.

﴿وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۴].

﴿۷۴﴾ و به لوط عليه السلام دانش قضاوت میان نزاع کنندگان دادیم، و دانشی در مورد امر دینش به او دادیم، و او را از عذابی که بر شهرش (سدوم) فرو فرستادیم نجات دادیم، همان شهری که ساکنانش کار فاحشه را انجام می دادند. به راستی که آنها قومی منحرف و خارج از طاعت پروردگارشان بودند.

﴿وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و او را به رحمت خویش درآوردیم آن گاه که او را از عذابی که به قومش رسید نجات دادیم، به راستی او از صالحانی بود که امر ما را اجرا می کنند، و از نهی ما دست می کشند.

﴿وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾ [الأنبياء: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و - ای رسول - قصه نوح را به یاد آور، آن گاه که پیش از ابراهیم و لوط، الله را ندا کرد، و دعایش را استجابت کردیم، پس او و افراد مؤمن او را از اندوه بزرگ رهانیدیم.

﴿وَنَصْرَانَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و او را از مکر آن قوم نجات دادیم که آیات دلالت کننده بر راستگویی اش را که با آنها او را تقویت کردیم تکذیب کردند. به راستی که آنها مردمی منحرف و شر بودند، پس همگی آنها را غرق و نابود ساختیم.

﴿وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۸].

۷۸ و - ای رسول - قصه داود و پسرش سلیمان را به یاد آور آن گاه که در قضیه‌ای که در مورد دو نزاع کننده به آنها ارجاع داده شد حکم می‌کردند؛ بدین قرار که گوسفندان یکی از این دو نزاع کننده شبانه در کشت دیگری وارد شده و آن را تباہ ساخته بود، و ما شاهد حکم داود و سلیمان بودیم، و ذره‌ای از حکم آن دو بر ما پوشیده نماند.

﴿فَفَقَّهُمَنَّاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ وَالظَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۷۹].

۷۹ آن گاه قضیه را به سلیمان بدون پدرش داود فهمانیدیم، و به هر یک از داود و سلیمان نبوت و علم به احکام شرع دادیم، و آن را فقط مخصوص سلیمان قرار ندادیم، کوه‌ها و پرندگان را به تسخیر داود در آوردیم که با تسبیح او تسبیح می‌گفتند، و ما انجام دهنده این تفهیم و اعطای حکم و علم و تسخیر بودیم.

﴿وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ﴾ [الأنبياء: ۸۰].

۸۰ و به داود بدون سلیمان ساختن زره‌ها را برای حفاظت بدنتان در برابر سلاح آموختیم، پس - ای مردم - آیا شکرگزار این نعمتی که الله با آن به شما نعمت بخشید، هستید؟!

﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۱].

۸۱ و تند باد را رام سلیمان علیه السلام کردیم که به فرمان او به جریان می‌افتاد آن گاه که آن را به سوی سرزمین شام فرمان داد. همان سرزمینی که با برانگیختن پیامبران علیهم السلام، و با پراکنده ساختن نیکی‌ها در آنجا، در آن برکت نهادیم، و ما بر هر چیزی دانا هستیم، و هیچ چیز بر ما پوشیده نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- کار خیر و نماز و زکات، از جمله مواردی است که شرایع آسمانی در آن اتفاق دارند.
- ارتکاب فواحش یکی از اسباب وقوع عذاب نابودگر است.
- اعمال نیک سبب ورود در رحمت الله است.
- دعا سبب نجات از اندوه است.

﴿وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ﴾
[الأنبياء: ۸۲].

﴿۸۲﴾ و شیاطینی به تسخیر سلیمان درآوردیم که در دریاها برای او غواصی می کردند و مروارید و چیزهای دیگر را استخراج می کردند، و کارهایی دیگر مانند بنایی انجام می دادند، و ما مراقب تعداد و اعمال شان بودیم، و ذره ای از این امر از ما پنهان نبود.

﴿* وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۳].

﴿۸۳﴾ و - ای رسول - قصه ایوب عليه السلام را به یاد آور، آن گاه که چون آسیبی به او رسید پروردگارش سبحانه را چنین خواند: پروردگارا، من به بیماری گرفتار شده ام و خانواده ام را از دست داده ام، تو مهربان ترین تمام مهربانان هستی، پس آسیبی را که به من رسیده است از من دور گردان.

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا
وَذِكْرَى لِّلْعَابِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۴].

﴿۸۴﴾ پس دعوتش را اجابت کردیم، و آسیبی را که به او رسیده بود برطرف ساختیم، و اهل و فرزندان او را که از دست داده بود، و همراه آنها مثل آن را به او دادیم، تمام این کارها را به رحمتی از جانب خویش انجام دادیم، و برای یادآوری هرکسی که با عبادت، تسلیم الله است؛ تا همانند ایوب عليه السلام شکیبایی پیشه کند.

﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۵].

﴿۸۵﴾ و - ای رسول - اسماعیل و ادريس و ذوالکفل عليه السلام را به یاد آور، که هر یک از آنها در برابر مصیبت، و بر انجام تکالیف الهی از شکیبایان بودند.

﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و آنها را به رحمت خویش درآوردیم، پس آنها را پیامبرانی قرار دادیم، و به بهشت درآوردیم، چون از بندگان صالح الله بودند که از پروردگارش فرمان برداری و امور نهان و آشکارشان را اصلاح کردند.

﴿وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷].

﴿۸۷﴾ و - ای رسول - قصه صاحب ماهی، یونس عليه السلام را به یاد آور، آن گاه که خشمگین از قومش به خاطر ثبات آنها در نافرمانی، بدون إذن پروردگارش رفت، و گمان کرد

که ما به کیفر رفتنش، بر او سخت نخواهیم گرفت، اما با تنگی و حبس شدید آن گاه که ماهی او را بلعید آزمایش شد، آن گاه در تاریکی‌های شکم ماهی و دریا و شب، با اقرار به گناهش و توبه به سوی الله دعا کرد، و گفت: معبود برحقى جز تو نیست، منزّه و مقدس هستی، به راستی که من از ستمکاران بودم.

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَجَجَبْنَا مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۸].

﴿۸۸﴾ پس دعایش را اجابت کردیم، و او را از اندوه سختی با درآوردن از تاریکی‌ها، و از شکم ماهی نجات دادیم، و همانند نجات دادن یونس علیه السلام از این اندوه، مؤمنان را آن گاه که در اندوه گرفتار آیند و الله را بخوانند نجات می‌دهیم.

﴿وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۹].

﴿۸۹﴾ و - ای رسول - قصه زکریا علیه السلام را به یاد آور آن گاه که پروردگارش سبحانه را چنین خواند: پروردگارا، مرا تنها و بدون فرزند مگذار، درحالی که تو از میان آنچه باقی می‌ماند بهترین هستی، پس فرزندی به من روزی ده تا پس از من باقی بماند.

﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ﴾ [الأنبياء: ۹۰].

﴿۹۰﴾ پس دعایش را اجابت کردیم، و یحیی علیه السلام را فرزندی به او دادیم، و همسرش را شفا بخشیدیم، آن گاه پس نازآبودن، زاینده شد. به راستی که زکریا علیه السلام و همسر و پسرش بر انجام نیکی‌ها می‌شتافتند، و با رغبت در پاداشی که نزد ماست، و ترسان از کیفری که نزد ماست ما را می‌خواندند، و در برابر ما فروتن بودند.

برخی فواید آیات:

- اعمال نیک یکی از اسباب رحمت است.
- پناه بردن به الله وسیله‌ای برای برطرف ساختن غم و اندوه‌هاست.
- فضیلت طلب فرزند؛ تا پس از مرگ برای انسان بماند.
- اقرار به گناه، و احساس نیاز شدید به الله و دادخواهی نزد او، و طاعت او تعالی در آسانی یکی از اسباب اجابت دعا و دفع آسیب است.

﴿وَأَلَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾
[الأنبياء: ۹۱].

۹۱ و - ای رسول - قصهٔ مریم را به یاد آور که خودش را از زنا پاک نگه داشت، پس الله جبریل علیه السلام را به سوی او فرستاد، آن گاه در او دمید و به عیسی علیه السلام باردار شد، و او و پسرش عیسی نشانه‌ای برای مردم بر قدرت الله هستند، و اینکه هیچ چیز او تعالی را ناتوان نمی‌سازد چون عیسی علیه السلام را بدون پدر آفرید.

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ [الأنبياء: ۹۲].

۹۲ - ای مردم - به راستی که این آیین شما، آیینی یگانه و همان توحیدی است که دین اسلام نام دارد، و من پروردگار شما هستم، پس عبادت را خالص فقط برای من انجام دهید.

﴿وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۳].

۹۳ و مردم پراکنده شدند، آن گاه به مؤحد و مشرک و کافر و مؤمن تقسیم گشتند، و تمام این پراکنده شدگان در روز قیامت فقط به سوی ما بازگردانده می‌شوند، آن گاه آنها را در قبال اعمال‌شان جزا می‌دهیم.

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ﴾
[الأنبياء: ۹۴].

۹۴ پس هر یک از آنها که اعمال صالح انجام داده باشد درحالی که به الله و رسولانش علیهم السلام و روز آخرت ایمان دارد عمل صالحش ناسپاسی نمی‌شود، بلکه الله پاداش او را برایش قدر می‌داند و آن را برایش می‌افزاید، و آن را در نامهٔ اعمالش در روزی که برانگیخته می‌شود می‌یابد، و به آن شاد می‌شود.

﴿وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۵].

۹۵ و برای ساکنان شهری که آنها را به سبب کفرشان نابود ساختیم محال است که به دنیا بازگردانده شوند؛ تا توبه کنند و توبه‌شان پذیرفته شود.

﴿حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۶].

۹۶ هرگز بازگردانده نمی‌شوند تا اینکه سد یاجوج و ماجوج گشوده شود، و آنها در آن روز از هر زمین مرتفعی به سرعت خارج شوند.

﴿وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۹۷].

﴿۹۷﴾ و با خروج آنها قیامت نزدیک شود، و مناظر هولناک و سختی‌هایش آشکار گردد، به‌ناگاه چشم‌های کافران از ترس زیاد آن گشوده شود و بگویند: وای که نابود شدیم، به تحقیق که در دنیا در سرگرمی و سرگردانی از آمادگی برای این روز بزرگ بودیم، بلکه با کفر و ارتکاب گناهان ستمکار بودیم.

﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۸].

﴿۹۸﴾ - ای مشرکان - به‌راستی که شما و بت‌هایی که به جای الله عبادت می‌کردید، و تمام انسان‌ها و جن‌هایی که به عبادت شدن خویش توسط شما راضی می‌شوند - هیزم جهنمی هستید؛ که شما و معبودهای‌تان در آن وارد خواهید شد.

﴿لَوْ كَانَ هَؤُلَاءَ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۹].

﴿۹۹﴾ اگر این معبودها اله‌هایی بودند که به حق عبادت می‌شدند همراه کسانی که آنها را عبادت کردند وارد آتش نمی‌شدند، و تمام این عبادتگزاران و معبودها در جهنم هستند، که برای همیشه در آن می‌مانند و از آن خارج نمی‌گردند.

﴿لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ در آنجا - بر اثر شدت دردهایی که با آن روبه‌رو می‌شوند - تنفس شدیدی دارند، و در جهنم از شدت ترس مهیبی که به آنها می‌رسد صداها را نمی‌شنوند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ و چون مشرکان گفتند: (عیسی و فرشتگانی که عبادت شدند وارد جهنم خواهند شد) الله فرمود: در حقیقت کسانی مانند عیسی علیه السلام که در علم ازلی الله رستگار هستند از جهنم دور نگه داشته می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- مدح و بیان فضیلت پاکدامنی.
- مطابقت و همانندی رسالت‌های آسمانی در توحید و اصول عبادات.
- شکافتن سد یا جوج و مأجوج یکی از نشانه‌های قیامت کبری است.
- غفلت از آمادگی برای روز قیامت سبب رنج کشیدن از مناظر هولناک آن است.

﴿لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۲].

﴿۱۳۱﴾ صدای جهنم به گوش آنها نمی‌رسد، و در نعمت‌ها و خوشی‌هایی که می‌خواهند ماندگار هستند، و نعمت‌های‌شان هرگز قطع نمی‌شود.

﴿لَا يَخْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۳].

﴿۱۳۲﴾ ترس بزرگی آن‌گاه که جهنم بر روی ساکنانش بسته شود آنها را نمی‌ترساند، و فرشتگان با شاد باش این‌گونه از آنها استقبال می‌کنند: این همان روزی است که در دنیا به آن وعده داده می‌شدید، و به نعمت‌هایی که در آنجا می‌بینند شاد می‌گردند.

﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۴].

﴿۱۳۳﴾ و روزی که آسمان را مانند در هم پیچیدن کاغذی، به همراه آنچه در آن است در هم می‌پیچیم، و مخلوقات را به همان شکلی که بار نخست با آن آفریده شدند گرد می‌آوریم، و آن را به قطعیت وعده دادیم، و به‌راستی که ما آنچه را وعده دهیم اجرا می‌کنیم.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۵].

﴿۱۳۴﴾ و به تحقیق در کتاب‌هایی که بر رسولان عليه‌السلام فرو فرستادیم پس از اینکه آن را در لوح محفوظ ثبت کردیم نوشتیم: زمین را بندگان صالح الله و عامل به طاعت او، یعنی امت محمد ص به ارث می‌برند.

﴿إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۶].

﴿۱۳۵﴾ همانا در اندرزی که فرو فرستادیم ابلاغی است برای مردمی که پروردگارش را به آنچه برای‌شان تشریح کرده است عبادت می‌کنند، زیرا آنها هستند که از آن بهره می‌برند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷].

﴿۱۳۶﴾ و - ای محمد - تو را به عنوان رسول، جز رحمتی برای تمام مخلوقات نفرستادیم؛ چون بر هدایت مردم و نجات آنها از عذاب الله مشتاق هستی.

﴿قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۸].

۱۰۸ - ای رسول - بگو: جز این نیست که از جانب پروردگارت به من وحی می‌شود که مبعود برحق شما معبودی یگانه است، که هیچ شریکی ندارد و او الله است، پس با ایمان به او و عمل به طاعتش گردن نهید.

﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۹].

۱۰۹ پس اگر اینها از آنچه برای‌شان آوردی روی گردانند، - ای رسول - به آنها بگو: به شما اعلام کردم که من و شما در فاصله یکسانی از یکدیگر قرار داریم، و نمی‌دانم چه زمانی عذاب الله که آن را به شما وعده داده است بر شما نازل می‌شود.

﴿إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۱۰].

۱۱۰ در حقیقت، الله از سخن‌های آشکار و پنهان شما آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾ [الأنبياء: ۱۱۱].

۱۱۱ و نمی‌دانم شاید این مهلت و تأخیر در عذاب شما، آزمایش و سببی برای نزدیک کردن تدریجی شما به عذاب، و سبب بهره‌مندی شما تا مدتی که در علم الله اندازه‌گیری شده است باشد؛ تا در کفر و گمراهی خویش ثابت بمانید.

﴿قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۱۲].

۱۱۲ رسول الله ﷺ این‌گونه پروردگارش را خواند: پروردگارا، میان ما و میان قوم ما که بر کفر اصرار ورزیدند به حکم حق داوری کن، و در برابر کفر و تکذیبی که می‌گویند از پروردگار بخشنده خویش یاری می‌جوییم.

برخی فواید آیات:

- اعمال نیک سبب قدرت یافتن در زمین است.
- بعثت و شریعت و سنت پیامبر ﷺ رحمتی برای جهانیان است.
- رسول ﷺ غیب نمی‌داند.
- الله به سخنانی که از بندگانش سر می‌زند آگاه است.

سوره الحج

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تعظیم الله متعال و فرمانبرداری از او تعالی از خلال ارایه مناظر عظمت و قدرت الهی.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ﴾ [الحج: ۱].

① ای مردم، از پروردگارتان با اجرای آنچه به شما فرمان داده، و خودداری از آنچه شما را از آن نهی کرده بترسید، به راستی که زلزله زمین و سایر مناظر هولناک قیامت، امری عظیم است که برای آمادگی آن باید اعمالی انجام دهید که سبب خشنودی الله است.

﴿يَوْمَ تَرُؤْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ﴾ [الحج: ۲].

② روزی که می بینید از ترس زیاد، هر شیردهنده ای شیرخوارش را فراموش می کند، و هر زن بارداری بچه اش را سقط می کند، و مردم را به خاطر پریدن هوش از سرشان از هراس زیاد جایگاه، مانند افراد مست می بینی، درحالی که از شرب خمر مست نیستند، بلکه عذاب الله شدید است، که عقل های شان را ربوده است. الله پس از بیان مناظر هولناک برپایی قیامت، به منکران قیامت و رستاخیز این گونه پاسخ داد:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ﴾ [الحج: ۳].

③ و برخی مردم بدون هیچ دانشی در مورد قدرت الله بر برانگیختن مردگان مجادله می کنند، و در اعتقاد و سخن خویش از هر شیطان و پیشوای گمراهی که در برابر پروردگارش سرکش است پیروی می کنند.

﴿كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَتَهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ [الحج: ۴].

بر این شیاطین سرکش انسانی و یا جنی، مقرر شده است که هرکس از او پیروی و او را تصدیق کند او را از راه حق گمراه می‌سازد، و به وسیله کفر و گناہانی که او را به آن راهنمایی می‌کند به سوی عذاب جهنم می‌کشاند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّبَيِّنٍ لَّكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ [الحج: ۵].

ای مردم، اگر در قدرت ما بر برانگیختن شما پس از مرگ تردید دارید، در آفرینش خودتان بیندیشید؛ که پدرتان آدم علیه السلام را از خاک آفریده‌ایم، سپس فرزندان را از منی‌ای که مرد در رحم زن می‌ریزد آفریدیم، سپس منی به خونی بسته تبدیل می‌شود، سپس خون بسته به یک تکه گوشت شبیه تکه گوشت جویده شده تبدیل می‌شود، سپس آن تکه گوشت یا به آفرینش سالم و تندرست که در رحم می‌ماند تا نوزادی زنده خارج شود، یا به آفرینشی ناتمام که رحم آن را سقط می‌کند تبدیل می‌شود؛ تا قدرت خویش بر آفرینش مرحله‌ای شما را برای تان آشکار سازیم، و جنین‌هایی را که بخواهیم در رحم‌ها قرار می‌دهیم تا در مدت مشخصی که نه ماه است متولد شوند، سپس شما را به صورت طفل از شکم‌های مادران تان بیرون می‌آوریم، تا اینکه به قدرت و عقل کامل برسید، و برخی از شما قبل از این مرحله می‌میرند، و برخی از شما تا سن پیری که قدرت و عقل ضعیف می‌شود زندگی می‌کند، تا اینکه به حالتی بدتر از حالت کودک می‌رسد، که هیچ چیز از آنچه می‌دانست نمی‌داند. و زمین را می‌بینی که بدون گیاه خشکیده است، و چون آب باران را بر آن فرو فرستیم گیاه برمی‌آورد، و به سبب رشد گیاهانش ارتفاع می‌یابد، و از هر نوع گیاه، منظری زیبا می‌سازد.

برخی فواید آیات:

- وجوب آمادگی برای روز قیامت با توشه تقوی.
- ترس و وحشت‌های قیامت چنان‌که زن شیرده طفلش را فراموش و باردار حملش را سقط می‌کند و عقل‌های مردم تباه می‌شود.
- آفرینش تدریجی، سنتی الهی است.
- دلالت آفرینش اول بر امکان رستاخیز.
- پدیده باران و در پی آن، روییدن گیاهان زمین دلیلی ملموس بر برانگیختن مردگان است.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الحج: ۶].

⑥ این امر - یعنی آغاز آفرینش تان و مراحل آفرینش و احوال کسی از شما که متولد می‌شود را به این خاطر برای تان بیان کردیم تا ایمان آورید به اینکه الله که شما را آفرید همان حقی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، برخلاف بت‌های تان که آنها را عبادت می‌کنید، و به این هدف که ایمان آورید به اینکه او تعالی مردگان را زنده می‌گرداند، و او تعالی بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾ [الحج: ۷].

⑦ و به این هدف که ایمان آورید قیامت بدون هیچ تردیدی آمدنی است، و اینکه الله مردگان را از قبرهای شان برمی‌انگیزد تا آنها را در قبال اعمال شان جزا دهد. الله سبحانه پس از بیان حال گمراهی به سبب تقلید در آیه سوم، حال گمراهی سران کفر را در آیه ذیل این گونه بیان می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًىٰ وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ﴾ [الحج: ۸].

⑧ و برخی از کفار بدون هیچ دانشی که با آن به حق برسند، و بدون پیروی از هدایتگری که آنها را به حق راهنمایی کند، و بدون هیچ کتاب روشنگر و نازل شده ای از جانب الله که آنها را به حق هدایت گرداند در توحید الله مجادله می‌کنند.

﴿ثَانِي عِظْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ [الحج: ۹].

⑨ متکبرانه گردن‌های شان را کج می‌کنند تا مردم را از ایمان و ورود در دین الله بازدارند، چنین کسی با کیفی که به او می‌رسد در دنیا خوار می‌شود، و در آخرت عذاب آتش سوزان را به او می‌چشانیم.

﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْت يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [الحج: ۱۰].

⑩ و به او گفته می‌شود: عذابی که چشیدی به سبب کفر و گناہانی است که کسب کرده‌ای، و الله هیچ‌یک از مخلوقاتش را بی‌گناه عذاب نمی‌کند.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ [الحج: ۱۱].

⑪ و از مردم کسی است که مضطرب است و الله را با تردید عبادت می‌کند، یعنی اگر خیری از سلامتی و ثروت به او برسد بر ایمان و عبادتش برای الله باقی می‌ماند.

ماند، و اگر به بیماری و فقری مبتلا شود فال بد به دینش می‌زند و از آن بازمی‌گردد، دنیای او تباه شده است، زیرا کفر او سهمی از دنیا را که برایش نوشته نشده است برایش نخواهد افزود، و آخرتش با عذاب الله که با آن روبه‌رو می‌شود تباه شده است، این همان تباهی آشکار است.

﴿يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ﴾ [الحج: ۱۲].

﴿۱۲﴾ به جای الله بت‌هایی را عبادت می‌کند که اگر از آنها نافرمانی کند به او زبانی نمی‌رسانند، و اگر از آنها اطاعت کند نفعی به او نمی‌رسانند، این خواندن بت‌هایی که نه زیان می‌رسانند و نه نفع، همان گمراهی دور از حق است.

﴿يَدْعُو لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَيْتَسَ الْمَوْلَىٰ وَلَيْتَسَ الْعَشِيرُ﴾ [الحج: ۱۳].

﴿۱۳﴾ این کافر که بت‌ها را عبادت می‌کند کسی را می‌خواند که ضرر قطعی او از نفع نداشته‌اش نزدیک‌تر است، چه بد معبودی است آن که زیانش نزدیک‌تر از نفعش است، و چه بد یآوری است برای کسی که از او یاری بجوید، و چه بد دوستی است برای کسی که او را به دوستی بگیرد.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ [الحج: ۱۴].

﴿۱۴﴾ در حقیقت الله کسانی را که به او ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند به بهشت‌هایی درمی‌آورد که نهرها از زیر کاخ‌هایش جاری است، همانا الله آنچه را بخواهد انجام می‌دهد؛ چه رحمتی باشد برای کسی که بر او رحم کند، و چه کیفری باشد برای کسی که او را کیفر کند، و او سبحانه هیچ اجبارکننده‌ای ندارد.

﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيبُ﴾ [الحج: ۱۵].

﴿۱۵﴾ هرکس گمان می‌کند الله پیامبرش ﷺ را در دنیا و آخرت یاری نمی‌رساند، طنابی به سقف خانه‌اش بیاورید و خودش را با آن طناب خفه کند، آن‌گاه بنگرد آیا این کار خشمی را که در خویش می‌یابد از بین می‌برد؛ زیرا مخالف، بخواهد یا نخواهد الله یاور پیامبرش ﷺ است.

برخی فواید آیات:

- اسباب هدایت یا علمی است که مردم با آن به حق می‌رسند، یا هدایتگری است که آنها را به حق راهنمایی می‌کند، یا کتابی مورد اعتماد است که آنها را به حق هدایت گرداند.
- غرور، از راهیابی به حق محروم می‌سازد.
- از مظاهر عدالت الله این است که جز در قبال گناه کیفر نمی‌دهد.
- الله یاور پیامبر ﷺ و دینش است هر چند کافران نپسندند.

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ﴾ [الحج: ۱۶].

و همان گونه که دلایل آشکار بر رستاخیز را برای تان توضیح دادیم، قرآن را به صورت آیاتی آشکار بر محمد ﷺ نازل کردیم، و الله به فضل خویش هرکس را بخواهد به راه هدایت و راستی توفیق می دهد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [الحج: ۱۷].

همانا کسانی از این امت که به الله ایمان آورده اند، و یهودیان، و صابئی ها (گروهی از پیروان برخی پیامبران علیهم السلام)، و مسیحیان، و عبادت کنندگان آتش، و عبادت کنندگان بت ها - الله در روز قیامت میان آنها داوری می کند آن گاه مؤمنان را به بهشت، و دیگران را به جهنم درمی آورد، همانا الله بر تمام سخنان و اعمال بندگانش گواه است، و ذره ای از سخنان و اعمال شان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ *﴾ [الحج: ۱۸].

۱۸ - ای رسول - آیا ندانسته ای تمام فرشتگانی که در آسمان هستند، و تمام انسان ها و جن های مؤمنی که در زمین هستند برای طاعت در برابر الله سجده می کنند، و خورشید و ماه و ستارگان در آسمان، و کوه ها و درختان و جنبندگان زمین از روی تسلیم برای او تعالی سجده می کنند؛ و بسیاری از مردم از روی طاعت در برابر او سجده می کنند، و بسیاری از سجده عبادت برای او خودداری می کنند، پس عذاب الله به خاطر کفرشان بر آنها لازم شده است، و هرکس که الله به سبب کفر او به خواری و پستی برایش حکم کند هیچ کس را نخواهد داشت که او را گرامی دارد، به راستی که الله آنچه را بخواهد انجام می دهد، زیرا او سبحانه هیچ اجبارکننده ای ندارد. الله در پی بیان حال کسانی که از روی طاعت در برابر او تعالی سجده می کنند و کسانی که از این کار خودداری می ورزند، سرانجام هر یک از این دو گروه را چنین ذکر نمود و فرمود:

﴿ هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴾ [الحج: ۱۹].

۱۹) این‌ها، دو گروه هستند که در مورد پروردگارشان مجادله می‌کنند که کدام‌یک برحق است: گروه ایمان، و گروه کفر؛ پس جهنم کافران را مانند لباسی که شخص می‌پوشد احاطه می‌کند، و از بالای سرشان آبی که در نهایت درجه حرارت است پاشیده می‌شود.

﴿ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴾ [الحج: ۲۰].

۲۰) از شدت حرارت این آب روده‌های شکم‌شان ذوب می‌شود، و به پوست‌های‌شان می‌رسد و آنها را ذوب می‌کند.

﴿ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّن حَدِيدٍ ﴾ [الحج: ۲۱].

۲۱) و در جهنم چکش‌های آهنین برای آنها است که فرشتگان با آنها بر سرهای‌شان می‌کوبند.

﴿ كَلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴾ [الحج: ۲۲].

۲۲) هر بار که از سختی اندوهی که با آن روبه‌رو شده‌اند بکوشند از جهنم خارج شوند به آن بازگردانده شوند، و به آنها گفته شود: عذاب جهنم سوزان را بچشید.

﴿ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴾ [الحج: ۲۳].

۲۳) اما گروه ایمان و همان کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، الله آنها را در بهشت‌هایی درمی‌آورد که رودها از زیر کاخ‌ها و درخت‌های شان جاری است، و الله آنها را با دست‌بندهای طلایی و با مروارید زینت می‌دهد، و لباس‌شان در آنجا ابریشم است.

برخی فواید آیات:

- هدایت به دست الله است که آن را به هر یک از بندگان که بخواهد می‌بخشد.
- مراقبت الله بر تمام اعمال و احوال بندگان.
- خضوع تمام مخلوقات از روی تقدیر برای الله، و خضوع مؤمنان از روی طاعت برای او تعالی.
- عذاب بر کافران و گناهکاران نازل می‌شود، و رحمت برای مؤمنان و طاعت‌گران ثابت است.

﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾ [الحج: ۲۴].

۱۳۱ و الله آنها را در زندگی دنیا به سخنان پاکیزه مانند گواهی بر اینکه هیچ مبعود برحق جز الله نیست، و تکبیر، و تحمید، و به راه اسلام پسندیده راهنمایی کرده است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْجَدِ يُظَلَمِ نُذُوقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الحج: ۲۵].

۱۳۲ همانا کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند، و دیگران را از ورود در اسلام برمی گردانند، و مردم را از مسجدالحرام بازمی‌دارند، چنان‌که مشرکان در سال حدیبیه این کار را انجام دادند به زودی عذاب دردناکی را به آنها می‌چشانیم. در این مسجد که آن را قبله مردم در نماز و یکی از مناسک حج و عمره قرار دادیم، و در آنجا مکی مقیم آن و مسافران غیر ساکن مکه یکسان هستند، و هرکس در آنجا بخواهد با وقوع گناهی از روی عمد از حق منحرف شود عذابی دردآور به او می‌چشانیم.

﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْمَبِيتِ أَن لَّا تُشْرِكَ بِي شَيْئًا وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾ [الحج: ۲۶].

۱۳۳ و - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که مکان و حدود این خانه را پس از اینکه ناشناخته بود برای ابراهیم علیه السلام مشخص کردیم، و به او وحی کردیم که هیچ چیز را در عبادت من شریک مگردان، بلکه تنها مرا عبادت کن، و خانها را از نجاست‌های حسی و معنوی برای طواف گزارانش، و نمازگزاران در آن پاکیزه گردان.

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ [الحج: ۲۷].

۱۳۴ و به عنوان دعوتگر مردم به سوی حج این خانه که تو را به ساخت آن فرمان دادیم در میان آنها ندا بده؛ تا پیاده یا سوار بر هر شتر لاغری که مسیری جانکاه را پیموده به سوی تو بیایند، و شتران، آنها را سوار بر خویش از هر راه دوری بیاورند.

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَاسِ الْفَقِيرَ﴾ [الحج: ۲۸].

۱۳۵ تا منفعتی را که از آموزش گناهان، و رسیدن به پاداش، و توحید کلمه و سایر منافع به آنها بازمی‌گردد به چشم خویش ببینند، و برای اینکه به سپاس از الله در قبال شتر و

گاو و گوسفندانی که به آنها ارزانی داشته است نام او تعالی را بر قربانی‌هایی که در روزهای مشخص یعنی دهم ذوالحجه و سه روز پس از آن ذبح می‌کنند یاد کنند؛ آن گاه از این قربانی‌ها بخورید و از آنها به کسانی که فقر شدیدی دارند اطعام کنید.

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۲۹].

﴿۲۹﴾ سپس باید سایر مناسک حج خویش را برپا دارند، و با تراشیدن سرها و کوتاه کردن ناخن‌های‌شان و برطرف کردن چرک متراکم بر بدن‌هایشان به سبب احرام، از احرام درآیند، و باید به حج یا عمره یا قربانی‌ای که بر خود واجب گردانیده‌اند وفا کنند، و باید طواف افاضه به خانه‌ای که الله آن را از تسلط طغیانگران آزاد ساخت، انجام دهند.

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأَجَلَتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتَلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾ [الحج: ۳۰].

﴿۳۰﴾ این موارد که به آن فرمان یافتید - مُحَلَّل شدن با تراشیدن سر و کوتاه کردن ناخن‌ها و برطرف ساختن چرک‌ها، و وفا به نذر و طواف خانه - الله آنها را بر شما واجب کرده است، پس آنچه را الله بر شما واجب کرده است بزرگ شمارید، و هرکس برای بزرگداشت حدود الله از اینکه در آنها واقع شود و بزرگداشت حرمتش که آنها را حلال شمارد از آنچه که الله به ترک آن در حال احرامش فرمان داده است بپرهیزد، در دنیا و آخرت نزد پروردگار سبحانه برایش بهتر است. و - ای مردم - شتر و گاو و گوسفند برای‌تان مباح شده است، پس از میان آنها نه حامی و نه بحیره و نه وصیله برای‌تان حرام نشده و هیچ موردی از آنها حرام نشده است مگر حرمت مردار و خون و سایر مواردی که در قرآن می‌یابید، پس از پلیدی که همان معبودهای باطل هستند دوری کنید، و از هر سخن باطل و دروغی بر الله یا بر مخلوقاتش دوری گزینید.

برخی فواید آیات:

- حرمت بیت الله الحرام، احتیاط و دوری بیشتر از گناهان را در آنجا می‌طلبد.
- بیت الله الحرام پناهگاه دل‌های مؤمنان در هر زمان و مکانی است.
- هم منافع دنیوی و هم منافع اخروی حج به مردم بازمی‌گردد.
- شکر نعمت‌ها ترحم بر ضعیفان را ایجاب می‌کند.

﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا حَرَّمَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهَا الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾ [الحج: ۳۱].

۳۱) از این موارد بپرهیزید درحالی که از هر دینی غیر از دین الله که نزد او پسندیده است رویگردان باشید، و هیچ کس را در عبادت شریک او تعالی نگردانید، و هرکس به الله شرک ورزد گویی از آسمان سقوط کرده، و پرندگان گوشت و استخوان هایش را قاپیده‌اند، یا باد او را به مکانی دور افکنده است.

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ [الحج: ۳۲].

۳۲) این است توحید الله و اخلاص برای او، و پرهیز از معبودهای باطل و پرهیز از سخن دروغ که الله شما را به آن فرمان داد. و هرکس معالم دین - از جمله هدی (قربانی) و مناسک حج را بزرگ شمارد، همانا بزرگداشت آن نشان از تقوای دل‌ها برای پروردگارشان است.

﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ [الحج: ۳۳].

۳۳) در قربانی‌هایی که در کنار این خانه، آنها را ذبح می‌کنید منافی مانند سوارشدن و پشم و تولید مثل و شیر برای تان است، تا مدت مشخصی برای ذبح آن هنگام نزدیک شدن به بیت الله که آن را از تسلط طغیانگران آزاد ساخته است.

﴿وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّیذُكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَیٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾ [الحج: ۳۴].

۳۴) و برای هر یک از امت‌های پیشین منسکی برای ریختن خون قربانی برای الله قرار دادیم؛ تا به پاس شکر الله بر شتر و گاو و گوسفندانی که به آنها روزی داده است، نام الله را هنگام ذبح بر این قربانی‌ها یاد کنند؛ پس - ای مردم - معبود برحق شما معبود یگانه‌ای است که هیچ شریکی ندارد، پس با فرمان برداری و طاعت فقط در برابر او گردن نهید، و - ای رسول - خشوع کنندگان مخلص را به آنچه آنها را شاد می‌گرداند خبر ده.

﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمُ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [الحج: ۳۵].

۳۵) همان کسانی که هرگاه الله یاد شود از کیفرش بترسند، آن‌گاه از مخالفت با امرش دوری کنند، و نماز را کامل برپا دارند، و اگر آسیبی به آنها رسد شکیبایی می‌

کنند، و از آنچه الله به آنها روزی داده است در نیکی‌ها انفاق می‌کنند.

﴿وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا حَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الحج: ۳۶].

﴿۳۶﴾ شتران و گاوهایی را که به‌سوی این خانه آورده می‌شوند از شعائر و نشانه‌های دین برای تان قرار دادیم، و منافع دینی و دنیوی در آنها برای تان است، پس هنگام قربانی کردن آنها، بعد از اینکه برپا ایستاده‌اند و یکی از دست‌ان‌شان بسته شده تا فرار نکنند بگویید: (بِسْمِ اللَّهِ)، و پس از ذبح چون به پهلوی افتادند - ای آوردندگان قربانی - از آنها بخورید و به فقیری که از سوال خویشنداری می‌کند، و به فقیری که درخواست می‌کند از آن بدهید. همان‌گونه که قربانی‌ها را در باربری و سوارشدن رام شما قرار دادیم در رفتن به‌سوی قربانگاه نیز به اطاعت شما درآوردیم؛ تا به الله نزدیکی جویند. باشد که در برابر نعمت رام کردن آنها در برابر خویش شکر الله را به جای آورید.

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الحج: ۳۷].

﴿۳۷﴾ هرگز گوشت و خون قربانی‌هایی که پیش می‌فرستید به الله نمی‌رسد، و به‌سوی او تعالی بالا نمی‌رود، بلکه تقوای الهی شما در آنها به اینکه در طاعت خویش مخلصانه با آنها به‌سوی الله نزدیکی بجویند، به‌سوی او تعالی بالا می‌رود؛ الله این‌گونه آنها را برای تان رام کرد تا او را به شکرانه حقی که شما را بر آن توفیق داد به بزرگی یاد کنید. و - ای رسول - به نیکوکاران در عبادت برای پروردگارشان و در تعامل با مخلوقاتش به آنچه که آنها را شاد می‌گرداند خبر ده.

﴿* إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ﴾ [الحج: ۳۸].

﴿۳۸﴾ به‌راستی الله از کسانی که به او تعالی ایمان آورده‌اند شر دشمنان‌شان را دفع می‌کند، همانا الله هیچ خیانتکار در امانت، و ناسپاس نعمت‌هایش را که شکر او تعالی را بر نعمت‌ها به جای نمی‌آورد دوست ندارد، بلکه بر او خشم می‌گیرد.

برخی فواید آیات:

- بیان مثل برای نزدیک کردن تصاویر معنوی با قراردادن آن در لباس حسی، هدف تربیتی بزرگی است.
- فضیلت تواضع و فروتنی.
- احسان یکی از اسباب سعادت است.
- ایمان سبب دفاع الله از بنده و توجه او تعالی بر اوست.

پس از اینکه الله فرمود از مؤمنان دفاع می‌کند، و دل‌های‌شان آرام گرفت، اجازه قتال با کافران را به آنها داد و فرمود:

﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ [الحج: ۳۹].

③۹ الله به مؤمنانی که مشرکان با آنها می‌جنگند، به سبب ستم دشمنان‌شان که بر آنها واقع شده است اجازه قتال داده است، و به راستی که الله بر پیروزی مؤمنان بر دشمنان آنها بدون قتال هم تواناست، اما حکمت او تعالی اقتضا کرده که مؤمنان را با قتال کافران بیازماید.

﴿الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادِمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحج: ۴۰].

④۰ همان کسانی که کافران آنها را ستمکارانه از خانه‌های‌شان راندند، بدون اینکه جرمی مرتکب شده باشند مگر اینکه گفتند: پروردگار ما الله است، پروردگاری جز او نداریم. و اگر الله قتالی را که برای پیامبران و مؤمنان تشریح کرده تشریح نکرده بود به‌طور قطع بر اماکن عبادت تجاوز می‌کردند، آن‌گاه صومعه‌های راهبان، و کلیساهای نصاری، و معابد یهودیان، و مساجد مسلمانان که برای نماز آماده شده است، و مسلمانان در آنها الله را بسیار یاد می‌کنند ویران می‌کردند، و به‌طور قطع، الله کسی که دین و پیامبرش را یاری رساند یاری می‌کند، زیرا الله بر یاری کسی که دینش را یاری رساند تواناست، و ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌گردد.

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [الحج: ۴۱].

④۱ اینها که وعده یاری به آنها داده شده است همان کسانی هستند که اگر آنها را با پیروزی بر دشمنان‌شان در زمین قدرت دهیم نماز را به کامل‌ترین وجه برپا می‌دارند، و زکات اموال‌شان را می‌دهند، و به آنچه که شریعت به آن امر کرده امر می‌کنند، و از آنچه که شریعت از آن نهی کرده نهی می‌کنند، و مرجع کارها در پاداش و کیفر بر آنها فقط از آن الله است.

﴿وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ﴾ [الحج: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و - ای رسول - اگر قومت تو را تکذیب کنند، شکیبایی کن زیرا تو نخستین رسولی نیستی که قومش او را تکذیب کردند، و قبل از قوم تو قوم نوح، نوح علیه السلام را، و قوم عاد هود علیه السلام را، و قوم ثمود صالح علیه السلام را تکذیب کرده‌اند.

﴿وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ﴾ [الحج: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و قوم ابراهیم، ابراهیم علیه السلام را و قوم لوط، لوط علیه السلام را تکذیب کردند.

﴿وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾ [الحج: ۴۴].

﴿۴۴﴾ و اصحاب مدین شعیب علیه السلام را، و فرعون و قومش موسی علیه السلام را تکذیب کردند، آن‌گاه کیفر اقوامشان را برای نزدیک ساختن تدریجی آنها به عذاب به تأخیر انداختم، سپس آنها را به عذاب گرفتم، پس بیندیش چگونه کارشان را نپسندیدم، که آنها را به سبب کفرشان نابود کرده‌ام.

﴿فَكَأَيِّنَ مِن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُّعَطَّلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ﴾ [الحج: ۴۵].

﴿۴۵﴾ پس چه بسیار شهرهایی را - درحالی که به سبب کفرشان ستمکار بودند - با غذایی ریشه‌کن نابود کردیم، و خانه‌هایشان ویران و خالی از سکنه است، و چه بسیار پیرامون چاه‌هایی که از آب‌آوران‌ش که نابود شده‌اند خالی است، و چه بسیار کاخ‌های مرتفع و مجللی که ساکنانش از عذاب محفوظ نماندند.

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ [الحج: ۴۶].

﴿۴۶﴾ آیا اینها که آنچه را رسول صلی الله علیه و آله آورده است تکذیب می‌کنند در زمین نگشته‌اند؛ تا آثار این شهرهای نابودشده را ببینند، آن‌گاه با عقل‌هایشان بیندیشند و پند بگیرند، و قصه‌هایشان را آن‌گونه که قبول افند بشنوند، زیرا کوری واقعی کوری چشم نیست، بلکه کوری کشنده و نابودگر، همان کوری بصیرت است، به‌گونه‌ای که صاحبش عبرت‌گیری و پندآموزی نداشته باشد.

برخی فواید آیات:

- اثبات دو صفت قدرت و عزت برای الله.
- اثبات مشروعیت جهاد؛ برای حفظ اماکن عبادت.
- برپایی دین سبب یاری رساندن الله به بندگان مؤمنش است.
- کوری دل‌ها مانع عبرت‌گیری از آیات الله است.

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾ [الحج: ۴۷].

و - ای رسول - کافران قومت به شتاب از تو خواستار عذاب به تعجیل افتاده در دنیا و عذاب مدت‌دار در آخرت به‌خاطر آنچه که به این دو انذار داده شده‌اند هستند، اما الله در این دو عذاب که به آنها وعده داده است خلاف نمی‌کند، و یک نمونه از عذاب به تعجیل افتاده آن است که در روز بدر به آنها رسید، و همانا یک روز عذاب در آخرت مانند هزار سال از سال‌های دنیاست که برمی‌شمارند.

﴿وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ﴾ [الحج: ۴۸].

و چه بسیار شهرهایی که عذاب ساکنانش را به تأخیر انداختم درحالی که به‌سبب کفرشان ستمگر بودند، و برای نزدیک ساختن تدریجی آنها به عذاب، عذاب‌شان را به تعجیل نینداختم. سپس آنها را با عذابی ریشه‌کن برگرفتم، و بازگشت آنها در روز قیامت فقط به‌سوی من است، آن‌گاه آنها را به‌سبب کفرشان به عذابی همیشگی جزا می‌دهم.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الحج: ۴۹].

ای مردم، من فقط انذاردهنده‌ای برای‌تان هستم که آنچه را برای آن فرستاده شده‌ام آشکارا ابلاغ می‌کنم.

﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [الحج: ۵۰].

پس برای کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند از جانب پروردگارشان آمرزشی برای گناهانشان، و روزی‌ای گرامی در بهشت که هرگز قطع نمی‌شود دارند.

﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِرِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [الحج: ۵۱].

و کسانی که در تکذیب آیات ما می‌کوشند به این پندار که خواهند توانست الله را ناتوان سازند و از دست او بگریزند و آنها را عذاب نمی‌کند، آنها ساکنان آتش جهنم هستند که همانند یک دوست، همنشین آن هستند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَتَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [الحج: ۵۲].

﴿۵۲﴾ و - ای رسول - هیچ رسول و هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستاده‌ایم مگر وقتی که کتاب الله را می‌خواند شیطان در قرائت او چیزی را که آن را بر مردم مشتبه می‌کرد از وحی است القا می‌کرد، اما الله آنچه را شیطان القا می‌کند تباه می‌سازد، و آیتش را استوار می‌گرداند، و الله بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند و در آفرینش و تقدیر و تدبیرش بسیار داناست.

﴿لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ﴾ [الحج: ۵۳].

﴿۵۳﴾ شیطان در قرائت پیامبر القا می‌کند تا الله آنچه را او القا می‌کند امتحانی برای منافقان و مشرکانی که دل‌های‌شان سخت شده است قرار دهد، و همانا ستمکاران منافق و مشرک در دشمنی با الله و رسولش و دوری از حق و راه راست قرار دارند.

﴿وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [الحج: ۵۴].

﴿۵۴﴾ و به این هدف که کسانی که الله علم به آنها عطا کرده است به یقین بدانند قرآن نازل شده بر محمد ﷺ همان حقیقتی است که - ای رسول - الله آن را بر تو وحی کرد تا با آن بر ایمان خویش بیفزایند، و دل‌های‌شان در برابر آن خاضع و فروتن گردد، و به راستی الله کسانی را که به او ایمان آورده‌اند به پاداش فروتنی آنها در برابر او تعالی، به سوی راه حق و راستی که هیچ انحرافی ندارد هدایت می‌کند.

﴿وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ﴾ [الحج: ۵۵].

﴿۵۵﴾ و کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند و رسولش را تکذیب کرده‌اند پیوسته در قرآن که الله بر تو نازل کرده است در تردید هستند، و بر این کار ادامه می‌دهند تا اینکه قیامت به صورت ناگهانی و درحالی که بر این وضعیت هستند آنها را فرا گیرد، یا عذاب روزی که هیچ رحمت و خیری در آن روز برای‌شان نیست، یعنی روز قیامت آنها را فرا گیرد.

برخی فواید آیات:

- نزدیک ساختن تدریجی ستمگر به عذاب تا اینکه به ستمش ادامه دهد سنتی الهی است.
- الله کتاب خویش را از تبدیل و تحریف حفظ کرده و نیرنگ‌های دستیاران شیطان را از آن بازداشته است.
- نفاق و سختی دل‌ها دو بیماری کشنده هستند.
- ایمان ثمره علم، و خشوع و خضوع در برابر اوامر الله، ثمره ایمان است.

﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ التَّعِيمِ﴾
[الحج: ۵۶].

﴿۵۶﴾ فرمانروایی روز قیامت - روزی که عذابی که به اینها وعده داده می شد آنها را فرا گیرد - فقط برای الله است، و هیچ نزاع کننده‌ای در آن روز ندارد، او سبحانه میان مؤمنان و کافران داوری می کند، آن گاه به هر یک از آنها به آنچه که استحقاقش را دارند حکم می کند، یعنی برای کسانی که به الله ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند پاداشی بزرگ است که همان بهشت‌های پر نعمت و جاویدانی است که پایان نمی پذیرد.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [الحج: ۵۷].

﴿۵۷﴾ و برای کسانی که به الله کفر ورزیده اند و آیات نازل شده ما بر رسول مان را تکذیب کرده اند، عذابی خوار کننده است که الله در جهنم با آن، آنها را خوار می کند.

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [الحج: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و کسانی که خانه ها و وطن‌هایشان را برای طلب رضای الله و تقویت دینش رها کرده اند، سپس در جهاد در راه الله کشته شده، یا مرده اند، به طور قطع الله آنها را در بهشت به رزقی نیکو و همیشگی که پایان نمی پذیرد روزی خواهد داد، و به راستی که الله سبحانه بهترین روزی دهندگان است.

﴿لَيُدْخِلَنَّهُمُ مَدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ [الحج: ۵۹].

﴿۵۹﴾ به طور قطع الله آنها را به مکانی که آن را می پسندند یعنی بهشت در خواهد آورد، و به راستی که الله از افعال و نیت آنها آگاه است، و بسیار بردبار است که کیفر آنها را به خاطر کوتاهی شان به تعجیل نینداخته است.

﴿* ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُؤٌ غَفُورٌ﴾ [الحج: ۶۰].

﴿۶۰﴾ افزون بر این مورد یعنی وارد ساختن مهاجران در راه الله به بهشت، برای مقابله با متجاوز به مانند تجاوزی که کرده است نیز اذن داده شده است چنان که در این مورد گناهی بر ستم دیده نیست. اما اگر متجاوز دوباره ستم کند الله به طور قطع

ستم دیده را یاری می‌رساند. همانا الله گناهان مؤمنان را می‌بخشد، و برای شان آمرزنده است.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾
[الحج: ۶۱].

﴿۶۱﴾ سبب این یاری به ستم دیده آن است که الله بر آنچه بخواهد تواناست. یکی از مظاهر قدرت او تعالی، در آوردن شب در روز، و روز در شب با افزودن یکی از آنها و کاستن از دیگری است. و اینکه الله سخنان بندگان را می‌شنود، و از کارهای شان آگاه است و ذره‌ای از سخنان و کارهای شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [الحج: ۶۲].

﴿۶۲﴾ این در آوردن شب در روز، و روز در شب توسط الله؛ به این سبب است که الله عین حق است، پس دین و وعده او و نیز یاری رساندن او به مؤمنان حق است، و به این سبب معبودهایی را که مشرکان به جای الله عبادت می‌کنند همان باطلی است که هیچ اساسی ندارد، و به این سبب الله بر مخلوقاتش از نظر ذات و اندازه و قدرت برتر است، و ذات بزرگی است که کبریا و عظمت و جلال از آن اوست.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾
[الحج: ۶۳].

﴿۶۳﴾ - ای رسول - آیا ندیده‌ای که الله از آسمان بارانی فرو فرستاد، آن‌گاه زمین پس از نزول باران با گیاهانی که رویاند سبز شد، همانا الله نسبت به بندگان بسیار مهربان است که باران را برای شان فرو فرستاد، و گیاهان زمین را برای شان رویاند، و نسبت به مصالح آنها بسیار داناست، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [الحج: ۶۴].

﴿۶۴﴾ فرمانروایی آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، تنها از آن او است، و به راستی که الله همان ذات بی‌نیازی است که به هیچ‌یک از مخلوقاتش نیازی ندارد، و در هر حال ستوده شده است.

برخی فواید آیات:

- جایگاه و بیان فضیلت هجرت در اسلام.
- جواز مقابله به مثل در کیفر.
- الله در دنیا و آخرت به ستم‌دیده یاری می‌رساند.
- اثبات صفات برتر برای الله به آنچه سزاوار جلال او تعالی است؛ مانند علم و شنیدن و دیدن و برتری.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحج: ۶۵].

۱۵ - ای رسول - آیا ندیده‌ای که الله جنبندگان و جماداتی را که در زمین است برای منافع و رفع نیازهای شما رام تو و مردم کرد، و کشتی‌هایی را که در دریا به امر و تسخیر او از یک سرزمین به سرزمینی دیگر در حرکت هستند برای شما رام گرداند، و آسمان را نگه می‌دارد تا بر روی زمین جز به اذن او سقوط نکند، زیرا اگر به آسمان اجازه دهد که بر زمین سقوط کند به‌طور قطع این اتفاق خواهد افتاد، همانا الله نسبت به مردم بسیار مهربان و بخشنده است، که با وجود ستمی که مرتکب می‌شوند، این اشیا را در تسخیر آنها قرار داده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ﴾ [الحج: ۶۶].

۱۶ و الله همان ذاتی است که شما را زنده گرداند آن‌گاه که شما را از نیستی پدید آورد، سپس وقتی عمرهای‌تان پایان یابد شما را می‌میراند، سپس شما را پس از مرگ‌تان زنده می‌گرداند تا شما را در قبال اعمال‌تان مورد محاسبه قرار دهد، و در قبال آن جزا دهد، به‌راستی که انسان با عبادت دیگران همراه الله، نسبت به نعمت‌های الله - با وجود اینکه آشکار هستند - بسیار ناسپاس است.

﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُونَكَ فِي الْأَمْرِ وَإِذْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٌ﴾ [الحج: ۶۷].

۱۷ برای پیروان هر ملتی شریعتی قرار دادیم، که به شریعت خودشان عمل می‌کنند، پس - ای رسول - مشرکان و پیروان ادیان دیگر نباید در شریعت تو با تو منازعه کنند، زیرا به حق که تو از آنها برتر هستی؛ و آنها اصحاب باطل هستند، و مردم را به اخلاص توحید برای الله فراخوان، زیرا تو بر راه راستی که هیچ انحرافی ندارد قرار داری.

﴿وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحج: ۶۸].

۱۸ و اگر خودداری کردند مگر اینکه پس از ظهور حجت با تو مجادله کنند پس کارشان را به الله واگذار و با این سخن آنان را تهدید کن: الله به تمام اعمالی که انجام می‌دهید آگاه‌تر است، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی در قبال آن شما را جزا خواهد داد.

﴿اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ [الحج: ۶۹].

⑥۱۱۱ الله میان بندگان مؤمن و کافر خویش در روز قیامت در آنچه از امور دینی که در دنیا در آن اختلاف داشتند داوری می‌کند.

﴿أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحج: ۷۰].

⑥۱۱۲ - ای رسول - آیا ندانسته‌ای که الله آنچه در آسمان، و آنچه را در زمین است می‌داند، و ذره‌ای از آنها بر او پوشیده نمی‌ماند، زیرا علم آن در لوح محفوظ ثبت شده است، به‌راستی که تمام آن بر الله آسان است.

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ﴾ [الحج: ۷۱].

⑥۱۱۳ و مشرکان به جای الله معبودهایی را عبادت می‌کنند که الله هیچ حجتی بر عبادت آنها در کتاب‌هایش نازل نکرده است، و هیچ دلیل علمی هم بر آن ندارند، بلکه تنها مستند آنها تقلید کورکورانه از پدران‌شان است، و ستمکاران هیچ یآوری ندارند که آنچه را از عذاب الله به آنها می‌رسد از آنها بازدارد.

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْتُمْ بِشِرِّ مِّنْ ذَلِكَُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبَشِّرِ الْمَصِيرِينَ﴾ [الحج: ۷۲].

⑥۱۱۴ و هرگاه آیات آشکار ما در قرآن بر آنها خوانده می‌شود در چهره کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند نپسندیدن این آیات را از گرفتگی چهره‌های‌شان هنگام شنیدن آیات می‌شناسی، و نزدیک است که از شدت خشم به کسانی که آیات ما را بر آنها می‌خوانی حمله‌ور شوند، - ای رسول - به آنها بگو: آیا شما را به آنچه که از خشم و گرفتگی چهره‌های‌تان بدتر است باخبر سازم؟ یعنی همان جهنمی که الله به کافران وعده داده آنها را در آن درمی‌آورد، و چه بد مقصدی است که به آن می‌رسند.

برخی فواید آیات:

- یکی از نعمت‌های الله بر مردم این است که آنچه را در آسمان‌ها و زمین است در تسخیر آنها قرار داده است.
- اثبات دو صفت ترحم و مهربانی برای الله تعالی.
- احاطه علم الله به آنچه در آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو وجود دارد.
- تقلید کورکورانه سبب تمسک مشرکان در شرک به الله تعالی است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ﴾ [الحج: ۷۳].

﴿۷۳﴾ ای مردم، مثلی زده شده است پس به آن گوش دهید و از آن پند بگیرید، همانا معبودها و سایر چیزهایی را که به جای الله عبادت می‌کنید به سبب ناتوانی‌شان هرگز نمی‌توانند مگسی را با وجود کوچکی آن بیافرینند. حتی اگر همگی آنها بر این کار جمع شوند باز هم نخواهند توانست آن را بیافرینند. و اگر مگس چیزی از آنچه که برای‌شان گوارا و لذیذ است و شبیه آن را بر باید نمی‌توانند آن را از مگس بازپس بگیرند. از ناتوانی آنها در آفرینش مگس، و بازپس گرفتن چیزهایشان از این حشره؛ ناتوانی آنها از کاری بزرگ‌تر از این کار آشکار می‌گردد. حال - با وجود ناتوانی آنها - چگونه آنها را به جای الله عبادت می‌کنید؟! هم این طالب یعنی همان نماد معبود که نمی‌تواند آنچه را که مگس از او به زور گرفته است بازپس گیرد ناتوان است، و هم این مطلوب که همان مگس است ناتوان است.

﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحج: ۷۴].

﴿۷۴﴾ الله را آن‌گونه که حق بزرگداشت اوست بزرگ نداشتند آن‌گاه که برخی مخلوقاتش را به همراه او عبادت کردند، همانا الله تواناست، و یکی از مظاهر قدرت و توانایی او تعالی آفرینش آسمان‌ها و زمین و هر که در این دو وجود دارد است، و ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌گردد برخلاف معبودهای مشرکان که ضعیف و خوار هستند و هیچ‌چیز را نمی‌آفرینند.

﴿اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ [الحج: ۷۵].

﴿۷۵﴾ الله از میان فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و از میان مردم نیز رسولانی برمی‌گزیند، یعنی برخی فرشتگان را به سوی پیامبران می‌فرستد چنان‌که جبریل عليه السلام را به سوی رسولانی از بشر فرستاد، و رسولان بشر را به سوی مردم می‌فرستد، همانا الله ذات شنوایی است که آنچه را مشرکان در مورد رسولانش می‌گویند می‌شنود، و نسبت به کسی که او را برای رسالتش برمی‌گزیند بیناست.

﴿يَعْلَمَ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ [الحج: ۷۶].

﴿۷۶﴾ او سبحانه تمام امور مربوط به رسولان که از جنس فرشتگان باشند یا از جنس انسان، چه مربوط به قبل از آفرینش آنها باشد و چه مربوط به پس از مرگشان، می داند، و تمام امور در روز قیامت فقط به سوی الله بازمی گردد، آن گاه که بندگان را برمی انگیزد و آنها را در قبال اعمالی که از پیش فرستاده اند جزا می دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷].

﴿۷۷﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده اید، و به آنچه برای تان تشریح کرده است عمل کرده اید، در نمازتان فقط برای الله رکوع و سجده کنید، و کارهای نیک صدقه و ارتباط خویشاوندی را به جای آورید؛ امید است که به مطلوب برسید، و از ترس و هلاکت نجات یابید.

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ [الحج: ۷۸].

﴿۷۸﴾ و در راه الله خالص برای وجه او جهاد کنید، اوست که شما را برگزید و دین تان را آسان و بدون محدودیت و سخت گیری قرار داد، این آیین آسان همان آیین پدرتان ابراهیم علیه السلام است. و الله شما را در کتاب های پیشین و در قرآن مسلمان نامیده است، تا رسول صلی الله علیه و آله بر شما گواه باشد که آنچه را به تبلیغ آن فرمان یافته بود به شما رساند، و تا برای اینکه شما گواهانی بر امت های پیشین باشید که رسولان شان به آنها ابلاغ کردند. پس در قبال این امر با ادای نماز به کامل ترین وجه شکر الله را به جای آورید، و زکات اموال تان را بپردازید، و به سوی الله پناه آورید، و در کارهای تان بر او توکل کنید، زیرا او سبحانه برای مؤمنانی که او را به دوستی بگیرند بهترین دوست و کارساز است، و برای مؤمنانی که از او یاری بجویند بهترین یاور است، پس او را به دوستی بگیرید تا با شما دوستی کند، و از او یاری بجوید تا به شما یاری رساند.

برخی فواید آیات:

- اهمیت بیان مَثَل‌ها برای توضیح مفاهیم، و اینکه یک راه تربیتی ارزشمند است.
- ناتوانی معبودها از آفرینش کوچک‌ترین مخلوق، بر ناتوانی آنها در آفرینش سایر مخلوقات دلالت دارد.
- سبب شرک‌ورزی به الله، عدم بزرگداشت او تعالی است.
- اثبات دو صفت قدرت و عزت برای الله، و اهمیت اینکه مؤمن معانی این صفات را به یاد آورد.

سوره المؤمنون

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ذکر ایمان و حقیقت و ثمراتش و آثار مخالفت با آن و سرزنش کافران؛ به همین منظور، سوره با بیان رستگاری مؤمنان و عدم رستگاری کافران شروع شده است.

تفسیر:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [المؤمنون: ۱].

① به تحقیق که مؤمنان به الله، و عاملان به شریعت او تعالی، با دستیابی به خواسته‌هایشان و نجات از آنچه از آن می‌ترسند رستگار شده‌اند.

﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ [المؤمنون: ۲].

② همان کسانی که در نماز خویش فروتن هستند، و اعضای آنها در نماز آرام گرفته، و دل‌هایشان از سرگرمی‌ها خالی شده است.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ [المؤمنون: ۳].

③ و همان‌ها که از امور باطل و بیهوده و گناهان گفتاری و رفتاری، رویگردانند.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾ [المؤمنون: ۴].

④ و آنها که نفس‌هایشان را از رذیلت‌ها، و اموالشان را با پرداخت زکاتش پاک می‌گردانند.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ [المؤمنون: ۵].

⑤ و آنها که عورت‌هایشان را از زنا و لواط و گناهان زشت حفظ می‌کنند، که آنها پاکدامن و پاکان هستند.

﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ [المؤمنون: ۶].

⑥ مگر بر همسران‌شان یا کنیزکانی که مالک آنها هستند که در آمیزش و سایر بهره‌گیری جنسی از آنها سرزنش نمی‌شوند.

﴿فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ [المؤمنون: ۷].

﴿۷﴾ پس هرکسی بهره‌گرفتن به غیر از همسران یا کنیزکانی را که مالک آنها است بجوید با تجاوز از حلال الهی و استفاده از حرام الهی، متجاوز از حدود الله است.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ [المؤمنون: ۸].

﴿۸﴾ و همان‌ها که بر آنچه الله آنها را بر آن امین قرار داده، یا بندگانش آنها را امین قرار داده‌اند، و از پیمان‌های‌شان مراقبت می‌کنند و آنها را تباه نمی‌سازند، بلکه به آنها وفا می‌کنند.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ [المؤمنون: ۹].

﴿۹﴾ و همان کسانی که بر نمازهای‌شان مداومت می‌کنند، و آن را در اوقاتش با ارکان و واجبات و مستحباتش ادا می‌نمایند.

﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰].

﴿۱۰﴾ اینها که صفات مذکور را دارند وارث هستند.

﴿الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱].

﴿۱۱﴾ وارثانی که بالاترین جای بهشت را به ارث می‌برند و برای همیشه در آن می‌مانند، و نعمت‌های‌شان در آنجا پایان نمی‌پذیرد.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ﴾ [المؤمنون: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و به تحقیق که ما پدر بشر، آدم عليه السلام را از گلی، که خاکش از عصاره آب مختلط با خاک زمین آماده شد آفریدیم.

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾ [المؤمنون: ۱۳].

﴿۱۳﴾ سپس فرزندان را نسل در نسل از نطفه‌ای که تا زمان ولادت در رحم جای می‌گیرد آفریدیم.

﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۴].

﴿۱۴﴾ بعد از آن نطفه مستقر در رحم، توده خونی قرمزی آفریدیم، سپس آن توده خون قرمز را مانند تکه گوشتی جویده شده قرار دادیم، آن‌گاه آن تکه گوشت را

استخوانی سخت آفریدیم، سپس بر آن استخوان گوشت پوشانیدیم، سپس با دمیدن روح در آن، و درآوردنش به زندگی، به آفرینشی دیگر آن را پدید آوردیم، پس برتر و مقدس است الله که بهترین آفریدگاران است.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۵].

۱۵ - ای مردم - پس از اینکه مراحل مذکور را پشت سر گذاشتید با سپری شدن مدت مشخص عمرتان خواهید مُرد.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۶].

۱۶ سپس بعد از مرگتان، روز قیامت از قبرهایتان برانگیخته می شوید؛ تا در قبال اعمالی که از پیش فرستاده اید مورد محاسبه قرار گیرید.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۷].

۱۷ و - ای مردم - به تحقیق که بر فراز شما هفت آسمان روی هم آفریده ایم، و ما از کار آفرینش خویش غافل نبوده ایم و آن را فراموش نکرده ایم.

برخی فواید آیات:

- رستگاری، اسباب گوناگونی دارد که باید این اسباب را شناخت و بر آنها عمل کرد.
- تدریج در آفرینش و احکام شریعت، سنتی الهی است.
- احاطه علم الله به مخلوقاتش.

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ﴾
[المؤمنون: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و آب باران را به اندازه نیاز، نه زیاد که خرابی به بار آورد و نه کم که کفایت نکند، از آسمان فرو فرستادیم، سپس آن را در زمین جای دادیم تا مردم و حیوانات از آن برخوردار شوند، و به راستی که ما توانا هستیم آن را ببریم تا از آن برخوردار نشوند.

﴿فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۹].

﴿۱۹﴾ سپس با آن آب، باغ‌هایی از درختان خرما و انگور برای تان پدید آوردیم، که در آن باغ‌ها، میوه‌هایی با اشکال و رنگ‌های متعدد، مانند انجیر و انگور و سیب برای شماست، و از آنها می‌خورید.

﴿وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبِغٍ لِّلَّذَلِيلِينَ﴾ [المؤمنون: ۲۰].
﴿۲۰﴾ و از آن، درخت زیتون را که از منطقه کوه سینا برمی‌آید و روغنی که از میوه‌اش خارج می‌گردد که از آن روغن و خورشید گرفته می‌شود برای تان پدید آوردیم.

﴿وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ [المؤمنون: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و - ای مردم - به‌طور قطع در دام‌ها (شتر، گاو و گوسفند) برای تان عبرت و راهنمایی است که با آنها بر قدرت الله و لطف او تعالی به خودتان راهنمایی شوید. از بدن این دام‌ها، شیری خالص و گوارا برای نوشندگان می‌نوشانیم، و منافع زیادی برای تان دارند که از آنها بهره می‌برید؛ مانند سوارشدن، و پشم و کرک و مو، و از گوشت‌شان می‌خورید.

﴿وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ﴾ [المؤمنون: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و از میان دام‌ها بر روی شتر در خشکی، و بر کشتی‌ها در دریا جابجا می‌شوید.
﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [المؤمنون: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و به تحقیق که نوح علیه السلام را به‌سوی قومش فرستادیم که آنها را به‌سوی الله فرا می‌خواند، آن‌گاه برای‌شان گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، که معبود

برحقی جز او سبحانه ندارید، پس آیا با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه نمی‌کنید؟!

﴿فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ﴾ [المؤمنون: ۲۴].

﴿۲۴﴾ آن‌گاه بزرگان و سران قومش که به الله کفر ورزیدند به پیروان و عامیان خویش گفتند: این کسی که ادعا می‌کند فرستاده‌ای [از جانب الله] است جز انسانی مانند خودتان نیست که ریاست و سروری بر شما را می‌خواهد؛ زیرا اگر الله می‌خواست رسولی به سوی ما بفرستد به‌طور قطع او را از میان فرشتگان انتخاب می‌کرد؛ نه از میان انسان‌ها. مانند ادعای او نزد پیشینیان خویش نشنیده‌ایم.

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فْتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ [المؤمنون: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و او کسی نیست جز مردی که دچار جنون شده، و به سخنانش اهمیت نمی‌دهد، پس به او مهلت دهید تا کارش بر مردم آشکار گردد.

﴿قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ﴾ [المؤمنون: ۲۶].

﴿۲۶﴾ نوح علیه السلام گفت: پروردگارا مرا در برابر آنها یاری رسان، یعنی چون مرا تکذیب کردند انتقام مرا از آنها بگیر.

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ﴾ [المؤمنون: ۲۷].

﴿۲۷﴾ پس به او وحی کردیم که کشتی را زیر نظر و آموزش ما بساز، آن‌گاه که فرمان ما به نابودساختن آنها فرا رسید، و آب به شدت از تنور (مکانی که در آن نان پخت می‌شد) جوشید، از تمام زندگان یک نر و ماده در آن وارد کن تا نسل ادامه یابد، و خانواده‌ات را جز کسانی که سخن الله بر نابودی آنها پیشی گرفته است مانند همسر و پسرت سوار کن، و برای طلب نجات و نابود نکردن کسانی که با کفر ستم ورزیده اند مرا مورد خطاب قرار نده؛ زیرا آنها - بدون تردید، با غرق شدن در آب طوفان از نابودشدگان هستند.

برخی فواید آیات:

- لطف الله به بندگان با فرورستاندن باران و آسانسازی بهره‌برداری از آن آشکار است.
- اشاره به جایگاه درخت زیتون.
- اعتقاد مشرکان به الوهیت سنگ، و تکذیب نبوت انسان از سوی آنها، بر کم‌عقلی شان دلالت دارد.
- یاری الله به رسولانش ﷺ آن‌گاه که امت‌های‌شان آنها را تکذیب کنند ثابت است.

﴿فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۲۸].

۳۸ پس چون تو و کسانی از مؤمنان نجات یافته که همراه تو هستند بر کشتی بالا رفتید، بگو: تمام ستایشها مخصوص الله است همان ذاتی که ما را از قوم کافر نجات داد و آنها را نابود کرد.

﴿وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ﴾ [المؤمنون: ۲۹].

۳۹ و بگو: پروردگارا مرا در زمین پر خیر و برکتی فرود آور، و تو بهترین فرود آورندگان هستی.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ﴾ [المؤمنون: ۳۰].

۳۰ به راستی که در این امر یعنی نجات یافتن نوح علیه السلام و مؤمنان همراهش، و نابودی کافران؛ دلالت‌های آشکاری است بر قدرت ما بر یاری رسولانمان و نابود کردن تکذیب کنندگان آنها، و به تحقیق که ما با ارسال نوح علیه السلام به سوی قومش آنها را آزمودیم تا مؤمن از کافر و فرمان بردار از نافرمان مشخص گردد.

﴿ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ﴾ [المؤمنون: ۳۱].

۳۱ سپس بعد از نابودی قوم نوح امتی دیگر پدید آوردیم.

﴿فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [المؤمنون: ۳۲].

۳۲ آن گاه در میان آنها رسولی از خودشان ارسال کردیم که آنها را به سوی الله فرا می خواند، و به آنها گفت: فقط الله را عبادت کنید که معبود برحقى جز او سبحانه ندارید، پس آیا با اجتناب از نواهی، و اجرای اوامر الله تقوای او تعالی را پیشه نمی کنید؟!

﴿وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِإِلقاءِ الآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ﴾ [المؤمنون: ۳۳].

۳۳ و بزرگان و سران قومش که به الله کفر ورزیده، و آخرت و پاداش و عذاب آن را تکذیب کرده بودند، و از نعمت‌هایی که در زندگی دنیا برای‌شان گسترانده بودیم

طغیان کرده بودند، به پیروان و عامیان خویش گفتند: این نیست جز انسانی مانند خودتان که از آنچه شما می‌خورید می‌خورد، و از آنچه شما می‌نوشید می‌نوشد، پس او امتیازی بر شما ندارد تا به عنوان رسول به‌سوی شما فرستاده شود.

﴿وَلَيْنَ أَطْعَمْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَاسِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و اگر از انسانی مانند خودتان اطاعت کنید به‌طور قطع به‌سبب بهره‌نبردن از طاعتش به‌خاطر اینکه معبودهای‌تان را رها کرده‌اید، و از کسی که فضیلتی بر شما ندارد پیروی کرده‌اید زیانکار خواهید بود.

﴿أَيَعِدُّكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتُمْ تُخْرَجُونَ﴾ [المؤمنون: ۳۵].

﴿۳۵﴾ آیا این کسی که ادعا می‌کند رسولی [از جانب الله] است به‌شما وعده می‌دهد که وقتی مُردید و خاک و استخوان‌هایی پوسیده شدید زنده از قبرهای‌تان در آورده می‌شوید؟! آیا این کار عاقلانه است؟!

﴿* هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ﴾ [المؤمنون: ۳۶].

﴿۳۶﴾ در آوردن شما از قبرهای‌تان به‌صورت زنده پس از مرگ، درحالی‌که سرانجام به خاک و استخوان‌های پوسیده تبدیل شده‌اید بسیار بعید است.

﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾ [المؤمنون: ۳۷].

﴿۳۷﴾ زندگی‌ای جز زندگی دنیا نیست، زندگی آخرتی وجود ندارد، زندگان ما می‌میرند و زنده نمی‌شوند، و دیگران نیز متولد و زنده می‌شوند، و پس از مرگمان در روز قیامت برای حسابرسی بیرون آورده نمی‌شویم.

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ﴾ [المؤمنون: ۳۸].

﴿۳۸﴾ این شخص که ادعا می‌کند رسولی به‌سوی شماست، کسی نیست جز مردی که با این ادعا بر الله دروغ بسته است، و ما به او ایمان نمی‌آوریم.

﴿قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي﴾ [المؤمنون: ۳۹].

﴿۳۹﴾ رسول گفت: پروردگارا مرا در برابر آنها یاری رسان؛ یعنی که چون من را تکذیب کردند انتقام مرا از آنها بگیر.

﴿قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصِيبُ مَنْ نَادَىٰ﴾ [المؤمنون: ۴۰].

﴿۴۰﴾ آن‌گاه الله این‌گونه به او پاسخ داد: پس از زمانی اندک به‌زودی اینها که آنچه را آورده‌ای تکذیب می‌کنند از تکذیب خویش پشیمان خواهند شد.

﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۴۱].

﴿۴۱﴾ پس به سبب استحقاق آنها به عذاب در اثر سرسختی، صدایی شدید و مرگبار آنها را فراگرفت، آن گاه مانند کف روی سیل نابود گشتند، پس نابود باد قوم ستمکار.

﴿ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ﴾ [المؤمنون: ۴۲].

﴿۴۲﴾ بعد از نابودکردن آنها، اقوام و امت‌هایی دیگر مانند قوم لوط، قوم شعیب، و قوم یونس را پدید آوردیم.

برخی فواید آیات:

- وجوب سپاسگزاری از الله به خاطر نعمت‌ها.
- رفاه در دنیا، یکی از اسباب غفلت یا گردنکشی در برابر حق است.
- سرانجام کافر پشیمانی و تباهی است.
- ستم سبب دوری از رحمت الله است.

﴿مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۴۳].

﴿۳۳﴾ هیچ‌یک از این امت‌های تکذیب‌کننده با وجود تمام وسایلی که داشتند از وقت تعیین‌شده برای نابودی‌اش نه پیشی گرفته است، و نه از آن عقب افتاده است.

﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلٌّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ﴾ [المؤمنون: ۴۴].

﴿۳۴﴾ سپس رسولانمان را پیاپی و یکی پس از دیگری مبعوث کردیم، هرگاه نزد یکی از این امت‌ها رسولش که به‌سوی آنها مبعوث شده بود آمد او را تکذیب کردند، آن‌گاه آنها را یکی پس از دیگری نابود کردیم، و اثری از آنها جز قصه و داستان آنها باقی نماند، پس نابود باد قومی که به آنچه رسولان آنها از جانب پروردگارشان آوردند ایمان نمی‌آورند.

﴿ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ [المؤمنون: ۴۵].

﴿۳۵﴾ سپس موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام را با آیات هفتگانه خویش: (عصا، دست، ملخ، شپش، قورباغه‌ها، خون، طوفان، خشکسالی، کم‌شدن میوه‌ها)، و با حجتی آشکار فرستادیم.

﴿إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَوَلِيِّهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ﴾ [المؤمنون: ۴۶].

﴿۳۶﴾ آن دو را به‌سوی فرعون و سران قومش فرستادیم اما آنها تکبر ورزیدند، و بر ایمان به آن دو گردن نهادند، و قومی بودند که با زور و ستم بر مردم برتری می‌جستند.

﴿فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ﴾ [المؤمنون: ۴۷].

﴿۳۷﴾ پس گفتند: آیا به دو انسان مانند خودمان که هیچ امتیازی بر ما ندارند، و قوم آن دو (بنی اسرائیل) مطیع و فرمان‌بردار ما هستند ایمان بیاوریم؟!

﴿فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ﴾ [المؤمنون: ۴۸].

﴿۳۸﴾ آن‌گاه آن دو را در آنچه از جانب الله آورده بودند تکذیب کردند، پس به‌سبب تکذیب‌شان غرق و نابود شدند.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ [المؤمنون: ۴۹].

﴿۳۹﴾ و به تحقیق تورات را به موسی دادیم تا قومش با آن به حق راه یابند، و به آن عمل کنند.

﴿وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ﴾ [المؤمنون: ۵۰].
 ۵۰ و عیسی پسر مریم و مادرش مریم را نشانه‌ای دلالت‌کننده بر قدرت خویش قرار دادیم، چون مریم به عیسی بدون پدر باردار شد، و آن دو را در مکان مرتفعی از زمین که مسطح و مناسب اقامت بود، و آبی جاری و تازه داشت پناه دادیم.

﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ [المؤمنون: ۵۱].
 ۵۱ ای رسولان، از آنچه که برای‌تان حلال شده است و خوردن آن برای‌تان گواراست بخورید، و عمل صالح موافق با شریعت انجام دهید، زیرا من به تمام اعمال شما آگاه هستم، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر من پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲].
 ۵۲ و - ای رسولان - همانا آیین شما آیینی یگانه یعنی اسلام است، و من پروردگارتان هستم که هیچ پروردگاری جز من ندارید، پس با اجرای اوامر، و اجتناب از نواهی‌ام از من بترسید.

﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ [المؤمنون: ۵۳].
 ۵۳ اما پس از آنها پیروان‌شان در دین پراکنده گشتند، و به گروه‌ها و احزاب تقسیم شدند، که هر حزب به آنچه که ایمان داشت شاد بود با این تفکر که همان دین پسندیده نزد الله است، و به آنچه که نزد دیگران بود توجهی نداشت.

﴿فَدَرَّهُمْ فِي عَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ﴾ [المؤمنون: ۵۴].
 ۵۴ پس - ای رسول - آنها را در جهل و سرگردانی‌شان تا هنگام نزول عذاب بر آنها واگذار.

﴿أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ﴾ [المؤمنون: ۵۵].
 ۵۵ آیا این احزاب به آنچه دارند شادمانند و می‌پندارند که اموال و فرزندان که در زندگی دنیا به آنها می‌دهیم به تعجیل انداختن خیری است که استحقاقش را دارند؟!

﴿نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [المؤمنون: ۵۶].
 ۵۶ امر چنان‌که گمان کردند نیست، این موارد را فقط برای مهلت‌دادن و نزدیک ساختن تدریجی آنها به سوی عذاب برای‌شان می‌دهیم، اما این امر را احساس نمی‌کنند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾ [المؤمنون: ۵۷].

﴿۵۷﴾ به راستی کسانی که با وجود ایمان و نیکوکاری از پروردگارشان می ترسند.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ﴾ [المؤمنون: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و همان ها که به آیات کتابش ایمان دارند.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ﴾ [المؤمنون: ۵۹].

﴿۵۹﴾ و همان ها که پروردگارشان را یگانه می دانند و هیچ چیز را با او شریک نمی گردانند.

برخی فواید آیات:

- برتری خواهی، مانع راه یافتن به حق است.
- لقمه حلال در اصلاح قلب و عمل تأثیر دارد.
- توحید، آیین و دعوت تمام پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است.
- نعمت دادن بر فاجر، اکرام برای او به شمار نمی رود، بلکه سبب نزدیک کردن تدریجی او به سوی عذاب است.

﴿وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۰].

۱۰) و همان‌ها که در کارهای نیک می‌کوشند، و با اعمال صالح به سوی الله نزدیکی می‌جویند و با این وجود می‌ترسند که در روز قیامت که به سوی الله بازگردند الله انفاق و اعمال صالح‌شان را از آنها نپذیرد.

﴿أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۱].

۱۱) اینها که صفات بزرگ مذکور را دارند بر انجام اعمال صالح شتاب می‌ورزند، و پیشی می‌گیرند، و از دیگران سبقت می‌گیرند.

﴿وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۲].

۱۲) و هیچ‌کس را جز به اندازه عملی که در توانش است مکلف نمی‌کنیم، و نزد ما کتابی است که عمل هر عاملی را در آن ثبت کرده‌ایم، و به حقی که هیچ تردیدی در آن نیست سخن می‌گوید، و آنها نه با کاستن نیکی‌هایشان، و نه با افزودن بر بدی‌های‌شان مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

﴿بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَامِلُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۳].

۱۳) بلکه دل‌های کافران از این کتاب که به حق سخن می‌گوید، و کتابی که بر آنها نازل کردیم در بی‌خبری است، و آنها غیر از کفری که بر آن هستند اعمال دیگری دارند که انجام می‌دهند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْرُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۴].

۱۴) تا زمانی که افراد مُتْرَفَه‌شان در دنیا را با عذاب روز قیامت کیفر دهیم آن‌گاه صداهای‌شان را برای طلب یاری بالا می‌برند.

﴿لَا تَجَارُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۵].

۱۵) آن‌گاه برای نومیدساختن آنها از رحمت الله به آنها گفته می‌شود: امروز فریاد نکشید و یاری نجوید، زیرا هیچ یآوری ندارید که شما را در برابر الله محافظت کند.

﴿قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنكِبُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۶].

۱۶) در دنیا آیات الله بر شما خوانده می‌شد، اما شما وقتی آنها را می‌شنیدید چون مورد پسند شما نبود به آنها پشت می‌کردید.

﴿مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۷].

این کار را با برتری جویی بر مردم به سبب اینکه گمان می کردید شما اهل حرم هستید انجام می دادید درحالی که اهل حرم نیستید؛ چون اهل حرم همان پرهیزگاران هستید، و شما در گفتگوهای شبانه تان سخن ناسزا در مورد قرآن می گوید، و آن را مقدس نمی دانید.

﴿أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ﴾ [المؤمنون: ۶۸].

آیا این مشرکان در آیات قرآن که الله نازل کرده نیندیشیده اند تا به آن ایمان بیاورند، و به آنچه در آن است عمل کنند، یا چیزی برای شان آمده است که پیش از آنها برای پیشینیان شان نیامده بود، که از قرآن روی گردانند و آن را تکذیب کردند.

﴿أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ﴾ [المؤمنون: ۶۹].

یا اینکه محمد ﷺ را که الله او را به سوی آنها فرستاد نشناخته بودند، که او را انکار کردند؟! به تحقیق که او و راستگویی و امانتداری اش را شناخته بودند.

﴿أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمُ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمُ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۰].

بلکه می گویند: او دیوانه است، به راستی که دروغ گفتند، بلکه حقی که بدون تردید از جانب الله نازل شده است، نزدشان آمد، و بیشتر آنها از روی حسادت و تعصبی که به باطل خویش دارند حق را نمی پسندند، و از آن به خشم می آیند.

﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ

بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۱].

و اگر الله امور را بر وفق هوای نفس شان به جریان می انداخت و اداره می کرد، به طور قطع آسمان ها و زمین و کسانی که در آسمان ها و زمین هستند تباه می شد چون به سرانجام امور، و تدبیر صحیح و فاسد جاهل هستند.

﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [المؤمنون: ۷۲].

ای رسول - آیا مزدی از اینها در قبال آنچه که برای شان آورده ای طلب کردی، و این کار، آنها را به ترک دعوت واداشت؟! این کار از سوی تو رخ نداده است، زیرا پاداش و مزد پروردگارت از پاداش اینها و دیگران بهتر است، و او - سبحانه - بهترین روزی دهندگان است.

﴿وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [المؤمنون: ۷۳].

و - ای رسول - همانا تو اینها و دیگران را به راه راستی که هیچ انحرافی ندارد، یعنی همان راه اسلام فرا می خوانی.

﴿وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۴].

و همانا کسانی که به آخرت و حسابرسی و کیفر و پاداشی که در آن است ایمان نمی آورند از راه اسلام به سوی راه های دیگر که کج و رساننده به جهنم می باشند گمراه هستند.

برخی فواید آیات:

- ترس مؤمن از پذیرفته نشدن عمل صالحش.
- سقوط تکلیف خارج از توان، رحمتی به بندگان است.
- رفاه یکی از موانع استقامت و سبب نابودی است.
- ناتوانی عقل بشر از ادراک بسیاری مصالح.

﴿وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و اگر بر آنها رحم کنیم و قحطی و گرسنگی ای که به آنها رسیده است را برطرف سازیم به طور قطع حیران و آشفته در گمراهی خویش از حق ادامه خواهند داد.

﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَاَهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكْبَرُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و به تحقیق که آنها را با انواع مصیبت‌ها آزموده‌ایم، اما در برابر پروردگارشان فروتنی و تواضع نکردند، و فروتنانه او را نخواندند تا مصیبت‌ها را هنگامی که نازل می‌شوند از آنها برطرف سازد.

﴿حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۷].

﴿۷۷﴾ تا اینکه دری از عذاب سخت را بر روی‌شان گشودیم ناگهان از هر گشایش و خیری ناامید شدند.

چون انکار رستاخیز از سوی کسی که از گوش و چشم و عقلش نفع می‌برد سر نمی‌زند، الله این نعمت‌ها را برای‌شان یادآوری کرد، و فرمود:

﴿وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۸].

﴿۷۸﴾ و - ای تکذیب‌کنندگان رستاخیز - الله سبحانه همان ذاتی است که گوش برای تان آفرید تا با آن بشنوید، و چشمانی تا با آنها ببینید، و دل‌هایی تا با آنها بفهمید، و با این وجود جز اندکی شکر او تعالی را در برابر این نعمت‌ها به جای نمی‌آوردید.

﴿وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [المؤمنون: ۷۹].

﴿۷۹﴾ و - ای مردم - او تعالی همان ذاتی است که شما را در زمین آفرید، و روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی او گردآورده می‌شوید.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۰].

﴿۸۰﴾ و او سبحانه تنها ذاتی است که زنده می‌گرداند یعنی زنده گرداننده‌ای جز او نیست، و او تنها ذاتی است که می‌میراند یعنی میراننده‌ای جز او نیست، و اندازه‌گیری اختلاف شب و روز از نظر تاریکی و روشنایی و بلندی و کوتاهی، فقط به او بازمی‌گردد، پس آیا در قدرت، و یگانگی او در آفرینش و تدبیر نمی‌اندیشید؟!

﴿بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۱].

﴿۸۱﴾ بلکه سخنانی همانند سخنان کفرآمیز پدران و پیشینیان خویش گفتند.

﴿قَالُوا أَيُّدَا مِثْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيُّنَّا لَمَبْعُوثُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۲].

﴿۸۲﴾ با بعید پنداشتن و از روی انکار گفتند: آیا چون مُردیم و خاک و استخوان‌های پوسیده گشتیم آیا برای حسابرسی، زنده برانگیخته می‌شویم؟!

﴿لَقَدْ وَعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [المؤمنون: ۸۳].

﴿۸۳﴾ به تحقیق که قبلاً این وعده - یعنی رستاخیز پس از مرگ - به ما و پیشینیان ما وعده داده شده است، و این وعده را تحقق یافته ندیده‌ایم، و جز سخنان باطل و دروغ‌های پیشینیان نیست.

﴿قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۴].

﴿۸۴﴾ - ای رسول - به این کافران منکر رستاخیز بگو: اگر دانشی دارید این زمین، و هرکس که بر روی آن است از آن کیست؟

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۵].

﴿۸۵﴾ خواهند گفت: زمین و هرکس که بر روی آن است برای الله است، پس به آنها بگو: آیا متذکر نمی‌شوید کسی که زمین و تمام ساکنانش برای او باشد بر زنده کردن شما پس از مرگ‌تان تواناست؟

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾ [المؤمنون: ۸۶].

﴿۸۶﴾ به آنها بگو: پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه کیست؟ و پروردگار عرش بزرگ که مخلوقی بزرگ‌تر از آن یافت نمی‌شود کیست؟

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۷].

﴿۸۷﴾ خواهند گفت: آسمان‌های هفت‌گانه و عرش بزرگ ملک الله است، آن‌گاه به آنها بگو: پس آیا با اجرای اوامر و ترک نواهی الله از او تعالی نمی‌ترسید تا از عذابش رهایی یابید؟

﴿قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۸].

﴿۸۸﴾ به آنها بگو: کیست آن‌که فرمانروایی هر چیزی به دست اوست، و هیچ‌چیز از فرمانروایی او جدا نمی‌شود، و او به هر یک از بندگانش که بخواهد یاری می‌رساند، و هیچ‌کس نمی‌تواند از کسی که او بدی برایش بخواهد دفاع کند، و عذاب را از او برطرف سازد، اگر دانشی دارید؟

﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلٌّ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾ [المؤمنون: ۸۹].

خواهند گفت: ﴿سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلٌّ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾ فرمانروایی همه چیز به دست او سبحانه است، آن گاه به آنها بگو: پس چگونه عقل‌های‌تان تباه شده است، و با وجود این اقرارتان غیر او تعالی را عبادت می‌کنید؟!

برخی فواید آیات:

- پند نگرفتن کافران از نعمت‌ها یا مصیبت‌هایی که بر آنها واقع می‌شود بر فساد فطرت‌شان دلالت دارد.
- ناسپاسی نعمت‌ها یکی از صفات کافران است.
- تمسک به تقلید کورکورانه مانع رسیدن به حق است.
- اقرار به ربوبیت تا زمانی که با اقرار به الوهیت همراه نباشد صاحبش را نجات نمی‌دهد.

﴿بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۰].

۹۰) امر چنان که ادعا می‌کنید نیست، بلکه حقی که هیچ تردیدی در آن نیست نزدتان آمده است، و به‌راستی که شما در قراردادن شریک و فرزندی که برای الله ادعا می‌کنید دروغگو هستید، الله از این سخن شما بسیار برتر است.

﴿مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذَا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۱].

۹۱) الله هیچ فرزندی نگرفته است آن‌گونه که کافران ادعا می‌کنند، و هیچ معبود برحقی همراه او نیست، و اگر به فرض معبود برحقی همراه او باشد به‌طور قطع هر معبودی سهمش را از آفرینش آنچه که آفریده بود می‌برد، و به یقین بعضی از آنها بر بعضی دیگر چیره می‌شدند، آن‌گاه نظام هستی فاسد می‌شد، اما واقعیت آن است که ذره‌ای از این موارد روی نداده است، پس دلالت دارد بر اینکه معبود برحق ذات یگانه‌ای است که همان الله یکتا است، و از فرزند و شریک که مشرکان او تعالی را با آن توصیف می‌کنند پاک و مقدس است و سزاوارش نیست.

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۲].

۹۲) دانای تمام آنچه از مخلوقاتش نهان است، و دانای تمام آنچه که با حواس، دیده و درک می‌شود می‌باشد، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، پس او سبحانه برتر است از اینکه شریکی داشته باشد.

﴿قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۳].

۹۳) - ای رسول - بگو: پروردگارا اگر در مورد این مشرکان غذایی را که به آنها وعده داده شده است به من بنمایانی.

﴿رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۹۴].

۹۴) پروردگارا اگر آنها را کیفر دهی و من آن را ببینم پس در مورد آنها شتاب نکن تا غذایی که به آنها می‌رسد مرا نیز دربرگیرد.

﴿وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۵].

۹۵) به تحقیق که ما می‌توانیم غذایی را که به آنها وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم و تو آن را ببینی، و نه از این کار و نه از هیچ کار دیگری ناتوان نیستیم.

﴿ادْفَع بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۶].

۹۶ - ای رسول - هرکسی را که به تو بدی می کند با خصلتی که نیکوتر است دفع کن؛ یعنی از او درگذر، و در برابر آزارش شکیبایی کن، ما به شرک و تکذیبی که توصیف می کنند، و به آنچه که سزاوار تو نیست مانند سحر و جنون که تو را توصیف می کنند آگاه تریم.

﴿وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ﴾ [المؤمنون: ۹۷].

۹۷ و بگو: پروردگارا از فتنه انگیزی ها و وسوسه های شیاطین به تو پناه می برم.

﴿وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ﴾ [المؤمنون: ۹۸].

۹۸ و پروردگارا به تو پناه می برم از اینکه در چیزی از کارهایم نزد من حاضر شوند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ [المؤمنون: ۹۹].

۹۹ تا آن گاه که مرگ یکی از این مشرکان فرا رسد، و آنچه را بر او نازل می شود ببیند. با پشیمانی از آنچه از عمرش تباه شده، و از آنچه در حق الله کوتاهی کرده است می گوید: پروردگارا مرا به زندگی دنیا بازگردان.

﴿لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ

يُبْعَثُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۰].

۱۰۰ تا وقتی به آن بازگردم عمل صالح انجام دهم. هرگز، امر چنان که طلب کردی نیست، بلکه آن فقط سخنی است که او بر زبان می راند، زیرا اگر به زندگی دنیا بازگردانده شود به طور قطع به وعده اش وفا نخواهد کرد، و این وفات یافتگان تا روز رستاخیز و نشور (زنده شدن مردگان در روز قیامت) در مانعی میان دنیا و آخرت خواهند ماند، و از آنجا به دنیا بازگردانده نمی شوند تا آنچه را از دست داده اند جبران کنند، و آنچه را تباه ساخته اند اصلاح گردانند.

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۱].

۱۰۱ پس چون فرشتهٔ مسئول اعلام قیامت، بار دوم در صور بدمد، آن گاه به سبب مناظر هولناک آخرت نسبت های خویشاوندی میان شان نیست که به آن تفاخر ورزند، و به خاطر مشغول شدن به آنچه که آنها را آشفته ساخته است از حال یکدیگر نمی پرسند.

﴿فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ پس هرکس کفه ترازوی او با برتری نیکی‌هایش بر بدهی‌هایش سنگین باشد، آنها با دستیابی به مطلوب خویش، و نجات از وحشت و هلاکت، همان رستگاران هستند.

﴿وَمَنْ حَقَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ و هرکس که کفه ترازوی او با برتری بدی‌هایش بر نیکی‌هایش سبک باشد، آنها همان کسانی هستند که با انجام اموری که به آنها زیان می‌رساند، و ترک ایمان و عمل صالح که به آنها نفع می‌رساند خودشان را تباه می‌سازند، پس آنها در آتش جهنم ماندگار هستند، و هرگز از آن درآورده نمی‌شوند.

﴿تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ آتش چهره‌هایشان را می‌سوزاند، و لب‌های بالا و پایین آنها به سبب شدت کشیدگی شدید از دندان‌هایشان جدا می‌شود.

برخی فواید آیات:

- استدلال به ثبات و آرامش نظام هستی بر یگانگی الله.
- احاطه علم الله به همه چیز.
- نیکی به بدکار، یک ادب والای اسلامی است که تاثیر بزرگی بر دشمن دارد.
- ضرورت پناه‌بردن به الله از وسوسه‌ها و فریب‌های شیطان.

﴿أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُثَلِّ عَلَيَّكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ و از روی سرزنش به آنها گفته می‌شود: آیا آیات قرآن بر شما خوانده نمی‌شد و شما آن را تکذیب نمی‌کردید؟!

﴿قَالُوا رَبَّنَا عَلَبْتَ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ می‌گویند: پروردگارا بدبختی ما در علم ازلی تو، بر ما چیره شد، و ما مردمی گمراه از حق بودیم.

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ پروردگارا ما را از جهنم درآور، که اگر دوباره به کفر و گمراهی که بر آن بودیم بازگشتیم در آن صورت بر خویشتن ستمکار خواهیم بود، و دیگر عذری برایمان باقی نمانده است.

﴿قَالَ اخْسَؤُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ الله می‌فرماید: خوار و ذلیل در جهنم سکنی گزینید، و با من سخن نگوئید.

﴿إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ

الرَّاحِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ همانا گروهی از بندگان من بودند که به من ایمان آوردند و می‌گفتند: پروردگارا به تو ایمان آوردیم پس گناهانمان را بر ما ببامرز، و به رحمت خویش بر ما رحم کن، و تو بهترین مهربانان هستی.

﴿فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سَخِرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ﴾ [المؤمنون:

۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ و شما این مؤمنان دعوتگر به سوی پروردگارشان را به ریشخند گرفتید و آنها را مسخره کردید، تا اینکه سرگرم شدن به تمسخر آنها، یاد الله را از یاد شما برد، و از روی مسخره و استهزا به آنها می‌خندیدید.

﴿إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ به‌راستی که من به خاطر صبر این مؤمنان بر طاعت الله و آزارهایی که شما به آنها می‌رساندید دستیابی به بهشت در روز قیامت را به آنها پاداش دادم.

و چون بازگشت به دنیا را بخواهند تا آنچه را فاسد کرده‌اند اصلاح گردانند، الله زمانی طولانی را که در دنیا به آنها عمر داد که اگر می‌خواستند امکان توبه را در آن مدت داشتند به یادشان می‌آورد.

﴿قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ می‌فرماید: چند سال در دنیا ماندید؟ و چه وقت‌هایی را تباه ساختید؟

﴿قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَاسَأَلُ الْعَادِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ آن گاه این گونه پاسخ می‌دهند: یک روز یا قسمتی از یک روز ماندیم، پس از کسانی که حساب روزها و ماه‌ها را مهم می‌شمارند بی‌رس.

﴿قَالَ إِنْ لَبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ می‌فرماید: جز زمان اندکی که در آن بر طاعت صبر آسان است در دنیا نماندید اگر مقدار ماندن‌تان را می‌دانستید.

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ - ای مردم - آیا پنداشتید که شما را مانند حیوانات به بازی و بدون حکمت آفریدیم، و هیچ پاداش و کیفری نیست، و در روز قیامت برای حسابرسی و جزا به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!

﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ [المؤمنون: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ پس منزه است الله، فرمانروایی که هر گونه تصرفی را که بخواهد در مخلوقاتش انجام می‌دهد، ذاتی است که عین حق است، و وعده او حق، و سخن او حق است، و معبود برحق جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ - بزرگترین مخلوق - است، و هرکس که پروردگار بزرگترین مخلوقات باشد پروردگار سایر مخلوقات نیز است.

﴿وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ و هرکس همراه الله معبودی دیگر بخواند هیچ حجتی برایش بر استحقاق معبودش برای عبادت نیست (و این شأن هر معبودی غیر از الله است) و جزای بد عملش فقط نزد پروردگارش سبحانه است، یعنی او ذاتی است که او را در قبال این کار مجازات می‌کند، به‌راستی که او کافران را نه با رسیدن به آنچه می‌خواهند، و نه با نجات از آنچه می‌ترسند رستگار نمی‌گرداند.

﴿وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ [المؤمنون: ۱۱۸].

و - ای رسول - بگو: پروردگارا گناهانم را برایم بیامرز، و به رحمت خویش بر من رحم کن، و تو بهترین بخشاینده برای گناهکار هستی، که توبه‌اش را می‌پذیرد.

برخی فواید آیات:

- کافر نزد الله خوار و پست است.
- تمسخر صالحان گناه بزرگی است که صاحبش سزاوار عذاب است.
- ضایع کردن عمر، یکی از لوازم کفر است.
- ستایش الله یکی از مظاهر ادب در دعاست.
- چون الله این سوره را با بیان صفات رستگاری مؤمنان آغاز کرد، کاملاً مناسب بود که آن را با ذکر زیان و عدم رستگاری کافران به پایان ببرد.

سوره النور

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تمرکز بر مسأله عفاف و حجاب و پاکی و حفظ جامعه اسلامی از اسباب زنا و نیرنگ منافقان در انتشار این امر.

تفسیر:

﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النور: ۱].

این سوره [مهمی] است که آن را نازل کردیم، و عمل به احکامش را واجب گردانیدیم، و آیاتی روشن در آن فرو فرستادیم؛ تا از احکامی که در آن است پند بگیرید و به آنها عمل کنید.

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِئَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۲].

به هر یک از زن و مرد زناکار بکر صد ضربه تازیانه بزنید، و نسبت به آن دو دلسوزی و مهربانی نکنید که حد را بر آن دو اجرا نکنید یا حدشان را تخفیف دهید، اگر به الله و روز آخرت ایمان دارید، و باید گروهی از مؤمنان برای رسواسازی بیشتر آن دو، و بازداشتن آن دو و دیگران، هنگام اقامه حد بر آنها حاضر شوند.

﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۳].

الله برای بیان زشتی و پلیدی زیاد زنا فرمود مردی که به آن عادت داشته باشد به ازدواج تمایل ندارد جز با زن زناکار مثل خودش یا با زنی مشرک که از زنا پرهیز نمی کند درحالی که نکاح با او جایز نیست، و زنی که به زنا عادت کرده باشد تمایلی به ازدواج ندارد جز با زناکاری مثل خودش یا با مشرکی که از زنا دوری نمی کند

درحالی که ازدواج وی با او حرام است، و نکاح با زن زناکار و به نکاح دادن مرد زناکار، بر مؤمنان حرام شده است.

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [النور: ۴].

⑤ و - ای حاکمان - به کسانی که به زنان پاکدامن (و نیز مردان پاکدامن) نسبت زنا می دهند، سپس بر زنايي که به آنها نسبت داده اند چهار شاهد نمی آورند هشتاد تازیانه بزنید، و شهادت آنها را هرگز نپذیرید، و اینها که به پاکدامنان افترا می بندند خود از طاعت الله خارج هستند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النور: ۵].

⑥ مگر کسانی که پس از افترايي که به آن دست زدند به سوی الله توبه کرده، و اعمال شان را صالح گردانند که الله توبه و گواهی آنها را می پذیرد؛ زیرا الله نسبت به آن دسته از بندگان که توبه کنند بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [النور: ۶].

⑦ و مردانی که بر همسران شان افترا می بندند و جز خودشان شاهدانی ندارند که بر صحت این اتهام گواهی دهند؛ هر یک از آنها چهار بار به الله سوگند یاد کند که: به یقین در زنايي که به همسرش نسبت داده است راستگو است.

﴿وَالْحَامِسَةُ أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ [النور: ۷].

⑧ و در گواهی پنجم خویش بر خودش نفرین فرستد که اگر در آنچه به همسرش نسبت داده است دروغگو باشد.

﴿وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ [النور: ۸].

⑨ پس از این امر سزاوار است که حد بر زن جاری شود، اما این حد در صورتی از زن ساقط می شود که چهار بار اینگونه به الله گواهی دهد که: به طور قطع مرد در آنچه به او نسبت داده است دروغگو است.

﴿وَالْحَامِسَةُ أَنَّ عَذَابَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [النور: ۹].

⑩ و در گواهی پنجمش به خشم الله بر خودش نفرین کند که اگر مرد در آنچه به او نسبت داده است راستگو باشد.

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ﴾ [النور: ۱۰].

و - ای مردم - اگر لطف و رحمت الله بر شما نبود، و نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده نبود، و در تدبیر و شریعتش حکیم نبود به طور قطع کیفر گناهان تان را به تعجیل می انداخت، و شما را با آنها رسوا می ساخت.

برخی فواید آیات:

- مقدمه چینی برای بیان از امور مهم با مطالبی که اهمیت موضوع را گوشزد می کند.
- زناکار احترام و مهربانی در جامعه اسلامی را از دست می دهد.
- حصر اجتماعی زناکاران وسیله ای برای محافظت جامعه از آنها، و بازداشتن خودشان از زنا است.
- متنوع ساختن کیفر قاذف به کیفر مادی (حد)، و معنوی (پذیرفتن شهادت او، و حکم بر فسق او) بر خطرناک بودن این کار دلالت دارد.
- زنا جز با بیّنه (دلیل) ثابت نمی شود، و ادعای زنا بدون بیّنه، قذف (تهمت) است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ جَاؤُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾
[النور: ۱۱].

❶ - ای مؤمنان - در حقیقت کسانی که این بهتان (یعنی متهم کردن مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها به زنا) را آوردند گروهی هستند که به شما انتساب دارند، افترای آنان را برای خودتان شر مپندارید، بلکه به دلیل پاداش و خالص سازی مؤمنان، و تبرئه مادر مؤمنان که در آن وجود دارد خیری است، برای هر یک از آنها که در متهم کردن او به زنا شرکت داشته به خاطر سخن گفتن به افک (دروغ) مجازات گناهی است که مرتکب شده است، و برای کسی که بخش بزرگ آن را با آغاز اتهام به دوش کشید عذابی بزرگ است، منظور از این شخص رئیس منافقان عبدالله بن اُبیّ این سلول است.

﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾
[النور: ۱۲].

❷ چرا وقتی که مردان و زنان مؤمن این بهتان بزرگ را شنیدند بی گناهی برادر مؤمن شان که این بهتان بر او زده شده است را گمان نبردند، و نگفتند: این دروغی آشکار است.

﴿لَوْلَا جَاؤُوا عَلَيْهِ بَأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشَّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ [النور: ۱۳].

❸ چرا افترا زندگان به مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها برای دروغ بزرگشان چهار گواه نیاوردند تا بر صحت آنچه به مادر مؤمنان نسبت دادند گواهی دهند، پس چون چهار گواه بر این کار نیاوردند - و هرگز نخواهند توانست بیاورند - در حکم الله دروغگویان هستند.

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۱۴].

❹ و - ای مؤمنان - اگر لطف و رحمت الله بر شما نبود که در کیفر شما تعجیل نکرد، و توبه توبه کاران شما را پذیرفت؛ به طور قطع به سبب دروغ و بهتان بر مادر مؤمنان که در آن فرو رفتید عذابی بزرگ به شما می رسد.

﴿إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ يَا فَأُوْهُكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۱۵].

۱۵) آن گاه که این بهتان را به یکدیگر روایت می کردید، و با وجود دروغ بودنش آن را دهان به دهان نقل می کردید؛ حال آن که هیچ دانشی به آن نداشتید، و گمان می کردید سهل و آسان است، درحالی که نزد الله [گناه بسیار] بزرگ است؛ چون دروغ و اتهام زدن به انسان پاک را دربردارد.

﴿وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۱۶].

۱۶) و چرا وقتی این بهتان بزرگ را شنیدید نگفتید: پروردگارا برای منزه دانستن تو، سزاوار ما نیست که در مورد این امر شنیع سخن بگوییم، این اتهام به مادر مؤمنان، دروغی بزرگ است.

﴿يَعْظُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۱۷].

۱۷) الله به شما اندرز می دهد و شما را نصیحت می کند که اگر به الله ایمان دارید به مانند این بهتان بزرگ بازنگردید که انسان پاکدامنی را به زنا متهم کنید.

﴿وَيَبِّئُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [النور: ۱۸].

۱۸) و الله آیاتی مشتمل بر احکام و اندرزهایش برای تان آشکار می گرداند، و او تعالی از اعمال تان آگاه است، و ذره ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد، و در تدبیر و شریعتش بسیار داناست.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [النور: ۱۹].

۱۹) همانا کسانی که دوست دارند منکرات - از جمله اتهام به زنا- در میان مؤمنان منتشر شود، عذابی رنج آور در دنیا با اقامه حد دارند، و در آخرت عذاب جهنم برای شان است، و الله دروغشان، و عاقبت کار بندگانش و مصالح آنها را می داند، حال آنکه شما این موارد را نمی دانید.

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَوْؤْفٌ رَحِيمٌ﴾ [النور: ۲۰].

۲۰) و - ای افتادگان در اِفک - اگر لطف و رحمت الله بر شما نبود، و اگر الله نسبت به شما مهربان و بخشنده نبود، به طور قطع در کیفر شما شتاب می کرد.

برخی فواید آیات:

- تمرکز منافقان بر تخریب مراکز مورد اعتماد در جامعه اسلامی با پراکندن اتهامات دروغین.
- منافقان گاهی برخی مؤمنان را به مشارکت در اعمال خویش نزدیک می‌سازند.
- گرامی داشتن مادر مؤمنان عایشه رضی الله عنها با تبرئه او از بالای هفت آسمان.
- ضرورت ایستادگی در برابر شایعه‌ها.

﴿* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۲۱].

۱۱) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به شریعت او تعالی عمل کرده‌اید، از راه های شیطان در آراستن باطل پیروی نکنید، و هرکس از راه‌های او پیروی کند [باید بداند که] همانا شیطان به کارها و سخنان زشت، و به آنچه که شریعت نمی پسندد امر می‌کند، و - ای مؤمنان - اگر بخشش الله بر شما نبود هیچ‌یک از شما هرگز با توبه پاک نمی‌شد. اما الله هرکس را بخواهد با پذیرش توبه‌اش پاک می‌گرداند، و الله سخنان شما را می‌شنود، و از اعمال‌تان آگاه است، چنان‌که ذره‌ای از سخنان و اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النور: ۲۲].

۱۲) و بزرگواران در دین و ثروتمندان نباید بر ترک بخشش به خویشاوندان نیازمندان - از مهاجران در راه الله که فقیر هستند - به‌سبب گناهی که مرتکب شده‌اند سوگند بخورند، و باید آنها را ببخشند، و از آنها درگذرند، آیا دوست ندارید که الله گناهان‌تان را بر شما بیامزد در صورتی که آنها را ببخشید و از آنها درگذرید؟! و نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است، پس بندگان‌ش باید از او تعالی تاسی بگیرند. این آیه در مورد ابوبکر صدیق رضی الله عنه نازل شد چون بر ترک انفاق بر مسطح به خاطر مشارکت او در قضیهٔ اِفک سوگند یاد کرد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْعَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ [النور: ۲۳].

۱۳) همانا کسانی که به زنان پاکدامن و بی‌خبر از زناپی که زنان مؤمن به آن پی نمی‌برند نسبت می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت الله رانده شده‌اند، و در آخرت عذابی بزرگ برای‌شان است.

﴿يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [النور: ۲۴].

این عذاب در روز قیامت به آنها می‌رسد همان روزی که زبان‌های‌شان به دروغی که گفتند علیه آنها گواهی می‌دهند، و دست‌ها و پا‌های‌شان به اعمالی که انجام می‌دادند علیه آنها گواهی می‌دهند.

﴿يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۲۵].

در آن روز، الله جزای‌شان را به عدالت می‌دهد، و می‌دانند که الله سبحانه همان حق است، پس هر خبر یا وعده یا وعیدی که از او صادر می‌شود حق آشکاری است که تردیدی در آن راه ندارد.

﴿الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [النور: ۲۶].

هر مرد و زن و سخن و عمل ناپاکی مناسب و سازگار با ناپاک همان مورد است، و هر پاکیزه‌ای از این موارد، مناسب و موافق پاکیزه آن است، این مردان و زنان پاک از سخنان ناروایی که مردان و زنان ناپاک در مورد آنها می‌گویند بری هستند، و آموزشی از جانب الله برای‌شان است که گناهان‌شان را می‌آمرزد، و روزی‌ای گرامی یعنی بهشت دارند.

چون کشف عورت سبب تحریک شهوت منجر به ارتکاب زنا می‌شود در آغاز سوره است، الله برای حفظ نگاه از کشف عورت، به کسب اجازه هنگام ورود به خانه‌ها فرمان داد؛ و فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [النور: ۲۷].

ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به شریعتش عمل کرده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های خودتان نیست وارد نشوید تا اینکه از ساکنان آن خانه‌ها در هنگام ورود بر آنها اجازه بگیرید، و بر آنها سلام کنید به این نحو که در سلام و کسب اجازه، بگویید: السلام علیکم آیا وارد شوم؟ این کسب اجازه که به آن امر شدید از ورود ناگهانی برای‌تان بهتر است، تا به آنچه که امر شدید متذکر شوید و آن را اجرا کنید.

برخی فواید آیات:

- اغواگری و وسوسه‌انگیزی شیطان موجب ارتکاب گناهان است، پس مؤمن باید از آن برحذر باشد.
- توفیق به توبه و عمل صالح از جانب الله است؛ نه از جانب بنده.
- عفو و گذشت از خطاکار یکی از اسباب بخشش گناهان است.
- قذف (تهمت) به افراد پاکدامن، از گناهان کبیره است.
- مشروعیت اجازه گرفتن برای حفظ نگاه، و محافظت از حریم خانه‌ها.

﴿فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۲۸].

﴿۲۸﴾ پس اگر کسی را در آن خانه‌ها نیافتید وارد نشوید تا از کسانی که صاحب اجازه هستند به شما اجازه ورود بدهند، و اگر صاحبان خانه به شما گفتند: (بازگردید) بازگردید و وارد نشوید، زیرا این کار نزد الله برای تان پاکیزه‌تر است، و الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است و ذره‌ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ [النور: ۲۹].

﴿۲۹﴾ بر شما گناهی نیست که به خانه‌های عمومی که به کسی اختصاص ندارد و برای استفاده عموم آماده شده مانند کتابخانه‌ها و مغازه‌های بازارها بدون کسب اجازه وارد شوید، و الله تمام اعمال و احوال تان را که آشکار و پنهان می‌دارید می‌داند، و ذره‌ای از اعمال و احوال تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی در قبال آن به شما جزا خواهد داد.

چون نگاه، مقدمه به سوی زنا است، الله به پوشیدن چشم برای پیشگیری از زنا فرمان داد و فرمود:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ [النور: ۳۰].

﴿۳۰﴾ - ای رسول - به مردان مؤمن بگو چشمان شان را از نگاه به زنان و عورت‌های حرام بازدارند، و عورت‌های شان را از وقوع در حرام، و کشف آن حفظ کنند، این خودداری از نگاه به آنچه الله حرام کرده، نزد او تعالی برای شان پاکیزه‌تر است، به راستی الله از آنچه انجام می‌دهند آگاه است، و ذره‌ای از کارهای شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ

بَنِي أَخْوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۱﴾ [النور: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و به زنان مؤمن بگو چشمانشان را از نگاه به عورت‌هایی که نگاه به آن برای شان حلال نیست بازدارند، و عورت‌هایشان را با دوری از زنا و با پوشش حفظ کنند، و زیورهایشان را به بیگانگان آشکار نکنند مگر آنچه که از آن آشکار است و مخفی کردن آن ممکن نیست مانند لباس‌ها، و باید رواندازهایشان را بر شکاف‌های بالای لباس‌هایشان بیندازند تا موها و صورت‌ها و گردن‌هایشان را بپوشانند، و زیورهای مخفی خود را آشکار نکنند جز به شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان امانتدارشان، چه مسلمان و چه کافر، یا بردگان مرد و زنی که مالک آن هستند، یا پیروانی که خواسته و نیازی به زنان ندارند، یا کودکانی که به سبب خردسالی بر عورت‌های زنان اطلاع نیافته‌اند، و - ای مؤمنان - همگی از نگاه حرام و سایر گناهانی که کسب می‌کنید به سوی الله توبه کنید؛ تا به مطلوب برسید، و از هلاکت و وحشت نجات یابید.

برخی فواید آیات:

- جواز ورود به اماکن عمومی بدون کسب اجازه.
- وجوب چشم‌پوشی مردان و زنان از حرام‌های الهی.
- وجوب حجاب برای زن.
- منع به کارگیری وسایل فتنه.

چون مجردماندن به مدت طولانی پس از بلوغ، یکی از اسباب انتشار زنا است، الله به یاری مردان و زنان مجرد بر نکاح فرمان داد و فرمود:

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و - ای مؤمنان - مردانی را که همسر ندارند، و زنان آزادی را که شوهر ندارند همسر دهید، و غلامان و کنیزان مؤمن خویش را همسر دهید، اگر فقیر باشند الله آنها را از فضل گسترده خویش بی‌نیاز می‌سازد، و الله گشاینده رزق و روزی است و بی‌نیاز ساختن کسی از رزقش نمی‌کاهد، و از احوال بندگانش آگاه است. چون الله مؤمنان را به تزویج بی‌همسران فرمان داد، به انسان بی‌همسر نیز فرمان داد که اگر وسایل مورد نیاز ازدواج را نیافت پاکدامنی پیشه کند و فرمود:

﴿وَلَيْسَتَعْفِيفَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتُغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَأَتَوْهُمْ مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِن بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ عُفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [النور: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و کسانی که به خاطر فقر توان ازدواج ندارند باید پاکدامنی بجویند تا الله آنها را از فضل گسترده خویش بی‌نیاز گرداند، و غلامانی که خواستار بازخرید از اربابان خویش در قبال پرداخت مال هستند تا آزاد شوند، اربابان‌شان اگر در آنها قدرت پرداخت و اصلاح در دین دانستند باید این پیشنهاد را از آنها بپذیرند، و باید از مال الله که به آنها عطا کرده است بدهند به این نحو که بخشی از آنچه را که برای پرداخت با آنها مکاتبه کرده‌اند برای‌شان در نظر بگیرند، و برای جستجوی مال، کنیزان‌تان را بر زنا مجبور نکنید - مانند کاری که عبدالله بن اُبی با دو کنیزش که خواستار پاکدامنی و دوری از زنا بودند مرتکب شد - تا آنچه را که از طریق عورت خویش کسب می‌کنند بطلبید، و هرکس از شما که آنها را بر این کار مجبور کند به راستی که الله پس از اجبار آنها نسبت به گناهان‌شان آمرزنده، و نسبت به آنها بسیار مهربان است؛ زیرا مجبور بوده‌اند، و گناه بر کسانی است که آنها را مجبور کرده‌اند.

﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [النور: ۳۴].

۳۲ و - ای مردم - به تحقیق آیات روشنی که هیچ ابهامی ندارد به‌سوی‌تان فرو فرستاده‌ایم، و مثالی از مؤمنان و کافرانی که پیش از شما گذشتند برای‌تان نازل کرده‌ایم، و اندرزی برای‌تان فرو فرستاده‌ایم که کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان از او تعالی می‌ترسند از آن پند می‌گیرند.

﴿* اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۳۵].

۳۳ الله نور آسمان‌ها و زمین، و هدایتگر کسانی که در این دو قرار دارند است، مثال نور او سبحانه در قلب مؤمن مانند منفذ و پنجره‌ای در دیواری نفوذناپذیر است که در آن چراغی است، و آن چراغ در شیشه‌ای درخشان قرار دارد که آن شیشه گویی ستاره‌ای روشن‌گر مانند دُرّ است. آن چراغ از روغن درختی مبارک، یعنی درخت زیتون افروخته می‌شود، درختی که نه صبحگاه و نه شامگاه هیچ چیز او را از خورشید نمی‌پوشاند، و نزدیک است روغن آن از پاکی زیاد روشنایی بخشد، هر چند آتشی به او نرسیده باشد، پس وقتی که آتشی به او رسد چگونه خواهد بود؟! نور چراغ بر فراز نور شیشه است، قلب مؤمن نیز چنین است آن‌گاه که نور هدایت در آن بتابد، و الله هر یک از بندگان را بخواهد بر پیروی از قرآن توفیق می‌دهد، و الله با بیان مثال‌ها، اشیا را با موارد مشابه توضیح می‌دهد، و الله بر هر چیزی داناست و هیچ چیز بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند.

﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ [النور: ۳۶].

۳۴ این چراغ در مساجدی برمی‌افروزد که الله فرمان داده منزلت و بنایش بالا رود، و اسم او تعالی با اذان و ذکر و نماز در آنها یاد شود، و در آغاز و پایان روز در جستجوی رضایت الله در آن نماز برپا می‌دارند.

برخی فواید آیات:

- الله اسباب برده‌گیری را (به جنگ) محدود کرده و اسباب آزادسازی برده را گسترش داده و بر آن تشویق کرده است.
- رهایی از بردگی به روش مکاتبه و کمک مالی به برده به این هدف که آزاد شود تا بردگان به عنوان طبقه‌ای فرومایه در زنا به کار گمارده نشوند.
- قلب مؤمن به نور فطرت و نور هدایت ربانی، منور است.
- مساجد خانه‌های الله در روی زمین هستند که آنها را برای عبادت پدید آورده است، پس واجب است که از نجاست‌های حسی و معنوی دور نگه داشته شوند.
- یکی از اسم‌های نیکوی الله (النور) است که دربردارنده صفت نور برای او سبحانه است.

﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ [النور: ۳۷].

﴿۳۷﴾ مردانی که هیچ خرید و هیچ فروشی آنها را از یاد الله سبحانه، و برپایی نماز به کامل ترین صورت، و پرداخت زکات برای مصارفش، به خود سرگرم نمی سازد، و از روز قیامت می ترسند، همان روزی که در آن دل ها میان امید در نجات از عذاب و ترس از عذاب زیر و رو می شود، و در آن چشم ها به هر سویی که برود منقلب می گردد.

﴿لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [النور: ۳۸].

﴿۳۸﴾ این کار را کردند تا الله در قبال اعمال شان، بر حسب بهترین اعمال شان به آنها پاداش دهد، و افزون بر آن، پاداشی از فضل خویش برای شان بیفزاید، و الله هرکس را بخواهد بدون شمارش بر اندازه اعمال شان روزی می دهد، بلکه چند برابر آنچه انجام داده اند به آنها می بخشد.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بَقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقَاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [النور: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و کسانی که به الله کفر ورزیدند اعمال شان هیچ پاداشی ندارد و مانند سراب در زمینی پست است که شخص تشنه آن را آب می پندارد، پس به سویی حرکت می کند تا اینکه به آن برسد و بر کنارش بایستد اما آبی نیابد، و همچنین کافر گمان می کند اعمالش به او نفع می رساند تا اینکه بمیرد و برانگیخته شود. آن گاه پاداش را اعمالش را نیابد، و پروردگارش را در برابر خویش بیابد و او تعالی حساب عملش را به صورت کامل به او بدهد، و الله زودشمار است.

﴿أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَجْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدُهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ﴾ [النور: ۴۰].

﴿۴۰﴾ یا اعمال شان مانند تاریکی هایی در دریایی عمیق است، که موجی آنها را می پوشاند، و از بالای این موج موجی دیگر است، و از بالای آن ابری است که آنچه را

ستارگان به آن هدایت می‌کنند می‌پوشاند، تاریکی‌های متراکم که بر روی یکدیگر قرار دارند، کسی که در این تاریکی‌ها افتاده است هرگاه دستش را درآورد بر اثر تاریکی زیاد به سختی دستش را ببیند، و کافر اینچنین است، که تاریکی‌های جهل و شک و حیرت و مَهر روی قلبش، بر او متراکم شده است، و هرکس که الله هدایت از گمراهی، و علم به کتابش را به او روزی نداده باشد، هیچ هدایتی نخواهد داشت که با آن راه یابد، و هیچ کتابی نخواهد داشت که از آن روشنایی بگیرد.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ [النور: ۴۱].

① - ای رسول - آیا ندانسته‌ای که تمام مخلوقات الله که در آسمان‌ها و زمین هستند تسبیح او تعالی را می‌گویند، و پرندگان که بال‌های‌شان را در هوا گشوده‌اند تسبیح او را می‌گویند، الله نماز هر یک از این مخلوقات را که نماز می‌گزارند مانند انسان، و تسبیح هر یک از آنها را که تسبیح می‌گویند مانند پرندگان می‌داند، و الله از آنچه که انجام می‌دهند آگاه است، و ذره‌ای از کارهای‌شان بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾ [النور: ۴۲].

② و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین تنها از آن الله است، و در روز قیامت بازگشت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی اوست.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُرْسِلُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ﴾ [النور: ۴۳].

③ - ای رسول - آیا ندانسته‌ای که الله ابر را می‌راند، سپس اجزای آن را به یکدیگر پیوند می‌زند، سپس آن را متراکم و بر روی هم قرار می‌دهد، آن‌گاه باران را می‌بینی که از درون ابر درمی‌آید، و از سوی آسمان از ابری متراکم که از نظر بزرگی به کوه‌ها می‌ماند تکه‌های منجمد آب مانند سنگریزه فرو می‌فرستد، آن‌گاه آن تگرگ را به هر یک از بندگانش که بخواهد می‌رساند، و آن را از هر یک از بندگانش که بخواهد بازمی‌دارد، نزدیک است که روشنایی برق ابر بر اثر شدت درخشندگی، چشم‌ها را ببرد.

برخی فواید آیات:

- سنجش میان سرگرمی‌های دنیوی و اعمال اخروی توسط مؤمن، لازم و ضروری است.
- بطلان عمل کافر به سبب نبود شرط ایمان.
- کافر از مخلوقات تسبیح‌گو و فرمان‌بردار الله خارج است.
- تمام مراحل باران، بخشی از آفرینش و تقدیر الله است.

﴿يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ [النور: ۴۴].

۴۴) الله میان شب و روز را از نظر بلندی و کوتاهی، و آمدن و رفتن به نوبت می آورد، به راستی که در این نشانه از دلایل ربوبیت، اندرزی است برای کسانی که بر قدرت و وحدانیت الله می نگرند.

﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [النور: ۴۵].

۴۵) و الله تمام حیواناتی را که روی زمین می جنبند از نطفه‌ای آفرید، که برخی از آنها مانند مارها بر روی شمکشان راه می روند، و برخی از آنها مانند انسان و پرندگان بر روی دو پا راه می روند، و برخی از آنها مانند چارپایان بر روی چهار پا راه می روند، الله آنچه از موارد مذکور و غیرمذکور را که بخواهد می آفریند، زیرا الله تعالی بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز او را ناتوان نمی سازد.

﴿لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [النور: ۴۶].

۴۶) به تحقیق که بر محمد ﷺ آیاتی روشن که هیچ ابهامی در آنها نیست نازل کرده ایم، و الله هرکس را بخواهد به راه راستی که هیچ کجی و انحرافی ندارد توفیق می دهد، و این راه او را به بهشت می رساند.

﴿وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾ [النور: ۴۷].

۴۷) و منافقان می گویند: به الله ایمان آوردیم، و به رسول ﷺ ایمان آوردیم، و از الله اطاعت کردیم، و از رسولش اطاعت کردیم، سپس گروهی از آنها روی می گردانند، و پس از ادعای ایمان به الله و رسولش و اطاعت از آن دو، از الله و رسولش در امر به جهاد در راه الله و سایر فرامین اطاعت نمی کنند، و این رویگردانان از طاعت الله و رسولش مؤمن نیستند هر چند چنین ادعای ایمان داشته باشند.

﴿وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾ [النور: ۴۸].

۴۸) و چون این منافقان به سوی الله و به سوی رسولش فراخوانده شوند تا در اموری که با هم اختلاف دارند رسول ﷺ میان شان داوری کند، به سبب نفاق که دارند به ناگاه از حکم رسول ﷺ روی می گردانند.

﴿وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ﴾ [النور: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و اگر بدانند که حق با آنها است، و رسول به مصلحت آنها حکم خواهد کرد تسلیم شده و فروتن نزدش می آیند.

﴿أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحْيِفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [النور: ۵۰].

﴿۵۰﴾ آیا در دل های اینها بیماری ای همیشگی است، یا در اینکه او رسول الله است تردید دارند، یا می ترسند الله و رسولش در داوری بر آنها ستم کنند؟ دلیل این امر موارد مذکور نیست، بلکه به سبب رویگردانی از داوری رسول ﷺ و دشمنی شان با اوست. الله پس از بیان موضع منافقانِ نافرمان از حکم الله و رسولش، موضع مؤمنان راضی به حکم الله و رسولش را بیان کرد و فرمود:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [النور: ۵۱].

﴿۵۱﴾ سخن مؤمنان جز این نیست که وقتی به سوی الله، و به سوی رسولش فراخوانده شوند تا میان آنها داوری کند می گویند: سخنش را شنیدیم، و از امرش اطاعت کردیم، و همان کسانی که این صفات را دارند در دنیا و آخرت رستگارانند.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [النور: ۵۲].

﴿۵۲﴾ و هرکس از الله و رسولش فرمان برداری کند، و تسلیم حکم شان شود، و از آنچه که او را به گناهان می کشاند بترسد، و از عذاب الله با اجرای اوامر، و ترک نواهی او تعالی بترسد، فقط اینها همان دست یافتگان به خیر دنیا و آخرت هستند.

﴿* وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجْنَ قُلْ لَأَتُقَسِّمُوا طَاعَةً مَعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [النور: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و با استوارترین سوگندهایی که می توانستند با آن سوگند یاد کنند به الله سوگند یاد کردند که: اگر آنها را به خروج به جهاد فرمان دهی به طور قطع خارج خواهند شد. - ای رسول - به آنها بگو: سوگند یاد نکنید، زیرا دروغ شما شناخته شده است، و اطاعت ادعایی تان نیز شناخته شده است، و الله به آنچه انجام می دهید آگاه است، و ذره ای از اعمال تان هر چند آنها را نپوشیده نمی ماند.

برخی فواید آیات:

- تنوع مخلوقات بر قدرت الله دلالت دارد.
- یکی از صفات منافقان رویگردانی از حکم الله است مگر اینکه حکم به نفع آنها باشد، و یکی از صفات آنها بیماری قلبی و شک، و بدگمانی به الله است.
- طاعت الله و رسولش و ترس از الله از اسباب رستگاری در هر دو سَرا است.
- سوگند دروغین یکی از صفات و روش‌های همیشگی و شناخته‌شده منافقان است.

﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [النور: ۵۴].

⑤۴ - ای رسول - به این منافقان بگو: در آشکار و نهان از الله و رسول اطاعت کنید، پس اگر از اطاعت آن دو روی بگردانید فقط تبلیغی که رسول به آن مکلف شده است برعهده اوست، و طاعتی که به آن مکلف شده‌اید و عمل به آنچه که آورده است برعهده خودتان است، و اگر از اوامر و نواهی الهی اطاعت کنید به‌سوی حق راه می‌یابید. جز ابلاغ آشکار، چیزی برعهده رسول ﷺ نیست، و واداشتن و اجبار شما بر هدایت، برعهده او نیست.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [النور: ۵۵].

⑤۵ الله به کسانی از شما که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده داده که آنها را در برابر دشمنان‌شان یاری رساند، و آنها را جانشینانی در روی زمین قرار خواهد داد همان‌گونه که مؤمنان پیش از آنها را جانشینانی بر روی زمین قرار داد، و به آنها وعده داده که آن دین‌شان که برای‌شان پسندیده است - یعنی همان دین اسلام - را بزرگ و نیرومند قرار خواهد داد، و به آنها وعده داده که ترس آنها را به آرامش تبدیل خواهد کرد، تنها مرا عبادت کنید، و هیچ چیز را با من شریک قرار ندهید، و هرکس بعد از این نعمت‌ها کفر ورزد، همان‌ها خارج‌شدگان از طاعت الله هستند.

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النور: ۵۶].

⑤۶ و نماز را به کامل‌ترین وجه برپا دارید، و زکات اموال‌تان را بدهید، و رسول را با انجام آنچه به شما فرمان داده، و ترک آنچه شما را از آن نهی کرده است اطاعت کنید؛ امید است که به رحمت الله دست یابید.

﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [النور: ۵۷].

⑤۷ - ای رسول - میندار کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند آن‌گاه که بخواهم عذاب را بر آنها فرو فرستم از چنگ من فرار می‌کنند، پناهگاه آنها در روز قیامت جهنم

است، و چه بد است مقصد کسانی که به جهنم می‌روند. الله پیش از این احکام کسب اجازه افراد آزاد بالغ را بیان کرد، در ادامه، احکام کسب اجازه غلامان و اشخاص آزاد غیر بالغ و کودکانی که بالغ نشده اند را بیان می‌کند و می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثَ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [النور: ۵۸].

ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به آنچه برای‌تان تشریح کرده است عمل کرده‌اید، غلامان و کنیزکان شما و کودکان آزادی که به سن احتلام نرسیده‌اند باید در سه وقت از شما کسب اجازه کنند: قبل از نماز صبح هنگام تعویض لباس خواب با لباس بیداری، در نیمروز آن‌گاه که لباس‌های‌تان را برای قیلوله درمی‌آورید، و پس از نماز عشا؛ زیرا وقت خواب شما و درآوردن لباس‌های بیداری و پوشیدن لباس خواب است، این سه وقت اوقات برهنگی شما هستند، که نباید در این وقت‌ها جز پس از کسب اجازه‌تان بر شما وارد شوند، و غیر از این اوقات گناهی نه بر شماست و نه بر آنها که بدون کسب اجازه وارد شوند. آنها زیاد رفت و آمد می‌کنند، و بر گرد یکدیگر می‌چرخید، پس کسب اجازه برای ورود آنان در تمام اوقات، دشوار است. الله همان‌گونه که حکم کسب اجازه را برای‌تان بیان کرد آیات دلالت‌کننده بر احکامی را که برای شما تشریح و بیان می‌کند، و الله به مصالح بندگانش آگاه است، و در احکامی که برای‌شان تشریح می‌کند بسیار داناست.

برخی فواید آیات:

- پیروی از رسول ﷺ یکی از نشانه‌های هدایت یافتن است.
- دعوتگر باید تمام تلاش خویش را در دعوت به کار گیرد، و [بداند که] نتایج به دست الله است.
- ایمان و عمل صالح سبب کسب قدرت و امنیت در زمین است.
- تأدیب بردگان و کودکان بر کسب اجازه در اوقاتی که عورت‌ها آشکار است.

﴿وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [النور: ۵۹].

﴿۵۹﴾ و کودکان شما هرگاه به سن احتلام رسیدند باید هنگام ورود به خانه‌ها در تمام اوقات اجازه بگیرند همان‌گونه که قبلاً در مورد بزرگان گفته شد، همان‌گونه که الله احکام کسب اجازه را برای‌تان بیان کرد آیتش را برای شما بیان می‌کند، و الله از مصالح بندگانش آگاه است و در آنچه برای‌شان تشریح می‌کند بسیار داناست.

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۰].

﴿۶۰﴾ و زنان سالخورده‌ای که به دلیل سن زیاد حیض نمی‌بینند و باردار نمی‌شوند، کسانی که امیدی به نکاح ندارند گناهی بر آنها نیست که بعضی پوشش‌های خویش مانند روسری را کنار گذارند، بدون اینکه زیور پنهانی را که به پوشاندن آن فرمان یافته‌اند آشکار کنند، و برای پوشش و عفت بیشتر اگر این لباس را کنار نگذارند برای‌شان بهتر است از اینکه آن را کنار بگذارند، و الله سخنان‌تان را می‌شنود، و از کارهای‌تان آگاه است، و ذره‌ای از سخنان و کارهای‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [النور: ۶۱].

﴿۶۱﴾ بر شخص نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست، اگر تکالیفی مانند جهاد در راه الله را که قادر بر انجام آن نیستند ترک کنند، و - ای مؤمنان - نه در خوردن از خانه‌های خودتان که خانه‌های پسران‌تان نیز از جمله آن است بر شما گناهی است، و نه در خوردن از خانه‌های پدران‌تان یا مادران‌تان یا برادران‌تان یا خواهران‌تان یا عموهای‌تان یا عمه‌هایتان، یا دایی‌های‌تان یا خاله‌هایتان، یا خانه‌هایی که محافظت

از آنها به شما سپرده شده است مانند نگهبان باغ، و در خوردن از خانه‌های دوستان‌تان نیز به خاطر رضایت او از این امر طبق عادت گناهی بر شما نیست. گناهی بر شما نیست که با هم یا به تنهایی بخورید، پس چون به خانه‌هایی مثل خانه‌های مذکور و سایر خانه‌ها وارد شدید به افراد حاضر در آن این‌گونه سلام کنید: السلام علیکم، اما اگر کسی در آن نبود بر خودتان این‌گونه سلام کنید: السلام علینا و علی عباد الله الصالحین، این درودی مبارک از جانب الله است که برای‌تان تشریح شده است؛ چون مودت و الفت میان شما را گسترش می‌دهد، و سخن پاکی است که شنونده را خوشحال می‌کند، مانند موضوع بحث این سوره، الله آیات را برای‌تان بیان می‌کند تا در آنها بیندیشید، و به مقتضای آنها عمل کنید.

برخی فواید آیات:

- جواز برداشتن برخی لباسها برای پیرزنان، زیرا شک و تهمتی در این کار وجود ندارد.
- احتیاط در دین شأن پرهیزکاران است.
- عذرهای یکی از اسباب تخفیف تکلیف هستند.
- جامعه اسلامی جامعه تعاون و همکاری و دوستی با یکدیگر است.

الله پس از بیان کسب اجازه هنگام ورود، کسب اجازه هنگام رفتن را نیز بیان کرد و فرمود:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [النور: ۶۲].

۳۲ در حقیقت مؤمنان راستین همان کسانی هستند که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند، و هنگامی که همراه پیامبر ﷺ در کاری که آنها را برای مصلحت مسلمانان گرد می‌آورد باشند، تا برای رفتن از او کسب اجازه نکنند نمی‌روند، - ای رسول - کسانی که هنگام رفتن از تو کسب اجازه می‌کنند همان‌ها هستند که واقعاً به الله و رسولش ایمان دارند، پس چون برای برخی امور مهم از تو اجازه خواستند به هر یک از آنها که خواستی اجازه دهی اجازه بده، و برای آنها آمرزش گناهان‌شان را طلب کن، زیرا الله نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده، و نسبت به آنها بسیار مهربان است.

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

۳۳ - ای مؤمنان - به رسول الله ﷺ احترام بگذارید، و هرگاه او را صدا زدید با اسمش مانند: ای محمد، یا با اسم پدرش مثل: ای پسر عبدالله او را صدا نزنید، آن‌گونه که یکدیگر را صدا می‌زنید، بلکه بگویید: ای رسول الله، ای نبی الله، و هرگاه شما را برای کاری عمومی فراخواند دعوتش را مانند دعوت میان یکدیگر در امور بی‌اهمیت عادی مپندازید، بلکه برای اجابت دعوتش بشتابید، به تحقیق الله از کسانی از شما که پنهانی و بدون اجازه می‌روند آگاه است، پس کسانی که با امر رسول الله ﷺ مخالفت می‌کنند باید بترسند از اینکه الله مصیبت و بلائی بر آنها فرو فرستد، یا عذابی رنج‌آور که بر آن صبر ندارند را به آنها برساند.

﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۴].

۶۴ بدانید که آفرینش و فرمانروایی و تدبیر آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است فقط از آن الله است، - ای مردم - او تعالی از احوال شما آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، و روز قیامت - آن‌گاه که با رستاخیز پس از مرگ به سوی او بازگردانیده می‌شوید - شما را از اعمالی که در دنیا انجام داده‌اید باخبر می‌سازد، و الله از همه چیز آگاه است، و ذره‌ای نه در آسمان‌ها و نه در زمین بر او پوشیده نمی‌ماند.

سوره الفرقان

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

پیروزی درخشان پیامبر ﷺ پس از تعرض مشرکان به ایشان.

تفسیر:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ [الفرقان: ۱].

۱ بزرگ و زیاد است خیر ذاتی که قرآن را جداسازنده‌ای میان حق و باطل برای بنده و رسولش محمد ﷺ نازل کرد؛ تا رسولی به سوی دو گروه انس و جن، و ترساننده‌ای برای آنها از عذاب الله باشد.

﴿الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا﴾ [الفرقان: ۲].

۲ همان ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، تنها از آن او است، و هرگز فرزندی نگرفته است، و هیچ شریکی در فرمانروایی خویش ندارد، و تمام چیزها را آفریده، و هر یک از آنها را بر اساس اندازه‌ای که علم و حکمتش ایجاب می‌کند و مناسب آن چیز، آفریده است.

برخی فواید آیات:

- دین اسلام دین نظام و آداب است، و پایبندی به آداب، مایهٔ خیر و برکت است.
- جایگاه رسول الله ﷺ، بزرگداشت و احترام ایشان را بیش از دیگران ایجاب می‌کند.
- بدفالی و شومی مخالفت با سنت پیامبر ﷺ .
- احاطهٔ فرمانروایی و علم الله به همه چیز.

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا﴾ [الفرقان: ۳].

۳ و مشرکان به جای الله معبودهایی گرفتند که هیچ مخلوق کوچک یا بزرگی را نمی‌آفرینند و خود آفریده شده‌اند، و الله آنها را از نیستی آفریده است، و نه بر دفع زیان از خودشان توانا هستند و نه بر جلب منفعت برای خودشان، و نه بر میراندن زنده، و نه بر زنده کردن مرده، و نه بر برانگیختن مردگان از قبرهای‌شان توانا هستند.

الله پس از بیان شرک مشرکان موضع آنها در برابر کتاب و رسولش را نیز بیان کرد و فرمود:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا﴾ [الفرقان: ۴].

۴ و کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیدند گفتند: این قرآن چیزی نیست جز دروغی که محمد ﷺ آن را ساخته و از روی بهتان به الله نسبت داده است، و مردمانی دیگر او را بر ساختن آن کمک کرده‌اند، به تحقیق که این کافران سخن دروغی را افترا بستند، زیرا قرآن کلام الله است، و امکان ندارد که نه انسان و نه جن مانند آن بیاورد.

﴿وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اٰكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الفرقان: ۵].

۵ و این تکذیب‌کنندگان قرآن گفتند: قرآن سخنان نخستینیان و دروغ‌هایی است که آنها می‌نوشتند، و محمد ﷺ از روی آن نسخه برداشته است، و در آغاز و پایان روز بر او خوانده می‌شود.

﴿قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الفرقان: ۶].

۶ - ای رسول - به این تکذیب‌کنندگان بگو: قرآن را الله فرستاده است همان ذاتی که از هر چیزی در آسمان‌ها و زمین آگاه است، و چنان‌که ادعا می‌کنید ساختگی نیست، سپس برای ترغیب آنها به توبه فرمود: همانا الله نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا﴾ [الفرقان: ۷].

۷ و مشرکان تکذیب کننده پیامبر ﷺ گفتند: چرا این کسی که ادعا می کند رسولی از جانب الله است همانند سایر مردم غذا می خورد، و برای جستجوی معاش در بازارها راه می رود، چرا الله فرشته ای با او نفرستاده تا همراهش باشد و او را تصدیق و یاری کند.

﴿أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكْوَنُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا﴾ [الفرقان: ۸].

۸ یا گنجی از آسمان به سوی او نازل نشده، یا باغی ندارد که از میوه آن بخورد، تا از رفتن در بازارها و جستجوی روزی بی نیاز گردد، و ستمکاران گفتند: - ای مؤمنان - شما از رسولی پیروی نمی کنید، جز این نیست که مردی را پیروی می کنید که به سبب سحر عقلش را از دست داده است.

﴿انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا﴾ [الفرقان: ۹].

۹ - ای رسول - بنگر تا از آنها تعجب کنی که چگونه تو را با اوصاف دروغین توصیف می کنند، زیرا گفتند: ساحر، و گفتند: سحر شده، و گفتند: مجنون، پس به سبب این کار از حق گمراه شدند، و نه می توانند راهی برای هدایت ببینند، و نه می توانند راهی را به عیبجویی در راستی و امانتداری تو بیابند.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلْ لَكَ فُصُورًا﴾ [الفرقان: ۱۰].

۱۰ برتر و مقدس است الله همان ذاتی که اگر بخواهد بهتر از آنچه که به تو پیشنهاد داده اند برایت قرار می دهد، چنان که در دنیا باغ هایی برایت قرار دهد که از زیر کاخ ها و درختانش نهرها جاری است و از میوه هایش می خوری، و کاخ هایی برایت قرار دهد که با روزی و نعمت فراوان در آنها سکونت کنی.

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا﴾ [الفرقان: ۱۱].

۱۱ و سخنانی که از آنها صادر شد به هدف طلب حق و جستجوی دلیل نبود، بلکه برای این بود که روز قیامت را تکذیب کردند، و برای کسی که روز قیامت را تکذیب کند آتشی بزرگ و بسیار شعله ور آماده کرده ایم.

برخی فواید آیات:

- توصیف معبود حقیقی به آفرینش و سود رسانی و میراندن و زنده کردن، و ناتوانی معبودهای باطل از تمام این موارد.
- اثبات دو صفت مغفرت و رحمت برای الله.
- رسالت، مسلتزم انسان نبودنِ رسول نیست و رسل از بین انسان‌ها انتخاب شده اند.
- تواضع پیامبر ﷺ که همانند مردم زندگی می‌کند.

﴿إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا﴾ [الفرقان: ۱۲].

﴿۱۲﴾ آن گاه که جهنم کافران را درحالی که به سوی آن رانده می شوند از مکانی دور ببیند التهای شدید، و صدایی رنج آور به سبب خشم زیاد جهنم از آنها، از آن می شنوند.

﴿وَإِذَا أَلْقَا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرِنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا﴾ [الفرقان: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و چون این کافران در مکانی تنگ از جهنم افکنده شوند درحالی که دستهای آنها با زنجیر به گردنهایشان بسته شده است نابودی برای خودشان بخواهند؛ تا از آن رهایی یابند.

﴿لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا﴾ [الفرقان: ۱۴].

﴿۱۴﴾ - ای کافران - امروز یک نابودی را نخواهید و بسیار نابودی بخواهید، اما هرگز خواسته تان اجابت نخواهد گشت، بلکه در عذاب دردآور برای همیشه می مانید.

﴿قُلْ أَدْلِكُمْ خَيْرٌ أَم جَنَّةِ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَأَنَّ لَهُمْ جَزَاءً وَاصِرًا﴾ [الفرقان: ۱۵].

﴿۱۵﴾ - ای رسول - به آنها بگو: آیا این عذابی که برای تان توصیف شد بهتر است یا بهشت جاویدانی که نعمت هایش ماندگار است و هرگز قطع نمی شود؟ و همان است که الله برای بندگان مؤمن پرهیزگار خویش وعده داده است که برای شان پاداش، و بازگشتگاهی باشد که در روز قیامت به سوی آن بازگردانیده می شوند.

﴿لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا﴾ [الفرقان: ۱۶].

﴿۱۶﴾ در بهشت برای آنها هر نعمتی را که بخواهند موجود است، این امر وعده ای برعهده الله است، که بندگان پرهیزکارش آن را از او می خواهند، و وعده الله تحقق یافتنی است؛ زیرا او در وعده خلاف نمی کند.

﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ

هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ﴾ [الفرقان: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و روزی که الله مشرکان تکذیب کننده، و آنچه را که به جای الله عبادت می کردند گرد می آورد، آن گاه به معبودها برای توبیخ عبادتگزاران شان می فرماید: آیا شما بندگانم را با این فرمان که شما را عبادت کنند گمراه ساختید، یا آنها از جانب خودشان گمراه شدند؟!

﴿قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتَهُمْ
وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا﴾ [الفرقان: ۱۸].

﴿۱۸﴾ معبودها می‌گویند: پروردگارا تو منزهی از اینکه شریکی داشته باشی، سزاوار ما نیست به جای تو دوستانی بگیریم که با آنها دوستی کنیم، پس چگونه از بندگانت می‌خواهیم که ما را به جای تو عبادت کنند؟! اما برای نزدیک ساختن تدریجی به عذاب، این مشرکان، و پیش از آنها پدران شان را از خوشی‌های دنیا بهره‌مند ساختی تا اینکه یاد تو را فراموش کردند، پس دیگران را همراه تو عبادت کردند، و به سبب دل‌سختی شان مردمی نابود شده بودند.

﴿فَقَدْ كَذَّبَكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنْكُمْ نُدِقْهُ
عَذَابًا كَبِيرًا﴾ [الفرقان: ۱۹].

﴿۱۹﴾ - ای مشرکان - به‌طور قطع کسانی که شما آنها را به جای الله عبادت می‌کردید در آنچه که در مورد آنها ادعا می‌کنید شما را تکذیب کرده‌اند، پس به سبب ناتوانی تان نه می‌توانید عذاب را از خودتان دفع کنید و نه می‌توانید به خودتان یاری رسانید، و - ای مؤمنان - هر یک از شما که با شرک به الله ستم کند عذابی بزرگ به او می‌چشانیم همانند عذابی که به افراد مذکور چشانندیم.

چون مشرکان اعتراض کردند که رسول ﷺ غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود، الله این‌گونه به آنها پاسخ داد:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ
وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾ [الفرقان: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و - ای رسول - ما پیش از تو پیامبران ﷺ را نفرستادیم جز انسان‌هایی که غذا می‌خوردند، و در بازارها راه می‌رفتند، پس تو نخستین فرد از رسولان در این مورد نیستی، و - ای مردم - بعضی از شما را برای بعضی دیگر به سبب اختلاف در ثروت و فقر و سلامتی و بیماری وسیلهٔ آزمایش قرار دادیم، آیا بر آنچه با آن آزمایش شده اید شکیبایی می‌کنید تا الله در قبال صبرتان به شما پاداش دهد؟ و پروردگارت نسبت به هرکسی که صبر می‌کند و هرکسی که صبر نمی‌کند، و به هرکس که از او اطاعت می‌کند، و هرکس از او نافرمانی می‌کند بیناست.

برخی فواید آیات:

- جمع بین تهدید از عذاب الله و تشویق به ثواب او تعالی.
- کالاهای دنیایی باعث فراموشی از یاد الله می‌شوند.
- انسان بودن رسولان به دلیل تعامل آسان با آنها نعمتی از جانب الله برای مردم است.
- تفاوت مردم در نعمت‌ها و مصیبت‌ها آزمایشی الهی برای بندگانش است.

﴿ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴾ [الفرقان: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و کافران که به دیدار ما امید ندارند، و از عذاب ما نمی ترسند گفتند: چرا الله فرشتگانی بر ما فرو نفرستاد، تا از راستگویی محمد به ما خبر دهند، یا پروردگاران را آشکارا نمی بینیم، تا از این امر به ما خبر دهد؟ به تحقیق که غرور در جان اینها بزرگ شد تا جایی که آنها را از ایمان محروم کرد، و با این سخن خویش در کفر و طغیان از حد گذشتند.

﴿ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَّحْجُورًا ﴾ [الفرقان: ۲۲].

﴿۲۲﴾ روزی که کافران فرشتگان را هنگام مرگ آنها، و در برزخ، و هنگام برانگیختنشان، و هنگامی که برای حسابرسی رانده می شوند، و آن گاه که در جهنم درآورده می شوند ببینند، در این مواضع برخلاف مؤمنان بشارتی برای شان نیست، و فرشتگان به آنها می گویند: بشارت از جانب الله بر شما حرام و مُحَرَّم است.

﴿ وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا ﴾ [الفرقان: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و به تمام کارهای نیک و خیری که کافران در دنیا انجام داده اند می پردازیم آن گاه کارهای آنها را از نظر بطلان و سودنرساندن به سبب کفرشان مانند غباری پراکنده که بیننده در شعاع وارد شده خورشید از پنجره آن را می بیند قرار می دهیم.

﴿ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴾ [الفرقان: ۲۴].

﴿۲۴﴾ در آن روز مؤمنان ساکنان بهشت جایگاهی بهتر، و استراحت گاهی خوش تر از استراحت گاه دنیا از این کافران دارند؛ این امر به سبب ایمان به الله و عمل صالح آنها است.

﴿ وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ﴾ [الفرقان: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و - ای رسول - روزی را به یاد آور که آسمان از ابری سفید و نازک می شکافت، و فرشتگان به سبب کثرت شان بسیار به سرزمین محشر فرود می آیند.

﴿ الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴾ [الفرقان: ۲۶].

﴿۲۶﴾ روز قیامت فرمانروایی حق و ثابت از آن رحمان سبحانه است، و آن روز برای کافران بسیار سخت و دشوار است برخلاف مؤمنان که بر آنها آسان است.

﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾ [الفرقان: ۲۷].

۲۷ و - ای رسول - به یاد آور روزی را که ستمگر به سبب پیروی نکردن از رسول ﷺ دستش را از پشیمانی زیاد می‌گزد و می‌گوید: کاش رسول را در آنچه از جانب پروردگارش آورد پیروی می‌کردم، و همراه او راهی به سوی نجات برمی‌گزیدم.

﴿يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا﴾ [الفرقان: ۲۸].

۲۸ و از شدت افسوس درحالی که نابودی را برای خودش می‌خواهد می‌گوید: وای بر من کاش فلان کافر را دوست نگرفته بودم.

﴿لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ [الفرقان: ۲۹].

۲۹ به تحقیق که این دوست کافر مرا از قرآن پس از اینکه از طریق رسول به من رسید گمراه کرد، و شیطان بسیار از یاری انسان دست می‌کشد، و آن‌گاه که اندوهی بر او نازل شود از او بی‌زاری می‌جوید.

﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾ [الفرقان: ۳۰].

۳۰ و رسول ﷺ در آن روز برای شکایت از حال قومش می‌گوید: پروردگارا، همانا قوم من که مرا به سوی آنها فرستادی این قرآن را رها کردند و از آن روی گردانند.

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا﴾ [الفرقان: ۳۱].

۳۱ و - ای رسول - همان‌گونه که تو با آزار و بازداشته شدن از راه خویش توسط قوم خود روبرو شدی پیش از تو نیز برای هر یک از پیامبران، دشمنی از مجرمان قومش قرار دادیم، و همین کافی است که پروردگارت به سوی حق هدایت می‌کند، و همین کافی است که او یابوری است که تو را در برابر دشمنانت یاری می‌رساند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِيُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ

﴿وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا﴾ [الفرقان: ۳۲].

۳۲ و کسانی که به الله کفر ورزیدند گفتند: چرا این قرآن یکباره بر او نازل نشده، و به تدریج بر او نازل شده است، - ای رسول - این قرآن را با نزول تدریجی به صورت بخش‌بخش برای استوارسازی قلبت بر تو نازل کردیم، و آن را قسمت‌قسمت برای آسان‌سازی فهم و حفظ آن فرو فرستادیم.

برخی فواید آیات:

- کفر مانع پذیرش اعمال صالح است.
- خطر همنشین بد.
- ضرر دوری از قرآن.
- از جمله حکمت‌های نزول قرآن به صورت تدریجی، آرامش پیامبر ﷺ و آسان سازی فهم و حفظ قرآن و عمل به آن است.

﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾ [الفرقان: ۳۳].

۳۳ - و ای رسول - مشرکان هیچ مثالی را [به عنوان اعتراض بر رسالت تو] پیشنهاد نمی دهند مگر اینکه ما پاسخ راست و درست آن را با بهترین وجه و زیباترین بیان و تفسیر برایت می آوریم.

﴿الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ سُورًا مَّكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا﴾ [الفرقان: ۳۴].

۳۴ کسانی که در روز قیامت درحالی که بر روی چهره های شان کشیده می شوند به سوی جهنم کشانده می شوند آنها بدترین مکان را دارند؛ که جهنم است، و دورترین راه از حق را دارند؛ زیرا راهشان راه کفر و گمراهی است.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا﴾ [الفرقان: ۳۵].

۳۵ و به تحقیق که تورات را به موسی علیه السلام دادیم، و همراه او برادرش هارون علیه السلام را رسولی قرار دادیم تا یآوری برایش باشد.

﴿فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاَهُمْ تَدْمِيرًا﴾ [الفرقان: ۳۶].

۳۶ پس به آن دو گفتیم: به سوی فرعون و قومش که آیات ما را تکذیب کرده اند بروید. آن گاه از فرمان ما اطاعت کردند، و به سوی آنها رفتند و آنها را به توحید الله فراخواندند، اما آن دو را تکذیب کردند و آنها را به شدت نابود کردیم.

﴿وَقَوْمٌ نُوْحٌ لَّمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَعْرَفْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الفرقان: ۳۷].

۳۷ و قوم نوح را آن گاه که رسولان را با تکذیب نوح علیه السلام تکذیب کردند در دریا غرق و نابود کردیم، و نابودی شان را راهنمایی بر قدرت خویش بر ریشه کن کردن ستمکاران قرار دادیم، و عذابی رنج آور در روز قیامت برای ستمکاران آماده ساختیم.

﴿وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّيْسِ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا﴾ [الفرقان: ۳۸].

۳۸ و عاد قوم هود علیه السلام، و ثمود قوم صالح علیه السلام، و اصحاب رَس (چاه) را نابود کردیم، و امت های زیادی را میان این سه امت نابود کردیم.

﴿وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا﴾ [الفرقان: ۳۹].

۳۹ و برای هر یک از این نابودشدگان، نابودی امت های پیشین و اسباب آن را توصیف کردیم تا پند بگیرند، هر یک از آنها را به سبب کفر و ستیزه جویی شان از بین بردیم.

﴿وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا أَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا﴾ [الفرقان: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و به تحقیق که این تکذیب کنندگان از میان قومت - در مسیر رفتن به شام - به شهر قوم لوط عليه السلام که به کیفر فاحشه‌ای که انجام می‌دادند سنگ‌ها بر آن باریده شد گذشته‌اند تا از آن پند بگیرند؛ آیا از دیدن این شهر کور گشته‌اند و آن را ندیده‌اند؟ نه، بلکه در انتظار رستاخیز نیستند تا بعدش را محاسبه کنند.

﴿وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا﴾ [الفرقان: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و - ای رسول - هرگاه این تکذیب‌کنندگان با تو روبرو شوند تو را به ریشخند می‌گیرند و از روی تسمخر و اعتراض می‌گویند: آیا این همان کسی است که الله او را به عنوان رسول به سوی ما فرستاده است؟!

﴿إِن كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ [الفرقان: ۴۲].

﴿۴۲﴾ نزدیک بود ما را از عبادت معبودهایمان بازگرداند، اگر بر عبادت آنها شکیبایی نکرده بودیم به‌طور قطع ما را با دلایل و براهینش بازمی‌گرداند، و به‌زودی آن‌گاه که در قبرهای‌شان و روز قیامت عذاب را می‌بینند خواهند دانست که چه کسی منحرف‌تر است آنها یا او؟ و به‌زودی خواهند دانست که کدام‌یک از آنها گمراه‌تر است.

﴿أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلاً﴾ [الفرقان: ۴۳].

﴿۴۳﴾ - ای رسول - آیا دیدی آن کسی را که هوا و هوس خود را معبود خویش قرار داده و از او اطاعت کرده است؟ آیا تو بر او نگهبان هستی که او را به ایمان بازگردانی، و از کفر بازداری؟!

برخی فواید آیات:

- کفر به الله و تکذیب آیاتش یکی از اسباب نابودی امت‌ها است.
- ایمان نداشتن به رستاخیز، سبب پند نگرفتن است.
- تسمخر پیروان حق، کار کافران است.
- خطر پیروی از هوس.

﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ [الفرقان: ۴۴].

۴۴) بلکه - ای رسول - گمان می‌کنی که بیشتر کسانی که آنها را به توحید و طاعت الله فرامی‌خوانی به نیت قبول کردن گوش می‌کنند یا در دلایل و برهان‌ها می‌اندیشند؟! در شنیدن و اندیشیدن و فهم جز مانند حیوانات نیستند، بلکه آنها از حیوانات هم گمراه‌ترند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا﴾ [الفرقان: ۴۵].

۴۵) - ای رسول - آیا آثار آفرینش الله را ندیده‌ای آن‌گاه که سایه را بر روی زمین گستراند، و اگر می‌خواست آن را ساکن و بدون حرکت قرار دهد به‌طور قطع چنین می‌کرد، سپس خورشید را دلالتی بر آن قرار دادیم، که آن را بلند و کوتاه می‌کند.

﴿ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا﴾ [الفرقان: ۴۶].

۴۶) سپس آن سایه را با کاستن به صورت تدریجی و اندک‌اندک بر اساس ارتفاع خورشید باز می‌گیریم.

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا﴾ [الفرقان: ۴۷].

۴۷) و الله همان ذاتی است که شب را به منزله لباس برای تان قرار داد که شما، و اشیا را می‌پوشاند، و همان ذاتی است که خواب را مایه استراحت قرار داد که با آن در برابر خستگی کارهای تان استراحت می‌کنید، و همان ذاتی است که روز را زمانی برای شما قرار داد که در آن به‌سوی کارهای تان روانه می‌شوید.

﴿وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا﴾ [الفرقان: ۴۸].

۴۸) و همان ذاتی است که بادها را مژده‌دهنده نزل باران که از رحمت او تعالی به بندگانش است فرستاد، و آب پاک باران را که با آن پاکیزگی حاصل می‌کنید از آسمان فرو فرستادیم.

﴿لِنُحْيِي بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا﴾ [الفرقان: ۴۹].

۴۹) تا با آن آب نازل‌شده، زمینی خشک و لم‌بزرع و بدون گیاه را با برآوردن انواع گیاهان و گستراندن سبزه زنده گردانیم، و با آن آب، حیوانات و انسان‌های زیادی

را که آفریده‌ایم سیراب کنیم.

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا هَٰئِهِمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا﴾ [الفرقان: ۵۰].

و به تحقیق که در قرآن دلایل و براهین گوناگونی بیان کردیم تا از آن پند بگیرند، اما بیشتر مردم جز ناسپاسی از حق و پرهیز از آن نخواستند.

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۱].

و اگر می‌خواستیم به‌طور قطع در هر شهری رسولی می‌فرستادیم تا به آنها انذار دهد و آنها را از کیفر الله بترساند، اما این امر را نخواستیم، و فقط محمد ﷺ را رسولی به‌سوی تمام مردم فرستادیم.

﴿فَلَا تَطْعَمُ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا﴾ [الفرقان: ۵۲].

پس از کافران در آنچه از روی فریب از تو می‌خواهند، و در پیشنهاداتی که به تو می‌دهند اطاعت نکن، و با این قرآن نازل شده بر تو با صبر در برابر آزارهای‌شان و تحمل دشواری‌ها در دعوت آنها به‌سوی الله به جهادی بزرگ با آنها پرداز.

* ﴿وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهٰذَا مِلْحٌ اٰجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا﴾ [الفرقان: ۵۳].

و الله سبحانه همان ذاتی است که آب دو دریا را که یکی شیرین و گوارا و دیگری شور است در کنار یکدیگر قرار داد، و میان آن دو، مانع و پرده‌ای نهاد که مانع آمیخته‌شدن آن دو با هم می‌شود.

﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَآءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيْرًا﴾ [الفرقان: ۵۴].

و او تعالی همان ذاتی است که از منی مرد و زن انسانی را آفرید، و همان ذاتی که انسان را آفرید رابطه‌ی خویشاوندی نسبی و سببی (از طریق ازدواج) را پدید آورد، و - ای رسول - پروردگار تو توانایی است که هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌سازد، و یکی از مظاهر قدرت او تعالی آفرینش انسان از منی مرد و زن است.

﴿وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكٰفِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظٰهِرًا﴾ [الفرقان: ۵۵].

و کافران بت‌هایی را به جای الله عبادت می‌کنند که اگر از آنها اطاعت کنند به آنها نفعی نمی‌رسانند، و اگر از آنها نافرمانی کنند زبانی به آنها نمی‌رسانند، و کافر در آنچه که الله سبحانه را خشمگین می‌سازد همیشه پیرو شیطان است.

برخی فواید آیات:

- سقوط کافر به سطحی پایین‌تر از سطح حیوان به سبب کفر او به الله.
- پدیده سایه یکی از نشانه‌های دلالت‌کننده الله بر قدرت او تعالی است.
- گوناگون ساختن دلایل و برهان‌ها اسلوب تربیتی موفق است.
- دعوت به قرآن یکی از صور جهاد در راه الله است.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۶].

۵۶ و - ای رسول - تو را نفرستادیم جز بشارت‌دهنده‌ای برای کسی که با ایمان و عمل صالح از الله اطاعت کند، و انذاردهنده‌ای برای کسی که با کفر و نافرمانی از او تعالی نافرمانی کند.

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ [الفرقان: ۵۷].

۵۷ - ای رسول - بگو: در قبال تبلیغ رسالت هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم جز اینکه هرکس از شما که بخواهد با انفاق، راهی به سوی رضایت الله برگزیند، این کار را انجام دهد.

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۸].

۵۸ و - ای رسول - در تمام کارهایت بر الله زنده و جاویدانی که هرگز نمی‌میرد توکل کن، و با ستایش بر الله او تعالی را مُنَزَّه بدان، و همین کافی است که او تعالی از گناهان بندگانش آگاه است و ذره‌ای از گناهان‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی در قبال گناهان‌شان به آنها جزا خواهد داد.

﴿الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا﴾ [الفرقان: ۵۹].

۵۹ همان ذاتی که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن دو است در شش روز آفرید، سپس آن‌گونه که سزاوار جلال اوست بر عرش استوا نمود و قرار گرفت، و او رحمان است، پس - ای رسول - در مورد او از دانای خبیر بیرس، و او الله است که از هر چیزی آگاه است، و هیچ‌چیز بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا﴾ [الفرقان: ۶۰].

۶۰ و هرگاه به کافران گفته شود: برای رحمان سجده کنید، می‌گویند: برای رحمان سجده نمی‌کنیم، و رحمان چیست؟ آن را نمی‌شناسیم و به آن اقرار نمی‌کنیم، آیا به چیزی که به ما امر می‌کنی به او سجده کنیم درحالی که او را نمی‌شناسیم، سجده کنیم؟! فرمان او به آنها برای سجده در برابر او تعالی به دوری‌شان از ایمان به الله می‌افزاید.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا﴾ [الفرقان: ۶۱].

۱۱۱) برتر و مقدس است ذاتی که در آسمان منزلگاه‌هایی برای ستارگان و سیاره‌ها قرار داد، و خورشیدی در آسمان قرار داد که نور می‌پراکند، و در آن ماهی قرار داد که با نوری که از خورشید منعکس می‌کند زمین را روشن می‌گرداند.

﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا﴾ [الفرقان: ۶۲].

۱۱۲) و الله همان ذاتی است که برای هرکس که بخواهد از آیات الله پند بگیرد و هدایت شود، یا بخواهد شکر الله را در قبال نعمت‌هایش به جای آورد شب و روز را پی در پی قرار داد که هر یک از آن دو در پی دیگری می‌آید و جانشین آن می‌شود. الله پس از بیان کافرانِ رویگردان از ایمان به الله و فرمان‌برداری از او تعالی، صفات بندگان صالح و روی‌آور به طاعتش را بیان کرد و فرمود:

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ [الفرقان: ۶۳].

۱۱۳) و بندگان مؤمن رحمان کسانی هستند که با وقار و فروتنانه بر روی زمین راه می‌روند، و هرگاه جاهلان آنها را مورد خطاب قرار دهند مقابله به مثل نمی‌کنند، بلکه آگاهانه سخن نیکی به آنها می‌گویند.

﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾ [الفرقان: ۶۴].

۱۱۴) و همان کسانی که با سجده بر پیشانی‌هایشان، و ایستادن بر روی پاهای‌شان که برای الله نماز می‌گزارند شب را به صبح می‌رسانند.

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾ [الفرقان: ۶۵].

۱۱۵) و همان‌ها که در دعای خویش به پروردگارشان می‌گویند: پروردگارا، ما را از عذاب جهنم دور گردان، به‌راستی که عذاب جهنم برای کسی که در حال کفر بمیرد همیشگی و جدانشدنی است.

﴿إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾ [الفرقان: ۶۶].

۱۱۶) در حقیقت جهنم قرارگاه بدی است برای کسی که در آن مستقر شود، و جایگاه بدی است برای کسی که در آن اقامت کند.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ [الفرقان: ۶۷].

و همان کسانی که وقتی اموالشان را بخشش کنند در بخشش اموال زیاده‌روی نمی‌کنند، و در بخشش آن بر کسی که نفقه او از خودشان یا دیگران واجب است سخت نمی‌گیرند، و انفاق به آنها حدی میانه بین زیاده‌روی و سخت‌گرفتن است.

برخی فواید آیات:

- دعوتگر به سوی الله از مردم پاداش نمی‌طلبد.
- ثبوت صفت استواء برای الله آن‌گونه که شایسته او تعالی است.
- رحمان یکی از اسمهای الله است که هرگز هیچ‌کس در آن با او شریک نیست، و بر یکی از صفات او تعالی یعنی رحمت دلالت دارد.
- کمک به بنده با درآمدن شب و روز از پی یکدیگر بر جبران طاعتی که در شب یا روز از دست داده است.
- یکی از صفات بندگان رحمان تواضع و بردباری، و طاعت الله هنگام غفلت مردم، و ترس از الله، و پایبندی میانه در انفاق و سایر امور است.

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا﴾ [الفرقان: ۶۸].

۱۸ و همان‌ها که همراه الله سبحانه معبودی دیگر را نمی‌خوانند، و نفسی را که الله قتل آن را حرام کرده است نمی‌کشند مگر به قتل قاتل یا مرتد یا زناکار محصن که الله اجازه داده است، و زنا نمی‌کنند، و هرکس که این گناهان کبیره را مرتکب شود کیفر گناهی را که مرتکب شده است در روز قیامت درخواهد یافت.

﴿يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا﴾ [الفرقان: ۶۹].

۱۹ در روز قیامت عذاب برایش دوچندان می‌شود، و ذلیل و خوار برای همیشه در عذاب می‌ماند.

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الفرقان: ۷۰].

۲۰ اما کسی که به‌سوی الله توبه کند و ایمان آورد، و عمل صالحی که بر راستی توبه اش دلالت دارد انجام دهد، الله بدی‌هایی را که اینها انجام داده‌اند به نیکی‌ها تبدیل می‌کند، و الله نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا﴾ [الفرقان: ۷۱].

۲۱ و کسی که به‌سوی الله توبه کند، و راستی توبه‌اش را با انجام طاعات و ترک گناهان ثابت گرداند به‌راستی که توبه‌اش پذیرفتنی است.

﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ [الفرقان: ۷۲].

۲۲ و همان کسانی که در باطل، مانند اماکن گناهان و بازی‌های حرام حضور نمی‌یابند، و چون به سخنان و کارهای لغو و پست بگذرند زود از کنارش عبور کنند، درحالی‌که خویشتن را با دورگردانیدن از این امور گرامی می‌دارند.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾ [الفرقان: ۷۳].

۲۳ و کسانی که چون آیات شنیداری و دیداری الله بر آنها یادآوری شود گوش‌هایشان از آیات شنیداری کر نمی‌گردد، و از دیدن آیات دیداری کور نمی‌شوند.

﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ [الفرقان: ۷۴].

﴿۷۴﴾ و همان کسانی که در دعای خویش می‌گویند: پروردگارا، همسران و فرزندانم به ما ببخش که به خاطر تقوا و استقامت آنها بر حق، روشنایی چشم ما باشند، و ما را برای پرهیزگاران پیشوایانی در حق قرار بده که به ما اقتدا شود.

﴿أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا حَيَّةً وَسَلَامًا﴾ [الفرقان: ۷۵].

﴿۷۵﴾ اینها که این صفات را دارند به پاس صبر بر طاعت الله اتاق‌هایی مرتفع در فردوس‌های عالی بهشت را پاداش می‌برند، و در آنجا با درود و سلام فرشتگان روبرو می‌شوند، و از آسیب‌ها نجات می‌یابند.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا﴾ [الفرقان: ۷۶].

﴿۷۶﴾ برای همیشه در آن می‌مانند، قرارگاه نیکویی است که در آن قرار می‌گیرند، و جایگاه نیکویی است که در آن اقامت می‌کنند.

﴿قُلْ مَا يَعْزُبُ عَنْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دَعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا﴾ [الفرقان: ۷۷].

﴿۷۷﴾ - ای رسول - به کافران اصرارکننده بر کفر بگو: اگر عبادت و دعایتان نباشد، پروردگرم اعتنایی به شما ندارد و ارزشی برایتان قایل نیست؛ زیرا شما رسول ﷺ را در آنچه از جانب پروردگارش برای‌تان آورد تکذیب کرده‌اید، پس به‌زودی مجازات تکذیب، گریبانگیر شما خواهد شد.

برخی فواید آیات:

- برخی صفات بندگان رحمان بدین قرار است: دوری از شرک، پرهیز از کشتن افراد به‌ناحق، دوری از زنا، دوری از باطل، پند گرفتن از آیات الله، و دعا.
- توبهٔ نصح، ترک گناه و انجام طاعت را ایجاب می‌کند.
- صبر سبب دخول به فردوس عالی بهشت است.
- بی‌نیازی الله از ایمان کافر.

سوره الشعراء

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

مقابله با تکذیب کنندگان و عیب جویان رسولان و رسالت شان و بیان جایگاه پست این تکذیب کنندگان.

تفسیر:

﴿طسم﴾ [الشعراء: ۱].

① ﴿طسم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [الشعراء: ۲].

② این آیات قرآن روشن کننده حق از باطل است.

﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۳].

③ - ای رسول - شاید تو به خاطر اشتیاق زیاد بر هدایت اینها خودت را ز شدت اندوه هلاک کنی!

﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ [الشعراء: ۴].

④ اگر نزول آیه‌ای از آسمان را بر آنها بخواهیم بر آنها فرو می‌فرستیم، آن گاه گردن‌های‌شان در برابر آن خوار و فروتن می‌گردد، اما این کار را انجام نمی‌دهیم بلکه آنها را مورد آزمایش قرار می‌دهیم تا معلوم شود که: آیا به غیب ایمان می‌آورند؟

﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ﴾ [الشعراء: ۵].

⑤ و هیچ یادآور جدیدی از سوی الله رحمان با حجت‌های دلالت‌کننده‌اش بر توحید او تعالی و راستی پیامبرش بر این مشرکان نازل نشد مگر اینکه از شنیدن و تصدیق آن روی گرداندند.

﴿فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهٖ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الشعراء: ۶].

در حقیقت رسالت رسولان شان را تکذیب کرده‌اند، پس به زودی خبرهایی را که به ریشخند می‌گرفتند برای شان محقق خواهد شد، و عذاب، آنها را فرا خواهد گرفت.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾ [الشعراء: ۷].

آیا اینها بر کفرشان اصرار کردند و به زمین ننگریسته‌اند که چه بسیار از هر نوع گیاه خوش‌منظر و بسیار سودمند را در آن رویانده‌ایم؟!

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۸].

به‌راستی در رویدن انواع گیاهان مختلف از زمین دلالت آشکاری بر قدرت ذاتی که آنها را رویانیده بر زنده کردن مردگان است، اما بیشتر آنها ایمان نمی‌آورند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهٗوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۹].

و - ای رسول - همانا پروردگارت همان ذات پیروزمندی است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و نسبت به بندگان بسیار مهربان است.

﴿وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰].

و - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که پروردگارت به موسی علیه السلام فرمان داد که به سوی قومی بروی که به سبب کفرشان به الله و به بردگی‌کشاندن قوم موسی علیه السلام ستمکار بودند.

﴿قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ﴾ [الشعراء: ۱۱].

آنها قوم فرعون بودند، تا با نرمی و مهربانی آنها را به تقوای الله از طریق اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌اش امر کند.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون﴾ [الشعراء: ۱۲].

موسی علیه السلام گفت: همانا می‌ترسم که در آنچه از جانب تو بر آنها ابلاغ می‌کنم مرا تکذیب کنند.

﴿وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ﴾ [الشعراء: ۱۳].

و به سبب تکذیب من توسط آنها سینه‌ام تنگ می‌گردد، و زبانم از سخن گفتن بسته می‌شود، پس جبریل را به سوی برادرم هارون بفرست تا یآوری برایم باشد.

﴿وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُون﴾ [الشعراء: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و به سبب اینکه قبطی را کشتم بر گردن من برای آنها خطایی است پس می ترسم مرا بکشند.

﴿قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ﴾ [الشعراء: ۱۵].

﴿۱۵﴾ الله به موسی فرمود: هرگز، تو را نخواهند کشت، پس همراه برادرت هارون با آیات دلالت کننده ما بر راستگویی شما بروید، زیرا ما با یاری و تأیید همراه شما هستیم و آنچه را می گوئید و آنچه را به شما گفته می شود می شنویم، و ذره ای از آن از ما پنهان نیست.

﴿فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۶].

﴿۱۶﴾ پس نزد فرعون بروید، و به او بگوئید: همانا ما دو رسول (فرستاده) به سوی تو از جانب پروردگار تمام مخلوقات هستیم.

﴿أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [الشعراء: ۱۷].

﴿۱۷﴾ بنی اسرائیل را با ما بفرست.

﴿قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸].

﴿۱۸﴾ فرعون به موسی عليه السلام گفت: آیا تو را در کودکی نزد خویش نپروراندیم، و سال هایی از عمرت را در میان ما نماندی، پس چه چیزی تو را به ادعای پیامبری فراخواند؟

﴿وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و کناه بزرگی مرتکب شدی آن گاه که برای یاری مردی از قومت، یک قبطی را کشتی، و تو از ناسپاسان نعمت های من بر خویش هستی.

برخی فواید آیات:

- حرص رسول ﷺ بر هدایت مردم. • اثبات صفت عزت و رحمت برای الله.
- اهمیت سعه صدر و فصاحت برای دعوتگر.
- پیامبران عليهم السلام، به آزادسازی از بندگی برای غیر الله دعوت می دهند.
- فرعون بر رسالت موسی عليه السلام به وقوع قتل توسط او اعتراض کرد و موسی عليه السلام بر انجام آن اقرار کرد، این امر خبر از آن می دهد که این کار موسی عليه السلام دلیلی برای فرعون جهت تکذیب موسی عليه السلام نیست.

﴿قَالَ فَعَلَّهَا إِذَا وَاَنَا مِنَ الضَّالِّينَ﴾ [الشعراء: ۲۰].

﴿موسیٰ علیہ السلام﴾ با اعتراف به فرعون گفت: آن مرد را در حالی کشتم که قبل از اینکه وحی نزد من بیاید از جاهلان بودم.

﴿فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱].

﴿۱۱﴾ آن گاه پس از قتل او به سبب ترس از اینکه مرا در برابر او بکشید از دست شما به سوی شهر مدین گریختم، پس پروردگارم به من علم عطا کرد، و مرا از رسولانش که آنها را به سوی مردم می فرستاد قرار داد.

﴿وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [الشعراء: ۲۲].

﴿۱۲﴾ و اینکه مرا بدون بردگی پروراندی درحالی که بنی اسرائیل را به بردگی گرفته‌ای نعمتی است که به حق به خاطر آن بر من منت می نهی، اما این امر مرا از دعوت تو باز نمی دارد.

﴿قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۲۳].

﴿۱۳﴾ فرعون به موسیٰ علیہ السلام گفت: و پروردگار مخلوقات که ادعا می کنی تو رسولش هستی چیست؟!

﴿قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۴].

﴿۱۴﴾ موسیٰ علیہ السلام در پاسخ فرعون گفت: پروردگار مخلوقات همان پروردگار آسمانها و زمین، و پروردگار آنچه بین آن دو وجود دارد است. اگر یقین دارید که او پروردگارتان است پس تنها او را عبادت کنید.

﴿قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ﴾ [الشعراء: ۲۵].

﴿۱۵﴾ فرعون به کسانی از سران قومش که پیرامونش بودند گفت: آیا پاسخ موسیٰ، و ادعای دروغینی را که در آن است، نمی شنوید!

﴿قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ﴾ [الشعراء: ۲۶].

﴿۱۶﴾ موسیٰ علیہ السلام به آنها گفت: الله پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست.

﴿قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ﴾ [الشعراء: ۲۷].

۲۷) فرعون گفت: به یقین این کسی که ادعا می کند رسولی به سوی شماست دیوانه ای است که اهمیت نمی دهد چگونه پاسخ می دهد، و بدون تفکر سخن می گوید.

﴿قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الشعراء: ۲۸].

۲۸) موسی علیه السلام گفت: الله که شما را به سوی او فرامی خوانم همان پروردگار مشرق و مغرب، و پروردگار آنچه میان آن دو وجود دارد است، اگر عقل هایی دارید که با آن تفکر کنید.

﴿قَالَ لَنْ اِتَّخَذَتْ اِلَٰهًا غَيْرِي لِأَجَعَلَكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ﴾ [الشعراء: ۲۹].

۲۹) فرعون پس از ناتوانی از استدلال با موسی علیه السلام به او گفت: اگر معبودی غیر از من عبادت کنی به طور قطع تو را از زندانیان قرار خواهم داد.

﴿قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ﴾ [الشعراء: ۳۰].

۳۰) موسی علیه السلام به فرعون گفت: آیا مرا به زندان می افکنی حتی اگر دلیل راستگویی رسالت خویش را از جانب الله برایم بیاورم؟

﴿قَالَ فَاتِّبِعْ بِهٖ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ﴾ [الشعراء: ۳۱].

۳۱) فرعون گفت: پس اگر در آنچه که ادعا می کنی از راستگویان هستی دلیلی را که گفتم بر راستگویی ات دلالت دارد، بیاور.

﴿فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾ [الشعراء: ۳۲].

۳۲) آن گاه موسی علیه السلام عصایش را بر زمین افکند به ناگاه مار بزرگی در برابر دیدگان آشکار شد.

﴿وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنّٰظِرِيْنَ﴾ [الشعراء: ۳۳].

۳۳) و دستش را غیر سفید در گریبانش داخل کرد، و آن را سفید و درخشان و نورانی بدون سفیدی ناشی از پیسی درآورد، که تماشاگران اینچنین آن را می دیدند.

﴿قَالَ لِلْمَلَآئِكَةِ اِنْ هٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيْمٌ﴾ [الشعراء: ۳۴].

۳۴) فرعون به کسانی از سران قوم خود که پیرامونش بودند گفت: همانا این مرد، ساحری ماهر است.

﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ [الشعراء: ۳۵].

﴿۳۵﴾ که می‌خواهد با سحر خویش شما را از سرزمین‌تان بیرون کند، پس نظر شما در مورد آنچه درباره او به کار گیریم چیست؟

﴿قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ﴾ [الشعراء: ۳۶].

﴿۳۶﴾ به او گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر بینداز، و در کیفر آن دو شتاب نکن، و در شهرهای مصر افرادی را بفرست تا ساحران را گرد آورند.

﴿يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ﴾ [الشعراء: ۳۷].

﴿۳۷﴾ تمام ساحران دانا به سحر را نزدت آورند.

﴿فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ﴾ [الشعراء: ۳۸].

﴿۳۸﴾ پس فرعون ساحران را برای مبارزه با موسی عليه السلام در مکان و زمانی مشخص گرد آورد.

﴿وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ﴾ [الشعراء: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و به مردم گفته شد: آیا شما جمع می‌شوید تا ببینید موسی چیره می‌شود یا ساحران؟

برخی فواید آیات:

- خطاهای گذشته دعوتگر و نیکی‌هایی که بر او شده است به معنای عدم دعوت او برای کسی که دعوتگر در حقیقت خطا کرده یا کسی که به دعوتگر نیکی کرده است نیست.
- به‌کارگیری اسباب برای حفاظت (خویش) از دشمن، با ایمان و توکل بر الله منافات ندارد.
- دلالت مخلوقات الله بر ربوبیت و وحدانیت او تعالی.
- ضعف حجت، یکی از اسباب اعمال زور است.
- برانگیختن عوام بر ضد پیروان دین، اسلوب طغیانگران است.

﴿لَعَلَّنَا تَتَّبِعَ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ﴾ [الشعراء: ۴۰].

۵۰ به این امید که اگر ساحران بر موسی علیه السلام چیره شدند آنها را در دین‌شان پیروی کنیم.

﴿فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَا لِأَجْرٍ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ﴾ [الشعراء: ۴۱].

۵۱ پس وقتی که ساحران نزد فرعون آمدند تا بر موسی علیه السلام غلبه کنند به او گفتند: اگر بر موسی پیروز شدیم آیا پاداشی مادی یا معنوی داریم؟

﴿قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ [الشعراء: ۴۲].

۵۲ فرعون به آنها گفت: بله برای شما پاداشی است، و به‌راستی که در صورت پیروزی شما بر او از مقربان نزد من با اعطای مناصب رفیع خواهید بود.

﴿قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ﴾ [الشعراء: ۴۳].

۵۳ موسی علیه السلام با اعتماد بر یاری الله و بیان اینکه آنچه نزدش است سحر نیست به آنها گفت: ریسمان‌ها و عصاهای‌تان را بیندازید.

﴿فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ﴾ [الشعراء: ۴۴].

۵۴ پس ریسمان‌ها و عصاهای‌شان را انداختند، و هنگام انداختن آنها گفتند: به بزرگی فرعون که ما پیروز شدگانیم، و فرد مغلوب، موسی است.

﴿فَأَلْفَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ﴾ [الشعراء: ۴۵].

۵۵ آن‌گاه موسی علیه السلام عصایش را انداخت که به ماری تبدیل شد، و به‌ناگاه تمام سحری را که بر مردم درآمیخته بودند بلعید.

﴿فَأَلْفَىٰ السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ﴾ [الشعراء: ۴۶].

۵۶ پس وقتی ساحران دیدند که عصای موسی علیه السلام سحرشان را که انداختند می‌بلعد به سجده افتادند.

﴿قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۴۷].

۵۷ گفتند: به پروردگار تمام مخلوقات ایمان آوردیم.

﴿رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾ [الشعراء: ۴۸].

۵۸ پروردگار موسی و هارون.

﴿قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا أَصْلَبَتَّكُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الشعراء: ۴۹].

۴۹ فرعون با اعتراض بر ایمان ساحران به آنها گفت: آیا به موسی ایمان آوردید پیش از آن که من اجازه این کار را به شما بدهم؟! به راستی که موسی همان بزرگ شماس است که سحر به شما آموخته است، و همگی شما بر اخراج ساکنان مصر از آن دسیسه چیده‌اید، پس به زودی خواهید دانست چه کیفی بر شما واقع می‌سازم، چنان که پا و دست هر یک از شما را به صورت مخالف با قطع پای راست و دست چپ یا بالعکس خواهم برید، و همگی شما را بر تنه‌های درختان خرما به دار خواهم آویخت، و هیچ‌یک از شما را باقی نخواهم گذاشت.

﴿قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ﴾ [الشعراء: ۵۰].

۵۰ ساحران به فرعون گفتند: هیچ زبانی در قطع کردن و به دار آویختن در دنیا که ما را به آن تهدید می‌کند نیست، زیرا عذاب تو از بین می‌رود، و ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم، و به زودی ما را در رحمت همیشگی خویش در خواهد آورد.

﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۵۱].

۵۱ به راستی که ما امید داریم چون نخستین کسانی بودیم که به موسی ایمان آوردند و او را تصدیق کردند الله گناهان گذشته‌مان را از ما پاک کند.

﴿* وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ﴾ [الشعراء: ۵۲].

۵۲ و با فرمان به موسی علیه السلام به او وحی کردیم که شبانه بنی اسرائیل را حرکت بده، به راستی که فرعون و همراهانش آنها را تعقیب می‌کنند تا آنها را بازگردانند.

﴿فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ﴾ [الشعراء: ۵۳].

۵۳ پس فرعون برخی لشکریانش را به شهرها فرستاد که لشکرها را آماده کنند تا بنی اسرائیل را بازگردانند زیرا از رفتن شبانه آنها از مصر آگاه شد.

﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ﴾ [الشعراء: ۵۴].

۵۴ فرعون برای تحقیر بنی اسرائیل گفت: همانا اینها گروهی اندک هستند.

﴿وَأِنَّهُمْ لَنَا لِعَائِبُونَ﴾ [الشعراء: ۵۵].

۵۵ و همانا کاری کرده‌اند که سبب خشم ما بر آنها است.

﴿وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ﴾ [الشعراء: ۵۶].

﴿۵۶﴾ و به راستی که ما در برابر آنها هوشیار و آماده هستیم.

﴿فَأَخْرَجْنَا لَهُمْ مِّنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الشعراء: ۵۷].

﴿۵۷﴾ پس فرعون و قومش را از سرزمین مصر دارای باغ‌های پر از درخت و گیاه، و چشمه‌های جاری با آب.

﴿وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ﴾ [الشعراء: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و دارای گنجینه‌های مال، و مسکن‌های نیکو درآوردیم.

﴿كَذَلِكَ وَأُورَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [الشعراء: ۵۹].

﴿۵۹﴾ و همان‌گونه که فرعون و قومش را از این نعمت‌ها درآوردیم، پس از آنها جنس همین نعمت‌ها را برای بنی‌اسرائیل در سرزمین‌های شام قرار دادیم.

﴿فَاتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ﴾ [الشعراء: ۶۰].

﴿۶۰﴾ فرعون و قومش هنگام برآمدن خورشید در پی بنی‌اسرائیل به راه افتادند.

برخی فواید آیات:

- معیار رابطه میان پیروان باطل، مصالح مادی است.
- اعتماد موسی علیه السلام به پیروزی بر ساحران، ایمان بر وعدهٔ پروردگارش است.
- ایمان ساحران دلالت دارد بر اینکه الله همان گردانندهٔ قلب‌هاست که هرگونه بخواهد آن را می‌گرداند.
- طغیان و ستم از اسباب زوال ملک است.

﴿فَلَمَّا تَرَأَى الْجُمُعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ﴾ [الشعراء: ۶۱].

﴿۶۱﴾ پس چون فرعون و قومش با موسی علیه السلام و قومش به گونه‌ای روبرو شدند که هر گروه، گروه دیگر را می‌دید، یاران موسی علیه السلام گفتند: همانا فرعون و قومش به ما ملحق خواهند شد، و ما هیچ قدرتی بر آنها نداریم.

﴿قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾ [الشعراء: ۶۲].

﴿۶۲﴾ موسی علیه السلام به قومش گفت: امر چنان که شما می‌پندارید نیست، زیرا پروردگام با تایید و یاری با من است، و به‌زودی مرا به راه نجات راهنمایی و هدایت خواهد کرد.

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالظُّلُودِ الْعَظِيمِ﴾ [الشعراء: ۶۳].

﴿۶۳﴾ پس با فرمان به موسی علیه السلام به او وحی کردیم که عصایش را به دریا بزند، پس آن را به دریا زد، آن‌گاه دریا از هم شکافت و به تعداد قبایل بنی‌اسرائیل به دوازده راه تبدیل شد، که هر قطعه‌ی شکافته‌شده از دریا مانند کوهی بزرگ از نظر بزرگی و ثبات بود به‌گونه‌ای که آب از آنها جاری نمی‌شد.

﴿وَأَرْزَلْنَا تَمَّ الْآخَرِينَ﴾ [الشعراء: ۶۴].

﴿۶۴﴾ و فرعون و قومش را نزدیک ساختیم تا وارد دریا شدند به این گمان که راه قابل عبوری است.

﴿وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ﴾ [الشعراء: ۶۵].

﴿۶۵﴾ و موسی علیه السلام و همراهیان او از بنی‌اسرائیل را نجات دادیم، و هیچ‌یک از آنها را نابود نکردیم.

﴿ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ﴾ [الشعراء: ۶۶].

﴿۶۶﴾ سپس فرعون و قومش را در دریا غرق و نابود کردیم.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۶۷].

﴿۶۷﴾ در شکافتن دریا برای موسی علیه السلام و نجات او و نابودی فرعون و قومش به‌طور قطع نشانه‌ای دلالت‌کننده بر راستگویی موسی علیه السلام است، و بیشتر همراهیان فرعون مؤمن نبودند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۶۸].

﴿۶۸﴾ و - ای رسول - همانا پروردگارت ذات شکست‌ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد، و نسبت به کسانی از آنها که توبه کنند بسیار مهربان است.

﴿وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ﴾ [الشعراء: ۶۹].

﴿۶۹﴾ و - ای رسول - قصهٔ ابراهیم علیه السلام را بر آنها بخوان.

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ﴾ [الشعراء: ۷۰].

﴿۷۰﴾ آن‌گاه که به پدرش آزر و قومش گفت: به جای الله چه عبادت می‌کنید؟

﴿قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُ لَهَا عَاكِفِينَ﴾ [الشعراء: ۷۱].

﴿۷۱﴾ قومش به او گفتند: بت‌هایی را عبادت می‌کنیم که پیوسته بر عبادت آنها استوار و همنشین آنها هستیم.

﴿قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ﴾ [الشعراء: ۷۲].

﴿۷۲﴾ ابراهیم علیه السلام به آنها گفت: آیا بت‌ها دعای شما را آن‌گاه که آنها را می‌خوانید می‌شنوند؟

﴿أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ﴾ [الشعراء: ۷۳].

﴿۷۳﴾ یا اگر از آنها اطاعت کنید به شما نفع می‌رسانند، یا اگر از آنها نافرمانی کنید به شما زیان می‌رسانند؟

﴿قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾ [الشعراء: ۷۴].

﴿۷۴﴾ گفتند: وقتی که آنها را بخوانیم سخنان را نمی‌شنوند، و اگر از آنها اطاعت کنیم به ما نفع نمی‌رسانند، و اگر از آنها نافرمانی کنیم به ما زیان نمی‌رسانند، اما پدرانمان را دیدیم که این کار را انجام می‌دادند، و از آنها تقلید می‌کنیم.

﴿قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ [الشعراء: ۷۵].

﴿۷۵﴾ ابراهیم علیه السلام گفت: آیا فکر کرده‌اید که ببینید چه بت‌هایی را به جای الله عبادت می‌کردید.

﴿أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ﴾ [الشعراء: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و بت‌هایی که پدران نخستین شما عبادت می‌کردند.

﴿فَاتَّبَعْتَهُمْ عَدُوًّا لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۷۷].

۷۷) به راستی که تمام آنها دشمنان من هستند؛ زیرا باطل هستند جز الله پروردگار تمام مخلوقات.

﴿الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ﴾ [الشعراء: ۷۸].

۷۸) همان ذاتی که مرا آفریده، و اوست که مرا به خیر دنیا و آخرت راهنمایی می کند.

﴿وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ﴾ [الشعراء: ۷۹].

۷۹) و همان ذاتی که وقتی گرسنه شوم، تنها او به من غذا می دهد، و وقتی تشنه شوم مرا سیراب می کند.

﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ﴾ [الشعراء: ۸۰].

۸۰) و وقتی که بیمار شوم فقط اوست که مرا از بیماری شفا می دهد و هیچ شفا دهنده ای جز او ندارم.

﴿وَالَّذِي يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ﴾ [الشعراء: ۸۱].

۸۱) و همان ذاتی که وقتی آجلم سپری شود، تنها او مرا می میراند، و پس از مرگم مرا زنده می کند.

﴿وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ﴾ [الشعراء: ۸۲].

۸۲) و همان ذاتی که فقط از او امید دارم در روز جزا گناهانم را بر من ببامرزد.

﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾ [الشعراء: ۸۳].

۸۳) ابراهیم علیه السلام در حالی که پروردگارش را می خواند گفت: پروردگارا به من درک عمیق در دین عطا کن، و مرا با پیامبران صالح پیش از خودم ملحق کن؛ یعنی مرا همراه آنها به بهشت در آور.

برخی فواید آیات:

- الله بندگان مؤمنش را هنگام سختی ها یاری می رساند.
- ثبوت دو صفت عزت و رحمت برای الله تعالی.
- خطر تقلید کورکورانه.
- مؤمن امید بزرگی به پروردگارش دارد.

﴿وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ [الشعراء: ۸۴].

۸۴ و یادی نیکو و ستایشی ستوده در میان کسانی که در قرن‌های پس از من می آیند برایم قرار ده.

﴿وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾ [الشعراء: ۸۵].

۸۵ و مرا از کسانی قرار ده که منازل بهشت را که بندگان مؤمن تو در آنجا در رفاه و نعمت هستند به ارث می‌برند، و مرا در آنجا ساکن گردان.

﴿وَاعْفُرْ لَأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ﴾ [الشعراء: ۸۶].

۸۶ و پدرم را بیامرز، به‌راستی که او به‌سبب شرک، از گمراهان از حق است، ابراهیم علیه السلام قبل از اینکه برایش مشخص شود پدرش از ساکنان جهنم است برای او دعا کرد، اما وقتی این امر برایش مشخص شد از او بی‌زاری جست، و دیگر برایش دعا نکرد.

﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾ [الشعراء: ۸۷].

۸۷ و مرا در روزی که مردم برای حسابرسی برانگیخته می‌شوند با عذاب رسوا مساز.

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ [الشعراء: ۸۸].

۸۸ روزی که نه مالی که انسان در دنیا جمع کرده است سود می‌رساند، و نه فرزندان که از آنها یاری می‌گرفت.

﴿إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ [الشعراء: ۸۹].

۸۹ مگر کسی که دلی پاک نزد الله بیاورد؛ که نه شرکی در آن باشد و نه نفاق و نه ریا و نه تکبری، زیرا او به مالی که در راه الله انفاق کرده و به فرزندان که برایش دعا می‌کردند سود می‌برد.

﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [الشعراء: ۹۰].

۹۰ و بهشت برای پرهیزگاران پروردگارشان با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی نزدیک می‌شود.

﴿وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ﴾ [الشعراء: ۹۱].

۹۱ و در محشر، جهنم برای گمراهانی که از دین حق گمراه شدند آشکار می‌گردد.

﴿وَقِيلَ لَهُمْ أَئِنَّ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ﴾ [الشعراء: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و برای توبیخ آنها برای شان گفته می‌شود: کجايند معبودهايي که عبادت می‌کردید؟

﴿مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ﴾ [الشعراء: ۹۳].

﴿۹۳﴾ آنها را به جای الله عبادت می‌کردید؟ آیا با محافظت شما از عذاب الله به شما

یاری می‌رسانند، یا خودشان را یاری می‌کنند؟

﴿فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ﴾ [الشعراء: ۹۴].

﴿۹۴﴾ پس آنها و کسانی که آنها را گمراه ساختند بر روی یکدیگر در جهنم افکنده می

شوند.

﴿وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ﴾ [الشعراء: ۹۵].

﴿۹۵﴾ و تمام یاوران ابلیس از شیاطین، و هیچ‌یک از آنها استثنا نمی‌شود.

﴿قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ﴾ [الشعراء: ۹۶].

﴿۹۶﴾ مشرکان که غیر الله را عبادت می‌کردند، و شریکانی به جای او می‌گرفتند،

درحالی‌که با کسانی که آنها را به جای الله عبادت می‌کردند مجادله می‌کنند می

گویند:

﴿تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الشعراء: ۹۷].

﴿۹۷﴾ به الله سوگند که در گمراهی آشکاری از حق بوده‌ایم.

﴿إِذْ نَسَوَیْكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۹۸].

﴿۹۸﴾ آن‌گاه که شما را با پروردگار تمام مخلوقات یکسان قرار می‌دادیم، و شما را

همانند او عبادت می‌کردیم.

﴿وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ﴾ [الشعراء: ۹۹].

﴿۹۹﴾ و ما را از راه حق گمراه نکردند جز جنایتکارانی که ما را به جای عبادت الله به

عبادت خودشان فرا خواندند.

﴿فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ پس شفاعتگرانی نداریم که ما را نزد الله شفاعت کنند تا از عذاب او تعالی نجات

یابیم.

﴿وَلَا صَدِيقٌ حَمِيمٌ﴾ [الشعراء: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ و دوستی صمیمی نیز نداریم که از ما دفاع و برایمان شفاعت کند.

﴿فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰۲].

﴿۱۰۲﴾ پس کاش بازگشتی به زندگی دنیا داشتیم تا از مؤمنان به الله می شدیم.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ به راستی که در این قصه ابراهیم علیه السلام و سرانجام تکذیب کنندگان، برای پندگیران پندی است، اما بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ و - ای رسول - همانا پروردگارت همان ذات شکست ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می گیرد، و نسبت به توبه کاران آنها بخشنده است.

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ قوم نوح علیه السلام رسولان را تکذیب کردند آن گاه که نوح علیه السلام را تکذیب کردند.

﴿إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ [الشعراء: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ آن گاه که نوح علیه السلام به آنها گفت: آیا از ترس الله با ترک عبادت دیگران، تقوای او تعالی را پیشه نمی کنید؟!

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ [الشعراء: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ به راستی من رسولی برای تان هستم که الله مرا به سوی شما فرستاده است، و امانت داری هستم که بر آنچه الله بر من وحی کرده است نه می افزایم و نه از آن می کاهم.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ پس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او بترسید، و مرا در آنچه به شما امر می کنم و در آنچه شما را از آن نهی می کنم اطاعت کنید.

﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ و در قبال آنچه از جانب پروردگارم به شما ابلاغ می کنم پاداشی از شما نمی خواهم، و پاداش من فقط بر الله پروردگار مخلوقات است؛ نه بر غیر او.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۱۰].

﴿۱۱﴾ پس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید، و مرا در آنچه که شما را به آن امر و از آنچه که شما را از آن نهی می‌کنم اطاعت کنید.

﴿* قَالُوا أَنْتُمْ لَكُمْ وَاتَّبَعَكَ الْأَزْدُونَ﴾ [الشعراء: ۱۱۱].

﴿۱۲﴾ قومش به او گفتند: - ای نوح - آیا به تو ایمان بیاوریم، و از آنچه که آوردی پیروی کنیم و به آن عمل کنیم درحالی که پیروان تو جز مردم پست و فرومایه نیستند، و سران و بزرگانی در میان آنها یافت نمی‌شوند؟!

برخی فواید آیات:

- اهمیت سلامت قلب از بیماری‌هایی مانند حسادت و ریا و خودپسندی.
- ربط دادنِ مسؤولیتِ گمراهی (گمراهان) به گمراه‌کنندگان، سودی به گمراهان نمی‌رساند.
- تکذیب رسول الله تکذیب تمام رسولان است.
- پایان زیبای قصهٔ ابراهیم علیه السلام؛ از انتقال به ذکر قیامت سپس بازگشت به خاتمهٔ قصه.

﴿قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الشعراء: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ نوح علیه السلام به آنها گفت: من به آنچه که این مؤمنان انجام می‌داده‌اند چه دانشی دارم؟ زیرا من وکیل آنها نبودم که اعمال‌شان را برشمارم.

﴿إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ﴾ [الشعراء: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ حساب آنها فقط بر الله است که امور نهان و آشکارشان را می‌داند، و متوجه من نیست، اگر آنچه را که گفتید می‌فهمیدید به زبان نمی‌آوردید.

﴿وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ و من طرد کننده مؤمنان از مجلس خویش برای اجابت خواسته شما تا ایمان بیاورید نیستم.

﴿إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الشعراء: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ من جز اندازنده‌ای آشکار که شما را از عذاب الله می‌ترسانم نیستم.

﴿قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ﴾ [الشعراء: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ قومش به او گفتند: اگر از آنچه که ما را به آن فرا می‌خوانی دست برداری به طور قطع از سرزنش‌یافتگان و کشته‌شدگان با سنگسار خواهی بود.

﴿قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونُ﴾ [الشعراء: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ نوح علیه السلام با خواندن پروردگارش گفت: پروردگارا به راستی قوم من مرا تکذیب کردند، و در آنچه که از جانب تو آوردم مرا تصدیق نکردند.

﴿فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ پس میان من و آنها حکمی صادر کن که آنها را به خاطر اصرارشان بر باطل نابود سازد، و من و مؤمنان همراهم را از آنچه که کافران قومم را نابود می‌گرداند نجات ده.

﴿فَأَنْجِنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ﴾ [الشعراء: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ پس دعایش را برای او اجابت کردیم، و او و مؤمنان همراهش را در کشتی پُر از مردم و حیوانات نجات دادیم.

﴿ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ﴾ [الشعراء: ۱۲۰].

﴿۱۲۰﴾ و پس از آنها باقی‌ماندگان یعنی قوم نوح علیه السلام را غرق کردیم.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ همانا در این قصه نوح علیه السلام و قومش، و نجات نوح و مؤمنان همراهش، و نابودی کافران قوم او برای پندگیران پندی است، اما بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ و - ای رسول - همانا پروردگارت همان ذات شکست‌ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد، و نسبت به توبه‌کاران آنها مهربان است.

﴿كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۲۳].

﴿۱۲۳﴾ عاد رسولان را تکذیب کردند آن‌گاه که رسول‌شان هود علیه السلام را تکذیب کردند.

﴿إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ [الشعراء: ۱۲۴].

﴿۱۲۴﴾ به یاد آور آن‌گاه که پیامبرشان هود علیه السلام به آنها گفت: آیا از ترس الله با ترک عبادت دیگران، تقوای او تعالی را پیشه نمی‌کنید؟!

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ [الشعراء: ۱۲۵].

﴿۱۲۵﴾ همانا من رسولی برای‌تان هستم که الله مرا به‌سوی شما فرستاده است، و امانت‌داری هستم که بر آنچه که الله مرا به تبلیغ آن امر کرده نه می‌افزایم و نه از آن می‌کاهم.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۲۶].

﴿۱۲۶﴾ پس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او بترسید، و مرا در آنچه شما را به آن امر، و در آنچه شما را از آن نهی می‌کنم فرمان‌برداری کنید.

﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۲۷].

﴿۱۲۷﴾ و در قبال آنچه از جانب پروردگارم به شما ابلاغ می‌کنم پاداشی از شما نمی‌خواهم، و پاداش من فقط بر الله پروردگار مخلوقات است؛ نه برعهده دیگران.

﴿أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ﴾ [الشعراء: ۱۲۸].

﴿۱۲۸﴾ آیا بر هر مکان مشرف و مرتفعی بنیانی برای نشانه و بیهوده و بدون هیچ فایده دنیوی و اخروی می‌سازید؟!

﴿وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ﴾ [الشعراء: ۱۲۹].

﴿۱۲۹﴾ و دژها و کاخ‌هایی می‌گیرید گویی در این دنیا جاویدان می‌مانید، و از آن منتقل نمی‌شوید!؟

﴿وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ﴾ [الشعراء: ۱۳۰].

﴿۱۳۰﴾ و هنگامی که برای قتل یا زدن حمله‌ور می‌شوید ستمکارانه و بدون ترحم و مهربانی حمله‌ور می‌شوید.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۳۱].

﴿۱۳۱﴾ پس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او بترسید، و از من در آنچه شما را به آن امر، و در آنچه شما را از آن نهی می‌کنم فرمان برداری کنید.

﴿وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ﴾ [الشعراء: ۱۳۲].

﴿۱۳۲﴾ و از الله بترسید که از نعمت‌هایش آنچه را خواستید به شما داد.

﴿أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۳۳].

﴿۱۳۳﴾ دام‌ها و فرزندان به شما داد.

﴿وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الشعراء: ۱۳۴].

﴿۱۳۴﴾ باغ‌ها و چشمه‌هایی جاری به شما داد.

﴿إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الشعراء: ۱۳۵].

﴿۱۳۵﴾ - ای قوم من - همانا من از عذاب روزی بزرگ یعنی روز قیامت بر شما می‌ترسم.

﴿قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ﴾ [الشعراء: ۱۳۶].

﴿۱۳۶﴾ قومش به او گفتند: به ما اندرز دهی یا اندرز ندهی نزد ما یکسان است، پس هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، و از آنچه که بر آن هستیم باز نخواهیم گشت.

برخی فواید آیات:

- برتری پیشی‌گیرندگان به ایمان حتی اگر فقیر یا ضعیف باشند.
- نابودی ستمکاران، و نجاتی مؤمنان، سنتی الهی است.
- خطر روی آوردن به دنیا.
- آزار پیروان باطل، و اصرار آنها بر این کار.

﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۳۷].

۱۳۷ این چیزی نیست جز دین و عادات و اخلاق نخستینیان.

﴿وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ﴾ [الشعراء: ۱۳۸].

۱۳۸ و ما عذاب نمی شویم.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۳۹].

۱۳۹ پس به تکذیب پیامبرشان هود عليه السلام ادامه دادند، آن گاه آنها را به سبب تکذیبشان با بادی عقیم نابود کردیم، به طور قطع در نابودی آنها برای پندگیران پندی است، اما بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۱۴۰].

۱۴۰ و - ای رسول - همانا پروردگار تو همان ذات شکست ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می گیرد، و نسبت به توبه کاران آنها بخشنده است.

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۴۱].

۱۴۱ ثمود با تکذیب پیامبرشان صالح عليه السلام رسولان را تکذیب کردند.

﴿إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ [الشعراء: ۱۴۲].

۱۴۲ آن گاه که برادر نسبی شان صالح عليه السلام به آنها گفت: آیا از ترس الله با ترک عبادت غیر او تقوایش را پیشه نمی کنید؟!

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ [الشعراء: ۱۴۳].

۱۴۳ همانا من رسولی برای تان هستم که الله مرا به سوی شما فرستاده است، و در آنچه که از جانب او به شما ابلاغ می کنم امانتداری هستم که نه چیزی بر آن می افزایم و نه چیزی از آن می کاهم.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۴۴].

۱۴۴ پس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او بترسید، و از من در آنچه شما را به آن امر، و در آنچه شما را از آن نهی می کنم فرمان برداری کنید.

﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۴۵].

۱۴۵ و در قبال آنچه از جانب پروردگارم به شما ابلاغ می کنم پاداشی از شما نمی خواهم، و پاداش من فقط بر الله پروردگار مخلوقات است؛ نه برعهده دیگران.

﴿أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۴۶].

﴿۱۴۶﴾ آیا امید دارید که در نیکی‌ها و نعمت‌هایی که قرار دارید ایمن و بدون ترس رها می‌شوید؟!

﴿فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الشعراء: ۱۴۷].

﴿۱۴۷﴾ در باغ‌ها و چشمه‌های جاری.

﴿وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعُهَا هَضِيمٌ﴾ [الشعراء: ۱۴۸].

﴿۱۴۸﴾ و کشتزارها و نخلستان‌هایی که میوه تازه و خوشمزه دارند.

﴿وَتَنْجُوتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ﴾ [الشعراء: ۱۴۹].

﴿۱۴۹﴾ و کوه‌ها را ماهرانه می‌تراشید تا خانه‌هایی مسکونی بسازید [و در آنها به عیش و نوش بپردازید].

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۵۰].

﴿۱۵۰﴾ پس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او بترسید، و از من در آنچه شما را به آن امر، و در آنچه شما را از آن نهی می‌کنم فرمان‌برداری کنید.

﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الشعراء: ۱۵۱].

﴿۱۵۱﴾ و به فرمان کسانی که با ارتکاب گناهان بر خودشان زیاده‌روی می‌کنند گردن ننهید.

﴿الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ [الشعراء: ۱۵۲].

﴿۱۵۲﴾ همان کسانی که با انتشار گناهان، در زمین فساد برپا می‌کنند، و خودشان را با پایبندی به طاعت الله اصلاح نمی‌گردانند.

﴿قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۵۳].

﴿۱۵۳﴾ قومش به او گفتند: تو نیستی جز از کسانی که چند مرتبه سحر شده‌اند تا جایی که سحر بر عقل‌شان چیره گشته و آن را ربوده است.

﴿مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الشعراء: ۱۵۴].

﴿۱۵۴﴾ جز بشری مانند ما نیستی پس هیچ امتیازی بر ما نداری تا اینکه رسولی باشی، پس نشانه‌ای که دلالت کند رسول هستی بیاور اگر در این ادعا راستگویی.

﴿قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾ [الشعراء: ۱۵۵].

۱۵۵) صالح - درحالی که الله نشانه‌ای به او داده بود، یعنی ماده‌شتری که الله از صخره درآورد - به آنها گفت: این ماده‌شتری است که مشاهده و لمس می‌شود، که برای او سهمی از آب، و برای شما سهمی مشخص است، در روزی که سهم شماست نمی‌نوشد، و شما هم در روزی که سهم اوست نمی‌نوشید.

﴿وَلَا تَمْسُوها بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الشعراء: ۱۵۶].

۱۵۶) و پی کردن یا زدنی که به او آسیب می‌رساند به او نرسانید، که به سبب این کار عذابی از جانب الله به شما می‌رسد و در روزی بزرگ به خاطر مصیبتی که در آن روز بر شما نازل می‌شود شما را با آن نابود می‌سازد.

﴿فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۵۷].

۱۵۷) پس بر پی کردن ماده‌شتر متحد شدند، آن گاه سرکش‌ترین‌شان آن را پی کرد، پس چون دانستند که عذاب به‌طور قطع بر آنها نازل می‌شود از کاری که کرده بودند پشیمان شدند، اما پشیمانی هنگام مشاهده عذاب سود نمی‌رساند.

﴿فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۵۸].

۱۵۸) پس عذابی که به آن وعده داده شده بودند یعنی زلزله و فریادی بزرگ آنها را فرا گرفت، به‌راستی که در این قصه صالح عليه السلام و قومش برای پندگیران پندی است، اما بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۱۵۹].

۱۵۹) و - ای رسول - همانا پروردگارت همان ذات شکست‌ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد، و نسبت به بندگان توبه‌کارش بخشنده است.

برخی فواید آیات:

- پیایی رسیدن نعمت‌ها در صورت کفر، نزدیک ساختن تدریجی به نابودی است.
- یادآوری نعمت‌ها، سبب ایمان و بازگشت بنده به‌سوی الله است.
- گناهان سبب فساد در زمین هستند.

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۶۰].

﴿۱۶۰﴾ قوم لوط با تکذیب پیامبرشان لوط علیه السلام، رسولان را تکذیب کردند.

﴿إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ [الشعراء: ۱۶۱].

﴿۱۶۱﴾ آن گاه که برادر نسبی شان لوط علیه السلام به آنها گفت: آیا از ترس الله با ترک شرک به او، تقوای او تعالی را پیشه نمی کنید؟!

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ [الشعراء: ۱۶۲].

﴿۱۶۲﴾ همانا من رسولی برای تان هستم که الله مرا به سوی شما فرستاده است، و در آنچه که از جانب او به شما ابلاغ می کنم امانتداری هستم که نه چیزی بر آن می افزایم و نه چیزی از آن می کاهم.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۶۳].

﴿۱۶۳﴾ پس با اجرای اوامر و ترک نواهی الله از او بترسید، و از من در آنچه شما را به آن امر، و در آنچه شما را از آن نهی می کنم فرمان برداری کنید.

﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۶۴].

﴿۱۶۴﴾ و در قبال آنچه از جانب پروردگارم به شما ابلاغ می کنم پاداشی از شما نمی خواهم، پاداش من فقط بر الله پروردگار مخلوقات است؛ نه برعهده دیگران.

﴿أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۶۵].

﴿۱۶۵﴾ آیا از میان مردم با مردان آمیزش می نمائید؟!

﴿وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ﴾ [الشعراء: ۱۶۶].

﴿۱۶۶﴾ و آمیزش با عورت همسرانتان را که الله آن را برای این هدف آفریده که شهوتهای تان را از آن طریق برآورده کنید، رها می کنید؟! بلکه شما با این انحراف زشت از حدود الله می گذرید.

﴿قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ﴾ [الشعراء: ۱۶۷].

﴿۱۶۷﴾ قومش به او گفتند: ای لوط اگر از نهی ما از انجام این کار و اعتراض به خاطر آن بر ما دست نکشی به طور قطع تو و همراهیانت از شهر ما رانده خواهید شد.

﴿قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ﴾ [الشعراء: ۱۶۸].

﴿۱۶۸﴾ لوط علیه السلام به آنها گفت: به راستی که من این کاری که آن را انجام می دهید نمی پسندم و بر آن خشم می گیرم.

﴿رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ﴾ [الشعراء: ۱۶۹].

﴿۱۶۹﴾ با خواندن پروردگارش گفت: پروردگارا مرا و خانواده ام را از عذابی که به اینها به سبب کار زشتی که انجام می دهند خواهد رسید نجات ده.

﴿فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ﴾ [الشعراء: ۱۷۰].

﴿۱۷۰﴾ پس دعایش را اجابت کردیم و او و تمام خانواده اش را نجات دادیم.

﴿إِلَّا عَجُوزًا فِي الْعَابِرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۷۱].

﴿۱۷۱﴾ مگر همسرش را که کافر، و از بین رفتگان و نابودشدگان بود.

﴿ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۷۲].

﴿۱۷۲﴾ پس از اینکه لوط علیه السلام و خانواده اش از شهر (سُدُوم) خارج شدند باقی ماندگان بعد از او را به سخت ترین وجه نابود کردیم.

﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۷۳].

﴿۱۷۳﴾ و سنگ هایی از آسمان مانند باران بر آنها فرو فرستادیم، پس چه زشت بود باران اینها که لوط علیه السلام آنها را از عذاب الله در صورتی که بر ارتکاب منکری که بودند ادامه دهند انذار داد و ترساند.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۷۴].

﴿۱۷۴﴾ همانا در این عذاب نازل شده بر قوم لوط به سبب انجام فاحشه، برای پندگیران پندی است، اما بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۱۷۵].

﴿۱۷۵﴾ و - ای رسول - همانا پروردگارت همان ذات شکست ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می گیرد، و نسبت به بندگان توبه کارش بخشنده است.

﴿كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۷۶].

﴿۱۷۶﴾ و اصحاب شهر دارای درختان انبوه نزدیک مدین رسولان را تکذیب کردند آن گاه که پیامبرشان علیه السلام را تکذیب کردند.

﴿إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ [الشعراء: ۱۷۷].

﴿۱۷۷﴾ آن گاه که پیامبرشان شعیب علیه السلام به آنها گفت: آیا از ترس الله با ترک شرک به او، تقوای او تعالی را پیشه نمی کنید؟!

﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ [الشعراء: ۱۷۸].

﴿۱۷۸﴾ همانا من رسولی برای تان هستم که الله مرا به سوی شما فرستاده است، و در آنچه از جانب او به شما ابلاغ می کنم امانتداری هستم که بر آنچه مرا به تبلیغ آن فرمان داده است نه چیزی می افزایم و نه چیزی از آن می کاهم.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الشعراء: ۱۷۹].

﴿۱۷۹﴾ پس با اجرای اوامر و ترک نواهی الله از او بترسید، و از من در آنچه شما را به آن امر، و در آنچه شما را از آن نهی می کنم فرمان برداری کنید.

﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸۰].

﴿۱۸۰﴾ و در قبال آنچه از جانب پروردگارم به شما ابلاغ می کنم پاداشی از شما نمی خواهم، پاداش من فقط بر الله پروردگار مخلوقات است؛ نه برعهده دیگران.

﴿* أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸۱].

﴿۱۸۱﴾ آن گاه که برای مردم می فروشید پیمانانه را کامل کنید، و از کسانی نباشید که وقتی به مردم می فروشند از پیمانانه می کاهند.

﴿وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ﴾ [الشعراء: ۱۸۲].

﴿۱۸۲﴾ و هنگامی که برای دیگران وزن می کنید با ترازوی درست وزن کنید.

﴿وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸۳].

﴿۱۸۳﴾ و از حقوق مردم نگاهید، و با ارتکاب گناهان در زمین بسیار فساد برپا نکنید.

برخی فواید آیات:

- لواط انحراف از فطرت و گناهی بزرگ است.
- یکی از آزمایش های دعوتگر این است که خانواده اش کافر یا گناهکار باشند.
- روابط دنیوی اگر ایمان همراهش نباشد، هنگامی که عذاب نازل شود سودی به صاحبش نمی رساند.
- وجوب کامل کردن پیمانانه و حرمت کم فروشی.

﴿وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸۴].

﴿۱۸۵﴾ و با ترس از ذاتی که شما و امت‌های پیشین را آفرید از او بترسید از اینکه عذابش را بر شما نازل کند.

﴿قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸۵].

﴿۱۸۶﴾ قوم شعیب علیه السلام به او گفتند: تو نیستی جز از کسانی که چند بار سحر شده‌اند تا اینکه سحر بر عقلت چیره شده و آن را از بین برده است.

﴿وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نُنْظِقُكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸۶].

﴿۱۸۷﴾ و جز بشری مانند ما نیستی پس هیچ امتیازی بر ما نداری، پس چگونه رسولی هستی؟ و تو را جز دروغگویی در ادعای رسالت نمی‌پنداریم.

﴿فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الشعراء: ۱۸۷].

﴿۱۸۸﴾ پس پاره‌ای از آسمان بر ما فرو ریز اگر در آنچه ادعا می‌کنی راستگو هستی.

﴿قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الشعراء: ۱۸۸].

﴿۱۸۹﴾ شعیب علیه السلام به آنها گفت: پروردگارم به شرک و گناهایی که انجام می‌دهید آگاه‌تر است و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يُّومَ الظَّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ يُّومٍ عَظِيمٍ﴾ [الشعراء: ۱۸۹].

﴿۱۹۰﴾ اما بر تکذیب او ادامه دادند، پس غذایی بزرگ آنها را فرا گرفت آن‌گاه که ابری پس از روزی بسیار گرم بر آنها سایه افکند، و آتشی بر آنها بارید و آنها را سوزاند، همانا روز نابودی آنها روزی بسیار هولناک بود.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۰].

﴿۱۹۱﴾ همانا در این نابودی قوم شعیب علیه السلام برای پندگیران پندی است، اما بیشتر مردم ایمان نمی‌آوردند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَهَوَّ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الشعراء: ۱۹۱].

﴿۱۹۲﴾ و - ای رسول - همانا پروردگارت همان ذات شکست‌ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد، و نسبت به بندگان توبه‌کارش بخشنده است.

﴿وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۲].

﴿۱۹۳﴾ و همانا این قرآن نازل شده بر محمد صلی الله علیه و آله از جانب پروردگار مخلوقات نازل شده است.

﴿نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ﴾ [الشعراء: ۱۹۳].

﴿۱۹۳﴾ جبریل امین آن را نازل کرد.

﴿عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۴].

﴿۱۹۴﴾ - ای رسول - آن را بر قلبت نازل کرد تا از رسولانی باشی که مردم را انذار می دهند، و از عذاب الله می ترسانند.

﴿بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ﴾ [الشعراء: ۱۹۵].

﴿۱۹۵﴾ آن را به زبان عربی واضح نازل کرد.

﴿وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۶].

﴿۱۹۶﴾ و همانا این قرآن در کتب نخستینان مذکور است، که کتابهای آسمانی پیشین به آن بشارت داده اند.

﴿أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [الشعراء: ۱۹۷].

﴿۱۹۷﴾ آیا اینها که تو را تکذیب می کنند نشانه ای بر راستگویی تو نداشته اند که علمای بنی اسرائیل مانند عبدالله بن سلام از حقیقت آنچه بر تو نازل شده است آگاه هستند.

﴿وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۸].

﴿۱۹۸﴾ و اگر این قرآن را بر برخی عجمها که به زبانی عربی سخن نمی گویند نازل می کردیم.

﴿فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۱۹۹].

﴿۱۹۹﴾ و آن را برای شان می خواند به آن ایمان نمی آوردند؛ زیرا می گفتند: آن را نمی فهمیم، پس باید الله را ستایش کنند که به زبان آنها نازل کرد.

﴿كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الشعراء: ۲۰۰].

﴿۲۰۰﴾ این گونه تکذیب و کفر را در دل های مجرمان درمی آوریم.

﴿لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾ [الشعراء: ۲۰۱].

﴿۲۰۱﴾ تا از کفری که بر آن هستند تغییر نکنند و ایمان نیاورند تا زمانی که عذاب رنج آور را ببینند.

﴿فَيَأْتِيَهُمْ بَعُثَةٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [الشعراء: ۲۰۲].

﴿۲۰۲﴾ پس عذاب ناگهانی آنها را فرا می‌گیرد، درحالی‌که از آمدنش اطلاعی ندارند تا آنها را غافلگیر کند.

﴿فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ﴾ [الشعراء: ۲۰۳].

﴿۲۰۳﴾ پس هنگامی‌که عذاب به صورت ناگهانی بر آنها نازل می‌شود از افسوس زیاد می‌گویند: آیا به ما مهلت داده می‌شود تا به‌سوی الله توبه کنیم؟!

﴿أَفِعْذَابِنَا يُسْتَعْجِلُونَ﴾ [الشعراء: ۲۰۴].

﴿۲۰۴﴾ پس آیا این کافران خواستار تعجیل در عذاب ما هستند و می‌گویند: هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد تا همان‌گونه که ادعا کردی پاره‌ای از آسمان بر ما فرو ریزد؟!

﴿أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۰۵].

﴿۲۰۵﴾ پس - ای رسول - به من خبر بده اگر این کافران را که از ایمان به آنچه آورده ای روی می‌گردانند زمانی طولانی از نعمت‌ها بهره‌مند کنیم.

﴿ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ﴾ [الشعراء: ۲۰۶].

﴿۲۰۶﴾ و پس از این مدتی که این نعمت‌ها به آنها رسیده است عذابی را که به آنها وعده داده می‌شود، دامنگیرشان گردد.

برخی فواید آیات:

- هرچه مسلمان در زبان عربی بیشتر بیندیشد، بر فهم قرآن تواناتر می‌شود.
- استدلال بر مشرکان به اقرار پیروان منصف اهل کتاب به اینکه قرآن از جانب الله است.
- نعمت‌های دنیا که کفار به آن می‌رسند سبب نزدیک کردن تدریجی آنها به سمت عذاب است و هرگز بر احترام و گرامیداشت آنها دلالت ندارد.

﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ﴾ [الشعراء: ۲۰۷].

﴿۲۰۷﴾ نعمت‌هایی که در دنیا بر آن بودند چه نفعی به آنها می‌رساند؟! آن نعمت‌ها از بین رفته است، و هیچ چیز یافت نمی‌شود.

﴿وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ﴾ [الشعراء: ۲۰۸].

﴿۲۰۸﴾ و هیچ‌یک از امت‌ها را نابود نکردیم مگر اینکه پس از ارسال رسولان و فرو فرستادن کتاب‌ها عذری برای‌شان نگذاشتیم.

﴿ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [الشعراء: ۲۰۹].

﴿۲۰۹﴾ تا اندرز و تذکری برای‌شان باشد، و ما با عذاب کردن آنها پس از اینکه با ارسال رسولان و نزول کتاب‌ها عذری برای‌شان نگذاشتیم بر آنها ستم نکردیم.

﴿وَمَا تَنْزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ﴾ [الشعراء: ۲۱۰].

﴿۲۱۰﴾ و شیطان‌ها این قرآن را بر قلب رسول ﷺ نازل نکرده‌اند.

﴿وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَظِيْعُونَ﴾ [الشعراء: ۲۱۱].

﴿۲۱۱﴾ و سزاوار نیست که آنها قرآن را بر قلبش نازل کنند، و قادر بر انجام این کار نیز نیستند.

﴿إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمْعَرُؤُونَ﴾ [الشعراء: ۲۱۲].

﴿۲۱۲﴾ قادر بر انجام این کار نیستند چون از مکان آن در آسمان دور نگه داشته شده‌اند، پس چگونه به آن می‌رسند و آن را نازل می‌کنند؟!

﴿فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتُكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۳].

﴿۲۱۳﴾ پس معبودی دیگر همراه الله عبادت نکن که او را با الله شریک گردانی، که به سبب این کار از عذاب شدگان خواهی بود.

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۴].

﴿۲۱۴﴾ - ای رسول - قومت را به ترتیب نزدیکی (خویشاوندی) انذار بده تا عذاب الله به آنها نرسد در صورتی که بر شرک باقی بمانند.

﴿وَإِخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۵].

﴿۲۱۵﴾ و از روی رحمت و مهربانی برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند رفتار و سخن نرم برگزین.

﴿فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [الشعراء: ۲۱۶].

﴿۲۱۶﴾ و اگر از تو نافرمانی کردند، و توحید و طاعت الله که آنها را به آن فرمان دادی اجابت نکردند، به آنها بگو: همانا من از شرک و گناهای که انجام می‌دهید بیزار هستم.

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ [الشعراء: ۲۱۷].

﴿۲۱۷﴾ و در تمام امورت بر ذات شکست‌ناپذیری توکل کن که از دشمنانش انتقام می‌گیرد و نسبت به کسانی از آنها که به‌سویش باز می‌گردند بخشنده است.

﴿الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ﴾ [الشعراء: ۲۱۸].

﴿۲۱۸﴾ همان ذات منزّهی که وقتی برای نماز برمی‌خیزی تو را می‌بیند.

﴿وَتَقَلَّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ﴾ [الشعراء: ۲۱۹].

﴿۲۱۹﴾ و او سبحانه حرکت تو را از حالی به حالی دیگر در میان نمازگزاران می‌بیند، ذره‌ای از اعمال تو و اعمال دیگران بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الشعراء: ۲۲۰].

﴿۲۲۰﴾ همانا او قرآن و ذکری را که در نماز تلاوت می‌کنی می‌شنود، و از نیت تو آگاه است.

چون ادعا کردند که شیاطین قرآن را نازل می‌کنند، و اینکه محمد ﷺ شاعری است، الله ادعای‌شان را رد کرد و فرمود:

﴿هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلَ الشَّيَاطِينُ﴾ [الشعراء: ۲۲۱].

﴿۲۲۱﴾ آیا بر شما خبر دهم شیاطینی که ادعا می‌کنند این قرآن را نازل می‌کنند بر چه کسی فرود می‌آیند؟

﴿تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ﴾ [الشعراء: ۲۲۲].

﴿۲۲۲﴾ شیاطین بر هر کاهن دروغگوی بسیار گناهکار و نافرمان فرود می‌آیند.

﴿يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۳].

﴿۲۲۳﴾ شیاطین دزدانه به ملاً اعلی گوش فرا می‌دهند، آن‌گاه آن را به دوستان کاهن خویش می‌افکنند، و بیشتر کاهنان دروغگو هستند، که اگر یک کلمه راستی بگویند همراه آن صد دروغ می‌گویند.

﴿وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۴].

﴿۲۲۴﴾ شاعران که ادعا کردید محمد ﷺ از آنها است، گمراهان از راه هدایت و راستی، از آنها پیروی می‌کنند، و اشعارشان را روایت می‌کنند.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۵].

﴿۲۲۵﴾ - ای رسول - آیا ندیده‌ای که از مظاهر گمراهی آنها این است که در هر وادی‌ای سرگردانند که گاهی در مدح حرکت می‌کنند، و گاهی در ذم؛ و گاهی در امور دیگر.

﴿وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۶].

﴿۲۲۶﴾ و اینکه دروغ می‌گویند، یعنی می‌گویند: چنین کردیم، درحالی که آن کار را انجام نداده‌اند.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا

وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ [الشعراء: ۲۲۷].

﴿۲۲۷﴾ مگر کسانی از شاعران که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، و الله را بسیار یاد کردند، و پس از اینکه دشمنان الله بر آنها ستم کردند از آنها انتقام گرفتند؛ مانند حسان بن ثابت ؓ. و به‌زودی کسانی که با شرک به الله و تجاوز بر بندگان ستم کرده‌اند خواهند دانست که به چه بازگشت‌گاهی بازگردانده می‌شوند، یعنی به موضعی بزرگ، و حسابی دقیق باز خواهند گشت.

برخی فواید آیات:

- اثبات عدالت برای الله، و نفی ظلم از او تعالی.
- منزّه دانستن قرآن از نزدیکی شیاطین به آن.
- اهمیت نرمی و مهربانی برای دعوتگران به‌سوی الله.
- شعر نیکو، نیکو است؛ و شعر زشت، زشت است.

سوره النمل

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اعطای معجزه بزرگ - یعنی قرآن - به پیامبر ﷺ و تشویق بر شکر و سپاسگزاری از این نعمت و صبر بر تبلیغ آن.

تفسیر:

﴿طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ [النمل: ۱].

① ﴿طس﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در آغاز سوره بقره بیان شد. این آیات نازل شده بر تو همان آیات قرآن، و کتاب واضحی است که هیچ ابهامی در آن نیست، و هرکس در آن تدبر کند خواهد دانست که از جانب الله نازل شده است.

﴿هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ [النمل: ۲].

② این آیات مایه هدایت و راهنمایی به سوی حق، و مایه بشارت مؤمنان به الله و رسولش است.

﴿الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [النمل: ۳].

③ همان کسانی که نماز را به کاملترین وجه ادا می کنند، و زکات اموالشان را در موارد مصرفش می پردازند، و همانها به پاداش و کیفر آخرت یقین دارند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾ [النمل: ۴].

④ در حقیقت کافران که به آخرت و پاداش و کیفر آن ایمان ندارند، اعمال بدشان را برایشان آراستیم، پس انجام آنها را ادامه دادند، و آنها سرگردان هستند و به راه راست و حق هدایت نمی شوند.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخُسْرُونَ﴾ [النمل: ۵].

⑤ اینها که دارای صفات مذکور هستند همان کسانی هستند که عذاب سخت در دنیا با قتل و اسارت برایشان است، و همانها در آخرت زینکارترین مردم هستند،

چون در روز قیامت به خودشان و خانواده‌های‌شان با جاویدان کردن آنها در جهنم زیان می‌رسانند.

﴿وَإِنَّكَ لَلتَّقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾ [النمل: ۶].

۶ و - ای رسول - به‌راستی که تو این قرآن نازل‌شده بر خویش را از جانب ذاتی که در آفرینش و تدبیر و شرعش حکیم است دریافت می‌کنی یعنی همان ذات دانایی که هیچ‌چیز از مصالح بندگانش بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿إِذْ قَالَ مُوسَى لَأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبْرٍ أَوْ آتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ [النمل: ۷].

۷ - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که موسی علیه السلام به خانواده‌اش گفت: به‌راستی که من آتشی دیدم، به زودی از محلی که آتش، فروزان است خبری برای‌تان خواهم آورد تا ما را به راه راهنمایی کند، یا شعله‌ای از آن برای‌تان می‌آورم تا خودتان را در برابر سرما گرم کنید.

﴿فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [النمل: ۸].

۸ چون به مکان آتشی که دیده بود رسید الله به او ندا داد که: برای بزرگداشت پروردگار جهانیان و منزّه دانستن او تعالی از صفاتی که سزاوارش نیست و گمراهان با آنها، او را توصیف می‌کنند، فرشتگانی را که در این آتش، و پیرامون آن هستند گرمی بدار.

﴿يَا مُوسَى إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [النمل: ۹].

۹ الله به او گفت: ای موسی، همانا من الله ذات شکست‌ناپذیری هستم که هیچ کس بر من چیره نمی‌شود، و در خلق و تقدیر و شریعت خویش بسیار دانا هستم.

﴿وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ﴾ [النمل: ۱۰].

۱۰ و عصایت را بیفکن، آن‌گاه موسی علیه السلام اطاعت کرد، پس چون موسی علیه السلام عصا را دید که همانند ماری می‌جنبد و حرکت می‌کند به آن پشت کرد و بازنگشت، آن‌گاه الله به او گفت: از آن نترس، زیرا نزد من رسولان نه از مار و نه از هیچ چیز دیگری نمی‌ترسند.

﴿إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [النمل: ۱۱].

❶ اما کسی که با ارتکاب گناه به خودش ستم کند، سپس توبه کند همانا من نسبت به او بسیار آمرزنده و مهربان هستم.

﴿وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتِ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ [النمل: ۱۲].

❷ و دستت را در گریبان قرار بده که مانند برف و بدون پیسی، سفید درمی آید. این نشانه، از جمله آیات نه گانه ای است که به راستگویی تو نزد فرعون و قومش گواهی می دهند - یعنی افزون بر دست: عصا، خشکسالی، کمبود میوه ها، طوفان، ملخ، شپش، قورباغه ها، و خون - . به راستی که آنها مردمی هستند که به سبب کفر به الله نافرمان او تعالی هستند.

﴿فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [النمل: ۱۳].

❸ پس چون این آیات واضح و آشکار ما که موسی را با آنها تقویت کردیم نزدشان آمد گفتند: این آیاتی که موسی آورده سحری آشکار است.

برخی فواید آیات:

- قرآن هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.
- کفر به الله یکی از اسباب پیروی از کارها و سخنان باطل، و سرگردانی و اضطراب است.
- تأمین و حفاظت الله سبحانه برای رسولان، از هر آسیبی.

﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ﴾
[النمل: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و به سبب ستم و گردنکشی در برابر حق به این آیات روشن با آن که دل‌های شان یقین داشت که از جانب الله هستند کفر ورزیدند و به آنها اقرار نکردند، پس - ای رسول - بنگر که سرانجام فسادکاران در زمین به سبب کفر و گناهان شان چگونه بود، به تحقیق که همگی آنها را هلاک و نابود کرده‌ایم.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [النمل: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و به تحقیق که به داود و پسرش سلیمان علمی عطا کردیم که علم کلام پرندگان بخشی از آن بود، و داود و سلیمان علیهما السلام در حالی که الله را شکر می‌کردند گفتند: تمام ستایش‌ها از آن الله است که ما را با نبوت و تسخیر جن و شیاطین، بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری داد.

﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِمْنَا مَنَاطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ﴾ [النمل: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و سلیمان از پدرش داود، نبوت و علم و پادشاهی میراث برد، و برای بازگویی نعمت الله بر خودش و پدرش گفت: ای مردم، الله فهم صداهای پرندگان را به ما آموخته است، و از هر چیزی که به پیامبران و پادشاهان عطا کرده به ما عطا کرده است، به راستی آنچه که الله سبحانه به ما عطا کرده، همان فضل آشکار و روشن است.

﴿وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ [النمل: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و برای سلیمان عليه السلام لشکریان او اعم از انسان‌ها و جن‌ها و پرندگان گرد آمدند، و با نظم و ترتیب رانده می‌شدند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِي النَّمْلِ قَالَتِ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [النمل: ۱۸].

﴿۱۸﴾ پس پیوسته رانده می‌شدند تا اینکه به دره مورچگان (مکانی در شام) رسیدند آن‌گاه یکی از مورچگان گفت: ای مورچگان وارد خانه‌های تان شوید تا سلیمان و لشکریانش در حالی که از وجود شما آگاه نیستند شما را نابود نکنند، اما اگر از حضورتان آگاه باشند شما را لگدمال نخواهند کرد.

﴿فَتَبَسَّمْ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَتِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل: ۱۹].

﴿۱۹﴾ سلیمان علیه السلام با شنیدن سخن آن مورچه تبسمی کرد و پروردگارش سبحانه را این گونه فراخواند: پروردگارا مرا توفیق ده و به من الهام کن تا شکر نعمت تو را که آن را بر من و بر پدرم ارزانی داشتی به جای آورم، و مرا توفیق ده تا علم نیکویی که تو آن را می‌پسندی انجام دهم، و به رحمت خویش مرا در زمره بندگان صالح خویش قرار ده.

﴿وَتَقَفَّذَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ﴾ [النمل: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و سلیمان علیه السلام جویای احوال پرندگان شد اما هدهد را ندید، گفت: چرا هدهد را نمی‌بینم؟ آیا مانعی باعث شده تا او را نبینم، یا از غایبان است.

﴿لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ [النمل: ۲۱].

﴿۲۱﴾ وقتی غیبت هدهد برایش آشکار شد گفت: به طور قطع او را به کیفر غیبتش به عذابی سخت عذاب خواهیم کرد یا سرش را خواهیم برید، مگر اینکه دلیلی واضح برایم بیاورد تا عذر غیبتش آشکار گردد.

﴿فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِن سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ﴾ [النمل: ۲۲].

﴿۲۲﴾ پس هدهد زمانی کوتاه غایب ماند، و وقتی آمد به سلیمان علیه السلام گفت: بر چیزی که تو از آن اطلاع نیافتی اطلاع یافته‌ام، و از اهل سبأ خبری راست و بدون تردید برایت آورده‌ام.

برخی فواید آیات:

- تبسم، خنده بزرگواران است.
- شکر نعمت‌ها، ادب پیامبران علیهم السلام و صالحان در برابر پروردگارشان است.
- عذرخواهی صادقانه از صالحان.
- حکومت کردن بر رعیت با اجرای کیفر بر مجرمان، و پذیرفتن عذر معذور.
- گاهی کوچکترها نسبت به امری آگاه هستند که بزرگان هیچ اطلاعی از آن ندارند.

﴿إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ﴾ [النمل: ۲۳].

۲۳ به راستی دیدم که زنی بر آنها حکومت می‌کند، و از تمام اسباب قدرت و پادشاهی به این زن داده شده است، و تخت بزرگی دارد که امور قومش را از بالای آن اداره می‌کند.

﴿وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَرَبِّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾ [النمل: ۲۴].

۲۴ این زن و قومش را دیدم که به جای الله در برابر خورشید سجده می‌کنند، و شیطان اعمال شرکی و گناهان شان را برای شان آراسته است، و آنها را از راه حق منحرف کرده است، پس به حق هدایت نمی‌شوند.

﴿أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الحَبَّاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ﴾ [النمل: ۲۵].

۲۵ شیطان اعمال شرک و گناهان را برای شان آراسته؛ تا به الله یگانه‌ای که باران‌هایی را که در آسمان، و گیاهانی را که در زمین نهان کرده درمی‌آورد، و اعمال نهان و آشکار شما را می‌داند، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند سجده نکنند.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ العَرْشِ العَظِيمِ﴾ [النمل: ۲۶].

۲۶ الله که هیچ معبود برحقى جز او نیست، و پروردگار عرش بزرگ است.

﴿* قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الكَاذِبِينَ﴾ [النمل: ۲۷].

۲۷ سلیمان عليه السلام به هدهد گفت: خواهیم دید که آیا در آنچه ادعا می‌کنی راست گفتی، یا از دروغگویان بودی.

﴿أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ﴾ [النمل: ۲۸].

۲۸ پس سلیمان عليه السلام نامه‌ای نوشت و آن را به هدهد داد، و به او گفت: این نامه ام را ببر و آن را به سوی اهل سبأ بیفکن، و از آنها کناره بگیر و بشنو در مورد نامه به یکدیگر چه می‌گویند [و چه عکس العمل نشان می‌دهند].

﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا المَلَأُ إِنِّي أُلْقِي إِلَى كِتَابِ كَرِيمٍ﴾ [النمل: ۲۹].

۲۹ و ملکه نامه را دریافت کرد و گفت: ای سران همانا نامه‌ای گرامی و ارزشمند برایم آمده است.

﴿إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [النمل: ۳۰].

﴿۳۰﴾ مضمون این نامه فرستاده شده از جانب سلیمان علیه السلام که با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می شود چنین است:

﴿أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ۳۱].

﴿۳۱﴾ تکبر نورزید، و گردن نهاده و تسلیم در برابر توحید الله و ترک شرک به او که بر آن هستید و خورشید را همراه او عبادت می کنید، نزد من بیایید.

﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون﴾ [النمل: ۳۲].

﴿۳۲﴾ ملکه گفت: ای سران و بزرگان، وجه درست کارم را بر من آشکار کنید، که من کاری را بدون اینکه شما را حاضر کنم و نظرتان را در مورد آن آشکار کنید انجام نداده‌ام.

﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأَوْلُوا بِأَبْسِ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ﴾ [النمل: ۳۳].

﴿۳۳﴾ سران قومش به او گفتند: ما دارای قدرتی بزرگ، و نیروی جنگی قدرتمندی هستیم، اما رأی آن است که به نظر تو می رسد پس بنگر ما را به چه چیزی امر می کنی که ما بر اجرای آن توانا هستیم.

﴿قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذَلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ﴾ [النمل: ۳۴].

﴿۳۴﴾ ملکه گفت: همانا پادشاهان وقتی وارد یکی از شهرها شوند با قتل و غارت و چپاولی که انجام می دهند آن شهر را تباه می سازند، و سران و بزرگان را پس از اینکه در عزت و رفاه بودند خوار می گردانند، و همیشه پادشاهان اگر بر اهل شهری غلبه یابند چنین می کنند؛ تا هیبت و ترس را در دل ها بنشانند.

﴿وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ﴾ [النمل: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و همانا من هدیه‌ای به صاحب نامه و قومش می فرستم، و می نگرم که فرستادگان پس از ارسال این نامه چه چیزی برایم می آورند.

برخی فواید آیات:

- اعتراض هدهد بر شرک و کفر قوم سبأ بر این امر دلالت دارد که ایمان نزد مخلوقات فطری است.
- تحقیق از متهم و تفحص و بررسی دلایل او.
- مشروعیت کشف اخبار دشمنان.
- یکی از آداب نوشتن نامه، آغاز آن با بسم الله الرحمن الرحیم است.
- اظهار عزت مؤمن در برابر پیروان باطل، امری مطلوب است.

﴿فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ﴾ [النمل: ۳۶].

۳۶ پس وقتی فرستادهٔ ملکه و کسانی از یارانش که هدیه را حمل می‌کردند نزد سلیمان علیه السلام آمدند سلیمان علیه السلام با این سخن به خاطر ارسال هدیه بر آنها اعتراض کرد: آیا مرا به اموالی یاری می‌دهید تا مرا از خود بازدارید، اما نبوت و پادشاهی و مالی که الله به من عطا کرده بهتر از چیزی است که به شما عطا کرده است، بلکه شما هستید که به آنچه از بهرهٔ دنیا که به شما هدیه داده می‌شود شادمانی می‌کنید.

﴿ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ [النمل: ۳۷].

۳۷ سلیمان علیه السلام به فرستادهٔ ملکه گفت: با هدیه‌ای که آورده‌ای به سوی آنها بازگرد، به‌طور قطع لشکریانی بر سر او و قومش می‌آوریم که توان رویارویی با آنها را ندارند، و اگر از در تسلیم نزد من نیایند آنها را پس از اینکه گرامی بودند خوار و زبون از سباً بیرون می‌کنیم.

﴿قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ۳۸].

۳۸ سلیمان علیه السلام خطاب به بزرگان پادشاهی خویش گفت: ای سران، کدامیک از شما تخت پادشاهی او را قبل از اینکه از در تسلیم نزد من آیند برایم می‌آورد؟

﴿قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ﴾ [النمل: ۳۹].

۳۹ جنی گردنکش، این‌گونه به او پاسخ داد: قبل از اینکه از همین جایی که نشسته‌ای برخیزی تخت او را برایت می‌آورم، و به‌راستی که من بر حمل آن توانا، و بر آنچه در آن وجود دارد امانت‌دار هستم، و ذره‌ای از آن نمی‌کاهم.

﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ﴾ [النمل: ۴۰].

۴۰ مردی صالح و عالم نزد سلیمان، که دانشی از کتاب، از جمله اسم اعظم الله که اگر به آن خوانده شود اجابت می‌کند، داشت گفت: قبل از اینکه پلک چشمت را

تکان دهی من تخت او را برایت می آورم؛ به این ترتیب که الله را می خوانم به ناگاه آن را می آورد، پس دعا کرد و الله دعایش را اجابت کرد، وقتی سلیمان علیه السلام تخت او را نزد خویش مستقر دید گفت: این از فضل پروردگارم سبحانه است؛ تا مرا بیازماید که آیا نعمت هایش را سپاسگزاری می کنم یا آنها را ناسپاسی می کنم؟ و هرکس شکر الله را به جای آورد نفع شکرگزاری او فقط به خودش بازمی گردد، زیرا الله ذات بی نیازی است که شکر بندگان بر او نمی افزاید، و هرکس نعمت های الله را انکار کند و شکرشان را برای الله به جای نیاورد، همانا پروردگار من از شکر او بی نیاز و کریم است، و یکی از مظاهر بخشندگی او تعالی این است که بر کسانی که نعمت هایش را ناسپاسی کنند نیز می بخشد.

﴿قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ﴾ [النمل: ۴۱].

﴿۴۱﴾ سلیمان علیه السلام گفت: تخت پادشاهی او را از ظاهری که داشت تغییر دهید تا بنگریم: آیا به شناخت اینک تختش است راه می یابد، یا از کسانی است که به شناخت وسایل شان راه نمی یابند؟

﴿فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ۴۲].

﴿۴۲﴾ پس وقتی ملکه سبأ نزد سلیمان علیه السلام آمد برای آزمایش به او گفته شد: آیا این همان تخت توست؟ آن گاه طبق سوال پاسخ داد: گویی همان است، آن گاه سلیمان علیه السلام گفت: و پیش از این الله ما را از قدرت خویش بر مانند این کارها آگاه کرده است، و ما تسلیم امر الله و فرمان بردار او بودیم.

﴿وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ﴾ [النمل: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و آنچه را که به پیروی و تقلید از قومش به جای الله عبادت می کرد او را از توحید الله بازداشته بود، به راستی که او از قوم کافران به الله و همانند آنها کافر بود.

﴿قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبْتَهُ كُفَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [النمل: ۴۴].

ﷻ به او گفته شد: وارد کاخ شو، درحالی که آن کاخ مانند سطح صاف و همواری بود، چون آن را دید گمان کرد آبی است پس ساق‌هایش را نمایان کرد تا در آن وارد شود، سلیمان علیه السلام گفت: این کاخی مسطح از شیشه است، او را به سوی اسلام فراخواند، او نیز دعوت سلیمان علیه السلام را اجابت کرد و گفت: پروردگارا من با عبادت دیگران همراه تو بر خودم ستم کردم، و اکنون همراه سلیمان در برابر الله، پروردگار تمام مخلوقات تسلیم شدم.

برخی فواید آیات:

- نیروی ایمانی، پناهگاه مؤمن در برابر تأثیرپذیری از اموال فانی دنیاست.
- شادی به مادیات و تمایل به آنها یکی از صفات کافران است.
- بیداری انسان مومن در برابر نعمت‌های الله.
- آزمایش تیزهوشی دشمن به قصد تعامل مناسب با او.
- ابراز برتری بر دشمن برای تأثیرگذاری در او.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ﴾
[النمل: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و به تحقیق که به سوی ثمود برادر نسبی‌شان صالح علیه السلام را فرستادیم که تنها الله را عبادت کنید، به‌ناگاه پس از دعوت او به آنها دو گروه شدند: گروه مؤمن، و دیگری کافر که با هم تنازع می‌کردند که کدام‌یک برحق است.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النمل: ۴۶].

﴿۴۶﴾ صالح علیه السلام به آنها گفت: چرا پیش از رحمت، تعجیل عذاب را می‌خواهید؟ آیا از الله آمرزش برای گناهان‌تان نمی‌خواهید تا بر شما رحم کند.

﴿قَالُوا أَظِيرْنَا بَكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ﴾ [النمل: ۴۷].

﴿۴۷﴾ قومش از روی سرسختی در برابر حق به او گفتند: ما به تو و مؤمنان همراهت فال بد زدیم، صالح علیه السلام به آنها گفت: فقط الله از سبب ورود مصیبت بر شما آگاه است و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، بلکه شما قومی هستید که با خیری که برای‌تان گسترده می‌شود و با شری که به شما می‌رسد آزمایش می‌شوید.

﴿وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾ [النمل: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و در شهر حجر نه مرد بودند که با کفر و گناهان در زمین فساد برپا می‌کردند، و با ایمان و عمل صالح در آن اصلاح نمی‌کردند.

﴿قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾ [النمل: ۴۹].

﴿۴۹﴾ به یکدیگر گفتند: هر یک از ما باید به الله سوگند یاد کند که شبانه در خانه صالح بر او وارد می‌شویم، و او را می‌کشیم، سپس به ولی دم او می‌گوییم: ما شاهد قتل صالح و اهلش نبودیم، و به‌راستی که ما در آنچه می‌گوییم راستگو هستیم.

﴿وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [النمل: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و نیرنگی پنهانی برای نابودی صالح علیه السلام و پیروان مؤمن او اندیشیدند، و ما نیز تدبیری برای یاری و نجات او از مکر آنها و نابودی کافران قومش اندیشیدیم، درحالی‌که از آن آگاه نبودند.

﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَا لَهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [النمل: ۵۱].

﴿۵۱﴾ پس - ای رسول - بنگر که سرانجام تدبیر و مکرشان چگونه بود؟ اینکه آنها را با غذایی از جانب خویش از ریشه برکنندیم و همگی آنها را نابود ساختیم.

﴿فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [النمل: ۵۲].

﴿۵۲﴾ پس این خانه‌های‌شان است که دیوارهای‌شان بر روی سقف‌های‌شان ویران شده است، و از ساکنان خویش به سبب ستم‌شان خالی مانده است، همانا در غذایی که به سبب ستم‌شان بر آنها رسید عبرتی است برای مردمی که ایمان دارند، زیرا آنها هستند که از نشانه‌ها عبرت می‌گیرند.

﴿وَأَحْيَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ [النمل: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و کسانی از قوم صالح را که ایمان آوردند، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی می‌ترسیدند نجات دادیم.

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ﴾ [النمل: ۵۴].

﴿۵۴﴾ و - ای رسول - لوط علیه السلام را به یاد آور آن گاه که برای توبیخ و اعتراض بر قومش به آنها گفت: آیا خصلت زشت - یعنی لواط - را در محافل خویش آشکارا و درحالی که یکدیگر را می‌بینید مرتکب می‌شوید؟!

﴿أَيِّنْكُمْ لَمَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ﴾ [النمل: ۵۵].

﴿۵۵﴾ آیا شما از روی شهوت، به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید، درحالی که نه پاکدامنی می‌خواهید و نه فرزند، و فقط قضای شهوت حیوانی را می‌خواهید، بلکه شما مردمی هستید که بر ایمان و پاکی و دوری از گناهی که بر شما واجب است نادان هستید.

برخی فواید آیات:

- طلب آمرزش از گناهان یکی از اسباب رحمت الله است.
- فال بد زدن به اشخاص و اشیا، صفت مؤمنان نیست.
- همکاری در شر و نیرنگ بر پیروان حق سرانجام بدی دارد.
- آشکار کردن منکر از پوشاندن آن زشت‌تر است.
- اعتراض بر فاسقان و فاجران واجب است.

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ﴾ [النمل: ۵۶].

۵۶ اما قوم او پاسخی نداشتند جز اینکه گفتند: خانواده لوط را از شهرتان برانید، زیرا آنها مردمی هستند که از پلیدی‌ها و نجاست‌ها پاکی می‌جویند. این سخن را برای تمسخر خانواده لوط علیه السلام که در فواحشی که انجام می‌دادند با آنها مشارکت نمی‌کردند، و حتی به خاطر ارتکاب این فواحش بر آنها اعتراض می‌کردند گفتند.

﴿فَأَجْنِبْنَاهُ وَآهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ [النمل: ۵۷].

۵۷ پس او و خانواده‌اش را نجات دادیم، جز زنش را که بر او حکم کردیم از باقی ماندگان در عذاب باشد تا از نابودشدگان گردد.

﴿وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ﴾ [النمل: ۵۸].

۵۸ و سنگ‌هایی از آسمان بر آنها بارانیدیم، پس بارانی سخت و نابودکننده بود برای کسانی که از عذاب ترسانده شدند اما اجابت نکردند.

﴿قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ اللَّهُ خَيْرٌ مَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النمل: ۵۹].

۵۹ - ای رسول - بگو: تمام ستایش‌ها از آن الله است به خاطر نعمت‌هایش و حفاظتی از جانب او برای اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از آن عذابش که قوم لوط و صالح را با آن عذاب کرد، آیا الله، معبود برحق که فرمانروایی هر چیزی به دست اوست بهتر است یا معبودهایی که مشرکان عبادت می‌کنند و مالک هیچ نفع و زیانی نیستند؟!

﴿أَمْنَ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ دَاتٍ بِهِجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا إِلَّاهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ﴾ [النمل: ۶۰].

۶۰ یا کیست که آسمان‌ها و زمین را بدون نمونه قبلی آفرید، و - ای مردم - از آسمان آب باران برای تان فرو فرستاد، سپس با آن آب باغ‌هایی نیکو و زیبا برای تان رویانیدیم، کار شما نبود که درختان این باغ‌ها را برویانید زیرا از انجام این کار ناتوانید، پس الله همان ذاتی است که آنها را رویانیده است، آیا معبودی این کارها را همراه الله انجام داده است؟! نه، بلکه آنها قومی هستند که از حق گمراه هستند و از روی ستم، خالق را با مخلوقات یکسان قرار می‌دهند.

﴿أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلَا أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [النمل: ۶۱].

۶۱) یا کیست که زمین را مستقر و ثابت قرار داد که کسانی را که بر روی آن هستند نمی‌لرزاند، و در آن رودهایی جاری و کوههایی استوار قرار داد، و میان دو دریا: شور و شیرین فاصله‌ای که مانع آمیختن آب شور با آب شیرین می‌شود تا آن را فاسد نگرداند، و قابل نوشیدن نباشد قرار داد، آیا معبودی همراه الله این کارها را انجام داده است؟! نه، بلکه بیشتر آنها نمی‌دانند، و اگر می‌دانستند هیچ‌یک از مخلوقات الله را شریک او تعالی قرار نمی‌دادند.

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾ [النمل: ۶۲].

۶۲) یا کیست کسی که دعای انسانی را که کارش بر او تنگ آمده و سخت شده است آن‌گاه که او را بخواند اجابت می‌کند، و بیماری و فقر و سایر مصیبت‌هایی را که به انسان می‌رسد برطرف می‌سازد، و شما را جانشینانی در روی زمین قرار می‌دهد که نسل به نسل جانشین یکدیگر می‌شوید، آیا معبودی با الله این کارها را انجام می‌دهد؟ نه، چه کم‌پند می‌پذیرید و عبرت می‌گیرید.

﴿أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [النمل: ۶۳].

۶۳) یا کیست که شما را در تاریکی‌های خشکی و دریا با نشانه‌ها و ستاره‌هایی که برای تان نصب می‌کند راهنمایی می‌کند، و کیست که بادها را مژده‌رسان به نزدیکی نزول باران که با آن به بندگانش مهربانی می‌کند می‌فرستد، آیا معبودی با الله این کارها را انجام می‌دهد؟! الله از آنچه از مخلوقاتش که با او شریک می‌گردانند پاک و منزّه است.

برخی فواید آیات:

- پناه بردن پیروان باطل به زور هنگام محاصره‌شدن با دلایل حق.
- رابطه زناشویی بدون ایمان نفعی در آخرت نمی‌رساند.
- تحکیم عقیده توحید از خلال یادآوری نعمت‌های الله.
- الله به هر مضطری، چه مؤمن چه کافر، وعده اجابت داده است آن‌گاه که او تعالی را بخواند.

﴿أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قُلٌّ هَآئِثُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [النمل: ۶۴].

۶۴) یا کیست که آفرینش را مرحله به مرحله در رحمها آغاز می کند، سپس آن را پس از اینکه آن را می میراند زنده می گرداند، و کیست که شما را از آسمان با باران نازل شده از آن روزی می دهد، و شما را از زمین با گیاهانی که در آن برای تان می رویاند روزی می دهد! آیا معبودی با الله این کارها را انجام می دهد؟! - ای رسول - به این مشرکان بگو: دلیل شرکی که بر آن هستید بیاورید، اگر در این امر که ادعا می کنید برحق هستید راست می گوئید.

﴿قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْعَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ﴾ [النمل: ۶۵].

۶۵) - ای رسول - بگو: نه فرشتگانی که در آسمانها هستند غیب را می دانند، و نه مردمی که در روی زمین هستند، اما فقط الله همان ذاتی است که غیب را می داند، و جز الله هیچیک از کسانی که در آسمانها و زمین هستند نمی دانند که چه زمانی برای جزا برانگیخته می شوند.

﴿بَلِ إِدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلٌ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا بَلٌ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ﴾ [النمل: ۶۶].

۶۶) یا آیا علم آنها به آخرت رسیده و به آن یقین پیدا کرده اند؟ نه، بلکه آنها در شک و سرگردانی از آخرت هستند، بلکه خردهای شان از آن کور شده است.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ﴾ [النمل: ۶۷].

۶۷) و کسانی که کفر ورزیدند از روی اعتراض گفتند: آیا وقتی که مردیم و خاک شدید ممکن است که زنده برانگیخته شویم؟

﴿لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا لَحْنٌ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [النمل: ۶۸].

۶۸) به تحقیق که به ما، و پیش از ما به پدرانمان وعده داده شده است که همگی برانگیخته می شویم، اما تحقیقی بر این وعده ندیده ایم، این وعده که همگی به آن وعده داده شده ایم جز دروغهای نخستینیان که آنها را در کتابهای شان تدوین کرده اند نیست.

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ﴾ [النمل: ۶۹].

۶۹ - ای رسول - به این انکارکنندگان رستاخیز بگو: در هر سمتی از زمین بگردید و ببینید که سرانجام تکذیب‌کنندگان رستاخیز چگونه بوده است، به تحقیق که آنها را به خاطر تکذیب رستاخیز نابود کرده‌ایم.

﴿وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ﴾ [النمل: ۷۰].

۷۰ و به سبب رویگردانی مشرکان از دعوت خویش اندوه مدار، و از نیرنگشان دل تنگ نشو؛ زیرا الله یاور تو در برابر آنها است.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [النمل: ۷۱].

۷۱ و کافران منکر رستاخیز از میان قوم تو می‌گویند: عذابی که تو و مؤمنان به ما وعده می‌دهید چه زمانی محقق می‌شود، اگر در ادعای تان راستگو هستید؟

﴿قُلْ عَسَى أَنْ يَكُونَ رَدْفٌ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ﴾ [النمل: ۷۲].

۷۲ - ای رسول - به آنها بگو: شاید بخشی از عذابی که در آن شتاب می‌کنید به شما نزدیک شده باشد.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [النمل: ۷۳].

۷۳ و - ای رسول - به راستی که پروردگار تو نسبت به مردم بخشنده است، چون با وجود اینکه بر کفر و گناهان هستند کیفر آنها را به تعجیل نمی‌اندازد، اما بیشتر مردم شکر الله را به خاطر نعمت‌هایی که بر آنها ارزانی می‌دارد به جای نمی‌آورند.

﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ [النمل: ۷۴].

۷۴ و در حقیقت پروردگار تو از آنچه که دل‌های بندگان پنهان و آشکار می‌کنند آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ [النمل: ۷۵].

۷۵ و هیچ چیز نه در آسمان و نه در زمین از مردم پنهان نیست مگر اینکه در کتابی روشن یعنی لوح محفوظ وجود دارد.

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَتْلُو عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [النمل: ۷۶].

۷۶ به راستی که این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ بیشتر آنچه را که بنی‌اسرائیل در مورد آن اختلاف دارند برای‌شان حکایت می‌کند، و انحرافات‌شان را آشکار می‌گرداند.

برخی فواید آیات:

- علم غیب از جمله مواردی است که به الله اختصاص دارد، پس ادعای آن، کفر است.
- عبرت‌گیری از سرانجام و احوال امت‌های پیشین، راه نجات است.
- احاطه علم الله به اعمال بندگانش.
- تصحیح قرآن بر انحرافات بنی اسرائیل و تحریف کتاب‌های‌شان توسط آنها.

﴿وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [النمل: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و به راستی که هدایت و رحمتی است برای مؤمنانی که به آن عمل می کنند.

﴿إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾ [النمل: ۷۸].

﴿۷۸﴾ - ای رسول - به تحقیق که پروردگارت در روز قیامت با حکم درست خویش میان مردم مؤمن و کافر داوری می کند، آن گاه به مؤمن مهربانی، و کافر را عذاب می کند، و او ذات شکستناپذیری است که از دشمنانش انتقام می گیرد. هیچ کس بر او چیره نمی شود، و ذات دانایی است که تشخیص حقدار از فریب کار بر او پوشیده نمی ماند.

﴿فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ﴾ [النمل: ۷۹].

﴿۷۹﴾ پس بر الله توکل کن، و در تمام کارهایت بر او اعتماد کن، زیرا تو بر حق آشکاری هستی.

﴿إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الضُّمَمَ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ [النمل: ۸۰].

﴿۸۰﴾ - ای رسول - همانا تو نمی توانی دعوت خویش را به گوش مردگانی که دل های شان به سبب کفر به الله مرده است، و به گوش کسانی که شنوایی ندارند و با رویگردانی به تو پشت می کنند برسانی.

﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [النمل: ۸۱].

﴿۸۱﴾ و هدایتگر کسانی که چشم های شان از دیدن حق کور شده است نیستی، پس بر آنها اندوه مدار و خودت را به رنج نینداز، دعوت تو را نمی شنود مگر کسی که به آیات ما ایمان آورد زیرا فقط آنها تسلیم اوامر الله هستند.

﴿* وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ﴾ [النمل: ۸۲].

﴿۸۲﴾ و آن گاه که به سبب اصرار آنها بر کفر و گناهان، عذاب بر آنها واجب گردد و ثابت شود، و فساد مردم ادامه یابد، هنگام نزدیک شدن قیامت، یکی از نشانه های کبرای آن را برای شان درمی آوریم، یعنی همان جنبنده ای از زمین آن گونه که برای شان قابل فهم است در خصوص اینکه مردم آیات نازل شده بر پیامبران را تصدیق نمی کردند با آنها سخن می گوید.

﴿وَيَوْمَ نَخْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ [النمل: ۸۳].

و - ای رسول - به یاد آور روزی را که از هر یک از امت‌ها گروهی از بزرگان‌شان را از میان کسانی که آیات ما را تکذیب می‌کردند گرد می‌آوریم، و همه به هم می‌رسند سپس به سوی حساب رانده می‌شوند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عَلِمْنَا أَمَّاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النمل: ۸۴].

و پیوسته رانده می‌شوند، تا اینکه به مکان حسابرسی خویش برسند الله از روی توبیخ به آنها می‌گوید: آیا آیات دلالت‌کننده من، بر توحید من و مشتمل بر شریعتم را تکذیب کردید، درحالی‌که از نظر علمی احاطه نداشتید که آنها باطل است تا تکذیب آن را برای شما جایز گرداند، آنها را تصدیق میکردید یا تکذیب؟!

﴿وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ﴾ [النمل: ۸۵].

و به سبب ستم‌شان با کفر به الله و تکذیب آیاتش عذاب بر آنها واقع شود، درحالی‌که به سبب ناتوانی و بطلان دلایل خویش برای دفاع از خودشان سخن نمی‌گویند. چون رستاخیز را انکار می‌کردند الله آنها را به آنچه که در زندگی‌شان به رستاخیز دلالت می‌کند متوجه ساخت، یعنی خواب‌شان که به منزله مرگ است، و بیداری‌شان که به منزله رستاخیز است، و فرمود:

﴿أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [النمل: ۸۶].

آیا این تکذیب‌کنندگان رستاخیز ننگریسته‌اند که شب را قرار دادیم تا با خواب در آن آرام گیرند، و روز را روشنایی بخشی قرار دادیم تا در آن ببینند، و بر انجام اعمال‌شان بکوشند، همانا در این مرگ مکرر و رستاخیز پس از آن، برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌های آشکاری است.

﴿وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَقَرَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ﴾ [النمل: ۸۷].

و - ای رسول - به یاد آور روزی را که فرشته گماشته شده برای بار دوم در صور می‌دمد، آن‌گاه تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌ترسند مگر کسانی که

الله به فضل خویش آنها را از ترسیدن استثنا کند، و در آن روز تمام مخلوقات الله فرمان بردارانه و خوار به سوی او می آیند.

﴿وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي الَّتِي أَتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾ [النمل: ۸۸].

ﷻ و در آن روز کوهها را ثابت و بدون حرکت می بینی، اما در واقعیت امر، به سرعت ابر سریع در حرکت هستند؛ کار الله است، زیرا اوست که کوهها را به حرکت درمی آورد، به راستی که او از آنچه انجام می دهد آگاه است، و ذره ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- اهمیت توکل بر الله.
- تزکیه پیامبر ﷺ به اینکه بر حق آشکار قرار دارد.
- هدایت توفیق به دست الله است، و به دست رسول ﷺ نیست.
- دلالت خواب بر مرگ؛ و بیدار شدن بر رستاخیز.

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَهُمْ مِنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ﴾ [النمل: ۸۹].

﴿۸۹﴾ هرکس در روز قیامت ایمان و علم صالح بیاورد بهشت برای اوست، و آنها هستند که با محافظت الله از آنها از ترس روز قیامت ایمن هستند.

﴿وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [النمل: ۹۰].

﴿۹۰﴾ و هرکس کفر و گناهان را بیاورد جهنم برای شان است که بر صورت‌های شان در آن افکنده می‌شوند، و از روی توبیخ و تحقیر به آنها گفته می‌شود: آیا جز کفر و گناهانی که در دنیا انجام می‌دادید جزا داده می‌شوید؟

﴿إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [النمل: ۹۱].

﴿۹۱﴾ - ای رسول - به آنها بگو: من فقط فرمان یافتم که پروردگار مکه که آن را محترم شمرده است را عبادت کنم، همان شهری که خونی در آن ریخته نمی‌شود، و هیچ کسی در آن، مورد ستم واقع نمی‌شود، و صید آن کشته نمی‌شود، و درختش قطع نمی‌گردد. و فرمانروایی هر چیزی از آن او سبحانه است، و فرمان یافتم که از گردن نهندگان الله و تسلیم‌شدگان او با طاعت باشم.

﴿وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾ [النمل: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و فرمان یافتم که قرآن را بر مردم بخوانم، پس هرکس به راهنمایی آن هدایت شود، و به آن عمل کند، سود هدایتش به خودش بازمی‌گردد، و هرکس گمراه شود و از آنچه در آن است منحرف گردد و آن را انکار کند، و به آنچه در آن است عمل نکند، پس بگو: من فقط از اندازندهندگان هستم که شما را از عذاب الله انذار می‌دهم، و هدایت شما به دست من نیست.

﴿وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سِيرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِعَافِيٍّ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [النمل: ۹۳].

﴿۹۳﴾ و - ای رسول - بگو: تمام ستایش‌ها از آن الله است به خاطر نعمت‌هایش که قابل شمارش نیست، به‌زودی الله نشانه‌هایش را در خودتان و در آسمان و زمین و رزق و روزی به شما نشان خواهد داد، آن‌گاه آنها را به گونه‌ای که شما را به اذعان

به حق راهنمایی کند خواهید شناخت، و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست، بلکه او تعالی بر اعمال‌تان آگاه است، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

سوره القصص

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان موازین حقیقی قدرت‌ها، از خلال اظهار قدرت و سنت الله بر پیروزی مستضعفان و نابودی مستکبران.

تفسیر:

﴿طسّم﴾ [القصص: ۱].

﴿طسّم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در آغاز سوره بقره بیان شد.

﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [القصص: ۲].

﴿۲﴾ این است آیات قرآن واضح.

﴿نَتْلُو عَلَيْكَ مِنْ نَبَأِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [القصص: ۳].

﴿۳﴾ از قصه موسی عليه السلام و فرعون، حقیقتی را برای ما خوانیم که در آن هیچ تردیدی برای مردمی که ایمان می‌آورند نیست؛ زیرا آنها هستند که از آن نفع می‌برند.

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُدَّبِحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ [القصص: ۴].

﴿۴﴾ همانا فرعون در سرزمین مصر سرکشی کرد، و در آنجا مسلط شد و توان یافت، و ساکنانش را گروه‌های پراکنده‌ای گرداند، گروهی از آنها، یعنی بنی‌اسرائیل، را با قتل پسرهای‌شان و نگاه داشتن زنان‌شان برای خدمت، به هدف زیاده‌روی در خوارکردن آنها ناتوان کرد، به‌راستی که او با ستم و طغیان و تکبر از فسادکاران در روی زمین بود.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾
[القصص: ۵].

☪ و خواستیم بر بنی اسرائیل که فرعون آنها را در سرزمین مصر ناتوان کرد؛ با نابودی دشمنشان، و برطرف ساختن ناتوانی از آنها، لطف کنیم، و آنها را پیشوایانی قرار دهیم که در حق به آنها اقتدا می‌شود، و آنها را پس از نابودی فرعون وارثان سرزمین مبارک شام قرار دهیم، چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا...﴾ [الأعراف: ۱۳۷] «و شرق و غرب زمین را که در آن برکت داده بودیم؛ به گروهی که ناتوان (و مستضعف) شمرده می‌شدند، به میراث دادیم...».

برخی فواید آیات:

- ایمان و عمل صالح دو سبب رهایی از وحشت روز قیامت هستند.
- کفر و نافرمانی سبب ورود در جهنم هستند.
- تحریم قتل و ستم و صید در حرم.
- سرانجام مؤمنان، پیروزی و قدرت‌یابی است.

﴿وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ [القصص: ۶].

⑥ و خواستیم که آنها را با حاکم کردن در سرزمین مصر قدرت دهیم، و به فرعون و پایه‌های اصلی حکومتش یعنی هامان و لشکریان آن دو که در حکومت‌داری به آنها یاری می‌رساندند، نابودی حکومت آنها را که از آن می‌ترسیدند، و پایان یافتن آن بر دست نوزاد پسری از بنی‌اسرائیل نشان دهیم.

الله پس از بیان سرانجام پادشاهی فرعون، و آنچه که به موسی عليه السلام و قومش بخشیده خواهد شد، آغاز زندگی موسی عليه السلام را تا وقتی که الله او را به رسالت می‌فرستد بیان کرد و فرمود:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [القصص: ۷].

⑦ و به مادر موسی عليه السلام الهام کردیم که او را شیر بده و هرگاه از فرعون و قومش در مورد او ترسیدی که او را بکشند او را در صندوقی قرار بده، و در رود نیل بینداز، و در مورد او نه از غرق شدن بترس و نه از فرعون، و به سبب جدایی او اندوه مدار، زیرا ما او را زنده به سوی تو بازمی‌گردانیم، و او را از رسولان الله که آنها را به سوی مخلوقاتش می‌فرستد قرار می‌دهیم.

﴿فَالْقَلْبَ أَلْفِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ﴾ [القصص: ۸].

⑧ پس آنچه را که بر او الهام شد؛ یعنی قرار دادن موسی در صندوق، و انداختن او در رود اطاعت کرد، و خاندان فرعون بر او دست یافتند و او را گرفتند، تا آنچه را الله اراده کرده بود از اینکه موسی عليه السلام دشمنی برای فرعون خواهد شد که الله پادشاهی‌اش را به دست او از بین می‌برد، و باعث اندوه آنها خواهد شد، محقق گردد، همانا فرعون و وزیرش هامان و یاوران آن دو به سبب کفر و طغیان، و فسادکاری در روی زمین گناهکار بودند.

﴿وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَدًّا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [القصص: ۹].

۹ و هنگامی که فرعون خواست او را بکشد همسرش به او گفت: این مایه شادی من و توست، او را نکشید شاید با خدمت به ما نفع برساند، یا با فرزند خواندگی، او را به فرزندی بگیریم، و آنها از آنچه که نابودی‌شان به دست او منجر خواهد شد آگاه نبودند.

﴿وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [القصص: ۱۰].

۱۰ و قلب مادر موسی علیه السلام از تمام امور دنیا جز امر موسی علیه السلام خالی گشت و صبر نکرد، تا اینکه نزدیک بود از شدت وابستگی زیاد به او، آشکار کند که او فرزندش است، اگر قلبش را آن گونه که لازم بود استوار نگردانیده بودیم، و او را به صبر امر نکرده بودیم تا از مؤمنان توکل کننده بر پروردگارشان و شکیبایان در برابر حکم او تعالی باشد.

﴿وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [القصص: ۱۱].

۱۱ و مادر موسی علیه السلام پس از اینکه موسی علیه السلام را در رود افکند به خواهرش گفت: او را دنبال کن تا بدانی با او چه می‌شود، پس از دور به او نگریست تا امرش آشکار نگردد، و فرعون و قوم او احساس نکنند که او خواهرش است و می‌خواهد از حالش جويا شود.

﴿* وَحَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ﴾ [القصص: ۱۲].

۱۲ و موسی علیه السلام به تدبیر الله از زنان شیر نخورد، و چون خواهرش اشتیاق آنها بر شیر دادن او را دید به آنها گفت: آیا شما را به اهل خانه‌ای که به او شیر می‌دهند و از او نگهداری می‌کنند، و خیرخواه او نیز هستند راهنمایی کنم؟

﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [القصص: ۱۳].

۱۳ پس موسی علیه السلام را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمانش با دیدن موسی علیه السلام از نزدیک روشن شود، و به سبب فراق او اندوه ندارد، و بداند که وعده الله به بازگرداندن موسی علیه السلام به او حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، اما بیشتر آنها از این وعده آگاه نبودند، و هیچ کس نمی‌دانست که او مادرش است.

برخی فواید آیات:

- تدبیر الله برای بندگان صالح خویش که آنها را از مکر دشمنان شان محافظت می کند.
- تدبیر ستمکار به نابودی اش منجر می شود.
- قوه عاطفه مادران در برابر فرزندانشان.
- جواز به کارگیری حيله مشروع برای رهایی از ستم ستمکار.
- وعده الله بدون تردید واقع می شود.

الله پس از بیان مبدأ موسی علیه السلام مرحله جوانی او را ذکر کرد و فرمود:

﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [القصص: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و چون به سن سخت شدن بدن رسید، و در نیرویش استحکام یافت - فهم و علم در دین بنی اسرائیل پیش از نبوتش به او دادیم، و همان گونه که موسی علیه السلام را در قبال طاعت او جزا دادیم در هر زمان و مکانی نیکوکاران را جزا می دهیم.

﴿وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ﴾ [القصص: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و موسی علیه السلام هنگام استراحت مردم در خانه‌هایشان وارد شهر شد، آن گاه دو مرد را دید که با یکدیگر منازعه و زد و خورد می کنند، یکی از آنها از بنی اسرائیل قوم موسی، و دیگری از قبط قوم فرعون دشمن موسی علیه السلام بود، پس کسی که از قومش بود از موسی علیه السلام خواست که او را در برابر کسی که از قبط و دشمنش بود یاری رساند، پس موسی مشتکی به قبطی زد، و به سبب قدرت آن ضربه او را کشت، موسی علیه السلام گفت: این امر از آراستن و فریبکاری شیطان است، به راستی که شیطان برای کسی که از او پیروی کند دشمنی گمراه کننده و آشکار است، پس کاری که از جانب من حاصل شد به سبب دشمنی او، و به سبب این است که گمراه کننده است و می خواهد مرا گمراه کند.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [القصص: ۱۶].

﴿۱۶﴾ موسی علیه السلام با خواندن پروردگارش و با اعتراف به کاری که انجام داده بود، گفت: پروردگارا به راستی که من با قتل این قبطی بر خودم ستم کردم، پس گناهم را برایم بیامرز، و الله آمرزش موسی علیه السلام توسط خویش را بیان می فرماید، به راستی که او تعالی نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ﴾ [القصص: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پس با خبر موسی علیه السلام ادامه داد که در آن گفت: پروردگارا به سبب قدرت و حکمت و علمی که به من ارزانی داشتی هرگز یاور مجرمان در جرم آنها نخواهم بود.

﴿فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ﴾ [القصص: ۱۸].

﴿۱۸﴾ پس چون قتل قبطی از او سر زد صبحگاه ترسان در شهر منتظر بود که چه چیزی رخ می‌دهد، ناگهان همان کسی که دیروز از او درخواست یاری و کمک در برابر دشمن قبطی‌اش کرده بود در برابر قبطی‌ای دیگر از او کمک می‌طلبید، موسی علیه السلام به او گفت: به راستی که تو فریبکار و گمراه آشکاری هستی.

﴿فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُضْلِحِينَ﴾ [القصص: ۱۹].

﴿۱۹﴾ پس وقتی موسی علیه السلام خواست به قبطی که دشمن او و دشمن اسرائیلی بود حمله کند، اسرائیلی گمان کرد که موسی علیه السلام می‌خواهد به او حمله کند چون از او شنید که می‌گفت: ﴿إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُّبِينٌ﴾، از این رو به موسی علیه السلام گفت: آیا می‌خواهی مرا بکشی همان‌گونه که دیروز یک نفر را کشتی، تو نمی‌خواهی جز اینکه ستمکاری بر روی زمین باشی که مردم را بکشی و به آنها ستم کنی و نمی‌خواهی از کسانی باشی که میان نزاع کنندگان اصلاح برقرار می‌کند.

﴿وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ﴾ [القصص: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و هنگامی که این خبر منتشر شد و مردی از دورترین نقطه شهر برای دلسوزی بر موسی علیه السلام به سرعت آمد، و گفت: ای موسی، سران قوم فرعون در مورد قتل تو با یکدیگر رایزنی می‌کنند پس از شهر برو، زیرا من از خیرخواهان تو هستم و نگرانم از اینکه به تو دست یابند و تو را بکشند.

﴿فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۲۱].

﴿۲۱﴾ آن‌گاه موسی علیه السلام فرمان آن مرد خیرخواه را اجرا کرد، و ترسان و درحالی‌که انتظار می‌کشید چه اتفاقی برایش رخ می‌دهد از شهر خارج شد، و این‌گونه پروردگارش را خواند: پروردگارا مرا از قوم ستمکار نجات بده، تا آسیبی به من نرسانند.

برخی فواید آیات:

- یکی از آداب دعا، اعتراف به گناه است.
- سپاسگزاری نیکو آن است که بنده را به طاعت پروردگارش می‌کشاند، و از نافرمانی او تعالی دور می‌سازد.
- اهمیت مبادرت بر نصیحت؛ به‌خصوص آن‌گاه که نجات مؤمن از نابودی، وابسته به آن باشد.
- وجوب به‌کارگیری اسباب نجات، و پناه بردن به الله با دعا.

﴿وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ [القصص: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و چون رو به سوی مدین پیش رفت گفت: امیدوارم که پروردگارم مرا به بهترین راه راهنمایی کند، و از آن منحرف نشوم.

﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءَ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾ [القصص: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و وقتی به آب مدین که از آن آب برمی داشتند رسید گروهی از مردم را دید که به دام‌های‌شان آب می دادند، و پایین تر از آنها، دو زن را دید که گوسفندهای‌شان را از آب بازمی دارند تا مردم آب بردارند، موسی علیه السلام به آن دو گفت: چرا همراه مردم آب بر نمی دارید؟ آن دو به او گفتند: عادت ما این است که درنگ می کنیم و آب بر نمی داریم تا اینکه چوپانان بازگردند؛ تا مبادا با آنها آمیخته شویم، و پدرمان پیری سالخورده است، و نمی تواند آب بردارد، پس ما به آب دادن گوسفندانمان ناچاریم.

﴿فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [القصص: ۲۴].

﴿۲۴﴾ پس به آن دو دلسوزی کرد و گوسفندان‌شان را آب داد، سپس به سوی سایه بازگشت و در آنجا استراحت کرد، و با اشاره به نیاز خویش پروردگارش را خواند، و گفت: پروردگارا به راستی که من به هر خیری که برایم بفرستی نیازمندم.

﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْثِيًا عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۲۵].

﴿۲۵﴾ چون آن دو رفتند پدرشان را در مورد موسی علیه السلام باخبر کردند، پس یکی از آن دو را به سوی موسی علیه السلام فرستاد تا او را دعوت کند، آن دختر درحالی که با حیا راه می رفت، گفت: پدرم تو را دعوت می کند نزدش بیایی تا مزد اینکه به ما آب دادی را برایت بدهد، وقتی موسی علیه السلام نزد پدر آن دو آمد، و او را از سرگذشت خویش باخبر ساخت، برای آرام کردن موسی علیه السلام به او گفت: نترس که از قوم ستمکار، فرعون و سرانش نجات یافتی، زیرا آنها تسلطی بر مدین ندارند، و نمی توانند آزاری به تو برسانند.

﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ [القصص: ۲۶].

﴿۲۶﴾ یکی از دو دخترش گفت: ای پدرم، او را استخدام کن تا گوسفندانمان را بچراند، زیرا شایستگی این را دارد که او را به کار بگماری؛ چون هم قوی است و هم امانتدار، زیرا آنچه که به آن مکلف شده است را با قدرت انجام می‌دهد، و آنچه را که بر آن امین گماشته شده است با امانتداری حفظ می‌کند.

﴿قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَابٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [القصص: ۲۷].

﴿۲۷﴾ پدر آن دو دختر خطاب به موسی عليه السلام گفت: می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به نکاح تو درآورم، به شرط اینکه مهریه او این باشد که هشت سال گوسفندانمان را بچرانی، و اگر این مدت را ده سال کامل کنی لطفی از جانب تو است و به آن مجبور نیستی، زیرا پیمان بر هشت سال بسته شده است، و بیشتر از آن اختیاری است، و من نمی‌خواهم که تو را به آنچه برایت دشوار است ملزم کنم. - ان شاء الله - مرا از نیکوکارانی که به پیمان‌ها وفا می‌کنند، و عهدها را نمی‌شکنند خواهی یافت.

﴿قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ

وَكِيلٌ﴾ [القصص: ۲۸].

﴿۲۸﴾ موسی عليه السلام گفت: این پیمانی میان من و تو است که بر آن پیمان بستیم، پس هر یک از دو مدت: هشت یا ده سال را که انجام دادم، به آنچه بر من است وفا کرده‌ام، پس بیشتر از من نخواه، و الله بر آنچه که پیمان بستیم وکیل و نگهبان است.

برخی فواید آیات:

- پناه بردن به الله راه نجات در دنیا و آخرت است.
- حیای زن مسلمان سبب کرامت و بالارفتن شأن اوست.
- مشارکت زن در نظر دادن، و اعتماد به نظر او اگر درست باشد امری پسندیده است.
- قدرت و امانت‌داری، دو صفت یک مسئول موفق است.
- جواز انتخاب منفعت برای مهریه.

﴿فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ [القصص: ۲۹].

﴿۲۹﴾ پس چون موسی علیه السلام کامل‌ترین آن دو مدت یعنی ده سال را تمام کرد، و خانواده‌اش را از مدین به سوی مصر برد در کنار طور آتشی دید، به خانواده‌اش گفت: بایستید، که من آتشی دیدم، شاید از آن خبری برای تان بیاورم، یا شعله‌ای از آتش برای تان بیاورم تا با آن آتشی برافروزید، و خودتان را در برابر سرما گرم کنید.

﴿فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَأْمُوسَىٰ إِلَيَّ أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [القصص: ۳۰].

﴿۳۰﴾ پس وقتی که موسی علیه السلام به آتشی که دیده بود رسید پروردگارش از سمت راست وادی در جایگاهی که الله با سخن گفتن با موسی علیه السلام از درخت، آن را برکت داد به او ندا داد: ای موسی همانا من الله پروردگار تمام مخلوقات هستم.

﴿وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَأْمُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ﴾ [القصص: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و عصایت را بینداز، آن‌گاه موسی علیه السلام برای اطاعت از امر پروردگارش آن را انداخت، و وقتی عصا را دید که از نظر سرعت همانند ماری حرکت می‌کند و می‌جنبد با فرار و ترس از آن پشت کرد، و از گریزش بازنگشت، آن‌گاه پروردگارش به او ندا داد: ای موسی پیش آی، و از آن نترس؛ زیرا تو از این و سایر مواردی که می‌ترسی در امان هستی.

﴿اسْأَلْكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلِكِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ [القصص: ۳۲].

﴿۳۲﴾ دست راستت را در گریبان قرار بده، سفید و بدون پیسی خارج می‌شود. پس موسی علیه السلام دستش را داخل کرد آن‌گاه سفید مانند برف خارج شد. و دستت را به خود بچسبان تا ترس تو آرام گیرد. آن‌گاه موسی علیه السلام دستش را به خویش چسباند و ترس از او برطرف شد، پس این دو مورد - عصا و دست - دو حجت فرستاده‌شده

از جانب پروردگارت به سوی فرعون و سران قومش است، زیرا آنها با کفر و ارتکاب گناهان نافرمان الله هستند.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُون﴾ [القصص: ۳۳].

﴿۳۳﴾ موسی علیه السلام با توسل به پروردگارش گفت: همانا من یکی از آنها را کشته ام و می ترسم که اگر برای ابلاغ آنچه به آن رسالت یافته ام نزدشان بروم مرا بکشند.

﴿وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلُہُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون﴾ [القصص: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و برادرم هارون از من سخنورتر است پس او را به عنوان یابوری همراه من بفرست تا در سخنم با من موافقت کند، اگر فرعون و قومش مرا تکذیب کردند، همانا من می ترسم از اینکه مرا تکذیب کنند چنان که این کار عادت امت‌هایی است که رسولان پیش از من به سوی آنها فرستاده شدند و آنها را تکذیب کردند.

﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصُلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْعَالِيُونَ﴾ [القصص: ۳۵].

﴿۳۵﴾ الله در پاسخ به دعوت موسی علیه السلام گفت: - ای موسی - به زودی تو را با فرستادن برادرت همراه تو به عنوان رسول و یاور تقویت خواهیم کرد، و حجت و تأییدی برای شما دو نفر قرار می دهیم، تا آسیبی که آن را نمی پسندید به شما نرسانند، به سبب آیات ما که شما را با آنها فرستادیم شما و مؤمنانی که از شما پیروی کنند پیروز هستید.

برخی فواید آیات:

- وفا به پیمان‌ها، صفت مؤمنان است.
- سخن گفتن الله با موسی علیه السلام به صورت حقیقی ثابت است.
- نیاز دعوتگر به سوی الله، به کسی که از او پشتیبانی کند.
- اهمیت سخنوری نسبی برای دعوتگران (نسبتاً شیوا و فصیح صحبت کنند).

﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ﴾ [القصص: ۳۶].

۳۶ پس وقتی موسی علیه السلام با آیات آشکار ما نزدشان رفت گفتند: این نیست جز دروغی ساختگی که موسی آن را ساخته است، و این را از پدران نخستین خویش نشنیده ایم.

﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ [القصص: ۳۷].

۳۷ و موسی علیه السلام خطاب به فرعون گفت: پروردگرم از فرد راستگویی که راهنمایی ای را از جانب او سبحانه آورد آگاه است، و می‌داند که چه کسی سرانجام خوشی در آخرت دارد، به راستی که ستمکاران به هدفشان دست نمی‌یابند و از آنچه می‌ترسند نجات پیدا نمی‌کنند.

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ [القصص: ۳۸].

۳۸ و فرعون خطاب به اشراف قومش گفت: ای سران، معبودی جز خودم برای شما نمی‌شناسم، پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز تا سخت شود آن‌گاه با آن، بنایی مرتفع برایم بساز تا به معبود موسی بنگرم و بر او اطلاع یابم، و به راستی که من گمان می‌کنم موسی در این امر که ادعا می‌کند فرستاده‌ای از جانب الله به سوی من و قومم است دروغگو است.

﴿وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۳۹].

۳۹ و تکبر فرعون و لشکریانش زیاد شد و بدون هیچ حقی در سرزمین مصر ادعای برتری نمودند، و رستاخیز را انکار کردند، و پنداشتند که در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند.

﴿فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاظْطَرُّوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۴۰].

۴۰ پس او و لشکریانش را گرفتیم و آنها را غرق‌شده در دریا انداختیم تا اینکه همگی نابود شدند، پس - ای رسول - بیندیش که سرانجام و نهایت ستمکاران چگونه بود، به تحقیق که سرانجام و نهایت آنها نابودی بوده است.

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾ [القصص: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و آنها را پیشوای طغیانگران و گمراهان قرار دادیم که با انتشار کفر و گمراهی به سوی جهنم فرامی خواندند، و روز قیامت برای رهایی از عذاب یاری نمی شوند، بلکه به خاطر سنت‌های بدی که به جای گذاشتند، و گمراهی‌هایی که به آن فراخواندند عذاب بر آنها دوچندان می شود، و هم گناه عمل خودشان به این امور و هم گناه کسانی که در عمل به آن از آنها پیروی کردند برای شان نوشته می شود.

﴿وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ﴾ [القصص: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و افزون بر کيفرشان در این دنیا آنها را خوار و مطرود قرار دادیم، و روز قیامت از سرزنش شدگان و رانده شدگان از رحمت الله هستند.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ

وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [القصص: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و به تحقیق پس از اینکه رسولانمان را به سوی امت‌های پیشین فرستادیم و آنها را تکذیب کردند، آن‌گاه آنها را به سبب تکذیب رسولان نابود کردیم، تورات را به موسی علیه السلام دادیم، که در آن، امور مفید را به مردم می شناساند تا به آن عمل کنند، و امور مضرّ را به آنها می شناساند تا آن را ترک کنند، و در آن، راهنمایی آنها به سوی خیر است، و به سبب خیر دنیا و آخرت که در آن وجود دارد، رحمتی است تا نعمت های الله بر خودشان را به یاد آورند آن‌گاه شکر الله را بگزارند و به او تعالی ایمان آورند.

برخی فواید آیات:

- رد حق با شبهات واهی، کار طغیانگران است.
- تکبر مانع پیروی از حق است.
- سرانجام بد متکبران یکی از سنت‌های پروردگار جهانیان است.
- باطل، پیشوایان و دعوتگران و صور و مظاهری دارد.

﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْعَرَبِ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ﴾
[القصص: ۴۴].

❶ و - ای رسول - تو در سمت غربی کوه نسبت به موسی علیه السلام حاضر نبودی آن گاه که رسالت موسی علیه السلام به سوی فرعون و سرانش را به او اطلاع دادیم، و از حاضران نبودی تا از آن باخبر باشی و بر مردم حکایت کنی، پس آنچه به مردم خبر می دهی، وحی الله به سوی توست.

﴿وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمُ آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ﴾ [القصص: ۴۵].

❷ اما ما امت‌ها و مردمانی را پس از موسی علیه السلام پدید آوردیم، که زمان بر آنها دور و دراز شد تا اینکه پیمان‌های الله را فراموش کردند، و تو در میان ساکنان مَدْيَنَ مقیم نبودی تا آیات ما را بر آنها بخوانی، اما تو را از جانب خویش فرستادیم، و قصه موسی علیه السلام و اقامت او در مَدْيَنَ را به تو وحی کردیم، و به آنچه الله از آن به سوی تو وحی کرد به مردم حکایت کردی.

﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [القصص: ۴۶].

❸ و در کنار طور نبودی آن گاه که به موسی علیه السلام ندا دادیم و آنچه را که لازم بود به او وحی کردیم تا آن را حکایت کنی، اما تو را رحمتی از سوی پروردگارت برای مردم فرستادیم، و این قصه را به تو وحی کردیم تا مردمی را که پیش از تو رسولی نزدشان نیامده است انذار دهی تا پند بگیرند، آن گاه به آنچه از جانب الله سبحانه برای‌شان آورده‌ای ایمان بیاورند.

﴿وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [القصص: ۴۷].

❹ و اگر نبود که چون به سبب کفر و گناهی که بر آن هستند کیفری الهی به آنها برسد، و با استدلال به عدم ارسال رسول به سوی آنها بگویند: چرا رسولی به سوی ما نفرستادی تا آیات تو را پیروی و به آنها عمل کنیم، و از مؤمنان عامل به فرمان پروردگارشان باشیم، اگر این امر نبود به طور قطع در عذاب آنها شتاب می کردیم،

اما عذاب‌شان را به تأخیر انداختیم تا با فرستادن رسولان به سوی‌شان، حجت خویش را بر آنها تمام کنیم.

﴿فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ﴾ [القصص: ۴۸].

﴿۱۸﴾ پس چون محمد ﷺ با رسالت از جانب پروردگارش نزد قریش آمد آنها در مورد پیامبر ﷺ از یهود پرسیدند و یهود این شبهه را بر آنها القا کردند و گفتند: چرا آیات دلالت‌کننده بر رسالت از جانب پروردگار مانند دست و عصا که به موسی داده شد، به محمد داده نشده است، - ای رسول - در پاسخ آنها بگو: آیا یهودیان به آنچه که پیش از این به موسی داده شده است کفر نورزیده‌اند، و در مورد تورات و قرآن گفتند: به‌راستی که اینها، دو سحر هستند که یکدیگر را تقویت می‌کنند، و گفتند: به‌راستی که ما به هر یک از تورات و قرآن کافر هستیم!؟

﴿قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [القصص: ۴۹].

﴿۱۹﴾ - ای رسول - به اینها بگو: کتابی نازل‌شده از جانب الله بیاورید که از تورات و قرآن هدایت‌کننده‌تر باشد، که اگر آن را آورید از آن پیروی می‌کنم اگر در این ادعا تورات و قرآن دو سحر هستند راستگو می‌باشید.

﴿فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۵۰].

﴿۲۰﴾ پس اگر قریش درخواست تو برای آوردن کتابی هدایت‌کننده‌تر از تورات و قرآن را اجابت نکردند پس به یقین بدان که تکذیب تورات و قرآن توسط آنها بر اساس دلیل نیست، و فقط برخاسته از پیروی هوس است، و هیچ‌کس گمراه‌تر از کسی نیست که بدون هدایتی از جانب الله سبحانه از هوس خویش پیروی می‌کند، به راستی که الله مردمی را که به‌سبب کفرشان به الله بر خویشتن ستم روا می‌دارند به هدایت و راه راست توفیق نمی‌دهد.

برخی فواید آیات:

- نفی علم غیب از رسول الله ﷺ مگر آنچه که الله او را بر آن آگاه کرده است.

- فراموشی علم با گذشت زمان طولانی.
- به مبارزه طلبی کافران برای آوردن آنچه که از وحی الله به رسولانش، هدایت کننده تر است.
- گمراهی کافران به سبب پیروی از هوس است، نه به سبب پیروی از دلیل.

﴿وَأَقَدَ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [القصص: ۵۱].

و به تحقیق که سخن قصه‌های پیشین را به مشرکان و یهودیان بنی اسرائیل رساندیم، و وقتی که رسولانمان را تکذیب کردند عذاب را بر آنها فرو نفرستادیم، تا از آن پند بگیرند و ایمان بیاورند که آنچه به امت‌های پیشین رسید به آنها نرسد.

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ﴾ [القصص: ۵۲].

کسانی که قبل از نزول قرآن بر ایمان به تورات استوار ماندند به دلیل خبردادن به قرآن و توصیف آن که در کتاب‌های‌شان می‌یابند به قرآن ایمان می‌آورند.

﴿وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ﴾ [القصص: ۵۳].

و هنگامی که قرآن بر آنها خوانده می‌شود می‌گویند: به آن ایمان آوردیم به راستی آن حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، و از جانب پروردگاران نازل شده است، به راستی که ما پیش از این قرآن، مسلمان بودیم زیرا به آنچه رسولان آورده بودند ایمان داشتیم.

﴿أُولَٰئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ [القصص: ۵۴].

اینها که صفات مذکور را دارند به سبب صبر بر ایمان به کتاب‌هایشان، و ایمان آنها به محمد ﷺ آن‌گاه که مبعوث شد، و گناہانی را که کسب کرده‌اند با نیکی‌های اعمال صالح خویش دفع می‌کنند، و از آنچه که به آنها روزی داده‌ایم در راه‌های خیر انفاق می‌کنند الله پاداش عمل‌شان را دو بار به آنها می‌دهد.

﴿وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ﴾ [القصص: ۵۵].

و این مؤمنان اهل کتاب هرگاه سخن باطلی بشنوند بدون اهمیت از آن روی می‌گردانند و خطاب به اصحاب سخن باطل می‌گویند: برای ما پاداش اعمال خودمان است، و برای شما پاداش اعمال خودتان است، از ناسزاگویی و آسیب ما در امان هستید، و همنشینی با جاهلان به سبب زیان و آسیبی که بر دین و دنیا دارد سزاوار ما نیست.

﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾
[القصص: ۵۶].

❶ - ای رسول - در حقیقت تو نمی توانی هرکس مانند ابوطالب و سایر کسانی را که دوست داری با راهنمایی به ایمان هدایت کنی، اما الله، تنها ذاتی است که هرکس را بخواهد به هدایت توفیق می دهد، و او تعالی بر اساس علم ازلی خویش آگاه تر است که چه کسانی به راه راست هدایت می شوند.

﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهَدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُحِبُّوهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ [القصص: ۵۷].

❷ و مشرکان ساکن مکه با آوردن بهانه در پیروی از اسلام و ایمان به آن، گفتند: اگر از این اسلام که تو آورده ای پیروی کنیم دشمنانمان به سرعت ما را از سرزمین خودمان می رانند، آیا این مشرکان را در حرمی قرار نداده ایم که ریختن خون و ستم در آن حرام است، و در آن از تجاوز دیگران در امان هستند، و میوه های هر چیزی به عنوان روزی از جانب ما که به سوی آنها می فرستیم به آنجا کشانده می شود؟! اما بیشتر آنها از نعمت هایی که الله بر آنها ارزانی داشته است آگاه نیستند تا در قبال آن شکر او تعالی را به جای آورند.

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ﴾ [القصص: ۵۸].

❸ و چه بسیار شهرهایی که بر نعمت الله بر خویش ناسپاسی کردند و در گناهان و معاصی زیاده روی کردند، آن گاه عذابی را بر آنها فرستادیم و آنها را با آن عذاب نابود کردیم، این مساکن ویران شده آنها است که مردم بر آنها می گذرند و پس از ساکنان آنها کسی جز شمار اندکی از برخی رهگذران در آنها سکونت نکرده است، و ما وارثانی هستیم که آسمان ها و زمین و تمام کسانی را که در آنها هستند به ارث می بریم.

﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَّهَاتِ رُسُلًا يَتْلُو عَلَيْهِنَّ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ﴾ [القصص: ۵۹].

❹ و - ای رسول - پروردگارت هرگز شهرها را ویران نکرده است مگر پس از فرستادن رسولی در شهر بزرگ آنها تا عذری برای شان باقی نماند چنان که تو را در

ام‌القری، یعنی مکه، فرستاد و ما هرگز ساکنان شهرها را درحالی که بر راه حق قرار داشته‌اند نابود نکرده‌ایم، بلکه فقط در صورتی آنها را نابود می‌کنیم که با کفر و ارتکاب گناهان ستمکار باشند.

برخی فواید آیات:

- فضیلت کسانی از اهل کتاب که به پیامبر محمد ﷺ ایمان آورده، و اینکه دو اجر دارند.
- هدایتِ توفیق به دست الله است نه به دست غیر او، چه رسولان و چه دیگران.
- پیروی از حق وسیله‌ای برای امنیت است نه سبب ترس؛ آن‌گونه که مشرکان ادعا می‌کنند.
- خطر رفاه بر فرد و جامعه.
- یکی از مظاهر رحمت الله این است که مردم را فقط پس از اتمام حجت با فرستادن رسولان، نابود می‌کند.

وقتی مشرکان دشواری‌های جنگ و کساد تجارت را برای پیروی نکردن از حق بهانه آوردند، الله این‌گونه به آنها پاسخ داد:

﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ [القصص: ۶۰].

و آنچه که پروردگارتان به شما داده از مواردی است که در زندگی دنیا از آنها بهره‌مند می‌شوید و خودتان را می‌آرایید سپس از بین می‌رود، و پاداش بزرگی که در آخرت نزد الله است از کالا و زیور دنیا بهتر و ماندگارتر است، پس آیا در این امر نمی‌اندیشید، تا باقی را بر فانی ترجیح دهید؟!

﴿أَمَنَ وَعَدَنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾ [القصص: ۶۱].

آیا کسی که بهشت و نعمت‌های ماندگار آن را در آخرت برایش وعده داده‌ایم مانند کسی است که مال و زیور در زندگی دنیا به او داده‌ایم و از آن بهره‌مند می‌شود، سپس در روز قیامت از احضارشدگان به‌سوی آتش جهنم است؟!
﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ [القصص: ۶۲].

و روزی که پروردگارشان این‌گونه به آنها ندا می‌زند: کجايند شریکانم که آنها را به جای من عبادت می‌کردید و ادعا می‌کردید که شریکان من هستند؟
﴿قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ﴾ [القصص: ۶۳].

کسانی از دعوتگران به‌سوی کفر که عذاب بر آنها واجب شده است می‌گویند: پروردگارا اینها کسانی هستند که آنها را گمراه ساختیم چنان‌که خودمان گمراه شدیم، از آنها به‌سوی تو بیزاری می‌جوئیم، آنها ما را عبادت نمی‌کردند، و فقط شیاطین را عبادت می‌کردند.

﴿وَقِيلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ﴾ [القصص: ۶۴].

و به آنها گفته می‌شود: شریکان‌تان را فراخوانید تا شما را از ذلتی که در آن هستید برهانند، آن‌گاه شریکان‌شان را می‌خوانند اما ندای‌شان را پاسخ نمی‌دهند، و

عذاب آماده برای خودشان را می‌بینند، آن‌گاه آرزو می‌کنند که ای کاش در دنیا از هدایت‌یافتگان به راه حق بودند.

﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ﴾ [القصص: ۶۵].

﴿۶۵﴾ و روزی که پروردگارشان این‌گونه بر آنها ندا می‌زند: به رسولانم که آنها را به سوی شما فرستادم چه پاسخی دادید؟

﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ﴾ [القصص: ۶۶].

﴿۶۶﴾ آن‌گاه چون یقین پیدا می‌کنند که به‌سوی عذاب رانده می‌شوند از هراس آسیبی که در آن هستند آنچه را که به آن استدلال می‌کردند بر آنها پوشیده می‌ماند و نه می‌توانند چیزی بگویند، و نه می‌توانند از یکدیگر بپرسند.

﴿فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ﴾ [القصص: ۶۷].

﴿۶۷﴾ اما هر یک از این مشرکان که از کفرش توبه کند و به الله و رسولش ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد؛ امید است که از دست‌یافتگان به آنچه می‌طلبند، و نجات یافتگان از آنچه از آن می‌ترسند باشد.

﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [القصص: ۶۸].

﴿۶۸﴾ و - ای رسول - پروردگار تو آنچه را که بخواهد بیافریند می‌آفریند، و هرکس را که بخواهد برای طاعت و نبوت خویش برمی‌گزیند، و مشرکان اختیاری ندارند تا بر الله اعتراض کنند، و او سبحانه از شریکانی که همراه او عبادت می‌کنند پاک و منزّه است.

﴿وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ [القصص: ۶۹].

﴿۶۹﴾ و پروردگار از آنچه که سینه‌های‌شان پنهان و آشکار می‌کند آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۷۰].

﴿۷۰﴾ و او الله سبحانه است که هیچ معبود برحق جز او نیست، تمام ستایش‌ها در دنیا، و در آخرت فقط از آن اوست، و حکم قابل اجرا که هیچ بازگرداننده‌ای ندارد برای اوست، و در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی او بازگردانده می‌شود.

برخی فواید آیات:

- عاقل کسی است که باقی را بر فانی ترجیح می‌دهد.
- توبه، گناهان گذشته را محو می‌کند.
- اختیار برای الله است نه برای بندگان، پس بندگان حق ندارند بر او اعتراض کنند.
- احاطه علم الله به اعمال آشکار و نهان بندگان.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾ [القصص: ۷۱].

۷۱ - ای رسول - به این مشرکان بگو: به من خبر دهید اگر الله شب را بر شما جاویدان و مستمر قرار دهد، و تا روز قیامت ادامه یابد، کدام معبود غیر از الله روشنایی ای مانند روشنایی روز برای تان می آورد؟! پس آیا این حجتها را نمی شنوید، و نمی دانید که هیچ معبودی جز الله نیست که آن را برای تان بیاورد؟!

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِاللَّيْلِ تَسْكُونُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ [القصص: ۷۲].

۷۲ - ای رسول - به آنها بگو: به من خبر دهید اگر الله تا روز قیامت روز را بر شما همیشگی گرداند، کدام معبود غیر از الله شبی که در آن آرام گیرید برای تان می آورد تا از خستگی کار در روز، استراحت کنید؟! پس آیا این آیات را نمی بینید، و نمی دانید که هیچ معبودی جز الله نیست که تمام این نشانهها را برای تان بیاورد؟!

﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [القصص: ۷۳].

۷۳ و - ای مردم - از مظاهر رحمت او تعالی این است که شب را برای تان تاریک قرار داد؛ تا پس از اینکه از کار در روز خسته شدید در آن آرام گیرید، و روز را برای تان روشنایی بخش قرار داد؛ تا در آن به جستجوی روزی بکوشید، و تا شکر نعمت های الله بر خویش را بگذارید و ناسپاسی نکنید.

﴿وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ﴾ [القصص: ۷۴].

۷۴ و روزی که پروردگارش این گونه بر آنها ندا می زند: کجايند شریکانم که آنها را به جای من عبادت می کردید، و گمان می کردید که شریکان من هستند؟

﴿وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [القصص: ۷۵].

۷۵ و از هر امتی پیامبرش را حاضر می کنیم که به کفر و تکذیبی که بر آن بودند گواهی می دهد، آن گاه به تکذیب کنندگان این امتها می گوئیم: حجتها و دلایل خویش را بر کفر و تکذیبی که بر آن بودید بیاورید، آن گاه حجتهایشان بریده می شود و به یقین می دانند که حقیقتی که هیچ تردیدی در آن نیست برای الله است،

و شریکانی را که برای او سبحانه می‌ساختند از آنها پنهان می‌شود.
 الله پس از بیان اینکه فرعون به سبب قدرت‌یافتن در زمین تکبر ورزید طغیان قارون
 به سبب مال را بیان کرد و فرمود:

﴿* إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ
 لَتَشْتَوْنَ بِالْعُضْبَةِ ۚ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ﴾
 [القصص: ۷۶].

﴿۷۶﴾ به راستی که قارون از قوم موسی بود که بر آنها تکبر ورزید، و از گنج‌های اموال
 آنقدر به او دادیم که حمل کلیدهای گنجینه‌هایش بر گروهی نیرومند سنگینی می
 کرد، آن‌گاه که قومش به او گفتند: بیش از حد شادی نکن؛ زیرا الله کسانی را که
 بیش از حد شادی و سرمستی می‌کنند دوست ندارد، بلکه بر آنها خشم می‌گیرد و
 آنها را بر این کار عذاب می‌کند.

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ
 إِلَيْكَ وَلَا تَتَّبِعِ الْمُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾ [القصص: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و در اموالی که الله به تو داده است پاداش سرای آخرت را بجوی؛ به این‌گونه که
 آن را در راه‌های خیر انفاق کن، و سهم خویش از خوردن و نوشیدن و پوشیدن
 سایر نعمت‌ها، بدون اسراف و زیاده‌روی، فراموش نکن، و همچنان که الله سبحانه
 به تو نیکی کرده است با پروردگارت و بندگان او به نیکی رفتار کن، و با ارتکاب
 گناهان و ترک طاعات در زمین فساد مجوی، زیرا الله فسادکاران در زمین با ارتکاب
 گناهان و ترک طاعات را دوست ندارد، بلکه بر آنها خشم می‌گیرد.

برخی فواید آیات:

- از پی یکدیگر درآمدن شب و روز یکی از نعمت‌های الله است که شکر او تعالی را واجب می‌کند.
- سرکشی همان‌گونه که به سبب ریاست و ملک صورت می‌گیرد به سبب مال نیز انجام می‌شود.
- شادی بیش از حد، گناهی است که الله بر آن خشم می‌گیرد.
- ضرورت نصیحت برای کسی که بر او ترس از فتنه می‌رود.
- خشم الله برای فسادکاران بر روی زمین.

﴿قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا وَلَا يُسْأَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ﴾ [القصص: ۷۸].

﴿۷۸﴾ قارون گفت: جز این نیست که این اموال به خاطر علم و قدرتی که دارم به من داده شده است، پس من استحقاق آن را دارم. آیا قارون ندانسته بود که الله پیش از او امت‌هایی را نابود کرده است که از او قدرت بیشتری داشتند و مال بیشتری جمع کرده بودند؟! اما نه قدرت‌شان بر آنها سودی رساند و نه اموال‌شان، و در روز قیامت مجرمان در مورد گناهان‌شان مورد سوال قرار نمی‌گیرند زیرا الله از گناهان آنها آگاه است، و سوال کردن از آنها برای سرزنش و توبیخ است.

﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ [القصص: ۷۹].

﴿۷۹﴾ پس قارون برای نمایاندن ابهتش، در زیور خویش خارج شد، کسانی از اصحاب قارون که در زیور زندگی دنیا طمع می‌ورزیدند گفتند: کاش از زیور دنیا مثل آنچه که به قارون داده شده است به ما داده می‌شد، به‌راستی که قارون دارای سهمی کافی و بزرگ است.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ﴾ [القصص: ۸۰].

﴿۸۰﴾ و کسانی که علم به آنها داده شده بود وقتی قارون را در زیورش دیدند و آنچه را که اصحابش آرزو کردند شنیدند گفتند: وای بر شما! پاداش الله در آخرت، و نعمت‌هایی که برای کسی که به او ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد آماده کرده است، بهتر است از زیور دنیا که به قارون داده شده است، و برای گفتن این سخن و عمل به اقتضای آن توفیق داده نمی‌شوند مگر شکیباییانی که بر ترجیح دادن پاداشی که نزد الله است بر کالای نابودشدنی دنیا شکیبایی می‌کنند.

﴿فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ﴾ [القصص: ۸۱].

﴿۸۱﴾ آن‌گاه برای انتقام از قارون به‌سبب سرکشی‌اش، او و خانه‌اش و کسانی که در آن بودند را در زمین فرو بردیم، پس گروهی نداشت که او را در برابر الله یاری رساند،

و خودش نیز نتوانست از خویش دفاع کند.

﴿وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَافُرُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَن مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَافُرُنَا لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾
[القصص: ۸۲].

﴿۸۲﴾ و کسانی که قبل از فروبردن لقمان در زمین مال و زینت او را آرزو می‌کردند، صبح حسرت‌خورده و پندگیرنده می‌گفتند: آیا ندانسته بودیم که الله روزی را برای هرکس از بندگانش که بخواهد می‌گستراند، و آن را برای هرکس از آنها که بخواهد محدود می‌گرداند؟! اگر الله بر ما منت ننهاده بود که ما را به سبب آنچه گفتیم مجازات نکرد؛ به‌طور قطع همان‌گونه که قارون را در زمین فرو برد ما را نیز در زمین فرو می‌برد، به‌راستی که کافران، نه در دنیا و نه در آخرت، رستگار نمی‌شوند، بلکه مقصد و سرانجام آنها تباهی در دنیا و آخرت است.

﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [القصص: ۸۳].

﴿۸۳﴾ آن سرای آخرت را سرای نعمت‌ها و تکریم قرار داده‌ایم برای کسانی که خواستار گردنکشی در برابر ایمان به حق و پیروی از آن، و فساد در روی زمین نیستند، و سرانجام نیکو یعنی نعمت‌های بهشتی، و رضایت الله در آنجا برای کسانی است که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان، تقوای او تعالی را پیشه می‌کنند.

﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [القصص: ۸۴].

﴿۸۴﴾ هرکس در روز قیامت یک نیکی - از نماز و زکات و روزه و سایر نیکی‌ها - بیاورد جزایی بهتر از آن نیکی برایش است چون آن نیکی برایش تا ده نیکی همانند آن افزوده می‌شود، و هرکس در روز قیامت یک بدی - از کفر و رباخواری و زنا و سایر بدی‌ها بیاورد - به کسانی که بدی‌ها را مرتکب شده‌اند جز مثل آن چیزی که انجام داده‌اند جزا داده نمی‌شود؛ بدون افزایش.

برخی فواید آیات:

- آفرینش و اندازه‌گیری هر خیر و نعمتی که در انسان وجود دارد، از جانب الله است.
- علمای واقعی همان اهل حکمت و نجات از فتنه‌ها هستند (نه هر شخصی که مدعی علم است)؛ زیرا علم صاحبش را به درستی و صواب متوجه می‌سازد.
- سرانجام برتری جویی و غرور در زمین و انتشار فساد، نابودی و تباهی است.
- گسترش رحمت و عدالت الله با افزودن بر نیکی‌های مؤمن و نیفزودن بر بدی‌های کافر.

﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [القصص: ۸۵].

﴿۸۵﴾ در حقیقت همان ذاتی که قرآن را بر تو نازل کرد و تبلیغش و عمل به آن را بر تو فرض گرداند به طور قطع تو را پیروزمندانه به مکه بازمی‌گرداند، - ای رسول - به مشرکان بگو: پروردگارم بهتر می‌داند که چه کسی هدایت را آورده، و چه کسی در گمراهی آشکاری از هدایت و حقیقت قرار دارد.

﴿وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ﴾ [القصص: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و - ای رسول - بیندیش که - قبل از بعثت - امیدوار نبودی قرآن به عنوان وحی از جانب الله بر تو فرستاده شود، اما رحمتی از جانب او سبحانه، نزدول قرآن بر تو را اقتضا کرد، پس یاور کافران بر گمراهی‌ای که در آن هستند نباش.

﴿وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلْتُ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [القصص: ۸۷].

﴿۸۷﴾ و نباید این مشرکان تو را از آیات الله پس از اینکه بر تو نازل شد بازدارند تا تلاوت و تبلیغ آنها را رها کنی، و مردم را به سوی ایمان به الله و توحید او و عمل به شریعتش دعوت کن، و از مشرکانی که همراه الله غیر او را عبادت می‌کنند مباش، بلکه از موحدین و یکتاپرستانی باش که فقط الله یگانه را عبادت می‌کنند.

﴿وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [القصص: ۸۸].

﴿۸۸﴾ و جز الله معبودی همراه او تعالی عبادت نکن، هیچ معبود برحقی جز او نیست، همه چیز جز وجه او سبحانه نابود شونده است، و حکم فقط از آن اوست که به هر چه بخواهد حکم می‌کند، و در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی او بازگردانیده می‌شوید.

سوره العنکبوت

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تمرکز بر موضوع ثبات و شکیبایی در برابر آزمایش‌ها و فتنه‌ها و سرانجام این کار.

تفسیر:

﴿الم﴾ [العنکبوت: ۱].

﴿۱﴾ ﴿آلَم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در آغاز سوره بقره بیان شد.

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ [العنکبوت: ۲].

﴿۲﴾ آیا مردم پنداشتند که با این سخن که بگویند: به الله ایمان آوردیم، رها می‌شوند بدون اینکه آزمایش شوند تا حقیقت آنچه گفته‌اند مشخص گردد که آیا: واقعا مؤمن هستند؟! امر چنان که آنها پنداشته‌اند نیست.

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ [العنکبوت: ۳].

﴿۳﴾ و به تحقیق کسانی را که پیش از آنها بودند آزموده‌ایم، تا الله راستی راستگویان در ایمان‌شان و دروغ‌گویان در ایمان‌شان را برای‌تان آشکارا معلوم دارد و کشف کند.

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ [العنکبوت: ۴].

﴿۴﴾ بلکه آیا کسانی که مرتکب شرک و سایر گناهان می‌شوند می‌پندارند که می‌توانند ما را ناتوان سازند، و از کیفر ما نجات یابند؟ بسیار زشت است حکمی که صادر می‌کنند، زیرا آنها نه می‌توانند الله را ناتوان سازند، و نه می‌توانند از کیفر او نجات یابند اگر بر کفرشان بمیرند.

﴿مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [العنکبوت: ۵].

﴿۵﴾ و هرکس به دیدار الله در روز قیامت ایمان دارد تا به او پاداش دهد باید بداند اجلی که الله برای این امر برایش مشخص کرده است به زودی آمدنی است، و او تعالی سخنان بندگانش را می‌شنود، و از اعمال‌شان آگاه است، ذره‌ای از سخنان

و اعمال شان از دست او تعالی نمی‌رود، و به زودی آنها را در قبال آنها جزا خواهد داد.

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ [العنکبوت: ۶].

① و هرکس با واداشتن نفس خویش بر طاعت و دوری از معصیت با آن بجنگد، و در راه الله جهاد کند فقط به نفع خویش می‌جنگد؛ زیرا نفع این کار به خودش بازمی‌گردد، و الله از تمام مخلوقاتش بی‌نیاز است، زیرا طاعت آنها ذره‌ای بر او نمی‌افزاید، و معصیت آنها از او نمی‌کاهد.

برخی فواید آیات:

- نهی از یاری رساندن به گمراهان.
- امر به چنگ زدن به توحید الله و دوری از شرک به او تعالی.
- ابتلا و آزمایش مؤمنان، سنتی الهی است.
- بی‌نیازی الله از طاعت بندگانش.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [العنكبوت: ۷].

و کسانی که ایمان آورده و در برابر آزمایش‌های ما ما برای آنها شکیبایی کرده اند، و اعمال صالح انجام داده‌اند به‌طور قطع گناهان‌شان را به‌سبب اعمال صالحی که انجام داده‌اند پاک می‌کنیم، و در آخرت بر حسب بهترین اعمالی که در دنیا انجام می‌دادند به آنها پاداش می‌دهیم.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِنِّي مَرْجِعُكُمْ فَأَنْتَبِئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [العنكبوت: ۸].

و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خویش نیکی و احسان کند، و - ای انسان - اگر پدر و مادرت در برابر تو کوشیدند تا چیزی را که به آن علم نداری با من شریک قرار دهی - چنان که برای سعد بن ابی‌وقاص رضی الله عنه در برابر مادرش رخ داد - در این کار از آنها فرمان‌برداری نکن؛ زیرا هرگز اطاعت از مخلوق در نافرمانی از خالق جایز نیست، بازگشت شما در روز قیامت فقط به‌سوی من است، آن‌گاه شما را به آنچه در دنیا انجام می‌دادید باخبر می‌سازم، و در قبال اعمالتان به شما جزا می‌دهم.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ﴾ [العنكبوت: ۹].

و کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند به‌طور قطع در روز قیامت آنها را در زمره صالحان درمی‌آوریم، و آنها را با صالحان حشر می‌کنیم، و پاداش صالحان را به آنها می‌دهیم.

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ﴾ [العنكبوت: ۱۰].

و از مردم کسانی هستند که می‌گویند: به الله ایمان آوردیم، اما وقتی کافران آنها را به خاطر ایمان‌شان اذیت کنند آزار کافران برای خویش را مانند عذاب الله قرار می‌دهند آن‌گاه برای موافقت با کفار از ایمان بازمی‌گردند، و - ای رسول - اگر از جانب پروردگارت پیروزی به تو رسد به‌طور قطع خواهند گفت: - ای مؤمنان - همانا ما بر ایمان با شما بودیم. آیا الله به آنچه در سینه‌های مردم است آگاه‌تر

نیست؟! و کفر و ایمانی که در سینه‌های‌شان است بر او پوشیده نمی‌ماند، پس چگونه الله را از آنچه در دل‌های‌شان است خبر می‌دهند درحالی‌که او تعالی از خود آنها به آنچه در سینه‌های‌شان وجود دارد آگاه‌تر است؟!

﴿وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ﴾ [العنکبوت: ۱۱].

﴿۱۱﴾ و به‌طور قطع الله کسانی را که واقعاً ایمان آورده‌اند می‌شناسد، و به‌طور قطع منافقان را که ایمان را آشکار، و کفر را پنهان می‌کنند می‌شناسد.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ [العنکبوت: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و کسانی که کفر ورزیده‌اند به کسانی که به یگانگی و وحدانیت الله ایمان آورده‌اند می‌گویند: از دین ما و آنچه که ما بر آن هستیم پیروی کنید، ما گناهان‌تان را به جای شما به دوش می‌کشیم، و به جای شما در قبال گناهان‌تان جزا می‌شویم، اما ذره‌ای از گناهان‌شان را به دوش نمی‌کشند، و به‌طور قطع آنها در این سخن‌شان دروغگو هستند.

چون (امکان دارد) از این بیان که کافران، گناهان دیگران را به دوش نمی‌کشند این‌گونه فهمیده شود که کافرانی که به‌سوی گمراهی خویش دعوت می‌کنند به‌سبب این کار گناه اضافه‌ای ندارند، به همین سبب این گمان را این‌گونه برطرف فرمود:

﴿وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [العنکبوت: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و به‌طور قطع این مشرکان که به‌سوی باطل خویش دعوت می‌دهند گناهانی را که مرتکب شده‌اند، و گناهان کسانی را که دعوت آنها را پیروی کرده‌اند به دوش خواهند کشید بدون اینکه ذره‌ای از گناهان پیروان آنها کاسته شود، و به‌طور قطع در روز قیامت در مورد سخنان باطلی که در دنیا می‌ساختند مورد سوال قرار خواهند گرفت.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ [العنکبوت: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و به تحقیق که نوح علیه السلام را رسولی به‌سوی قومش فرستادیم، که نهصد و پنجاه سال در میان قومش ماند و آنها را به‌سوی توحید الله فرا می‌خواند، اما او را تکذیب

کردند و به کفرشان ادامه دادند، پس طوفان آنها را درحالی که به سبب کفر به الله و تکذیب رسولانش ستمکار بودند فراگرفت، و غرق و نابود شدند.

برخی فواید آیات:

- الله با اعمال صالح گناهان را می پوشاند.
- وجوب نیکی بر پدر و مادر مورد تأکید قرار گرفته است.
- ایمان به الله، شکیبایی در برابر آزار دیدن در راه او تعالی را ایجاب می کند.
- هرکس سنت بدی را به جای گذارد گناه سنت بد و گناه تمام کسانی که به آن عمل کنند بر اوست بدون اینکه ذره ای از گناهان کسانی که به آن سنت بد عمل کرده اند کاسته شود.

﴿فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾ [العنکبوت: ۱۵].

﴿۱۵﴾ آن گاه نوح و مؤمنان همراه او در کشتی، را از نابودی با غرق شدن نجات دادیم، و کشتی را پندی برای مردم قرار دادیم تا از آن پند بگیرند.

﴿وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [العنکبوت: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و - ای رسول - قصهٔ ابراهیم علیه السلام را به یاد آور آن گاه که به قومش گفت: فقط الله را عبادت کنید، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی از کیفرش بترسید، این کار که به آن امر شده‌اید برای‌تان بهتر است اگر بدانید.

﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [العنکبوت: ۱۷].

﴿۱۷﴾ - ای مشرکان - شما فقط بت‌هایی را عبادت می‌کنید که نه سود می‌رسانند و نه زیان؛ و آن گاه که استحقاق آنها برای عبادت را ادعا می‌کنید دروغ می‌بندید. به راستی کسانی را که به جای الله عبادت می‌کنید برای‌تان مالک رزق و روزی نیستند تا به شما روزی دهند، پس روزی را نزد الله بجوئید زیرا او روزی‌دهنده است، و تنها او را عبادت کنید، و در قبال روزی‌هایی که به شما ارزانی داشته است از او سپاسگزاری کنید، در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی او بازمی‌گردید؛ نه به‌سوی بت‌هایتان.

﴿وَإِن تَكْذِبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين﴾ [العنکبوت: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و - ای مشرکان - اگر آنچه را که محمد صلی الله علیه و آله آورده است تکذیب کنید، به‌طور قطع امت‌های پیش از شما مانند قوم نوح و عاد و ثمود تکذیب کرده‌اند، و برعهدهٔ رسول جز ابلاغ آشکار نیست، و آنچه را پروردگارش برای تبلیغ آن به‌سوی شما بر او امر کرده است به شما رسانده است.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِير﴾ [العنکبوت: ۱۹].

﴿۱۹﴾ آیا این تکذیب‌کنندگان ندیده‌اند که الله چگونه ابتدا آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را پس از نابودی‌اش بازمی‌گرداند؟! به‌راستی که این کار بر الله آسان است، زیرا او ذات توانایی است که هیچ چیزی او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [العنكبوت: ۲۰].

۳۰ - ای رسول - به این تکذیب کنندگان رستاخیز بگو: در زمین بگردید و بنیدیشید که الله چگونه آفرینش را آغاز کرد، سپس الله مردم را پس از مرگشان دوباره برای رستاخیز و حساب زنده می‌گرداند، به راستی که الله بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد، بنابراین از برانگیختن مردم ناتوان نیست همان‌گونه که از آفرینش اول آنها ناتوان نبوده است.

﴿يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ﴾ [العنكبوت: ۲۱].

۳۱ الله به عدل خویش هر یک از مخلوقاتش را بخواهد عذاب می‌کند، و به فضل خویش بر هر یک از مخلوقاتش بخواهد رحم می‌کند، و در روز قیامت برای حسابرسی فقط به سوی او بازگردانیده می‌شوید آن‌گاه که شما را زنده از قبرهای تان برمی‌انگیزد.

﴿وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [العنكبوت: ۲۲].

۳۲ و شما نمی‌توانید از چنگ پروردگارتان در روید، و از کیفر او در زمین و آسمان‌ها بگریزید، و غیر از الله هیچ دوستی ندارید که کارتان را برعهده بگیرد، و غیر از الله هیچ یآوری ندارید که عذاب را از شما دفع کند.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَئِسُوا مِنْ رَحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [العنكبوت: ۲۳].

۳۳ و کسانی که به آیات الله سبحانه و به دیدار او تعالی در روز قیامت کفر ورزیده اند، همان‌ها از رحمت من ناامید هستند، و به سبب کفرشان هرگز وارد بهشت نخواهند شد، و همان‌ها هستند که عذابی رنج‌آور در آخرت در انتظارشان است.

برخی فواید آیات:

- بت‌ها مالک رزق و روزی نیستند، پس استحقاق عبادت را ندارند.
- روزی فقط از الله طلب می‌شود که مالک روزی است.
- آغاز آفرینش دلیلی بر رستاخیز است.
- ورود به بهشت بر هرکسی که در حالت کفر بمیرد حرام است.

﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [العنكبوت: ۲۴].

۴۱ اما پاسخ قوم ابراهیم به او - پس از اینکه آنها را به عبادت الله به یگانگی و ترک عبادت غیر او از بت‌ها امر کرد - چیزی نبود جز اینکه گفتند: برای یاری رساندن به بت‌های تان او را بکشید یا او را در آتش اندازید، ولی الله او را از آتش نجات داد، به‌راستی که در نجات ابراهیم علیه السلام از آتش پس از اینکه در آن افکنده شد پندهایی است برای مردمی که ایمان می‌آورند؛ چون آنها همان کسانی هستند که از عبرت‌ها سود می‌برند.

﴿وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ نَّاصِرِينَ﴾ [العنكبوت: ۲۵].

۴۲ و ابراهیم علیه السلام به قومش گفت: شما بت‌هایی را به عنوان معبود انتخاب کرده‌اید که آنها را برای آشنایی و دوستی میان یکدیگر در عبادت آنها در زندگی دنیا عبادت می‌کنید، سپس در روز قیامت این دوستی میان شما بریده می‌شود، و هنگام مشاهده عذاب از یکدیگر بیزاری می‌جوئید، و یکدیگر را نفرین می‌کنید، و قرارگاه شما که به‌سوی آن پناه می‌برید جهنم است، و یاورانی ندارید که شما را در برابر عذاب الله محافظت کنند، نه از بت‌های تان که آنها را به جای الله عبادت می‌کردید، و نه از غیر آنها.

﴿* فَاَمَّنْ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [العنكبوت: ۲۶].

۴۳ پس لوط علیه السلام به او ایمان آورد، و ابراهیم علیه السلام گفت: من به‌سوی پروردگارم به سرزمین مبارک شام هجرت می‌کنم، به‌راستی که او ذات شکست‌ناپذیری است که مغلوب نمی‌شود، و هرکس به‌سوی او هجرت کند خوار نمی‌گردد، و او تعالی در تقدیر و تدبیرش بسیار دانا است.

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [العنكبوت: ۲۷].

۴۴ و اسحاق و پسرش یعقوب را به ابراهیم دادیم، و نبوت و کتاب‌های نازل شده از جانب الله را در میان فرزندان او قرار دادیم، و پاداش شکیبایی او بر حق را با

فرزندان صالح و یاد نیک در دنیا بر او بخشیدیم، و به راستی که او در آخرت پاداش صالحان را پاداش می‌گیرد، و آنچه در دنیا به او داده شده است از پاداش گرامی او در آخرت که برایش آماده شده است نمی‌کاهد.

﴿وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَثُونَ لِفَاحِشَةٍ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ﴾ [العنکبوت: ۲۸].

۲۸) و - ای رسول - لوط علیه السلام را به یاد آور آن گاه که به قومش گفت: به راستی که شما گناه زشتی را مرتکب می‌شوید که هیچ‌یک از جهانیان پیش از شما در انجام آن بر شما پیشی نگرفته است، و شما نخستین کسانی هستید که این گناه را که فطرت سالم از آن ابا دارد به وجود آورده‌اید.

﴿إِنَّكُمْ لَأَثُونَ لِلرِّجَالِ وَتَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [العنکبوت: ۲۹].

۲۹) آیا شما برای برآورده کردن شهوتتان با مردان از پشت درمی‌آمیزید، و راه را بر مسافران می‌بندید که از ترس فاحشه‌ای که مرتکب می‌شوید از کنار شما نمی‌گذرند، و در مجالس خویش کارهای زشتی مانند برهنگی و رساندن آزار گفتاری و عملی به کسانی که از کنار شما می‌گذرند انجام می‌دهید؟ اما پاسخ قومش به او پس از اینکه آنها را از انجام کارهای زشت نهی کرد، جز این نبود که به او گفتند: عذاب الله که ما را به آن تهدید می‌کنی بیاور اگر در ادعای خویش راستگو هستی.

﴿قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۰].

۳۰) لوط پس از آزار قومش و طلب نزول عذاب علیه خودشان برای تحقیر لوط علیه السلام، اینگونه به درگاه پروردگارش دعا کرد: پروردگارا مرا بر قوم فسادکار در روی زمین به سبب کفر و گناهان زشتی که منتشر می‌کنند پیروز گردان.

برخی فواید آیات:

- عنایت الله به بندگان صالحش که آنها را از مکر دشمنان‌شان نجات می‌دهد.
- فضیلت هجرت به سوی الله.
- بزرگی جایگاه ابراهیم علیه السلام و خاندانش نزد الله تعالی.
- اعطای بخشی از اجر در دنیا به معنای کاستن پاداش در آخرت نیست.
- زشتی انجام منکرات در مجالس عمومی.

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و وقتی فرشتگانی که آنها را برای مزده دادن ابراهیم علیه السلام به اسحاق و پس از او به پسرش یعقوب فرستادیم آمدند گفتند: به راستی که ما ساکنان شهر سدوم، شهر قوم لوط را نابود خواهیم کرد؛ زیرا ساکنانش به سبب کار فاحشه‌ای که انجام می‌دهند ستمکار هستند.

﴿قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنُنَجِّيَنَّهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۲].

﴿۳۲﴾ ابراهیم علیه السلام به فرشتگان گفت: در این شهری که نابودی ساکنانش را می‌خواهید لوط قرار دارد که از ستمکاران نیست، فرشتگان گفتند: ما به کسانی که در آن شهر هستند آگاه‌تر هستیم، به طور قطع او و خانواده‌اش را از نابودی نازل شده بر ساکنان شهر نجات خواهیم داد مگر همسرش که از باقی‌ماندگان نابود شده است، و او را همراه آنها نابود خواهیم کرد.

﴿وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ إِنَّا مُنْجِيُكَ وَأَهْلِكَ إِلَّا امْرَأَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و چون فرشتگانی که آنها را برای نابودی قوم لوط فرستادیم نزد لوط علیه السلام رسیدند لوط از ترس بر آنها به خاطر پلیدی قوم خویش، از آمدن‌شان ناراحت و غمگین شد، چون فرشتگان در شکل مردانی نزدش آمده بودند، و قوم او شهوت را به جای زنان با مردان برآورده می‌کردند. فرشتگان به او گفتند: نترس، زیرا قومت هرگز آسیبی به تو نخواهند رساند، و بر نابودی آنها که به تو خیر دادیم اندوه مدار، زیرا ما تو و خانواده‌ات را نجات می‌دهیم، جز همسرت که از باقی‌ماندگان نابود شده است، و او را همراه آنها نابود خواهیم کرد.

﴿إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَى أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾ [العنکبوت: ۳۴].

﴿۳۴﴾ به راستی که ما بر ساکنان این شهر که پلیدی‌ها را انجام می‌دادند به کیفر خروج آنها از طاعت الله با فاحشه‌زشتی که انجام می‌دادند، یعنی درآمیختن با مردان از روی شهوت به جای زنان، عذابی از آسمان، یعنی سنگ‌هایی از گل خشک فرو خواهیم فرستاد.

﴿وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [العنكبوت: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و به تحقیق در این شهر که آن را نابود کردیم نشانه‌ای آشکار برای مردمی که می‌اندیشند باقی گذاشتیم؛ زیرا آنها همان کسانی هستند که از نشانه‌ها پند می‌گیرند.

﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ [العنكبوت: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و به سوی مَدْيَن برادر نَسَبی‌شان شعیب علیه السلام را فرستادیم، و گفت: ای قوم من، تنها الله را عبادت کنید، و به عبادت او توسط خویش به پاداش روز آخرت امیدوار باشید، و با انجام و نشر گناهان در زمین فساد برپا نکنید.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ [العنكبوت: ۳۷].

﴿۳۷﴾ اما قومش او را تکذیب کردند، پس زلزله آنها را فراگرفت، و درحالی که چهره‌های شان به خاک چسبیده بود، و هیچ حرکتی نداشتند در خانه‌های شان بر صورت افتادند.

﴿وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾ [العنكبوت: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و همچنین عاد قوم هود علیه السلام، و ثمود قوم صالح علیه السلام را نابود کردیم، و - ای مردم مکه - از مسکن‌های شان در حجر و شحر از حضرموت آنچه را که بر نابودی آنها دلالت دارد بر شما آشکار شده است، زیرا مسکن‌های خالی آنها بر این امر گواه است، و شیطان اعمال شان از کفر و سایر گناهان را که مرتکب شدند برای شان آراست، و آنها را از راه راست بازگرداند، درحالی که به سبب آنچه رسولان شان به آنها آموخته بودند نسبت به حق و گمراهی و هدایت و انحراف بینا بودند، اما پیروی از هوس را بر پیروی از هدایت برگزیدند.

برخی فواید آیات:

- این فرموده الله تعالی ﴿وَقَدْ تَبَيَّنَ...﴾ بر شناخت عرب از مساکن و قصه‌های اقوام نابود شده دلالت دارد.
- پیوندهای انسانی (دوستی، خویشاوندی و...) جز با وجود ایمان سودی نمی‌رسانند.
- اشتیاق بر امنیت و سلامت مهمانان از تجاوز بر آنها.
- مثال نابود شدگان با عذاب پندی برای پندگیران است.
- علم به حق با وجود پیروی از هوس و ترجیح هوس بر هدایت، هیچ نفعی نمی‌رساند.

﴿وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و قارون را - آن گاه که بر قوم موسی علیه السلام سرکشی کرد - با فروبردن خودش و خانه‌اش در زمین از بین بردیم، و فرعون و وزیرش هامان را در دریا غرق و نابود کردیم، در حالی که موسی علیه السلام آیات روشن و دلالت کننده بر راستگویی‌اش را برای شان آورده بود، اما آنها در سرزمین مصر از ایمان به او سر باز زدند، و نمی‌توانستند از عذاب ما فرار کنند.

﴿فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن حَسَفْنَا بِه الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَعْرَفْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [العنکبوت: ۴۰].

﴿۴۰﴾ پس تمام کسانی را که قبلاً بیان شدند به عذاب نابود کننده خویش گرفتیم، از جمله آنها قوم لوط بودند که سنگ‌هایی از گل خشک و متراکم بر آنها فروفرستادیم، و از آنها قوم صالح و قوم شعیب بودند که فریادی آنها را فراگرفت، و از آنها قارون بود که او و خانه‌اش را به زمین فرو بردیم، و از آنها قوم نوح و فرعون و هامان بودند که آنها را با غرق کردن نابود کردیم، و الله با نابود کردن آنها بدون گناه بر آنها ستم نکرد، بلکه آنها خودشان با ارتکاب گناهان به خودشان ستم می‌کردند، و سزاوار عذاب شدند.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [العنکبوت: ۴۱].

﴿۴۱﴾ مثل مشرکان که بت‌هایی را به جای الله گرفتند و آنها را به امید نفع یا شفاعت عبادت می‌کنند مانند عنکبوت است که خانه‌ای ساخته است تا در برابر تجاوز از او محافظت کند، و به‌راستی که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، زیرا دشمنی را از او دفع نمی‌کند، و همچنین است بت‌هایشان، که نه نفع می‌رسانند و نه زبانی می‌رسانند و نه شفاعت می‌کنند، اگر مشرکان از این امر آگاه بودند به‌طور قطع بت‌هایی اختیار نمی‌کردند که آنها را به جای الله عبادت کنند.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [العنکبوت: ۴۲].

﴿۴۲﴾ در حقیقت الله آنچه را که به جای او عبادت می‌کنند می‌داند، و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و او ذات شکست‌ناپذیری است که مغلوب نمی‌شود، و در

آفرینش و تقدیر و تدبیر خویش بسیار دانا است.

﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ [العنکبوت: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و هدف از بیان این مثال‌ها برای مردم آن است که آنها را نسبت به حق هوشیار و بینا کند، و به‌سوی حق هدایت گرداند، اما جز عالمان به شریعت و حکمت‌های الله، کسی آنها را به وجه مطلوب درک نمی‌کند.

﴿خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [العنکبوت: ۴۴].

﴿۴۴﴾ الله آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده، و هرگز آنها را به باطل و بیهوده نیافریده است، به‌راستی که در این آفرینش دلالت آشکاری است بر قدرت الله برای مؤمنان؛ زیرا آنها هستند که از آفرینش الله به آفریدگار سبحانه راهنمایی می‌شوند، اما کافران از کنار آیات موجود در کرانه‌های هستی و مخلوقات می‌گذرند بدون اینکه به عظمت و قدرت آفریدگار سبحانه توجه و اعتنایی بکنند.

﴿أَثَلْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ [العنکبوت: ۴۵].

﴿۴۵﴾ - ای رسول - آنچه را الله از قرآن بر تو وحی کرده است بر مردم بخوان، و نماز را به کامل‌ترین وجه برپادار، زیرا نماز ادا شده به صورت کامل به‌سبب نور بازدارنده از ارتکاب گناهان و راهنما به‌سوی اعمال صالح که در دل‌ها ایجاد می‌کند نمازگزار را از وقوع در گناهان و منکرات نهی می‌کند. و به‌طور قطع که یاد الله از هر چیزی بزرگتر و برتر است، و الله آنچه را که انجام می‌دهید می‌داند، و ذره‌ای از اعمال شما بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی شما را در قبال اعمالتان، اگر خیر باشد به جزای خیر، و اگر شر باشد به جزای شر، جزا می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- اهمیت ضرب المثل: «مثل عنکبوت».
- تعدد انواع عذاب در دنیا.
- الله از ظلم پاک است.
- دل بستگی به غیر الله، دل بستگی به سست‌ترین دستاویز است.
- اهمیت نماز در اصلاح رفتار مؤمن.

﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَالْهَنَا وَاللَّهُمَّ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۶].

﴿۴۶﴾ و - ای مؤمنان - با یهود و نصاری گفتگو و مجادله نکنید جز به روش نیکوتر و طریق نمونه که همان دعوت با اندرز و دلایل آشکار است، مگر کسانی از آنها که با ستیز و لجبازی ستم کردند، و جنگ علیه شما را اعلام کردند، که با آنها بجنگید تا اسلام آورند یا جزیه را خوار و ذلیل به دست خویش بدهند، و به یهود و نصاری بگویید: به آنچه الله از قرآن به سوی ما نازل کرده است ایمان آوریم، و به آنچه از تورات و انجیل که به سوی شما نازل کرده است ایمان آوریم، و معبود ما و معبود شما یکی است که در الوهیت و ربوبیت و کمال خویش هیچ شریکی ندارد، و ما فقط در برابر او تسلیم و فروتن هستیم.

﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و همان گونه که کتابها را بر کسانی که پیش از تو بودند فرو فرستادیم قرآن را بر تو نازل کردیم، پس برخی از اینها - مانند عبدالله بن سلام - که تورات را می خوانند به آن ایمان می آورند؛ چون توصیف آن را در کتابهایشان می یابند، و از این مشرکان کسی است که به قرآن ایمان می آورد، و کسی آیات ما را انکار نمی کند مگر کافر که عادت آنها کفر و انکار حق با وجود ظهورش است.

﴿وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِأَرْتَابِ الْمُبْتَلُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و - ای رسول - تو هیچ کتابی را پیش از قرآن نمی خواندی، و هیچ چیزی با دستت نمی نوشتی؛ زیرا درس نخوانده ای بودی که نه می خواند و نه می نوشت، و اگر می خواندی و می نوشتی به طور قطع مردم نادان در نبوت تو شک می کردند و مدعی می شدند که از روی کتابهای پیشین می نوشتی.

﴿بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ﴾ [العنكبوت: ۴۹].

﴿۴۹﴾ بلکه قرآن نازل شده بر تو آیات روشنی است در سینه های مؤمنانی که علم به آنها عطا شده است، و آیات ما را جز کسانی که با کفر و شرک به الله بر خودشان

ستم کرده‌اند انکار نمی‌کنند.

﴿وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [العنکبوت: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و مشرکان گفتند: چرا بر محمد نشانه‌هایی مثل آنچه که بر رسولان پیش از او نازل شد نازل نمی‌شود، - ای رسول - به این پیشنهاد دهندگان بگو: آیات فقط به دست الله سبحانه است، که هر وقت بخواهد آنها را فرو می‌فرستد، و فروفرستادن آنها در اختیار من نیست، و من فقط انذار دهنده‌ای آشکار از کیفر الله برای تان هستم.

﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [العنکبوت: ۵۱].

﴿۵۱﴾ - ای رسول - آیا برای این پیشنهاد دهندگان نشانه‌ها کافی نبوده است که قرآن را که بر آنها می‌خوانی بر تو نازل کردیم. به‌راستی که در قرآن نازل شده بر آنها رحمت و اندرزی است برای مردمی که ایمان می‌آورند، چون آنها هستند که از آنچه در قرآن وجود دارد سود می‌برند، پس آنچه بر آنها نازل شده بهتر است از آنچه که پیشنهاد داده‌اند؛ از قبیل آنچه که بر رسولان پیشین نازل شده است.

﴿قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [العنکبوت: ۵۲].

﴿۵۲﴾ - ای رسول - بگو گواهی الله سبحانه بر راستگویی‌ام در آنچه آورده‌ام، و بر تکذیب آن از سوی شما، کافی است، او تعالی از آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین وجود دارد آگاه است، و هیچ‌چیز در آسمان‌ها و زمین بر او پوشیده نمی‌ماند، و کسانی که به باطل، به تمام آنچه که به جای الله عبادت می‌شوند ایمان آورده‌اند، و به الله که سزاوار عبادت شدن به یگانگی است کفر ورزیده‌اند، همان‌ها به‌سبب تبدیل ایمان به کفر زیانکار هستند.

برخی فواید آیات:

- مجادله با اهل کتاب به نیکوترین روش.
- ایمان به تمام رسولان و کتاب‌ها بدون گذاشتن تفاوت، شرط صحت ایمان است.
- قرآن کریم، نشانه‌ جاویدان و حجت همیشگی بر راستگویی پیامبر ﷺ است.

﴿وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [العنكبوت: ۵۳].

۵۳ - ای رسول - مشرکان به تأکید از تو خواستار تعجیل در عذابی هستند که آنها را از آن انذار داده‌ای، و اگر الله زمانی را برای عذاب‌شان مقدر نکرده بود که هیچ تقدم و تأخری ندارد به‌طور قطع عذابی را که طلب کردند برای‌شان می‌آمد، و ناگهان و بدون اینکه انتظارش را داشته باشند آنها را فرا می‌گرفت.

﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ﴾ [العنكبوت: ۵۴].

۵۴ - به تأکید از تو خواستار تعجیل در عذابی هستند که آن را به آنها وعده داده‌ای، درحالی که جهنم که الله آن را به کافران وعده داده است آنها را احاطه می‌کند، و نمی‌توانند از عذاب آن فرار کنند.

﴿يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوْقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [العنكبوت: ۵۵].

۵۵ - روزی که عذاب از فرازشان آنها را می‌پوشاند، و از زیر پاهای‌شان فرشی برای‌شان است، و الله از روی توییخ به آنها می‌فرماید: جزای شرک و گناهایی را که انجام می‌دادید بچشید.

﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإَيَّا فَاغْبُدُون﴾ [العنكبوت: ۵۶].

۵۶ - ای بندگانم که به من ایمان آورده‌اید، از سرزمینی که در آن قادر بر عبادت من نیستید هجرت کنید، زیرا سرزمین من فراخ است پس تنها مرا عبادت کنید، و هیچ کس را با من شریک نگردانید.

﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾ [العنكبوت: ۵۷].

۵۷ - و ترس از مرگ نباید شما را از هجرت بازدارد، هر نفسی مرگ را می‌چشد، سپس در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی ما بازگردانده می‌شوید.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ [العنكبوت: ۵۸].

۵۸ - و کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح نزدیک‌کننده به او تعالی را انجام داده‌اند به‌طور قطع آنها را در اتاق‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از زیر آنها

رودها جاری است و برای همیشه در آنها می‌ماند، و هرگز از بین نمی‌روند. این پاداش عمل‌کنندگان به طاعت الله، چه پاداش نیکویی است.

﴿الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [العنکبوت: ۵۹].

۵۹) چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان به طاعت الله که بر طاعت و در برابر معصیت او تعالی شکیبایی کردند، و در تمام کارهای‌شان فقط بر پروردگارشان اعتماد می‌کنند.

﴿وَكَايِنٍ مِّن دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [العنکبوت: ۶۰].

۶۰) تمام جنبندگان - با وجود فراوانی - که نه می‌توانند روزی خود را جمع کنند و نه می‌توانند آن را حمل کنند؛ الله است که آنها و شما را روزی می‌دهد. پس عذری برای ترک هجرت از ترس گرسنگی ندارید، و او تعالی سخنان‌تان را می‌شنود، و از نیات و افعال‌تان آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ [العنکبوت: ۶۱].

۶۱) و - ای رسول - اگر از این مشرکان بپرسی: چه کسی آسمان‌ها را آفریده است؟ و چه کسی زمین را آفریده است؟ و چه کسی خورشید و ماه را که از پی یکدیگر می‌آیند رام کرده است؟ به‌طور قطع خواهند گفت: الله آنها را آفریده است، پس چگونه از ایمان به یگانگی و وحدانیت الله بازگردانده می‌شوند، و به جای او معبودهایی را عبادت می‌کنند که نه نفع می‌رسانند و نه زیان؟!

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [العنکبوت: ۶۲].

۶۲) الله به‌سبب حکمتی که خودش آن را می‌داند روزی را برای هرکس از بندگانش که بخواهد می‌گستراند، و آن را برای هرکس بخواهد تنگ می‌گرداند، زیرا الله بر هر چیزی آگاه است، و هیچ چیز بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، پس تدبیری که مناسب بندگانش است بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۳].

و - ای رسول - اگر از مشرکان بپرسی: چه کسی آب را از آسمان فرو فرستاده سپس زمین را پس از اینکه خشک و لم‌پرزع بود به وسیله آن آب رویانید؟ به طور قطع خواهند گفت: الله آب را از آسمان فرو فرستاد و زمین را با آن رویانید، - ای رسول - بگو: تمام ستایش‌ها از آن الله است که حجت را بر شما آشکار کرد، بلکه آنچه به دست می‌آید این است که بیشتر آنها نمی‌اندیشند؛ زیرا اگر می‌اندیشیدند بت‌هایی را که نه نفع می‌رسانند و نه زیان، شریک الله قرار نمی‌دادند.

برخی فواید آیات:

- به شتاب خواستن عذاب توسط کافر دلیلی بر نادانی اوست.
- باب هجرت به هدف حفظ دین باز است.
- فضیلت صبر و توکل بر الله.
- اقرار به ربوبیت بدون اقرار به الوهیت، نجات و ایمان را برای صاحبش محقق نمی‌گرداند.

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۴].

۱۰۱ و این زندگی دنیا - با گرایش‌ها و کالاهایش - جز سرگرمی و بازیچه‌ای برای دل‌های کسانی که شیفته آن هستند چیز دیگری نیست، و دیری نمی‌گذرد که به سرعت پایان می‌یابد، و به‌راستی که سرای آخرت به‌سبب ماندگاری‌اش زندگی حقیقی است. اگر می‌دانستند به‌طور قطع آنچه را که از بین‌رفتنی است بر آنچه که ماندگار است ترجیح نمی‌دادند.

الله پس از ثبت تناقض مشرکان؛ در ایمان آنها به ربوبیت الله وقتی در مورد کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده از آنها سوال می‌شود، و کفرشان به الوهیت آن‌گاه که غیر او تعالی را عبادت می‌کنند، تناقضی دیگر را بر آنها ثبت کرد یعنی اخلاص توحید از سوی آنها هنگام ترس از غرق شدن و بازگشت آنها به شرک هنگام نجات از غرق شدن؛ و فرمود:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۵].

۱۰۲ و مشرکان هنگامی که بر کشتی‌ها روی دریا سوار می‌شوند الله را به تنهایی و خالصانه در دعا می‌خوانند که آنها را از غرق شدن نجات دهد، اما وقتی که آنها را از غرق شدن نجات دهد مشرکانه بازمی‌گردند و معبودهای‌شان را همراه الله می‌خوانند.

﴿لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۶].

۱۰۳ مشرکانه بازمی‌گردند تا نعمت‌هایی را که به آنها عطا کرده‌ایم ناسپاسی کنند، و از آنچه از زیور زندگی دنیا که به آنها داده شده است بهره‌مند گردند، پس به‌زودی هنگام مرگشان از سرانجام بد خویش آگاه خواهند شد.

﴿أُولَئِكَ يَرَوْنَ أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾ [العنكبوت: ۶۷].

۱۰۴ آیا اینها که نعمت الله بر خودشان را آن‌گاه که الله آنها را از غرق شدن رها کنید ناسپاسی می‌کنند نعمتی دیگر را ندیده‌اند، و آن اینکه حرمی را برای‌شان قرار داده

ایم که در آن بر خون‌ها و اموال‌شان ایمن هستند، درحالی‌که دیگران مورد غارت قرار می‌گیرند، چنان‌که کشته و اسیر می‌شوند و زنان و فرزندان‌شان به اسارت گرفته می‌شوند و اموال‌شان چپاول گردد، پس آیا به معبودهای ادعایی و باطل خویش ایمان می‌آورند، و نعمت الله بر خودشان را ناسپاسی می‌کنند، و شکر الله را به جای نمی‌آورند؟!

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ﴾ [العنكبوت: ۶۸].

﴿۶۸﴾ هیچ‌کس ستمکارتر از کسی نیست که این دروغ را به الله ببندد که شریکی به او نسبت دهد، یا حقی را که رسولش آورده است تکذیب کند، بدون تردید در جهنم مسکنی برای کافران و امثال آنها است.

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنكبوت: ۶۹].
﴿۶۹﴾ و به‌طور قطع کسانی را که در جستجوی رضایت ما با نفس خویش جنگیده‌اند برای رسیدن به راه راست توفیق می‌دهیم، و به‌راستی که الله با یاری و نصر و هدایت، همراه نیکوکاران است.

سوره الروم

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان این حقیقت جهان هستی که مدیریت تمام امور و احوال و رویدادها فقط برای الله است؛ چنان‌که او تعالی می‌فرماید: ﴿اللَّهُ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِن بَعْدُ﴾

تفسیر:

﴿الم﴾ [الروم: ۱].

﴿۱﴾ ﴿الم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿غَلَبَتِ الرُّومُ﴾ [الروم: ۲].

﴿۲﴾ فارس روم را شکست داد.

﴿فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾ [الروم: ۳].

در نزدیک‌ترین سرزمین‌های فارس، و پس از پیروزی فارس بر آنها، به زودی روم بر آنها چیره خواهند شد.

﴿فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [الروم: ۴].

در زمانی که کمتر از سه سال، و بیشتر از ده سال نیست. تمام امور قبل و بعد پیروزی روم از آن‌الله است، و روزی که روم بر فارس پیروز می‌شود مؤمنان شاد می‌شوند.

﴿بَنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الروم: ۵].

به سبب یاری روم توسط الله شاد می‌شوند زیرا آنها اهل کتاب هستند، الله هرکس را بخواهد بر هرکس که بخواهد پیروز می‌گرداند، و او تعالی ذات شکست‌ناپذیری است که هرگز مغلوب نمی‌شود و نسبت به بندگان مؤمن خویش بسیار مهربان است.

برخی فواید آیات:

- پناه آوردن به الله و فراموشی بت‌ها هنگام سختی توسط مشرکان، و شرک ورزیدن آنها در آسانی، بر اشتباه و سردرگمی آنها دلالت دارد.
- جهاد در راه الله سبب راهیابی به سوی حق است.
- خبر دادن قرآن از امور غیبی دلالت دارد بر اینکه از جانب الله نازل شده است.

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الروم: ۶].

۶ این پیروزی وعده‌ای از جانب الله تعالی است، و با تحقق آن مؤمنان به وعده الله بر پیروزی یقین بیشتری پیدا می‌کنند، اما بیشتر مردم به سبب کفرشان این امر را درک نمی‌کنند.

﴿يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾ [الروم: ۷].

۷ ایمان و احکام شریعت را نمی‌شناسند، و فقط ظاهری از زندگی دنیا را که به کسب معاش و ساختن تمدن مادی مربوط است می‌شناسند، اما از آخرت که سرای زندگی حقیقی است رویگردان هستند، و به آن اهمیت نمی‌دهند.

﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ﴾ [الروم: ۸].

۸ آیا این مشرکان تکذیب‌کننده در خویشان نیندیشیده‌اند که الله چگونه آنها را آفرید و بیاراست. آسمان‌ها و زمین را فقط به حق آفریده، و بیهوده نیافریده است، و برای بقای آن دو در دنیا سررسیدی مشخص قرار داده است، اما بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان در روز قیامت کافر هستند، از این رو با انجام عمل صالح و پسندیده نزد پروردگارشان، برای رستخیز آماده نمی‌شوند.

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ فُؤُوهً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ [الروم: ۹].

۹ آیا اینها در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجام امت‌های تکذیب‌کننده پیش از آنها چگونه بوده است، درحالی‌که آن امت‌ها از اینها نیرومندتر بودند، و زمین را برای کشاورزی و آبادانی زیر و رو کردند، و آن را بیشتر از اینها آباد کردند، و رسولان‌شان با دلایل و حجت‌های آشکار بر توحید الله آمدند اما تکذیب کردند، پس الله بر آنها ستم نکرد وقتی آنها را نابود ساخت، بلکه خود آنها به سبب کفرشان با قرار دادن خویش در معرض نابودی، بر خویشان ستم می‌کردند.

﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الروم: ۱۰].

۱۰ سپس کسانی که با شرک به الله و انجام گناهان، مرتکب اعمال بدی شدند، سرانجام

بسیار بدی داشتند؛ زیرا آیات الله را تکذیب کردند، و به تمسخر و ریشخند می گرفتند.

﴿اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [الروم: ۱۱].

﴿۱۱﴾ الله آفرینش را بدون نمونه قبلی آغاز می کند، سپس آن را از بین می برد، سپس آن را بازمی گرداند، آن گاه در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی او بازگردانده می شوید.

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ﴾ [الروم: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و روزی که قیامت برپا می شود مجرمان از رحمت الله نومید می شوند، و آرزوی شان از بین می رود؛ چون دلیل آنها بر کفر بر الله بریده می شود.

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءٌ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ﴾ [الروم: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و از شریکان شان - که آنها را در دنیا عبادت می کردند - کسانی ندارند که برای نجات آنها از عذاب شفاعت کنند، و خودشان به شریکان خویش کافر می شوند، زیرا وقتی که به آنها نیاز دارند دست از یاری شان می کشند و همگی در نابودی یکسان هستند.

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُ يَتَفَرَّقُونَ﴾ [الروم: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و روزی که قیامت برپا می گردد مردم براساس اعمالی که در دنیا داشتند جزای متفاوتی دارند، برخی از آنها به علیین بالا برده می شوند، و برخی دیگر به أسفل السافلین افکنده می شوند.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ﴾ [الروم: ۱۵].

﴿۱۵﴾ اما کسانی که به الله ایمان آورده اند و اعمال صالح و پسندیده نزد او تعالی انجام داده اند، از نعمتهایی جاویدانی که در بهشت به آنها می رسد و هرگز پایان نمی یابد شادمان هستند.

برخی فواید آیات:

- آگاهی از آنچه که دنیا را اصلاح می کند با وجود غفلت از آنچه که سبب اصلاح آخرت است هیچ سودی نمی رساند.
- نشانه های الله در بدن انسان و در کرانه های هستی، برای دلالت بر توحید او تعالی کافی هستند.
- ظلم سبب نابودی امت های پیشین است.
- روز قیامت الله مؤمنان را بالا می برد، و کافران را پایین می کشد.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ﴾
[الروم: ۱۶].

۱۶ و اما کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند، و آیات نازل شده ما بر رسولمان، و رستاخیز و حسابرسی را تکذیب کرده‌اند، در عذاب حاضر، و همنشین آن عذاب می‌شوند.

﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ﴾ [الروم: ۱۷].

۱۷ پس تسبیح الله را بگوئید آن گاه که در وقت شب داخل می‌شوید؛ یعنی وقت دو نماز: مغرب و عشاء، و تسبیح او تعالی را بگوئید آن گاه که در وقت صبح داخل می‌شوید؛ یعنی وقت نماز فجر.

﴿وَلِلَّهِ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ﴾ [الروم: ۱۸].

۱۸ و تمام ستایش‌ها، تنها از آن او سبحانه است؛ در آسمان‌ها فرشتگان او را می‌ستایند، و در زمین مخلوقاتش او را می‌ستایند، و او را آن گاه که به شامگاه داخل می‌شوید یعنی وقت نماز عصر تسبیح بگوئید، و تسبیح او را بگوئید آن گاه که در وقت ظهر داخل می‌شوید.

﴿يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ﴾ [الروم: ۱۹].

۱۹ زنده را از مرده درمی‌آورد، مانند اینکه انسان را از نطفه، و جوجه را از تخم بیرون می‌آورد؛ و مرده را از زنده درمی‌آورد، مثل اینکه نطفه را از انسان، و تخم را از ماکیان خارج می‌سازد. و زمین را پس از خشکی آن با فرورفتادن باران و رویانیدن گیاهان زنده می‌گرداند، و همچنان که زمین را با رویانیدن گیاهان زنده می‌گرداند شما نیز برای حسابرسی و جزا از قبرهای تان درآورده می‌شوید.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾ [الروم: ۲۰].

۲۰ و از آیات بزرگ و دلالت‌کننده الله بر قدرت و یگانگی او تعالی این است که: - ای مردم - شما را از خاک آفرید آن گاه که پدرتان را از گل خلق کرد. سپس شما انسان‌هایی شدید که با زاد و ولد زیاد می‌شوید و در گیتی منتشر می‌گردید.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الروم: ۲۱].

۲۱ و نیز از آیات بزرگ و دلالت‌کننده او تعالی بر قدرت و یگانگی او این است که -

ای مردان - از جنس خود شما همسرانی برای تان آفرید تا به سبب هم جنسی نفس های تان به آنها آرام گیرد، و میان شما و آنها محبت و مهربانی قرار داد، به راستی که در این مورد برهان‌ها و دلالت‌های آشکاری است برای مردمی که می‌اندیشند؛ زیرا آنها هستند که از به کار انداختن عقل‌های شان فایده می‌برند.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الروم: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و از جمله نشانه‌های بزرگ و دلالت‌کننده‌ی الله بر قدرت و یگانگی او تعالی: آفرینش آسمان‌ها و زمین، و اختلاف زبان‌های شما، و اختلاف رنگ‌های تان است، به راستی که در این موارد برهان‌ها و دلالت‌هایی برای اهل علم و بصیرت است.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّن فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ﴾ [الروم: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و از جمله آیات بزرگ و دلالت‌کننده‌ی الله بر قدرت و یگانگی او تعالی: خوابتان در شب و روز است تا از خستگی کارها استراحت کنید، و از آیات او تعالی این است که روز را برای تان قرار داد تا در آن برای جستجوی روزی از پروردگارتان، پراکنده شوید، به راستی که در این مورد برهان‌ها و دلالت‌هایی است برای مردمی که با تدبیر و پذیرش، گوش فرا می‌دهند.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الروم: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و از جمله آیات بزرگ و دلالت‌کننده‌ی الله بر قدرت و یگانگی او تعالی این است که: برق را در آسمان برای تان نشان می‌دهد، و ترس از صاعقه‌ها و امید به باران را یکجا در آن برای تان فراهم می‌آورد، و آب باران را از آسمان برای تان فرو می‌فرستد، آن‌گاه زمین را پس از اینکه خشک بود با گیاهانی که در آن می‌رویاند زنده می‌گرداند. به راستی که در این مورد برهان‌ها و دلالت‌های آشکاری است برای مردمی که می‌اندیشند، آن‌گاه با آنها بر رستاخیز پس از مرگ برای حسابرسی و جزا راهنمایی می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- این امر که بنده اوقاتش را با نماز و تسبیح آباد کند نشانه‌ای بر سرانجام نیک اوست.
- استدلال به رستاخیز با تازه شدن زندگی، وقتی الله زنده را از مرده و مرده را از زنده می‌آفریند.
- از آیات الله در بدن انسان و کرانه‌های هستی فایده نمی‌برد مگر کسی که وسایل ادراک حسی و معنوی خویش را که الله بر او ارزانی داشته است به کار گیرد.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ﴾ [الروم: ۲۵].

۱۵ و از جمله آیات بزرگ و دلالت کننده‌ی الله بر قدرت و یگانگی او تعالی: برپایی آسمان بدون سقوط، و زمین بدون انهدام، به فرمان او سبحانه است، سپس وقتی او سبحانه شما را با دمیدن فرشته در صور از زمین فراخواند به ناگاه از قبرهای تان برای حسابرسی و جزا درمی‌آیید.

﴿وَلَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهَّ قَانِتُونَ﴾ [الروم: ۲۶].

۱۶ و فرمانروایی و آفرینش و تقدیر هر مخلوقی که در آسمان‌ها و در زمین است فقط برای او تعالی است. تمام مخلوقات الله که در آسمان‌ها و زمین هستند از او تعالی اطاعت می‌کنند و تسلیم فرمانش هستند.

﴿وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الروم: ۲۷].

۱۷ و او سبحانه ذاتی است که آفرینش را بدون نمونه قبلی آغاز می‌کند، سپس آن را پس از نابود کردنش بازمی‌گرداند، و بازگرداندن از آغاز کردن آسان‌تر است، و هر یک از این دو بر او تعالی آسان است زیرا او تعالی هر وقت چیزی را اراده کند به او می‌فرماید: (کن: باش) به ناگاه موجود می‌شود، و در هر یک از صفات جلال و کمال که به آن توصیف می‌شود صفت برتر از آن اوست، و او تعالی ذات شکست ناپذیری است که مغلوب نمی‌شود، و در آفرینش و تدبیرش بسیار دانا است.

﴿ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الروم: ۲۸].

۱۸ - ای مشرکان - الله مثالی برگرفته از خودتان برای شما زده است: آیا از میان بردگان و غلام‌های تان شریکی دارید که در اموال تان به صورت یکسان با شما مشارکت کنند، و بترسید که اموال تان را با شما تقسیم کنند چنان که یکی از شما از شریک آزدش می‌ترسد که مالش را با او قسمت کند؟ آیا برای خودتان این کار را از بردگان تان راضی می‌شوید؟ بدون تردید بر این کار راضی نمی‌شوید، پس الله

سزاوارتر است به اینکه از میان مخلوقات و بندگانش شریکی در فرمانروایی خویش نداشته باشد. همانند بیان این مثال‌ها و غیر آن حجت‌ها و دلایل گوناگون را برای مردمی که می‌اندیشند بیان می‌کنیم، زیرا آنها هستند که از این موارد بهره می‌برند.

﴿بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ﴾ [الروم: ۲۹].

﴿۲۹﴾ سبب گمراهی آنها کم‌بودن و عدم بیان دلایل نیست، بلکه فقط پیروی از هوس و تقلید از پدران‌شان است، پس کسی را که الله او را گمراه کرده چه کسی او را به هدایت توفیق می‌دهد؟! هیچ‌کس او را نمی‌تواند توفیق دهد، و یاورانی نیز ندارند که عذاب الله را از آنها دفع کنند.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الروم: ۳۰].

﴿۳۰﴾ پس - ای رسول - تو و کسانی که همراه تو هستند به دینی که الله روی تو را به سوی آن گرداند روی آورید، و از تمام ادیان به‌سوی آن متمایل شوید، همان دین اسلام که مردم به صورت طبیعی به آن تمایل دارند. هیچ تغییری برای آفرینش الله وجود ندارد. این است دین راستی که هیچ انحرافی در آن نیست، اما بیشتر مردم نمی‌دانند که دین حقیقی همین دین است.

﴿* مُبَيِّنِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ [الروم: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و با توبه از گناهان‌تان به‌سوی او سبحانه بازگردید، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی از او بترسید، و نماز را به کامل‌ترین وجه برپا دارید، و از مشرکان که با فطرت مخالفت می‌کنند و همراه الله دیگران را در عبادت خویش شریک می‌گردانند نباشید.

﴿مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ [الروم: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و از مشرکان که دین‌شان را تغییر دادند، و به بخشی از آن ایمان آوردند، و به بخشی دیگر کفر ورزیدند، و به گروه‌ها و احزاب تقسیم شدند، و هر حزب از آنها با باطلی که بر آن هستند شادمان هستند نباشید که تنها خودشان را بر حق، و دیگران را بر باطل می‌پندارند.

برخی فواید آیات:

- خضوع تمام مخلوقات در برابر الله سبحانه به زور و یا از روی اختیار.
- دلالت آفرینش نخستین، بر رستاخیز که نشانه‌های آشکاری دارد.
- پیروی از هوس گمراه می‌سازد و از راه به در می‌برد.
- دین اسلام، دین فطرت سالم است.

﴿وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ﴾ [الروم: ۳۳].

۳۳ و وقتی آسیبی مانند بیماری یا فقر یا فحطی به مشرکان برسد با تضرع و پناه بردن و بازگشت به پروردگارشان سبحانه، تنها او را می خوانند تا مصیبتی را که به آنها رسیده است از آنها برطرف سازد، سپس وقتی با کشف مصیبت بر آنها مهربانی می کند، به ناگاه گروهی از آنها به شریک قرار دادن دیگران همراه الله در دعا بازمی گردند.

﴿لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ [الروم: ۳۴].

۳۴ چون به نعمت های الله - از جمله نعمت زدودن آسیب - کفر ورزیدند و به آنچه در این زندگی در برابرشان بود برخوردار شدند به زودی در روز قیامت به چشمان خویش خواهند دید که در گمراهی آشکاری بوده اند.

﴿أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهَوْا يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ﴾ [الروم: ۳۵].

۳۵ چه چیزی آنها را به شرک به الله فراخواند درحالی که هیچ دلیلی نداشتند؟! زیرا هیچ حجت و دلیلی از کتابی بر آنها فرو نفرستادیم تا بر شرک خویش به الله بر آن استدلال کنند، و خودشان نیز کتابی ندارند که از شرک آنها سخن بگوید، و درستی کفری را که بر آن بودند برای شان تأیید کند.

﴿وَإِذَا آذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ﴾ [الروم: ۳۶].

۳۶ و هرگاه یکی از نعمت های خویش مانند سلامتی و ثروت را به مردم بچشانیم بیش از حد شاد می گردند و تکبر می ورزند، و اگر به سبب گناهی که مرتکب شده اند بیماری و فقری که آنها را غمگین می سازد به آنها برسد، به ناگاه از رحمت الله مأیوس می گردند، و از برطرف شدن آسیبی که آنها را اندوهگین ساخته است نومید می شوند.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الروم: ۳۷].

۳۷ آیا ندیده اند که الله رزق و روزی را برای هر یک از بندگان که بخواهد برای امتحان او می گشاید که آیا شکر می گزارد یا ناسپاسی می کند؟ و آن را برای هر یک

از آنها که بخواهد برای آزمایش تنگ می‌گرداند که آیا صبر می‌کند یا خشم می‌گیرد؟! به‌راستی که در گستراندن روزی برای برخی، و تنگ‌گرداندن آن برای برخی، برای مؤمنان دلالت‌هایی بر لطف و رحمت الله است.

﴿فَاتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الروم: ۳۸].

﴿۳۸﴾ پس - ای مسلمان - حق خویشاوند را از نیکی و پیوند خویشاوندی بده، و به نیازمند آنچه را که نیازش را برطرف می‌سازد بده، و به غریبی که از مسافرت به دیارش بازمانده است عطا کن، عطا کردن در راه‌های مذکور بهتر است برای کسانی که وجه الله را می‌خواهند، کسانی که این یاری و حقوق را پیش می‌فرستند همان‌ها با رسیدن بهشت که آن را می‌جویند، و رهایی یافتن از عذابی که از آن می‌ترسند رستگار هستند.

پس از بیان عملی که با آن به‌سوی الله نزدیکی جسته می‌شود عملی را که با آن غیر وجه او تعالی اراده می‌شود، و فقط هدف پست دنیوی با آن خواسته می‌شود بیان می‌فرماید:

﴿وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبِّا لَّيْرَبُو فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرُبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾ [الروم: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و پاداش اموالی که به یکی از مردم می‌پردازید به این هدف که همراه مال اضافه ای آن را بازگرداند نزد الله افزایش نمی‌یابد، و آنچه از اموال‌تان را که به کسی بدهید تا نیازی را با آن برطرف سازد و با آن وجه الله را اراده کنید، نه جایگاه و پاداشی از جانب مردم؛ اینها هستند که مزدشان نزد الله افزوده می‌شود.

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن دَلِكُمْ مِّن شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الروم: ۴۰].

﴿۴۰﴾ فقط الله همان ذاتی است که شما را به تنهایی آفرید، سپس به شما روزی داد، سپس شما را می‌میراند سپس شما را برای رستاخیز زنده می‌گرداند، آیا از میان بت‌های‌تان که آنها را به جای او تعالی عبادت می‌کنید کسی هست که ذره‌ای از این موارد را انجام دهد؟! او سبحانه از آنچه که مشرکان می‌گویند و باور دارند برتر و منزّه است.

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الروم: ۴۱].

به سبب گناهانی که مردم انجام دادند فساد در خشکی و دریا با کاسته شدن رزق و روزی و وسایل زندگی و ایجاد امراض و بیماری‌های همه‌گیر آشکار شده است، تا الله به جزای برخی اعمال بدشان این آسیب‌ها را در این زندگی دنیا بر آنها بچشاند به این هدف که با توبه به سوی او بازگردند.

برخی فواید آیات:

- شادی بیش از حد هنگام نزول نعمت، و نومییدی از رحمت هنگام نزول مصیبت، دو صفت از صفات کافران است.
- اعطای حقوق به اهلش سبب رستگاری است.
- نابودی ربا، و افزایش اجر انفاق در راه الله.
- امروز اثر گناهان در انتشار بیماری‌های همگانی و تخریب محیط زیست مشهود است.

﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ﴾ [الروم: ۴۲].

۴۲ - ای رسول - به این مشرکان بگو: در زمین بگردید، و بیندیشید که سرانجام امت‌های تکذیب‌کننده پیش از شما چگونه بوده است؟ به تحقیق که سرانجام بدی داشته‌اند، بیشتر آنها به الله مشرک بودند، و دیگران را همراه او عبادت می‌کردند، پس به سبب شریک قرار دادن برای الله نابود شدند.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصَدَّعُونَ﴾ [الروم: ۴۳].

۴۳ - ای رسول - به سوی دین راست اسلام که هیچ انحرافی در آن نیست روی آور پیش از آن که روز قیامت بیاید که وقتی فرا رسد هیچ بازگرداننده‌ای ندارد، در آن روز مردم تقسیم می‌شوند: گروهی از آنها در بهشت نعمت داده می‌شوند، و گروهی در جهنم عذاب می‌شوند.

﴿مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسِهِمْ يَمْهَدُونَ﴾ [الروم: ۴۴].

۴۴ هرکس بر الله کفر ورزد، زیان کفرش - یعنی جاودانگی در جهنم - به خودش بازمی‌گردد، و کسانی که اعمال صالح انجام دهند و با آن وجه الله را بجویند ورود به بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های آن را برای خودشان فراهم آورده‌اند و برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ [الروم: ۴۵].

۴۵ تا کسانی را که به الله ایمان آورده‌اند، و اعمال صالحی که پروردگارش را راضی می‌سازد انجام داده‌اند پاداش دهد، به راستی که او سبحانه کافران به خودش و به رسولانش را دوست ندارد، بلکه به شدیدترین وجه بر آنها خشم می‌گیرد، و به زودی آنها را در روز قیامت عذاب می‌کند.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الروم: ۴۶].

۴۶ و از آیات بزرگ و دلالت‌کننده الله بر قدرت و یگانگی او: این است که بادها را می‌فرستد که نزدیکی نزول باران را به بندگان مزده می‌دهند، و - ای مردم - تا از

رحمت خویش با گیاهان و خیر و برکت و گشایشی که پس از باران حاصل می‌شود به شما بچشاند، و تا اینکه به اراده او کشتی‌ها در دریا به حرکت درآیند، و به این هدف که با تجارت در دریا از فضل او بجوید، و امید است که شکر نعمت‌های الله را به جای آورید تا از آن برای‌تان بیفزاید.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمْ وَأَوَّكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الروم: ۴۷].

۱۷ و - ای رسول - پیش از تو رسولانی را به سوی امت‌های‌شان فرستاده‌ایم، که با دلایل و برهان‌های دلالت‌کننده بر راستگویی ما نزدشان آمدند، اما آنچه را که رسولان‌شان آوردند تکذیب کردند، آن‌گاه از کسانی که بدی‌ها را مرتکب شدند انتقام گرفتیم، و آنها را با عذاب خویش نابود کردیم، و رسولان و مؤمنان به آنها را از نابودی نجات دادیم، و نجات و یاری مؤمنان حقی است که آن را بر خویشتن واجب کرده‌ایم.

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَيَكْرِي الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [الروم: ۴۸].

۱۸ الله سبحانه همان ذاتی است که بادهای را می‌راند و می‌فرستد، سپس این بادهای، ابرها را برمی‌انگیزند و به حرکت درمی‌آورند، سپس آن را به صورت اندک یا زیاد، هرطور که بخواهد در آسمان می‌گستراند، و آن را به قطعاتی تبدیل می‌کند، که - ای بیننده - باران را می‌بینی از وسط این ابرها درمی‌آید. پس وقتی باران را به هر یک از بندگانش که بخواهد برساند به‌ناگاه از رحمت الله برای آنها با فروفرستادن باران شاد می‌گردند که روییده شدن گیاهان زمین به آنچه برای خودشان و حیوانات‌شان نیاز دارند در پی دارد.

﴿وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ﴾ [الروم: ۴۹].

۱۹ و به تحقیق پیش از آن که الله باران را بر آنها فرو فرستد از نزول آن بر خودشان نومید بودند.

﴿فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الروم: ۵۰].

🕞 پس - ای رسول - به آثار باران که الله آن را رحمتی برای بندگان می فرستد بنگر، که چگونه الله زمین را پس از اینکه خشک و سخت بود با رویانیدن انواع گیاهان زنده می گرداند، همانا کسی که این زمین خشکیده را زنده گردانید همان ذاتی است که مردگان را زنده برمی انگیزاند، و او بر هر چیزی تواناست، و هیچ چیز او را ناتوان نمی سازد.

برخی فواید آیات:

- ارسال بادهای، و فرو فرستادن باران، و حرکت کشتی ها در دریا: نعمتهایی است که می طلبد شکر الله را در قبال آنها به جای آوریم.
- نابودی مجرمان و پیروزی مؤمنان سنتی الهی است.
- رویش گیاهان زمین پس از خشکیده بودنش دلیلی بر رستاخیز است.

﴿وَلَيْنَ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ﴾ [الروم: ۵۱].

۵۱) و اگر بر کشتزارها و گیاهان شان بادی بفرستیم که آن را تباه سازد، آن گاه کشتزارهای شان را پس از اینکه سبز بود زرد رنگ ببینند به طور قطع پس از مشاهده آنها نعمت های سابق الله را با وجود فراوانی آنها ناسپاسی می کنند.

﴿فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ﴾ [الروم: ۵۲].

۵۲) پس همان گونه که تو نه می توانی صدایت را به گوش مردگان برسانی و نه به گوش کران، درحالی که از تو دور شده اند تا بیشتر از شنیدن صدای تو جلوگیری کنند، همچنین نمی توانی هرکسی را که شبیه اینها در رویگردانی و بهره نبردن باشد هدایت کنی.

﴿وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [الروم: ۵۳].

۵۳) و تو نمی توانی کسی را که از راه راست گمراه شده است با رساندن صدای خویش به گوش او آن گونه که سودمند واقع شود به پیمودن راه درست راهنمایی کنی، تو تنها می توانی کسی را که به آیات ما ایمان می آورد بشنوانی، زیرا اوست که از سخنان تو بهره می برد، و آنها در برابر فرمان ما تسلیم و فروتن هستند.

﴿* اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ [الروم: ۵۴].

۵۴) - ای مردم - الله همان ذاتی است که شما را از آبی ناچیز آفرید، سپس بعد از ناتوانی کودکی تان قدرت مردانگی را قرار داد، سپس بعد از قدرت مردانگی، ناتوانی سالخوردگی و فرتوتی را قرار داد، الله آنچه از ناتوانی و قدرت را که بخواهد می آفریند، و او تعالی از هر چیزی آگاه است، و هیچ چیز بر او پوشیده نمی ماند، و ذات توانایی است که هیچ چیز او را ناتوان نمی سازد.

﴿وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ﴾ [الروم: ۵۵].

۵۵) و روزی که قیامت برپا می شود مجرمان سوگند یاد می کنند که جز لحظه ای در قبرهای شان نمانده اند. همان گونه که از دانستن مدت ماندن خویش در قبرهای شان گمراه شدند در دنیا نیز از حقیقت گمراه بودند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الروم: ۵۶].

۵۶ و کسانی از پیامبران و فرشتگان که الله به آنها علم عطا کرده است می گویند: به تحقیق که شما در آنچه که الله در علم سابق خویش از روز آفرینش شما تا روز برانگیختن شما که آن را انکار کرده‌اید نوشته است مانده‌اید، اما شما نمی دانستید که رستاخیز واقع می شود، و آن را انکار کردید.

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾ [الروم: ۵۷].

۵۷ پس روزی که الله مخلوقات را برای حسابرسی و جزا برمی انگیزد عذرهای دروغین ستمکاران سودی به آنها نمی رساند، و راضی کردن الله با توبه و بازگشت به سوی او تعالی از آنها خواسته نمی شود؛ چون فرصت این کار گذشته است.

﴿وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ﴾ [الروم: ۵۸].

۵۸ و به تحقیق که در این قرآن - برای عنایت به مردم - هرگونه مثالی آورده‌ایم؛ تا حق از باطل برای‌شان مشخص شود، و - ای رسول - اگر دلیلی بر راستگویی خویش بیاوری به‌طور قطع کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند خواهند گفت: شما در آنچه که آورده‌اید جز بر باطل نیستید.

﴿كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الروم: ۵۹].

۵۹ مانند زدن این مهر بر دل‌های اینها که هرگاه آیه‌ای برای‌شان بیاید به آن ایمان نمی آورند، الله بر دل‌های تمام کسانی که نمی دانند آنچه برای‌شان آورده‌ای حقیقت است، مهر می نهد.

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾ [الروم: ۶۰].

۶۰ پس - ای رسول - در برابر قومت که تو را تکذیب می کنند شکیبایی پیشه کن، زیرا وعده الله بر پیروزی و قدرت یافتن تو، حقیقت ثابتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، و نباید کسانی که به برانگیخته شدن خویش یقین ندارند، تو را به عجله و عدم صبر وادار کنند.

برخی فواید آیات:

- نومییدی کافران از رحمت الله هنگام نزول مصیبت.
- هدایتِ توفیق به دست الله است، و به دست رسول ﷺ نیست.
- مراحلِ عُمر، پندی است برای کسی که پند می‌پذیرد.
- سبب نهاده شدن مُهر بر دل‌ها گناهان هستند.

سوره لقمان

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ارائه پند و حکمت‌های موافق شریعت، و آوردن لقمان به عنوان مثالی در این موضوع.

تفسیر:

﴿الم﴾ [لقمان: ۱].

﴿الم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ﴾ [لقمان: ۲].

﴿۲﴾ - ای رسول - این آیات نازل شده بر تو، آیات کتابی است که حکیمانه سخن می‌گوید.

﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾ [لقمان: ۳].

﴿۳﴾ و هدایت و رحمتی است برای کسانی که با برپایی حقوق پروردگارشان و حقوق بندگانش اعمال نیک انجام می‌دهند.

﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ [لقمان: ۴].

﴿۴﴾ کسانی که نماز را به کامل‌ترین صورت برپا می‌دارند، و زکات اموال‌شان را می‌پردازند، و به رستخیز و حساب و پاداش و کیفر آخرت یقین دارند.

﴿أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [لقمان: ۵].

﴿۵﴾ اینها که صفات مذکور را دارند بر هدایتی از جانب پروردگارشان هستند، و همان‌ها هستند که با رسیدن به آنچه می‌جویند، و دوری از آنچه از آن می‌ترسند رستگاراند.

الله پس از بیان صفات نیکوکاران صفات بدکاران را ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [لقمان: ۶].

⑥ و برخی از مردم - مانند نضر بن حارث - سخنان لهو را انتخاب می‌کنند تا بدون هیچ دانشی مردم را از دین الله به‌سوی آن سخنان بازگردانند، و آیات الله را به مسخره و ریشخند گیرند، کسانی که این صفات را دارند غذایی خوارکننده در آخرت برای‌شان است.

﴿وَإِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [لقمان: ۷].

⑦ و هرگاه آیات ما بر او خوانده شود مغرورانه از شنیدن آن روی می‌گرداند گویی آن را نشنیده است، مثل اینکه گوش‌هایش صداها را نمی‌شنوند، پس - ای رسول - او را به عذاب دردناکی که در انتظارش است بشارت ده.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ النَّعِيمِ﴾ [لقمان: ۸].

⑧ همانا کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، بهشت‌های پر نعمت برای‌شان است، که از آنچه الله در این بهشت‌ها برای‌شان آماده کرده است برخوردار می‌گردند.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [لقمان: ۹].

⑨ برای همیشه در آنها می‌مانند، الله این را وعده‌ای حقیقی که هیچ تردیدی در آن نیست به آنها وعده داده است، و او سبحانه ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر و شریعت خویش بسیار دانا است.

﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾ [لقمان: ۱۰].

⑩ الله آسمان‌ها را بدون ستون، برافراشته آفرید، و کوه‌هایی استوار در زمین نصب کرد تا شما را نلرزاند، و حیوانات گوناگونی بر روی زمین گستراند، و آب باران را از آسمان فرو فرستادیم، آن‌گاه از هر نوع گیاه خوش‌منظر که مردم و چارپایان از آن بهره می‌برند در روی زمین رویانیدیم.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾
[لقمان: ۱۱].

﴿۱۱﴾ موارد مذکور، آفرینش الله هستند، و - ای مشرکان - کسانی که شما آنها را به جای الله عبادت می‌کنید چه چیزی آفریده‌اند؟! بلکه ستمکاران در گمراهی آشکاری از حق هستند، چون کسانی را همراه پروردگارشان شریک قرار می‌دهند که هیچ چیز نمی‌آفرینند و خودشان آفریده می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- طاعت الله به رستگاری در دنیا و آخرت منجر می‌شود.
- تحریم هر قول یا فعلی که از راه راست باز می‌دارد.
- تکبر مانع پیروی از حق است.
- یگانگی الله در آفرینش، و به مبارزه طلبی کافران که معبودهایشان چیزی بیافرینند.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [لقمان: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و به تحقیق که به لقمان دانش عمیق در دین و درستی در کارها عطا کردیم، و به او گفتیم: - ای لقمان - شکر توفیق طاعت پروردگارت را که آن را بر تو بخشید به جای آور، و هرکس از پروردگارش سپاسگزاری کند سود سپاسگزاری او فقط به خودش بازمی‌گردد، زیرا الله از سپاسگزاری او بی‌نیاز است، و هرکس از نعمت الله بر خویش ناسپاسی کند و به او سبحانه کفر ورزد، زیان کفرش فقط بر خود او است و ذره‌ای به الله زیان نمی‌رساند زیرا او تعالی از تمام مخلوقاتش بی‌نیاز، و در هر صورت ستوده‌شده است.

﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که لقمان درحالی‌که پسرش را به خیر تشویق و از شر بازمی‌داشت به او گفت: ای پسر، دیگران را همراه الله عبادت نکن، زیرا عبادت معبودی دیگر همراه الله ستم بزرگی بر خویشان با ارتکاب بزرگ‌ترین گناهی است که به جاودانگی نفس در جهنم منجر می‌شود.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ﴾ [لقمان: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و انسان را به اطاعت از پدر و مادرش و نیکی به آن دو، در اموری که موجب نافرمانی الله نباشد سفارش کردیم، مادرش او را در شکم خویش با دشواری‌های پی در پی حمل کرد، و بازگرفتن او از شیرخوارگی در دو سال است، و به او گفتیم: از الله در قبال نعمت‌هایی که به تو ارزانی داشته سپاسگزاری کن، سپس از پدر و مادرت که به پرورش و حمایت تو پرداختند سپاسگزاری کن، بازگشت شما فقط به سوی من است آن‌گاه هرکس را به آنچه که استحقاقش را دارد جزا می‌دهم.

﴿وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [لقمان: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و اگر پدر و مادر کوشیدند که به زور تو را مجبور کنند غیر الله را با او شریک قرار دهی، در این مورد از آنها اطاعت نکن؛ زیرا هرگز مخلوق در نافرمانی خالق اطاعت نمی‌شود، و در دنیا با نیکی و بردباری و بخشش با آنها همنشینی کن، و راه کسی را که با توحید و طاعت به‌سوی من بازگشته است پیروی کن، سرانجام بازگشت همگی شما در روز قیامت فقط به‌سوی من است، آن‌گاه شما را از اعمالی که در دنیا انجام می‌دادید باخبر می‌سازم، و در قبال آن جزا می‌دهم.

﴿يَابُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكِ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۱۶].

﴿۱۶﴾ ای پسر، همانا بدی و نیکی هر چند کوچک و هم‌وزن دانه خردلی باشد و هر چند در دل سنگی که هیچ‌کس بر آن اطلاع پیدا نمی‌کند باشد، یا در هر مکانی از آسمان‌ها یا در زمین باشد؛ الله آن را در روز قیامت می‌آورد، و بنده را در قبال آن جزا می‌دهد، زیرا الله ذات لطیفی (دقیقی) است که ریزه‌کاری اشیاء بر او پوشیده نمی‌ماند، و از حقایق و مکان آنها کاملاً آگاه است.

﴿يَابُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۷].

﴿۱۷﴾ ای پسر، نماز را به کامل‌ترین صورت برپا دار، و به معروف امر کن، و از منکر نهی کن، و در برابر هر امر ناپسندی که در این راه به تو می‌رسد شکیبایی کن، به راستی آنچه از این موارد که به آن فرمان یافته‌ای از آن چیزی است که الله تو را استوار ساخته تا آن را انجام دهی، و خودت هیچ اختیاری در این کار نداری.

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [لقمان: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و از روی تکبر صورت خویش را از مردم نگردان، و در روی زمین با سرمستی و خودپسندی راه نرو، زیرا الله هیچ پُزدهنده در راه‌رفتن، و مغرور به نعمت‌هایی که به او داده شده را که با آنها بر مردم تکبر می‌ورزد و در قبال آن از الله سپاسگزاری نمی‌کند، دوست ندارد.

﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾
[لقمان: ۱۹].

و در راه رفتن روشی میانه بین دویدن و نرم رفتن که وقار و سنگینی را آشکار می‌سازد برگزین، و صدایت را پایین بیاور، و به گونه‌ای آزاردهنده آن را بالا نبر، به راستی که زشت‌ترین صداها، به‌علت بلندی صدا، صدای خران است.

برخی فواید آیات:

- چون الله سبحانه سختی بارداری و وضع حمل را که به مادر می‌رسد بیان فرمود بر نیکی بیشتر به مادر ارشاد می‌کند.
- سود طاعت و زیان معصیت به خود بنده بازمی‌گردد.
- وجوب متعهد بودن ملت‌ها بر تربیت و تعلیم.
- شمول آداب اسلامی بر رفتار فردی و اجتماعی.

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ﴾
[لقمان: ۲۰].

① - ای مردم - آیا ندیده‌اید و مشاهده نکرده‌اید که الله استفاده از خورشید و ماه و ستارگان آسمان، و نیز جانوران و درختان و گیاهان زمین را برای تان آسان کرده است، و نعمت‌های آشکار خویش بر دیدگان مانند تصویر زیبا و سیمای نیکو، و نعمت‌های باطنی و پنهان خویش مانند عقل و علم را بر شما کامل کرده است، اما با وجود این نعمت‌ها برخی از مردم بدون هیچ دانش مستندی به وحی از جانب الله، یا عقلی روشنگر، و یا کتابی آشکار و نازل شده از جانب الله، در توحید و یگانگی الله مجادله می‌کنند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ [لقمان: ۲۱].

② و هرگاه به این مجادله‌کنندگان در توحید الله گفته شود: از وحیی که الله بر رسولش فرو فرستاده است پیروی کنید، می‌گویند: از آن پیروی نمی‌کنیم بلکه عبادت معبودهایمان را که پیشینیان خویش را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم، آیا از پیشینیان خویش پیروی می‌کنند حتی اگر شیطان آنها را - با عبادت بت‌ها که آنها را گمراه می‌سازد - به عذاب سوزان روز قیامت فراخواند؟!

﴿* وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۲۲].

③ و هرکس با خالص‌گردانیدن عبادت برای الله و نیکوکاری در عمل، به الله روی آورد، به‌طور قطع بر مستحکم‌ترین دست‌آویزی که کسی برای نجات خویش به آن چنگ می‌زند و از بریده‌شدن آن نمی‌ترسد چنگ زده است، و سرانجام و بازگشت کارها فقط به سوی الله است، آن‌گاه هرکس را به آنچه استحقاقش را دارد جزا می‌دهد.

﴿وَمَن كَفَرَ فَلَا يَجْزِيكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [لقمان: ۲۳].

④ و - ای رسول - هرکس به الله کفر ورزد نباید کفرش تو را اندوهگین سازد، زیرا بازگشت آنها در روز قیامت فقط به سوی ماست، آن‌گاه آنها را از بدی‌هایی که در

دنیا انجام داده‌اند باخبر می‌سازیم، و آنها را در قبال این بدی‌ها مجازات می‌کنیم، به‌راستی که الله از آنچه در سینه‌هاست آگاه است، و ذره‌ای از آنچه در سینه‌هاست بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿نَمَتُّهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضَّطُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾ [لقمان: ۲۴].

﴿۲۴﴾ آنها را از خوشی‌های دنیا که برای‌شان داده‌ایم تا زمانی اندک بهره‌مند می‌کنیم، سپس در روز قیامت آنها را به عذابی سخت یعنی عذاب جهنم می‌کشانیم.

﴿وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [لقمان: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و -ای رسول- اگر از این مشرکان بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و چه کسی زمین را آفریده است؟ به‌طور قطع خواهند گفت: الله آنها را آفریده است. به آنها بگو: تمام ستایش‌ها از آن الله است که حجت را بر شما آشکار گردانید، اما بیشتر آنها به‌سبب جهل نمی‌دانند که چه کسی سزاوار ستایش است.

﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَمِيدُ﴾ [لقمان: ۲۶].

﴿۲۶﴾ آفرینش و فرمانروایی و تدبیر تمام آنچه در آسمان‌ها و زمین است فقط از آن الله است، زیرا الله از تمام مخلوقاتش بی‌نیاز و در دنیا و آخرت ستوده‌شده است.

﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [لقمان: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و اگر تمام درختان روی زمین بریده و تبدیل به قلم شوند، و دریا تبدیل به جوهر شود و هفت دریای دیگر به یاری‌اش بیایند، کلمات الله به‌سبب نامتناهی بودن پایان نمی‌یابد، به‌راستی که الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تدبیر خویش بسیار دانا است.

﴿مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كَتَفْسٍ وَاحِدَةٍ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ [لقمان: ۲۸].

﴿۲۸﴾ -ای مردم- نه آفرینش و نه دوباره زنده‌کردن همه شما در روز قیامت برای حسابرسی و جزا، از نظر آسانی، چیزی جز همانند آفرینش و دوباره زنده‌کردن یک فرد نیست، به‌راستی که الله ذات شنوایی است که شنیدن صدایی، او را از شنیدن صدایی دیگر باز نمی‌دارد، و ذات بینایی است که دیدن چیزی او را از دیدن چیزی

دیگر باز نمی‌دارد، و به همین ترتیب آفرینش یا دوباره زنده کردن کسی او تعالی را از آفرینش و دوباره زنده کردن دیگری باز نمی‌دارد.

برخی فواید آیات:

- نعمت‌های الله وسیله‌ای برای سپاسگزاری از او تعالی و ایمان به او است؛ نه وسیله‌ای برای کفر به او تعالی.
- خطر تقلید کورکورانه؛ به خصوص در امور اعتقادی.
- اهمیت تسلیم شدن در برابر الله و فرمان برداری از او و نیکوکاری به خاطر رضایت او تعالی.
- نامتناهی بودن کلمات الله.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۲۹].

۲۹) آیا ندیده‌ای که الله از شب می‌کاهد تا بر روز بیفزاید، و از روز می‌کاهد تا بر شب بیفزاید، و مسیر خورشید و ماه را مقدر کرده است؛ که هر یک در مدار خویش تا زمانی مشخص حرکت می‌کنند، و الله از آنچه انجام می‌دهید آگاه است، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [لقمان: ۳۰].

۳۰) مدیریت و اندازه‌گیری مذکور بر این امر گواهی می‌دهد که تنها الله، حق است، یعنی او تعالی در ذات و صفات و افعالش حق است، و آنچه مشرکان به جای او عبادت می‌کنند همان باطلی است که هیچ اساسی ندارد. و اینکه الله به ذات و قدرت و تقدیر خویش بر تمام مخلوقاتش برتر است، ذاتی که هیچ بالاتری از او وجود ندارد، و از هر چیزی بزرگ‌تر است.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَةِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِّنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [لقمان: ۳۱].

۳۱) آیا ندیده‌ای که کشتی‌ها به لطف و تسخیر او در دریاها حرکت می‌کنند؛ تا از آیات دلالت‌کننده خویش بر قدرت و لطف او سبحانه به شما -ای مردم- بنمایاند، زیرا در این امر دلالت‌هایی بر قدرت او تعالی است برای هرکسی که در برابر آسیب‌هایی که به او می‌رسد بسیار شکیب است، و در برابر نعمت‌هایی که به او می‌رسد بسیار سپاسگزار است.

﴿وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ﴾ [لقمان: ۳۲].

۳۲) و هرگاه از هر طرفی موج‌ها مانند کوه‌ها و ابرها آنها را احاطه کند، با خالص گردانیدن دعا و عبادت برای الله، تنها الله را بخوانند، اما چون الله دعای‌شان را اجابت کند، و آنها را به سوی خشکی برهاند، و از غرق شدن نجات دهد، برخی از آنها میان‌روانی هستند که شکر را که بر آنها واجب است به صورت کامل به جای نمی‌آورند، و برخی از آنها نعمت الله را انکار می‌کنند. و آیات ما را کسی جز افراد

پیمان شکن و ناسپاس نعمت‌های الله انکار نمی‌کند و از پروردگارش در قبال نعمت‌هایی که به او بخشیده سپاسگزاری نمی‌کند- مانند همین کسی که با الله پیمان بسته که اگر او را نجات دهد به‌طور قطع از سپاسگزاران او تعالی خواهد بود-.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ [لقمان: ۳۳].

﴿۳۳﴾ ای مردم، با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارتان تقوای او تعالی را پیشه کنید؛ و از روزی بترسید که در آن هیچ پدری ذره‌ای فرزندی را بی‌نیاز نمی‌سازد، و هیچ فرزندی ذره‌ای پدرش را بی‌نیاز نمی‌سازد. وعده الله به جزای روز قیامت بدون تردید ثابت و محقق است، پس نباید زندگی دنیا با تمایلات و سرگرمی‌هایش شما را بفریبد، و نباید شیطان شما را به بردباری الله و تاخیر عذاب از شما، بفریبد.

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّأَدَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [لقمان: ۳۴].

﴿۳۴﴾ به‌راستی که علم قیامت فقط نزد الله است؛ یعنی می‌داند چه زمانی واقع می‌شود، و باران را هرگاه بخواهد فرو می‌فرستد، و از آنچه در رحم‌ها وجود دارد آگاه است که آیا نر است یا ماده؟! بدبخت است یا نیکبخت؟! و هیچ‌کس نمی‌داند فردا خیر کسب می‌کند یا شر، و هیچ‌کس نمی‌داند در کدام سرزمین می‌میرد، بلکه فقط الله از تمام این امور آگاه است، به‌راستی که الله بر تمام این امور بسیار دانا است، و هیچ‌چیز بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- کاهش و افزایش شب و روز، و رام‌بودن خورشید و ماه: آیات دلالت‌کننده بر قدرت الله سبحانه، و نعمت‌هایی هستند که سپاسگزاری را ایجاب می‌کنند.
- شکیبایی و سپاسگزاری دو وسیله برای پندگیری از آیات الله هستند.
- ترس از قیامت، از فریب خوردن به دنیا و فروتنی در برابر وسوسه‌های شیاطین بازمی‌دارد.
- احاطه علم الله بر تمام امور پنهان.

سوره السجدة

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان دلایل و مناظر حق که قرآن آنها را نازل کرده است؛ از جمله حقیقت آفرینش و احوال انسان.

تفسیر:

﴿الم﴾ [السجدة: ۱].

﴿۱﴾ ﴿الم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [السجدة: ۲].

﴿۲﴾ این قرآن که محمد ﷺ آن را آورده بدون هیچ تردیدی از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾ [السجدة: ۳].

﴿۳﴾ همانا این کافران می‌گویند: به‌راستی که محمد آن را به دروغ بر پروردگارش نسبت داده است، امر آن‌گونه که آنها گفتند نیست، بلکه همان حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن نیست، - ای رسول - از جانب پروردگارت بر تو نازل شده تا مردمی را بترسانی که پیش از تو رسولی برای‌شان نیامد تا آنها را از عذاب الله بترساند، به این امید که به‌سوی حق راه یابند آن‌گاه از آن پیروی و به آن عمل کنند.

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّن دُونِهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾ [السجدة: ۴].

﴿۴﴾ الله همان ذاتی است که آسمان‌ها، و زمین، و آنچه میان آن دو است را در شش روز آفرید، درحالی که او تعالی بر آفرینش آنها در کمتر از چشم بهم زدن می‌تواند

است، سپس آن گونه که سزاوار جلال او است بر عرش استوا نمود و قرار گرفت، - ای مردم - جز او هیچ دوست و کارسازی ندارید که کارتان را بر عهده گیرد، یا هیچ شفاعتگری ندارید که نزد پروردگارتان از شما شفاعت کند، پس آیا نمی‌اندیشید تا الله را که شما را آفرید عبادت کنید و دیگران را همراه او عبادت نکنید؟

﴿يُذَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾ [السجدة: ۵].

⑤ الله کار تمام مخلوقات موجود در در آسمان‌ها و زمین را مدیریت می‌کند، سرانجام این امر در روزی که به اندازه هزار سال از سال‌هایی که -ای مردم- شما در دنیا برمی‌شمارید است به سوی او تعالی بالا می‌رود.

﴿ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [السجدة: ۶].

⑥ این ذاتی که تمام این موارد را اداره می‌کند از تمام امور نهان و آشکار آگاه است، و ذره‌ای بر او پوشیده نمی‌ماند، و ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود، ذاتی که از دشمنانش انتقام می‌گیرد و نسبت به بندگان مؤمن خویش مهربان است.

﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ﴾ [السجدة: ۷].

⑦ ذاتی که آفرینش هر چیزی را کامل کرد، و آفرینش آدم را بدون نمونه قبلی از گل آغاز کرد.

﴿ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾ [السجدة: ۸].

⑧ سپس نسلش را از آبی که از او جدا و خارج شد (منی) آفرید.

﴿ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ [السجدة: ۹].

⑨ سپس آفرینش انسان را درست‌اندام کامل کرد، و با فرمان دادن به فرشته مامور به دمیدن روح، از روح خویش در او دمید، و - ای مردم - گوش‌هایی برای تان قرار داد تا با آنها بشنوید، و چشم‌هایی برای تان قرار داد تا با آنها ببینید، و دل‌هایی برای تان قرار داد تا با آنها ببینید، اما شما سپاس این نعمت‌های الله را که برای تان ارزانی داشته است کم به جای می‌آورید.

﴿وَقَالُوا أَيَّدَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ﴾
[السجدة: ۱۰].

﴿۱۰﴾ و مشرکان تکذیب‌کننده رستاخیز گفتند: آیا وقتی مُردیم و در زمین ناپدید شدیم، و بدن‌هایمان خاک شد، از نو زنده برانگیخته می‌شویم؟! این امر منطقی نیست. بلکه آنها در واقع به رستاخیز کافر هستند و به آن ایمان نمی‌آورند.

﴿* قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [السجدة: ۱۱].

﴿۱۱﴾ - ای رسول - به این مشرکان تکذیب‌کننده رستاخیز بگو: فرشته مرگ که الله قبض ارواح شما را به او واگذار کرده شما را می‌میراند، سپس در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی ما بازگردانیده می‌شوید.

برخی فواید آیات:

- حکمت بعثت رسولان این است که اقوام‌شان را به راه راست هدایت کنند.
- ثبوت صفت استواء برای الله بدون تشبیه و تمثیل.
- بعید دانستن رستاخیز توسط مشرکان با وجود وضوح ادله آن.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾ [السجدة: ۱۲].

﴿۱۲﴾ به زودی آشکار می‌گردد که مجرمان در روز قیامت در حالی که به سبب کفرشان به رستاخیز خوار هستند و سرهایشان را به زیر افکنده‌اند، احساس ذلت و خواری می‌کنند و می‌گویند: پروردگارا آنچه را از رستاخیز انکار می‌کردیم دیدیم، و مصداق آنچه را رسولان از جانب تو آوردند شنیدیم، پس ما را به زندگی دنیا بازگردان تا عمل صالحی که تو را خشنود می‌سازد انجام دهیم، به راستی که هم اکنون به رستاخیز و راستی آنچه رسولان آوردند یقین داریم. اگر مجرمان را در این حال بینی امر بزرگی را دیده‌ای.

﴿وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ [السجدة: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و اگر اعطای هدایت و توفیق به هرکسی را می‌خواستیم به طور قطع او را بر این کار وامی‌داشتیم، اما این سخن از جانب من از روی حکمت و عدالت واجب شده است که: روز قیامت جهنم را از کافران دو گروه جن و انس پُر خواهیم کرد؛ چون راه کفر و گمراهی را بر راه ایمان و استقامت برگزیدند.

﴿فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و روز قیامت برای نکوهش و سرزنش به آنها گفته می‌شود: پس به سبب غفلت شما در دنیا از دیدار الله برای حسابرسی‌تان در روز قیامت، عذاب را بچشید، به راستی که ما شما را در عذاب بدون اهمیت به رنجی که از آن می‌کشید رها کردیم، و به سبب گناهایی که در دنیا انجام می‌دادید عذاب همیشگی و جاویدان جهنم را بچشید. الله پس از بیان حال مجرمان، حال مؤمنان را ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَمَرُوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [السجدة: ۱۵].

﴿۱۵﴾ تنها کسانی به آیات نازل شده ما بر رسولانمان ایمان می‌آورند که وقتی با آن آیات اندرز داده شوند در حالی که به ستایش الله تسبیح می‌گویند برای او تعالی به سجده می‌افتند، و در هیچ حالتی از عبادت و سجده در برابر الله تکبر نمی‌ورزند.

﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ [السجدة: ۱۶].

﴿۱۶﴾ پهلوهای آنها از بسترهای خواب شان فاصله می‌گیرد، بسترهای شان را رها می‌کنند و به سوی الله روی می‌آورند، او تعالی را از ترس عذابش و امید به رحمتش در نمازشان و در سایر امور می‌خوانند، و اموالی را که برای شان عطا کرده‌ایم در راه الله هزینه می‌کنند.

﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پس هیچ کس نمی‌داند الله به پاداشی از جانب خویش در قبال اعمال صالحی که در دنیا انجام می‌دادند چه چیزی از آنچه که دیدگان به آنها روشنایی می‌یابد برای شان آماده کرده است، زیرا پاداشی است که به سبب بزرگی‌اش فقط الله به آن احاطه دارد.

﴿أَقْمَنَ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ﴾ [السجدة: ۱۸].

﴿۱۸﴾ کسی که به الله ایمان دارد و به اوامرش عمل و از نواهی‌اش پرهیز می‌کند، مانند شخص نافرمان از الله نیست؛ این دو گروه از نظر پاداش در نزد الله یکسان نیستند.

﴿أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۹].

﴿۱۹﴾ اما کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، به پاداش اعمال صالحی که در دنیا انجام می‌دادند، به فضل و بخشش الله بهشت‌هایی برای شان آماده شده که در آن جای می‌گیرند.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ﴾ [السجدة: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و اما کسانی که با کفر و ارتکاب گناهان از طاعت الله خارج شده‌اند، قرارگاه آنها که در روز قیامت برای شان آماده شده است جهنم است، که برای همیشه در آن می‌مانند، و هرگاه بخواهند از آن خارج شوند دوباره در آن بازگردانیده می‌شوند، و از روی نکوهش به آنها گفته می‌شود: عذاب جهنمی را که در دنیا وقتی رسولان تان شما را از آن می‌ترساندند تکذیب می‌کردید بچشید.

برخی فواید آیات:

- ایمان کافران در روز قیامت به آنها سودی نمی‌رساند. زیرا آخرت سرای جزا است؛ نه سرای عمل.
- خطر غفلت از دیدار الله در روز قیامت.
- نماز شب، سیره مؤمنان است.

﴿وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلِيمِ الْآخِرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [السجده: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و به طور قطع به این تکذیب‌کنندگان خارج از طاعت پروردگارشان، قبل از عذاب بزرگتر که در آخرت برای‌شان آماده شده است اگر توبه نکنند، مصیبت‌ها و بلاهایی در دنیا می‌چشانیم؛ باشد که به طاعت پروردگارشان بازگردند.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ [السجده: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و هیچ‌کس ستمکارتر از کسی نیست که به آیات الله اندرز داده شود اما از آنها پند نگیرد، و بدون توجه به این آیات از آنها روی گرداند. بدون تردید ما از مجرمان - که از آیات الله روی می‌گردانند به سبب ارتکاب کفر و گناهان - انتقام می‌گیریم.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [السجده: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و به تحقیق که تورات را به موسی عطا کردیم، پس - ای رسول - در مورد دیدار خودت با موسی در شب اسراء و معراج در تردید نباش، و کتاب نازل شده بر موسی علیه السلام را مایه هدایت از گمراهی برای بنی اسرائیل قرار دادیم.

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجده: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و از میان بنی اسرائیل پیشوایانی قرار دادیم که مردم در حق به آنها اقتدا می‌کردند، و به سوی حق راهنمایی می‌کردند، چون بر اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، و بر آزارهای موجود در راه دعوت شکیبایی کردند، و قاطعانه آیات نازل شده الله بر رسولان‌شان را تصدیق می‌کردند.

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [السجده: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و - ای رسول - به تحقیق که پروردگار تو همان ذاتی است که در روز قیامت در آنچه که در دنیا در باره آن اختلاف می‌ورزیدند داوری می‌کند، آن‌گاه حَقِّگو را از یابوہ گو آشکار می‌گرداند، و هر یک را به آنچه که سزاوارش است جزا می‌دهد.

﴿أُولَئِكَ يَهْدِي لَهُمْ كَمَ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِمْ مِّنَ الْفُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾ [السجده: ۲۶].

﴿۲۶﴾ آیا اینها کور شده‌اند و برای‌شان آشکار نشده است که چه بسیار امت‌هایی را قبل از آنها نابود کردیم؟! درحالی‌که در مسکن‌های آنها که قبل از نابودی‌شان در آنها

سکونت می کردند راه می روند، اما از حال شان پند نمی گیرند. به راستی که در نابودی آن امت ها به سبب کفر و گناهانشان، پنجهایی است که بر راستگویی رسولان شان که از جانب الله نزد آنها آمدند به آنها استدلال می شود. پس آیا این تکذیب کنندگان آیاتِ الله را به نیت پذیرش و پند گرفتن نمی شنوند؟!

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ﴾ [السجدة: ۲۷].

﴿۲۷﴾ آیا این تکذیب کنندگان رستاخیز ندیده اند که ما آب باران را به زمین خشک و بی گیاهی می فرستیم، آن گاه با آن آب، کشتی که شتران و گاوها و گوسفندانشان، و خودشان از آن می خورند درمی آوریم؟! آیا این امر را نمی بینند، و درک نمی کنند که ذاتی که زمین خشک را رویانیده است بر زنده کردن مردگان نیز توانا است؟!

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [السجدة: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و تکذیب کنندگان رستاخیز با درخواست تعجیل در عذاب می گویند: حکمی که ادعا می کنید میان ما و شما در روز قیامت داوری خواهد کرد، و مقصد ما جهنم و مقصد شما بهشت است چه زمانی است؟!

﴿قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ [السجدة: ۲۹].

﴿۲۹﴾ - ای رسول - به آنها بگو: این موعد روز قیامت است، که روز داوری میان بندگان است آن گاه که ایمان کسانی که در دنیا به الله کفر ورزیده اند پس از مشاهده روز قیامت سودی نمی رساند، و به آنها مهلت نیز داده نمی شود تا به سوی پروردگارشان توبه کنند و به سوی او بازگردند.

﴿فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ﴾ [السجدة: ۳۰].

﴿۳۰﴾ پس - ای رسول - از اینها پس از اینکه در گمراهی خویش ثابت ماندند روی گردان، و منتظر امری باش که به آنها می رسد، چون آنها نیز عذابی را که به آنها وعده می دهی انتظار می کشند.

برخی فواید آیات:

- عذاب کافر در دنیا وسیله ای برای توبه او است.
- ثبوت دیدار میان پیامبرمان ﷺ و موسی علیهما السلام در شب اسراء و معراج.
- صبر و یقین دو صفت پیشوایان دینی هستند.

سوره الأحزاب

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تمرکز بر عنایت الله به پیامبرش ﷺ و حمایت از ایشان و اهل بیتش.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾
[الأحزاب: ۱].

❶ ای پیامبر، تو و همراهیانت با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، بر تقوای او تعالی مواظبت کن، و فقط از او بترس، و از کافران و منافقان در پیروی از نفس‌های شان فرمان‌برداری نکن، زیرا الله از نیرنگ کافران و منافقان آگاه است، و در آفرینش و تدبیر خویش بسیار دانا است.

﴿وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲].

❷ و از وحیی که از جانب پروردگارت بر تو نازل می‌شود پیروی کن، به‌راستی که الله به آنچه انجام می‌دهید بسیار دانا است، و ذره‌ای از آن از دستش نمی‌رود، و به زودی شما را در برابر اعمال‌تان جزا خواهد داد.

﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [الأحزاب: ۳].

❸ و در تمام امور خویش فقط بر الله توکل کن و همین بس که او سبحانه نگرهبان کسانی از بندگانش است که بر او توکل می‌کنند.

﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ﴾ [الأحزاب: ۴].

❹ همان‌گونه که الله دو قلب در سینه یک مرد قرار نداده است، همسران را نیز در تحریم به منزلهٔ مادران قرار نداده، و همچنین پسران فرزندخوانده را به منزلهٔ

پسرانی صلبی قرار نداده است، زیرا ظهار - یعنی اینکه مرد همسرش را بر خود حرام کند- و نیز فرزندخواندگی: از عادت‌های جاهلیت است که اسلام آنها را باطل کرده است، این ظهار و فرزندخواندگی، سخنی است که با دهان‌های تان آن را تکرار می‌کنید، و هیچ حقیقتی ندارد، زیرا همسر، مادر نیست، و فرزندخوانده نیز پسر کسی که او را ادعا می‌کند نیست، و الله سبحانه سخن حق را می‌گوید تا بندگانش به آن عمل کنند، و او تعالی به راه حق راهنمایی می‌کند.

﴿ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵].

❶ کسانی را که ادعا می‌کنید پسران تان هستند به پدران حقیقی‌شان نسبت دهید، زیرا این کار نزد الله همان عدالت است، پس اگر پدران‌شان را نمی‌شناسید که اینها را به آنها نسبت دهید برادران دینی شما و بردگان آزادشده شما هستند، پس هر یک از آنها را با «ای برادرم» یا «ای پسرعمویم» صدا بزنید، و هیچ گناهی بر شما نیست اگر کسی از شما فرزندخوانده‌ای را از روی اشتباه به مدعی‌اش نسبت دهد، اما با گفتن عمدی این سخن گناهکار می‌شوید، و الله برای هر یک از بندگانش که توبه کند بسیار آمرزنده و مهربان است چون آنها را در برابر خطا (سهو) هرگز مواخذه نمی‌کند.

﴿التَّيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا﴾ [الأحزاب: ۶].

❷ پیامبر محمد ﷺ نسبت به مؤمنان در تمام مواردی که آنها را به‌سوی آن فرامی‌خواند حتی از جان‌های مؤمنان مهم‌تر است، هر چند دل‌های‌شان به چیز دیگری تمایل داشته باشد. و همسرانش به منزلهٔ مادران تمام مؤمنان هستند، یعنی بر هر مؤمنی حرام است که پس از مرگ پیامبر ﷺ با یکی از همسرانش ازدواج کند. و در حکم الله خویشاوندان در میراث از مؤمنان و مهاجران در راه الله سزاوارتر هستند. در صدر اسلام مؤمنان و مهاجران در راه الله به‌سبب این روابط از یکدیگر ارث می‌

بردند، سپس ارث بردن آنها از یکدیگر منسوخ شد، مگر اینکه - ای مؤمنان - می توانید به نفع دوستان غیر وارث خویش وصیت یا احسانی بکنید، این حکم در لوح محفوظ نوشته شده و عمل به آن واجب است.

برخی فواید آیات:

- هیچ کس آن قدر بزرگ نیست که به معروف امر نشود و از منکر نهی نگردد.
- رفع مواخذة (اموری که) به خطا (سهو) از امت اسلامی سرزند.
- وجوب تقدیم خواسته پیامبر ﷺ بر خواسته مردم.
- بیان جایگاه بالای همسران پیامبر ﷺ، و حرمت نکاح با آنها پس از پیامبر ﷺ؛ زیرا مادران مؤمنان هستند.

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾ [الأحزاب: ۷].

۷ و -ای رسول - به یاد آور آن گاه که از پیامبران پیمانی استوار گرفتیم بر اینکه الله را به تنهایی عبادت کنند، و هیچ چیز را با او شریک نگردانند، و وحی را که به سوی شان نازل شده است ابلاغ کنند، و به صورت خاص این پیمان را از تو گرفتیم، و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم علیه السلام، پیمان محکم و استواری گرفتیم که در ادای تبلیغ رسالت‌های الهی که بر آن امین و مکلف شده بودند، کوتاهی نکنند.

﴿لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۸].

۸ الله این پیمان موکد را از پیامبران علیهم السلام گرفت تا برای نکوهش کافران، از رسولان راستگو در مورد راستگویی شان بپرسد، و الله برای کافران به او تعالی و رسولانش در روز قیامت عذابی دردناک یعنی آتش جهنم را آماده کرده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ [الأحزاب: ۹].

۹ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، و به احکامش عمل کرده‌اید، نعمت الله بر خویش را به یاد آورید، آن گاه که لشکریان کفار دسته دسته برای پیکار با شما به مدینه آمدند، و منافقان و یهودیان آنها را یاری کردند، و باد صبا را که پیامبر صلی الله علیه و آله با آن یاری شد بر آنها فرستادیم، و لشکریانی از فرشتگان که شما آنها را ندیدید فرستادیم، آن گاه کافران برای فرار و درحالی که قادر بر هیچ کاری نبودند پشت کردند، و الله آنچه را انجام می‌دهید می‌بیند و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿إِذْ جَاؤُكُمْ مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا﴾ [الأحزاب: ۱۰].

۱۰ و نیز به یاد آورید آن گاه که کافران از بالا و پایین دره از دو جهت مشرق و مغرب به سوی شما آمدند، و زمانی که بر اثر وحشت زیاد، چشم‌ها از هر چیزی جز نظر به دشمن خویش برگردانیده شدند، و قلب‌ها به حلقوم‌ها رسید، و گمان‌های مختلفی به الله می‌بردید؛ گاهی پیروزی، و گاهی نومیدی از او را گمان می‌بردید.

﴿هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا﴾ [الأحزاب: ۱۱].

در آن موضع در غزوه خندق مؤمنان با تجاوز دشمنان شان که با آن مواجه شدند مورد آزمایش قرار گرفتند، و از ترس زیاد به شدت آشفته شدند، و با این آزمایش مؤمن و منافق مشخص شد.

﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾ [الأحزاب: ۱۲].

در آن روز منافقان و افرادی با ایمان ضعیف که تردیدی در دل‌های شان بود گفتند: پیروزی بر دشمنان و قدرت‌یابی ما در روی زمین که الله و رسولش به ما وعده دادند جز باطلی که هیچ اساسی ندارد نیست.

﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا﴾ [الأحزاب: ۱۳].

و -ای رسول- به یاد آور آن‌گاه که گروهی از منافقان به اهالی مدینه گفتند: ای ساکنان یثرب (نام مدینه قبل از اسلام یثرب بود)، کنار خندق جای ماندن برای شما نیست پس به منازل خویش بازگردید، و گروهی از آنها با این بهانه که خانه‌های شان در برابر دشمن آشکار و بدون حفاظ است، از پیامبر ﷺ اجازه می‌خواستند که به خانه‌های شان بازگردند، درحالی که چنان‌که ادعا کردند نبود، و با این عذر دروغین فقط قصد فرار از دشمن را داشتند.

﴿وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُلِّمُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا﴾ [الأحزاب: ۱۴].

و اگر دشمن از تمام نواحی مدینه بر آنها وارد می‌شد، و بازگشت به کفر و شرک به الله را از آنها می‌خواست به‌طور قطع این درخواست دشمن‌شان را می‌پذیرفتند، و جز اندکی از ارتداد و بازگشت به کفر خودداری نمی‌کردند.

﴿وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا﴾ [الأحزاب: ۱۵].

درحالی که این منافقان پس از فرار از پیکار در روز أُحُد با الله پیمان بستند که اگر الله آنها را در کارزاری دیگر حاضر کند به‌طور قطع در برابر دشمن‌شان خواهند

جنگید، و به سبب ترس از آنها فرار نخواهند کرد، اما پیمان‌شان را شکستند، و به راستی که بنده در قبال پیمان‌های که با الله پیمان بسته مسئول است، و به زودی در این مورد، از او پرسیده می‌شود.

برخی فواید آیات:

- جایگاه رسولان اولوالعزم.
- تقویت بندگان مؤمن الله هنگام نزول سختی‌ها توسط او تعالی.
- یاری‌نشدن مؤمنان توسط منافقان در مصیبت‌ها.

﴿قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تَمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾
[الأحزاب: ۱۶].

① - ای رسول - به اینها بگو: اگر از ترس مرگ یا کشته شدن از کارزار بگریزید فرار هرگز به شما سودی نمی‌رساند؛ زیرا اجل‌ها اندازه‌گیری شده‌اند، و اگر فرار کردید و هنوز اجل‌تان نرسیده بود فقط زمانی اندک در زندگی بهره‌مند خواهید شد.

﴿قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [الأحزاب: ۱۷].

② - ای رسول - به آنها بگو: چه کسی در برابر الله از شما محافظت می‌کند اگر مرگ یا قتل را که نمی‌پسندید برای‌تان بخواهد، یا سلامت و خیر را که امید دارید برای‌تان بخواهد، هیچ‌کس نیست که از شما در برابر این کار محافظت کند، و این منافقان به جای الله هیچ دوستی برای خودشان نمی‌یابند که کارشان را برعهده بگیرد، و هیچ یآوری را نیز نمی‌یابند که در برابر عذاب الله از آنها محافظت کند.

* ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الأحزاب: ۱۸].

③ الله از کسانی از شما آگاه است که دیگران را از جنگیدن همراه رسول الله ﷺ باز می‌دارند و به برادران‌شان می‌گویند: نزد ما بیایید و همراه او در پیکار شرکت نکنید تا کشته نشوید، زیرا ما می‌ترسیم که شما کشته شوید، و این خیانتکاران به جنگ نمی‌آیند و در آن حضور نمی‌یابند مگر بسیار اندک؛ تا تنگ را از خودشان دفع کنند، نه به این هدف که الله و رسولش را یاری رسانند.

﴿أَشْحَهَ عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ جَدَادٍ أَشْحَهَ عَلَى الْخَيْرِ أَوْلَيْكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ [الأحزاب: ۱۹].

④ - ای گروه مؤمنان - آنها با اموال‌شان بر شما بخل می‌ورزند یعنی با بخشیدن آن به شما کمک نمی‌کنند، و با جان‌های‌شان بر شما بخل می‌ورزند یعنی همراه شما پیکار نمی‌کنند، و با دوستی خویش بر شما بخل می‌ورزند یعنی شما را به دوستی نمی‌گیرند، اما چون ترس هنگام رویارویی با دشمن فرا رسد - ای رسول - آنها را

می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که از بزدلی چشمان شان می چرخد مانند چرخیدن چشمان کسی که سختی های جان کندن را مشاهده می کند، اما چون ترس شان از بین برود و آرام گیرند به سبب حرص بر غنیمت که در جستجوی آن هستند با زبان درازی شما را با سخن آزار می رسانند، اینها که صفات مذکور را دارند ایمان واقعی نیاورده اند، پس الله پاداش اعمال شان را تباه ساخت، و این تباه کردن بر الله آسان است.

﴿يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِن يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوْنَ لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنَّا أَنبَاءَكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الأحزاب: ۲۰].

① این بزدلان گمان می کنند که احزاب توطئه گر بر پیکار با رسول الله ﷺ و مؤمنان، تا وقتی مؤمنان را از ریشه برنکنند نخواهند رفت، و به فرض اگر احزاب بار دیگر بیایند این منافقان دوست دارند که خارج از مدینه همراه بادیه نشینان باشند، تا از اخبار شما بپرسند که: پس از پیکار دشمنان با شما چه اتفاقی برای تان افتاده است؟ و -ای مؤمنان- اگر در میان شما بودند جز اندکی همراه شما پیکار نمی کردند، پس اهمیتی به آنها ندهید، و بر آنها افسوس نخورید.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۱].

② به طور قطع در آنچه که رسول الله ﷺ گفته و اقدام کرده و انجام داده، الگویی نیکو برای شما است، او جان گرامی خویش را تقدیم کرده، و به طور مستقیم در جنگ شرکت کرده است، پس چگونه بعد از این امر به جان های تان در برابر جان او بخل می ورزید؟ و از رسول الله ﷺ پیروی نمی کند مگر کسی که به روز آخرت امید دارد، و برای آن روز تلاش، و الله را بسیار یاد می کند، اما کسی که به روز آخرت امید ندارد و الله را بسیار یاد نمی کند به رسولش اقتدا نمی کند.

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۲۲].

③ و مؤمنان چون احزاب جمع شده برای پیکار با خویش را دیدند گفتند: این همان آزمایش و بلا و پیروزی ای است که الله و رسولش به ما وعده دادند، و الله و

رسولش در این مورد راست گفته‌اند، به تحقیق که محقق شد، و مشاهده احزاب توسط آنها جز بر ایمان به الله و فرمان‌برداری آنها از او تعالی نیفزود.

برخی فواید آیات:

- أجل‌ها تعیین شده هستند؛ نه جنگیدن آنها را نزدیک می‌کند، و نه فرار از پیکار آنها را دور می‌سازد.
- بازداشتن از جهاد در راه الله، کار همیشگی منافقان است.
- رسول ﷺ در سخنان و کارهای خویش الگوی مؤمنان است.
- اعتماد به الله و تسلیم‌بودن در برابر او تعالی، از صفات مؤمنان است.

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب: ۲۳].

﴿۲۳﴾ در میان مؤمنان مردانی هستند که با الله راست بوده‌اند، و به ثبات و صبر در راه الله که با او تعالی بر آن پیمان بستند وفا کرده‌اند، برخی از آنها در راه الله مُرده یا شهید شده‌اند، و برخی از آنها منتظر شهادت در راه او تعالی هستند، و این مؤمنان پیمانی را که با الله بستند تغییر ندادند مثل کاری که منافقان با پیمان‌هایشان کردند.

﴿لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۲۴].

﴿۲۴﴾ به این هدف که الله راستان را که به پیمانی که با او بستند وفا کردند در قبال راستی و وفای به پیمان‌هایشان پاداش دهد، و منافقان را که پیمان‌هایشان را نقض کردند اگر بخواهد عذاب کند، به این نحو که آنها را قبل از اینکه از کفرشان توبه کنند بمیراند، یا آنها را ببخشد و به توبه توفیق دهد، و الله نسبت به کسی که از گناهانش توبه کند بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا﴾ [الأحزاب: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و الله قریش و غطفان و کسانی را که همراهشان بودند در غم و اندوهشان به سبب از دست دادن آنچه آرزو کردند بازگرداند، بدون اینکه به ریشه‌کن کردن مؤمنان که هدفشان بود دست یابند، و الله با بادی که فرستاد و فرشتگانی که نازل کرد مؤمنان را از پیکار با آنها بی‌نیاز ساخت؛ و او تعالی ذات توانا و شکست‌ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود مگر اینکه الله او را مغلوب و خوار می‌سازد.

﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا﴾ [الأحزاب: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و الله یهودیانی را که به آنها یاری رساندند از دژهایشان که در آنجا از ترس دشمن پناه گرفته بودند پایین کشید، و در جان‌هایشان ترس افکند، - ای مؤمنان - گروهی از آنها را می‌کشید، و گروهی دیگر را اسیر می‌کردید.

﴿وَأَوْزَرَٰكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوُّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ [الأحزاب: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و الله پس از نابودی آنها شما را مالک زمین‌شان با مزارع و نخلستان‌هایش، و منازل و دیگر اموال‌شان کرد، و شما را مالک سرزمین‌های خیر که هرگز به آن‌ها نرسیده بودید، بلکه به زودی در آن‌ها خواهید نهاد قرار داد، این وعده و مژده‌ای است برای مؤمنان، و الله بر هر چیزی تواناست، و هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾ [الأحزاب: ۲۸].

﴿۲۸﴾ ای پیامبر، به همسرانت وقتی خواستار افزودن بر نفقه از تو شدند و تو چیزی نداشتی که بر نفقه آنها بیفزایی بگو: اگر زندگی دنیا و زیور آن را می‌خواهید، نزد من بیایید تا شما را از آنچه که زنان طلاق داده‌شده بهره‌مند می‌گردند برخوردار سازم، و شما را به گونه‌ای که هیچ زیان و آزاری نبینید طلاق دهم.

﴿وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و اگر رضایت الله و رسولش، و بهشت سرای آخرت را می‌خواهید، بر حال خویش صبر کنید، که الله برای هر یک از شما که با صبر و حسن معاشرت نیکی کند پاداشی بزرگ آماده ساخته است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا﴾ [الأحزاب: ۳۰].

﴿۳۰﴾ ای زنان پیامبر، هرکس از شما گناه آشکاری مرتکب شود به سبب جایگاه و منزلت او و برای صیانت جناب پیامبر ﷺ عذابی دوچندان در روز قیامت دارد. و این دوچندان کردن عذاب بر الله آسان است.

برخی فواید آیات:

- تزکیه اصحاب رسول الله ﷺ از سوی او تعالی، که این امر افتخاری بس بزرگ برای‌شان است.

- یاری و کمک الله برای بندگانش از جایی که گمانش را نمی‌کنند وقتی تقوای او تعالی را پیشه کنند.
- سرانجام بد نیرنگ برای یهودیانی که به احزاب یاری رساندند.
- انتخاب رضایت الله و رسولش توسط همسران پیامبر ﷺ، بر ایمان قوی آنها دلالت دارد.

﴿ وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴾ [الأحزاب: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و هرکس از شما بر طاعت الله و رسولش مداومت کند، و عملی صالح و راضی کننده نزد الله انجام دهد، پاداشی دو برابر از سایر زنان به او می‌دهیم، و پاداشی گرامی یعنی بهشت در آخرت برایش آماده کرده‌ایم.

﴿ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴾ [الأحزاب: ۳۲].

﴿۳۲﴾ ای زنان پیامبر ﷺ، شما در فضیلت و شرف مانند سایر زنان نیستید، بلکه از نظر فضیلت و شرف در جایگاهی قرار دارید که سایر زنان به آن نمی‌رسند به شرط اینکه اوامر الله را اجرا و از نواهی او تعالی اجتناب کنید، و آن‌گاه که با مردان بیگانه سخن می‌گویید سخن را نرم نکنید و صدا را نازک نسازید، تا به این سبب کسی که در قلبش بیماری نفاق و شهوت حرام است طمع ورزد، و سخنی دور از گمان و تهمت، یعنی به مقدار نیاز جدی باشد نه شوخی بزنید.

﴿ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴾ [الأحزاب: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و در خانه‌های‌تان بمانید، و بدون نیاز از آنها خارج نشوید، و مانند زنانی که قبل از اسلام زیبایی‌های‌شان را برای جذب مردان آشکار می‌کردند زیبایی‌های خود را آشکار نکنید و نماز را به کامل‌ترین وجه برپا دارید، و زکات اموال‌تان را بدهید، و از الله و رسولش اطاعت کنید. ای زنان رسول‌الله، ای اهل بیت رسول‌الله، جز این نیست که الله سبحانه می‌خواهد آزار و آسیب را از شما بزداید، و دل‌های‌تان را با آراستن با اخلاق برتر، و خالی کردن از اخلاق پست به صورت کامل پاک گرداند، و پس از آن هیچ آلودگی‌ای باقی نماند.

﴿ وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴾ [الأحزاب: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و آنچه را از آیات نازل شده‌ی الله بر رسولش، و از سنت پاک رسول او در خانه‌های‌تان برای شما خوانده می‌شود یاد کنید، به‌راستی که الله نسبت به شما بسیار

مهربان است که با قراردادن شما در خانه‌های پیامبرش بر شما منت بخشید، و نسبت به شما بسیار دانا است که شما را به عنوان همسران رسولش برگزید، و به عنوان مادران تمام مؤمنان امتش انتخاب کرد.

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّابِغِينَ وَالصَّابِغَاتِ وَالْحَافِظِينَ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۳۵].

﴿۳۵﴾ همانا مردان و زنان فروتن در برابر الله با طاعت، و نیز مردان و زنان مؤمن به الله، و مردان و زنان فرمان‌بردار الله، و مردان و زنان راستین در ایمان و سخن، و مردان و زنان شکیب‌بر طاعات و بر مصیبت‌ها و شکیب‌ها در برابر گناهان، و مردان و زنان صدقه‌دهنده با اموال‌شان در صدقه فرضی و نفلی، و مردان و زنان روزه‌دار برای الله در روزه فرضی و نفلی، و مردان و زنان نگهدارنده عورت‌های‌شان با پوشاندن آن از آشکارشدن در برابر کسی که نظر به عورت‌های‌شان برایش حلال نیست، و با دوری از فاحشه‌زنا و مقدمات آن، و مردان و زنان بسیار یادکننده الله با دل‌ها و زبان‌های‌شان در نهان و آشکارا - الله برای آنها آمرزشی از جانب خویش برای گناهانشان، و پاداشی بزرگ در روز قیامت یعنی بهشت آماده ساخته است.

برخی فواید آیات:

- از جمله راهنمایی‌های قرآن برای زن مسلمان این موارد است: نهی از نازک کردن صدا، و امر به ماندن در منزل مگر از سر نیاز، و نهی از آرایش.
- فضیلت اهل بیت رسول الله ﷺ، و همسران او جزء اهل بیتش هستند.
- مبنای تساوی میان مردان و زنان در عمل و جزا استوار است مگر مواردی را که شریعت برای هر یک از این دو استثنا کرده است.

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: ۳۶].

۳۶ و سزاوار هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که هرگاه الله و رسولش در مورد آنها به امری حکم کردند، در قبول یا ترک آن اختیاری داشته باشد، و هرکس از الله و رسولش نافرمانی کند به تحقیق که آشکارا از راه راست گمراه شده است.

﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطْرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطْرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ [الأحزاب: ۳۷].

۳۷ و - ای رسول - وقتی به کسی که الله با نعمت اسلام بر او نعمت بخشیده بود، و تو با آزادسازی، بر او نعمت بخشیده بودی - منظور زید بن حارثه رضی الله عنه است آن گاه که برای گرفتن مشورت در مورد طلاق همسرش زینب بنت جحش رضی الله عنها نزدت آمد - می گفتم: همسرت را نزد خویش نگه دار و او را طلاق نده، و از الله با فرمان برداری از او امرش و اجتناب از نواهی اش بترس. و - ای رسول - ازدواج تو با زینب را که الله بر تو وحی کرد از ترس مردم در نفس خویش پنهان می کردی و الله به زودی طلاق او توسط زید سپس ازدواج تو با او را آشکار خواهد کرد و الله سزاوارتر است که در این امر از او بترسی. پس هرگاه زید او را رها کرد و از وی روی گرداند و طلاقش داد او را به نکاح تو درآوردیم؛ تا بر مؤمنان گناهی در ازدواج کردن با همسران پسرخوانده های شان نباشد به شرط اینکه آنها را طلاق دهند و عده شان سپری شود، و فرمان الله بدون هیچ مانع و حایلی انجام شدنی است.

﴿مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَّقْدُورًا﴾ [الأحزاب: ۳۸].

۳۸ بر پیامبر محمد صلی الله علیه و آله هیچ گناه یا تنگنایی در نکاح همسر پسرخوانده اش که الله بر او حلال کرده است نیست، و او در این کار سنت پیامبران پیش از خود را پیروی می کند، پس در این امر، نخستین فرد از پیامبران نیست، و آنچه الله به آن حکم

می‌کند - یعنی انجام شدن این ازدواج و ابطال فرزندخواندگی که پیامبر ﷺ هیچ رأی یا اختیاری در این کار ندارد - حکمی نافذ است که هیچ بازگرداننده‌ای ندارد.

﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَجْشُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ [الأحزاب: ۳۹].

۳۹) این پیامبران همان کسانی هستند که رسالت‌های نازل شده‌ی الله بر آنها را به امت‌های‌شان ابلاغ می‌کنند، و از هیچ‌کس جز الله نمی‌ترسند، پس هنگامی که آنچه را الله برای‌شان حلال گردانیده است انجام می‌دهند به آنچه دیگران می‌گویند اهمیتی نمی‌دهند، و الله به عنوان نگهبان بر اعمال بندگانش کافی است تا آنها را در قبال اعمال‌شان مورد حسابرسی قرار دهد، و بر این اساس به آنها جزا دهد؛ اگر خیر باشد جزای خیر، و اگر شر باشد جزای شر دهد.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۴۰].

۴۰) محمد ﷺ پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، پس او پدر زید نیست تا نکاح همسرش پس از اینکه او را طلاق داد بر او حرام باشد، بلکه فرستاده‌ی الله به‌سوی مردم، و خاتم پیامبران که هیچ پیامبری پس از او نخواهد آمد است، و الله از همه چیز آگاه است، و ذره‌ای از کار بندگانش بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ [الأحزاب: ۴۱].

۴۱) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به آنچه تشریح کرده عمل کرده‌اید، الله را با دل‌ها و زبان‌ها و اعضای‌تان بسیار یاد کنید.

﴿وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الأحزاب: ۴۲].

۴۲) و در آغاز و پایان روز؛ به خاطر فضیلتی که این دو وقت دارند او سبحانه را با تسبیح و تهلیل منزه بدانید.

﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۴۳].

۴۳) او ذاتی است که به شما رحم می‌کند و شما را می‌ستاید، و فرشتگانش برای شما دعا می‌کنند تا شما را از تاریکی‌های کفر به‌سوی نور ایمان در آورند، و نسبت به

مؤمنان بسیار مهربان است؛ یعنی اگر از او تعالی اطاعت کنند و اوامرش را اجرا و از نواهی اش اجتناب کنند آنها را عذاب نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- وجوب تسلیم شدن و گردن نهادن مؤمن در برابر حکم الله.
- آگاهی الله از آنچه در وجود انسان‌ها است.
- یکی از مناقب مادر مؤمنان زینب بنت جحش رضی الله عنها این است که: الله عقد او را از بالای هفت آسمان بست.
- فضیلت ذکر الله، به‌خصوص صبحگاه و شامگاه.

﴿تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا﴾ [الأحزاب: ۴۴].

④۱ درود مؤمنان در روزی که پروردگارشان را ملاقات می‌کنند سلامتی و ایمنی از تمام آسیب‌ها است، و الله به پاداش طاعت آنها برای او تعالی، و دوری‌شان از نافرمانی او تعالی، پاداشی گرامی - یعنی بهشت خویش - را برای‌شان آماده کرده است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الأحزاب: ۴۵].

④۲ ای پیامبر، به‌راستی که تو را به‌سوی مردم به عنوان گواهی بر آنها فرستادیم به اینکه آنچه را با آن به‌سوی‌شان رسالت یافتی به آنها رساندی، و مژده‌دهنده‌ای برای مؤمنان‌شان به بهشت او تعالی که الله برای‌شان آماده ساخته، و انذار دهنده‌ای برای کفار به آنچه الله از عذاب برایشان مهیا نموده است.

﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾ [الأحزاب: ۴۶].

④۳ و تو را دعوتگر به‌سوی توحید و طاعت الله به فرمان او فرستادیم، و تو را چراغی روشن‌گر فرستادیم که هرکس خواهان هدایت است از آن روشنایی می‌گیرد.

﴿وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۴۷].

④۴ و به مؤمنان به الله که احکام و تشریعاتش عمل می‌کنند، آنچه را که آنها را خشنود می‌سازد خبر بده یعنی بخششی بزرگ از جانب الله سبحانه برای‌شان است که پیروزی‌شان در دنیا و رستگاری‌شان در آخرت با ورود به بهشت را شامل می‌شود.

﴿وَلَا تَطْعَمِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ [الأحزاب: ۴۸].

④۵ و از کافران و منافقان در بازداشتن از دین الله که به آن فرا می‌خوانند اطاعت نکن، و از آنها روی گردان، شاید این کار موثرتر باشد به اینکه به آنچه برای‌شان آورده‌ای ایمان آورند، و در تمام کارهایت؛ از جمله پیروزی بر دشمنانت بر الله توکل کن، و الله به عنوان نگهبان کافی است که بندگان در تمام کارهای‌شان در دنیا و آخرت بر او توکل کنند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَعَّوهُنَّ وَسَرَخُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا﴾ [الأحزاب: ۴۹].

④۶ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، اگر زنان مؤمن را به عقد نکاح خویش درآوردید، سپس آنها را پیش از اینکه با آنها نزدیکی کردید

طلاق دادید عده‌ای برای شما بر آنها نیست، چه به قرء چه به ماه؛ چون به سبب نزدیکی نکردن با آنها، علم به پاکی رحم‌های‌شان وجود دارد، و براساس توانایی خویش آنها را از اموال‌تان بهره‌مند سازید؛ تا دل‌های‌شان که بر اثر طلاق شکسته است آرام شود، و آنها را بدون آزار رها کنید تا نزد خانواده‌های‌شان بروند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتٍ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۰].

ﷺ ای پیامبر، ما همسرانت را که مهریه‌های‌شان را به آنها داده‌ای، و کنیزانی را که الله از میان اسرا برایت بخشید و مالک آنها هستی برایت حلال کردیم، و نکاح با دختران عمویت، و دختران عمه‌هایت، و دختران دایات، و دختران خاله‌هایت که همراه تو از مکه به مدینه مهاجرت کردند را برایت حلال کردیم، و برایت حلال کردیم که با زنی مؤمن که خودش را بدون مهریه به تو ببخشد اگر بخواهی با او ازدواج کنی، نکاح هبه مخصوص پیامبر ﷺ است که برای هیچ‌یک از افراد امتش جایز نیست. به تحقیق که آگاه هستیم از آنچه در حق همسران مؤمنان بر آنها واجب کردیم که نمی‌توانند بیش از چهار زن برگزینند، و حکمی که در مورد کنیزان‌شان برای آنها تشریح کردیم که می‌توانند بدون مقیدبودن به عددی مشخص، از کنیزکانی که می‌خواهند بهره ببرند، و آنچه از موارد مذکور که به تو اجازه دادیم ولی به دیگران اجازه ندادیم؛ برای این است که تنگی و مشقتی بر تو نباشد، و الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

برخی فواید آیات:

- شکیبایی در برابر آزارها، از صفات دعوتگر موفق است.
- مستحب است که شوهر برای تسکین خاطر زنی که او را قبل از دخول طلاق داده است مقداری مال به او بدهد.
- ویژگی خاص پیامبر ﷺ در جواز نکاح هبه، هر چند چنین ازدواجی منعقد نکرده است.

﴿* تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يُحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۱].

۵۱ - ای رسول - نوبت هم‌بستری با هر یک از زنان را که می‌خواهی به تأخیر بینداز و شب را با او سپری نکن، و با هر یک از آنها که می‌خواهی همراه شو و شب را با او بگذران، و هر کدام را که طلب کردی با او همراه شوی از کسانی که نوبت شان را به تأخیر انداخته‌ای در این مورد گناهی بر تو نیست، این حق انتخاب و گشایش برای تو نزدیک‌تر است به اینکه چشمان همسرانت به آن روشن گردد، و همگی شان به آنچه به آنها داده‌ای راضی شوند؛ چون می‌دانند که تو هیچ واجبی را ترک نکرده‌ای، و در هیچ حقی بخل نورزیده‌ای، و - ای مردان - الله از تمایل به برخی زنان بدون برخی دیگر که در دل‌های‌تان وجود دارد آگاه است، و او تعالی نسبت به اعمال بندگانش بسیار داناست، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، ذات بردباری است که کیفرشان را به تعجیل نمی‌اندازد تا به‌سوی او توبه کنند.

﴿لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا﴾ [الأحزاب: ۵۲].

۵۲ - ای رسول - برایت جایز نیست با زنانی غیر از همسرانت که در عقد تو هستند ازدواج کنی، و برایت حلال نیست آنها را طلاق دهی، یا برخی از آنها را طلاق دهی تا زنانی دیگر بگیری، هر چند زیبایی زنی دیگر که می‌خواهی با او ازدواج کنی مورد پسندت واقع شود، اما می‌توانی کنیزکانی را که در ملکیت داری به هر تعداد برگزینی، و الله مراقب همه چیز است. این حکم بر فضیلت مادران مؤمنان دلالت دارد، زیرا طلاق دادن آنها و جایگزین کردن همسری جدید به جای آنها ممنوع شده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرٍ نَاطِرِينَ إِنَاءَهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَىٰ النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا زُوجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۳].

۵۱ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، به خانه‌های پیامبر ﷺ وارد نشوید مگر پس از اینکه برای صرف غذا به شما اجازه داده شود، آن هم به این شرط که زمانی طولانی در انتظار پختن غذا ننشینید، اما هرگاه به غذا دعوت شدید وارد شوید، پس چون خوردید بازگردید، و بعد از آن ننماید تا سرگرم سخن گفتن با یکدیگر شوید، زیرا این کار، پیامبر ﷺ را می‌آزارد و حیا می‌کند از اینکه از شما بخواهد بازگردید، و الله حیا نمی‌کند از اینکه به حق فرمان دهد، پس شما را به بازگشتن فرمان داد تا با ماندن سبب آزار پیامبر ﷺ نشوید، و هرگاه از همسران پیامبر ﷺ نیازی مثل ظرفی و مانند آن طلب کردید آن نیازتان را از پشت پرده بخواهید، و رو در رو از آنها نخواهید تا برای صیانت آنها، به خاطر جایگاه رسول الله ﷺ، چشمان‌تان به آنها نیفتد؛ این خواستن از پشت پرده هم برای دل‌های شما و هم برای دل‌های آنها پاکیزه‌تر است؛ تا شیطان با وسوسه و آراستن منکر به دل‌های شما و دل‌های آنها راه نیابد، و -ای مؤمنان- سزاوار شما نیست که با ماندن برای سخن گفتن به رسول الله ﷺ آزار رسانید، و نیز سزاوارتان نیست که پس از مرگ او با همسرانش ازدواج کنید، زیرا آنها مادران مؤمنان هستند، و هیچ‌کس حق ندارد با مادرش ازدواج کند، به‌راستی که این آزار رساندن - که یکی از صور آن، نکاح شما با همسران پیامبر ﷺ پس از مرگش است - حرام است و نزد الله گناهی بزرگ به شمار می‌رود.

﴿إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۴].

۵۲ اگر چیزی از اعمال‌تان را آشکار کنید یا آن را در نفس‌تان بپوشانید، ذره‌ای از آن بر الله پوشیده نخواهد ماند، زیرا الله بر هر چیزی بسیار دانا است، و ذره‌ای نه از اعمال‌تان و نه سایر موارد بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی شما را در قبال اعمال‌تان اگر خیر باشد جزای خیر، و اگر شر باشد جزای شر خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- مقام والای پیامبر ﷺ نزد پروردگارش؛ چون صحابه را به خاطر ماندن در خانه پیامبر ﷺ که او را آزار می‌داد سرزنش فرمود.
- ثبوت دو صفت علم و حلم برای الله تعالی.
- حیا از اخلاق پیامبر ﷺ است.

• صیانت مقام مادران مؤمنان که همسران پیامبر ﷺ هستند.

﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا﴾ [الأحزاب: ۵۵].

☞ بر آنها گناهی نیست که افراد زیر بدون حجاب به آنها نگاه کنند و با آنها سخن بگویند: پدرانشان، فرزندانشان، برادرانشان، و پسران برادرانشان، و پسران خواهرانشان، چه نسبی چه رضاعی، و نیز گناهی بر آنها نیست که افراد زیر بدون حجاب با آنها سخن بگویند: زنان مؤمن، و بردگانشان. و - ای زنان مؤمن - باید از الله با پابندی به اوامرش و اجتناب از نواهی اش بترسید، زیرا او سبحانه به هر چه از شما آشکار و هر چه از شما صادر می‌گردد گواه است.

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۶].

☞ به راستی که الله نزد فرشتگانش رسول محمد ﷺ را می‌ستاید، و فرشتگانش برای او دعا می‌کنند، ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به آنچه برای بندگانش تشریح کرده عمل کرده‌اید، بر رسول ﷺ درود فرستید و سلام نیکویی به او بگویید. الله پس از اینکه به بزرگداشت رسول ﷺ و درود بر او فرمان داد از آزار رساندن به او نهی کرد و فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا﴾ [الأحزاب: ۵۷].

☞ در حقیقت کسانی که در گفتار یا کردار به الله و رسولش آزار می‌رسانند الله به جزای آزاری که به رسولش مرتکب شدند آنها را از رحمت گسترده خویش در دنیا و آخرت دور کرده و رانده است، و در آخرت عذاب خفت‌آوری برای‌شان آماده ساخته است.

﴿وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَتَقَدِرْ أَلَمْ نَكْتُبْ لَهُمْ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبينًا﴾ [الأحزاب: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و کسانی که آزار گفتاری یا رفتاری به مردان و زنان مؤمن می‌رسانند بدون اینکه مؤمنان جرمی که موجب این آزار رساندن باشد مرتکب شده باشند، به تحقیق که دروغ و گناهی آشکار به دوش گرفته‌اند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۵۹].

﴿۵۹﴾ ای پیامبر، به همسران و به دختران خود و زنان مؤمنان بگو: چادرهای‌شان را به خوبی بر خود فرو افکنند تا عورتی از آنها در برابر مردان بیگانه آشکار نگردد؛ با این کار بهتر شناخته می‌شوند که زنان آزاد هستند تا کسی به آنان آزار نرساند چنان‌که به کنیزان آزار می‌رسانند، و الله نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده، و نسبت به آنها بسیار مهربان است.

﴿* لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الأحزاب: ۶۰].

﴿۶۰﴾ اگر منافقان؛ با پنهان کردن کفر و آشکارکردن اسلام، و کسانی که چون تابع شهوات‌شان هستند دل‌های‌شان فاسد شده، و کسانی که اخبار دروغ را در مدینه می‌آوردند تا میان مؤمنان تفرقه بیندازند از کار خویش باز نایستند؛ - ای رسول - به طور قطع تو را بر کیفر آنها فرمان خواهیم داد، و تو را بر آنها مسلط خواهیم کرد، آن‌گاه جز زمانی اندک در مدینه سکونت نخواهند کرد؛ زیرا به سبب فسادکاری‌شان در زمین نابود یا از مدینه طرد خواهند شد.

﴿مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثَقِفُوا أَخِذُوا وَقْتِكُمْ بِهَا قِتْلًا﴾ [الأحزاب: ۶۱].

﴿۶۱﴾ به سبب نفاق و گسترده شدن فساد در زمین، از رحمت الله رانده هستند، در هر مکانی که دیده شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید.

﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ [الأحزاب: ۶۲].

﴿۶۲﴾ این سنت جاری الله در مورد منافقان است هرگاه که نفاق را آشکار کردند، و سنت الله ثابت است و هرگز تغییری برایش نخواهی یافت.

برخی فواید آیات:

- جایگاه والای پیامبر ﷺ نزد الله و فرشتگانش.

- حرمت آزار رساندن به مؤمنان بدون سبب.
- نفاق سبب نزول عذاب برای صاحبش است.

﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا﴾ [الأحزاب: ۶۳].

۱۳ - ای رسول - مشرکان از روی انکار و تکذیب، و نیز یهود در مورد قیامت از تو سوال می کنند که: موعدهش چه زمانی است؟ به اینها بگو: علم قیامت نزد الله است و ذره ای از آن نزد من نیست، - ای رسول - تو چه می دانی شاید قیامت نزدیک باشد؟

﴿إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا﴾ [الأحزاب: ۶۴].

۱۴ - به راستی که الله سبحانه کافران را از رحمت خویش رانده، و در روز قیامت آتشی شعله ور که در انتظار آنها است برای شان آماده ساخته است.

﴿خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [الأحزاب: ۶۵].

۱۵ - و برای همیشه در آن آتش که برای شان آماده شده است می مانند، در آن هیچ دوستی نمی یابند که به آنها نفع برساند، و هیچ یآوری نیز نمی یابند تا عذابش را از آنها دفع کند.

﴿يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ﴾ [الأحزاب: ۶۶].

۱۶ - در روز قیامت چهره های شان در آتش جهنم زیر و رو و دگرگون می شود، و از حسرت و پشیمانی زیاد می گویند: کاش در زندگی دنیایی مان از الله با اجرای آنچه ما را به آن فرمان داد، و ترک آنچه ما را از آن نهی کرد اطاعت می کردیم، و از رسول در آنچه از جانب پروردگارش آورد اطاعت می کردیم.

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَصَلَّوْنَا السَّبِيلَ﴾ [الأحزاب: ۶۷].

۱۷ - اینها دلیلی واهی و باطل می آورند و می گویند: پروردگارا به راستی که ما از سران و بزرگان اقوام خویش اطاعت کردیم، و آنها ما را از راه راست گمراه کردند.

﴿رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾ [الأحزاب: ۶۸].

۱۸ - پروردگارا، برای این سران و بزرگان که ما را از راه راست گمراه ساختند دو برابر عذابی که برای ما قرار دادی قرار بده چون آنها ما را گمراه ساختند، و آنها را از رحمت خویش بسیار دور گردان.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ اللَّهُ وَّجِيهًا﴾ [الأحزاب: ۶۹].

۶۹) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، به رسول خویش آزار نرسانید تا مبادا مانند کسانی شوید که به موسی علیه السلام آزار رساندند و بر جسمش ایراد گرفتند، پس الله او را از عیبی که گرفتند شفا داد، و بهبودی‌اش آشکار شد، موسی علیه السلام نزد الله چنان جایگاه مقبولی داشت که خواسته‌اش رد نمی‌شد، و تلاشش تباه نمی‌گشت.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ [الأحزاب: ۷۰].

۷۰) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامی که برای‌تان تشریح فرموده عمل کرده‌اید، از الله با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌اش بترسید، و سخنی حق و راست بگویید.

﴿يُضِلِّحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِغِ اللَّهُ وَرَسُولُهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ [الأحزاب: ۷۱].

۷۱) زیرا اگر از الله بترسید و سخن حق بگویید، اعمال شما را برای‌تان اصلاح می‌گرداند، و آن را از شما می‌پذیرد، و گناهان‌تان را از شما پاک می‌گرداند و شما را در برابر آن مواخذه نمی‌کند، و هرکس از الله و رسولش اطاعت کند به تحقیق به رستگاری بزرگ و بی‌همتایی دست یافته است، یعنی دستیابی به رضایت الله و ورود به بهشت.

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ [الأحزاب: ۷۲].

۷۲) به راستی که ما تکالیف شرعی، و اموال و اسراری را که حفظ می‌شود، بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، اما از برداشتن آن خودداری کردند، و از سرانجامش ترسیدند، و انسان آن را برداشت، به تحقیق که انسان نسبت به خویش سخت ستمکار، و به سرانجام برداشتن این امانت بسیار نادان است.

﴿لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الأحزاب: ۷۳].

﴿۷۳﴾ انسان به تقدیر الله آن را برداشت؛ تا الله مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک، را در قبال نفاق و شرکشان عذاب کند، و مردان و زنان مؤمن را که امانت تکالیف را به خوبی برداشتند ببخشد و به آنها مهربانی کند. الله نسبت به گناهان بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده و نسبت به خودشان بسیار مهربان است.

برخی فواید آیات:

- اختصاص علم قیامت به الله.
- این امر که پیروان، مسئولیت گمراهی خود را برعهده بزرگان شان می گذارند، آنها را از مسئولیت معاف نمی کند.
- حرمت شدید آزار رساندن به پیامبران در سخن یا عمل.
- بزرگی امانتی که انسان آن را به دوش می کشد.

سوره سبأ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان مظاهر قدرت الهی بر تغییر احوال و سپاسگزاری و ناسپاسی مردم در قبال نعمت‌ها.

تفسیر:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾ [سبأ: ۱].

① تمام ستایش‌ها مخصوص الله است که آفرینش و فرمانروایی و تدبیر هرچه در آسمان‌ها و زمین وجود دارد از آن او است و در آخرت نیز تمام مدح و سپاس‌ها برای او است، و او در آفرینش و تدبیر خویش ذاتی بسیار دانا، و از احوال بندگانش بسیار آگاه است، و ذره‌ای از احوال‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ﴾ [سبأ: ۲].

② از آب و گیاهی که در زمین فرو می‌رود، و از گیاه و هرچه از زمین درمی‌آید، و از باران و فرشتگان و روزی‌ای که از آسمان فرود می‌آید، و از فرشتگان و اعمال و ارواح بندگانش که در آسمان بالا می‌رود آگاه است، و او نسبت به بندگان مؤمن خویش بسیار مهربان، و نسبت به گناهان کسانی که به‌سوی او توبه کنند بسیار آمرزنده است.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ [سبأ: ۳].

③ و کسانی که به الله کفر ورزیدند گفتند: قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد. - ای رسول - به آنها بگو: چرا به الله سوگند، به‌طور قطع قیامتی که آن را تکذیب می‌کنید شما را فرا خواهد گرفت، اما وقت آن را جز الله نمی‌داند، زیرا او سبحانه از قیامت و سایر امور نهان آگاه است، و هم‌وزن کوچکترین مورچه نه در آسمان‌ها و

نه در زمین از علم او سبحانه پنهان نمی‌ماند، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر از آن از او تعالی پنهان نمی‌ماند، مگر اینکه در کتابی روشن مکتوب است، یعنی همان لوح محفوظ که هر چیزی که تا روز قیامت موجود می‌شود در آن نوشته شده است.

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ [سبأ: ۴].

④ الله آنچه را لازم بود در لوح محفوظ ثبت کرد تا کسانی را که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند پاداش دهد. اینها که صفات مذکور را دارند مغفرتی برای گناهان‌شان از جانب الله برای‌شان است، و آنها را به خاطر گناهان‌شان مواخذه نمی‌کند، و روزی‌ای گرامی، یعنی بهشت او تعالی در روز قیامت برای‌شان است.

﴿وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٌ﴾ [سبأ: ۵].

⑤ و کسانی که برای ابطال آیاتی که الله نازل کرده کوشیدند، و در مورد آن گفتند: سحر است، و در مورد رسول ما گفتند: کاهن، ساحر، شاعر است، برای اینها که این صفات را دارند در روز قیامت بدترین و سخت‌ترین عذاب است.

﴿وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ [سبأ: ۶].

⑥ و علمای صحابه و کسانی از علمای اهل کتاب که ایمان آورده‌اند گواهی می‌دهند و حیی که الله به‌سوی تو نازل کرده همان حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن نیست، و به‌سوی راه ذاتِ شکست‌ناپذیری که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در دنیا و آخرت ستوده‌شده است راهنمایی می‌کند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَى رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا مُزِقْتُمْ كُلٌّ مِّنْكُمْ إِنَّا نَمُزِقُ الْفَاسِقِينَ إِذَا ضَلُّوا أَنَّهُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ [سبأ: ۷].

⑦ و کسانی که به الله کفر ورزیدند، از روی تعجب و تمسخر آنچه رسول ﷺ آورد به یکدیگر گفتند: آیا مردی را به شما نشان دهیم که به شما خبر می‌دهد پس از اینکه مُردید و تکه‌تکه شدید زنده برانگیخته خواهید شد؟!

برخی فواید آیات:

- گستردگی علم فراگیر الله سبحانه بر همه چیز.
- فضیلت علما.
- انکار رستاخیز بدن‌ها از سوی مشرکان، انکار قدرت الله که آنها را آفریده است.

﴿أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ
الْبَعِيدِ﴾ [سبأ: ۸].

۸ و گفتند: آیا این مرد بر الله دروغ بسته است که برانگیختن ما پس از مرگمان را ادعا کرده است، یا خود دیوانه‌ای است که به آنچه حقیقتی ندارد هذیان می‌گوید؟ امر آن‌گونه که اینها گمان کرده‌اند نیست، بلکه نکته این است که کسانی که به روز آخرت ایمان نمی‌آورند در عذاب سخت روز قیامت، و در گمراهی آشکار از حق در دنیا قرار دارند.

﴿أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ نَشَأَ نُحُفِّفُ بِهِمُ
الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ﴾ [سبأ: ۹].

۹ آیا این تکذیب‌کنندگان رستاخیز به آنچه از زمین در دسترس‌شان و به آنچه از آسمان پشت سرشان است ننگریسته‌اند؟ اگر فروربردن زمین از زیر پاهای‌شان را بخواهیم آن را از زیر پاهای‌شان فرو می‌بریم، و اگر بخواهیم قطعه‌هایی از آسمان بر آنها فرو فرستیم به‌طور قطع آنها را بر سرشان فرو خواهیم فرستاد، همانا در این امر نشانه‌ای قاطع است برای هر بنده‌ای که بسیار به‌سوی طاعت پروردگارش بازمی‌گردد و با آن بر قدرت الله راهنمایی می‌شود، زیرا کسی که بر این کار توانا باشد بر برانگیختن شما پس از مرگ‌تان و متلاشی‌شدن بدن‌های‌تان توانا است.

﴿* وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَآلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ﴾ [سبأ: ۱۰].

۱۰ و به تحقیق که از جانب خویش نبوت و پادشاهی به داود عطا کردیم، و به کوه‌ها گفتیم: ای کوه‌ها، در تسبیح همراه داود هم‌صدا شوید، و به پرندگان نیز همین‌گونه گفتیم، و آهن را برایش نرم گردانیدیم تا ابزاری را که می‌خواست از آن می‌ساخت.

﴿إِنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [سبأ: ۱۱].

۱۱ که - ای داود - زره‌هایی فراخ که جنگجویانت را در برابر نیروی دشمن‌شان محافظت می‌کند بساز، و میخ‌ها را مناسب حلقه‌ها قرار بده یعنی نه آنها را نازک بساز که در حلقه‌ها قرار نگیرد، و نه کلفت که در حلقه‌ها وارد نشود، و عمل صالح انجام دهید، زیرا من آنچه را انجام می‌دهید می‌بینم، و ذره‌ای از اعمال شما بر من پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی شما را در قبال آن جزا خواهم داد.

﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوْاحُها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ يُأدِنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغُ مِنْهُمُ عَن أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِن عَذَابِ السَّعِيرِ﴾ [سبأ: ۱۱۲].

﴿۱۲﴾ و باد را برای سلیمان پسر داود علیهما السلام رام کردیم، که صبحگاه مسیر یک ماه، و شامگاه مسیر یک ماه را می‌پیمود، و چشمهٔ مس را برایش روان کردیم تا آنچه می‌خواهد از مس بسازد، و از میان جن‌ها کسانی را رام او کردیم که به امر پروردگارش در برابر او کار می‌کردند، و به هر یک از جن‌ها که از کاری که او را به آن امر کرده بودیم سر باز می‌زد از عذاب آتش شعله‌ور می‌چشانیدیم.

﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِن مَّحَارِبٍ وَتَمَائِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ [سبأ: ۱۱۳].

﴿۱۳﴾ این جن‌ها آنچه را سلیمان عليه السلام می‌خواست برایش می‌ساختند: مساجد برای نماز، و کاخ‌ها و مجسمه‌هایی که می‌خواست، و ظرف‌هایی که می‌خواست؛ مانند حوض‌های بزرگ آب، و دیگ‌های آشپزی ثابت که به سبب بزرگی‌شان تکان نمی‌خوردند. و به آنها گفتیم: - ای خاندان داود - از الله در قبال نعمت‌هایی که به شما ارزانی داشته سپاسگزاری کنید، و از میان بندگان من شمار اندکی در قبال نعمت‌هایی که به آنها بخشیده‌ام از من سپاسگزاری می‌کنند.

﴿فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِن سَأْتِهِ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ [سبأ: ۱۱۴].

﴿۱۴﴾ و هنگامی که مرگ را برای سلیمان عليه السلام مقدر کردیم، کسی جن‌ها را از اینکه سلیمان عليه السلام مرده است آگاه نکرد مگر موربانه‌هایی که عصایش را که بر آن تکیه زده بود می‌خوردند، و وقتی فرو افتاد برای جن‌ها مشخص شد که آنها غیب نمی‌دانند؛ زیرا اگر غیب می‌دانستند در غذایی که برای‌شان خوارکننده بود نمی‌ماندند، یعنی چون گمان می‌کردند سلیمان عليه السلام زنده است و آنها را نظارت می‌کند کارهای سخت و طاقت‌فرسا را برای او انجام می‌دادند.

برخی فواید آیات:

- گرامیداشتِ داود عليه السلام توسط الله متعال با نبوت و پادشاهی، و تسخیر کوه‌ها و پرندگان که با تسبیح او تسبیح می‌گفتند؛ و نرم کردن آهن برای او.

- گرامی داشتن الله پیامبرش سلیمان علیه السلام را با نبوت و پادشاهی.
- اقتضای نعمت‌ها برای سپاسگزاری از الله در قبال آنها.
- اختصاص علم غیب به الله؛ یعنی این ادعا که جن‌ها یا غیر آنها بر غیب اطلاع دارند هیچ اساسی ندارد.

الله پس از بیان نعمت‌هایی که به داود و پسرش سلیمان علیهما السلام ارزانی داشته بود، نعمت‌هایی را که به اهالی سبأ بخشیده بود نیز بیان فرمود، با این تفاوت که داود و سلیمان علیهما السلام از الله سپاسگزاری کردند اما اهالی سبأ از او تعالی ناسپاسی کردند:

﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ
وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ﴾ [سبأ: ۱۵].

⑤ به طور قطع برای قبیله سبأ در محل سکونت‌شان که در آن اقامت داشتند نشانه ای آشکار بر قدرت الله و نعمت‌بخشی او تعالی بر آنها بود؛ یعنی دو باغ: یکی در سمت راست، و دیگری در سمت چپ، و به آنها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید، و در برابر نعمت‌هایش از او سپاسگزاری کنید؛ این است شهری خوش و پاکیزه، و الله پروردگاری است که گناهان کسی را که به‌سوی او توبه کند می‌آمرزد.

﴿فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ أُكُلٍ خَمْطٍ
وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ﴾ [سبأ: ۱۶].

⑥ اما از سپاسگزاری الله و ایمان به رسولانش روی گرداندند، پس آنها را با تبدیل نعمت‌های‌شان به عقوبت مجازات کردیم، و سیلی نابودگر بر آنها فرستادیم که سدشان را خراب کرد و مزرعه‌های‌شان را غرق ساخت، و دو باغ مُثمر آنها را به دو باغ با میوه تلخ، و درخت شورگز غیر مثمر، و اندکی درخت سدر تبدیل کردیم.

﴿ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نَجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ﴾ [سبأ: ۱۷].

⑦ این تبدیل - که وقتی صاحب نعمت‌ها بودند حاصل شد - به سبب کفر و رویگردانی آنها از شکر نعمت‌ها بود، و با این عذاب سخت، جز کسانی را که نعمت‌های الله را انکار کنند و از او سبحانه ناسپاسی کنند مجازات نمی‌کنیم.

﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُورَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا
فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾ [سبأ: ۱۸].

⑧ و در میان اهالی سبأ در یمن و شهرهای شام که در آنها برکت نهادیم شهرهایی نزدیک به هم قرار دادیم، و گردش در میان آنها را به گونه‌ای مقدر کردیم که بدون مشقت از شهری به شهر دیگر مسافرت می‌کردند تا به شام می‌رسیدند، و به آنها

گفتیم: آنچه خواستید شب یا روز در امنیت از دشمن و گرسنگی و تشنگی در آنها بگردید.

﴿فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَرِّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [سبأ: ۱۹].

❶ اما از این نعمت الله که مسافت‌ها را برای‌شان نزدیک کرده بود ناسپاسی کردند، و گفتند: پروردگارا با برداشتن این شهرها، میان سفرهایمان فاصله بینداز تا رنج سفر را بچشیم، و امتیاز شترهای سواری دهنده‌مان آشکار گردد، و با ناسپاسی نعمت الله و رویگردانی از شکر او تعالی و حسادت ورزیدن به فقرای‌شان بر خود ستم کردند. پس آنها را موضوع سخنان قصه‌ها گردانیدیم که آیندگان در مورد آنها با یکدیگر سخن می‌گفتند، و آنها را سخت در شهرها تار و مار کردیم، به‌گونه‌ای که نمی‌توانستند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، به‌راستی که در این امر - یعنی نعمت بخشی بر اهالی سبأ و سپس گرفتن انتقام از آنها به‌سبب کفر و ناسپاسی‌شان - پندی است برای هرکس که بر طاعت الله و از نافرمانی او و در برابر مصیبت شکیبایی می‌کند، و شکر نعمت‌هایی را که الله بر او ارزانی داشته است به جای می‌آورد.

﴿وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [سبأ: ۲۰].

❷ و به‌طور قطع ابلیس این گمان خود را که می‌تواند آنها را بفریبد و از حق گمراه سازد در مورد آنها عملی کرد، و در کفر و گمراهی از او پیروی کردند، جز گروهی از مؤمنان که با پیروی نکردن از ابلیس او را نومید کردند.

﴿وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطَانٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ﴾ [سبأ: ۲۱].

❸ و ابلیس هیچ تسلطی بر آنها نداشت تا آنها را به زور گمراه سازد، بلکه فقط برای‌شان می‌آراست و آنها را فریب می‌داد، جز اینکه ما در فریفتن آنها به او اجازه دادیم تا کسی را که به آخرت و جزای آن ایمان می‌آورد، از کسی که درباره آخرت در شک و تردید است معلوم کنیم، و - **ای رسول** - پروردگارت نگهبان همه چیز است، اعمال بندگان را حفظ می‌کند، و آنها را در قبال اعمال‌شان جزا می‌دهد.

﴿قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍَ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ﴾ [سبأ: ۲۲].

④ - ای رسول - به این مشرکان بگو: کسانی را که گمان می‌کنید آنها به جای الله معبودهای تان هستند صدا بزنید تا به شما سود برسانند یا آسیب را از شما بزدایند، اما آنها هم‌وزن ذره‌ای نه در آسمان‌ها و نه در زمین مالک نیستند، و در آن هیچ شراکتی با الله ندارند، الله هیچ دستیاری ندارد که به او یاری رساند، زیرا او تعالی از شریکان و دستیاران بی‌نیاز است.

برخی فواید آیات:

- سپاسگزاری، نعمت‌ها را حفظ می‌کند و ناسپاسی، سبب نابودی آنها می‌شود.
- امنیت از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که الله به بندگانش می‌بخشد.
- ایمان صحیح، به اذن الله از پیروی فریبکاری شیطان محافظت می‌کند.
- ظهور ابطال اسباب و ورودی‌های شرک مانند ادعا به اینکه بت‌ها فرمانروایی یا مشارکتی همراه الله، یا کمک‌رسانی یا شفاعتی نزد الله دارند.

﴿وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَن قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ﴾ [سبأ: ۲۳].

۳۴ شفاعت نزد او سبحانه سود نمی‌رساند مگر برای کسی که به او اجازه دهد. الله در شفاعت اجازه نمی‌دهد مگر برای کسی که از او راضی باشد؛ به سبب عظمت الله وقتی در آسمان سخن می‌گوید فرشتگان برای فرمان برداری از سخن او تعالی بال‌های‌شان را بر هم می‌زنند تا وقتی وحشت از دل‌های‌شان برطرف می‌شود به جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام می‌گویند: پروردگارتان چه فرمود؟ جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام می‌گوید: حقیقت را فرمود، و او به ذات و قدرت خویش بلندمرتبه است، و ذات بسیار بزرگی است که همه چیز پایین‌تر از او قرار دارند.

﴿* قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [سبأ: ۲۴].

۳۵ - ای رسول - به این مشرکان بگو: چه کسی شما را از آسمان‌ها با فروفرستادن باران، و از زمین با رویانیدن محصولات و کشتزارها و میوه‌ها روزی می‌دهد؟ بگو: الله همان ذاتی است که شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد، و به‌طور قطع ما یا شما - ای مشرکان - بر راه هدایت یا گمراهی آشکار قرار داریم، زیرا یکی از ما به ناچار چنین هستیم، و بدون تردید هدایت یافتگان همان مؤمنان هستند، و گمراهان همان مشرکانند.

﴿قُلْ لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أُجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا نَعْمَلُونَ﴾ [سبأ: ۲۵].

۳۶ - ای رسول - به آنها بگو: در روز قیامت شما در مورد گناهی که ما مرتکب شده‌ایم بازخواست نخواهید شد، و ما نیز در مورد آنچه شما انجام می‌دادید بازخواست نخواهیم شد.

﴿قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ﴾ [سبأ: ۲۶].

۳۷ به آنها بگو: الله ما و شما را در روز قیامت جمع می‌کند، سپس به عدالت میان ما و شما داوری می‌کند، آن‌گاه حق‌گو را از یاهوگو مشخص می‌سازد و او داوری است که به عدالت قضاوت می‌کند، و از موضوعی که به آن داوری می‌کند آگاه است.

﴿قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [سبأ: ۲۷].

۲۷ - ای رسول - به آنها بگو: کسانی را که شریکانی برای الله قرار داده‌اید و آنها را در عبادت با او تعالی شریک می‌گردانید به من نشان دهید. هرگز، امر چنین نیست که شما تصور کردید که او شریکانی دارد، بلکه او، الله یعنی همان ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر و تدبیرش بسیار دانا است.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾
[سبأ: ۲۸].

۲۸ و - ای رسول - ما تو را نفرستادیم جز برای تمام مردم، مژده دهنده پرهیزگاران به اینکه بهشت برای‌شان است، و ترساننده کافران و بدکاران از جهنم؛ اما بیشتر مردم این موضوع را نمی‌دانند، زیرا اگر از این امر آگاه بودند تو را تکذیب نمی‌کردند.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [سبأ: ۲۹].

۲۹ و مشرکان با درخواست تعجیل در غذایی که با آن تهدید می‌شوند می‌گویند: این وعده عذاب چه زمانی است اگر در این ادعا که حقیقت است راستگو هستید؟

﴿قُلْ لَّكُمْ مِيعَادٌ يَوْمٍ لَا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ﴾ [سبأ: ۳۰].

۳۰ - ای رسول - به این درخواست کنندگان تعجیل در عذاب بگو: برای شما میعاد روزی مشخص است، که نه می‌توانید لحظه‌ای از آن پس روید، و نه می‌توانید لحظه‌ای از آن پیش افتید، و آن روز همان روز قیامت است.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلِ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ﴾ [سبأ: ۳۱].

۳۱ و کسانی که به الله کفر ورزیدند گفتند: به این قرآن که محمد ادعا می‌کند بر او نازل شده است هرگز ایمان نخواهیم آورد، و هرگز به کتاب‌های آسمانی پیشین ایمان نخواهیم آورد، و - ای رسول - کاش ستمکاران محبوس نزد پروردگارش در روز قیامت برای حسابرسی را می‌دید، که با یکدیگر سخن می‌گویند، و هر یک از آنها مسئولیت و سرزنش را بر دیگری می‌افکند. پیروان زبردست به سران‌شان که آنها را در دنیا ضعیف و ناتوان یافتند می‌گویند: اگر شما ما را گمراه نکرده بودید، به طور قطع ما به الله و رسولانش ایمان می‌آوردیم.

برخی فواید آیات:

- مهربانی با مدعو (شخصی که به دین دعوت داده می‌شود)؛ تا اینکه سرسختی و لجبازی نکند.
- هدایت یافته، به سبب هدایت، برتری و بلندی می‌یابد، و گمراه شده، خوار و ذلیل در گمراهی فرو می‌رود.
- شمولیت رسالت پیامبر ﷺ برای تمام انسان‌ها، و نیز تمام جن‌ها.

﴿قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ﴾ [سبأ: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و پیشوایان که از حق تکبر ورزیدند به پیروان که آنها را زیردست خویش قرار داده بودند می‌گویند: آیا ما شما را از هدایتی که محمد برای‌تان آورد بازداشتیم؟! خیر، بلکه شما خودتان گمراه و فاسد و فسادکار بودید.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَادًا وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَعْتَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [سبأ: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و پیروان که سران‌شان آنها را زیردست پیشوایانِ رویگردان از حق، قرار داده بودند می‌گویند: بلکه نیرنگ شب و روز شما بود که ما را از هدایت بازداشت آن‌گاه که ما را به کفر به الله، و عبادت مخلوقات به جای او فرمان می‌دادید. و پشیمانی خود از کفری را که در دنیا انجام می‌دادند پنهان می‌دارند، آن‌گاه که عذاب را مشاهده می‌کنند، و می‌دانند که عذاب خواهند شد، و ما بند و ریسمان‌ها را در گردن‌های کافران قرار می‌دهیم. با این جزا مجازات نمی‌شوند جز در قبال عبادت غیر الله و ارتکاب گناهانی که در دنیا انجام می‌دادند. برای تسلی دادن رسول ﷺ آن‌گاه که قومش او را تکذیب کردند الله به او فرمود که تکذیب، عادت امت‌های پیش از او است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ [سبأ: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و در هیچ شهری رسولی که آنها را از عذاب الله می‌ترساند نفرستادیم مگر اینکه افراد مُرَفَّه صاحب قدرت و مقام و مال آنجا گفتند: - ای رسولان - به آنچه که شما با آن فرستاده شده‌اید کافر هستیم.

﴿وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ﴾ [سبأ: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و این صاحبان مقام، شادمان و مفتخر می‌گفتند: ما اموال و فرزندان زیادی داریم، و این ادعای شما که ما عذاب می‌شویم دروغ است، زیرا ما نه در دنیا و نه در آخرت عذاب نخواهیم شد.

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾
[سبأ: ۳۶].

۳۶ - ای رسول - به اینها که به نعمتهایی که به آنها داده شده است مغرور هستند بگو: پروردگارم به منظور آزمایش، برای هرکس بخواهد رزق و روزی را می‌گشاید که آیا سپاسگزاری می‌کند یا کفر می‌ورزد، و آن را برای آزمایش هرکس بخواهد تنگ می‌گرداند که آیا شکیبایی می‌کند یا خشم می‌گیرد؟ اما بیشتر مردم نمی‌دانند که الله حکیم است؛ و هیچ کاری را جز از روی حکمتی کامل و فراگیر مقرر نمی‌کند؛ فرقی ندارد که کسی از این حکمت آگاه باشد یا نباشد.

﴿وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِآلَتِي تُفْقَرُ بِكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَن آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعِيفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْعُرْفَاتِ آمِنُونَ﴾ [سبأ: ۳۷].

۳۷ - و نه اموال تان و نه فرزندان تان که به آنها افتخار می‌کنید آن چیزی نیستند که شما را به رضایت الله برسانند، اما هرکس به الله ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد به پاداشی مضاعف دست می‌یابد؛ یعنی اموال، او را با انفاق در راه الله، و فرزندان با دعا برایش او را به الله نزدیک می‌سازند، اینها که مؤمن هستند و اعمال صالح انجام می‌دهند پاداشی دو برابر نیکی‌هایی که انجام داده‌اند دارند، و در منازل بلند از بهشت از هرگونه عذاب و مرگ و قطع نعمت‌ها که آنها را می‌ترسانند ایمن و آسوده خاطر هستند.

﴿وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ﴾ [سبأ: ۳۸].

۳۸ - و کافران که نهایت تلاش خویش را در بازداشتن مردم از آیات ما به خرج می‌دهند و در تحقق اهدافشان می‌کوشند همان زیانکاران در دنیا و عذاب شدگان در آخرت هستند.

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [سبأ: ۳۹].

۳۹ - ای رسول - بگو: همانا پروردگارم رزق و روزی را برای هر یک از بندگانش که بخواهد می‌گشاید، و آن را برای هر یک از آنها که بخواهد تنگ می‌گرداند، و آنچه در راه الله انفاق کنید، الله عوض آن را در دنیا با دادن چیزی بهتر از آن، و در آخرت با دادن پاداشی بزرگ برای تان می‌دهد، و الله سبحانه بهترین روزی دهندگان است، پس هرکس خواهان رزق و روزی است باید به او سبحانه روی آورد.

برخی فواید آیات:

- بیزاری جستن پیروان و پیشوایان از یکدیگر، هیچیک را از مسئولیت معاف نمی کند.
- قرار گرفتن در ناز و نعمت، از اطاعت حق و تسلیم شدن در برابر آن دور می سازد.
- مال و فرزند مؤمن به او نفع می رساند، اما کافر از این دو سود نمی برد.
- انفاق در راه الله به بازگردانده شدن مال در دنیا، و پاداش نیکو در آخرت منجر می شود.

﴿وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمُ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهُولَاءُ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ [سبأ: ۴۰].

⑤۰ و -ای رسول - روزی را به یاد آور که الله همگی آنها را گرد می آورد، سپس او سبحانه برای توبیخ و سرزنش مشرکان به فرشتگان می گوید: آیا اینها بودند که در زندگی دنیا شما را به جای الله عبادت می کردند؟

﴿قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ﴾ [سبأ: ۴۱].

⑤۱ فرشتگان می گویند: پاک و منزّه هستی! به جای آنها، تو دوست و کارساز ما هستی، و هیچ دوستی ای میان ما و آنها نیست، بلکه این مشرکان شیاطین را عبادت می کردند؛ شیاطین این گونه برای شان مجسم می کردند که فرشتگانی هستند پس آنها را به جای الله عبادت می کردند، و بیشترشان به آنها ایمان داشتند.

﴿فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَتَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾ [سبأ: ۴۲].

⑤۲ در روز حشر و حسابرسی، معبودها مالک هیچ سود و زیانی برای کسانی که در دنیا آنها را به جای الله عبادت می کردند نیستند، و به کسانی که با کفر و گناهان، به خودشان ستم کرده اند می گوئیم: عذاب جهنم که آن را در دنیا تکذیب می کردید بچشید.

﴿وَإِذَا تُنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [سبأ: ۴۳].

⑤۳ و هرگاه آیات روشن و بدون ابهام ما که بر رسول مان نازل شده است، به این مشرکان تکذیب کننده خوانده می شود می گویند: این مردی که آنها را آورده، کسی نیست جز مردی که می خواهد شما را از آنچه پدران تان بر آن بودند بازدارد، و می گویند: این قرآن، چیزی نیست جز دروغی که آن را بر الله بسته است، و کسانی که به الله کفر ورزیدند به قرآن وقتی از جانب الله نزدشان آمد گفتند: این جز سحری آشکار نیست؛ چون میان مرد و همسر، و پسر و پدر جدایی می اندازد.

﴿وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِّنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيرٍ﴾ [سبأ: ۴۴].

و ما کتاب‌هایی که بخوانند به آنها نداده بودیم تا آنها را راهنمایی کند به اینکه قرآن دروغی است که محمد ﷺ آن را ساخته است، و -ای رسول- پیش از فرستادن تو، رسولی که آنها را از عذاب الله بترساند نزدشان نفرستاده‌ایم.

﴿وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾ [سبأ: ۴۵].

و امت‌های پیشین مانند عاد و ثمود و قوم لوط تکذیب کردند، درحالی که یک دهم قدرت و نیرو و مال و افرادی که امت‌های پیشین به آن دست یافتند به مشرکان قوم تو نرسیده است، اما هر یک از آن امت‌ها رسول خویش را تکذیب کردند، و مال و قدرت و افرادی که برای‌شان داده شده بود سودی به آنها نرساند، و عذاب من بر آنها واقع شد، پس -ای رسول- بنگر که کیفر و عذاب من بر آنها چگونه بود.

﴿* قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ [سبأ: ۴۶].

ای رسول - به این مشرکان بگو: من شما را فقط به یک خصلت راهنمایی و نصیحت می‌کنم؛ و آن اینکه خالی از هوس، فقط برای الله سبحانه بپاخیزید، دو نفر دو نفر یا به تنهایی؛ سپس در سیرت همنشین خویش، و عقل و راستگویی و امانتداری‌اش که بر آن واقف هستید، بیندیشید؛ تا برای‌تان مشخص شود او ﷺ دیوانه نیست. او کسی نیست جز ترساننده شما از عذابی سخت؛ اگر از شرک برای الله به‌سوی او تعالی توبه نکنید.

﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [سبأ: ۴۷].

ای رسول - به این مشرکان تکذیب کننده بگو: من در قبال هدایت و خیری که برای‌تان آوردم هیچ پاداش یا مزدی - به فرض وجود آن - از شما نمی‌خواهم، و برای خودتان باشد، پاداش من جز بر الله به تنهایی نیست، و او سبحانه بر همه چیز

گواه است، و گواهی می‌دهد که من به شما ابلاغ کردم، و بر اعمال‌تان گواهی می‌دهد، و جزای آن را به شما می‌رساند.

الله سبحانه پس از بیان دلایل علیه پیروان باطل و شرک، بیان فرمود که این کار سنت او تعالی است:

﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَفْقِهُ بِالْحَقِّ عَلَامَ الْغُيُوبِ﴾ [سبأ: ۴۸].

④۸ - ای رسول - بگو: به یقین پروردگارم حق را بر باطل مسلط می‌کند و باطل را از بین می‌برد، و او دانای امور نهان است، و ذره‌ای نه در آسمان‌ها و نه در زمین، و نه اعمال بندگانش بر او پوشیده نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- تقلید کورکورانه از پدران مانع هدایت است.
- تفکر خالی از هوس، وسیله‌ای برای رسیدن به نظر و فکر صحیح است.
- دعوتگر به سوی الله منتظر مزد مردم نمی‌ماند، بلکه فقط در انتظار دریافت مزد از جانب پروردگار مردم است.

﴿قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّلُ الْبَاطِلَ وَمَا يُعِيدُ﴾ [سبأ: ۴۹].

۴۹ - ای رسول - به این مشرکان تکذیب کننده بگو: حق یعنی اسلام آمد، و باطل که هیچ اثر یا نیرویی از او پدیدار نیست و به تاثیرگذاری اش باز نمی‌گردد از بین رفت.

﴿قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ﴾ [سبأ: ۵۰].

۵۰ - ای رسول - به این مشرکان تکذیب کننده بگو: اگر در آنچه به شما ابلاغ می‌کنم از حق گمراه شوم زیان گمراهی من فقط به خودم بازمی‌گردد، و ذره‌ای از آن به شما نمی‌رسد، و اگر به سبب آنچه پروردگارم سبحانه به من وحی می‌کند به سوی حق هدایت شوم، به راستی که او تعالی سخنان بندگانش را می‌شنود، و ذات نزدیکی است که شنیدن سخنانم بر او دشوار نیست.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ [سبأ: ۵۱].

۵۱ و - ای رسول - کاش ببینی آن‌گاه که این تکذیب کنندگان وقتی عذاب روز قیامت را ببینند به وحشت می‌افتند، و نه هیچ راه فراری از آنجا دارند، و نه هیچ پناهگاهی که به آن روی آورند، در ابتدای امر از مکانی نزدیک و سهل الوصول گرفتار می‌شوند، اگر این صحنه را ببینی به تحقیق که امری شگفت دیده‌ای.

﴿وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [سبأ: ۵۲].

۵۲ و آن‌گاه که مقصدشان را ببینند می‌گویند: به روز قیامت ایمان آوردیم، و چگونه می‌توانند ایمان بیاورند و به آن چنگ بزنند درحالی‌که به سبب خروج از سرای دنیا که سرای عمل است نه سرای جزا، به سرای آخرت که سرای جزا است نه سرای عمل، از مکان پذیرش ایمان دور شده‌اند؟!

﴿وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [سبأ: ۵۳].

۵۳ و چگونه ایمان می‌آورند و از آنها پذیرفته می‌شود، درحالی‌که در زندگی دنیا به آن کفر ورزیده‌اند، و از جهتی دور از اصابت حق، گمان می‌افکنند، و در مورد رسول ﷺ می‌گفتند: ساحر، کاهن، و شاعری است؟!

﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مَُّرِيبٍ﴾ [سبأ: ۵۴].

این تکذیب کنندگان از رسیدن به خوشی‌های دنیا که می‌خواهند، و توبه از کفر و نجات از جهنم، و بازگشت به زندگی دنیا محروم می‌شوند، چنان‌که امثال‌شان از میان امت‌های تکذیب کننده پیش از آنها، از این امور محروم شدند به سبب اینکه در توحید و یگانگی الله و ایمان به رستاخیز که رسولان‌شان آوردند، شکی کفرانگیز داشتند.

سوره فاطر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ارایه مناظر قدرت الله و نوآوری در آفرینش، و اسباب بزرگداشت و ترسیدن از الله و ایمان آوردن به او تعالی و یادآوری نعمت‌هایش.

تفسیر:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مَّتَنَّىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فاطر: ۱].

تمام ستایش‌ها از آن الله است؛ آفریدگار آسمان‌ها و زمین بدون نمونه قبلی. همان ذاتی که از میان فرشتگان فرستادگانی قرار داد که اوامر مقدر شده او را اجرا می‌کنند، و برخی از آنها وحی را به پیامبران می‌رسانند. و فرشتگان را بر ادای آنچه بر آن امین شده‌اند توانا ساخت، چنان‌که برخی از آنها دو بال و سه بال و چهار بال دارند، که برای اجرای آنچه به آن فرمان داده است با آنها پرواز می‌کنند، الله هر عضو یا زیبایی یا صدایی که بخواهد در آفرینش می‌افزاید، زیرا الله بر هر چیزی توانا است، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [فاطر: ۲].

به راستی که کلیدهای همه چیز به دست الله است؛ پس هر چیزی اعم از روزی و هدایت و رستگاری که برای مردم بگشاید هیچ کس نمی‌تواند او را بازدارد، و آنچه

از این موارد بازدارد هیچ کس نمی‌تواند آن را پس از اینکه الله آن را بازداشت بفرستد، و او ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر و تدبیرش بسیار دانا است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾ [فاطر: ۳].

۳ ای مردم، نعمت الله بر خودتان را با دل‌ها و زبان‌هایتان، و با اعضای‌تان در عمل به یاد آورید، آیا آفریدگاری غیر از الله دارید که با فرو فرستادن باران از آسمان به شما روزی می‌دهد، و از زمین با میوه‌ها و محصولاتش که می‌رویند به شما روزی می‌دهد؟ هیچ معبود برحق جز او نیست، پس چگونه با این وجود، از حق گمراه می‌شوید و بر الله افترا می‌بندید و ادعا می‌کنید او تعالی شریکانی دارد، درحالی‌که او است ذاتی که شما را آفرید و روزی داد؟!

برخی فواید آیات:

- صحنه هراس کفار، در روز قیامت صحنه‌ای بزرگ است.
- محل سود رسانی ایمان دنیا است؛ زیرا دنیا سرای عمل است.
- آفرینش شگفت‌آور و بزرگی فرشتگان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر عظمت آفریدگارشان سبحانه دلالت دارد.

﴿وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ [فاطر: ۴].

و - ای رسول - اگر قومت تو را تکذیب کنند شکیبایی کن، زیرا تو اولین رسولی نیستی که قومش او را تکذیب می‌کنند، و امت‌های پیش از تو مانند عاد و ثمود و قوم لوط رسولان‌شان را تکذیب کردند، و تمام کارها فقط به‌سوی الله بازمی‌گردد، آن‌گاه تکذیب کنندگان را نابود می‌کند، و رسولانش و مؤمنان را پیروز می‌گرداند.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْعُرُورُ﴾ [فاطر: ۵].

ای مردم، همانا - رستاخیز و جزای روز قیامت - که الله به آن وعده داده، حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، پس نباید لذات و شهوات زندگی دنیا شما را از انجام عمل صالح به منظور آماده شدن برای این روز بفریبد، و نباید شیطان با آراستن باطل، و تمایل به‌سوی زندگی دنیا شما را بفریبد.

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [فاطر: ۶].

ای مردم - به تحقیق که شیطان دشمنی همیشگی برای تان است، پس با التزام جنگ با او، او را دشمن بگیرید، شیطان پیروانش را فقط به کفر به الله فرامی‌خواند تا سرانجام آنها ورود به آتش شعله‌ور در روز قیامت باشد.

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ [فاطر: ۷].

کسانی که به پیروی از شیطان به الله کفر ورزیده‌اند، عذابی سخت برای‌شان است، و کسانی که به الله ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند آمرزشی از جانب الله برای گناهان‌شان است، و پاداشی بزرگ از جانب او تعالی یعنی بهشت دارند.

﴿أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّمَا اللَّهُ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ [فاطر: ۸].

همانا کسی که شیطان عمل بدش را برایش آراسته و او آن را نیکو می‌داند، مانند کسی نیست که الله حق را برایش آراسته و آن را حق می‌داند، زیرا الله هرکس را بخواهد گمراه می‌سازد، و هرکس را بخواهد هدایت می‌کند، و هیچ اجبار کننده‌ای

ندارد، پس - ای رسول - خودت را از اندوه گمراه شدن گمراهان هلاک نکن، زیرا الله سبحانه به آنچه انجام می دهند دانا است، و ذره‌ای از اعمال‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرٌ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ﴾ [فاطر: ۹].

❶ و الله همان ذاتی است که بادهای را فرستاد و این بادهای ابرها را حرکت می‌دهند، سپس ابرها را به سرزمینی بدون گیاه می‌رانیم، و با آب آن، زمین را پس از اینکه خشک بود با گیاهانی که در آن می‌رویانیم زنده می‌کنیم، پس رستاخیز مردگان در روز قیامت همان گونه است که این زمین را پس از مرگ، با گیاهانی که در آن به ودیعه گذاشتیم زنده کردیم.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يُبْورُ﴾ [فاطر: ۱۰].

❷ هرکس عزت در دنیا یا آخرت را می‌خواهد نباید آن را جز از الله بخواهد، زیرا عزت دنیا و آخرت فقط برای الله است، یاد پاکش به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح بندگان به سوی او بالا می‌رود، و برای کسانی که نیرنگ‌های بد - مانند سوء قصد به جان رسول ﷺ - می‌زنند عذابی سخت است، و مکر این کافران تباه و فاسد می‌شود، و هدفشان محقق نمی‌گردد.

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [فاطر: ۱۱].

❸ و الله همان ذاتی است که پدرتان آدم را از خاک آفرید، سپس شما را از نطفه آفرید، سپس شما را مردان و زنانی که با یکدیگر ازدواج می‌کنید قرار داد، و هیچ ماده‌ای جنینی بر نمی‌دارد، و فرزندش را به دنیا نمی‌آورد مگر به علم او سبحانه، ذره‌ای از این امر بر او پنهان نمی‌ماند. و در عمر هیچ‌یک از مخلوقاتش افزوده نمی‌شود و از آن کاسته نمی‌شود جز اینکه در لوح محفوظ نوشته شده است. به راستی که این امر - یعنی آفرینش شما از خاک و آفرینش مرحله به مرحله شما و نوشتن عمرهای‌تان در لوح محفوظ - بر الله آسان است.

برخی فواید آیات:

- تسلی دادن رسول ﷺ با ذکر قصه‌های رسولان همراه اقوامشان.
- فریب خوردن به دنیا سبب رویگردانی از حق است.
- گرفتن شیطان به عنوان دشمن با به‌کارگیری اسباب یاری‌رسان بر دوری از او: ذکر الله، تلاوت قرآن، انجام طاعت، و ترک معاصی صورت می‌گیرد.
- ثبوت صفت علو برای الله تعالی.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لَبَتَعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَالْعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [فاطر: ۱۱۲].

﴿۱۲﴾ و دو دریا یکسان نیستند: یکی از آن دو بسیار شیرین و گوارا است، و به سبب شیرین بودنش نوشیدن آب آن آسان است، و دومی شور مزه و تلخ که از شوری زیاد امکان نوشیدن آب آن وجود ندارد، و از هر یک از این دو دریا گوشتی تازه یعنی ماهی می خورید، و از آن دو مرواریدهای ریز و درشت که برای زیور می پوشید استخراج می کنید، و - ای بیننده - کشتی ها را روی آورنده و پشت کننده می بینی که با حرکت خویش دریا را می شکافند تا با تجارت از فضل الله جستجو کنید، و باشد که از الله در قبال نعمت های زیادی که به شما ارزانی داشته سپاسگزاری کنید.

﴿يُولِجُ اللَّيْلُ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ﴾ [فاطر: ۱۱۳].

﴿۱۳﴾ الله شب را در روز درمی آورد و بر طولش می افزاید، و روز را در شب درمی آورد و بر طولش می افزاید، و او سبحانه خورشید و ماه را رام کرده است، هر یک از این دو برای موعدی اندازه گیری شده که الله آن را می داند، یعنی روز قیامت، در حرکت هستند، آن ذاتی که تمام این موارد را مقدر و روان می کند همان الله پروردگارتان است؛ فرمانروایی فقط از آن او است، و بت هایی را که به جای او عبادت می کنید به اندازه پوشش هسته خرمایی مالک نیستند، پس چگونه آنها را به جای من عبادت می کنید؟!

﴿إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشْرِكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾ [فاطر: ۱۱۴].

﴿۱۴﴾ اگر معبودهای تان را در دعا بخوانید دعای تان را نمی شنوند، زیرا آنها جماداتی بدون زندگی و گوش هستند، و - به فرض - اگر دعای تان را هم بشنوند به شما پاسخ نمی دهند، و روز قیامت از شرک و عبادتی که برای شان انجام دادید بیزاری می جویند، و - ای رسول - هیچ کس راستگوتر از الله سبحانه، تو را با خبر نمی کند.

﴿* يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴾ [فاطر: ۱۵].

۱۵) ای مردم، شما در تمام کارها، و تمام احوالاتان به الله نیازمندید، و الله همان ذات بی نیازی است که در هیچ چیز به شما نیاز ندارد، و بر آنچه که برای بندگانش مقدر می کند در دنیا و آخرت ستوده شده است.

﴿إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴾ [فاطر: ۱۶].

۱۶) اگر او سبحانه بخواهد شما را نابود کند و از بین ببرد به طور قطع این کار را خواهد کرد، و به جای شما مردمی را می آفریند که او را عبادت می کنند، و هیچ چیز را با او شریک نمی گردانند.

﴿وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴾ [فاطر: ۱۷].

۱۷) و بُردن و نابودی شما و آوردن مردمی جدید به جای شما، بر الله ناممکن نیست.

﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴾ [فاطر: ۱۸].

۱۸) و هیچ شخص گناهکاری گناه گناهکار دیگری را بر نمی دارد، بلکه هر گناهکاری گناه خودش را برمی دارد، و اگر کسی که از گناهانش سنگین بار است، از کسی بخواهد اندکی از گناهانش را به جای او بردارد ذره ای از گناهانش را به جای او برنخواهد داشت، هر چند آن شخص فراخوانده شده، خویشاوندش باشد. - ای رسول - تو فقط کسانی را از عذاب الله می ترسانی که در نهبان از پروردگارشان می ترسند، و نماز را به کامل ترین وجه برپا می دارند، زیرا آنها هستند که از ترساندن تو سود می برند، و هرکس از گناهان - که بزرگترین آنها شرک است - پاک شود تنها به سود خودش پاک می شود؛ زیرا سود این کار به خودش بازمی گردد، و الله از طاعت او بی نیاز است، و بازگشت برای حسابرسی و جزا در روز قیامت به سوی الله است.

برخی فواید آیات:

- تسخیر دریا، و از پی یکدیگر آمدن شب و روز، و تسخیر خورشید و ماه: از نعمت های الله بر مردم هستند، اما مردم به این نعمت‌ها عادت می‌کنند و از آنها غافل می‌مانند.
- نادانی مشرکان به این دلیل که بت‌هایی را که نه می‌شنوند و نه می‌اندیشند در دعا می‌خوانند.
- احساس نیاز به الله صفتی لازم برای بشر است، و بی‌نیازی کامل، صفت الله است.
- تزکیه نفس به بنده بازمی‌گردد؛ زیرا بنده است که اگر بخواهد آن را حفظ می‌کند یا تباه می‌سازد.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ﴾ [فاطر: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و کافر و مؤمن جایگاه یکسانی ندارند، چنان که کور و بینا یکسان نیستند.

﴿وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ﴾ [فاطر: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و کفر و ایمان یکسان نیستند، چنان که تاریکی‌ها و نور یکسان نیستند.

﴿وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ﴾ [فاطر: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و بهشت و جهنم آثار یکسانی ندارند، چنان که سایه و باد سوزان یکسان نیستند.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ [فاطر: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و مؤمنان و کافران یکسان نیستند، چنان که زندگان و مردگان یکسان نیستند، الله هرکس را که بخواهد هدایت کند شنوا می‌گرداند، و - ای رسول - تو نمی‌توانی کافران را که مانند مردگان قبرها هستند شنوا کنی.

﴿إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ﴾ [فاطر: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و تو جز انذار دهنده‌ای از عذاب الله برای آنها نیستی.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ﴾ [فاطر: ۲۴].

﴿۲۴﴾ - ای رسول - به‌راستی که ما تو را با حقیقتی که هیچ تردیدی در آن نیست، مژده دهنده مؤمنان به پاداشی گرامی که الله برای‌شان آماده ساخته است، و انذار دهنده کافران از عذابی دردناک که برای‌شان آماده کرده است، فرستادیم و در میان هر یک از امت‌های پیشین رسولی از جانب الله که آنها را از عذابش می‌ترساند گذشته است.

﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ﴾ [فاطر: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و - ای رسول - اگر قومت تو را تکذیب کنند شکیبایی کن، زیرا تو اولین رسولی نیست که قومش او را تکذیب کردند، و امت‌های پیش از اینها مانند عاد و ثمود و قوم لوط رسولان‌شان را تکذیب کرده‌اند، درحالی‌که رسولان‌شان از جانب الله حجت‌هایی آشکار و دلالت‌کننده بر راستگویی‌شان، و صحیفه‌ها و کتاب روشنگر برای کسی که در آن تدبر کند و بیندیشد آوردند.

﴿ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾ [فاطر: ۲۶].

﴿۲۶﴾ با این وجود به الله و رسولانش کفر ورزیدند و آنها را در آنچه که از جانب او تعالی آورده بودند تصدیق نکردند، و کسانی را که کفر ورزیدند نابود کردم، پس - ای رسول - بیندیش که کیفر من برای شان وقتی آنها را نابود ساختم چگونه بود.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ﴾ [فاطر: ۲۷].

﴿۲۷﴾ - ای رسول - آیا ندیده‌ای که الله سبحانه آب باران را از آسمان فرود می‌آورد، سپس با آن آب، میوه‌هایی با رنگ‌های مختلف به رنگ قرمز و سبز و زرد و سایر رنگ‌ها پس از اینکه درختان شان را از آن آب سیراب کردیم درمی‌آوریم، و از کوه‌ها راه‌هایی سفید و قرمز، و راه‌هایی بسیار سیاه است.

﴿وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يُبْحَثِي اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾ [فاطر: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و از مردم، و از جانوران، و از دام‌ها (شتر و گاو و گوسفند) که مانند موارد مذکور رنگ‌های مختلفی دارند، و فقط بندگان دانا به او سبحانه هستند که مقام الله تعالی را بزرگ می‌شمردند و از او می‌ترسند؛ زیرا آنها هستند که صفات و احکام و دلایل قدرتش را می‌دانند، به‌راستی که الله ذات شکست ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾ [فاطر: ۲۹].

﴿۲۹﴾ همانا کسانی که کتاب الله را که آن را بر رسول‌مان فرو فرستادیم می‌خوانند و به آنچه در آن است عمل می‌کنند، و نماز را به بهترین وجه برپا می‌دارند، و از آنچه برای شان روزی داده‌ایم از باب زکات و غیر آن نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، با این اعمال به تجارتی از جانب الله که هرگز کساد نمی‌شود امید دارند.

﴿لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [فاطر: ۳۰].

﴿۳۰﴾ تا الله پاداش اعمال شان را کامل بدهد، و از فضل خویش بر آنها بیفزاید، زیرا سزاوار این کار است، به‌راستی که او سبحانه نسبت به گناهان مُتَّصِفَان به این صفات، بسیار آمرزنده است، و حق شناس اعمال نیکشان است.

برخی فواید آیات:

- نفی تساوی میان حق و پیروانش از یک جهت، و باطل و پیروانش از جهتی دیگر.
- فراوانی شمار رسولان ﷺ پیش از رسول ما ﷺ، بر مهربانی الله و سرسختی مردم دلالت دارد.
- نابودی تکذیب کنندگان، سنتی الهی است.
- ایمان، تجارتی سودآور و کفر، تجارتی زیان ده است.

﴿وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ [فاطر: ۳۱].

۳۱ و - ای رسول - کتابی که به سوی تو وحی کردیم همان حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، و تصدیق کننده کتابهای پیشین است، به راستی که الله نسبت به بندگانش بسیار آگاه و بیناست، و او تعالی به رسول هر امتی آنچه را که در زمان خویش به آن نیاز دارند وحی می کند.

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُؤْتِنِ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ [فاطر: ۳۲].

۳۲ سپس به امت محمد ﷺ که آنها را بر سایر امتها برگزیدیم قرآن را عطا کردیم، اما برخی از آنها با انجام محرمات و ترک واجبات بر خود ستم می کنند، و برخی از آنها با انجام واجبات و ترک محرمات، با ترک برخی مستحبات و انجام برخی مکروهات میانه رو هستند، و برخی از آنها به اذن الله در نیکی ها پیشتاز هستند، که این امر با انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات حاصل می شود. امر مذکور - یعنی برگزیدن امت اسلام و اعطای قرآن به آنها - بزرگترین فضیلت است که هیچ فضیلت دیگری با آن برابری نمی کند.

﴿جَنَاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾ [فاطر: ۳۳].

۳۳ بهشت های جاویدانی که برگزیدگان در آن درمی آیند، و مروارید و دست بندهایی طلایی در آن می پوشند، و لباس شان در آنجا ابریشم است.

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [فاطر: ۳۴].

۳۴ و پس از ورودشان به بهشت می گویند: تمام ستایش ها از آن الله است که اندوه ورود به جهنم را که از آن می ترسیدیم از ما برطرف کرد، به راستی که پروردگار ما نسبت به گناهان بندگانش توبه کارش بسیار آمرزنده، و قدرشناس طاعت شان است.

﴿الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَّا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ﴾ [فاطر: ۳۵].

۳۵ ذاتی که به فضل خویش، نه به قدرت و نیرویی از جانب ما، ما را در سرای ابدی - که هیچ انتقالی پس از آن نیست - جای داد، و هیچ رنج و زحمتی در آن به ما نمی رسد.

الله پس از بیان جزای بندگان برگزیده‌اش، جزای پست‌ترین بندگانش یعنی کافران را بیان کرد و فرمود:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ﴾ [فاطر: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند آتش جهنم برای‌شان است که برای همیشه در آن می‌مانند، و مرگ برای‌شان مقدر نمی‌شود تا بمیرند و از عذاب راحت شوند، و ذره‌ای از عذاب جهنم نیز بر آنها تخفیف داده نمی‌شود، مانند این جزا، روز قیامت هر ناسپاس از نعمت‌های پروردگارش را جزا می‌دهیم.

﴿وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَّصِيرٍ﴾ [فاطر: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و آنها در جهنم با بلندترین حد فریاد برمی‌آورند و این‌گونه درخواست کمک می‌کنند: پروردگارا، ما را از جهنم درآور تا عملی صالح و مخالف آنچه در دنیا مرتکب می‌شدیم انجام دهیم تا به رضایت تو دست یابیم، و از عذاب نجات پیدا کنیم، اما الله این‌گونه به آنها پاسخ می‌دهد: آیا عمری را که در آن هرکس بخواهد پند بگیرد پند می‌گرفت، و به‌سوی الله توبه می‌کرد و عمل صالح انجام می‌داد برای زندگی شما قرار ندادیم، و رسولی انذار دهنده از عذاب الله به‌سوی شما نیامد؟! بعد از تمام این موارد، هیچ دلیل و عذری ندارید، پس عذاب جهنم را بچشید، و کسانی که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند هیچ یابوری ندارند که آنها را از عذاب الله نجات دهد یا آن را برای‌شان تخفیف دهد.

﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [فاطر: ۳۸].

﴿۳۸﴾ به‌راستی که الله دانای نهان آسمان‌ها و زمین است، و ذره‌ای از آن از دستش نمی‌رود، همانا او از خیر و شری که بندگان در سینه‌های‌شان پنهان می‌دارند آگاه است.

برخی فواید آیات:

- فضیلت امت محمد ﷺ بر سایر امت‌ها.

-
- تفاوت ایمان مؤمنان یعنی تفاوت منزلت آنها در دنیا و آخرت.
 - وقت، امانتی است که حفظ آن واجب است، پس هرکس آن را تباه سازد زمانی پشیمان می‌شود که دیگر پشیمانی سودی ندارد.
 - احاطه علم الله بر همه چیز.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا﴾ [فاطر: ۳۹].

۳۹ - ای مردم - او همان ذاتی است که در زمین، برخی از شما را جانشین برخی دیگر قرار داد تا شما را بیازماید چگونه عمل می‌کنید، پس هرکس به الله و آنچه رسولانش آورده‌اند کفر ورزد گناه و کیفر کفرش به خودش بازمی‌گردد، و کفرش به الله زیان نمی‌رساند، و کفر کافران نزد پروردگارشان سبحانه جز بر خشم شدید از آنها نمی‌افزاید، و چیزی جز زیان نصیب آنها نمی‌کند، چون آنچه را الله در بهشت به شرط ایمان آنها برای‌شان آماده ساخته است تباہ می‌سازند.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا﴾ [فاطر: ۴۰].

۴۰ - ای رسول - به این مشرکان بگو: از شریکان‌تان که آنها را به جای الله عبادت می‌کنید به من خبر دهید، چه چیزی از زمین آفریده‌اند؟ آیا کوه‌های زمین را؟ یا رودهایش؟ یا جنبندگان را آفریده‌اند؟ یا آنها در آفرینش آسمان‌ها شریکان الله هستند؟ یا کتابی به آنها داده‌ایم که حجتی بر صحت عبادت شریکان‌شان توسط آنها در آن کتاب است؟ هیچ‌یک از این موارد حاصل نیست، بلکه کسانی که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ [فاطر: ۴۱].

۴۱ - همانا الله سبحانه آسمان‌ها و زمین را به گونه‌ای که از بین نروند نگاه می‌دارد، و بنا بر فرض - اگر از بین بروند هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را پس از او سبحانه از نابودی نگاه دارد. به‌راستی که او تعالی ذات بسیار بردباری است که در کیفر شتاب نمی‌کند، و نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده است.

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا﴾ [فاطر: ۴۲].

۴۲ - و این کافران تکذیب‌کننده به صورت مؤکد و سخت سوگند یاد کردند که: اگر رسولی از جانب الله بیاید که آنها را از عذاب بترساند به‌طور قطع از یهودیان و

نصاری و دیگران استوارتر و بیشتر پیرو حق خواهند بود، اما وقتی محمد ﷺ به عنوان فرستاده‌ای از جانب پروردگارش آمد که آنها را از عذاب الله می‌ترساند آمدن او فقط دوری از حق و تعلق به باطل را نصیب آنها کرد، و به سوگندهای موگدی که می‌گفتند هدایت‌یافته‌تر از پیشینیان خود خواهند بود وفا نکردند.

﴿سَتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ نَحْدِلَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ نَحْدِلَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾ [فاطر: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و سوگندشان به الله بر آنچه که به آن سوگند یاد کردند از روی حسن نیت و قصد سالم نبود، بلکه برای گردنکشی در زمین و فریب‌دادن مردم بود، و مکر بد فقط صاحبان مکرزننده خودش را فرامی‌گیرد، پس آیا این مستکبران مکرزننده جز سنت ثابت الله را انتظار می‌برند؛ یعنی نابودشدن‌شان همان‌گونه که امثال آنها از میان پیشینیان را نابود کرد؟! و هرگز در سنت الله در نابودی مستکبران نه هیچ تبدیلی خواهی یافت به اینکه بر آنها واقع نشود، و نه هیچ دگرگونی‌ای به اینکه بر غیر آنها واقع شود؛ زیرا این سنت ثابت الهی است.

﴿أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِن شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا﴾ [فاطر: ۴۴].

﴿۴۴﴾ آیا تکذیب‌کنندگان تو از میان قریش در زمین نگشته‌اند تا ببیندیشند سرانجام کسانی از امت‌های پیش از آنها که تکذیب کردند چگونه بوده است؟ آیا سرانجام بدی نداشته‌اند وقتی الله آنها را نابود ساخت، درحالی‌که نیرومندتر از قریش بودند؟! و هیچ چیزی نه در آسمان‌ها و نه در زمین الله را درمانده نخواهد کرد، زیرا او از اعمال این تکذیب‌کنندگان بسیار آگاه است، و ذره‌ای از اعمال‌شان نه بر او پوشیده می‌ماند و نه از دستش می‌رود، و بر نابودی آنها هرگاه بخواهد بسیار توانا است.

برخی فواید آیات:

- کفر، سبب خشم الله، و راهی برای زیان و بدبختی است.
- مشرکان هیچ دلیل عقلی و نقلی بر شرک خویش ندارند.
- نیرنگ ستمکار زود یا دیر باعث نابودی خودش می‌شود.

﴿وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا﴾ [فاطر: ۴۵].

۱۵ و اگر الله کیفر مردم را به سبب معاصی و گناهانی که مرتکب می شوند به تعجیل اندازد، به طور قطع فوراً تمام اهالی زمین و چارپایان و اموالی را که در اختیار دارند به سرعت نابود خواهد کرد، اما او سبحانه تا زمانی مشخص در علم خویش یعنی روز قیامت به آنها مهلت می دهد، و چون روز قیامت فرا رسد به راستی که الله نسبت به بندگان بسیار بینا است و هیچ چیز از آنها بر او پوشیده نمی ماند، آن گاه آنها را در قبال اعمالشان جزا می دهد؛ اگر خیر باشد جزای خیر، و اگر شر باشد جزای شر می دهد.

سوره یس

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اثبات رسالت و رستاخیز و دلایل این دو.

تفسیر:

﴿یس﴾ [یس: ۱].

۱ ﴿یس﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ﴾ [یس: ۲].

۲ الله به قرآن که آیاتش استوار و محکم شده است، و باطل نه از پیش رو و نه از پشت سرش به سوی آن نمی آید سوگند یاد می فرماید.

﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ﴾ [یس: ۳].

۳ که -ای رسول- به طور قطع، تو از رسولانی هستی که الله به سوی بندگان فرستاد؛ تا آنها را به توحید و عبادت او به یگانگی فرمان دهند.

﴿عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ﴾ [یس: ۴].

۴ بر راهی راست و شریعتی استوار.

﴿تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ﴾ [یس: ۵].

این راه راست و شریعت استوار از جانب پروردگار شکست ناپذیر تو که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و نسبت به بندگان مؤمن خویش بسیار مهربان است نازل شده است.

﴿لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ [یس: ۶].

آن را بر تو نازل کرد تا قومی را بترسانی و انذار دهی، یعنی عرب را که برای انذار آنها رسولی نزدشان نیامده است، به همین منظور از ایمان و توحید غافل هستند، و این حالت هر امتی است که انذار از آنها قطع شده باشد، و به رسولی نیاز دارند که آنها را یادآوری کند.

﴿لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [یس: ۷].

در حقیقت پس از اینکه حق از جانب الله بر زبان رسولش به آنها رسید اما به آن ایمان نیاوردند، و بر کفرشان ماندند، عذاب از جانب الله بر بیشتر اینها واجب شده است، در نتیجه به الله و رسولش ایمان نخواهند آورد، و به حقیقتی که نزدشان آمده است عمل نخواهند کرد.

﴿إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ﴾ [یس: ۸].

مثل آنها در این امر مانند کسانی است که بند و ریسمانها در گردنهایشان قرار داده شده، و دستهایشان با گردنهایشان زیر چانههایشان بسته شده است، به طوری که ناچار هستند سرشان را به سوی آسمان بالا آورند، و نمی توانند آن را به پایین اندازند، پس اینها از ایمان به الله در غل و زنجیر هستند که نه می توانند از آن فرمان برداری کنند و نه می توانند سرشان را پایین نگه دارند.

﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَعْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾

[یس: ۹].

و پیش روی آنها مانعی، و پشت سرشان نیز مانعی در برابر حق قرار دادیم، و چشمانشان را از حق پوشانیدیم، از این رو نمی توانند آن گونه که بهره مند شوند بنگرند. این حالتشان پس از آشکار شدن ستیزه جویی و اصرارشان بر کفر حاصل شد.

﴿وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [یس: ۱۰].

⑩ - ای محمد - نزد این کافران ستیزه‌گر با حق، یکسان است که آنها را بترسانی یا نترسانی، زیرا به آنچه از جانب الله آورده‌ای ایمان نخواهند آورد.

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ﴾ [یس: ۱۱].

⑪ در حقیقت، کسی از انذار تو سود می‌برد که این قرآن را تصدیق کند و از آنچه در آن آمده است پیروی کند، و در خلوت که دیگران او را نمی‌بینند، از پروردگارش بترسد، و چنین کسی را به محو گناهانش و آمرزش او توسط الله، و پاداشی بزرگ که در آخرت منتظرش است یعنی ورود به بهشت، مژده ده.

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾ [یس: ۱۲].

⑫ به راستی ما هستیم که مردگان را با برانگیختن برای حسابرسی در روز قیامت زنده می‌گردانیم، و اعمال نیک و بدی را که در زندگی دنیا از پیش فرستادند می‌نویسیم، و کارهای ماندگار آنها را بعد از مرگشان، چه نیک باشد مانند صدقه جاریه یا بد باشد مانند کفر می‌نویسیم، و هر چیزی را در کتابی روشن، یعنی لوح محفوظ برشمرده‌ایم.

برخی فواید آیات:

- سرسختی، مانع از هدایت به سوی حق است.
- عمل به قرآن و ترس از الله از اسباب ورود به بهشت هستند.
- فضیلت فرزند صالح و صدقه جاریه و موارد مشابه این دو بر بنده مؤمن.

﴿وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ﴾ [یس: ۱۳].

۱۳ و - ای رسول - برای پند دادن به این تکذیب کنندگان ستیزه‌جو، داستان ساکنان آن قریه را مثال بزن، هنگامی که رسولان الله نزدشان رفتند.

﴿إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ﴾ [یس: ۱۴].

۱۴ آن‌گاه که ابتدا دو رسول به‌سوی‌شان فرستادیم تا آنها را به‌سوی توحید و عبادت الله فراخوانند، اما این دو رسول را تکذیب کردند، تا اینکه آن دو را با فرستادن سومین رسول همراه آنها تقویت کردیم، و آن سه رسول به اهالی شهر گفتند: به راستی که ما - سه نفر - به‌سوی شما فرستاده شده‌ایم؛ تا شما را به توحید الله و پیروی از شریعت او دعوت کنیم.

﴿قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ﴾

[یس: ۱۵].

۱۵ اهالی شهر به رسولان گفتند: شما جز انسان‌هایی مانند خود ما نیستید، پس هیچ امتیازی بر ما ندارید، و الله رحمان وحیی بر شما فرو نفرستاده است، و شما در این ادعای‌تان فقط دروغ می‌گویید.

﴿قَالُوا رَبَّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ﴾ [یس: ۱۶].

۱۶ این سه رسول در پاسخ بر تکذیب اهالی شهر گفتند: - ای اهالی شهر - پروردگاران می‌داند که ما واقعاً فرستادگانی از جانب او هستیم، و همین دلیل برای ما کافی است.

﴿وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [یس: ۱۷].

۱۷ و چیزی جز تبلیغ آنچه بر رساندن آشکار آن به‌سوی شما فرمان یافته‌ایم برعهده ما نیست، و مالک هدایت شما نیستیم.

﴿قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

[یس: ۱۸].

۱۸ اهالی شهر به رسولان گفتند: به‌راستی که ما شما را به فال بد گرفته‌ایم، و اگر از دعوت ما به‌سوی توحید دست نکشید به‌طور قطع شما را با سنگسار تا دم مرگ مجازات خواهیم کرد، و عذابی دردناک از سوی ما به شما خواهد رسید.

﴿قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ﴾ [یس: ۱۹].

رسولان در پاسخ آنها گفتند: به سبب کفر به الله و پیروی نکردن از رسولانش، شومی شما مرتبط با خودتان است. آیا اگر الله را به شما یادآوری کنیم فال بد می زیند؟ بلکه شما مردمی هستید که در ارتکاب کفر و گناهان زیاده روی می کنید.

﴿وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ﴾ [یس: ۲۰].

و مردی از نقطه دوری از شهر که به سبب تکذیب رسولان و تهدید آنها به قتل و آزار از سوی قومش نگران قوم خویش بود، شتابان آمد و گفت: ای قوم من، از آنچه این فرستادگان آورده اند پیروی کنید.

﴿اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ﴾ [یس: ۲۱].

ای قوم من - از کسانی که در قبال ابلاغ آنچه آورده اند پاداشی از شما نمی خواهند، و خودشان نیز در وحیی که از جانب الله ابلاغ می کنند هدایت یافته اند پیروی کنید، زیرا سزاوار است که از چنین کسانی پیروی شود.

﴿وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [یس: ۲۲].

و این مرد ناصح گفت: و چه چیزی من را از عبادت الله که مرا آفریده است باز می دارد؟! و چه چیزی شما را از عبادت پروردگارتان که شما را آفریده است، و با رستخیز برای جزا فقط به سوی او بازگردانیده می شوید باز می دارد؟!.

﴿أَتَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدِنِ الرَّحْمَنُ بَصُرًا لَّا تَعْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونَ﴾ [یس: ۲۳].

آیا به جای الله که مرا آفریده معبودهای ناحقی بگیرم؟! که اگر الله رحمان آسیب برایم بخواهد شفاعت این معبودها ذره ای مرا بی نیاز نمی سازد؛ زیرا نه مالک هیچ نفع و زبانی برایم هستند، و نه می توانند مرا از آسیبی که الله برایم بخواهد اگر بر کفر بمیرم نجات دهند.

﴿إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [یس: ۲۴].

اگر معبودهایی به جای الله بگیرم به طور قطع در خطایی آشکار خواهم بود زیرا کسی را که سزاوار عبادت نیست عبادت کرده ام، و عبادت کسی را که سزاوار آن است رها کرده ام.

﴿إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ﴾ [یس: ۲۵].

﴿۳۵﴾ - ای قوم من - به راستی که من به پروردگار خودم و پروردگار شما ایمان آوردم پس به من گوش فرا دهید، زیرا من به قتلی که مرا با آن تهدید می کنید اهمیت نمی دهم. اما قومش کاری نکردند جز اینکه او را کشتند، و الله او را به بهشت درآورد.

﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾ [یس: ۲۶].

﴿۳۶﴾ پس از اینکه شهید شد برای گرامی داشتن او گفته شد: به بهشت در آی. و وقتی وارد بهشت شد و نعمت های آن را مشاهده کرد آرزوکنان گفت: کاش قوم من که مرا تکذیب کردند و به قتل رساندند آگاه می شدند

﴿بِمَا عَفَّرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ [یس: ۲۷].

﴿۳۷﴾ از آمرزش گناهانم، و آنچه که پروردگارم مرا با آن گرامی داشت؛ تا آن گونه که من ایمان آوردم ایمان می آوردند، و به پاداشی مانند پاداش من دست می یافتند.

برخی فواید آیات:

- اهمیت قصص در دعوت به سوی الله.
- فال بد زدن و شوم دانستن، از جمله اعمال کفری است.
- پند دادن، بر پیروان حق واجب است.
- خیرخواهی برای مردم یکی از صفات پیروان ایمان است.

﴿ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴾ [یس: ۲۸].

و برای نابود کردن قومش که او را تکذیب کردند و به قتل رساندند به نزول لشکری از فرشتگان از آسمان نیاز نداشتیم، زیرا کارشان نزد ما آسان تر از این بود، و مقدر کرده بودیم که با یک فریاد از آسمان نابود شوند؛ نه با فرو فرستادن فرشتگان عذاب.

﴿ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴾ [یس: ۲۹].

پس قصه نابودی قومش فقط یک فریاد بود که بر آنها فرستادیم و به ناگاه بر زمین افتادند و هیچ‌یک از آنها باقی نماند، مانند آتشی که برمی‌افروزد و خاموش می‌شود، و هیچ اثری از آن به جای نمی‌ماند.

﴿ يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴾ [یس: ۳۰].

پشیمانی و افسوس بر بندگان تکذیب کننده در روز قیامت آن‌گاه که عذاب را مشاهده می‌کنند؛ این امر به آن سبب است که در دنیا هر رسولی را که از جانب الله نزدشان آمد به تمسخر و ریشخند گرفتند، پس سرانجام آنها در روز قیامت به سبب کوتاهی در حق الله، پشیمانی است.

﴿ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴾ [یس: ۳۱].

آیا اینها که رسولان را تکذیب و مسخره می‌کنند در امت‌هایی که پیش از آنها سپری شده‌اند پندی ندیده‌اند؟ که مرده‌اند، و بار دیگر به دنیا بازنگشته‌اند، بلکه به اعمالی که از پیش فرستادند رسیدند، و الله به زودی آنها را در قبال اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿ وَإِنْ كُلٌّ لَّمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴾ [یس: ۳۲].

و تمام امت‌ها بدون استثنا در روز قیامت پس از اینکه برانگیخته می‌شوند تا آنها را در قبال اعمال‌شان جزا دهیم نزد ما احضار خواهند شد.

﴿ وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴾ [یس: ۳۳].

و نشانه حق بودن رستاخیز برای منکران این است که: بر این زمین خشک و بی گیاه از آسمان باران فرستادیم، سپس انواع گیاهان در آن رویانیدیم، و دانه‌های مختلف را در آن درآوردیم تا مردم از آن بخورند، پس ذاتی که این زمین را با فرستادن باران و رویانیدن گیاهان زنده گرداند بر زنده‌گرداندن و برانگیختن مردگان نیز توانا است.

﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ﴾ [یس: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و در این زمین که باران بر آن فرستادیم باغ‌های خرما و انگور قرار دادیم، و چشمه‌های آبی که آنها را آبیاری می‌کنند در آن جاری ساختیم.

﴿لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ [یس: ۳۵].

﴿۳۵﴾ تا مردم از میوه‌های این باغ‌ها که الله بدون هیچ تلاشی از جانب خودشان به آنها ارزانی داشت بخورند، پس آیا در قبال نعمت‌های الله با عبادت او به وحدانیت و یگانگی، و ایمان به رسولانش از او تعالی سپاسگزاری نمی‌کنند.

﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِثُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ [یس: ۳۶].

﴿۳۶﴾ پاک و منزّه است الله که انواع گیاهان و درختان را آفریده، و خود مردم را؛ به صورت مردان و زنان پدید آورد. و سایر مخلوقات خشکی و دریا و غیر این دو را که مردم از آن آگاه نیستند آفریده است.

﴿وَآيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ﴾ [یس: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و یک نشانه بر دلالت توحید و یگانگی الله برای مردم این است که ما روشنایی را با بردن روز و آوردن شب آن‌گاه که روز را از آن برمی‌کنیم می‌بریم، و تاریکی را پس از بردن روز می‌آوریم، آن‌گاه مردم در تاریکی وارد می‌شوند.

﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [یس: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و نشانه‌ای دیگر برای آنها بر وحدانیت و یگانگی الله این خورشید است که روانه قرارگاهی است که الله اندازه آن را می‌داند و از آن تجاوز نمی‌کند. این امر، تقدیر ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود؛ همان ذات بسیار دانایی که ذره‌ای از امر مخلوقاتش بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾ [یس: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و نیز نشانه‌ای دلالت‌کننده برای آنها بر یگانگی او سبحانه این ماه است که هر شب قرارگاه‌هایی برایش مقدر کرده‌ایم؛ که کوچک شروع می‌شود سپس بزرگ می‌شود سپس کوچک می‌شود تا اینکه از نظر باریکی و انحنا و زردفامی و کهنگی‌اش مانند خوشه کهنه و خمیده خرما می‌گردد.

﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ [یس: ۴۰].

و آیات خورشید و ماه و شب و روز به تقدیر الله اندازه‌گیری شده هستند، که از آنچه برای‌شان مقدر شده تجاوز نمی‌کنند، یعنی نه خورشید می‌تواند به خاطر تغییر مسیر یا از بین بردن نور ماه به آن برسد، و نه شب می‌تواند بر روز پیشی گیرد و قبل از گذشتن وقتش بر آن وارد شود، و تمام این مخلوقاتِ مُسَخَّر و سایر ستارگان و مسیرها به تقدیر و محافظت الله راه مخصوص خودشان را دارند.

برخی فواید آیات:

- مردم اگر از الله نافرمانی کنند نزد او تعالی بسیار خوار و ذلیل، و اگر از او اطاعت کنند نزدش بسیار محترم و گرامی هستند.
- یکی از دلایل رستاخیز، زنده شدن زمین خشک با گیاهان سبز، و درآمدن دانه از آن است.
- یکی از دلایل توحید: آفرینش مخلوقات در آسمان و زمین و به جریان انداختن آنها بر اساس تقدیر است.

﴿وَأَيَّةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ﴾ [یس: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و نشانه‌ای دیگر برای آنها بر یگانگی الله و نعمت‌بخشی او تعالی بر بندگانش این است که ما کسانی از فرزندان آدم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را که در زمان نوح عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از طوفان نجات یافتند، در کشتی پُر از مخلوقات الله سوار کردیم و الله یک جفت از هر جنس را در آن سوار کرد.

﴿وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ﴾ [یس: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و نشانه‌ای دیگر برای آنها بر توحید و نعمت‌بخشی الله بر بندگانش این است که ما همانند کشتی نوح عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مرکب‌هایی برای‌شان آفریده‌ایم.

﴿وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَدُونَ﴾ [یس: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و اگر غرق شدن‌شان را بخواهیم آنها را غرق می‌کنیم، آن‌گاه هیچ فریادرسی نیست که به فریادشان برسد، و هیچ نجات‌دهنده‌ای نیست که وقتی به فرمان و حکم ما غرق شوند آنها را نجات دهد.

﴿إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ﴾ [یس: ۴۴].

﴿۴۴﴾ جز اینکه با نجات از غرق شدن و بازگرداندن‌شان، به آنها مهربانی می‌کنیم که تا زمانی مشخص که از آن نمی‌گذرند بهره‌مند گردند، باشد که پند گیرند و ایمان بیاورند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [یس: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و هرگاه به این مشرکان روگردان از ایمان گفته شود: از سختی‌های آخرت که در پیش رو دارید بترسید، و از دنیا که پشت می‌کند بترسید تا الله به رحمت خویش بر شما منت نهد؛ از این سخن فرمان نمی‌برند، بلکه بدون توجه از آن روی می‌گردانند.

﴿وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ﴾ [یس: ۴۶].

﴿۴۶﴾ و هرگاه آیات الله که بر توحید و استحقاق او تعالی به یگانگی در عبادت دلالت دارند آمد، بدون اینکه از آنها پند بگیرند از آنها روی گردانند.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ

لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ [یس: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و هرگاه به این ستیزه‌جویان گفته شود: از اموالی که الله به شما ارزانی داشته، به فقرا و مساکین کمک کنید، منکران این‌گونه به مؤمنان پاسخ می‌دهند: آیا به

کسی طعام دهیم که اگر الله إطعام او را می خواست به طور قطع به او طعام می داد؟! پس ما با مشیئت او مخالفت نمی کنیم، - ای مؤمنان - شما جز در خطایی آشکار و دوری از حق نیستید.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [یس: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و کافران منکر و تکذیب کننده رستاخیز برای بعید شمردن آن می گویند: - ای مؤمنان - این رستاخیز چه زمانی است اگر در این ادعا که واقع می شود راست می گویند؟! گویند!

﴿مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ﴾ [یس: ۴۹].

﴿۴۹﴾ اینها که رستاخیز را تکذیب می کنند و آن را بعید می دانند جز دمیدن اول راه، آن گاه که در صور دمیده می شود انتظار نخواهند کشید، و این فریاد در حالی آنها را غافلگیر می کند که در خرید و فروش و آبیاری و چوپانی و سایر کارهای دنیوی خویش سرگرم هستند.

﴿فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ﴾ [یس: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و آن گاه که این فریاد آنها را غافلگیر کند نه می توانند به یکدیگر توصیه کنند، و نه می توانند به منازل و نزد کسان خویش بازگردند، بلکه درحالی که سرگرم امورشان هستند خواهند مُرد.

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ [یس: ۵۱].

﴿۵۱﴾ و بار دوم برای رستاخیز در صور دمیده می شود، به ناگاه همگی از قبرهای شان به سوی پروردگار خویش درحالی که برای حسابرسی و جزا می شتابند خارج می شوند.

﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ [یس: ۵۲].

﴿۵۲﴾ این کافران منکر رستاخیز از سر پشیمانی می گویند: وای که زیان کردیم، چه کسی ما را از قبرهایمان برانگیخت؟! و این گونه به سوال خویش پاسخ می دهند: این همان چیزی است که الله آن را وعده داد که به طور قطع واقع شد، و رسولان در آنچه از جانب پروردگارشان ابلاغ کردند راست گفته بودند.

﴿إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ﴾ [یس: ۵۳].

﴿۵۳﴾ برانگیخته شدن از قبرها جز در پی دمیده شدن دوم در صور نیست، که به ناگاه تمام مخلوقات در روز قیامت برای حسابرسی نزد ما حاضر می شوند.

﴿فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [یس: ۵۴].

﴿۵۴﴾ در آن روز به عدالت حکم می شود، پس - ای بندگان - ذره‌ای نه با افزودن بر بدی‌های تان و نه با کاستن از نیکی‌های تان به شما ستم نمی شود، و فقط جزای کارهایی را که در زندگی دنیا انجام می دادید به طور کامل دریافت می کنید.

برخی فواید آیات:

- یکی از روش‌های تربیت الله برای بندگان این است که آیاتی را در برابر آنها قرار داده که با آنها به منافع دینی و دنیوی خویش راهنمایی می شوند.
- الله تعالی بندگان را قدرت بخشید، و آن مقدار توان به آنها عطا کرد تا بر انجام اوامر و اجتناب از نواهی توانا باشند، پس اگر آنچه را به آن فرمان یافته‌اند رها کنند، این کار به اختیار خودشان است.
- در روز قیامت مواردی از رحمت الله برای مؤمنان متجلی می شود که حتی به ذهن‌شان خطور نمی کند.

﴿إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهُونَ﴾ [یس: ۵۵].

۵۵ به راستی که بهشتیان در روز قیامت، در مورد دیگران نمی‌اندیشند؛ چون نعمت‌های جاویدان، و رستگاری بزرگی مشاهده می‌کنند، و شاد و خوشحال در آنها بهره می‌برند.

﴿هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرْبَابِ مُتَّكِئُونَ﴾ [یس: ۵۶].

۵۶ آنها و همسران‌شان بر تخت‌هایی زیر سایه‌های خرم و تازه بهشت بهره‌مند می‌شوند.

﴿لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مِمَّا يَدْعُونَ﴾ [یس: ۵۷].

۵۷ در این بهشت انواع میوه‌های لذیذ از انگور و انجیر و انار، و تمام خوشی‌ها و نعمت‌های مختلفی که می‌خواهند فراهم است، و هر چه از این موارد بخواهند برای‌شان مهیا است.

﴿سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ﴾ [یس: ۵۸].

۵۸ و فراتر از این نعمت‌ها، از جانب پروردگار مهربان به آنها سلام گفته می‌شود، و وقتی بر آنها سلام گفته شود از هر جهت سلامتی، و احترامی که هیچ احترامی بالاتر از آن نیست برای‌شان حاصل می‌شود.

﴿وَأَمَّا تَرَاؤُا الْيَوْمَ أَيْهَا الْمُجْرِمُونَ﴾ [یس: ۵۹].

۵۹ و در روز قیامت به مشرکان گفته می‌شود: از مؤمنان جدا شوید، زیرا به سبب تفاوت جزا و صفات شما با جزا و صفات آنها، شایسته آنها نیست که با شما باشند.

﴿* أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ [یس: ۶۰].

۶۰ مگر بر زبان رسولانم به شما سفارش و امر نکردم و به شما نگفتم: ای فرزندان آدم، با ارتکاب انواع کفر و گناهان از شیطان اطاعت نکنید، زیرا شیطان دشمنی آشکار برای‌تان است، پس چگونه عاقلی از دشمنش که دشمنی خویش با او را آشکار کرده فرمان برداری می‌کند؟!

﴿وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ [یس: ۶۱].

۶۱ و -ای فرزندان آدم- به شما امر کردم که تنها مرا عبادت کنید، و هیچ چیز را با من شریک نگردانید؛ زیرا عبادت و طاعت من به یگانگی، راه راستی است که به رضایت من و ورود به بهشت منجر می‌شود، اما شما از آنچه که شما را به آن سفارش و امر کردم فرمان برداری نکردید.

﴿وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ﴾ [یس: ۶۲].

﴿۶۲﴾ و به راستی که شیطان گروه زیادی از شما را گمراه کرد، پس آیا عقل‌هایی نداشتید که شما را به طاعت پروردگارتان و عبادت او سبحانه به یگانگی امر کند، و از طاعت شیطان که دشمنی آشکار برای‌تان است بر حذر دارد؟!

﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [یس: ۶۳].

﴿۶۳﴾ این است همان جهنمی که در دنیا به خاطر کفرتان به آن وعده داده می‌شدید، و از شما پنهان بود، اما امروز به چشم سر آن را می‌بینید.

﴿اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [یس: ۶۴].

﴿۶۴﴾ به سبب کفرتان به الله در زندگی دنیا، امروز در آن درآید و از حرارتش رنج ببرید.

﴿الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [یس: ۶۵].

﴿۶۵﴾ امروز بر دهان‌های‌شان مُهر می‌نهمیم و گنگانی می‌شوند که نمی‌توانند کفر و گناهانی را که در دنیا انجام می‌دادند انکار کنند، و دست‌های‌شان آنچه را که در دنیا انجام می‌دادند به ما می‌گویند، و پاهای‌شان گناهانی را که در دنیا مرتکب می‌شدند و به‌سوی آنها می‌رفتند را به ما می‌گویند.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ﴾ [یس: ۶۶].

﴿۶۶﴾ و اگر بخواهیم بینایی‌شان را از بین ببریم به‌طور قطع این کار را انجام می‌دهیم، آن‌گاه برای رسیدن به بهشت به‌سوی صراط مسابقه دهند تا از آن عبور کنند، اما بعید است درحالی‌که بینایی‌شان از بین رفته است از آن عبور کنند.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَاتَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ﴾ [یس: ۶۷].

﴿۶۷﴾ و اگر تغییر آفرینش و زمین‌گیری آنها را بخواهیم به‌طور قطع آفرینش آنها را تغییر می‌دهیم و آنها را فلج و زمین‌گیر می‌کنیم، که نه بتوانند مکان‌شان را ترک کنند، و نه بتوانند رو به جلو بروند، و نه بتوانند به عقب بازگردند.

﴿وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ﴾ [یس: ۶۸].

﴿۶۸﴾ و به هر یک از مردم که طول عمر دهیم او را به مرحله ضعف بازمی‌گردانیم، پس آیا با عقل‌های‌شان نمی‌اندیشند، و درک نمی‌کنند که این سرا، سرای ماندن و جاودانگی نیست، و سرای جاویدان، همان سرای آخرت است.

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ﴾ [یس: ۶۹].

و ما به محمد ﷺ شعر نیاموختیم، و نیز این امر شایسته او نیست؛ زیرا شعر از طبع او نیست، و سرشت او نیز آن را اقتضا نمی‌کند، تا بتوانید ادعا کنید او شاعری است، آنچه را که به او آموختیم جز اندرز و قرآنی آشکار برای کسی که در آن بیندیشد نیست.

﴿لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [یس: ۷۰].

تا هرکس را که دلی زنده و بصیرتی روشن دارد بترساند، زیرا چنین کسی است که از آن سود می‌برد، و با برپایی حجت بر کافران با فرو فرستادن و رساندن دعوت او به آنها، به گونه‌ای که عذری برای عذرخواهی آنها باقی نماند، عذاب بر کافران محقق گردد.

برخی فواید آیات:

- بهشتیان با تمام آنچه که جان‌ها می‌پسندد و چشم‌ها از آن لذت می‌برند و آرزوکنندگان آن را آرزو می‌کنند شادمان هستند.
- صاحب قلب کسی است که با قرآن تزکیه می‌شود و از آن بر علم و عملش افزوده می‌گردد.
- اعضای انسان در روز قیامت علیه او گواهی می‌دهند.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ﴾ [یس: ۷۱].

۷۱ آیا ندیده‌اند که ما چارپایانی برای‌شان آفریدیم، و آنها صاحب‌اختیار این چارپایان هستند؛ و آن‌گونه که مصالح آنها ایجاب کند از آنها استفاده می‌کنند.

﴿وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ﴾ [یس: ۷۲].

۷۲ و این چارپایان را رام و فرمانبر آنها قرار دادیم، که بر پشت برخی از آنها سوار می‌شوند و بارهای‌شان را جابجا می‌کنند، و از گوشت برخی از آنها می‌خورند.

﴿وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ [یس: ۷۳].

۷۳ و افزون بر سوار شدن بر پشت و خوردن از گوشت چارپایان، منافی دیگر در آنها برای‌شان است؛ مانند پشم‌ها و کرک‌ها و موها و قیمت‌هایشان؛ که از آنها فرش و لباس می‌سازند، و نوشیدنی‌هایی در آنها برای‌شان است به‌طوری‌که از شیرهای‌شان می‌نوشند. پس آیا از الله که این نعمت‌ها و سایر نعمت‌ها را برای‌شان ارزانی داشته است سپاسگزاری نمی‌کنند؟!

﴿وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ﴾ [یس: ۷۴].

۷۴ و به جای الله معبودهایی برگزیده‌اند و آنها را به این امید عبادت می‌کنند که آنها را یاری رسانند و از عذاب الله نجات دهند.

﴿لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ﴾ [یس: ۷۵].

۷۵ این معبودها که برگزیده‌اند نه می‌توانند به خودشان یاری رسانند و نه می‌توانند به کسانی که آنها را به جای الله عبادت می‌کنند یاری رسانند، و آنها و بت‌های‌شان همگی در عذاب حاضر می‌شوند درحالی‌که از یکدیگر بی‌زاری می‌جویند.

﴿فَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾ [یس: ۷۶].

۷۶ پس - ای رسول - نباید این سخن‌شان تو را غمگین کند که می‌گویند: تو فرستاده‌ای نیستی، یا شاعری هستی، و سایر بهتان‌هایی که روا می‌دارند. به‌راستی که ما آنچه را از این موضوع پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌گردانند می‌دانیم، و ذره‌ای بر ما پوشیده نمی‌ماند، و به زودی آنها را در قبال آن جزا خواهیم داد.

﴿أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْقَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ﴾ [یس: ۷۷].

۷۷ آیا انسانی که رستخیز پس از مرگ را انکار می‌کند نیندیشیده که ما او را از منی

آفریدیم، سپس مراحل را پشت سر گذاشت تا اینکه متولد شد و رشد کرد، با این وجود بسیار ستیزه‌جو و جدال‌گر شده است؛ آیا این آفرینش را ندیده تا بر امکان وقوع رستاخیز راهنمایی شود؟!

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ﴾ [یس: ۷۸].

این کافر غفلت و نادانی کرد و آفرینش خودش از نیستی برایش پوشیده ماند، آن‌گاه که برای محال‌دانستن رستاخیز به استخوان‌های پوسیده استدلال کرد، و گفت: چه کسی اینها را بازمی‌گرداند؟

﴿قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾ [یس: ۷۹].

ای محمد - در پاسخ او بگو: این استخوان‌های پوسیده را همان ذاتی زنده می‌کند که نخستین بار آن را آفرید، یعنی کسی که بار اول آن را آفرید از بازگرداندن زندگی به آن ناتوان نیست، و او سبحانه به هر آفرینشی دانا است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِّنْهُ تُوقَدُونَ﴾ [یس: ۸۰].

ای مردم - همان ذاتی که از درخت سبز و مرطوب، آتشی را که می‌افروزید برای‌تان قرار داد، زیرا کسی که دو چیز متضاد - یعنی رطوبت آب درخت سبز، و آتش شعله‌ور در آن - را با یکدیگر جمع کند، بر زنده کردن مردگان توانا است.

﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ

الْعَلِيمُ﴾ [یس: ۸۱].

آیا ذاتی که آسمان‌ها و زمین را با وجود بزرگی آنها آفرید بر زنده گرداندن مردگان پس از میراندن‌شان توانا نیست؟ آری، به‌طور قطع او بر این کار توانا است، و او ذات آفریننده‌ای است که تمام مخلوقات را آفرید، و از آنها آگاه است، و ذره‌ای از آنها بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ [یس: ۸۲].

در حقیقت کار و شأن او سبحانه این است که هرگاه بر ایجاد چیزی اراده کند به آن می‌گوید: باش، به‌ناگاه همان چیزی را که می‌خواهد به وجود می‌آید، و زنده گرداندن و میراندن و برانگیختن و سایر اموری که می‌خواهد همین‌گونه است.

﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [یس: ۸۳].

پس الله از ناتوانی ای که مشرکان به او نسبت می دهند منزه و پاک است، و او ذاتی است که فرمانروایی تمام اشیاء از آن او است که هرگونه بخواهد در آنها تصرف می کند، و کلیدهای هر چیزی به دست او است، و در آخرت فقط به سوی او بازگردانده می شوید، آن گاه شما را در قبال اعمال تان جزا می دهد.

برخی فواید آیات:

- یکی از بخشش ها و نعمت های الله بر مردم این است که دامها را مطیع آنها قرار داده، و آنها را برای منافع مختلف رام کرده است.
- فراوانی دلایل عقلی بر وقوع روز قیامت و رویگردانی مشرکان از آن.
- علم او تعالی بر تمام مخلوقاتش در تمام احوالشان، و در تمام اوقات احاطه دارد، و از آنچه از بدن های مردگان که زمین کم می کند و آنچه از آن که باقی می گذارد آگاه است، و نهان و آشکار را می داند.

سوره الصّافات

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

منزه دانستن الله از آنچه مشرکان به او تعالی نسبت دادند، و ابطال ادعاهای بی اساس آنها در مورد فرشتگان و جن‌ها.

تفسیر:

﴿وَالصّافاتِ صَفًّا﴾ [الصافات: ۱].

۱) الله به فرشتگانی که در عبادت خویش به هم‌فشرده در صف ایستاده‌اند سوگند یاد فرمود.

﴿فَالزّاجراتِ زَجْرًا﴾ [الصافات: ۲].

۲) و به فرشتگانی که ابرها را تکان می‌دهند، و آنها را به هرجا که الله می‌خواهد بیارد می‌رانند سوگند یاد فرمود.

﴿فَالثّالیاتِ ذِکْرًا﴾ [الصافات: ۳].

۳) و به فرشتگانی که کلام الله را تلاوت می‌کنند سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ﴾ [الصافات: ۴].

۴) که - ای مردم - قطعاً معبود برحق شما ذات یگانه‌ای است که هیچ شریکی ندارد، و او الله است.

﴿رَبُّ السّماواتِ والأرضِ وما بینَهُما رَبُّ المَشارِقِ﴾ [الصافات: ۵].

۵) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو وجود دارد، و پروردگار محل‌های برآمدن و فرورفتن خورشید در طول سال است.

﴿إِنّا زینّا السّماء الدّنیّا بزینةِ الکواکبِ﴾ [الصافات: ۶].

۶) به‌راستی که ما نزدیک‌ترین آسمان به زمین را با زیوری زیبا یعنی ستارگانی که مانند جواهر درخشان به نظر می‌رسند آراستیم.

﴿وَحَفِظًا مِّنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَّارِدٍ﴾ [الصافات: ۷].

﴿۷﴾ و آسمان دنیا را از هر شیطان سرکش و خارج از طاعت با ستارگان که به آنها مورد اصابت قرار می‌گیرد حفظ کردیم.

﴿لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَدِفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ﴾ [الصافات: ۸].

﴿۸﴾ این شیاطین نمی‌توانند به سخنان فرشتگان در آسمان گوش دهند آن‌گاه که درباره آنچه الله از شریعت و تقدیر خویش به آنها وحی می‌کند با یکدیگر سخن می‌گویند، و از هر طرف با شهاب‌ها مورد اصابت قرار می‌گیرند.

﴿دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ﴾ [الصافات: ۹].

﴿۹﴾ تا از گوش دادن به فرشتگان به شدت رانده و دور شوند، و در آخرت عذابی دردآور و همیشگی که هیچگاه قطع نمی‌شود دارند.

﴿إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ [الصافات: ۱۰].

﴿۱۰﴾ مگر یکی از شیاطین چیزی به سرعت برآید، یعنی کلمه‌ای از آنچه ساکنان زمین از آن آگاه نشده‌اند و فرشتگان در مورد آن با یکدیگر گفتگو می‌کنند و میان آنها می‌چرخد، که شهابی درخشان او را تعقیب می‌کند و می‌سوزاند، و چه بسا قبل از اینکه شهاب او را بسوزاند آن کلمه را نزد برادرانش بیفکند و به کاهنان برسد، آن‌گاه با آن یک کلمه صد دروغ می‌سازند.

﴿فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنَّا خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن طِينٍ لَّازِبٍ﴾ [الصافات: ۱۱].

﴿۱۱﴾ پس -ای محمد- از کافران منکر رستاخیز بپرس: آیا آنها آفرینش سخت‌تر و بدن‌های قوی‌تر و اعضای بزرگ‌تری از آسمان‌ها و زمین و فرشتگان که آفریدیم دارند؟ در حقیقت، ما آنها را از گلی لیز و چسبنده آفریده‌ایم، پس چگونه رستاخیز را انکار می‌کنند، درحالی‌که از ماده‌ای ضعیف یعنی گل لیز و چسبنده آفریده شده‌اند؟

﴿بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ﴾ [الصافات: ۱۲].

﴿۱۲﴾ بلکه -ای محمد- از قدرت و تدبیر الله در امور مخلوقاتش، و از تکذیب مشرکان به رستاخیز تعجب می‌کنی، و این مشرکان به سبب تکذیب زیاد رستاخیز، آنچه را که در مورد رستاخیز می‌گویی به تمسخر می‌گیرند.

﴿وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ﴾ [الصافات: ۱۳].

و این مشرکان هرگاه به یکی از اندرزها پند داده شوند از آن پند نمی‌گیرند، و بهره نمی‌برند؛ چون دل‌های‌شان سخت شده است.

﴿وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ﴾ [الصافات: ۱۴].

و هرگاه یکی از آیات پیامبر ﷺ را که بر راستگویی او دلالت دارد مشاهده کنند بیش از حد، تمسخر و تعجب می‌کنند.

﴿وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [الصافات: ۱۵].

و می‌گویند: این چیزی که محمد آورده جز سحری آشکار نیست.

﴿أَيُّدَا مِنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيِّنَا لَمَبْعُوثُونَ﴾ [الصافات: ۱۶].

آیا پس از اینکه مُردیم و خاک و استخوان‌هایی پوسیده و خشک شدیم زنده برانگیخته می‌شویم؟! به‌راستی که این امر دور از انتظار است.

﴿أَوَأَبَاؤُنَا الْأَوْلُونَ﴾ [الصافات: ۱۷].

آیا پدران نخستین ما که قبل از ما مرده‌اند برانگیخته می‌شوند؟!

﴿قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ﴾ [الصافات: ۱۸].

ای محمد - در پاسخ آنها بگو: بله پس از اینکه خاک و استخوان‌هایی پوسیده شدید برانگیخته می‌شوید، و پدران نخستین شما نیز برانگیخته می‌شوند، و همگی برانگیخته می‌شوید درحالی که خوار و ذلیل هستید.

﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ﴾ [الصافات: ۱۹].

و آن فقط یک دمیدن در صور (دمیدن دوم) است آن‌گاه همگی به هول و هراس روز قیامت می‌نگرند و منتظر هستند که الله چه کاری در مورد آنها انجام می‌دهد.

﴿وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا هَذَا يَوْمُ الدِّينِ﴾ [الصافات: ۲۰].

و مشرکان تکذیب‌کننده رستاخیز می‌گویند: وای نابود شدیم این روز جزا است که در آن الله بندگان را براساس اعمالی که در زندگی خویش در دنیا از پیش فرستاده‌اند جزا می‌دهد.

﴿هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ﴾ [الصافات: ۲۱].

﴿۲۱﴾ آن گاه به آنها گفته می‌شود: این است همان روز داوری میان بندگان که در دنیا آن را انکار و تکذیب می‌کردید.

﴿* احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ﴾ [الصافات: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و در آن روز به فرشتگان گفته می‌شود: مشرکانی را که با شرک خویش ستم کردند و مشرکان مشابه و تکذیب کنندگان همراه آنها، و بت‌هایی را که به جای الله عبادت می‌کردند گرد آورید،

﴿مِن دُونِ اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ﴾ [الصافات: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و جهنم را به آنها بشناسانید و آنها را به سوی آن راهنمایی کنید و برانید، زیرا جهنم مقصدشان است.

﴿وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ﴾ [الصافات: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و قبل از وارد کردن به جهنم، آنها را برای حسابرسی نگه دارید، زیرا آنها مورد سوال قرار می‌گیرند، و پس از حسابرسی آنها را به سوی جهنم برانید.

برخی فواید آیات:

- تزیین آسمان دنیا با ستارگان منافی دارد؛ از جمله: زینت دادن، و محافظت از شیطان سرکش.
- اثبات صراط، یعنی همان پلی که بر روی جهنم کشیده شده است که بهشتیان از آن می‌گذرند، و گام‌های جهنمیان روی آن سُر می‌خورد.

﴿مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ﴾ [الصافات: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و از روی توییخ به آنها گفته می‌شود: شما را چه شده است چرا به یکدیگر یاری نمی‌رسانید همان‌گونه که در دنیا به یکدیگر یاری می‌رساندید، و گمان می‌کردید بت‌های تان به شما یاری می‌رسانند؟!

﴿بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ﴾ [الصافات: ۲۶].

﴿۲۶﴾ بلکه آنها در این روز تسلیم فرمان الله و خوار هستند، و به سبب ناتوانی و نداشتن چاره، به یکدیگر یاری نمی‌رسانند.

﴿وَأَقْبَلْ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ [الصافات: ۲۷].

﴿۲۷﴾ به یکدیگر روی می‌آورند و به سرزنش و نزاع با یکدیگر می‌پردازند و این زمانی است که سرزنش و تنازع سودی نمی‌رساند.

﴿قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ﴾ [الصافات: ۲۸].

﴿۲۸﴾ پیروان به پیشوایان می‌گویند: - ای بزرگان ما - به راستی که شما (برای گمراه کردن ما) با شعار دین و حق به نزد ما می‌آمدید و کفر و شرک به الله و ارتکاب گناهان را برایمان می‌آراستید، و ما را از حقیقتی که رسولان از جانب الله آوردند متنفر می‌ساختید.

﴿قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ [الصافات: ۲۹].

﴿۲۹﴾ پیشوایان به پیروان می‌گویند: امر - آن‌گونه که ادعا می‌کنید - نیست خودتان بر کفر قرار داشتید و مؤمن نبودید، بلکه منکر بودید.

﴿وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَآغِينَ﴾ [الصافات: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و ای پیروان، ما هیچ تسلطی به زور یا غلبه بر شما نداشتیم تا شما را در کفر و شرک و ارتکاب گناهان قرار دهیم، بلکه خودتان مردمی متجاوز از حد در کفر و گمراهی بودید.

﴿فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَنَاقُونَ﴾ [الصافات: ۳۱].

﴿۳۱﴾ پس وعید الله در این فرموده‌اش: ﴿لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [ص: ۸۵] «یقیناً جهنم را از تو و از کسانی که از تو پیروی کنند، پر خواهیم

کرد» بر ما و شما واجب شد، و از این رو - بدون تردی - آنچه را که پروردگارمان با آن تهدید کرد می‌چشیم.

﴿فَأَعْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ﴾ [الصافات: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و ما شما را به گمراهی و کفر فراخواندیم، زیرا خودمان از راه هدایت گمراه بودیم.

﴿فَأِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ﴾ [الصافات: ۳۳].

﴿۳۳﴾ پس به راستی که پیروان و پیشوایان در عذاب روز قیامت با هم شریک هستند.

﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ﴾ [الصافات: ۳۴].

﴿۳۴﴾ همان‌گونه که عذاب را به اینها می‌چشانیم، قطعاً با سایر مجرمان نیز چنین رفتار می‌کنیم.

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ﴾ [الصافات: ۳۵].

﴿۳۵﴾ در حقیقت وقتی در دنیا کلمه لا اله الا الله به این مشرکان گفته می‌شد تا به مقتضای آن عمل و مخالف آن را ترک کنند، از روی تکبر و برتری‌جویی در برابر حق آن را نمی‌پذیرفتند و از آن فرمان‌برداری نمی‌کردند.

﴿وَيَقُولُونَ أَيْنَا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ﴾ [الصافات: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و با استدلال به کفرشان می‌گفتند: آیا عبادت معبودهایمان را به خاطر سخن شاعری دیوانه رها کنیم؟! منظورشان از این گفته رسول الله ﷺ بود.

﴿بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الصافات: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و به تحقیق که دروغ بزرگی ساختند، زیرا رسول الله ﷺ مجنون و شاعر نیست، بلکه قرآن دعوتگر به توحید الله و پیروی رسولش را آورده، و رسولان علیهم السلام را در آنچه از توحید و اثبات معاد از جانب الله آورده‌اند تصدیق کرده، و در هیچ موردی با آنها مخالفت نکرده است.

﴿إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ﴾ [الصافات: ۳۸].

﴿۳۸﴾ - ای مشرکان - به راستی که شما به سبب کفر و تکذیب رسولان عذاب دردآور روز قیامت را می‌چشید.

﴿وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الصافات: ۳۹].

۳۹) و -ای مشرکان - جز به کفر به الله و ارتکاب گناهان که در دنیا انجام می‌دادید جزا داده نمی‌شوید.

﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ﴾ [الصافات: ۴۰].

۴۰) اما بندگان مؤمن الله که الله آنها را برای عبادت خویش خالص گرداند، و آنها عبادت را برای او تعالی خالص کردند، از این عذاب در نجات هستند.

﴿أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ﴾ [الصافات: ۴۱].

۴۱) الله به این بندگان مخلص روزی‌ای می‌دهد که از نظر خوشمزگی و زیبایی و دوام، مشخص و ممتاز است.

﴿فَوَاكِهٌ وَهُمْ مُكْرَمُونَ﴾ [الصافات: ۴۲].

۴۲) و بخشی از این روزی آن است که از لذیذترین میوه‌هایی که می‌خورند و می‌خواهند روزی داده می‌شوند، و افزون بر آن با بالا بردن درجات و نظر به وجه بخشنده الله گرامی داشته می‌شوند.

﴿فِي جَنَّاتٍ التَّعِيمِ﴾ [الصافات: ۴۳].

۴۳) به تمام این موارد در بهشت‌های پر نعمت و جاویدان و ثابتی که هرگز قطع نمی‌شود و از بین نمی‌رود می‌رسند.

﴿عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ﴾ [الصافات: ۴۴].

۴۴) بر تخت‌هایی روبروی هم که به یکدیگر می‌نگرند تکیه می‌زنند.

﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ﴾ [الصافات: ۴۵].

۴۵) جام‌های خمیری که از نظر درخشندگی مانند آب جاری است گرداگرد آنها چرخانده می‌شود.

﴿بَيْضَاءَ لَدَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ﴾ [الصافات: ۴۶].

۴۶) به رنگ سفید که هرکس آن را بنوشد لذت کامل را می‌برد.

﴿لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ﴾ [الصافات: ۴۷].

۴۷) مانند خمر دنیا نیست، زیرا مستی‌ای که عقل‌ها را می‌رباید در آن وجود ندارد، و مصرف کننده آن سردرد نمی‌گیرد، و جسم و عقلش سالم می‌ماند.

﴿وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عَيْنٌ﴾ [الصافات: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و در بهشت زنانی پاکدامن نزدشان هستند، که به غیر شوهران شان نمی نگرند، و چشمان بسیار زیبایی دارند.

﴿كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ﴾ [الصافات: ۴۹].

﴿۴۹﴾ در سفیدی رنگ‌های شان که با زردی آمیخته شده است گویی تخم پرنده‌ای حفاظت شده هستند که دستی آن را لمس نکرده است.

﴿فَأَقْبَلَّ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ [الصافات: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و بهشتیان به یکدیگر روی می آورند و در مورد گذشته خویش و آنچه در دنیا برای شان اتفاق افتاده از یکدیگر می پرسند.

﴿قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ﴾ [الصافات: ۵۱].

﴿۵۱﴾ یکی از این مؤمنان می گوید: به راستی که من در دنیا همنشینی داشتم که رستاخیز را انکار می کرد.

برخی فواید آیات:

- سبب عذاب کافران: اعمال ناپسند؛ یعنی شرک و گناهان است.
- یکی از نعمت‌های بهشتیان این است که از اجتماع و دیدار با یکدیگر برخوردار می شوند، و این امر، کمال سرور و شادمانی است.

﴿يَقُولُ أَيُّنَا لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ﴾ [الصافات: ۵۲].

﴿۵۲﴾ که با انکار و تمسخر به من می‌گفت: - ای دوست - آیا تو از تصدیق‌کنندگان رستاخیز مردگان هستی؟

﴿أَيُّدَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيُّنَا لَمَدِينُونَ﴾ [الصافات: ۵۳].

﴿۵۳﴾ آیا وقتی مردیم و خاک و استخوان‌هایی پوسیده شدیم برانگیخته می‌شویم و در برابر اعمالی که در دنیا انجام دادیم جزا داده می‌شویم؟

﴿قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُّظَلِّعُونَ﴾ [الصافات: ۵۴].

﴿۵۴﴾ همنشین مؤمن او به یاران بهشتی‌اش می‌گوید: با هم نگاهی بیندازیم تا سرانجام آن همنشین را که منکر رستاخیز بود ببینیم؟

﴿فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ﴾ [الصافات: ۵۵].

﴿۵۵﴾ پس او می‌نگرد آن‌گاه همنشینش را در وسط جهنم می‌بیند.

﴿قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ﴾ [الصافات: ۵۶].

﴿۵۶﴾ می‌گوید: - ای همنشین - به الله سوگند نزدیک بود که با دعوت به سوی کفر و انکار رستاخیز، مرا با ورود به جهنم نابود کنی.

﴿وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾ [الصافات: ۵۷].

﴿۵۷﴾ و اگر الله با هدایت و توفیق به ایمان بر من نعمت نبخشیده بود، به‌طور قطع مانند تو از حاضر شدگان در عذاب بودم.

پس از پایان سخن خویش با همنشینش که ساکن جهنم است همنشینان بهشتی‌اش را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

﴿أَفَمَا نَحْنُ بِمَبِيتِينَ﴾ [الصافات: ۵۸].

﴿۵۸﴾ پس - ای بهشتیان - ما نمی‌میریم.

﴿إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّينَ﴾ [الصافات: ۵۹].

﴿۵۹﴾ جز بار اول که در زندگی دنیا مُردیم، بلکه در بهشت جاویدان می‌مانیم، و آن‌گونه که کافران عذاب می‌شوند عذاب نمی‌شویم.

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [الصفات: ۶۰].

﴿۶۰﴾ به راستی این جزا- یعنی ورود به بهشت و جاودانگی در آن و نجات از جهنم- که پروردگاران به ما پاداش داد همان پیروزی بزرگی است که هیچ پیروزی‌ای با آن برابری نمی‌کند.

﴿لِيُمِثِلَ هَذَا فَلَيعْمَلِ الْعَامِلُونَ﴾ [الصفات: ۶۱].

﴿۶۱﴾ عمل‌کنندگان باید برای چنین پاداش کار کنند، زیرا این همان تجارت سودآور است.

﴿أَذَلِّكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ﴾ [الصفات: ۶۲].

﴿۶۲﴾ آیا نعمت‌های مذکور که الله برای آن دسته از بندگانش که آنها را برای طاعت خویش خالص گردانیده، بهتر و دارای منزلت و مرتبه نیکوتری است، یا درخت زقوم نفرین‌شده در قرآن که غذای کافران است که نه فربه می‌کند و نه گرسنگی را برطرف می‌سازد؟!

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ﴾ [الصفات: ۶۳].

﴿۶۳﴾ به راستی که این درخت را مایه رنج قرار دادیم و کسانی که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند با آن عذاب می‌شوند، چون گفتند: قطعاً آتش درخت را می‌خورد، پس امکان ندارد که درخت در آتش بروید.

﴿إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ﴾ [الصفات: ۶۴].

﴿۶۴﴾ در حقیقت درخت زقوم درختی است که رستگاه پلیدی دارد، زیرا از ته جهنم می‌روید.

﴿ظَلَعَهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ﴾ [الصفات: ۶۵].

﴿۶۵﴾ میوه‌اش سیمای زشتی دارد گویی سرهای شیاطین است، و زشتی سیما از زشتی درون خبر می‌دهد، یعنی مزه بدی دارد.

﴿فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُونَ مِنْهَا فَمَا لَوْ وَنَ مِنْهَا الْبُطُونَ﴾ [الصفات: ۶۶].

﴿۶۶﴾ پس کافران به‌طور قطع از میوه تلخ و زشت آن می‌خورند، و شکم‌های خالی‌شان را از آن پُر می‌کنند.

﴿ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ﴾ [الصفات: ۶۷].

﴿۶۷﴾ و به راستی که پس از خوردن از این میوه، نوشیدنی غلیظ و زشت و سوزانی دارند.

﴿ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لِإِلَى الْجَحِيمِ﴾ [الصافات: ۶۸].

۶۸ سپس بازگشت آنها به طور قطع به سوی عذاب جهنم است، یعنی از عذابی به عذابی دیگر منتقل می‌شوند.

﴿إِنَّهُمْ أَلَفُوا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ﴾ [الصافات: ۶۹].

۶۹ به راستی که این کافران پدران‌شان را از راه هدایت گمراه یافتند، و از روی تقلید و نه از روی دلیل به آنها اقتدا کردند.

﴿فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ﴾ [الصافات: ۷۰].

۷۰ و رد پای پدران‌شان در گمراهی را به سرعت دنبال می‌کنند.

﴿وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الصافات: ۷۱].

۷۱ و به تحقیق که قبل از آنها بیشتر نخستینیان گمراه شده‌اند، پس - ای رسول - قوم تو اولین امتی نیستند که گمراه شدند.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ﴾ [الصافات: ۷۲].

۷۲ و به تحقیق که در آن امت‌های نخستین رسولانی فرستادیم که آنها را از عذاب الله می‌ترساندند، اما کفر ورزیدند.

﴿فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ﴾ [الصافات: ۷۳].

۷۳ پس - ای رسول - بنگر که سرانجام اقوامی که رسولان‌شان آنها را انذار دادند اما به رسولان پاسخ مثبت ندادند چگونه بود، به راستی که به سبب کفر و تکذیب رسولان، سرانجام آنها ورود به جهنم بود که برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ﴾ [الصافات: ۷۴].

۷۴ مگر کسانی از آنها که الله آنها را به ایمان خالص گرداند، که از عذابی که سرانجام این تکذیب کنندگان کافر بود نجات می‌یابند.

﴿وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ﴾ [الصافات: ۷۵].

۷۵ و به تحقیق که دعای پیامبرمان نوح علیه السلام را اجابت کردیم آن گاه که علیه قومش چون او را تکذیب کردند دعا کرد، زیرا ما اجابت کنندگان نیکویی هستیم، که دعای نوح علیه السلام علیه آنها را سریع اجابت کردیم.

﴿وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ﴾ [الصافات: ۷۶].

و به تحقیق که او و خانواده‌اش و مؤمنان همراه او را از آزارهای قومش و از غرق شدن با طوفان بزرگ که بر کافران قومش فرستاده شد نجات دادیم.

برخی فواید آیات:

- دستیابی به نعمت‌های بهشتی رستگاری برتر است، و سزاوار است که عمل کنندگان برای این عطا و بخشش کار کنند.
- خوراک جهنمیان زقوم است که میوه تلخ و بدمزه و بدبویی دارد و بلعیدنش دشوار، و خوردنش دردناک است.
- الله تعالی دعای نوح عليه السلام مبنی بر نابودی قومش را اجابت کرد، و الله بهترین مقصود و اجابت کننده است.

﴿وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ﴾ [الصافات: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و فقط خانواده و پیروان مؤمن او را نجات دادیم، و سایر افراد قومش را که کافر بودند غرق کردیم.

﴿وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ﴾ [الصافات: ۷۸].

﴿۷۸﴾ و در میان امت‌های آینده یادی نیکو برایش باقی گذاشتیم که با آن او را می‌ستایند.

﴿سَلَامٌ عَلَى نُوْحٍ فِي الْعَالَمِينَ﴾ [الصافات: ۷۹].

﴿۷۹﴾ امنیت و سلامتی است برای نوح از اینکه سخن بدی در میان امت‌های آینده در مورد او گفته شود، بلکه ستایش و یاد نیکو برایش باقی خواهد ماند.

﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الصافات: ۸۰].

﴿۸۰﴾ قطعاً مانند این پاداش که به نوح عليه السلام دادیم کسانی را که به نیکویی فقط الله را عبادت و فرمان برداری کردند پاداش خواهیم داد.

﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصافات: ۸۱].

﴿۸۱﴾ به راستی که نوح عليه السلام از بندگان مؤمن ما که از الله اطاعت می‌کنند بود.

﴿ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْآخِرِينَ﴾ [الصافات: ۸۲].

﴿۸۲﴾ سپس باقی‌ماندگان را با فرستادن طوفانی غرق ساختیم، و هیچ‌یک از آنها را باقی نگذاشتیم.

﴿* وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ﴾ [الصافات: ۸۳].

﴿۸۳﴾ و همانا ابراهیم عليه السلام از پیروان دین او بود که در دعوت به سوی توحید الله با او متفق هستند.

﴿إِذْ جَاء رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ [الصافات: ۸۴].

﴿۸۴﴾ پس یاد کن آن گاه که با قلبی سالم از شرک درحالی که به خاطر الله در مورد مخلوقاتش خیرخواهی می‌کرد نزد پروردگارش آمد.

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ﴾ [الصافات: ۸۵].

﴿۸۵﴾ آن گاه که از روی توبیخ به پدر و قوم مشرک خویش گفت: چه چیزی به جای الله عبادت می‌کنید؟!

﴿أَيْفَاكَ إِلَهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ﴾ [الصفات: ۸۶].

۸۶ آیا معبودهایی دروغین به جای الله عبادت می کنید؟

﴿فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الصفات: ۸۷].

۸۷ پس - ای قوم من - گمان تان به پروردگار جهانیان چیست وقتی در حالی با او روبرو می شوید که غیر او را عبادت می کنید؟ به نظر شما چه کاری با شما انجام خواهد داد؟!

﴿فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ﴾ [الصفات: ۸۸].

۸۸ و ابراهیم علیه السلام که چاره می اندیشید از خروج همراه قومش رهایی یابد نگاهی به ستارگان انداخت.

﴿فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾ [الصفات: ۸۹].

۸۹ و برای آوردن بهانه در خروج همراه قومش به سوی عیدگاه آنها گفت: من بیمار هستم.

﴿فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ﴾ [الصفات: ۹۰].

۹۰ پس او را پشت سرشان رها کردند و رفتند.

﴿فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ﴾ [الصفات: ۹۱].

۹۱ آن گاه پنهانی به سوی معبودهای قومش که آنها را به جای الله عبادت می کردند رفت، و برای تمسخر معبودهایشان گفت: آیا از غذایی که مشرکان برای تان می سازند نمی خورید؟!

﴿مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ﴾ [الصفات: ۹۲].

۹۲ چرا سخن نمی گوئید، و به کسی که از شما سوال می پرسد پاسخ نمی دهید؟! آیا چنین چیزی به جای الله عبادت می شود؟!

﴿فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ﴾ [الصفات: ۹۳].

۹۳ پس ابراهیم علیه السلام به سوی آنها رفت و برای در هم شکستنشان با دست راستش بر آنها ضربه می زد.

﴿فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُونَ﴾ [الصفات: ۹۴].

۹۴ و عبادت کنندگان این بتها شتابان به سوی او روی آوردند.

﴿قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ﴾ [الصافات: ۹۵].

﴿۹۵﴾ ابراهیم علیه السلام آرام و استوار با آنها روبرو شد، و از سر توبیخ به آنها گفت: آیا به جای الله معبودهایی را عبادت می‌کنید که آنها را با دستان خودتان می‌تراشید؟!

﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الصافات: ۹۶].

﴿۹۶﴾ در حالی که الله سبحانه هم خود شما، و هم اعمال‌تان را آفریده، و این بت‌ها یکی از اعمال شما هستند، پس او تعالی سزاوار است که به تنهایی عبادت شود، و دیگران با او شریک قرار داده نشوند.

﴿قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْفُوهُ فِي الْجَحِيمِ﴾ [الصافات: ۹۷].

﴿۹۷﴾ پس چون از مبارزه او با دلیل ناتوان ماندند به زور پناه بردند، و در مورد کاری که با ابراهیم علیه السلام انجام دهند با یکدیگر به رایزنی پرداختند، گفتند: برایش بنایی بسازید، و آن را از هیزم پر کنید و به آتش بکشید، سپس او را در آن افکنید.

﴿فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ﴾ [الصافات: ۹۸].

﴿۹۸﴾ پس قوم ابراهیم قصد بدی برای نابودی‌اش کردند تا از او راحت شوند، اما آنها را از زیانکاران قرار دادیم و آتش را بر ابراهیم خنک و سالم گردانیدیم.

﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ﴾ [الصافات: ۹۹].

﴿۹۹﴾ و ابراهیم علیه السلام گفت: قطعاً من با ترک سرزمین قوم خویش به سوی پروردگارم مهاجرت می‌کنم تا بتوانم او را عبادت کنم، پروردگارم به زودی مرا بر آنچه که خیر دنیا و آخرتم در آن است راهنمایی خواهد کرد.

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۰].

﴿۱۰۰﴾ پروردگارا، فرزندی صالح به من روزی بده تا یاورم و عوض قوم من در غربت برایم باشد.

﴿فَبَشِّرْهُ بِبُعْلَانَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ﴾ [الصافات: ۱۰۱].

﴿۱۰۱﴾ پس دعایش را برای او اجابت کردیم و خبری شادکننده به او دادیم، این گونه که فرزندی به او مژده دادیم که بزرگ می‌شود، و بردبار می‌گردد، این فرزند همان اسماعیل علیه السلام است.

﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۲].

﴿۱۳﴾ پس وقتی اسماعیل علیه السلام جوان شد، و می توانست با پدرش به تلاش ایستد، پدرش ابراهیم علیه السلام رؤیایی دید. و رؤیای پیامبران وحی است. ابراهیم علیه السلام برای آگاه کردن پسرش از مضمون این رؤیا گفت: ای پسر، من در خواب دیدم که تو را ذبح می کنم، پس بنگر که نظرت در این مورد چیست؟ اسماعیل این گونه به پدرش پاسخ داد: ای پدر، مرا طبق فرمان الله قربانی کن، که مرا از شکیبایان و راضی شدگان به حکم الله خواهی یافت.

برخی فواید آیات:

- یکی از مظاهر نعمت بخشی بر نوح علیه السلام : نجات او و مؤمنان همراهش، و قرار دادن فرزندانش به عنوان اصول و ریشه ها و گونه های انسان ها، و به جا گذاشتن یاد نیک و ستایش خوب از او است.
- افعال انسان را الله می آفریند و بنده با اختیار خویش آنها را انجام می دهد.
- براساس دلالت و ترتیب آیات فوق، قربانی اسماعیل علیه السلام است؛ زیرا ابتدا او به ابراهیم علیه السلام مژده داده شد، و اسحاق علیه السلام پس از اسماعیل علیه السلام به ابراهیم علیه السلام مژده داده شد.
- این سخن اسماعیل علیه السلام که گفت: ﴿سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۲] سبب توفیق شکیبایی او از جانب الله است؛ زیرا کار را به الله واگذار کرد.

﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ﴾ [الصافات: ۱۰۳].

﴿۱۰۳﴾ پس آن گاه که هر دو در برابر الله فروتن و فرمان بردار شدند، ابراهیم علیه السلام پیشانی پسرش را بر زمین افکند تا برای اجرای فرمان الهی، او را قربانی کند.

﴿وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمَ﴾ [الصافات: ۱۰۴].

﴿۱۰۴﴾ و به ابراهیم علیه السلام در حالی که تلاش می کرد فرمان الله بر ذبح پسرش را اجرا کند ندا دادیم که: ای ابراهیم.

﴿قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۵].

﴿۱۰۵﴾ قطعاً رؤیایی را که در خواب دیدی با عزم خویش بر ذبح پسرت محقق گرداندی، همانا ما - چنان که با رهنیدن تو از این مصیبت بزرگ به تو پاداش دادیم - به نیکوکاران پاداش می دهیم و آنها را از مصیبت ها و سختی ها می رهانیم.

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ﴾ [الصافات: ۱۰۶].

﴿۱۰۶﴾ به راستی که این همان آزمایش آشکار است، و ابراهیم علیه السلام در آن موفق شده است.

﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ﴾ [الصافات: ۱۰۷].

﴿۱۰۷﴾ و اسماعیل علیه السلام را با قوچی بزرگ که به جای او قربانی شود رهانیدیم.

﴿وَوَرَّكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ﴾ [الصافات: ۱۰۸].

﴿۱۰۸﴾ و یادی نیکو در امت های آینده از ابراهیم علیه السلام باقی گذاشتیم.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾ [الصافات: ۱۰۹].

﴿۱۰۹﴾ درودی از جانب الله برای او، و دعایی برای ایمنی از هر آسیب و آفتی.

﴿كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۱۰].

﴿۱۱۰﴾ همان گونه که این پاداش را به ابراهیم علیه السلام در قبال طاعتش دادیم نیکوکاران را پاداش می دهیم.

﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۱۱].

﴿۱۱۱﴾ به راستی که ابراهیم علیه السلام از بندگان مؤمن ما بود که آنچه را بندگی برای الله اقتضا می کند به جای می آورند.

﴿وَبَشِّرْنَا هُ يَاسْحَقُ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الصفات: ۱۱۲].

﴿۱۱۲﴾ و او را به پاداش فرمان برداری از الله در قربانی کردن تنها فرزندش، اسماعیل علیه السلام، به فرزندی دیگر که پیامبر و بنده‌ای صالح می‌شود یعنی اسحاق علیه السلام مژده دادیم.

﴿وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَقَ وَمِنَ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ﴾ [الصفات: ۱۱۳].

﴿۱۱۳﴾ و بر او و پسرش اسحاق علیه السلام برکتی از جانب خویش فرو فرستادیم، و نعمت‌ها از جمله افزایش فرزندان‌شان را بر آنها زیاد کردیم، و از نسل آن دو برخی با طاعت خویش برای پروردگارش نیکوکار بودند، و برخی با کفر و ارتکاب گناهان، آشکارا بر خویش ستم می‌کردند.

﴿وَلَقَدْ مَنَّآ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾ [الصفات: ۱۱۴].

﴿۱۱۴﴾ و به تحقیق که بر موسی و بردارش هارون علیهما السلام با نبوت منت نهادیم.

﴿وَوَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ﴾ [الصفات: ۱۱۵].

﴿۱۱۵﴾ و آن دو و قوم‌شان بنی‌اسرائیل را از بردگی فرعون و غرق شدن رهانیدیم.

﴿وَوَصَّرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْعَالِينَ﴾ [الصفات: ۱۱۶].

﴿۱۱۶﴾ و آنها را بر فرعون و لشکریانش پیروز کردیم، تا بر دشمن‌شان چیره شدند.

﴿وَأَتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ﴾ [الصفات: ۱۱۷].

﴿۱۱۷﴾ و به موسی و برادرش هارون علیهما السلام تورات را کتابی آشکار و بدون هیچ ابهامی از جانب الله عطا کردیم.

﴿وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [الصفات: ۱۱۸].

﴿۱۱۸﴾ و آن دو را به راه راستی که هیچ انحرافی در آن نیست هدایت کردیم، یعنی راه دین اسلام که به رضایت آفریدگار سبحانه منجر می‌شود.

﴿وَوَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ﴾ [الصفات: ۱۱۹].

﴿۱۱۹﴾ و یادی نیک و ستایشی پاکیزه در امت‌های آینده برای آن دو باقی گذاشتیم.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ﴾ [الصفات: ۱۲۰].

﴿۱۲۰﴾ درودی از جانب الله برای شادی و تمجید از آن دو و دعای ایمنی‌شان از هر امر ناگواری.

﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۲۱].

﴿۱۲۱﴾ در حقیقت همان گونه که این پاداش نیکو را به موسی و هارون علیهما السلام دادیم به کسانی که به نیکویی از پروردگارش اطاعت کردند پاداش می‌دهیم.

﴿إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۲۲].

﴿۱۲۲﴾ به‌راستی که موسی و هارون از بندگان مؤمن به الله و عاملان به آنچه برای‌شان تشریح کرد بودند.

﴿وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الصافات: ۱۲۳].

﴿۱۲۳﴾ و به یقین که الیاس علیه السلام از فرستاده شدگان پروردگارش بود، که الله با نبوت و رسالت بر آنها نعمت بخشید.

﴿إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ﴾ [الصافات: ۱۲۴].

﴿۱۲۴﴾ آن‌گاه که به قوم خویش از بنی‌اسرائیل که به‌سوی آنها فرستاده شد گفت: ای قوم من، آیا با اجرای اوامر الله از جمله توحید، و اجتناب از نواهی او مانند شرک، تقوای او تعالی را پیشه نمی‌کنید؟!

﴿أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ﴾ [الصافات: ۱۲۵].

﴿۱۲۵﴾ آیا به جای الله تندیس‌تان بعل را عبادت می‌کنید، و عبادت الله را که بهترین آفرینندگان است رها می‌کنید؟!

﴿وَاللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ﴾ [الصافات: ۱۲۶].

﴿۱۲۶﴾ و الله همان پروردگارتان است که شما را آفرید، و پیش از آفرینش شما پدران‌تان را آفرید، پس او سزاوار عبادت است، نه بت‌هایی که هیچ سود و زیانی نمی‌رسانند.

برخی فواید آیات:

- ﴿فَلَمَّا أَسْلَمَا﴾ [الصافات: ۱۰۳] دلالت دارد بر اینکه ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام به‌طور کامل در برابر امر الله تعالی تسلیم بودند.
- یکی از مقاصد شریعت، آزاد سازی بندگان از بندگی انسان‌ها است.
- یاد نیک و تمجید به شایستگی از جمله نعمت‌های به تعجیل افتاده در دنیا هستند.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾ [الصافات: ۱۲۷].

﴿۱۲۷﴾ پس قومش کاری نکردند جز اینکه او را تکذیب کردند، و به سبب تکذیب در عذاب حاضر می‌شوند.

﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ﴾ [الصافات: ۱۲۸].

﴿۱۲۸﴾ مگر کسی از قومش که با اخلاص برای الله در عبادت خویش مؤمن بود؛ که از عذاب نجات می‌یابد.

﴿وَوَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ﴾ [الصافات: ۱۲۹].

﴿۱۲۹﴾ و ستایشی نیکو و یادی پاکیزه در امت‌های آینده برایش باقی گذاشتیم.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۰].

﴿۱۳۰﴾ درود و ستایشی از جانب الله برای الیاس.

﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۱].

﴿۱۳۱﴾ به راستی همان گونه که این پاداش نیکو را به الیاس دادیم به بندگان مؤمن و نیکوکار خویش پاداش می‌دهیم.

﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۲].

﴿۱۳۲﴾ به راستی که الیاس علیه السلام از بندگان مؤمن واقعی و راستین در ایمان به پروردگارش بود.

﴿وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۳].

﴿۱۳۳﴾ و به یقین لوط علیه السلام از رسولان الله بود که آنها را بشارت دهنده و انذار دهنده به سوی اقوامشان فرستاد.

﴿إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۴].

﴿۱۳۴﴾ پس به یاد آور آن گاه که او و تمام خانواده‌اش را از عذاب فرستاده شده بر قومش نجات دادیم.

﴿إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۵].

﴿۱۳۵﴾ مگر همسر او را، که عذاب قومش این زن را فراگرفت؛ چون مانند آنها کافر بود.

﴿ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۶].

﴿۱۳۶﴾ سپس باقی ماندگان قومش را که او را تکذیب کردند، و آنچه را آورده بود تصدیق نکردند نابود کردیم.

﴿وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُّصْبِحِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۷].

﴿۱۳۷﴾ و - ای ساکنان مدینه - به راستی که شما در سفرهایتان به سوی شام هنگام صبح از منازل آنها می گذرید.

﴿وَبِاللَّيْلِ أَفْلاًّ تَعْقِلُونَ﴾ [الصافات: ۱۳۸].

﴿۱۳۸﴾ و شبانه نیز بر آنها می گذرید، پس آیا نمی اندیشید، و از غذایی که پس از تکذیب و کفر و ارتکاب فاحشه‌ای که قبل از آنها کسی مرتکب نشده بود گرفتار شدند پند نمی گیرید!؟

﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ [الصافات: ۱۳۹].

﴿۱۳۹﴾ و به تحقیق که بندهٔ ما یونس علیه السلام از رسولان الله بود که آنها را بشارت دهنده و انذار دهنده به سوی اقوامشان فرستاد.

﴿إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ﴾ [الصافات: ۱۴۰].

﴿۱۴۰﴾ آن گاه که بدون اذن پروردگارش از قوم خویش گریخت، و سوار کشتی‌ای پُر از مسافر و کالا شد.

﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾ [الصافات: ۱۴۱].

﴿۱۴۱﴾ و نزدیک بود کشتی به سبب پُری غرق شود، و مسافران از ترس غرق شدن کشتی به سبب مسافران زیاد، قرعه انداختند تا برخی از آنها را به دریا افکنند، پس یونس علیه السلام از این مغلوب‌شدگان بود، و او را در دریا افکندند.

﴿فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ﴾ [الصافات: ۱۴۲].

﴿۱۴۲﴾ وقتی او را در دریا افکندند ماهی او را گرفت، و بلعید، درحالی که سزاوار سرزنش بود؛ چون بدون اذن پروردگارش به دریا رفته بود.

﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ﴾ [الصافات: ۱۴۳].

﴿۱۴۳﴾ و اگر یونس قبل از این مصیبت از کسانی نبود که الله را بسیار ذکر می کنند، و اگر در شکم ماهی تسبیح نمی گفت.

﴿لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ [الصافات: ۱۴۴].

﴿۱۴۴﴾ به طور قطع تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند و همان جا قبرش می شد.

﴿* فَتَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ﴾ [الصافات: ۱۴۵].

﴿۱۴۵﴾ پس او را از شکم ماهی به زمینی خالی از درخت و بنا افکندیم، درحالی که به خاطر ماندن مدت زمانی در شکم ماهی بدنش ضعیف شده بود.

﴿وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ﴾ [الصافات: ۱۴۶].

﴿۱۴۶﴾ و در آن زمین تهی و خلوت، درخت کدویی برایش رویانیدیم تا از آن سایه بگیرد و بخورد.

﴿وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِثَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ﴾ [الصافات: ۱۴۷].

﴿۱۴۷﴾ و او را به سوی قومش درحالی که صد هزار نفر، بلکه بیشتر بودند فرستادیم.

﴿فَأَمَّنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ﴾ [الصافات: ۱۴۸].

﴿۱۴۸﴾ پس به آنچه که آورد ایمان آوردند و تصدیق کردند، و الله آنها را در زندگی دنیا بهره مند کرد تا اینکه اجل های مشخص آنها به پایان رسید.

﴿فَاسْتَفْتَيْهِمَ الرَّبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُنُونَ﴾ [الصافات: ۱۴۹].

﴿۱۴۹﴾ پس - ای محمد - برای اعتراض از مشرکان بپرس: آیا دختران را که نمی پسندید برای الله قرار می دهید، و پسران را که دوست دارید برای خودتان قرار می دهید؟! این چه تقسیمی است؟!

﴿أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۰].

﴿۱۵۰﴾ چگونه ادعا کردند که فرشتگان دختر هستند، درحالی که نه هنگام آفرینش فرشتگان حاضر بوده اند، و نه آنها را دیده اند؟!

﴿أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۱].

﴿۱۵۱﴾ بدانید که مشرکان با بستن دروغ و افترا بر الله.

﴿وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۲].

﴿۱۵۲﴾ به او تعالی فرزند نسبت می دهند، و به راستی که آنها در این ادعا دروغگو هستند.

﴿أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ﴾ [الصافات: ۱۵۳].

ﷻ آیا الله برای خودش دختران را که شما آنها را نمی‌پسندید بر پسران که آنها را دوست دارید ترجیح داده است؟! هرگز.

برخی فواید آیات:

- یکی از سنت‌های الهی که هیچ تبدیل و تغییری نمی‌پذیرد: نجات دادن مؤمنان و نابود کردن کافران است.
- ضرورت اندرز و پند گرفتن از سرانجام کسانی که رسولان ﷺ را تکذیب کردند تا مصیبتی که به آنها رسید دیگران را فرا نگیرد.
- جواز شرعی قرعه به سبب این فرموده الله تعالی: ﴿فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ﴾ [الصافات: ۱۴۱].

﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۴].

﴿۱۵۴﴾ - ای مشرکان - شما را چه شده است که این حکم ستمکارانه را صادر می کنید که دختران را برای الله، و پسران را برای خودتان قرار می دهید؟!

﴿أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۵].

﴿۱۵۵﴾ آیا بطلان این اعتقاد فاسد خویش را یادآور نمی شوید؟! زیرا اگر یادآور می شدید هرگز این سخن را نمی گفتید.

﴿أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُّبِينٌ﴾ [الصافات: ۱۵۶].

﴿۱۵۶﴾ یا بر این سخن دلیلی آشکار و برهانی واضح از کتابی یا رسولی دارید؟!

﴿فَأْتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الصافات: ۱۵۷].

﴿۱۵۷﴾ پس کتابتان را که دلیل این امر را برای تان دارد بیاورید اگر در این ادعا راستگو هستید.

﴿وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسْبًا وَلَقَدْ عَلِمْتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۸].

﴿۱۵۸﴾ و مشرکان میان الله و فرشتگان که از آنها پوشیده هستند رابطه نسبی قرار دادند چون ادعا کردند فرشتگان دختران الله هستند، و به تحقیق که فرشتگان دانسته اند الله مشرکان را برای حسابرسی حاضر خواهد ساخت.

﴿سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ﴾ [الصافات: ۱۵۹].

﴿۱۵۹﴾ الله از فرزند و شریک و سایر مواردی که سزاوار او سبحانه نیست و مشرکان او تعالی را با آنها توصیف می کنند پاک و منزّه است.

﴿إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ﴾ [الصافات: ۱۶۰].

﴿۱۶۰﴾ مگر بندگان مخلص الله؛ که آنها الله را فقط به صفات جلال و کمال که سزاوار او سبحانه است توصیف می کنند.

﴿فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ﴾ [الصافات: ۱۶۱].

﴿۱۶۱﴾ پس - ای مشرکان - شما و آنچه که به جای الله عبادت می کنید.

﴿مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ﴾ [الصافات: ۱۶۲].

﴿۱۶۲﴾ هیچ کس را از دین حق گمراه نمی سازید.

﴿إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ﴾ [الصافات: ۱۶۳].

﴿۱۶۳﴾ مگر کسی که الله بر او حکم کرده که ساکن جهنم است، زیرا الله حکم خویش را در مورد او اجرا می‌کند و او کفر می‌ورزد، و وارد جهنم می‌شود، اما شما و معبودهای تان هیچ قدرتی بر این کار ندارید.

﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ﴾ [الصافات: ۱۶۴].

﴿۱۶۴﴾ و فرشتگان به منظور بیان بندگی خویش برای الله، و اعلام بیزاری خویش از ادعای مشرکان، گفتند: و هیچ‌یک از ما نیست مگر اینکه جایگاهی مشخص در عبادت و طاعت الله دارد.

﴿وَإِنَّا لَتَحْنُ الصَّافُونَ﴾ [الصافات: ۱۶۵].

﴿۱۶۵﴾ و به‌راستی که ما - فرشتگان - در صف‌هایی در عبادت و طاعت الله ایستاده‌ایم،

﴿وَإِنَّا لَتَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ﴾ [الصافات: ۱۶۶].

﴿۱۶۶﴾ و به تحقیق که ما الله را از صفات و توصیف‌هایی که سزاوار او تعالی نیست پاک می‌دانیم.

﴿وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ﴾ [الصافات: ۱۶۷].

﴿۱۶۷﴾ و به‌راستی که مشرکان ساکن مکه پیش از بعثت محمد ﷺ می‌گفتند:

﴿لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِنَ الْأُولِينَ﴾ [الصافات: ۱۶۸].

﴿۱۶۸﴾ اگر نزد ما کتابی از کتاب‌های نخستین، مانند تورات باشد،

﴿لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ﴾ [الصافات: ۱۶۹].

﴿۱۶۹﴾ به‌طور قطع عبادت را برای الله خالص می‌گردانیم،

﴿فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ [الصافات: ۱۷۰].

﴿۱۷۰﴾ درحالی که در این سخن دروغ می‌گفتند، چون محمد ﷺ قرآن را برای‌شان آورد اما به آن کفر ورزیدند، پس به زودی از عذاب سختی که در قیامت در انتظارشان است آگاه خواهند شد.

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ﴾ [الصافات: ۱۷۱].

﴿۱۷۱﴾ و به‌راستی وعده ما از پیش صادر شده است که هیچ تغییر دهنده و بازدارنده‌ای ندارد

﴿إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ﴾ [الصافات: ۱۷۲].

﴿۱۷۲﴾ که رسولان ما بر دشمنان شان به وسیله حجت و نیرویی که الله به آنها عنایت فرموده است یاری شده و پیروز هستند.

﴿وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ﴾ [الصافات: ۱۷۳].

﴿۱۷۳﴾ و بی گمان پیروزی از آن لشکر ما است که در راه الله می جنگند تا کلمه الله برتر باشد.

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ [الصافات: ۱۷۴].

﴿۱۷۴﴾ پس - ای رسول - از این مشرکان ستیزه جو تا مدتی که الله از سر رسید آن آگاه است روی گردان تا زمان عذاب شان فرا رسد.

﴿وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ﴾ [الصافات: ۱۷۵].

﴿۱۷۵﴾ و به آنها بنگر وقتی عذاب بر آنها نازل می شود، آن گاه که دیدن سودی به آنها نمی رساند بینا خواهند شد.

﴿أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ﴾ [الصافات: ۱۷۶].

﴿۱۷۶﴾ آیا این مشرکان خواستار تعجیل در عذاب الله هستند؟!

﴿فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ﴾ [الصافات: ۱۷۷].

﴿۱۷۷﴾ وقتی عذاب الله بر آنها فرود آید چه صبح بدی خواهند داشت.

﴿وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ [الصافات: ۱۷۸].

﴿۱۷۸﴾ و - ای رسول - از آنها روی گردان تا الله به عذاب شان حکم کند.

﴿وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ﴾ [الصافات: ۱۷۹].

﴿۱۷۹﴾ و بنگر که اینها عذاب و کیفر الله را که به آنها می رسد خواهند دید.

﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الصافات: ۱۸۰].

﴿۱۸۰﴾ - ای محمد - منزّه است پروردگار تو، پروردگار قدرت، و از صفات نقصی که مشرکان او را توصیف می کنند پاک است.

﴿وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ﴾ [الصافات: ۱۸۱].

﴿۱۸۱﴾ و درود و ستایش الله بر رسولان گرامی او.

﴿وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الصافات: ۱۸۲].

﴿۱۸۲﴾ و تمام ستایش‌ها از آنِ الله است، زیرا تمام ستایش‌ها سزاوار او است، و او پروردگار تمام جهانیان است، و جز او هیچ پروردگاری ندارند.

برخی فواید آیات:

- یکی از سنت‌های الله این است که رسولان و وارثان آنها با استدلال و غلبه پیروز می‌شوند، و در آیات فوق برای کسی که شایستگی قرار گرفتن در لشکر الله را دارد، مژده‌ای بزرگ بر چیره شدن و پیروزی وجود دارد.
- آیات فوق ناتوانی مشرکان و معبودهای‌شان از گمراه کردن حتی یک نفر را بیان می‌کند، و به بندگان مخلص الله مژده می‌دهد که الله به قدرت خویش آنها را از گمراه‌سازی گمراهان گمراه کننده نجات می‌دهد.

سوره ص

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان مجادله و منازعه به باطل و سرانجام آن.

تفسیر:

﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾ [ص: ۱].

۱ ﴿ص﴾ [ص: ۱] سخن در مورد حروف شبیه این حرف از حروف مقطعه در ابتدای سوره بقره بیان شد. به قرآن که مشتمل است بر پند دادن مردم به آنچه در دنیا و آخرتشان به آنها نفع می‌رساند سوگند یاد فرمود، که امر آن گونه که این مشرکان گمان می‌کنند نیست که الله شریکانی دارد.

﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ﴾ [ص: ۲].

۲ اما کافران در تعصب و رویگردانی از یگانگی الله، و دشمنی و ستیزه‌جویی با محمد ﷺ هستند.

﴿كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوا وَلَا تَحِثْ بِمَنَاصٍ﴾ [ص: ۳].

۳ پیش از اینها چه بسیار نسل‌هایی را که چون رسولان‌شان را تکذیب کردند نابود کردیم و هنگام نزول عذاب برای طلب یاری به فریاد خواندند، اما زمان رهایی آنها از عذاب نبود که یاری خواستن از آن سودی برای‌شان برساند.

﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ﴾ [ص: ۴].

۴ و چون رسولی از خودشان نزدشان آمده که آنها را از عذاب الله در صورتی که بر کفرشان ادامه دهند می‌ترساند تعجب می‌کنند، و کافران هنگامی که دلایل راستگویی آنچه محمد ﷺ آورده بود را دیدند گفتند: این مردی ساحر است که مردم را سحر می‌کند، و در این ادعا که فرستاده‌ای از جانب الله است و به او وحی می‌شود بسیار دروغگو است.

﴿أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ﴾ [ص: ۵].

۵) آیا این مرد معبودان متعدد را معبودی یگانه قرار داده است؟! به راستی که این کارش در نهایت شگفتی است.

﴿وَأَنْطَلِقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ﴾ [ص: ۶].

۶) سران و بزرگان‌شان راه افتادند و به پیروان خویش گفتند: بر آنچه که بودید ادامه دهید، و در دین محمد وارد نشوید، و بر عبادت معبودهای تان استواری کنید، زیرا عبادت یک معبود که محمد شما را به سوی آن فرا می‌خواند کاری از پیش طراحی شده است که می‌خواهد با آن بر ما برتری یابد و ما پیروانش باشیم.

﴿مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ﴾ [ص: ۷].

۷) یگانگی الله را که محمد ما را به آن فرامی‌خواند نه در آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم شنیده‌ایم، و نه در آیین عیسی؛ و این را که از او شنیدیم جز دروغ و افترا نیست.

﴿أَنْزَلَ عَلَيْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّا يَدُوقُوا عَذَابَ﴾ [ص: ۸].

۸) آیا سزاوار است که از میان ما قرآن بر او نازل، و به او اختصاص داده شود، و بر ما که سران و بزرگان هستیم نازل نشود. بلکه این مشرکان از وحیی که بر تو نازل می‌شود در شک و تردید هستند، و هنوز عذاب الله را نچشیده‌اند، و از مهلت داده شدن به آنها فریب خورده‌اند، و اگر عذاب الله را می‌چشیدند هرگز بر کفر و شرک به الله و تردید در آنچه بر تو وحی می‌شود گستاخی نمی‌کردند.

﴿أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ﴾ [ص: ۹].

۹) مگر نزد این مشرکان تکذیب کننده، گنجینه‌های بخشش پروردگارت است، همان ذات شکست ناپذیری که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، ذاتی که آنچه بخواهد برای هرکس بخواهد می‌بخشد، و یکی از گنجینه‌های بخشش او نبوت است، که آن را به هرکس بخواهد می‌بخشد، و هرگز در اختیار اینها نیست که آن را به هرکس بخواهند بدهند و از هرکس بخواهند بازدارند.

﴿أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ﴾ [ص: ۱۰].

۱۰) یا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان آن دو وجود دارد برای آنها است؟ تا این حق را به آنها بدهد که ببخشند و محروم کنند؟ اگر این ادعا را دارند

پس اسباب رساننده به آسمان را بگیرند تا بر حکم به محروم کردن یا بخشیدنی که اراده می کنند قدرت یابند، حال آنکه هرگز نمی توانند این کار را انجام دهند.

﴿جُنْدًا مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ﴾ [ص: ۱۱].

۱۱) این تکذیب کنندگان محمد ﷺ لشکری شکست خورده هستند همانند لشکریان پیشین که رسولان شان را تکذیب کردند.

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ﴾ [ص: ۱۲].

۱۲) اینها نخستین تکذیب کننده نیستند؛ زیرا پیش از آنها قوم نوح، و عاد و فرعون که میخ‌هایی داشت و با آنها مردم را عذاب می کرد نیز تکذیب کردند.

﴿وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ﴾ [ص: ۱۳].

۱۳) و تمود و قوم لوط و قوم شعیب تکذیب کردند، اینها همان احزابی هستند که بر تکذیب رسولان شان و کفر به آنچه رسولان آوردند گروه گروه شدند.

﴿إِن كُلَّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ فَحَقَّ عِقَابُ﴾ [ص: ۱۴].

۱۴) تمام این گروه‌ها رسولان را تکذیب کردند، آن‌گاه عذاب الله بر آنها سزاوار شد و کيفرش به آنها رسید هر چند تا مدتی به تأخیر افتاد.

﴿وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ﴾ [ص: ۱۵].

۱۵) و این تکذیب کنندگان محمد ﷺ انتظار نمی برند مگر آن‌گاه که برای بار دوم در صور دمیده شود که هیچ بازگشتی در آن نیست، و اگر بر تکذیب محمد ﷺ بمیرند عذاب بر آنها واقع می شود.

﴿وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ﴾ [ص: ۱۶].

۱۶) و از روی تمسخر گفتند: پروردگارا، سهم ما از عذاب را قبل از روز قیامت در زندگی دنیا عاجل به ما بده.

برخی فواید آیات:

- الله به قرآن عظیم سوگند یاد فرمود، پس واجب است که با ایمان و تصدیق، و روی آوردن بر استخراج معانی اش با آن روبرو شد.
- مقیاس‌های مادی در اذهان مشرکان غلبه یافت که نزول وحی را بر سران و بزرگان خواستند.
- سبب رویگردانی کفار از ایمان: تکبر و گردن‌کشی و برتری‌جویی از پیروی حق است.

﴿اضْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ [ص: ۱۷].

۱۷ - ای رسول - در برابر سخنان این تکذیب کنندگان که مورد پسند تو نیست شکیبایی کن، و بنده ما داود صاحب قدرت در پیکار با دشمنانش و شکیبای بر طاعت الله را به یاد آور، به راستی که او بسیار بازگشت کننده به سوی الله با توبه، و عمل به آنچه او تعالی را راضی می سازد بود.

﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ [ص: ۱۸].

۱۸ ما کوهها را برای داود مسخر ساختیم که همراه او در پایان روز و اول روز هنگام اشراق تسبیح می گفتند.

﴿وَالظَّيْرِ مُحْشُورَةً كُلًّا لَهُ أَوَّابٌ﴾ [ص: ۱۹].

۱۹ و پرندگان را مهار شده در هوا مسخر کردیم، که همگی آنها فرمان بردارانه و به پیروی از او تسبیح می گفتند.

﴿وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلْنَا الْخِطَابَ﴾ [ص: ۲۰].

۲۰ و پادشاهی اش را با هیبت و نیرو و پیروزی بر دشمنان که به او بخشیدیم تقویت کردیم، و نبوت و درستی در امور را به او بخشیدیم، و در هر مبحثی بیانی درست، و کلام و حکم فیصله کننده به او عطا کردیم.

﴿* وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخِضْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾ [ص: ۲۱].

۲۱ - ای رسول - آیا خبر دو نزاع کننده آن گاه که بر (دیوار) عبادتگاه داود علیه السلام بالا رفتند به تو رسیده است.

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ

فَأَحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ﴾ [ص: ۲۲].

۲۲ که ناگهانی نزد داود علیه السلام وارد شدند، و او از ورود آنها نزد خودش به صورت ناگهانی و به این طریق غیر طبیعی ترسید، و وقتی به ترس او پی بردند گفتند: نترس، زیرا ما دو طرف دعوا هستیم که یکی از ما بر دیگری ستم کرده است، پس به عدالت میان ما داوری کن، و در داوریت بر ما ستم روا مدار، و ما را به راه راست و درست راهنمایی کن.

﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ﴾ [ص: ۲۳].

۳۳ یکی از طرفین دعوا به داود علیه السلام گفت: این مرد برادرم است، که نود و نه میش دارد، و من فقط یک میش دارم، و از من خواسته که تنها میشم را به او بدهم، و در سخنوری و استدلال بر من چیره شده است.

﴿قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ *﴾ [ص: ۲۴].

۳۴ داود علیه السلام میان آن دو حکم کرد و خطاب به شاکی گفت: قطعاً برادرت که از تو خواسته میش خود را بر میش‌هایش بیفزایی بر تو ستم کرده است، و به راستی که بسیاری از شریکان با گرفتن حق شریک و رعایت نکردن انصاف، بر یکدیگر ستم می‌کنند، مگر مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند که آنها در برابر شریکان خود انصاف را رعایت می‌کنند و بر آنها ستم روا نمی‌دارند، و چنین شریکانی اندک هستند، و داود یقین پیدا کرد که ما با این خصومت او را آزموده‌ایم، پس از پروردگارش طلب آموزش کرد و برای نزدیکی جستن به الله تعالی به سجده افتاد، و به سوی او توبه کرد.

﴿فَعَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّآبٍ﴾ [ص: ۲۵].

۳۵ آن‌گاه دعایش را پذیرفتیم و او را بخشیدیم، و به راستی که او نزد ما از مقربان بود، و در آخرت سرنوشت نیکویی دارد.

﴿يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾ [ص: ۲۶].

۳۶ ای داود، به راستی که ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم که احکام و قضایای دینی و دنیوی را اجرا می‌کنی، پس به عدالت میان مردم داوری کن، و در این راه از هوس پیروی نکن؛ این‌گونه که به سبب خویشاوندی، یا دوستی به سوی یکی از دو طرف دعوی تمایل پیدا کنی، یا به سبب دشمنی از او روی گردانی، و هوس، تو

را از راه راست الله بازدارد، زیرا کسانی که از راه راست الله گمراه می‌شوند به سبب اینکه روز قیامت را فراموش می‌کنند غذایی سخت دارند؛ زیرا اگر این روز را به یاد می‌آوردند و از آن می‌ترسیدند به طور قطع به هوس‌های شان باز نمی‌گشتند.

برخی فواید آیات:

- بیان فضائل پیامبر الله داود عليه السلام و نشانه‌هایی که الله به او اختصاص داده است.
 - پیامبران - صلوات الله و سلامه علیهم - در آنچه که از جانب الله تعالی ابلاغ می‌کنند معصوم هستند؛ زیرا هدف رسالت فقط از این طریق حاصل می‌شود، اما گاهی برخی ضرورت‌های طبیعی بر اثر فراموشی یا غفلت از حکم از آنها سر می‌زند، اما الله به لطف خویش آنها را درمی‌یابد و کارشان را اصلاح می‌کند.
- برخی علما به این فرموده: ﴿وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ﴾ [ص: ۲۴] بر مشروعیت شرکت میان دو نفر یا بیشتر استدلال کرده‌اند.
- پایبندی به ادب هنگام ورود نزد فضلا و بزرگان سزاوار است.

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ﴾ [ص: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و آسمان و زمین را بیهوده نیافریدیم، این گمان کسانی است که کفر ورزیدند. پس وای بر این کافران که این گمان را می‌برند از عذاب جهنم در روز قیامت اگر بر حال کفر و گمان بدی که بر الله دارند بمیرند.

﴿أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ [ص: ۲۸].

﴿۲۸﴾ کسانی را که به الله ایمان آورده‌اند و از رسولش پیروی کرده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند هرگز مانند کسانی که با کفر و گناهان در زمین فساد برپا کرده‌اند قرار نخواهیم داد، و پرهیزگاران که اوامر پروردگارش را اجرا و از نواهی‌اش اجتناب می‌کنند را مانند کافران و منافقان غوطه‌ور در گناهان قرار نمی‌دهیم؛ زیرا یکسان قراردادن این دو، ستمی است که سزاوار الله نیست، بلکه الله مؤمنان پرهیزگار را به ورود به بهشت پاداش می‌دهد، و کافران بدبخت را با ورود به آتش کیفر می‌کند؛ زیرا آنها نزد الله یکسان نیستند، در نتیجه جزای یکسانی نزد او تعالی ندارند.

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ۲۹].

﴿۲۹﴾ به‌راستی که این قرآن کتابی پر خیر و منفعت است که آن را به‌سوی تو نازل کردیم، تا مردم در آیاتش بیندیشند و در معانی‌اش تفکر کنند، و به این هدف که اشخاص تیزهوش و روشنفکر از آن پند گیرند.

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ [ص: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و به احسان و لطفی از جانب خویش بر داود، پسرش سلیمان را به او بخشیدیم تا چشم داود به او روشن شود. سلیمان بنده نیکویی بود؛ زیرا بسیار توبه کننده و بازگشت کننده به‌سوی الله بود.

﴿إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادِ﴾ [ص: ۳۱].

﴿۳۱﴾ به یاد آور آن گاه که عصرهنگام اسب‌های اصیل و چابک، که بر سه پا می‌ایستادند، و چهارمی را بالا می‌آوردند بر او عرضه شد، و این اسب‌های اصیل پیوسته تا غروب خورشید بر او عرضه می‌شد.

﴿فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ [ص: ۳۲].

۳۲ پس سلیمان علیه السلام گفت: به راستی که من محبت مال - از جمله این اسبها - را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا اینکه خورشید غروب کرد و نماز عصر را به تأخیر انداختم.

﴿رُدُّوَهَا عَلَيَّ فَطْفِقَ فَمَسَحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾ [ص: ۳۳].

۳۳ این اسبها را نزد من بیاورید، پس آنها را نزد او آوردند، آن گاه شروع به زدن بر ساقها و گردنهایشان با شمشیر کرد.

﴿وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ﴾ [ص: ۳۴].

۳۴ به تحقیق که سلیمان را آزمودیم و بر تخت پادشاهی او فرزندی ناقص افکندیم؛ این فرزند ناقص الخلقه زمانی برایش متولد شد که سوگند خورد با تمام همسرانش نزدیکی کند و هر یک از آنان فرزندی شجاع به دنیا بیاورد که در راه الله جهاد کند، اما ان شاء الله نگفت، بنابراین با تمامی آنان آمیزش کرد، و فقط یکی از آن زنان به فرزندی ناقص باردار شد، سپس سلیمان به درگاه پروردگارش رجوع و توبه کرد.

﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ [ص: ۳۵].

۳۵ سلیمان گفت: پروردگارا، گناهانم را ببامرز، و حکومتی ویژه خودم برای من عطا کن، که برای هیچ یک از مردم پس از من نباشد، زیرا - پروردگارا - تو بسیار عطا کننده و بسیار بخشنده هستی.

﴿فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُحَاءَ حَيْثُ أَصَابَ﴾ [ص: ۳۶].

۳۶ پس دعایش را اجابت کردیم و باد را رام او ساختیم که از فرمانش اطاعت می کرد، و با وجود شدت و سرعت زیادی که داشت، نرم و بدون هیچ لرزشی، او را به هر جا می خواست می برد.

﴿وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ﴾ [ص: ۳۷].

۳۷ و شیاطین را برایش رام کردیم که به فرمان او عمل می کردند، برخی از آنها بنا، و برخی از آنها غواصانی بودند که در دریاها غواصی می کردند و از آنها مروارید استخراج می کردند.

﴿وَأَخْرَيْنَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ﴾ [ص: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و برخی شیاطین سرکش را که در زنجیرها بسته بودند و نمی‌توانستند حرکتی داشته باشند، برایش رام کردیم.

﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [ص: ۳۹].

﴿۳۹﴾ ای سلیمان، این عطای ماست که برای اجابت دعای تو که آن را از ما خواستی برایت بخشیدیم، پس به هرکس می‌خواهی عطا کن، و از هرکس می‌خواهی بازدار، زیرا در هیچ اعطا یا منعی مورد محاسبه قرار نخواهی گرفت.

﴿وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ﴾ [ص: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و به‌راستی که سلیمان نزد ما از مقربان است، و بازگشتگاه نیکویی یعنی بهشت دارد که به‌سوی آن بازمی‌گردد.

﴿وَإِذْ كُرَّ عِبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ﴾ [ص: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و -ای رسول- بنده ما ایوب را به یاد آور آن‌گاه که پروردگارش الله را چنین خواند: شیطان مرا به کاری رنج‌آور و دردناک مبتلا کرد.

﴿أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ﴾ [ص: ۴۲].

﴿۴۲﴾ پس به او گفتیم: پایت را بر زمین بکوب، او نیز پایش را بر زمین کوبید، آن‌گاه آبی از زمین جوشید که از آن می‌نوشید و بدنش را با آن می‌شست، و زیان و آسیب از او دور شد.

برخی فواید آیات:

- تشویق بر تدبّر در قرآن.
- آیات فوق، دلالت دارد بر اینکه براساس سلامت و تیزهوشی قلب، انسان از قرآن کریم پند می‌گیرد و بهره‌مند می‌شود.
- در آیات فوق، دلیلی بر صحت این قاعده مشهور وجود دارد که: «هرکس چیزی را برای الله رها کند الله در عوض، بهتر از آن را به او می‌دهد».

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لَأُولَى الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ۴۳].

﴿۴۳﴾ پس دعایش را اجابت کردیم، و به رحمتی از جانب خویش، و به پاداش شکیبایی او، آسیب را از او برطرف ساختیم، و خانواده‌اش، و افزون بر آنها مانند آنها از پسران و نوادگان به او بخشیدیم، و تا اشخاص تیزهوش به یاد آورند که سرانجام صبر، گشایش و پاداش است.

﴿وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْنًا فَاصْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُثْ إِنَّآ وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ [ص: ۴۴].

﴿۴۴﴾ آن گاه که ایوب علیه السلام بر همسرش خشم گرفت، و سوگند یاد کرد که او را با صد ضربه شلاق بزند، به او گفتیم: - ای ایوب - یک دسته از شاخه‌های باریک بگیر و با آن او را بزن، به‌راستی که ما او را در برابر مصیبتی که به او رساندیم شکیبا یافتیم. او چه بندهٔ نیکویی بود؛ زیرا بسیار به‌سوی الله باز می‌گشت.

﴿وَإِذْ كُرِّعِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ﴾ [ص: ۴۵].

﴿۴۵﴾ و - ای رسول - بندگان برگزیده و رسولان فرستاده‌شدهٔ مان: ابراهیم و اسحاق و یعقوب، را به یاد آور که در طاعت الله و طلب خشنودی او تعالی نیرومند، و در راه حق دارای بینش راستین بودند.

﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ﴾ [ص: ۴۶].

﴿۴۶﴾ به‌راستی که ما با بخششی ویژه و مختص آنها، یعنی آباد کردن دل‌های‌شان با یاد سرای آخرت و آماده‌شدن خودشان برای آن سرا با عمل صالح و دعوت مردم بر این کار بر آنها نعمت بخشیدیم.

﴿وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و قطعاً نزد ما از کسانی هستند که آنها را برای طاعت و عبادت خویش برگزیدیم، و آنها را برای حمل رسالت خویش و رساندن آن به مردم انتخاب کردیم.

﴿وَإِذْ كُرِّعِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ﴾ [ص: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و - ای پیامبر - اسماعیل پسر ابراهیم، و یسع، و ذوالکفل را به یاد آور، و به بهترین روش آنها را ستایش کن، که سزاوار این امر هستند، و تمام اینها نزد الله از منتخبان و برگزیدگان هستند.

﴿هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَآبٍ﴾ [ص: ۴۹].

۴۹ این یادی از آنها با ستایش نیکو در قرآن است، و به راستی کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله، پرهیزگاری می کنند سرانجام خوشی در سرای آخرت دارند.

﴿جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ﴾ [ص: ۵۰].

۵۰ این سرانجام خوش همان بهشت های جاویدانی است که روز قیامت در آن وارد می شوند، درحالی که درهای این بهشت ها برای استقبال گرم به روی آنها گشوده شده است.

﴿مُتَّكِبِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِقَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ﴾ [ص: ۵۱].

۵۱ بر تخت هایی که برای شان آراسته شده تکیه می زنند، و از خدمتکاران شان می خواهند از میوه های فراوان و متنوعی که به آن اشتها دارند، و از خمر و سایر شراب هایی که مورد پسندشان است به آنها تقدیم کنند.

﴿* وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَثْرَابٍ﴾ [ص: ۵۲].

۵۲ آنجا زنانی دارند که فقط بر شوهران شان چشم می دوزند، و به دیگران نمی نگرند، و هم سن و سال هستند.

﴿هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ [ص: ۵۳].

۵۳ - ای پرهیزگاران - این است پاداش خوش روز قیامت در قبال اعمال صالحی که در دنیا انجام می دادید و به آن وعده داده می شدید.

﴿إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنْ نَفَادٍ﴾ [ص: ۵۴].

۵۴ پاداش مذکور به طور قطع رزق ما است که در روز قیامت آن را به پرهیزگاران روزی می دهیم، و روزی ای همیشگی است، که نه قطع می شود و نه پایان می یابد.

﴿هَذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِيْنَ لَشَرَّ مَآبٍ﴾ [ص: ۵۵].

۵۵ پاداش مذکور پاداش پرهیزگاران است، و متجاوزان از حدود الله با کفر و گناهان قطعاً جزایی مخالف با جزای پرهیزگاران دارند، زیرا بدترین سرانجام را دارند که در روز قیامت به سوی آن بازمی گردند.

﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ [ص: ۵۶].

۵۶ این جزا همان جهنم است که آنها را احاطه می کند، و از گرمی و سوزش آن رنج می برند، و فرشی از آن برای شان است، پس چه فرش بدی دارند.

﴿هَذَا فَلْيَذُقُوهُ حَمِيمٌ وَعَسَاقٌ﴾ [ص: ۵۷].

این عذاب، آبی بی نهایت سوزان و خونابه‌ای جاری از بدن‌های جهنمیان که در آن عذاب می‌شوند است، که باید آن را بیاشامند، این است نوشیدنی آنها که تشنگی را برطرف نمی‌سازد.

﴿وَأَخْرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ﴾ [ص: ۵۸].

و از شکل همین عذاب عذابی دیگر دارند؛ زیرا در آخرت با عذاب‌های گوناگونی مجازات می‌شوند.

﴿هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارَ﴾ [ص: ۵۹].

و چون بر ساکنان جهنم درآیند همانند دشمنان میان آنها فحش و بدگویی رخ می‌دهد، و از یکدیگر اعلام بیزاری می‌کنند، و برخی از آنها می‌گویند: اینها گروهی از جهنمیان هستند که همراه شما در جهنم درمی‌آیند، آن‌گاه به آنها پاسخ می‌دهند: بدا به حال آنها زیرا همان‌گونه که ما از عذاب جهنم رنج می‌بریم آنها نیز رنج می‌برند.

﴿قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبئسَ الْقَرَارَ﴾ [ص: ۶۰].

گروه پیروان به سران پیشوای خویش می‌گویند: - ای سران پیشوا - بلکه بدا به حال خودتان، زیرا شما بودید که با گمراه کردن و فریب دادن ما، باعث رسیدن این عذاب دردناک به ما شدید، و چه جایگاه بدی است اینجا، جایگاه همگی که همان آتش جهنم است.

﴿قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرَدُّهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ﴾ [ص: ۶۱].

پیروان می‌گویند: پروردگارا، هرکس پس از اینکه هدایت نزدمان آمد ما را از آن گمراه کرد عذابش را در جهنم دوبرابر کن.

برخی فواید آیات:

- هرکس در برابر آسیب‌شکیبایی کند الله تعالی پاداش دنیوی و اخروی به او می‌دهد، و دعاهایش را اجابت می‌کند.
- این آیات دلیلی است بر اینکه شوهر می‌تواند جهت تأدیب همسرش، وی را بزند ولی زدنی که آسیبی به وی نرساند، زیرا ایوب علیه السلام بر زدن همسرش قسم خورد و آن را انجام داد.

﴿وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ﴾ [ص: ۶۲].

﴿۶۲﴾ و متکبران ستمکار می‌گویند: چرا کسانی را که در دنیا گمان می‌کردیم بدبخت و سزاوار عذاب هستند همراه خویش در جهنم نمی‌بینیم.

﴿أَتُخَذْنَا هُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ﴾ [ص: ۶۳].

﴿۶۳﴾ آیا ما به اشتباه آنها را به تمسخر و ریشخند گرفتیم و سزاوار عذاب نبوده‌اند، یا اینکه تمسخر آنها توسط ما به حق بوده، و آنها وارد جهنم شده‌اند، اما چشم ما به آنها نیفتاده است؟!

﴿إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ﴾ [ص: ۶۴].

﴿۶۴﴾ مجادله مذکور کافران با یکدیگر در روز قیامت به‌طور قطع حقیقتی است که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [ص: ۶۵].

﴿۶۵﴾ - ای محمد - به کافران قومت بگو: جز این نیست که من انذار دهنده شما از عذاب الله هستم از اینکه عذابش را به‌سبب کفر به او و تکذیب رسولانش بر شما واقع کند، و جز الله سبحانه، هیچ معبودی سزاوار عبادت، یافت نمی‌شود؛ زیرا او در عظمت و صفات و اسم‌های خویش یگانه است، و او ذات توانایی است که بر همه چیز غلبه دارد، و همه‌چیز در برابر او تعالی فروتن است.

﴿رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ﴾ [ص: ۶۶].

﴿۶۶﴾ و او پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان این دو وجود دارد است، و در فرمانروایی خویش ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده است.

﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ﴾ [ص: ۶۷].

﴿۶۷﴾ - ای رسول - به این تکذیب‌کنندگان بگو: به‌راستی که قرآن خبری بسیار مهم و بزرگ است.

﴿أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ﴾ [ص: ۶۸].

﴿۶۸﴾ شما از این خبر بسیار مهم و بزرگ روی می‌گردانید، و به آن توجه نمی‌کنید.

﴿مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَائِكَةِ إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾ [ص: ۶۹].

۶۹) من از سخنی که میان فرشتگان در مورد آفرینش آدم رد و بدل می‌شد هیچ دانشی نداشتم، اگر الله آن را بر من وحی نکرده بود و مرا آگاه نساخته بود.

﴿إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [ص: ۷۰].

۷۰) الله آنچه را بر من وحی می‌کند فقط به این منظور است که من انذار دهنده‌ای آشکار برای شما از عذاب او هستم.

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ﴾ [ص: ۷۱].

۷۱) به یاد آور آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: من انسانی یعنی آدم را از گل خواهم آفرید.

﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ [ص: ۷۲].

۷۲) و هرگاه آفرینش او را کامل کردم، و سیمایش را بیاراستم، و از روح خویش در او دمیدم، در برابر او به سجده بیفتید.

﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ﴾ [ص: ۷۳].

۷۳) پس تمام فرشتگان فرمان پروردگارش را اجرا کردند، و همگی سجده بزرگداشت به جای آوردند، و همگی آنها بر آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ سجده کردند.

﴿إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ [ص: ۷۴].

۷۴) مگر ابلیس که از سجده تکبر ورزید، و به سبب تکبر در برابر فرمان پروردگارش از کافران شد.

﴿قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ

الْعَالِينَ﴾ [ص: ۷۵].

۷۵) الله فرمود: ای ابلیس، چه چیزی تو را از سجده بر آدم که او را به دست خویش آفریدم بازداشت؟! آیا تکبر تو را از سجده بازداشت، یا از قبل دارای تکبر و برتری جویی بر پروردگارت بودی؟!

﴿قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ﴾ [ص: ۷۶].

۷۶) ابلیس گفت: من از آدم به‌ترم، زیرا مرا از آتش و او را از گل آفریده‌ای. به گمان شیطان، آتش عنصری بهتر و پاک‌تر از گل بود.

﴿قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ [ص: ۷۷].

۷۷) الله به ابلیس فرمود: از بهشت خارج شو که تو دور شده از رحمت و ملامت شده هستی.

﴿وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ﴾ [ص: ۷۸].

۷۸) و رانده شدن از بهشت تا روز جزا، یعنی روز قیامت بر تو باد.

﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾ [ص: ۷۹].

۷۹) ابلیس گفت: پس به من مهلت بده و تا روزی که بندگانت را برمی‌انگیزی مرا نمیران.

﴿قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ﴾ [ص: ۸۰].

۸۰) الله فرمود: به تحقیق که تو از مهلت‌یافتگانی.

﴿إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾ [ص: ۸۱].

۸۱) تا روزی که برای نابودی‌ات معین و مشخص شده است.

﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [ص: ۸۲].

۸۲) ابلیس گفت: پس به قدرت و نیروی تو سوگند می‌خورم، که تمام فرزندان آدم را گمراه خواهم کرد.

﴿إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ﴾ [ص: ۸۳].

۸۳) مگر کسی که تو او را از گمراه‌شدن توسط من حفظ کنی و برای عبادت خویش به تنهایی خالص گردانی.

برخی فواید آیات:

- قیاس و اجتهاد در برابر نص آشکار، روش باطلی است.
- کفر ابلیس از روی لجاجت و تکبر است.
- شیطان بر کسانی که الله آنها را برای عبادت خویش خالص گرداند هیچ تسلطی ندارد.

﴿قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ﴾ [ص: ۸۴].

① الله تعالی فرمود: حق از من است، و من حق می‌گویم، و غیر حق نمی‌گویم.

﴿لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [ص: ۸۵].

② که روز قیامت جهنم را از تو و تمام کسانی از فرزندان آدم که در کفر از تو پیروی کنند پر خواهیم کرد.

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ [ص: ۸۶].

③ - ای رسول - به این مشرکان بگو: در قبال پندی که به شما می‌رسانم پاداشی از شما نمی‌خواهم، و من با آوردن بیش از آنچه بر آن فرمان یافته‌ام خود را به رنج و زحمت نمی‌اندازم.

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [ص: ۸۷].

④ قرآن جز یادآوری برای انسان‌های مکلف و جن‌های مکلف نیست.

﴿وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَ بَعْدَ حِينٍ﴾ [ص: ۸۸].

⑤ و به‌طور قطع خبر و راستی این قرآن را پس از زمانی نزدیک که در آن زمان می‌میرید خواهید دانست.

سوره الزُّمَر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

دعوت به توحید و اخلاص، و ترک شرک، و سرانجام همگی در آخرت.

تفسیر:

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [الزمر: ۱].

① قرآن از جانب الله ذات شکست‌ناپذیری که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تدبیر و تشریح بسیار دانا است فرو فرستاده شده، و از جانب غیر او سبحانه نازل نشده است.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ [الزمر: ۲].

❶ - ای رسول - ما این قرآن را که مشتمل بر حق، و تمام اخبارش راست و تمام احکامش عادلانه است بر تو نازل کردیم، پس الله را عبادت کن درحالی که او را یگانه می دانی، و توحید را از شرک برای او خالص می گردانی.

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾ [الزمر: ۳].

❷ آگاه باشید که دین خالی از شرک از آن الله است، و کسانی که به جای الله دوستانی از بتها و طاغوتها گرفته اند و آنها را به جای الله عبادت می کنند، برای عبادت آنها این گونه بهانه می آورند که: ما اینها را فقط به این هدف عبادت می کنیم که جایگاه ما را به الله نزدیک سازند، و نیازهای ما را به سوی او ارجاع دهند، و نزد او برای ما شفاعت کنند؛ به راستی که الله در روز قیامت میان مؤمنان موحد و یکتاپرست و کافران مشرک، در توحید که مورد اختلافشان بود داوری می کند. قطعاً الله کسی را که با بستن دروغ به الله به او تعالی شریک نسبت می دهد، و از نعمت هایی که الله به او بخشیده ناسپاسی می کند به راه یافتن به سوی حق توفیق نمی دهد.

﴿لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [الزمر: ۴].

❸ اگر الله بخواهد فرزندی بگیرد به طور قطع از میان مخلوقاتش آنچه که بخواهد برمی گزیند، و آن را به منزلهٔ فرزند قرار می دهد، او تعالی از آنچه این مشرکان می گویند پاک و منزّه است، و در ذات و صفات و افعال خویش یگانه است، و هیچ شریکی در این موارد ندارد، و بر تمام مخلوقاتش قهّار (مسلط) است.

﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ﴾ [الزمر: ۵].

❹ آسمانها و زمین را به حکمتی فراگیر آفرید، نه بیهوده چنان که ستمکاران می گویند، شب را در روز در می آورد، و روز را در شب در می آورد، و هرگاه یکی از این

دو بیاید دیگری پنهان می‌شود، و خورشید و ماه را رام ساخت، و هر دو تا زمانی مشخص که پایان این زندگی است در حرکت هستند، آگاه باشید که او سبحانه ذات شکست ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد، و هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده است.

برخی فواید آیات:

- دعوتگر به سوی الله فقط به پاداش او تعالی امید دارد، و در برابر حقیقتی که مردم را به سوی آن فرا می‌خواند مزدی از آنها نمی‌طلبد.
- تکلف و خود را به رنج انداختن، دینداری محسوب نمی‌شود.
- توسل به الله فقط با اسمها و صفات الله و با ایمان و عمل صالح مشروع است.

﴿خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ
 أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ
 اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾ [الزمر: ۶].

⑥ - ای مردم - پروردگارتان شما را از یک تن یعنی آدم عليه السلام آفرید، سپس از آدم جفتش حوا را آفرید، و از شتر و گاو و میش و بز هشت نوع برای تان آفرید، از هر صنفی نر و ماده آفرید، او سبحانه شما را در شکم‌های مادران تان مرحله به مرحله در تاریکی‌های شکم و رحم و تخمدان پدید می‌آورد، ذاتی که تمام این موارد را می‌آفریند همان الله پروردگارتان است، فرمانروایی فقط برای او است، و هیچ معبود برحق جز او نیست، پس چگونه از عبادت او به عبادت کسانی که هیچ چیز نمی‌آفرینند و خودشان آفریده می‌شوند برگردانده می‌شوید!؟

﴿إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ
 لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ
 تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الزمر: ۷].

⑦ - ای مردم - اگر به پروردگارتان کفر ورزید به راستی که الله از ایمان شما بی‌نیاز است و کفرتان به او زیان نمی‌رساند، بلکه زیان کفرتان فقط به خود شما بازمی‌گردد، و برای بندگان راضی نیست که به او کفر ورزند، و آنها را به کفر فرمان نمی‌دهد؛ زیرا الله به فحشاء و منکر امر نمی‌کند، و اگر از الله در قبال نعمت‌هایش سپاسگزاری کنید و به او ایمان آورید بر سپاسگزاری تان راضی می‌شود، و در قبال آن به شما پاداش می‌دهد، و هیچ کس گناه دیگری را بر نمی‌دارد، بلکه هر کس در گرو چیزی است که کسب کرده است، سپس بازگشت شما در روز قیامت فقط به سوی پروردگارتان است، آن‌گاه شما را از آنچه در دنیا انجام می‌دادید باخبر می‌سازد، و در قبال اعمال تان به شما جزا می‌دهد. به راستی که او سبحانه از آنچه در دل‌های بندگان وجود دارد بسیار دانا است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَلَهُ نِعْمَةٌ مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ
 يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا
 إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾ [الزمر: ۸].

و چون به کافر آسیبی از بیماری و نبود مال و ترس از غرق شدن برسد پروردگارش سبحانه را درحالی که فقط به سوی او بازگشته است در دعا می خواند تا آسیبی را که به او رسیده است از او برطرف سازد، اما وقتی نعمتی به او ببخشد و آسیبی را که به او رسیده برطرف سازد ذاتی را که پیش از این به سوی او ناله و زاری می کرد یعنی الله را رها می کند، و شریکانی برای الله قرار می دهد و آنها را به جای او عبادت می کند تا دیگران را از راه الله تعالی گمراه کند. - ای رسول - به کسی که چنین حالتی دارد بگو: باقی مانده عمرت را که زمانی اندک است از کفر خویش بهره مند شو، که در روز قیامت ساکن و همنشین جهنم هستی، چنان که دوست همنشین دوستش است.

﴿أَمَّنْ هُوَ قَانِئٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ۹].

آیا کسی که فرمان بردار الله است و اوقات شب را برای پروردگارش در سجده و ایستاده به عبادت است، و از عذاب آخرت می ترسد، و به رحمت پروردگارش امید می بندد بهتر است، یا آن کافر که در سختی الله را عبادت می کند و در آسانی به او کفر می ورزد، و شریکانی همراه الله قرار می دهد؟! - ای رسول - بگو: آیا کسانی که به سبب شناختشان از الله آنچه را الله برای شان واجب کرده می دانند و کسانی که ذره ای از این امر نمی دانند یکسان هستند؟! فقط صاحبان عقل سلیم تفاوت میان این دو گروه را در می یابند.

﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [الزمر: ۱۰].

ای رسول - به آن بندگانم که به من و رسولانم ایمان آورده اند بگو: از پروردگارتان با اجرای اوامر، و اجتناب از نواهی او بترسید، برای کسانی که شما که در دنیا نیکوکاری کنید پاداش پیروزی و سلامتی و مال در دنیا، و بهشت در آخرت است، و زمین الله گسترده و فراخ است، پس مهاجرت کنید تا مکانی بیابید که در آن عبادت کنید، و مانعی شما را از این کار باز ندارد، به راستی که در روز قیامت به شکیبایان پاداشی بی اندازه و بدون شمارش، از نظر فراوانی و گوناگونی داده می شود.

برخی فواید آیات:

- توجه الله به انسان در شکم مادرش.
- ثبوت صفت غنی (بی‌نیازی) و رضا (رضایت) برای الله.
- به یاد آوردن الله در سختی، و فراموش کردن او تعالی در آسانی، بر سرگردانی و آشفتگی کافر دلالت دارد.
- بیم و امید دو مورد از صفات مؤمنان است.

﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ [الزمر: ۱۱].

① - ای رسول - بگو: همانا الله به من فرمان داده که فقط او را خالصانه عبادت کنم.

﴿وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الزمر: ۱۲].

② و به من فرمان داده که از میان این امت اولین کسی باشم که در برابر او تسلیم می شود و از او فرمان برداری می کند.

﴿قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الزمر: ۱۳].

③ - ای رسول - بگو: قطعاً اگر از الله نافرمانی کنم و از او اطاعت نکنم از عذاب روزی بزرگ، یعنی روز قیامت می ترسم.

﴿قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي﴾ [الزمر: ۱۴].

④ - ای رسول - بگو همانا من الله را به یگانگی و درحالی که عبادت را برای او خالص کرده ام عبادت می کنم، و دیگران را همراه او عبادت نمی کنم.

﴿فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ [الزمر: ۱۵].

⑤ پس - ای مشرکان - شما نیز به جای او هرچه از بت های تان را که می خواهید عبادت کنید (این امر برای تهدید است)، - ای رسول - بگو: زیانکاران واقعی همان کسانی هستند که به خودشان، و خانواده های شان زیان رسانده اند، و با جدایی از آنها به سبب ورود خانواده های شان به تنهایی در بهشت، یا با ورودشان همراه آنها در جهنم با هم دیدار نمی کنند، و هرگز به هم نمی پیوندند. آگاه باشید که این امر، زبانی آشکار و بدون ابهام است.

﴿لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِنْ خَتَمِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ﴾ [الزمر: ۱۶].

⑥ برای آنها از بالای سرشان و نیز از زیر پاهای شان دود و زبانه و گرمای آتش است. الله با این عذاب بندگانش را می ترساند. ای بندگانم، با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی ام از من بترسید.

الله پس از بیان احوال مجرمان، احوال بندگان صالح خویش را نیز ذکر کرد و فرمود:

﴿وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادَ﴾
[الزمر: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و کسانی که از عبادت بت‌ها، و هرچه به جای الله عبادت می‌شود دوری می‌کنند، و با توبه به سوی الله بازمی‌گردند؛ هنگام مرگ، و در قبر، و روز قیامت به بهشت مزده داده می‌شوند، پس - ای رسول - به بندگانم مزده بده.

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أَهْلُوا الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ۱۸].

﴿۱۸﴾ همان کسانی که به سخن‌ها گوش فرا می‌دهند و سخنان نیک و زشت را از یکدیگر تشخیص می‌دهند، آن‌گاه از نیکوترین سخن به سبب منفعتی که در آن وجود دارد، پیروی می‌کنند. اینها همان کسانی هستند که الله آنها را به هدایت توفیق داده است، و همان‌ها صاحبان عقل‌های سلیم هستند.

﴿أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ﴾ [الزمر: ۱۹].

﴿۱۹﴾ - ای رسول - کسی که به سبب استمرار در کفر و گمراهی، فرمان عذاب بر او واجب شده است، هیچ چاره‌ای برای هدایت و توفیق او نداری. پس - ای رسول - آیا تو می‌توانی چنین کسی را از آتش نجات دهی؟!

﴿لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ﴾ [الزمر: ۲۰].

﴿۲۰﴾ اما کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان از او تعالی بترسند، منازل مرتفعی دارند که بر روی یکدیگر ساخته شده‌اند، و نهرها از زیر آنها جاری است. این وعده را الله به آنها داده است، و الله در وعده خلاف نمی‌کند.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعٌ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [الزمر: ۲۱].

﴿۲۱﴾ به راستی که شما از طریق مشاهده می‌دانید الله آب باران را از آسمان فرود آورد، سپس آن را در چشمه‌ها و آبراه‌ها وارد کرد، سپس با این آب کشتزارهایی با رنگ‌های مختلف درمی‌آورد، سپس کشتزار را می‌خشکاند، و - ای بیننده - تو آن را پس

از اینکه سبز بود زرد می‌بینی، سپس آن را پس از خشکیده شدن در هم شکسته و از هم پاشیده قرار می‌دهد، به‌راستی که در این امر، برای صاحبان دل‌های زنده، پند و عبرتی است.

برخی فواید آیات:

- یکی از شروط پذیرش عبادت، خالص گردانیدن آن برای الله است.
- گناهان موجب عذاب و خشم الله می‌شوند.
- هدایت توفیق و دستیابی به ایمان، به دست الله است، و رسول الله ﷺ هیچ تصرفی در آن ندارد.

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الزمر: ۲۲].

﴿۲۲﴾ آیا کسی که الله سینه‌اش را برای اسلام گشاده، و به سوی آن هدایت کرده است، و او بر بینشی از جانب پروردگارش قرار دارد، مانند کسی است که دلش در برابر یاد الله سخت شده است؟! هرگز یکسان نیستند؛ زیرا نجات برای هدایت یافتگان است، و زیان برای کسانی که دل‌های‌شان در برابر یاد الله سخت شده است، که اینها در گمراهی آشکاری از حق هستند.

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مّتَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكِ هَدَىٰ اللَّهُ يَهْدِي بِه مَن يَشَاءُ وَمَن يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ﴾ [الزمر: ۲۳].

﴿۲۳﴾ الله قرآن را که نیکوترین سخن است بر رسولش محمد ﷺ فرو فرستاد، کتابی که بخش‌های آن از نظر راستی و زیبایی و انسجام و عدم اختلاف متشابه است، و قصص و احکام، و وعده و وعید، و صفات پیروان حق، و صفات پیروان باطل و سایر موارد در آن گوناگون آمده است. کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند وقتی وعید و تهدیدهای آن را می‌شنوند پوست بدن‌شان به لرزه می‌افتد، و چون امید و مزده هایش را می‌شنوند پوست و دل‌های‌شان به یاد الله نرم می‌گردد. این قرآن و تأثیر آن، هدایت الله است که هرکس را بخواهد با آن هدایت می‌کند، و هرکس که الله او را گمراه کند، و بر هدایت توفیق ندهد، هیچ هدایتگری ندارد که او را هدایت کند.

﴿أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ [الزمر: ۲۴].

﴿۲۴﴾ آیا کسی که الله او را هدایت کرده، و در دنیا او را توفیق داده و در آخرت او را به بهشت درآورده یکسان است، با کسی که کفر ورزیده و بر کفرش مرده است، آن‌گاه او را درحالی که هر دو دست و هر دو پایش به زنجیر بسته شده است به جهنم درمی‌آورد، و نمی‌تواند آتش را از خود دور سازد جز با صورتش که بر آتش افکنده شده است؟! و به کسانی که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند از روی توبیخ گفته می‌شود: کفر و گناهی را که مرتکب می‌شدید بچشید؛ که این است جزای شما.

﴿كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [الزمر: ۲۵].

۶۵ امت‌هایی که پیش از این مشرکان بودند تکذیب کردند، و عذاب به صورت ناگهانی و از جایی که احساس نمی‌کردند تا بتوانند با توبه برای آن آماده شوند آنها را فراگرفت.

﴿فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْحِزْبَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۲۶].

۶۶ پس الله با این عذاب، خواری و ننگ و رسوایی در زندگی دنیا برای‌شان چشانید، و به‌راستی عذاب آخرت که در انتظارشان است بزرگتر و سخت‌تر است اگر می‌دانستند.

﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [الزمر: ۲۷].

۶۷ و به‌تحقیق که در این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ مثال‌های گوناگونی از خیر و شر، و حق و باطل، و ایمان و کفر و سایر موارد برای مردم بیان کرده‌ایم؛ تا از مثال‌هایی که برای‌شان زده‌ایم پند بگیرند، آن‌گاه به حق، عمل کنند و باطل را رها سازند.

﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾ [الزمر: ۲۸].

۶۸ آن را قرآنی به زبان عربی، که هیچ کجی و انحراف و ابهامی در آن نیست، قرار دادیم، تا با پیروی اوامر و اجتناب از نواهی الله، از او تعالی بترسند.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۲۹].

۶۹ الله برای مشرک و موحد مثالی زده است. مردی را که برده شریکانی است که با یکدیگر در نزاع و کشمکش هستند؛ که اگر برخی از آنها را راضی سازد برخی دیگر را خشمگین می‌کند، و در حیرت و سرگردانی است، و مردی که فقط برده یک نفر است، و فقط همان یک نفر مالک او است، که منظورش را می‌فهمد و در آرامش و خاطری آسوده است. این دو مرد هرگز یکسان نیستند. تمام ستایش‌ها از آن الله است، اما بیشتر آنها نمی‌دانند، و به همین سبب دیگران را شریک الله قرار می‌دهند.

﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ﴾ [الزمر: ۳۰].

۳۰ - ای رسول - به طور قطع تو می میری، و آنها نیز می میرند.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ﴾ [الزمر: ۳۱].

۳۱ - ای مردم - به طور قطع شما در روز قیامت نزد پروردگارتان در آنچه که در آن با هم اختلاف دارید نزاع و کشمکش می کنید، آن گاه حق دار را از ناحق مشخص می گردانند.

برخی فواید آیات:

- مؤمنان و پرهیزگاران همان کسانی هستند که برای شنیدن قرآن فروتنی می کنند، و گناهکاران و گمراهان همان کسانی هستند که از شنیدن قرآن سود نمی برند.
- تکذیب آنچه رسولان آورده اند سبب نزول عذاب یا در دنیا یا در آخرت یا در هر دو سرا می شود.
- قرآن هیچ یک از امور دنیا و آخرت را رها نکرده مگر آن را به صورت اجمال یا تفصیل بیان داشته و مثال هایی برایش آورده است.

﴿ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴾ [الزمر: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و هیچ کس ستمکارتر از کسی نیست که شریک و همسر و فرزند را که سزاوار الله نیست به او تعالی نسبت می‌دهد، و هیچ کس ستمکارتر از کسی نیست که وحیی را که رسول الله ﷺ آورده تکذیب می‌کند. آیا پناهگاه و مسکن کافران به الله، و به آنچه رسولش آورده است در جهنم نیست؟! آری، به راستی که پناهگاه و مسکن آنها در جهنم است. الله پس از بیان دروغگوی تکذیب کننده، راستگوی تصدیق کننده را بیان کرد و فرمود:

﴿وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ [الزمر: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و هر یک از پیامبران و دیگران که در اقوال و افعالش راستی آورد، و به مقتضای آن عمل کند، اینها همان پرهیزگاران واقعی هستند. همان کسانی که از امر پروردگارش فرمان برداری می‌کنند، و نهی او تعالی را ترک می‌کنند.

﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الزمر: ۳۴].

﴿۳۴﴾ هر چه از خوشی‌های همیشگی که می‌خواهند نزد پروردگارش دارند. این پاداش کسانی است که با آفریدگارش و بندگانش نیکوکاری کردند.

﴿لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الزمر: ۳۵].

﴿۳۵﴾ تا الله بدترین گناهی را که در دنیا انجام می‌دادند، به سبب توبه و بازگشتشان به سوی پروردگارش، از آنها بزدايد، و پاداش آنها را بر حسب نیکوترین عمل صالحی که انجام می‌دادند به آنها بدهد.

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ [الزمر: ۳۶].

﴿۳۶﴾ آیا الله بنده‌اش محمد ﷺ در امر دین و دنیای او، و بازداشتن دشمنش از او، کافی نیست؟! آری، به راستی که او تعالی برایش کافی است، و - ای رسول - به سبب جهل و نادانی خویش، تو را از بت‌هایی که آنها را به جای الله عبادت می‌کنند

می ترسانند از اینکه آسیبی به تو برسانند، و هرکس که الله دست از یاری اش بکشد و او را به هدایت توفیق ندهد، هیچ هدایتگری ندارد که او را هدایت کند و توفیق دهد.

﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ﴾ [الزمر: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و هرکس که الله او را به هدایت توفیق دهد هیچ گمراه کننده‌ای نیست که بتواند او را گمراه سازد. آیا الله ذات شکست ناپذیری که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود، و ذات انتقام‌گیرنده از کسی که به او کفر ورزد و از او نافرمانی کند نیست؟! آری به راستی که او ذاتی شکست ناپذیر و انتقام‌گیر است.

﴿وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ [الزمر: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و - ای رسول - اگر از این مشرکان بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ به‌طور قطع خواهند گفت: الله آنها را آفریده است. برای اظهار ناتوانی معبودهای‌شان به آنها بگو: از این بت‌هایی که آنها را به جای الله عبادت می‌کنید، به من خبر دهید، اگر الله بخواهد آسیبی به من برساند آیا مالک برطرف کردن آسیب او از من هستند؟! یا اگر پروردگارم بخواهد رحمتی از جانب خویش به من ببخشد آیا می‌توانند رحمت او را از من بازدارند؟! به آنها بگو: الله به تنهایی، برایم کافی است، در تمام کارهایم بر او توکل کردم، و توکل‌کنندگان باید فقط بر او توکل می‌کنند.

﴿قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۳۹].

﴿۳۹﴾ - ای رسول - بگو: ای قوم من، بر شرک به الله که برای خودتان پسندیدید عمل کنید، من نیز بر دعوت به توحید الله، و اخلاص عبادت برای او تعالی که پروردگارم مرا به آن فرمان داده است عمل می‌کنم، به‌زودی از سرانجام هر (یک از این دو) روش آگاه خواهید شد.

﴿مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ [الزمر: ۴۰].

☺ به زودی خواهید دانست که عذاب در دنیا به چه کسی می‌رسد و او را خوار و پست می‌گرداند، و عذاب همیشگی در آخرت که نه قطع می‌شود، و نه پایان می‌یابد بر او نازل می‌شود.

برخی فواید آیات:

- خطر بزرگ زیاد افترا بر الله و نسبت دادن آنچه که سزاوار او تعالی یا شریعتش نیست به او سبحانه.
- ثبوت محافظت رسول ﷺ توسط الله از آزار و اذیت‌های دشمنانش.
- اقرار به توحید ربوبیت به تنهایی بدون توحید الوهیت، انسان را از عذاب جهنم نجات نمی‌دهد.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾ [الزمر: ۴۱].

① - ای رسول - به تحقیق که ما قرآن را برای مردم به حق بر تو نازل کردیم تا آنها را انذار دهی، و هرکس هدایت یابد سود هدایت او فقط به خودش بازمی‌گردد، زیرا هدایت او سودی به الله نمی‌رساند؛ و او تعالی از آن بی‌نیاز است، و هرکس گمراه شود، زیان گمراهی‌اش فقط بر خود او است، و گمراهی او زبانی به الله سبحانه نمی‌رساند، تو بر آنها گماشته نشده‌ای تا آنها را به هدایت مجبور سازی، و جز تبلیغ آنچه به ابلاغش فرمان یافته‌ای برعهده تو نیست.

﴿اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الزمر: ۴۲].

② الله ذاتی است که ارواح را در پایان اجل‌های‌شان قبض می‌کند، و هنگام خواب، ارواحی را که اجل آنها فرا نرسیده قبض می‌کند، آن‌گاه آنها را که به مرگشان حکم کرده است نگاه می‌دارد، و ارواحی را که هنوز بر مرگشان حکم نکرده است تا زمانی که در علم او سبحانه مشخص است بازمی‌گرداند، به‌راستی برای مردمی که می‌اندیشند در این قبض و بازگردانیدن و میراندن و زنده کردن دلایلی است بر اینکه ذاتی که این کارها را انجام می‌دهد بر برانگیختن مردم پس از مرگشان برای حسابرسی و جزا توانا است.

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلُوبَهُمْ أَوْ لَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ﴾ [الزمر: ۴۳].

③ به تحقیق که مشرکان از میان بت‌های‌شان شفاعتگرانی گرفته‌اند که به جای الله از آنها منفعت را امید دارند، - ای رسول - به آنها بگو: آیا آنها را به عنوان شفاعتگر می‌گیرید حتی اگر نه برای شما و نه برای خودشان اختیار هیچ‌چیزی را نداشته باشند، و نیندیشند؛ چون آنها جمادات کروی هستند که نه سخن می‌گویند، نه می‌شنوند، نه می‌بینند، نه سود می‌رسانند و نه زیان؟!

﴿قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [الزمر: ۴۴].

④ - ای رسول - به این مشرکان بگو: تمام شفاعت‌ها فقط از آن الله است، و نزد او هیچ‌کس شفاعت نمی‌کند مگر به اذن او، و شفاعت نمی‌شود مگر برای کسی که الله از او راضی باشد. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط برای او است، سپس در روز

قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی او بازگردانیده می‌شوید، آن گاه شما را در قبال اعمال تان جزا می‌دهد.

﴿وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ [الزمر: ۴۵].

﴿۶۱﴾ و هرگاه الله به تنهایی یاد شود دل‌های مشرکانی که به آخرت و رستخیز و حساب و جزای آن ایمان ندارند رویگردان می‌شود، و هرگاه بت‌هایی که آنها را به جای الله عبادت می‌کنند یاد شوند به ناگاه شاد و مسرور می‌گردند.

﴿قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [الزمر: ۴۶].

﴿۶۱﴾ - ای رسول - بگو: بارالها ای آفریدگار آسمان‌ها و زمین بدون نمونه قبلی، ای دانای آنچه نهان و آنچه آشکار است، و ذره‌ای از آن بر تو پوشیده نمی‌ماند، تو به تنهایی در روز قیامت میان بندگان در آنچه که در دنیا اختلاف می‌ورزیدند داوری می‌کنی، و راستگو را از یاهو گو، و خوشبخت را از بدبخت مشخص می‌سازی.

﴿وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ﴾ [الزمر: ۴۷].

﴿۶۱﴾ و اگر تمام افراد و اموال روی زمین برای کسانی باشد که با شرک و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند، به‌طور قطع آنها را برای رهایی خویش از عذاب سختی که پس از رستخیز مشاهده کرده‌اند می‌دهند، اما چنین امکانی برای‌شان فراهم نیست، و به فرض که چنین امکانی برای‌شان وجود داشته باشد از آنها پذیرفته نمی‌شود، و عذاب‌های گوناگونی که انتظارش را نداشتند از جانب الله برای‌شان آشکار می‌گردد.

برخی فواید آیات:

- خواب و بیداری دو درس روزانه برای شناساندن مرگ و رستخیز هستند.
- هرگاه الله به تنهایی نزد کافران یاد شود دل‌تنگ و اندوهگین می‌شوند؛ زیرا به اوامر و نواهی الله یادآوری می‌شوند درحالی‌که از تمام این موارد رویگردان هستند.
- کافر در روز قیامت خودش را در برابر تمام دارایی خویش که در دنیا با آنها بخل می‌ورزید باز خرید می‌کند، اما هرگز از او پذیرفته نخواهد شد.

﴿وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الزمر: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و شرک و گناھانی که مرتکب شده‌اند برای شان آشکار می‌گردد، و همان عذابی آنها را فرا می‌گیرد که وقتی در دنیا از آن ترسانده می‌شدند به تمسخر و ریشخند می‌گرفتند.

﴿فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلَتْهُ نِعْمَةٌ مِنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و هرگاه بیماری یا فقر و آسیبی مانند آن به انسان کافر برسد ما را در دعا می‌خواند تا آسیبی را که به او رسیده از او بزداییم، اما وقتی نعمت سلامتی یا مال به او عطا کنیم این کافر می‌گوید: جز این نیست که الله این نعمت را به این سبب که می‌دانست من استحقاقش را دارم به من عطا کرد، اما در واقع این امر، سبب آزمایش و نزدیک کردن تدریجی او به سوی عذاب است، اما بیشتر کافران این موضوع را نمی‌دانند؛ از این رو به آنچه الله بر آنها بخشیده است فریب می‌خورند.

﴿قَدْ قَالُوا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [الزمر: ۵۰].

﴿۵۰﴾ این سخن را کافران پیش از اینها نیز گفته‌اند، اما اموال و جایگاه‌هایی را که به دست می‌آوردند ذره‌ای آنها را بی‌نیاز نساخت.

﴿فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِن هَؤُلَاءِ سَيَّئِبُهُمْ سَيِّئَاتٌ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾ [الزمر: ۵۱].

﴿۵۱﴾ و مجازات شرک و گناھانی که انجام دادند به آنها رسید، و کسانی از این حاضران نیز که با شرک و گناھان بر خودشان ستم روا می‌دارند به زودی همانند گذشتگان، مجازات بدی‌هایی را که کسب کرده‌اند به آنها خواهد رسید، و هرگز نخواهند توانست از الله بگریزند و بر او چیره نخواهند شد.

﴿أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [الزمر: ۵۲].

﴿۵۲﴾ آیا این مشرکان آن سخنان را گفته‌اند، و ندانسته‌اند که الله رزق و روزی را برای هرکس بخواهد به منظور آزمایش او می‌گشاید که: آیا سپاسگزاری می‌کند یا ناسپاسی؟! و آن را برای هرکس بخواهد به هدف آزمایش او تنگ می‌گرداند که: آیا

شکیبایی می کند یا بر تقدیر الله خشم می گیرد؟! به راستی که در این ایجاد گشایش و تنگ گردانیدن روزی دلالت‌هایی است بر تدبیر الله برای مردمی که ایمان می آورند؛ زیرا آنها هستند که از راهنمایی‌ها سود می‌برند، اما کافران بر آنها می‌گذرند و از آنها روی می‌گردانند.

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الزمر: ۵۳].

۵۳ - ای رسول - به آن بندگانم که در شرک به الله و ارتکاب گناهان از حد گذشته اند بگو: از رحمت الله، و آمرزش گناهان توسط او، نومید نباشید، که الله تمام گناهان را برای کسی که به‌سوی او توبه کند می‌آمرزد؛ زیرا او تعالی نسبت به گناهان توبه‌کاران بسیار آمرزنده، و با آنها بسیار مهربان است.

﴿وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾ [الزمر: ۵۴].

۵۴ - با توبه و اعمال صالح به‌سوی پروردگارتان بازگردید، و از او فرمان‌برداری کنید، قبل از اینکه عذاب روز قیامت شما را فراگیرد و آن‌گاه هیچ‌یک از بت‌ها یا افراد خانواده‌تان را نیابید که شما را با نجات از جهنم یاری رساند.

﴿وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ [الزمر: ۵۵].

۵۵ - و از قرآن که نیکوترین چیزی است که پروردگارتان بر رسولش فرستاده است پیروی کنید؛ یعنی به اوامرش عمل کنید، و از نواهی‌اش اجتناب ورزید، پیش از اینکه عذاب ناگهانی و درحالی که آن را احساس نمی‌کنید تا با توبه برای آن آماده شوید شما را فرا گیرد.

﴿أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ﴾ [الزمر: ۵۶].

۵۶ - این کار را انجام دهید تا مبادا کسی از شدت پشیمانی در روز قیامت بگوید: بر کوتاهی در حق الله به‌سبب کفر و گناهانی که مرتکب شدم، و به‌سبب اینکه مؤمنان و اطاعت‌کنندگان را مسخره می‌کردم پشیمان هستم.

برخی فواید آیات:

- بخشیدن نعمت بر کافر، سبب نزدیک کردن تدریجی او به سوی عذاب است.
- گستردگی رحمت الله به مخلوقاتش.
- پشیمانی سودمند آن است که در دنیا انجام شود، و توبهٔ نصح را به دنبال داشته باشد.

﴿أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾ [الزمر: ۵۷].

﴿۵۷﴾ یا به تقدیر استدلال کند، و بگوید: اگر الله مرا توفیق داده بود به طور قطع از پرهیزگاران او بودم؛ و اوامرش را اجرا، و از نواهی اش اجتناب می کردم.

﴿أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [الزمر: ۵۸].

﴿۵۸﴾ یا آن گاه که عذاب را مشاهده می کند آرزوکنان بگوید: کاش امکان بازگشت به دنیا برایم فراهم بود تا به سوی الله توبه می کردم، و از نیکوکاران می شدم.

﴿بَلَىٰ قَدْ جَاءَ نكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَاْفِرِينَ﴾ [الزمر: ۵۹].

﴿۵۹﴾ امر این گونه نیست که آرزوی هدایت را گمان کردی، زیرا آیات من نزدت آمدند اما آنها را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی، و از کافران به الله و آیات و رسولانش بودی.

﴿وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾ [الزمر: ۶۰].

﴿۶۰﴾ و روز قیامت چهره های کسانی را که به دروغ شریک و فرزند به الله نسبت داده اند به عنوان نشانه بدبختی شان سیاه می بینی، آیا جایگاه متکبران بر ایمان به الله و رسولانش در جهنم نیست؟! آری، به راستی که جایگاه آنها در جهنم است.

﴿وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الزمر: ۶۱].

﴿۶۱﴾ و الله کسانی را که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او تعالی را پیشه کرده اند با وارد نمودن به مکان رستگاری شان یعنی بهشت از عذاب می رهاوند؛ نه عذاب به آنها می رسد، و نه بر بهره دنیوی که از دست داده اند اندوهگین می شوند.

﴿اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ [الزمر: ۶۲].

﴿۶۲﴾ الله آفریدگار همه چیز است، و هیچ آفریدگاری جز او نیست، و او بر هر چیزی نگهبان است، و اداره هر چیزی به دست او است، و آن را هرگونه که بخواهد به کار می اندازد.

﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [الزمر: ۶۳].

﴿۶۳﴾ کلیدهای گنجینه های نعمت های آسمان ها و زمین فقط برای او است، که آن را به هرکس بخواهد می بخشد، و آن را از هرکس بخواهد بازمی دارد، و کسانی که به

آیات الله کفر ورزیده‌اند به سبب محروم ماندن از ایمان در زندگی دنیایی، و به سبب ورود به جهنم در آخرت که برای همیشه در آن می‌مانند، همان زیانکاران هستند.

﴿قُلْ أَفَعَبَّرَ اللَّهُ تَأْمُرُوَنِي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ﴾ [الزمر: ۶۴].

۶۴ - ای رسول - به این مشرکان که از تو می‌خواهند بت‌های‌شان را عبادت کنی بگو: - ای جاهلان به پروردگارتان - آیا به من دستور می‌دهید که غیر الله را عبادت کنم؟! جز الله یگانه، هیچ کس سزاوار عبادت نیست، پس هرگز غیر او را عبادت نمی‌کنم.

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۵].

۶۵ و - ای رسول - به تحقیق که الله به تو و به رسولان پیش از تو وحی کرده است که: اگر دیگران را همراه الله عبادت کنی به طور قطع پاداش اعمال صالح تو نابود می‌شود، و بدون تردید در دنیا با تباهی دین، و در آخرت با عذاب، از زیانکاران خواهی بود.

﴿بَلِ اللَّهِ فَاَعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ [الزمر: ۶۶].

۶۶ بلکه تنها الله را عبادت کن، و هیچ کس را با او شریک مگردان، و از سپاسگزاران او تعالی در قبال نعمتهایی که بر تو بخشیده است باش.

﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الزمر: ۶۷].

۶۷ و مشرکان، الله را آن گونه که سزاوار بزرگی‌اش است بزرگ نشمرده‌اند چون مخلوقات ضعیف و ناتوانش را با او شریک قرار دادند، و از قدرت الله که یکی از مظاهرش این است که زمین با کوه‌ها و درختان و رودها و دریاهايش در روز قیامت در قبضه او است، و تمام آسمان‌های هفت‌گانه با دست راست او تعالی در هم پیچیده می‌شود، غافل مانده‌اند. الله از آنچه مشرکان می‌گویند و به آن باور دارند منزّه و پاک و برتر است.

برخی فواید آیات:

- غرور، اخلاقی نکوهیده و نامبارک است که از رسیدن به حق محروم می‌سازد.
- سیاهی چهره‌ها در روز قیامت نشانه بدبختی صاحبان‌شان است.
- شرک تمام اعمال صالح را تباه می‌سازد.
- اثبات قبضه و دست راست برای الله سبحان، بدون تشبیه و تمثیل.

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ﴾ [الزمر: ۶۸].

۶۸) روزی که فرشتهٔ موظف به دمیدن در صور می‌دمد، تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند می‌میرند، سپس این فرشته بار دوم برای رستاخیز در صور می‌دمد، به ناگاه تمام زندگان برپا می‌ایستند و می‌نگرند که الله چه کاری با آنها انجام خواهد داد.

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالتَّيِّبِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الزمر: ۶۹].

۶۹) و زمین با نور تجلی پروردگار نیرومند برای داوری بین بندگان روشن می‌گردد، و نامه‌های اعمال مردم گشوده می‌شود، و پیامبران آورده می‌شوند، و امت محمد ﷺ آورده می‌شوند تا به نفع پیامبران علیه اقوام‌شان گواهی دهند، و الله عادلانه میان همگی آنها داوری می‌کند، و در آن روز به آنها ستم روا نمی‌رود، یعنی بر بدی هیچ انسانی افزوده نمی‌شود، و از نیکی‌اش کاسته نمی‌گردد.

﴿وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ﴾ [الزمر: ۷۰].

۷۰) و الله جزای هرکسی را، بر اساس عملش که خیر باشد یا شر، به‌طور کامل می‌دهد، و الله از آنچه انجام می‌دهند آگاه‌تر است، و ذره‌ای از کارهای خیر و شرشان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی در این روز آنها را در قبال اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [الزمر: ۷۱].

۷۱) و فرشتگان، کافران به الله را گروه گروه خوارکنان به‌سوی جهنم می‌رانند، تا اینکه به جهنم برسند فرشتگان نگهبان جهنم که بر آن گماشته شده‌اند درهای جهنم را برای‌شان می‌گشایند، و با توییح این‌گونه از آنها استقبال می‌کنند: آیا رسولانی از جنس خودتان نزدتان نیامدند تا آیات نازل شدهٔ پروردگارتان به شما را برای‌تان بخوانند، و شما را از دیدار روز قیامت، به‌سبب عذاب سختی که دارد بترسانند؟! کافران با اقرار علیه خودشان می‌گویند: آری، تمام این موارد حاصل شده است، اما فرمان عذاب بر کافران واجب گردید، و ما از کافران بودیم.

﴿قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ [الزمر: ۷۲].

﴿۷۲﴾ برای خوار و نومید کردن آنها از رحمت الله و خروج از جهنم به آنها گفته می شود: از درهای جهنم وارد شوید و برای همیشه در آن بمانید، و جایگاه متکبران و برتری جویان بر حق، چه بد و زشت است.

﴿وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ [الزمر: ۷۳].

﴿۷۳﴾ و فرشتگان با نرمی، مؤمنان را که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او تعالی را پیشه کرده‌اند گروه گروه گرمی داشته به سوی بهشت می‌برند، تا اینکه به بهشت برسند. درهای بهشت به روی‌شان گشوده می شود، و فرشتگان گماشته شده به بهشت به آنها می‌گویند: بر شما از هر آسیب و هر چیز ناگوار سلامتی باد، دل‌ها و اعمال‌تان پاک شده‌اند، پس به بهشت درآید و برای همیشه در آن بمانید.

﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ [الزمر: ۷۴].

﴿۷۴﴾ و مؤمنان وقتی به بهشت درآیند می‌گویند: تمام ستایش‌ها از آن الله است که وعده‌ای را که بر زبان رسولانش به ما داده بود محقق گردانید، چون به ما وعده داده بود که ما را به بهشت درمی‌آورد، و زمین بهشت را برایمان به میراث داد، که در هر مکانی از آن که بخواهیم جای می‌گیریم، پس چه نیکوست پاداش عاملانی که اعمال صالح را در جستجوی وجه پروردگارشان انجام می‌دهند.

برخی فواید آیات:

- ثبوت دو بار دمیده شدن در صور.
- بیان خواری و ذلتی که کافران با آن روبه‌رو می‌شوند، و احترام بزرگداشتی که مؤمنان با آن استقبال می‌شوند.
- ثبوت جاودانگی کافران در جهنم، و جاودانگی مؤمنان در نعمت‌های بهشتی.
- عمل پاکیزه جزای پاکیزه را به جای می‌گذارد.

﴿وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الزمر: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و فرشتگان در این روز مشهود گرداگرد عرش حلقه می‌زنند، و الله را از آنچه سزاوارش نیست و کافران آن را به زبان می‌آورند منزّه و پاک برمی‌شمارند، و الله میان تمام مخلوقات به عدالت داوری می‌کند، آن‌گاه هرکس را بخواهد گرامی می‌دارد و هرکس را بخواهد عذاب می‌کند، و گفته می‌شود: تمام ستایش‌ها از آن الله پروردگار مخلوقات است به سبب قضاوتی که در آن برای بندگان مؤمن خویش رحمت، و برای بندگان کافر خویش عذاب را حکم کرد.

سوره غافر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

درمان مجادله کنندگان در آیات الله از طریق گفتگو و دعوت آنها به بازگشت به سوی حق.

تفسیر:

﴿حم﴾ [غافر: ۱].

﴿۱﴾ ﴿حم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [غافر: ۲].

﴿۲﴾ قرآن از جانب الله، ذات شکست ناپذیری که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و نسبت به مصالح بندگان بسیار دانا است بر رسولش محمد ﷺ نازل شده است.

﴿غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّلُوعِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ الْمَصِيرِ﴾ [غافر: ۳].

﴿۳﴾ ذاتی که آمرزنده گناهان، پذیرنده توبه کسانی از بندگان که به سوی او توبه کنند، سخت کیفر برای کسانی که از گناهان‌شان توبه نکرده‌اند و بخشنده و مهربان

است. هیچ معبود برحقى جز او نیست، بازگشت بندگان در روز قیامت فقط به سوى او است، و آنها را به آنچه که سزاوارش هستند جزا می‌دهد.

﴿مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ﴾ [غافر: ۴].

① هیچ کس در آیات الله که بر یگانگی او تعالی و راستی رسولانش دلالت دارند ستیزه جویی نمی‌کند مگر کسانی که به سبب تباهی عقل‌هایشان به الله کفر ورزیده اند، پس بر آنها اندوه مدار، روزی و نعمت‌های گسترده‌ای که دارند نباید تو را بفریبید، زیرا مهلتی که به آنها داده می‌شود برای نزدیک کردن تدریجی به سوى عذاب و فریب دادن آنها است.

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ [غافر: ۵].

② پیش از اینها قوم نوح به تکذیب پرداخته‌اند، و گروه‌هایی که قبل از اینها و پس از قوم نوح آمده‌اند، یعنی عاد و ثمود و قوم لوط و اصحاب مدین، و فرعون تکذیب کرده‌اند، و هر یک از امت‌ها قصد رسول‌شان را کردند تا او را بگیرند و به قتل برسانند، و به باطل خویش جدال کردند تا حق را با آن از بین ببرند، و تمام این امت‌ها را فرو گرفتیم. پس بیندیش که کیفر من برای‌شان چگونه بوده، به تحقیق که کیفری سخت بوده است.

﴿وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ﴾ [غافر: ۶].

③ و همان‌گونه که الله به نابود کردن تمام امت‌های تکذیب کننده فرمان داد، - ای رسول - این فرمان پروردگارت بر کسانی که کفر ورزیده‌اند واجب شده که ساکنان جهنم باشند.

﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ [غافر: ۷].

④ - ای رسول - فرشتگانی که عرش پروردگارت را برمی‌دارند، و فرشتگانی که گرداگرد آن هستند، پروردگارش را از آنچه که سزاوارش نیست منزه می‌شمارند، و به او ایمان می‌آورند، و در طلب آمرزش برای کسانی که به الله ایمان آورده‌اند، این

گونه دعا می‌کنند: پروردگارا، علم و مهربانی تو همه‌چیز را فرا گرفته است، پس کسانی را که از گناهان‌شان توبه کرده، و از دین تو پیروی کرده‌اند، ببخشای و آنان را از آتش جهنم محافظت کن.

برخی فواید آیات:

- جمع میان تشویق در رحمت الله، و ترساندن از سختی عذاب او تعالی: روشی نیکوست.
- ستایش الله با توحید او تعالی و تسبیح به حمد او تعالی یکی از آداب دعا است.
- بزرگداشت مؤمن نزد الله؛ چون فرشتگان را بر آن داشته تا برای او طلب آمرزش کنند.

﴿رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [غافر: ۸].

۸ و فرشتگان می‌گویند: پروردگارا، مؤمنان را به بهشت‌های جاویدانی که به آنها وعده داده‌ای وارد کن، و همراه آنها از میان پدران و همسران و فرزندانشان، کسانی را که عمل صالح انجام داده‌اند داخل کن. در حقیقت تو ذات شکست ناپذیری هستی که هیچ‌کس بر تو چیره نمی‌شود، و در تقدیر و تدبیر خویش بسیار دانا هستی.

﴿وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [غافر: ۹].

۹ و آنها را از اعمال بدشان نگاه دار و در قبال این اعمال آنها را عذاب نکن، و هرکس که تو او را از کیفر بر اعمال بدش محافظت کنی به تحقیق که به او رحم کرده‌ای. این محافظت از عذاب، و رحمت با ورود به بهشت، همان رستگاری بزرگی است که هیچ رستگاری دیگری با آن برابری نمی‌کند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لِمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ﴾ [غافر: ۱۰].

۱۰ همانا کسانی که به الله و رسولانش کفر ورزیده‌اند در روز قیامت آن‌گاه که به جهنم درآورده می‌شوند و بر خودشان انتقاد و نفرین می‌کنند این‌گونه ندا زده می‌شوند: به تحقیق که شدت خشم الله برای‌تان بزرگتر از شدت خشم شما بر خودتان است چون در دنیا به ایمان به سوی الله فرا خوانده می‌شدید اما به او کفر می‌ورزیدید، و معبودهایی همراه او تعالی می‌گرفتید.

﴿قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِّن سَبِيلٍ﴾ [غافر: ۱۱].

۱۱ و کافران آن‌گاه که اقرار و توبه‌شان سودی نمی‌رساند با اقرار به گناهان‌شان می‌گویند: پروردگارا، ما را دو بار میراندی آن‌گاه که عدم بودیم و ما را پدید آوردی، سپس ما را میراندی، و با پدید آوردن ما از عدم، و زنده گردانیدن ما برای رستخیز، دو بار ما را زنده گردانیدی، و به گناهانمان که مرتکب شده‌ایم اعتراف کردیم، آیا

برای خروج از جهنم راهی هست که آن را بیماییم و به زندگی بازگردیم تا اعمال صالح انجام دهیم، و از ما راضی شوی؟!

﴿ذَلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ﴾ [غافر: ۱۲].

⑬ این عذاب که در آن قرار دارید بدان سبب است که وقتی الله به تنهایی در دعا فرا خوانده می‌شد و هیچ‌کس با او شریک قرار داده نمی‌شد به او کفر می‌ورزیدید و شریکانی برایش قرار می‌دادید، و هرگاه شریکی همراه الله عبادت می‌شد ایمان می‌آوردید، پس حکم فقط از آن الله است، که به ذات و تقدیر و قدرت خویش برتر است، و ذات بسیار بزرگی است که همه‌چیز از او پایین‌تر هستند.

﴿هُوَ الَّذِي يُرِيكُم آيَاتِهِ وَيُنَزِّل لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ﴾ [غافر: ۱۳].

⑭ الله همان ذاتی است که نشانه‌هایش را در جهان و در خودتان به شما می‌نمایاند؛ تا شما را بر قدرت و یگانگی او تعالی راهنمایی کنند، و آب باران را از آسمان بر شما فرو می‌فرستد تا گیاهان و محصولات و سایر روزی‌هایتان را برویاند، و فقط کسی از آیات الله پند می‌پذیرد که توبه‌کنان و خالصانه به‌سوی او بازگردد.

﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [غافر: ۱۴].

⑮ پس - ای مؤمنان - درحالی که طاعت و دعا را برای الله خالص گردانیده‌اید و به او شرک نورزیده‌اید او را در دعا بخوانید، هر چند کافران این کار را نپسندند و از این کار به خشم آیند.

﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ﴾ [غافر: ۱۵].

⑯ و فقط او سزاوار است که دعا و طاعت برایش خالص گردانیده شود؛ زیرا برخلاف تمام مخلوقاتش درجاتی والا دارد، و صاحب عرش بزرگ است. وحی را برای هر یک از بندگان که بخواهد می‌فرستد تا هم خودشان بیدار شوند و هم دیگران را بیدار کنند و به این هدف که مردم را از روز قیامت که در آن، همگی به هم می‌پیوندند بترسانند.

﴿يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِّمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ﴾
[غافر: ۱۶].

﴿۱۶﴾ روزی که در میدانی واحد گرد آورده شوند و ظاهر و آشکار گردند، هیچ چیز از آنها، نه خودشان و نه اعمالشان و نه جزایشان، بر الله پوشیده نمی ماند، و سوال می شود: امروز فرمانروایی از آن کیست؟! اکنون یک پاسخ بیشتر وجود ندارد؛ فرمانروایی از آن الله است که در ذات و صفات و افعالش یگانه است، ذات نیرومندی که بر هر چیزی غلبه دارد، و همه چیز در برابر او فروتن است.

برخی فواید آیات:

- محل پذیرش توبه، زندگی دنیا است.
- فقط بندگان توبه‌ار، از اندزها فایده می برند.
- استقامت مؤمن تحت تأثیر مواضع کافران که دینش را رد می کنند قرار نمی گیرد.
- خواری و فروتنی پادشاهان ستمگر و ظالم در برابر الله در روز قیامت.

﴿الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ [غافر: ۱۷].

امروز هرکسی در قبال عملی که انجام داده است جزا داده می‌شود، اگر عملش خیر باشد جزای خیر، و اگر عملش شر باشد جزای شر به او داده می‌شود، و هیچ ستمی در این روز روا نمی‌رود؛ زیرا حاکم، همان الله عادل است. به‌راستی که الله برای بندگان محاسبه کننده‌ای سریع است؛ چون علم او تعالی بر آنها احاطه دارد.

﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَذْقَانِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَازِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاع﴾ [غافر: ۱۸].

و - ای رسول - آنها را از روز قیامت بترسان، همین قیامت که نزدیک شده، و آمدنی است، و هر آنچه که آمدنی باشد نزدیک است. در آن روز دل‌ها از ترس زیاد بالا می‌آیند تا اینکه به حلقوم‌های صاحبان‌شان می‌رسند، همان کسانی که خاموش می‌شوند و هیچ‌یک از آنها سخن نمی‌گویند مگر کسی که الله رحمان به او اجازه دهد، و کسانی که با شرک و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند نه هیچ دوست و خویشاوندی دارند، و نه هیچ شفاعتگر اطاعت شده‌ای دارند که اگر به فرض به او اجازه شفاعت داده شود اطاعت شود.

﴿يَعْلَمُ حَايَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ [غافر: ۱۹].

الله از آنچه که چشمان بینندگان، پنهانی می‌ربایند، و از آنچه که سینه‌ها پنهان می‌دارند آگاه است، و ذره‌ای از این موارد بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [غافر: ۲۰].

و الله به عدالت حکم می‌کند، و بر هیچ‌کس نه با کاستن از نیکی‌هایش، و نه با افزودن بر بدی‌هایش ستم نمی‌کند، و کسانی که مشرکان آنها را به جای الله عبادت می‌کنند به هیچ‌چیز حکم نمی‌کنند؛ زیرا مالک چیزی نیستند. به‌راستی که الله سخنان بندگان را می‌شنود، و نیت و اعمال‌شان را می‌بیند، و به‌زودی آنها را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿* أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ﴾ [غافر: ۲۱].

﴿۲۱﴾ آیا این مشرکان در زمین نگشته‌اند، تا ببیندیشند سرانجام امت‌های تکذیب کننده پیش از آنها چگونه بوده است. به تحقیق که سرانجام بدی داشته‌اند، آن امت‌ها از اینها نیرومندتر بودند، و از طریق ساخت و ساز، آثاری در زمین بر جای گذاشتند که اینها چنین آثاری از خویش بر روی زمین به جا نگذاشته‌اند. با این وجود، الله آنها را به سبب گناهان‌شان نابود کرد، و هیچ محافظی نداشتند که در برابر عذاب الله از آنها محافظت کند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [غافر: ۲۲].

﴿۲۲﴾ تنها سبب رسیدن این عذاب به آنها این بود که رسولان‌شان از جانب الله دلایل روشن و حجت‌های آشکار برای‌شان می‌آوردند، اما به الله کفر می‌ورزیدند و رسولانش را تکذیب می‌کردند، و با وجود نیرویی که داشتند الله آنها را فرو گرفت و نابود کرد. به‌راستی که او سبحانه ذاتی توانا و سخت‌کیفر است برای کسی که به او کفر ورزد، و رسولانش را تکذیب کند.

وقتی پیامبر ﷺ با تکذیب قومش روبرو شد الله قصهٔ موسی عليه السلام با فرعون را، برای دادن این مژده به او که سرانجام کارش پیروزی است، بیان کرد و فرمود:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ [غافر: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و به تحقیق که موسی را با آیات آشکار، و برهانی قاطع فرستادیم.

﴿إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاجِرٌ كَذَّابٌ﴾ [غافر: ۲۴].

﴿۲۴﴾ به‌سوی فرعون و وزیرش هامان و به‌سوی قارون، اما گفتند: موسی در ادعای رسالت، ساحر و دروغگو است.

﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾ [غافر: ۲۵].

﴿۲۵﴾ پس وقتی موسی عليه السلام برهان دلالت کننده بر راستگویی خویش را آورد فرعون گفت: پسران کسانی را که همراه او ایمان آورده‌اند بکشید، و برای تحقیر آنها زنان

شان را زنده نگه دارید، و نیرنگ کافران برای کم کردن شمار مؤمنان چیزی جز نیرنگی نابود شدنی و از بین رفتنی نیست، که هیچ اثری ندارد.

برخی فواید آیات:

- یادآوری روز قیامت یکی از بزرگترین عوامل بازدارنده از گناهان است.
- احاطه علم الله به اعمال نهان و آشکار بندگان.
- امر به مسافرت در روی زمین برای پندگیری از حال مشرکانی که نابود شده‌اند.

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ﴾ [غافر: ۲۶].

۶۶ و فرعون گفت: مرا رها کنيد تا موسى را به سزای کيفرش بکشم، و پروردگارش را در دعا بخواند تا او را در برابر من محافظت کند؛ زیرا برایم مهم نيست که پروردگارش را در دعا بخواند، بلکه از اين امر می ترسم که دين تان را تغيير دهد، يا با کشتار و ويرانی، موجب فساد در زمين گردد.

﴿وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ﴾ [غافر: ۲۷].

۶۷ و موسى ﷺ وقتی از تهديد فرعون آگاه شد گفت: همانا من از هر متکبر در برابر حق و ايمان به آن، که به روز قيامت، و حساب و کيفرش ايمان نمی آورد، به پروردگار خودم و پروردگار شما پناه برده ام.

﴿وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ﴾ [غافر: ۲۸].

۶۸ و مردی مؤمن به الله از خاندان فرعون که ايمان خویش را از قومش پنهان می داشت برای اعتراض به آنها بر تصميم به قتل موسى ﷺ گفت: آیا مردی بی گناه را می کشيد فقط برای اينکه می گويد: پروردگار من الله است، و حجت ها و براهين دلالت کننده بر راستگویی خویش در اين ادعا که فرستاده ای از جانب پروردگارش است را برای تان آورده است؟! و اگر به فرض دروغگو باشد زبان دروغش به خودش باز می گردد، و اگر راستگو باشد بخشی از عذاب که به شما وعده می دهد به زودی به شما خواهد رسيد. به راستی که الله کسی را که از حدود او تعالی می گذرد، و بر او و رسولش افترا می بندد، به سوی حق توفيق نمی دهد.

﴿يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّسَادِ﴾ [غافر: ۲۹].

۶۹ ای قوم من، امروز فرمانروایی مصر برای شماست و در اين سرزمين چيره هستيد، اما اگر به سبب قتل موسى، عذاب الله به ما برسد چه کسی به ما ياری می رساند؟!

فرعون گفت: نظر، نظر من و حکم، حکم من است، و نظر من این است که برای دفع شر و فساد، موسی را بکشم، و شما را جز به حق و راستی راهنمایی نمی‌کنم.

﴿وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ﴾ [غافر: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و کسی که ایمان آورده بود برای نصیحت قومش گفت: همانا - اگر موسی را از روی ستم و ناحق بکشید - از عذابی مانند عذاب گروه‌های پیشین که علیه رسولان شان به دور هم جمع شدند و الله آنها را نابود کرد، بر شما می‌ترسم.

﴿مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلْمًا لِلْعِبَادِ﴾ [غافر: ۳۱].

﴿۳۱﴾ مثل عادت کسی که کفر ورزید و رسولان را تکذیب کرد مانند قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که پس از آنها آمدند، که الله آنها را به سبب کفر و تکذیب رسولانش نابود کرده است، و الله ستم برای بندگان نمی‌خواهد، و آنها را فقط به سبب گناهانشان، به کیفر مناسب، عذاب می‌کند.

﴿وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ﴾ [غافر: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و ای قوم من، همانا من از روز قیامت بر شما می‌ترسم، همان روزی که مردم به سبب خویشاوندی یا مقام شخص، یکدیگر را صدا می‌زنند به این گمان که این روش در این جایگاه هولناک به آنها سود می‌رساند.

﴿يَوْمَ تُؤَلَوْنَ مُدِيرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾ [غافر: ۳۳].

﴿۳۳﴾ روزی که از ترس جهنم برای فرار پشت می‌کنید، هیچ پشتیبانی ندارید که در برابر عذاب الله از شما محافظت کند، و هرکس که الله دست از یاری‌اش بردارد و به ایمان توفیقش ندهد هیچ هدایتگری ندارد که او را هدایت کند؛ زیرا هدایت توفیق فقط به دست الله است.

برخی فواید آیات:

- پناه بردن مؤمن به پروردگارش تا او را از نیرنگ دشمنانش محافظت کند.
- جواز کتمان ایمان به سبب وجود مصلحت برتر یا دفع مفسده.
- خیرخواهی برای مردم، یکی از صفات مؤمنان است.

﴿وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ﴾ [غافر: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و به تحقیق که پیش از موسی، یوسف دلایل آشکار بر یگانگی الله را برای تان آورد، اما شما پیوسته در شک و تکذیب دلایلی که برای تان آورد بودید، تا وقتی از دنیا رفت بر شک و دو دلی شما افزوده شد، و گفتید: الله هرگز رسولی پس از او نخواهد فرستاد. مانند این گمراهی شما از حق، الله هر متجاوز از حدودش، و تردید کننده در یگانگی اش را گمراه می سازد.

﴿الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ﴾ [غافر: ۳۵].

﴿۳۵﴾ کسانی که بدون اینکه هیچ حجت و دلیلی برای شان آمده باشد در آیات الله ستیزه جویی می کنند تا آنها را باطل سازند، جدال شان مایه خشم بزرگی نزد الله و نزد کسانی که به او تعالی و رسولانش ایمان آورده اند شده است. همان گونه که الله بر دل های این ستیزه جویان در آیات ما به هدف ابطال آنها ماهر زده است بر دل هر متکبر روی گردان از حق مهر می زند، و او را به حق هدایت نمی کند، و به خیر راهنمایی نمی گرداند.

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِي لِي صَرِّحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ﴾ [غافر: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و فرعون به وزیرش هامان گفت: ای هامان، بنایی مرتفع برایم بساز تا به راهها (و درها) دست یابم.

﴿أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ﴾ [غافر: ۳۷].

﴿۳۷﴾ تا به راههایی که به آسمان منتهی می شود دست یابم، آن گاه به معبود موسی که ادعا می کند همان معبود برحق است بنگرم، و قطعاً من گمان می کنم موسی در ادعایش دروغگو است. به این ترتیب زشتی عمل فرعون برایش زینت داده شد آن گاه که این امر را از هامان خواست، و از راه حق به راه گمراهی منحرف شد، و نیرنگ فرعون - برای پیروز کردن باطلی که بر آن بود، و ابطال حقی که موسی عليه السلام

آورده بود جز به تباهی نینجامید؛ زیرا سرانجامش نومیدی و شکست در تلاش، و بدبختی‌ای که هرگز قطع نمی‌شود بود.

﴿وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ﴾ [غافر: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و آن مرد از خاندان فرعون که ایمان آورده بود برای نصیحت و راهنمایی قومش به راه حق گفت: ای قوم من، از من پیروی کنید تا شما را به راه درست، و هدایت به سوی حق رهنمود و راهنمایی کنم.

﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ [غافر: ۳۹].

﴿۳۹﴾ ای قوم من، این زندگی دنیا فقط بهره بردن از خوشی‌های موقتی است، پس نباید کالاهای نابود شدنی آن شما را بفریبد، و به‌راستی که سرای آخرت به‌سبب نعمت‌های همیشگی و ماندگاریش سرای آرامش و اقامت است، پس با طاعت الله برای آن سرا عمل کنید، و برحذر باشید از اینکه به‌سبب زندگی دنیایی‌تان از کار برای آخرت بازمانید.

﴿مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ [غافر: ۴۰].

﴿۴۰﴾ هرکس کار بدی انجام دهد جز به مانند آنچه عمل کرده است کیفر نمی‌شود، و عذابی بر آن افزوده نمی‌شود. و هرکس کار نیکی انجام دهد و با آن در پی وجه الله باشد، مرد باشد یا زن، و به الله و رسولانش ایمان آورده باشد، افراد موصوف به این صفات پسندیده، روز قیامت در بهشت وارد می‌شوند، و الله از ثمرات و نعمت‌های ماندگاری که در بهشت قرار داده و هرگز قطع نمی‌شوند بدون شمارش به آنها روزی می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- جدال برای ابطال حق و احقاق باطل خصلتی نکوهیده، و یکی از صفات گمراهان است.
- تکبر مانع هدایت به سوی حق است.
- شکست حيله‌ها و نیرنگ‌های کافران برای ابطال حق.
- وجوب آمادگی برای آخرت، و غافل نشدن از آن بخاطر دنیا.

﴿وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى التَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى التَّارِكِ﴾ [غافر: ۴۱].

۴۱) و ای قوم من، چه شده است که من شما را با دعوت به ایمان به الله و عمل صالح برای رهایی از زیان در زندگی دنیا و آخرت فرامی خوانم، و شما مرا با دعوت به کفر و نافرمانی الله به ورود در جهنم فرامی خوانید؟!

﴿تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْعَقَّارِ﴾ [غافر: ۴۲].

۴۲) مرا به سوی باطل خویش فرامی خوانید تا به الله کفر ورزم، و همراه او تعالی دیگری را عبادت کنم که هیچ دانشی بر صحت عبادت او همراه الله ندارم، و من شما را به سوی ایمان به الله ذات شکست ناپذیری که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و ذات بسیار آمرزنده ای که بندگانش را می بخشد فرامی خوانم.

﴿لَا جَزَمَ أَنَّ تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ التَّارِكِ﴾ [غافر: ۴۳].

۴۳) در حقیقت آنچه مرا برای ایمان به آن و فرمان برداری از آن فرامی خوانید، هیچ دعوتی نه در دنیا و نه در آخرت ندارد که با آن به سوی حق فراخوانده شود، و به کسی که آن را در دعا بخواند پاسخ نمی دهد، و بازگشت همگی ما فقط به سوی الله است، و کسانی که در کفر و گناهان زیاده روی می کنند ساکنان جهنم هستند که ورود به آن در روز قیامت برای شان لازم گشته است.

﴿فَسْتَذْكُرُونَ مَا أَقُولَ لَكُمْ وَأَفَؤُصُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ [غافر: ۴۴].

۴۴) اما نصیحتش را نپذیرفتند، و او گفت: به زودی نصیحتی را که برای تان عرضه داشتم به یاد خواهید آورد، و به خاطر نپذیرفتن آن افسوس خواهید خورد، و تمام کارهایم را فقط به الله وامی گذارم، زیرا ذره ای از اعمال بندگانش بر او پوشیده نمی ماند.

﴿فَوْقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ﴾ [غافر: ۴۵].

۴۵) پس وقتی خواستند او را بکشند الله او را از نیرنگ بدشان محافظت کرد، و عذاب غرق شدگی خاندان فرعون را فراگرفت، الله او و تمام لشکریانش را در دنیا غرق ساخته است.

﴿التَّارِ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ﴾ [غافر: ۴۶].

﴿۶۶﴾ و پس از مرگشان، در ابتدا و پایان روز در قبرهای شان بر آتش عرضه می‌شوند، و روز قیامت گفته می‌شود: پیروان فرعون، به سبب کفر و تکذیب و بازداشتن از راه الله که مرتکب می‌شدید، به سخت‌ترین و بزرگ‌ترین عذاب درآید.

﴿وَإِذْ يَتَحَاوَنُونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ﴾ [غافر: ۴۷].

﴿۶۷﴾ و -ای رسول- به یاد آور آن‌گاه که پیروان و پیشوایان ساکنان جهنم با یکدیگر نزاع و کشمکش می‌کنند، و پیروان مستضعف بر پیشوایان متکبر می‌گویند: به راستی که ما در دنیا پیروان شما در گمراهی بودیم، پس آیا شما بخشی از عذاب الله را از ما برمی‌دارید و جانشین ما در این کار می‌شوید!؟

﴿قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ﴾ [غافر: ۴۸].

﴿۶۸﴾ پیشوایان مستکبر می‌گویند: همانا ما- چه پیرو باشیم چه پیشوا- در جهنم هستیم، و هیچ‌یک از ما بخشی از عذاب دیگری را تحمل نمی‌کند، زیرا الله میان بندگان حکم کرده است، و به هرکس عذابی را که مستحق آن بوده داده است.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ﴾ [غافر: ۴۹].

﴿۶۹﴾ و پیروان و پیشوایان عذاب شده در جهنم، وقتی نومید می‌شوند که از جهنم خارج و به زندگی دنیا بازگردند تا توبه کنند به فرشتگان گماشته شده به جهنم می‌گویند: از پروردگارتان درخواست کنید که یک روز از این عذاب همیشگی را از ما بردارد.

برخی فواید آیات:

- اهمیت توکل بر الله.
- نجات دعوتگر به سوی حق از مکر دشمنانش.
- ثبوت عذاب برزخ.
- چنگ زدن کافران به هر سببی که آنها را هر چند به مدت محدودی از جهنم راحت کند، اما این امر هرگز محقق نخواهد شد.

﴿قَالُوا أَوْلَمَ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ﴾ [غافر: ۵۰].

﴿۵۰﴾ نگهبانان جهنم در پاسخ به کافران می‌گویند: آیا رسولان تان براهین و دلایل آشکار را نمی‌آوردند؟! کافران می‌گویند: آری، براهین و دلایل آشکار را برایمان می‌آوردند. نگهبانان برای تمسخر آنها می‌گویند: پس خودتان درخواست کنید؛ زیرا ما برای کافران شفاعت نمی‌کنیم، اما درخواست کافران جز در تباهی و نابودی نیست، چون به سبب کفرشان از آنها پذیرفته نمی‌شود. الله پس از بیان قصه فرعون و سرانجام کار او و پیروانش در دنیا و آخرت، کار رسولان و مؤمنان، و پیروزی در دنیا و آخرت را که به آن دست می‌یابند بیان کرد و فرمود:

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ [غافر: ۵۱].

﴿۵۱﴾ به راستی که ما رسولانمان و کسانی را که به الله و رسولانش ایمان آورده‌اند در دنیا با پیروزی حجت‌شان و تقویت آنها در برابر دشمنانشان، و در روز قیامت با وارد نمودن آنها در بهشت، و کیفر دشمنان دنیایی‌شان با وارد نمودن‌شان در جهنم پس از اینکه پیامبران و فرشتگان و مؤمنان بر انجام تبلیغ و تکذیب امت‌ها گواهی می‌دهند یاری می‌رسانیم.

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ﴾ [غافر: ۵۲].

﴿۵۲﴾ روزی که کسانی که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند، عذرخواهی‌شان از ستمی که مرتکب شده‌اند سودی به آنها نمی‌رساند. و در آن روز از رحمت الله رانده می‌شوند، و در آخرت به سبب عذاب دردناکی که با آن روبه‌رو می‌شوند سرای بدی دارند.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ﴾ [غافر: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و به تحقیق که به موسی علیه السلام علمی که با آن بنی اسرائیل را به سوی حق راهنمایی می‌کرد عطا کردیم، و تورات را کتابی موروثی میان بنی اسرائیل قرار دادیم که نسل به نسل آن را به ارث می‌بردند.

﴿هُدَىٰ وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [غافر: ۵۴].

﴿۵۴﴾ برای هدایت به راه حق، و یادآوری صاحبان عقل‌های سلیم.

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾
[غافر: ۵۵].

﴿۵۵﴾ پس - ای رسول - در برابر تکذیب و آزارهای قومت که به تو می‌رسد شکیبایی کن؛ زیرا وعدهٔ الله به تو مبنی بر پیروزی و تقویت، حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد، و برای گناهت آمرزش بخواه، و به ستایش پروردگارت در ابتدا و پایان روز تسبیح بگو.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [غافر: ۵۶].

﴿۵۶﴾ به راستی کسانی که بدون هیچ دلیل و برهانی در آیات الله نزاع می‌کنند تا آنها را باطل سازند، چیزی جز ارادهٔ برتری جویی و تکبر بر حق، آنها را بر این کار نمی‌کشاند، و هرگز به این برتری جویی بر حق که می‌خواهند نخواهند رسید. پس - ای رسول - به الله پناه ببر؛ زیرا او سخنان بندگان را می‌شنود، و اعمال‌شان را می‌بیند، و هیچ چیز از دستش نمی‌رود، و به زودی آنها را در قبال سخنان و اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [غافر: ۵۷].

﴿۵۷﴾ به طور قطع آفرینش آسمان‌ها و زمین با توجه به ستبری و گستردگی‌شان از آفرینش مردم بزرگ‌تر است، پس کسی که این دو را با وجود بزرگی‌شان آفریده است بر برانگیختن مردگان از قبرهای‌شان به صورت زنده توانا است تا آنها را مورد محاسبه و جزا قرار دهد. اما بیشتر مردم نمی‌دانند، و از آن پند نمی‌گیرند و این امر آشکار را دلیلی بر رستاخیز نمی‌گیرند.

﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ﴾ [غافر: ۵۸].

﴿۵۸﴾ و کسی که نمی‌بیند و کسی که می‌بیند با هم یکسان نیستند، و کسانی که به الله ایمان آورده، و رسولانش را تصدیق کرده و اعمال نیکو انجام داده‌اند، با کسی که با اعتقاد فاسد و گناهان، مرتکب اعمال بد شده است یکسان نیستند. جز اندکی پند

نمی‌گیرید؛ چون اگر پند می‌گرفتید قطعاً به تفاوت میان این دو گروه پی می‌بردید و می‌کوشیدید از کسانی باشید که در جستجوی رضایت الله ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند.

برخی فواید آیات:

- یاری الله به رسولانش و مؤمنان، سنتی الهی و ثابت است.
- عذرخواهی ستمکار در روز قیامت سودی به او نمی‌رساند.
- اهمیت صبر در رویارویی با باطل.
- دلالت آفرینش آسمان‌ها و زمین بر رستاخیز؛ زیرا ذاتی که مخلوق بزرگ را آفریده بر بازگرداندن زندگی به کوچکتر از آن توانا است.

﴿إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [غافر: ۵۹].

① به طور قطع و بدون تردید قیامت که الله در آن مردگان را برای حسابرسی و جزا برمی‌انگیزد آمدنی است، اما بیشتر مردم به آمدن این روز ایمان نمی‌آورند، و به همین دلیل برای آن آماده نمی‌شوند.

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

② و - ای مردم - پروردگارتان می‌فرماید: فقط مرا عبادت کنید و فقط از من بخواهید، تا دعای‌تان را اجابت کنم و از شما درگذرم و به شما رحم کنم. همانا کسانی که از یگانه دانستن من در عبادت تکبر می‌ورزند در روز قیامت خوار و ذلیل به جهنم وارد می‌شوند.

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ﴾ [غافر: ۶۱].

③ الله همان ذاتی است که شب را برای‌تان تاریک قرار داد تا در آن آرام گیرید و استراحت کنید، و روز را درخشان و روشنی بخش قرار داد تا در آن کار کنید. به راستی که الله صاحب بخششی بزرگ بر مردم است که نعمت‌های آشکار و نهانش را بر آنها کامل کرده است، اما بیشتر مردم از او سبحانه در قبال این نعمت‌ها که به آنها ارزانی داشته است سپاسگزاری نمی‌کنند.

﴿ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِي تُوَفَّكُونَ﴾ [غافر: ۶۲].

④ این الله که نعمت‌هایش را به شما بخشیده، آفریدگار همه‌چیز است، و هیچ آفریدگاری جز او وجود ندارد. هیچ معبود برحق جز او نیست، پس چگونه از عبادت او به عبادت کسانی که مالک هیچ سود و زبانی نیستند بازگردانیده می‌شوید.

﴿كَذَلِكَ يُؤَفِّكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾ [غافر: ۶۳].

⑤ همان‌گونه که اینها از ایمان به الله و عبادت او به یگانگی و وحدانیت رویگردان شده‌اند، در هر زمان و مکانی کسی که آیات دلالت‌کننده الله بر یگانگی او تعالی را انکار می‌کند از ایمان و عبادت او به یگانگی و وحدانیت بازگردانیده می‌شود، و به هیچ حقیقتی هدایت نمی‌شود، و به هیچ راه راستی توفیق نمی‌یابد.

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمُ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُم فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [غافر: ۶۴].

① - ای مردم - الله همان ذاتی است که زمین را قرارگاهی آماده برای آرام گرفتن شما بر روی آن، و آسمان را بنایی مستحکم و بازداشته شده از سقوط بر روی سرتان قرار داد، شما را در رحم‌های مادران تان شکل و صورت بخشید و شکل شما را نیکو کرد، و از طعام‌های حلال و لذیذ به شما روزی داد، ذاتی که نعمت‌های مذکور را به شما ارزانی داشته است همان الله پروردگارتان است. الله پروردگار تمام مخلوقات، برتر و مقدس است، و هیچ پروردگاری غیر او سبحانه ندارند.

﴿هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [غافر: ۶۵].

② او ذات زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد، و معبود برحقى جز او نیست. پس فقط او را با عبادت و درخواست در دعا بخوانید؛ درحالی‌که فقط وجه او را قصد می‌کنید، و هیچ‌یک از مخلوقاتش را با او شریک نگردانید، تمام ستایش‌ها از آن الله پروردگار مخلوقات است.

﴿* قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [غافر: ۶۶].

③ - ای رسول - بگو: همانا الله مرا نهی کرده از اینکه این بت‌هایی که شما آنها را به جای الله عبادت می‌کنید و هیچ سود و زیبایی نمی‌رسانند عبادت کنم درحالی‌که براهین و دلایل آشکار بر بطلان عبادت آنها برابم آمده است، و الله به من فرمان داده که با عبادت فقط از او فرمان‌برداری کنم؛ زیرا او پروردگار تمام مخلوقات است، و هیچ پروردگاری جز او ندارند.

برخی فواید آیات:

- قرار گرفتن دعا در مفهوم عبادت که جز به‌سوی الله به‌کار گرفته نمی‌شود؛ زیرا دعا خود عبادت است.
- نعمت‌های الله، سپاسگزاری از سوی بندگان را ایجاب می‌کند.
- ثبوت صفت حیات برای الله.
- اهمیت اخلاص در عمل.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِيَكونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَن يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [غافر: ۶۷].

۶۷) او همان ذاتی است که پدرتان آدم را از خاک آفرید، سپس آفرینش شما را از نطفه قرار داد، و پس از نطفه از خونی بسته، و پس از آن شما را به صورت طفلانی کوچک از شکم‌های مادران‌تان درمی‌آورد، تا به سن سخت و استوار شدن بدن برسید، سپس تا بزرگ شوید و به مرحله پیری برسید، و برخی از شما قبل از این سن می‌میرند، و تا به زمان مشخصی در علم الله برسید، که نه از آن می‌کاهید، و نه بر آن می‌افزایید، و باشد که با این حجت‌ها و دلایل قدرت و یگانگی او تعالی سود ببرید.

﴿هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ﴾ [غافر: ۶۸].

۶۸) فقط او سبحانه همان ذاتی است که زنده کردن به دست او است، و فقط او همان ذاتی است که میراندن به دست او است، و هرگاه به چیزی حکم کند فقط به آن می‌گوید: (کن، باش)، به ناگاه موجود می‌شود.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ﴾ [غافر: ۶۹].

۶۹) ای رسول - آیا ندیده‌ای کسانی را که با وجود وضوح آیات الله، برای تکذیب این آیات در آنها مجادله می‌کنند؛ تا از حال‌شان و اینکه چگونه با وجود وضوح حق از آن رویگردان می‌شوند تعجب کنی.

﴿الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ [غافر: ۷۰].

۷۰) کسانی که قرآن، و حقیقتی که رسولانمان را با آن مبعوث کردیم تکذیب کرده اند، به زودی از سرانجام تکذیب خویش آگاه خواهند شد، و سرانجام بدشان را خواهند دید.

﴿إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ﴾ [غافر: ۷۱].

۷۱) زمانی از این سرانجام آگاه می‌شوند که بند و ریسمان‌ها بر گردن‌هایشان، و زنجیرها در پاهای‌شان است، و مأموران جهنم آنها را می‌کشانند.

﴿فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ﴾ [غافر: ۷۲].

﴿۷۲﴾ آنها را در آب سوزان که سخت جوشان است می‌کشاند، سپس در جهنم برافروخته می‌شوند.

﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ﴾ [غافر: ۷۳].

﴿۷۳﴾ سپس از روی سرزنش و نکوهش به آنها گفته می‌شود: معبودهای دروغینی که با عبادت آنها شرک می‌ورزیدید کجایند؟!

﴿مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُنْ نَدْعُو مِن قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ﴾ [غافر: ۷۴].

﴿۷۴﴾ به جای الله از میان بت‌های تان که هیچ سود و زیانی نمی‌رسانند؟! کافران می‌گویند: از نظر ما پنهان شده‌اند و آنها را نمی‌بینیم، بلکه در دنیا چیزی را که سزاوار عبادت باشد عبادت نمی‌کردیم. مانند گمراه شدن اینها، الله کافران هر زمان و مکانی را از حق گمراه می‌سازد.

﴿ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ﴾ [غافر: ۷۵].

﴿۷۵﴾ و به آنها گفته می‌شود: این عذاب که از آن رنج می‌برید به سبب شادمانی شما از شرکی که بر آن بودید، و شادمانی گسترده شماست.

﴿ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبئسَ مَثْوًى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾ [غافر: ۷۶].

﴿۷۶﴾ از درهای جهنم درآیید و برای همیشه در آن بمانید، و چه زشت است قرارگاه متکبران از حق.

چون رسول الله ﷺ از قومش رنج‌های فراوانی دید، الله او را به شکیبایی فرمان داد، و با پیروزی‌ای که به او وعده داد بر او آرامش بخشید، و فرمود:

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّا يُرْجَعُونَ﴾ [غافر: ۷۷].

﴿۷۷﴾ پس - ای رسول - در برابر آزار و تکذیب قومت شکیبایی کن، زیرا وعده الله بر پیروزی تو، حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد. پس چه بخشی از عذابی را که به آنها وعده می‌دهیم در زندگی‌ات به تو نشان دهیم مانند آنچه در

روز بدر حاصل شد، یا پیش از آن تو را بمیرانیم، در روز قیامت فقط به سوی ما بازگردانده می‌شوند آن‌گاه آنها را در قبال اعمال‌شان جزا می‌دهیم، و آنها را به جهنم وارد می‌کنیم که برای همیشه در آن می‌مانند.

برخی فواید آیات:

- تدریجی بودن آفرینش، سنتی الهی است که مردم از آن، تدریجی بودن در امور زندگی دنیایی را می‌آموزند.
- زشتی شادی به باطل.
- اهمیت صبر در زندگی مردم، به‌خصوص مردم دعوت‌گر.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْضُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ﴾ [غافر: ۷۸].

۷۸ - ای رسول - به تحقیق که پیش از تو رسولان زیادی را به سوی امت‌های شان فرستاده‌ایم، که آنها را تکذیب کردند و به آنها آزار رساندند، اما در برابر تکذیب و آزار رسانی اقوام‌شان شکیبایی کردند. قصه برخی از این رسولان را به تو حکایت کرده‌ایم، و قصه برخی از آنها را بر تو حکایت نکرده‌ایم، و هیچ رسولی را نسزد که نشانه‌ای از جانب پروردگار خویش برای قومش بیاورد مگر به اراده او سبحانه، و پیشنهاد کافران به آوردن آیات بر امت‌های شان ستم است، و هرگاه فرمان الله به فتح یا داوری میان رسولان و اقوام‌شان فرا رسد به عدالت میان آنها داوری می‌کند، آن‌گاه کافران نابود می‌شوند و رسولان نجات می‌یابند، و - در این جایگاه داوری میان بندگان - پیروان باطل به سبب کفر، با قرار دادن خویش در معرض نابودی به خودشان زیان رسانده‌اند.

﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ [غافر: ۷۹].

۷۹ - الله همان ذاتی است که شتر و گاو و گوسفند برای تان قرار داد؛ تا از برخی از آنها سواری بگیرید، و از گوشت برخی از آنها بخورید.

﴿وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبَلَّغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ﴾ [غافر: ۸۰].

۸۰ - در این مخلوقات منافع گوناگونی برای تان است که در هر عصری به تازگی می‌گراید، و از طریق آنها نیازهایی را که شما به آنها تمایل دارید، که از بارزترین آنها جابه‌جایی در خشکی و دریاست برای تان حاصل می‌شود.

﴿وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ﴾ [غافر: ۸۱].

۸۱ - و او سبحانه برخی آیات خویش را که بر قدرت و یگانگی‌اش دلالت دارند به شما نشان می‌دهد، پس به کدام‌یک از آیات الله پس از اینکه برای تان ثابت شد نشانه او تعالی است اعتراف نمی‌کنید؟!

﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَأَثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [غافر: ۸۲].

﴿۸۲﴾ آیا این تکذیب کنندگان در زمین نگشته‌اند تا ببیندیشند که سرانجام امت‌های تکذیب کننده پیش از آنها چگونه بوده است که از آن پند بگیرند؟! درحالی که آن امت‌ها اموال بیشتر و نیرویی بزرگتر، و آثار مستحکم‌تری نسبت به اینها در زمین داشته‌اند، اما وقتی عذاب نابودگرِ الله آنها را فرا گرفت نیرویی که آن را به دست می‌آوردند آنها را بی‌نیاز نساخت.

﴿فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُم مِّنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [غافر: ۸۳].

﴿۸۳﴾ و چون رسولان‌شان دلایل آشکار را برای آنها آوردند این دلایل را تکذیب کردند، و به چنگ زدن به دانش خویش که با آنچه رسولان‌شان آورده بودند منافات داشت راضی شدند، عذابی را که رسولان‌شان آنها را از آن می‌ترساندند و آنها آن را به تسمخر می‌گرفتند بر آنها فرود آمد.

﴿فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ﴾ [غافر: ۸۴].

﴿۸۴﴾ اما هنگام مشاهده عذابمان، وقتی اقرار به آنها سودی نمی‌رساند این‌گونه اقرار کردند: فقط به الله ایمان آوردیم، و به شریکان و بت‌هایی که به جای او عبادت می‌کردیم کافر شدیم.

﴿فَلَمْ يَكْ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ﴾ [غافر: ۸۵].

﴿۸۵﴾ و ایمان آنها وقتی دیدند عذاب ما بر آنها نازل می‌شود برای‌شان سودمند نبوده است، سنت الله که در بندگان گذشته این است که ایمان‌شان هنگام مشاهده عذاب، سودی به آنها نمی‌رساند، و کافران به سبب کفر به الله و توبه نکردن از آن پیش از مشاهده عذاب، هنگام نزول عذاب با قرار دادن خویش در معرض نابودی بر خویشان زیان رسانده‌اند.

برخی فواید آیات:

- الله علاوه بر رسولانی که آنها را در قرآن کریم بیان فرمود رسولان دیگری دارد که به صورت اجمالی به آنها ایمان می‌آوریم.
- یکی از نعمت‌های الله این است که آیات دلالت کننده بر توحید و یگانگی خویش را آشکار می‌گرداند.
- خطر شادی به باطل و سرانجام بد آن برای شخص.
- بطلان ایمان هنگام مشاهده عذاب نابودگر.

سوره فُصِّلَتْ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان چگونگی درمان افراد رویگردان از قرآن با نرمی، با این بیان که قرآن عین حقیقت است، و همچنان بیان عذاب رویگردانی.

تفسیر:

﴿حَم﴾ [فصلت: ۱].

① ﴿حَم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ [فصلت: ۲].

② این قرآن از جانب الله بخشنده و مهربان نازل شده است.

﴿كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ [فصلت: ۳].

③ کتابی است که آیات آن به بهترین و کاملترین وجه بیان شده است، و قرآنی به زبانی عربی نازل شده برای مردمی که می‌دانند؛ زیرا اینها همان کسانی هستند که از معانی قرآن، و هدایت به سوی حق که در آن وجود دارد سود می‌برند.

﴿بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾ [فصلت: ۴].

④ مزده دهنده مؤمنان به پاداش بزرگی که الله برای‌شان آماده ساخته است، و ترساننده کافران از عذاب دردناک الله است، اما بیشتر آنها از قرآن رویگردان شدند، و هدایت موجود در آن را به نیت قبول کردن گوش نمی‌کنند.

﴿وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ

فَاعْمَلْ إِنَّا عَامِلُونَ﴾ [فصلت: ۵].

⑤ و گفتند: دل‌هایمان با حجاب‌هایی پوشیده شده و در آنچه ما را به سوی آن فرا می‌خوانی نمی‌اندیشند، و در گوش‌هایمان سنگینی‌ای است که آن را نمی‌شنوند، و

میان ما و تو پرده‌ای قرار دارد که هیچ یک از سخنان تو به ما نمی‌رسد. پس تو به روش خودت عمل کن، ما نیز به روش خودمان عمل می‌کنیم، و هرگز از تو پیروی نخواهیم کرد.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ﴾ [فصلت: ۶].

۶ - ای رسول - به این ستیزه‌جویان بگو: من فقط انسانی مانند خودتان هستم که الله به من وحی می‌کند که معبود برحق شما معبودی یگانه یعنی فقط الله است. پس راه منتهی به او را بیمایید، و بخشایش گناهان‌تان را از او بخواهید، و نابودی و عذاب بر مشرکان است که کسی را غیر الله عبادت می‌کنند یا با او تعالی شریک می‌گردانند.

﴿الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ [فصلت: ۷].

۷ همان کسانی که زکات اموال‌شان را نمی‌پردازند، و همان‌ها به آخرت - و نعمت‌های جاویدان و عذاب دردناک آن - کافر هستند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ [فصلت: ۸].

۸ همانا کسانی که به الله و رسولانش ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده‌اند پاداشی جاویدان و قطع نشدنی یعنی بهشت برای‌شان است.

﴿* قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [فصلت: ۹].

۹ - ای رسول - برای توبیخ مشرکان بگو: چرا به الله که زمین را در دو روز: یکشنبه و دوشنبه، آفرید کفر می‌ورزید، و همتایانی برایش قرار می‌دهید و آنها را به جای او عبادت می‌کنید؟! این است پروردگار تمام مخلوقات.

﴿وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّالِبِينَ﴾ [فصلت: ۱۰].

۱۰ و در زمین و بر فراز آن، کوه‌هایی استوار که آن را از لرزیدن نگه می‌دارند قرار داد، و روزی‌های مردم و چارپایان را با دو روز قبلی در چهار روز یعنی: سه‌شنبه و چهارشنبه، به اندازه‌ای که نیاز نیازمندان را برطرف سازد آفرید.

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ [فصلت: ۱۱].

سپس او سبحانه قصد آفرینش آسمان کرد، و آسمان در آن روز دودی بود که به آن و زمین فرمود: به اختیار، یا به اجبار از فرمان من اطاعت کنید، که هیچ راه گریزی از آن ندارید. آسمان و زمین گفتند: پروردگارا فرمان بردارانه آمدیم، و هیچ اراده‌ای جز اراده تو نداریم.

برخی فواید آیات:

- عدم استفاده کافران از وسایل هدایت؛ به معنای باقی ماندن آنها در کفر است.
- بیان جایگاه زکات، و اینکه یکی از ارکان اسلام است.
- تسلیم بودن تمام هستی در برابر الله و فرمان برداری از امر او سبحانه.

﴿فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنٍ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ [فصلت: ۱۲].

۱۲) پس الله آفرینش آسمان‌ها را در دو روز: پنج‌شنبه و جمعه کامل کرد، و با این دو روز آفرینش آسمان‌ها و زمین را در شش روز به پایان برد، و الله در هر آسمانی آنچه را که در آن مقدر می‌کند، و طاعت و عبادتی را که به آن امر می‌کند، وحی کرد. و آسمان دنیا را با ستارگان آراستیم، و با آنها آسمان را از استراق سمع شیاطین حفظ کردیم. تمام این موارد، تقدیر ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود و از آفرینش خویش بسیار دانا است.

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثُمُودٍ﴾ [فصلت: ۱۳].

۱۳) پس - ای رسول - اگر اینها از ایمان به آنچه آورده‌ای روی گرداندند به آنها بگو: شما را از عذابی ترساندم که بر شما واقع می‌شود مانند عذابی که بر عاد قوم هود عليه السلام، و ثمود قوم صالح عليه السلام وارد شد آن‌گاه که آن دو (پیامبر) را تکذیب کردند.

﴿إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبَّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ [فصلت: ۱۴].

۱۴) وقتی رسولان پیامی نزدشان آمدند و هر یک از این پیامبران با دعوتی واحد به آنها امر می‌کرد که فقط الله را عبادت کنید، کافران‌شان گفتند: اگر پروردگاران فرورستادن فرشتگان به عنوان رسول را به‌سوی ما می‌خواست به‌طور قطع آنها را فرو می‌فرستاد. پس ما به آنچه شما با آن فرستاده شده‌اید کافر هستیم؛ چون انسان‌هایی مانند خودمان هستید.

﴿فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ [فصلت: ۱۵].

۱۵) اما عاد قوم هود عليه السلام افزون بر کفر به الله، در زمین به‌ناحق تکبر ورزیدند، و به کسانی که پیرامون‌شان بودند ستم کردند، و درحالی‌که به نیروی خویش مغرور بودند گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟! به گمان‌شان هیچ‌کس از آنها نیرومندتر نبود، پس الله این‌گونه به آنها پاسخ داد: آیا اینها نمی‌دانند و نمی‌بینند الله که آنها را آفریده و نیرویی را که آنها را از راه به در برده است در آنها به ودیعه

گذاشته، از آنها نیرومندتر است؟! و به آیات الله که هود علیه السلام آنها را آورد کفر می ورزیدند.

﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَّحْسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْحِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ﴾ [فصلت: ۱۶].

۱۶) پس بادی با صدایی آزار دهنده که به سبب عذابی که در آن وجود داشت برای شان شوم و نامبارک بود در شش روز بر آنها فرستادیم؛ تا عذاب ذلت و خواری را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم، و به طور قطع عذاب آخرت که در انتظارشان است خوارکننده تر است، و هیچ کس را نمی یابند که به آنها یاری رساند و آنها را از عذاب نجات دهد.

﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [فصلت: ۱۷].

۱۷) و اما ثمود قوم صالح علیه السلام را با آشکار کردن راه حق راهنمایی کردیم، اما گمراهی را بر هدایت شدن به حقیقت ترجیح دادند، آن گاه به سبب کفر و گناهانی که انجام می دادند عذابی خوارکننده آنها را فرا گرفت.

﴿وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ﴾ [فصلت: ۱۸].

۱۸) و کسانی را که به الله و رسولانش ایمان آورده بودند، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی می ترسیدند نجات دادیم، و آنها را از عذابی که به قوم شان رسید رهانیم.

﴿وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾ [فصلت: ۱۹].

۱۹) و روزی که الله دشمنانش را به سوی آتش گرد می آورد، مأموران جهنم همگی آنها را به یکجا می رانند، و نمی توانند از جهنم بگریزند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاؤُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [فصلت: ۲۰].

۲۰) تا به جهنم که به سوی آن رانده می شدند برسند، و از آنچه که در دنیا انجام می دادند شانه خالی می کنند. گوش ها و چشم ها و پوست های شان به کفر و گناهانی که در دنیا انجام می دادند بر ضد آنها گواهی می دهند.

برخی فواید آیات:

- رویگردانی از حق سبب وقوع عذاب‌های نابودگر در دنیا و آخرت است.
- تکبر و فریب خوردن به قدرت، دو مورد از موانع فرمان برداری از حق هستند.
- کافران هم در دنیا و هم در آخرت عذاب می‌شوند.
- گواهی دادن اعضای بدن در روز قیامت علیه صاحبان خویش.

﴿وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ [فصلت: ۲۱].

۲۱) و کافران به پوست‌های‌شان می‌گویند: چرا به آنچه که در دنیا انجام می‌دادیم بر ضد ما گواهی دادید؟! پوست‌ها در پاسخ صاحبان‌شان می‌گویند: الله که هر چیزی را به سخن آورده ما را به سخن آورد، و او شما را اولین بار آن‌گاه که در دنیا بودید آفرید، و در آخرت برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی او بازگردانیده می‌شوید.

﴿وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾ [فصلت: ۲۲].

۲۲) و هنگام ارتکاب گناهان، آنها را پنهان نمی‌کردید تا گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های‌تان بر ضد شما گواهی ندهند؛ زیرا شما به حساب و کیفر و پاداش پس از مرگ ایمان نداشتید، اما گمان کردید که الله سبحانه بسیاری از کارهای‌تان را نمی‌داند، و بر او پوشیده می‌ماند، پس فریب خوردید.

﴿وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [فصلت: ۲۳].

۲۳) و همین گمان بدی که به پروردگارتان بردید شما را نابود کرد، و این‌گونه در دنیا و آخرت از زیان‌دیدگان شدید.

﴿فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالتَّارُ مَثْوَى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ﴾ [فصلت: ۲۴].

۲۴) پس اگر اینها که گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های‌شان بر ضد آنها گواهی داده‌اند شکیبایی کنند، جهنم جایگاه و پناهگاهشان است که به آن پناه می‌برند، و اگر دفع عذاب و جلب رضایت الله از خودشان را درخواست کنند، هرگز نه به رضایت او تعالی دست خواهند یافت و نه وارد بهشت خواهند شد.

﴿* وَفِيضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ﴾ [فصلت: ۲۵].

۲۵) و برای این کافران، همنشینانی از شیاطین آماده کردیم که همراه آنها بودند، و اعمال بدشان را در دنیا برای‌شان آراستند، و امر آخرت را که در پی آنها بود برای‌شان آراستند تا اینکه یادآوری آخرت و عمل به آن را از یادشان بردند، و عذاب در میان امت‌های جن و انسی که قبل از آنها گذشته بودند بر آنها واجب شد، به‌راستی

که آنها زیانکار بودند چون در روز قیامت به خودشان و خانواده‌هایشان با وارد شدن در جهنم زیان رسانده‌اند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [فصلت: ۲۶].

﴿۳۶﴾ و کافران وقتی از رویارویی دلیل با دلیل ناتوان ماندند این گونه به یکدیگر توصیه کردند: به این قرآن که محمد بر شما می‌خواند گوش ندهید، و از آنچه در آن است فرمان برداری نکنید، و هنگام قرائت آن توسط محمد فریاد بکشید و صداهای تان را بالا ببرید؛ تا با این کار بر او پیروز شوید، و او از تلاوت قرآن و دعوت به آن دست بکشد، آن گاه از او راحت شویم.

﴿فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [فصلت: ۲۷].

﴿۳۷﴾ و به‌طور قطع به کسانی که به الله کفر ورزیدند و رسولانش را تکذیب کردند عذابی سخت در روز قیامت خواهیم چشاند، و قطعاً آنها را به کیفر اعمالشان بر حسب بدترین شرک و گناهی که انجام می‌دادند مجازات خواهیم کرد.

﴿ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ﴾ [فصلت: ۲۸].

﴿۳۸﴾ این جزا، جزای دشمنان الله که به او تعالی کفر ورزیدند و رسولانش را تکذیب کردند: جهنم است، که جاویدان و برای همیشه در آن می‌مانند، جزایی بر انکار و عدم ایمان آنها به آیات الله، با وجود وضوح و حجت قوی‌ای که این آیات داشتند.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرْنَا الَّذِينَ ضَلَّانًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَفْدَامِنَا لِيَكُونُوا مِنَ الْأَسْفَلِينَ﴾ [فصلت: ۲۹].

﴿۳۹﴾ و کسانی که به الله کفر ورزیدند و رسولانش را تکذیب کردند گفتند: پروردگارا، جن‌ها و انسان‌هایی که ما را گمراه کردند به ما نشان بده: ابلیس که کفر و دعوت به آن را پایه‌گذاری کرد، و پسر آدم که ریختن خون را بنا نهاد، که این دو را در جهنم زیر پاهایمان قرار دهیم؛ تا از پایین‌ترین کسانی باشند که سخت‌ترین عذاب جهنم برای‌شان است.

برخی فواید آیات:

- بدگمانی به الله یکی از صفات کافران است.
- کفر و گناهان، سبب مسلط شدن شیاطین بر انسان است.
- آرزوی پیروان به اینکه در روز قیامت سخت‌ترین عذاب به پیشوایان‌شان برسد.

الله پس از بیان مجازات دشمنانش، پاداش دوستان خویش را بیان کرد و فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾ [فصلت: ۳۰].

﴿۳۰﴾ همانا کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، و هیچ پروردگاری جز او نداریم، و بر اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی پایداری کردند، فرشتگان هنگام فرا رسیدن مرگشان بر آنها فرود می‌آیند و به آنها می‌گویند: نه از مرگ بترسید و نه از آنچه پس از آن است، و بر آنچه در دنیا به جای می‌گذارید اندوهگین نشوید، و شما را بشارت باد به بهشتی که در دنیا در قبال ایمان‌تان به الله و اعمال صالحتان به آن وعده داده می‌شدید.

﴿نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ
وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ﴾ [فصلت: ۳۱].

﴿۳۱﴾ ما دوستان شما در زندگی دنیا هستیم، که شما را به راه راست ارشاد و محافظت می‌کردیم، و در آخرت نیز دوستان شما هستیم، پس دوستی ما با شما پایدار است، و در بهشت تمام خوشی‌ها و آرزوها و خواسته‌هایی را که می‌طلبید برای‌تان فراهم است.

﴿نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ﴾ [فصلت: ۳۲].

﴿۳۲﴾ رزق و روزی آماده‌شده‌ای است برای پذیرایی شما از سوی پروردگاری که نسبت به گناهان کسانی از بندگانش که به‌سوی او توبه کنند، بسیار آمرزنده، و نسبت به آنها بسیار مهربان است.

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [فصلت: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و هیچ‌کس خوش‌گفتارتر از کسی نیست که به‌سوی توحید الله و عمل به شریعت او تعالی فرامی‌خواند، و عملی صالح که پروردگارش را راضی می‌سازد انجام می‌دهد، و می‌گوید: همانا من از تسلیم‌شدگان و فرمان‌برداران الله هستم، و هرکس تمام این موارد را انجام دهد خوش‌گفتارترین مردم است.

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ [فصلت: ۳۴].

۳۴) و انجام نیکی‌ها و طاعات که الله را راضی می‌سازند، و انجام بدی‌ها و گناهان که او تعالی را به خشم می‌آورند یکسان نیستند. بدی کسی را که به تو بدی کرده با نیکوترین خصلت دفع کن، آن‌گاه کسی که میان تو و او دشمنی دیرینه‌ای وجود دارد- وقتی که بدی‌اش را با نیکوکاری به او دفع کردی- گویی رفیقی شفیق است.

﴿وَمَا يُقَالُهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُقَالُهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ [فصلت: ۳۵].

۳۵) و جز کسانی که در برابر آزار و بدی‌هایی که از جانب مردم با آن روبرو می‌شوند شکیبایی کرده‌اند به این خصلت پسندیده دست نمی‌یابند، و جز کسی که صاحب سهمی بزرگ است به آن نمی‌رسد؛ زیرا خیر زیاد، و سود فراوانی در آن وجود دارد.

﴿وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [فصلت: ۳۶].

۳۶) و اگر در هر زمان شیطان، شری را به تو وسوسه کرد به الله پناه ببر؛ زیرا او تعالی سخنانت را می‌شنود، و از حال تو بسیار آگاه است.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ [فصلت: ۳۷].

۳۷) و از جمله آیات الله که بر عظمت و یگانگی او تعالی دلالت دارند در پی هم آمدن شب و روز، و خورشید و ماه است. - ای مردم- نه برای خورشید سجده کنید، و نه برای ماه؛ و فقط الله را سجده کنید که آنها را آفریده است اگر واقعا الله را عبادت می‌کنید.

﴿فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ *﴾ [فصلت: ۳۸].

۳۸) پس اگر تکبر ورزیدند و روی گردانیدند، و برای الله آفریدگار سجده نکردند، فرشتگانی که نزد الله هستند شب و روز او سبحانه را تسبیح و ستایش می‌کنند، و از عبادت او تعالی خسته نمی‌شوند.

برخی فواید آیات:

- استقامت جایگاه بزرگی نزد الله دارد.
- الله بندگان مؤمن خویش را گرامی می‌دارد و امور آنها و بازماندگان‌شان را برعهده می‌گیرد.
- جایگاه دعوت به سوی الله، و اینکه برترین عمل است.
- صبر در برابر آزارها و دفع آن با نیکوترین روش، دو خصلت اخلاقی هستند که دعوتگر به سوی الله از آنها بی‌نیاز نیست.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [فصلت: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و از دیگر آیات الله که بر عظمت و یگانگی و قدرت او تعالی بر رستاخیز دلالت دارد این است که تو زمین را بدون گیاه می بینی، و چون آب باران را بر آن فرو فرستیم به سبب نمو بذره‌های نهان در آن به جنبش درمی آید، و برمی دمدم. همان ذاتی که این زمین مرده را با گیاهان زنده گردانید، به طور قطع زنده کننده مردگان و برانگیزاننده آنها برای حسابرسی و جزا است؛ زیرا او بر هر کاری توانا است، و نه زنده گرداندن زمین پس از اینکه مرده بود او را ناتوان می سازد، و نه زنده گرداندن و برانگیختن مردگان از قبرهایشان.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [فصلت: ۴۰].

﴿۴۰﴾ حال کسانی که در آیات ما با انکار و تکذیب و تحریف آنها از حق به انحراف می روند، بر ما پوشیده نیست، و ما از آنها آگاه هستیم. پس آیا کسی که در جهنم افکنده می شود بهتر است یا کسی که روز قیامت در حالی می آید که از عذاب ایمن است؟ - ای مردم - هر خیر و شری که می خواهید انجام دهید، که ما خیر و شر را برای تان مشخص کرده ایم. همانا الله آنچه را انجام می دهید می بیند، و ذره‌ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی ماند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾ [فصلت: ۴۱].

﴿۴۱﴾ به طور قطع کسانی که به قرآن وقتی از جانب الله نزدشان آمد کفر ورزیدند در روز قیامت عذاب می شوند، و قطعاً قرآن کتاب محکم و استواری است، که نه هیچ تحریف کننده‌ای می تواند آن را تحریف کند، و نه هیچ تبدیل کننده‌ای می تواند آن را تغییر دهد.

﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۲].

﴿۴۲﴾ باطل نه از پیش روی آن و نه از پشت سرش با کاسته شدن یا افزوده شدن یا تبدیل و تحریف به سوی قرآن نمی آید، از جانب ذاتی که در آفرینش و تقدیر و تشریحش بسیار دانا، و در هر حالتی ستوده شده است، نازل گردیده است.

الله پس از بیان حال تکذیب کنندگان قرآن، رسولش را با بیان تکذیب و تمسخر و افترا بی که برادرانش یعنی رسولان پیش از او با آن روبرو بودند شکبیا کرد و تسلّی داد، و فرمود:

﴿مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ﴾ [فصلت: ۴۳].

۱۳۳ - ای رسول - جز تکذیبی که به رسولان پیش از تو گفته شده است به تو گفته نمی‌شود پس شکبیا باش؛ زیرا پروردگارت برای هرکس از بندگانش که به‌سوی او توبه کند صاحب آمرزش، و برای کسی که بر گناهانش اصرار ورزد و هرگز توبه نکند صاحب کیفری دردناک است.

﴿وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَبِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾ [فصلت: ۴۴].

۱۳۴ و اگر این قرآن را به زبانی غیر از زبان عربی نازل کرده بودیم به‌طور قطع کافران از میان آنها می‌گفتند: چرا آیاتش به روشنی بیان نشده تا آنها را بفهمیم، آیا قرآن، غیر عربی و کسی که آن را آورده عربی است؟ - ای رسول - به اینها بگو: قرآن - برای کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و رسولانش را تصدیق کرده‌اند - هدایتی از گمراهی و شفای جهل و آثار جهل که در سینه‌ها وجود دارد است، و کسانی که به الله ایمان نمی‌آورند در گوش‌های‌شان سنگینی است، و قرآن برای آنها مبهم و غیر قابل فهم است. اینها که صفات مذکور را دارند مانند کسانی هستند که از مکان دور صدا زده می‌شوند، پس چگونه می‌توانند صدای منادی را بشنوند!

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِمَّنْهُ مُرِيبٍ﴾ [فصلت: ۴۵].

۱۳۵ و به تحقیق که به موسی علیه السلام تورات را دادیم و در آن اختلاف واقع شد؛ برخی از آنها به آن ایمان آوردند، و برخی از آنها به آن کفر ورزیدند، و اگر وعده‌ای از جانب الله نبود مبنی بر اینکه در روز قیامت میان بندگانش در آنچه در آن با هم اختلاف دارند داوری می‌کند به‌طور قطع میان اختلاف کنندگان در تورات حکم می‌کرد، و

راستگو و یاوه‌گو را مشخص می‌ساخت، آن‌گاه راستگو را گرامی می‌داشت و یاوه‌گو را خوار می‌ساخت، و به‌راستی که کافران دربارهٔ قرآن به شکی سخت گرفتار هستند.

﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ [فصلت: ۴۶].

﴿۶۱﴾ هرکس عمل صالحی انجام دهد سود عمل او به خودش بازمی‌گردد، زیرا عمل صالح هیچ‌کسی به الله سود نمی‌رساند، و هرکس عمل بدی مرتکب شود زیان آن به خودش بازمی‌گردد، زیرا نافرمانی هیچ‌یک از مخلوقات الله به او تعالی زیانی نمی‌رساند، و به‌زودی هرکس را به آنچه که استحقاقش را دارد جزا خواهد داد، و - ای رسول - پروردگارت نسبت به بندگان خویش ستمکار نیست، و هرگز از نیکی‌های شان نخواهد کاست، و بر بدی‌های شان نخواهد افزود.

برخی فواید آیات:

- الله قرآن را برخلاف کتاب‌های پیش از آن، از تبدیل و تحریف حفظ، و این حفاظت را تضمین کرده و برعهده گرفته است.
- اتمام حجت بر مشرکان عرب با نزول قرآن به زبان خودشان.
- نفی ستم از الله، و اثبات عدالت برای او تعالی.

﴿* إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ﴾
[فصلت: ۴۷].

﴿۴۷﴾ دانش قیامت فقط به الله بازگردانده می‌شود؛ زیرا فقط او می‌داند که چه زمانی رخ می‌دهد، و غیر او از این امر آگاه نیست. و جز به علم او تعالی هیچ میوه‌ای از غلافش بیرون نمی‌آید، و هیچ ماده‌ای بار بر نمی‌دارد و بار نمی‌گذارد. و ذره‌ای از این امر از دستش نمی‌رود، و روزی که الله مشرکان را که همراه او بت‌ها را عبادت می‌کردند، از روی توبیخ به خاطر عبادت بت‌ها، این‌گونه ندا می‌دهد: شریکان من که ادعا می‌کردید شریکانم هستید کجایند؟ مشرکان می‌گویند: در برابر تو اعتراف کردیم، که اکنون هیچ‌یک از ما نیست که گواهی دهد تو شریکی داری.

﴿وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنَ نَجِيصٍ﴾ [فصلت: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و بت‌های ادعایی آنها از نظرشان پنهان می‌شوند، و یقین می‌کنند که هیچ راه فرار و گریزی از عذاب الله ندارند.

﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُوسٌ قَنُوطٌ﴾ [فصلت: ۴۹].

﴿۴۹﴾ انسان از درخواست سلامتی و مال و فرزند و سایر نعمت‌ها خسته نمی‌شود، و اگر فقر یا بیماری و آسیبی دیگر به او برسد از رحمت الله بسیار مأیوس و نومید می‌گردد.

﴿وَلَيْنَ أَدَفْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾ [فصلت: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و اگر سلامتی و ثروت و بهبودی از مصیبت و بیماری‌ای که به او رسیده است به او بچشانیم به‌طور قطع خواهد گفت: این از آن من است؛ چون شایسته و سزاوارش هستم، و گمان نمی‌کنم که قیامت برپا شود، و به فرض اگر قیامت برپا شود نزد الله صاحب ثروت و مال خواهم بود، و همان‌گونه که به سبب استحقاقم در دنیا بر من نعمت ارزانی داشت در آخرت بر من نعمت می‌بخشد، و به‌طور قطع کسانی را که به الله کفر ورزیده‌اند از کفر و گناهایی که انجام داده‌اند باخبر خواهیم ساخت، و به‌طور قطع عذابی را که به نهایت سختی رسیده است به آنها خواهیم چشانند.

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٌ﴾
[فصلت: ۵۱].

﴿۵۱﴾ و هرگاه سلامتی و بهبودی و نعمتی دیگر به انسان بخشیم از یاد و طاعت الله غافل می‌شود، و متکبرانه روی می‌گرداند، و هرگاه بیماری و فقر و مانند آن به او رسد بسیار به سوی الله دعا می‌کند، و از آسیبی که به او رسیده به سوی الله شکوه و گلایه می‌کند تا آسیب را از او برطرف سازد؛ یعنی نه وقتی پروردگارش بر او نعمت بخشد از او سپاسگزاری می‌کند، و نه در برابر مصیبت او آن‌گاه که او را گرفتار سازد شکیبایی می‌کند.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَتْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ﴾ [فصلت: ۵۲].

﴿۵۲﴾ - ای رسول - به این مشرکان تکذیب‌کننده بگو: به من خبر دهید اگر این قرآن از جانب الله باشد، و شما به آن کفر ورزید و آن را تکذیب کنید، پس چه حالی خواهید داشت؟! و چه کسی گمراه‌تر است از آن کس که با حق ستیزه‌جویی می‌کند با آن که حق آشکار شده و دلیل و قوت دلیلش روشن شده است؟!

﴿سَرُّهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَقَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [فصلت: ۵۳].

﴿۵۳﴾ به زودی آیات خویش در کرانه‌های زمین از آنچه که الله برای مسلمانان فتح می‌کند، و آیات خویش را در خودشان با فتح مکه به آنها نشان خواهیم داد؛ تا آنچه این شک را برطرف می‌سازد که این قرآن حقیقتی است که هیچ شکی در آن راه ندارد برای‌شان روشن شود. آیا برای این مشرکان بر اینکه قرآن حقیقت است، این گواهی الله که قرآن از جانب او آمده، کافی نیست؟! گواهی چه کسی از گواهی الله بزرگتر است؟! پس اگر حق را می‌خواستند به‌طور قطع به گواهی پروردگارشان بسنده می‌کردند.

﴿أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ﴾ [فصلت: ۵۴].

﴿۵۴﴾ آگاه باشید که مشرکان در مورد دیدار پروردگارشان در روز قیامت مردد هستند چون رستاخیز را انکار می‌کنند، و آنها به آخرت ایمان نمی‌آورند؛ از این رو با انجام

عمل صالح برای آن آماده نمی‌شوند. بدانید که علم و قدرت الله بر هر چیزی احاطه دارد.

برخی فواید آیات:

- علم قیامت فقط نزد الله است.
- در برخورد کافر با نعمت‌ها و مصیبت‌هایی که از جانب الله به او می‌رسد اضطراب و آشفتگی وجود دارد.
- احاطه علم و قدرت الله بر همه چیز.

سوره الشوری

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان حقیقت وحی و رسالت محمدی، و اینکه امتدادِ وحی نازل شده بر پیامبران است.

تفسیر:

﴿حَم﴾ [الشوری: ۱].

﴿حَم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿عَسَق﴾ [الشوری: ۲].

﴿عَسَق﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿كَذَلِكَ يُوحى إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الشوری: ۳].

ای محمد مانند این وحی، الله که در گرفتن انتقام از دشمنانش شکست ناپذیر، و در تدبیر و آفرینش خویش بسیار دانا است، به تو و پیامبرانش که پیش از تو بودند وحی می کند.

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ﴾ [الشوری: ۴].

آفرینش و فرمانروایی و تدبیر تمام آنچه در آسمانها و در زمین است فقط از آن الله است، و او تعالی به ذات و قدرت و توان خویش برتر، و در ذات خویش بسیار بزرگ است.

﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الشوری: ۵].

و در برابر جلال و عظمت الله ذو الجلال، نزدیک است آسمانها با همه عظمت و ارتفاعی که دارند از فراز زمینها بشکافند. و فرشتگان از سر فروتنی و

بزرگداشت، پروردگارشان را درحالی که او را می‌ستایند منزه و بزرگ می‌دارند، و از الله برای ساکنان زمین آموزش درخواست می‌کنند. بدانید که الله نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ﴾
[الشوری: ۶].

⑥ و کسانی که بت‌هایی به جای الله گرفته‌اند و آنها را به جای الله دوست دارند و عبادت می‌کنند، الله در کمین آنها است و اعمال‌شان را ثبت می‌کند و آنها را در قبال اعمال‌شان جزا می‌دهد، و -ای رسول- تو مسئول حفظ اعمال آنها نیستی، و دربارهٔ اعمال‌شان از تو سوال نخواهد شد، تو فقط ابلاغ‌کننده هستی.

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾ [الشوری: ۷].

⑦ و -ای رسول- همان‌گونه که به پیامبران پیش از تو وحی کردیم قرآنی به زبان عربی به‌سوی تو فرستادیم تا مکه و آبادی‌های عربی پیرامون آن، سپس تمام مردم را انذار دهی، و مردم را از روز قیامت بترسانی روزی که الله از اولین تا آخرین، همگی را در میدانی واحد برای حسابرسی و جزا گرد می‌آورد، و هیچ تردیدی در وقوع آن روز وجود ندارد، و در آن روز مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی در بهشت هستند و اینها مؤمنان هستند، و گروهی دیگر یعنی کافران در جهنم هستند.

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾ [الشوری: ۸].

⑧ و اگر الله می‌خواست آنها را امتی یگانه بر دین اسلام قرار دهد به‌طور قطع این کار را انجام می‌داد، و همگی آنها را به بهشت وارد می‌کرد، اما حکمت او تعالی اقتضا کرد که هرکس را که می‌خواهد در اسلام درآورد، و وارد بهشت کند، و کسانی که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند نه هیچ دوست و کارسازی دارند تا کارشان را برعهده گیرد و نه هیچ یابوری تا آنها را از عذاب الله نجات دهد.

﴿أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّهُ هُوَ الْوَكِيلُ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الشوری: ۹].

① بلکه این مشرکان به جای الله دوستانی گرفته‌اند که با آنها دوستی می‌کنند، حال آن‌که دوست و کارساز حقیقی الله است، و دیگران هیچ سود و زیانی نمی‌رسانند، و او تعالی است که مردگان را با برانگیختن‌شان برای حسابرسی و جزا زنده می‌گرداند، و هیچ چیزی او سبحانه را ناتوان نمی‌سازد.

﴿وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ [الشوری: ۱۰].

② و - ای مردم - در هر مورد از اصول یا فروع دین‌تان که اختلاف کردید حکم آن به سوی الله بازمی‌گردد، و در مورد آن به کتاب او تعالی یا سنت رسولش ﷺ ارجاع داده می‌شود. ذاتی که این صفات را دارد همان پروردگارم است، در تمام کارهایم بر او توکل کردم، و با توبه به سوی او بازمی‌گردم.

برخی فواید آیات:

- عظمت الله در تمام مخلوقات آشکار است.
- دعای خیر فرشتگان برای پیروان ایمان.
- قرآن و سنت دو مرجع مؤمنان در تمام امورشان، به خصوص هنگام اختلاف است.
- اکتفا به انذار ساکنان مکه و پیرامون آن؛ زیرا آنها رسالت پیامبر ﷺ را انکار کردند و به آنها پاسخ داده شد، درحالی‌که ایشان رسول تمام مردم است؛ چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ...﴾ [سبأ: ۲۸].

﴿فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۱].

⑪ الله آفریدگار آسمان‌ها و زمین بدون نمونه قبلی است، از خود شما جفت‌هایی برای تان قرار داد، و شتر و گاو و گوسفند را به صورت نر و ماده برای تان قرار داد، تا به خاطر شما تکثیر و زیاد شوند. در جفت‌هایی که برای تان قرار داده است از طریق ازدواج شما را می‌آفریند، و از گوشت و شیر چارپایان که برای تان قرار داده است به شما طعام می‌دهد. هیچ‌یک از مخلوقاتش مثل او نیست، او تعالی سخنان بندگانش را می‌شنود، و کارهای‌شان را می‌بیند، و ذره‌ای از این موارد از او پنهان نمی‌ماند، و به‌زودی آنها را در قبال اعمال‌شان جزا خواهد داد؛ اگر خیر باشد جزای خیر، و اگر شر باشد جزای شر.

﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الشوری: ۱۲].

⑫ کلیدهای گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین فقط از آن او است، رزق و روزی را برای هر یک از بندگانش که بخواهد، برای آزمایش او می‌گشاید که آیا سپاسگزاری می‌کند یا ناسپاسی؟ و آن را بر هرکس بخواهد برای آزمایش او تنگ می‌گرداند که آیا شکیبایی می‌کند یا بر تقدیر الله خشم می‌گیرد؟ به‌راستی که او از همه چیز آگاه است، و هیچ یک از مصالح بندگانش بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿* شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ﴾ [الشوری: ۱۳].

⑬ دینی مانند آنچه نوح عليه السلام را بر تبلیغ و عمل به آن فرمان دادیم برای تان تشریح فرمود. و -ای رسول- آنچه را به‌سوی تو وحی و برای تان تشریح کردیم مانند آن چیزی است که ابراهیم و موسی و عیسی عليه السلام را به تبلیغ و عمل به آن فرمان دادیم، و خلاصه‌اش چنین است: دین را برپا دارید، و از تفرقه و پراکندگی در آن دست بکشید، توحید الله، و ترک عبادت غیر او که مشرکان را به آن فرا می‌خوانی بر آنها بسیار گران می‌آید. الله هر یک از بندگانش را که بخواهد برمی‌گزیند، و او را به

عبادت و طاعت خویش توفیق می‌دهد، و هرکس با توبه از گناهان خویش به‌سوی الله بازگردد به‌سوی خویش هدایت می‌فرماید.

﴿وَمَا تَقْرَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُّريبٍ﴾ [الشوری: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و کافران و مشرکان پراکنده نشدند مگر پس از اینکه با بعثت محمد ﷺ به‌سوی شان حجت بر آنها اقامه شد، و سبب تفرقه‌شان فقط سرکشی و ستم بود، و اگر در علم الله نگذشته بود که عذاب را تا زمانی که در علم او تعالی مشخص است یعنی روز قیامت از آنها به تأخیر اندازد به‌طور قطع الله میان آنها داوری می‌کرد، و به سبب کفرشان به الله و تکذیب رسولانش عذاب را بر آنها به تعجیل می‌انداخت. و کسانی که پس از پیشینیان خویش و پس از این مشرکان، تورات را از یهود، و انجیل را از نصاری، به میراث بردند، به‌طور قطع درباره این قرآن که محمد ﷺ آورده در تردید هستند و آن را تکذیب می‌کنند.

﴿فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ [الشوری: ۱۵].

﴿۱۵﴾ به این دین مستقیم دعوت کن، و بر اساس آنچه الله به تو فرمان داده بر آن پایدار باش، و از هوس‌های باطل آنها پیروی نکن، و هنگام مجادله با آنها بگو: به الله و به کتاب‌هایی که الله بر رسولانش فرو فرستاده ایمان آوردم، و الله به من فرمان داده تا میان شما به عدالت داوری کنم. الله که آن را عبادت می‌کنم پروردگار همگی ما و شماست. اعمال ما خیر باشد یا شر، برای خودمان است، و اعمال شما نیز خیر باشد یا شر برای خودتان است. پس از اینکه حجت روشن و آشکار شد هیچ جدالی میان ما و شما نیست، در روز قیامت الله همگی ما را جمع می‌کند، و بازگشت به‌سوی او است. آن‌گاه هر یک از ما را به آنچه که سزاوارش است جزا می‌دهد، و در آن هنگام راستگو از دروغگو، و حق‌دار از ناحق مشخص می‌گردد.

برخی فواید آیات:

- دین پیامبران در اصول، یگانه است.
- اهمیت وحدت کلمه، و خطر اختلاف در آن.
- یکی از عناصر اساسی موفقیت دعوت به سوی الله: اعتقاد صحیح و پایداری بر آن، دوری از پیروی هوس‌ها، عدالت، تمرکز بر هدف مشترک، و ترک جدال بی فایده، و یادآوری هدف مشترک است.

﴿وَالَّذِينَ يُجَاجُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ [الشوری: ۱۶].

۱۶ و کسانی که در این دین نازل شده بر محمد ﷺ پس از اینکه مردم آن را پذیرفتند با حجت‌های باطل مجادله می‌کنند، حجت آنها نزد پروردگارشان و نزد مؤمنان نابودشدنی و ساقط است، و هیچ اثری ندارد، و به این سبب که کفر ورزیدند و حق را رها کردند خشمی از جانب الله بر آنها است، و عذابی سخت در روز قیامت منتظرشان است.

الله پس از بیان بطلان حجت‌های کافران، اساس حجت‌هایی صحیح که مسلمان به آن استدلال می‌کند، یعنی قرآن، را بیان کرد و فرمود:

﴿اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ﴾ [الشوری: ۱۷].

۱۷ الله همان ذاتی است که قرآن را به حقیقتی که هیچ تردیدی در آن نیست نازل کرد، و عدالت را فرستاد تا میان مردم به انصاف حکم کند، و شاید قیامت که اینها آن را تکذیب می‌کنند نزدیک باشد، و مسلماً هر امری که آمدنی باشد نزدیک است.

﴿يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يِمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ [الشوری: ۱۸].

۱۸ کسانی که به قیامت ایمان ندارند خواستار تعجیل در آمدن آن هستند؛ زیرا به حساب و پاداش و کیفر ایمان ندارند، و کسانی که به الله ایمان آورده‌اند به سبب ترس از مقصدشان در قیامت از آن می‌ترسند، و به یقین می‌دانند که قیامت همان حقیقتی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد. بدانید کسانی که در مورد قیامت مجادله و ستیزه‌جویی می‌کنند، و در وقوع آن تردید می‌ورزند، به‌طور قطع در گمراهی دوری از حقیقت هستند.

﴿اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ﴾ [الشوری: ۱۹].

۱۹ الله نسبت به بندگانش بسیار مهربان است، هرکس را بخواهد روزی می‌دهد، و روزی را برایش می‌گشاید، و برای هرکس بخواهد از سر مهربانی به او روزی را برایش تنگ می‌گرداند، هر چند غیر این امر به نظر رسد. و او ذات توانایی است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و ذات شکست‌ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می‌گیرد.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ [الشوری: ۲۰].

هرکس پاداش آخرت را بخواهد و برای آن کار کند، بر پاداش او می‌افزاییم، یعنی یک نیکی به ده تا هفتصد و حتی تا چند برابر بیشتر؛ و هرکس فقط دنیا را بخواهد سهم مقدر شده‌ او از دنیا را برایش می‌دهیم، و چون دنیا را بر آخرت ترجیح داده است هیچ سهمی در آخرت ندارد.

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءَ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الشوری: ۲۱].

آیا این مشرکان معبودهایی غیر از الله دارند، که آنچه الله با شریعت خویش به آنها اجازه نداده است یعنی شرک به الله و تحریم آنچه الله حلال کرده، و تحلیل آنچه حرام کرده، برای‌شان تشریع کرده‌اند؟ و اگر الله سررسید مشخصی را برای داوری میان اختلاف کنندگان، و اینکه تا آن زمان به آنها مهلت می‌دهد مشخص نکرده بود، به‌طور قطع میان آنها داوری می‌کرد. و همانا کسانی که با شرک به الله و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند عذابی دردناک دارند که در روز قیامت در انتظارشان است.

﴿تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ [الشوری: ۲۲].

۲۲ - ای رسول - کسانی را که با شرک و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند از کیفر گناهی که انجام داده‌اند ترسان می‌بینی، و به‌طور قطع عذاب بر آنها واقع می‌شود، و ترس بدون توبه سودی به حال‌شان نمی‌رساند، و کسانی که به الله و رسولانش ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند برخلاف آنها هستند؛ زیرا در باغ‌های بهشت بهره مند می‌شوند، و هرچه از نعمت‌های گوناگونی که هرگز تمام نمی‌شود می‌خواهند نزد پروردگار خویش دارند. این همان فضیلت بزرگی است که هیچ فضیلتی با آن برابری نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- ترس مؤمن از هول و هراس روز قیامت، بر آماده شدن برای آن روز کمک می‌کند.
- لطف الله به بندگانش که روزی را برای هرکس گشایش روزی برایش خیر باشد می‌گشاید، و آن را برای هرکس تنگ گرداندن آن برایش خیر باشد تنگ می‌گرداند.
- خطر ترجیح دنیا بر آخرت.

﴿ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ [الشوری: ۲۳].

۳۳ این همان مزده بزرگی است که الله آن را توسط رسولش به کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند مزده می‌دهد. - ای رسول - بگو: در قبال تبلیغ حق فقط یک پاداش از شما می‌خواهم که سود آن هم به خودتان بازمی‌گردد، و آن هم اینکه مرا به سبب رابطه خویشاوندی‌ای که با شما دارم دوست داشته باشید. و هرکس کار نیکی انجام دهد در مزدش برای او می‌افزاییم؛ هر نیکی به ده مانند آن. به راستی که الله نسبت به گناهان کسانی از بندگانش که به سوی او توبه کنند بسیار آمرزنده، و قدرشناس اعمال صالح‌شان است که آنها را در جستجوی وجه او تعالی انجام می‌دهند.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَأِ اللَّهُ يُخْنِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الشوری: ۲۴].

۳۴ مشرکان ادعا می‌کردند که محمد ﷺ این قرآن را ساخته و به پروردگارش نسبت داده است، و الله در پاسخ آنها فرمود: اگر به خاطرت خطور کند که دروغی بینی به طور قطع بر قلبت مهر می‌نهم، و دروغ افترا بسته را محو می‌کنم، و حق را باقی می‌گذارم، و چون این امر اتفاق نیفتاده است بر راستگویی پیامبر ﷺ در اینکه از جانب پروردگارش بر او وحی می‌شود دلالت دارد. به راستی که او تعالی از آنچه در دل‌های بندگانش وجود دارد بسیار آگاه است و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [الشوری: ۲۵].

۳۵ و او سبحانه ذاتی است که توبه بندگانش از کفر و گناهان را آن‌گاه که به سوی او توبه کنند می‌پذیرد، و از بدی‌هایی که مرتکب شده‌اند درمی‌گذرد. از هر چیزی که انجام دهید آگاه است، ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ﴾ [الشوری: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و دعای کسانی را که به الله و رسولانش ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند اجابت می‌کند، و از فضل خویش بر آنچه از او خواسته‌اند برای‌شان می‌افزاید، و کافران به الله و رسولانش عذاب سختی دارند که در قیامت منتظرشان است.

﴿* وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ﴾ [الشوری: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و اگر الله رزق و روزی را برای تمام بندگانش بگشاید به‌طور قطع با ستم در زمین سرکشی می‌کنند، اما او سبحانه از رزق و روزی به اندازه‌ای از گشایش و تنگی که می‌خواهد فرو می‌فرستد. همانا او تعالی نسبت به احوال بندگانش بسیار دانا و بینا است. پس براساس حکمت می‌بخشد، و براساس حکمت نیز محروم می‌کند.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [الشوری: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و او ذاتی است که باران را بر بندگانش پس از اینکه از نزول آن نومید شدند فرو می‌فرستد، و این باران را می‌گستراند تا گیاهان زمین بروید، و او عهده‌دار کارهای بندگان است، و در هر حالتی ستوده شده است.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ﴾ [الشوری: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و یکی از نشانه‌های الله که بر قدرت و یگانگی او تعالی دلالت دارد آفرینش آسمان‌ها و زمین، و مخلوقات عجیبی است که در این دو گسترانده است، و خود او تعالی هرگاه بخواهد بر گردآوری آنها برای حشر و جزا توانا است، و این کار او را ناتوان نمی‌سازد همان‌گونه که از آفرینش آنها برای بار اول ناتوان نبوده است.

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و -ای مردم- هر مصیبتی که در خودتان یا اموال‌تان به شما برسد به سبب گناهی است که خودتان مرتکب شده‌اید، و الله از بسیاری از این گناهان درمی‌گذرد، و شما را در قبال آنها مؤاخذه نمی‌کند.

﴿وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ﴾
 [الشوری: ۳۱].

🕋 و هرگاه پروردگارتان بخواهد شما را کیفر کند نمی‌توانید برای نجات از او تعالی بگریزید، و به جای او نه هیچ کارسازی دارید تا کارهای‌تان را برعهده گیرد، و نه هیچ یآوری تا عذاب را اگر الله آن را برای‌تان بخواهد از شما بردارد.

برخی فواید آیات:

- دعوتگر به سوی الله در پی کسب مزد از جانب مردم نیست.
- گشایش و تنگ گردیدن روزی، تابع حکمتی الهی است که شاید بر بسیاری از مردم پوشیده باشد.
- گناهان و معاصی از اسباب نازل شدن مصیبت‌ها هستند.

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ [الشوری: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و یکی دیگر از آیات دلالت کننده‌ی الله بر قدرت و یگانگی او تعالی کشتی‌هایی است که از نظر ارتفاع و بلندی مانند کوه‌ها در دریا در حرکت هستند.

﴿إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ [الشوری: ۳۳].

﴿۳۳﴾ اگر الله سکون و آرامش باد که کشتی‌ها را حرکت می‌دهد بخواهد به‌طور قطع باد را ساکن می‌گرداند، آن‌گاه بدون حرکت در دریا ثابت می‌مانند. به‌راستی که در آفرینش کشتی‌ها و تسخیر بادهای آشکاری است بر قدرت الله برای هرکس که در برابر بلا و مصیبت‌ها بسیار شکیبا، و شکرگزار نعمت‌هایی است که الله بر او بخشیده است.

﴿أَوْ يُوقِنَنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ﴾ [الشوری: ۳۴].

﴿۳۴﴾ یا اگر او سبحانه به‌سبب گناهی که مردم انجام داده‌اند نابودی این کشتی‌ها را با فرستادن تندباد بخواهد به‌طور قطع آنها را از بین می‌برد، و از بسیاری گناهان بندگانش درمی‌گذرد و آنها را در قبال این گناهان مجازات نمی‌کند.

﴿وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّن مَّحِيصٍ﴾ [الشوری: ۳۵].

﴿۳۵﴾ تا کسانی که در آیات الله برای ابطال آنها مجادله می‌کنند هنگام نابودی این کشتی‌ها با تندباد بدانند که هیچ راه فراری از نابودی ندارند، و جز الله را در دعا نخوانند، و غیر او را رها کنند.

﴿فَمَا أوتَيْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ [الشوری: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و - ای مردم - مال یا مقام یا فرزندی که به شما داده شده، کالای زندگی دنیا است که نابود شدنی و موقتی است، و نعمت‌های جاویدان همان نعمت‌های بهشت هستند که الله برای کسانی که به الله و رسولانش ایمان آورده‌اند، و در تمام کارهای شان فقط بر پروردگارشان توکل می‌کنند آماده ساخته است.

﴿وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ﴾ [الشوری: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و همان کسانی که از گناهان کبیره و زشت دوری می‌کنند، و هرگاه از گفتار یا کردار بد کسی خشمگین شدند خطایش را می‌بخشند، و او را در قبال آن مجازات نمی‌کنند، و این عفو اگر خیر و مصلحتی در آن باشد، نشانه‌ی نیکوکاری آنها است.

﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾ [الشوری: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و همان کسانی که به پروردگارشان، با انجام آنچه به آن فرمان داده، و ترک آنچه از آن نهی فرموده، پاسخ مثبت داده‌اند، و نماز را به کامل‌ترین وجه برپا داشته‌اند، و همان کسانی که در اموری که قصد انجام دادنش را دارند با یکدیگر مشورت می‌کنند، و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم در جستجوی وجه الله انفاق می‌کنند.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾ [الشوری: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و همان کسانی که وقتی ستمی بر آنها وارد شود، اگر ستمکار سزاوار بخشش نباشد، برای گرامیداشت و احترام خودشان انتقام می‌گیرند، و این انتقام، حقی است، به‌خصوص زمانی که مصلحتی در عفو وجود نداشته باشد.

﴿وَجَزَاء سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ﴾ [الشوری: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و هرکس بخواهد حقش را بگیرد این اجازه را دارد، اما به مثل ستمی که بر او رفته و بدون افزودن یا تجاوز؛ و هرکس از کسی که به او بدی کرده بگذرد و او را در قبال بدکاری‌اش مواخذه نکند، و میان خود و برادرش را اصلاح گرداند پاداش او نزد الله است، همانا او تعالی ستمکارانی را که در جان یا مال یا آبروی مردم ستم می‌کنند دوست ندارد، بلکه بر آنها خشم می‌گیرد.

﴿وَلَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّن سَبِيلٍ﴾ [الشوری: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و هرکس انتقام خویش را بگیرد اینها چون حقشان را گرفته‌اند مواخذه‌ای بر آنها نیست.

﴿إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الشوری: ۴۲].

﴿۴۲﴾ مواخذه و کیفر فقط برای کسانی است که بر مردم ستم می‌کنند، و در زمین مرتکب گناهان می‌شوند، برای اینها عذابی دردناک در آخرت است.

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنَ الْعَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [الشوری: ۴۳].

﴿۳۲﴾ و اما کسی که در برابر آزاری که دیگری به او رسانده شکیبایی کند، و از او درگذرد، به راستی که این صبر از مواردی است که خیر را به او و جامعه بازمی گرداند؛ و این کار امری پسندیده است، و جز صاحب خوشبختی بزرگ به آن توفیق نمی یابد.

﴿وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَدِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلٍ﴾ [الشوری: ۴۴].

﴿۴۴﴾ و هرکس الله او را به هدایت یاری نکند و از حق گمراه سازد پس از او تعالی هیچ کارسازی نیست که کارش را برعهده گیرد، و کسانی را که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده اند وقتی عذاب روز قیامت را ببینند می بینی که آرزوکنان می گویند: آیا راهی برای بازگشت به دنیا هست تا به سوی الله توبه کنیم؟

برخی فواید آیات:

- شکیبایی و سپاسگزاری دو مورد از اسباب توفیق پند گرفتن از آیات الله است.
- مشورت در اسلام جایگاه بزرگی دارد.
- جواز مؤاخذه ظالم به مانند ستمی که روا داشته است، هر چند بخشش بهتر است.

﴿وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ﴾ [الشوری: ۴۵].

④۵ و - ای رسول - این ستمکاران را هنگامی که بر جهنم عرضه می‌شوند می‌بینی در حالی که خوار و ذلیل هستند به سبب ترس زیاد از مردم دزدکی به آنها می‌نگرند، و کسانی که به الله و رسولانش ایمان آورده‌اند می‌گویند: زینکاران واقعی همان کسانی هستند که در روز قیامت به سبب عذاب الله که با آن روبه‌رو می‌شوند به خودشان و خانواده‌های‌شان زیان رسانده‌اند، بدانید کسانی که به سبب کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند در عذابی همیشگی و دائم قرار دارند.

﴿وَمَا كَانَ لَهُمْ مِّنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فََمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ﴾ [الشوری: ۴۶].

④۶ و دوستانی ندارند که با نجات دادن آنها از عذاب الله در روز قیامت به آنها یاری رسانند، و هرکس الله او را در راه حق یاری نکند و از آن گمراه سازد هرگز راهی برایش نیست که او را به هدایت به سوی حق برساند.

﴿اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِّنْ مَّلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّكِيرٍ﴾ [الشوری: ۴۷].

④۷ - ای مردم - با شتافتن به اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارتان، و امروز و فردا نکردن، به پروردگارتان پاسخ مثبت دهید، قبل از اینکه روز قیامت بیاید که هرگاه بیاید هیچ بازدارنده‌ای برایش نیست، و نه هیچ پناهگاهی است که به آن پناه ببرید، و نه حق انکاری برای‌تان است که گناهی را که در دنیا مرتکب شده‌اید با آن انکار کنید.

﴿فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ﴾ [الشوری: ۴۸].

④۸ پس - ای رسول - اگر از فرامین تو روی گرداندند ما تو را نگهبان بر آنها نفرستاده‌ایم که از اعمال‌شان نگهبانی کنی، و فقط تبلیغ آنچه به آن فرمان یافته‌ای برعهده‌توست، و حسابرسی آنها برعهده‌الله است، و در حقیقت اگر ما از جانب خویش ثروت و سلامتی

و رحمتی دیگر مانند این دو به انسان بچشانیم به آن شاد می‌گردد، و اگر به سبب گناهان انسان‌ها مصیبتی به آنها برسد؛ خوی و عادت آنها کفران نعمت‌های الله، سپاسگزاری نکردن، و خشم گرفتن است بر آنچه الله به حکمت خویش مقدر کرده است.

﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنْثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ﴾ [الشوری: ۴۹].

﴿۴۹﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن الله است، هرچه از پسر یا دختر یا غیر آن که بخواهد می‌آفریند، به هرکس بخواهد فرزند دختر می‌دهد و او را از فرزند پسر محروم می‌سازد، و برای هرکس بخواهد فرزند پسر می‌دهد و او را از فرزند دختر محروم می‌سازد،

﴿أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ [الشوری: ۵۰].

﴿۵۰﴾ یا برای هرکس بخواهد هم پسر می‌دهد و هم دختر، و هرکس را بخواهد عقیم و نازا قرار می‌دهد. به‌راستی که او از آنچه موجود است و آنچه در آینده موجود خواهد شد آگاه است، و این امر به سبب علم و حکمت کامل او است. هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌کند.

﴿* وَمَا كَانَ لِنَبِّئٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآذِنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ﴾ [الشوری: ۵۱].

﴿۵۱﴾ هیچ انسانی را نرسد که الله با او سخن گوید جز از طریق وحی با الهام یا غیر آن، یا به‌گونه‌ای با او سخن می‌گوید که کلامش را می‌شنود اما خودش را نمی‌بیند، یا فرشته‌ای فرستاده شده مانند جبرئیل علیه السلام به‌سویش می‌فرستد، و آنچه را الله می‌خواهد به رسول وحی کند به اذن الله به رسول بشری وحی می‌کند. به‌راستی که او سبحانه در ذات و صفات خویش برتر، و در آفرینش و تقدیر و شریعتش بسیار دانا است.

برخی فواید آیات:

- وجوب شتافتن به اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله.
- رسول وظیفهٔ ابلاغ را دارد، و نتایج به دست الله است.
- بخشش پسر یا دختر یا هر دو بر اساس علم الله به صلاح بندگان است، و در این مورد پسران هیچ امتیازی بر دختران ندارند.
- الله تعالی به سبب حکمت‌هایی که او تعالی خودش می‌داند، با روش‌های مختلف به‌سوی پیامبرانش وحی می‌کند.

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ [الشوری: ۵۲].

﴿۵۲﴾ و - ای رسول - همان گونه که به پیامبران پیش از تو وحی کردیم قرآن را از جانب خویش به تو فرستادیم، و پیش از این تو نه می دانستی که کتاب های آسمانی نازل شده بر رسولان چیست و نه می دانستی ایمان چیست؟ اما ما این قرآن را نوری قرار دادیم که با آن هر یک از بندگانمان را که بخواهیم هدایت می کنیم، و به راستی که تو مردم را به راه راست یعنی دین اسلام راهنمایی می کنی.

﴿صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ [الشوری: ۵۳].

﴿۵۳﴾ همان راه الله که آفرینش و فرمانروایی و تدبیر آنچه در آسمان ها و زمین است از آن او است، و به طور قطع تقدیر و تدبیر کارها فقط به سوی الله بازمی گردد.

سوره الزُّخْرُفِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان مبادی صحیح قرآنی، و نقض تصورات پوشالی جاهلیت.

تفسیر:

﴿حَم﴾ [الزخرف: ۱].

﴿۱﴾ ﴿حَم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [الزخرف: ۲].

﴿۲﴾ الله به قرآن روشنگر راه هدایت به سوی حق سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الزخرف: ۳].

﴿۳﴾ که ما آن را قرآنی به زبان عربی قرار دادیم؛ تا - ای گروهی که قرآن به زبان شما نازل شده است - در معانی اش بیندیشید، و آنها را بفهمید و به امت های دیگر انتقال دهید.

﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ﴾ [الزخرف: ۴].

و به راستی که این قرآن در لوح محفوظ والا و بلند مرتبه و دارای حکمت است، و آیاتش در او امر و نواهی، محکم و استوار گردیده است.

﴿أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ﴾ [الزخرف: ۵].

آیا به سبب اینکه شما بسیار مرتکب شرک و گناهان می‌شوید ما از فرستادن این قرآن بر شما دست می‌کشیم؟ این کار را نمی‌کنیم، بلکه مهربانی به شما، عکس این امر را می‌طلبد.

﴿وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ﴾ [الزخرف: ۶].

و چه بسیار پیامبرانی که در امت‌های پیشین مبعوث کردیم.

﴿وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيِّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الزخرف: ۷].

و هر پیامبری که از جانب الله نزد آن امت‌های پیشین آمد او را مسخره می‌کردند.

﴿فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الزخرف: ۸].

و از میان آن امت‌ها کسانی را نابود کردیم که از اینها نیرومندتر بودند. بنابراین از نابودی ضعیف‌تر از آنها ناتوان نیستیم، و چگونگی نابودی امت‌های پیشین، مانند عاد و ثمود و قوم لوط و اصحاب مدین در قرآن بیان شده است.

﴿وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ﴾ [الزخرف: ۹].

و - ای رسول - اگر از این مشرکان تکذیب‌کننده بپرسی: چه کسی آسمان‌ها، و زمین را آفریده است؟ به‌طور قطع در پاسخ به سوال تو خواهند گفت: آنها را ذات شکست‌ناپذیری که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و از همه چیز آگاه است آفریده است.

﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۱۰].

الله همان ذاتی است که زمین را برای شما گستراند و آن را برای‌تان فرشی که بر بالایش پا می‌گذارید قرار داد، و راه‌هایی در کوه‌ها و دره‌هایش برای‌تان قرار داد؛ تا در مسافرت‌ها از آنها راهنمایی بگیرید.

برخی فواید آیات:

- وحی به سبب اهمیتی که در هدایت مردم دارد روح نامیده شده است، یعنی به منزله روح برای بدن است.
- منظور از هدایت منتسب به رسول الله ﷺ، هدایت ارشاد (راهنمایی) است نه هدایت توفیق.
- توحید ربوبیت مشرکان در روز قیامت سودی به آنها نمی‌رساند.

﴿وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ﴾ [الزخرف: ۱۱].

۱۱) و همان ذاتی است که از آسمان به آن اندازه آب فرو فرستاد که برای شما، و برای دامها و کشتزارهای تان کافی است، و زمینی خشکیده و بدون گیاه را با آن زنده گرداند، همان گونه که الله این زمین خشک را با گیاهان زنده گردانید شما را نیز برای رستاخیز زنده می گرداند.

﴿وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ﴾ [الزخرف: ۱۲].

۱۲) و همان ذاتی است که تمام جفتها مانند شب و روز، نر و ماده و غیر آن را آفرید، و از کشتیها و دامها مرکبهایی که در مسافرتهای تان بر آنها سوار می شوید برای تان قرار داد، بر کشتیها در دریا، و بر دامهای تان در خشکی سوار می شوید.

﴿لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ﴾ [الزخرف: ۱۳].

۱۳) تمام این موارد را برای تان قرار داد؛ تا بر پشت مرکبهایی که در سفرهای تان سوار می شوید قرار گیرید، و وقتی بر پشت آنها قرار می گیرید نعمت پروردگارتان که آنها را رام شما کرد به یاد آورید، و به زبان بگویید: پاک و منزه است ذاتی که این مرکب را برای ما مهیا و رام کرد و تحت فرمان ما قرار دارد، و اگر الله آن را رام نکرده بود ما بر این کار توانایی نداشتیم.

﴿وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾ [الزخرف: ۱۴].

۱۴) و قطعاً ما پس از مرگ برای حسابرسی و جزا فقط به سوی پروردگارمان بازمی گردیم.

﴿وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ﴾ [الزخرف: ۱۵].

۱۵) و مشرکان ادعا کردند که برخی مخلوقات از آفریدگار سبحانه متولد شده اند آن گاه که گفتند: فرشتگان دختران الله هستند، در حقیقت هر کس که چنین سخنی بگوید انسان بسیار ناسپاسی است که کفر و گمراهی را آشکار کرده است.

﴿أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ﴾ [الزخرف: ۱۶].

۱۶) - ای مشرکان - آیا می گوئید: الله از میان مخلوقاتش دخترانی برای خود برگرفته، و فرزندان پسر را به شما اختصاص داده است؟! چه تقسیم می است که شما ادعا کردید؟!

﴿وَإِذَا بُعِثَ رَاحِدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ﴾ [الزخرف: ۱۷].

۱۷ و چون یکی از آنها را به دختر - که آن را به پروردگارش نسبت می‌دهد - مژده دهند چهره‌اش از غم و اندوه زیاد سیاه می‌شود، و سرشار از خشم می‌گردد. پس چگونه چیزی را که وقتی خودش به آن مژده داده می‌شود غمگین می‌گردد به پروردگارش نسبت می‌دهد؟

﴿أَوَمَنْ يُنَشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ [الزخرف: ۱۸].

۱۸ آیا کسی را به پروردگارشان نسبت می‌دهد که در زیور پرورش می‌یابد، و سخن او هنگام مجادله به سبب زنانگی‌اش غیر روشن است؟!

﴿وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ [الزخرف: ۱۹].

۱۹ و فرشتگان را که بندگان الله رحمان سبحانه هستند: دختر نامیدند. آیا آن‌گاه که الله آنها را آفرید حاضر بوده‌اند، و برای‌شان مشخص شده است که آنها دختر هستند؟! به زودی فرشتگان این گواهی آنها را خواهند نوشت، و در روز قیامت در این باره از آنها سوال می‌شود، و به خاطر دروغی که گفتند عذاب می‌شوند.

﴿وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِدَلِكٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ﴾ [الزخرف: ۲۰].

۲۰ و با استدلال به تقدیر گفتند: اگر الله می‌خواست که ما فرشتگان را عبادت نکنیم آنها را عبادت نمی‌کردیم، پس چون این کار را از ما خواسته است بر رضایت او دلالت دارد. برای این سخن‌شان هیچ دانشی نیست، و آنها فقط دروغ می‌گویند.

﴿أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ﴾ [الزخرف: ۲۱].

۲۱ آیا قبل از قرآن به این مشرکان کتابی داده‌ایم که عبادت غیر الله را به آنها اجازه داده باشد؟! و آنها به آن کتاب تمسک، و استدلال می‌کنند.

﴿بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۲۲].

۲۲ خیر، این اتفاق نیفتاده، بلکه با استدلال به تقلید گفتند: به راستی که ما پیش از خود پدرانمان را بر دین و آیینی یافتیم، و آنها معبودها را عبادت می‌کردند، و ما در عبادت معبودها، راه آنها را می‌پیماییم.

برخی فواید آیات:

- هر نعمتی، سپاسگزاری را ایجاب می‌کند.
- ستم مشرکان در تصورات آنها در برابر پروردگارشان؛ آن‌گاه که دختران را به الله نسبت دادند، و آنها را برای خودشان نپسندیدند.
- بطلان استدلال به تقدیر برای ارتکاب گناهان.
- مشاهده، یکی از پایه‌های اثبات حقایق است.

﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و همان گونه که اینها به تکذیب پرداختند، و به تقلید خویش از پدران شان استناد کردند، - ای رسول - پیش از تو در هیچ شهری فرستاده‌ای برای انداز قومش نفرستادیم مگر اینکه بزرگان و سران ثروتمندشان گفتند: ما پدرانمان را بر دین و آیینی یافته‌ایم، و اثر آنها را دنبال می‌کنیم. پس قوم تو اولین کسانی نیستند که این کار را انجام می‌دهند.

﴿* قَالَ أَوْلُو جِحْتِكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ﴾ [الزخرف: ۲۴].

﴿۲۴﴾ رسول‌شان به آنها گفت: آیا از پدران‌تان پیروی می‌کنید حتی اگر آنچه من برای‌تان آورده‌ام از آیینی که پدران‌تان بر آن بودند بهتر باشد؟ گفتند: به آنچه تو و رسولان پیش از تو به آن فرستاده شده‌اید کافر هستیم.

﴿فَانتَقَمْنَا مِنْهُمُ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ [الزخرف: ۲۵].

﴿۲۵﴾ از امت‌هایی که پیش از تو رسولان را تکذیب کردند انتقام گرفتیم و آنها را نابود کردیم، پس ببیندیش کسانی که رسولان‌شان را تکذیب کردند چه سرانجامی داشته‌اند، به تحقیق که سرانجام دردناکی داشته‌اند.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ﴾ [الزخرف: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که ابراهیم علیه السلام به پدر و قومش گفت: قطعاً من از بت‌هایی که به جای الله عبادت می‌کنید بیزار هستم.

﴿إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ﴾ [الزخرف: ۲۷].

﴿۲۷﴾ جز الله که مرا آفرید که به تحقیق او مرا به پیروی دین استوار خویش که نفع من در آن است، راهنمایی خواهد کرد.

﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الزخرف: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و ابراهیم علیه السلام کلمه توحید (لا إله إلا الله) را پس از خود در میان نسلش جاویدان کرد، و پیوسته در میان آنها کسی هست که الله را یگانه بداند و هیچ‌چیز را با او شریک نگرداند؛ تا با توبه از شرک و گناهان به سوی الله بازگردند.

﴿بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءَ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ﴾ [الزخرف: ۲۹].

﴿۲۹﴾ در نابودی این مشرکان تکذیب کننده شتاب نکرده‌ام، بلکه با باقی گذاشتن در دنیا آنها را بهره‌مند ساختم، و پیش از آنها پدران‌شان را برخوردار ساختم تا اینکه قرآن، و فرستاده‌ای روشنگر یعنی محمد ﷺ نزدشان آمد.

﴿وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ﴾ [الزخرف: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و چون این قرآن که حقیقتی بدون تردید است نزدشان آمد گفتند: این سحری است که محمد ما را با آن سحر می‌کند، و قطعاً ما به او کافریم و هرگز به او ایمان نخواهیم آورد.

﴿وَقَالُوا لَوْلَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبَيْنِ عَظِيمٍ﴾ [الزخرف: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و این مشرکان تکذیب کننده گفتند: چرا الله این قرآن را به جای محمد فقیر و یتیم بر یکی از دو مرد بزرگ در مکه یا طائف، یعنی ولید بن عقبه و عروه بن مسعود ثقفی نازل نکرده است.

﴿أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَةُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [الزخرف: ۳۲].

﴿۳۲﴾ - ای رسول - آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند و آن را به هرکس بخواهند می‌دهند و از هرکس بخواهند باز می‌دارند یا الله؟ ما هستیم که روزی‌های شان را در دنیا میان آنها تقسیم کرده‌ایم، و برخی از آنها را ثروتمند و برخی دیگر را فقیر قرار داده‌ایم؛ تا برخی از آنها در خدمت برخی دیگر باشند، و رحمت پروردگارت برای بندگانش در آخرت بهتر است از بهره فانی دنیا که اینها جمع می‌کنند.

﴿وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفُفًا مِّنَ فِصَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾ [الزخرف: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و اگر چنین نبود که مردم در کفر، امتی واحد گردند به‌طور قطع برای خانه‌های کسانی که به الله کفر می‌ورزند سقف‌هایی نقره‌ای، و نردبان‌هایی که بر آن بالا روند قرار می‌دادیم.

برخی فواید آیات:

- تقلید یکی از اسباب گمراهی امت‌های پیشین بوده است.
- بیزاری جستن از کفر و کافران لازم است.
- تقسیم روزی‌ها تابع حکمت الله است.
- پستی دنیا نزد الله؛ زیرا اگر دنیا به اندازهٔ بال یک پشه نزد او تعالی می‌ارزید، جُرعه آبی از آن به هیچ کافری نمی‌نوشانید.

﴿وَلِيُؤْتِيَهُمْ آبْوَابًا وَسُرْرًا عَلَيْهَا يُتَّكُونَ﴾ [الزخرف: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و برای خانه‌های‌شان درهایی، و برای خودشان تخت‌هایی که بر آنها تکیه بزنند قرار می‌دادیم، تا به تدریج آنها را به عذاب نزدیک کنیم، و به فتنه اندازیم.

﴿وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [الزخرف: ۳۵].

﴿۳۵﴾ و به‌طور قطع برای آنها طلا قرار می‌دادیم، و - ای رسول - تمام این موارد فقط کالای زندگی دنیایی است، و چون دوام ندارد سودش اندک است، و نعمت‌های آخرت نزد پروردگارت برای کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه می‌کنند بهتر است.

﴿وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾ [الزخرف: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و هرکس سرسری در قرآن بنگرد که او را به رویگردانی می‌رساند مجازاتش این است که شیطانی بر او مسلط می‌شود که همنشینش خواهد بود و بر گمراهی او خواهد افزود.

﴿وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و به‌طور قطع این همنشینان که بر انسان‌های رویگردان از قرآن مسلط قرار داده می‌شوند آنها را از دین الله بازمی‌دارند؛ پس اوامر الله را اجرا نمی‌کنند و از نواهی او تعالی اجتناب نمی‌کنند، درحالی که گمان می‌کنند به‌سوی حق راه یافته‌اند، و به همین سبب از گمراهی خویش توبه نمی‌کنند.

﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ﴾ [الزخرف: ۳۸].

﴿۳۸﴾ تا اینکه این رویگردان از یاد الله روز قیامت نزد ما آید و آرزوکنان بگوید: - ای همنشین - کاش میان من و تو به اندازه میان مشرق و مغرب فاصله بود، که چه همنشین بدی هستی.

﴿وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنْتُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ﴾ [الزخرف: ۳۹].

﴿۳۹﴾ الله در روز قیامت به کافران می‌فرماید: - به این سبب که با شرک و گناهان بر خودتان ستم کرده‌اید - امروز مشارکت شما در عذاب هرگز سودی به شما نخواهد رساند و شریکان شما ذره‌ای از عذابتان را به جای شما برنخواهند داشت.

﴿أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْىَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الزخرف: ۴۰].

به راستی که اینها از شنیدن حق کر، و از دیدن آن کور هستند، پس - ای رسول - آیا تو بر شنوندن کر، یا راهنمایی کور، یا هدایت کسی که در گمراهی آشکاری از راه راست قرار دارد توانایی؟!

﴿فَأِمَّا زُهَیْبَ بْنَ كِنَانَةَ فَوَلَّوْنَا الْفِیْءَ وَهُوَ مِنَ الْفِیْءِ الْمُنْتَقِمُونَ﴾ [الزخرف: ۴۱].

پس اگر ما تو را ببریم - یعنی قبل از اینکه آنها را عذاب کنیم تو را بمیرانیم - به طور قطع در دنیا و آخرت از آنها انتقام می گیریم و آنها را عذاب می کنیم.

﴿أَوْ نُورِیْنِكَ الَّذِی وَعَدْنَاهُمْ فَأِنَّا عَلَیْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ﴾ [الزخرف: ۴۲].

یا اگر بخشی از عذابی را که به آنها وعده می دهیم به تو نشان دهیم، به راستی که ما بر آنها توانا هستیم، و در هیچ کاری نمی توانند بر ما چیره شوند.

﴿فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِی أُوحِیَ إِلَیْكَ إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ﴾ [الزخرف: ۴۳].

پس - ای رسول - به آنچه که پروردگارت به تو وحی کرده چنگ بزن، و به آن عمل کن؛ زیرا تو بر راه حقیقتی که هیچ ابهامی در آن نیست قرار داری.

﴿وَإِنَّهُ لَذِکْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾ [الزخرف: ۴۴].

و قطعاً این قرآن مایهٔ ارجمندی تو و قومت است، و به زودی در روز قیامت در مورد ایمان به آن و پیروی هدایتش، و دعوت به سوی آن از شما سوال خواهد شد.

﴿وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ﴾ [الزخرف: ۴۵].

و - ای رسول - از رسولانی که پیش از تو مبعوث کرده ایم بپرس: آیا جز الله رحمان معبودهای دیگری برای عبادت قرار داده ایم؟!

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآیَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الزخرف: ۴۶].

و به تحقیق که موسی علیه السلام را با آیات خویش به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم و به آنها گفت: به تحقیق که من فرستاده‌ای از جانب پروردگار تمام مخلوقات هستم.

﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ﴾ [الزخرف: ۴۷].

و چون آیات ما را برای شان آورد، از روی تمسخر و استهزا بر آنها خندیدند.

برخی فواید آیات:

- خطر رویگردانی از قرآن.
- قرآن مایهٔ ارجمندی رسول الله ﷺ و امتش است.
- اتفاق تمام رسالت‌ها بر ترک شرک.
- تمسخرِ حق، یکی از صفات همیشگی کافران است.

﴿وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
[الزخرف: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و ما هیچ دلیلی بر صحت آنچه موسی عليه السلام آورده بود به فرعون و سران قومش نشان نمی دادیم مگر اینکه از دلیل قبلی بزرگتر بود، و آنها را به عذاب در دنیا فرو گرفتیم، تا از کفر خویش بازگردند، اما هیچ فایده‌ای نداشت.

﴿وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهَدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ﴾ [الزخرف: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و وقتی بخشی از این عذاب به آنها رسید به موسی عليه السلام گفتند: ای ساحر، پروردگارت را که به تو گفته اگر ما ایمان بیاوریم عذاب را از ما برمی دارد، برایمان در دعا بخوان؛ زیرا اگر عذاب را از ما بردارد قطعاً به سوی او هدایت می یابیم.

﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ﴾ [الزخرف: ۵۰].

﴿۵۰﴾ اما وقتی عذاب را از آنها بازگرداندیم بلافاصله پیمان شان را شکستند، و به آن وفا نکردند.

﴿وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ [الزخرف: ۵۱].

﴿۵۱﴾ و فرعون مفتخر و سرمست از پادشاهی خویش در میان قومش این گونه ندا داد: ای قوم من، مگر پادشاهی مصر، و این رودهای نیل که از زیر کاخ‌های من جاری هستند از آن من نیست؟ پس آیا پادشاهی مرا نمی بینید و از عظمت من آگاه نیستید؟!

﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ﴾ [الزخرف: ۵۲].

﴿۵۲﴾ در نتیجه من از موسی که شخصی رانده شده و ناتوان است و نمی تواند به خوبی سخن بگوید بهتر هستم.

﴿فَلَوْلَا أَلْتَمَىٰ عَلَيْهِمْ آسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِينَ﴾ [الزخرف: ۵۳].

﴿۵۳﴾ چرا الله که او را فرستاده دستبندهایی طلایی برایش نیفکنده؛ تا مشخص شود او رسولش است، یا چرا فرشتگانی پیایی همراه او نیامده اند.

﴿فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ [الزخرف: ۵۴].

﴿۵۴﴾ فرعون قومش را فریفت، و آنها در گمراهی از او اطاعت کردند؛ زیرا مردمی خارج از طاعت الله بودند.

﴿فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الزخرف: ۵۵].

و هنگامی که با استمرار بر کفر ما را به خشم آوردند از آنها انتقام گرفتیم، و همگی شان را غرق ساختیم.

﴿فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ﴾ [الزخرف: ۵۶].

و فرعون و سران قومش را پیشگامانی گردانیدیم که در کفر، بر مردم و کفار قومت پیش افتاده‌اند، و آنها را پندی برای پندگیران قرار دادیم، تا مرتکب کار آنها نشوند و گرفتار عذاب‌شان نگردند.

﴿* وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ﴾ [الزخرف: ۵۷].

و - ای رسول - چون مشرکان گمان کردند عیسی علیه السلام که نصاری او را عبادت کردند در عموم این آیه داخل است: ﴿إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ﴾ [الأنبياء: ۹۸] «یقیناً شما و آنچه به جای الله عبادت می کنید، هیزم جهنم هستید، شما در آن وارد خواهید شد.» در حالی که الله همانند عبادت بت‌ها از عبادت عیسی علیه السلام نهی کرده است، به ناگاه قوم تو در جدال بانگ و فریاد برآوردند و گفتند: راضی شدیم که معبودان ما به منزله عیسی باشد، و الله در رد آنها این آیه را نازل فرمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۱] «به راستی کسانی که پیشتر از سوی ما (وعده) نیکویی برای آنها مقرر شده است، از آن (جهنم) دور نگه داشته می شوند.»

﴿وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ﴾ [الزخرف: ۵۸].

و گفتند: آیا معبودهای ما بهتر هستند یا عیسی؟! ابن زبیری و امثالش این مثال را به این سبب که دوست داشتند به حق برسند به تو نزدند، بلکه چون جدال را دوست دارند این مثال را زدند، و آنها مردمی هستند که بر جدل و خصومت سرشته شده‌اند.

﴿إِنَّ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ﴾ [الزخرف: ۵۹].

عیسی پسر مریم فقط یکی از بندگان الله است که نعمت نبوت و رسالت را به او دادیم، و او را مثالی برای بنی اسرائیل قرار دادیم که از طریق او بر قدرت الله راهنمایی می شوند چون او را بدون پدر آفرید چنان که آدم علیه السلام را بدون پدر و مادر آفرید.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ﴾ [الزخرف: ۶۰].

و - ای فرزندان آدم - اگر نابودی شما را بخواهیم به طور قطع شما را نابود خواهیم کرد، و به جای شما فرشتگانی قرار خواهیم داد که جانشین شما در زمین باشند، و الله را عبادت کنند و هیچ کس را با او شریک نگردانند.

برخی فواید آیات:

- پیمان شکنی، از صفات کافران است.
- هرکس بخواهد می تواند فاسق سبک مغز را خوار گرداند.
- خشم الله موجب خسران و تباهی است.
- گمراهان می کوشند دلالت های قرآن را براساس هوس های شان تحریف کنند.

﴿وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ﴾ [الزخرف: ۶۱].

۶۱) در حقیقت عیسی علیه السلام یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت است که در آخر الزمان نازل می‌شود، پس شک نکنید که قیامت واقع می‌شود، و در آنچه از جانب الله برای‌تان آورده‌ام از من پیروی کنید؛ زیرا همان راه راستی است که هیچ انحرافی در آن نیست.

﴿وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾ [الزخرف: ۶۲].

۶۲) و شیطان نباید با فریبکاری و نیرنگ، شما را از راه راست بازدارد، زیرا او دشمن آشکار شما است.

﴿وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلَأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ [الزخرف: ۶۳].

۶۳) و هنگامی که عیسی علیه السلام دلایل آشکار بر رسالت خویش را برای قومش آورد، به آنها گفت: به راستی که از جانب الله حکمت برای‌تان آورده‌ام، و آمده‌ام تا بخشی از امور دین شما را که در آن اختلاف دارید برای‌تان توضیح دهم، پس با اجرای اوامر، و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید، و در آنچه شما را به آن امر و در آنچه شما را از آن نهی می‌کنم از من فرمان‌برداری کنید.

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ﴾ [الزخرف: ۶۴].

۶۴) قطعاً الله پروردگار من و پروردگار شما است، هیچ پروردگاری جز او نداریم، پس عبادت را فقط برای او خالص گردانید، و این توحید همان راه راستی است که هیچ انحرافی در آن نیست.

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمِ أَلِيمٍ﴾ [الزخرف: ۶۵].

۶۵) اما گروه‌های نصاری در مورد عیسی علیه السلام اختلاف ورزیدند، برخی از آنها می‌گویند: عیسی همان معبود است، و برخی از آنها می‌گویند: او پسر الله است، و برخی از آنها می‌گویند: او و مادرش دو معبود هستند، پس وای بر کسانی که - با توصیف عیسی علیه السلام به الوهیت، یا پسر بودن، یا اینکه یکی از سه معبود است - بر خودشان ستم کرده‌اند از عذابی دردناک که روز قیامت در انتظارشان است.

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ﴾ [الزخرف: ۶۶].

۶۶) آیا این گروه‌های اختلاف‌کننده در مورد عیسی علیه السلام جز این امر را انتظار دارند که قیامت به صورت ناگهانی و درحالی‌که آمدنش را احساس نمی‌کنند آنها را

فراگیرد؟! که اگر قیامت در حالی آنها را فراگیرد که بر کفر خویش قرار دارند به طور قطع مقصدشان عذاب دردناک خواهد بود.

﴿الْأَخْلَاءَ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ [الزخرف: ۶۷].

﴿۶۷﴾ کسانی که بر کفر و گمراهی با یکدیگر دوستی می‌کنند در روز قیامت دشمن یکدیگر هستند مگر کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه کرده‌اند، که دوستی آنها همیشگی و ناگسستنی است.

﴿يَاعِبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾ [الزخرف: ۶۸].

﴿۶۸﴾ و الله به آنها می‌فرماید: ای بندگان من، امروز در آنچه پیش رو دارید ترسی بر شما نیست، و به سبب بهره دنیایی که از دست داده‌اید غمگین نمی‌شوید.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ [الزخرف: ۶۹].

﴿۶۹﴾ همان کسانی که بر قرآن نازل شده بر رسول‌شان ایمان آورده‌اند، و تسلیم قرآن بوده‌اند، یعنی به اوامر آن عمل می‌کردند، و از نواهی آن دست می‌کشیدند.

﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ﴾ [الزخرف: ۷۰].

﴿۷۰﴾ شما و مؤمنان مانند شما به بهشت وارد شوید، درحالی که از نعمت‌های جاویدانی که پایان نمی‌یابند و از بین نمی‌روند شادمان هستید.

﴿يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصَحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [الزخرف: ۷۱].

﴿۷۱﴾ خادمان آنها ظرف‌هایی طلایی و جام‌هایی بی‌دسته بر گردش‌شان می‌چرخانند، و هرچه دل‌ها بخواهند، و چشمان از دیدنش لذت ببرند در بهشت قرار دارد، و شما برای همیشه در آن می‌مانید، و هرگز از آن خارج نمی‌شوید.

﴿وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الزخرف: ۷۲].

﴿۷۲﴾ این بهشت را که برای‌تان توصیف کردم الله به فضل خویش در قبال اعمال‌تان به شما به میراث داد.

﴿لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ [الزخرف: ۷۳].

﴿۷۳﴾ میوه‌های فراوان و جاویدانی برای شما در آن وجود دارد، که از آنها می‌خورید.

برخی فواید آیات:

- نزول عیسی علیه السلام یکی از نشانه‌های بزرگ قیامت است.
- گسسته شدن دوستی فاسقان در روز قیامت، و پایداری دوستی پرهیزگاران.
- بشارت الله برای مؤمنان و اطمینان خاطر دادن او تعالی به آنها در مورد آنچه که پشت سر خویش در دنیا به جای گذاشتند، و آنچه در آخرت پیش رو دارند.

الله پس از بیان جزای پرهیزگاران، جزای کسانی که ضد آنها هستند یعنی مجرمان را بیان کرد و فرمود:

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ﴾ [الزخرف: ۷۴].

﴿۷۴﴾ به تحقیق که مجرمان به سبب کفر و گناهان روز قیامت در عذاب جهنم هستند و برای همیشه در آن می مانند.

﴿لَا يُقْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ﴾ [الزخرف: ۷۵].

﴿۷۵﴾ عذاب بر آنها تخفیف داده نمی شود، و در آنجا از رحمت الله نومید هستند.

﴿وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ﴾ [الزخرف: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و وقتی آنها را به جهنم وارد کنیم ما به آنها ستم نکرده ایم، بلکه خودشان با کفر بر خویشان ستم کرده اند.

﴿وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ﴾ [الزخرف: ۷۷].

﴿۷۷﴾ و به مامور جهنم -مالک- ندا می زنند: ای مالک، پروردگارت باید ما را بمیراند تا از عذاب راحت شویم، و مالک به آنها پاسخ می دهد: قطعاً شما بدون اینکه بمیرید برای همیشه در عذاب می مانند، و عذاب از شما قطع نخواهد شد.

﴿لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ﴾ [الزخرف: ۷۸].

﴿۷۸﴾ به تحقیق که ما در دنیا حقیقتی را که هیچ شکی در آن نیست نزدتان آوردیم، اما بیشتر شما حق را نمی پسندید.

﴿أَمْ أَمْرًا مُمَرًّا فَإِنَّا مُبْرَمُونَ﴾ [الزخرف: ۷۹].

﴿۷۹﴾ پس اگر بر پیامبر ﷺ مکر زده و نیرنگی برایش آماده کرده اند ما تدبیری غالب بر نیرنگ آنها برای شان حکم می کنیم.

﴿أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ﴾ [الزخرف: ۸۰].

﴿۸۰﴾ آیا گمان می کنند ما رازی را که در دل های شان پنهان می دارند، یا رازی را که مخفیانه با یکدیگر نجوا می کنند نمی شنویم، آری ما تمام این موارد را می شنویم، و فرشتگان نزدشان حاضر هستند و تمام اعمال شان را ثبت می کنند.

﴿قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ﴾ [الزخرف: ۸۱].

﴿۸۱﴾ - ای رسول - به کسانی که دختران را به الله نسبت می دهند، و الله از سخنان

آنها بسیار برتر و منزّه است، بگو: - به فرض - اگر الله فرزندی داشته باشد من نخستین کسی بودم که آن فرزند را عبادت می‌کرد.

﴿سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾ [الزخرف: ۸۲].

﴿۸۲﴾ پروردگار آسمان‌ها و زمین و عرش از انتساب شریک و دوست و فرزند به او که این مشرکان می‌گویند پاک و منزّه است.

﴿فَدَرَهُمْ يَحُوضًا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ [الزخرف: ۸۳].

﴿۸۳﴾ پس - ای رسول - آنها را واگذار تا در باطل خویش فرو روند، و بازی کنند، تا روزی را که به آن وعده داده می‌شوند، یعنی روز قیامت را دیدار کنند.

﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾ [الزخرف: ۸۴].

﴿۸۴﴾ و او سبحانه ذاتی است که معبود برحق در آسمان، و زمین است، و در آفرینش و تقدیر و تدبیر خویش بسیار دانا، و از احوال بندگانش بسیار آگاه است، و ذره‌ای از احوال‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ

تُرْجَعُونَ﴾ [الزخرف: ۸۵].

﴿۸۵﴾ و خیر و برکت الله بسیار است، ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان این دو وجود دارد فقط از آن او است، و فقط او می‌داند که قیامت چه زمانی برپا می‌گردد، و هیچ‌کس جز او از این زمان آگاه نیست، و در آخرت برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی او بازگردانده می‌شوید.

﴿وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

[الزخرف: ۸۶].

﴿۸۶﴾ و کسانی که مشرکان آنها را به جای الله عبادت می‌کنند اختیار شفاعت نزد الله ندارند، مگر کسی که گواهی داده باشد معبود برحق جز الله نیست، و او تعالی از کسانی مانند عیسی و عزیر و فرشتگان که این گواهی را داده‌اند آگاه است.

﴿وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ﴾ [الزخرف: ۸۷].

﴿۸۷﴾ و اگر از آنها بپرسی: چه کسی آنها را آفریده است؟ به‌طور قطع خواهند گفت: الله ما را آفریده است، پس با وجود این اعتراف چگونه از عبادت او تعالی بازگردانده می‌شوند؟!

﴿وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الزخرف: ۸۸].

﴿۸۸﴾ و الله از شکایت رسول خویش از تکذیب قومش آگاه است، که گفت: پروردگارا، اینها مردمی هستند که به آنچه مرا با آن به سوی‌شان فرستاده‌ای ایمان نمی‌آورند.

﴿فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ [الزخرف: ۸۹].

﴿۸۹﴾ پس از آنها روی گردان، و سخنی که باعث دفع شرشان می‌شود به آنها بگو - این حالت در مکه بود - به زودی از کیفری که با آن روبه‌رو می‌شوند آگاه خواهند شد.

برخی فواید آیات:

- نپسندیدن حق، خطر بزرگی است.
- مکر کافران به خودشان باز می‌گردد هر چند پس از مدتی این امر اتفاق افتد.
- هر اندازه که علم بنده به پروردگارش بیشتر شود، بیشتر به پروردگارش اعتماد می‌کند و به احکامش گردن می‌نهد.
- اختصاص علم زمان وقوع قیامت به الله.

سوره الدُّخَان

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

انذار از عذاب قریب الوقوع، با ترساندن تکذیب کنندگان از عذاب دنیا و آخرت.

تفسیر:

﴿حَم﴾ [الدخان: ۱].

﴿حَم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ﴾ [الدخان: ۲].

﴿﴾ الله به قرآن روشنگر راه هدایت به سوی حق سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾ [الدخان: ۳].

﴿﴾ که ما این قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم، یعنی شبی که خیر و برکت زیادی دارد، زیرا ما با این قرآن بیم‌دهنده بوده‌ایم.

﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾ [الدخان: ۴].

﴿﴾ در این شب هر امر محکمی که مربوط به روزی‌ها و اجل‌ها و سایر مواردی که الله در آن سال ایجاد می‌کند مقرر می‌شود.

﴿أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ﴾ [الدخان: ۵].

﴿﴾ هر امر محکمی از جانب خویش را مقرر می‌کنیم، به‌راستی که ما فرستنده رسولان بوده‌ایم.

﴿رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [الدخان: ۶].

﴿﴾ - ای رسول - رسولان را به رحمتی از جانب پروردگارت برای کسانی که به‌سوی آنها ارسال می‌شوند می‌فرستیم، به‌راستی که او سبحانه سخنان بندگانش را می‌شنود، و از افعال و نیات‌شان آگاه است، و ذره‌ای از این امور بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ﴾ [الدخان: ۷].

پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو وجود دارد است. اگر به این امر یقین دارید پس به رسولم ایمان آورید.

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الدخان: ۸].

هیچ معبود برحقى جز او نیست، زنده مى‌کند و مى‌میراند، هیچ زنده کننده و میراننده‌ای جز او نیست، پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست.

﴿بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ﴾ [الدخان: ۹].

این مشرکان بر این امر یقین ندارند، بلکه در مورد آن مردد هستند و به سبب باطلی که در آن قرار دارند این امر را فراموش می‌کنند.

﴿فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ﴾ [الدخان: ۱۰].

پس - ای رسول - منتظر عذاب نزدیک قوم خویش باش در روزی که آسمان دود آشکاری را نمایان می‌کند که آن را به چشم خویش با درد زیاد می‌بینند.

﴿يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الدخان: ۱۱].

قومت را فرا می‌گیرد، و به آنها گفته می‌شود: این غذایی که به شما رسید غذایی دردناک است.

﴿رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ﴾ [الدخان: ۱۲].

آن‌گاه متضرعانه از پروردگارشان چنین می‌خواهند: پروردگارا غذایی را که بر ایمان فرستادی از ما بازگردان، زیرا اگر آن را از ما بازگردانی به تو و رسالت ایمان داریم.

﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ﴾ [الدخان: ۱۳].

چگونه آنها می‌توانند پند بگیرند و به سوی پروردگارشان بازگردند در حالی که رسولی با رسالت روشن نزدشان آمده، و راستگویی و امانتداری‌اش را شناخته‌اند؟!

﴿ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ﴾ [الدخان: ۱۴].

سپس از تصدیق او خودداری کردند، و در مورد او گفتند: او تعلیم یافته‌ای است که دیگران به او می‌آموزند و فرستاده‌ای نیست، و در مورد او گفتند: دیوانه است.

﴿إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ﴾ [الدخان: ۱۵].

① به راستی آن گاه که این عذاب را اندکی از شما بازگردانیم، به کفر و تکذیب خویش بازمی گردید.

﴿يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾ [الدخان: ۱۶].

② و - ای رسول - برای آنها منتظر روزی باش که ضربه‌ای بزرگ در روز بدر به کافران قومت می‌زنیم، به راستی که ما از آنها به سبب کفر به الله و تکذیب رسولش انتقام می‌گیریم.

﴿* وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ﴾ [الدخان: ۱۷].

③ و به تحقیق که پیش از آنها قوم فرعون را آزمودیم، و رسولی گرامی از جانب الله نزدشان آمد که آنها را به توحید و عبادت الله فرا می‌خواند، و آن رسول موسی عليه السلام بود.

﴿أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾ [الدخان: ۱۸].

④ موسی عليه السلام به فرعون و قومش گفت: بنی اسرائیل را به من بسپارید، زیرا آنها بندگان الله هستند، و شما حق ندارید آنها را به بردگی بگیرید، به راستی که من فرستاده‌ای از جانب الله به سوی شما هستم، و بر آنچه که مرا فرمان داده به شما ابلاغ کنم امانتدار هستم، به گونه‌ای که ذره‌ای نه از آن می‌کاهم و نه بر آن می‌افزایم.

برخی فواید آیات:

- نزول قرآن در شب قدر که خیر و برکت زیادی دارد بر بزرگی منزلت این کتاب الهی دلالت دارد.
- بعثت رسولان و نزول قرآن از مظاهر رحمت الله به بندگان است.
- رسالت‌های پیامبران عليهم السلام، سبب آزاد سازی مستضعفان از چنگ متکبران است.

﴿وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ﴾ [الدخان: ۱۹].

۱۹ و اینکه با ترک عبادت الله و برتری جویی بر بندگان، بر او تعالی برتری نجوید، به راستی که من حجتی روشن برای تان آورده‌ام.

﴿وَإِنِّي عَذْتُ رَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُون﴾ [الدخان: ۲۰].

۲۰ و همانا من از اینکه مرا با سنگسار بکشید به پروردگار خودم و پروردگار شما پناه می‌برم.

﴿وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتَزِلُون﴾ [الدخان: ۲۱].

۲۱ و اگر آنچه را آورده‌ام تصدیق نمی‌کنید پس از من فاصله بگیرید، و آسیبی به من نزدیک نسازید.

﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ﴾ [الدخان: ۲۲].

۲۲ پس موسی علیه السلام این گونه پروردگارش را خواند: که این قوم - فرعون و سرانش - قومی ستمکارند که سزاوار تعجیل در فرود عذاب هستند.

﴿فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ﴾ [الدخان: ۲۳].

۲۳ آن گاه الله به موسی علیه السلام فرمان داد که قومش را شبانه حرکت دهد، و به او خبر داد که فرعون و قومش آنها را تعقیب خواهند کرد.

﴿وَاتْرِكْ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرَفُونَ﴾ [الدخان: ۲۴].

۲۴ و به موسی علیه السلام فرمان داد که وقتی او و بنی اسرائیل از دریا گذشتند آن را آرام و بی حرکت چنان که بود رها کند، که قطعاً فرعون و لشکریانش در دریا غرق و نابود خواهند شد.

﴿كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الدخان: ۲۵].

۲۵ فرعون و قومش چه بسیار باغ‌ها و چشمه‌های روانی که پشت سرشان به جا گذاشتند!

﴿وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ﴾ [الدخان: ۲۶].

۲۶ و چه بسیار کشتزارها و مجالس نیکویی که پشت سرشان رها کردند!

﴿وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ﴾ [الدخان: ۲۷].

۲۷ و چه بسیار زندگی با ناز و نعمت خویش را باقی گذاشتند!

﴿كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ﴾ [الدخان: ۲۸].

۲۸) به همین ترتیب آنچه که برای شان توصیف شده بود بر آنها رخ داد، و باغها و چشمه ها و کشتزارها و مقامهای شان را به مردمی دیگر یعنی بنی اسرائیل به ارث دادیم.

﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾ [الدخان: ۲۹].

۲۹) پس نه آسمان و زمین بر فرعون و قومش آن گاه که غرق شدند گریستند، و نه مهلت توبه کردن به آنها داده شد.

﴿وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ﴾ [الدخان: ۳۰].

۳۰) و به تحقیق که بنی اسرائیل را از عذاب خوار کننده نجات دادیم، آن گاه که فرعون و قومش پسران شان را می کشتند، و زنان شان را زنده نگه می داشتند.

﴿مِن فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الدخان: ۳۱].

۳۱) آنها را از عذاب فرعون نجات دادیم، به راستی که او از گردنکشانی بود که از امر و دین الله می گذرند.

﴿وَلَقَدْ اخْتَرْنَاَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾ [الدخان: ۳۲].

۳۲) و به تحقیق که بنی اسرائیل را بر اساس دانشی از جانب خویش بر جهانیان آن زمان با فراوانی پیامبران ترجیح دادیم.

﴿وَأَتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ﴾ [الدخان: ۳۳].

۳۳) و دلایل و برهانهایی به آنها دادیم که موسی عليه السلام را با آنها تقویت کردیم و برای شان نعمتی آشکار مانند ترنجبین و بلدرچین و سایر نعمتها در آن بود.

﴿إِنَّ هَؤُلَاءَ لَيَقُولُونَ﴾ [الدخان: ۳۴].

۳۴) قطعاً این مشرکان تکذیب کننده برای انکار رستاخیز می گویند:

﴿إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ﴾ [الدخان: ۳۵].

۳۵) جز مرگ اول ما نیست و حیاتی پس از آن نیست، و ما پس از این مرگ برانگیخته نمی شویم.

﴿فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الدخان: ۳۶].

۳۶) پس - ای محمد - اگر تو و پیروان همراهت در این ادعا که الله مردگان را برای حسابرسی و جزا زنده برمی انگیزد راستگو هستید پدرانمان را که مرده اند زنده بیاورید.

﴿أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمٌ تُبَعِّعُ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ﴾ [الدخان: ۳۷].

﴿۳۷﴾ - ای رسول - آیا این مشرکانی که تو را تکذیب می کنند در قدرت و نیرومندی برترند، یا قوم تُبَعِّع و کسانی که قبل از آنها بودند مانند عاد و ثمود، که همگی آنها را چون جنایتکار بودند نابود کردیم.

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ﴾ [الدخان: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و آسمان ها و زمین و آنچه میان آن دو است را برای بازی با آفرینش آنها نیافریده ایم.

﴿مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الدخان: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و آسمان ها و زمین را جز به حکمتی فراگیر نیافریده ایم، اما بیشتر مشرکان این موضوع را نمی دانند.

برخی فواید آیات:

- وجوب پناه بردن مؤمن به پروردگار خویش که او را از نیرنگ دشمنش حفظ کند.
- مشروعیت دعا علیه کفار آن گاه که دعوت را نمی پذیرند، و با پیروان دعوت می جنگند.
- هستی به مرگ کافر اندوهگین نمی شود، چون نزد الله خوار و ذلیل است.
- آسمان ها و زمین به سبب حکمتی فراگیر آفریده شده اند و ملحدان نسبت به این حکمت نادان هستند.

﴿إِنَّ يَوْمَ الْفُضْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الدخان: ۴۰].

﴿۴۰﴾ همانا روز قیامت که الله در آن میان بندگان داوری می‌کند میعادى برای تمام مخلوقات است که الله آنها را در آن روز گرد می‌آورد.

﴿يَوْمٌ لَا يُعْنِي مَوْلَىٰ عَنْ مَوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [الدخان: ۴۱].

﴿۴۱﴾ روزی که نه هیچ خویشاوندی به خویشاوندش نفعی می‌رساند، و نه هیچ دوستی به دوستش، و نه آنها از عذاب الله محافظت می‌کنند؛ زیرا در آن روز فرمانروایی فقط برای الله است، و هیچ‌کسی نمی‌تواند آن را ادعا کند.

﴿إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ [الدخان: ۴۲].

﴿۴۲﴾ مگر کسی از مردم که الله بر او رحم کند، که او از اعمال صالحی که از پیش فرستاده بهره‌مند می‌گردد، به‌راستی که الله ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر و تدبیرش بسیار دانا است. الله پس از توصیف قیامت به بیان اختلاف جزای مردم در آن روز پرداخت و فرمود:

﴿إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ﴾ [الدخان: ۴۳].

﴿۴۳﴾ همانا درخت زقوم که الله آن را از ته جهنم رویاند.

﴿طَعَامُ الْأَثِيمِ﴾ [الدخان: ۴۴].

﴿۴۴﴾ طعام صاحب گناه بزرگ یعنی کافر است که از میوه پلیدش می‌خورد.

﴿كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ﴾ [الدخان: ۴۵].

﴿۴۵﴾ این میوه مانند روغن سیاه است، که از شدت حرارتی که دارد در شکم‌های‌شان می‌جوشد.

﴿كَغَلِي الْحَمِيمِ﴾ [الدخان: ۴۶].

﴿۴۶﴾ مانند جوشیدن آب در آخرین درجه حرارت.

﴿خُدُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ﴾ [الدخان: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و به مأموران آتش گفته می‌شود: او را بگیرید و با زور و خشونت در وسط جهنم بیفکنید.

﴿ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ﴾ [الدخان: ۴۸].

﴿۴۸﴾ سپس بر روی سر این عذاب‌شده آب سوزان بریزید پس عذاب از او جدا نمی‌شود.

﴿ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ﴾ [الدخان: ۴۹].

۴۹ و از روی سرزنش به او گفته می‌شود: این عذاب دردناک را بچش؛ که تو همان عزیزی هستی که همیشه میان قوم خویش محترم بودی.

﴿إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ﴾ [الدخان: ۵۰].

۵۰ این عذاب همان است که در وقوع آن در روز قیامت تردید می‌کردید، که با مشاهده آن شک شما برطرف شده است.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ﴾ [الدخان: ۵۱].

۵۱ قطعاً کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او تعالی را پیشه کرده‌اند در اقامتگاهی ایمن از هر امر ناپسندی هستند.

﴿فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الدخان: ۵۲].

۵۲ در باغ‌ها و چشمه‌های جاری.

﴿يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ﴾ [الدخان: ۵۳].

۵۳ در بهشت ابریشم نازک و کلفت می‌پوشند، و در روبروی هم قرار دارند، و هیچ کس به پشت دیگری نگاه نمی‌کند.

﴿كَذَلِكَ وَرَزَجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ [الدخان: ۵۴].

۵۴ چنان‌که با نعمت مذکور آنها را گرمی داشتیم آنها را در بهشت به ازدواج زنانی بسیار زیبا و درشت‌چشم با شدت سفیدی در سفیدی چشم و شدت سیاهی در سیاهی آن درمی‌آوریم.

﴿يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ آمِنِينَ﴾ [الدخان: ۵۵].

۵۵ در آنجا از خدمتکاران‌شان می‌خواهند که هر میوه‌ای که قصد کنند بدون پایان یافتن و مضرات برای‌شان بیاورند.

﴿لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الْمَوْتِ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ [الدخان: ۵۶].

۵۶ برای همیشه در آنجا می‌مانند، و جز مرگ اول در زندگی دنیا مرگی در آنجا نمی‌چشند، و پروردگارشان آنها را از عذاب آتش محافظت می‌کند.

﴿فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [الدخان: ۵۷].

این امر، بخشش و نیکی‌ای از جانب پروردگار تو به آنها است، موارد مذکور - یعنی ورود پرهیزکاران به بهشت، و محافظت آنها از آتش - همان رستگاری بزرگ است که هیچ رستگاری‌ای با آن برابری نمی‌کند.

﴿فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ بِلِسانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ [الدخان: ۵۸].

ای رسول - به تحقیق این قرآن را با نزول آن به زبان تو یعنی زبان عربی، ساده و آسان کردیم تا از آن پند بگیرند.

﴿فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ﴾ [الدخان: ۵۹].

پس منتظر پیروزی خویش و نابودی آنها باش، زیرا آنها نیز منتظر نابودی تو هستند.

برخی فواید آیات:

- جمع میان عذاب جسمی و روحی کافر.
- رستگاری بزرگ همان نجات از آتش و ورود به بهشت است.
- آسان‌سازی لفظ و معانی قرآن توسط الله برای بندگانش.

سوره الجاثية

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

درمان هواپرستان رویگردان از حق، از طریق ارائه آیات و یادآوری آخرت.

تفسیر:

﴿حَم﴾ [الجاثية: ۱].

﴿حَم﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [الجاثية: ۲].

قرآن از جانب الله ذات شکست ناپذیری که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و در آفرینش و تقدیر و تدبیرش بسیار دانا است فرو فرستاده شده است.

﴿إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الجاثية: ۳].

به راستی که در آسمانها و زمین به طور قطع دلایلی بر قدرت و یگانگی الله برای مؤمنان است؛ زیرا آنها همان کسانی هستند که از آیات پند می گیرند.

﴿وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [الجاثية: ۴].

و -ای مردم- در آفرینش شما از نطفه، سپس از یک تکه خون، سپس از یک قطعه گوشت، و در آفرینش جنبندگانی که الله پراکنده است و در روی زمین می جنبند دلایلی بر یگانگی او تعالی است برای مردمی که یقین دارند که الله همان آفریدگار است.

﴿وَإِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ

مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ [الجاثية: ۵].

و در پشت سر هم آمدن شب و روز، و در بارانی که الله از آسمان فرو فرستاد و زمین را با رویندش پس از اینکه مرده و بدون گیاه بود زنده گرداند، و در گردش

بادها با آوردن آنها از یک سمت، و باری دیگر از سویی دیگر برای منافع شما؛ دلایلی است برای مردمی که می‌اندیشند، و با آنها بر یگانگی الله و قدرت او بر رستاخیز، و توانایی او بر هر چیزی راهنمایی می‌شوند.

﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ﴾
[الجاثية: ۶].

۶ - ای رسول - این است آیات و براهینی که آنها را به حق برایت می‌خوانیم، پس اگر به سخن نازل شده الله بر بنده‌اش و حجت‌های او ایمان نیاوردند، بعد از آن به کدام سخن ایمان می‌آورند، و پس از آن کدام حجت‌ها را تصدیق می‌کنند؟!
﴿وَيَلِّ لِكُلِّ أَقَاكٍ أٰئِيْمٌ﴾ [الجاثية: ۷].

۷ عذاب و نابودی از جانب الله بر هر دروغگوی بسیار گناهکار.
﴿يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِيرُهُ عَذَابٍ ۖ اٰلِيْمٌ﴾ [الجاثية: ۸].

۸ این کافر، آیات الله در قرآن را که بر او خوانده می‌شود می‌شنود، سپس با برتری جویی در نفس خویش از پیروی حق، به کفر و گناهایی که بر آن بوده ادامه می‌دهد؛ گویی این آیات را که بر او خوانده شده، هرگز نشنیده است، پس - ای رسول - او را به آنچه مایه ناراحتی‌اش در آخرت است خبر بده، یعنی عذابی دردناک که در آخرت منتظرش است.

﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُوْلٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [الجاثية: ۹].
۹ و هرگاه چیزی از قرآن به او برسد آن را مایه ریشخند می‌گیرد و مسخره می‌کند، برای اینها که قرآن را به تمسخر و ریشخند می‌گیرند عذابی خوارکننده در روز قیامت است.

﴿مِنْ وَّرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ اٰوْلِيَاءَ ۗ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيْمٌ﴾ [الجاثية: ۱۰].

۱۰ در مقابل آنها آتش جهنم است که در آخرت در انتظارشان است. و نه اموالی که کسب کرده‌اند آنها را از ذره‌ای از الله بی‌نیاز می‌سازد، و نه بت‌هایی که آنها را به جای او تعالی گرفتند و به جای او عبادت می‌کردند ذره‌ای از آنها دفاع می‌کنند، و در روز قیامت عذابی سخت دارند.

﴿هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ﴾ [الجاثية: ۱۱].

این کتابی که بر رسول‌مان محمد ﷺ نازل کردیم به‌سوی راه حق هدایت می‌کند، و کسانی که به آیات پروردگارشان که بر رسولش نازل شده است کفر ورزیدند عذابی سخت و دردناک دارند.

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ [الجاثية: ۱۲].

ای مردم - فقط الله همان ذاتی است که دریا را برای شما رام کرد تا کشتی‌ها به فرمان او در آن به حرکت درآیند، و انواع مکاسب مباح را از بخشش او بخواهید. باشد که از نعمت الله بر خودتان سپاسگزاری کنید.

﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الجاثية: ۱۳].

و او سبحانه خورشید و ماه و ستارگان آسمان‌ها، و رودها و درختان و کوه‌ها و سایر آنچه در زمین است را رام شما کرد، به‌راستی که در رام کردن این موارد برای شما دلایلی بر قدرت و یگانگی الله است، برای مردمی که در آیات او تعالی می‌اندیشند، و از آنها پند می‌گیرند.

برخی فواید آیات:

- دروغ و پافشاری بر گناه و تکبر و تمسخر آیات الله، از صفات گمراهان است، و الله افرادِ مُتَّصِفٍ به این صفات را تهدید کرده است.
- نعمت‌های الله بر بندگانش زیاد است، از جمله رام کردن موجودات هستی برای آنها.
- نعمت‌ها سپاسگزاری بندگان از معبود که آنها را برای‌شان ارزانی داشته ایجاب می‌کند.

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [الجاثية: ۱۴].

۱۴ - ای رسول - به کسانی که به الله ایمان آورده‌اند، و رسولش را تصدیق کرده‌اند بگو: از کافرانی که به نعمت‌ها یا کیفرهای الله اهمیت نمی‌دهند و به شما بدی کرده‌اند درگذرید؛ زیرا الله به زودی هر یک از مؤمنان شکیبا، و کافران متجاوز، را در قبال اعمالی که در دنیا کسب می‌کردند جزا خواهد داد.

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ [الجاثية: ۱۵].

۱۵ هرکس عملی صالح انجام دهد نتیجه عمل صالح او به نفع خودش است، و الله از عمل او بی‌نیاز است، و هرکس عمل بدی مرتکب شود نتیجه عمل بدش این است که در قبال آن کیفر می‌شود، و بدکاری او به الله زیان نمی‌رساند، سپس در آخرت فقط به‌سوی ما بازگردانیده می‌شوید تا هرکس را به آنچه استحقاق دارد جزا دهیم.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾ [الجاثية: ۱۶].

۱۶ و به تحقیق که به بنی اسرائیل تورات و داوری میان مردم به حکم تورات را دادیم، و بیشتر پیامبران را از میان آنها از نسل ابراهیم علیه السلام قرار دادیم، و انواع روزی‌های پاکیزه و حلال به آنها دادیم، و آنها را بر جهانیان روزگارشان برتری دادیم.

﴿وَأَتَيْنَاهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾ [الجاثية: ۱۷].

۱۷ و دلایل آشکارسازی حق از باطل را به آنها دادیم، پس اختلاف نکردند مگر بعد از اینکه با بعثت پیامبرمان محمد صلی الله علیه و آله حجت‌ها بر آنها اقامه شد، و تنها سبب این اختلاف، تجاوز برخی از آنها بر برخی دیگر از روی حرص بر ریاست و مقام بود. - ای رسول - به‌راستی که پروردگارت در روز قیامت در مورد آنچه در دنیا با هم اختلاف می‌کردند میان آنها داوری می‌کند، آن‌گاه مشخص می‌گرداند که چه کسی بر حق، و چه کسی بر باطل است.

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيحَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾
[الجاثية: ۱۸].

﴿۱۸﴾ سپس تو را بر راه و سنت و روشی از امر خویش قرار دادیم که آن را بر رسولانمان که پیش از تو بودند فرمان دادیم که به ایمان و عمل صالح فرامی خوانند. پس، از این شریعت پیروی کن، و از هوس‌های کسانی که حق را نمی‌شناسند پیروی نکن؛ زیرا هوس‌های‌شان از حق گمراه می‌سازد.

﴿إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ﴾ [الجاثية: ۱۹].

﴿۱۹﴾ قطعاً اگر از هوس‌های کسانی که حق را نمی‌شناسند پیروی کنی ذره‌ای از عذاب الله را از تو باز نخواهند داشت، و به‌راستی که ستمکاران هر دین و مذهبی یاور و تقویت کننده یکدیگر در برابر مؤمنان هستند، و الله یاور کسانی است که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تقوایش را پیشه می‌کنند.

﴿هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ [الجاثية: ۲۰].

﴿۲۰﴾ این قرآن نازل شده بر رسول‌مان بینش‌هایی است که مردم با آنها حق را از باطل می‌شناسند، و هدایتی به‌سوی حق، و رحمتی است برای مردمی که یقین دارند؛ زیرا آنها همان کسانی هستند که با قرآن به راه راست هدایت می‌شوند تا پروردگارشان از آنها راضی شود، و آنها را به بهشت درآورد، و از جهنم دور نگه دارد.

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً فَعْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ [الجاثية: ۲۱].

﴿۲۱﴾ آیا کسانی که با اعضای خویش کفر و گناهان را مرتکب شده‌اند می‌پندارند که آنها را در جزا همانند کسانی قرار می‌دهیم که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، به‌گونه‌ای که در دنیا و آخرت یکسان هستند؟! چه زشت است این حکم آنها.

﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الجاثية: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و الله آسمان‌ها و زمین را براساس حکمتی فراگیر آفریده، و این دو را بی‌هوده نیافریده است، تا هرکسی در قبال خیر یا شری که کسب کرده است جزا داده شود،

و الله نه با کاستن از نیکی‌هایشان، و نه با افزودن بر بدی‌هایشان بر آنها ستم نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- عفو و گذشتن از ستمگر آن‌گاه که فساد را در روی زمین آشکار نکرده باشد، و از حدود الله نگذشته باشد، اخلاق برگزیده‌ای است که الله مؤمنان را به آن فرمان داده به شرط اینکه سرانجام نیکو بر گمان‌شان غلبه کند.
- وجوب پیروی از شریعت و دوری از پیروی هوس‌های مردم.
- همان‌گونه که مؤمنان و کافران صفات یکسانی ندارند، جزای آنها نیز یکسان نیست.
- آفرینش آسمان‌ها توسط الله براساس حکمتی فراگیر است که مادی‌گرایان ملحد از آن بی‌خبر هستند.

﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ
عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَن يَهْدِيهِ مِن بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [الجاثية: ۲۳].

۴۳ - ای رسول - به کسی بنگر که از هوسش پیروی کرده و آن را به منزلهٔ معبودی برای خویش که با آن مخالفت نمی‌کند قرار داده است. به تحقیق که الله به سبب علمی از جانب خویش او را گمراه ساخته است؛ زیرا استحقاق گمراه شدن را دارد، و بر قلبش مهر نهاده است، پس آن گونه که نفعی ببرد گوش نمی‌کند، و الله بر چشمش پوششی قرار داده است که مانع او از دیدن حق می‌شود، پس بعد از اینکه الله او را گمراه ساخت چه کسی می‌تواند او را به سوی حق توفیق می‌دهد؟! آیا زیان پیروی از هوس، و نفع پیروی از شریعت الله را متذکر نمی‌شوید؟!

﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَحَيَا وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ
مِن عِلْمٍ إِنَّ هُمْ إِلَّا يَظُنُّون﴾ [الجاثية: ۲۴].

۴۴ و کافران منکر رستاخیز گفتند: غیر از همین زندگی دنیای ما زندگی دیگری نیست، یعنی پس از آن زندگی نیست، نسل‌هایی می‌میرند و باز نمی‌گردند، و نسل‌هایی زنده می‌شوند، و فقط از پی یکدیگر آمدن شب و روز ما را می‌میراند. و آنها برای انکار رستاخیز هیچ دانشی ندارند، و فقط گمان می‌کنند، درحالی که گمان، ذره‌ای از حق بی‌نیاز نمی‌سازد.

﴿وَإِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِن كُنْتُمْ
صَادِقِينَ﴾ [الجاثية: ۲۵].

۴۵ و هرگاه آیات روشن ما بر مشرکان منکر رستاخیز خوانده شود دلیلی ندارند که به آن استدلال کنند مگر اینکه به رسول ﷺ و اصحابش ﷺ می‌گویند: اگر در این ادعا که پس از مرگ برانگیخته می‌شویم راستگو هستید پدرانمان را که مرده‌اند برای ما زنده گردانید.

﴿قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الجاثية: ۲۶].

۴۶ - ای رسول - به آنها بگو: الله با آفریدن تان شما را زنده می‌کند، سپس شما را می‌میراند، سپس شما را پس از مرگ تان در روز قیامت برای حسابرسی و جزا گرد

می آورد، همان روزی که بدون هیچ تردیدی آمدنی است، اما بیشتر مردم نمی دانند؛ و به همین دلیل با انجام عمل صالح برای آن روز آماده نمی شوند.

﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُحْسِرُ الْمَبْطُلُونَ﴾
[الجاثية: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و فرمانروایی آسمان ها و زمین فقط از آن الله است، یعنی معبود برحقّی جز الله در آسمان ها و زمین وجود ندارد. و روزی که قیامت برپا می شود و الله در آن روز مردگان را برای حسابرسی و جزا برمی انگیزد پیروان باطل که غیر الله را عبادت می کردند زیان می کنند، و برای باطل کردن حق، و احقاق باطل می کوشند.

﴿وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
[الجاثية: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و - ای رسول - در آن روز هر امتی را افتاده بر زانو می بینی که منتظر است چه کاری با آن انجام می شود. هر امتی به سوی نامه اعمالش که فرشتگان نگهبان نوشته اند فراخوانده می شود. - ای مردم - در این روز در قبال خیر و شری که در دنیا انجام می دادید جزا داده می شوید.

﴿هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجاثية: ۲۹].

﴿۲۹﴾ این کتاب ماست - که فرشتگانمان اعمالتان را در آن می نوشتند - به حق بر شما گواهی می دهد پس آن را بخوانید، زیرا ما به نگهبانان فرمان می دادیم که آنچه را شما در دنیا انجام می دهید بنویسند.

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ﴾ [الجاثية: ۳۰].

﴿۳۰﴾ اما کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند پروردگارشان سبحانه به رحمت خویش آنها را در بهشت خویش وارد می کند؛ این پاداشی که الله آبه آنها بخشیده، همان رستگاری آشکاری است که هیچ رستگاری دیگری با آن برابری نمی کند.

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتلى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا تُجْرِمُونَ﴾ [الجاثية: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و اما کسانی که به الله کفر ورزیده اند از روی سرزنش به آنها گفته می شود: آیا

آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و شما از ایمان به آن تکبر می‌ورزیدید، و مردمی جنایتکار بودید، و مرتکب کفر و گناهان می‌شدید؟!

﴿وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيِقِينَ﴾ [الجاثية: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و هرگاه به شما گفته می‌شد، قطعاً وعده‌الله - که با آن به بندگانش وعده داده آنها را به زودی برمی‌انگیزد و جزا می‌دهد - حقیقتی بدون تردید است، و قیامت حقیقتی است که هیچ شکی در آن راه ندارد پس برای آن بکوشید، می‌گفتید: نمی‌دانیم که این قیامت چیست، جز گمان اندکی، گمان نمی‌کنیم که می‌آید، و یقین نداریم که خواهد آمد.

برخی فواید آیات:

- پیروی از هوس، انسان را نابود می‌سازد، و اسباب توفیق را از او پنهان می‌دارد.
- هول و هراس روز قیامت.
- ظن و گمان ذره‌ای از حق بی‌نیاز نمی‌سازد؛ به‌خصوص در زمینه اعتقاد.

﴿وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ﴾ [الجاثية: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و کفر و سایر گناهان بدی که در دنیا مرتکب شده‌اند بر آنها آشکار می‌شود، و عذابی که وقتی از آن ترسانده می‌شدند آن را به مسخره می‌گرفتند بر آنها فرو فرستاده می‌شود.

﴿وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن تَأْوِيلٍ﴾ [الجاثية: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و الله به آنها می‌فرماید: همان‌گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید، و با ایمان و عمل صالح برایش آماده نشدید ما نیز امروز شما را در جهنم رها می‌کنیم، و جایگاه شما که به آن پناه می‌برید همان جهنم است، و هیچ یآوری ندارید که عذاب الله را از شما دفع کند.

﴿ذَلِكُمْ بِأَنكُم اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَعَرَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾ [الجاثية: ۳۵].

﴿۳۵﴾ این عذابتان که با آن عذاب می‌شوید به این سبب است که آیات الله را به ریشخند و تمسخر گرفته‌اید، و زندگی با خوشی‌ها و تمایلاتش شما را فریب داد، پس امروز این کافران مسخره‌کننده آیات الله از جهنم بیرون آورده نمی‌شوند، بلکه برای همیشه در آن می‌مانند، و به زندگی دنیا بازگردانده نمی‌شوند که عملی صالح انجام دهند، و پروردگارشان از آنها راضی نمی‌گردد.

﴿فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الجاثية: ۳۶].

﴿۳۶﴾ پس تمام ستایش‌ها فقط از آن الله، پروردگار آسمان‌ها و زمین، و پروردگار تمام مخلوقات است.

﴿وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الجاثية: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و شکوه و عظمت در آسمان‌ها و زمین برای او است، و او ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر و تدبیر و شریعتش بسیار دانا است.

سوره الأحقاف

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اقامة حجت بر تکذیب کنندگان و ترساندن آنها از عذاب؛ به همین منظور لفظ انذار در سوره تکرار شده است.

تفسیر:

﴿حم﴾ [الأحقاف: ۱].

﴿۱﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حروف در ابتدای سوره بقره بیان شد.

﴿تَنْزِيلَ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [الأحقاف: ۲].

﴿۲﴾ قرآن از جانب الله، ذات شکست ناپذیری که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و در آفرینش و تقدیر و شریعتش بسیار دانا است فرو فرستاده شده است.

﴿مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ﴾ [الأحقاف: ۳].

﴿۳﴾ آسمان ها و زمین و آنچه را میان این دو است، بیهوده نیافریده ایم، بلکه تمام آنها را به حق و حکمت هایی فراگیر آفریده ایم، از جمله اینکه بندگان از طریق آنها الله را بشناسند تا فقط او را عبادت کنند، و هیچ چیز را با او شریک قرار ندهند، و تا مقتضیات جانشین شدن خودشان در زمین را تا زمانی مشخص که فقط الله از آن آگاه است برپا دارند، و کسانی که به الله کفر ورزیده اند از آنچه در کتاب الله با آن انذار داده می شوند روی می گردانند، و به آن اهمیت نمی دهند.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ إِنَّتُونِي بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِّنْ عِلْمٍ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الأحقاف: ۴].

﴿۴﴾ - ای رسول - به این مشرکان رویگردان از حق بگو: از بت های تان که آنها را به جای الله عبادت می کنید به من خبر دهید که کدام یک از اجزای زمین را آفریده اند؟ آیا کوهی را آفریده اند، یا رودی را آفریده اند؟ یا مشارکت و سهمی همراه الله در

آفرینش آسمان‌ها دارند؟ اگر در این ادعا که بت‌های تان استحقاق عبادت شدن را دارند کتابی نازل شده از جانب الله قبل از قرآن، یا باقی‌مانده علمی که پیشینیان به جای گذاشته‌اند برایم بیاورید.

﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُو مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ﴾ [الأحقاف: ۵].

☉ و هیچ‌کس گمراه‌تر نیست از کسی که به جای الله معبودی را عبادت می‌کند که تا روز قیامت به درخواستش پاسخ نمی‌دهد، و این معبودهایی که آنها را به جای الله عبادت می‌کنند از خوانده شدن خویش توسط عبادتگزاران شان بی‌خبرند؛ چه رسد به اینکه به آنها سود یا زیان برسانند.

برخی فواید آیات:

- تمسخر آیات الله کفر است.
- خطر فریب خوردن به خوشی‌ها و تمایلات دنیا.
- ثبوت صفت کبریاء برای الله تعالی.
- اجابت دعا از آشکارترین دلایل وجود الله و استحقاق او تعالی به عبادت است.

﴿وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءُ وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ﴾ [الأحقاف: ۶].

و افزون بر اینکه در دنیا به آنها نفع نمی‌رسانند وقتی روز قیامت محشور شوند دشمنان کسانی می‌شوند که آنها را عبادت می‌کردند، و از آنها بیزار می‌جویند، و انکار می‌کنند که آگاهانه آنها را عبادت می‌کردند.

﴿وَإِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [الأحقاف: ۷].

و هرگاه آیات نازل شده ما بر رسول‌مان بر آنها خوانده شود کسانی که به قرآن وقتی به دست رسول‌شان نزد آنها آمد کفر ورزیدند می‌گویند: این سحری آشکار است، و از جانب الله وحی نشده است.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [الأحقاف: ۸].

آیا این مشرکان می‌گویند: محمد این قرآن را ساخته، و به الله نسبت داده است؟! - ای رسول - به آنها بگو: اگر آن را از جانب خودم ساخته بودم اگر الله بخواهد مرا عذاب کند چاره‌ای برایم ندارید، پس چگونه با نسبت دادن دروغ به او خودم را در معرض عذاب قرار می‌دهم؟! الله از عیب‌هایی که بر قرآن او می‌جویند و ایرادهایی که بر من می‌گیرید آگاه‌تر است. گواه بودن او میان من و شما کافی است، و او نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الأحقاف: ۹].

- ای رسول - به این مشرکان که نبوت تو را تکذیب می‌کنند بگو: من اولین رسولی نیستم که الله مرا فرستاده باشد تا دعوتم را بعید و شگفت بدانید، زیرا قبل از من رسولان زیادی گذشته‌اند، و من نه می‌دانم که الله در دنیا با من چه خواهد کرد، و نه می‌دانم که با شما چه خواهد کرد، فقط از آنچه الله بر من وحی می‌کند پیروی می‌کنم، یعنی فقط براساس آنچه وحی می‌کند سخن می‌گویم و عمل می‌کنم، و فقط اندازنده‌ای آشکار هستم که شما را از عذاب الله می‌ترسانم.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَّا وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۰].

۱۰ - ای رسول - به این تکذیب کنندگان بگو: به من خبر دهید اگر این قرآن از جانب الله باشد، و شما به آن کفر ورزید، و شاهی از بنی اسرائیل با تکیه بر آنچه در تورات در مورد آن آمده گواهی دهد که از جانب الله است، و به آن ایمان آورده باشد، و شما از ایمان به آن روی بگردانید، آیا در این حالت شما ستمکار نیستید؟! به راستی که الله مردم ستمکار را به سوی حق توفیق نمی‌دهد.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانِ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْفُكٌ قَدِيمٌ﴾ [الأحقاف: ۱۱].

۱۱ و کسانی که به قرآن و آنچه رسول آنها برای شان آورده کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آوردند گفتند: اگر آنچه محمد آورده است حقی بود که به سوی خیر هدایت می‌کند این فقیران و بردگان و ضعیفان از ما به سوی آن پیشی نمی‌گرفتند، و چون به آنچه رسول شان برای آنها آورده هدایت نیافته‌اند به زودی خواهند گفت: این چیزی که نزد ما آمده دروغی کهنه است، و ما از دروغ پیروی نمی‌کنیم.

﴿وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۲].

۱۲ و پیش از این قرآن تورات بود، کتابی که الله آن را بر موسی عليه السلام به عنوان راهنمایی که در حق به آن اقتدا می‌شد، و رحمتی برای کسانی از بنی اسرائیل که به آن ایمان آوردند و از آن پیروی کردند فرو فرستاد، و این قرآن نازل شده بر محمد ص کتابی است به زبان عربی که کتاب‌های پیش از خود را تصدیق می‌کند؛ تا کسانی را که با شرک به الله و انجام گناهان بر خودشان ستم کرده‌اند با آن انداز دهد، و مزدهای است برای نیکوکارانی که رابطه خوبی با پروردگارشان و با مخلوقاتش برقرار کرده‌اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۳].

۱۳ در حقیقت کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است و هیچ پروردگاری جز او نداریم، سپس بر ایمان و عمل صالح پایداری کردند، در آنچه در آخرت پیش رو

دارند هیچ ترسی بر آنها نیست، و بر آنچه از بهره دنیا که از دست داده‌اند، و آنچه پشت سرشان به جای گذاشتند اندوهگین نیستند.

﴿أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۴].

اینها که صفات مذکور را دارند به جزای اعمال صالحی که در دنیا از پیش فرستاده‌اند، ساکنان بهشت هستند که برای همیشه در آن می‌مانند.

برخی فواید آیات:

- هرکس به جای الله عبادت شود بر کافرانی که او را عبادت می‌کردند اعتراض می‌کند.
- آگاه نبودن پیامبر ﷺ از غیب مگر مواردی از غیب که الله او را از آن مطلع کرده است.
- وجود دلایل حقانیت نبوت پیامبر اسلام ﷺ در کتاب‌های پیشین.
- بیان فضیلت پایداری و پاداش استقامت کنندگان.

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۵].

⑤ و به انسان فرمان مؤکد دادیم که به پدر و مادرش نیکی کند، یعنی هم در زندگی آن دو، و هم پس از مرگشان تا جایی که منجر به مخالفت با شریعت نشود به آن دو نیکی کند، و به طور خاص به مادرش که با مشقت به او باردار شد و با مشقت او را به دنیا آورد، و مدت باردارشدنش به او و آغاز از شیرگرفتنش: سی ماه است، تا آن گاه که به کمال نیروی عقلی و جسمی و چهل سالگی برسد می گوید: پروردگارا، بر دلم بیفکن تا شکر نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم، و بر دلم بیفکن که عمل صالحی که تو را راضی می‌سازد، و آن را از من می‌پذیری انجام دهم، و فرزندانم را برایم صالح گردان. به‌راستی که من از گناهانم به‌سوی تو توبه کردم، و به‌راستی که من از فرمان‌برداران طاعت تو، و تسلیم شدگان او امرت هستم.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۶].

⑥ اینها هستند که نیکوترین عمل صالحی را که انجام داده‌اند از آنها می‌پذیریم، و از گناهان‌شان درمی‌گذریم، و آنها را در قبال گناهان‌شان مواخذه نمی‌کنیم، و همان‌ها در زمرهٔ بهشتیان هستند، این وعده‌ای که به آنها داده شد وعده‌ای راست است، و به‌طور قطع واقع خواهد شد.

پس از بیان مثالی از انسان نیکوکار به پدر و مادرش برای تشویق در نیکی، برای متنفر نمودن از نافرمانی مثالی از انسان نافرمان از پدر و مادر بیان کرد و فرمود:

﴿وَالَّذِي قَالَ لِيُؤْتِنِي أَقْبَلُ لَكُمْ أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَيَلْتَكُمُ الْآيَاتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَفِيٌّ فَتَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۷].

⑦ و کسی که به پدر و مادرش گفت: الله شما دو تن را نابود کند، آیا به من وعده می‌دهید که پس از مرگم از قبر خویش زنده درمی‌آیم، درحالی که قرن‌های زیادی سپری شده، و مردم در آنها مرده‌اند اما هیچ‌یک از آنها زنده مبعوث نشده است؟! و

پدر و مادرش از الله یاری می‌خواهند تا پسرشان را به سوی ایمان هدایت کند، و به پسرشان می‌گویند: نابود شوی اگر به رستاخیز ایمان نیاوری، پس به آن ایمان بیاور؛ زیرا وعده الله به رستاخیز حقیقتی بدون تردید است، اما او دوباره برای انکار رستاخیز می‌گوید: این سخنی که در مورد رستاخیز گفته می‌شود فقط از کتاب‌ها و نوشته‌های پیشینیان نقل شده است، و از جانب الله ثابت نیست.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ﴾ [الأحقاف: ۱۸].

۱۸) اینها که عذاب بر آنها واجب شده است در زمره امت‌های جنی و انسی پیش از خودشان هستند، به‌راستی که آنها زیانکار بودند؛ چون هم به خودشان و هم به خانواده‌های‌شان با درآوردن آنها در جهنم زیان رساندند.

﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوقِيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الأحقاف: ۱۹].

۱۹) و هر یک از دو گروه - یعنی گروه بهشتی، و گروه جهنمی - براساس اعمال‌شان مراتبی دارند، یعنی مراتب اهل بهشت درجاتی والا، و مراتب اهل جهنم درجاتی پست است، و تا الله جزای اعمال‌شان را به آنها بدهد، و در روز قیامت نه با کاستن نیکی‌هایشان، و نه با افزودن بر بدی‌های‌شان به آنها ستم نمی‌شود.

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طِبَّاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ﴾ [الأحقاف: ۲۰].

۲۰) و روزی که کسانی که به الله کفر ورزیده و رسولانش را تکذیب کرده‌اند بر آتش عرضه می‌شوند تا در آن عذاب شوند، و از روی تویخ و سرزنش به آنها گفته می‌شود: نعمت‌های خوبتان را در زندگی دنیایی خویش صرف کردید، و از خوشی‌هایی که در آن بود بهره بردید، اما در این روز به سبب تکبر به ناحق شما در زمین، و به سبب اینکه با کفر و گناهان از طاعت الله خارج شدید با غذایی خوار و رسواکننده، مجازات می‌شوید.

برخی فواید آیات:

- بیان جایگاه نیکی به پدر و مادر در اسلام، به‌خصوص در حق مادر، و برحذر داشتن از نافرمانی آنان.
- بیان خطر زیاده‌روی در خوشی‌های دنیا؛ چون از آخرت غافل می‌سازند.
- بیان تهدید شدید برای متکبران و بدکاران.

﴿وَأذْكُرْ آخَا عَادٍ إِذْ أُنذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَّتِ التُّدُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [الأحقاف: ۲۱].

۱۱) و - ای رسول - هود علیه السلام برادر نسبی عاد را به یاد آور آن گاه که قومش را که در خانه‌هایشان در احقاف در جنوب جزیره‌العرب بودند، از وقوع عذاب الله انذار داد، درحالی که قبل و بعد از هود علیه السلام رسولانی که اقوامشان را انذار می‌دادند گذشته‌اند، که به اقوامشان می‌گفتند: جز الله یگانه را عبادت نکنید، یعنی دیگری را همراه او عبادت نکنید؛ زیرا - ای قوم من -، من از عذاب روزی بزرگ یعنی روز قیامت بر شما می‌ترسم.

﴿قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾ [الأحقاف: ۲۲].

۱۲) قومش به او گفتند: آیا نزد ما آمده‌ای تا ما را از عبادت معبودهایمان بازداری؟! هرگز بر این امر دست نخواهی یافت، پس اگر در ادعای خویش راستگو هستی عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور.

﴿قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ﴾ [الأحقاف: ۲۳].

۱۳) گفت: علم زمان عذاب فقط نزد الله است، و من دانشی از آن ندارم، و من فقط رسولی هستم که آنچه را با آن به‌سوی شما فرستاده شده‌ام به شما ابلاغ می‌کنم، اما شما را مردمی می‌بینم که به آنچه نفع شما در آن است جاهل هستید و آن را رها می‌کنید، و به آنچه که زیان شما در آن است جاهل هستید و آن را به جای می‌آورید.

﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمِطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الأحقاف: ۲۴].

۱۴) پس وقتی عذابی را که خواستار تعجیل در آن بودند نزدشان آمد، و آن را به صورت ابری که از سوی آسمان به سمت سرزمین‌هایشان روی می‌آورد دیدند گفتند: این روی آورنده، ابری است که به ما باران می‌رساند. هود به آنها گفت: امر چنان که گمان کردید نیست که ابری باران‌زا بر شما باشد، بلکه همان عذابی است که خواستار تعجیل در آن بودید، یعنی بادی که عذابی دردناک دارد.

﴿تُدْمِرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ﴾ [الأحقاف: ۲۵].

۶۵ این باد بر هر آنچه که الله آن را به نابودی اش فرمان دهد بگذرد، آن را نابود می کند، پس چنان نابود شدند، که جز خانه‌های شان که در آنها سکونت می کردند به عنوان گواهی بر وجود قبلی آنها در این خانه‌ها، مشاهده نمی شد، مانند این جزای دردناک مجرمان مُصِرِّ بر کفر و گناهان را مجازات می کنیم.

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفِيدَةً فَمَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفِيدَتُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يُجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ﴾ [الأحقاف: ۲۶].

۶۶ و به تحقیق ما به قوم عاد، اسباب قدرت و تمکین دادیم که به شما نداده ایم، و گوش‌هایی که با آنها می شنیدند، و چشم‌هایی که با آنها می دیدند، و دل‌هایی که با آنها می اندیشیدند برای شان قرار دادیم. اما نه گوش‌ها و نه چشم‌ها و نه عقل‌های شان ذره‌ای آنها را بی نیاز نساخت؛ یعنی عذاب الله را، وقتی آنها را فرا گرفت از آنها دفع نکرد، چون به آیات الله کفر می ورزیدند، و عذابی را که پیامبرشان هود عليه السلام آنها را از آن ترساند و آن را به تسمخر می گرفتند بر آنها فرود آمد.

﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [الأحقاف: ۲۷].

۶۷ و - ای اهالی مکه - به تحقیق که ما آبادی‌های پیرامون شما را از بین برده ایم، و عاد و ثمود و قوم لوط و اصحاب مدین را نابود کرده ایم، و حجت‌ها و براهین گوناگونی برای شان آوردیم؛ تا از کفرشان بازگردند.

﴿فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ [الأحقاف: ۲۸].

۶۸ پس چرا بت‌هایی که آنها را معبودانی به جای الله گرفتند و با عبادت و قربانی به سوی آنها تقرب می جستند به آنها یاری نرساندند؟! قطعاً به آنها یاری نرساندند، بلکه وقتی بیشترین نیاز را به معبودهای شان داشتند از دید آنها پنهان شدند، و این دروغ و افترای شان بود که با آن این گونه به خود امید می دادند که این بت‌ها به آنها سود می رسانند، و نزد الله از آنها شفاعت می کنند.

برخی فواید آیات:

- رسولان هیچ علمی به غیب ندارند مگر آنچه که الله آنها را از آن مطلع کرده باشد.
- فریب خوردن قوم هود وقتی گمان کردند عذاب نازل شده بر آنها بارانی است، از این رو قبل از اینکه آنها را غافلگیر کند توبه نکردند.
- قوم عاد از قریش نیرومندتر بودند، با این وجود الله آنها را نابود کرد.
- عاقل کسی است که از دیگران پند بگیرد، و جاهل کسی است که از خودش پند بگیرد.

﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنذِرِينَ﴾ [الأحقاف: ۲۹].

۳۱ و - ای رسول - به یاد آور آن گاه که گروهی از جن‌ها را به سوی تو فرستادیم تا قرآن نازل شده بر تو را بشنوند. پس وقتی برای شنیدن آن حاضر شدند به یکدیگر گفتند: ساکت باشید تا بتوانیم به آن گوش فرا دهیم. و چون رسول ﷺ قرائتش را به پایان رساند به سوی قوم خویش بازگشتند و آنها را از عذاب الله در صورتی که به این قرآن ایمان نیاورند انذار می‌دادند.

﴿قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الأحقاف: ۳۰].

۳۲ به آنها گفتند: ای قوم ما، به راستی که ما کتابی شنیدیم که الله آن را پس از موسی فرستاده و کتاب‌هایی را که پیش از آن از جانب الله نازل شده است تصدیق می‌کند، این کتابی که ما شنیدیم به سوی حق راهنمایی، و به راه راست، یعنی راه اسلام هدایت می‌کند.

﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّن عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ [الأحقاف: ۳۱].

۳۳ ای قوم ما، به محمد ﷺ در حقی که شما را به آن فراخواند پاسخ مثبت دهید، و ایمان بیاورید بر اینکه او رسولی از جانب پروردگارش است، تا الله گناهان‌تان را برای شما بیاورد، و شما را از عذابی دردناک نجات دهد که در انتظار شماست اگر در حقیقتی که شما را به سوی آن فراخواند به او پاسخ مثبت ندهید، و ایمان نیاورید که او رسولی از جانب پروردگارش است.

﴿وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الأحقاف: ۳۲].

۳۴ و هرکس به محمد ﷺ در حقیقتی که او را به سوی آن فرا می‌خواند پاسخ مثبت ندهد هرگز نمی‌تواند با فرار در زمین از الله بگریزد، و به جای الله دوستانی ندارد که او را از عذاب نجات دهند، اینها در گمراهی آشکاری از حق قرار دارند.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْزُبْ عَنْهُمُ الْجَهَنَّمَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُخَيِّقَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الأحقاف: ۳۳].

۳۳ مگر این مشرکان تکذیب کننده رستاخیز ندانسته اند الله که آسمانها و زمین را آفریده و با وجود ضخامت و گستردگی این مخلوقات، از آفرینش آنها ناتوان نشده است می تواند مردگان را برای حسابرسی و جزا زنده کند؟! آری، به راستی که او بر زنده کردن آنها توانا است؛ زیرا او سبحانه بر هر چیزی توانا است، در نتیجه از زنده کردن مردگان ناتوان نیست.

﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [الأحقاف: ۳۴].

۳۴ و روزی که کافران به الله و رسولانش، بر جهنم عرضه می شوند تا در آن عذاب شوند، و از روی توبیخ به آنها گفته می شود: آیا این عذابی که مشاهده می کنید حقیقت نیست؟! یا چنان که در دنیا می گفتید دروغ است؟! می گویند: آری سوگند به پروردگاران که حقیقت است، آن گاه به آنها گفته می شود: به سبب اینکه به الله کفر ورزیدید عذاب را بچشید.

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَبَلِّغْ لَهُمُ الْبُحْرَىٰ إِنَّ الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ﴾ [الأحقاف: ۳۵].

۳۵ پس - ای رسول - در برابر تکذیب خویش توسط قومت شکیبایی کن همان گونه که رسولان اولوالعزم: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام شکیبایی کردند، و خواستار تعجیل در نزول عذاب آنها نباش، تکذیب کنندگان قوم تو روزی که عذابی را که به آن وعده داده می شوند در آخرت ببینند به سبب عذاب طولانی شان گویی جز لحظه ای از یک روز در دنیا نمانده اند. این قرآن نازل شده بر محمد صلی الله علیه و آله، برای انسانها و جنها ابلاغ و کافی است، زیرا جز کسانی که با کفر و گناهان از طاعت الله خارج هستند با عذاب هلاک نمی شوند.

برخی فواید آیات:

- گوش دادن به گوینده و ساکت شدن در برابر سخن او، نشانه ادب است.

-
- اجابت سریع حق توسط جن‌های هدایت‌یافته، تشویقی برای انسان‌ها است.
 - پذیرش حق، شتاب در دعوت به سوی آن را ایجاب می‌کند.
 - صبر یکی از خصلت‌های اخلاقی پیامبران عَلَيْهِمُ السَّلَام است.

سوره محمد

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تشویق مؤمنان به جنگ، به منظور تقویت آنها و سست کردن کافران.

تفسیر:

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ۱].

۱) کسانی که به الله کفر ورزیدند و مردم را از دین الله بازداشتند، الله اعمالشان را تباه کرده است.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ﴾ [محمد: ۲].

۲) و کسانی که به الله ایمان آورده، و اعمال صالح انجام داده‌اند، و به آنچه الله بر رسولش محمد ﷺ نازل کرده - که حقی از جانب پروردگارشان است - ایمان آورده‌اند، بدی‌هایشان را از آنها زدود و آنها را در قبال آن مواخذه نمی‌کند، و کارهای دنیوی و اخروی‌شان را برای‌شان بهبود بخشید.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ﴾ [محمد: ۳].

۳) جزای مذکور هر دو گروه به این سبب است که کسانی که به الله کفر ورزیدند از باطل پیروی کرده‌اند، و کسانی که به الله و رسولش ایمان آوردند از حقیقتی از جانب پروردگارشان پیروی کرده‌اند. پس به سبب عمل مختلف این دو گروه، جزای‌شان نیز متفاوت شد. همان‌گونه که الله حکم خویش را در مورد این دو گروه: گروه مؤمنان، و گروه کافران بیان کرد، مثال‌هایی برای مردم می‌زند، تا امور مشابه را به هم ربط دهند.

﴿فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَخْنَسْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدَ وَايْمًا فِدَاءٍ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ۴].

④ پس - ای مؤمنان - هرگاه با کافران محارب روبرو شدید گردن‌های‌شان را با شمشیرهای‌تان بزنید، و به پیکار با آنها ادامه دهید تا گشته زیاد بر جای گذارند، و ابهت‌شان از بین برود، و وقتی از آنها زیاد به قتل رساندید بندهای اسیران را محکم کنید، و هرگاه آنها را به اسارت گرفتید براساس مصلحتی که اقتضا می‌کند، حق انتخاب دارید؛ که با آزاد کردن آنها بدون عوض بر آنها منت نهید، یا در برابر مال یا فدیة‌ای دیگر آنها را آزاد کنید، به پیکار با آنها و اسیرکردن‌شان ادامه دهید تا جنگ با اسلام آوردن کافران یا بستن پیمان با آنها پایان یابد. این آزمایش مؤمنان با کافران و دست به دست شدن ایام و انتقام‌گیری برخی از برخی دیگر، همان حکم الله است، و اگر الله انتقام گرفتن از کافران را بدون پیکار بخواهد به‌طور قطع از آنها انتقام می‌گیرد، اما جهاد را تشریح کرد تا برخی از شما را با برخی دیگر بیازماید، یعنی مؤمنانی را که پیکار می‌کنند و مؤمنانی را که پیکار نمی‌کنند، و کافر را با مؤمن بیازماید، که اگر مؤمن کشته شود وارد بهشت می‌شود، و اگر مؤمن کافر را بکشد کافر وارد جهنم می‌شود، و الله هرگز اعمال کسانی را که در راه او تعالی کشته شده‌اند تباه نخواهد ساخت.

﴿سَيَهْدِيهِمْ وَيُضِلُّ بِالْهَمِّ﴾ [محمد: ۵].

⑤ به زودی آنها را در زندگی دنیایی‌شان به پیروی از حق توفیق می‌دهد، و کارشان را بهبود می‌بخشد.

﴿وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ﴾ [محمد: ۶].

⑥ و آنها را به بهشتی وارد می‌کند که ویژگی‌های آن را در دنیا برای‌شان بیان کرد و آن را شناختند، و در آخرت منازل خویش را در آن می‌شناسند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ [محمد: ۷].

⑦ ای کسانی‌که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامی که برای‌تان تشریح فرموده عمل کرده‌اید، اگر به الله با کمک کردن پیامبر و دینش، و پیکار با کافران، یاری

رسانید، با پیروزی بر آنها به شما یاری می‌رساند، و گام‌های‌تان را در جنگ مقابل آنها استوار می‌سازد.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ۸].

۸ و برای کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیده‌اند تباهی و نابودی است، و الله پاداش اعمال‌شان را تباہ ساخته است.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ۹].

۹ این کیفر واقع‌شده بر آنها به این سبب است که آنچه از قرآن را که الله بر رسولش فرو فرستاد چون یگانگی الله در آن بود نپسندیدند، پس الله اعمال‌شان را تباہ کرد، و در دنیا و آخرت زیان کردند.

﴿* أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا﴾ [محمد: ۱۰].

۱۰ آیا این تکذیب‌کنندگان در زمین نگشته‌اند، تا ببیندیشند سرانجام کسانی که قبل از آنها تکذیب کردند چگونه بود، به‌طور قطع سرانجام دردناکی داشته‌اند، و الله مسکن‌های‌شان را بر روی آنها ویران کرد، و خودشان و فرزندان و اموال‌شان را نابود کرد، و کافران هر زمان و مکانی مانند این کیفرها را دارند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ﴾ [محمد: ۱۱].

۱۱ جزای مذکور دو گروه، به این دلیل است که الله یاور کسانی است که به او ایمان آورده‌اند، و کافران هیچ یآوری ندارند.

برخی فواید آیات:

- کشتن دشمن بهترین روش برای مهار او است.
- منت نهادن، فدیہ گرفتن، کشتن و به بردگی گرفتن، اختیاراتی در اسلام برای تعامل با اسیر کافر است، که از میان آنها موردی که مصلحت در آن قرار دارد، انتخاب می‌شود.
- بزرگی فضیلت شهادت در راه الله.
- یاری الله برای مؤمنان مشروط بر این است که آنها به دین او تعالی یاری رسانند.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ﴾ [محمد: ۱۲].

﴿۱۲﴾ به راستی الله کسانی را که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، به بهشت‌هایی که نهرها از زیر کاخ‌ها و درختانش جاری است وارد می‌کند، و کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیده‌اند در دنیا از پیروی شهوات‌شان بهره‌مند می‌شوند، و همانند چارپایان می‌خورند، و هیچ غم و اندوهی جز شکم‌ها و عورت‌های‌شان ندارند، و در روز قیامت قرارگاهشان که به آن روی می‌آورند جهنم است.

﴿وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْنَاكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ﴾ [محمد: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و چه بسیار از قریه‌های امت‌های پیشین که از مکه که اهالی اش تو را از آن بیرون کردند نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتری بودند، وقتی رسولان‌شان را تکذیب کردند آنها را نابود کردیم، و هیچ یآوری نداشتند که آنها را از عذاب الله وقتی آنها را فرا گرفت نجات دهد، بنابراین از نابودی اهالی مکه هرگاه آن را اراده کنیم ناتوان نیستیم.

﴿أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَنْ زِينَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ [محمد: ۱۴].

﴿۱۴﴾ آیا کسی که دلیلی روشن و حجتی آشکار از پروردگارش دارد، و او تعالی را براساس بینشی عبادت می‌کند، همانند کسی است که شیطان عمل بدش را برای او آراسته است، و عبادت بت‌ها و ارتکاب گناهان، و تکذیب رسولان را که هوس هایش به آنها روی می‌آورد پیروی کرده است؟

﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ﴾ [محمد: ۱۵].

﴿۱۵﴾ توصیف بهشتی که الله به پرهیزگاران خویش - با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او تعالی - وعده داده است که آنها را در آن وارد می‌کند چنین است: رودهایی از

آب بدون اینکه بر اثر ماندن زیاد بو و مزه‌اش تغییر کرده باشد، و رودهایی از شیری که مزه‌اش تغییر نکرده، و رودهایی از شرابی لذیذ برای نوشندگان، و رودهایی از عسلی ناب و خالص در آنجا جاری است، و انواع میوه‌هایی که می‌خواهند در آنجا برای‌شان فراهم است، و افزون بر تمام این موارد، گناهان‌شان توسط الله پاک می‌شود، و در قبال آن مواخذه نمی‌شوند. آیا کسی که چنین جزایی دارد یکسان است با کسی که در جهنم می‌ماند و هرگز از آن خارج نمی‌شود، و آبی بسیار جوشان به آنها داده می‌شود، و روده‌های شکم‌های‌شان از گرمای زیاد آن متلاشی می‌شود؟!

﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَادَا قَالَ آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ [محمد: ۱۶].

①۱ - ای رسول - برخی منافقان بدون اینکه نیت پذیرفتن داشته باشند بلکه با رویگردانی به سخن تو گوش می‌دهند، اما وقتی از نزد تو خارج می‌شوند برای وانمودکردن به بی‌اطلاعی و به هدف رویگردانی، به کسانی که الله علم به آنها عطا کرده است می‌گویند: همین الآن در صحبت‌هایش چه گفت؟ اینها همان کسانی هستند که الله بر دل‌های آنها مهر نهاده است پس خیری به دل‌های‌شان نمی‌رسد، و از هوس‌های‌شان پیروی کرده‌اند تا اینکه آنها را از حق کور گردانیده‌است.

﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًىٰ وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ [محمد: ۱۷].

①۲ و کسانی که به راه حق، و پیروی از آنچه رسول ﷺ آورده است هدایت یافته‌اند، پروردگارشان بر هدایت و توفیق آنها به خیر می‌افزاید، و انجام اعمالی را که سبب نجات‌شان از جهنم است، بر دل‌های‌شان می‌افکند.

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ﴾ [محمد: ۱۸].

①۳ پس آیا کافران جز این انتظار می‌کشند که قیامت به صورت ناگهانی و بدون اینکه دانشی قبلی از آن داشته باشند آنها را فراگیرد؟! حال آن‌که نشانه‌های قیامت، مانند بعثت پیامبر ﷺ، و شکافته شدن ماه، نزدشان آمده است، پس وقتی که قیامت آنها را فرا گیرد پندگرفتن چه سودی به حال‌شان می‌رساند؟

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾ [محمد: ۱۹].

پس - ای رسول - یقین کن که معبود برحقى جز الله نیست، و آمرزش گناهان خودت و آمرزش گناهان مردان و زنان مؤمن را از الله بخواه، و الله از فعالیت شما در روز، و آرامش شما در شب آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی ماند.

برخی فواید آیات:

- محدود بودن همت کافر بر بهره بردن از کالاهای زائل و نابودشدنی دنیا.
- مقایسه میان جزای مؤمنان و جزای کافران تفاوت زیاد میان این دو را آشکار می‌سازد؛ تا عاقل انتخاب کند که مؤمن باشد، و احمق انتخاب کند که کافر باشد.
- بیان بی‌ادبی منافقان در برابر رسول الله ﷺ .
- علم، قبل از قول و عمل است.

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَعْشِيَةِ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ﴾ [محمد: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و کسانی که به الله ایمان آورده‌اند - با امید به اینکه الله سوره‌ای که حکم قتال در آن است بر رسولش فرو فرستد - می‌گویند: چرا الله سوره‌ای که ذکر قتال در آن باشد فرو نفرستاده است، اما وقتی الله سوره‌ای مشتمل بر ذکر قتال که بیان و احکام محکمی دارد نازل می‌کند، - ای رسول - منافقانی را که دل‌های‌شان گرفتار شک و تردید است می‌بینی مانند کسی که از ترس و وحشت زیاد بیهوش شده باشد به‌سوی تو می‌نگرند، پس الله به آنها وعده داد که به‌سبب رویگردانی و ترس آنها از قتال، عذاب‌شان به دنبال‌شان است و به آنها نزدیک شده است.

﴿طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ﴾ [محمد: ۲۱].

﴿۲۱﴾ اینکه از فرمان الله اطاعت کنند و سخنی نیکو و پسندیده بزنند برای‌شان بهتر است، و چون قتال فرض و جدی شود، اگر در ایمان و طاعت خویش برای الله با او تعالی راست باشند از نفاق و نافرمانی او امر الله برای‌شان بهتر است.

﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ﴾ [محمد: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و اگر از ایمان به الله و طاعت او بازگردید با کفر و گناهان در روی زمین فساد برپا خواهید کرد، و پیوندهای خویشاوندی را خواهید گسست؛ چنان‌که در جاهلیت این حالت را داشتید.

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾ [محمد: ۲۳].

﴿۲۳﴾ اینها که به برپایی فساد در زمین و گسستن پیوندهای خویشاوندی متصف هستند همان کسانی‌اند که الله آنها را از رحمت خویش دور ساخته، و گوش‌های‌شان را از شنیدن حق، آن‌گونه که منجر به پذیرش و فرمان‌برداری شود کر کرده، و چشمان‌شان را از دیدن حق آن‌گونه که پند گرفته شود کور ساخته است.

﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا﴾ [محمد: ۲۴].

﴿۲۴﴾ پس آیا این رویگردانان در قرآن تدبر نمی‌کنند و در آنچه در آن آمده است نمی‌اندیشند؟! زیرا اگر در آن می‌اندیشیدند به‌طور قطع آنها را به تمام خیرها راهنمایی

می‌کرد، و از هر شری دور می‌ساخت. یا بر دل‌های شان قفل‌هایی قرار دارد که محکم بسته شده است، و هیچ اندرزی به آنها نمی‌رسد، و هیچ تذکری به آنها نفع نمی‌رساند؟!

﴿إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ﴾ [محمد: ۲۵].

﴿۲۵﴾ قطعاً کسانی که پس از اینکه حجت بر آنها اقامه شد، و راستگویی پیامبر ﷺ برای شان آشکار گردید، از ایمان خویش به کفر و نفاق بازگشته‌اند، خود شیطان کفر و نفاق را برای شان آراسته و آسان کرده است، و به آرزوهای دور و دراز امید داده است.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ﴾ [محمد: ۲۶].

﴿۲۶﴾ این گمراهی آنها بدان سبب است که به مشرکانی که وحی را که الله بر رسولش فرو فرستاده، نمی‌پسندیدند پنهانی گفتند: در برخی کارها مانند بازداشتن از قتال از شما اطاعت خواهیم کرد. و الله از آنچه که پنهان و آنچه که آشکار می‌کنند آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، و هرچه از آن را بخواهد برای رسولش ﷺ آشکار می‌سازد.

﴿فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ﴾ [محمد: ۲۷].

﴿۲۷﴾ پس عذاب و حالت بد و هولناک آنها را وقتی فرشتگان مامور قبض روح، ارواح‌شان را می‌ستادند، و با میله‌های آهنی بر صورت‌ها و پشت‌های شان می‌زنند، چگونه می‌بینی؟

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْحَطَ اللَّهُ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ۲۸].

﴿۲۸﴾ این عذاب به آن سبب است که تمام کفر و نفاق و دشمنی با الله و رسولش را که مورد خشم او تعالی است پیروی کردند، و نسبت به ایمان به الله و پیروی رسولش، که آنها را به الله نزدیک می‌سازد، و رضایت او تعالی را برای شان به دنبال دارد بی‌میل بودند. پس اعمال‌شان را تباه کرد.

﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن نُخْرِجَ اللَّهُ أَضْعَانَهُمْ﴾ [محمد: ۲۹].

﴿۲۹﴾ آیا منافقان مردد و دودل می‌پندارند که الله هرگز کینه‌های شان را خارج و آشکار نخواهد کرد؟! به‌طور قطع کینه‌های شان را با آزمایش‌های دشوار درمی‌آورد، تا راستگو در ایمان از دروغگو آشکار شود، و مؤمن مشخص، و منافق رسوا گردد.

برخی فواید آیات:

- تکلیف به جهاد در راه الله منافقان را از صف مؤمنان جدا می‌سازد.
- اهمیت تدبیر در کتاب الله، و خطر رویگردانی از آن.
- فسادکاری در روی زمین و قطع رابطه‌های خویشاوندی از اسباب کمبود توفیق و دوری از رحمت الله است.

﴿وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ﴾ [محمد: ۳۰].

۳۰ و - ای رسول - اگر بخواهیم منافقان را به تو بشناسانیم به طور قطع این کار را خواهیم کرد، آن گاه آنها را با نشانه‌های شان می‌شناسی، و به زودی آنها را از روش سخن گفتن شان خواهی شناخت، و الله از اعمال شما آگاه است، و ذره‌ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ﴾ [محمد: ۳۱].

۳۱ و - ای مؤمنان - به طور قطع شما را با جهاد و پیکار با دشمنان و قتل می‌آزماییم تا از میان شما مجاهدان در راه الله، و شکیبایان در پیکار با دشمنانش را مشخص کنیم، و شما را می‌آزماییم تا از میان شما راستگو و دروغگو را مشخص کنیم.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ﴾ [محمد: ۳۲].

۳۲ به راستی کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیدند، و هم خودشان و هم دیگران را از دین الله بازداشتند، و با رسولش پس از اینکه مشخص شد پیامبر است مخالفت و دشمنی کردند - هرگز به الله زیان نخواهند رساند، بلکه فقط به خودشان زیان می‌رسانند، و به زودی الله اعمال شان را تباه خواهد ساخت.

﴿* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ﴾ [محمد: ۳۳].

۳۳ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، و به احکامش عمل کرده‌اید، از الله و رسولش اطاعت کنید یعنی امرشان را اجرا، و از نهیشان اجتناب کنید، و اعمال تان را با کفر و ریا تباه نسازید.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾ [محمد: ۳۴].

۳۴ همانا کسانی که به الله کفر ورزیده‌اند، و خودشان و مردم را از دین الله گمراه کرده‌اند، سپس قبل از توبه بر کفرشان مردند - الله هرگز گناهان شان را نمی‌پوشاند و از آنها نمی‌گذرد، بلکه به زودی آنها را در قبال گناهان شان مؤاخذه و آنها را وارد جهنم می‌کند که برای همیشه در آن می‌مانند.

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرْكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾
[محمد: ۳۵].

۳۵ پس - ای مؤمنان - در رویارویی با دشمنان سست نشوید، و قبل از اینکه آنها شما را به صلح دعوت کنند آنها را به صلح دعوت نکنید، در حالی که شما بر آنها غالب و چیره هستید، و یاری و پیروزی الله همراه شماست، و هرگز ذره‌ای از پاداش اعمال‌تان نمی‌کاهد، بلکه به لطف و بخشش خویش برای‌تان می‌افزاید.

﴿إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ﴾ [محمد: ۳۶].

۳۶ زندگی دنیا بازی و سرگرمی‌ای بیش نیست، پس هیچ عاقلی نباید با آن از عمل برای آخرت بازماند، و اگر به الله و رسولش ایمان آورید، و از الله با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌اش بترسید، الله پاداش اعمال‌تان را کامل و بدون هیچ کاستنی به شما می‌دهد، و تمام اموال‌تان را از شما نمی‌خواهد، بلکه فقط زکات واجب را از شما می‌خواهد.

﴿إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ﴾ [محمد: ۳۷].

۳۷ اگر تمام اموال‌تان را از شما بخواهد و در طلب آن از شما اصرار ورزد، در آنها بخل می‌ورزید، و باعث بروز نپسندیدن انفاق در راه او که در دل دارید می‌شود، اما چون با شما مهربان است این امر را از شما نخواست است.

﴿هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَن نَّفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾ [محمد: ۳۸].

۳۸ بدانید شما به انفاق بخشی از اموال‌تان در راه الله دعوت می‌شوید، و انفاق تمام اموال‌تان را از شما نمی‌خواهد. اما برخی از شما از انفاق خواسته‌شده بخل می‌ورزند، و هرکس از انفاق بخشی از مالش در راه الله بخل ورزد، در واقع فقط به زیان خودش بخل می‌ورزد؛ چون خودش را از پاداش انفاق محروم می‌کند، و الله ذات بی‌نیازی است که به انفاق شما نیازی ندارد، و شما هستید که به او نیازمندید، و اگر از اسلام به کفر بازگردید شما را نابود می‌کند، و مردم دیگری را به جای شما

می آورد، که مانند شما نخواهند بود، بلکه فرمان بردار او هستند.

برخی فواید آیات:

- نیات شوم و خباثت‌های منافقان در خطوط چهره (سیما) و اسلوب کلام‌شان آشکار می‌گردد.
- آزمایش، سنتی الهی برای جداسازی مؤمنان از منافقان است.
- الله بندگان مؤمن خویش را با یاری و ارشاد تقویت می‌کند.
- یکی از مظاهر مهربانی الله به بندگان این است که انفاق تمام اموال‌شان در راه خود را از آنها نمی‌خواهد.

سوره الفتح

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

ذکر وعده الهی به فتح و قدرت یابی پیامبرش و مؤمنان راستین در یاری دین.

تفسیر:

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا﴾ [الفتح: ۱].

۱ - ای رسول - به راستی که ما با صلح حدیبیه پیروزی درخشانی برایت بخشیدیم.

﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ [الفتح: ۲].

۲ تا الله گناهی را که پیش از این پیروزی، و گناهی را که پس از آن از تو سر زده است برایت ببخشد، و نعمت خویش را با یاری دینت بر تو کامل گرداند، و تو را به راه راستی که هیچ انحرافی در آن نیست، یعنی راه راست اسلام هدایت کند.

﴿وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا﴾ [الفتح: ۳].

۳ و الله تو را به پیروزی ای قاطع که هیچ کس نتواند آن را دفع کند، یاری رساند.

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [الفتح: ۴].

۴ الله همان ذاتی است که ثبات و آرامش را در دل های مؤمنان فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان شان بیفزایند، و لشکریان آسمان ها و زمین فقط از آن الله است، هرکس از بندگانش را که بخواهد با آنها تقویت می کند، و الله نسبت به مصالح بندگانش بسیار آگاه است، و در پیروزی و تقویتی که جاری می کند بسیار سنجیده کار است.

﴿لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ قَوْلًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۵].

۵ تا مردان و زنان مؤمن به الله و رسولش را در بهشت هایی که نهرها از زیر کاخها و درختانش جاری است وارد کند، و گناهان شان را پاک کند، و آنها را در قبال آنها

مورد مؤاخذه قرار ندهد، و این امر - رسیدن به مطلوب یعنی بهشت، و دور شدن از ترس و هلاکت یعنی مؤاخذه به گناهان - نزد الله رستگاری بزرگی است که هیچ رستگاری دیگری با آن برابری نمی‌کند.

﴿وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾
[الفتح: ۶].

﴿۶﴾ و برای اینکه مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک به الله، که گمان برده اند الله دینش را یاری نمی‌رساند، و کلمه‌اش را برتر نمی‌گرداند عذاب کند. عذاب فقط آنها را احاطه می‌کند، و الله به سبب کفر و گمان بدشان بر آنها خشم گرفته، و آنها را از رحمت خویش رانده و در آخرت جهنم را برای‌شان آماده ساخته است که وارد آن می‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند، و جهنم مقصد بسیار بدی است که به آن بازگردانده می‌شوند.

﴿وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [الفتح: ۷].

﴿۷﴾ و لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن الله است که هرکس از بندگانش را که بخواهد با آنها تقویت می‌کند، و الله ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر و تدبیرش بسیار دانا است.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ [الفتح: ۸].

﴿۸﴾ - ای رسول - به راستی که ما تو را گواهی فرستادیم که در روز قیامت بر امت خویش گواهی می‌دهی، و مزده دهنده مؤمنان به یاری و قدرتی که در دنیا برای‌شان آماده شده، و به نعمت‌هایی که در آخرت برای‌شان فراهم گشته است، و ترساننده کافران به ذلت و شکست به دست مؤمنان که در دنیا برای‌شان آماده شده است، و به عذاب دردناک فراهم شده در آخرت که منتظر آنها است.

﴿لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الفتح: ۹].

﴿۹﴾ تا به الله و رسولش ایمان آورند، و رسولش را بزرگ و محترم شمارند، و در آغاز و پایان روز الله را بستايند.

برخی فواید آیات:

- صلح حدیبیه آغاز فتحی بزرگ برای اسلام و مسلمانان بود.
- سکینه یکی از آثار ایمان است که باعث آرامش و ثبات می‌شود.
- خطر بدگمانی به الله؛ زیرا الله براساس گمانی که مردم به او سبحانه دارند با آنها رفتار می‌کند.
- وجوب بزرگداشت و احترام رسول الله ﷺ .

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمِنَّا أَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۱۰].

⑩ - ای رسول - در حقیقت کسانی که در بیعت رضوان با تو بر پیکار با اهالی مشرک مکه بیعت می کنند، جز این نیست که با الله بیعت می بندند؛ چون او است که آنها را به پیکار با مشرکان فرمان داد، و هموست که به آنها جزا می دهد، در این بیعت دست الله بالای دست های آنها است، و او تعالی بر آنها مطلع است به گونه ای که هیچ چیز از آنها بر او پوشیده نمی ماند، پس هرکس بیعتش را بشکند، و به یاری دین الله که درباره آن با او تعالی پیمان بسته است وفا نکند، زیان شکستن بیعت و عهدش توسط او، فقط به خودش بازمی گردد، و این امر زبانی به الله نمی رساند، و هرکس بر یاری دین الله که در این مورد با او تعالی پیمان بسته است وفا کند، به زودی پاداشی بزرگ یعنی بهشت به او می دهد.

﴿سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ [الفتح: ۱۱].

⑪ - ای رسول - بادیه نشینانی که الله آنها را از همراهی تو در سفر به سوی مکه بر جای گذاشت آن گاه که آنها را سرزنش کنی به تو خواهند گفت: حفاظت اموال و فرزندانمان ما را از حرکت با تو بازداشت، پس از الله درخواست کن تا گناهانمان را ببخشد. با زبان از پیامبر ﷺ می خواهند که برای شان طلب آموزش کند اما چنین چیزی در دل های شان وجود ندارد؛ زیرا آنها از گناهان شان توبه نکرده اند. به آنها بگو: اگر الله برای شما خیر، یا شر بخواهد هیچ کس مالک ذره ای برای شما در برابر الله نیست، بلکه الله از آنچه انجام می دهید بسیار آگاه است و ذره ای از اعمال تان هر چند آن را پنهان دارید بر او تعالی پوشیده نمی ماند.

﴿بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَرَبِّكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوِّءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا﴾ [الفتح: ۱۲].

⑫ سرگرم شدن به نگهداری اموال و اولاد که آن را بهانه می آورید سبب بازماندن شما از حرکت با او نیست، بلکه گمان کردید رسول ﷺ و اصحابش همگی نابود

خواهند شد، و به سوی خانواده‌های‌شان در مدینه بازخواهند گشت، شیطان این امر را در دل‌های‌تان آراست، و به پروردگارتان گمان بدی بردید که او به پیامبرش یاری نخواهد رساند، و به سبب اینکه به الله گمان بد بردید و از رسول‌الله تخلف ورزیدید مردمی نابودشده بودید.

﴿وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا﴾ [الفتح: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و هرکس به الله و رسولش ایمان نیاورده کافر است، و در روز قیامت برای کافران به الله آتشی شعله‌ور آماده کرده‌ایم که در آن عذاب می‌شوند.

﴿وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ [الفتح: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن الله است، گناهان هر یک از بندگان را بخواهد می‌بخشد، آن گاه به فضل خویش او را وارد بهشت می‌کند، و به عدالت خویش هرکس از بندگان را که بخواهد عذاب می‌کند، و الله نسبت به گناهان بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده، و نسبت به آنها بسیار مهربان است.

﴿سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَعَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [الفتح: ۱۵].

﴿۱۵﴾ - ای مؤمنان - وقتی به سوی غنایم خیبر که الله آن را بعد از صلح حدیبیه به شما وعده داد حرکت کنید تا آنها را بگیرید، کسانی که الله آنها را بر جای گذاشت خواهند گفت: به ما اجازه دهید همراه شما بیاییم تا سهمی از آن برداریم. این برجای‌ماندگان با این درخواست می‌خواهند وعده الله را که پس از صلح حدیبیه با آن به مؤمنان وعده داد که غنایم خیبر را فقط برای آنها می‌دهد تغییر دهند. - ای رسول - به آنها بگو: هرگز ما را به سوی آن غنیمت‌ها دنبال نخواهید کرد، زیرا الله به ما وعده داده است که غنایم خیبر فقط برای کسانی است که در حدیبیه حضور داشته‌اند. پس خواهند گفت: اینکه نمی‌گذارید با شما به سوی خیبر بیاییم به فرمانی از جانب الله نیست، بلکه به این سبب است که بر ما حسادت می‌ورزید. درحالی‌که امر آن گونه که این برجای‌ماندگان ادعا کردند نیست، بلکه آنها اوامر و نواهی الله را جز اندکی نمی‌فهمند، به همین منظور از او تعالی نافرمانی می‌کنند.

برخی فواید آیات:

- بیعت رضوان جایگاه بزرگی نزد الله دارد، و حاضران در آن از بهترین مردم روی زمین هستند.
- بدگمانی به الله یکی از اسباب وقوع در معصیت است و گاهی به کفر منجر می شود.
- افراد دارای ایمان ضعیف هنگام ترس، اندک هستند، اما هنگام توزیع جیره بسیار هستند.

﴿قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعُونَ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الفتح: ۱۶].

①۶ - ای رسول - برای آزمودن بادیه‌نشینانی که از حرکت با تو به سوی مکه تخلف ورزیدند به آنها بگو: به زودی برای پیکار با مردمی بسیار نیرومند دعوت خواهید شد، که در راه الله با آنها بجنگید، یا بدون پیکار وارد اسلام شوند. پس اگر الله را در قتال با آنها که شما را به آن فراخوانده است فرمان بردید پاداشی نیکو یعنی بهشت را به شما می‌دهد، و اگر از فرمان برداری از او روی گردانید - همان‌گونه که وقتی از حرکت با او به سوی مکه تخلف ورزیدید از فرمانش روی گردانید - شما را به عذابی دردناک عذاب می‌کند.

﴿لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الفتح: ۱۷].

①۷ بر معذور به سبب نابینایی یا لنگی یا بیماری گناهی نیست اگر در پیکار در راه الله حضور نیابد، و هرکس از الله و رسولش فرمان برداری کند او را وارد بهشت‌هایی می‌کند که نهرها از زیر کاخ‌ها و درختانش جاری است، و هرکس از طاعت الله و رسولش روی بگرداند الله او را به عذابی دردناک عذاب می‌کند.

* ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۱۸].

①۸ به تحقیق که الله از مؤمنان راضی شد وقتی در حدیبیه زیر آن درخت به بیعت رضوان با تو بیعت می‌کردند، و از ایمان و اخلاص و راستی‌ای که در دل‌هایشان بود آگاه شد، و آرامش را بر دل‌هایشان فرو فرستاد، و پاداش این کارشان، به جای ورود به مکه که برای‌شان میسر نشد، پیروزی‌ای نزدیک یعنی فتح خیبر است.

﴿وَمَعَانِمٌ كَثِيرَةً يَا خُذُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ [الفتح: ۱۹].

①۹ و غنیمت‌های زیادی که از اهالی خیبر خواهند گرفت به آنها عطا کرد، و الله ذات شکست ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر و تدبیرش بسیار دانا است.

﴿وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا﴾ [الفتح: ۲۰].

❶ - ای مؤمنان - الله غنیمت‌های زیادی که در فتوحات آینده اسلامی می‌گیرید به شما وعده داده است، ولی غنیمت‌های خیبر را زودتر برای تان فراهم آورد، و دست یهودیان را کوتاه کرد آن‌گاه که تصمیم گرفتند پس از خروج شما به خانواده‌های تان آسیب برسانند، و تا این غنیمت‌های به تعجیل افتاده، نشانه‌ای برای شما بر یاری الله و تقویت شما توسط او تعالی باشد، و الله شما را به راه راستی که هیچ انحرافی ندارد هدایت کند.

﴿وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا﴾ [الفتح: ۲۱].

❷ و الله غنیمت‌های دیگری به شما وعده داده است که اکنون بر آنها دست نیافته اید، فقط الله است که بر آنها قدرت و دسترسی دارد، و در علم و تدبیر او است، و الله بر همه چیز توانا است، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ [الفتح: ۲۲].

❸ و - ای مؤمنان - اگر کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیده‌اند با شما بجنگند به طور قطع فراری و شکست خورده از شما، پشت خواهند کرد، آن‌گاه هیچ دوست و کارسازی نخواهند یافت که کارشان را برعهده بگیرد، و هیچ یآوری نیز نخواهند یافت که آنها را بر پیکار با شما یاری برساند.

﴿سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ [الفتح: ۲۳].

❹ و چیره‌شدن مؤمنان و شکست کافران، در هر زمان و مکانی ثابت است، زیرا این امر سنت الله در امت‌هایی است که پیش از این تکذیب‌کنندگان گذشته‌اند، و - ای رسول - برای سنت الله هرگز تغییری نخواهی یافت.

برخی فواید آیات:

- خبردادن قرآن از امور غیبی که بعدها محقق شد - مانند فتوحات اسلامی - دلیلی قاطع بر نزول قرآن کریم از جانب الله است.
- برپایی احکام شریعت بر نرمی و آسانی.
- بخشی از پاداش اهل بیعت رضوان در دنیا به تعجیل افتاده، و بخشی از آن در آخرت برای‌شان ذخیره شده است.
- غلبه حق و پیروانش بر باطل و پیروانش، سنتی الهی است.

﴿وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا﴾ [الفتح: ۲۴].

۱۱ و او همان ذاتی است که دستان مشرکان را از شما کوتاه کرد آن گاه که در حدیبیه حدود هشتاد مرد از آنها آمدند و می خواستند آسیبی به شما برسانند، و دست شما را از آنها کوتاه کرد آن گاه که شما را بر اسیرکردن شان قدرت داد (بر همگی آنها پیروز کرد) آنها را نکشتید و به آنها آزار نرساندید، بلکه آنها را آزاد کردید، و الله نسبت به آنچه انجام می دهید بینا است، و ذره ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی ماند.

﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدَىٰ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ حِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوُّوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الفتح: ۲۵].

۱۲ آنها همان کسانی هستند که به الله و رسولش کفر ورزیدند، و شما را از مسجد الحرام بازداشتند، و قربانی را نگذاشته اند به قربان گاه خویش برسد، و اگر وجود مردان و زنانی مؤمن به الله که شما آنها را نمی شناسید نبود که ناخواسته آنها را همراه کافران می کشتید، و بر اثر قتل آنها گناه و دیه های شان گریبانگیرتان می شد؛ به طور قطع اجازه فتح مکه را به شما می داد، تا الله هرکس را بخواهد مانند مؤمنان در مکه به رحمت خویش درآورد. اگر در مکه کافران از مؤمنان جدا بودند به طور قطع کسانی را که به الله و رسولش کفر ورزیده اند به عذابی دردناک عذاب می کردیم.

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [الفتح: ۲۶].

۱۳ آن گاه که کافران به الله و رسولش تعصب جاهلیت را که هیچ ربطی به احقاق حق ندارد و فقط به هوس مربوط می شود در دل های شان جای دادند، و از ترس اینکه مبادا سرزنش شوند که پیامبر ﷺ بر آنها پیروز شده و به زور وارد مکه شده است ورود رسول الله ﷺ را در سال حدیبیه برای خودشان نپذیرفتند؛ الله آرامشی از جانب خویش بر رسولش و مؤمنان فرو فرستاد، و خشم، باعث نشد که آنها در

برابر مشرکان مقابله به مثل کنند، و الله مؤمنان را با کلمه حق یعنی لا إله إلا الله «هیچ معبود برحق جز الله نیست»، و اینکه حقیقت را برپا دارند استوار گرداند، و مؤمنان به سبب خیری که الله در دل‌های شان از آن آگاه بود به این کلمه سزاوارتر و شایسته‌تر از دیگران بودند، و الله از همه چیز کاملاً آگاه هست، و ذره‌ای بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُخْلِقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ [الفتح: ۲۷].

﴿۲۷﴾ به تحقیق که الله رؤیای رسولش را محقق کرد آن‌گاه که این رؤیا را در خواب دید و اصحابش را از آن باخبر ساخت، مبنی بر اینکه او و اصحابش بدون ترس از دشمن‌شان وارد بیت الله الحرام می‌شوند، و برای اعلام پایان مناسک برخی از آنها موی سرهای‌شان را می‌تراشند، و برخی دیگر آن را کوتاه می‌کنند. پس - ای مؤمنان - الله از مصلحت شما چیزی می‌دانست که شما از آن آگاه نبودید، از این رو آن سال را بدون تحقق رؤیای ورود به مکه، فتحی نزدیک قرار داد و این فتح نزدیک، صلح حدیبیه و در پی آن، فتح خیبر بر دستان مؤمنانی که در حدیبیه حضور داشتند است که الله آن را محقق گرداند.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ [الفتح: ۲۸].

﴿۲۸﴾ الله همان ذاتی است که رسولش محمد ﷺ را با بیانی واضح و دین حقی که همان دین اسلام است فرستاد؛ تا آن را بر تمام ادیان مخالفش برتری دهد، و الله بر این امر گواه بوده است، و گواهی الله کافی است.

برخی فواید آیات:

- بازداشتن از راه الله، گناهی است که مسببان آن سزاوار عذاب دردناک هستند.
- تدبیر الله برای مصالح بندگان از سطح علم محدود آنها فراتر است.
- بیم‌دادن از تبدیل رابطه دین با تعصب نسبی یا جاهلیت.
- پیروزی دین اسلام سنت و وعده‌ای الهی است که محقق می‌گردد.

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ [الفتح: ۲۹].

① محمد فرستادهٔ الله است و اصحابش که با او هستند، بر کافران محارب سختگیر، و میان خودشان مهربان و دلسوز و غمخوار یکدیگر هستند. - ای بیننده - آنها را در رکوع و سجده برای الله سبحانه می بینی. از الله درخواست می کنند که با آمرزش و پاداشی گرامی بر آنها مهربانی و بخشش کند، و از آنها راضی شود. بر اثر سجده، نشانهٔ آنها رستگاری و روشنایی و نور نماز است که در چهره شان آشکار می شود. تورات کتاب نازل شده بر موسی علیه السلام آنها را با این صفت توصیف کرده است. و اما مثل آنها در انجیل، کتاب نازل شده بر عیسی علیه السلام چنین است که در همکاری و کمال، مانند زراعتی هستند که جوانه هایش را درآورد، سپس قوی و ستبر شود تا اینکه بر ساقه هایش بایستد، و کشاورزان را از قدرت و کمال خویش به شگفت آورد؛ تا الله با آنها کافران را به سبب قوت و اتحاد و کمالی که در آنها می بینند به خشم آورد. الله به صحابه ای که به الله ایمان آورده اند، و اعمال صالح انجام داده اند آمرزش گناهان شان را که در قبال آن مؤاخذه نخواهند شد، و پاداشی بزرگ از جانب خویش یعنی بهشت وعده داده است.

سوره الحجرات

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

شرح اخلاق جامعه اسلامی و برحذر داشتن از اخلاق ناپسند.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱].

① ای کسانی که به الله ایمان آورده اید، و از احکامش پیروی کرده اید، نه در سخن و نه

در رفتار، در برابر الله و رسولش پیشی نجوید، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید؛ زیرا الله سخنان تان را می شنود، و از افعال تان آگاه است، ذره‌ای از سخنان و افعال تان از دستش نمی‌رود، و به‌زودی شما را در قبال آنها جزا خواهد داد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾ [الحجرات: ۲].

۲) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، و از احکامش پیروی کرده‌اید، در برابر رسولش ادب را رعایت کنید، و هنگام گفتگو با پیامبر ﷺ صداهای تان را بالاتر از صدای او قرار ندهید، آن‌گونه که یکدیگر را صدا می‌زنید او را با نامش به فریاد صدا نزنید، بلکه او را با نبوت و رسالت با خطایی نرم صدا بزنید؛ تا مبادا پاداش اعمال تان به سبب این کار تباه شود درحالی که خودتان بطلان پاداش اعمال خویش را احساس نمی‌کنید.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [الحجرات: ۳].

۳) قطعاً آنها که نزد رسول الله ﷺ صداهای شان را پایین می‌آورند، همان کسانی هستند که الله دل‌های شان را به تقوای خویش آزموده، و آنها را بر تقوای خویش خالص گردانده است، گناهان شان آمرزیده می‌شود و آنها را در قبال آن مورد مؤاخذه قرار نمی‌دهد، و روز قیامت پاداش بزرگی دارند، یعنی الله آنها را وارد بهشت می‌کند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [الحجرات: ۴].

۴) ای رسول - قطعاً! بیشتر بادیه‌نشینانی که تو را از پشت حجره‌های همسرانت صدا می‌زنند نمی‌فهمند.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت مهربانی با مؤمن، و خشونت با کافر محارب.
- اتحاد و همکاری از خصوصیات اخلاقی اصحاب پیامبر ﷺ بود.
- هرکس نفرتی از صحابه کرام در دل داشته باشد باید از کفرش ترسید و پرهیز کرد.
- وجوب مؤدب بودن در برابر رسول الله ﷺ، و سنت ایشان، و وارثانش (علما).

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱۵].

و - ای رسول - اگر اینها که تو را از پشت حجره‌های همسرانت صدا می‌زنند، صبر می‌کردند و تو را صدا نمی‌زدند تا نزدشان خارج می‌شدی، آن‌گاه تو را با صدای آهسته مورد خطاب قرار می‌دادند؛ به‌طور قطع این کار از صدا زدن تو از پشت حجره‌ها برای‌شان بهتر بود؛ زیرا این کار دربردارنده احترام و بزرگداشت است، و الله نسبت به گناهان کسانی از آنها و دیگران که توبه کنند بسیار آمرزنده، و به خاطر جهل و نادانی‌شان بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُكُمْ عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾ [الحجرات: ۶].

ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، و از احکامش پیروی کرده‌اید، اگر فاسقی خبری از قومی نزدتان آورد، درباره صحت خبر او تحقیق کنید، و به سرعت او را تصدیق نکنید؛ که مبادا - اگر خبرش را بدون تحقیق تصدیق کردید - بر قومی جنایتی برسانید درحالی‌که از حقیقت کارشان جاهل هستید، آن‌گاه پس از اینکه مصیبتی بر آنها وارد کردید و دروغ بودن خبر برای‌تان آشکار شد پشیمان شوید.

﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾ [الحجرات: ۷].

و - ای مؤمنان - بدانید که در میان شما رسول الله ﷺ قرار دارد که وحی بر او نازل می‌شود، پس، از دروغگویی بپرهیزید؛ زیرا وحی بر او نازل می‌شود و او را از دروغتان باخبر می‌سازد، و او به مصلحت شما آگاه‌تر است. اگر در بسیاری از آنچه به او پیشنهاد می‌دهید از شما اطاعت کند به‌طور قطع در مشقتی که آن را برای‌تان نمی‌پسندد واقع می‌شود. اما الله از فضل خویش ایمان را نزد شما دوست‌داشتنی قرار داد، و آن را در دل‌های‌تان آراست که به آن ایمان آوردید، و کفر و خروج از طاعتش و نافرمانی خویش را نزد شما ناپسند قرار داد. اینها که صفات مذکور را دارند همان روندگان راه راست و حق هستند.

﴿فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [الحجرات: ۸].

و این امر - یعنی آراستن خیر و ناپسندکردن شر در دل‌های شما - که برای‌تان حاصل شد فقط بخششی از جانب الله است، که با آن بر شما لطف کرد، و نعمتی است که آن را بر شما ارزانی داشت، و الله هر یک از بندگان را که شکر او را به جای می‌آورد می‌شناسد پس او را توفیق می‌دهد، و حکیم است چون هر چیزی را در محل مناسب خودش قرار می‌دهد.

﴿وَإِن طَافَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الحجرات: ۹].

و ای مؤمنان - اگر دو گروه مؤمن با یکدیگر جنگیدند با دعوت آن‌ها به داوربودن شریعت الله در اختلافشان میان آنها سازش برقرار کنید، و اگر یکی از آن دو گروه از صلح خودداری و تجاوز کرد با گروه متجاوز بجنگید تا به حکم الله بازگردد. پس اگر به حکم الله بازگشت، میان آن دو با عدالت و انصاف سازش برقرار کنید، و در حکم میان آن دو عدالت را رعایت کنید؛ زیرا الله کسانی را که عادلانه داوری می‌کنند دوست دارد.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۰].

به‌راستی که مؤمنان برادر اسلامی یکدیگر هستند، و برادری اسلامی ایجاب می‌کند که - ای مؤمنان - میان برادران متنازع خویش سازش برقرار کنید، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید، تا مورد رحمت قرار گیرید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ مَّنْ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الحجرات: ۱۱].

ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، و از احکامش پیروی کرده‌اید، نباید قومی از شما قومی دیگر را مسخره کند، شاید قومی که مسخره می‌شوند نزد الله بهتر باشند، و معیارهای الهی معتبر است. و نباید زنانی زنان دیگری را مسخره کنند

شاید زنانی که مسخره می‌شوند نزد الله بهتر باشند، و از برادران تان عیب مگیرید زیرا آنها به منزله خودتان هستند، و نباید لقبی ناپسند را به یکدیگر نسبت دهید، چنان که حال برخی از انصار پیش از آمدن رسول الله ﷺ چنین بود، و هرکس از شما که این کار را انجام دهد فاسق است. فسق پس از ایمان آوردن، صفت بسیار بدی است، و هرکس از این گناهان توبه نکند، آنها همان کسانی هستند که به سبب گناهانی که انجام دادند با قرار دادن خویش در معرض نابودی بر خویشتن ستم کرده‌اند.

برخی فواید آیات:

- وجوب تحقیق از صحت اخبار، به خصوص اخباری که گوینده‌اش به فسق متهم است.
- وجوب برقراری سازش میان مسلمانانی که با یکدیگر در پیکار هستند، و مشروعیت پیکار با گروهی که بر تجاوز اصرار ورزد و صلح را نپذیرد.
- از جمله حقوق برادری ایمانی: ایجاد سازش میان نزاع کنندگان، دوری از تمسخر و خواندن یکدیگر با لقب‌های بدی که احساسات را جریحه‌دار می‌کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبٌ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱۲].

۱۲) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، و از احکامش پیروی کرده‌اید، از بسیاری از تهمت‌هایی که اسباب و قرائن کافی ندارند دوری کنید. همانا برخی گمان‌ها گناه هستند، مانند بدگمانی به کسی که ظاهر صالحی دارد، و در جستجوی عیوب مؤمنان در غیاب‌شان نباشید، و نباید یکی از شما برادرش را به سخنی که نمی‌پسندد یاد کند؛ زیرا این کار مانند آن است که گوشت برادر مرده‌ی خویش را بخورد. آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خویش را بخورد؟! پس از غیبت برادر خویش اکراه داشته باشید زیرا غیبت کردن از برادر مانند خوردن گوشت برادر مرده است، و با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسید. به راستی که الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار بخشنده و مهربان است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [الحجرات: ۱۳].

۱۳) ای مردم، به راستی که شما را از یک مرد یعنی پدرتان آدم عليه السلام، و یک زن یعنی مادرتان حواء آفریدیم، پس نباید برخی از شما بر برخی دیگر در نسب فخرفروشی کند، و پس از آن شما را ملت‌های زیاد و قبایل پراکنده‌ای قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، نه به این هدف که بر یکدیگر فخر بفروشید؛ زیرا تمایز جز به تقوا نیست، از این رو فرمود: همانا گرامی‌ترین شما نزد الله باتقواترین شما است. به راستی که الله از احوال شما آگاه است و از کمال و نقصانی که بر آن هستید بسیار دانا است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿* قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا فُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱۴].

۱۴) برخی بادیه‌نشینان وقتی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند گفتند: به الله و رسولش ایمان آوردیم. - ای رسول - به آنها بگو: ایمان نیآورده‌اید، بلکه بگویید: تسلیم شدیم و

اطاعت کردیم، و ایمان هنوز در دل‌های‌تان وارد نشده است، و انتظار می‌رود که در دل‌های‌تان وارد شود، و -ای بادیه‌نشینان- اگر در ایمان و عمل صالح، و ترک محرمات از الله و رسولش فرمان‌برداری کنید، الله ذره‌ای از پاداش اعمال‌تان نمی‌کاهد؛ زیرا الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحجرات: ۱۵].

﴿۱۵﴾ مؤمنان واقعی کسانی هستند که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند، و شکی با ایمان‌شان درنیامیخته است، و با اموال و جان‌های‌شان در راه الله جهاد کرده‌اند، و ذره‌ای از آن بخل نورزیده‌اند. اینها که صفات مذکور را دارند همان مؤمنان راستین هستند.

﴿قُلْ أَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحجرات: ۱۶].

﴿۱۶﴾ - ای رسول - به این بادیه‌نشینان بگو: آیا شما الله را از دین خویش آگاه و باخبر می‌سازید؟! درحالی‌که الله از آنچه در آسمان‌ها، و آنچه در زمین است آگاه است، و بر هر چیزی دانا است، و ذره‌ای بر او پوشیده نمی‌ماند، پس نیازی ندارد که شما دین‌تان را به او اعلام کنید.

﴿يُؤْمِنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الحجرات: ۱۷].

﴿۱۷﴾ - ای رسول - این بادیه‌نشینان بر تو منت می‌گذارند که اسلام آورده‌اند، به آنها بگو: با ورود خویش در دین الله بر من منت ننهید؛ زیرا نفع آن - اگر حاصل شود - به خودتان بازمی‌گردد، بلکه الله بر شما منت می‌نهد که شما را به ایمان آوردن به اسلام توفیق داد اگر در این ادعا که در اسلام وارد شده‌اید راستگو هستید.

﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحجرات: ۱۸].

﴿۱۸﴾ همانا الله امور نهان آسمان‌ها و امور نهان زمین را می‌داند، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند، و الله به آنچه انجام می‌دهید بینا است، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال اعمال خوب و بد جزا خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- بدگمانی به اهل خیر گناه است، و پرهیز از اهل شر با گمان بد به آنها جایز است.
- یکی بودن اصل و نَسَبِ انسان‌ها می‌طلبد که به نسب‌های‌شان فخرفروشی نکنند.
- ایمان، یک لفظ خالی و بدون اعتقاد نیست، بلکه اعتقاد به قلب، و سخن به زبان، و عمل به اعضا و جوارح است.
- هدایتِ توفیق فقط به دست الله و بخششی از جانب او تعالی است و هیچ‌کس حقی در این مورد ندارد.

سوره ق

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیدار کردن دل‌های غافل، برای درک حقایق و دلایل و مناظر رستاخیز و جزا.

تفسیر:

﴿ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ﴾ [ق: ۱].

﴿ق﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حرف در ابتدای سوره بقره بیان شد. الله به قرآن کریم به سبب معانی و خیر و برکت زیادی که در آن وجود دارد سوگند یاد فرمود؛ که به طور قطع در روز قیامت برای حسابرسی و جزا برانگیخته خواهید شد.

﴿بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ﴾ [ق: ۲].

﴿۲﴾ سبب خودداری آنها این نیست که دروغگویی تو را گمان می‌برند؛ زیرا از راستگویی تو آگاه هستند، بلکه از این امر در شگفت هستند که رسولی انذاردهنده از جنس خودشان و نه از جنس فرشتگان نزدشان بیاید، و از روی تعجب گفتند: آمدن رسولی از جنس بشر به سوی ما امر شگفتی است!

﴿أَيُّدًا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ﴾ [ق: ۳].

﴿۳﴾ آیا وقتی مردیم و خاک شدیم برانگیخته می‌شویم؟! این رستاخیز و بازگشت زندگی به بدن‌هایمان پس از اینکه پوسید امری دور از انتظار است، و امکان وقوع آن وجود ندارد.

﴿قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيفٌ﴾ [ق: ۴].

﴿۴﴾ به تحقیق ما آنچه را که زمین از اجسادشان پس از مرگشان می‌خورد و از بین می‌برد، می‌دانیم، و ذره‌ای از آن بر ما پوشیده نمی‌ماند، و کتابی نگهدارنده هر چیزی که الله آن را در زندگی و پس از مرگشان برای آنها مقدر کرده است نزد ماست.

﴿بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ﴾ [ق: ۵].

۵) بلکه این مشرکان قرآن را وقتی رسول آن را برای شان آورد تکذیب کردند، بلکه آنها پریشان هستند و لحظه‌ای ثابت و استوار نیستند. الله پس از بیان انکار رستاخیز توسط مشرکان، دلایل وقوع آن را برای شان یادآوری کرد و فرمود:

﴿أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَرَازَيْنَاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ﴾ [ق: ۶].

۶) آیا این تکذیب کنندگان رستاخیز به آسمان بالای سرشان نیندیشیده‌اند؛ که چگونه آن را آفریدیم و بنا کردیم و آن را با ستارگانی که در آن قرار داده‌ایم آراستیم، و هیچ شکاف در آن وجود ندارد تا آن را معیوب نشان دهد؟! پس کسی که این آسمان را آفریده از برانگیختن مردگان به صورت زنده ناتوان نیست.

﴿وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾ [ق: ۷].

۷) و زمین که آن را مناسب سکونت گستراندیم، و کوه‌هایی ثابت در آن قرار دادیم تا نلرزد، و از هر صنف از گیاهان و درختان خوش‌منظر در آن رویاندیم.

﴿تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ﴾ [ق: ۸].

۸) تمام موارد مذکور را آفریدیم تا مایهٔ بینش و یادآوری باشد برای هر بنده‌ای که با طاعت به‌سوی پروردگارش باز می‌گردد.

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ﴾ [ق: ۹].

۹) و از آسمان آبی با منفعت و خیر زیاد فرو فرستادیم، آن‌گاه با آن آب باغ‌ها رویاندیم، و از دانهٔ جو و سایر مواردی که درو می‌کنید رویاندیم.

﴿وَالنَّخْلُ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نُّضِيدٌ﴾ [ق: ۱۰].

۱۰) و با آن درختان بلندقامت و مرتفع خرما آفریدیم، که شکوفه‌هایی متراکم بر روی هم دارد.

﴿رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ﴾ [ق: ۱۱].

۱۱) این موارد را برای روزی بندگان رویاندیم تا از آن بخورند، و با آن آب زمینی بدون گیاه را زنده کردیم. همان‌گونه که با این باران زمینی بدون گیاه را زنده کردیم مردگان را زنده می‌کنیم، و آنها را زنده درمی‌آوریم.

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودَ﴾ [ق: ۱۲].

۱۲ - ای رسول - پیش از اینها که تو را تکذیب می کنند اقوامی پیامبران شان را تکذیب کردند، و قوم نوح و اصحاب رس (چاه)، و ثمود تکذیب کردند.

﴿وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطَ﴾ [ق: ۱۳].

۱۳ و عاد و فرعون، و قوم لوط تکذیب کردند.

﴿وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ﴾ [ق: ۱۴].

۱۴ و قوم شعیب (اصحاب آیکه) و قوم تُبَّع (پادشاهان یمن) تکذیب کردند، پس عذابی را که الله بر آنها وعده داده بود واقع شد.

﴿أَفَعَيَّبْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ [ق: ۱۵].

۱۵ آیا ما از آفرینش نخستین شما ناتوان مانده ایم تا از برانگیختن شما ناتوان شویم؟! بلکه آنها در حیرتی از آفرینش جدید پس از آفرینش نخستین خویش هستند.

برخی فواید آیات:

- مشرکان نبوت انسان را انکار می کنند، درحالی که صفت الوهیت را به سنگ می بخشند!
- آفرینش آسمان ها و زمین و نزول باران و رویدن گیاهان زمین خشک، و آفرینش نخستین، دلایل رستاخیز هستند.
- تکذیب رسولان ﷺ، عادت امت های پیشین و عذاب تکذیب کنندگان، سنتی الهی است.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَخَنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ [ق: ۱۶].

۱۶ و به تحقیق که ما انسان را آفریده‌ایم، و از افکاری که به خاطرش خطور می‌کند آگاه هستیم، و ما از رگ گردنش که به قلب متصل است به او نزدیک‌تریم.

﴿إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٍ﴾ [ق: ۱۷].

۱۷ آن‌گاه که دو فرشته دریافت‌کننده که یکی در سمت راست، و دیگری در سمت چپ نشسته است اعمالش را دریافت می‌کنند.

﴿مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ [ق: ۱۸].

۱۸ هیچ سخنی را به زبان نمی‌آورد مگر اینکه فرشته‌ای مراقب آن سخن، نزدش حاضر است.

﴿وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ﴾ [ق: ۱۹].

۱۹ و سختی مرگ، حقیقتی را که هیچ‌گریزی از آن نیست می‌آورد. - ای انسان غافل - این همان چیزی است که از آن کناره می‌گرفتی و می‌گریختی.

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ﴾ [ق: ۲۰].

۲۰ و فرشته موظف به دمیدن، برای بار دوم در صور می‌دمد. این روز قیامت است؛ روز وعید برای کافران و گناهکاران با عذاب.

﴿وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ﴾ [ق: ۲۱].

۲۱ و هرکسی در حالی می‌آید که دو فرشته همراه او هستند؛ یکی او را راهنمایی می‌کند، و دیگری درباره اعمالش بر او گواهی می‌دهد.

﴿لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ [ق: ۲۲].

۲۲ و به این انسان راهنمایی‌شده گفته می‌شود: به تحقیق که در دنیا به سبب فریب خوردن به شهوات و خوشی‌هایت از این روز غافل بودی، ولی ما غفلت تو را با عذاب و اندوهی که مشاهده می‌کنی از تو برداشتیم، و امروز چشمانت چنان تیز است که آنچه را از آن غافل بودی درک می‌کنی.

﴿وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عْتِيدٍ﴾ [ق: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و فرشتهٔ همنشینش به او می‌گوید: این است اعمالش که بدون کمی و زیادی نزد من حاضر است.

﴿أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ﴾ [ق: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و الله به این دو فرشتهٔ راهنما و گواه می‌گوید: هر ناسپاس و مخالف حقی را در جهنم بیفکنید.

﴿مَتَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ﴾ [ق: ۲۵].

﴿۲۵﴾ کسی که از حقی که الله بر او واجب کرد بسیار بازداشته، از حدود الله گذشته، و در وعد و وعیدهایی که به او خبر داده می‌شد بسیار شک داشته است.

﴿الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ﴾ [ق: ۲۶].

﴿۲۶﴾ کسی که همراه الله معبودی دیگر قرار داد و او را در عبادت، شریک الله قرار می‌داد، پس او را در عذاب سخت بیفکنید.

* ﴿قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَيْتُهُ وَلَكِنَّ كَانٍ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ [ق: ۲۷].

﴿۲۷﴾ شیطان همنشین او برای اعلام بیزاری از او می‌گوید: پروردگارا من او را گمراه نکردم، بلکه در گمراهی دوری از حق بود.

﴿قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ﴾ [ق: ۲۸].

﴿۲۸﴾ الله می‌فرماید: نزد من با یکدیگر نزاع نکنید، که این کار هیچ فایده‌ای ندارد، چون من در دنیا وعید سخت را برای کسی که به من کفر ورزد و از من نافرمانی کند به دست رسولانم برای‌تان فرستاده بودم.

﴿مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾ [ق: ۲۹].

﴿۲۹﴾ سخن من تغییر نمی‌پذیرد، و وعده‌ام خلاف نمی‌رود، و نه با کاستن از نیکی‌های بندگان، و نه با افزودن بر بدی‌های‌شان بر آنها ستم نمی‌کنم، بلکه جزای آنچه را انجام داده‌اند به آنها می‌دهم.

﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ [ق: ۳۰].

﴿۳۰﴾ روزی که به جهنم می‌گوییم: آیا از کافران و گناهکارانی که در تو افکنده شدند پُر شدی؟ و جهنم برای طلب بیشتر، و خشم به خاطر پروردگارش این‌گونه به

پروردگارش پاسخ می‌دهد: آیا باز هم هست؟
 الله پس از بیان وعید سخت برای کافران، پاداشی را که برای بندگان مؤمن خویش
 آماده کرده ذکر کرد و فرمود:

﴿وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾ [ق: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و بهشت به کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او
 تعالی را پیشه کردند نزدیک می‌شود، آن‌گاه نعمت‌هایش را بدون اینکه از آنها دور
 باشد مشاهده می‌کنند.

﴿هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ﴾ [ق: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و به آنها گفته می‌شود: این همان چیزی است که الله برای هر بسیار بازگشت
 کننده به سوی پروردگارش با توبه، و حفاظت کننده آنچه که پروردگارش او را به آن
 ملزم کرده بود، به شما وعده داد.

﴿مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ﴾ [ق: ۳۳].

﴿۳۳﴾ کسی که در نهان که هیچ کس جز الله او را در آنجا نمی‌بیند از الله بترسد، و با
 قلبی سالم و روی آورنده با او تعالی دیدار کند، و بسیار به سوی او تعالی بازگردد.

﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ﴾ [ق: ۳۴].

﴿۳۴﴾ به آنها گفته می‌شود: بدون ترس از امور ناگوار، وارد بهشت شوید، این است روز
 جاویدانی که هیچ فنایی پس از آن نیست.

﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ﴾ [ق: ۳۵].

﴿۳۵﴾ در آنجا هرچه از نعمت‌های جاویدانی که می‌خواهند برای‌شان فراهم است، و
 نزد ما افزون بر این موارد، نعمت‌هایی است که هیچ چشمی ندیده، هیچ گوشی
 نشنیده، و بر دل هیچ انسانی خطور نکرده است. و رؤیت الله سبحانه از جمله این
 نعمت‌ها است.

برخی فواید آیات:

- آگاهی الله از تمام خیر و شری که بر قلب انسان‌ها خطور می‌کند.
- خطر زیاد غفلت از آخرت.
- ثبوت صفت عدل برای الله تعالی.

﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ﴾ [ق: ۳۶].

۳۶ و چه بسیار امت‌هایی که آنها را قبل از این مشرکانِ تکذیب کننده ساکن مکه نابوده کردیم، و در زمین به جستجو پرداختند تا شاید گریزگاهی از عذاب بیابند اما هیچ راه فراری نیافتند.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِّمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: ۳۷].

۳۷ قطعاً این نابودی امت‌های پیشین، مایهٔ پند و اندرز صاحب قلبی است که با آن می‌اندیشد، یا با حضور قلب و هوشیار گوش فرا می‌دهد.

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ﴾ [ق: ۳۸].

۳۸ و به تحقیق ما آسمان‌ها، و زمین، و آنچه میان آسمان‌ها و زمین است را در شش روز آفریده‌ایم با اینکه می‌توانستیم آنها را در یک لحظه بیافرینیم، و هیچ رنجی به ما نرسید آن گونه که یهودیان می‌گویند.

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ﴾ [ق: ۳۹].

۳۹ پس - ای رسول - در برابر سخنان یهودیان و دیگران شکیبایی کن، و برای پروردگارت درحالی که او را ستایش می‌کنی نماز فجر را قبل از طلوع خورشید برپادار، و نماز عصر را قبل از غروب خورشید بگزار.

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ﴾ [ق: ۴۰].

۴۰ و پاره‌ای از شب برای او تعالی نماز بگزار، و پس از نمازها تسبیح او را بگو.

﴿وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ [ق: ۴۱].

۴۱ - ای رسول - به روزی که فرشتهٔ مأمور دمیدن در صور از مکانی نزدیک برای بار دوم ندا می‌دهد، گوش فرا بده.

﴿يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ﴾ [ق: ۴۲].

۴۲ روزی که مخلوقات صدای رستاخیز را به حقیقتی که هیچ تردیدی در آن نیست می‌شنوند. روزی که در آن این صدا را می‌شنوند روز خروج مردگان از قبرهای‌شان برای حسابرسی و جزا است.

﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ﴾ [ق: ۴۳].

① به راستی که ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم. هیچ زنده‌کننده و هیچ میراننده‌ای جز ما نیست، و بازگشت بندگان در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی ما است.

﴿يَوْمَ نَشَقُّ الْأَرْضَ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ﴾ [ق: ۴۴].

② روزی که زمین از روی آنها می‌شکافتد و شتابان درمی‌آیند، این گردآوردن بر ما آسان است.

﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدٌ﴾ [ق: ۴۵].

③ ما به آنچه که این تکذیب‌کنندگان می‌گویند آگاه‌تر هستیم، و - ای رسول - تو بر آنها مسلط نیستی تا آنها را بر ایمان مجبور سازی، و فقط مأمورِ ابلاغِ آنچه که الله تو را به تبلیغ آن فرمان داده هستی، پس با قرآن کسی را که از تهدید من می‌ترسد، پند بده؛ زیرا کسی که می‌ترسد وقتی پند و اندرز داده شود، می‌پذیرد.

سوره الذاریات

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

شناساندن منبع روزی بندگان به آنها یعنی الله تعالی؛ تا به‌سوی او پناه آورند و بندگی را برای او عملی کنند.

تفسیر:

﴿وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا﴾ [الذاریات: ۱].

① الله به بادهایی که خاک را برافراشته و پراکنده می‌کنند سوگند یاد می‌فرماید.

﴿فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا﴾ [الذاریات: ۲].

② و به ابرهایی که آب فراوانی حمل می‌کنند.

﴿فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا﴾ [الذاریات: ۳].

③ وبه کشتی‌هایی که به سهولت و آسانی در دریاها در حرکت هستند.

﴿فَالْمَقْسِمَاتِ أَمْرًا﴾ [الذاریات: ۴].

و به فرشتگانی که امور بندگان را که طبق فرمان الله تقسیم می کنند.

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ﴾ [الذاریات: ۵].

که حساب و جزایی که پروردگارتان آن را به شما وعده می دهد به طور قطع حقیقت است و هیچ تردیدی در آن راه ندارد.

﴿وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ﴾ [الذاریات: ۶].

و حساب بندگان در روز قیامت بدون تردید رخ خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- عبرت گیری از رخدادهای تاریخ، خوی و سرشت صاحبان دل های هوشیار و آگاه است.
- آفرینش هستی در شش روز توسط الله به سبب حکمت هایی است که الله می داند، شاید یکی از آنها سنت تدریجی بودن باشد.
- بی ادبی یهودیان در توصیف الله تعالی به خسته شدن پس از آفرنش آسمان ها و زمین. این امر کفر به الله است.

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُوبِ﴾ [الذاریات: ۷].

۱۷ و الله به آسمان که آفرینش زیبا و راههایی دارد سوگند یاد می فرماید.

﴿إِنَّكُمْ لَنِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ﴾ [الذاریات: ۸].

۱۸ که شما - ای ساکنان مکه - به طور قطع در سخنی متضاد و ضد و نقیض هستید، گاهی می گویند: قرآن سحر است، گاهی می گویند: شعر است، و گاهی می گویند: محمد ساحری است، و گاهی می گویند شاعری است.

﴿يُؤْفِكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ﴾ [الذاریات: ۹].

۱۹ از ایمان به قرآن و پیامبر ﷺ بازداشته می شود کسی که بر اساس علم الله از ایمان به آن بازداشته شده باشد؛ زیرا او تعالی می داند که او ایمان نمی آورد، پس او را به هدایت توفیق نمی دهد.

﴿قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ﴾ [الذاریات: ۱۰].

۲۰ لعنت بر این دروغگویان که در مورد قرآن و پیامبرشان آن سخنان را گفتند.

﴿الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ﴾ [الذاریات: ۱۱].

۲۱ همان کسانی که در جهالت، از سرای آخرت غافل هستند، و به آن اهمیت نمی دهند.

﴿يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ﴾ [الذاریات: ۱۲].

۲۲ می پرسند: روز جزا چه زمانی است؟ درحالی که برای آن عمل نمی کنند.

﴿يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ﴾ [الذاریات: ۱۳].

۲۳ الله این گونه به سوال آنها پاسخ می دهد: روزی که آنها روی آتش عذاب می شوند.

﴿ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ﴾ [الذاریات: ۱۴].

۲۴ به آنها گفته می شود: عذابتان را بچشید، این همان روزی است که وقتی به آن انداز داده می شدید، از روی تمسخر خواستار تعجیل آن بودید.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ﴾ [الذاریات: ۱۵].

۲۵ قطعاً کسانی که به خاطر پروردگارشان با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی اش پرهیزکاری نموده اند در روز قیامت در باغها و چشمههایی جاری هستند.

﴿أَخَذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ﴾ [الذاریات: ۱۶].

۱۶) پاداش گرامی ای را که پروردگارشان به آنها عطا فرموده می گیرند، زیرا قبل از این پاداش گرامی در دنیا نیکوکار بودند.

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾ [الذاریات: ۱۷].

۱۷) شب نماز می گزاردند، و جز زمانی اندک نمی خوابیدند.

﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ [الذاریات: ۱۸].

۱۸) و در سحرگاهان برای گناهان شان از الله آمرزش می طلبیدند.

﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ [الذاریات: ۱۹].

۱۹) و در اموال شان برای گدایان، و برای کسانی که به هر سببی از رزق و روزی محروم شده بودند اما از آنها گدایی نمی کردند، حقی بود - که داوطلبانه آن را می بخشیدند -.

﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ﴾ [الذاریات: ۲۰].

۲۰) و در زمین و کوه ها و دریاها و رودها و درختان و گیاهان و حیواناتی که الله در آن قرار داده است، دلالت هایی بر قدرت الله برای یقین کنندگان است که الله همان آفریننده و شکل دهنده است.

﴿وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ [الذاریات: ۲۱].

۲۱) و - ای مردم - در خودتان دلالت هایی بر قدرت الله است، پس مگر نمی بینید که پند بگیرید؟!

﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾ [الذاریات: ۲۲].

۲۲) و در آسمان روزی دنیوی و دینی شماست، و در آن خیر و یا شری را که به آن وعده داده می شوید است.

﴿فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطُقُونَ﴾ [الذاریات: ۲۳].

۲۳) پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که رستاخیز به طور قطع حقیقتی بدون تردید است، همان گونه که در سخن شما هیچ تردیدی نیست آن گاه که سخن می گوئید.

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ﴾ [الذاریات: ۲۴].

۱۸ - ای رسول - آیا خبر فرشتگان مهمان ابراهیم علیه السلام که آنها را گرمی داشت به تو رسید؟

﴿إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾ [الذاریات: ۲۵].

۱۹ - آن گاه که بر او وارد شدند و به او گفتند: سلام. ابراهیم علیه السلام در پاسخ آنها گفت: سلام. و با خودش گفت: اینها مردمی هستند که آنها را نمی شناسیم.

﴿فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ﴾ [الذاریات: ۲۶].

۲۰ - پس پنهانی به سوی خانواده اش رفت، و گوساله ای سالم و فربه که داشتند آورد؛ به این گمان که آنها انسان هستند.

﴿فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ﴾ [الذاریات: ۲۷].

۲۱ - پس گوساله را نزدیک آنها گذاشت، و با مهربانی آنها را مورد خطاب قرار داد: آیا غذایی را که برای تان تقدیم شده است نمی خورید؟

﴿فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ﴾ [الذاریات: ۲۸].

۲۲ - وقتی که دید نمی خورند ترسی از آنها را در وجود خویش پنهان کرد و آنها به ترسش پی بردند. آن گاه برای آرام کردن او گفتند: نترس، زیرا ما فرستادگانی از جانب الله هستیم، و او را از آنچه خوشحالش می کرد باخبر کردند به اینکه پسری صاحب علم فراوان برایش متولد می شود. شخص مورد مژده در اینجا اسحاق علیه السلام است.

﴿فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَوةٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ﴾ [الذاریات: ۲۹].

۲۳ - وقتی همسر ابراهیم علیه السلام این مژده را شنید درحالی که از شادی فریاد و به صورتش سیلی می زد جلو آمد، و با تعجب گفت: آیا پیرزنی می زاید، به علاوه اینکه اساساً نازا بوده است!

﴿قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾ [الذاریات: ۳۰].

۲۴ - فرشتگان به او گفتند: آنچه را به تو خبر دادیم پروردگارت گفته است، و آنچه را که او تعالی بگوید هیچ بازدارنده ای برایش نیست؛ زیرا او تعالی در آفرینش و تقدیر خویش بسیار دانا و از مخلوقاتش و مصالح آنها بسیار آگاه است.

برخی فواید آیات:

- نیکو گردانیدن و خالص کردن عمل برای الله سبب ورود به بهشت است.
- فضیلت نماز شب و اینکه از برترین عباداتی است که با آن به الله نزدیکی حاصل می‌شود.
- از آداب پذیرایی: پاسخ دادن به سلام به نیکوتر از آن، آماده کردن سفره به صورت پنهانی، آمادگی برای مهمانان قبل از رسیدن آنها، جدانکردن چیزی از سفره، برخاستن و شتاب ورزیدن برای آماده کردن سفره، و نزدیک کردن آن به مهمانان، و سخن گفتن با آنها به نرمی.

﴿ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴾ [الذاریات: ۳۱].

۳۱) ابراهیم علیه السلام به فرشتگان گفت: ماموریت شما چیست؟ و چه هدفی دارید؟

﴿ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴾ [الذاریات: ۳۲].

۳۲) فرشتگان در پاسخ او گفتند: الله ما را به سوی مردمی ستمکار که گناهان زشتی مرتکب می‌شوند فرستاده است.

﴿ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ طِينٍ ﴾ [الذاریات: ۳۳].

۳۳) تا سنگ‌هایی از گل سخت‌شده بر آنها فرو فرستیم.

﴿ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴾ [الذاریات: ۳۴].

۳۴) که - ای ابراهیم - نزد پروردگارت نشانه‌گذاری شده هستند و بر متجاوزان از حدود الله و سرسختان در کفر و گناهان فرستاده می‌شوند.

﴿ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴾ [الذاریات: ۳۵].

۳۵) پس مؤمنانی را که در شهر قوم لوط بودند بیرون کردیم تا عذابی را که به مجرمان می‌رسد به آنها نرسد.

﴿ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ ﴾ [الذاریات: ۳۶].

۳۶) ولی در این شهر آنها جز یک خانواده مسلمان، یعنی اعضای خانواده لوط علیه السلام، نیافتیم.

﴿ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴾ [الذاریات: ۳۷].

۳۷) و در شهر قوم لوط، آثاری از عذاب را که بر وقوع عذاب بر آنها دلالت می‌کند باقی گذاشتیم تا هرکس از عذاب رنج‌آوری که به آنها رسید می‌ترسد پند بگیرد، و عمل آنها را مرتکب نشود و از این عذاب نجات یابد.

﴿ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴾ [الذاریات: ۳۸].

۳۸) و در موسی علیه السلام آن‌گاه که او را با حجت‌های روشن به سوی فرعون فرستادیم، نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب دردناک می‌ترسد.

﴿ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴾ [الذاریات: ۳۹].

۳۹) اما فرعون با اعتماد به نیرو و لشکریانش از حق روی گرداند، و در مورد موسی علیه السلام گفت: او ساحری است که مردم را سحر می‌کند، یا دیوانه‌ای است که در

آنچه می گوید نمی اندیشد.

﴿فَأَخَذْنَا هُوَ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ﴾ [الذاریات: ۴۰].

۵۰ پس او و تمام لشکریانش را گرفتیم و در دریا افکندیم، آن گاه غرق و نابود شدند، و فرعون به سبب تکذیب و ادعای معبود بودن، سزاوار سرزنش بود.

﴿وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ﴾ [الذاریات: ۴۱].

۵۱ و در عاد، قوم هود علیه السلام نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب دردناک می‌ترسد آن گاه که بادی را که هیچ بارانی نداشت، و هیچ درختی را بارور نمی‌ساخت، و هیچ برکتی در آن نبود بر آنها فرو فرستادیم.

﴿مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ﴾ [الذاریات: ۴۲].

۵۲ هیچ کس یا مال یا غیر آن دو را که بر آن می‌گذشت باقی نمی‌گذاشت مگر آن را ویران می‌کرد، و آن را چون استخوان‌های پوسیده و ریز ریز شده بر جای می‌گذاشت.

﴿وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ﴾ [الذاریات: ۴۳].

۵۳ و در ثمود، قوم صالح علیه السلام نشانه‌ای است برای کسی که از عذاب دردناک می‌ترسد آن گاه که به آنها گفته شد: قبل از اینکه اجل‌های‌تان به سر رسد از زندگی خویش بهره ببرید.

﴿فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ﴾ [الذاریات: ۴۴].

۵۴ آن گاه از فرمان پروردگارش سر باز زدند، و در برابر ایمان و طاعت بسیار تکبر ورزیدند، تا اینکه صاعقه عذاب آنها را فراگرفت درحالی که منتظر نزول آن بودند؛ زیرا سه روز قبل از نزول عذاب به آن وعده داده شده بودند.

﴿فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ﴾ [الذاریات: ۴۵].

۵۵ پس نتوانستند عذابی را که پروردگارش بر آنها نازل کرد از خودشان دفع کنند، و هیچ نیرویی نداشتند که به آن پناه برند.

﴿وَقَوْمٍ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ﴾ [الذاریات: ۴۶].

۵۶ و به تحقیق که قبل از اینها، قوم نوح را با غرق کردن نابود کرده‌ایم، زیرا آنها مردم فاسق و نافرمان بودند، پس سزاوار کیفر او تعالی گشتند.

﴿وَالسَّمَاءَ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ [الذاریات: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و آسمان را بسیار محکم بنا کردیم، و قطعاً ما اطرافش را وسعت بخشیدیم.

﴿وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ﴾ [الذاریات: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و زمین را برای ساکنانش مانند بستری گسترده کردیم، و با این کار چه گسترانندگان خوبی هستیم.

﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ [الذاریات: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و از هر چیزی دو گونه آفریدیم: مانند نر و ماده، آسمان و زمین، خشکی و دریا؛ تا یگانگی و قدرت الله را که هر چیزی را دو گونه آفرید، به یاد آورید.

﴿فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الذاریات: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و با فرمان برداری از الله و عدم نافرمانی از او، از کیفر الله به سوی پاداش او تعالی بگریزید، زیرا - ای مردم - من برای شما انذاردهنده‌ای آشکار از کیفر او هستم.

﴿وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [الذاریات: ۵۱].

﴿۵۱﴾ و با الله معبود دیگری قرار ندهید تا او را به جای الله عبادت کنید، زیرا من برای شما انذاردهنده‌ای آشکار از این کار هستم.

برخی فواید آیات:

- ایمان بالاترین درجهٔ اسلام است.
- نابودی امت‌های تکذیب کننده توسط الله درسی برای تمام مردم است.
- ترس از الله، فرار به سوی او سبحانه با انجام عمل صالح را ایجاب می‌کند؛ نه فرار از او را.

﴿كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجْتَنُونَ﴾ [الذاریات: ۵۲].

۵۲) مانند این تکذیب ساکنان مکه، امت‌های پیشین تکذیب کردند، چنان‌که هیچ رسولی از جانب الله نزدشان نیامد مگر اینکه در مورد او گفتند: ساحر، یا دیوانه‌ای است.

﴿اتَّوَصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ﴾ [الذاریات: ۵۳].

۵۳) آیا کافران پیشین و متاخر، یکدیگر را بر تکذیب رسولان سفارش می‌کنند؟! نه، بلکه طغیان‌شان آنها را بر این کار جمع می‌کند (و وحدت عمل می‌دهد).

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ﴾ [الذاریات: ۵۴].

۵۴) پس - ای رسول - از این تکذیب کنندگان روی بگردان، که تو سزاوار نکوهش نیستی، چون آنچه را به‌سوی آنها رسالت یافتی به آنها رسانده‌ای.

﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الذاریات: ۵۵].

۵۵) ولی نباید رویگردانی تو از آنها تو را از پند و اندرز دادن آنها بازدارد، پس آنها را پند و اندرز بده، زیرا اندرز دادن به کسانی که به الله ایمان دارند سود می‌رساند.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: ۵۶].

۵۶) و جن و انس را نیافریدم جز برای عبادت من به یگانگی، و آنها را نیافریدم تا شریکی برایم قرار دهند.

﴿مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُونَ﴾ [الذاریات: ۵۷].

۵۷) و از آنها رزق و روزی نمی‌خواهم، و از آنها نمی‌خواهم که به من غذا بدهند.

﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ﴾ [الذاریات: ۵۸].

۵۸) زیرا الله خود روزی‌دهندهٔ بندگانش است، پس همگی به روزی او نیازمندند. ذات نیرومند استواری است که هیچ‌چیز بر او چیره نمی‌شود، و تمام جن‌ها و انسان‌ها در برابر نیروی او سبحانه فروتن هستند.

﴿فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ﴾ [الذاریات: ۵۹].

۵۹) پس - ای رسول - برای کسانی که با تکذیب تو بر خودشان ستم کرده‌اند سهمی از عذاب مانند سهم یاران قبلی آنها است، که این عذاب سررسید مشخصی دارد، پس نباید قبل از فرا رسیدن سررسید عذاب از من بخواهند که آن را به تعجیل اندازم.

﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ [الدّاریات: ۶۰].

❶ پس نابودی و تباهی باد بر کسانی که به الله کفر ورزیدند، و رسول‌شان را تکذیب کردند از روز قیامت که به فروفرستاده شدن عذاب بر آنها در آن روز وعده داده می‌شوند.

سوره الطُّور

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ابطال شبهات تکذیب کنندگان از طریق ارایه حجت‌ها و دلایل؛ برای واداشتن بر تسلیم و فرمان‌برداری.

تفسیر:

﴿وَالطُّور﴾ [الطور: ۱].

❶ الله به کوهی که بر روی آن با موسی عليه السلام سخن گفت سوگند یاد فرمود.

﴿وَكِتَابٍ مَّسْطُورٍ﴾ [الطور: ۲].

❷ و به کتابی که نوشته شده است سوگند یاد فرمود.

﴿فِي رَقٍ مَّنشُورٍ﴾ [الطور: ۳].

❸ در برگ‌های مفصل و سرگشاده مانند کتاب‌های نازل شده.

﴿وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾ [الطور: ۴].

❹ و به خانه‌ای که آن را فرشتگان در آسمان با عبادت الله آباد می‌کنند سوگند یاد فرمود.

﴿وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ﴾ [الطور: ۵].

❺ و به آسمان برافراشته شده که سقف زمین است سوگند یاد فرمود.

﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾ [الطور: ۶].

❻ و به دریای لبریز از آب سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ﴾ [الطور: ۷].

۷) که - ای رسول - عذاب پروردگارت به طور قطع و بدون تردید بر کافران واقع خواهد شد.

﴿مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ﴾ [الطور: ۸].

۸) (این عذاب) هیچ بازدارنده‌ای ندارد که آن را از آنها بازدارد، و آنها را در برابر وقوع آن محافظت کند.

﴿يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا﴾ [الطور: ۹].

۹) روزی که آسمان برای اعلام قیامت به شدت تکان می‌خورد و می‌لرزد.

﴿وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا﴾ [الطور: ۱۰].

۱۰) و کوه‌ها به شدت از جای خویش به حرکت درمی‌آیند.

﴿فَوَيْلٌ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [الطور: ۱۱].

۱۱) در آن روز برای تکذیب‌کنندگان عذابی که الله آن را به کافران وعده داده است نابودی و تباهی است.

﴿الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ﴾ [الطور: ۱۲].

۱۲) همان کسانی که باغوطه‌ور شدن در باطل سرگرم هستند، و به رستاخیز و زنده شدن مردگان در روز قیامت هیچ اهمیتی نمی‌دهند.

﴿يَوْمَ يُدْعُونَ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً﴾ [الطور: ۱۳].

۱۳) روزی که به شدت و زور به سوی آتش جهنم رانده می‌شوند.

﴿هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ﴾ [الطور: ۱۴].

۱۴) و از روی توییخ به آنها گفته می‌شود: این همان آتشی است که وقتی رسولان تان شما را از آن می‌ترساندند آن را تکذیب می‌کردید.

برخی فواید آیات:

- کفر، یک آیین واحد است هر چند وسایل مختلف و پیروان و مکان و زمان گوناگونی داشته باشد.
- گواهی الله برای رسولش ﷺ بر تبلیغ رسالت.
- حکمت آفرینش جن و انس تحقق عبادت الله با تمام مظاهرش است.
- در روز قیامت احوال هستی دگرگون خواهد شد.

﴿أَفْسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ [الطور: ۱۵].

﴿۱۵﴾ آیا این عذابی که دیدید سحر است؟! یا شما آن را نمی بینید!؟

﴿أَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْنكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

[الطور: ۱۶].

﴿۱۶﴾ گرمای این آتش را بجشید و از آن رنج ببرید، پس اگر در برابر رنج کشیدن از گرمای آن شکیبایی کنید، یا بر آن شکیبایی نکنید، شکیبایی و ناشکیبایی تان یکسان است، امروز مجازات نمی شوید مگر در قبال کفر و گناهی که در دنیا انجام می دادید.

الله پس از بیان جزای تکذیب کنندگان، جزای تصدیق کنندگان پرهیزگار را نیز ذکر کرد و فرمود:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ﴾ [الطور: ۱۷].

﴿۱۷﴾ به راستی کسانی که به خاطر پروردگارشان - با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی اش پرهیزکاری نموده اند - در بهشت ها و نعمت های زیادی هستند که پایان نمی یابد.

﴿فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ [الطور: ۱۸].

﴿۱۸﴾ از خوردنی ها و نوشیدنی ها و نکاح های خوشایند که الله به آنها عطا کرده بهره مند می شوند، و پروردگارشان سبحانه آنها را از عذاب جهنم محافظت کرده است؛ پس به سبب دستیابی به مطلوب خویش از خوشی ها و محافظت شدن از چیزی که از آن می ترسیدند رستگار شده اند.

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الطور: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و به آنها گفته می شود: به پاداش اعمال خوبتان در دنیا، از آنچه که نفس تان می خواهد گوارا بخورید، و از هیچ آسیب و آزاری بر اثر آنچه می خورید یا می نوشید نترسید.

﴿مُتَّكِئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ﴾ [الطور: ۲۰].

﴿۲۰﴾ بر تخت هایی آراسته که در کنار هم به ردیف قرار گرفته اند تکیه زده اند، و زانی سفید و درشت چشم را به ازدواج آنها درآورده ایم.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ﴾ [الطور: ۲۱].

۱۱) و کسانی که ایمان آورده‌اند و فرزندان‌شان در ایمان از آنها پیروی کرده‌اند، فرزندان‌شان را به آنها ملحق می‌کنیم تا چشمان‌شان به آنها روشن گردد، هر چند اعمال‌شان را کسب نکرده باشند، و ذره‌ای از پاداش اعمال‌شان نمی‌کاهیم، هر انسانی در گرو عمل بدی است که مرتکب شده و ذره‌ای از اعمالش را دیگری به جای او به دوش نمی‌کشد.

﴿وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ﴾ [الطور: ۲۲].

۱۲) و این بهشتیان را با میوه‌های گوناگون، و به هر نوع گوشتی که بخواهند کمک می‌کنیم.

﴿يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَعْوُ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمُ﴾ [الطور: ۲۳].

۱۳) در بهشت جامی را از یکدیگر می‌گیرند که نوشیدن آن مانند آنچه را در دنیا منجر به سخن باطل و گناه به سبب مستی می‌شد در پی ندارد.

﴿* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ﴾ [الطور: ۲۴].

۱۴) و پسرانی که برای خدمت آنها مطیع شده‌اند بر گردشان می‌گردند که در درخشندگی و سفیدی پوست‌شان گویی مروارید حفاظت‌شده در صدف‌های‌شان هستند.

﴿وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ [الطور: ۲۵].

۱۵) و برخی از بهشتیان به برخی دیگر روی می‌آورند، و از حال یکدیگر در دنیا می‌پرسند.

﴿قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ﴾ [الطور: ۲۶].

۱۶) آن‌گاه به آنها پاسخ می‌دهند: به‌راستی که ما در دنیا میان خانواده‌ خویش از عذاب الله می‌ترسیدیم.

﴿فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ﴾ [الطور: ۲۷].

۱۷) پس الله با هدایت به اسلام بر ما منت بخشید، و ما را از عذاب بی‌نهایت سوزان نجات داد.

﴿إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾ [الطور: ۲۸].

☉ به راستی که ما در زندگی دنیای خویش او را عبادت می کردیم، و از او می خواستیم که ما را در برابر آتش جهنم محافظت کند، و به تحقیق که او در وعده خویش بر بندگانش نیکوکار و راستگو، و نسبت به آنها بسیار مهربان است، و از نیکی و از مظاهر رحمت او تعالی این است که ما را به ایمان هدایت و وارد بهشت کرد، و از جهنم دور گرداند.

﴿فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ﴾ [الطور: ۲۹].

☉ پس - ای رسول - با قرآن اندرز بده؛ زیرا تو به سبب ایمان و عقلی که الله به تو ارزانی داشته است نه کاهنی پری خوان که با جن ها در ارتباط باشی هستی، و نه دیوانه ای هستی.

﴿أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ تَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ﴾ [الطور: ۳۰].

☉ یا این تکذیب کنندگان می گویند: محمد رسولی نیست، بلکه شاعری است که انتظار می بریم مرگ او را برآید، تا از او راحت شویم.

﴿قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ﴾ [الطور: ۳۱].

☉ - ای رسول - به آنها بگو: مرگم را انتظار برید، من نیز عذابی را انتظار می کشم که به سبب اینکه مرا تکذیب کردید به شما می رسد.

برخی فواید آیات:

- به هم رساندن پدران و پسران در بهشت در یک منزل هر چند عمل برخی از آنها کمتر باشد برای گرمی داشتن همگی آنها است تا شادی کامل گردد.
- نوشیدن شراب آخرت هیچ امر ناگواری در پی ندارد.
- هرکس در دنیا از پروردگارش بترسد الله او را در آخرت ایمن می گرداند.

﴿أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَخْلَامُهُمْ بِهِذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ﴾ [الطور: ۳۲].

﴿۳۲﴾ بلکه آیا عقل‌های‌شان آنها را به این سخن‌شان امر می‌کند که: او کاهن و دیوانه ای است؟! که آنچه را با یکدیگر جمع نمی‌شوند در یک شخص جمع می‌کنند، بلکه آنها مردمی متجاوز از حدود هستند، که نه به شرع رجوع می‌کنند و نه به عقل.

﴿أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الطور: ۳۳].

﴿۳۳﴾ یا می‌گویند: محمد این قرآن را ساخته است، و به او وحی نشده است؟! آن را نساخته است، بلکه آنها از ایمان به آن سر باز می‌زنند، و می‌گویند: آن را ساخته است.

﴿فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ [الطور: ۳۴].

﴿۳۴﴾ پس اگر در این ادعای‌تان که او قرآن را ساخته است راستگو هستید سخنی هر چند ساختگی مانند آن بیاورید.

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ﴾ [الطور: ۳۵].

﴿۳۵﴾ آیا بدون آفریدگاری آفریده شده‌اند؟! یا آنها خود آفریدگار خویش هستند؟! نه وجود مخلوق بدون خالق ممکن است، و نه وجود مخلوقی که خلق می‌کند. پس چرا آفریدگارش را عبادت نمی‌کنند؟!

﴿أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ﴾ [الطور: ۳۶].

﴿۳۶﴾ آیا آسمان‌ها و زمین را آنها آفریده‌اند؟! بلکه یقین ندارند که الله همان آفریدگارش است؛ زیرا اگر بر این امر یقین داشتند به‌طور قطع او را یگانه برمی‌شمردند، و به رسولانش ایمان می‌آوردند.

﴿أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُضَيِّطُونَ﴾ [الطور: ۳۷].

﴿۳۷﴾ آیا گنجینه‌های پروردگارت نزد آنها است. چه رزق و روزی که آن را به هرکس بخواهند می‌بخشند، و چه نبوت که آن را به هرکس بخواهند عطا می‌کنند و از هرکس بخواهند باز می‌دارند؟! آیا آنها بر حسب اراده‌شان مسلط و متصرف هستند؟!

﴿أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ﴾ [الطور: ۳۸].

﴿۳۸﴾ آیا آنها نردبانی دارند که با آن به‌سوی آسمان بالا می‌روند و در آن به وحی الله گوش فرا می‌دهند که وحی می‌کند آنها بر حق هستند؟! پس هر یک از آنها به آن

وحی گوش داده است باید حجتی روشن بیاورد که شما را در این امر که ادعا می کنید برحق هستید تصدیق کند.

﴿أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبُنُونَ﴾ [الطور: ۳۹].

۳۹ آیا دختران که آنها را نمی پسندید برای او سبحانه، و پسران که آنها را می پسندید برای شما است؟!

﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّن مَّعْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾ [الطور: ۴۰].

۴۰ - ای رسول - آیا در قبال آنچه از جانب پروردگارت بر آنها ابلاغ می کنی مزدی از آنها می خواهی؟ که به سبب این امر به حمل باری خارج از توان شان مکلف هستند.

﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ﴾ [الطور: ۴۱].

۴۱ یا علم غیب دارند و برای مردم آنچه را از غیبات باخبر می شوند می نویسند و آنها را از هرچه از امور غیبی که بخواهند باخبر می سازند.

﴿أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾ [الطور: ۴۲].

۴۲ یا این تکذیب کنندگان می خواهند به تو و دینت نیرنگ بزنند؟! پس به الله اعتماد کن؛ زیرا کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیده اند خودشان به نیرنگ گرفتار می شوند، نه تو.

﴿أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الطور: ۴۳].

۴۳ آیا آنها معبود برحق جز الله دارند؟! الله از شریکی که به او نسبت می دهند منزّه و پاک است. تمام مواردی که بیان شد هرگز نبوده، و در هیچ حالتی قابل تصور نیست.

﴿وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ﴾ [الطور: ۴۴].

۴۴ و اگر پاره ای از آسمان ببینند در مورد آن می گویند: طبق معمول این ابری متراکم است، در نتیجه از آن اندرز نمی گیرند، و ایمان نمی آورند.

﴿فَدَرَهُمْ حَتَّىٰ يَلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ﴾ [الطور: ۴۵].

۴۵ پس - ای رسول - آنها را در دشمنی و تکذیب شان واگذار تا روزی که در آن عذاب می شوند، یعنی روز قیامت را ملاقات کنند.

﴿يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ [الطور: ۴۶].

﴿۴۶﴾ روزی که نیرنگشان هیچ چیز نه کم نه زیاد آنها را بی نیاز نمی سازد، و برای نجات یافتن از عذاب یاری نمی شوند.

﴿وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [الطور: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و به راستی برای کسانی که با شرک و گناهان بر خودشان ستم کرده اند عذابی پیش از عذاب آخرت؛ با قتل و اسارت در دنیا، و عذاب قبر در برزخ است. اما بیشتر آنها این امر را نمی دانند، به همین سبب بر کفرشان باقی می ماندند. الله پس از بیان بطلان آنچه مشرکان بر آن هستند به رسولش فرمان داد که به آنها اهمیت ندهد، و در برابر تکذیبشان صبر کند:

﴿وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ﴾ [الطور: ۴۸].

﴿۴۸﴾ - و ای رسول - در برابر حکم پروردگارت و حکمت های شرعی آن شکیبایی کن، که تو در دیدگاه و حمایت ما هستی، و به ستایش پروردگارت آن گاه که از خواب برمی خیزی تسبیح بگو.

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ﴾ [الطور: ۴۹].

﴿۴۹﴾ و بخشی از شب، پروردگارت را تسبیح بگو، و برایش نماز بگزار، و نماز فجر را هنگامی برپا دار که ستارگان با غروب به سبب روشنایی روز، پشت می کنند.

برخی فواید آیات:

- طغیان یکی از اسباب گمراهی است.
- اهمیت جدال عقلی در اثبات حقایق دین.
- ثبوت عذاب برزخ.

سوره النَّجْم

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان راستی وحی و بزرگی منبع آن، برای اثبات عقیده توحید، و ابطال عقیده شرک.

تفسیر:

﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ﴾ [النجم: ۱].

۱) الله سبحانه به ستاره، آن گاه که فرود آید سوگند یاد فرمود.

﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ﴾ [النجم: ۲].

۲) که محمد رسول الله ﷺ از راه هدایت منحرف نشده، و نادان نگشته است، بلکه عاقل و دانا است.

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ﴾ [النجم: ۳].

۳) و از سر هوس به این قرآن سخن نمی گوید.

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ [النجم: ۴].

۴) این قرآن جز وحیی که الله آن را از طریق جبرئیل عليه السلام به او وحی می کند نیست.

﴿عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ﴾ [النجم: ۵].

۵) فرشته‌ای بسیار نیرومند یعنی جبرئیل عليه السلام آن را به او آموخت.

﴿ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ﴾ [النجم: ۶].

۶) و جبرئیل عليه السلام ظاهری زیبا دارد، و بر ظاهری که الله او را بر آن آفریده است آشکارا در برابر پیامبر ﷺ ایستاد.

﴿وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ﴾ [النجم: ۷].

۷) درحالی که جبرئیل عليه السلام در افق برتر آسمان بود.

﴿ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى﴾ [النجم: ۸].

﴿۸﴾ آن گاه جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک، و نزدیک تر شد.

﴿فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ [النجم: ۹].

﴿۹﴾ تا جایی که نزدیکی او به پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه دو کمان یا کمتر رسید.

﴿فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ﴾ [النجم: ۱۰].

﴿۱۰﴾ آن گاه جبرئیل علیه السلام آنچه را باید وحی می کرد به بنده الله محمد صلی الله علیه و آله وحی کرد.

﴿مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى﴾ [النجم: ۱۱].

﴿۱۱﴾ قلب محمد صلی الله علیه و آله آنچه را که چشمش دید تکذیب نکرد.

﴿أَفْتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَى﴾ [النجم: ۱۲].

﴿۱۲﴾ پس - ای مشرکان - آیا در آنچه الله در شبی که او را حرکت داد با او مجادله می کنید؟!

﴿وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى﴾ [النجم: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و به تحقیق که محمد صلی الله علیه و آله جبرئیل علیه السلام را بر صورتش باری دیگر در شبی که حرکت داده شد (شب اسراء) دیده است.

﴿عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى﴾ [النجم: ۱۴].

﴿۱۴﴾ کنار سدره المنتهی که درختی بسیار بزرگ در آسمان هفتم است.

﴿عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى﴾ [النجم: ۱۵].

﴿۱۵﴾ جنة المأوی در کنار این درخت است.

﴿إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى﴾ [النجم: ۱۶].

﴿۱۶﴾ آن گاه که چیزهای زیادی سدره را پوشانده بود، که فقط الله از گنه آن آگاه است.

﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى﴾ [النجم: ۱۷].

﴿۱۷﴾ چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به راست و چپ منحرف نشد، و از حدی که برایش مشخص شده بود نگذشت.

﴿لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى﴾ [النجم: ۱۸].

① به تحقیق که محمد ﷺ در شبی که به معراج برده شد برخی آیات بزرگ پروردگارش را که بر قدرت او تعالی دلالت دارند دید، یعنی بهشت، جهنم، و غیر این دو را دید.

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّى﴾ [النجم: ۱۹].

② پس - ای مشرکان - به من خبر دهید این بت‌هایی را که به جای الله عبادت می‌کنید: لات و عزی.

﴿وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى﴾ [النجم: ۲۰].

③ و منات، سومین بت دیگرتان؛ به من خبر دهید که آیا مالک نفع یا زیانی برای تان هستند؟!

﴿أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى﴾ [النجم: ۲۱].

④ - ای مشرکان - آیا پسر که آن را می‌پسندید برای شماست، و دختر که آن را نمی‌پسندید برای او سبحانه است؟!

﴿تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَى﴾ [النجم: ۲۲].

⑤ این تقسیم که از سر هوس آن را انجام دادید تقسیمی ستمکارانه است.

﴿إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَأَبَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى﴾ [النجم: ۲۳].

⑥ این بت‌ها جز نام‌هایی بدون معنا نیستند، که هیچ سهمی در صفات الوهیت ندارند، و شما و پدران تان از جانب خویش آنها را نامگذاری کرده‌اید، و الله هیچ برهانی بر آنها نفرستاده است، مشرکان در اعتقاد خویش پیروی نمی‌کنند مگر از ظن و آنچه نفس‌شان می‌خواهد و شیطان در دل‌های‌شان آراسته است. و به تحقیق که هدایت از جانب پروردگارش بر زبان پیامبر او برای‌شان آمده است، اما به آن راه نیافتند.

﴿أَمْ لِلإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى﴾ [النجم: ۲۴].

⑦ آیا انسان آنچه را از شفاعت بت‌ها نزد الله آرزو کند دارد؟!

﴿فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى﴾ [النجم: ۲۵].

❶ خیر، آنچه آرزو کند برایش نیست، زیرا آخرت و دنیا فقط برای الله است، که از این دو آنچه را بخواهد عطا می کند و آنچه را بخواهد باز می دارد.

﴿* وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مَن بَعَدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ وَيَرْضَى﴾ [النجم: ۲۶].

❷ و چه بسیار فرشتگانی که در آسمانها هستند و شفاعتشان ذره‌ای بی نیاز نمی سازد اگر بخواهند برای کسی شفاعت کنند مگر پس از اینکه الله به هر یک از آنها که بخواهد اجازه شفاعت دهد، و از کسی که برایش شفاعت می شود راضی باشد. پس الله برای کسی که شریکی برای او تعالی قرار داده اجازه نمی دهد که شفاعت کند، و هرگز از شفاعت شده‌ای که او را به جای الله عبادت می کند راضی نخواهد شد.

برخی فواید آیات:

- کمال ادب پیامبر ﷺ چون با وجود اینکه در آسمان هفتم بود چشمش را منحرف نکرد.
- نادانی مشرکان چون چیزی را که زیان و منفعت نمی رساند عبادت کردند، و آنچه را نمی پسندیدند به الله نسبت دادند، و آنچه را می پسندیدند برای خودشان برگزیدند.
- شفاعت واقع نمی شود مگر به دو شرط: دادن اذن به شفاعت کننده، و رضایت از کسی که برایش شفاعت می شود.

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى﴾ [النجم: ۲۷].

﴿۲۷﴾ کسانی که به رستاخیز در سرای آخرت ایمان ندارند به طور قطع فرشتگان را به اعتقاد اینکه آنها دختران الله هستند به نام‌های زنان نامگذاری می‌کنند، الله از این سخن‌شان بسیار برتر است.

﴿وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾ [النجم: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و در نامگذاری فرشتگان به نام‌های زنان، هیچ دانشی ندارند که به آن استناد کنند، و در این امر جز از افترا بستن و گمان پیروی نمی‌کنند، و به‌راستی که گمان ذره‌ای از حق بی‌نیاز نمی‌سازد تا به جای آن بنشیند.

﴿فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ [النجم: ۲۹].

﴿۲۹﴾ پس - ای رسول - از کسی که به یاد الله پشت کرده و اهمیتی به آن نمی‌دهد، و جز زندگی دنیا نمی‌خواهد روی بگردان؛ زیرا او برای آخرت خویش عمل نمی‌کند؛ چون به آن ایمان ندارد.

﴿ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى﴾ [النجم: ۳۰].

﴿۳۰﴾ این سخن - یعنی نامیدن فرشتگان به نام زنان - که مشرکان آن را می‌گویند اوج دانش آنها است؛ چون نادان هستند، و به یقین نرسیده‌اند، - ای رسول - همانا پروردگار تو به کسی که از راه حق منحرف شده، و به کسی که به راه حق هدایت یافته، آگاه‌تر است، و ذره‌ای از این امر بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ [النجم: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و فرمانروایی و آفرینش و تدبیر تمام آنچه در آسمان‌ها و در زمین است فقط از آن الله است، تا کسانی را که اعمال بد در دنیا مرتکب شده‌اند به عذابی که سزاوارش هستند مجازات کند، و مؤمنان را که اعمال نیک انجام داده‌اند به بهشت پاداش دهد.

﴿الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى﴾ [النجم: ۳۲].

﴿۳۲﴾ همان کسانی که از گناهان کبیره، و معصیت‌های زشت جز گناهان صغیره دوری می‌کنند. گناهان صغیره با ترک گناهان کبیره، و افزودن بر طاعات بخشیده می‌شوند. - ای رسول - به‌راستی که پروردگار تو دارای آموزش گسترده است، که گناهانِ بندگان را آن‌گاه که توبه کنند می‌بخشد. او سبحانه به احوال و امور شما آگاه‌تر است آن‌گاه که پدران آدم علیهم‌السلام را از خاک آفرید، و آن‌گاه که باری در شکم‌های مادران‌تان بودید و مرحله به مرحله آفریده می‌شدید، ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند. پس خودتان را با توصیف به پرهیزگاری نستابید؛ زیرا او سبحانه نسبت به کسی که با اجرای اوامر، و اجتناب از نواهی‌اش تقوای او را پیشه کرده است داناتر است.

﴿أَفَرَأَيْتِ الَّتِي تَوَلَّى﴾ [النجم: ۳۳].

﴿۳۳﴾ پس آیا زشتی حال کسی را که بعد از اینکه اسلام به او نزدیک شد از آن روی گرداند دیدی؟

﴿وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى﴾ [النجم: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و اندکی از مال بخشید سپس خودداری کرد؛ زیرا بخل، خلق و خوی او است، و با این وجود خودش را پاک می‌شمارد.

﴿أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى﴾ [النجم: ۳۵].

﴿۳۵﴾ آیا علم غیب نزد او است که غیب را می‌بیند و به آن سخن می‌گوید؟!

﴿أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى﴾ [النجم: ۳۶].

﴿۳۶﴾ یا اینکه بر الله دروغ می‌بندد؟! یا این افترا زنده بر الله به آنچه در صحیفه‌های نخستین که الله آنها را بر موسی علیه‌السلام نازل کرده خبر نیافته است؟

﴿وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى﴾ [النجم: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و صحیفه‌های ابراهیم علیه‌السلام که تمام آنچه را که پروردگارش او را به آن مکلف کرد برپا داشت و کامل کرد.

﴿أَلَا تَنْزِرُ وَازِرَةً وِزْرَ أُخْرَى﴾ [النجم: ۳۸].

﴿۳۸﴾ که هیچ انسانی گناه دیگری را بر نمی‌دارد.

﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ [النجم: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و اینکه برای انسان جز پاداش عمل خودش که آن را انجام داده، نیست.

﴿وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى﴾ [النجم: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و اینکه عملش در روز قیامت آشکارا دیده خواهد شد.

﴿ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى﴾ [النجم: ۴۱].

﴿۴۱﴾ آن‌گاه جزای عملش به صورت کامل و بدون کاستی به او داده می‌شود.

﴿وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى﴾ [النجم: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و اینکه - ای رسول - سرانجام و بازگشت بندگان پس از مرگشان به سوی پروردگار توست.

﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَكَ وَأَبْكَى﴾ [النجم: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و او ذاتی است که هرکس را بخواد شاد می‌گرداند و می‌خنداند، و هرکس را بخواد غمگین می‌سازد و می‌گریاند.

﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا﴾ [النجم: ۴۴].

﴿۴۴﴾ و او ذاتی است که زندگان را در دنیا می‌میراند، و مردگان را با رستاخیز زنده می‌گرداند.

برخی فواید آیات:

- تقسیم‌بندی گناهان به گناهان کبیره و صغیره.
- خطر زیاد دروغ گفتن از جانب الله بدون هیچ دانشی.
- نهی از تزکیهٔ نفس.

﴿وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ [النجم: ۴۵].

۵۵ و اینکه او تعالی دو گونه: نر و ماده را آفرید.

﴿مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى﴾ [النجم: ۴۶].

۵۶ از نطفه‌ای آن گاه که در رحم قرار می‌گیرد.

﴿وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى﴾ [النجم: ۴۷].

۵۷ و اینکه بازگرداندن آفرینش این دو پس از مرگشان برای رستاخیز برعهده او است.

﴿وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَىٰ وَأَقْنَىٰ﴾ [النجم: ۴۸].

۵۸ و او ذاتی است که هر یک از بندگان را که خواست با تملیک مال بی‌نیاز ساخت، و از مال، آنچه را که مردم آن را پس‌انداز می‌کنند بخشید.

﴿وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ﴾ [النجم: ۴۹].

۴۹ اینکه او همان پروردگار ستاره‌شعری است که برخی مشرکان آن را همراه الله عبادت می‌کنند.

﴿وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ﴾ [النجم: ۵۰].

۵۰ و او ذاتی است که عادیان نخستین را نابود کرد؛ یعنی قوم هود آن گاه که بر کفرشان پافشاری کردند.

﴿وَتَمُودَ فَمَا أَبْقَىٰ﴾ [النجم: ۵۱].

۵۱ و تمودیان قوم صالح را نابود کرد؛ به‌گونه‌ای که حتی یکی از آنها را باقی نگذاشت.

﴿وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ﴾ [النجم: ۵۲].

۵۲ و پیش از عاد و ثمود، قوم نوح را نابود کرد. به‌راستی که قوم نوح از عاد و ثمود ستمکارتر و سرکش‌تر بودند؛ چون نوح علیه السلام نهصد و پنجاه سال درحالی که آنها را به توحید الله فرامی‌خواند در میان‌شان ماند، اما دعوتش را نپذیرفتند.

﴿وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ﴾ [النجم: ۵۳].

۵۳ و شهرهای قوم لوط را به آسمان بالا برد، و زیر و رو کرد، سپس آنها را بر زمین فرو افکند.

﴿فَعَشَاهَا مَا غَشَى﴾ [النجم: ۵۴].

﴿۵۴﴾ و پس از بالا بردن آنها به آسمان و فرو افکندن شان بر زمین، آنچه را می بایست آنها را از سنگ‌ها پوشاند و بر آن کوبید.

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى﴾ [النجم: ۵۵].

﴿۵۵﴾ پس ای انسان، به کدام یک از آیات پروردگارت که بر قدرت او دلالت دارند جدال می کنی و از آن پند نمی گیری؟!

﴿هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَى﴾ [النجم: ۵۶].

﴿۵۶﴾ این رسول فرستاده شده به سوی شما از جنس رسولان نخستین است.

﴿أَزِفَتْ الْآزِفَةَ﴾ [النجم: ۵۷].

﴿۵۷﴾ قیامت بسیار نزدیک شده است.

﴿لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ﴾ [النجم: ۵۸].

﴿۵۸﴾ جز الله هیچ بازدارنده‌ای ندارد که آن را بازگرداند، و جز الله هیچ کس نیست که بر آن اطلاع یابد.

﴿أَفَمِن هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجَّبُونَ﴾ [النجم: ۵۹].

﴿۵۹﴾ پس آیا از این قرآن که بر شما خوانده می شود تعجب می کنید که از جانب الله باشد؟!

﴿وَتَضَحَّكُونَ وَلَا تَبْكُونَ﴾ [النجم: ۶۰].

﴿۶۰﴾ و از روی تمسخر بر آن می خندید، و هنگام شنیدن اندرزهایش نمی گریید؟!

﴿وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ﴾ [النجم: ۶۱].

﴿۶۱﴾ درحالی که از آن غافل هستید، و به آن اهمیت نمی دهید؟!

﴿فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَعَبُدُوا*﴾ [النجم: ۶۲].

﴿۶۲﴾ پس فقط برای الله سجده کنید، و عبادت را برای او خالص گردانید.

سوره القمر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

یادآوری آیات و اندازها، و بیان مقصد تکذیب کنندگان آنها؛ به همین منظور آیه ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ «و یقیناً ما قرآن را برای تذکر آسان نمودیم، پس آیا کسی هست که متذکر شود؟!» در سوره تکرار شده است.

تفسیر:

﴿أَقْرَبَتْ السَّاعَةُ وَالْقَمَرَ﴾ [القمر: ۱].

① آمدن قیامت نزدیک شد، و ماه در عهد پیامبر ﷺ شکافت. شکافته شدن ماه از آیات حسی پیامبر ﷺ بود.

﴿وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ﴾ [القمر: ۲].

② و اگر مشرکان دلیل و برهانی بر راستگویی پیامبر ﷺ ببینند از پذیرش آن روی می گردانند، و می گویند: دلایل و براهینی که مشاهده کردیم سحری باطل است.

﴿وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أُمَّرٍ مُسْتَقِرٌّ﴾ [القمر: ۳].

③ و حقیقتی را که نزدشان آمد تکذیب کردند، و در این امر از هوس‌های‌شان پیروی کردند، و هر امری - خیر باشد یا شر - در روز قیامت بر مستحق خویش واقع می‌شود.

﴿وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ﴾ [القمر: ۴].

④ و به تحقیق از اخبار امت‌هایی که الله آنها را به سبب کفر و ستم‌شان نابود کرد آنچه برای بازداشتن آنها از کفر و ستم‌شان کافی است به آنها رسیده است.

﴿حِكْمَةٌ بِالْعِغَّةِ فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ﴾ [القمر: ۵].

⑤ و آنچه برای‌شان آمد حکمتی کامل است تا حجت بر آنها اقامه شود، اما اندازها به مردمی که به الله و به روز قیامت ایمان ندارند، سود نمی‌رساند.

﴿فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ﴾ [القمر: ۶].

پس - ای رسول - حال که هدایت نشدند آنها را رها کن و از آنها روی گردان؛ در انتظار روزی که فرشتهٔ موظف به دمیدن در صور به سوی امری هولناک که مخلوقات از پیش مانند آن را نشناخته‌اند فرا می‌خواند.

برخی فواید آیات:

- عدم تأثیرپذیری از قرآن، یک هشدار فاجعه‌آمیز است.
- خطر پیروی از هوس بر نفس در دنیا و آخرت.
- عدم پندپذیری از نابودی امت‌ها، یکی از صفات کافران است.

﴿خُشَعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ﴾ [القمر: ۷].

﴿۷﴾ با چشمان خوار و ذلیل [و به زیر افتاده]، از قبرهایشان خارج می‌شوند، در دویدن به سوی جایگاه حسابرسی، گویی ملخ‌هایی پراکنده هستند.

﴿مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ﴾ [القمر: ۸].

﴿۸﴾ نزد داعی به سوی آن جایگاه می‌شتابند، کافران می‌گویند: امروز به سبب سختی و ترس‌هایی که دارد روزی دشوار است.

الله پس از بیان رویگردانی کافران از دعوت رسولان، به خاطر تسکین رسول ﷺ برای خبر داد که امت‌های پیشین نیز رسولان‌شان را تکذیب کردند، و فرمود:

﴿كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ﴾ [القمر: ۹].

﴿۹﴾ - ای رسول - پیش از این‌های که دعوت تو را تکذیب کردند، قوم نوح بنده ما نوح ﷺ را آن‌گاه که او را به سوی آنها فرستادیم تکذیب کردند، و در مورد او گفتند: دیوانه‌ای است، و چون از دعوت آنها دست نکشید با انواع ناسزاگویی و دشنام و تهدید او را از خود راندند.

﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ﴾ [القمر: ۱۰].

﴿۱۰﴾ پس نوح ﷺ این‌گونه پروردگارش را خواند: به راستی که قومم بر من چیره شدند، و دعوتم را نپذیرفتند، پس با عذابی که بر آنها فرو می‌فرستی مرا یاری کن.

﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ﴾ [القمر: ۱۱].

﴿۱۱﴾ آن‌گاه درهای آسمان را به آبی فراوان و پیایی گشودیم.

﴿وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾ [القمر: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و زمین را جوشانیدیم تا به چشمه‌هایی جوشان از آب تبدیل شد، آن‌گاه به امری از جانب الله که آن را در ازل مقدر کرده بود آب نازل شده از آسمان به آب جوشیده از زمین پیوست، و همگی را غرق کرد جز کسانی که الله آن‌ها را نجات داد.

﴿وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَّاجِ وَدُسُرٍ﴾ [القمر: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و نوح ﷺ را بر کشتی‌ای دارای تخته‌ها و میخ‌ها سوار کردیم، و او و همراهانش را از غرق شدن نجات دادیم.

﴿تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاء لِّمَن كَانَ كُفِرًا﴾ [القمر: ۱۴].

﴿۱۴﴾ برای یاری نوح عليه السلام که قومش او را تکذیب کردند، و به آنچه از جانب الله برای شان آورد کفر ورزیدند، این کشتی در امواج متلاطم آب زیر نظر و حفاظت ما حرکت می‌کرد.

﴿وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِن مَّدَكِرٍ﴾ [القمر: ۱۵].

﴿۱۵﴾ و در حقیقت این کیفر که آنها را با آن عذاب کردیم، به عنوان پند و اندرزی باقی گذاشتیم. پس آیا پند گیرنده‌ای هست که از آن پند گیرد؟!

﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ﴾ [القمر: ۱۶].

﴿۱۶﴾ پس عذاب من بر تکذیب کنندگان چگونه بود؟! و اِنذارم برای نابود کردن آنها توسط من چگونه بود؟!

﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّذَكِّرٍ﴾ [القمر: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و به تحقیق که قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن آسان کرده‌ایم. پس آیا کسی هست که از پندها و اندرزهای موجود در آن پند بگیرد؟!

﴿كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ﴾ [القمر: ۱۸].

﴿۱۸﴾ عاد پیامبرش هود عليه السلام را تکذیب کرد. پس - ای اهالی مکه - بیندیشید که عذاب من بر آنها چگونه بود؟! و اِنذار من از عذاب آنها برای دیگران چگونه بود؟!

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ﴾ [القمر: ۱۹].

﴿۱۹﴾ به‌راستی که ما بادی بسیار سرد در روزی سخت و منحوس که تا ورود آنها به جهنم همراهشان بود بر آنها فرستادیم.

﴿تَنْزِيلُ النَّاسِ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْفَعِرٍ﴾ [القمر: ۲۰].

﴿۲۰﴾ که مردم را از زمین برمی‌کند، و آنها را بر سرهای‌شان می‌افکند، گویی تنه‌های درختان خرمایی هستند که از محل خود کنده شده بودند.

﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ﴾ [القمر: ۲۱].

﴿۲۱﴾ پس - ای اهالی مکه - بیندیشید که عذاب من برای آنها چگونه بود؟! و اِنذار من از عذاب آنها برای دیگران چگونه بود؟!

﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ [القمر: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و به تحقیق که قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن آسان کرده ایم. پس آیا کسی هست که از پندها و اندرزهای موجود در آن پند بگیرد؟!

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالتَّنْذُرِ﴾ [القمر: ۲۳].

﴿۲۳﴾ ثمود آنچه را رسول‌شان صالح علیه السلام آنها را با آن اِنذار داد تکذیب کردند.

﴿فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾ [القمر: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و از روی انکار گفتند: آیا تنها یک انسان از جنس خودمان را پیروی کنیم؟! اگر در این حالت از او پیروی کنیم به طور قطع در دوری و انحراف از حق، و در رنج خواهیم بود.

﴿أُولَئِكَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشِرٌ﴾ [القمر: ۲۵].

﴿۲۵﴾ آیا وحی فقط بر او که یک نفر است نازل شده است، و از میان همگی ما فقط به او اختصاص داده شده است؟! نه، بلکه او دروغگویی مغرور است.

﴿سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِنَ الْكَذَّابِ الْأَشِرِّ﴾ [القمر: ۲۶].

﴿۲۶﴾ در روز قیامت خواهند دانست که دروغگوی مغرور کیست. آیا صالح علیه السلام است یا آنها؟

﴿إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَأَصْطَبِرْ﴾ [القمر: ۲۷].

﴿۲۷﴾ به راستی که ما ماده شتر را برای آزمایش آنها از صخره در آوردیم و فرستادیم، پس - ای صالح - منتظر و مراقب باش که چه کاری با آن انجام می‌دهند، و چه کاری با آنها انجام می‌شود، و در برابر آزارهای‌شان شکیبایی کن.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت دعا علیه کافرِ اصرارکننده بر کفر.
- نابود کردن تکذیب کنندگان و نجات دادن مؤمنان، سنتی الهی است.
- آسان‌سازی قرآن برای حفظ و یادآوری و پندگیری.

﴿وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلٌّ شِرْبٍ مُّحْتَضِرٍ﴾ [القمر: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و به آنها خبر بده که آب چاهشان میان آنها و این ماده‌شتر تقسیم شده است؛ روزی برای آن، و روزی برای آنها، در هر سهمی فقط صاحب آن در روزی که برایش اختصاص داده شده است حضور می‌یابد.

﴿فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ﴾ [القمر: ۲۹].

﴿۲۹﴾ پس رفیقشان را صدا زدند تا ماده‌شتر را بکشد، و او برای اجرای فرمان قومش شمشیر را کشید و آن را گشت.

﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ﴾ [القمر: ۳۰].

﴿۳۰﴾ پس - ای اهالی مکه - بیندیشید که عذاب من بر آنها چگونه بود؟! و انذار من از عذاب آنها برای دیگران چگونه بود؟!.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ﴾ [القمر: ۳۱].

﴿۳۱﴾ در حقیقت ما یک فریاد بر آنها فرستادیم که آنها را نابود کرد، به‌ناگاه مانند درخت خشکی شدند که چوپان حصارى برای گوسفندان خویش از آن می‌سازد.

﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ [القمر: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و به تحقیق که قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن آسان کرده‌ایم. پس آیا کسی هست که از پندها و اندرزهای موجود در آن پند بگیرد؟!.

﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالَّذُنُورِ﴾ [القمر: ۳۳].

﴿۳۳﴾ قوم لوط آنچه را رسول‌شان لوط عليه السلام آنها را با آن انذار داد تکذیب کردند.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ﴾ [القمر: ۳۴].

﴿۳۴﴾ به‌راستی ما بادی بر آنها فرستادیم که سنگ‌ها را بر آنها می‌افکند، جز خانواده لوط عليه السلام، که عذاب به آنها نرسید، و آنها را از آن نجات دادیم؛ چون قبل از وقوع عذاب در آخر شب آنها را حرکت دادیم.

﴿نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ﴾ [القمر: ۳۵].

﴿۳۵﴾ به احسانی از جانب خویش آنها را از عذاب نجات دادیم، مانند این پاداش که به لوط عليه السلام دادیم به هرکس از الله در قبال نعمت‌هایش سپاسگزاری کند پاداش می

دهیم.

﴿وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ﴾ [القمر: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و به تحقیق که لوط علیه السلام آنها را از عذاب ما ترساند اما در انذار او به جدال پرداختند، و او را تکذیب کردند.

﴿وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ صَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ﴾ [القمر: ۳۷].

﴿۳۷﴾ و به تحقیق که قوم لوط به قصد انجام فاحشه از او خواستند که آنها را با مهمانانش تنها بگذارد، پس چشمانشان را پوشانیدیم که آنها را ندیدند، و به آنها گفتیم: عذاب من، و نتیجه انذارم به شما را بچشید.

﴿وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقِرٌّ﴾ [القمر: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و به تحقیق که صبحگاه، عذابی بی وقفه، قوط لوط را فرا گرفت تا اینکه وارد آخرت شدند و عذاب آخرت آنها را فرا گرفت.

﴿فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ﴾ [القمر: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و به آنها گفته شد: عذاب من را که آن را بر شما فرو فرستادم، و نتیجه انذار لوط علیه السلام به شما را بچشید.

﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ [القمر: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و به تحقیق که قرآن را برای یادآوری و پند گرفتن آسان کرده ایم. پس آیا کسی هست که از پندها و اندرزهای موجود در آن پند بگیرد؟!

﴿وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرِ﴾ [القمر: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و به تحقیق که انذار ما بر زبان موسی و هارون علیهما السلام به فرعون و فرعونیان رسید.

﴿كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ﴾ [القمر: ۴۲].

﴿۴۲﴾ حجت‌ها و دلایلی را که از جانب ما برای‌شان آمد تکذیب کردند، پس آنها را به کیفر ذات شکست ناپذیر که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و ذات بسیار توانایی که از هیچ چیزی ناتوان نیست، آنها را در قبال اینکه این حجت‌ها و دلایل را تکذیب کردند کیفر دادیم.

﴿أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلِيِّكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ﴾ [القمر: ۴۳].

﴿۴۳﴾ - ای اهالی مکه - آیا کافران شما از آن کافران مذکور برتر هستند: قوم نوح و

عاد و ثمود و قوم لوط و فرعون و قومش؟! یا امان‌نامه‌ای از عذاب الله دارید که کتاب‌های آسمانی آن را آورده‌اند؟!

﴿أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ﴾ [القمر: ۴۴].

﴿۴۴﴾ بلکه آیا این کافران ساکن مکه می‌گویند: ما جمعیتی هستیم که در برابر هرکس بخواهد آسیبی به ما برساند، و اتحاد ما را بر هم زنده به یکدیگر یاری می‌رسانیم؟!

﴿سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرُ﴾ [القمر: ۴۵].

﴿۴۵﴾ به زودی جمع این کافران در هم خواهد شکست و در برابر مؤمنان پشت خواهند کرد. این امر در روز بدر رخ داد.

﴿بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَىٰ وَأَمْرٌ﴾ [القمر: ۴۶].

﴿۴۶﴾ بلکه قیامت که آن را تکذیب می‌کنند همان موعدهشان است که در آن عذاب می‌شوند، و قیامت بزرگتر و سخت‌تر است از عذابی که روز بدر در دنیا با آن روبرو شدند.

﴿إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ﴾ [القمر: ۴۷].

﴿۴۷﴾ به راستی که مجرمان به سبب کفر و گناهان در گمراهی از حق، و عذاب و رنج هستند.

﴿يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ﴾ [القمر: ۴۸].

﴿۴۸﴾ روزی که بر صورت‌های‌شان در آتش کشیده می‌شوند، و از روی توییخ به آنها گفته می‌شود: عذاب جهنم را بچشید.

﴿إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾ [القمر: ۴۹].

﴿۴۹﴾ به راستی که ما هر چیزی را در هستی به تقدیر ازلی، و براساس علم و اراده خویش، و طبق آنچه در لوح محفوظ نوشته‌ایم آفریده‌ایم.

برخی فواید آیات:

- عذاب، هم شخص انجام دهنده جرم را دربرمی‌گیرد و هم کسانی را که در این جرم به او یاری می‌رسانند.
- شکر الله بر نعمت‌هایش، سبب نجات از عذاب است.
- خبردادن قرآن از شکست مشرکان در روز بدر قبل از وقوع آن، از جمله اخبار غیبی است که بر راستگویی قرآن دلالت دارند.
- وجوب ایمان به قدر.

﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ﴾ [القمر: ۵۰].

﴿۵۰﴾ و فرمان ما وقتی چیزی را اراده کنیم نیست جز اینکه یک کلمه می‌گوییم و آن: کُن (باش) است، به‌ناگاه آنچه که می‌خواستیم در چشم به‌هم زدنی، به سرعت موجود می‌شود.

﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ [القمر: ۵۱].

﴿۵۱﴾ و به تحقیق که از امت‌های گذشته امثال شما در کفر را نابود کرده‌ایم. پس آیا پندگیرنده‌ای هست که از این امر پند بگیرد و از کفرش دست بکشد؟!

﴿وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾ [القمر: ۵۲].

﴿۵۲﴾ و هر عملی را که بندگان انجام دادند در نامه‌های اعمالشان توسط فرشتگان نگهبان نوشته شده و هیچ چیز از آن را از قلم نمی‌اندازند.

﴿وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ﴾ [القمر: ۵۳].

﴿۵۳﴾ و تمام اعمال و اقوال کوچک و بزرگ؛ در نامه‌های اعمال، و در لوح محفوظ مکتوب است، و در قبال آن جزا داده خواهند شد.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ﴾ [القمر: ۵۴].

﴿۵۴﴾ به‌راستی آنها که به‌خاطر پروردگارشان با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌اش پرهیزکاری نموده‌اند، در بهشت‌هایی که در آن از نعمت‌ها و رفاه برخوردار می‌شوند، و در رودهایی جاری قرار دارند.

﴿فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ [القمر: ۵۵].

﴿۵۵﴾ در مجلس راستینی که هیچ لغو و گناهی در آن نیست، نزد پادشاهی که مالک همه‌چیز است، و ذات توانایی که هیچ کاری او را ناتوان نمی‌سازد. پس، از نعمت‌های جاویدانی که از جانب او به آنها می‌رسد مپرس.

سوره الرحمن

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار نعمت‌های آشکار و آثار رحمت نمایان او تعالی در دنیا و آخرت، برای تشویق به ایمان و برحذر داشتن از ناسپاسی.

تفسیر:

﴿الرَّحْمَنُ﴾ [الرحمن: ۱].

① اللّهِ رحمان (دارای رحمت گسترده).

﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾ [الرحمن: ۲].

② قرآن را با ساده کردن حفظ آن، و آسان‌سازی فهم معانی‌اش به انسان آموخت.

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ﴾ [الرحمن: ۳].

③ و انسان را درست‌اندام، و با تصویری نیکو آفرید.

﴿عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ [الرحمن: ۴].

④ به او آموخت که چگونه آنچه را در ضمیر خویش دارد با گفتن و نوشتن بیان کند.

﴿الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ﴾ [الرحمن: ۵].

⑤ خورشید و ماه را اندازه کرد؛ که به حساب پایداری حرکت می‌کنند؛ تا مردم شمار سال‌ها و حساب را بدانند.

﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾ [الرحمن: ۶].

⑥ و گیاهان بدون ساقه و درخت، برای الله سبحانه درحالی که فرمانبر و تسلیم او هستند سجده می‌کنند.

﴿وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ﴾ [الرحمن: ۷].

⑦ و آسمان را سقفی برای زمین بر فراز آن بالا برد، و عدالت را در زمین استوار کرد، و بندگان را به آن فرمان داد.

﴿أَلَا تَطْعَمُوا فِي الْمِيزَانِ﴾ [الرحمن: ۸].

⑧ عدالت را استوار کرد تا - ای مردم - ستم روا ندارید و در وزن و پیمانۀ خیانت نکنید.

﴿وَأَقِيمُوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾ [الرحمن: ۹].

⑨ و وزن را میان یکدیگر به انصاف برپا دارید، و هرگاه برای دیگران پیمانۀ یا وزن می‌کنید از وزن و پیمانۀ نگاهید.

﴿وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ [الرحمن: ۱۰].

⑩ و زمین را برای آرام گرفتن مخلوقات بر روی آن آماده ساخت.

﴿فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ﴾ [الرحمن: ۱۱].

⑪ در آن درختانی است که میوه‌های گوناگونی ثمر می‌دهند، و نخل‌های دارای غلاف‌های شکوفه که خرما در آن است.

﴿وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ﴾ [الرحمن: ۱۲].

⑫ و در آن دانه‌هایی دارای کاه مانند گندم و جو، و گیاهانی که از بوی آن خود را خوشبو می‌کنید، وجود دارد.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۱۳].

⑬ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ﴾ [الرحمن: ۱۴].

⑭ آدم عليه السلام را از گلی خشک که صدایی طنین‌دار مانند گِل پخته‌شده از آن شنیده می‌شود آفرید.

﴿وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ﴾ [الرحمن: ۱۵].

⑮ و پدر جنیان را از زبانه خالصی از دود آفرید.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۱۶].

⑯ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ [الرحمن: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پروردگار دو مشرق و دو مغرب خورشید در زمستان و تابستان.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۱۸].

﴿۱۸﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

برخی فواید آیات:

- ثبت اعمال کوچک و بزرگ در نامه‌های اعمال.
- آغازکردن ذات رحمان به بیان نعمت‌هایش با (یادکردن از) قرآن، بر شرف قرآن و انعام بزرگ او تعالی بر مردم از طریق نزول قرآن، دلالت دارد.
- جایگاه عدالت در اسلام.
- نعمت‌های الله شناخت و سپاسگزاری آنها را از ما می‌طلبد؛ نه تکذیب و ناسپاسی آنها را.

﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ﴾ [الرحمن: ۱۹].

①۱) الله دو دریای شور و شیرین را به گونه‌ای در هم آمیخت که چشم آن را می‌بیند که به هم برخورد می‌کنند.

﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ﴾ [الرحمن: ۲۰].

①۲) میان آن دو دریا مانعی است که هر یک از آن دو را بازمی‌دارد از اینکه بر دیگری طغیان کند تا دریای شیرین، شیرین و دریای شور، شور بماند.

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۲۱].

①۳) پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ﴾ [الرحمن: ۲۲].

①۴) از هر دو دریا مرواریدهای بزرگ و کوچک استخراج می‌شود.

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۲۳].

①۵) پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ﴾ [الرحمن: ۲۴].

①۶) و تصرف در کشتی‌های همچون کوه‌ها که در دریاها روان هستند، فقط برای او تعالی است.

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۲۵].

①۷) پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ [الرحمن: ۲۶].

①۸) تمام مخلوقاتی که بر روی زمین هستند بدون تردید نابود می‌شوند.

﴿وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ [الرحمن: ۲۷].

①۹) و - ای رسول - وجه پروردگار صاحب عظمت تو، و نیکوکار و بخشنده بر بندگانش، باقی می‌ماند و هرگز فناپی به او نمی‌رسد.

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۲۸].

﴿۲۸﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ [الرحمن: ۲۹].

﴿۲۹﴾ تمام فرشتگانی که در آسمان‌ها، و تمام جن‌ها و انسان‌هایی که در زمین هستند؛ نیازهای‌شان را از او می‌خواهند، او تعالی هر روز به یکی از کارهای بندگانش؛ از زنده کردن و میراندن و روزی و سایر امور می‌پردازد.

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۳۰].

﴿۳۰﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ﴾ [الرحمن: ۳۱].

﴿۳۱﴾ - ای گروه انس و جن - به زودی به حساب شما خواهیم پرداخت آن‌گاه هرکس را به پاداش یا کیفری که استحقاقش را دارد جزا می‌دهیم.

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۳۲].

﴿۳۲﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ [الرحمن: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و در روز قیامت آن‌گاه که جنیان و انسان‌ها گرد آورده شوند الله می‌فرماید: ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید گریزگاهی در یکی از نواحی آسمان‌ها و زمین برای خودتان بیابید پس این کار را بکنید، در صورتی که این کار را جز به زور و بی‌پناه‌ای، هرگز نخواهید توانست انجام دهید، و کجا این امکان برای‌تان وجود دارد؟

﴿فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۳۴].

﴿۳۴﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ﴾ [الرحمن: ۳۵].

۳۵ - ای گروه انس و جن - زبانه‌ای از آتش بدون دود، و دودی بدون زبانه بر شما فرستاده می‌شود، و نمی‌توانید از آن جلوگیری کنید.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۳۶].

۳۶ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ﴾ [الرحمن: ۳۷].

۳۷ پس آن‌گاه که آسمان برای نزول فرشتگان از آن بشکافتد و رنگش در درخشندگی مانند روغن قرمز شود.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۳۸].

۳۸ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ﴾ [الرحمن: ۳۹].

۳۹ در آن روز بزرگ هیچ انسان و جنی از گناهان‌شان مورد سوال قرار نمی‌گیرد؛ چون الله به اعمال‌شان آگاهی دارد.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۴۰].

۴۰ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ﴾ [الرحمن: ۴۱].

۴۱ مجرمان در روز قیامت با نشانه‌های‌شان یعنی سیاهی چهره‌ها و کبودی چشمان‌شان شناخته می‌شوند، و موی جلوی سرشان به پاهای‌شان بسته می‌شود و به جهنم افکنده می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- یکجاگردانیدن دریای شور و شیرین بدون اینکه با هم مخلوط شوند از مظاهر قدرت الله تعالی است.

- ثبوت فنا برای تمام مخلوقات، و بیان اینکه جاودانگی فقط برای الله است، تشویقی برای بندگان بر دل بستگی به باقی - سبحانه - به تنهایی است.
- اثبات صفت وجه برای الله به گونه‌ای که سزاوار او سبحانه بدون تشبیه یا تمثیل است.
- گوناگون ساختن عذاب کافر.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۴۲].

﴿۴۲﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ﴾ [الرحمن: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و از روی توییح به آنها گفته می‌شود: این همان جهنمی است که مجرمان در دنیا آن را تکذیب می‌کردند، اما اکنون در برابر چشمان‌شان است و نمی‌توانند آن را انکار کنند.

﴿يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آناً﴾ [الرحمن: ۴۴].

﴿۴۴﴾ میان آن و آب بسیار داغ سرگردان هستند.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۴۵].

﴿۴۵﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٌ﴾ [الرحمن: ۴۶].

﴿۴۶﴾ و برای کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش در آخرت بترسد و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، دو باغ است.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۴۷].

﴿۴۷﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿ذَوَاتَا أَفْنَانٍ﴾ [الرحمن: ۴۸].

﴿۴۸﴾ و این دو باغ، شاخه‌هایی بزرگ و تر و تازه و ثمردهنده دارند.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۴۹].

﴿۴۹﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ﴾ [الرحمن: ۵۰].

﴿۵۰﴾ در این دو باغ دو چشمه است که آب آنها در این دو باغ جاری است.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۵۱].

﴿۵۱﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ﴾ [الرحمن: ۵۲].

﴿۵۲﴾ در این دو باغ از هر میوه لذیذی دو گونه است.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۵۳].

﴿۵۳﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿مُتَّكِبِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ﴾ [الرحمن: ۵۴].

﴿۵۴﴾ بر فرش‌هایی که آستری آنها از ابریشم کلفت است تکیه زده‌اند، و ثمرها و میوه‌هایی که از آن دو باغ به دست می‌آید چنان نزدیک است که ایستاده و نشسته و تکیه زده به آن دسترسی دارند.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۵۵].

﴿۵۵﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ أَنْسَ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانِ﴾ [الرحمن: ۵۶].

﴿۵۶﴾ در آن باغ‌ها زنانی هستند که فقط به شوهران‌شان چشم دوخته‌اند، و قبل از شوهران‌شان هیچ انسان و جنی دوشیزگی آنها را از بین نبرده است.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۵۷].

﴿۵۷﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ﴾ [الرحمن: ۵۸].

﴿۵۸﴾ گویی در زیبایی و درخشندگی یاقوت و مرجان هستند.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۵۹].

﴿۵۹﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ [الرحمن: ۶۰].

﴿۶۰﴾ جزای کسی که به نیکی از پروردگارش فرمان برداری کند چیست جز اینکه الله پاداش نیکی به او دهد؟!

﴿فَبِأَيِّ آيَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۶۱].

﴿۶۱﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ﴾ [الرحمن: ۶۲].

﴿۶۲﴾ و غیر از دو باغ مذکور دو باغ دیگر است.

﴿فَبِأَيِّ آيَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۶۳].

﴿۶۳﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿مُدْهَامَّتَانِ﴾ [الرحمن: ۶۴].

﴿۶۴﴾ که رنگ سبزشان تشدید یافته است.

﴿فَبِأَيِّ آيَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۶۵].

﴿۶۵﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ﴾ [الرحمن: ۶۶].

﴿۶۶﴾ در این دو باغ دو چشمه هستند که آب زیادی فوران می‌کنند، و فوران آبشان قطع نمی‌شود.

﴿فَبِأَيِّ آيَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۶۷].

﴿۶۷﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ﴾ [الرحمن: ۶۸].

﴿۶۸﴾ در این دو باغ میوه فراوان و نخل بزرگ و انار است.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۶۹].

پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

برخی فواید آیات:

- اهمیت ترس از الله و به یادآوردن بیم ایستادن در برابر او تعالی.
- مدح زنان بهشتی به پاکدامنی، بر فضیلت این صفت در زن دلالت دارد.
- جزا از جنس عمل است.

﴿فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾ [الرحمن: ۷۰].

﴿۷۰﴾ در این دو باغ زنانی خوش اخلاق و زیبارو هستند.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۷۱].

﴿۷۱﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾ [الرحمن: ۷۲].

﴿۷۲﴾ حورانی پرده‌نشین در خیمه‌ها برای حفاظت از آنها.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۷۳].

﴿۷۳﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿لَمْ يَطْمِئُنْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ﴾ [الرحمن: ۷۴].

﴿۷۴﴾ قبل از شوهران‌شان هیچ انسان و جنی به آنها نزدیک نشده است.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۷۵].

﴿۷۵﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿مُتَّكِيْنَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ﴾ [الرحمن: ۷۶].

﴿۷۶﴾ بر بالش‌هایی پوشیده‌شده با روپوش سبز، و فرش‌هایی زیبا تکیه زده‌اند.

﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ [الرحمن: ۷۷].

﴿۷۷﴾ پس - ای گروه جن و انس - کدامیک از نعمت‌های فراوان الله بر خودتان را تکذیب می‌کنید؟!

﴿تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ﴾ [الرحمن: ۷۸].

﴿۷۸﴾ بزرگ و زیاد است خیر نام پروردگارت که دارای شُکوه و احسان و بخشش بر بندگانش است.

سوره الواقعة

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ترساندن از روز قیامت، تحقق وقوع آن، و گوناگونی مردم در آن روز و بیان جزای هر گروه.

تفسیر:

﴿إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ [الواقعة: ۱].

① آن گاه که قیامت بدون تردید برپا شود.

﴿لَيْسَ لَوْعَتِهَا كاذِبَةٌ﴾ [الواقعة: ۲].

② هیچ کس یافت نشود که آن را تکذیب کند چنان که در دنیا تکذیب می شد.

﴿خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ﴾ [الواقعة: ۳].

③ پایین آورنده کافران بدکار با وارد کردن آنها در جهنم، و بالا برنده مؤمنان پرهیزگار با وارد کردن آنها در بهشت است.

﴿إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا﴾ [الواقعة: ۴].

④ آن گاه که زمین با حرکت سختی لرزانده شود.

﴿وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا﴾ [الواقعة: ۵].

⑤ و کوهها به شدت متلاشی شوند.

﴿فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا﴾ [الواقعة: ۶].

⑥ و بر اثر متلاشی شدن، به گرد و خاکی پراکنده که هیچ قراری ندارد تبدیل شوند.

﴿وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً﴾ [الواقعة: ۷].

⑦ و شما در آن روز سه گروه می شوید:

﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ [الواقعة: ۸].

⑧ یاران دست راست، همان کسانی که نامه های شان را با دست راست خویش می گیرند، چه جایگاه بالا و بزرگی دارند!

﴿وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ [الواقعة: ۹].

۹ و یاران دست‌چپ، همان کسانی که نامه‌های‌شان را با دست چپ خویش می‌گیرند، چه جایگاه پست و بدی دارند!

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ﴾ [الواقعة: ۱۰].

۱۰ و همان پیشی‌گیرندگان با انجام کارهای نیک در دنیا، در آخرت پیشی‌گیرندگان برای ورود به بهشت هستند.

﴿أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾ [الواقعة: ۱۱].

۱۱ اینها همان مقربان نزد الله هستند.

﴿فِي جَنَّاتٍ التَّعِيمِ﴾ [الواقعة: ۱۲].

۱۲ در بهشت‌هایی پر نعمت، که از انواع نعمت‌ها بهره‌مند می‌شوند.

﴿ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأُولَى﴾ [الواقعة: ۱۳].

۱۳ گروهی از این امت و از امت‌های پیشین.

﴿وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ﴾ [الواقعة: ۱۴].

۱۴ و اندکی از مردم آخرالزمان، همان‌ها پیشی‌گیرندگان مقرب هستند.

﴿عَلَى سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ﴾ [الواقعة: ۱۵].

۱۵ بر تخت‌هایی بافته‌شده از طلا.

﴿مُتَّكِبِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ﴾ [الواقعة: ۱۶].

۱۶ درحالی‌که رو در روی یکدیگر قرار دارند، و هیچ‌یک از آنها به پشت دیگری نگاه نمی‌کند، بر این تخت‌ها تکیه زده هستند.

برخی فواید آیات:

- یادآوری مستمر نعمت‌ها و آیات الله موجب بزرگداشت الله و فرمان‌برداری نیکو از او تعالی است.
- پایان تکذیب کافران با مشاهده مناظر قیامت.
- تفاوت درجات اهل بهشت براساس تفاوت اعمال‌شان.

﴿يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ﴾ [الواقعة: ۱۷].

﴿۱۷﴾ برای خدمت به آنها پسرانی که نه سالخورده می‌شوند و نه فنا می‌گردند گردشان می‌گردند.

﴿بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ﴾ [الواقعة: ۱۸].

﴿۱۸﴾ پیاله‌هایی بدون دسته، و کوزه‌هایی دسته‌دار، و جام‌هایی از شراب جاری در بهشت که هرگز قطع نمی‌شود بر گردشان می‌چرخانند.

﴿لَا يَصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ﴾ [الواقعة: ۱۹].

﴿۱۹﴾ مانند خمر دنیا نیست، یعنی نوشنده آن نه دچار سردرد می‌شود، و نه عقلش تباه می‌گردد.

﴿وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ﴾ [الواقعة: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و میوه‌هایی که اختیار کنند، این پسران بر گرد آنها می‌گردانند.

﴿وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ﴾ [الواقعة: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و گوشت پرنده از آنچه بخواهند پیرامون آنها می‌چرخانند.

﴿وَحُورٌ عِينٌ﴾ [الواقعة: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و در بهشت زنانی گشاده‌چشم در زیبایی دارند.

﴿كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ﴾ [الواقعة: ۲۳].

﴿۲۳﴾ گویی مانند مروارید محافظت‌شده در صدف هستند.

﴿جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الواقعة: ۲۴].

﴿۲۴﴾ پاداشی برای آنها در قبال اعمال صالحی که در دنیا انجام می‌دادند است.

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا﴾ [الواقعة: ۲۵].

﴿۲۵﴾ در بهشت نه سخن زشتی می‌شنوند، و نه سخنی که گناهی به صاحبش می‌رساند.

﴿إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا﴾ [الواقعة: ۲۶].

﴿۲۶﴾ جز سلام فرشتگان بر آنها، و سلام بر یکدیگر را نمی‌شنوند.

﴿وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ﴾ [الواقعة: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و یاران دست راست، چه یاران دست راستی؟ چه جایگاه و شأن بالایی نزد الله دارند.

﴿فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ﴾ [الواقعة: ۲۸].

﴿۲۸﴾ در درخت سدري که خارهایش بریده شده است، و هیچ آزاری در آن نیست.

﴿وَوَطَّلِحْ مَنصُودٍ﴾ [الواقعة: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و در درختان موز انبوهی که در کنار یکدیگر به ردیف چیده شده اند.

﴿وَوَظَلِّ مَمْدُودٍ﴾ [الواقعة: ۳۰].

﴿۳۰﴾ و سایه کشیده شده و پایداری که پایان نمی یابد.

﴿وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ﴾ [الواقعة: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و آب روانی که نمی ایستد.

﴿وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ﴾ [الواقعة: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و میوه های فراوانی که قابل شمارش نیست.

﴿لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ﴾ [الواقعة: ۳۳].

﴿۳۳﴾ هرگز از آنها قطع نمی شود، یعنی موسم (فصل خاصی) ندارند، و در هر وقت که آنها را بخواهند هیچ مانعی جلوی آن را نمی گیرد.

﴿وَفُورٍ مَّرْفُوعَةٍ﴾ [الواقعة: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و فرش هایی برافراشته و بزرگ که بر روی تخت ها قرار می گیرند.

﴿إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً﴾ [الواقعة: ۳۵].

﴿۳۵﴾ به راستی که ما حوران مذکور را به روشی غیر عادی پدید آوردیم.

﴿فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا﴾ [الواقعة: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و آنها را دوشیزگانی که از قبل لمس نشده اند گردانیدیم.

﴿عُرُبًا أَتْرَابًا﴾ [الواقعة: ۳۷].

﴿۳۷﴾ شوهر دوست، و هم سن و سال.

﴿لَأَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ [الواقعة: ۳۸].

﴿۳۸﴾ آنها را برای یاران دست راست پدید آوردیم کسانی که دست راست بودن، نشانه خوشبختی شان به شمار می رود.

﴿ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ﴾ [الواقعة: ۳۹].

﴿۳۹﴾ آنها گروهی از امت های پیامبران پیشین.

﴿وَوَثَلَةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ﴾ [الواقعة: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و گروهی از امت محمد ﷺ یعنی آخرین امت هستند.

﴿وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ﴾ [الواقعة: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و یاران دست چپ، چه یاران دست چپی؟ چه حال و مقصد بدی دارند.

﴿فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ﴾ [الواقعة: ۴۲].

﴿۴۲﴾ در میان بادهایی بسیار سوزان، و آبی بسیار داغ.

﴿وَوَظَلٍ مِّنْ يَّجْمُومِ﴾ [الواقعة: ۴۳].

﴿۴۳﴾ و در سایه دود سیاهی.

﴿لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ﴾ [الواقعة: ۴۴].

﴿۴۴﴾ که نه نسیم خوشی دارد، و نه منظر نیکویی.

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ﴾ [الواقعة: ۴۵].

﴿۴۵﴾ به راستی که آنها قبل از اینکه به عذاب برسند در دنیا از نعمت و رفاه برخوردار بودند، و هیچ غم و اندوهی جز شهوات شان نداشتند.

﴿وَكَانُوا يُصْرُونَ عَلَى الْهِنِّ الْعَظِيمِ﴾ [الواقعة: ۴۶].

﴿۴۶﴾ و بر کفر به الله و عبادت بت ها به جای او تعالی مصمم بودند.

﴿وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدًا مِّنَّا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَيُّنَّا لَمَبْعُوثُونَ﴾ [الواقعة: ۴۷].

﴿۴۷﴾ و رستاخیز را انکار می کردند و از روی استهزا و بعید دانستن آن می گفتند: آیا پس از اینکه مُردیم و خاک و استخوان هایی پوسیده شدیم برانگیخته می شویم؟!

﴿أَوَأَبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ﴾ [الواقعة: ۴۸].

﴿۴۸﴾ آیا پدران نخستین ما که قبل از ما مرده اند برانگیخته می شوند؟!

﴿قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ﴾ [الواقعة: ۴۹].

ﷻ - ای رسول - به این منکران رستاخیز بگو: به راستی که مردم نخستین و متأخر.

﴿لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ﴾ [الواقعة: ۵۰].

ﷻ به طور قطع برای حسابرسی و جزا در روز قیامت گرد آورده خواهند شد.

برخی فواید آیات:

- عمل صالح، یکی از اسباب دستیابی به نعمت‌ها در آخرت است.
- رفاه و متنعم‌شدن، از اسباب وقوع در گناهان است.
- خطر اصرار بر گناه.

﴿ثُمَّ إِنَّكُمْ أَتَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ﴾ [الواقعة: ۵۱].

۵۱ آن گاه به راستی که شما - ای تکذیب کنندگان رستاخیز، و گمراهان از راه راست -

﴿لَا يَكُونُ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ﴾ [الواقعة: ۵۲].

۵۲ به طور قطع در روز قیامت از میوه درخت زقوم، که بدترین و پلیدترین میوه است خواهد خورد.

﴿فَمَالُؤُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ﴾ [الواقعة: ۵۳].

۵۳ و شکم‌های خالی‌تان را از آن درخت تلخ پر خواهید کرد.

﴿فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ﴾ [الواقعة: ۵۴].

۵۴ و بر روی آن از آب بسیار سوزان خواهید نوشید.

﴿فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ﴾ [الواقعة: ۵۵].

۵۵ و همانند نوشیدن آب زیاد شتر به سبب بیماری هیام، زیاد از آن می‌نوشید.

﴿هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ﴾ [الواقعة: ۵۶].

۵۶ این طعام تلخ و آب سوزان همان پذیرایی آنها است که در روز جزا با آن مورد استقبال قرار می‌گیرند.

﴿نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ﴾ [الواقعة: ۵۷].

۵۷ - ای تکذیب کنندگان - ما شما را از نیستی آفریدیم. پس آیا تصدیق نمی‌کنید که ما شما را پس از مرگ‌تان زنده مبعوث خواهیم کرد؟!

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ﴾ [الواقعة: ۵۸].

۵۸ پس آیا - ای مردم - منی‌ای را که در رحم‌های زنان‌تان می‌افکنید دیده‌اید؟!

﴿أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾ [الواقعة: ۵۹].

۵۹ آیا شما آن منی را می‌آفرینید، یا ما هستیم که آن را می‌آفرینیم؟!

﴿نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ﴾ [الواقعة: ۶۰].

۶۰ ما هستیم که مرگ را میان شما مقدر کرده‌ایم، یعنی برای هر یک از شما اجلی است که نه بر آن جلو و نه از آن به تاخیر می‌افتند، و ما ناتوان نیستیم.

﴿عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ [الواقعة: ۶۱].

﴿۶۱﴾ بر اینکه آفرینش و تصویری که بر آن هستید و آن را شناخته‌اید تغییر دهیم، و شما را در آفرینش و تصویری که نمی‌شناسید پدید آوریم.

﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ﴾ [الواقعة: ۶۲].

﴿۶۲﴾ و در حقیقت دانسته‌اید که بار اول چگونه شما را آفریدیم، پس آیا پند نمی‌گیرید، و نمی‌دانید ذاتی که شما را برای بار اول آفرید بر برانگیختن شما پس از مرگ‌تان توانا است؟!

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ﴾ [الواقعة: ۶۳].

﴿۶۳﴾ پس آیا بذری را که در زمین می‌افشانید دیده‌اید؟!

﴿أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ﴾ [الواقعة: ۶۴].

﴿۶۴﴾ آیا شما هستید که آن بذر را می‌رویانیید، یا ما هستیم که آن را می‌رویانیم؟!

﴿لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ﴾ [الواقعة: ۶۵].

﴿۶۵﴾ اگر بخواهیم آن کِشت را خشکیده و متلاشی‌شده قرار دهیم به‌طور قطع آن را پس از اینکه به پختگی و رسیدن نزدیک شد خشک و متلاشی می‌کنیم، آن‌گاه از حالتی که پیدا کرده است، شگفت‌زده می‌شوید.

﴿إِنَّا لَمُعْرُمُونَ﴾ [الواقعة: ۶۶].

﴿۶۶﴾ می‌گویید: به‌راستی که ما با خسارت آنچه هزینه کردیم زیان دیده‌ایم.

﴿بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ﴾ [الواقعة: ۶۷].

﴿۶۷﴾ بلکه ما از رزق و روزی محروم هستیم.

﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ﴾ [الواقعة: ۶۸].

﴿۶۸﴾ آیا آبی را که هنگام تشنگی از آن می‌نوشید ندیده‌اید؟!

﴿أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ﴾ [الواقعة: ۶۹].

﴿۶۹﴾ آیا شما آن را از ابر آسمان فرو فرستادید، یا ما هستیم که آن را نازل کردیم؟!

﴿لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ﴾ [الواقعة: ۷۰].

﴿۷۰﴾ اگر بخواهیم این آب را بسیار شور قرار دهیم که هرگز قابل آشامیدن و آبیاری نباشد به‌طور قطع آن را بسیار شور می‌گردانیم. پس چرا از الله به خاطر نزول آب

شیرین بر اساس رحمتی به شما، سپاسگزاری نمی کنید.

﴿أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ﴾ [الواقعة: ۷۱].

﴿۷۱﴾ آیا آتشی که آن را برای منافع خویش برمی افروزید دیده‌اید؟!

﴿أَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ﴾ [الواقعة: ۷۲].

﴿۷۲﴾ آیا شما هستید که درختی را که از آن آتش افروخته می شود پدید آورده‌اید، یا ما

هستیم که آن را از روی مهربانی به شما پدید آورده‌ایم؟!

﴿نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ﴾ [الواقعة: ۷۳].

﴿۷۳﴾ ما این آتش را یادآوری برای تان قرار دادیم که آتش آخرت را به یاد شما می آورد،

و آن را منفعتی برای مسافران شما قرار دادیم.

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ [الواقعة: ۷۴].

﴿۷۴﴾ پس - ای رسول - پروردگار عظیم خویش را از آنچه که سزاوارش نیست منزّه

بدان.

﴿* فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾ [الواقعة: ۷۵].

﴿۷۵﴾ الله به مکان‌ها و محل‌های فرود آمدن ستارگان سوگند یاد فرمود.

﴿وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ﴾ [الواقعة: ۷۶].

﴿۷۶﴾ و به راستی که سوگند به این محل‌های فرود آمدن - اگر بزرگی اش را بدانید -

بزرگ است؛ چون نشانه‌ها و پندهایی غیر قابل شمارش دارد.

برخی فواید آیات:

- دلالت آشکار آفرینش نخستین بر سهولت رستاخیز.
- نزول باران و رویاندن گیاهان زمین و آتش که مردم از آنها نفع می‌برند سپاسگزاری از الله توسط مردم را ایجاب می‌کند؛ زیرا الله هر وقت بخواهد بر گرفتن آنها توانا است.
- اعتقاد به اینکه ستارگان اثری در نزول باران دارند، کفر و یکی از عادت‌های جاهلیت است.

﴿إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ﴾ [الواقعة: ۷۷].

۷۷ - ای مردم - به راستی که قرآن خوانده شده بر شما، به سبب منافع بزرگی که در آن وجود دارد قرآنی کریم است.

﴿فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ﴾ [الواقعة: ۷۸].

۷۸ در کتابی حفاظت شده از چشمان مردم، یعنی لوح محفوظ قرار دارد.

﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ [الواقعة: ۷۹].

۷۹ که جز فرشتگان پاکیزه از گناهان و عیوب به آن دسترسی ندارند.

﴿تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الواقعة: ۸۰].

۸۰ از جانب پروردگار مخلوقات بر پیامبرش محمد ﷺ نازل شده است.

﴿أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهِبُونَ﴾ [الواقعة: ۸۱].

۸۱ پس - ای مشرکان - آیا شما این سخن را تکذیب کرده و تصدیق نمی کنید؟!

﴿وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ﴾ [الواقعة: ۸۲].

۸۲ و آیا به جای اینکه در قبال نعمت‌هایی که الله به شما ارزانی داشته از او تعالی سپاسگزاری کنید این سخن را تکذیب می کنید، و باران را به تقابل ستارگان نسبت می دهید، و می گوید: به سبب طلوع یا غروب فلان ستاره بر ما باران بارید؟! الله تعالی پس از بیان برخی دلایل رستاخیز خواست که با اشاره به ناتوانی مردم از دفع مرگ، بر قدرت خویش به بازگرداندن متوجه سازد، یعنی کسی که می میراند بر زنده کردن نیز توانا است.

﴿فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ﴾ [الواقعة: ۸۳].

۸۳ پس چرا آن گاه که روح به گلوگاه می رسد،

﴿وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ﴾ [الواقعة: ۸۴].

۸۴ و شما در آن وقت به شخصی که جانش در برابر شما کنده می شود می نگرید،

﴿وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ﴾ [الواقعة: ۸۵].

۸۵ و ما با علم و قدرت و فرشتگان خویش از شما به مُرده شما نزدیک تر هستیم، اما شما این فرشتگان را مشاهده نمی کنید.

﴿فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ﴾ [الواقعة: ۸۶].

﴿۸۶﴾ پس چرا - اگر چنان که ادعا می کنید، برای مجازات در برابر اعمال تان مبعوث نمی شوید -

﴿تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الواقعة: ۸۷].

﴿۸۷﴾ این روح را که از مُرده شما خارج می شود بر نمی گردانید اگر راست می گوئید؟! و قادر بر این کار نیستید.

﴿فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ﴾ [الواقعة: ۸۸].

﴿۸۸﴾ اما اگر مُرده از پیشی گیرندگان به نیکی ها باشد،

﴿فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّةُ نَعِيمٍ﴾ [الواقعة: ۸۹].

﴿۸۹﴾ راحتی ای که پس از آن رنجی نیست، و روزی ای پاکیزه، و رحمت، و بهشتی که در آن به آنچه که نفسش می خواهد برخوردار می شود خواهد داشت.

﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ [الواقعة: ۹۰].

﴿۹۰﴾ و اما اگر مُرده از یاران دست راستی باشد،

﴿فَسَلَامٌ لَّكَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ﴾ [الواقعة: ۹۱].

﴿۹۱﴾ غم و اندوهی بر آنها نیست، زیرا سلامتی و امنیت برای شان است.

﴿وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ﴾ [الواقعة: ۹۲].

﴿۹۲﴾ و اما اگر مُرده از تکذیب کنندگان آنچه رسول ﷺ آورد و از گمراهان از راه راست باشد.

﴿فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ﴾ [الواقعة: ۹۳].

﴿۹۳﴾ با آبی بسیار سوزان مورد استقبال قرار می گیرد.

﴿وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ﴾ [الواقعة: ۹۴].

﴿۹۴﴾ و با آتش جهنم می سوزد.

﴿إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ﴾ [الواقعة: ۹۵].

﴿۹۵﴾ - ای رسول - به راستی این موضوع که آن را برای حکایت کردیم، همان حقیقت و امری یقینی است که هیچ تردیدی در آن راه ندارد.

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ [الواقعة: ۹۶].

﴿۳۳﴾ پس نام پروردگار بزرگ را منزّه بدان، و او را از کاستی‌ها پاک شمار.

سوره الحديد

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

ساختن نیروی ایمانی و مادی برانگیزنده بر دعوت و جهاد، و خالص‌گردانیدن نفوس از بازدارنده‌های آن؛ به همین منظور ذکر انفاق و ایمان در سوره تکرار شده است.

تفسیر:

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الحديد: ۱].

﴿۱﴾ تمام مخلوقات الله در آسمان‌ها و زمین او تعالی را به پاکی و قداست می‌ستایند، و او ذات شکست‌ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و تقدیر خویش بسیار دانا است.

﴿لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الحديد: ۲].

﴿۲﴾ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن او است، هرکس را که بخواهد زنده کند زنده می‌گرداند، و هرکس را که بخواهد بمیراند می‌میراند، و او تعالی بر هر چیزی توانا است، و هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [الحديد: ۳].

﴿۳﴾ او اولی است که هیچ‌چیز پیش از او نبوده است، و آخری است که هیچ‌چیز پس از او نیست، و او ظاهری است که هیچ‌چیز فوق او نیست، و باطنی است که هیچ‌چیز از او پنهان نیست، و او تعالی از همه چیز آگاه است، و بر هیچ‌چیز سیطره دارد.

برخی فواید آیات:

- شدت سختی‌های مرگ و ناتوانی انسان از دفع آنها.

-
- اصل این است که انسان‌ها فرشتگان را نمی‌بینند مگر اینکه الله بر اساس حکمتی این امر را اراده کند.
 - اسم‌های الله (اول، آخر، ظاهر، باطن) بزرگداشت الله و مراقبت او تعالی در اعمال ظاهری و باطنی را می‌طلبد.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الحديد: ۴].

④ او ذاتی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید چنانکه در روز یکشنبه آغاز کرد، و در روز جمعه به پایان رساند، درحالی‌که بر آفرینش آنها در کمتر از چشم به هم زدن توانا است، سپس او سبحانه بالا رفت و آن‌گونه که سزاوارش است بر عرش ارتفاع گرفت. از باران و بذر و چیزهای دیگری که وارد زمین می‌شود، و از گیاهان و معادن و سایر آنچه که از زمین خارج می‌شود و از باران و وحی و غیر آن‌ها که از آسمان فرود می‌آید، و از فرشتگان و اعمال و ارواح بندگان که در آسمان بالا می‌رود آگاه است. و - ای مردم - هر کجا که باشید با علم خویش همراه شما است. هیچ چیز از شما بر او پوشیده نمی‌ماند، و الله به آنچه انجام می‌دهید آگاه است، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به‌زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ [الحديد: ۵].

⑤ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن است، و کارها فقط به‌سوی او تعالی بازگردانیده می‌شود، و مخلوقات در روز قیامت مورد حسابرسی قرار می‌گیرند، و در برابر اعمال‌شان جزا داده می‌شوند.

﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الحديد: ۶].

⑥ شب را در روز وارد می‌کند آن‌گاه تاریکی می‌آید، و مردم می‌خوابند، و روز را در شب وارد می‌کند آن‌گاه روشنایی می‌آید، و مردم به‌سوی کارهای‌شان روانه می‌شوند، و او تعالی از آنچه در سینه‌های بندگانش وجود دارد آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۷].

⑦ به الله، و به رسولش ایمان آورید، و از مالی که الله شما را در آن جانشین قرار داده است که براساس آنچه برای‌تان تشریح کرده است در آن تصرف کنید انفاق

کنید؛ زیرا کسانی از میان شما که به الله ایمان آورده باشند، و اموالشان را در راه الله هزینه کرده باشند، نزد او تعالی پاداش بزرگی دارند که همان بهشت است.

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [الحديد: ۸].

❶ و چه چیزی شما را از ایمان به الله بازمی دارد؟! درحالی که رسول شما را به سوی الله فرامی خواند تا به پروردگارتان سبحانه ایمان آورید، و الله هنگامی که شما را از پشت پدران تان درآورد از شما پیمان گرفته است که به او ایمان آورید، اگر مؤمن هستید.

﴿هُوَ الَّذِي يُزِيلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [الحديد: ۹].

❷ او همان ذاتی است که آیاتی روشن بر بنده اش محمد ﷺ فرو می فرستد؛ تا شما را از تاریکی های کفر و جهل به سوی نور ایمان و علم درآورد، و به راستی که الله نسبت به شما بسیار مهربان و بخشنده است که پیامبری هدایتگر و مزده دهنده به سوی شما فرستاد.

﴿وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [الحديد: ۱۰].

❸ و چه چیزی شما را از انفاق در راه الله بازمی دارد؟! درحالی که میراث آسمانها و زمین از آن الله است، - ای مؤمنان - از میان شما کسی که مالش را در راه الله در پی رضایت او قبل از فتح مکه هزینه کرد، و برای یاری اسلام با کافران جنگید، یکسان نیست با کسی که بعد از فتح هزینه کرد و با کافران جنگید؛ این انفاق کنندگان قبل از فتح و جهادکنندگان در راه الله، منزلتی بزرگتر و درجه بالاتری نزد الله دارند از کسانی که بعد از فتح مکه اموالشان را در راه او تعالی انفاق کردند و با کافران جنگیدند؛ و الله به هر دو گروه بهشت را وعده داده است، و الله به آنچه انجام می دهید بسیار دانا است، و ذره ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ [الحديد: ۱۱].

کیست که مالش را با رضایت قلبی برای وجه الله هزینه کند، تا الله پاداش مالش را که انفاق کرده است دوچندان به او بدهد، و در روز قیامت پاداشی گرامی، یعنی بهشت برایش باشد؟!

برخی فواید آیات:

- مال از آنِ الله است، و انسان در آن جانشین قرار داده شده است.
- تفاوت درجات مؤمنان براساس پیشی گرفتن به ایمان و اعمال نیک.
- انفاق در راه الله یکی از اسباب برکت و رشد مال است.

﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [الحديد: ۱۲].

﴿۱۲﴾ روزی که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان از جلو و سمت راست شان پیش می رود، و در آن روز به آنها گفته می شود: امروز مژده باد به شما بهشت هایی که نهرها از زیر کاخ ها و درختان شان جاری است که برای همیشه در آن می مانید. این پاداش همان رستگاری بزرگ است که هیچ رستگاری ای با آن برابری نمی کند. الله پس از بیان حال مؤمنان در روز قیامت، به ذکر حال منافقان پرداخت و فرمود:

﴿يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾ [الحديد: ۱۳].

﴿۱۳﴾ روزی که مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: به ما مهلت دهید تا مقداری از نور شما که ما را بر گذشتن از صراط یاری می رساند استفاده کنیم، و برای تمسخر منافقان به آنها گفته می شود: به پشت سرتان بازگردید، و نوری که با آن روشنایی می گیرید بخواهید، آن گاه میان آنها دیواری زده می شود، و آن دیوار دری دارد، که در باطن آن که به سمت مؤمنان است، رحمت، و در بیرون آن که به سمت منافقان است عذاب قرار دارد.

﴿يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ﴾ [الحديد: ۱۴].

﴿۱۴﴾ منافقان این گونه به مؤمنان ندا می زنند: آیا بر اسلام و طاعت همراه شما نبودیم؟! مسلمانان به آنها می گویند: آری، شما با ما بودید، اما خویشان را با نفاق به فتنه انداختید و آن را نابود کردید، و منتظر مؤمنان بودید تا شکست خورند آن گاه کفرتان را آشکار کنید، و در یاری الله به مؤمنان، و در رستاخیز پس از مرگ تردید کردید، و آرزوهای دروغین شما را فریفت تا در حالی مرگ به سراغتان آمد که بر آن بودید، و شیطان شما را درباره الله فریب داد.

﴿قَالِیَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [الحديد: ۱۵].

﴿۱۵﴾ پس - ای منافقان - امروز فدیهای به عوض عذاب الله از شما گرفته نمی‌شود و از کسانی که آشکارا به الله کفر ورزیدند نیز فدیهای گرفته نمی‌شود، و مقصد شما و مقصد کافران جهنم است، که آن برای تان سزاوارتر، و شما به آن سزاوارتر هستید، و مقصد بدی است.

﴿* أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [الحديد: ۱۶].

﴿۱۶﴾ آیا برای کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند زمان آن نرسیده است که دل‌های‌شان به یاد الله سبحانه، و وعد و وعیدهایی که از قرآن نازل شده است نرم و آرام گردد، و در سختی دل‌ها مانند یهودیانی که تورات به آنها داده شد، و مسیحیانی که انجیل به آنها داده شد نباشند، که مدت زمان میان آنها و میان بعثت پیامبران‌شان طولانی شد و به این سبب دل‌های‌شان سخت گردید، و بسیاری از آنها از طاعت الله به‌سوی نافرمانی او تعالی خارج هستند؟!

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ [الحديد: ۱۷].

﴿۱۷﴾ بدانید که الله زمین را با رویاندن گیاهانش پس از اینکه خشک بود زنده می‌گرداند، - ای مردم - به تحقیق که دلایل و براهین قدرت و وحدانیت الله را برای تان روشن کرده‌ایم تا در آنها بیندیشید؛ و بدانید ذاتی که زمین را پس از مرگش زنده گرداند بر برانگیختن شما پس از مرگ‌تان توانا است، و نیز بر نرم کردن دل‌های‌تان پس از سخت بودنش توانا است.

﴿إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ [الحديد: ۱۸].

﴿۱۸﴾ به‌راستی که مردان و زنان صدقه‌دهنده بخشی از اموال‌شان، همان کسانی که بخشی از اموال‌شان را با رضایت قلبی و بدون هیچ منت و آزاری انفاق می‌کنند، بر پاداش اعمال‌شان افزوده می‌شود: یک نیکی به ده برابر آن تا هفتصد برابر آن حتی تا چندین برابر آن؛ و افزون بر آن، پاداشی گرامی نزد الله دارند که همان بهشت است.

برخی فواید آیات:

- منت نهادن الله بر مؤمنان با عطا کردن نوری به آنها که در جلو و سمت راست شان پیش می‌رود.
- گناهان و نفاق، سبب تاریکی و نابودی در روز قیامت است.
- منتظر ماندن برای فرصتی که بر مؤمنان آسیب وارد شود و تردید در رستخیز، و فریفته شدن به آرزوها، و گول خوردن از شیطان: از صفات منافقان است.
- خطر غفلت؛ که منجر به سخت شدن دل می‌شود.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [الحديد: ۱۹].

①۹ و کسانی که به الله و رسولانش بدون گذاشتن تفاوت میان آنها ایمان آورده‌اند، اینها همان راستان و گواهان نزد پروردگارشان هستند که پاداش گرامی آماده‌شده، و نوری را که در مقابل و سمت راست‌شان در روز قیامت پیش می‌رود دارند، و کسانی که به الله و رسولانش کفر ورزیده‌اند، و آیات نازل‌شده ما بر رسولانمان را تکذیب کرده‌اند، اینها ساکنان جهنم هستند، که در روز قیامت در آن وارد می‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند، و از آن درآورده نمی‌شوند.

﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ﴾ [الحديد: ۲۰].

②۰ بدانید که زندگی دنیا محل بازی بدن‌ها و سرگرمی دل‌ها و زیوری است که با آن آراستگی می‌گیرید، و میان شما وسیله فخرفروشی است با اموال و کالاهایی که در آن وجود دارد، و نازیدنی است به اموال و فرزندان زیاد؛ مانند بارانی که گیاهش کشاورزان را به شگفت آورد، سپس طولی نکشد که این گیاه سبز و خرم، خشک گردد، و - ای بیننده - آن را پس از سرسبز بودنش زرد می‌بینی، سپس الله آن را قطعات ریز و درهم شکسته‌ای قرار می‌دهد، و در آخرت عذاب سختی برای کافران و منافقان است، و برای بندگان مؤمن الله آمرزش گناهان و رضایتی از جانب او تعالی است. و زندگی دنیا جز کالایی نابودشدنی که هیچ ثباتی ندارد نیست. پس هرکس متاع نابودشدنی دنیا را بر نعمت‌های آخرت ترجیح دهد به تحقیق که زیان‌دیده و فریب‌خورده است.

﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الحديد: ۲۱].

②۱ - ای مردم - بر انجام اعمال صالح مانند توبه و سایر عبادت‌هایی که با آنها به آمرزش گناهان‌تان می‌رسید از یکدیگر پیشی بگیرید، تا از این طریق به بهشتی برسید که پهنایش مانند پهنای آسمان و زمین است. الله این بهشت را برای کسانی

که به او و رسولانش ایمان آورده‌اند آماده ساخته است. این پاداش، بخشش الله است که آن را برای هر یک از بندگان بخوهد عطا می‌کند، و الله سبحانه دارای بخششی بزرگ بر بندگان مؤمن خویش است.

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [الحديد: ۲۲].

﴿۲۲﴾ هیچ مصیبتی در زمین اعم از خشکسالی و غیر آن به مردم نمی‌رسد، و هیچ مصیبتی در خودشان به آنها نمی‌رسد مگر قبل از اینکه مخلوقات را بیافرینیم در لوح محفوظ ثبت شده است. به‌راستی که این کار بر الله آسان است.

﴿لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ [الحديد: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و - ای مردم - این امر به آن سبب است که بر آنچه از دست داده‌اید اندوهگین نشوید، و به نعمت‌هایی که به شما عطا کرده است بیش از حد شاد نگردید. به راستی که الله هیچ متکبری را که با آنچه الله به او عطا کرده است بر مردم فخرروشی می‌کند دوست ندارد.

﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [الحديد: ۲۴].

﴿۲۴﴾ کسانی که در آنچه انفاق آن برای‌شان واجب است بخل می‌ورزند، و دیگران را به بخل امر می‌کنند زیان‌دیده هستند، و هرکس از طاعت الله روی بگرداند هرگز به الله زیان نخواهد رساند و فقط به خودش زیان می‌رساند؛ زیرا الله همان ذات بی‌نیازی است که به طاعت بندگان نیازی ندارد، و در هر حالی ستوده‌شده است.

برخی فواید آیات:

- زهد در دنیا و لذت‌هایش و ترغیب به آخرت و نعمت‌های جاویدانش بر پیمودن راه راست کمک می‌کند.
- وجوب ایمان به تقدیر.
- یکی از فواید ایمان به تقدیر، غم‌نخوردن بر آن دسته از بهره دنیا است که از دست برود.
- بخل و امر به آن، دو خصلت ناپسند است که در مؤمنان وجود ندارد.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [الحديد: ۲۵].

۵۵ به تحقیق که رسولانمان را با حجت‌های آشکار و براهین روشن فرستادیم، و همراه آنها کتاب‌ها نازل کردیم، و میزان را فرو فرستادیم، تا مردم انصاف را برپا دارند، و آهن را که نیرویی سخت دارد نازل کردیم، که از آن سلاح ساخته می‌شود، و منافی برای مردم در پیشه‌ها و حرفه‌های‌شان دارد، و الله برای بندگانش معلوم بدارد چه کسی از بندگان در نهان او را یاری می‌رساند. به راستی که الله ذات نیرومند و شکست‌ناپذیری است که هیچ‌چیز او را مغلوب نمی‌کند، و از هیچ‌چیز ناتوان نیست.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [الحديد: ۲۶].

۶۱ و به تحقیق که نوح و ابراهیم علیهما السلام را فرستادیم، و در میان فرزندان آن دو، نبوت و کتاب‌های نازل شده را قرار دادیم. برخی از فرزندان آن دو به راه راست هدایت‌یافته، و توفیق‌یافته هستند، و بسیاری از آنها از الله نافرمانی کردند.

﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [الحديد: ۲۷].

۶۷ سپس به دنبال آنها رسولانمان را بیابی به سوی امت‌های‌شان فرستادیم، و در پی آنها عیسی پسر مریم علیهما السلام را فرستادیم و انجیل را به او عطا کردیم، و در دل‌های کسانی که به او ایمان آوردند، و از او پیروی کردند رأفت و مهربانی قرار دادیم، که یکدیگر را دوست داشتند و به یکدیگر مهربانی می‌کردند، و غلو در دین‌شان را ابداع کردند، و برخی نکاح‌ها و خوشی‌هایی را که الله برای‌شان حلال کرده بود رها کردند، درحالی‌که ما هرگز این کار را از آنها نخواستیم، و خودشان با نوآوری در دین‌شان خود را به آن ملزم کردند، و ما فقط پیروی خشنودی الله را خواستیم اما انجام ندادند، آن‌گاه پاداش کسانی از آنها را که ایمان آوردند عطا

کردیم، و بسیاری از آنها با تکذیب آنچه رسول الله محمد ﷺ نزدشان آورد از طاعت الله خارج هستند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنَ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الحديد: ۲۸].

۳۸ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، از الله با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی‌اش بترسید و به رسولش ایمان آورید، تا دو سهم از پاداش و مزد به سبب ایمان‌تان به محمد ﷺ، و ایمان‌تان به رسولان پیشین را به شما عطا کند، و نوری برای‌تان قرار دهد که در زندگی دنیا به آن راه یابید، و در روز قیامت بر روی صراط از آن روشنایی بگیرید، و گناهان‌تان را برای‌تان بیامرزد؛ یعنی آنها را ببوشاند و شما را در قبال آنها مواخذه نکند، و الله سبحانه نسبت به بندگانش بسیار آمرزنده و مهربان است.

﴿لَيْلًا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الحديد: ۲۹].

۳۹ و - ای مؤمنان - در حقیقت بخشش بزرگ خویش را به پاداش مضاعفی که برای شما آماده کرده‌ایم به شما بیان کردیم؛ تا اهل کتاب پیشین چه یهودیان و چه مسیحیان بدانند که آنها بر ذره‌ای از بخشش الله توانا نیستند به گونه‌ای که آن را برای هرکس می‌خواهند اجازه دهند، و از هرکس می‌خواهند منع کنند، و تا بدانند که تمام بخشش‌ها فقط به دست الله سبحانه است که آن را برای هر یک از بندگانش بخواهد عطا می‌کند، و الله دارای بخشش بزرگی است که آن را برای هر یک از بندگانش بخواهد اختصاص می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- حق، ناگزیر به قدرتی نیاز دارد که آن را حمایت و منتشر کند.
- بیان جایگاه عدالت در شرایع آسمانی.
- پیوند نسبی با مؤمنان و صالحان ذره‌ای انسان را تا زمانی که خودش مؤمن نباشد بی‌نیاز نمی‌سازد.
- بیان تحریم نوآوری در دین.

سوره المجادله

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار علم فراگیرِ الله و احاطهٔ کامل او بر همه چیز تا از الله تعالی ترسیده شود و از مخالفت با او تعالی پرهیز گردد.

تفسیر:

﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ

اللَّهُ سَمِيعٌ بَصِيرٌ﴾ [المجادلة: ۱]

۱ - ای رسول - به تحقیق که الله سخن آن زن (یعنی خوله بنت ثعلبه) را که در مورد شوهرش (یعنی اوس بن صامت) که او را ظهار کرد، و از آنچه شوهرش در مورد او انجام داده بود به الله شکایت می کرد شنید، و الله گفتگوی شما را می شنود، و ذره ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی ماند. به راستی که الله نسبت به سخنان بندگان شنوا، و نسبت به افعال شان بینا است، و ذره ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی ماند.

﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِمَّنْ تَسَاءَلُونَ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ

وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ﴾ [المجادلة: ۲].

۲ کسانی که زنان شان را ظهار می کنند؛ یعنی یکی از آنها به همسرش می گوید: تو بر من چون پشت مادرم هستی، در این سخن شان دروغ گفته اند؛ زیرا همسران آنها مادران شان نیستند، بلکه مادران شان فقط کسانی هستند که آنها را زاده اند، و با گفتن این سخن، به طور قطع سخن بسیار زشت، و دروغی گفته اند، و به یقین که الله بسیار بخشنده و آمرزنده است، که برای رهایی آنها از گناه، کفار را برای شان تشریح کرده است.

﴿وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا ذَلِكَ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [المجادلة: ۳].

۳ و کسانی که این سخن بسیار زشت را می گویند، سپس خواهان جماع با زنانی که آنها را ظهار کرده اند هستند، باید قبل از اینکه با آنها جماع کنند برای کفاره، برده ای را آزاد کنند. این حکم مذکور که به آن فرمان داده می شود برای بازداشتن شما از ظهار است، و الله نسبت به آنچه انجام می دهید بسیار دانا است، و ذره ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی ماند.

﴿فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسًا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [المجادلة: ۴].

۴ و اگر کسی از شما برده ای نیافت تا آن را آزاد کند باید پیش از اینکه با همسرش که او را ظهار کرده است جماع کند دو ماه متوالی روزه بگیرد، و هرکس توانایی دو ماه روزه گرفتن پیاپی ندارد باید شصت مسکین را طعام دهد. این حکم که برای تان صادر کردیم برای این است تا ایمان آورید به اینکه الله به آن امر کرده است، و امرش را اجرا کنید، و این احکام که برای تان تشریع کردیم حدود الله است که برای بندگانش مشخص کرده، پس از آنها نگذرید، و برای کافران به احکام و حدود الله عذابی دردناک است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ [المجادلة: ۵].

۵ در حقیقت کسانی که با الله و رسولش دشمنی می کنند خوار و ذلیل خواهند شد چنان که کسانی از امت های پیشین که با او دشمنی کردند خوار و ذلیل شدند، و به تحقیق که آیات روشن را نازل کرده ایم، و برای کافران به الله و رسولانش و آیات او عذابی خوارکننده است.

﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [المجادلة: ۶].

۶ روزی که الله همگی شان را برمی انگیزد و هیچ یک از آنها را بر جای نمی گذارد، و آنها را از اعمال زشتی که در دنیا انجام داده اند آگاه می کند، الله اعمال شان را بر

آنها بخواهد شمرد، پس ذره‌ای از اعمال‌شان بر الله پوشیده نمی‌ماند. درحالی‌که خودشان آن را فراموش کرده‌اند ولی آن را نوشته‌شده در نامه‌های اعمال‌شان که هیچ کوچک و بزرگی را رها نکرده مگر آن را برشمرده است می‌یابند، و الله از هر چیزی آگاهی دارد و ذره‌ای از اعمال‌شان بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- مهربانی الله به بندگان مستضعف خویش که دعای‌شان را اجابت می‌کند و به آنها یاری می‌رساند.
- یکی از مظاهر رحمت الله به بندگان این است که کفارهٔ ظهار را براساس استطاعت، گوناگون ساخت تا بنده از تنگنا درآید.
- در پایان آیات ظهار، کافران را ذکر فرمود؛ تا اشاره‌ای باشد به اینکه ظهار عمل کافران است، از این رو مناسب بود که برخی احوال کافران بیاید.

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾
[المجادلة: ۷].

⑦ - ای رسول - آیا ندیده‌ای که الله از آنچه در آسمان‌ها و زمین است آگاهی دارد، و ذره‌ای از آنچه در آنها وجود دارد بر او پوشیده نمی‌ماند. هیچ سخن محرمانه‌ای میان سه نفر نیست مگر اینکه الله سبحانه با علم خویش چهارمی آنها است، و هیچ سخن محرمانه‌ای میان پنج نفر نیست مگر او سبحانه به علم خویش ششمین آنها است. نه کمتر از این عدد و نه بیشتر از آن نیست مگر اینکه با علم خویش با آنها است هر جا که باشند، و ذره‌ای از سخن‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و در روز قیامت آنها را از آنچه انجام داده‌اند باخبر می‌سازد، به‌راستی که الله از هر چیزی دانا است، و هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاؤُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَيُتْسِ الْمَصِيرُ﴾
[المجادلة: ۸].

⑧ - ای رسول - آیا ندیدی یهودیانی را که وقتی مؤمنی را می‌دیدند با یکدیگر نجوا می‌کردند، که الله آنها را از نجوا نهی فرمود، اما به نجوایی که الله آنها را نهی کرد بازمی‌گردند، و به کاری که در آن گناه است مانند غیبت کردن از مؤمنان، و به کاری که در آن تجاوز بر مؤمنان است، و به کاری که در آن از رسول ﷺ نافرمانی می‌شود، میان یکدیگر نجوا می‌کنند. و - ای رسول - هرگاه نزد تو می‌آیند به سلامی که الله با آن روش به تو سلام نگفته به تو سلام می‌دهند؛ یعنی می‌گویند: السَّامَ عَلِيكَ که مرگ را قصد می‌کنند، و برای تکذیب پیامبر ﷺ می‌گویند: چرا الله به آنچه می‌گوییم ما را عذاب نمی‌کند. اگر در ادعای که پیامبری راستگو بود به طور قطع قطع الله به سبب آنچه در مورد او می‌گوییم ما را عذاب می‌کرد! برای کیفر آنچه در مورد او گفتند جهنم برای‌شان کافی است، که از گرمایش رنج می‌برند، پس مقصد بسیار بدی دارند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [المجادلة: ۹].

⑩ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامی که برای تان تشریح فرموده عمل کرده‌اید، به سخنانی که متضمن گناه یا تجاوز یا نافرمانی از رسول ﷺ است با یکدیگر نجوا نکنید تا مانند یهودیان نباشید. و در آنچه طاعت الله و بازداشتن از نافرمانی او تعالی در آن است با یکدیگر نجوا کنید، و از الله با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او بترسید، زیرا در روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی او گرد آورده می‌شوید.

﴿إِنَّمَا التَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [المجادلة: ۱۰].

⑪ جز این نیست که نجوای - مشتمل بر گناه و عدوان و نافرمانی از رسول ﷺ - یکی از روش‌های تزیین و وسوسه‌انگیزی شیطان برای دوستانش است؛ تا بر مؤمنان این اندوه را وارد کند که علیه آنها توطئه می‌کنند، اما نه شیطان و نه تزیین او، ذره‌ای به مؤمنان زیان نمی‌رساند مگر به مشیت و اراده الله؛ و مؤمنان باید در تمام امورشان بر الله توکل کنند.

الله پس از بیان ادب در گفتار، ادب در مجالس را ذکر کرد و فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [المجادلة: ۱۱].

⑫ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، هرگاه به شما گفته شود: در مجالس جا باز کنید این کار را انجام دهید، تا الله در زندگی دنیا و در آخرت برای تان گشایش دهد. و هرگاه به شما گفته شود: از برخی جاها برخیزید تا اهل فضل در آنجا بنشینند این کار را انجام دهید، که الله سبحانه کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنها عطا شده است به درجات بزرگی بالا می‌برد، و الله به آنچه انجام می‌دهید بسیار دانا است، و ذره‌ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

برخی فواید آیات:

- با وجود اینکه الله به ذات خویش از مخلوقاتش بالاتر و برتر است؛ به علم خویش نیز از آنها آگاه هست و هیچ چیزی بر او پوشیده نمی ماند.
- چون بسیاری از مردم با سخنانِ درگوشی مرتکب گناه می شوند الله به مؤمنان فرمان می دهد که نجوای شان به نیکی و تقوی باشد.
- یکی از آداب مجالس فراخ و گسترده کردن آن برای دیگران است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [المجادلة: ۱۲].

۱۲) چون صحابه بسیار با پیامبر نجوا و رازگویی کردند، الله فرمود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه خواستید در گوشه با رسول سخن بگویید قبل از سخن گفتن در گوشه خویش صدقه‌ای پیش کنید، این تقدیم صدقه برای تان بهتر و پاکیزه‌تر است؛ چون شامل طاعت الله است که دل‌های تان را تزکیه می‌کند، اما اگر چیزی نیافتید که صدقه بدهید در سخن گفتن در گوشه با او گناهی بر شما نیست؛ زیرا الله نسبت به گناهان بندگانش بسیار آمرزنده، و نسبت به آنها بسیار مهربان است که آنها را به خارج از توان‌شان مکلف نمی‌کند.

﴿الْأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [المجادلة: ۱۳].

۱۳) آیا از فقر به سبب تقدیم صدقه آن‌گاه که با رسول ﷺ در گوشه صحبت کنید ترسیدید؟! پس چون این کار را که الله به شما فرمان داد انجام ندادید، و بر شما بخشید که در ترک آن به شما اجازه داد پس نماز را به کامل‌ترین وجه برپا دارید، و زکات اموال تان را بدهید، و از الله و رسولش فرمان برداری کنید، و الله به آنچه انجام می‌دهید بسیار دانا است، و ذره‌ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿* أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ [المجادلة: ۱۴].

۱۴) - ای رسول - آیا ندیدی منافقانی را که یهودیان را که الله به سبب کفر و گناهان‌شان بر آنها خشم گرفت به دوستی گرفته‌اند. این منافقان نه از مؤمنان هستند و نه از یهودیان؛ بلکه سرگشته و حیرانند و نه با اینها هستند و نه با آنها؛ و به دروغ سوگند یاد می‌کنند که مسلمان هستند و اخبار مسلمانان را به یهودیان انتقال نمی‌دهند.

﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [المجادلة: ۱۵].

۱۵) الله عذابی سخت در آخرت برای‌شان آماده ساخته است، چون آنها را در پایین‌ترین طبقه جهنم وارد می‌کند، به‌راستی که آنها در دنیا اعمال کفرآمیز بسیار زشتی را انجام می‌دادند.

﴿اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ [المجادلة: ۱۶].

﴿۱۶﴾ قسم‌های‌شان را که با آنها سوگند یاد می‌کردند سپری در برابر قتل به سبب کفر قرار دادند، وقتی با آنها اسلام را آشکار کردند تا از خون‌ها و اموال‌شان محافظت کنند، و با سست و مایوس کردن مسلمانان، مردم را از حق بازداشتند. پس عذابی خوارکننده برای‌شان است که آنها را خوار و زبون می‌گرداند.

﴿لَنْ نُعْطِيَهُمْ أَموَالَهُمْ وَلَا أَولَادَهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [المجادلة: ۱۷].

﴿۱۷﴾ نه اموال‌شان و نه فرزندان‌شان آنها را ذره‌ای از الله بی‌نیاز نخواهد ساخت. آنها ساکنان جهنم هستند که به آن وارد می‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند و عذاب از آنها قطع نمی‌شود.

﴿يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ﴾ [المجادلة: ۱۸].

﴿۱۸﴾ روزی که الله همگی آنها را برای جزا برمی‌انگیزد. آن‌گاه به الله سوگند یاد می‌کنند که بر کفر و نفاق نبوده‌اند، و واقعا مؤمن بوده‌اند و آنچه الله را راضی می‌سازد انجام می‌دادند. - ای مؤمنان - همان‌گونه که در دنیا برای شما سوگند یاد می‌کردند که مسلمان هستند در آخرت برای او تعالی سوگند یاد می‌کنند، و گمان می‌کنند با این سوگندهایی که برای الله یاد می‌کنند منفعتی برای خود جلب و آسیبی از خود دفع می‌کنند. بدانید که آنها همان دروغگویان واقعی در سوگندهای‌شان در دنیا، و سوگندهای‌شان در آخرت هستند.

﴿اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَّا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [المجادلة: ۱۹].

﴿۱۹﴾ شیطان بر آنها چیره شده و با وسوسهٔ خویش ذکر الله را از یادشان برده است، پس آنچه الله را راضی می‌سازد انجام نمی‌دهند، و فقط آنچه او تعالی را خشمگین می‌سازد مرتکب می‌شوند. اینها که صفات مذکور را دارند همان لشکریان و پیروان ابلیس هستند. بدانید که لشکریان و پیروان ابلیس همان زیان‌دیدگان در دنیا و آخرت هستند؛ چون هدایت را به گمراهی و بهشت را به جهنم فروخته‌اند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذْيَانِ﴾ [المجادلة: ۲۰].

⑩ به راستی کسانی که با الله و رسولش دشمنی می کنند در زمره کسانی از امت های کافر هستند که الله آنها را در دنیا و آخرت ذلیل و خوار کرده است.

﴿كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [المجادلة: ۲۱].

⑪ الله در علم ازلی خویش حکم کرده که به طور قطع من و رسولانم با حجت و نیرو بر دشمنانمان پیروز خواهیم شد. به راستی که الله بر یاری رسولانش توانا است، و ذات شکست ناپذیری است که از دشمنانش انتقام می گیرد.

برخی فواید آیات:

- لطف الله به پیامبرش ﷺ؛ که به صحابه اش ادب آموخت تا او را با نجوای زیاد به مشقت نیندازند.
- دوستی با یهودیان، خصلت منافقان است.
- خسران کافران و چیرگی مؤمنان سنتی الهی است که گاهی به تاخیر می افتد، اما خلاف نمی رود.

﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [المجادلة: ۲۲].

﴿۲۲﴾ - ای رسول - هیچ گروهی را نمی‌یابی که هم به الله و روز آخرت ایمان داشته باشند و هم کسانی را که با الله و رسولش دشمنی کرده‌اند دوست بدانند و به دوستی بگیرند. هر چند این دشمنانِ الله و رسولش، پدرانشان، یا پسرانشان، یا برادرانشان، یا افراد قبیله‌ای که به آن تعلق دارند باشند؛ زیرا ایمان از دوستی با دشمنانِ الله و رسولش بازمی‌دارد، و نیز رابطه‌ایمانی از تمام روابط بالاتر است، و هنگام تعارض بر سایر روابط مقدم می‌شود. اینها که با دشمنانِ الله و رسولش دوستی نمی‌کنند - هر چند نزدیکان‌شان باشند - همان کسانی هستند که الله ایمان را در دل‌های‌شان ثابت گردانیده است؛ پس تغییر نمی‌کند، و آنها را به برهان و نوری از جانب خویش تقویت کرده است، و در روز قیامت آنها را وارد بهشت‌هایی می‌کند که رودها از زیر کاخ‌ها و درختانش جاری است و برای همیشه در آن می‌مانند، و نعمت‌هایش نه از آنها قطع می‌شود و نه خودشان در آنجا از بین می‌روند. الله به گونه‌ای از آنها راضی شده است که دیگر هرگز بر آنها خشم نمی‌گیرد، و آنها نیز به سبب نعمت‌های جاویدانی که الله برای‌شان عطا کرده است، از او تعالی راضی شده‌اند؛ که از جمله این نعمت‌ها، رؤیتِ الله سبحانه است. آنها که صفات مذکور را دارند، لشکریانِ الله هستند که آنچه را به آن فرمان داده اجرا می‌کنند، و از آنچه از آن نهی فرموده دست می‌کشند. بدانید که لشکریانِ الله به سبب اینکه در دنیا و آخرت به خواسته‌ی خویش می‌رسند و از آنچه می‌ترسند نجات می‌یابند همان رستگاران هستند.

سوره الحشر

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار قدرت و نیرومندی الله در خوارکردن یهودیان و منافقان، و اظهار پراکندگی آنها؛ و در مقابل، اظهار دوستی و به هم پیوستگی مؤمنان.

تفسیر:

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الحشر: ۱].

① تمام مخلوقاتی که در آسمان‌ها و زمین هستند الله را از آنچه سزاوار او نیست بزرگ و پاک برمی‌شمارند، و او ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌گردد، و در آفرینش و تشریح و تقدیرش بسیار دانا است.

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ [الحشر: ۲].

② او همان ذاتی است که بنی‌نضیر را که به الله کفر ورزیدند، و رسولش محمد ﷺ را تکذیب کردند، پس از اینکه عهدشان را شکستند و همراه مشرکان علیه رسول ﷺ شدند، در نخستین اخراج آنها از مدینه به سوی شام از خانه‌هایشان در مدینه بیرون راند. بنی‌نضیر از یهودیان صاحب تورات بودند؛ آنها را به سوی سرزمین شام بیرون راند. - ای مؤمنان - به سبب نیرومندی و قدرتی که داشتند شما گمان نمی‌کردید که از خانه‌هایشان رانده شوند، و خودشان نیز گمان کردند که دژهای محکم و بلندشان آنها را در برابر عذاب و کیفر الله محافظت می‌کند، اما عذاب الله از جایی که آمدنش را نمی‌سنجیدند آنها را فرا گرفت آن‌گاه که برای پیکار و بیرون راندن آنها از خانه‌هایشان به رسولش فرمان داد، و الله ترس شدیدی در دل‌های

شان افکند، که به دست خویش خانه‌های‌شان را از داخل تخریب می‌کردند تا مسلمانان از آنها بهره‌مند نشوند، و مسلمانان خانه‌های‌شان را از بیرون تخریب می‌کردند. پس ای خردمندان از آنچه به سبب کفرشان به آنها رسید پند بگیرید، تا مانند آنها نباشید، که در این صورت جزا و کیفری که با آن مجازات شدند شما را نیز فرا خواهد گرفت.

﴿وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ﴾
[الحشر: ۳].

ﷻ و اگر الله بیرون راندن از خانه‌های‌شان را برای آنها ننوشته بود، به‌طور قطع با قتل و اسارت آنها را در دنیا عذاب می‌کرد، چنان‌که در مورد برادران‌شان، بنی قریظه این کار را کرد، و در آخرت عذاب جهنم در انتظارشان است و برای همیشه در آن می‌مانند.

برخی فواید آیات:

- محبتی که نمی‌گذارد مسلمان از دین کافر بیزاری بجوید و آن را ناپسند بدانند، حرام است. اما محبت فطری، مانند محبت مسلمان به خویشاوند کافر خویش جایز است.
- رابطه‌ایمانی، مستحکم‌ترین رابطه میان مؤمنان است.
- گاهی پیروان باطل برتری می‌یابند تا جایی که گمان می‌شود هرگز شکست نخواهند خورد، آن‌گاه شکست‌شان از جایی که انتظار نمی‌برند فرا می‌رسد.
- از جمله تقدیر الله در مورد مردم، دفع مصیبت‌های بزرگ با وقوع مصیبت‌های کوچک‌تر است.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۴].

این عذاب که آنها را فراگرفت به این سبب بود که با کفر و شکستن پیمان‌ها با الله و رسولش دشمنی کردند، و هرکس با الله دشمنی کند به‌راستی که الله سخت کیفر است، و کیفر سخت خویش را به او خواهد رساند.

﴿مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْرِزِيَ الْفَاسِقِينَ﴾ [الحشر: ۵].

۵ - ای گروه مؤمنان - آنچه از درختان خرما بریدید تا دشمنان الله در غزوه بنی نضیر به خشم آیند یا آنها را ایستاده بر تنه‌های‌شان رها کردید تا از آنها بهره‌مند شوید، به فرمان الله بود، و چنان که ادعا کردند نوعی فساد در زمین نبود، و برای این بود تا الله یهودیان خارج‌شده از طاعت خویش را که پیمان شکستند، و فریبکاری را بر وفاداری ترجیح دادند خوار گرداند.

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الحشر: ۶].

۶ و شما در جستجوی اموال بنی‌نضیر که الله آنها را به رسولش بازگرداند هیچ اسب و شتر سواری‌ای نتاختید، و هیچ مشقتی در آن به شما نرسید، اما الله رسولانش را بر هرکس بخواهد مسلط می‌گرداند، و رسولش را بر بنی‌نضیر به‌گونه‌ای مسلط کرد که بدون پیکار خانه‌های‌شان را فتح کرد، و الله بر هر چیزی توانا است، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ [الحشر: ۷].

۷ آنچه الله از اموال ساکنان این آبادی‌ها بدون پیکار به رسولش ارزانی داشت از آن الله است، که آن را برای هرکس بخواهد قرار می‌دهد، و ملکیت آن برای رسول ﷺ، و خویشاوندان او از بنی‌هاشم و بنی‌المطلب است؛ این مورد، جایگزینی است برای آنها به جای صدقه‌ای که از آن محروم شده‌اند، و از آن ایتام و فقرا، و مسافری که توشه‌اش را تمام کرده است؛ تا مال، فقط میان ثروتمندان دست به دست نشود و فقیران از آن محروم نگردند، و - ای مؤمنان - هر اندازه از اموال فیء که رسول ﷺ به شما داد

بگیرید، و از آنچه شما را از آن بازداشت دست بکشید، و از الله با اجرای اوامر، و اجتناب از نواهی او بترسید، که الله سخت کیفر است پس از کیفرش بترسید.

﴿لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾ [الحشر: ۸].

۸ و بخشی از این مال برای فقیران مهاجر در راه الله هزینه می‌شود همان کسانی که بر ترک اموال و فرزندان‌شان مجبور شدند، و به لطف الله بر خودشان به رزق و روزی در دنیا، و رضایت در آخرت امید دارند، و الله و رسولش را با یاری در راه او تعالی یاری می‌رسانند. اینها که صفات مذکور را دارند همان ثابت‌قدمان واقعی در ایمان هستند. الله پس از ذکر و ستایش مهاجران، انصار را نیز ذکر کرد و ستود:

﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [الحشر: ۹].

۹ و انصار که پیش از مهاجران در مدینه جای گرفتند، و ایمان به الله و رسولش را برگزیدند، و هرکس را که از مکه به سوی آنها مهاجرت کرده دوست دارند، و آن‌گاه که چیزی از فیء به مهاجران داده شود و به آنها داده نشود در سینه‌های‌شان هیچ خشم و حسادت بر مهاجران در راه الله نمی‌یابند، و در بهره دنیوی، مهاجران را بر خودشان مقدم می‌دارند، هر چند خودشان فقیر و نیازمند باشند، و هرکس الله او را از زیاده‌خواهی نفسش بر مال حفظ کرد و او مال را در راه او تعالی هزینه کرد، این افراد با رسیدن به آنچه که به آن امید دارند، و نجات از آنچه از آن می‌ترسند همان رستگاران هستند.

برخی فواید آیات:

- انجام آنچه گمان می‌رود مفسده است برای تحقق مصلحت بزرگتر، فساد در روی زمین به شمار نمی‌رود.
- از محاسن اسلام، مراعات حال نیازمندان است، که فیء را برای آنها هزینه می‌کند نه برای ثروتمندان که اموال خود آنها برای‌شان کافی است.
- ایثار یکی از صفات نیک و والای اسلامی است که به بهترین وجه در انصار آشکار شد.

﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

﴿۱۰﴾ و کسانی که تا روز قیامت پس از اینها می آیند و به نیکی از آنها پیروی می کنند می گویند: پروردگارا، ما و برادران دینی ما که در ایمان به الله و رسولش بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دل هایمان هیچ کینه و نفرتی از هیچ یک از مؤمنان قرار نده. پروردگارا به راستی که تو نسبت به بندگان بسیار بخشنده و مهربان هستی.

﴿* أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ [الحشر: ۱۱].

﴿۱۱﴾ - ای رسول - آیا ندیدی کسانی را که کفر را پنهان و ایمان را آشکار کرده اند، و به برادران خویش در کفر؛ یعنی یهودیان پیرو تورات تحریف شده می گویند: در خانه های تان بمانید که هرگز دست از یاری شما نخواهیم کشید، و هرگز شما را تسلیم نخواهیم کرد، و اگر مسلمانان شما را از آن بیرون راندند به طور قطع همراه شما بیرون می شویم، و از هیچ کس که بخواهد ما را از خروج همراه شما بازدارد فرمان نمی بریم، و هرکس با شما پیکار کند به طور قطع شما را در برابر آنها یاری خواهیم رساند، و الله گواهی می دهد که همانا منافقان در ادعای خروج همراه یهود آن گاه که اخراج شوند، و پیکار با آنها آن گاه که با آنها پیکار شود دروغگو هستند.

﴿لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأُذُنَ شُمَّ لَآ يَنْصُرُونَ﴾ [الحشر: ۱۲].

﴿۱۲﴾ اگر مسلمانان یهودیان را بیرون راندند همراه آنها خارج نمی شوند، و اگر با آنها بجنگند آنها را یاری و کمک نمی رسانند، و اگر آنها را در برابر مسلمانان یاری و کمک رسانند به طور قطع از آنها فرار خواهند کرد آن گاه منافقان، دیگر یاری نخواهند شد، بلکه الله آنها را خوار و ذلیل می گرداند.

﴿لَا أَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [الحشر: ۱۳].

﴿۱۳﴾ - ای مؤمنان - همانا هراس از شما در دل های منافقان و یهودیان بیش از هراس از الله است، این امر - یعنی ترس زیاد از شما، و ترس کم از الله - به این سبب است که آنها مردمی هستند که نمی اندیشند و نمی فهمند؛ زیرا اگر می اندیشیدند به طور

قطع می دانستند که الله سزاوارتر است به اینکه از او ترسیده شود، زیرا او است که شما را بر آنها مسلط کرد.

﴿لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي فُرَى مُّحْصَنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقَلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ [الحشر: ۱۴].

۱۴ - ای مؤمنان - یهودیان هرگز به صورت دسته جمعی با شما نمی جنگند مگر در دژهای محافظت شده با حصارها، یا از پشت دیوارها؛ زیرا آنها به سبب بزدلی نمی توانند با شما رو در رو شوند. به سبب دشمنی ای که با یکدیگر دارند نیروی آنها در میان خودشان قوی است. گمان می کنی که بر یک کلمه هستند، و صف واحدی دارند، اما واقعیت این است که دل های شان پراکنده و مختلف است. این اختلاف و دشمنی آنها با یکدیگر به این سبب است که آنها نمی اندیشند؛ زیرا اگر می اندیشیدند مسلماً حق را می شناختند و از آن پیروی می کردند، و در آن اختلاف نمی ورزیدند.

﴿كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُؤَاوَالَ أَمْرِهِمْ وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۵].

۱۵ مثل این یهودیان در کفر و کیفری که به آنها رسید، مانند مثل افراد اندکی پیش از آنها از مشرکان مکه است، که سرانجام بد کفرشان را چشیدند، چنان که در روز بدر برخی از آنها کشته شدند و برخی از آنها به اسارت درآمدند، و در آخرت عذابی دردناک دارند.

﴿كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ [الحشر: ۱۶].

۱۶ مثل آنها در شنیدن از منافقان مانند مثل شیطان است آن گاه که برای انسان آراست که کفر ورزد، اما وقتی به سبب اینکه شیطان کفر را برایش آراست کافر شد گفت: به راستی من از تو که کفر ورزیدی بیزار هستم؛ زیرا از الله پروردگار مخلوقات می ترسم.

برخی فواید آیات:

- رابطه ایمانی، از گذشت زمان و تغییر مکان متأثر نمی شود.
- دوستی منافقان برای یهودیان و دیگران، دوستی خیالی است که هنگام سختی ها از بین می رود.
- یهودیان بزدلانی هستند که رو در رو پیکار نمی کنند، و اگر بجنگند در قریه ها و سلاح های شان پناه می گیرند.

﴿فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ﴾ [الحشر: ۱۷].

۱۷) پس پایان کار شیطان و کسانی که از او اطاعت کنند این است که آن دو (یعنی شیطان اطاعت شده، و انسان فرمان بردار) روز قیامت در جهنم هستند که برای همیشه در آن میمانند، و این مجازات که در انتظار این دو است همان مجازات کسانی است که با تجاوز از حدود الله بر خویشان ستم می کنند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [الحشر: ۱۸].

۱۸) ای کسانی که به الله ایمان آورده اید و به احکامش عمل کرده اید، از الله با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی اش بترسید، و هرکسی باید بیندیشد که چه عمل صالحی برای روز قیامت فرستاده است. و از الله بترسید، زیرا الله به آنچه انجام می دهید بسیار دانا است، و ذره ای از اعمال تان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ [الحشر: ۱۹].

۱۹) و مانند کسانی نباشید که با ترک فرمان برداری از امر و اجتناب از نهی الله، او تعالی را فراموش کردند، پس الله نیز آنها را به خود فراموشی دچار کرد، که به آنچه آنها را از خشم و کيفر الله نجات می دهد عمل نکردند، اینها که الله را فراموش کردند - یعنی امرش را اجرا نکردند و از نهی دست نکشیدند - همان خارج شدگان از طاعت الله هستند.

﴿لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [الحشر: ۲۰].

۲۰) جهنمیان با بهشتیان یکسان نیستند، بلکه همانند اختلاف اعمال شان در دنیا، جزای متفاوتی دارند، بهشتیان با رسیدن به آنچه طلب می کردند و نجات یافتن از آنچه از آن می ترسیدند، رستگار هستند.

﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لَضَرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [الحشر: ۲۱].

۲۱) - ای رسول - اگر این قرآن را بر کوهی فرو می فرستادیم به طور قطع به سبب اندرزه های بازدارنده و وعیدهای سختی که در قرآن است آن کوه را با وجود صلابتش از شدت ترس الله متلاشی شده می دیدی؛ و این مثل ها را برای مردم می زنیم تا خردهای شان را به کار اندازند و از اندرزه ها و عبرت هایی که آیاتش در بردارند پند بگیرند.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ [الحشر: ۲۲].

﴿۲۲﴾ او الله است که معبود برحقى جز او نيست. دانای آنچه نهران و آشکار است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند. ذات بخشنده و مهربان دنیا و آخرت، که رحمتش جهانیان را دربرگرفته است.

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ [الحشر: ۲۳].

﴿۲۳﴾ او الله است که معبود برحقى جز او نيست. فرمانروا، و منزه و پاک از هر نقصى است. سالم از تمام عيب‌ها است. تصديق‌کننده رسولانش با آيات آشکار است. مراقب اعمال بندگان است. ذات شکست ناپذيرى است که هيچ کس بر او چيره نمی‌شود، ذات جبارى است که با جبروت خویش به همه چیز چيره است، و سزاوار عظمت است. الله از بت‌ها و هر چه که مشرکان همراه او شريك قرار می‌دهند منزه و پاک است.

﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الحشر: ۲۴].

﴿۲۴﴾ او الله است آفریدگارى که همه چیز را آفرید. پدیدآورنده اشیا، و شکل دهنده مخلوقاتش آن گونه که می‌خواهد. او سبحانه اسم‌های نیکوی مشتمل بر صفات برترش دارد. آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است او را از هر نقصى منزه می‌دانند. ذات شکست ناپذيرى است که هيچ کس بر او چيره نمی‌شود، و در آفرینش و شریعت و تقدیرش بسیار دانا است.

برخی فواید آیات:

- یکی از نشانه‌های توفیق الله برای مؤمن این است که مؤمن قبل از اینکه در روز قیامت مورد حسابرسی قرار گیرد، خود را در دنیا مورد محاسبه قرار می‌دهد.
- در یادآوری شدت اثر قرآن بر کوه بزرگ به بندگان، هشدارى است بر اینکه آنها به سبب ضعفی که دارند به این تأثیرپذیری سزاوارتر هستند.
- اسم‌های (الخالق، البارئ، المصور) بر مراحل تکوین مخلوق اعم از اندازه‌گیری او، سپس پدیدآوردنش، سپس قرار دادن شکل و سیمایی ویژه برای او دلالت دارد، و ذکر یکی از نام‌های نیک به تنهایی بر بقیه دلالت دارد.

سوره الممتحنة

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

پاک و خالص سازی دل های مؤمنان از ولاء و دوستی برای غیر دین الله تعالی.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِ وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ [الممتحنة: ١].

۱ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، دشمنان من و دشمنان خودتان را به دوستی نگیرید که با آنها دوستی و محبت کنید، درحالی که به دین حقی که توسط رسول‌تان برای شما آمده، کفر ورزیده‌اند، و رسول الله و شما را از خانه‌هایتان در مکه بیرون می‌رانند، و هیچ قرابت و رابطه خویشتاوندی‌ای را در مورد شما رعایت نمی‌کنند، آن هم بدون هیچ سببی جز اینکه شما به الله پروردگارتان ایمان آورده‌اید. اگر برای جهاد در راه من خارج شده‌اید این کار را نکنید، که اخبار مسلمانان را برای محبت به آنها پنهانی برای‌شان برسانید، درحالی که من از این کار چه آنچه را پنهان کردید و چه آنچه را آشکار کردید آگاه‌تر هستم، و ذره‌ای نه از این کار و نه از سایر امور بر من پوشیده نمی‌ماند، و هرکس این‌گونه با کافران موالات و دوستی کند به تحقیق که از راه میانه منحرف، از حق گمراه، و از راه درست دور شده است.

﴿إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتُهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ﴾ [الممتحنة: ٢].

۲ اگر بر شما دست یابند دشمنی‌ای را که در دل‌های‌شان پنهان می‌کردند آشکار می‌گردانند، و با آزار رساندن و کتک زدن، بر شما دست‌درازی می‌کنند، و زبان‌های

شان را به دشنام و ناسزاگویی می‌گشایند، و آرزو دارند که به الله و رسولش کفر ورزید تا مثل خودشان شوید.

﴿لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [الممتحنة: ۳].

☞ نه خویشاوندان و نه فرزندان تان به شما هرگز سود نخواهند رساند اگر به خاطر آنها با کافران دوستی کنید، روز قیامت الله میان شما جدایی می‌اندازد، آن‌گاه از میان شما بهشتیان را وارد بهشت و جهنمیان را وارد جهنم می‌کند، و به یکدیگر نفع نمی‌رسانید، و الله به آنچه انجام می‌دهید بینا است، و ذره‌ای از اعمال تان بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [الممتحنة: ۴].

☞ ای مؤمنان - به یقین که برای شما الگویی نیکو در ابراهیم علیه السلام و مؤمنانی که همراهش بودند است، آن‌گاه که به قوم کافر خویش گفتند: ما از شما و بت‌هایی که به جای الله عبادت می‌کنید بیزار هستیم، به دینی که شما بر آن هستید کفر ورزیدیم، و دشمنی و نفرت میان ما و شما آشکار شد تا اینکه فقط به الله ایمان آورید، و هیچ‌کس را با او شریک نگردانید. پس بر شما است که همانند آنها از قوم کافر خویش بیزاری بجوید، جز در این سخن ابراهیم علیه السلام به پدرش که گفت: به طور قطع از الله برای تو آموزش خواهم خواست، درحالی که نمی‌توانم ذره‌ای از عذاب الله را از تو دفع کنم، در این سخن از او پیروی نکنید؛ زیرا این سخن قبل از این بود که ابراهیم علیه السلام از پدرش ناامید شود. پس هیچ مؤمنی حق ندارد برای مشرکی طلب آموزش کند، پروردگارا در تمام کارهایمان به تو توکل کردیم، و توبه کنان به سوی تو بازگشتیم، و در روز قیامت بازگشت به سوی تو است.

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾
[الممتحنة: ۵].

🕌 پروردگارا، ما را وسیلهٔ آزمایش برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان به این ترتیب که آنها را بر ما مسلط کنی آن‌گاه بگویند: اگر برحق بودند ما بر آنها مسلط نمی‌شدیم، و پروردگارا گناهانمان را بپارز. به‌راستی که تو ذات شکست‌ناپذیری هستی که هرگز مغلوب نمی‌شوی، و در آفرینش و شریعت و تقدیر خویش بسیار دانا هستی.

برخی فواید آیات:

- افشاکردن اخبار پیروان اسلام به کافران یکی از گناهان کبیره است.
- دشمنی کافران ریشه‌دار است و دوستی با آنها تأثیری در این دشمنی نمی‌گذارد.
- طلب آمرزش ابراهیم علیه السلام برای پدرش به خاطر وعده‌ای بود که در این مورد به او داده بود، اما وقتی الله به سبب مرگ پدرش بر حالت کفر، او را از این کار نهی فرمود دیگر برایش طلب آمرزش نکرد.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [الممتحنة: ۶].

⑥ فقط کسی از این الگوی نیکو پیروی می کند که خیر در دنیا و آخرت را از الله امید می ورزد، و هرکس از این الگوی نیکو روی بگرداند به راستی که الله از بندگانش بی نیاز است، و نیازی به طاعت آنها ندارد، و او تعالی در هر حالی ستوده شده است.

﴿عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ [الممتحنة: ۷].

⑦ - ای مؤمنان - امید است که الله میان شما و میان کافرانی که با شما دشمنی کردند محبتی قرار دهد به گونه ای که الله آنها را به اسلام هدایت گرداند. آن گاه برادرانی دینی شما باشند، و الله ذات توانایی است که می تواند دل های شان را به ایمان بگرداند، و او تعالی نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده، و مهربان است.

﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الممتحنة: ۸].

⑧ الله شما را از کسانی که به سبب اسلام تان با شما جنگیده اند، و شما را از خانه های تان بیرون نرانده اند باز نمی دارد که با آنها نیکی کنید، و میان یکدیگر عدالت برقرار سازید یعنی حقوقی را که برعهده شما دارند به آنها بپردازید، مانند کاری که اسماء دختر ابوبکر صدیق در برابر مادر کافرش انجام داد آن گاه که نزدش آمد، پس از اینکه در این کار از پیامبر ﷺ اجازه گرفت، و پیامبر ﷺ به او فرمان داد که پیوند خویشاوندی را با مادرش برقرار کند. به راستی که الله عدالت پیشگان را دوست دارد، همان کسانی که در مورد خودشان و خانواده های شان و افراد تحت سرپرستی شان عدالت را رعایت می کنند.

﴿إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [الممتحنة: ۹].

⑨ الله فقط شما را از کسانی باز نمی دارد که به سبب ایمان تان با شما جنگیدند، و شما را از خانه های تان بیرون رانند، و بر بیرون راندن شما یاری کردند؛ شما را باز نمی دارد که با آنها دوستی برقرار کنید، و هرکس آنها را به دوستی بگیرد آنها

همان کسانی هستند که به سبب مخالفت با امر الله با قراردادن خویش در معرض نابودی، بر خودشان ستم روا داشته‌اند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاْمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُم مَّا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ أَلْوَا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [الممتحنة: ۱۰].

۱۰) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، اگر زنان مؤمن مهاجر از سرزمین کفر به سرزمین اسلام نزدتان آمدند آنها را در راستی ایمان‌شان بیازمایید، الله به ایمان‌شان آگاه‌تر است، و ذره‌ای از آنچه دل‌های‌شان دربردارد بر او پوشیده نمی‌ماند. اگر پس از آزمایش به آنچه راستگویی‌شان را برای‌تان آشکار می‌گرداند آنها را مؤمن دانستید آنها را به شوهران کافرشان بازنگردانید. برای زنان مؤمن حلال نیست که به نکاح مردان کافر درآیند، و برای کافران نیز حلال نیست که با زنان مؤمن ازدواج کنند، و به شوهران‌شان مهریه‌ای را که خرج‌شان کرده‌اند بدهید. و - ای مؤمنان - بر شما گناهی نیست که پس از انقضای عده آنها و به شرط اینکه مهریه‌های‌شان را پرداخت کردید با آنها ازدواج کنید، و هرکس همسرش زنی کافر باشد یا از اسلام بازگردد نباید آن را نگه دارد؛ چون با کفر او نکاح میان آن دو از بین می‌رود، و آنچه از مهریه همسران مرتد خویش که خرج کرده‌اید از کافران بخواهید، و آنها نیز باید آنچه از مهریه‌های آن همسران‌شان که اسلام آورده‌اند خرج کرده‌اند، بخواهند. این امر - یعنی بازگرداندن مهریه‌ها از سوی شما و از سوی آنها - همان حکم الله است. او سبحانه به آنچه می‌خواهد میان شما حکم می‌کند، و الله از احوال و اعمال بندگانش آگاه است، و ذره‌ای از احوال و اعمال‌شان بر او پوشیده نمی‌ماند، و در آنچه برای بندگانش تشریح می‌کند بسیار دانا است.

﴿وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ [الممتحنة: ۱۱].

۱۱) و اگر برخی زنان‌تان در حال ارتداد به سوی کافران رفتند، و مهریه‌شان را از کافران طلب کردید و آنها پرداخت نکردند، سپس از کافران غنیمت گرفتید، به

مردانی که همسران‌شان در حال ارتداد خارج شده‌اند مانند مهریه‌هایی که خرج کرده‌اند بدهید، و از الله که شما به او ایمان دارید با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی اش بترسید.

برخی فواید آیات:

- در برگرداندن قلب‌ها توسط الله از دشمنی به محبت، و از کفر به ایمان اشاره‌ای است به اینکه قلب‌های بندگان میان دو انگشت از انگشتان او سبحانه قرار دارد، پس بنده باید استواری بر ایمان را از او تعالی بخواهد.
- تفاوت گذاشتن در حکم میان کافران حربی و معاهد.
- حرمت ازدواج با زن کافر غیر کتابی چه از ابتدا با چنین زنی ازدواج منعقد شود یا اینکه ازدواج قبلی با چنین زنی ادامه یابد، و نیز حرمت ازدواج زن مسلمان با مرد کافر چه اینکه زن مسلمان از ابتدا با مردی کافر ازدواج کند یا اینکه ازدواج قبلی او با مرد کافر ادامه یابد.

﴿يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعُنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعُهُنَّ وَاسْتَعْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [الممتحنة: ۱۲].

❶ - ای پیامبر - اگر زنان مؤمن نزد تو آمدند که با تو بیعت کنند - مثل آنچه در فتح مکه رخ داد - بر اینکه چیزی را با الله شریک نگردانند، بلکه تنها او را عبادت کنند، و مرتکب دزدی نشوند، و زنا نکنند، و به روش اهل جاهلیت فرزندان شان را نکشند، و فرزندان متولد از زنا را به شوهران شان نسبت ندهند، و در کاری نیک مانند نهی از نوحه خوانی و سرتراشی و دریدن لباس هنگام مصیبت از تو نافرمانی نکنند - با آنها بیعت کن، و پس از اینکه با آنها بیعت بستی از الله برای شان آموزش بخواه. به راستی که الله نسبت به بندگان توبه کارش بسیار آمرزنده و مهربان است. چون سوره با نهی از دوستی با دشمنان الله آغاز شد برای تاکید، با نهی از همین امر پایان یافت، و الله تعالی فرمود:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ﴾ [الممتحنة: ۱۳].

❷ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، مردمی را که الله بر آنها خشم گرفته است به دوستی نگیرید، آنها به آخرت یقین ندارند، بلکه از آن ناامید هستند چنان که به سبب کفر به رستاخیز به بازگشت مردگان شان به سوی آنها امید ندارند.

سوره الصَّف

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تشویق مؤمنان برای یاری دین الله، و جهاد در راه او تعالی.

تفسیر:

﴿سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الصَّف: ۱].

❶ آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است الله را از هر چه سزاوارش نیست منزّه و پاک برمی شمارند، و او ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و در آفرینش و تقدیر و شریعتش بسیار دانا است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [الصف: ۲].

❶ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید: کاری را انجام دادم، حال آن که در واقع آن را انجام نداده‌اید؟! مانند سخن یکی از شما که می‌گوید: با شمشیرم جنگیدم و ضربه زدم، در حالی که با شمشیرش نه جنگیده و نه ضربه زده است.

﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [الصف: ۳].

❷ این کار یعنی اینکه چیزی را که انجام نمی‌دهید بگویید بسیار مورد خشم الله است. پس برای مؤمن سزاوار نیست جز اینکه با الله صادق باشد، و عمل او سخنش را تصدیق کند.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْضُوصًا﴾ [الصف: ۴].

❸ به‌راستی که الله مؤمنانی را دوست دارد که در راه او و در پی رضایت او تعالی صف در صف کنار یکدیگر چنان که گویی بنایی به‌هم پیوسته هستند می‌جنگند. الله پس از ذکر پیکار و ستایش مؤمنان به‌هم پیوسته در پیکار، مخالفت قوم موسی و عیسی علیهما السلام با رسولان‌شان را، برای برحذر داشتن مؤمنان از مخالفت با پیامبرشان ذکر کرد و فرمود:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاعَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ [الصف: ۵].

❹ - ای رسول - به یاد آور آن‌گاه که موسی عليه السلام به قومش گفت: ای قوم من، چرا با مخالفت با فرمانم به من آزار می‌رسانید در حالی که می‌دانید من فرستاده‌الله به سوی شما هستم؟! پس چون از حقیقتی که نزدشان آمده بود بازگشتند و منحرف شدند الله دل‌های‌شان را از حق و استقامت بازگرداند، و الله مردمی را که از او تعالی اطاعت نکنند به‌سوی حق توفیق نمی‌دهد.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت بیعت با ولی امر بر سمع و طاعت و تقوی.
- وجوب راستی در کردار و مطابقت کردار با گفتار.
- الله راه خیر و شر را برای بنده آشکار کرده است، پس اگر بنده انحراف و گمراهی را برگزیند و توبه نکند الله او را با افزودن بر انحراف و گمراهی‌اش مجازات می‌کند.

﴿وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾ [الصف: ۶].

⑥ و - ای رسول - به یاد آور آن گاه که عیسی پسر مریم گفت: ای بنی اسرائیل، در حقیقت من فرستاده‌ی الله هستم که مرا به سوی شما مبعوث کرد در حالی که تورات را که پیش از من نازل شد تصدیق می‌کنم، پس نخستین فرد از رسولان نیستم، و مژده‌دهنده‌ی رسولی هستم که پس از من می‌آید و نامش احمد است، اما وقتی عیسی علیه السلام با حجت‌های دلالت‌کننده بر راستگویی خویش نزد آنها آمد گفتند: این سحری آشکار است، و از او پیروی نخواهیم کرد.

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الصف: ۷].

⑦ و هیچ‌کس ستمکارتر از کسی نیست که بر الله دروغ می‌بندد آنجا که شریکانی برای او تعالی قرار می‌دهد و آنها را به جای او عبادت می‌کند در حالی که به اسلام یعنی دین توحید خالص برای الله فراخوانده می‌شود، و الله مردمی را که با شرک و گناهان به خودشان ستم می‌کنند، به هدایت و راستی توفیق نمی‌دهد.

﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ [الصف: ۸].

⑧ این تکذیب‌کنندگان می‌خواهند با سخنان فاسد و تخریب‌حق نور الله را خاموش کنند، حال آن‌که الله برخلاف میل آنها نورش را با اظهار دین خویش در تمام زمین و بالابردن کلمه‌اش کامل می‌گرداند.

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ [الصف: ۹].

⑨ الله همان ذاتی است که رسولش محمد صلی الله علیه و آله را با دین اسلام، دین هدایت و راهنمایی به خیر، دین علم سودمند و عمل صالح، فرستاد؛ تا برخلاف میل مشرکان که نفرت دارند از اینکه دین اسلام در زمین قدرت یابد آن را بر تمام ادیان برتری دهد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [الصف: ۱۰].

⑩ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید، و به احکامش عمل کرده‌اید، آیا شما را به تجارتی سودآور که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد راهنمایی و هدایت کنم؟

﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الصف: ۱۱].

۱۱) این تجارت سودآور آن است که به الله و رسولش ایمان آورید، و با انفاق اموال تان و بخشیدن جان‌های تان در جستجوی رضایت او تعالی در راه او سبحانه بجهنگید؛ این کار برای تان بهتر است اگر بدانید. پس به سوی آن بشتابید.

﴿يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [الصف: ۱۲].

۱۲) و سود این تجارت آن است که الله گناهان تان را برای شما می‌آمرزد، و شما را به بهشت‌هایی که رودها از زیر کاخ‌ها و درختانش جاری است وارد می‌کند، و شما را در مسکن‌های خوش‌اقامتی در بهشت که هرگز از آنها جابه‌جا نمی‌شوید وارد می‌سازد. این جزای مذکور، همان رستگاری بزرگی است که هیچ رستگاری‌ای با آن برابری نمی‌کند.

﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الصف: ۱۳].

۱۳) و سود دیگر این تجارت که شما آن را دوست می‌دارید در دنیا پیش افتاده است، و آن اینکه الله شما را در برابر دشمنان تان یاری می‌کند، و پیروزی‌ای نزدیک است یعنی فتح مکه و غیر آن را که بر شما می‌گشاید. و - ای رسول - مؤمنان را به پیروزی در دنیا و دستیابی به بهشت در آخرت که آنها را راضی می‌سازد مژده بده.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَلَمَّنتَ طَائِفَةً مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ﴾ [الصف: ۱۴].

۱۴) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، با یاری دین الله که رسول تان آن را آورد یاران الله باشید همانند حواریون آن گاه که عیسی عليه السلام به آنها گفت: یاران من در راه الله چه کسانی هستند؟ و آنها سریع به او پاسخ دادند: ما یاران الله هستیم. سپس گروهی از بنی اسرائیل به عیسی عليه السلام ایمان آوردند، و گروهی دیگر به او کفر ورزیدند. ما کسانی را که به عیسی عليه السلام ایمان آوردند در برابر کسانی که به او کفر ورزیدند یاری کردیم، تا بر آنها چیره شدند.

برخی فواید آیات:

- مژده دادن رسالت‌های پیشین به پیامبرمان ﷺ بر راستی نبوت او دلالت دارد.
- قدرت دادن دین، سنتی الهی است.
- ایمان و جهاد در راه الله از اسباب ورود به بهشت است.
- الله گاهی پاداش مؤمن را در دنیا قرار می‌دهد، و گاهی آن را در آخرت برایش ذخیره می‌سازد اما او - سبحانه - هرگز پاداش وی را تباه نمی‌سازد.

سوره الجمعة

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

بیان نعمت بخشی الله بر امت اسلامی در برتری و هدایت آن با رسول ﷺ پس از اینکه گمراه بود، و الزام به طاعتش، و برحذر داشتن از مشابهت با یهودیان.

تفسیر:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾
[الجمعة: ۱].

تمام مخلوقاتی که در آسمانها و در زمین هستند، الله را از تمام صفات نقصی که سزاوار او تعالی نیست منزّه و پاک برمی شمارند، مالک و فرمانروایی یگانه، منزّه از هر نقصی، و ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و در آفرینش و شریعت و تقدیرش بسیار دانا است.

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَنفٰی ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الجمعة: ۲].

او تعالی همان ذاتی است که در میان عرب که نه خواندن و نه نوشتن بلد بودند، رسولی از جنس خودشان فرستاد تا آیاتش را که بر او نازل کرد بر آنها بخواند، و آنها را از کفر و اخلاق زشت، پاکیزه سازد، و به آنها قرآن و سنت بیاموزد، و به راستی که آنها قبل از فرستاده شدن رسول به سوی شان در گمراهی آشکاری از حق بودند، چون بت ها را عبادت می کردند، خون ها می ریختند، و پیوندهای خویشاوندی را می گسستند.

﴿وَأَخْرَجَ مِنْهُمْ لِمَا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الجمعة: ۳].

و این رسول را به سوی قومی دیگر از عرب و غیر آنها که هنوز نیامده اند، و خواهند آمد، فرستاد، و او ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی شود، و در آفرینش و شریعت و تقدیرش بسیار دانا است.

﴿ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ [الجمعة: ۴].

این امر - یعنی فرستاده شدن رسول به سوی عرب و غیر آنها - بخشش الله است که آن را به هرکس بخواهد می دهد، و الله دارای بخششی بزرگ است، و از جمله بخشش بزرگ او این است که رسول این امت را به سوی تمام مردم فرستاد. الله پس از برشمردن بعثت رسول و فرورستاندن قرآن، رویگردانی برخی پیروان موسی علیه السلام از عمل به احکام تورات را برای تحذیر امت اسلام از پیروی آنها بیان کرد و فرمود:

﴿مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [الجمعة: ۵].

مثل کسانی که به احکام تورات مکلف شدند اما آن را رها کردند، مانند مثل الاغی است که کتاب های زیادی بر پشت خویش حمل می کند، اما نمی داند آنچه بر او بار شده: کتاب است یا چیزی دیگر؟ زشت است مثل مردمی که آیات الله را تکذیب کردند، و الله مردم ستمکار را در رسیدن به حق توفیق نمی دهد.

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [الجمعة: ۶].

ای رسول - بگو: ای کسانی که پس از تحریف یهودیت بر آن مانده اید، اگر ادعا می کنید که شما آن دسته از دوستان الله هستید که از میان مردم فقط شما را برای دوستی برگزیده است مرگ را آرزو کنید؛ تا کرامتی که - به ادعای خودتان - به شما اختصاص داده شده است به تعجیل بیفتد اگر در این ادعا که از میان مردم فقط شما دوستان الله هستید، راست می گوید.

﴿وَلَا يَتَمَتَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾ [الجمعة: ۷].

ولی به سبب کفر و گناهان و ستم، و تحریف و تبدیل تورات که مرتکب شده اند هرگز مرگ را آرزو نخواهند کرد، بلکه جاودانگی در دنیا را آرزو می کنند، و الله از ستمکاران آگاه است، و ذره ای از اعمال شان بر او پوشیده نمی ماند، و به زودی آنها را در قبال اعمال شان جزا خواهد داد.

﴿قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ
وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [الجمعة: ۸].

۸ - ای رسول - به این یهودیان بگو: همانا مرگی که از آن می‌گریزید بدون تردید زود یا دیر شما را فرامی‌گیرد، سپس روز قیامت به‌سوی الله که دانای تمام امور نهان و آشکار است و ذره‌ای از این دو بر او پوشیده نمی‌ماند، بازگردانیده می‌شوید. آن‌گاه شما را از آنچه در دنیا انجام می‌دادید آگاه می‌سازد، و در قبال آن مجازات می‌کند.

برخی فواید آیات:

- بزرگی نعمت پیامبر ﷺ بر بشریت به صورت عام و بر عرب به صورت خاص، که در جاهلیت و تباهی قرار داشتند.
- هدایت، بخششی از جانب الله است، که فقط از او طلب می‌شود و با طاعت او به دست می‌آید.
- تکذیب این ادعای یهود که آنها دوستان الله هستند، با مبارزه طلبی آنها به اینکه مرگ را آرزو کنند اگر در این ادعا راستگو هستند؛ چون دوست، مشتاق رسیدن به دوستش است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا
الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الجمعة: ۹].

⑩ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، هرگاه موذن برای نماز روز جمعه بعد از بالا رفتن خطیب بر منبر ندا داد، برای حضور در خطبه و نماز به سوی مساجد بشتابید، و داد و ستد را رها کنید تا شما را از طاعت باز ندارد. - ای مؤمنان - این شتاب و رها کردن داد و ستد پس از اذان نماز جمعه که به آن فرمان داده شده‌اید برای تان بهتر است اگر بدانید. پس آنچه را الله شما را به آن فرمان داد اجرا کنید.

﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الجمعة: ۱۰].

⑪ و هنگامی که نماز جمعه را به پایان رساندید برای جستجوی کسب حلال، و برآورده کردن نیازهای تان در زمین پراکنده شوید، و بخشش الله را از راه کسب و سود حلال بجوید، و الله را در هنگام جستجوی رزق و روزی بسیار یاد کنید، و جستجوی روزی، ذکر الله را از یاد شما نبرد؛ تا به آنچه دوست دارید دست یابید، و از آنچه از آن می‌ترسید نجات پیدا کنید.

﴿وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِو
وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ [الجمعة: ۱۱].

⑫ و - ای رسول - برخی مسلمانان هرگاه تجارت یا سرگرمی‌ای ببینند برای رفتن به سوی آن پراکنده می‌شوند، و تو را ایستاده بر منبر رها می‌کنند، - ای رسول - بگو: پاداش عمل صالح که نزد الله است از تجارت و سرگرمی‌ای که به سوی آن رفتید بهتر است، و الله بهترین روزی‌دهندگان است.

سوره المنافقون

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

رسوا کردن منافقان و صفاتشان و بیان موضع آنها در برابر اسلام و پیروانش، و برحذر داشتن از منافقان و شبیه شدن به آنها.

تفسیر:

﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ [المنافقون: ۱].

① - ای رسول - منافقان که اسلام را آشکار، و کفر را پنهان می کنند، چون در مجلس تو حاضر شوند می گویند: گواهی می دهیم که تو واقعاً فرستاده الله هستی. الله می داند که تو واقعاً فرستاده اش هستی و گواهی می دهد که منافقان در این ادعا که از صمیم قلب گواهی می دهند تو فرستاده الله هستی دروغ می گویند.

﴿اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [المنافقون: ۲].

② سوگندهای شان را که بر ادعای ایمان خویش ایراد می کنند، پوشش و سپری در برابر قتل و اسارت برای خودشان قرار داده اند، و با ایجاد تردید و دروغ افکنی هایی که منتشر می کنند مردم را از ایمان بازداشته اند. چه زشت است نفاق و سوگندهای دروغینی که مرتکب می شوند.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [المنافقون: ۳].

③ این امر به سبب آن است که آنها از روی نفاق ایمان آوردند، و ایمان به دل های شان نرسیده است، سپس پنهانی به الله کفر ورزیدند. پس الله به سبب کفرشان بر دل های شان مهر نهاد چنانکه ایمان در آن داخل نمی شود، و به سبب این مهر آنچه را صلاح و رشدشان در آن باشد درک نمی کنند.

﴿وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ حُشْبٌ مُسَنَّدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْى يُؤْفَكُونَ﴾ [المنافقون: ۴].

④ و - ای بیننده - وقتی آنها را ببینی به سبب فراخی و ناز و نعمتی که در آن هستند سیما و حالت شان تو را به تعجب وامی دارد، و اگر سخن بگویند به سبب

بلاغتی که در کلامشان است به آنها گوش فرا می‌دهی. - ای رسول - گویی آنها در مجلس تو چوب‌هایی تکیه داده بر دیوار هستند، که هیچ چیزی نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند، و به سبب بزدلی گمان می‌کنند هر صدایی آنها را مورد هدف قرار می‌دهد. آنها دشمن واقعی هستند. پس - ای رسول - از آنها برحذر باش از اینکه سرّی برایت فاش کنند یا نیرنگی به تو بزنند، الله آنها را عذاب کند، چگونه با وجود دلایل آشکار، و براهین روشنِ ایمان، از آن گمراه می‌شوند؟!

برخی فواید آیات:

- وجوب شتاب در رفتن به نماز جمعه پس از اذان و حرمت پرداختن به سایر امور دنیا مگر از روی عذر.
- در تخصیص سوره به منافقان هشدار است بر خطر زیاد و پنهان‌کاری آنها.
- نیکویی باطن معتبر است؛ نه زیبایی ظاهر و نه خوب سخن گفتن.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾ [المنافقون: ۵].

۵ و هرگاه به این منافقان گفته شود: با پوزش خواهی از آنچه از شما سر زد نزد رسول الله بیایید، تا برای گناهان تان از الله آمرزش بخواید، از روی تمسخر و استهزا سرهای شان را برمی گردانند، و آنها را می بینی که از آنچه به آن فرمان یافته اند خودداری می کنند، درحالی که از پذیرش و اطاعت حق رویگردان هستند.

﴿سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾ [المنافقون: ۶].

۶ - ای رسول - فرقی نمی کند برای گناهان شان آمرزش بخواهی یا آمرزش نخواهی. الله هرگز گناهان شان را نخواهد بخشید؛ زیرا الله خارج شدگان از طاعتش را که بر نافرمانی از او تعالی پافشاری می کنند توفیق نمی دهد.

﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ حَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ [المنافقون: ۷].

۷ آنها همان کسانی هستند که می گویند: اموال تان را بر کسانی که نزد رسول الله هستند چه فقرا و چه بادیه نشینان پیرامون مدینه انفاق نکنید تا از نزدش پراکنده شوند، درحالی که گنجینه های آسمان ها و زمین فقط از آن الله است، که برای هر یک از بندگان بخواید رزق و روزی می دهد، اما منافقان نمی دانند که گنجینه های روزی به دست او سبحانه است.

﴿يَقُولُونَ لَيْنَ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [المنافقون: ۸].

۸ سرکرده آنها عبدالله بن ابی می گوید: اگر به مدینه بازگردیم به طور قطع کسی که عزیزتر است - یعنی من و قومم - آن کسی را که خوارتر است، یعنی محمد ﷺ و اصحابش را از آنجا بیرون خواهد کرد، درحالی که عزت فقط برای الله و رسولش و مؤمنان است؛ نه برای عبدالله بن ابی و یارانش. اما منافقان نمی دانند که عزت برای الله و رسولش و مؤمنان است.

الله پس از بیان اشتیاق منافقان بر بخل در انفاق برای بازداشتن از راه الله، مؤمنان را از این کار برحذر داشت، و به انفاق در راه خویش فرمان داد و فرمود:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ [المنافقون: ۹].

❶ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، اموال و فرزندان‌تان شما را از نماز یا سایر فرائض اسلام باز ندارد، و هرکس اموال و فرزندان‌ش او را از نماز و سایر مواردی که الله برایش واجب کرده است باز ندارد، به تحقیق که اینها همان زیانکاران به خودشان و خانواده‌های‌شان در روز قیامت هستند.

﴿وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ﴾ [المنافقون: ۱۰].

❷ و از اموالی که الله به شما روزی داده است انفاق کنید پیش از اینکه مرگ یکی از شما فرا رسد، آن‌گاه به پروردگارش بگویند: پروردگارا چرا تا زمانی اندک به من مهلت ندادی، تا از مالم در راه تو صدقه بدهم، و از بندگان صالح الله که اعمال نیکو انجام داده‌اند باشم.

﴿وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ [المنافقون: ۱۱].

❸ ولی الله سبحانه به هرکس که اجلس فرا رسد و عمرش پایان یابد مهلت نمی‌دهد، و الله از آنچه انجام می‌دهید بسیار آگاه است، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا می‌دهد؛ اگر خیر باشد جزای خیر، و اگر شر باشد جزای شر.

برخی فواید آیات:

- رویگردانی از نصیحت‌ها و تکبر، از صفات منافقان است.
- یکی از وسایل دشمنان دین، محاصره اقتصادی مسلمانان است.
- خطر اموال و فرزندان وقتی از یاد الله باز دارند.

سوره التغابن

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

ذکر زیان و تباهی کافران در روز قیامت، برای برحذر داشتن از کفر و کفران.

تفسیر:

﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التغابن: ۱].

① تمام مخلوقاتی که در آسمان‌ها و زمین هستند الله را از صفات نقصی که سزاوار او نیست منزّه و پاک برمی‌شمارند. فرمانروایی و مالکیت فقط برای او است، و غیر او هیچ حق مالکیتی ندارد، و ستایش نیکو برای او است، و او بر هر چیزی توانا است، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ [التغابن: ۲].

② - ای مردم - او همان ذاتی است که شما را آفرید اما برخی از شما به او کافر هستند و مقصدشان جهنم است، و برخی از شما به او مؤمن هستند و مقصدشان بهشت است، و الله به آنچه انجام می‌دهید بینا است، و ذره‌ای از اعمال‌تان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾ [التغابن: ۳].

③ آسمان‌ها و زمین را به حق آفریده، و این دو را بیهوده نیافریده است، و - ای مردم - به لطف و احسان خویش سیمای شما را به زیبایی بیاراست، و اگر می‌خواست به‌طور قطع آن را زشت قرار می‌داد، و در روز قیامت بازگشت فقط به‌سوی او است. آن‌گاه شما را در برابر اعمال‌تان جزا می‌دهد؛ اگر خیر باشد جزای خیر، و اگر شر باشد جزای شر.

﴿يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [التغابن: ۴].

❶ از آنچه در آسمان‌ها، و آنچه در زمین است آگاهی دارد، و اعمال پنهان و آشکار شما را می‌داند، و از خیر و شری که در سینه‌ها است آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [التغابن: ۵].

❷ - ای مشرکان - آیا خبر امت‌های تکذیب‌کننده پیش از شما، مانند قوم نوح و عاد و ثمود و دیگران، به شما نرسیده است، که کیفر کفری که در دنیا بر آن بودند چشیدند، و در آخرت عذابی دردناک برای‌شان است؟! آری، به‌طور قطع خبرشان به شما رسیده است، پس از سرانجام کارشان پند بگیرید، و قبل از این که عذابی مانند عذاب آنها، شما را فراگیرد به‌سوی الله توبه کنید.

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ﴾ [التغابن: ۶].

❸ عذابی که به آنها رسید فقط به این سبب بود که رسولان‌شان دلایل آشکار و براهین روشن از جانب الله برای‌شان می‌آوردند، اما آنها با این اعتراض که رسولان از جنس بشر هستند می‌گفتند: آیا انسانی ما را به‌سوی حق راهنمایی می‌کند؟! پس کفر می‌ورزیدند و از ایمان به آنها روی می‌گرداندند. اما ذره‌ای به الله زیان نرساندند، و الله از ایمان و طاعت‌شان بی‌نیاز است؛ زیرا طاعت‌شان چیزی بر او نمی‌افزاید، و الله ذات بی‌نیازی است که به بندگانش نیاز ندارد، و در اقوال و افعالش ستوده شده است.

﴿زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَشَاعِرٌ ثُمَّ لَتَنُوبَنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ [التغابن: ۷].

❹ کافران پنداشتند که الله هرگز آنها را پس از مرگشان زنده مبعوث نخواهد کرد. - ای رسول - به این منکران رستاخیز بگو: آری به پروردگارم سوگند که به‌طور قطع برانگیخته خواهید شد، سپس به یقین، از آنچه در دنیا انجام می‌دادید به شما

خبر داده خواهد شد، و این رستاخیز بر الله آسان است؛ زیرا شما را نخستین بار آفریده است، در نتیجه بر برانگیختن شما پس از مرگتان به صورت زنده برای حسابرسی و جزا توانا است.

﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ [التغابن: ۸].

۸ پس - ای مردم - به الله و به رسولانش، و به قرآن که آن را بر رسولمان فرو فرستادیم ایمان آورید، و الله به آنچه انجام می‌دهید بسیار دانا است. ذره‌ای از اعمالتان بر او پوشیده نمی‌ماند، و به زودی شما را در قبال آن جزا خواهد داد.

﴿يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكْفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التغابن: ۹].

۹ و - ای رسول - روز قیامت را به یاد آور که الله شما را در آن گرد می‌آورد تا در قبال اعمالتان جزا دهد. در آن روز زیان و نقص کافران آشکار می‌گردد؛ زیرا مؤمنان منازل جهنمیان را در بهشت، و جهنمیان منازل بهشتیان را در جهنم به ارث می‌برند، و هرکس به الله ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد الله بدی‌هایش را می‌پوشاند، و او را در بهشت‌هایی که نهرها از زیر کاخ‌ها و درختانش جاری است وارد می‌کند که برای همیشه در آن می‌مانند، و از آن اخراج نمی‌شوند، و نعمت‌هایش از آنها قطع نمی‌گردد. این چیزی که به آن دست می‌یابند همان رستگاری بزرگی است که هیچ رستگاری دیگری با آن برابری نمی‌کند.

برخی فواید آیات:

- یکی از احکام الله تقسیم‌بندی مردم به دو گروه بدبختان و سعادت‌مندان است.
- یکی از روش‌های یاری‌رسان بر انجام عمل صالح، یادآوری زیان مردم در روز قیامت است.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [التغابن: ۱۰].

﴿۱۰﴾ و کسانی که به الله کفر ورزیدند، و آیات ما را که بر رسولانمان نازل کردیم تکذیب کردند، اینها ساکنان جهنم هستند که برای همیشه در آن می‌مانند، و چه مقصد بسیار زشتی دارند.

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۱].

﴿۱۱﴾ مصیبتی بر جان یا مال یا فرزندان هیچ‌کسی، جز به قضا و قدر الله وارد نمی‌شود، و هرکس به الله و قضا و قدرش ایمان آورد الله قلبش را برای تسلیم بر فرمانش و رضایت به قضا و قدرش توفیق می‌دهد، و الله از هر چیزی آگاه است، و هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [التغابن: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و از الله و رسول ﷺ اطاعت کنید، و اگر از آنچه رسول ﷺ برای‌تان آورده است روی گردانید گناه این رویگردانی بر خودتان است، و برعهده رسول ما جز تبلیغ آنچه او را به تبلیغ آن فرمان داده‌ایم نیست، و به تحقیق که آنچه را به تبلیغ آن فرمان یافته ابلاغ کرده است.

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ [التغابن: ۱۳].

﴿۱۳﴾ الله همان معبود برحق است، که هیچ معبود برحقى جز او نیست، و مؤمنان باید در تمام کارهای‌شان فقط بر الله توکل کنند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۴].

﴿۱۴﴾ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، به‌راستی که برخی از همسران و فرزندان‌تان دشمن شما هستند؛ چون شما را از یاد الله و جهاد در راه او تعالی باز می‌دارند، و منصرف می‌کنند، پس برحذر باشید که در شما تاثیر بگذارند، و اگر از لغزش‌های‌شان درگذرید و صرف نظر کنید و بر آنها بیوشانید، به‌راستی که الله گناهان‌تان را بر شما می‌آمرزد و بر شما رحم می‌کند، چون جزا از جنس عمل است.

﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۵].

﴿۱۵﴾ جز این نیست که اموال و فرزندان تان وسیلهٔ آزمایش و ارزیابی شما هستند، که شما را بر کسب حرام، و ترک طاعت الله وامی دارند، اما هرکس طاعت الله را بر طاعت فرزندان، و بر مشغول شدن به مال ترجیح دهد پاداش بزرگی نزد الله دارد، و این پاداش بزرگ همان بهشت است.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [التغابن: ۱۶].

﴿۱۶﴾ پس از الله با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی اش تا جایی که توانایی این کار را دارید بترسید، و از الله و رسولش بشنوید و اطاعت کنید، و اموال تان را که الله آن را برای تان ارزانی داشته در راه‌های خیر ببخشید، و هرکس الله او را از زیاده‌خواهی نفسش حفظ کند اینها همان دست‌یافتگان به آنچه می‌طلبند، و نجات‌یافتگان از آنچه از آن می‌ترسند هستند.

﴿إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾ [التغابن: ۱۷].

﴿۱۷﴾ اگر وامی نیکو به الله بدهید؛ یعنی بخشی از اموال تان را در راه او ببخشید، بر مزدتان با قراردادن یک نیکی به ده برابر تا هفتصد برابر و حتی بسیار بیشتر می‌افزاید، و از گناهان تان درمی‌گذرد، و الله ذات بسیار بخشنده‌ای است که در برابر عمل اندک مزد بسیار می‌دهد، و ذات بسیار بردباری است که کیفر را به تعجیل نمی‌اندازد.

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ [التغابن: ۱۸].

﴿۱۸﴾ الله سبحانه دانای نهان و آشکار است، هیچ امر نهان و آشکار بر او پوشیده نمی‌ماند، ذات شکست ناپذیری است که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در آفرینش و شریعت و تقدیرش بسیار دانا است.

برخی فواید آیات:

- وظیفهٔ رسولان تبلیغ از جانب الله است، اما هدایت فقط در دست او تعالی است.
- ایمان به تقدیر، سبب آرامش و هدایت است.
- انسان در حد توان خویش مکلف است.
- چند برابر شدن پاداش انفاق‌کننده در راه الله.

سوره الطَّلَاق

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار اهمیت و بزرگی مسئله طلاق و حدود آن، و بیان سرانجام تقوا و تجاوز از حدود الله.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ [الطلاق: ۱].

۱) ای پیامبر، هرگاه تو یا یکی از امت تو خواست همسرش را طلاق دهد باید او را در ابتدای عده‌اش طلاق دهد؛ یعنی طلاق در طهری که با او نزدیکی نکرده است واقع شود، و عده را محاسبه کنید، تا اگر خواستید در عده به همسران‌تان مراجعه کنید بتوانید، و از الله پروردگارتان با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی او بترسید. همسران مطلقه خویش را از خانه‌هایی که در آن سکونت دارند بیرون نکنید، و خودشان نیز نباید خارج شوند، تا اینکه عده‌شان سپری شود؛ مگر اینکه فاحشه‌ای آشکار مانند زنا مرتکب شوند، و این احکام همان حدود الله هستند که برای بندگانش مشخص کرده است، و هرکس از حدود الله بگذرد به‌طور قطع به‌سبب نافرمانی از پروردگارش، با قرار دادن خویش در معرض نابودی، بر خویشتن ستم کرده است. - ای طلاق‌دهنده - نمی‌دانی شاید الله در ادامه رغبتی در دل زوج ببیند تا به همسرش رجوع کند.

﴿فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ [الطلاق: ۲].

۲) پس هرگاه پایان عده‌شان نزدیک شد با رغبت و معاشرت نیکو به آنها رجوع کنید، یا به آنها رجوع نکنید تا عده‌شان سپری شود، تا اختیار کار آنها به دست

خودشان باشد، و حقوقشان را به آنها بپردازید، و اگر خواستید به آنها رجوع کنید یا از آنها جدا شوید برای جلوگیری از ایجاد نزاع، دو شاهد عادل مرد از خودتان گواه بگیرید، و - ای گواهان - گواهی را به هدف وجه الله برپا دارید؛ کسی که به الله و روز قیامت ایمان دارد از این احکام پند داده می‌شود؛ زیرا چنین کسی از یادآوری و اندرز سود می‌برد، و هرکس از الله با امتثال اوامر و اجتناب از نواهی‌اش بترسد، الله راه برون‌رفتی از هر تنگنا و حرجی که در آن قرار گرفته برایش قرار می‌دهد.

﴿وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾ [الطلاق: ۳].

﴿۳﴾ و از جایی که به ذهنش خطور نمی‌کند، و به گمانش نمی‌رسد به او روزی می‌دهد، و هرکس در کارهایش بر الله توکل کند او تعالی برایش کافی است. به‌راستی که الله فرمانش را اجرا می‌کند. از هیچ‌چیز ناتوان نیست، و هیچ‌چیز از دستش نمی‌رود. الله بر هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است که در آن پایان می‌یابد، پس برای سختی اندازه‌ای است، و برای آسانی اندازه‌ای است؛ یعنی هیچ‌یک از این دو بر انسان همیشگی و ماندگار نیست.

﴿وَاللَّائِي يَيْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۴].

﴿۴﴾ و زنان مطلقه‌ای که به‌سبب سن زیاد از اینکه عادت ماهیانه ببینند ناامید هستند، اگر در چگونگی عده‌شان شک کردید عده آنها سه ماه است، و نیز عده زنانی که به‌سبب خردسالی هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند سه ماه است. و پایان عده طلاق یا وفات (شوهر) برای زنان باردار: زمانی است که وضع حمل کنند، و هرکس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی بترسد، الله کارهایش را بر او تسهیل می‌کند، و هر سختی‌ای را برایش آسان می‌گرداند.

﴿ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا﴾ [الطلاق: ۵].

﴿۵﴾ - ای مؤمنان - این احکام طلاق و رجوع و عده، حکم الله است که برای‌تان فرستاد تا آنها را بدانید، و هرکس با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالی

بترسد، الله گناہانی را که مرتکب شده است پاک می‌کند، و اجری بزرگ، یعنی ورود به بهشت، و دستیابی بر نعمت‌هایی جاویدان به او می‌دهد.

برخی فواید آیات:

- خطاب به پیامبر ﷺ، خطاب به امتش به شمار می‌رود تا زمانی که برای او تخصیص ثابت نشود.
- وجوب مسکن و نفقه بر عهدهٔ مرد برای زن مطلقه به طلاق رجعی.
- تشویق بر گرفتن گواه برای از بین بردن بذر اختلاف.
- فراوانی و بزرگی فواید تقوی.

الله پس از بیان حکم طلاق و رجوع، حکم نفقه و مسکن را بیان کرد و فرمود:

﴿أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِيُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأُتِمُّوا بِئِنَّكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسَرِّضُوعَ لَهَا أُخْرَى﴾ [الطلاق: ۶].

۶ - ای شوهران - آنها را در همان جایی که سکونت دارید به اندازه توانایی تان سکونت دهید، زیرا الله شما را بیش از آن مکلف نکرده است، و در نفقه و سکونت و سایر موارد به آنها زیان وارد نکنید که بخواهید بر آنها تنگ بگیرید، و اگر زنان مطلقه باردار بودند نفقه آنها را بدهید تا وضع حمل کنند. اگر فرزندان تان را شیر دادند اجرت شیردادن شان را به آنها بپردازید، و در امر اجرت به عرف مراجعه کنید، اما اگر شوهر اجرتی را که همسر می خواهد به او نداد، و زن نیز به اجرتی که مد نظر شوهر است راضی نشد، پدر باید زن شیرده دیگری به اجاره بگیرد تا فرزندش را برای او شیر دهد.

﴿لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾ [الطلاق: ۷].

۷ کسی که توانایی مالی خوبی دارد باید از دارایی خویش بر زن مطلقه و فرزندش خرج کند، و هرکس از نظر روزی در تنگنا قرار دارد باید از روزی ای که الله به او عطا کرده است خرج کند، الله هیچ کس را جز به آنچه که به او عطا کرده مکلف نساخته است، یعنی او را نه به فراتر از آن، و نه به فراتر از توانش مکلف نمی کند، الله به زودی پس از تنگی و سختی حالش، گشایش و بی نیازی برای او قرار می دهد.

الله پس از بیان تعدادی اوامر، از ترک آنها برحذر داشت، و سرانجام بد آن را بیان کرد و فرمود:

﴿وَكَايِنٍ مِّن قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبُنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا﴾ [الطلاق: ۸].

۸ و چه بسیار قریه هایی که وقتی از امر پروردگارش سبحانه و امر رسولانش نافرمانی کردند، آنها را در قبال اعمال بدشان سخت مورد محاسبه قرار دادیم، و با عذابی رسواکننده در دنیا و آخرت عذاب کردیم.

﴿فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا﴾ [الطلاق: ۹].

۹ پس کیفر اعمال بدشان را چشیدند، و سرانجام آنها در دنیا و آخرت تباهی بود.

﴿أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ [الطلاق: ۱۰].

☉ الله عذابی سخت برای شان فراهم کرده است، پس - ای خردمندانى كه به الله و به رسولش ایمان آورده‌اید- با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی الله از او تعالى بترسید، تا عذابی كه به آنها رسید شما را در برنگیرد، به تحقیق كه الله ذكری را برای تان نازل کرده است كه سرانجام بد نافرمانی از او تعالى، و عاقبت خوش فرمان برداری از او را برای تان یادآوری می‌كند.

﴿رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُمَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا﴾ [الطلاق: ۱۱].

☉ این ذكر همان فرستادهٔ او است كه آیات روشن الله را كه هیچ ابهامی در آنها نیست برای تان می‌خواند؛ تا كسانی كه به الله ایمان آورده‌اند و رسولش را تصدیق کرده‌اند، و اعمال صالح انجام داده‌اند از تاریكى‌های گمراهی به سوی نور بیرون آورده شوند، و هر كس به الله ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، الله او را به بهشت‌هایی كه نهرها از زیر كاخ‌ها و درختانش جاری است وارد می‌كند كه برای همیشه در آن می‌مانند. الله رزق و روزی را برایش نيكو می‌گرداند به گونه‌ای كه او را به بهشتی كه نعمت‌هایش قطع نمی‌شود وارد می‌كند.

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [الطلاق: ۱۲].

☉ الله همان ذاتی است كه هفت آسمان، و هفت زمین را مانند آنها آفرید، فرمان‌گونه و شرعی الله میان آنها فرود می‌آید؛ تا بدانند كه الله بر هر چیزی توانا است، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد، و او سبحانه بر همه چیز احاطهٔ علمی دارد، و هیچ چیز نه در آسمان‌ها و نه در زمین بر او پوشیده نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- عدم وجوب شیردادن بر زن باردار مطلقه.
- تکلیف فقط به اندازهٔ توانایی است.
- ایمان به قدرت و احاطهٔ علم الله تعالى بر هر چیزی، سبب رضایت و آرامش قلبی است.

سوره التَّحْرِيم

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تربیت بیت نبوی؛ تا الگویی نیکو برای خانواده و جامعه باشد.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرَضَاتِ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾
[التحریم: ۱].

۱) ای رسول، چرا کام‌جویی از کنیز خویش ماریه رضی الله عنها را که الله برایت حلال کرده، برای خشنود کردن همسرانت که احساسات‌شان علیه او برانگیخته شده، بر خودت حرام می‌کنی، و الله نسبت به تو بسیار آمرزنده و مهربان است؟!

﴿قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾
[التحریم: ۲].

۲) الله گشودن سوگندهای‌تان را با کفارهِ اگر در آن خیری دیدید یا در آن حانث شدید برای‌تان تشریح کرده است، و الله یاور شماست، و او تعالی از احوال شما و مصلحت شما آگاه است، و در شریعت و تقدیرش بسیار دانا است.

﴿وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾
[التحریم: ۳].

۳) و به یاد آور آن‌گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله خبری را فقط به حفصه رضی الله عنها گفت، و بخشی از آن خبر این بود که با همسرش ماریه رضی الله عنها نزدیکی نخواهد کرد، پس وقتی حفصه، عایشه رضی الله عنها را از این خبر مطلع کرد و الله پیامبر خویش را از افشای رازش آگاه کرد، حفصه رضی الله عنها را سرزنش کرد و برخی از آنچه را که ذکر کرده بود به او گفت و

بخشی دیگر از آن را نگفت، پس حفصه رضی الله عنها از ایشان پرسید: چه کسی تو را از این امر آگاه کرده است؟ گفت: ذاتی که از هر چیز آگاه و نسبت به هر امر نهانی دانا است مرا باخبر ساخت.

﴿إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ﴾ [التحریم: ۴].

❶ بر شما دو نفر لازم شد که توبه کنید؛ زیرا نفس شما چیزی را دوست دارد که رسول الله صلی الله علیه و آله آن را نمی‌پسندد یعنی این امر که از کنیزکش دوری گزیند و او را بر خود حرام کند. و اگر همچنان بر همدست شدن علیه او اصرار ورزید، بدانید که الله خود، دوست و یاور او است، و نیز جبرئیل علیه السلام و مؤمنان شایسته، دوستان و یاوران او هستند. و فرشتگان پس از الله یاران و یاوران او در برابر کسی هستند که آزاری به او برساند.

﴿عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَنَّ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا﴾ [التحریم: ۵].

❷ امید است که پروردگارش سبحانه اگر پیامبر او شما را طلاق دهد همسرانی بهتر از شما، که از امرش فرمان برداری می‌کنند، به او و رسولش مؤمن هستند، فرمان بردار الله هستند، از گناهان‌شان توبه می‌کنند، عبادتگزار پروردگارشان هستند، روزه‌گیر هستند، چه بیوه‌زنان، و چه دوشیزگانی که با آنها نزدیکی نشده است، به او بدهد. اما پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را طلاق نداده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التحریم: ۶].

❸ ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، برای خودتان و خانواده‌های‌تان سپری در برابر آتشی بزرگ که با مردم و سنگ‌ها برافروخته می‌شود قرار دهید. بر این آتش فرشتگانی هستند که در برابر کسانی که در آن وارد می‌شود خشن و سخت‌گیر هستند، و از امر الله آن‌گاه که به آنها امر کند نافرمانی نمی‌کنند، و آنچه را آنها را به آن فرمان می‌دهد بدون سستی و تأخیر انجام می‌دهند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْرُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [التَّحْرِيم: ۷].

و در روز قیامت به کافران گفته می‌شود: ای کسانی که به الله کفر ورزیده‌اید، در برابر کفر و گناهایی که انجام می‌دادید عذرخواهی نکنید، که عذرهای تان هرگز پذیرفته نخواهد شد؛ زیرا یقیناً در برابر کفر به الله و تکذیب رسولانش که در دنیا مرتکب می‌شدید در این روز جزا داده می‌شوید.

برخی فواید آیات:

- مشروعیت کفاره یمین.
- بیان جایگاه پیامبر ﷺ نزد پروردگارش و دفاع الله تعالی از او.
- یکی از اخلاقیات کریمانه مصطفی ﷺ در برابر همسرانش این بود که زیاد سرزنش نمی‌کرد و برای ابقای مهرورزی و عاطفه از برخی خطاهای شان چشم پوشی می‌کرد.
- مسئولیت مؤمن در برابر خودش و خانواده‌اش.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التحریم: ۸].

۸) ای کسانی که به الله ایمان آورده‌اید و به احکامش عمل کرده‌اید، از گناهان تان صادقانه به سوی الله توبه کنید. امید است که پروردگارتان بدی‌های تان را از شما پاک کند، و روز قیامت شما را به بهشت‌هایی که نهرها از زیر کاخ‌هایش جاری است وارد کند. روزی که الله پیامبر و کسانی را که همراه او ایمان آورده‌اند با وارد کردن در جهنم خوار نمی‌سازد، و نور آنها در پیشاپیش و سمت راست‌شان بر روی صراط حرکت می‌کند، و می‌گویند: پروردگارا نورمان را بر ما کامل گردان، که وارد بهشت شویم، تا مانند منافقان که نورشان بر روی صراط خاموش می‌شود نباشیم، و گناهانمان را بیامرز، زیرا تو بر هر کاری توانایی، و از کامل کردن نور ما و گذشتن از گناهانمان ناتوان نیستی.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [التحریم: ۹].

۹) ای رسول، در برابر کافران با شمشیر، و در برابر منافقان با زبان و اقامه حدود پیکار کن، و بر آنها سخت بگیر تا از تو بترسند، و پناهگاه آنها که در روز قیامت به آن پناه می‌آورند همان جهنم است، و مقصدشان که به آن بازگردانده می‌شوند بسیار بد است.

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةً نُوحٍ وَاِمْرَأةً لُّوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ﴾ [التحریم: ۱۰].

۱۰) الله برای کسانی که به الله و رسولش کفر ورزیده‌اند - به اینکه رابطه‌شان با مؤمنان هرگز سودی به آنها نمی‌رساند - دو زن دو پیامبر از پیامبران الله: نوح و لوط علیهما السلام را مثال زده است، که همسر دو بنده صالح بودند، اما با بازداشتن از راه الله، و یاری رساندن به کافران قوم خویش، به شوهران‌شان خیانت

کردند؛ پس همسر بودن برای این دو بنده صالح سودی به آن دو زن نرساند، و به آن‌ها گفته شد: در زمره کافران و فاسقانی که وارد جهنم می‌شوند در آن داخل شوید.

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [التحریم: ۱۱].

﴿۱۱﴾ و الله برای کسانی که به الله و رسولانش ایمان آورده‌اند بر اینکه پیوند آنها با کافران زبانی به آنها نمی‌رساند، و تا زمانی که بر راه حق استوار باشند تاثیری در آنها ندارد، زن فرعون را مثال زده است آن‌گاه که گفت: پروردگارا، نزد خودت در بهشت خانه‌ای برایم بنا کن، و مرا از جبروت و قدرت و اعمال بد فرعون نجات ده، و مرا از قومی که با پیروی از فرعون در طغیان و ستم او، بر خودشان ستم کرده‌اند نجات ده.

﴿وَمَرِيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا مِن الْقَائِمِينَ﴾ [التحریم: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و الله برای کسانی که به الله و رسولانش ایمان آورده‌اند، حالت مریم دختر عمران را مثال زده است که عورتش را از زنا حفظ کرد، و الله به جبرئیل عليه السلام فرمان داد که در او بدمد. پس به قدرت الله بدون پدر به عیسی عليه السلام حامله شد، و شریعت‌های الله و کتاب‌های نازل شده بر رسولانش را تصدیق کرد، و از جمله فرمان برداران الله با اجرای اوامر و خودداری از نواهی اش بود.

برخی فواید آیات:

- توبه نصح سبب تمام نیکی‌ها است.
- کنار هم آمدن جهاد با علم و حجت، و جهاد با شمشیر بر اهمیت این دو جهاد و اینکه هیچ‌یک از این دو از دیگری بی‌نیاز نمی‌سازد دلالت دارد.
- در صورت تفاوت دین، خویشاوندی سببی یا نسبی در روز قیامت به شخص سودی نمی‌رساند.
- پاکدامنی و دوری از شبهه، از صفات زنان مؤمن و صالح است.

سوره الملک

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار کمال فرمانروایی و قدرت الله؛ برای تهدید و تحذیر از عذاب او تعالی.

تفسیر:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [الملک: ۱].

① بزرگ و فراوان است خیر الله که فرمانروایی فقط به دست او است، و او تعالی بر هر چیزی توانا است، و هیچ چیز او را ناتوان نمی‌سازد.

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ﴾ [الملک: ۲].

② - ای مردم - همان ذاتی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که کدامیک از شما نیکوکارتر هستید، و او ذات شکست ناپذیری است که هیچ کس بر او چیره نمی‌شود، و نسبت به گناهان کسانی از بندگانش که توبه کنند بسیار آمرزنده است.

﴿الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ﴾ [الملک: ۳].

③ همان ذاتی که هفت آسمان را لایه لایه آفرید، بدون اینکه میان دو آسمان تماسی وجود داشته باشد. - ای نظاره‌گر - در آنچه الله آفریده است هیچ تفاوت یا ناسازگاری ای نمی‌بینی. دوباره بنگر آیا هیچ‌گونه شکاف و رخنه‌ای می‌بینی؟! هرگز چنین چیزی نخواهی دید، و آن را فقط آفرینشی محکم و استوار می‌بینی.

﴿ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ﴾ [الملک: ۴].

④ باز پیاپی بنگر نگاهت خوار و زبون بدون اینکه عیب یا خللی در آفرینش آسمان ببیند به سوی خودت بازمی‌گردد، درحالی که خسته و ناتوان از نگاه کردن است.

﴿وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ﴾ [الملک: ۵].

۵ و به تحقیق که نزدیکترین آسمان به زمین را با ستارگانی درخشان آراسته‌ایم، و آن ستارگان را شهاب‌هایی قرار دادیم که شیاطینی که دزدکی گوش می‌دهند با آنها رانده می‌شوند و آن شهاب‌ها آنان را می‌سوزانند، و در آخرت آتشی سوزان برای شان آماده کرده‌ایم.

﴿وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ [الملک: ۶].

۶ و برای کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیده‌اند در روز قیامت عذاب آتشی شعله‌ور است، و چه بد بازگشتگاهی است که به سوی آن بازمی‌گردند.

﴿إِذَا الْقُوفَا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ﴾ [الملک: ۷].

۷ هنگامی که در جهنم افکنده شوند صدایی بسیار زشت می‌شنوند، درحالی که همانند دیگ می‌جوشد.

﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ [الملک: ۸].

۸ نزدیک است که از شدت خشمش بر کسانی که وارد آن می‌شوند از هم شکافته و پاره پاره شود. هرگاه برخی ساکنان کافرش یکباره در آن افکنده شوند فرشتگان گماشته‌شده به جهنم از روی توییخ از آنها می‌پرسند: آیا در دنیا رسولی که شما را از عذاب الله می‌ترساند نزدتان نیامد؟!

﴿قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ﴾ [الملک: ۹].

۹ و کافران می‌گویند: چرا، در حقیقت رسولی که ما را از عذاب الله می‌ترساند نزدمان آمد اما او را تکذیب کردیم، و به او گفتیم: الله وحیی نازل نکرده است، - ای رسولان - جز در گمراهی بزرگی از حق نیستید.

﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [الملک: ۱۰].

۱۰ و کافران می‌گویند: اگر ما آن‌گونه که فایده‌ای حاصل شود گوش می‌کردیم یا مانند عقل کسی که حق را از باطل می‌شناسد عقل‌مان را به کار می‌بردیم از زمره

دوزخیان نبودیم، بلکه به رسولان ایمان می‌داشتیم و آنچه را آوردند تصدیق می‌کردیم و از بهشتیان می‌بودیم.

﴿فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [الملك: ۱۱].

﴿۱۱﴾ پس به کفر و تکذیب علیه خودشان اقرار می‌کنند و سزاوار جهنم می‌گردند، و نابود باد ساکنان جهنم.

الله پس از بیان صفات و جزای کافران، صفات و جزای مؤمنان را ذکر کرد و فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ [الملك: ۱۲].

﴿۱۲﴾ کسانی که در خلوت‌های‌شان از الله می‌ترسند، برای آنها آمرزشی برای گناهانشان، و پاداشی بزرگ یعنی بهشت است.

برخی فواید آیات:

- شناخت حکمت آفرینش مرگ و زندگی، مبادرت بر انجام عمل صالح قبل از مرگ را واجب می‌گرداند.
- جهنم از روی غیرت برای الله سبحانه بر کافران به خشم و غضب می‌آید.
- جنیان در گشت‌زنی و کاوش در فضا از انسان‌ها پیشگام بودند و هر یک از آنها که از حد خویش تجاوز کند، با کیفر تعقیب می‌شود.
- طاعت الله و ترس از او تعالی در تنهایی‌ها، از اسباب آمرزش و ورود به بهشت است.

﴿وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ [الملک: ۱۳].

﴿۱۳﴾ - و ای مردم - اگر سخن‌تان را پنهان کنید یا آشکار گردانید، الله آن را می‌داند؛ زیرا او سبحانه از آنچه در دل‌های بندگان است آگاه است، و ذره‌ای از آن بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ [الملک: ۱۴].

﴿۱۴﴾ آیا ذاتی که تمام مخلوقات را آفریده است راز و آنچه را که از راز نهان‌تر است نمی‌داند؟! حال آن‌که او تعالی نسبت به بندگانش مهربان، و نسبت به امورشان بسیار دانا است، و ذره‌ای از آن بر او تعالی پوشیده نمی‌ماند.

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ [الملک: ۱۵].

﴿۱۵﴾ او همان ذاتی است که زمین را سهل و نرم برای سکونت برای‌تان قرار داد، پس در گوشه و کناره‌هایش بگردید، و از روزی‌ای که در آن برای‌تان آماده کرده است بخورید، و رستخیز شما برای حسابرسی و جزا فقط به‌سوی او است.

﴿أَأَمِنْتُمْ مَن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ﴾ [الملک: ۱۶].

﴿۱۶﴾ آیا از الله که در آسمان است ایمن شده‌اید که زمین را از زیر پاهای‌تان بشکافت، همان‌گونه که از زیر پای قارون پس از اینکه سهل و رام برای سکونت بود شکافت، و به‌ناگاه پس از آرام‌بودنش شما را بلرزاند؟!

﴿أَمْ أَمِنْتُمْ مَن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ﴾ [الملک: ۱۷].

﴿۱۷﴾ آیا از الله که در آسمان است ایمن شده‌اید که سنگ‌هایی از آسمان بر شما فرو فرستد مانند سنگ‌هایی که بر قوم لوط فرو فرستاد؟! پس وقتی عذابم را مشاهده می‌کنید اِنذار من برای خودتان را خواهید دانست، اما پس از مشاهده عذاب از این امر هرگز سودی نخواهید برد.

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَكَيفَ كَانَ نَكِيرِ﴾ [الملک: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و به تحقیق امت‌هایی که پیش از این مشرکان گذشتند تکذیب کردند، آن‌گاه چون بر کفر و تکذیب‌شان پافشاری کردند عذاب الله بر آنها نازل شد، پس خشم من بر آنها چگونه بود؟! به تحقیق که خشمی سخت بود.

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ﴾ [الملك: ۱۹].

﴿۱۹﴾ آیا این تکذیب کنندگان پرندگان را بر فرازشان ندیده‌اند که در کنار یکدیگر صف بسته‌اند، جز الله کسی آنها را نگاه نمی‌دارد تا بر زمین فرو نیفتند. به‌راستی که او تعالی بر هر چیزی بینا است، و هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِّنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي عُرُورٍ﴾ [الملك: ۲۰].

﴿۲۰﴾ - ای کافران - اگر الله بخواهد شما را عذاب کند هیچ لشکری نخواهید داشت که شما را در برابر عذاب الله محافظت کند. کافران جز فریب خوردگان نیستند، که شیطان آنها را فریفت و آنها نیز فریبش را خوردند.

﴿أَمَّنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ﴾ [الملك: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و اگر الله رزق و روزی خویش را از اینکه به شما برسد از شما بازدارد، هیچ کس نیست که به شما روزی دهد، بلکه حاصل این است که کافران در سرسختی و تکبر، و امتناع از حق ادامه می‌دهند.

﴿أَفَمَن يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾ [الملك: ۲۲].

﴿۲۲﴾ پس آیا کسی که افتاده بر چهره‌اش راه می‌رود، و غرق خودش است - یعنی مشرک - هدایت‌یافته‌تر است، یا مؤمن که مستقیم بر راه راست گام برمی‌دارد.

﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ [الملك: ۲۳].

﴿۲۳﴾ - ای رسول - به این مشرکان تکذیب‌کننده بگو: الله همان ذاتی است که شما را آفرید، و گوش‌هایی که با آنها می‌شنوید، و چشمانی که با آنها می‌بینید، و قلب‌هایی که با آنها می‌اندیشید برای‌تان قرار داد، چه کم در قبال نعمت‌هایی که بر شما ارزانی داشته است از او سپاسگزاری می‌کنید.

﴿قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ [الملك: ۲۴].

﴿۲۴﴾ - ای رسول - به این مشرکان تکذیب‌کننده بگو: الله همان ذاتی است که شما را در زمین پراکنده و منتشر ساخت، نه بت‌های‌تان که هیچ چیز را نمی‌آفرینند. و در

روز قیامت برای حسابرسی و جزا فقط به سوی الله گرد آورده می شوید، نه به سوی بت هایتان، پس از او بترسید و او را به یگانگی عبادت کنید.

﴿وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ [المك: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و تکذیب کنندگان رستاخیز برای بعید شمردن آن می گویند: - ای محمد - این وعده ای که تو و اصحابت به ما می دهید چه زمانی است اگر در این ادعا که وعده مذکور آمدنی است راستگو هستید؟!

﴿قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [المك: ۲۶].

﴿۲۶﴾ - ای رسول - بگو: علم قیامت فقط نزد الله است، جز او کسی نمی داند چه زمانی واقع می شود، و من فقط اِنذار دهنده ای آشکار برای شما هستم.

برخی فواید آیات:

- اطلاع الله از آنچه که در سینه های بندگان پنهان است.
- کفر و گناهان، از اسباب حصول عذاب الله در دنیا و آخرت هستند.
- کفر به الله تاریکی و سرگردانی، و ایمان به او تعالی نور و هدایت است.

﴿فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ﴾
[الملك: ۲۷].

﴿۲۷﴾ پس آن گاه که این وعده آنها را فراگیرد و عذاب را نزدیک خویش ببینند، که این امر در روز قیامت رخ می دهد چهره کسانی که کفر ورزیده اند تغییر می کند و سیاه می شود، و به آنها گفته می شود: این همان چیزی است که آن را در دنیا طلب می کردید و به شتاب می خواستید.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [الملك: ۲۸].

﴿۲۸﴾ - ای رسول - از روی اعتراض بر این مشرکان تکذیب کننده بگو: به من خبر دهید اگر الله مرا بمیراند، و مؤمنانی که همراه من هستند نیز بمیرند، چه کسی کافران را از عذاب دردناک نجات می دهد؟! هیچ کس آنها را از این عذاب نجات نخواهد داد.

﴿قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [الملك: ۲۹].

﴿۲۹﴾ - ای رسول - به این مشرکان بگو: او است ذات رحمان که شما را به عبادت خویش به تنهایی و وحدانیت فرامی خواند. به او ایمان آوردیم، و در کارهایمان فقط بر او توکل کردیم، و - بدون تردید - به زودی کسی را که در گمراهی آشکار است از کسی که بر راه راست قرار دارد باز خواهید شناخت.

﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾ [الملك: ۳۰].

﴿۳۰﴾ - ای رسول - به این مشرکان بگو: به من خبر دهید اگر آب آشامیدنی شما در زمین فرو رود که نتوانید به آن دست یابید، چه کسی آبی بسیار و روان برای تان می آورد؟! هیچ کس جز الله.

سوره القلم

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

آشکار ساختن علم و اخلاق پیامبر ﷺ، برای تصدیق ایشان، پس از اینکه مشرکان بر او گستاخی کردند.

تفسیر:

﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ [القلم: ۱].

﴿ن﴾ سخن در مورد حروف شبیه این حرف در ابتدای سوره بقره بیان شد. الله به قلم، و به آنچه مردم با قلم‌های‌شان می‌نویسند سوگند یاد فرمود.

﴿مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٌ﴾ [القلم: ۲].

﴿۲﴾ که تو - ای رسول - به نبوتی که الله بر تو ارزانی داشته است دیوانه نیستی، بلکه از جنونی که مشرکان به تو نسبت دادند بری هستی.

﴿وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾ [القلم: ۳].

﴿۳﴾ به‌طور قطع در قبال رنجی که از حمل رسالت به‌سوی مردم می‌بری پاداشی جاویدان داری، و در این مورد هیچ‌کس بر تو هیچ منتی ندارد.

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴].

﴿۴﴾ و به‌راستی که تو اخلاقی والا که قرآن آن را آورد داری؛ زیرا به اخلاق قرآنی به کامل‌ترین وجه آراسته هستی.

﴿فَسْتَبْصِرْ وَيُبَصِّرُونَ﴾ [القلم: ۵].

﴿۵﴾ پس به‌زودی تو خواهی دید، و این کافران خواهند دید.

﴿بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ﴾ [القلم: ۶].

﴿۶﴾ وقتی حق آشکار می‌گردد که کدام‌تان به جنون مبتلا هستید؟!

﴿إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ [القلم: ۷].

﴿۷﴾ - ای رسول - به‌راستی که پروردگارت می‌داند چه کسی از راه او تعالی منحرف شده، و به هدایت‌یافته‌گان به‌سوی راه خویش آگاه‌تر است. پس می‌داند که کافران از راهش گمراه شده‌اند، و اینکه تو به آن هدایت یافته‌ای.

﴿فَلَا تُطِيعُ الْمُكذِّبِينَ﴾ [القلم: ۸].

۸) پس - ای رسول - از کسانی که آنچه را آورده‌ای تکذیب کرده‌اند فرمان نبر.

﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ [القلم: ۹].

۹) آرزو دارند که به حساب دین با آنها نرمی و مهربانی کنی، تا آنها نیز با تو نرمی و مهربانی کنند.

﴿وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ﴾ [القلم: ۱۰].

۱۰) و از هیچ شخص بسیار سوگندخورنده به باطل، و پست فرمان مبر.

﴿هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بَنِيمٍ﴾ [القلم: ۱۱].

۱۱) همان بسیار غیبت کننده از مردم، و بسیار خبرچین میان آنها؛ تا میان‌شان تفرقه بیندازد.

﴿مَتَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ﴾ [القلم: ۱۲].

۱۲) بسیار بازدارنده از خیر، متجاوز بر اموال و آبرو و جان مردم، بسیار گناهکار و نافرمان.

﴿عُتْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ﴾ [القلم: ۱۳].

۱۳) خشک و خشن، که در میان قومش به بدی شهرت دارد.

﴿أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ﴾ [القلم: ۱۴].

۱۴) چون صاحب مال و فرزندان است از ایمان به الله و رسولش تکبر ورزید.

﴿إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [القلم: ۱۵].

۱۵) هرگاه آیات ما بر او خوانده شود می‌گوید: این از خرافات نوشته‌شده پیشینیان است.

﴿سَنَسِيحُهُ عَلَى الْخُرطومِ﴾ [القلم: ۱۶].

۱۶) به زودی نشانه‌ای بر بینی‌اش می‌نهمیم که او را بدنام می‌کند و پیوسته همراهش است.

برخی فواید آیات:

- شهرت رسول ﷺ به اخلاق قرآنی.
- کافران صفاتی نکوهیده دارند که بر مؤمن واجب است از آنها و از اطاعت صاحبانش دوری کند.
- هرکس زیاد سوگند یاد کند نزد الله رحمان خوار و زبون می‌گردد، و از چشم مردم می‌افتد.

﴿إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ﴾ [القلم: ۱۷].

☉ به راستی که ما این مشرکان را با قحطی و گرسنگی آزمودیم، همان گونه که صاحبان باغ را آزمایش کردیم آن گاه که سوگند یاد کردند که به طور قطع میوه های باغ را صبحگاه با شتاب خواهند چید تا اینکه از آنها به هیچ مسکینی داده نشود.

﴿وَلَا يَسْتَنْثُونَ﴾ [القلم: ۱۸].

☉ ولی سوگندشان را با گفتن: (إِنْ شَاءَ اللَّهُ = اگر الله بخواهد) استثنا نکردند.

﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ﴾ [القلم: ۱۹].

☉ پس الله آتشی به سوی آن باغ فرستاد، که آن را درحالی که صاحبانش در خواب بودند و نمی توانستند آتش را از آن دفع کنند خورد.

﴿فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾ [القلم: ۲۰].

☉ و مانند شب تاریک سیاه شد.

﴿فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ﴾ [القلم: ۲۱].

☉ و صبحگاه به یکدیگر ندا زدند.

﴿أَنْ اِعْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ﴾ [القلم: ۲۲].

☉ گفتند: بامدادان و قبل از آمدن فقرا به سوی کشت خویش بروید اگر میوه هایش را می چینید.

﴿فَانظَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ﴾ [القلم: ۲۳].

☉ پس شتابان به سوی کشتشان به راه افتادند، درحالی که با صدایی آهسته با یکدیگر سخن می گفتند.

﴿أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ﴾ [القلم: ۲۴].

☉ به یکدیگر می گفتند: امروز نباید مسکینی در باغ بر شما وارد شود.

﴿وَوَعَدُوا عَلَىٰ حَرٍِّ قَادِرِينَ﴾ [القلم: ۲۵].

☉ و اول صبح به راه افتادند درحالی که بر منع میوه های شان مصمم بودند.

﴿فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَصَالُونَ﴾ [القلم: ۲۶].

☉ اما وقتی آن را سوخته دیدند به یکدیگر گفتند: به راستی که راه باغ را گم کرده ایم.

﴿بَلْ نَحْنُ مُحْرَمُونَ﴾ [القلم: ۲۷].

﴿۲۷﴾ بلکه به سبب عزم بر محروم کردن مساکین از میوه‌های باغ، از چیدن میوه‌هایش محروم هستیم.

﴿قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ﴾ [القلم: ۲۸].

﴿۲۸﴾ دانشمندترین آنها گفت: آیا وقتی بر محروم کردن فقرا از آن تصمیم گرفتید به شما نگفتم: چرا الله را به پاکی نمی ستایید، و به سوی او توبه نمی کنید؟!

﴿قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ﴾ [القلم: ۲۹].

﴿۲۹﴾ گفتند: منزه است پروردگار ما، به راستی که ما وقتی بر تحریم فقرا از میوه‌های باغمان تصمیم گرفتیم بر خویش ستم کردیم.

﴿فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ﴾ [القلم: ۳۰].

﴿۳۰﴾ آن گاه از روی سرزنش به یکدیگر روی آوردند و میان یکدیگر سخن رد و بدل کردند.

﴿قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ﴾ [القلم: ۳۱].

﴿۳۱﴾ از روی پشیمانی گفتند: وای که زیان کردیم. به راستی که ما با منع کردن فقرا از حق شان از حد گذشتیم.

﴿عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾ [القلم: ۳۲].

﴿۳۲﴾ امید است که پروردگار ما بهتر از این باغ به ما بدهد، زیرا ما فقط به سوی الله مشتاق هستیم، عفو او را امید داریم، و از او خیر می خواهیم.

﴿كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [القلم: ۳۳].

﴿۳۳﴾ مانند این عذاب با محرومیت از رزق و روزی، کسی را که از ما نافرمانی کند عذاب می کنیم، و به تحقیق که عذاب آخرت بزرگتر است اگر از سختی و دوامش آگاه بودند.

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ التَّعِيمِ﴾ [القلم: ۳۴].

﴿۳۴﴾ به راستی کسانی که با امتثال اوامر و اجتناب از نواهی الله تقوای او تعالی را پیشه کردند، نزد پروردگارشان بهشت‌های پر نعمتی دارند که در آن بهره مند می شوند، و نعمت‌های شان پایان نمی پذیرد.

﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ [القلم: ۳۵].

﴿۳۵﴾ پس آیا مسلمانان را در جزا همانند کافران قرار می‌دهیم آن‌گونه که مشرکان ساکن مکه ادعا می‌کنند؟!

﴿مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ [القلم: ۳۶].

﴿۳۶﴾ - ای مشرکان - شما را چه شده است چگونه این حکم ستمکارانه و منحرف را صادر می‌کنید؟!

﴿أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ﴾ [القلم: ۳۷].

﴿۳۷﴾ یا کتابی دارید که در آن مساوات میان فرمانبر و نافرمان را می‌خوانید؟!

﴿إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ﴾ [القلم: ۳۸].

﴿۳۸﴾ که هرچه را در آخرت برای خودتان انتخاب می‌کنید در آن کتاب برای تان است.

﴿أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَهَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ﴾ [القلم: ۳۹].

﴿۳۹﴾ یا اینکه شما پیمان‌هایی مؤکد با سوگندها از ما گرفته‌اید که مفادش این است که آنچه را برای خویش حکم می‌کنید برای شما باشد؟!

﴿سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ﴾ [القلم: ۴۰].

﴿۴۰﴾ - ای رسول - از گویندگان این سخن بپرس: کدام‌یک از شما ضامن این پیمان‌ها است؟!

﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءَ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ﴾ [القلم: ۴۱].

﴿۴۱﴾ یا به جای الله شریکانی دارند که آنها را با مؤمنان در جزا مساوی قرار می‌دهند؟! پس شریکان‌شان را بیاورند اگر در این ادعا که شریکان‌شان آنها را همراه مؤمنان در جزا یکسان قرار داده‌اند راستگو هستند.

﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ﴾ [القلم: ۴۲].

﴿۴۲﴾ روز قیامت ترس زیاد آشکار می‌گردد و پروردگاران هراس را به اوج می‌رساند، و مردم به سجده فراخوانده می‌شوند که مؤمنان سجده می‌کنند، و کافران و منافقان نمی‌توانند سجده کنند.

برخی فواید آیات:

- بازداشتن حق فقیر سبب نابودی مال است.
- تعجیل کیفر در دنیا نوعی اراده خیر برای بنده است تا توبه کند و بازگردد.
- مؤمن و کافر جزای یکسانی ندارند، چنان‌که صفات‌شان یکسان نیست.

﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ﴾ [القلم: ۴۳].

در حالی که چشمانشان به زیر می افتد، و خواری و پشیمانی آنها را می پوشاند، حال آن که در دنیا که وضعیتی را که در این روز به آن گرفتار شده اند نداشتند از آنها خواسته می شد در برابر الله سجده کنند.

﴿فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهِذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [القلم: ۴۴].

پس - ای رسول - مرا با کسی که این قرآن نازل شده بر تو را تکذیب می کند و اگذار، به زودی آنها را درجه درجه به سوی عذاب خواهیم کشاند چنان که متوجه نشوند این کار مکرری علیه آنها و نزدیک کردن تدریجی آنها به سوی عذاب است.

﴿وَأْمُرِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ﴾ [القلم: ۴۵].

و مدت زمانی به آنها مهلت می دهم تا به گناهشان ادامه دهند. به راستی که تدبیر من برای کافران و تکذیب کنندگان، قوی است، پس از چنگ من فرار نمی کنند، و از کیفر من نجات نمی یابند.

﴿أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ﴾ [القلم: ۴۶].

ای رسول - آیا در قبال آنچه آنها را به آن دعوت می کنی پاداشی از آنها می خواهی، که به سبب آن باری بزرگ را متحمل می شوند، و این امر سبب رویگردانی آنها از تو است؟! در حالی که واقعیت خلاف این است؛ زیرا تو هیچ مزدی از آنها طلب نمی کنی، پس مانع آنها از پیروی تو چیست؟!

﴿أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ﴾ [القلم: ۴۷].

یا علم غیب دارند که حجت هایی را که با آن با تو مجادله می کنند آن گونه که دوست دارند می نویسند؟!

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ﴾ [القلم: ۴۸].

پس - ای رسول - در برابر مهلتی که برای نزدیک کردنشان به عذاب به آنها داده شده و پروردگارت به آن حکم کرده شکیبایی کن، و مانند همدم ماهی، یونس علیها السلام در خسته و زده شدن از قوم خویش نباش؛ آن گاه که پروردگارش را ندا داد در حالی که در تاریکی دریا، و تاریکی شکم ماهی اندوهگین بود.

﴿لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَثُبَدَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ﴾ [القلم: ۴۹].

۴۹ اگر رحمت الله که او را دریافت نبود به طور قطع ماهی او را نکوهش شده در بیابان برهوت می افکند.

﴿فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [القلم: ۵۰].

۵۰ آن گاه پروردگارش او را برگزید، و او را از بندگان صالح خویش قرار داد.

﴿وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ﴾ [القلم: ۵۱].

۵۱ و نزدیک است کسانی که به الله کفر ورزیده اند و رسولش را تکذیب کرده اند، آن گاه که قرآن نازل شده بر تو را می شنوند، از شدت خیره شدن به تو با چشمانشان تو را بر زمین بزنند، و - با پیروی از هوس هایشان، و رویگردانی از حق - می گویند: رسولی که آن را آورده است به طور قطع دیوانه ای است.

﴿وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [القلم: ۵۲].

۵۲ درحالی که قرآن نازل شده بر تو جز مایه اندرز و یادآوری برای انسانها و جنیان نیست.

سوره الحاقه

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

قطعی بودن وقوع قیامت برای تاکید بر راستی قرآن، وعده دادن مؤمنان به شادی، و تهدید تکذیب کنندگان از پشیمانی.

تفسیر:

﴿الْحَاقَّةُ﴾ [الحاقه: ۱].

۱ الله لحظه رستاخیز را که بر همگی واقع می شود ذکر می کند.

﴿مَا الْحَاقَّةُ﴾ [الحاقه: ۲].

۲ سپس اهمیت آن را با این سوال بالا می برد: این رخداد واقعی و راستین چیست؟

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ﴾ [الحاقه: ۳].

۳ و توجه می دانی که این رخداد راستین چیست؟

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ﴾ [الحاقه: ۴].

۴ ثمود قوم صالح علیه السلام، و عاد قوم هود علیه السلام قیامت که مردم را از شدت مناظر ترسناکش در هم می کوبد تکذیب کردند.

﴿فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ﴾ [الحاقه: ۵].

۵ اما ثمود را الله با فریادی بی نهایت سخت و هولناک نابود کرده است.

﴿وَأَمَّا عَادُ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ﴾ [الحاقه: ۶].

۶ و عاد را الله با بادی بسیار سرد و سخت که بر آنها به نهایت سختی رسید نابود کرده است.

﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ
أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ﴾ [الحاقه: ۷].

۷ الله به مدت هفت شب و هشت روز این باد را بر آنها فرستاد که همگی شان را با هم نابود کرد، و آن قوم را در خانه های شان نابودشده و افتاده بر زمین می دیدی؛ گویی پس از نابودی، تنه های پوسیده درختان خرما هستند که بر زمین افتاده اند.

﴿فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّن بَاقِيَةٍ﴾ [الحاقه: ۸].

۸ پس آیا پس از اینکه عذاب به آنها رسید حتی یک نفر از آنها را باقی می بینی؟!

برخی فواید آیات:

- صبر اخلاقی پسندیده و ضروری برای دعوتگران و دیگران است.
- توبه، گناهان گذشته را پاک می کند و الله متعال به سبب آن بنده را برگزیده و در زمره بندگان صالح خویش قرار می دهد.
- تنوع عذاب هایی که الله بر کافران و گناهکاران می فرستد بر قدرت و عدالت کامل او تعالی دلالت دارد.

﴿وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْحَاطِئَةِ﴾ [الحاقة: ۹].

﴿۹﴾ و فرعون و امت‌های پیش از او، و شهرهایی که با زیر و رو شدن، عذاب شدند، یعنی قوم لوط، خطاهایی از شرک و گناهان مرتکب شدند.

﴿فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً﴾ [الحاقة: ۱۰].

﴿۱۰﴾ و تمامی آنها از فرمان رسول‌شان که به‌سوی آنها فرستاده شد سرپیچی نمودند و او را تکذیب کردند، و الله آنها را به‌گرفتنی افزون بر آنچه نابودی‌شان با آن کامل می‌شود فرو گرفت.

﴿إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ﴾ [الحاقة: ۱۱].

﴿۱۱﴾ به‌راستی که ما وقتی آب از حد خود در ارتفاع فراتر رفت کسانی را که شما از پشت آنها هستید در کشتی جاری‌ای که نوح عليه السلام آن را به فرمان ما ساخت سوار کردیم، پس شما سوار آن بودید.

﴿لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۲].

﴿۱۲﴾ تا این کشتی و قصه‌اش را اندرزی قرار دهیم که بر نابودی کافران، و نجات‌یافتن مؤمنان به آن استدلال می‌شود، و گوش‌هایی که آنچه را می‌شنوند حفظ می‌کنند آن را نگاه دارند.

﴿فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۳].

﴿۱۳﴾ پس آن‌گاه که فرشته‌ی مأمور دمیدن در صور یک بار (یعنی برای بار دوم) بدمد.

﴿وَوَحِمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً﴾ [الحاقة: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و زمین و کوه‌ها بالا برده شوند، آن‌گاه یکباره و به شدت کوبیده شوند و اجزای زمین و اجزای کوه‌هایش از هم پاشیده شود.

﴿فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾ [الحاقة: ۱۵].

﴿۱۵﴾ روزی که تمام این موارد رخ می‌دهد قیامت برپا می‌گردد.

﴿وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ﴾ [الحاقة: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و در آن روز آسمان برای نزول فرشتگان از آن می‌شکافد، و بعد از اینکه محکم و منسجم بود در آن روز سست و ضعیف می‌شود.

﴿وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةَ﴾ [الحاقه: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و فرشتگان در اطراف و کناره‌های آسمان هستند، و در آن روز بزرگ هشت فرشته مقرب، عرش پروردگارت را برمی‌دارند.

﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ﴾ [الحاقه: ۱۸].

﴿۱۸﴾ - ای مردم - در آن روز بر الله عرضه می‌شوید، از شما هیچ امر پنهانی، هرچه که باشد، بر الله پوشیده نمی‌ماند، بلکه الله از آن آگاه و مطلع است.

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَقْرَبُوا كِتَابِيهِ﴾ [الحاقه: ۱۹].

﴿۱۹﴾ اما هرکس نامه اعمالش به دست راست او داده شود از شادی و سرور می‌گوید: نامه اعمالم را بگیرید و بخوانید.

﴿إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ﴾ [الحاقه: ۲۰].

﴿۲۰﴾ به راستی که من در دنیا دانستم و یقین کردم که برانگیخته می‌شوم، و به جزایم می‌رسم.

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾ [الحاقه: ۲۱].

﴿۲۱﴾ پس او به سبب نعمت‌های جاویدانی که می‌بیند در زندگی خوشی قرار دارد.

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ﴾ [الحاقه: ۲۲].

﴿۲۲﴾ در بهشتی که مکان و جایگاه والایی دارد.

﴿فُطُوفُهَا دَائِمَةٌ﴾ [الحاقه: ۲۳].

﴿۲۳﴾ میوه‌هایش برای کسی که آنها را می‌خورد نزدیک و قابل دسترس است.

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ﴾ [الحاقه: ۲۴].

﴿۲۴﴾ برای گرامی داشتن آنها گفته می‌شود: به سبب اعمال صالحی که در روزهای گذشته در دنیا از پیش فرستاده‌اید بدون هیچ آزاری در خوردن و نوشیدن بخورید و بنوشید.

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ﴾ [الحاقه: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و اما کسی که نامه اعمالش به دست چپ او داده شود، از پشیمانی زیاد می‌گوید: کاش نامه اعمالم را به سبب اعمال بدی که در آن است و مستوجب عذاب هستند دریافت نکرده بودم.

﴿وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيهِ﴾ [الحاقه: ۲۶].

۳۶) و ای کاش نمی دانستم که چه حسابی دارم.

﴿يَالَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ﴾ [الحاقه: ۲۷].

۳۷) ای کاش پس از مرگم هرگز برانگیخته نمی شدم.

﴿مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيهِ﴾ [الحاقه: ۲۸].

۳۸) مالم ذره ای از عذاب الله از من دفع نکرد.

﴿هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيهِ﴾ [الحاقه: ۲۹].

۳۹) حجت و توان و مقامی که بر آن تکیه می کردم از دستم رفت.

﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ﴾ [الحاقه: ۳۰].

۴۰) و گفته می شود: - ای فرشتگان - او را بگیرید و دستش را به گردنش ببندید.

﴿ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ﴾ [الحاقه: ۳۱].

۴۱) سپس او را در جهنم افکنید تا از حرارتش رنج ببرد.

﴿ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ﴾ [الحاقه: ۳۲].

۴۲) سپس او را در زنجیری که طولش هفتاد ذراع است در آورید.

﴿إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ﴾ [الحاقه: ۳۳].

۴۳) زیرا او به الله عظیم ایمان نمی آورد.

﴿وَلَا يَخْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ [الحاقه: ۳۴].

۴۴) و دیگران را بر اطعام مسکین تشویق نمی کرد.

﴿فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٍ﴾ [الحاقه: ۳۵].

۴۵) پس در روز قیامت خویشاوندی ندارد که عذاب را از او دفع کند.

برخی فواید آیات:

- نعمت بخشی بر پدر، نعمت بخشی بر فرزند به شمار می رود و سپاسگزاری را واجب می گرداند.
- اطعام فقیر و تشویق بر آن، از اسباب نجات از عذاب جهنم است.
- دشواری عذاب روز قیامت، پیشگیری از آن را با ایمان و عمل صالح ایجاب می کند.

﴿وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلِينَ﴾ [الحاقه: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و خوارکی ندارد که از آن تغذیه کند جز عصاره بدن‌های جهنمیان.

﴿لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ﴾ [الحاقه: ۳۷].

﴿۳۷﴾ این خوراک را نمی‌خورند مگر گناهکاران و نافرمانان.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ﴾ [الحاقه: ۳۸].

﴿۳۸﴾ الله به آنچه که می‌بینید سوگند یاد فرمود.

﴿وَمَا لَا تُبْصِرُونَ﴾ [الحاقه: ۳۹].

﴿۳۹﴾ و به آنچه که نمی‌بینید سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ [الحاقه: ۴۰].

﴿۴۰﴾ که قرآن به طور قطع کلام الله است، و رسول گرامی‌اش آن را بر مردم می‌خواند.

﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ﴾ [الحاقه: ۴۱].

﴿۴۱﴾ و سخن شاعری نیست؛ زیرا به نظم شعر نیست، چه کم ایمان می‌آورید.

﴿وَلَا يَقُولِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَدَّكُرُونَ﴾ [الحاقه: ۴۲].

﴿۴۲﴾ و سخن کاهنی نیست، زیرا سخن کاهنان در مغایرت با این قرآن است، چه کم پند می‌پذیرید.

﴿تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الحاقه: ۴۳].

﴿۴۳﴾ بلکه نازل شده‌ای از جانب پروردگار تمام مخلوقات است.

﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ﴾ [الحاقه: ۴۴].

﴿۴۴﴾ و اگر محمد ﷺ برخی گفته‌هایی که ما آنها را نقل نکرده‌ایم به ما نسبت داده بود.

﴿لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ﴾ [الحاقه: ۴۵].

﴿۴۵﴾ به طور قطع از او انتقام می‌گرفتیم و او را به قوت و قدرتی از جانب خویش فرو می‌گرفتیم.

﴿ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ [الحاقه: ۴۶].

﴿۶۱﴾ سپس به طور قطع رگ متصل به قلبش را می بریدیم.

﴿فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾ [الحاقه: ۴۷].

﴿۶۷﴾ آن گاه هیچ یک از شما او را در برابر ما محافظت نمی کرد، پس بعید است که به خاطر شما به دروغ بر ما سخن نسبت داده باشد.

﴿وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ [الحاقه: ۴۸].

﴿۶۸﴾ و همانا قرآن به طور قطع، اندرزی است برای کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان از او تعالی می ترسند.

﴿وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ﴾ [الحاقه: ۴۹].

﴿۶۹﴾ و همانا ما به طور قطع می دانیم که برخی از میان شما این قرآن را تکذیب می کنند.

﴿وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾ [الحاقه: ۵۰].

﴿۷۰﴾ و تکذیب قرآن به طور قطع پشیمانی بزرگی در روز قیامت در پی دارد.

﴿وَإِنَّهُ لِحَقِّ الْيَقِينِ﴾ [الحاقه: ۵۱].

﴿۷۱﴾ و قرآن مسلماً همان حقیقت و امری یقینی است که بدون هیچ شک و تردیدی از جانب الله نازل شده است.

﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ [الحاقه: ۵۲].

﴿۷۲﴾ پس - ای رسول - پروردگارت را از آنچه که سزاوارش نیست منزّه بدان، و نام پروردگار بزرگت را یاد کن.

سوره المعارج

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تاکید بر وقوع عذاب بر کافران، و (عرضه) نعمت‌ها برای تصدیق کنندگان روز قیامت.

تفسیر:

﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾ [المعارج: ۱].

۱ یکی از مشرکان از روی استهزاء خواست که عذاب بر او و قومش واقع شود اگر این عذاب حاصل می‌شود، در حالی که این عذاب در روز قیامت واقع می‌شود.

﴿لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ﴾ [المعارج: ۲].

۲ برای کافران به الله؛ و کسی نیست که این عذاب را بازگرداند.

﴿مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ﴾ [المعارج: ۳].

۳ از جانب الله که دارای علو و درجات و بخشش‌ها و نعمت‌های بزرگ و نیکو است.

﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ﴾ [المعارج: ۴].

۴ در روز قیامت که روزی طولانی و به اندازه پنجاه هزار سال است، فرشتگان و جبرئیل در آن درجات به‌سوی او بالا می‌روند.

﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ [المعارج: ۵].

۵ پس - ای رسول - بدون بی‌قراری و گله‌مندی صبر کن.

﴿إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا﴾ [المعارج: ۶].

۶ زیرا آنها این عذاب را دور و وقوع آن را محال می‌دانند.

﴿وَنَرَاهُ قَرِيبًا﴾ [المعارج: ۷].

۷ و ما آن را بدون تردید نزدیک و واقع‌شدنی می‌دانیم.

﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ﴾ [المعارج: ۸].

۸ روزی که آسمان مانند مس و طلا و سایر فلزهای گداخته‌شده مذاب می‌شود.

﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ﴾ [المعارج: ۹].

۹ و کوه‌ها از نظر سبکی مانند پشم‌ها می‌شوند.

﴿وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا﴾ [المعارج: ۱۰].

۱۰ و هیچ خویشاوندی از حال خویشاوندش نمی‌پرسد، زیرا هرکس به خویشتن مشغول است.

برخی فواید آیات:

- منزّه‌دانستن قرآن از شعر و کهانت.
- خطر نسبت‌دادن سخنِ دروغ و بستن افترا بر الله.

• صبر جمیل، صبری است که در آن به مزدخواهی از الله بسنده می‌شود و نزد غیر او تعالی دادخواهی نمی‌شود.

﴿يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ﴾ [المعارج: ۱۱].

۱۱) هر انسانی به خویشاوندش نشان داده می‌شود و بر او پوشیده نمی‌ماند، با این وجود به سبب هراس زیاد، هیچ کس از هیچ کس دیگر نمی‌پرسد، و کسی که مستحق جهنم است دوست دارد که به جای خویش فرزندانش را برای عذاب پیش کند.

﴿وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ﴾ [المعارج: ۱۲].

۱۲) و همسر و برادرش را فدیة دهد.

﴿وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ﴾ [المعارج: ۱۳].

۱۳) و فامیل‌های نزدیکش را فدیة بدهد، همان کسانی که در سختی‌ها کنارش بودند.

﴿وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنَجِّيهِ﴾ [المعارج: ۱۴].

۱۴) و تمام انسان‌ها و جن‌ها و هر آنچه را در روی زمین است فدیة بدهد، تا رها شود و از عذاب جهنم نجات یابد.

﴿كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْيٰى﴾ [المعارج: ۱۵].

۱۵) امر چنانکه این جنایتکار آرزو می‌کند نیست، زیرا آتش آخرت زبانه و شعله می‌کشد.

﴿نَزَّاعَةً لِّلشَّوٰى﴾ [المعارج: ۱۶].

۱۶) از حرارت و اشتعال زیاد پوست سر را به شدت برمی‌کند.

﴿تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى﴾ [المعارج: ۱۷].

۱۷) هرکس را که از حق روی گردانده، و از آن دور شده است و به آن ایمان نیاورده و عمل نکرده است.

﴿وَجَمَعَ فَأَوْعَى﴾ [المعارج: ۱۸].

۱۸) و مال جمع کرده، و در انفاق از آن در راه الله بخل ورزیده است فرا می‌خواند.

﴿* إِنَّ الْإِنسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا﴾ [المعارج: ۱۹].

۱۹) به راستی که انسان بسیار حریص آفریده شده است.

﴿إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾ [المعارج: ۲۰].

﴿۲۰﴾ هرگاه آسیبی همچون بیماری یا فقر به او رسد کم صبر است.

﴿وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا﴾ [المعارج: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و هرگاه فراخ حالی و ثروت که می‌پسندد به او رسد، برای بخشش آن در راه الله بسیار منع‌کننده است.

﴿إِلَّا الْمُصَلِّينَ﴾ [المعارج: ۲۲].

﴿۲۲﴾ جز نمازگزاران، که از این صفات نکوهیده پاک هستند.

﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾ [المعارج: ۲۳].

﴿۲۳﴾ همان کسانی که بر نمازشان مواظبت می‌کنند، و از آن غافل نمی‌شوند، و آن را در وقتی که برایش مشخص شده است برپا می‌دارند.

﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾ [المعارج: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و همان کسانی که سهمی مشخص و مفروض در اموال‌شان است.

﴿لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ [المعارج: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و آن را به کسی که از آنها تقاضا کند، و به کسی که از آنها تقاضا نکند و به هر سببی از روزی محروم شده است می‌پردازند.

﴿وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ [المعارج: ۲۶].

﴿۲۶﴾ و همان کسانی که روز قیامت را تصدیق می‌کنند، روزی که الله هرکس را متناسب با عملش جزا می‌دهد.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ مِّنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ﴾ [المعارج: ۲۷].

﴿۲۷﴾ و همان کسانی که با وجود اعمال صالحی که پیش فرستاده‌اند از عذاب پروردگارشان می‌ترسند.

﴿إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ﴾ [المعارج: ۲۸].

﴿۲۸﴾ به‌راستی که عذاب پروردگارشان امر ترسناکی است که هیچ عاقلی از آن ایمن نیست.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ﴾ [المعارج: ۲۹].

﴿۳۰﴾ و همان کسانی که عورت‌های‌شان را با پوشاندن و دورکردن از فواحش حفظ می‌کنند.

﴿إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ﴾ [المعارج: ۳۰].

﴿۳۱﴾ مگر از همسران‌شان یا کنیزانی که در اختیار دارند، که در بهره بردن از آنها از طریق جماع یا غیر آن مورد سرزنش نیستند.

﴿فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ [المعارج: ۳۱].

﴿۳۲﴾ پس کسانی که بهره بردن از غیر همسران و کنیزان را بجویند، اینها همان متجاوزان از حدود الله هستند.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾ [المعارج: ۳۲].

﴿۳۳﴾ و همان‌ها که از اموال و اسرار و سایر اموری که بر آن امین قرار داده شده‌اند، و از پیمان‌های‌شان که با مردم پیمان بسته‌اند محافظت می‌کنند، و در امانت‌های‌شان خیانت نمی‌کنند، و پیمان‌های‌شان را نمی‌شکنند.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ﴾ [المعارج: ۳۳].

﴿۳۴﴾ و همان‌ها که گواهی‌های‌شان را به وجه مطلوب ادا می‌کنند، و هیچ رابطه‌ی خویشاوندی و هیچ دشمنی‌ای در آن اثر نمی‌گذارد.

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ [المعارج: ۳۴].

﴿۳۵﴾ و همان‌ها که با ادای نمازهای‌شان در وقت مخصوص آن، و با طهارت و طمأنینه، بر نمازها مداومت می‌کنند، و هیچ‌چیز آنها را از نماز غافل نمی‌سازد.

﴿أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ﴾ [المعارج: ۳۵].

﴿۳۶﴾ کسانی که صفات مذکور را دارند، به سبب نعمت‌هایی جاویدان، و نگاه کردن به وجه گرمی الله که به آن می‌رسند در بهشت‌ها مورد اکرام و احترام هستند.

﴿فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ﴾ [المعارج: ۳۶].

﴿۳۷﴾ - ای رسول - به چه سبب این مشرکان شتابان به سوی تو می‌آیند و تو را تکذیب می‌کنند؟!

﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ﴾ [المعارج: ۳۷].

﴿۳۷﴾ گروه گروه تو را از راست و چپ احاطه می‌کنند.

﴿أَيُّظَمُّ كُلُّ أَمْرٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ﴾ [المعارج: ۳۸].

﴿۳۸﴾ آیا هر یک از آنها آرزو دارد که الله او را وارد بهشت پر نعمت کند، و از نعمت‌هایی جاویدانش برخوردار شود، در حالی که بر کفرش باقی است؟!

﴿كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ﴾ [المعارج: ۳۹].

﴿۳۹﴾ امر آن گونه که تصور کردند نیست؛ زیرا ما آنها را از آنچه می‌شناسند آفریدیم. به تحقیق آنها را از آب پستی آفریده‌ایم، پس آنها ضعیفانی هستند که مالک هیچ سود و زیانی برای خودشان نیستند، پس چگونه تکبر می‌ورزند؟!

﴿فَلَا أَفْسِمُ رَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ﴾ [المعارج: ۴۰].

﴿۴۰﴾ الله به پروردگار محل‌های طلوع خورشید و ماه سوگند یاد فرمود، که به تحقیق ما توانا هستیم.

برخی فواید آیات:

- دشواری زیاد عذاب جهنم؛ چون جهنمیان دوست دارند با هر وسیله‌ای از وسایل دنیا که می‌شناسند از آن رهایی یابند.
- نماز از بزرگترین مواردی است که به وسیله آن، گناهان در دنیا پوشیده می‌شود، و از آتش آخرت پیشگیری می‌شود.
- ترس از عذاب الله انگیزه‌ای بر انجام عمل صالح است.

﴿عَلَىٰ أَنْ تَبْدَلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ﴾ [المعارج: ۴۱].

از نابودی آنها و آوردن کسانی دیگر به جای آنها که از الله فرمان برداری کنند، ناتوان نیستیم، و هرگاه این کار را اراده کنیم مغلوب نمی شویم.

﴿فَدَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ﴾ [المعارج: ۴۲].

﴿۴۲﴾ پس - ای رسول - آنها را واگذار تا در باطل و گمراهی خویش غوطه ور شوند، و در زندگی دنیا بازی کنند تا اینکه روز قیامت را که در قرآن به آن وعده داده شده اند ملاقات کنند.

﴿يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصَبٍ يُوْفَضُونَ﴾ [المعارج: ۴۳].

﴿۴۳﴾ روزی که شتابان از قبرهای شان خارج می شوند گویی به سوی پرچمی با هم مسابقه می دهند.

﴿خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكِ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ﴾ [المعارج: ۴۴].

﴿۴۴﴾ درحالی که چشمان شان فرو افتاده، و ذلتی آنها را می پوشاند، این همان روزی است که در دنیا به آن وعده داده می شدند، اما اهمیتی به آن نمی دادند.

سوره نوح

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

شکیبایی و کوشش دعوتگران در دعوت، از خلال قصه نوح عليه السلام، برای استوارسازی مؤمنان، و تهدید تکذیب کنندگان.

تفسیر:

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [نوح: ۱].

﴿۱﴾ به راستی که ما نوح عليه السلام را به سوی قومش فرستادیم که آنها را دعوت می داد تا قومش را بترساند پیش از آن که عذابی دردناک به سبب شرک به الله که مرتکب آن بودند به آنها برسد.

﴿قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ [نوح: ۲].

ﷺ نوح علیه السلام به قوم خویش گفت: ای قوم من، به راستی که من انذاردهنده‌ای آشکار برای تان هستم از عذابی که در انتظار شماست در صورتی که به سوی الله توبه نکنید.

﴿أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا﴾ [نوح: ۳].

ﷻ و مقتضای انذار من به شما این است که به شما می‌گویم: تنها الله را عبادت کنید، و هیچ چیز را با او شریک نگردانید، و با اجرای اوامر، و اجتناب از نواهی‌اش تقوای او تعالی را پیشه کنید، و در آنچه که شما را به آن فرمان می‌دهم از من اطاعت کنید.

﴿يَعْرِفْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [نوح: ۴].

ﷻ که اگر شما این کار را انجام دهید الله آن دسته از گناهان تان را که متعلق به حقوق بندگان نیست می‌بخشد، و زندگی شما را تا زمانی که در علم خودش مشخص است طولانی می‌کند، و تا هر زمان که بر این کار استوار باشید زمین را آباد می‌کند. و چون مرگ فرا رسد هرگز به تأخیر نخواهد افتاد، اگر متوجه این امر باشید به طور قطع به الله ایمان خواهید آورد و از شرک و گمراهی خویش توبه خواهید کرد.

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا﴾ [نوح: ۵].

ﷺ نوح علیه السلام گفت: پروردگارا، من قومم را شب و روز پیوسته به عبادت و توحید تو فراخواندم.

﴿فَلَمَّ يَرِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا﴾ [نوح: ۶].

ﷻ اما دعوت من برای شان، جز گریز و دوری آنها از دعوتم نیفزود.

﴿وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا﴾ [نوح: ۷].

ﷻ و هرگاه آنها را به عبادت تو به یگانگی و فرمان برداری از تو و رسالت که سبب آموزش گناهان شان است دعوت دادم، گوش‌های شان را با انگشتان شان بستند؛ تا

دعوت‌م را نشنوند، و صورت‌های خویش را با لباس‌های‌شان پوشاندند تا مرا نبینند، و بر شرکی که بر آن قرار دارند ادامه دادند، و از پذیرش و فرمان‌برداری دعوت‌م تکبر ورزیدند.

﴿ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا﴾ [نوح: ۸].

۸) باز - ای پروردگارا - آنها را آشکارا دعوت دادم.

﴿ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا﴾ [نوح: ۹].

۹) برای به‌کارگیری روش‌های گوناگون در دعوت، صدایم را برای آنها بالا بردم (دعوت علنی)، و آنها را به صورت پنهانی و با صدایی آهسته دعوت دادم.

﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ [نوح: ۱۰].

۱۰) و به آنها گفتم: ای قوم من، با توبه به‌سوی پروردگارتان از او آمرزش بخواهید؛ زیرا او سبحانه نسبت به گناهان آن دسته از بندگانش که به‌سوی او توبه کنند بسیار آمرزنده است.

برخی فواید آیات:

- خطر غفلت از آخرت.
- عبادت و تقوای الله سبب آمرزش گناهان هستند.
- استمرار و به‌کارگیری روش‌های گوناگون در دعوت، حقی واجب برعهده دعوتگران است.

﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا﴾ [نوح: ۱۱].

﴿۱۱﴾ که اگر شما این کار را انجام دهید الله باران را پیاپی هرگاه به آن نیاز داشته باشید برای تان فرو می‌فرستد، و قحطی به شما نمی‌رسد.

﴿وَيُمِدُّكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ [نوح: ۱۲].

﴿۱۲﴾ و اموال و فرزندان فراوان به شما عطا می‌کند، و باغ‌هایی که از میوه‌هایش می‌خورید، و رودهایی که از آنها می‌نوشید و کشتزارها و دام‌های تان را سیراب می‌کنید برای تان قرار می‌دهد.

﴿مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾ [نوح: ۱۳].

﴿۱۳﴾ - ای قوم من - شما را چه شده است که از عظمت الله نمی‌ترسید و بدون اهمیت از او نافرمانی می‌کنید؟!

﴿وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾ [نوح: ۱۴].

﴿۱۴﴾ درحالی که شما را مرحله به مرحله از نطفه سپس عَلَقَه سپس مُضْغَه آفرید.

﴿أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا﴾ [نوح: ۱۵].

﴿۱۵﴾ آیا ندیده‌اید که الله هفت آسمان را چگونه، بر روی یکدیگر آفرید؟!

﴿وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾ [نوح: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و ماه را در آسمان دنیا نوری برای ساکنان زمین، و خورشید را درخشان قرار داد.

﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ [نوح: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و الله شما را با آفرینش پدرتان آدم عليه السلام از خاکِ زمین آفرید و با این وجود، شما از آنچه که زمین برای تان می‌رویاند، تغذیه می‌کنید.

﴿ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾ [نوح: ۱۸].

﴿۱۸﴾ سپس شما را پس از مرگتان به آن بازمی‌گرداند، سپس شما را به صورتی شگفت برای رستاخیز، از زمین درمی‌آورد.

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا﴾ [نوح: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و الله زمین را برای تان گسترده و قابل سکونت قرار داد.

﴿لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا﴾ [نوح: ۲۰].

تا برای تلاش در کسب حلال، راه‌های گسترده آن را بییماید.

﴿قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا﴾ [نوح: ۲۱].

نوح علیه السلام گفت: پروردگارا، قوم من در توحید و عبادت تو به یگانگی، که آنها را به آن فرمان دادم از من نافرمانی کردند، و از افراد پست و فرومایه خویش پیروی کردند یعنی از سران‌شان که مال و فرزند به آنها نعمت بخشیدی، و مال و فرزندی که به آنها بخشیدی جز بر گمراهی‌شان نیفزود.

﴿وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَرًا﴾ [نوح: ۲۲].

و بزرگان‌شان با تحریک افراد پست و فرومایه خویش علیه نوح علیه السلام نیرنگی بزرگ زدند.

﴿وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا﴾

[نوح: ۲۳].

و به پیروان‌شان گفتند: عبادت معبودهای‌تان را رها نکنید، و از عبادت بت‌های تان ودّ و سُوَاع و یَغُوث و یَعُوق و نَسْر دست نکشید.

﴿وَقَدْ أَصَلُوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا﴾ [نوح: ۲۴].

و با این بت‌های‌شان مردم بسیاری را گمراه کرده‌اند. و - پروردگارا - آنها که بر خودشان با اصرار بر کفر و گناهان ستم کردند جز گمراهی از حق نیفزا.

﴿مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا﴾

[نوح: ۲۵].

به سبب گناهی که مرتکب شدند در دنیا با طوفان غرق شدند، و پس از مرگشان مستقیم وارد آتش شدند، آن‌گاه در برابر الله یاورانی برای خودشان نیافتند که آنها را از غرق شدن و آتش نجات دهد.

﴿وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا﴾ [نوح: ۲۶].

و نوح علیه السلام پس از اینکه الله به او خبر داد که از میان قومش جز کسانی که ایمان آورده‌اند کسی دیگر ایمان نخواهد آورد گفت: پروردگارا، هیچ‌یک از کافران را بر روی زمین باقی نگذار که بگردد یا تکان بخورد.

﴿إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا﴾ [نوح: ۲۷].

﴿۷۸﴾ زیرا - پروردگارا- اگر آنها را بگذاری و به آنها مهلت دهی بندگان مؤمن تو را گمراه می کنند، و جز بدکاری که از تو فرمان نمی برد، و ناسپاس سرسختی که از نعمت هایت سپاسگزاری نمی کند، نمی زایند.

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا﴾ [نوح: ۲۸].

﴿۷۹﴾ پروردگارا گناهان من، و پدر و مادرم، و هرکس که مؤمن وارد خانه ام شود، و مردان و زنان مؤمن را بیمارز، و جز بر نابودی و زیان کسانی که با کفر و گناهان بر خویشان ستم روا داشتند نیفزاد.

برخی فواید آیات:

- استغفار سبب نزول باران و افزایش اموال و فرزندان است.
- نقش بزرگترها در گمراه شدن کوچکترها آشکار و قابل مشاهده است.
- گناهان سبب نابودی در دنیا، و عذاب در آخرت هستند.

سوره الجن

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تصدیق نزول قرآن و اینکه از جانب الله است، از خلال ایمان جن‌ها به قرآن، و ابطال ادعاهای مشرکان در مورد جن‌ها.

تفسیر:

﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾ [الجن: ۱].

۱ - ای رسول - به امت خویش بگو: الله به من وحی کرد که گروهی از جن‌ها در بطن نخله به قرائت قرآن توسط من گوش دادند، و چون نزد قوم‌شان بازگشتند به آنها گفتند: به تحقیق که ما کلامی خوانده‌شده را که بیان و فصاحت شگفت‌آوری دارد شنیدیم.

﴿يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾ [الجن: ۲].

۲ این کلامی که شنیدیم بر اعتقاد و قول و عمل درست دلالت دارد، پس به آن ایمان آوردیم، و هرگز هیچ‌کس را با پروردگاران که آن را نازل کرد شریک قرار نخواهیم داد.

﴿وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا﴾ [الجن: ۳].

۳ و ایمان آوردیم به اینکه - عظمت و جلال پروردگاران پاک و منزّه است - و نه همسری گرفته است و نه فرزندی؛ آن‌گونه که مشرکان می‌گویند.

﴿وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا﴾ [الجن: ۴].

۴ و اینکه ابلیس در نسبت دادن همسر و فرزند به او سبحانه سخنی غلط در مورد الله می‌گوید.

﴿وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنسَ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ [الجن: ۵].

۵ و ما گمان می‌کردیم انسان‌ها و جن‌های مشرک دروغ نمی‌گویند وقتی ادعا می‌کردند او تعالی همسر و فرزندی دارد، پس سخن‌شان را به تقلید از آنها تصدیق کردیم.

﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾ [الجن: ۶].

و در جاهلیت، مردانی از انسان‌ها وقتی به مکانی ترسناک فرود می‌آمدند به مردانی از جن‌ها پناه می‌بردند. آن‌گاه یکی از آنها می‌گفت: به ارباب این وادی از شر افراد نادان قومش پناه می‌برم. آن‌گاه ترس و وحشت مردان انسانی از مردان جنی بیشتر می‌شد.

﴿وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا﴾ [الجن: ۷].

و - ای جنیان - انسان‌ها همانند شما گمان کردند که الله هرگز هیچ‌کس را پس از مرگش برای حسابرسی و جزا برنخواهد انگیخت.

﴿وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا﴾ [الجن: ۸].

و ما خبر آسمان را جستیم، آن‌گاه آسمان را پر از نگهبانانی قوی از فرشتگان که آن را از استراق سمعی که انجام می‌دادیم محافظت می‌کنند، و پر از آتشی شعله‌ور یافتیم که هرکس به آسمان نزدیک می‌شود با آن مورد نشانه قرار می‌گیرد.

﴿وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا﴾ [الجن: ۹].

و ما در گذشته جاهایی در آسمان انتخاب می‌کردیم و از آنجا به سخنانی که فرشتگان با هم رد و بدل می‌کردند گوش می‌دادیم، سپس آن را به کاهنان ساکن زمین خبر می‌دادیم، اما امر تغییر کرده است؛ یعنی اکنون هر یک از ما گوش فرار دهد آتشی شعله‌ور برای خویش می‌یابد، که هرگاه نزدیک شود بر او فرستاده می‌شود و او را می‌سوزاند.

﴿وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا﴾ [الجن: ۱۰].

و ما به سبب این حراست شدید نمی‌دانیم که آیا شر برای ساکنان زمین خواسته شده است، یا الله خیر برای‌شان خواسته است؛ زیرا خبر آسمان از ما قطع شده است.

﴿وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا﴾ [الجن: ۱۱].

و - ای گروه جنیان -: برخی از ما پرهیزگار و نیکوکار، و برخی کافر و فاسق هستند؛ ما فرقه‌ها و گروه‌های مختلف و متفاوتی هستیم.

﴿وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا﴾ [الجن: ۱۲].

و ما یقین داریم که اگر الله سبحانه امری در مورد ما بخواهد هرگز نخواهیم توانست او را ناتوان سازیم، و هرگز نخواهیم توانست از او بگریزیم؛ زیرا به ما احاطه دارد.

﴿وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِن بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا﴾ [الجن: ۱۳].

و ما وقتی قرآنی را که به راست‌ترین راه هدایت می‌کند شنیدیم به آن ایمان آوردیم، پس هرکس به پروردگارش ایمان آورد نه از نقص نیکی‌هایش بیم دارد، و نه از گناهی که به گناهان گذشته‌اش افزوده شود.

برخی فواید آیات:

- تاثیر زیاد قرآن در کسی که با قلبی سالم به آن گوش فرا می‌دهد.
- یاری گرفتن از جن، نوعی شرک به الله است، و انجام دهنده این کار با ضد آنچه که قصد کرده است در این دنیا مجازات می‌شود.
- بطلان کفانت با بعثت پیامبر ﷺ.
- از ادب مؤمن این است که شر را به الله نسبت نمی‌دهد.

﴿وَأَنَا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا﴾ [الجن: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و از میان ما برخی مسلمان و با طاعت الله فرمان بردار هستند، و برخی از راه راست و درست گمراه هستند. پس هرکس با طاعت و عمل صالح در برابر الله فروتنی کند اینها کسانی هستند که هدایت و حق را قصد کرده‌اند.

﴿وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ [الجن: ۱۵].

﴿۱۵﴾ اما گمراهان از راه راست و درست، هیزم جهنم هستند که به همراه انسان‌های شبیه خودشان جهنم را برمی‌افروزند.

﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الصِّرَاطِ لَاسْقَيْنَاهُم مَاءً غَدَقًا﴾ [الجن: ۱۶].

﴿۱۶﴾ و همان‌گونه که به او وحی کرد که تعدادی از جن‌ها گوش فرا دادند به او وحی کرد که اگر جن‌ها و انسان‌ها بر راه اسلام پایداری ورزند، و به احکامش عمل کنند، به‌طور قطع الله آب زیادی به آنها خواهد نوشاند، و با نعمت‌های گوناگونی آنها را یاری خواهد رساند.

﴿لِئَلْقَيْنَهُمْ فِيهِ وََمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾ [الجن: ۱۷].

﴿۱۷﴾ تا در این مورد آنها را بیازماییم که آیا شکر نعمت الله را به جای می‌آورند یا از آن ناسپاسی می‌کنند؟ و هرکس از قرآن، و اندرزهایش روی بگرداند، پروردگارش او را در عذاب مشقت‌آوری درمی‌آورد که توان تحمل آن را ندارد.

﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و مسجدها فقط از آن الله است؛ نه برای هیچ‌کس یا چیزی دیگر. پس هیچ‌کس را در مساجد همراه الله نخوانید، که در این صورت مانند یهود و نصاری در کنیسه‌ها و بیعه‌های‌شان می‌شوید.

﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ [الجن: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و آن‌گاه که بنده الله، محمد ﷺ، در سرزمین بطن نخله برای عبادت پروردگارش برخاست، نزدیک بود که جن‌ها به‌سبب ازدحام زیاد بر گرد او هنگام گوش فرادادن به قرائت قرآن توسط او، بر سرش فرو ریزند.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۲۰].

﴿۲۰﴾ - ای رسول - به این مشرکان بگو: من فقط به‌سوی پروردگار یگانه خویش فرامی‌خوانم، و غیر او را هرکس که باشد در عبادت با او شریک قرار نمی‌دهم.

﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ [الجن: ۲۱].

۱۱) به آنها بگو: به راستی که من نه مالک دفع آسیبی که الله برای تان مقدر کرده هستم، و نه مالک جلب منفعتی که الله شما را از آن محروم کرده است.

﴿قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ [الجن: ۲۲].

۱۲) به آنها بگو: اگر از الله نافرمانی کنم هرگز هیچ کس مرا در برابر او تعالی نجات نمی دهد، و جز او هیچ پناهگاهی نخواهم یافت که به آن پناه ببرم.

﴿إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا﴾ [الجن: ۲۳].

۱۳) اما آن چیزی که مالکش هستم این است که آنچه را الله مرا به تبلیغ آن به شما فرمان داده است، و رسالتش را که مرا با آن به سوی شما فرستاده است به شما ابلاغ کنم، و هرکس از الله و رسولش نافرمانی کند به راستی که مقصدش ورود به آتش جهنم است که برای همیشه در آن می ماند و هرگز از آن خارج نخواهد شد.

﴿حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَّاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا﴾ [الجن: ۲۴].

۱۴) و کافران پیوسته بر کفرشان هستند تا آن گاه که در روز قیامت عذابی را که در دنیا به آن وعده داده می شدند ببینند، در آن هنگام خواهند دانست که یاوران چه کسی ضعیف تر است، و خواهند دانست که چه کسی یاران کمتری دارد.

﴿قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبٌ مَّا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾ [الجن: ۲۵].

۱۵) ای رسول - به این مشرکان انکارکننده رستاخیز بگو: نمی دانم آیا عذابی را که به آن وعده داده می شوید نزدیک است، یا مهلتی دارد که کسی جز الله از آن آگاه نیست.

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ [الجن: ۲۶].

۱۶) او سبحانه عالم تمام امور غیبی است، و ذره ای از آن بر او پوشیده نمی ماند، پس هیچ کس بر غیب او اطلاع پیدا نمی کند، بلکه مختص به علم او باقی می ماند.

﴿إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ [الجن: ۲۷].

۱۷) جز رسولی که او سبحانه از او راضی باشد، که او را بر آنچه که بخوهد مطلع می گرداند، و پیش روی آن رسول نگاهبانانی از فرشتگان می فرستد تا از او محافظت کنند و کسی غیر از رسول از آن اخبار آگاه نشود.

﴿لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رَسُولَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا﴾
 [الجن: ۲۸].

تا آن رسول که الله به طور کامل از او محافظت می کند بداند رسولان پیش از او رسالت‌های پروردگارشان را که به تبلیغ آن فرمان یافته بودند رسانده‌اند، و الله از آنچه که نزد فرشتگان و رسولان است آگاهی کامل دارد، پس ذره‌ای از این امور بر او پوشیده نمی‌ماند، و هر چیزی را به عدد و دقیق برمی‌شمارد، و هیچ چیز بر او سبحانه مخفی نمی‌ماند.

برخی فواید آیات:

- ستمکاری سبب ورود در جهنم است.
- اهمیت پایداری در کسب مقاصد نیکو.
- وحی از بیهودگی شیاطین محافظت شده است.

سوره المزمّل

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

یادآوری توشه روحی برای دعوتگران در مواجهه با سختی‌ها و دشواری‌های زندگی، برای تثبیت پیامبر ﷺ و تهدید تکذیب کنندگان او.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ﴾ [المزمّل: ۱].

① ای کسی که خود را در لباسش پیچیده (یعنی پیامبر ﷺ).

﴿فُمُ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [المزمّل: ۲].

② جز اندکی از شب، بقیه آن را نماز بگزار.

﴿نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا﴾ [المزمّل: ۳].

③ اگر خوستی نصف آن را نماز بگزار، یا کمتر از نصف را تا به یک سوم برسد نماز بگزار.

﴿أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ [المزمّل: ۴].

④ یا بر آن بیفزای تا به دو سوم برسد، و هرگاه قرآن خواندی آن را روشن و به آرامی بخوان.

﴿إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾ [المزمّل: ۵].

⑤ - ای رسول - در حقیقت ما به زودی قرآن را بر تو القا خواهیم کرد، که به سبب فرائض و حدود و احکام و آداب و سایر مواردی که در آن وجود دارد، سخنی گرانبار است.

﴿إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَظَاءً وَأَقْوَمُ قِيلًا﴾ [المزمّل: ۶].

⑥ به راستی که لحظات شب برای قرائت قرآن، با قلب سازگارتر و سخنان در آن هنگام درست‌تر است.

﴿إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا﴾ [المزمل: ۷].

۷ قطعاً تو در روز به کارهایت می‌پردازی، یعنی به سبب انجام کارهای خویش از قرائت قرآن باز می‌مانی، پس شبانه نماز بگزار.

﴿وَأذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبْتَئِلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً﴾ [المزمل: ۸].

۸ و الله را با انواع ذکر یاد کن، و با اخلاص عبادت از همه چیز به سوی او بپُر.

﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا﴾ [المزمل: ۹].

۹ پروردگار مشرق و مغرب، هیچ معبود برحق جز او نیست، پس او را کارساز بگیر که در تمام امورت بر او توکل می‌کنی.

﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا حَمِيلاً﴾ [المزمل: ۱۰].

۱۰ و در برابر استهزا و دشنامی که تکذیب کنندگان می‌گویند شکیبایی کن، و بدون هیچ آزاری از آنها دوری گزین.

﴿وَذَرِنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهْلُهمْ قَلِيلًا﴾ [المزمل: ۱۱].

۱۱ و به کار تکذیب کنندگانی که از خوشی‌های دنیا برخوردار هستند اهمیت نده. مرا با آنها رها کن، و اندکی به آنها مهلت بده تا اجل‌شان فرا رسد.

﴿إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا﴾ [المزمل: ۱۲].

۱۲ به راستی که در آخرت زنجیرهایی سنگین، و آتشی شعله‌ور داریم.

﴿وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا﴾ [المزمل: ۱۳].

۱۳ و غذایی که از تلخی زیاد در گلوها گیر می‌کند، و عذابی دردناک؛ افزون بر آنچه گذشت.

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا﴾ [المزمل: ۱۴].

۱۴ این عذاب در روزی تکذیب کنندگان را فرا می‌گیرد که زمین و کوه‌ها می‌لرزند، و کوه‌ها از هراس زیاد به سنگریزه‌هایی روان و پراکنده تبدیل می‌شوند.

﴿إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا﴾ [المزمل: ۱۵].

۱۵ به راستی که ما رسولی گواه بر اعمال‌تان در روز قیامت فرستادیم همان‌گونه که موسی عليه السلام را به عنوان رسولی به سوی فرعون فرستادیم.

﴿فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلاً﴾ [المزمل: ۱۶].

﴿۱۶﴾ فرعون، رسولی را که از جانب پروردگارش به سویش فرستاده شده بود نافرمانی کرد. پس او را با عذابی شدید در دنیا با غرق شدن، و در آخرت با عذاب آتش مجازات کردیم. پس شما رسولتان را نافرمانی نکنید که عذابی مانند عذاب فرعون گریبانگیرتان می‌شود.

﴿فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا﴾ [المزمل: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پس - اگر به الله کفر ورزید، و رسولش را تکذیب کنید - چگونه می‌توانید در روزی سخت و طولانی، که از هراس زیاد و طولانی بودن آن، موی سر فرزندان خردسال سفید می‌شود خودتان را محافظت کنید و نجات دهید.

﴿السَّمَاءُ مُنْقَطِرَةٌ بِهِ كَأَن وَعْدُهُ مَفْعُولًا﴾ [المزمل: ۱۸].

﴿۱۸﴾ آسمان از هراس زیاد آن روز می‌شکافد. وعده الله بدون تردید تحقق‌یافتنی است.

﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ [المزمل: ۱۹].

﴿۱۹﴾ به راستی که این اندرز - مشتمل بر بیان هراس و سختی روز قیامت - یادآوری‌ای است، که مؤمنان از آن سود می‌برند. پس هرکس بخواهد راهی رساننده به سوی پروردگارش برگزیند این کار را انجام دهد.

برخی فواید آیات:

- اهمیت نماز شب و تلاوت قرآن و ذکر (یاد) الله و صبر برای دعوتگر به سوی الله.
- فراغ قلب، در شب در حفظ و فهم موثر است.
- تحمل تکالیف، تربیتی سخت و قاطع را می‌طلبد.
- رفاه و ثروت زیاد، از راه الله بازمی‌دارد.

﴿ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْضُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴾ [المزل: ۲۰].

﴿۲۰﴾ - ای رسول - به تحقیق که پروردگارت می‌داند تو گاهی کمتر از دو سوم شب نماز می‌گزاری، و گاهی نصف آن، و گاهی یک سوم آن را برای نماز برمی‌خیزی، و گروهی از مؤمنانی که همراه تو هستند برای نماز برمی‌خیزند. و الله است که شب و روز را اندازه می‌گیرد، و لحظات آن دو را محاسبه می‌کند. و الله می‌داند که شما نمی‌توانید لحظات شب را محاسبه و ثبت کنید. پس در جستجوی مطلوب، برخاستن اکثر آن برای تان دشوار است. از این رو بر شما بخشید، پس هر اندازه از شب میسر شد نماز بگزارید. - ای مؤمنان - الله می‌داند که به‌زودی از میان شما بیمارانی خواهند بود که بیماری بر آنها غلبه می‌کند، و کسانی در جستجوی روزی الله مسافرت می‌کنند، و کسانی در جستجوی رضایت الله و به این هدف که فقط کلمه الله برتر باشد با کافران می‌جنگند، که نماز شب بر اینها دشوار است. پس هر اندازه از شب برای تان میسر شد نماز بگزارید، و نمازهای فرض را به کامل‌ترین وجه ادا کنید، و زکات اموال تان را بپردازید، و از اموال تان در راه الله انفاق کنید، و هر خیری که از پیش برای خودتان بفرستید، آن را نزد الله بهتر و با پاداشی بزرگتر خواهید یافت. و از الله آمرزش بخواهید، که الله نسبت به بندگان توبه‌کارش بسیار آمرزنده و مهربان است.

سوره المذثر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

امر بر انجام دعوت، و تهدید تکذیب کنندگان دعوت.

تفسیر:

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ﴾ [المذثر: ۱].

۱ ای کسی که خودش را با لباسش پوشانیده (یعنی پیامبر ﷺ).

﴿قُمْ فَأَنْذِرْ﴾ [المدثر: ۲].

۲ برخیز و از عذاب الله بترسان.

﴿وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ﴾ [المدثر: ۳].

۳ و پروردگارت را بزرگ شمار.

﴿وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ﴾ [المدثر: ۴].

۴ و نفس خویش را از گناهان و لباست را از نجاستها پاک کن.

﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾ [المدثر: ۵].

۵ و از عبادت بتها دوری گزین.

﴿وَلَا تَمُنْ تَسْتَكْثِرْ﴾ [المدثر: ۶].

۶ و بر پروردگارت منت نگذار که عمل صالح تو را زیاد کند.

﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ [المدثر: ۷].

۷ و در برابر آزارهایی که با آنها روبرو می‌شوی به خاطر الله شکیبایی کن.

﴿فَإِذَا تَقَرَّىٰ فِي النَّفُورِ﴾ [المدثر: ۸].

۸ پس آن‌گاه که برای بار دوم در صور دمیده شود.

﴿فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ﴾ [المدثر: ۹].

۹ آن روز، روزی سخت است.

﴿عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابٌ عَسِيرٌ﴾ [المدثر: ۱۰].

۱۰ بر کافران به الله و رسولش آسان نیست.

﴿ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا﴾ [المدثر: ۱۱].

۱۱ - ای رسول - مرا با کسی که او را در شکم مادرش تک و تنها بدون مال یا فرزند

آفریدم (یعنی ولید بن مُغیره) واگذار.

﴿وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا﴾ [المدثر: ۱۲].

۱۲ و مال زیادی برایش قرار دادم.

﴿وَبَيْنَ شُهُودًا﴾ [المدثر: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و پسرانی برایش قرار دادم که همراهش حاضر هستند و در محافل با او حضور دارند و به خاطر مال زیادش در هیچ سفری از او جدا نمی‌شوند.

﴿وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا﴾ [المدثر: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و در زندگی و روزی و فرزند از هر نظر برایش گستراندم.

﴿ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ﴾ [المدثر: ۱۵].

﴿۱۵﴾ باز هم با وجود کفرش به من طمع دارد که پس از اینکه تمام این موارد را به او دادم برایش بیفزایم.

﴿كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا﴾ [المدثر: ۱۶].

﴿۱۶﴾ امر آن گونه که تصور کرد نیست، زیرا او ستیزه‌جو و تکذیب کننده آیاتی است که بر رسول مان نازل کردیم.

﴿سَأَرْهُقُهُ صُعُودًا﴾ [المدثر: ۱۷].

﴿۱۷﴾ به‌زودی عذابی سخت بر دوش او می‌گذارم که توان تحملش را ندارد.

﴿إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ﴾ [المدثر: ۱۸].

﴿۱۸﴾ همانا این کافر که نعمت‌های مذکور را به او ارزانی داشتم برای ابطال آنچه قرآن در مورد او می‌گوید اندیشید، و طرحی در ذهنش آماده کرد.

برخی فواید آیات:

- سختی و دشواری، زمینه آسان‌گیری را فراهم می‌آورد.
- وجوب طهارت پلیدی‌های ظاهری و باطنی.
- نعمت‌بخشیدن بر فاجر، نزدیک کردن تدریجی او به سوی عذاب است و اکرام به شمار نمی‌رود.

﴿فَقْتِلْ كَيْفَ قَدَّرَ﴾ [المدثر: ۱۹].

۱۹ نفرین و عذاب بر او باد چگونه ارزیابی کرد.

﴿ثُمَّ قَتِلْ كَيْفَ قَدَّرَ﴾ [المدثر: ۲۰].

۲۰ باز هم نفرین و عذاب بر او بود چگونه ارزیابی کرد.

﴿ثُمَّ نَظَرَ﴾ [المدثر: ۲۱].

۲۱ دوباره در آنچه که می گوید نگریست و اندیشید.

﴿ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ﴾ [المدثر: ۲۲].

۲۲ سپس چون چیزی نیافت که با آن بر قرآن عیب وارد کند چهره در هم کشید و خشم کرد.

﴿ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ﴾ [المدثر: ۲۳].

۲۳ سپس از ایمان روی گرداند و از پیروی پیامبر ﷺ خودداری کرد.

﴿فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ﴾ [المدثر: ۲۴].

۲۴ پس گفت: این چیزی که محمد آورده است سخن الله نیست، بلکه سحری است که از دیگران روایت می کند.

﴿إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلَ الْبَشَرِ﴾ [المدثر: ۲۵].

۲۵ کلام الله نیست، بلکه کلام انسان است.

﴿سَأُصْلِيهِ سَقَرَ﴾ [المدثر: ۲۶].

۲۶ به زودی این کافر را در یکی از طبقات جهنم، یعنی سَقَر که گرمایی کشنده دارد وارد می کنم.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا سَقَرُ﴾ [المدثر: ۲۷].

۲۷ و - ای محمد - تو چه می دانی که سَقَر چیست؟!

﴿لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ﴾ [المدثر: ۲۸].

۲۸ از عذاب شده در خویش چیزی باقی نمی گذارد مگر اینکه او را فرا می گیرد، و رها نمی کند، سپس همان گونه که بود باز می گردد، سپس بر او فرود می آید، و به همین ترتیب ادامه دارد.

﴿لَوَاحَةٌ لِّلْبَشَرِ﴾ [المدثر: ۲۹].

﴿۲۹﴾ پوست‌ها را سخت می‌سوزاند و تغییر می‌دهد.

﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ [المدثر: ۳۰].

﴿۳۰﴾ بر آن نوزده فرشته گمارده شده است، که خزانه‌دارانش هستند.

﴿وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِّلْبَشَرِ﴾ [المدثر: ۳۱].

﴿۳۱﴾ و ما خزانه‌داران جهنم را جز فرشتگان قرار ندادیم، که انسان‌ها توانی در برابر آنها ندارند، و در حقیقت ابوجهل دروغ گفت آن‌گاه که ادعا کرد او و قومش می‌توانند بر آنها حمله بزنند، و از جهنم خارج شوند، و این شمار آنها را قرار ندادیم جز آزمایشی برای کسانی که به الله کفر ورزیدند؛ تا آنچه را که گفتند بگویند آن‌گاه عذاب بر آنها دوچندان شود. و به این هدف یهود تا تورات به آنها داده شد، و نصاری که انجیل به آنها داده شد یقین پیدا کنند آن‌گاه که قرآن که تصدیق‌کننده آنچه در دو کتاب‌شان است نازل شد. و تا این که بر ایمان مؤمنان بیفزاید آن‌گاه که اهل کتاب با آنها موافقت می‌کنند، و یهود و نصاری و مؤمنان تردید نکنند. و به این منظور که مترددان در ایمان، و کافران بگویند: الله با این عدد شگفت چه چیزی را اراده کرده است؟! مانند گمراه ساختن منکر این عدد و هدایت تصدیق‌کننده آن، الله هرکس را که بخواهد گمراه سازد گمراه می‌سازد و هرکس را که بخواهد هدایت کند هدایت می‌کند. و از فراوانی لشکریان پروردگارت هیچ‌کس جز او سبحانه آگاه نیست. پس ابوجهل که برای تحقیر و تکذیب گفت: (آیا محمد یاورانی جز نوزده تن ندارد؟! باید از این امر آگاه شود، و جهنم جز مایهٔ یادآوری انسان‌ها نیست که با آن بر عظمت الله سبحانه پی ببرند.

﴿كَلَّا وَالْقَمَرَ﴾ [المدثر: ۳۲].

﴿۳۲﴾ سخن آن‌گونه نیست که یکی از مشرکان ادعا می‌کند یارانش برای چیره‌شدن بر خزانه‌داران جهنم کافی هستند. الله به ماه سوگند یاد فرمود.

﴿وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ﴾ [المدثر: ۳۳].

﴿۳۳﴾ و به شب آن گاه که پشت کند سوگند یاد فرمود.

﴿وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾ [المدثر: ۳۴].

﴿۳۴﴾ و به صبح آن گاه که روشنایی آورد سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُبَرِ﴾ [المدثر: ۳۵].

﴿۳۵﴾ که آتش جهنم به طور قطع یکی از بلایای بزرگ است.

﴿نَذِيرًا لِلْبَشَرِ﴾ [المدثر: ۳۶].

﴿۳۶﴾ وسیلهٔ تهدید و ترساندن مردم است.

﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ﴾ [المدثر: ۳۷].

﴿۳۷﴾ - ای مردم - برای هرکس از شما که بخواهد با ایمان به الله و عمل صالح پیشی جوید، یا با کفر و گناهان عقب بکشد.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾ [المدثر: ۳۸].

﴿۳۸﴾ هرکس در قبال اعمالی که کسب کرده گرفتار است. پس یا اعمالش او را نابود می‌کند، یا او را از نابودی می‌رهاند و نجات می‌دهد.

﴿إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ﴾ [المدثر: ۳۹].

﴿۳۹﴾ مگر مؤمنان که در قبال گناهان‌شان مواخذه نمی‌شوند، بلکه به سبب اعمال صالحی که دارند مورد عفو قرار می‌گیرند.

﴿فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ﴾ [المدثر: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و آنها روز قیامت در بهشت‌هایی هستند و از یکدیگر می‌پرسند.

﴿عَنِ الْمُجْرِمِينَ﴾ [المدثر: ۴۱].

﴿۴۱﴾ در مورد کافران که خودشان را با گناهی که انجام دادند نابود کردند.

﴿مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ﴾ [المدثر: ۴۲].

﴿۴۲﴾ به آنها می‌گویید: چه چیزی شما را وارد جهنم کرد؟

﴿قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ﴾ [المدثر: ۴۳].

﴿۳۳﴾ کافران این گونه به آنها پاسخ می دهند: از کسانی که نماز واجب را در زندگی دنیا برپا می داشتند نبودیم.

﴿وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمَسْكِينِ﴾ [المدثر: ۴۴].

﴿۳۴﴾ و از آنچه که الله به ما عطا کرده بود به فقیر اطعام نمی کردیم.

﴿وَكُنَّا مَخْوُضٌ مَعَ الْخَائِضِينَ﴾ [المدثر: ۴۵].

﴿۳۵﴾ و همراه پیروان باطل بودیم که هر جا می گشتند با آنها می گشتیم، و با گمراهان و فریب خوردگان سخن می گفتیم.

﴿وَكُنَّا نَكْذِبُ يَوْمَ الدِّينِ﴾ [المدثر: ۴۶].

﴿۳۶﴾ و روز جزا را تکذیب می کردیم.

﴿حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينِ﴾ [المدثر: ۴۷].

﴿۳۷﴾ و به تکذیب روز جزا ادامه دادیم تا مرگ ما را فرا گرفت، آن گاه میان ما و توبه مانع ایجاد کرد.

برخی فواید آیات:

- خطر زیاد کبر چنان که ولید بن مُغیره را پس از اینکه حق برایش آشکار شد از ایمان بازداشت.
- مسئولیت انسان در قبال اعمالش در دنیا و آخرت.
- طعام ندادن به نیازمندی یکی از اسباب ورود به جهنم است.

﴿فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ﴾ [المدثر: ۴۸].

۵۸ پس واسطه‌گری شفاعتگران، اعم از فرشتگان و پیامبران و صالحان در روز قیامت به آنها سودی نمی‌رساند؛ زیرا یکی از شروط پذیرش شفاعت، رضایت از شفاعت‌شده است.

﴿فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ﴾ [المدثر: ۴۹].

۴۹ چه چیزی باعث رویگردانی این مشرکان از قرآن شد؟!

﴿كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ﴾ [المدثر: ۵۰].

۵۰ گویی در رویگردانی و فرار از قرآن، گورخرانی بسیار رمنده هستند.

﴿فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ﴾ [المدثر: ۵۱].

۵۱ که از شیری به سبب ترس از آن می‌گریزند.

﴿بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُنْشَرَّةً﴾ [المدثر: ۵۲].

۵۲ بلکه هر یک از این مشرکان می‌خواهد نامه‌ای برایش ارسال شود که به او خبر می‌دهد محمد رسولی از جانب الله است، و سبب این امر کمبود و ضعف دلایل و حجت‌ها نیست، بلکه فقط ستیزه‌جویی و تکبر است.

﴿كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ﴾ [المدثر: ۵۳].

۵۳ چنین نیست، بلکه سبب استمرار گمراهی آنها این است که به عذاب آخرت ایمان نمی‌آورند، و بر کفرشان باقی می‌مانند.

﴿كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرَةٌ﴾ [المدثر: ۵۴].

۵۴ بدانید که این قرآن اندرز و یادآوری است.

﴿فَمَنْ شَاءَ ذَكِّرْهُ﴾ [المدثر: ۵۵].

۵۵ پس هرکس که بخواهد می‌تواند قرآن را بخواند و از آن اندرز گیرد.

﴿وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَعْفِرَةِ﴾ [المدثر: ۵۶].

۵۶ و پند نمی‌گیرند مگر اینکه الله بخواهد پند بگیرند. او سبحانه سزاوار است که با امتثال اوامر و اجتناب از نواهی‌اش از او ترسیده شود، و سزاوار است که گناهان بندگان را آن‌گاه که به‌سوی او توبه کنند ببامرزد.

سوره القیامه

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار قدرت الله هم بر آفرینش و هم بر زنده کردن انسان پس از مرگ.

تفسیر:

﴿لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ [القیامة: ۱].

① الله به روز قیامت یعنی روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان می ایستند سوگند یاد فرمود.

﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾ [القیامة: ۲].

② و به نفس پاک که صاحبش را بر کوتاهی در اعمال صالح، و بر انجام بدیها سرزنش می کند سوگند یاد فرمود که به طور قطع مردم برای حسابرسی و جزا برانگیخته می شوند.

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ﴾ [القیامة: ۳].

③ آیا انسان گمان می کند که پس از مرگش استخوان های او را برای رستاخیز جمع نخواهیم کرد؟!

﴿بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسْوِيَ بَنَانَهُ﴾ [القیامة: ۴].

④ آری، افزون بر جمع استخوان هایش ما می توانیم سر انگشتان او را به آفرینشی کامل همان گونه که بود بازگردانیم.

﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ [القیامة: ۵].

⑤ بلکه با انکار رستاخیز می خواهد بدون هیچ بازدارنده ای به بدکاری خویش در آینده ادامه دهد.

﴿يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ﴾ [القیامة: ۶].

⑥ برای بعید شمردن، در مورد روز قیامت می پرسد: چه زمانی واقع می شود؟

﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾ [القیامة: ۷].

۷) آن گاه که چشمان سرگردان و وحشت زده شوند چون آنچه را تکذیب می کردند ببینند.

﴿وَحَسَفَ الْقَمَرُ﴾ [القیامة: ۸].

۸) و نور ماه از بین برود.

﴿وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ﴾ [القیامة: ۹].

۹) و جرم خورشید و ماه جمع شود.

﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُ﴾ [القیامة: ۱۰].

۱۰) انسان بدکار در آن روز می گوید: راه فرار کجا است؟!

﴿كَلَّا لَا وَزَرَ﴾ [القیامة: ۱۱].

۱۱) در آن روز نه راه فراری است، و نه هیچ جای پناهی که بدکار به آن روی آورد، و نه هیچ پناهگاهی که به آن پناه برده شود.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ﴾ [القیامة: ۱۲].

۱۲) - ای رسول - در آن روز بازگشتگاه و هدف برای حسابرسی و جزا به سوی پروردگارت است.

﴿يُنَبِّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ﴾ [القیامة: ۱۳].

۱۳) در آن روز انسان از اعمالی که قبل از وفات فرستاده، و اعمالی که پس از خود به جای گذاشته است باخبر می شود.

﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾ [القیامة: ۱۴].

۱۴) بلکه انسان بر خودش گواه است چون اعضای او به گناهایی که کسب کرده است گواهی می دهند.

﴿وَلَوْ أَلْفَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾ [القیامة: ۱۵].

۱۵) و اگر عذرهایی بیابد که با آنها از خودش دفاع کند که عمل بدی را انجام نداده است هرگز سودی به او نمی رساند.

﴿لَا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ﴾ [القیامة: ۱۶].

۱۶) - ای رسول - زبانت را به قرآن از روی عجله به اینکه از ذهنت فرار کند حرکت نده.

﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ [القیامه: ۱۷].

﴿۱۷﴾ زیرا برعهده ما است که آن را برای تو در سینهات جمع کنیم، و قرائت آن را بر زبانت استوار سازیم.

﴿فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ [القیامه: ۱۸].

﴿۱۸﴾ پس هرگاه جبرئیل علیه السلام قرائت آن را بر تو کامل کرد به قرائت او گوش ده و بشنو.

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ [القیامه: ۱۹].

﴿۱۹﴾ تفسیر آن به تو نیز برعهده ما است.

برخی فواید آیات:

- اراده بنده به اراده الله مَّقَیَّد است.
- اشتیاق رسول الله صلی الله علیه و آله بر حفظ آیاتی از قرآن بر او وحی می شد، و تضمین الله به او با جمع قرآن در سینه اش و حفظ آن به صورت کامل به گونه ای که ذره ای از آن فراموش نشود.

﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ﴾ [القيامة: ۲۰].

﴿۱۰﴾ هرگز، امر چنین نیست که شما محال بودن رستاخیز را ادعا می‌کنید، زیرا می‌دانید کسی که بر آفرینش نخستین شما توانا باشد از زنده کردن شما پس از مرگ‌تان ناتوان نیست، اما سبب تکذیب رستاخیز توسط شما فقط این است که شما زندگی دنیا را که به سرعت پایان می‌یابد دوست دارید.

﴿وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ﴾ [القيامة: ۲۱].

﴿۱۱﴾ و زندگی آخرت را رها می‌کنید که راه (دستیابی به) آن انجام طاعاتی است که الله شما را به آن فرمان داده، و ترک محرماتی که شما را از آن نهی کرده است.

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ﴾ [القيامة: ۲۲].

﴿۱۲﴾ چهره‌های اهل ایمان و سعادت در آن روز شاداب و منور است.

﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ﴾ [القيامة: ۲۳].

﴿۱۳﴾ و به‌سوی پروردگارشان می‌نگرند و از آن بهره‌مند می‌شوند.

﴿وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ﴾ [القيامة: ۲۴].

﴿۱۴﴾ و چهره‌های کافران و بدبختان در آن روز در هم کشیده است.

﴿تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ﴾ [القيامة: ۲۵].

﴿۱۵﴾ یقین دارند که کیفری بزرگ، و عذابی دردناک بر آنها فرود می‌آید.

﴿كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ الرَّاقِيَةَ﴾ [القيامة: ۲۶].

﴿۱۶﴾ امر چنان نیست که مشرکان تصور کرده‌اند که وقتی مُردند عذاب نمی‌شوند، پس هنگامی که جان یکی از آنها به گلوگاهش برسد.

﴿وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ﴾ [القيامة: ۲۷].

﴿۱۷﴾ و مردم به یکدیگر بگویند: آیا کسی هست که بر او رُقیه بخواند شاید شفا یابد؟!

﴿وَوَظَنَ أَنََّّهُ الْفِرَاقُ﴾ [القيامة: ۲۸].

﴿۱۸﴾ و کسی که در حال جان‌کندن است یقین پیدا کند که جدایی دنیا با مرگ فرا رسیده است.

﴿وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ﴾ [القيامة: ۲۹].

﴿۱۹﴾ و در پایان دنیا و شروع آخرت، سختی‌ها جمع شوند.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ﴾ [القیامه: ۳۰].

﴿۳۰﴾ در این هنگام، مرده به سوی پروردگارش رانده می‌شود.

﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ [القیامه: ۳۱].

﴿۳۱﴾ پس کافر به آنچه رسولش آورد ایمان نیاورد، و برای الله سبحانه نماز نگذارد.

﴿وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ [القیامه: ۳۲].

﴿۳۲﴾ بلکه آنچه را رسولش نزد او آورد تکذیب کرد، و از آن روی گرداند.

﴿ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى﴾ [القیامه: ۳۳].

﴿۳۳﴾ به علاوه، این کافر درحالی که متکبرانه راه می‌رفت به سوی خانواده‌اش رفت.

﴿أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ﴾ [القیامه: ۳۴].

﴿۳۴﴾ پس الله کافر را تهدید کرد که عذابش به تحقیق او را دنبال می‌کند و به او نزدیک شده است.

﴿ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ﴾ [القیامه: ۳۵].

﴿۳۵﴾ سپس همان جمله را برای تاکید تکرار کرد، و فرمود: ﴿ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَأُولَىٰ﴾؛ «باز هم وای بر تو! پس وای بر تو!».

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ [القیامه: ۳۶].

﴿۳۶﴾ آیا انسان گمان می‌کند که الله او را بیهوده بدون اینکه او را به شریعتی مکلف سازد رها می‌کند؟

﴿أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِّن مَّنِي يُمْنَىٰ﴾ [القیامه: ۳۷].

﴿۳۷﴾ آیا این انسان روزی یک نطفه از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟

﴿ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ﴾ [القیامه: ۳۸].

﴿۳۸﴾ سپس تکه‌ای از خون جامد نبود؟ سپس الله او را نیافرید؟ و آفرینش او را کامل نکرد؟

﴿فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ﴾ [القیامه: ۳۹].

﴿۳۹﴾ سپس از جنس او دو نوع: مرد و زن قرار نداد؟!

﴿أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ﴾ [القيامة: ۴۰].

🕒 آیا ذاتی که انسان را از نطفه‌ای سپس از خون بسته‌ای آفرید بر زنده کردن دوباره مردگان برای حسابرسی و جزا توانا نیست؟! آری، به‌راستی که بر این کار توانا است.

سوره الإنسان

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

یادآوری انسان به اصل و حکمت آفرینش و مقصدش در دنیا و آخرت، و اظهار نعمت‌های بهشت، برای استوارسازی مؤمنان و دعوت کافران.

تفسیر:

﴿هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئًا مَّذْكُورًا﴾ [الإنسان: ۱].

🕒 زمانی طولانی بر انسان گذشته که در آن زمان، معدومی غیر قابل ذکر بوده است.

﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾ [الإنسان: ۲].

🕒 به‌راستی که ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته از آب مرد و آب زن آفریدیم، و او را با تکالیفی که بر او لازم گردانیدیم می‌آزماییم، از این رو او را شنوا و بینا قرار دادیم تا احکامی که او را به آنها مکلف کرده‌ایم، برپا دارد.

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ [الإنسان: ۳].

🕒 به‌راستی که ما برایش راه هدایت را بر زبان رسولانمان آشکار کردیم، و با این کار راه گمراهی نیز برایش آشکار شد. سپس او یا به راه راست هدایت می‌یابد، و بنده ای مؤمن و سپاسگزار الله می‌شود، و یا از راه راست گمراه می‌گردد و بنده‌ای کافر و منکر آیات الله می‌شود.

الله پس از بیان دو نوع هدایت‌یافته و گمراه، جزای آن دو را بیان کرد و فرمود:

﴿إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا﴾ [الإنسان: ۴].

🕒 به‌راستی که ما برای کافران به الله و رسولانش، غل و زنجیرهایی که با آنها در جهنم کشیده می‌شوند، و آتشی شعله‌ور آماده کرده‌ایم.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا﴾ [الإنسان: ۵].

☞ به راستی که مؤمنان فرمان بردار از الله در روز قیامت از جام شرابی لبریز که با کافور به سبب رایحه خوش آن آمیخته شده است می نوشند.

برخی فواید آیات:

- خطر دنیادوستی و رویگردانی از آخرت.
- ثبوت اختیار برای انسان، و این حق انتخاب، گرمی داشتن او توسط الله است.
- نگاه کردن به وجه گرمی الله، بزرگترین نعمت است.

﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا﴾ [الإنسان: ۶].

این شراب آماده شده برای اهل طاعت از چشمه‌ای سهل الوصول و پُر آب است که نمی‌خشکد، بندگان الله از آن سیراب می‌شوند، و آن را به هر جا بخواهند روان و جاری می‌کنند.

﴿يُوفُونَ بِالَّذِرِّ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ [الإنسان: ۷].

و صفات بندگان که از آن می‌نوشند این است که به طاعاتی که خودشان را به آن ملزم کرده‌اند وفا می‌کنند، و از روزی که شر آن گسترده و آشکار است یعنی روز قیامت می‌ترسند.

﴿وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ [الإنسان: ۸].

و طعام را با وجود اینکه آن را به خاطر نیاز و اشتها دوست دارند، به فقرا و یتیمان و اسیران می‌دهند.

﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لُوجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾ [الإنسان: ۹].

و از درون شادمان هستند که جز برای وجه الله به آنها طعام نمی‌دهند، زیرا در قبال طعام دادن، هیچ پاداش و تشکری از آنها نمی‌خواهند.

﴿إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۰].

بهرآستی که ما از پروردگاران در روزی که از سختی و ترسناکی آن چهره‌های بدبختان در هم کشیده می‌شود می‌ترسیم.

﴿فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا﴾ [الإنسان: ۱۱].

پس الله برای گرامی داشتن آنها و شاد کردن دل‌هایشان، آنها را به فضل خویش از شر آن روز بزرگ نجات داد، و زیبایی و نوری در چهره‌های‌شان به آنها عطا کرد.

﴿وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۲].

و الله - به سبب صبرشان بر طاعات و بر قضا و قدرهای الله، و صبرشان در برابر ترک گناهان - بهشتی را که در آن بهره‌مند می‌شوند، و ابریشمی که آن را می‌پوشند به آنها پاداش داد.

﴿مُتَكِبِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۳].

۱۳ در آنجا بر تخت‌هایی آراسته تکیه می‌زنند، و نه خورشیدی که پرتوش آنها را اذیت کند، و نه سرمای شدیدی می‌بینند، بلکه در سایه‌بانی همیشگی و بدون هیچ گرما و سرمای قرار دارند.

﴿وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَفْطُوفُهَا تَذَلِيلًا﴾ [الإنسان: ۱۴].

۱۴ سایه‌هایش به آنها نزدیک است، و میوه‌هایش رام کسانی است که آنها را می‌خورند، یعنی به آسانی و سهولت آنها را می‌خورند، به‌گونه‌ای که به پهلوی آرمیده و نشسته و ایستاده به آنها دسترسی دارند.

﴿وَيُطَافُ عَلَيْهِم بِآنِيَةٍ مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۵].

۱۵ و خدمتکاران با ظرف‌هایی نقره‌ای، و جام‌هایی درخشان هر وقت شراب بخواهند پیرامون آنها می‌گردانند.

﴿قَوَارِيرٍ مِّن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا﴾ [الإنسان: ۱۶].

۱۶ که در درخشندگی رنگش مانند شیشه است اما از نقره هستند، و براساس مقداری که می‌خواهند اندازه‌گیری شده هستند، به‌گونه‌ای که نه از آن بیشتر است و نه کمتر.

﴿وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَان مِرَاجُهَا زَنْجَبِيلًا﴾ [الإنسان: ۱۷].

۱۷ و این گرمی داشته‌شدگان از جام شرابی آمیخته با زنجبیل نوشانده می‌شوند.

﴿عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا﴾ [الإنسان: ۱۸].

۱۸ از چشمه‌ای در بهشت به نام سلسبیل می‌نوشند.

﴿* وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا﴾ [الإنسان: ۱۹].

۱۹ و در بهشت پسرانی که بر جوانی‌شان باقی می‌مانند، گردشان می‌چرخند که هرگاه آنها را ببینی به سبب صورت‌های زیبا، و رنگ‌های نیکو، و زیاد بودن و پراکندگی‌شان، گویی مرواریدهایی پراکنده شده هستند.

﴿وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا﴾ [الإنسان: ۲۰].

۲۰ و چون به آنچه در بهشت است بنگری نعمت‌هایی غیر قابل توصیف، و مُلک و پادشاهی‌ای بزرگ و بی‌همتا می‌بینی.

﴿عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا﴾ [الإنسان: ۲۱].

﴿۲۱﴾ بر تن‌های‌شان لباس‌هایی سبز و فاخر از ابریشم نازک، و ابریشم کلفت پوشیده شده است، و در آنجا دست‌بندهایی از نقره پوشانده شده‌اند، و الله شرابی خالی از هرگونه ناگواری به آنها می‌نوشاند.

﴿إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا﴾ [الإنسان: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و برای تکریم به آنها گفته می‌شود: قطعاً این نعمت‌هایی که به شما داده شده است پاداش شما در قبال اعمال صالحتان است، و عمل‌تان نزد الله پذیرفته شده است.

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۳].

﴿۲۳﴾ - ای رسول - به تحقیق که ما قرآن را بخش‌بخش بر تو نازل کردیم، و آن را یکباره بر تو فرو نفرستادیم.

﴿فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آئِمًّا أَوْ كَفُورًا﴾ [الإنسان: ۲۴].

﴿۲۴﴾ پس در برابر تمام احکام تقدیری و تشریحی الله شکیبایی کن، و نه از گناهکاری در گناهی که به‌سوی آن فرامی‌خواند فرمان بر، و نه از کفری در کفری که به‌سوی آن فرامی‌خواند.

﴿وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و پروردگارت را با نماز صبح در اول روز، و نماز ظهر و عصر در پایان روز یاد کن.

برخی فواید آیات:

- وفا به نذر و اِطعام نیازمند، و اخلاص در عمل، و ترس از الله: اسباب نجات از جهنم، و ورود به بهشت هستند.
- وقتی پسرکانی که به بهشتیان خدمت می‌کنند، چنین زیبا و خوش‌منظر هستند، پس خود بهشتیان چگونه خواهند بود؟!

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۶].

۲۶) و او تعالی را در دو نماز شب: نماز مغرب و نماز عشا، یاد کن، و پس از این دو نماز، برای او نماز شب (تَهَجُّد) بگزار.

﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۷].

۲۷) به راستی که این مشرکان زندگی دنیا را دوست دارند و بر آن حرص می‌ورزند، و روز قیامت را که به سبب سختی‌ها و مصیبت‌هایش روزی سنگین است، پشت سرشان رها کرده‌اند.

﴿نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۸].

۲۸) ما آنها را آفریده‌ایم و آفرینش آنها را با تقویت مفاصل و اعضا و غیر آن مستحکم کرده‌ایم. و هرگاه نابودی و تبدیل آنها با امثال‌شان را بخواهیم به‌طور قطع این کار را انجام خواهیم داد.

﴿إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ [الإنسان: ۲۹].

۲۹) به راستی که این سوره مایهٔ اندرز و یادآوری است، پس هرکس انتخاب راهی که او را به رضایت پروردگارش می‌رساند بخواهد آن را برگزیند.

﴿وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ [الإنسان: ۳۰].

۳۰) و انتخاب راهی به‌سوی رضایت الله را نمی‌خواهید مگر اینکه الله آن را از شما بخواهد، زیرا تمام کارها به‌سوی او است. به راستی که الله از آنچه که به صلاح بندگانش است و آنچه به صلاح آنها نیست بسیار آگاه است، و در آفرینش و تقدیر و شریعتش بسیار دانا است.

﴿يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا﴾ [الإنسان: ۳۱].

۳۱) هر یک از بندگانش را که بخواهد وارد رحمت خویش می‌کند، آن‌گاه آنها را به ایمان و عمل صالح توفیق می‌دهد، و برای کسانی که با کفر و گناهان به خودشان ستم کرده‌اند عذابی دردناک یعنی عذاب جهنم، در آخرت آماده کرده است.

سوره المرسلات

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اثبات قیامت از طریق مغلوب کردن تکذیب کنندگان با دلایل، و در پی آن، بیان تهدید و هشدار.

تفسیر:

﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾ [المرسلات: ۱].

۱) الله به بادهایی که مانند یال اسب پیایی می‌وزند سوگند یاد فرمود:

﴿فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا﴾ [المرسلات: ۲].

۲) و به بادهای سخت وزنده سوگند یاد فرمود:

﴿وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا﴾ [المرسلات: ۳].

۳) و به بادهایی که باران را می‌گسترانند سوگند یاد فرمود.

﴿فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا﴾ [المرسلات: ۴].

۴) و به فرشتگانی که آنچه را میان حق و باطل جدایی می‌اندازد نازل می‌کنند سوگند یاد فرمود.

﴿فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا﴾ [المرسلات: ۵].

۵) و به فرشتگانی که وحی را فرود می‌آورند سوگند یاد فرمود.

﴿عُدْرًا أَوْ نُذْرًا﴾ [المرسلات: ۶].

۶) وحی را هشدار از جانب الله برای مردم، و بیم‌دادن مردم از عذاب او تعالی فرو می‌فرستند.

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعَ﴾ [المرسلات: ۷].

۷) که رستاخیز و حسابرسی و جزایی که به آن وعده داده می‌شوید به‌طور قطع و بدون تردید واقع خواهد شد.

﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾ [المرسلات: ۸].

۸) پس وقتی نور ستارگان محو شده و از بین برود.

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾ [المرسلات: ۹].

﴿۹﴾ و آن گاه که آسمان شکافته شود تا فرشتگان از آن فرود آیند.

﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُفَّتْ﴾ [المرسلات: ۱۰].

﴿۱۰﴾ و آن گاه که کوهها از جای خویش کنده و متلاشی و به گرد و خاک تبدیل شوند.

﴿وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتْ﴾ [المرسلات: ۱۱].

﴿۱۱﴾ و آن گاه که رسولان برای وقت مشخصی گرد آورده شوند.

﴿لَأَيَّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ﴾ [المرسلات: ۱۲].

﴿۱۲﴾ برای روزی بزرگ که برای گواهی بر امت‌های‌شان تعیین شده است.

﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾ [المرسلات: ۱۳].

﴿۱۳﴾ برای روز داوری میان بندگان، که حق‌دار از ناحق، و خوشبخت از بدبخت مشخص می‌شود.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ﴾ [المرسلات: ۱۴].

﴿۱۴﴾ - و ای رسول - تو چه می‌دانی که روز داوری چیست؟!

﴿وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۱۵].

﴿۱۵﴾ نابودی و عذاب و تباهی در آن روز بر تکذیب‌کنندگانی باد که آنچه را رسولان از جانب الله آوردند تکذیب می‌کنند.

﴿أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ﴾ [المرسلات: ۱۶].

﴿۱۶﴾ مگر امت‌های پیشین را وقتی به الله کفر ورزیدند و رسولانش را تکذیب کردند نابود نکردیم؟!

﴿ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْآخِرِينَ﴾ [المرسلات: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و تکذیب‌کنندگان بعدی را نیز همانند آنها و در پی آنها نابود کردیم.

﴿كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ﴾ [المرسلات: ۱۸].

﴿۱۸﴾ مانند نابودکردن آن امت‌ها، مجرمان تکذیب‌کننده به رسالت محمد ﷺ را نابود می‌کنیم.

﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۱۹].

ﷻ نابودی و عذاب و تباهی در آن روز بر تکذیب کنندگان وعید الله به مجازات مجرمان باد.

برخی فواید آیات:

- خطر دل‌بستگی به دنیا و فراموشی آخرت.
- اراده بنده تابع اراده الله است.
- نابودی امت‌های تکذیب کننده، سنتی الهی است.

﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ﴾ [المرسلات: ۲۰].

۲۰ - ای مردم - مگر شما را از آبی پست و اندک یعنی نطفه نیافریدیم.

﴿فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾ [المرسلات: ۲۱].

۲۱ پس آن آب پست را در مکانی حفاظت شده یعنی رحم زن قرار دادیم.

﴿إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ [المرسلات: ۲۲].

۲۲ تا زمانی مشخص یعنی مدت حمل.

﴿فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ﴾ [المرسلات: ۲۳].

۲۳ سپس صفت و اندازه و رنگ و سایر خصوصیات نوزاد را فراهم آوردیم، پس ما برای تمام این موارد توانایان بسیار خوبی هستیم.

﴿وَبِئْسَ يَوْمِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۲۴].

۲۴ نابودی و عذاب و زیان در آن روز بر تکذیب کنندگان قدرت الله باد.

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا﴾ [المرسلات: ۲۵].

۲۵ آیا زمین را گردآورنده تمام مردم قرار ندادیم.

﴿أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾ [المرسلات: ۲۶].

۲۶ که زندگان شان را با سکونت و آبادانی آن، و مردگان شان را با دفن در خود گرد می آورد.

﴿وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَاهِجَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا﴾ [المرسلات: ۲۷].

۲۷ و کوههایی استوار و بلند در آن قرار دادیم، که آن را از لرزیدن محافظت می کنند، و - ای مردم - آبی گوارا به شما نوشاندیم. و ذاتی که این موارد را آفریده باشد از برانگیختن شما ناتوان نیست.

﴿وَبِئْسَ يَوْمِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۲۸].

۲۸ نابودی و عذاب و تباهی در آن روز بر کسانی باد که نعمت های الله بر خودشان را انکار می کنند.

﴿انظلقوا إلى ما كنتم به تكذبون﴾ [المرسلات: ۲۹].

۲۹ و به کسانی که آنچه را رسولان شان آوردند تکذیب کردند گفته می شود: - ای تکذیب کنندگان - به سوی عذابی که آن را تکذیب می کردید بروید.

﴿انظُرُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ﴾ [المرسلات: ۳۰].

﴿۳۰﴾ به سوی سایه‌بانی از دود آتش که به سه شاخه جدا شده است بروید.

﴿لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ﴾ [المرسلات: ۳۱].

﴿۳۱﴾ نه خنکی سایه را دارد، و نه مانع رسیدن سوزش و حرارت آتش به شما می‌شود.

﴿إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ﴾ [المرسلات: ۳۲].

﴿۳۲﴾ به راستی که آتش جهنم، آتشپاره‌هایی می‌افکند، که هر یک از آنها از نظر بزرگی مانند کاخی است.

﴿كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٍ﴾ [المرسلات: ۳۳].

﴿۳۳﴾ این پاره‌های آتش، گویی در سیاهی و ضخامت مانند شترانی سیاه هستند.

﴿وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۳۴].

﴿۳۴﴾ نابودی و عذاب و تباهی در آن روز بر تکذیب‌کنندگان عذاب الله باد.

﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ﴾ [المرسلات: ۳۵].

﴿۳۵﴾ در این روز هیچ سخنی نمی‌گویند.

﴿وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ﴾ [المرسلات: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و به آنها اجازه داده نمی‌شود که از کفر و گناهان‌شان به سوی پروردگارشان پوزش بخواهند.

﴿وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۳۷].

﴿۳۷﴾ نابودی و عذاب و تباهی در آن روز بر تکذیب‌کنندگان اخبار آن روز باد.

﴿هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَىٰ﴾ [المرسلات: ۳۸].

﴿۳۸﴾ این روز داوری بین مخلوقات است، که شما و امت‌های پیشین را در یک میدان هموار گرد می‌آوریم.

﴿فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ﴾ [المرسلات: ۳۹].

﴿۳۹﴾ پس اگر حيله‌ای دارید که برای نجات از عذاب الله با آن چاره‌جویی کنید پس علیه من به کار گیرید.

﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۴۰].

﴿۵۱﴾ نابودی و عذاب و تباهی در آن روز بر تکذیب کنندگان روز داوری باد.

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ﴾ [المرسلات: ۴۱].

﴿۵۱﴾ به راستی، کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان پرهیزگاری می کنند، در سایه های درختان سبز و خرم و تازه بهشت و چشمه های آب گوارا و جاری، هستند.

﴿وَفَوَاقِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ﴾ [المرسلات: ۴۲].

﴿۵۲﴾ و در میان هر میوه ای که خواهان خوردن آن باشند.

﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ [المرسلات: ۴۳].

﴿۵۳﴾ و به آنها گفته می شود: به سبب اعمال صالحی که در دنیا انجام می دادید، از پاکیزه ها بخورید، و نوشیدنی گوارایی که هیچ ناگواری ای در آن نیست بنوشید.

﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ [المرسلات: ۴۴].

﴿۵۴﴾ همانا مانند این جزا که به شما جزا دادیم نیکوکاران را جزا می دهیم.

﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۴۵].

﴿۵۵﴾ نابودی و عذاب و تباهی باد در آن روز بر تکذیب کنندگان نعمت های که الله برای پرهیزگاران آماده ساخته است.

﴿كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ﴾ [المرسلات: ۴۶].

﴿۵۶﴾ و به تکذیب کنندگان گفته می شود: زمانی اندک در دنیا بخورید و از خوشی های زندگی بهره مند شوید. به راستی که شما به سبب کفر به الله و تکذیب رسولانش مجرم هستید.

﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۴۷].

﴿۵۷﴾ نابودی و عذاب و تباهی در آن روز بر تکذیب کنندگان جزا در روز قیامت باد.

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ﴾ [المرسلات: ۴۸].

﴿۵۸﴾ و هرگاه به این تکذیب کنندگان گفته شود: برای الله نماز بگزارید برای او تعالی نماز نمی گزارند.

﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المرسلات: ۴۹].

ﷻ نابودی و عذاب و تباهی باد در آن روز بر منکرانی که آنچه را رسولان از جانب الله آورده‌اند تکذیب می‌کنند.

﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ [المرسلات: ۵۰].

ﷻ وقتی به این قرآن نازل شده از جانب پروردگارشان ایمان نیاوردند پس به کدام سخن دیگری ایمان خواهند آورد؟!

برخی فواید آیات:

- توجه الله به انسان در شکم مادرش.
- گنجایش زمین برای افراد زنده که روی زمین زندگی می‌کنند، و مردگانی که زیر آن دفن هستند.
- خطر زیاد تکذیب آیات الله و تهدید سخت برای کسی که مرتکب این امر می‌شود.

سوره النبأ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اثبات رستاخیز و جزا از طریق دلایل و برهان‌ها.

تفسیر:

﴿عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ﴾ [النبأ: ۱].

① این مشرکان پس از اینکه الله رسولش را به سوی آنها فرستاد در مورد چه چیزی از یکدیگر می‌پرسند؟!

﴿عَنِ النَّبِئِ الْعَظِيمِ﴾ [النبأ: ۲].

② در مورد خبری بزرگ؛ که همان قرآن نازل شده بر رسول‌شان که دربردارنده خبر رستاخیز است، از یکدیگر می‌پرسند.

﴿الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ﴾ [النبأ: ۳].

③ همین قرآن که در توصیف آن با یکدیگر اختلاف کردند؛ در اینکه سحر یا شعر یا کهانت یا افسانه‌های پیشینیان است.

﴿كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ [النبأ: ۴].

④ چنان که ادعا کردند نیست. به زودی این تکذیب‌کنندگان قرآن از سرانجام بد تکذیب خویش آگاه خواهند شد.

﴿ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ﴾ [النبأ: ۵].

⑤ باز هم تأکید می‌شود که از این کار اطمینان حاصل خواهند کرد.

﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾ [النبأ: ۶].

⑥ آیا زمین را برای‌شان هموار و قابل اقامت نگردانیدیم؟!

﴿وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا﴾ [النبا: ۷].

۷ و کوهها را بر روی زمین به منزله میخهایی که آن را از لرزیدن نگه می‌دارد قرار دادیم.

﴿وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾ [النبا: ۸].

۸ و - ای مردم - شما را جنس‌هایی مخالف آفریدیم: برخی از شما مرد و برخی دیگر زن هستند.

﴿وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا﴾ [النبا: ۹].

۹ و خوابتان را وسیله دست کشیدن از فعالیت قرار دادیم تا استراحت کنید.

﴿وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا﴾ [النبا: ۱۰].

۱۰ و تاریکی شب را پوششی برای‌تان قرار دادیم مانند لباس که عورت‌های‌تان را با آن می‌پوشانید.

﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ [النبا: ۱۱].

۱۱ و روز را میدانی برای کسب و جستجوی روزی قرار دادیم.

﴿وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا﴾ [النبا: ۱۲].

۱۲ و بر فرازتان هفت آسمان با بنایی مستحکم و استوار قرار دادیم.

﴿وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا﴾ [النبا: ۱۳].

۱۳ و خورشید را چراغی بسیار درخشان و روشن گرداندیم.

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا﴾ [النبا: ۱۴].

۱۴ و از ابری که زمان باریدنش فرا رسیده، آبی بسیار فرود آوردیم.

﴿لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا﴾ [النبا: ۱۵].

۱۵ تا با آن انواع دانه، و انواع گیاهان را برویانیم.

﴿وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا﴾ [النبا: ۱۶].

۱۶ و باغ‌هایی انبوه که شاخه‌های درختانش درهم فرو رفته است برویانیم.

الله به دنبال بیان این نعمت‌های دلالت‌کننده بر قدرت خویش، به بیان رستاخیز و قیامت پرداخت؛ چون کسی که بر آفرینش این نعمت‌ها توانا باشد بر برانگیختن و حسابرسی مردگان نیز توانا است، پس فرمود:

﴿إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا﴾ [النبا: ۱۷].

﴿۱۷﴾ همانا روز داوری میان مخلوقات، موعدی با وقت مشخص است که تخلف نمی پذیرد.

﴿يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا﴾ [النبا: ۱۸].

﴿۱۸﴾ روزی که فرشته برای بار دوم در صور می دمدم، آن گاه - ای مردم - گروه گروه می آید.

﴿وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾ [النبا: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و آسمان گشوده می شود و شکاف‌هایی مانند درهای باز برایش ایجاد می شود.

﴿وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا﴾ [النبا: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و کوه‌ها به حرکت می افتند تا اینکه به غباری پراکنده تبدیل می شوند، و مانند سراب می گردند.

﴿إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا﴾ [النبا: ۲۱].

﴿۲۱﴾ به راستی که جهنم در کمین و انتظار است.

﴿لِلظَّالِمِينَ مَا بَأْسًا﴾ [النبا: ۲۲].

﴿۲۲﴾ بازگشتگاهی برای ستمکاران است که به سوی آن بازگردانده می شوند.

﴿لَا يَبِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا﴾ [النبا: ۲۳].

﴿۲۳﴾ زمان‌ها و روزگاران بی‌نهایتی در آن می مانند.

﴿لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا﴾ [النبا: ۲۴].

﴿۲۴﴾ هوایی خنک در آن نمی چشند که گرمای آتش را برای‌شان سرد کند، و شرابی در آن نمی چشند که از آن لذت برده شود.

﴿إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا﴾ [النبا: ۲۵].

﴿۲۵﴾ چیزی جز آبی بسیار سوزان، و آنچه از چرک و خون جهنمیان جاری می شود نمی چشند.

﴿جَزَاءً وَفَاقًا﴾ [النبا: ۲۶].

﴿۲۶﴾ این کیفری متناسب با کفر و گمراهی‌ای است که بر آن بودند.

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا﴾ [النبا: ۲۷].

﴿۲۷﴾ به راستی که آنها در دنیا از محاسبه خویش توسط الله در آخرت نمی ترسیدند؛ چون به رستاخیز ایمان نداشتند، و اگر از رستاخیز می ترسیدند به طور قطع به الله ایمان می آوردند، و اعمال صالح انجام می دادند.

﴿وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا﴾ [النبا: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و آیات نازل شده ما بر رسول مان را به شدت تکذیب کردند.

﴿وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا﴾ [النبا: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و تمام اعمال شان را ثبت کردیم و برشمردیم، و در نامه های اعمال شان مکتوب است.

﴿فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا﴾ [النبا: ۳۰].

﴿۳۰﴾ پس - ای نافرمانان - این عذاب همیشگی را بچشید، که بر عذابتان جز عذاب نخواهیم افزود.

برخی فواید آیات:

- درستی و دقت آفرینش اولیه توسط الله بر قدرت او تعالی در بازگرداندن آفرینش دلالت دارد.
- نافرمانی، سبب ورود به جهنم است.
- دوچندان شدن عذاب بر کافران.

﴿إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا﴾ [النبا: ۳۱].

☞ به راستی کسانی که با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی پروردگارشان تقوای او تعالی را پیشه کردند، جایگاهی دلکش دارند که در آن به خواسته‌شان یعنی بهشت دست می‌یابند.

﴿حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا﴾ [النبا: ۳۲].

☞ باغ‌ها و تاکستان‌ها.

﴿وَكَوَاعِبَ أَثْرَابًا﴾ [النبا: ۳۳].

☞ و دخترانی هم سن و سال با پستان‌هایی برآمده.

﴿وَكَأْسًا دِهَاقًا﴾ [النبا: ۳۴].

☞ و جامی لبریز از خمر.

﴿لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدَابًا﴾ [النبا: ۳۵].

☞ در بهشت نه سخنی باطل می‌شنوند، و نه دروغی، و نه به یکدیگر دروغ می‌گویند.

﴿جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا﴾ [النبا: ۳۶].

☞ تمام این موارد بخشش و عطایی کافی از جانب الله است که به آنها بخشیده است.

﴿رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا﴾ [النبا: ۳۷].

☞ پروردگار آسمان‌ها و زمین و پروردگار آنچه میان این دو است، ذات بخشایشگر در دنیا و آخرت؛ تمام کسانی که در زمین یا آسمان هستند این حق را ندارند که از او بخواهند مگر زمانی که به آنها اجازه دهد.

﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾

[النبا: ۳۸].

☞ روزی که جبرئیل و دیگر فرشتگان به صف می‌ایستند، و به شفاعت برای هیچ کسی سخن نمی‌گویند مگر کسی که الله رحمان به او اجازه دهد که شفاعت کند، و سخنی درست مانند کلمه توحید بگوید.

﴿ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءً﴾ [النبا: ۳۹].

این روز که برای تان توصیف شد همان روزی است که بدون تردید واقع می‌شود، پس هرکس در آن روز نجات از عذاب الله را بخواهد باید از اعمال صالح که پروردگارش را راضی می‌سازد راهی به سوی آن برگزیند.

﴿إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ [النبا: ۴۰].

ای مردم - در حقیقت ما شما را از عذابی نزدیک و قطعی ترساندیم، روزی که شخص به اعمالی که در دنیا از پیش فرستاده می‌نگرد، و کافر برای آرزوی رهایی از عذاب می‌گوید: کاش تبدیل به خاک می‌شدم، مانند حیوانات که در روز قیامت به آنها گفته می‌شود: خاک شوید.

سوره النَّازِعَاتِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تکان دادن دل‌های تکذیب‌کننده رستاخیز و جزا، از طریق ارائه مناظر مرگ و رستاخیز و حشر و قیامت.

تفسیر:

﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا﴾ [النازعات: ۱].

الله به فرشتگانی که ارواح کافران را با شدت و زور می‌کشند سوگند یاد فرمود.

﴿وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا﴾ [النازعات: ۲].

و به فرشتگانی که ارواح مؤمنان را با سهولت و آسانی درمی‌آورند سوگند یاد فرمود.

﴿وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا﴾ [النازعات: ۳].

و به فرشتگانی که به فرمان الله از آسمان به سوی زمین می‌آیند سوگند یاد فرمود.

﴿فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا﴾ [النازعات: ۴].

④ و به فرشتگانی که در ادای فرمان الله از یکدیگر سبقت می گیرند سوگند یاد فرمود.

﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾ [النازعات: ۵].

⑤ و به فرشتگانی که احکامی را که الله بر آنها فرمان می دهد اجرا می کنند، مانند فرشتگان گماشته شده بر اعمال بندگان سوگند یاد فرمود؛ به تمام این فرشتگان سوگند یاد فرمود که به طور قطع آنها را برای حساب و جزا بر خواهد انگیخت.

﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ﴾ [النازعات: ۶].

⑥ روزی که زمین هنگام دمیدن اول تکان می خورد.

﴿تَتَّبِعَهَا الرّادِّفَةُ﴾ [النازعات: ۷].

⑦ در پی این دمیدن، دمیدنی دوم می آید.

﴿قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ﴾ [النازعات: ۸].

⑧ دل های برخی مردم در آن روز ترسان است.

﴿أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ﴾ [النازعات: ۹].

⑨ اثر ذلت در چشمان شان آشکار می گردد.

﴿يَقُولُونَ أَيَّنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْخَافِرَةِ﴾ [النازعات: ۱۰].

⑩ و می گفتند: آیا پس از اینکه مُردیم به زندگی بازمی گردیم.

﴿أَيُّدَا كُنَّا عِظَامًا نَّجْرَةً﴾ [النازعات: ۱۱].

⑪ آیا پس از اینکه استخوان های پوسیده و پوچ شدیم بازمی گردیم؟!

﴿قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾ [النازعات: ۱۲].

⑫ گفتند: اگر بازگردیم این بازگشتی زیان آور است، که صاحبش فریب خورده است.

﴿فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ [النازعات: ۱۳].

⑬ کار رستاخیز آسان است، زیرا فقط یک صدا از فرشته مؤظف به دمیدن است.

﴿فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ﴾ [النازعات: ۱۴].

⑭ به ناگاه همگی پس از اینکه در دل زمین مرده بودند بر روی زمین زنده می

شوند.

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى﴾ [النازعات: ۱۵].

﴿۱۵﴾ - ای رسول - آیا قصهٔ موسی علیه السلام با پروردگارش و با دشمن او فرعون به تو رسید؟!

﴿إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ [النازعات: ۱۶].

﴿۱۶﴾ آن گاه که پروردگارش سبحانه او را در وادی پاک طوی ندا داد.

برخی فواید آیات:

- تقوا سبب ورود به بهشت است.
- یادآوری هول و هراس قیامت، انگیزهٔ انجام عمل صالح است.
- قبض روح کافر به شدت و زور، و قبض روح مؤمن با نرمی و مهربانی.

﴿أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى﴾ [النازعات: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و به او فرمود: به سوی فرعون برو، که در ستم و گردنکشی از حد گذشته است.

﴿فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكَىٰ﴾ [النازعات: ۱۸].

﴿۱۸﴾ پس به او بگو: - ای فرعون - آیا می خواهی که از کفر و گناهان پاک شوی؟

﴿وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ﴾ [النازعات: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و تو را به سوی پروردگارت که تو را آفرید و و به تو توجه کرد راهنمایی کنم تا از او بترسی، آن گاه به آنچه او را راضی می سازد عمل کنی، و از آنچه او را خشمگین می سازد پرهیز کنی؟

﴿فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ﴾ [النازعات: ۲۰].

﴿۲۰﴾ پس موسی عليه السلام نشانه بزرگ و دلالت کننده بر اینکه رسولی از جانب پروردگارش است، یعنی دست و عصا را بر او آشکار کرد.

﴿فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ﴾ [النازعات: ۲۱].

﴿۲۱﴾ ولی فرعون این نشانه را تکذیب و از فرمان موسی عليه السلام سرپیچی کرد.

﴿ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَىٰ﴾ [النازعات: ۲۲].

﴿۲۲﴾ سپس از ایمان به آنچه موسی عليه السلام آورد روی گرداند.

﴿فَحَشَرَ فَنَادَىٰ﴾ [النازعات: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و شروع به گردآوری لشکریانش برای مبارزه با موسی عليه السلام کرد، و این گونه بر قومش ندا زد:

﴿فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ﴾ [النازعات: ۲۴].

﴿۲۴﴾ من پروردگار برتر شما هستم، پس هیچ طاعتی برای غیر من بر شما نیست.

﴿فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ﴾ [النازعات: ۲۵].

﴿۲۵﴾ پس الله او را برگرفت و در دنیا با غرق کردن در دریا، و در آخرت با وارد کردن در سخت ترین عذاب مجازات کرد.

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ﴾ [النازعات: ۲۶].

﴿۲۶﴾ به راستی که در آنچه فرعون را در دنیا و آخرت با آن کیفر دادیم اندرزی است برای کسی که از الله می ترسد؛ زیرا چنین کسی از اندرزها سود می برد.

﴿أَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمَ السَّمَاءِ بَنَاهَا﴾ [النازعات: ۲۷].

۲۷ - ای تکذیب کنندگان رستاخیز - آیا پدید آوردن شما بر الله دشوارتر است، یا ایجاد آسمان که آن را بنا کرد؟!

﴿رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا﴾ [النازعات: ۲۸].

۲۸ و ارتفاع و بلندایش را بالا برد، و آن را مسطح، و خالی از هرگونه ترک و شکاف و عیبی قرار داد.

﴿وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا﴾ [النازعات: ۲۹].

۲۹ و شیش را آن گاه که خورشید آن غروب می کند تاریک گردانید، و روشنایی اش را آن گاه که خورشید طلوع می کند آشکار کرد.

﴿وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ [النازعات: ۳۰].

۳۰ و زمین را پس از اینکه آسمان را آفرید گستراند، و منافعش را در آن به ودیعه گذاشت.

﴿أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا﴾ [النازعات: ۳۱].

۳۱ آب زمین را به صورت چشمه‌هایی جاری از آن درآورد، و گیاهانی که چارپایان در آن می چرند در آن رویانید.

﴿وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا﴾ [النازعات: ۳۲].

۳۲ و کوهها را ثابت بر روی زمین قرار داد.

﴿مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾ [النازعات: ۳۳].

۳۳ - ای مردم - تمام این موارد منافی برای شما و دام‌های تان هستند، پس کسی که تمام این موارد را آفریده از بازگرداندن آفرینش دوباره آنها ناتوان نیست.

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾ [النازعات: ۳۴].

۳۴ پس آن گاه که دمیدن دوم که هراسش هر چیزی را می پوشاند فرا رسد، و قیامت برپا شود.

﴿يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى﴾ [النازعات: ۳۵].

۳۵ همان روزی که انسان هر عمل خیر یا شری، را که از پیش فرستاده است به یاد می آورد.

﴿وَبَرَزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَى﴾ [النازعات: ۳۶].

﴿۳۶﴾ و جهنم آورده شود و برای هرکس که آن را ببیند آشکارا نمایان شود.

﴿فَأَمَّا مَنْ طَغَى﴾ [النازعات: ۳۷].

﴿۳۷﴾ اما هرکس در گمراهی، از حد بگذرد.

﴿وَأَثَرُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ [النازعات: ۳۸].

﴿۳۸﴾ و زندگی فانی دنیا را بر زندگی جاوید آخرت ترجیح دهد.

﴿فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى﴾ [النازعات: ۳۹].

﴿۳۹﴾ به راستی که جایگاه او جهنم است که به سوی آن پناه می آورد.

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى﴾ [النازعات: ۴۰].

﴿۴۰﴾ و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش بترسد، و نفسش را از ارتکاب حرام‌های الهی بازدارد،

﴿فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى﴾ [النازعات: ۴۱].

﴿۴۱﴾ به راستی که بهشت جایگاه او است که به سوی آن پناه می برد.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا﴾ [النازعات: ۴۲].

﴿۴۲﴾ - ای رسول - این منکران رستاخیز از تو می پرسند: قیامت کی برپا می شود؟

﴿فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا﴾ [النازعات: ۴۳].

﴿۴۳﴾ تو دانشی از آن نداری تا برای شان یادآوری کنی، و این امر کار تو نیست، کار تو فقط آماده شدن برای قیامت است.

﴿إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا﴾ [النازعات: ۴۴].

﴿۴۴﴾ دانش کامل قیامت فقط با پروردگارت است.

﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا﴾ [النازعات: ۴۵].

﴿۴۵﴾ تو فقط اندازنده‌ای هستی برای کسی که از قیامت می ترسد؛ زیرا چنین کسی از انداز تو سود می برد.

﴿كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا﴾ [النازعات: ۴۶].

﴿۴۶﴾ روزی که قیامت را آشکارا می بینند، گویی جز شامگاه یا صبحگاهی از یک روز در دنیا زندگی نکرده‌اند.

برخی فواید آیات:

- وجوب نرمی در خطاب کردن کسی که مورد دعوت قرار می‌گیرد.
- ترس از الله و بازداشتن نفس از هوا و هوس، از اسباب ورود به بهشت است.
- دانش قیامت از امور غیبی است که فقط الله از آن آگاهی دارد.
- بیان الله از جزئیات آفرینش آسمان و زمین.

سوره عَبَسَ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

حقیقت دعوت قرآن، و بزرگواری کسی که از آن نفع می برد، و خواری کسی که از آن روی می گرداند.

تفسیر:

﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى﴾ [عبس: ۱].

① رسول الله ﷺ چهره در هم کشید و روی گرداند.

﴿أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى﴾ [عبس: ۲].

② به خاطر آمدن عبدالله بن اُمّ مکتوم نابینا تا از او راهنمایی بگیرد، او در حالی آمد که رسول ﷺ سرگرم گفتگو با بزرگان مشرکان بود و آرزو می کرد که آنها هدایت شوند.

﴿وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى﴾ [عبس: ۳].

③ و - ای رسول - تو چه می دانی شاید این نابینا از گناهانش پاک شود؟!

﴿أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى﴾ [عبس: ۴].

④ یا از اندرزهایی که از تو می شنود پند بگیرد، و از آنها نفع ببرد.

﴿أَمَّا مَنْ اسْتَعْجَى﴾ [عبس: ۵].

⑤ اما کسی که با مالی که دارد خودش را از ایمان به آنچه آورده ای بی نیاز می داند.

﴿فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى﴾ [عبس: ۶].

⑥ تو به او می پردازی، و به سوی او روی می آوری.

﴿وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى﴾ [عبس: ۷].

⑦ و اگر با توبه به سوی الله از گناهانش پاک نشود چه چیزی به تو می رسد.

﴿وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى﴾ [عبس: ۸].

و اما کسی که در جستجوی خیر، شتابان نزد تو آمد.

﴿وَهُوَ يَخْشَى﴾ [عبس: ۹].

در حالی که از پروردگارش می ترسید.

﴿فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى﴾ [عبس: ۱۰].

تو به جای او به بزرگان مشرکان می پردازی.

﴿كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ﴾ [عبس: ۱۱].

امر این گونه نیست، بلکه فقط اندرز و یادآوری است برای کسی که بپذیرد.

﴿فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ﴾ [عبس: ۱۲].

که هرکس بخواهد الله را یاد کند، او تعالی را یاد کند و از آنچه در قرآن است اندرز گیرد.

﴿فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ﴾ [عبس: ۱۳].

پس این قرآن در صحیفه‌هایی گرامی نزد فرشتگان است.

﴿مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ﴾ [عبس: ۱۴].

بالا برده شده در مکانی مرتفع و پاک که هیچ آلودگی و پلیدی‌ای به آن نمی رسد.

﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾ [عبس: ۱۵].

و این صحیفه‌ها در دستان رسولانی از فرشتگان است.

﴿كِرَامٍ بَرَرَةٍ﴾ [عبس: ۱۶].

که نزد پروردگارشان گرامی هستند، و خیر و طاعات زیادی انجام می دهند.

﴿قَتِيلَ الْإِنْسَانِ مَا أَكْفَرَهُ﴾ [عبس: ۱۷].

نابود باد انسان کافر؛ چه شدید است کفر او به الله!

﴿مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ﴾ [عبس: ۱۸].

الله او را از چه چیزی آفرید که در زمین تکبر می ورزد و از الله ناسپاسی می

کند؟!

﴿مِنْ نُطْقَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ﴾ [عبس: ۱۹].

﴿۱۹﴾ از آبی اندک او را آفرید، سپس آفرینش او را مرحله به مرحله اندازه‌گیری کرد.

﴿ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ﴾ [عبس: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و بعد از این مراحل، خروج از شکم مادرش را برای او آسان کرد.

﴿ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ﴾ [عبس: ۲۱].

﴿۲۱﴾ سپس بعد از اینکه عمری در زندگی برایش مقدر کرد او را میراند، و قبری برایش قرار داد که تا زمانی که برانگیخته می‌شود در آن می‌ماند.

﴿ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ﴾ [عبس: ۲۲].

﴿۲۲﴾ سپس هرگاه بخواهد او را برای حسابرسی و جزا برمی‌انگیزد.

﴿كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ﴾ [عبس: ۲۳].

﴿۲۳﴾ امر آن‌گونه که این کافر می‌پندارد نیست که حقوقی را که برای پروردگارش برعهده او است ادا کرد، زیرا او فرائضی را که الله برایش واجب گرداند ادا نکرده است.

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ [عبس: ۲۴].

﴿۲۴﴾ پس انسان کافر به الله، باید به طعامش که آن را می‌خورد بنگرد که چگونه به دست آمده است؟!

﴿أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا﴾ [عبس: ۲۵].

﴿۲۵﴾ که اصلش از باران شدید و فراوان نازل شده از آسمان است.

﴿ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا﴾ [عبس: ۲۶].

﴿۲۶﴾ سپس زمین را بارور ساختیم و از گیاهان شکافت.

﴿فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا﴾ [عبس: ۲۷].

﴿۲۷﴾ پس در آن گندم و ذرت و سایر دانه‌ها را رویاندیم.

﴿وَعِنْبًا وَقِضْبًا﴾ [عبس: ۲۸].

﴿۲۸﴾ و انگور و علوفه تر در آن رویاندیم، تا غذایی برای دام‌های‌شان باشد.

﴿وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا﴾ [عبس: ۲۹].

۳۱ و زیتون و درخت خرما در آن رویانندیم.

﴿وَحَدَائِقَ غُلْبًا﴾ [عبس: ۳۰].

۳۲ و باغ‌هایی با درختان زیاد در آن رویانندیم.

﴿وَفَاكِهَةً وَأَبًّا﴾ [عبس: ۳۱].

۳۳ و میوه‌ها، و چراگاه‌هایی برای دام‌های‌شان در آن رویانندیم.

﴿مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾ [عبس: ۳۲].

۳۴ برای بهره‌مندی شما، و بهره‌مندی دام‌هایتان.

﴿فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ﴾ [عبس: ۳۳].

۳۵ پس وقتی آن فریاد بزرگ که گوش‌ها را می‌خراشد، یعنی دمیدن دوم فرا رسد.

﴿يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ﴾ [عبس: ۳۴].

۳۶ روزی که انسان از برادرش می‌گریزد.

﴿وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ﴾ [عبس: ۳۵].

۳۷ و از مادر و پدرش فرار می‌کند.

﴿وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ﴾ [عبس: ۳۶].

۳۸ و از همسر و فرزندان‌ش فرار می‌کند.

﴿لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ﴾ [عبس: ۳۷].

۳۹ برای هر یک از آنها اندوه سختی در آن روز است که او را از دیگری بازمی‌دارد.

﴿وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ﴾ [عبس: ۳۸].

۴۰ در آن روز چهره‌های خوشبختان درخشان است.

﴿ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ﴾ [عبس: ۳۹].

۴۱ به آنچه الله از رحمت خویش برای‌شان فراهم آورده است خندان و شادمان هستند.

﴿وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ﴾ [عبس: ۴۰].

۴۲ و در آن روز بر چهره‌های بدبختان غباری نشسته است.

برخی فواید آیات:

- سرزنش پیامبر ﷺ از جانب الله متعال در مورد عبدالله بن أمّ مکتوم بر این امر دلالت دارد که قرآن از جانب الله است.
- اهتمام به جوینده دانش و راهنمایی خواه.
- شدت هول و هراس روز قیامت تا جایی که شخص فقط گرفتار خودش است، و حتی پیامبران می گویند: خودم خودم.

﴿تَرْهَقَهَا قَتْرَةٌ﴾ [عبس: ۴۱].

تاریکی ای آنها را می پوشاند.

﴿أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةَ﴾ [عبس: ۴۲].

اینها که حالت مذکور را دارند همان کسانی هستند که هم مرتکب کفر و هم مرتکب گناهان شدند.

سوره التَّكْوِيرِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

به تصویرکشیدن قیامت با گسیخته شدن هستی پس از اینکه استوار و محکم بود.

تفسیر:

﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾ [التکویر: ۱].

آن گاه که جرم خورشید جمع شود، و نورش از بین برود.

﴿وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ﴾ [التکویر: ۲].

و آن گاه که ستارگان سقوط کنند و نورشان از بین برود.

﴿وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ﴾ [التکویر: ۳].

و آن گاه که کوهها از جای خویش به حرکت درآیند.

﴿وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾ [التکویر: ۴].

و آن گاه که ماده شتران آبتن که گران بهاترین اموال مردم هستند از سوی صاحبان شان رها و به فراموشی سپرده شوند.

﴿وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ﴾ [التکویر: ۵].

و آن گاه که وحوش در یک میدان همراه انسانها گردآورده شوند.

﴿وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾ [التکویر: ۶].

و آن گاه که دریاها برافروخته و به آتش تبدیل شوند.

﴿وَإِذَا التُّفُوسُ زُوِّجَتْ﴾ [التکویر: ۷].

۷ و آن گاه که جان‌ها با یکدیگر در هم پیوندند؛ یعنی بدکار با بدکار، و پرهیزگار با پرهیزگار پیوند داده شود.

﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ﴾ [التکویر: ۸].

۸ و آن گاه که الله از دخترک زنده به گور شده بپرسد.

﴿بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ [التکویر: ۹].

۹ کسی که تو را کشت به چه جرمی این کار را کرد؟!

﴿وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾ [التکویر: ۱۰].

۱۰ و آن گاه که نامه‌های اعمال بندگان گشوده شود؛ تا هر یک نامه اعمالش را بخواند.

﴿وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾ [التکویر: ۱۱].

۱۱ و آن گاه که آسمان کنده شود چنان که پوست گوسفند کنده می‌شود.

﴿وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ﴾ [التکویر: ۱۲].

۱۲ و آن گاه که آتش برافروخته شود.

﴿وَإِذَا الْجَنَّةُ أُرْلِفَتْ﴾ [التکویر: ۱۳].

۱۳ و آن گاه که بهشت به پرهیزگاران نزدیک شود.

﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ﴾ [التکویر: ۱۴].

۱۴ آن گاه که این موارد رخ دهد هرکس از اعمالی که برای آن روز از پیش فرستاده است آگاه می‌شود.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ﴾ [التکویر: ۱۵].

۱۵ الله به ستارگان پنهان قبل از پدیدار گشتن در شب سوگند یاد فرمود.

﴿الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾ [التکویر: ۱۶].

۱۶ ستارگانی که در مدارهای‌شان در حرکت هستند و هنگام برآمدن صبح پنهان می‌گردند همانند آهوها که وارد لانه‌های‌شان می‌شوند.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ﴾ [التکویر: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و به شروع شب آن گاه که روی آورد، و به پایان شب آن گاه که پشت کند سوگند یاد کرد.

﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ [التکویر: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و به صبح آن گاه که نورش برآید سوگند یاد کرد.

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ [التکویر: ۱۹].

﴿۱۹﴾ که قرآن نازل شده بر محمد ﷺ به طور قطع کلام الله است که فرشته‌ای امانتدار به او رساند، یعنی جبرئیل عليه السلام، که الله او را بر آن امین قرار داد.

﴿ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ﴾ [التکویر: ۲۰].

﴿۲۰﴾ فرشته‌ای نیرومند که نزد پروردگار عرش سبحانه دارای منزلت بزرگی است.

﴿مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾ [التکویر: ۲۱].

﴿۲۱﴾ ساکنان آسمان از او اطاعت می‌کنند، و بر وحیی که به او ابلاغ می‌شود امین است.

﴿وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ﴾ [التکویر: ۲۲].

﴿۲۲﴾ و محمد ﷺ همنشین شما که عقل و امانتداری و راستگویی او را می‌شناسید دیوانه نیست چنان که از روی بهتان ادعا می‌کنید.

﴿وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ﴾ [التکویر: ۲۳].

﴿۲۳﴾ و به تحقیق که همنشین شما، جبرئیل عليه السلام را به صورتی که بر آن آفریده شده در افق روشن آسمان دیده است.

﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْعَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ [التکویر: ۲۴].

﴿۲۴﴾ و همنشین‌تان بر شما بخیل نیست که در آنچه به تبلیغ آن به شما فرمان یافته است که آن را به شما ابلاغ کند بخل ورزد، و همانند کاهنان نیز مزد نمی‌گیرد.

﴿وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ﴾ [التکویر: ۲۵].

﴿۲۵﴾ و این قرآن سخن شیطانی رانده‌شده از رحمت الله نیست.

﴿فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ﴾ [التکویر: ۲۶].

﴿۲۶﴾ بعد از این دلایل، با انکار اینکه قرآن از جانب الله است چه راهی را می‌پیمایید؟!

﴿إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ [التکویر: ۲۷].

﴿۲۷﴾ قرآن جز یادآور و اندرزی برای جن‌ها و انسان‌ها نیست.

﴿لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾ [التکویر: ۲۸].

﴿۲۸﴾ برای هر یک از شما که بخواهد راه حق را به درستی در پیش گیرد.

﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ [التکویر: ۲۹].

﴿۲۹﴾ و شما نه راستی را خواهید خواست و نه غیر آن را مگر زمانی که الله، پروردگار تمام مخلوقات آن را بخواهد.

برخی فواید آیات:

- برانگیخته شدن انسان همراه کسانی که در خیر یا شر همانند او هستند.
- وقتی که از دخترک زنده به گور شده سوال می‌شود به نظرت کسی که مرتکب این گناه بزرگ و جانسوز می‌شود چه حالتی خواهد داشت؟ این امر بیانگر جایگاه بسیار بزرگ و هولناک است.
- اراده بنده تابع اراده الله است.

سوره الإنفطار

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

به تصویر کشیدن قیامت با از هم پاشیده شدن مخلوقات نظام‌مند و تغییر حال و مسیرشان.

تفسیر:

﴿إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ﴾ [الانفطار: ۱].

۱) آن‌گاه که آسمان برای نزول فرشتگان از آن شکافته شود.

﴿وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ﴾ [الانفطار: ۲].

۲) و آن‌گاه که ستارگان پراکنده سقوط کنند.

﴿وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ﴾ [الانفطار: ۳].

۳) و آن‌گاه که دریاها بر روی یکدیگر گشوده شوند و در هم آمیزند.

﴿وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ﴾ [الانفطار: ۴].

۴) و آن‌گاه که خاک قبرها برای برانگیختن مردگان‌شان زیر و رو شود.

﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ﴾ [الانفطار: ۵].

۵) در این هنگام هرکس از اعمالی که پیش از وفات فرستاده، و اعمالی که به تأخیر انداخته و انجام نداده است آگاه می‌شود.

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمُ﴾ [الانفطار: ۶].

۶) ای انسان کافر به پروردگارت، چه چیزی تو را واداشت که با فرمان پروردگارت مخالفت کنی آن‌گاه که به تو مهلت داد و به لطف خویش کیفیت را به تعجیل نینداخت؟!

﴿الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ [الانفطار: ۷].

۷ همان ذاتی که پس از اینکه نیست بودی تو را پدید آورد، و تو را درست اندام و متناسب قرار داد.

﴿فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ﴾ [الانفطار: ۸].

۸ و تو را به هر صورتی که خواست بیافریند، آفرید، و به تحقیق بر تو نعمت بخشید که تو را در سیمای خری یا بوزینه‌ای یا سگی یا حیوانی دیگر نیافرید.

﴿كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ﴾ [الانفطار: ۹].

۹ - ای فریب خوردگان - امر چنان که تصور می‌کنید نیست بلکه شما روز جزا را تکذیب می‌کنید و برایش کار نمی‌کنید.

﴿وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ﴾ [الانفطار: ۱۰].

۱۰ و به راستی که فرشتگانی بر شما گمارده شده‌اند که اعمال‌تان را حفظ می‌کنند.

﴿كِرَامًا كَاتِبِينَ﴾ [الانفطار: ۱۱].

۱۱ نزد الله گرامی هستند، نویسندگانی هستند که اعمال‌تان را می‌نویسند.

﴿يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ [الانفطار: ۱۲].

۱۲ تمام کارهایی را که انجام می‌دهید می‌دانند و آنها را می‌نویسند.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾ [الانفطار: ۱۳].

۱۳ به راستی کسانی که خیر و طاعت زیادی انجام می‌دهند در روز قیامت در نعمت‌هایی جاویدان هستند.

﴿وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ﴾ [الانفطار: ۱۴].

۱۴ و به راستی که گناهکاران در آتشی که بر آنها برافروخته می‌گردد هستند.

﴿يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ﴾ [الانفطار: ۱۵].

۱۵ در روز جزا وارد آن می‌شوند و از حرارتش رنج می‌برند.

﴿وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ﴾ [الانفطار: ۱۶].

۱۶ و هرگز از آن دور نمی‌شوند، بلکه در آن جاویدان هستند.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ﴾ [الانفطار: ۱۷].

﴿۱۷﴾ و - ای رسول - تو چه دانی که روز جزا چیست؟!

﴿ثُمَّ مَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ﴾ [الانفطار: ۱۸].

﴿۱۸﴾ باز چه دانی که روز جزا چیست؟!

﴿يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ﴾ [الانفطار: ۱۹].

﴿۱۹﴾ روزی که هیچ کس نمی تواند به هیچ کس دیگری نفع رساند، و تمام کارها در آن روز فقط از آن الله است، که به هر کاری بخواهد اقدام می کند، و غیر از او هیچ کس دیگری این حق را ندارد.

سوره الْمُطَفِّينَ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تمرکز بر بیان حال مردم در موازین و جایگاه های اخروی، برای تهدید کم فروشان و تکذیب کنندگان، و دادن آرامش به مؤمنان مستضعف.

تفسیر:

﴿وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّينَ﴾ [المطففين: ۱].

﴿۱﴾ نابودی و تباهی باد بر کم فروشان.

﴿الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى التَّائِبِ يَسْتَوْفُونَ﴾ [المطففين: ۲].

﴿۲﴾ همان کسانی که وقتی از دیگران پیمانانه بگیرند حقشان را کامل و بدون کاستی می گیرند.

﴿وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ﴾ [المطففين: ۳].

﴿۳﴾ و هرگاه برای مردم پیمانانه یا وزن کنند از پیمانانه و ترازو می کاهند، اهالی مدینه هنگام هجرت پیامبر ﷺ به سوی آنها چنین حالتی داشتند.

﴿أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ﴾ [المطففين: ۴].

اینها که این کار ناپسند را انجام می‌دهند مگر یقین ندارند که به‌سوی الله برانگیخته می‌شوند؟!

برخی فواید آیات:

- برحذر داشتن از غرورِ بازدارنده از پیروی حق.
- حرص و طمع، از اخلاق نکوهیده در تاجران است و کسی از آن نجات نمی‌یابد مگر آن کس که از الله می‌ترسد.
- یادآوری هول و هراس قیامت، از بزرگ‌ترین بازدارندگان از گناه است.

﴿لِيَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ [المطففين: ۵].

۵ برای حسابرسی و جزا در روزی که به سبب مصیبت‌ها و هراس‌هایی که در آن وجود دارد بزرگ است.

﴿يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [المطففين: ۶].

۶ روزی که مردم برای حسابرسی در برابر پروردگار تمام مخلوقات می‌ایستند.

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ﴾ [المطففين: ۷].

۷ امر چنان که تصور می‌کنید نیست که رستاخیزی پس از مرگ وجود ندارد، به راستی که نامه گناهکاران چه کافر و چه منافق، تباه‌شده در سِجِّین - زمینی زیرین - قرار دارد.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا سِجِّينٍ﴾ [المطففين: ۸].

۸ و - ای رسول - تو چه دانی که سِجِّین چیست؟!

﴿كِتَابٌ مَّرْقُومٌ﴾ [المطففين: ۹].

۹ کتاب نوشته‌شده آنها است که نه از بین می‌رود، نه بر آن افزوده می‌شود و نه از آن کاسته می‌گردد.

﴿وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ﴾ [المطففين: ۱۰].

۱۰ نابودی و تباهی در آن روز برای تکذیب‌کنندگان باد.

﴿الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ [المطففين: ۱۱].

۱۱ کسانی که روز جزا را که الله در آن روز بندگان را براساس اعمال‌شان در دنیا جزا می‌دهد تکذیب می‌کنند.

﴿وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ﴾ [المطففين: ۱۲].

۱۲ و این روز را تکذیب نمی‌کند جز کسی که از حدود الله بگذرد، و بسیار گناهکار باشد.

﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾ [المطففين: ۱۳].

۱۳ وقتی آیات نازل شده ما بر رسول‌مان بر او خوانده شود می‌گوید: این افسانه‌های امتهای پیشین است، و از جانب الله نیست.

﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ [المطففين: ۱۴].

۱۴) امر چنان که این تکذیب کنندگان تصور کردند نیست، بلکه گناهانی را که انجام می دادند بر عقل شان غلبه یافته و آن را پوشانده است، پس حق را با دل های شان نمی بینند.

﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّحُجُونَ﴾ [المطففين: ۱۵].

۱۵) آنها به طور قطع در روز قیامت از رویت پروردگارشان محروم هستند.

﴿ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ﴾ [المطففين: ۱۶].

۱۶) آن گاه به یقین وارد جهنم شوند، و از حرارتش رنج برند.

﴿ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ﴾ [المطففين: ۱۷].

۱۷) سپس برای سرزنش آنها در روز قیامت به آنها گفته می شود: این عذابی که با آن روبرو شدید همان چیزی است که آن را در دنیا تکذیب می کردید آن گاه که رسول تان شما را از آن خبر می داد.

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ﴾ [المطففين: ۱۸].

۱۸) امر چنان که تصور می کنید که هیچ حساب و جزایی وجود ندارد نیست، به راستی که اهل طاعت در عِلِّيُّون هستند.

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ﴾ [المطففين: ۱۹].

۱۹) و - ای رسول - تو چه می دانی که عِلِّيُّون چیست؟!

﴿كِتَابٌ مَّرْفُومٌ﴾ [المطففين: ۲۰].

۲۰) کتاب نوشته شده آنها است که نه از بین می رود، نه بر آن افزوده می شود و نه از آن کاسته می گردد.

﴿يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ [المطففين: ۲۱].

۲۱) فرشتگان مقرب هر آسمان این کتاب را می آورند.

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ﴾ [المطففين: ۲۲].

۲۲) به تحقیق کسانی که طاعات زیادی انجام داده اند در روز قیامت در نعمت هایی جاویدان هستند.

﴿عَلَى الْأَرْيَافِكِ يَنْظُرُونَ﴾ [المطففين: ۲۳].

﴿۳۲﴾ بر تخت‌هایی آراسته به‌سوی پروردگارشان، و به هر چیزی که وجودشان را به وجد آورد و آنها را شاد گرداند می‌نگرند.

﴿تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ﴾ [المطففين: ۲۴].

﴿۳۳﴾ هرگاه به آنها بنگری خرمی و شادابی و نشاط در اثر زندگی در ناز و نعمت را در چهره‌های‌شان خواهی دید.

﴿يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ﴾ [المطففين: ۲۵].

﴿۳۴﴾ خدمتکاران‌شان آنها را از شرابی که بر ظرفش مهر نهاده شده است می‌نوشانند.

﴿خِتَامُهُ مِسْكٌَ وَفِي ذَلِكَ فَلَيْتِنَافِيسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾ [المطففين: ۲۶].

﴿۳۵﴾ بوی مشک، بی‌نهایت از آن پخش می‌شود، و برای این پاداش گرامی، باید مسابقه دهندگان، با عمل به آنچه الله را راضی می‌سازد، و ترک آنچه او تعالی را به خشم می‌آورد، با هم مسابقه دهند.

﴿وَمِرْآجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ﴾ [المطففين: ۲۷].

﴿۳۶﴾ این شراب مهر نهاده‌شده با چشمهٔ تسنیم آمیخته می‌شود.

﴿عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ﴾ [المطففين: ۲۸].

﴿۳۷﴾ که چشمه‌ای در بالاترین بهشت است که مقربان صاف و خالص از آن می‌نوشند، و سایر مؤمنان از آمیزه‌ای از آن و غیر آن می‌نوشند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾ [المطففين: ۲۹].

﴿۳۸﴾ به‌راستی کسانی که با کفر خویش گناه می‌کردند از روی تمسخر به مؤمنان می‌خندیدند.

﴿وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ﴾ [المطففين: ۳۰].

﴿۳۹﴾ و هرگاه بر مؤمنان می‌گذشتند از روی تمسخر و استهزا با چشم و ابرو به یکدیگر اشاره می‌کردند.

﴿وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ﴾ [المطففين: ۳۱].

﴿۴۰﴾ و هرگاه نزد خانواده‌های خود بازمی‌گشتند، به سبب کفر و تمسخر مؤمنان، خوشحال و شادمان بازمی‌گشتند.

﴿وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ﴾ [المطففين: ۳۲].

﴿۳۲﴾ و هرگاه مسلمانان را مشاهده می کردند می گفتند: به راستی که اینها گمراهان از راه حق هستند، که دین پدران شان را رها کردند.

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ﴾ [المطففين: ۳۳].

﴿۳۳﴾ درحالی که الله آنها را بر حفظ اعمال مؤمنان نگماشته بود تا این سخن را بگویند.

برخی فواید آیات:

- خطر گناهان بر دل ها.
- محرومیت کافران از دیدن پروردگارشان در روز قیامت.
- تمسخرِ پیروانِ دین، یکی از صفات کافران است.

﴿فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ﴾ [المطففين: ۳۴].

﴿۳۴﴾ اما در روز قیامت کسانی که به الله ایمان آوردند به کفار می‌خندند همان گونه که کافران در دنیا بر آنها می‌خندیدند.

﴿عَلَى الْأَرْيَافِ يَنْظُرُونَ﴾ [المطففين: ۳۵].

﴿۳۵﴾ بر تخت‌هایی آراسته به نعمت‌های جاویدانی که الله برای‌شان آماده ساخته است می‌نگرند.

﴿هَلْ تُؤْتِبُ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ [المطففين: ۳۶].

﴿۳۶﴾ به تحقیق که کافران در قبال اعمالی که در دنیا انجام دادند با عذابی خوارکننده مجازات شده‌اند.

سوره الإنشاق

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

به تصویرکشیدن قیامت با تسلیم شدن و فروتنی هستی در برابر امر پروردگارش، برای بیان وجوب فرمانبرداری و تقبیح نمودن ناسپاسی.

تفسیر:

﴿إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ﴾ [الانشقاق: ۱].

﴿۱﴾ آن‌گاه که آسمان برای نزول فرشتگان از آن، بشکافتد.

﴿وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ﴾ [الانشقاق: ۲].

﴿۲﴾ و تسلیم‌شده به پروردگارش گوش دهد، و این کار سزاوارش است.

﴿وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ﴾ [الانشقاق: ۳].

﴿۳﴾ و آن‌گاه که الله زمین را بکشد، چنان‌که پوست دباغی‌شده کشیده می‌شود.

﴿وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ﴾ [الانشقاق: ۴].

﴿۴﴾ و گنج‌ها و مردگانی را که در آن است بیرون افکند، و از آنها تهی شود.

﴿وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّت﴾ [الانشقاق: ۵].

۶ و تسلیم شده به پروردگارش گوش دهد، و این کار سزاوارش است.

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيه﴾ [الانشقاق: ۶].

۷ ای انسان، به تحقیق که تو عامل خیر یا شر هستی، و روز قیامت با آن روبرو می شوی؛ تا الله تو را در قبال آن جزا دهد.

الله پس از بیان عمل انسان به صورت اجمالی، حال عاملان برای روز قیامت را به تفصیل بیان کرد و فرمود:

﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ﴾ [الانشقاق: ۷].

۸ اما کسی که نامه اعمالش به دست راست او داده شود.

﴿فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا﴾ [الانشقاق: ۸].

۹ الله به زودی او را به حسابی آسان مورد محاسبه قرار دهد که عملش بدون اینکه در قبال آن مؤاخذه شود بر او عرضه می گردد.

﴿وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ [الانشقاق: ۹].

۱۰ و شادمان به سوی خانواده اش بازمی گردد.

﴿وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ﴾ [الانشقاق: ۱۰].

۱۱ و اما کسی که نامه اعمالش از پشت سرش به دست چپ او داده شود.

﴿فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا﴾ [الانشقاق: ۱۱].

۱۲ به زودی نابودی خودش را به فریاد بخواند.

﴿وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا﴾ [الانشقاق: ۱۲].

۱۳ و به آتش جهنم که حرارت بی رحمانه ای دارد وارد شود.

﴿إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا﴾ [الانشقاق: ۱۳].

۱۴ به راستی که او در دنیا در میان خانواده اش به کفر و گناهانی که مرتکب می شد شادمان بود.

﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّنْ يَحُورَ﴾ [الانشقاق: ۱۴].

۱۵ در حقیقت می پنداشت پس از مرگش هرگز به زندگی باز نخواهد گشت.

﴿بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا﴾ [الانشقاق: ۱۵].

۱۵) آری، به طور قطع الله او را به زندگی بازمی گرداند همان گونه که برای بار نخست او را آفرید. به راستی که پروردگارش به حال او بینا است به گونه‌ای که هیچ چیز از او بر الله تعالی پوشیده نمی ماند، و به زودی او را در قبال عملش جزا خواهد داد.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّقِّ﴾ [الانشقاق: ۱۶].

۱۶) الله به سرخی‌ای که پس از غروب خورشید در افق به وجود می آید سوگند یاد فرمود.

﴿وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَق﴾ [الانشقاق: ۱۷].

۱۷) و به شب و آنچه در آن جمع می شود سوگند یاد فرمود.

﴿وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَق﴾ [الانشقاق: ۱۸].

۱۸) و به ماه آن گاه که گرد می آید و تمام و کامل (بدر) می گردد.

﴿لَتَرْكَبَنَّ ظَبْقًا عَن طَبَق﴾ [الانشقاق: ۱۹].

۱۹) که - ای مردم - به طور قطع از حالی به حالی دیگر یعنی از نطفه به یک تکه خون سپس یک قطعه گوشت، سپس زندگی سپس مرگ سپس رستاخیز خواهید رفت.

﴿فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الانشقاق: ۲۰].

۲۰) پس این کافران را چه شده است که به الله و روز آخرت ایمان نمی آورند؟!

﴿وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ*﴾ [الانشقاق: ۲۱].

۲۱) و هرگاه قرآن بر آنها خوانده شود برای پروردگارشان به سجده نمی افتند؟!

﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ﴾ [الانشقاق: ۲۲].

۲۲) بلکه کسانی که کفر ورزیدند آنچه را که رسول شان برای آنها آورد تکذیب می کنند.

﴿وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ﴾ [الانشقاق: ۲۳].

۲۳) و الله به آنچه سینه‌های شان دربردارد آگاه‌تر است، و ذره‌ای از اعمال شان بر او تعالی پوشیده نمی ماند.

﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ [الانشقاق: ۲۴].

﴿پس - ای رسول - آنها را از عذابی دردناک که در انتظارشان است باخبر کن.﴾

برخی فواید آیات:

- فروتنی آسمان و زمین در برابر پروردگارشان.
- هر انسانی در تلاش است؛ یا برای خیر یا برای شر.
- نشانهٔ سعادت در روز قیامت، گرفتن نامهٔ اعمال به دست راست، و نشانهٔ بدبختی، گرفتن آن به دست چپ است.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ [الانشقاق: ۲۵].

﴿۵﴾ مگر کسانی که به الله ایمان آورده‌اند، و اعمال صالح انجام داده‌اند، که پاداشی همیشگی یعنی بهشت دارند.

سوره البروج

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار قدرت و احاطه فراگیر الله، و تهدید او تعالی به عذابی سخت بر کسانی که در انتظار ورود آسیب به مؤمنان هستند.

تفسیر:

﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾ [البروج: ۱].

﴿۱﴾ الله به آسمان مشتمل بر منازل خورشید و ماه و غیر این دو سوگند یاد فرمود.

﴿وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ﴾ [البروج: ۲].

﴿۲﴾ و به روز قیامت که وعده فرمود مخلوقات را در آن روز گرد می‌آورد سوگند یاد فرمود.

﴿وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ﴾ [البروج: ۳].

﴿۳﴾ و به هر شاهی مانند پیامبر که بر امت خویش گواهی می‌دهد و هر مشهودی مانند امت که بر پیامبرش گواهی می‌دهد سوگند یاد فرمود.

﴿فَتِلْ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ﴾ [البروج: ۴].

﴿۴﴾ مرگ بر کسانی که شکافی بزرگ در زمین ایجاد کردند.

﴿التَّارِ ذَاتِ الْوُفُودِ﴾ [البروج: ۵].

﴿۵﴾ و در آن آتش برافروختند، و مؤمنان را زنده در آن افکندند.

﴿إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ﴾ [البروج: ۶].

﴿۶﴾ درحالی که خود بر آن شکاف پُر از آتش نشسته بودند.

﴿وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ﴾ [البروج: ۷].

۷ و خودشان بر شکنجه و عذابی که بر مؤمنان انجام می‌دادند گواه هستند؛ چون در آنجا حضور داشتند.

﴿وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ [البروج: ۸].

۸ و این کافران هیچ عیبی بر مؤمنان نگرفتند جز اینکه به الله شکست‌ناپذیری که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود، و در همه چیز ستوده‌شده است ایمان آورده بودند.

﴿الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ [البروج: ۹].

۹ همان ذاتی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آن‌ او است، و از هر چیزی آگاه است، و ذره‌ای از کار بندگانش بر او پوشیده نمی‌ماند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ﴾ [البروج: ۱۰].

۱۰ به‌راستی کسانی که مردان و زنان مؤمن را با آتش شکنجه کردند تا آنها را از ایمان به یگانگی الله بازدارند، سپس از گناهان‌شان به‌سوی الله توبه نکردند، به کیفر اینکه مؤمنان را با آتش سوزاندند در روز قیامت برای‌شان عذاب جهنم است، و عذاب آتشی که آنها را می‌سوزاند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ﴾ [البروج: ۱۱].

۱۱ در حقیقت برای کسانی که به الله ایمان آورده‌اند، و اعمال صالح انجام داده‌اند، بهشت‌هایی است که رودها از زیر کاخ‌ها و درختان‌شان جاری است، این پاداش که برای‌شان آماده شده است همان رستگاری بزرگ است که هیچ رستگاری دیگری با آن برابری نمی‌کند.

﴿إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ﴾ [البروج: ۱۲].

۱۲ - ای رسول - به‌راستی که کیفر پروردگارت برای کافر - اگرچه مدتی به او مهلت دهد - سخت است.

﴿إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ﴾ [البروج: ۱۳].

۱۳ او است ذاتی که آفرینش و عذاب را پدید می‌آورد، و این دو را بازمی‌گرداند.

﴿وَهُوَ الْعَفْوَورُ الْوَدُودُ﴾ [البروج: ۱۴].

﴿۱۴﴾ و او ذات بسیار آمرزنده گناهانِ بندگانِ توبه‌کارش است، و به‌راستی که او دوستان پرهیزگار خویش را دوست دارد.

﴿ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ﴾ [البروج: ۱۵].

﴿۱۵﴾ صاحب عرش گرامی است.

﴿فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ﴾ [البروج: ۱۶].

﴿۱۶﴾ هرچه بخوهد انجام می‌دهد؛ چه عفو گناهان کسی را که بخوهد، و چه مجازات کسی را که بخوهد. و او سبحانه هیچ اجبارکننده‌ای ندارد.

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ﴾ [البروج: ۱۷].

﴿۱۷﴾ - ای رسول - آیا خبر لشکریانی که برای جنگ با حق، و بازداشتن از آن آماده شدند به تو رسید؟!

﴿فِرْعَوْنٌ وَثَمُودُ﴾ [البروج: ۱۸].

﴿۱۸﴾ فرعون، و ثمود قوم صالح.

﴿بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ﴾ [البروج: ۱۹].

﴿۱۹﴾ مانع ایمان اینها این نبود که اخبار امت‌های تکذیب‌کننده و نابودی‌شان که واقع شد برای‌شان نیامد، بلکه به پیروی از هوس، آنچه را رسولان‌شان برای آنها آوردند تکذیب می‌کردند.

﴿وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ﴾ [البروج: ۲۰].

﴿۲۰﴾ درحالی که الله بر اعمال‌شان احاطه دارد و اعمال‌شان را می‌شمارد، و ذره‌ای از آن، از او تعالی پنهان نمی‌ماند، و به زودی آنها را در قبال اعمال‌شان جزا خواهد داد.

﴿بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ﴾ [البروج: ۲۱].

﴿۲۱﴾ و چنان که تکذیب‌کنندگان می‌گویند قرآن نه شعر است و نه سجع، بلکه قرآنی گرامی است.

﴿فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ﴾ [البروج: ۲۲].

﴿۳۳﴾ در لوحی محفوظ از تبدیل و تحریف، و کاسته شدن و افزوده گشتن.

برخی فواید آیات:

- آزمایش مؤمن به اندازه ایمانش است.
- ترجیح سلامت ایمانی بر سلامت جسمی از نشانه‌های نجات در روز قیامت است.
- توبه‌ای که با شرایطش انجام شود، گناهان گذشته را از بین می‌برد.

سوره الطّارِق

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار مراقبت و نظارت دقیق و قدرت کامل الله.

تفسیر:

﴿وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ﴾ [الطارق: ۱].

① الله به آسمان و به ستاره‌ای که شبانه وارد می‌شود سوگند یاد فرمود.

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقِ﴾ [الطارق: ۲].

② و - ای رسول - در مورد این ستاره بزرگ چه می‌دانی؟!

﴿التَّجْمُ الثَّاقِبِ﴾ [الطارق: ۳].

③ همان ستاره‌ای که با نور درخشانش آسمان را روشن می‌کند.

﴿إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ﴾ [الطارق: ۴].

④ که هیچ نفسی نیست مگر اینکه الله فرشته‌ای بر او گماشته که اعمالش را برای حساب در روز قیامت بر او حفظ می‌کند.

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ [الطارق: ۵].

⑤ پس انسان باید بیندیشد که الله او را از چه آفریده؛ تا قدرت الله و ناتوانی انسان برایش آشکار گردد.

﴿خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ﴾ [الطارق: ۶].

⑥ الله او را از آبی جهنده که در رحم ریخته می‌شود آفریده است.

﴿يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ﴾ [الطارق: ۷].

⑦ این آب از بین ستون فقرات پشت و استخوان‌های سینه درمی‌آید.

﴿إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ﴾ [الطارق: ۸].

⑧ به‌راستی که او سبحانه - چون انسان را از این آب پست آفرید - بر برانگیختن او پس از مرگش به صورت زنده برای حسابرسی و جزا توانا است.

﴿يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ﴾ [الطارق: ۹].

⑨ روزی که نهران‌ها فاش می‌شود، آن‌گاه نیات و عقاید و سایر مواردی که پنهان می‌کردند آشکار می‌گردد، و صالح و فاسدشان از یکدیگر مشخص می‌شود.

﴿فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ﴾ [الطارق: ۱۰].

⑩ پس در آن روز برای انسان هیچ قدرتی نیست که با آن از عذاب الله جلوگیری کند و هیچ یآوری ندارد که به او یاری رساند.

﴿وَالسَّمَاءَ ذَاتِ الرَّجْعِ﴾ [الطارق: ۱۱].

⑪ الله به آسمان دارای باران سوگند یاد فرمود؛ زیرا باران از سمت آسمان به صورت پیاپی فرود می‌آید.

﴿وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ﴾ [الطارق: ۱۲].

⑫ و به زمین که به‌سبب گیاهان و میوه‌ها و درختانی که در آن است می‌شکافد سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ﴾ [الطارق: ۱۳].

⑬ که این قرآن نازل شده بر محمد ﷺ به‌طور قطع سخنی است که میان حق و باطل، و راست و دروغ داوری می‌کند.

﴿وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ﴾ [الطارق: ۱۴].

⑭ و بازی و باطل نیست، بلکه جدی و حقیقت است.

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا﴾ [الطارق: ۱۵].

⑮ به‌راستی کسانی که آنچه را رسول‌شان آورد تکذیب می‌کنند بسیار نیرنگ می‌زنند تا دعوتش را بازگردانند، و باطل کنند.

﴿وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ [الطارق: ۱۶].

⑯ و من نیز برای اظهار دین و ردّ باطل تدبیر می‌کنم.

﴿فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَهْمَلُهُمْ رُوَيْدًا﴾ [الطارق: ۱۷].

۱۷) پس - ای رسول - اندکی به این کافران مهلت بده، و در عذاب و نابودی آنها شتاب نکن.

سوره الأعلى

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

یادآوری بخشش الله بلندمرتبه به مردم، و پیوند دادن آنها به زندگی آخرت، و آزاد کردن شان از دلبستگی های دنیوی.

تفسیر:

﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى﴾ [الأعلى: ۱].

۱) نام پروردگارت را که از مخلوقاتش برتر است هنگامی که او را یاد می کنی و بزرگ می شماری منزه بدان.

﴿الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى﴾ [الأعلى: ۲].

۲) ذاتی که انسان را درست اندام آفرید، و قامتش را متناسب کرد.

﴿وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى﴾ [الأعلى: ۳].

۳) و ذاتی که اجناس و انواع و صفات مخلوقات را تقدیر و اندازه گیری کرد، و هر مخلوقی را به آنچه که با آن مناسب و سازگار است هدایت کرد.

﴿وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾ [الأعلى: ۴].

۴) و ذاتی که چراگاه های دام های تان را از زمین درآورد.

﴿فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى﴾ [الأعلى: ۵].

۵) و آن را پس از اینکه سبز و تازه بود گیاهی خشک و خردشده مایل به سیاه قرار داد.

﴿سَنْقَرُوكَ فَلَا تَنْسَى﴾ [الأعلى: ۶].

۶) - ای رسول - ما به زودی قرآن را بر تو خواهیم خواند، و آن را در سینهات جمع می کنیم، و هرگز آن را فراموش نخواهی کرد. پس در خواندن بر جبرئیل عليه السلام پیشی نگیر چنان که این کار را از حرص اینکه آن را فراموش نکنی انجام می دادی.

﴿إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى﴾ [الأعلى: ۷].

﴿۷﴾ مگر به سبب حکمتی، آنچه از آن را که الله بخواهد فراموش کنی. به راستی که او سبحانه از آنچه که آشکار و آنچه که نهان می گردد آگاه است، و ذره ای بر او تعالی پوشیده نمی ماند.

﴿وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى﴾ [الأعلى: ۸].

﴿۸﴾ و انجام کارهایی را که که سبب خشنودی الله و ورود بهشت است، برایت آسان می گردانیم.

﴿فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى﴾ [الأعلى: ۹].

﴿۹﴾ پس با آنچه از قرآن بر تو وحی می کنیم مردم را اندرز بده، و به آنها تا زمانی که گوش فرا می دهند یادآوری کن.

﴿سَيَذَكَّرُ مَن يَخْشَى﴾ [الأعلى: ۱۰].

﴿۱۰﴾ کسی که از الله بترسد از اندرزهایت پند خواهد گرفت؛ زیرا چنین کسی از اندرز سود می برد.

برخی فواید آیات:

- محافظت فرشتگان از انسان و اعمال خیر و شرش، تا در قبال اعمالش مورد محاسبه قرار گیرد.
- ضعف نیرنگ کافران؛ آن گاه که با تدبیر الله سبحانه روبرو شود.
- ترس از الله باعث پندگیری می شود.

﴿وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى﴾ [الأعلى: ۱۱].

❶ و کافر از اندرز دور می‌شود و از آن فرار می‌کند؛ زیرا به سبب ورودش در جهنم، بدبخت‌ترین مردم در آخرت است.

﴿الَّذِي يَصِلَى النَّارَ الْكُبْرَى﴾ [الأعلى: ۱۲].

❷ همان کسی که در آتش بزرگ وارد می‌شود که حرارت بی‌رحمانه‌ای دارد و همیشه از آن رنج می‌برد.

﴿ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى﴾ [الأعلى: ۱۳].

❸ سپس در آتش، جاویدان می‌ماند به گونه‌ای که در آن نه می‌میرد تا از غذایی که از آن رنج می‌برد راحت شود، و نه به روشی پاک و گرامی زنده می‌شود.

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى﴾ [الأعلى: ۱۴].

❹ به راستی به مطلوب دست یافته است آن کس که از شرک و گناهان پاک شد.

﴿وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى﴾ [الأعلى: ۱۵].

❺ و پروردگارش را با انواع اذکاری که تشریح کرده است یاد کرد، و نماز را به صفت مطلوب برپا داشت.

﴿بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا﴾ [الأعلى: ۱۶].

❻ بلکه شما زندگی دنیا را برمی‌گزینید، و آن را بر آخرت ترجیح می‌دهید با وجود اینکه تفاوت بزرگی میان این دو وجود دارد.

﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى﴾ [الأعلى: ۱۷].

❼ و به طور قطع آخرت از دنیا و کالاهای خوشی‌هایی که در آن وجود دارد بهتر و بادوام‌تر است؛ زیرا نعمت‌هایش هرگز پایان نمی‌پذیرند.

﴿إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى﴾ [الأعلى: ۱۸].

❽ در حقیقت این اوامر و اخباری که برای‌تان بیان کردیم در صحیفه‌های نازل شده پیش از تو است.

﴿صُّحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى﴾ [الأعلى: ۱۹].

❾ یعنی صحیفه‌های نازل شده بر ابراهیم و موسی علیهما السلام.

سوره الغاشية

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

یادآوری مناظر قدرت الهی در عذاب و نعمت‌ها به مردم. و دلایل این امر در آیات وجود دارد، تا مردم از امید و ترس لبریز شوند.

تفسیر:

﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ﴾ [الغاشية: ۱].

① - ای رسول - آیا خبر قیامت که هول و هراسش مردم را کاملاً فرا می‌گیرد به تو رسیده است؟!

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾ [الغاشية: ۲].

② مردم در روز قیامت یا از بدبختان هستند یا از خوشبختان؛ و چهره‌های بدبختان خوار و افتاده است.

﴿عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ﴾ [الغاشية: ۳].

③ با غل و زنجیرهایی که بسته شده و کشیده می‌شوند خسته و رنجور هستند.

﴿تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً﴾ [الغاشية: ۴].

④ این چهره‌ها در آتشی سوزان که حرارت بی‌رحمانه‌ای دارد وارد می‌شوند.

﴿تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ أَنِيَّةٍ﴾ [الغاشية: ۵].

⑤ از چشمه‌هایی با آبی بسیار داغ نوشانده می‌شوند.

﴿لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ صَرِيحٍ﴾ [الغاشية: ۶].

⑥ طعامی ندارند که از آن تغذیه کنند جز پلیدترین و بدبوترین طعام از گیاهی به نام شبرق که وقتی خشک گردد مسموم می‌شود.

﴿لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ﴾ [الغاشية: ۷].

۷ که خورنده‌اش نه فربه می‌شود، و نه گرسنگی‌اش برطرف می‌گردد.

﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ﴾ [الغاشية: ۸].

۸ و چهره‌های خوشبخت در آن روز به خاطر نعمت‌هایی که با آن روبرو می‌شوند در نعمت و شادمانی و سرور هستند.

﴿لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ﴾ [الغاشية: ۹].

۹ از اعمال صالحی که در دنیا انجام داده‌اند راضی هستند؛ زیرا پاداش عمل‌شان را دوبرابر ذخیره‌شده یافته‌اند.

﴿فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ﴾ [الغاشية: ۱۰].

۱۰ در بهشتی که دارای مکان و جایگاهی مرتفع است.

﴿لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِأَغْيَةٍ﴾ [الغاشية: ۱۱].

۱۱ در بهشت سخن باطل و لغوی نمی‌شنوند؛ چه رسد به شنیدن سخنی حرام.

﴿فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ﴾ [الغاشية: ۱۲].

۱۲ در این بهشت چشمه‌هایی جاری است که هرگونه بخواهند آنها را جاری می‌کنند، و به مصرف می‌رسانند.

﴿فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾ [الغاشية: ۱۳].

۱۳ تخت‌هایی بلند در آن است.

﴿وَأَكْوَابُ مَوْضُوعَةٌ﴾ [الغاشية: ۱۴].

۱۴ و قَدَح‌هایی قرارداده شده و آماده شده برای نوشیدن.

﴿وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ﴾ [الغاشية: ۱۵].

۱۵ و بالش‌هایی که منظم در پهلوئی یکدیگر چیده شده‌اند در آن قرار دارد.

﴿وَزَرَائِبُ مَبْنُوثَةٌ﴾ [الغاشية: ۱۶].

۱۶ و فرش‌های سراسر گسترده‌شده در آن است.

الله پس از بیان تفاوت احوال بدبختان و خوشبختان در آخرت، نگاه‌های کافران را به آنچه که آنها را بر قدرت و آفرینش نیکوی آفریدگار تعالی راهنمایی می‌کند

متوجه ساخت تا با آن به ایمان راهنمایی شوند؛ به این هدف که وارد بهشت شوند و از خوشبختان گردند، و فرمود:

﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ [الغاشية: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پس آیا از روی تأمل به شتر نمی‌نگرند که الله چگونه آن را آفرید، و رام بنی آدم کرد؟!

﴿وَأِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ﴾ [الغاشية: ۱۸].

﴿۱۸﴾ و به آسمان نمی‌نگرند که چگونه آن را بالا برد تا سقفی محفوظ بالای سرشان شد، و بر آنها سقوط نمی‌کند؟!

﴿وَأِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ﴾ [الغاشية: ۱۹].

﴿۱۹﴾ و به کوه‌ها نمی‌نگرند که چگونه آنها را نصب و زمین را با آن ثابت کرد تا مردم را نلرزاند؟!

﴿وَأِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ﴾ [الغاشية: ۲۰].

﴿۲۰﴾ و به زمین نمی‌نگرند که چگونه آن را گستراند، و برای اقامت مردم مهیا کرد؟! پس از اینکه آنها را به نظر کردن در آنچه بر قدرت او تعالی دلالت دارد متوجه ساخت، رسولش را متوجه ساخت و فرمود:

﴿فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ﴾ [الغاشية: ۲۱].

﴿۲۱﴾ پس -ای رسول- اینها را اندرز بده، و از عذاب الله بترسان؛ زیرا تو فقط تذکره‌دهنده هستی، و جز یادآوری آنها از تو خواسته نمی‌شود، اما توفیق آنها به ایمان فقط به دست الله است.

﴿لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُضَيِّطٍ﴾ [الغاشية: ۲۲].

﴿۲۲﴾ تو بر آنها مسلط نیستی تا آنها را بر ایمان مجبور کنی.

برخی فواید آیات:

- اهمیت پاکیزه ساختن نفس از پلیدی‌های آشکار و نهان.
- استدلال به مخلوقات بر وجود و عظمت خالق.
- وظیفه دعوت‌گر دعوت است، نه واداشتن مردم به هدایت؛ زیرا هدایت به دست الله است.

﴿إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكُفِرَ﴾ [الغاشية: ۲۳].

﴿۳۳﴾ مگر کسی از آنها که از ایمان روی بگرداند، و به الله و رسولش کفر ورزد.

﴿فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ﴾ [الغاشية: ۲۴].

﴿۳۴﴾ که الله در روز قیامت او را با عذاب بزرگتر عذاب می‌کند یعنی او را وارد جهنم می‌کند که برای همیشه در آن می‌ماند.

﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ﴾ [الغاشية: ۲۵].

﴿۳۵﴾ به راستی که بازگشت آنها پس از مرگشان فقط به سوی ما است.

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ [الغاشية: ۲۶].

﴿۳۶﴾ سپس به راستی که حسابرسی آنها بر اعمالشان فقط برعهده ما است، نه تو و نه هیچ کس دیگری چنین اختیاری ندارد.

سوره الفجر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ارائه مناظر عظمت و قدرت الهی در هستی و احوال انسان، و بیان سرانجام فریب خوردگان.

تفسیر:

﴿وَالْفَجْرِ﴾ [الفجر: ۱].

﴿۳۷﴾ الله سبحانه به سپیده دم سوگند یاد فرمود.

﴿وَلَيَالٍ عَشْرٍ﴾ [الفجر: ۲].

﴿۳۸﴾ و به ده شب اول ذوالحجه سوگند یاد فرمود.

﴿وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ﴾ [الفجر: ۳].

﴿۳۹﴾ و به اشیاء زوج و فرد سوگند یاد فرمود.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ﴾ [الفجر: ۴].

④ و به شب آن گاه که بیاید، و ادامه یابد و پشت کند سوگند یاد فرمود، جواب این سوگندها این است که: به طور قطع در قبال اعمال تان مجازات خواهید شد.

﴿هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ﴾ [الفجر: ۵].

⑤ آیا در موارد مذکور سوگندی هست که خردمند را قانع سازد؟!

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ﴾ [الفجر: ۶].

⑥ - ای رسول - آیا ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد قوم هود عليه السلام آن گاه که رسولش را تکذیب کردند چه کرد؟!

﴿إِزْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ﴾ [الفجر: ۷].

⑦ قبیله عاد به جدشان اِزْم صاحب ستون‌ها و قامت بلند منسوب است.

﴿الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ﴾ [الفجر: ۸].

⑧ که الله مانندش را در شهرها نساخته بود.

﴿وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ﴾ [الفجر: ۹].

⑨ و آیا ندانسته‌ای که پروردگارت با تمود قوم صالح عليه السلام چه کرد؟ کسانی که صخره های کوهها را شکافتند و از آنها خانه‌هایی سنگی ساختند.

﴿وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ﴾ [الفجر: ۱۰].

⑩ و آیا ندانسته‌ای که پروردگارت با فرعون که میخ‌هایی داشت که مردم را با آنها عذاب می کرد چه کرد؟

﴿الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ﴾ [الفجر: ۱۱].

⑪ هر یک از اینها در سرزمین خویش بیش از حد گردنکشی و ستم کردند.

﴿فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ﴾ [الفجر: ۱۲].

⑫ و در آنجا با کفر و گناهایی که منتشر کردند زیاد فساد برپا کردند.

﴿فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ﴾ [الفجر: ۱۳].

⑬ پس الله عذاب سخت خویش را بر آنها چشاند، و آنها را از زمین برکند.

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾ [الفجر: ۱۴].

۱۴ - ای رسول - به راستی که پروردگارت در کمین و مراقب اعمال مردم است؛ تا هرکس را که نیکوکاری کند به بهشت، و هرکس را که بدی کند با جهنم جزا دهد. چون امت‌هایی که الله آنها را نابود کرد از قدرت و نیرومندی برخوردار بودند، بیان کرد که اعطای قدرت و نیرو، دلیلی بر رضایت الله از آنها نیست، از این رو فرمود:

﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾ [الفجر: ۱۵].

۱۵ اما انسان طبیعتاً هرگاه پروردگارش او را بیازماید و گرمی بدارد، و مال و فرزندان و مقام به او ببخشد، گمان می‌کند که این امر به خاطر کرامتی است که نزد الله دارد، پس می‌گوید: پروردگارم به خاطر استحقاقی که دارم مرا گرمی داشت.

﴿وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ﴾ [الفجر: ۱۶].

۱۶ و اما هرگاه او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ گرداند، گمان می‌کند که این امر به خاطر خواری او در برابر پروردگارش است پس می‌گوید: پروردگارم مرا خوار کرده است.

﴿كَلَّا بَلْ لَأُكْرِمُنَّكَ لِأَنَّكَ لَأَنْتَ الْيَتِيمُ﴾ [الفجر: ۱۷].

۱۷ هرگز، امر این‌گونه نیست که این انسان تصور می‌کند که نعمت‌ها دلیل رضایت الله از بنده‌اش و مصیبت‌ها دلیل خواری بنده نزد پروردگارش است، بلکه واقعیت این است که از روزی‌ای که الله به شما عطا کرده است یتیم را گرمی نمی‌دارید.

﴿وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ [الفجر: ۱۸].

۱۸ و یکدیگر را بر اطعام فقیری که چیزی برای خوردن نمی‌یابد تشویق نمی‌کنید.

﴿وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا﴾ [الفجر: ۱۹].

۱۹ و حقوق زنان و یتیمان ضعیف را بسیار و بدون رعایت حلال بودنش می‌خورید.

﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾ [الفجر: ۲۰].

۲۰ و مال را بسیار دوست دارید، و از سر زیاده‌خواهی آن، به انفاق در راه الله بخل می‌ورزید.

﴿كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا﴾ [الفجر: ۲۱].

﴿۱۱﴾ سزاوار نیست که چنین کنید، و به یاد آورید آن گاه که زمین به شدت به حرکت می افتد و لرزانده می شود.

﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ [الفجر: ۲۲].

﴿۱۲﴾ و - ای رسول - پروردگارت برای داوری میان بندگان می آید، و فرشتگان صف در صف می آیند.

برخی فواید آیات:

- فضیلت ده روز اول ذوالحجه بر دیگر روزهای سال.
- ثبوت آمدن الله تعالی در روز قیامت آن گونه که شایسته او تعالی است؛ بدون هیچ تشبیه و تمثیل و تعطیلی.
- هرگاه مؤمن مورد آزمایش قرار گیرد صبر می کند و اگر به او عطا شود سپاسگزاری می کند.

﴿وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى﴾ [الفجر: ۲۳].

﴿۳۳﴾ و در آن روز جهنم آورده می‌شود درحالی که هفتاد هزار افسار دارد، و همراه هر افسار هفتاد هزار فرشته هستند که آن را می‌کشند، در آن روز انسان آنچه را در حق الله کوتاهی کرده است به یاد می‌آورد، ولی یادآوری در آن روز کی به او سودی می‌رساند؛ زیرا روز جزا است نه روز عمل؟!

﴿يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي﴾ [الفجر: ۲۴].

﴿۳۴﴾ از پشیمانی زیاد می‌گوید: کاش برای زندگی اخروی خویش که همان زندگی حقیقی است اعمال صالح از پیش فرستاده بودم.

﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ﴾ [الفجر: ۲۵].

﴿۳۵﴾ در آن روز هیچ‌کس مانند عذاب الله عذاب نمی‌کند؛ زیرا عذاب او تعالی سخت‌تر و ماندگارتر است.

﴿وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ﴾ [الفجر: ۲۶].

﴿۳۶﴾ و مانند به بندکشیدن کافران توسط او تعالی در آن روز، هیچ‌کس در زنجیرها به بند نمی‌کشد.

الله پس از ذکر جزای کافران، جزای مؤمنان را ذکر نمود و فرمود:

﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ﴾ [الفجر: ۲۷].

﴿۳۷﴾ و اما هنگام مرگ و در روز قیامت به نفس مؤمن گفته می‌شود: ای نفس آسوده خاطر به ایمان و عمل صالح.

﴿ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً﴾ [الفجر: ۲۸].

﴿۳۸﴾ به سبب آن که به ثواب بزرگی دست یافتی راضی از پروردگارت، و به سبب عمل صالحی که داشتی مورد رضایت نزد او تعالی، به سوی او تعالی بازگرد.

﴿فَادْخُلِي فِي عِبَادِي﴾ [الفجر: ۲۹].

﴿۳۹﴾ پس در زمره بندگان صالح من در آی.

﴿وَادْخُلِي جَنَّتِي﴾ [الفجر: ۳۰].

﴿۴۰﴾ و همراه آنها در بهشت من که برای‌شان آماده ساخته‌ام وارد شو.

سوره البَلَد

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ذکر حال انسان؛ میان مصیبت کفر و عذاب، و بالارفتن بر نردبان رحمت و ایمان در دنیا و آخرت.

تفسیر:

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ [البلد: ۱].

① الله به شهر حرمت‌دار یعنی مکه مکرمه سوگند یاد فرمود.

﴿وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾ [البلد: ۲].

② و تو - ای رسول - آنچه را تو در این شهر انجام دهی؛ چه قتل کسی که مستحق قتل باشد، و چه اسیرکردن کسی که مستحق اسارت باشد، برایت حلال است.

﴿وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٍ﴾ [البلد: ۳].

③ و الله به پدر انسان‌ها، و به فرزندان‌ها که از او به وجود آمدند سوگند یاد فرمود.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ [البلد: ۴].

④ به تحقیق که انسان به سبب سختی‌هایی که در دنیا متحمل می‌شود، در رنج و مشقت است.

﴿أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَفْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ﴾ [البلد: ۵].

⑤ آیا انسان گمان می‌کند که هرگاه مرتکب گناهان شود کسی بر او دست نمی‌یابد، و از او انتقام نمی‌گیرد، حتی پروردگارش که او را آفریده است؟!

﴿يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾ [البلد: ۶].

⑥ می‌گوید: توده‌ای انبوه از مال انفاق کردم.

﴿أَيُّسَبُّ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ﴾ [البلد: ۷].

۷ آیا این کسی که به آنچه انفاق کرده فخرفروشی می کند می پندارد که الله او را نمی بیند؟! و او را در مالش مورد محاسبه قرار نمی دهد؛ که آن را از کجا کسب کرده است؟ و در چه مواردی هزینه کرده است؟!

﴿أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ﴾ [البلد: ۸].

۸ آیا دو چشم به او نداده ایم که با آنها می بیند؟!

﴿وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ﴾ [البلد: ۹].

۹ و زبان و دو لب که با آنها سخن می گوید؟!

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾ [البلد: ۱۰].

۱۰ و راه خیر، و راه باطل را به او شناسانده ایم؟!

﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ [البلد: ۱۱].

۱۱ و او باید مانعی را که میان او و بهشت فاصله می اندازد بییماید و از آن بگذرد.

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ﴾ [البلد: ۱۲].

۱۲ و -ای رسول- تو چه می دانی مانعی که باید از آن بگذرد تا وارد بهشت شود چیست؟!

﴿فَكُ رَقَبَةٌ﴾ [البلد: ۱۳].

۱۳ آزاد کردن برده مرد یا برده زن است.

﴿أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ﴾ [البلد: ۱۴].

۱۴ یا اینکه در زمان قحطی که طعام در آن کمیاب می شود طعام دهد.

﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ [البلد: ۱۵].

۱۵ طفلی را که پدرش را از دست داده، و با او رابطه خویشاوندی دارد.

﴿أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾ [البلد: ۱۶].

۱۶ یا فقیری را که هیچ مالی ندارد.

﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ﴾ [البلد: ۱۷].

﴿۷﴾ افزون بر این موارد، از کسانی باشد که به الله ایمان آورده‌اند، و یکدیگر را به صبر بر طاعات و صبر در مقابل گناهان و صبر بر مصیبت، و مهربانی بر بندگان الله سفارش کرده‌اند.

﴿أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ [البلد: ۱۸].

﴿۸﴾ اینها که صفات مذکور را دارند یاران دست‌راست هستند.

برخی فواید آیات:

- آزادسازی بردگان، اطعام نیازمندان در هنگام سختی، ایمان به الله، سفارش کردن یکدیگر به صبر و رحمت: از اسباب ورود به بهشت است.
- یکی از دلایل نبوت، آگاه کردن پیامبر از این خبر است که مکه مدتی از یک روز برایش حلال خواهد شد.
- الله وقتی راه‌های بردگی را تنگ کرد راه‌های آزادسازی را گسترش داد، و آزادسازی بردگان را در زمرهٔ قربات و کفارات قرار داد.

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾ [البلد: ۱۹].

۱۹ و کسانی که به آیات نازل شده ما بر رسول مان کفر ورزیده‌اند همان‌ها یاران دست چپ هستند.

﴿عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾ [البلد: ۲۰].

۲۰ در روز قیامت در آتشی که آنها را از اطراف محاصره کرده عذاب می‌شوند.

سوره الشَّمْس

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تمرکز بر اظهار نشانه‌ها و نعمت‌های الله در کرانه‌های آسمان و نفس‌ها و احوال شان، برای تزکیه نفوس، و بازداشتن از نافرمانی.

تفسیر:

﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا﴾ [الشمس: ۱].

۱ الله به خورشید، و به وقت بالا رفتنش پس از طلوع از مشرق، سوگند یاد فرمود.

﴿وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا﴾ [الشمس: ۲].

۲ و به ماه آن گاه که پس از غروب خورشید اثرش را دنبال کند سوگند یاد فرمود.

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا﴾ [الشمس: ۳].

۳ و به روز آن گاه که با نور خویش آنچه را بر روی زمین است آشکار گرداند سوگند یاد فرمود.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا﴾ [الشمس: ۴].

۴ و به شب آن گاه که چهره زمین را بپوشاند و تاریک گردد سوگند یاد فرمود.

﴿وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا﴾ [الشمس: ۵].

۵ و به آسمان، و به بنای استوار و مستحکم آن سوگند یاد فرمود.

﴿وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا﴾ [الشمس: ۶].

۶ و به زمین، و به گستردگی آن، تا مردم بر روی آن سکونت کنند سوگند یاد فرمود.

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾ [الشمس: ۷].

﴿۷﴾ و به تمام نفس‌ها، و به آفرینش آراسته و درست آن توسط الله سوگند یاد فرمود.

﴿فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ [الشمس: ۸].

﴿۸﴾ سپس بدون آموزش، شر و خیر را برایش فهماند تا از شر پرهیز کند، و خیر را به جای آورد.

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾ [الشمس: ۹].

﴿۹﴾ قطعاً هرکس که نفسش را با آراستن به فضایل، و خالی کردن از رذیلت‌ها پاک کند به رستگاری مورد نظرش دست می‌یابد.

﴿وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ [الشمس: ۱۰].

﴿۱۰﴾ و هرکس که نفسش را در معصیت‌ها و گناهان پنهان و آلوده کند زیان می‌کند. الله پس از بیان زیان و تباهی کسی که نفسش را آلوده می‌کند و با گناهان می‌پوشاند، نمود را به عنوان مثال برای این موضوع بیان کرد و فرمود:

﴿كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا﴾ [الشمس: ۱۱].

﴿۱۱﴾ ثمود به سبب گذشتن از حد در ارتکاب معصیت‌ها و گناهان، پیامبرشان صالح علیه السلام را تکذیب کردند.

﴿إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا﴾ [الشمس: ۱۲].

﴿۱۲﴾ آن‌گاه که بدبخت‌ترین آنها پس از دعوت قومش برخاست.

﴿فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾ [الشمس: ۱۳].

﴿۱۳﴾ و رسول الله صالح علیه السلام به آنها گفت: ماده‌شتر الله را با نوبت آب‌خوردنش در روزی که برایش مشخص شده رها کنید، و آسیبی به او نرسانید.

﴿فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا﴾ [الشمس: ۱۴].

﴿۱۴﴾ اما رسول‌شان را در مورد ماده‌شتر تکذیب کردند و بدبخت‌ترین قوم با رضایت آنها ماده‌شتر را کشت، پس آنها نیز در گناه شریک بودند. آن‌گاه الله به سبب گناهان‌شان عذابش را بر آنها فرود آورد، و آنها را با فریادی نابود گردانید، و با این کیفر آنها را با خاک یکسان کرد.

﴿وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا﴾ [الشمس: ۱۵].

☞ الله عذاب نابودکننده را بر آنها فرود آورد بدون اینکه او سبحانه از پیامدهای این عذاب بترسد.

سوره اللیل

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان اختلاف میان آیات و نفس‌ها و اعمال‌شان، برای اظهار تفاوت میان مؤمنان و کافران.

تفسیر:

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى﴾ [اللیل: ۱].

☞ الله به شب آن‌گاه که میان آسمان و زمین را با تاریکی‌اش می‌پوشاند سوگند یاد فرمود.

﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى﴾ [اللیل: ۲].

☞ و به روز آن‌گاه که آشکار و نمایان شود سوگند یاد فرمود.

﴿وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى﴾ [اللیل: ۳].

☞ و به دو نوع آفرینش خویش: نر و ماده سوگند یاد کرد.

﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى﴾ [اللیل: ۴].

☞ که - ای مردم - به‌طور قطع اعمال مختلفی دارید، یعنی بخشی از آن نیکی‌ها است که سبب ورود به بهشت هستند، و برخی دیگر بدی‌ها است که سبب ورود به جهنم هستند.

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى﴾ [اللیل: ۵].

☞ اما کسی که زکات و نفقه و کفاره‌ای را که بخشش آن برایش لازم است پرداخت، و از آنچه الله از آن نهی فرموده پرهیزگاری کرد.

﴿وَصَدَقَ بِالْحُسْنَى﴾ [اللیل: ۶].

و عوضی را که الله به او وعده داده است تصدیق کرد.

﴿فَسْتَيْبِرُهُ لِلْيُسْرَى﴾ [اللیل: ۷].

به زودی عمل صالح، و انفاق در راه الله را بر او آسان خواهیم کرد.

﴿وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى﴾ [اللیل: ۸].

و اما کسی که در مالش بخل ورزید و آن را در راهی که بخشش مال برایش واجب است نبخشید، و به سبب مال خویش از الله احساس بی نیازی کرد و چیزی از فضل او تعالی از الله درخواست نکرد.

﴿وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى﴾ [اللیل: ۹].

و عوض و پاداش انفاق مالش در راه الله را که الله به او وعده داده است تکذیب کرد.

برخی فواید آیات:

- اهمیت تزکیه و تطهیر نفس.
- کسانی که در معصیت به یکدیگر یاری می‌رسانند در گناه شریک هستند.
- گناهان سبب کیفرهای دنیوی هستند.
- هرکس برای انجام کاری آمادگی دارد که برای آن آفریده شده است؛ پس برخی فرمان بردار، و برخی عصیانگر هستند.

﴿فَسْتَيْسِرُهَا لِلْعُسْرَى﴾ [اللیل: ۱۰].

۱۰) به زودی انجام کار شر را بر او آسان خواهیم کرد، و انجام کار خیر را بر او سخت خواهیم گرداند.

﴿وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى﴾ [اللیل: ۱۱].

۱۱) و آن گاه که نابود شود، و وارد جهنم شود، مالش که با آن بخل ورزید ذره‌ای او را بی‌نیاز نمی‌سازد.

﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى﴾ [اللیل: ۱۲].

۱۲) بر عهده ما است که راه حق را از باطل آشکار کنیم.

﴿وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى﴾ [اللیل: ۱۳].

۱۳) و به یقین که زندگی آخرت و زندگی دنیا از آن ما است، که هرگونه بخواهیم در این دو تصرف می‌کنیم، و هیچ کس غیر از ما چنین اختیاری ندارد.

﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾ [اللیل: ۱۴].

۱۴) پس - ای مردم - شما را از آتشی ترساندم که اگر شما از الله نافرمانی کنید شعله ور می‌شود.

﴿لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى﴾ [اللیل: ۱۵].

۱۵) گرمای این آتش فقط بدبخت‌ترین یعنی کافر را رنج می‌دهد.

﴿الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ [اللیل: ۱۶].

۱۶) کسی که آنچه را رسول ﷺ آورد تکذیب کرد، و از اجرای امر الله روی گرداند.

﴿وَسَيَجَنَّبُهَا الْأَتَقَى﴾ [اللیل: ۱۷].

۱۷) و باتقواترین مردم ابوبکر رضی الله عنه از آن دور نگه داشته خواهد شد.

﴿الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى﴾ [اللیل: ۱۸].

۱۸) کسی که مالش را در راه‌های نیک انفاق می‌کند تا از گناهان پاکیزه شود.

﴿وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى﴾ [اللیل: ۱۹].

۱۹) آن قسمت از مالش را که می‌بخشد به این منظور نمی‌بخشد تا نعمتی را که کسی به او بخشیده است جبران کند.

﴿إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى﴾ [اللیل: ۲۰].

❶ بلکه در آن قسمت از مالش که می‌بخشد فقط وجه پروردگارش را که بر مخلوقاتش برتر است می‌خواهد.

﴿وَلَسَوْفَ يَرْضَى﴾ [اللیل: ۲۱].

❷ و به‌طور قطع به‌زودی از پاداشی گرامی که الله به او عطا می‌کند راضی خواهد شد.

سوره الضحی

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ذکر توجه الله به پیامبرش ﷺ و نیکی کردن به او با نعمت وحی و تداوم آن، برای تسکین پیامبرش ﷺ و یادآوری مؤمنان به شکرگزاری.

تفسیر:

﴿وَالضُّحَى﴾ [الضحی: ۱].

❶ الله به آغاز روز، سوگند یاد فرمود.

﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ [الضحی: ۲].

❷ و به شب آن گاه که تاریکی اندازد و مردم در آن از حرکت آرام گیرند سوگند یاد فرمود.

﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ [الضحی: ۳].

❸ که - ای رسول - پروردگارت تو را رها نکرده، و بر تو خشم نیز نگرفته است؛ چنان که مشرکان وقتی وحی قطع شد گفتند.

﴿وَلَا خَيْرَ لَكَ مِنَ الْأُولَى﴾ [الضحی: ۴].

❹ و به‌طور قطع آخرت برای تو از دنیا بهتر است؛ زیرا نعمت‌های جاویدانی دارد که هرگز پایان نمی‌پذیرد.

﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾ [الضحى: ۵].

۵ و به طور قطع به زودی به تو و امت پاداش بسیار خواهد داد تا اینکه به آنچه به تو و امت تو عطا کرده است راضی گردی.

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ [الضحى: ۶].

۶ به طور قطع تو را کودکی بی پدر یافت، آن گاه پناهگاهی برایت قرار داد، وقتی پدرزرت عبدالمطلب، سپس عمویت ابوطالب نسبت به تو دلسوزی و مهربانی کردند.

﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ [الضحى: ۷].

۷ و تو را در حالی یافت که نه می دانستی کتاب چیست؛ و نه ایمان را. و آنچه از این موارد نمی دانستی به تو آموخت.

﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى﴾ [الضحى: ۸].

۸ و تو را فقیر یافت و بی نیاز کرد.

﴿فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ﴾ [الضحى: ۹].

۹ پس تو نیز با کسی که در کودکی پدرش را از دست داده بدرفتاری نکن، و او را خوار نگردان.

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ [الضحى: ۱۰].

۱۰ و گدای نیازمند را از خود نران.

﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ [الضحى: ۱۱].

۱۱ و شکر نعمتهایی را که الله به تو بخشیده است به جای آور و از آنها سخن بگوی.

سوره الشرح

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

ذکر کامل کردن نعمت بخشیِ الله بر پیامبرش ﷺ با برطرف ساختن غم و تنگنا و سختی از او، و آنچه که این امر ایجاب می کند.

تفسیر:

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ [الشرح: ۱].

۱) به تحقیق که الله سینهات را گشود و دریافت وحی را محبوب تو ساخت.

﴿وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ﴾ [الشرح: ۲].

۲) و گناه را از پشت تو فرود آوردیم.

برخی فواید آیات:

- هیچ جایگاهی با جایگاه پیامبر ﷺ نزد پروردگارش برابری نمی کند.
- شکر نعمت‌ها حقی برای الله بر بنده‌اش است.
- وجوب مهربانی و نرمی با مستضعفان.

﴿الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ﴾ [الشرح: ۳].

۵ همان گناهی که تو را رنج می داد تا جایی که نزدیک بود کمرت را بشکند.

﴿وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ﴾ [الشرح: ۴].

۶ و یادت را برای تو بالا بردیم، که در اذان و اقامه و غیر این دو یاد می شوی.

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ [الشرح: ۵].

۷ و به طور قطع همراه سختی و تنگنا، سهولت و گشایش است.

﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ [الشرح: ۶].

۸ به راستی که همراه سختی و تنگنا، سهولت و گشایش است، حال که این امر را دانستی آزار قومت نباید تو را بترساند، و از دعوت به سوی الله بازدارد.

﴿فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ﴾ [الشرح: ۷].

۹ پس هرگاه از اعمال فارغ شدی و از آنها دست کشیدی در عبادت پروردگارت بکوش.

﴿وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ﴾ [الشرح: ۸].

۱۰ و فقط به سوی الله تمایل و قصد کن.

سوره التین

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان اینکه ارزش و شرف انسان به دینش است، و پستی و خواری او به خالی شدن از دین؛ از این رو به اماکن نزول وحی سوگند یاد فرمود.

تفسیر:

﴿وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ﴾ [التین: ۱].

۱۱ الله به انجیر و مکان رویدنش، و به زیتون و مکان رویدنش در سرزمین فلسطین که در آنجا عیسی عليه السلام را مبعوث کرد سوگند یاد فرمود.

﴿وُظُورِ سَيِّئِينَ﴾ [التین: ۲].

۱ و به کوه سیناء که کنار آن با پیامبرش موسی علیه السلام نجوا کرد سوگند یاد فرمود.

﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ [التین: ۳].

۲ و به مکه شهر حرمت داری که هرکس در آن داخل شود ایمن است و محمد صلی الله علیه و آله را در آن مبعوث کرد سوگند یاد فرمود.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ [التین: ۴].

۳ که به تحقیق انسان را در نیکوترین آفرینش و بهترین سیما آفریدیم.

﴿ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ﴾ [التین: ۵].

۴ سپس او را در دنیا به سالخوردگی و خرفتی بازگرداندیم که از جسمش سودی نمی برد چنان که اگر فطرتش فاسد شود و رهسپار جهنم شود از جسم خویش سودی نمی برد.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ [التین: ۶].

۵ مگر کسانی که به الله ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده اند که آنها هر چند بسیار پیر و کهنسال شوند، پاداشی همیشگی و جاویدان، یعنی بهشت، دارند؛ چون فطرتشان را پاک کرده اند.

﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالْتِّينِ﴾ [التین: ۷].

۶ پس - ای انسان - با وجود اینکه نشانه های فراوان قدرت الله را مشاهده کردی چه چیزی تو را به تکذیب روز جزا وامی دارد؟!

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ﴾ [التین: ۸].

۷ آیا الله - با قراردادن روز قیامت به عنوان روز جزا - بهترین و عادل ترین داوران نیست؟! آیا عاقلانه است که الله بندگان را بیهوده به حال خودشان رها کند، بدون اینکه میان آنها داوری کند، و نیکوکار را به نیکوکاری اش، و بدکار را به بدکاری اش جزا دهد؟!

سوره العلق

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان وابستگی کمال انسان به علم و وحیی که منجر به دلبستگی بنده بر پروردگارش و فروتنی در برابر او تعالی می‌شود، و نقص انسان در صورت مخالفت با این امر.

تفسیر:

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ﴾ [العلق: ۱].

① - ای رسول - آنچه را الله به تو وحی می‌کند، با آغاز نام پروردگارت که تمام مخلوقات را آفرید، بخوان.

﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ﴾ [العلق: ۲].

② انسان را پس از اینکه نطفه بود از تکه خونی بسته آفرید.

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ [العلق: ۳].

③ - ای رسول - آنچه را الله به تو وحی می‌کند بخوان، پروردگار تو بخشنده‌ترین است و هیچ‌کس مانند او بخشنده نیست، زیرا او تعالی سخاوت و دهبش زیادی دارد.

﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ [العلق: ۴].

④ همان ذاتی که به وسیله قلم خط و نوشتن را آموخت.

﴿عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ [العلق: ۵].

⑤ چیزهایی را که انسان نمی‌دانست به او آموخت.

﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ﴾ [العلق: ۶].

⑥ انسان بدکار مانند ابوجهل به‌طور قطع از حدود الله می‌گذرد.

﴿أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى﴾ [العلق: ۷].

⑦ زیرا به‌سبب مال و مقامی که دارد خودش را بی‌نیاز می‌بیند.

﴿إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ﴾ [العلق: ۸].

۸ - ای انسان - قطعاً بازگشت در روز قیامت فقط به سوی پروردگارت است آن گاه هرکس را به آنچه که استحقاقش را دارد جزا می دهد.

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ﴾ [العلق: ۹].

۹ آیا عجیب تر از کار ابوجهل که باز می داشت دیده ای.

﴿عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ﴾ [العلق: ۱۰].

۱۰ بنده ما محمد ﷺ را آن گاه که کنار کعبه نماز می گزارد.

﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ﴾ [العلق: ۱۱].

۱۱ به من خبر بده اگر این بازداشته شده، بر هدایت و بصیرتی از جانب پروردگارش باشد؟!

﴿أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ﴾ [العلق: ۱۲].

۱۲ یا مردم را به تقوای الله با اجرای اوامر و اجتناب از نواهی اش فرمان دهد، آیا چنین کسی بازداشته می شود؟!

برخی فواید آیات:

- رضایت الله والاترین هدف است.
- اهمیت خواندن و نوشتن در اسلام.
- خطر ثروت آن گاه که به غرور و دوری از حق منجر شود.
- نهی از معروف یکی از صفات کافر است.
- گناهان بر پشت پیامبر ﷺ سنگینی کرد پس به نظرت سایر مردم چه حالی دارند؟!

﴿أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ [العلق: ۱۳].

﴿۱۳﴾ به من خبر بده اگر این بازدارنده، آنچه را رسول ﷺ نزدش آورده است تکذیب کند و از آن روی گرداند، آیا از الله نمی ترسد؟!

﴿أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى﴾ [العلق: ۱۴].

﴿۱۴﴾ آیا بازدارنده این بنده از نماز ندانسته است که هر کاری انجام دهد الله می بیند، و ذره‌ای از اعمالش بر او پوشیده نمی ماند؟!

﴿كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنْتَه لِنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ﴾ [العلق: ۱۵].

﴿۱۵﴾ امر آن گونه که این جاهل تصور می کند نیست، اگر از آزار و تکذیب بنده ما دست نکشد، به طور قطع موی جلو سرش را به شدت می گیریم و به سوی جهنم می کشانیم.

﴿نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ﴾ [العلق: ۱۶].

﴿۱۶﴾ صاحب آن موی جلوی سرِ دروغگو در سخن، و خطاکار در فعل.

﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾ [العلق: ۱۷].

﴿۱۷﴾ پس باید وقتی موی جلوی سرش به سوی آتش کشیده می شود دوستان و همنشینانش را بخواند و از آنها یاری بجوید تا او را از عذاب نجات دهند.

﴿سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾ [العلق: ۱۸].

﴿۱۸﴾ ما هم به زودی فرشتگان سخت گیر و خشن که مامور جهنم هستند و در هیچ یک از فرامین الله از او تعالی نافرمانی نمی کنند، و آنچه را فرمان یابند انجام می دهند می خوانیم، پس باید بنگرد کدام یک از این دو گروه قوی تر و توانا تر است.

﴿كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ *﴾ [العلق: ۱۹].

﴿۱۹﴾ امر چنان که این ستمکار پنداشته نیست که می تواند آسیبی به تو برساند، پس نه در امر و نه در نهي از او اطاعت نکن، و برای الله سجده بگزار، و با طاعات به سوی او نزدیکی بجوی، زیرا طاعات به سوی او نزدیک می سازند.

سوره القدر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان بزرگی و فضیلت شب قدر و آنچه در این شب نازل شد.

تفسیر:

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ [القدر: ۱].

① به راستی که ما قرآن را به یکباره به سوی آسمان دنیا نازل کردیم چنان که نزول آن بر پیامبر ﷺ را در شب قدر ماه رمضان آغاز کردیم.

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ﴾ [القدر: ۲].

② و - ای پیامبر - آیا می دانی در این شب چه خیر و برکتی وجود دارد؟!

﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ [القدر: ۳].

③ این شب خیر و برکت زیادی دارد، و اگر کسی این شب را از روی ایمان و امید به کسب پاداش، زنده نگه دارد از هزار ماه برایش بهتر است.

﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ [القدر: ۴].

④ در این شب فرشتگان و جبرئیل عليه السلام به اذن پروردگارشان سبحانه برای هر کاری که الله در آن سال حکم کرده است، یعنی روزی، مرگ، ولادت یا سایر کارهایی که الله مقدر می کند فرود می آیند.

﴿سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾ [القدر: ۵].

⑤ تمام این شب مبارک از آغاز تا پایان آن که سپیده دم طلوع می کند، خیر و نیکی است.

سوره البینه

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

ذکر جایگاه و وضوح و کمال رسالت رسول ﷺ .

تفسیر:

﴿لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾ [البينة: ۱].

❶ کسانی که کفر ورزیدند چه یهودیان و چه نصاری و چه مشرکان، از اجماع و اتفاقشان بر کفر جدا نمی شدند تا اینکه برهانی واضح، و حجتی روشن برای شان آمد.

﴿رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً﴾ [البينة: ۲].

❷ این برهان واضح و حجت روشن همان رسولی از جانب الله است که او را برانگیخت تا صحیفه‌هایی پاک را که جز پاکان به آن دست نمی‌یابند بخواند.

﴿فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ﴾ [البينة: ۳].

❸ در این صحیفه‌ها اخبار راست و احکام استوار وجود دارد، که مردم را به آنچه صلاح و هدایت آنها در آن است راهنمایی می‌کند.

﴿وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ﴾ [البينة: ۴].

❹ و یهودیان که تورات به آنها داده شد، و نصاری که انجیل به آنها داده شد، اختلاف نکردند مگر پس از اینکه الله پیامبرش را به سوی آنها فرستاد، که برخی از آنها اسلام آوردند، و برخی از آنها با وجود اطلاع از راستگویی پیامبرش به کفر خویش ادامه دادند.

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ﴾ [البينة: ۵].

❺ و گناه و ستیزه‌جویی یهودیان و نصاری از اینجا آشکار می‌گردد که آنها در این قرآن فرمان نیافتند مگر به عبادت الله به یگانگی، و دوری از شرک، و برپایی نماز و

پرداخت زکات که در دو کتابشان نیز به آن فرمان یافته بودند. پس آنچه به آن فرمان یافته‌اند همان دین راستی است که هیچ انحرافی در آن وجود ندارد.

برخی فواید آیات:

- فضیلت شب قدر بر سایر شب‌های سال.
- اخلاص در عبادت از شروط پذیرش آن است.
- کافران بدترین و مؤمنان بهترین مخلوقات هستند.
- اتفاق شرایع در اصول، مقتضی پذیرش رسالت است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ﴾ [البينة: ۶].

① همانا کسانی که کفر ورزیدند - چه یهود و نصاری و چه مشرکان - روز قیامت وارد جهنم می‌شوند و برای همیشه در آن می‌مانند، اینها به سبب کفر به الله، و تکذیب رسولش بدترین مخلوقات هستند.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ [البينة: ۷].

② همانا کسانی که به الله ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند، اینها بهترین مخلوقات هستند.

﴿جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسِبَ رَبَّهُ﴾ [البينة: ۸].

③ پاداش آنها نزد پروردگارشان بهشت‌هایی است که از زیر کاخ‌ها و درختان‌شان رودها جاری است، و برای همیشه در آنها می‌مانند، به سبب اینکه به الله ایمان آوردند و از او اطاعت کردند الله از آنها راضی است، و به سبب آنچه الله از رحمت خویش به آنها رسانده است آنها نیز از الله راضی هستند، کسی به این رحمت دست می‌یابد که از پروردگارش بترسد، یعنی امرش را اجرا کند، و از نهیش بپرهیزد.

سوره الزلزله

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

تکان دادن و تحریک دل‌های غافل برای باور کردن حسابرسی دقیق.

تفسیر:

﴿إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا﴾ [الزلزلة: ۱].

① آن‌گاه که زمین در روز قیامت به شدت لرزانده شود.

﴿وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾ [الزلزلة: ۲].

② و زمین، مردگان و هر چیز دیگری را که در شکم خویش دارد بیرون افکند.

﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا﴾ [الزلزلة: ۳].

۳ و انسان حیران و سرگردان بگوید: زمین را چه شده است که تکان می خورد و می لرزد؟!

﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾ [الزلزلة: ۴].

۴ در آن روز بزرگ زمین از هر خیر و شری که بر روی آن انجام شده است خبر می دهد.

﴿بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا﴾ [الزلزلة: ۵].

۵ زیرا الله او را از آن آگاه کرده و او را بر این کار فرمان داده است.

﴿يَوْمَئِذٍ يَصُدُّ النَّاسُ أُمَّتَاتًا لِّيرَوْا أَعْمَالَهُمْ﴾ [الزلزلة: ۶].

۶ در آن روز بزرگ که زمین در آن می لرزد مردم گروه گروه از جایگاه حسابرسی بیرون می آیند تا اعمال شان را که در دنیا انجام داده اند مشاهده کنند.

﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ [الزلزلة: ۷].

۷ آن گاه هرکس هم وزن مورچه ای کوچک، از اعمال خیر و نیک انجام داده باشد آن را در مقابل خویش می بیند.

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ [الزلزلة: ۸].

۸ و هرکس به همان وزن، اعمال شر انجام داده باشد نیز آن را می بیند.

سوره العاديات

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان صفات انسان در امور دنیوی و بیان عاقبت امر، به هدف تشویق و تحریک بر اصلاح راهش.

تفسیر:

﴿وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا﴾ [العاديات: ۱].

۱ الله به گروه اسبانی سوگند یاد فرمود که به حرکت درمی آیند تا آنجا که به سبب حرکت سریع، صدای نفس های شان به گوش می رسد.

﴿فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا﴾ [العاديات: ۲].

۲ و به گروه اسبانی سوگند یاد کرد که به سبب برخورد شدید سم‌های‌شان به سنگ‌ها (جرقه) آتش برمی‌افروزد.

﴿فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾ [العاديات: ۳].

۳ و به گروه اسبانی سوگند یاد فرمود که صبحگاه بر دشمنان هجوم می‌آورند.

﴿فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا﴾ [العاديات: ۴].

۴ و با حرکت‌شان غباری به پا می‌کنند.

﴿فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا﴾ [العاديات: ۵].

۵ و با سواران‌شان به میان گروهی از دشمنان وارد می‌شوند.

برخی فواید آیات:

- ترس از الله سبب رضایت او تعالی از بنده‌اش است.
- گواهی زمین بر اعمال فرزندان آدم.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ﴾ [العاديات: ۶].

⑥ که انسان به طور قطع بسیار بازدارنده از خیری است که پروردگارش آن را از او می خواهد.

﴿وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ﴾ [العاديات: ۷].

⑦ و در حقیقت خودش بر بازدارندگی خویش از خیر گواه است، و به خاطر وضوح این امر نمی تواند آن را انکار کند.

﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ [العاديات: ۸].

⑧ و به راستی که او به سبب دوست داشتن زیاد مال در آن بخل می ورزد.

* ﴿أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ﴾ [العاديات: ۹].

⑨ پس آیا این انسان فریب خورده به زندگی دنیا ندانسته است آن گاه که الله مردگان قبرها را برانگیزد و آنها را از زمین برای حسابرسی و جزا درآورد امر آن گونه که تصور می کرد نبوده است؟!

﴿وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ﴾ [العاديات: ۱۰].

⑩ و نیات و اعتقادات و سایر مواردی که در دل هاست آشکار و روشن گردد.

﴿إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ﴾ [العاديات: ۱۱].

⑪ که پروردگارش در آن روز نسبت به آنها بسیار دانا است، و ذره ای از کار بندگانش بر او پوشیده نمی ماند، و آنها را در قبال اعمالشان جزا خواهد داد.

سوره القارعة

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تحریک و تکان دادن دل ها برای به یاد آوری هول و هراس قیامت.

تفسیر:

﴿الْقَارِعَةُ﴾ [القارعة: ۱].

① روزی که به سبب هراس زیادش دل های مردم را در هم می کوبد.

﴿مَا الْقَارِعَةَ﴾ [القارعة: ۲].

این روز که به سبب هول و هراسِ زیادِ خود دل‌های مردم را در هم می‌کوبد چیست؟!

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْقَارِعَةَ﴾ [القارعة: ۳].

و - ای رسول - تو چه می‌دانی این روز که به سبب وحشت و هراسِ زیادش دل‌های مردم را در هم می‌کوبد چیست؟! قطعاً این روز همان روز قیامت است.

﴿يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ﴾ [القارعة: ۴].

روزی که دل‌های مردم کوبیده می‌شود و مانند پروانه‌های پراکنده و متفرق همه جا پخش می‌شوند.

﴿وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ﴾ [القارعة: ۵].

و کوه‌ها در تیزروی و سرعت مانند پشم حلاجی شده می‌شوند.

﴿فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ﴾ [القارعة: ۶].

اما کسی که اعمال صالح او از اعمال بدش سنگین‌تر باشد.

﴿فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ﴾ [القارعة: ۷].

در زندگی رضایت‌بخشی است که در بهشت به آن می‌رسد.

﴿وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾ [القارعة: ۸].

و اما کسی که اعمال بد او از اعمال صالحش سنگین‌تر شود.

﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾ [القارعة: ۹].

مسکن و قرارگاهش در روز قیامت همان جهنم است.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَهْ﴾ [القارعة: ۱۰].

و - ای رسول - تو چه می‌دانی آن چیست؟!

﴿نَارٌ حَامِيَةٌ﴾ [القارعة: ۱۱].

آتشی بسیار سوزان است.

سوره التَّكَاثُرُ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

یادآوری مرگ و حسابرسی، به مشغول شدگان به دنیا.

تفسیر:

﴿أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ﴾ [التکائر: ۱].

① - ای مردم - بالیدن به اموال و فرزندان، شما را از طاعت الله بازداشت.

﴿حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ [التکائر: ۲].

② تا اینکه مُردید و وارد قبرهای تان شدید.

﴿كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ [التکائر: ۳].

③ سزاوار نبود که فخرفروشی به اموال و فرزندان، شما را از طاعت الله بازدارد، به زودی سرانجام این سرگرمی را خواهید دانست.

﴿ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ [التکائر: ۴].

④ باز هم سرانجام آن را خواهید دانست.

﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾ [التکائر: ۵].

⑤ اگر واقعاً و به یقین می دانستید که به سوی الله برانگیخته می شوید، و شما را در قبال اعمال تان جزا خواهد داد؛ به طور قطع به بالیدن به اموال و فرزندان سرگرم نمی شدید.

﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾ [التکائر: ۶].

⑥ به الله سوگند که به طور قطع در روز قیامت جهنم را می بینید.

﴿ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ﴾ [التکائر: ۷].

⑦ باز هم در حقیقت آن را به صورت یقینی و بدون هیچ تردیدی می بینید.

﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ [التکائر: ۸].

⑧ آن گاه به طور قطع الله در آن روز در مورد سلامتی و ثروت و سایر نعمت‌هایی که به شما ارزانی داشته است از شما می پرسد.

برخی فواید آیات:

- خطر فخر فروشی و بالیدن به اموال و فرزندان.
- مردم به سرعت از قبر به سرای آخرت منتقل می‌شوند.
- روز قیامت مردم در مورد نعمت‌هایی که الله در دنیا بر آنها ارزانی داشته است مورد سوال قرار می‌گیرند.
- انسان بر حب مال آفریده شده است.

سوره العَصْر

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان حقیقت سود و زیان در زندگی، و متوجه ساختن بر اهمیتِ وقت، که انسان در آن به سر می‌برد.

تفسیر:

﴿وَالْعَصْرُ﴾ [العصر: ۱].

۱) الله سبحانه به وقت زمانه سوگند یاد فرمود.

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ﴾ [العصر: ۲].

۲) که انسان واقعا در نقصان و نابودی است.

﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾ [العصر: ۳].

۳) مگر کسانی که به الله و رسولش ایمان آورده‌اند، و اعمال صالح انجام داده‌اند، و یکدیگر را به حق، و به صبر بر اجرای حق سفارش کرده‌اند؛ که صاحبان این صفات، در زندگی دنیا و آخرت نجات یافته هستند.

سوره الهَمزة

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

تهدید برتری جویان و مسخره کنندگان دین و پیروانش.

تفسیر:

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾ [الهمزة: ۱].

۱) عذاب سخت و شدید برای کسی که بسیار از مردم غیبت و بدگویی کند.

﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾ [الهمزة: ۲].

❶ کسی که غم و اندوهش جمع‌آوری و شمردن مال است، و غم و اندوه دیگری جز آن ندارد.

﴿يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾ [الهمزة: ۳].

❷ گمان می‌کند مالی که فراهم آورده است او را از عذاب مرگ نجات خواهد داد، و در زندگی دنیا جاویدان می‌ماند.

﴿كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ﴾ [الهمزة: ۴].

❸ امر آن‌گونه که این جاهل تصور کرده، نیست، به‌طور قطع در آتش جهنم که بر اثر قدرت زیادش هر چیزی را که در آن افکنده شود خرد می‌کند و در هم می‌شکند افکنده خواهد شد.

﴿وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ﴾ [الهمزة: ۵].

❹ و -ای رسول - تو چه می‌دانی این آتشی که هر چیزی را در آن افکنده شود خرد می‌کند چیست؟!

﴿نَارُ اللَّهِ الْمَوْقِدَةِ﴾ [الهمزة: ۶].

❺ به‌راستی که آتش افروخته‌الله است.

﴿الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ﴾ [الهمزة: ۷].

❻ که از بدن‌های مردم به دل‌های‌شان نفوذ می‌کند.

﴿إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ﴾ [الهمزة: ۸].

❼ به‌راستی که آن آتش، کسانی را که در آن عذاب می‌شوند، از هر طرف محاصره کرده است.

﴿فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ﴾ [الهمزة: ۹].

❽ با ستون‌هایی کشیده و طولانی تا از آن خارج نشوند.

سوره الفیل

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اظهار قدرت الله بر محافظت از خانه حرمت دارش، برای یادآوری و برشمردن نعمت.

تفسیر:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾ [الفیل: ۱].

۱ - ای رسول - آیا ندانسته‌ای که پروردگارت با ابرهه و یارانش که فیل‌هایی به همراه داشتند آن گاه که خواستند کعبه را ویران کنند چه کرد؟!

﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ﴾ [الفیل: ۲].

۲ - الله نیرنگ بدشان برای نابودی کعبه را به باد داد، و آنها به بازگرداندن مردم از کعبه که آرزو داشتند نرسیدند، و ذره‌ای به این هدف دست نیافتند.

﴿وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾ [الفیل: ۳].

۳ - و بر سرشان پرندگانی که گروه گروه بر آنها می‌آمدند فرستاد.

﴿تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ﴾ [الفیل: ۴].

۴ - که با سنگ‌هایی از گِل سخت بر آنها می‌افکندند.

﴿فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾ [الفیل: ۵].

۵ - آن گاه الله آنها را مانند برگ‌های گیاهانی که چارپایان آنها را خورده باشند و لگدمال کرده باشند قرار داد.

برخی فواید آیات:

- کسانی که ایمان و اعمال صالح ندارند و یکدیگر را به حق و صبر سفارش نمی‌کنند زیانکار هستند.
- تحریم غیبت و بدگویی از مردم.
- دفاع الله از خانه حرمت دارش، که این امر بخشی از امنیتی است که الله برای خانه‌اش حکم کرده است.

سوره قُریش

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

برشمردن نعمت بر قریش و آنچه که در برابر این نعمت بر آنها لازم می‌شود.

تفسیر:

﴿لَا يَلَا فِ قُرَيْشٍ﴾ [قریش: ۱].

① به خاطر عادت و خوگرفتن قریش.

﴿إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ﴾ [قریش: ۲].

② به سفر ایمن زمستانی به سوی یمن، و سفر ایمن تابستانی به سوی شام.

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْمَيْتِ﴾ [قریش: ۳].

③ پس باید الله پروردگار این خانهٔ حرمت‌دار را که سفر مذکور را برای‌شان آسان

کرد، به یگانگی عبادت کنند و هیچ‌کس را با او شریک نگردانند.

﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ﴾ [قریش: ۴].

④ همان ذاتی که با حرمت‌دار کردن حرم و ساکنانش در دل عرب‌ها، ساکنانش را

در گرسنگی غذا داد، و از ترس ایمن کرد.

سوره المَاعُونِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان اخلاق تکذیب‌کنندگان دین و آخرت، برای برحذر داشتن مؤمنان، و تقبیح

کافران.

تفسیر:

﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ﴾ [الماعون: ۱].

① آیا کسی را که جزای روز قیامت را تکذیب می‌کند شناختی؟!

﴿فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾ [الماعون: ۲].

۱۰ او همان کسی است که یتیم نیازمند را به شدت می‌راند.

﴿وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ [الماعون: ۳].

۱۱ و نه خودش و نه دیگران را بر طعام فقیر تشویق نمی‌کند.

﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ﴾ [الماعون: ۴].

۱۲ پس نابودی و عذاب بر نمازگزاران.

﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ [الماعون: ۵].

۱۳ همان کسانی که از نمازشان غافل هستند، و به آن اهمیت نمی‌دهند تا اینکه وقتش سپری شود.

﴿الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ﴾ [الماعون: ۶].

۱۴ کسانی که با نماز و اعمالشان ریا می‌کنند، و عمل را برای الله خالص نمی‌گردانند.

﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ [الماعون: ۷].

۱۵ و از یاری کردن دیگران با آنچه که در این یاری کردن زبانی متوجه یاری‌رسان نیست خودداری می‌کنند.

سوره الْكَوْثَرِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

نعمت‌بخشی الله به پیامبر ﷺ و بریدن راه کینه‌توزان نسبت به او.

تفسیر:

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾ [الکوثر: ۱].

۱ - ای رسول - ما به تو خیر زیادی، از جمله رود کوثر در بهشت دادیم.

﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ [الکوثر: ۲].

❶ پس در قبال این نعمت شکر الله را به جای آور، یعنی فقط برای او نماز بگزار و قربانی کن؛ برخلاف مشرکان که برای تقرب به بت‌های‌شان ذبح می‌کنند.

﴿إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ [الکوثر: ۳].

❷ همانا کینه‌توزِ تو خودش از هر خیری بریده شده است و فراموش‌شده‌ای است که اگر یاد شود به بدی یاد می‌شود.

برخی فواید آیات:

- اهمیت امنیت در اسلام.
- ریا یکی از بیماری‌های قلبی است، و عمل را باطل می‌کند.
- سپاسگزاری سبب افزایش نعمت‌هاست.
- گرامی بودن پیامبر ﷺ نزد پروردگارش و محافظت و بزرگداشت او توسط الله در دنیا و آخرت.

سوره الكافرون

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

بیان توحید و یگانگی الله در عبادت و بیزاری از شرک، و تمایز کامل میان اسلام و شرک.

تفسیر:

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ [الكافرون: ۱].

① - ای رسول - بگو: ای کافران به الله.

﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ [الكافرون: ۲].

② نه اکنون و نه در آینده بت‌هایی را که عبادت می‌کنید عبادت نمی‌کنم.

﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ [الكافرون: ۳].

③ و شما نیز آنچه را که من عبادت می‌کنم، یعنی الله را به یگانگی عبادت نمی‌کنید.

﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ﴾ [الكافرون: ۴].

④ و نه من بت‌هایی را که شما عبادت کردید عبادت می‌کنم.

﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ [الكافرون: ۵].

⑤ و نه شما آنچه را من عبادت می‌کنم، یعنی الله را به یگانگی، عبادت می‌کنید.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ [الكافرون: ۶].

⑥ برای شما دین خودتان است که آن را برای خویش ساختید، و برای من دین خودم که الله آن را بر من فرستاده است.

سوره النَّصْرِ

(مدنی)

برخی مقاصد سوره:

بیان سرانجام اسلام به پیروزی و فتح. و این سوره به نزدیکی پایان عمر پیامبر ﷺ نیز اشاره می‌کند.

تفسیر:

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾ [النصر: ۱].

① - ای رسول - وقتی یاری الله برای دینت و گرامی داشتن آن توسط او تعالی فرا رسد، و مکه فتح شود.

﴿وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾ [النصر: ۲].

② و بینی که مردم گروه گروه در اسلام وارد می‌شوند.

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ [النصر: ۳].

③ بدان که این امر، نشانه نزدیکی پایان وظیفه‌ای است که به آن مبعوث شده‌ای، پس برای شکرگزاری در قبال نعمت فتح و پیروزی، پروردگارت را ستایش کن، و از او تعالی آمرزش بخواه؛ زیرا او ذات توبه‌پذیری است که توبه بندگان را می‌پذیرد، و آنها را می‌آمرزد.

سوره الْمَسَدِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

سود نرساندن نَسَب و جایگاه در صورت کفر به الله.

تفسیر:

﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴾ [المسد: ۱].

① دو دست عموی پیامبر ﷺ، ابولهب بن عبدالمطلب به سبب تباهی عملش نابود باد؛ چون پیامبر ﷺ را آزار می‌داد، و تلاشش تباه شد.

﴿مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ﴾ [المسد: ۲].

مال و فرزندش او را از چه چیزی بی‌نیاز ساخت؟ نه غذایی از او دفع کردند، و نه رحمتی برایش کسب کردند.

﴿سَيَصِلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ﴾ [المسد: ۳].

در روز قیامت در آتشی شعله‌ور که حرارت بی‌رحمانه‌ای دارد وارد خواهد شد.

﴿وَأَمْرَأَةٌ حَمَّالَةٌ حَطَبٍ﴾ [المسد: ۴].

و همسرش اُمّ جمیل که با ریختن خار در راه پیامبر ﷺ، به او آزار می‌رساند نیز وارد آن خواهد شد.

﴿فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ﴾ [المسد: ۵].

درحالی که ریسمانی مستحکم و بافته‌شده در گردنش است که او را به‌سوی آتش می‌کشاند.

برخی فواید آیات:

- قطع رابطه با کافران.
- سپاسگزاری در قبال نعمت‌ها.
- سورهٔ مسد یکی از دلایل نبوت است؛ زیرا حکم کرد که ابولهب در حال کفر می‌میرد و او پس از ده سال بر این حالت مُرد.
- صحت ازدواج‌های کافران.

سوره الإِخْلَاصِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

اثبات یگانگی الله در کمال و الوهیت و منزه‌شمردن او تعالی از نقص.

تفسیر:

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ [الإِخْلَاصِ: ۱].

① - ای رسول - بگو: او الله یگانه در الوهیت است، و هیچ معبود برحقى جز او نیست.

﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ [الإِخْلَاصِ: ۲].

② همان والامقامى که بزرگى در صفات کمال و جمال به او ختم مى‌شود، ذاتى که تمام مخلوقات به او نیازمندند.

﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ [الإِخْلَاصِ: ۳].

③ ذاتى که هیچ کس را نزاده، و هیچ کس او را نزاده است، يعنى او - سبحانه - نه فرزندى دارد؛ و نه پدرى.

﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ [الإِخْلَاصِ: ۴].

④ و هیچ همتایی در آفرینش ندارد.

سوره الفَلَقِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

توسل و پناه بردن به الله از شرهای آشکار.

تفسیر:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ [الفَلَقِ: ۱].

① - ای رسول - بگو: به پروردگار صبح پناه می‌برم، و از او تعالی یاری می‌خواهم.

﴿مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ﴾ [الفلق: ۲].

① از شر مخلوقاتی که آزار می‌رسانند.

﴿وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ﴾ [الفلق: ۳].

② و از شرهایی که شب‌هنگام از جنبنندگان و دزدان آشکار می‌گردد به الله پناه می‌برم.

﴿وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ﴾ [الفلق: ۴].

③ و از شر زنان ساحری که در گره‌ها می‌دمند به او تعالی پناه می‌برم.

﴿وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ﴾ [الفلق: ۵].

④ و از شر حسود آن‌گاه که حسد ورزد، با آنچه که حسد را به خودش بازمی‌گرداند به او تعالی پناه می‌برم.

سوره النَّاسِ

(مکی)

برخی مقاصد سوره:

پناه بردن و توسل به الله از شر و وسوسه شیطان، و از شرهای پنهانی.

تفسیر:

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ [الناس: ۱].

① - ای رسول - بگو: به پروردگار مردم پناه می‌برم، و از او یاری می‌جویم.

﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾ [الناس: ۲].

② پادشاه مردم، که هر کاری بخواهد در مورد آنها انجام می‌دهد، و هیچ صاحب اختیاری جز او ندارند.

﴿إِلَهِ النَّاسِ﴾ [الناس: ۳].

③ معبود حقیقی آنها، که هیچ معبود برحق جز او ندارند.

﴿مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ [الناس: ۴].

⑤ از شر شیطان که هرگاه انسان از یاد الله غافل شود وسوسه‌اش را به او می‌رساند و هنگامی که انسان الله را به یاد آورد از او بازپس می‌رود.

﴿الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾ [الناس: ۵].

⑥ وسوسه‌اش را به دل‌های مردم می‌رساند.

﴿مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ﴾ [الناس: ۶].

⑦ و همانطور که شیطان جنی وجود دارد، شیطان انسی نیز می‌باشد.

برخی فواید آیات:

- اثبات صفات کمال برای الله، و نفی صفات نقص از او تعالی.
- ثبوت سحر، و وسیله درمان آن.
- داروی وسوسه، یاد الله و پناه بردن به او تعالی از شر شیطان است.

اصطلاحات ضبط [قواعد درست خوانی]

قرار گرفتن دایره توخالی به این شکل «**ٔ**» بر روی یکی از سه حرفِ علهٔ ناخوانا، بر زایدبودن آن حرف دلالت می‌کند، یعنی آن حرف نه در حالت وصل و نه در حالت وقف خوانده نمی‌شود، مانند:

﴿ءَامَنُوا﴾ ﴿يَتْلُوا صُحُفًا﴾ ﴿لَا أَدْبَجْتَهُ وَ﴾ ﴿أُولَئِكَ﴾ ﴿مِن نَّبِيِّ الْمُرْسَلِينَ﴾ ﴿بَنِيَنَهَا يَأْيِدِ﴾.

قرار گرفتن دایره ایستاده و کشیده توخالی به این شکل «**ٖ**» بر روی الفی که حرف بعدی آن متحرک است نشانهٔ زایدبودن آن حرف، فقط در زمان وصل است نه در حالت وقف، مانند: ﴿أَنَا حَيْرٌ مِّنْهُ﴾ ﴿لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي﴾. علامت مذکور، بر روی الفی که حرف بعد از آن ساکن است نمی‌آید، مانند: ﴿أَنَا اللَّزِيرُ﴾، هر چند حکم آن مانند الفی است که حرف بعدی آن متحرک است یعنی در حالت وصل خوانده نمی‌شود، و در وقف خوانده می‌شود، تا گمان نشود که هنگام وصل، خوانده می‌شود.

قرار گرفتن سر حرف خاء بدون نقطه به این شکل: «**٘**» بر روی هر حرفی، بر سکون آن حرف و بر اینکه با زبان تلفظ می‌شود و آشکار می‌گردد دلالت دارد، مانند: ﴿مِنْخَيْرٍ﴾ ﴿أَوْعَطْتَ﴾ ﴿قَدْ سَمِعَ﴾ ﴿نَضَجَتْ جُلُودُهُمْ﴾ ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا﴾.

خالی بودن حرف از علامت سکون در صورت مشددبودن حرف بعدی، نشانهٔ ادغام کامل حرف اول در حرف دوم است و در این حالت هم خود حرف ادغام‌شده و هم صفت آن آشکار نمی‌شود، یعنی تشدید بر ادغام، و خالی بودن از علامت، بر ادغام کامل دلالت دارد، مانند: ﴿مِّن لَّيْتَةٍ﴾ ﴿مِن رَبِّكَ﴾ ﴿مِن نُورٍ﴾ ﴿مِن مَّاءٍ﴾ ﴿أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا﴾ ﴿عَصَا وَكَانُوا﴾ ﴿وَقَالَتْ طَافِقَةٌ﴾ ﴿بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ﴾ و نیز این فرمودهٔ الله تعالی: ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ﴾.

اما **خالی بودن حرف از علامت سکون در صورت مشدد نبودن حرف بعدی**، نشانهٔ ادغام ناقص حرف اولی در دومی است؛ یعنی در این حالت خود حرف ادغام‌شده خوانده نمی‌شود اما صفتش آشکار می‌شود، مانند: ﴿مَنْ يَقُولُ﴾ ﴿مِن وَالٍ﴾ ﴿فَرَطْتُمْ﴾ ﴿بَسَطْتَ﴾ ﴿أَحَطْتُ﴾ یا بیانگر اخفاء حرف اول در دومی است، یعنی نه با زبان تلفظ می‌گردد و نه ادغام می‌شود مگر اینکه به جنس حرف بعدی تبدیل شود، چه این اخفاء حقیقی باشد مانند: ﴿مِن حَتِّهَا﴾ یا لفظی مانند: ﴿جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ﴾. دیدگاه بیشتر علمای علم تجوید و قرائت دربارهٔ اخفای حرف «میم» زمانی که پس از آن حرف «باء» بیاید، همین است.

ترکیب دو حرکت «حرکت حرف و حرکت دلالت‌کننده بر تنوین» چه دو ضمه باشند، یا دو فتحه یا دو کسره، به این شکل (هـ ـ م) بر اظهار تنوین دلالت دارد، مانند: ﴿حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ﴾ ﴿حَلِيمًا غَفُورًا﴾ ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾.

پشت سر هم آمدن دو حرکت به این شکل: (هـ ـ ی) در صورت مشدد بودن حرفِ بعدی، نشانهٔ ادغام کامل است، مانند: ﴿لَرَّوْفٌ رَّحِيمٌ﴾ ﴿مُبْصِرَةٌ لِّتَبَتُّوْا﴾ ﴿يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ﴾.

اما پشت سر هم آمدن دو حرکت در حالت مشدد نبودن حرفِ بعدی، بیانگر ادغام ناقص است، مانند: ﴿رَّحِيمٌ وَدُودٌ﴾ ﴿وَأَنْهَرًا وَسُبُلًا﴾ ﴿فِي جَنَّتٍ وَعَيْوُنٍ﴾ یا نشانهٔ اخفاء است، مانند: ﴿شِهَابٌ ثَاقِبٌ﴾ ﴿سِيرَاعًا ذَلِكَ﴾ ﴿عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

پس ترکیب دو حرکت، همچون قرار گرفتن علامت سکون بر روی حرف است، و پشت سر هم آمدن دو حرکت به منزلهٔ خالی بودن آن حرف از سکون است.

قرار گرفتن میم کوچک به این شکل «م» به جای حرکت دوم از حرف تنوین‌دار یا بر روی نون ساکن به جای سکون، در صورت مشدد نبودن باءِ بعدی، نشانهٔ قلب تنوین یا نون ساکن، به میم است، مانند: ﴿عَلِيمٌ يَذَاتِ الصُّدُورِ﴾ ﴿جَزَاءً يَمَا كَانُوا﴾ ﴿كَرَامَ بَرِّرَةَ﴾ ﴿أَنْبِيَهُمْ﴾ ﴿وَمِنْ بَعْدُ﴾.

حروف کوچک بر همان حروفی دلالت دارند که در مصحف‌های عثمانی متروک مانده‌اند، با اینکه خواندن آنها واجب است، مانند: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ﴾ ﴿ذَاوُدَ﴾ ﴿يَلُورُنَ الْأَسْتَهْمُ﴾ ﴿يُحْيِءُ وَيُمِيتُ﴾ ﴿إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا﴾ ﴿إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ﴾ ﴿إِئْتَفَهُمْ﴾ ﴿وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾.

علمای ضبط این حروف را به رنگ قرمز به اندازهٔ حروف اصلی پیوست می‌کردند اما چون این کار در آغاز پیدایش دستگاه‌های چاپ دشوار بود، به منظور رعایت تفاوت میان حرف پیوست‌شده و حرف اصلی، به کوچک کردن این حروف بسنده شد.

و امروزه آوردن این حروف به رنگ قرمز آسان است و اگر مصاحف براساس قواعد و جزئیات علم قرائت، قرمز و زرد و سبز شوند، دارای پیشینه و صحیح و قابل پذیرش است، اما به همان رنگ سیاه نگاشته می‌شوند چون مسلمانان بر آن عادت کرده‌اند. و چون حرف متروک، در نوشتهٔ اصلی جایگزین دارد، در تلفظ بر حرف الحاقی اعتماد شده است نه بر حرف جایگزین، مانند: ﴿الْصَّلَاةُ﴾ ﴿كَيْشْكُورَةَ﴾ ﴿الزَّبْوَا﴾ ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ﴾.

قرار گرفتن سین بر روی صاد در این فرمودهٔ الهی: ﴿وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ﴾ ﴿فِي الْخُلُقِ بَسْطَةً﴾ نشان از خوانده شدن آن با سین نه با صاد بنا بر روایت حفص از طریق شاطبیه است.

اما اگر سین زیر صاد قرار گیرد بیانگر این امر است که گفتن صاد مشهورتر است، این حالت در کلمه ﴿الْمُصَيِّرُونَ﴾ وجود دارد. اما کلمه ﴿بِمُصَيِّرٍ﴾ در سوره الغاشیه فقط با صاد نیز بنا بر روایت حفص از طریق شاطبیه آمده است.

قرار گرفتن این علامت «ر» بر روی حرف، نشانه لزوم مد آن حرف بیشتر از مد طبیعی اصلی است، مانند: ﴿الْم﴾ ﴿الطَّامَّةُ﴾ ﴿قُرُوءٍ﴾ ﴿سَيِّءَ بِهِمْ﴾ ﴿شَفَعْتُوهُ﴾ ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا﴾ ﴿بِمَا أَنْزَلَ﴾ البته بنا بر تفصیلی که در علم تجوید آمده است. این علامت برای دلالت بر الف محذوف بعد از الف نوشته شده به کار گرفته نمی‌شود، مانند ﴿آمَنُوا﴾ چنان که در برخی مصاحف به اشتباه قرار گرفته است، بلکه با همزه و الف پس از آن به این ترتیب ﴿آمَنُوا﴾ نوشته می‌شود.

قرار گرفتن نقطه بزرگ توپُر به این شکل «ر» زیر حرف به جای فتحه بر امله که امله کبری نامیده می‌شود دلالت دارد، این حالت در کلمه ﴿حَجْرِنَهَا﴾ در سوره هود آمده است.

قرار گرفتن این نقطه بر روی آخر میم، قبل از نون مشدد در این فرموده الله تعالی ﴿مَالِكٍ لَا تَأْمَنَّا﴾ نشانه اِشمام است، یعنی جمع کردن دو لب مانند حالت ادای صَمّه، برای اشاره به اینکه حرکت محذوف، صَمّه است، بدون اینکه در تلفظ اثری از صَمّه آشکار شود.

پس این کلمه تشکیل شده است از: فعل مضارع مرفوع که آخر آن نون مضموم است، زیرا (لَا) نافیهِ است؛ و مفعول به که اول آن نون است؛ یعنی اصل آن ﴿تَأْمَنَّا﴾ با دو نون بوده، که کاتبان مصاحف براساس رسم الخط مصاحف با یک نون جمع کرده‌اند، و قاریان ده گانه جز ابوجعفر دو شیوه در این کار دارند:

شیوه اول: اِشمام - که بیان شد - اِشمام در اینجا با سکون حرف ادغام شده همراه است.

شیوه دوم: اِخفاء، که مراد از آن گفتن دوسوم حرکت مضموم است، و بر این اساس هنگام خواندن نون اول یکسوم حرکتش از بین می‌رود. و این شیوه فقط از طریق آموزش شفاهی و دهان به دهان شناخته می‌شود. و اِخفاء در ادا مقدم است.

این کلمه متناسب با هر دو شیوه مذکور نوشته شده است.

قرار گرفتن نقطه اخیرالذکر بدون حرکت به جای همزه نشانه تسهیل همزه با تلفظی میانه است، یعنی در اینجا همزه کمی شبیه به همزه و کمی شبیه به الف خوانده می‌شود. این حالت در کلمه ﴿ءَاعْجَبِي﴾ در سوره فُصِّلَتْ آمده است.

قرار گرفتن سر حرف صاد کوچک به این شکل «آ» بر روی الف وصل (که همزه وصل نیز نامیده می‌شود) نشانه خوانده نشدن آن در صورت وصل است.

دایره آراسته‌شده‌ای که شماره‌ای داخل آن قرار گرفته است، خود این دایره نشانه پایان آیه، و شماره داخل آن بیانگر شماره آن آیه در سوره است؛ مانند: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ ۖ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَخَّرْ ۚ إِنَّ شَأْنِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ۚ﴾. قرار گرفتن این نشانه قبل از آیه مطلقاً جایز نیست. از این رو، این علامت در آغاز سوره‌ها مشاهده نمی‌شود اما در پایان سوره‌ها وجود دارد.

این علامت ﴿﴾ بر آغاز جزء و حزب و نصف حزب و یک‌چهارم حزب دلالت دارد.

قرار گرفتن خط افقی بر روی یک کلمه بر لزوم سجده دلالت دارد.

و **قرار گرفتن این علامت ﴿﴾** پس از کلمه بیانگر موضع سجده است، مانند:

﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿۱۰﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿۱۱﴾﴾

قرار گرفتن حرف سین بر روی آخرین حرف برخی کلمات، بیانگر سکت (سکوت) در حالت وصل آن به گونه‌ای که پس از آن سکوتی اندک و بدون نفس گرفتن باشد است.

بنا بر روایت حفص از عاصم سکت (سکوت) بدون اختلاف از طریق شاطبیّه وارد شده است بر الف (عِوَجًا) در سوره الکهف؛ و الف (مَرْقَدِنَا) در سوره یس؛ و نون (مَنْ رَاقٍ) در سوره القیامه؛ و لام (بَلِّ رَانَ) در سوره المطففین.

برای این سین در هاء (مَالِيَةً) در سوره الحاقّه دو شیوه ادا جایز است:

شیوه اول: اظهار آن به همراه سکت (سکوت). **شیوه دوم:** ادغام کامل آن در هائی که پس از آن در (هَلَكًا) آمده است، و این حالت با خالی بودن هاء اول از سکون در صورت مشدّد بودن هاء دوم است.

این موضع بر وجه اظهار، همراه سکت (سکوت) ثبت شده است، زیرا اکثر اهل ادا بر آن هستند. و این امر به قرار گرفتن علامت سکون بر هاء اول با مشدّد نبودن هاء دوم، برای دلالت بر اظهار است.

قرار گرفتن حرف سین بر هاء (مَالِيَةً) بیانگر سکت (سکوت) اندک و بدون تنفس است، زیرا اظهار در صورت وصل فقط با سکت (سکوت) محقق می‌شود.

آوردن واو کوچک پس از هاء ضمیر مفرد غائب مضموم نشانه اتصال این هاء به واو لفظی در حالت وصل است، و آوردن یاء کوچک مربوط به حرف ماقبل پس از هاء مذکور اگر مکسور باشد بیانگر اتصال آن با یاء لفظی در حال وصل نیز است.

هر دو نوع این اتصال از نوع مَدّ طبیعی است اگر بعد از آن همزه نیامده باشد که به مقدار دو حرکت کشیده می‌شود، مانند این فرموده الله تعالی: ﴿إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا﴾.

و از نوع مَدّ منفصل است اگر بعد از آن همزه آمده باشد، که علامت بر روی آن قرار می‌گیرد و به مقدار چهار یا پنج حرکت کشیده می‌شود، مانند این فرموده الله تعالی: ﴿وَأْمُرُهُ إِلَى اللَّهِ﴾ و ﴿وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ﴾.

قاعده: قرائت حفص از عاصم هر هاء ضمیر مفرد غائب را به واو لفظی مضموم، و یاء لفظی مکسور به شرط اینکه ماقبل و مابعد این هاء، متحرک باشد وصل می‌کند، و هر دو نوع این اتصال فقط در حال وصل است. بنا بر روایت حفص موارد زیر از این قاعده استثنا شده است:

۱- هاء در لفظ (يِرْضُهُ) در سوره الزمر که حفص آن را بدون اتصال مضموم کرده است.

۲- هاء در لفظ (أَرْجَاهُ) در دو سوره الأعراف و الشعراء که آن را ساکن کرده است.

۳- هاء در لفظ (فَأَلْقَاهُ) در سوره النمل که آن را نیز ساکن کرده است.

و هرگاه ماقبل هاء ضمیر مذکور ساکن، و مابعد آن متحرک بوده، آن را وصل نمی‌کند مگر در لفظ (فِيهِ) در ﴿وَيَحْلُدُ فِيهِ مُهَانًا﴾ در سوره الفرقان.

اما هرگاه مابعد این هاء ساکن باشد چه ماقبل آن متحرک باشد یا ساکن، هاء مطلقا وصل نمی‌شود، زیرا دو ساکن با هم جمع نمی‌شوند، مانند:

﴿لَهُ الْمُلْكُ﴾ ﴿وَأَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ﴾ ﴿فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ﴾ ﴿إِلَيْهِ الْمَصِيرُ﴾.

چند نکته:

(أ) - هرگاه همزه استفهام بر همزه وصل وارد بر «ال» تعریف، داخل شود بنا بر روایت حفص در همزه وصل دو شیوه ادا جایز است:

شیوه اول: تبدیل آن به الف با مَدّ مُشَبَّع «یعنی به مقدار شش حرکت».

شیوه دوم: تسهیل همزه وصل با تلفظی میانه «یعنی تلفظ آن به صورت آوایی بین همزه و الف» به صورت قَصْر که مراد از آن، عدم مَدّ به صورت مطلق است.

شیوه اول در ادا مقدم است و ثبت بر آن جاری بوده است.

این حالت در سه کلمه در شش موضع از قرآن کریم وارد شده است:

۱- ﴿عَالِدًا كَرِيمًا﴾ در دو موضع از سوره الأنعام.

۲- ﴿عَالَيْنَ﴾ در دو موضع از سوره یونس.

۳- ﴿ءَاللَّهُ﴾ در ﴿قُلْ ءَاللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ﴾ در سوره یونس. و در ﴿ءَاللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ در سوره التَّمَل.

چنان که ابدال و تسهیل از دیدگاه سایر قاریان در این مواضع جایز است، و ابوعمر و ابوجعفر این دو شیوه را در ﴿مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ﴾ در سوره یونس اختصاص داده‌اند. بنابر تفصیلی که در کتاب های قراءات آمده است.

(ب) - کلمه (ضَعَفِي) در سوره الرُّوم در دو موضع مجرور و در یک موضع منصوب آمده است:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً﴾

برای حفص در این سه موضع دو شیوه جایز است:

شیوه اول: مفتوح خواندن صاد. **شیوه دوم:** مضموم خواندن صاد.

هر دو شیوه خوانده می‌شوند، اما بهتر است که مفتوح خوانده شود.

(ج) - در کلمه (ءَاتَيْنِ) در سوره التَّمَل در حالت وقف دو شیوه است:

شیوه اول: اثبات یاء ساکن. و **شیوه دوم:** حذف آن با وقف بر نون ساکن.

اما در حالت وصل یاء مفتوح باقی می‌ماند.

(د) - در کلمه (سَلَسِلًا) در سوره الإنسان در حالت وقف دو شیوه است:

شیوه اول: اثبات الف پایانی. و **شیوه دوم:** حذف آن با وقف بر لام ساکن.

اما در حالت وصل، الف حذف می‌شود.

ووجه مذکور که بنابر روایت حفص بیان شد امام شاطبی آنها را در قصیده‌ای به نام: «جِرَزَّ الأمانی وَوَجَهَ التَّهَانِي» شاطبیّه آورده است.

علاوه بر موارد مذکور، امام حفص سایر مواردی را که اختلافی بوده متناسب با طریقه شاطبیّه آورده است.

نشانه‌های وقف

م علامت وقف لازم، مانند: ﴿إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ﴾.

ج علامت وقف جایز، که وقف کردن و وصل کردن یکسان است، مانند:

﴿تَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ﴾.

ص علامت وقف جایز، ولی وصل کردن بهتر است، مانند:

﴿وَإِن يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۗ وَإِن يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾.

ق علامت وقف جایز، اما وقف کردن بهتر است، مانند:

﴿قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَّا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ﴾.

❖ ❖ علامت وقف معانقه، که اگر بر یکی از این دو موضع وقف شود وقف در موضع دیگر صحیح

نیست. مانند: ﴿ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾.

مرکز پژوهش‌های قرآنی تفسیر

مرکزی علمی، وقفی و تخصصی است که مقر آن در شهر ریاض پایتخت کشور عربستان سعودی قرار دارد و به دنبال رشد پژوهش‌های قرآنی در زمینه‌های علمی، آموزشی، فناوری، رسانه‌ای و سازمانی از طریق طرح‌های ممتاز پژوهشی و تحقیقاتی و برنامه‌های رسانه‌ای و دوره‌های آموزشی و همایش‌ها و جلسات و برنامه‌های الکترونیکی است، با تلاش مؤسسانی که هدفشان کارهای درست و استوار و باکیفیت و پایه‌گذاری پل‌های همکاری و مشارکت با تمام مؤسسات جامعه و سایر افراد و مؤسسات عامل در خدمت قرآن و علوم قرآنی در جهان است. رئیس شورای اداری این مرکز جناب شیخ صالح بن عبدالله بن حمید امام و خطیب مسجد الحرام، عضو شورای علمای عالی‌رتبه (هیئت کبار العلماء) کشور عربستان سعودی، و رئیس مجمع جهانی فقه اسلامی است.

برخی اهداف مرکز:

۱. ارتقای سطح پژوهش‌های قرآنی و تبیین چشم‌انداز آینده آن.
۲. توسعه محیط‌های آموزشی در زمینه پژوهش‌های قرآنی.
۳. نوسازی و توسعه ساختار سازمانی مرکز و نشر این فرهنگ میان مؤسسات عامل در این زمینه.
۴. توسعه محیط فناوری پشتیبان، و به‌کارگیری آن در زمینه پژوهش‌های قرآنی.
۵. به‌کارگیری ابزارهای رسانه‌ای (سنتی و نوین)، و تحکیم مشارکت‌ها و روابط در خدمت پژوهش‌های قرآنی.

آدرس مرکز:

المملكة العربية السعودية، الرياض، حي الغدير - مخرج (۵) طريق الملك عبد العزيز.

ص. ب: ۲۴۲۱۹۹ الرمز البريدي: ۱۱۳۲۲

درگاه الکترونیکی: www.tafsir.net

راه ارتباطی با پروژه «المختصر در تفسیر قرآن کریم»

almokhtasar@tafsir.net

۰۰۹۶۶۵۳۶۳۶۵۵۵۵